



مجموعه مقالات همایش بین‌المللی اتحادیه اقتصادی اوراسیا و نقش ژئوپلیتیک مناطق آزاد در توسعه روابط منطقه‌ای



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقالات

"همایش بین المللی اتحادیه اوراسیا و نقش ژئوپلیتیک مناطق
آزاد در توسعه روابط منطقه ای"

۲۷ آبان ماه ۱۳۹۹

مرکز همایش های بین المللی
منطقه آزاد تجاری صنعتی بندر
انزلی

مقالات

"همایش بین المللی اتحادیه اوراسیا و نقش ژئوپلیتیک مناطق آزاد در توسعه روابط منطقه ای"

نوبت چاپ: اول
ناشر: انجمن ژئوپلیتیک ایران
تاریخ انتشار: پاییز ۱۳۹۹
تنظیم و تدوین: لیلا کیانی
ویراستاری: امیر حسین حسین زاده مژده‌ی
شمارگان: ۳۰۰ جلد
قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

مسئولیت کلیه مطالب مندرج در چکیده ها بر عهده نویسنده یا نویسندگان است.

آدرس: تهران، خیابان سمیه، جنب برج سپهر،
ساختمان خاقانی، ورودی غربی، طبقه پنجم، انجمن
ژئوپلیتیک ایران
تلفن: ۰۲۱۸۸۳۲۳۵۲۷

Website: www.iag.ir

Email.: info@iag.ir

برگزار کنندگان:

انجمن ژئوپلیتیک ایران
منطقه آزاد تجاری صنعتی بندر انزلی
موسسه آینده پژوهی جهان اسلام

مشارکت کنندگان:

دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد
دانشگاه گیلان
دانشگاه آزاد اسلامی استان گیلان واحد رشت
انجمن ژئوپلیتیک ایران شعبه استان گیلان
اتحادیه انجمن های علوم جغرافیایی ایران

حامیان:

- دانشگاه خوارزمی
- دانشگاه تهران
- دانشگاه تربیت مدرس
- دانشگاه شهید بهشتی
- دانشگاه علامه طباطبایی
- انجمن ایرانی مطالعات منطقه ای
- انجمن مطالعات اوراسیای مرکزی
- پایگاه استنادی علوم جهان اسلام
- موسسه پژوهش واک خرد معاصر

اعضای هیات رئیسه همایش:

دکتر مرتضی بانک: رئیس همایش
دکتر سید یحیی صفوی - دبیر همایش
دکتر مهدی مدیری - دبیر کمیته علمی همایش
دکتر مجید فاتحی - دبیر کمیته اجرایی
دکتر محمدمهدی سهیلی پور - دبیر کمیته هماهنگی
آقای سعید ربیعی - دبیر کمیته رسانه

اعضای کمیته علمی همایش

- دکتر مرتضی بانک
- دکتر سید یحیی صفوی
- دکتر سید حمزه صفوی
- دکتر مهدی مدیری
- دکتر رسول افضلی
- دکتر مرتضی قورچی
- دکتر محمدرضا حافظ نیا
- دکتر محمد احمدی
- دکتر هادی اعظمی
- دکتر ابراهیم رومینا
- دکتر سید عباس احمدی
- دکتر مراد کاویانی
- دکتر عطاالله عبیدی
- دکتر حسین مختاری
- دکتر مرجان بدیعی
- شورای عالی مناطق آزاد
- صفوی دانشگاه امام حسین
- صفوی دانشگاه تهران
- دانشگاه مالک اشتر
- دانشگاه تهران
- دانشگاه شهید بهشتی
- حافظ نیا
- دانشگاه آزاد اسلامی
- دانشگاه فردوسی مشهد
- دانشگاه تهران
- دانشگاه خوارزمی
- دانشگاه خوارزمی
- دانشگاه اصفهان
- دانشگاه تهران

- دکتر یاشار ذکی
دانشگاه تهران
- دکتر مصطفی قادری
حاجت - دانشگاه
تربیت مدرس
- دکتر افشین متقی
دانشگاه خوارزمی
- دکتر حسین بوچانی
مرکز پژوهش های
شهر تهران
- دکتر حسین ربیعی
دانشگاه خوارزمی
- دکتر هادی زرقانی
دانشگاه فردوسی
مشهد
- دکتر هادی ویسی
دانشگاه پیام نور
- دکتر آهنگران
دبیرخانه شورای
عالی مناطق آزاد
- دکتر زهرا امام
جمعه دانشگاه
تهران
- دکتر عمران
علیزاده دانشگاه
آزاد اسلامی رشت
- دکتر رضا سیمبر
دانشگاه گیلان
- دکتر میترا راه
نجات دانشگاه
علامه طباطبایی
- دکتر محمدرضا
رضوانی دانشگاه
تهران
- دکتر حسن افراخته
دانشگاه خوارزمی
- دکتر ناصر رضایی
پژوهشکده گردشگری
- دکتر علی محمدپور
دانشگاه مالک
اشتر
- دکتر مجید یاسوری
دانشگاه گیلان
- دکتر بهمن شریف
زاده دانشگاه
گیلان

اعضای کمیته اجرایی همایش:

- مجید فاتحی چپرپردی - دبیر کمیته
- دکتر عمران علیزاده - عضو کمیته
- مهدی کاظمیان - عضو کمیته
- سید فرشاد موسوی - عضو کمیته
- حجت رحمت خواه - عضو کمیته
- احمد علیپور کنفی - عضو کمیته
- محسن پیل چشم - عضو کمیته
- لیلا کیانی - عضو کمیته
- آیه شعبانی کوچصفهانی - عضو کمیته

فهرست

مقدمه

مقالات سفارشی

- تبیین ساختار و کارگزار در اقتصاد غیرنفتی ایران با چشم‌انداز الحاق به اتحادیه‌ی اقتصادی اوراسیا ۲
- اتحادیه اقتصادی اوراسیایی و منطقه‌گرایی ایران با تکیه بر توانمندی‌های مناطق آزاد ۳۹
- جهان شبکه‌ای و همگرایی منطقه‌ای؛ پیوندهای شبکه‌ای مناطق آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا ۷۳
- مسئله شناسی پایداری مناطق آزاد ایران براساس رویکرد اقتصاد سیاسی فضا ۱۰۷
- فرصت‌ها و چالش‌های مناطق آزاد و نقش آن در همگرایی منطقه‌ای ۱۴۹
- آسیب شناسی عدم توفیق چند ماه اخیر ایران در مبادلات تجاری با اوراسیا ۲۱۸
- اتحادیه اقتصادی اوراسیا، چارچوبی برای اجرای آزمایشی ۲۶۱
- موافقتنامه تجارت ترجیحی در مناطق آزاد ۲۶۱
- فرصت‌ها و چالش‌های ایران در پیوستن به اتحادیه اوراسیا ۳۰۱
- شناسایی مناطق سرمشق صادراتی ایران با هدف‌گذاری صادرات به کشورهای عضو اتحادیه‌ی اوراسیا ۳۶۱

مقالات پذیرفته شده

- ارزیابی تاثیرات منطقه آزاد انزلی بر توسعه منطقه‌ای ۳۸۵
- (مطالعه موردی: شهرستان‌های رشت و بندر انزلی) ۳۸۵
- تبیین عوامل ناکارآمدی و پیشران‌های کارآمدساز اتحادیه‌ی اقتصادی اوراسیا ۴۲۹

- نقش اتحادیه اقتصادی اوراسیا در تکمیل راه‌گذر شمال - جنوب ۴۹۲
- تحلیل یکپارچه شرایط سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق آزاد ایران و ارائه استراتژیهای جذب سرمایه خارجی ۵۳۷
- نقش راهبردی و ژئوپلیتیکی بندر چابهار در توسعه و امنیت پایدار ایران در سده بیست و یک . ۵۶۰
- بررسی عوامل اقتصادی تاثیرگذار بر همگرایی منطقه‌ای اتحادیه اوراسیا ۵۹۵
- تبیین ژئواکونومیکی پتانسیلهای اتحادیه اوراسیایی در شرایط تحریم برای ایران ۶۲۸
- نقش مناطق آزاد ایران با تکیه بر ژئواکونومیک در همگرایی منطقه‌ای ۶۶۱
- نگرشی مقایسه‌ای به مدیریت مناطق آزاد ۶۹۸
- (ایران، امارات متحده عربی و ترکیه) ۶۹۸
- نگاه استراتژیک افغانستان به منطقه آزاد چابهار ۷۳۳
- اهمیت جایگاه مناطق آزاد در مناسبات میان کشورها ۷۸۵
- (نمونه موردی: ارئه الگوی دیپلماسی ویژه در مناطق آزاد ایران) ۷۸۵
- ارزیابی قدرت نرم مناطق آزاد تجاری ایران در شکل دهی نظام امنیت منطقه ای ۸۱۲
- بررسی موانع شکل گیری اتحادیه اقتصادی بین ایران و آسیای مرکزی از منظر سازه‌انگاری ... ۸۴۵
- بررسی نقش مناطق آزاد تجاری در توسعه روابط ایران و کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا از منظر جغرافیای سیاسی (مورد مطالعاتی: منطقه آزاد تجاری - صنعتی انزلی) ۸۸۲
- اتحادیه اوراسیا و نقش مناطق آزاد ایران در کریدور ۹۲۱
- شمال - جنوب و جاده ابریشم ۹۲۱
- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و توسعه گردشگری در مناطق آزاد تجاری-صنعتی ... ۹۷۴
- تحلیل ژئواکونومی مناطق آزاد ایران با اتحادیه اوراسیا ۱۰۰۱
- نقش اتحادیه اوراسیایی در توسعه همگرایی منطقه‌ای ایران و روسیه: ۱۰۳۱

- با تاکید بر عضویت کامل ایران ۱۰۳۱
- نقش اتحادیه اقتصادی اوراسیا در توسعه تجارت خارجی ایران ۱۰۹۲
- کارکردها و کارویژه‌های مناطق آزاد تجاری در راستای ارتقاء جایگاه ایران در هاب ترانزیت اوراسیایی ۱۱۳۱

مقدمه

به نظر می‌رسد جهان امروز در مرحله گذار ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک باشد. نظام دوقطبی جهان مدت‌هاست دچار زوال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است و تاکنون جهان به یک تعادل و ثبات ژئوپلیتیک، نرسیده و احتمال به وجود آمدن یک نظم جدید و ساختار دو بخشی (شرقی-غربی) در نظام قدرت جهانی در قرن ۲۱ وجود دارد. پیروزی انقلاب کبیر اسلامی ملت بزرگ ایران و گذشت چهل و دو سال از شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران، یکی از عوامل مهم تاثیرگذار بر تحول ساختار ژئوپلیتیکی قدرت در غرب آسیا است و غرب آسیا، منطقه اتصال سه قاره‌ی آسیا به اروپا و آسیا به آفریقا می‌باشد.

کشور ایران با داشتن یک موقعیت مرکزی نسبت به حوزه‌های ژئوپلیتیک مجاور همچون هند و چین و آسیای مرکزی و خلیج فارس می‌تواند در اتحادیه اقتصادی اوراسیا با ارتباطات کریدورهای شمال به جنوب و شرق به غرب و پیدایش تشکل‌های منطقه‌ای و قاره‌ای آسیا به اروپا و آسیا به آفریقا و کارکردهای سیاسی، اقتصادی، گردشگری نقش موثری داشته باشد و فرایندهای سیاسی و اقتصادی کشورهای عضو اتحادیه را تقویت نماید و منافع مشترک و امنیت مشترک را برای اعضای اتحادیه بوجود آورد و با رقبا و تهدیدات و تحریم‌های مشترک این کشورها مقابله کند. به منظور واکاوی اوضاع اقتصادی و سیاسی منطقه و شناسایی جریان‌های مالی، اقتصادی و تجاری حاکم بر مناسبات کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا، انجمن ژئوپلیتیک ایران با همکاری موسسه آینده پژوهی جهان اسلام، سازمان

منطقه آزاد اقتصادی تجاری بندر انزلی و با مشارکت دانشگاه ها و موسسات علمی و پژوهشی همایش بین المللی اتحادیه اوراسیا و نقش ژئوپلیتیک مناطق آزاد در توسعه روابط منطقه ای را برگزار کرد. این همایش بین المللی بستر مناسبی را برای پژوهشگران حوزه‌ی مطالعات کاربردی ژئوپلیتیک، اقتصاد سیاسی و روابط بین الملل فراهم آورد تا با ارائه مقالات علمی به رشد و بالندگی ایران اسلامی کمک نماید.

شرایط ویژه جهان و ایران به سبب همه گیری ویروس کرونا و بیماری کوید ۱۹ باعث شد، برگزاری این همایش بارها با وقفه و تعویق روبرو شود و سرانجام نیز این همایش به صورت ترکیبی از ارائه مقالات به صورت سخنرانی حضوری و مجازی برگزار گردید. با توجه به تأکید ستاد کرونا بر محدودیت برگزاری تجمعات و نشست ها، در نهایت تصمیم بر آن شد که همایش با تعداد محدود و به صورت یکروزه برگزار شود و به این منظور از میان مقالات فراوان دریافت شده، پس از داوری و ارزیابی کمیته علمی تعداد ۳۰ مقاله برای ارائه به صورت سخنرانی و تعداد اندکی از مقاله های دریافت شده نیز برای ارائه به صورت پوستر انتخاب شدند. همچنین با مشارکت دانشگاه های کشورهای عضو اتحادیه و کشورهای پیرامون دریای خزر تعداد زیادی مقالات از اندیشمندان و صاحب نظران این کشورها دریافت شد که در نهایت ۴ مورد از این مقالات نیز برای ارائه به صورت سخنرانی تعیین شد.

به هر روی، با سپاس از برگزار کنندگان و مشارکت کنندگان این همایش، تجربه برگزاری نخستین همایش بین المللی با موضوع اتحادیه اوراسیا و مشارکت مطلوب نهادها و سازمان های ملی مرتبط و نیز استقبال اعضای هیأت علمی، دانشگاه ها و نهادهای اقتصادی منطقه اوراسیا این امیدواری را ایجاد کرد که برگزاری این همایش

گام موثری در گشایش ارتباطات منطقه ای، تقویت همکاری بین کشورها، رشد تجارت و بازرگانی متقابل و در نهایت همگرایی هر چه بیشتر کشورهای منطقه باشد. انتظار می رود با کاربرست یافته های علمی و پیشنهادات مطرح شده از سوی سخنرانان این همایش، کشورهای منطقه در آینده نه چندان دور، به یک بلوک قدرتمند منطقه ای و بازیگر قابل اعتنا در نظام ژئوپلیتیک جهانی تبدیل شوند و اشتیاق کشورهای دیگر برای پیوستن به این اتحادیه و افزایش همکاری های بین المللی، اعتبار و جایگاه اتحادیه اوراسیا را دوچندان کند. انشاءالله.

دکتر سید یحیی صفوی

دبیر همایش و رئیس انجمن ژئوپلیتیک ایران

مقالات

سفارشی

تبیین ساختار و کارگزار در اقتصاد غیرنفتی ایران با چشم انداز الحاق به اتحادیه اقتصادی اوراسیا

افشین متقی^۱

^۱ - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی a.mottaghi@khu.ac.ir

چکیده

نفت به عنوان مهم‌ترین کالای استراتژیک در کشورهای تک محصولی نفت مینا، از وزنه‌ی سیاسی و اقتصادی فزاینده‌ای برخوردار است. تا پیش از بی‌ثباتی درب‌های نفت که از اواخر سال ۲۰۱۳ بدین سو رخ نمود، چالش‌های کلان اقتصادی از سوی دولت‌های صاحب نفت، مدیریت می‌شد. با به هم پیوستگی مجموعه‌ی نظام‌مندی از رقابت‌های ژئوپلیتیکی، پیدایش نفت‌های جایگزین در ایالات متحده‌ی آمریکا و اغتشاش فزاینده در فضاهای ژئوآکونومیک با پراکنش جهانی ویروس کرونا، چالش‌های عمده‌ای در اقتصاد سیاسی کشورهای تولیدکننده‌ی نفت پدید آمد. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از هسته‌های نفتی نیز همراستا با بی‌ثباتی‌های بهای نفت و نیز تحریم‌های فزاینده پس از خروج آمریکا از برجام، مجموعه‌ای از سیاست‌گذاری‌های اقتصاد غیرنفتی را دنبال کرده است. با توجه به اهمیت استراتژیک اقتصاد غیرنفتی در سبد سیاسی و اقتصادی کشور، پژوهش حاضر به بررسی نقش ساختار-کارگزار در اقتصاد غیر نفتی ایران با محوریت همگرایی با اتحادیه‌ی اقتصادی اوراسیا پرداخته است. نتایج نشان داد که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به‌عنوان مهم‌ترین کارگزار اقتصاد غیرنفتی ایران و وزارت صنعت، معدن و تجارت (صمت) به‌عنوان مهم‌ترین ساختار اقتصاد غیرنفتی ایران، گزینه‌های بهینه در راستای تقویت اقتصاد غیرنفتی بی‌شمار می‌آیند. از این رو، تقویت فرآورده‌های تولدی-صادراتی ساختار و کارگزار اقتصاد

غیرنفتی باهدف همگرایی و پیوستن به اتحادیه‌ی اقتصادی اوراسیا می‌تواند چالش‌های فراروی اقتصاد غیرنفتی ایران را تا اندازه‌ی زیادی مدیریت کند.

واژگان کلیدی؛ اقتصاد غیرنفتی، اتحادیه‌ی اقتصادی اوراسیا، ساختار-کارگزار، ایران

مقدمه

اقتصاد دانش بنیان با توجه به محذوریت‌ها و محدودیت‌های اتکای صرف به منابع خام از جمله نفت، یکی از محورهای توسعه و اقتصاد برتر به شمار می‌رود. برآیند اقتصاد دانش بنیان، محوریت یافتن تولید و ترویج و تقویت اقتصاد غیرنفتی است. کوشش‌های گسترده در کشورهای توسعه یافته به منظور فاصله گرفتن از خام فروشی منابع طبیعی، نشان می‌دهد که وزن ژئوپلیتیکی یک کشور هم‌زمان با افزایش قدرت تولید و صادرات غیرنفتی افزایش می‌یابد. ائتلاف‌های منطقه‌ای در چارچوب اصل ژئوپلیتیکی منطقه‌گرایی، از جمله رویکردهای سیاسی-جغرافیایی است که می‌تواند فرایند اقتصاد غیرنفتی و ثبات بخشی به بخش تولید را تقویت کند. از این رو، کشورها هم‌زمان با سرمایه‌گذاری بلندمدت در زمینه‌ی تولید داخلی، با استفاده از بازوهای سیاسی اقتصاد، به انعقاد قراردادهای منطقه‌ای یا الحاق رسمی به ائتلاف‌های ژئواکونومیک تن در می‌دهند.

خروج یک‌جانبه‌ی آمریکا از معاهده‌ی برجام و روند رو به گسترش اعمال تحریم‌ها علیه ایران، اقتصاد و درآمد نفتی ایران را با چالش بی‌سابقه‌ای مواجه کرد؛ به گونه‌ای که سیاست‌گذاری‌های فزاینده به منظور تقویت اقتصاد غیرنفتی بار دیگر به عنوان گزینه‌ی جدی و جایگزین برای کشور مطرح شد. مجموعه تلاش‌های سیاسی و اقتصادی برای رونق تولید به مذاکرات و بینش‌های منطقه‌گرایی انجامید که در چارچوب آن، شناسایی و هدف‌گذاری بازارهای فعال برای صادرات محصولات غیرنفتی از اهمیت فراوانی برخوردار شد. به منظور اثرگذاری چنین سیاست‌هایی، باید عوامل و عناصر که در زمینه‌ی اقتصاد غیرنفتی فعال هستند، شناسایی شود. به دلیل ماهیت سیاسی و

ایدئولوژیک حاکم بر نظام سیاسی ایران، مجموعه‌ی به‌هم‌پیوسته‌ای از ساختارها و کارگزارها در اقتصاد غیرنفتی ایران فعال هستند. شناسایی و اولویت‌بندی این ساختار-کارگزارها باهدف تقویت و یکپارچه‌سازی آن‌ها در راستای صادرات به بازارهای فعال در چارچوب الحاق به منطقه‌گرایی اقتصادی از اهمیت استراتژیک برخوردار است. در چارچوب چنین زمینه‌ای، تحقیق حاضر به شناسایی ساختار-کارگزار در اقتصاد غیرنفتی ایران اقدام کرده و نقش و وزن هر یک در اقتصاد غیرنفتی را احصاء نموده است. در این راستا، نخست چهار ساختار دخیل در اقتصاد غیرنفتی ایران، شامل وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت (صمت)، راه و شهرسازی، اقتصاد و دارایی و وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی در کنار دو کارگزار فعال در اقتصاد غیرنفتی، شامل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و نیز وزارت امور خارجه شناسایی شدند. پس‌از آن، از گروه خبرگان خواسته شد تا پنج ساختار-کارگزار مهم در اقتصاد غیرنفتی ایران را با توجه به شاخص‌های وزن دهی و با محوریت اقتصاد تولیدی غیرنفتی و با چشم‌انداز الحاق به اتحادیه‌ی اقتصادی اوراسیا شناسایی کنند. پنج ساختار کارگزار شناسایی شده، سپس اولویت‌بندی و وزن دهی شد تا ساختار-کارگزارهای فعال و اثرگذار ایران در اقتصاد غیرنفتی مشخص شود.

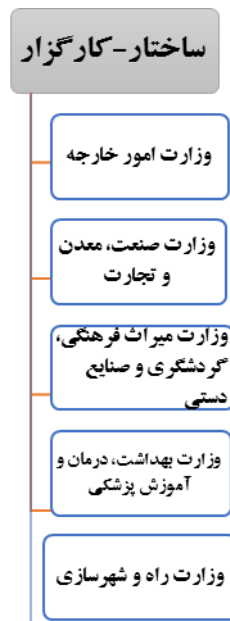
روش پژوهش

پژوهش حاضر، از نظر ماهیت، کاربردی است و به روش دلفی انجام شده است. برای مشخص شدن ساختارها و کارگزاران دخیل در فرایند مدیریت اقتصاد غیرنفتی در کشور، از روش دلفی استفاده شده است. بر این اساس با توزیع گزینه‌های زیر در میان ۳۰ نفر از اساتید رشته‌های جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی و اقتصاد در دانشگاه‌های تهران که به صورت هدفمند گزینش شده بودند، از آنان خواسته شد تا از میان گزینه‌های زیر، پنج گزینه را به ترتیب اولویت به‌عنوان مهم‌ترین ساختارها و کارگزاران دخیل در اقتصاد غیرنفتی ایران مشخص کنند. ساختارهای دخیل در اقتصاد غیرنفتی ایران در این تحقیق عبارتند از: وزارت اقتصاد و دارایی، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت راه و شهرسازی و وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی. همچنین کارگزاران دخیل در اقتصاد غیرنفتی در این پژوهش عبارتند از: وزارت امور خارجه و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.



شکل ۱: ساختارها و کارگزاران مورد مطالعه در اقتصاد غیرنفتی ایران (منبع: نگارنده، ۱۳۹۹)

نتایج به دست آمده، وجود پنج ساختار-کارگزار دخیل در اقتصاد غیرنفتی ایران را به ترتیب زیر مشخص کرد؛



شکل ۲: ساختار-کارگزار در اقتصاد غیرنفتی ایران (منبع: نگارنده، ۱۳۹۹)

از میان گزینه‌های شکل ۲، وزارتخانه‌های صمت، میراث فرهنگی و راه و شهرسازی به‌عنوان «ساختار» و وزارت امور خارجه و وزارت بهداشت جزء «کارگزاران» دخیل در اقتصاد غیرنفتی ایران به شمار می‌آیند.

برای رتبه‌بندی و سطح‌بندی ساختارها و کارگزاران از نظر میزان برخورداری از شاخص‌ها، از تصمیم‌گیری چندمعیاره استفاده شده است. از میان روش‌های موجود در این زمینه، روش تحلیل سلسه‌مراتبی (AHP) برای سطح‌بندی و از

ضریب آنتروپی شانون برای تعیین ضریب اهمیت هر یک از شاخص‌ها بهره گرفته شده است. اساس این روش بر این پایه استوار است که هرچه پراکندگی در مقادیر یک شاخص بیشتر باشد، آن شاخص از اهمیت بیشتری برخوردار است (Millon, 2017: 42). زمانی که داده‌های یک ماتریس تصمیم‌گیری به طور کامل مشخص باشد و تصمیم‌گیرنده بخواهد با توجه به این داده‌ها، اوزان شاخص‌ها را محاسبه نماید، از این تکنیک می‌تواند برای وزن‌دهی به شاخص‌ها استفاده نماید (اکبری و زاهدی، ۱۳۸۷: ۴۶). بدین منظور، آمار و داده‌های گردآوری شده به صورت معیارهای خام بودند که به منظور تبدیل آن‌ها به ارقام کمی، ابتدا، این معیارها به شاخص‌های بی‌مقیاس تبدیل و سپس ارقام به دست آمده، به صورت تحدیدهای آماری که در جدول شماره‌ی یک بیان شده است، تقسیم شدند تا ارقام کمی با داده‌های کیفی که در ۵ سطح تعریف شده‌اند، تعریف شوند (جدول شماره ۱).

جدول ۱: ارزش کیفی شاخص‌ها و معیارها و کمی سازی به اعداد و ارقام

ارزش کیفی شاخص‌ها	ارزش کیفی شاخص‌ها				
	بودجه به درصد	دسترسی به مراجع قدرت به ۱۰۰ نفر	نفوذ سازمانی به ۱۰۰ سازمان	برخورداری سیاسی به درصد	قدرت لابی‌گری به ۱۰۰ نفر
خیلی خوب	۸۰-۱۰۰	۸۵-۱۰۰	۸۵-۱۰۰	۸۰-۱۰۰	۸۵-۱۰۰
خوب	۶۰-۷۹/۹۹	۶۵-۸۴	۶۵-۸۴	۶۰-۷۹/۹۹	۶۵-۸۴
متوسط	۴۰-۵۹/۹۹	۴۵-۶۴	۴۵-۶۴	۴۰-۵۹/۹۹	۴۵-۶۴
بد	۲۰-۳۹/۹۹	۲۵-۴۴	۲۵-۴۴	۲۰-۳۹/۹۹	۲۵-۴۴
خیلی بد	۰-۱۹/۹۹	۱-۲۴	۱-۲۴	۰-۱۹/۹۹	۱-۲۴

(منبع: یحیی پور و قره‌بیگی، ۱۳۹۴)

چارچوب نظری

نظریه‌های اقتصادی غیر نفتی

نفت به عنوان یکی از مهم‌ترین کالاهای استراتژیک در اقتصاد سیاسی سرمایه‌داری به شمار می‌آید. علم اقتصاد برای مدیریت این کالای استراتژیک، مجموعه‌ای از نظریه‌ها، مدل‌ها و رهیافت‌ها را ارائه داده است دو نظریه از میان مجموعه نظریه‌های اقتصاد غیرنفتی از اهمیت بیشتری برخوردار است.

نظریه‌ی پاچوری

راجندرا کومار پاچوری، اقتصاددان هندی، اقتصاد نفت را در گروه ساختارهای نیرومند سیاسی می‌داند و بر آن است که وجود سازمان‌های ملی و فراملی که از اراده‌ی سیاسی کشورها پدید می‌آید، عامل مهمی در افزایش بهره‌وری اقتصاد نفت به شمار می‌آید. به عقیده‌ی پاچوری، «تولید پایدار نفت»، منجر به «پایدار ماندن سازمان‌های اقتصادی نفت» و «سیاست‌های اقتصادی نفت» می‌شود. نظریه‌ی وی که با عنوان «شاخص پایداری پاچی» یا «شاخص پاچی» نیز شناخته می‌شود، در سال ۱۹۸۵ و در کتابی با عنوان «اقتصاد سیاسی انرژی جهانی» ارائه شد. این شاخص که به صورت موردی به اقتصاد غیرنفتی در سازمان اوپک می‌پردازد.

بر طبق نظر پاچوری، هنگامی که شاخص پایداری افزایش می‌یابد، قدرت اوپک در اوج است. در حالی که زمانی که این شاخص در حال کاهش است، قدرت و پایداری اوپک نیز در حال زوال است. به طور مشابه، مقادیر مثبت و کم شاخص پاچی، نشانگر پایداری نسبی و کم و مقادیر منفی، نشانگر

ناپایداری نسبی اوپک می‌باشند (معینی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷). شاخص پاچوری از قرار زیر است؛

$$PACHI\ INDEX = \frac{p_o}{p_w} \cdot \frac{(p_s - 6)}{12} \cdot \frac{p_s}{p_A}$$

که در آن، p نشانگر تولید و اندیس O به‌عنوان کوتاه‌نوشت OPEC، s نشانگر تولید نفتی کشور عربستان میلیون بشکه در روز، w شاخص کل تولید نفت جهان به میلیون بشکه در روز و A عملکرد متوسط اوپک در تولید نفت است. عدد ثابت ۱۲ در مخرج، نشانگر حداکثر ظرفیت تولیدی عربستان در روز (۱۲ میلیون بشکه در روز) است. شاخص پاچی، هنگامی که تولید عربستان تا سطح ۶ میلیون بشکه در روز است، منفی می‌شود و این به معنای ناپایداری نسبی در اقتصاد نفتی اوپک است. شاخص پاچوری، زمانی که به عدد مثبت می‌رسد، به این معنی است که (معینی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸-۷)؛

۱- اوپک نیمی از نفت کل جهان را تولید می‌کند ($P_o/P_w = .5$)

۲- عربستان سعودی در حال تولید کل ظرفیت حداکثری خود، یعنی ۱۲

$$\frac{(P_s - 6)}{12} = .5$$

۳- متوسط تولید سایر کشورهای اوپک به میزان $\left(\frac{p_s}{p_A} = \right)$ درصد تولید

عربستان باشد

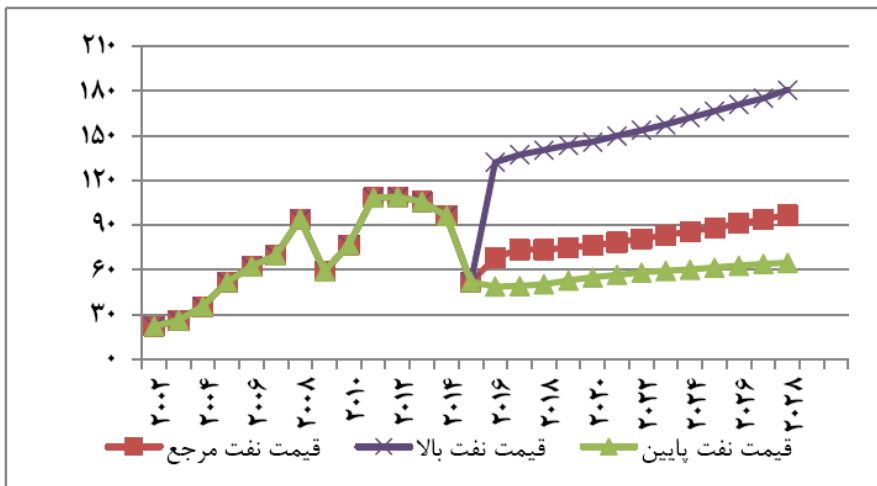
نظریه‌ی دانیلسن

دانیلسن^۱؛ دو شاخص را برای ارزیابی پایداری اوپک که به ترتیب «نسبت‌های فداکاری ذخایر» و «فداکاری ظرفیت» نام دارند، پیشنهاد می‌کند. نظریه‌ی وی برای توضیح عملکرد یک سازمان نفتی در بالا بردن قیمت در سطحی بالاتر از سطوح رقابتی، هنگامی که ارزش فعلی تولید جاری بیشتر از ارزش ذخایر نگهداری شده در حوزه نفتی باشد، موفق عمل نموده است. در نظریه دانیلسن در اصل بحث بر سر این موضوع است که کشورهای عضو اوپک بر مبنای ساختار هر کشور به چه دلایلی، تمایل به صرف نظر کردن از تولید بیشتر و عدم گسترش ذخایر نفتی خود دارند؟ و آیا این فداکاری، متضمن پایداری اوپک خواهد بود؟ او مفهوم نسبت صیانت یا فداکاری را مطرح نموده و بر مبنای این مفهوم استنباط می‌نماید که تعدادی از کشورهای عضو اوپک که آن‌ها را کشورهای هسته می‌نامد، دلیل اصلی پایداری اوپک هستند (معینی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸).

همچنان که از دو نظریه‌ی یادشده، مستفاد می‌شود، اقتصاد غیرنفتی به مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در مقیاس ملی و عوامل ساختاری در مقیاس جهانی بستگی دارد. ایران، به عنوان یکی از کشورهای مهم تولیدکننده‌ی نفت به‌ویژه پس از تحریم‌های سازمان‌یافته از سال ۲۰۰۸ بدین سوی، با مجموعه‌ی عوامل اقتصاد غیرنفتی درگیر بوده است. از نظر ارزش اقتصادی، بهای نفت سبک ایران در خلال ۳۰ سال گذشته به طور

^۱ - Danielsen

متوسط، ۲/۸ دلار کمتر از قیمت نفت خام برنت بوده است. با توجه به این امر، می توان سناریوهای متفاوتی را برای قیمت نفت ایران تا سال ۲۰۲۸ پیش بینی کرد که این سناریوها در سه سطح قیمت نفت مرجع (از ۳۰ تا ۹۰ دلار)، قیمت نفت پائین (از ۳۰ تا ۵۰ دلار) و قیمت نفت بالا (از ۶۰ تا ۱۸۰ دلار) قرار دارند (شکل شماره ۳).



شکل ۳: پیش بینی قیمت نفت خام سبک ایران در سه سناریو قیمتی از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۸

منبع: عسکری و همکاران، ۱۳۹۵

با توجه به ادامه‌ی تدریجی تحریم‌های نفت علیه کشور و ساختار رقابتی کشورهای اوپک برای تولید و عرضه‌ی نفت، اقتصاد نفتی در ایران به مجموعه‌ای از عوامل سیاسی و ژئوپلیتیکی در سطح منطقه و جهان پیوند خورده است. با توجه به اهمیت استراتژیک نفت در اقتصاد ملی ایران، لزوم به‌کارگیری رهیافت‌های مدیریتی اقتصادی-سیاسی برای کاهش تداخل‌های درونی و افزایش بهره‌وری در بازار سرمایه در جهان، ضروری به نظر می‌رسد. برای دستیابی به یک راهکار مدیریت اقتصاد غیرنفتی، در این پژوهش از نظریه‌ی ساختار-کارگزار استفاده شده است.

ساختار-کارگزار

سازماندهی سیاسی پدیده‌های اقتصادی، یکی از موارد مورد توجه در علم اقتصاد است. به دلیل ماهیت سیاسی و اقتصادی سازماندهی، مجموعه‌ای از علمی چون جامعه‌شناسی سیاسی، علوم سیاسی و جغرافیا نیز به این حوزه پرداخته‌اند. مجموعه‌ی رهیافت‌های نظری که در بخش کاربردی علم اقتصاد و با هم‌پوشانی با علوم یادشده، به‌دست آمده است، در سه رهیافت می‌تواند دسته‌بندی شود؛ رهیافت پوزیتیویسم، پساساختارگرایی و ساخت یابی. از نگرش پوزیتیویسم که ماکس وبر از سرآمدانِ چنین نگاهی به آن است، سازمان یک محدوده‌ی مشخص و معین در نظر می‌گیرد که یک موجودیت قاعده‌مند و معمول دارد. این نظرگاه به پراکنش فضایی رابطه‌های سازمانی چه درون خود سازمان و چه در محیط پیرامون، تأکید خاصی دارد و برای بررسی این پراکنش و چگونگی و چرایی آن، به علوم کمی (ریاضیات و فیزیک) و گزینش‌های عقلانی روی می‌آورد.

نظریه‌ی پسا‌ساختارگرایی بر آن است که نمی‌توان «سازمان» را به‌مثابه‌ی یک‌چیز قطعی و مشخص در نظر گرفت، بلکه باید آن را به‌مثابه‌ی یک «موجودیت موقتاً تثبیت‌شده» در نظر آورد که دارای اثراتی در یک زمان و مکان مشخص است و با گذار زمان، آن اثرات نیز از میان می‌روند و موقعیت‌ها و شرایط جدید، اثرات فضایی و کنش‌های سازمانی تازه‌ای پدید می‌آورد و این جریان تغییر مدام بازتولید می‌شود. ویک (۱۹۷۹)، یکی از کسانی است که از نظرگاه پسا‌ساختارگرایی به تعامل میان فضا و سازمان پرداخته است. وی با تاکید بر مفهوم «الحاق» (وضع کردن)، سازمان را به‌مثابه‌ی یک‌چیز نامحدود و بی‌مرز در زمان و فضا می‌بیند. در واقع، از نظرگاه پسا‌ساختارگرایی، سازمان یک پدیده‌ی ناگهانی، چندگانه و فاقد ساختار مشخص است. این وضعیت ساختار شکنانه در مطالعه‌ی سازمان فضا، از نظریات میشل فوکو، ژیل دولوز و برونو لاتور برمی‌خیزد. ساخت معنا در سازمان و ابعاد معناشناختی زیست‌اجتماعی در این نوع نگرش اهمیت شایانی دارد (مرداک، ۱۳۹۲: ۹۶).

دیدگاه ساختار-کارگزار، قلمداد کردن سازمان‌ها به‌مثابه‌ی یک‌چیز بسته، تحدیدی و مرزبندی شده را نمی‌پذیرد و سازمان‌ها را به‌مثابه‌ی یک مجموعه‌ی پیچیده در نظر می‌آورد که درون ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به هم مرتبط شده‌اند. از این‌رو، اقدامات سازمانی بدون پرداختن به رابطه‌ی آن با محیط پیرامونی، قابل مطالعه نخواهد بود. این نوع نگرش، مدیون پژوهش‌ها و بینش‌های گرانوتر (۱۹۸۵) درباره‌ی مفهوم «محیط» و نیز نظریه‌ی ساختاربندی آنتونی گیدنز (۱۹۸۴) است که در آن نه تفاسیر ساختاری و نه کارگزارانه درکنش سازمانی ارجحیت ندارند. نظریه‌ی ساختاربندی، یکی از کوشش‌های جامع در راستای تلفیق کارگزار (عامل) و ساختار است. گیدنز بر

آن است که «هر بررسی در علوم اجتماعی یا تاریخ، باید کنش یا کارگزاری (عاملیت) را با ساختار مرتبط سازد و این دو را هم‌زمان باهم و همراه باهم بررسی کند» (Giddens, 2014: 21).

رنالیسم انتقادی با پرهیز از روش‌های کمی و ریاضیاتی محض، از روش‌های کیفی مانند مصاحبه‌ی نیمه ساختاری همراه با روش‌های کمی استفاده می‌کند. جدول ۲، مجموعه نظریات مدیریت اقتصادی را نشان می‌دهد.

جدول ۲: چارچوب نظری مدیریت اقتصادی

رویکرد	پوزیتیویسم	ساخت یابی (ساختار-کارگزار)	پساساختارگرایی
سازمان	موجودیت مشخص، محدود و معین	موجودیت جاسازی شده (جای دهی شده)	موقتاً تثبیت شده و ساختاریافته
هدف	نقشه برداری (نگاشت) از سازمان	متنیت سازی (زمینه مند کردن) سازمان	سازمان ساختار شکسته
پرسش بنیادی	الگوهای فضایی رابطه های سازمانی کدامند؟	چگونه سازمان با زمینه ی اجتماعی - اقتصادی خود پیوند می خورد؟	چگونه سازمان به مثابه ی یک نظم موقت و مشروط در فضا به وجود آمده و سپس از میان می رود؟
روش شناسی	آمار توصیفی و استنباطی، GIS و تحقیق پیمایشی	مصاحبه ی باز و ساختاریافته، مشاهده ی مشارکتی (توام با مشارکت)، آمار توصیفی	مشاهده ی مشارکتی، مصاحبه ی باز (آزاد)، تحلیل متن تحلیل دیداری

منبع: (قره بیگی و همکاران، ۱۳۹۴).

از نظر آنتونی گیدنز، هر چیزی در زندگی اجتماعی، از سیستم‌های جهانی تا وضعیت فکری یک فرد، در یک کردار اجتماعی به وجود می‌آید. بر این اساس، هر کنش اجتماعی دربرگیرنده‌ی ساختاری است و هر ساختاری به کنش اجتماعی نیاز دارد. به همین دلیل، ساختار و کارگزار به‌گونه‌ای جداناپذیر در فعالیت‌های روزمره درهم‌تنیده شده‌اند (آقا محمدی، ۱۳۹۰: ۱۴).

پذیرفتن عاملیت یا کارگزار، به عنوان یک مؤلفه تأثیرگذار در وقوع حوادث، وجه ممیز نظریه‌ی گیدنز از نظریات جبرگراست. در نظریات جبرگرا (ساختارگرا و کارکردگرا) عامل، بازیچه دست عوامل بیرونی است و لذا نقش مستقلی در وقوع حوادث ندارد. اما گیدنز علاوه بر اعتقاد به وجود ساختارهای الزام‌آور به وجود عوامل انسانی تحت عنوان کنش نیز تأکید می‌کند. برداشت وی از مفهوم عامل با برداشت متعارف از این واژه بسیار متفاوت است. او در تعریف این مفهوم به‌جای تأکید بر مقاصد مشخص عامل، بر نوع عمل انجام‌شده و توانایی وی جهت انجام امور تأکید کرده است (عزیزخانی، ۱۳۸۷: ۱۹۸).

در مباحث مربوط به عامل و عاملیت، غالباً تصور بر این بوده است که عاملیت انسانی را می‌توان فقط بر حسب نیت و مقاصد فرد تعریف کرد. اما به زعم گیدنز حقیقت عاملیت در درجه‌ی اول به معنای توانایی آن‌ها برای انجام دادن این اعمال است. به همین دلیل است که عاملیت حاکی از قدرت است. او معتقد است که عاملیت به رویدادهایی مربوط می‌شود که فرد مسبب آن‌هاست. به این معنا فرد می‌تواند در هر مرحله از جریان کردار به‌گونه‌ای دیگر عمل کند (کسل، ۱۳۸۳: ۱۳۶-۱۳۴).

این تعریف از واژه عاملیت، بستر مناسبی را برای ترکیب بندی نظریه‌ی ساختاری شدن فراهم کرده است. اگر عاملیت با تعریف قدیمی آن که همانا یکسان پنداری عاملیت با مقاصد و نیات است، پذیرفته شود، گام در مسیری نهاده‌ایم که در منزلگاه هرمنوتیست‌ها سکنی گزیده‌ایم و این نکته‌ای است که گیدنز به خوبی درک کرده و به همین جهت به باز تعریف این واژه پرداخته است. وی توانایی انجام کار را به جای نیت انجام آن در نظر گرفته و این گونه ضمن احیای نقش کنش انسانی، عوامل ساختاری را نیز پذیرفته و بار دیگر به پیش فرض ذهنی خود که همانا تأثیر توأمان ساختار و کارگزار در وقوع حوادث است، صحنه نهاده است (عزیزخانی، ۱۳۸۷: ۱۹۹).

آنتونی گیدنز، عامل ایجاد اتحاد و انسجام اجتماعی را اعتماد می‌داند. به عقیده وی اعتماد این باور را در افراد ایجاد می‌کند که دیگران به منظور دستیابی به موفقیت گروهی از منافع شخصی دست می‌کشند. اعتماد این انتظار را موجب می‌شود که دیگران به تعهدات و مسئولیتشان عمل کنند و موقعیت دیگران را درک کنند. به عبارت دیگر در جوامع سنتی، اعتماد درون گروهی و یا سرمایه اجتماعی قدیم و در جوامع جدید و مدرن، اعتماد برون گروهی یا سرمایه اجتماعی جدید حاکم است (Leimgruber, 2014: 45). اگر هر نظام اجتماعی دارای چهار قطب اجتماعی اجتماعی (I)، اقتصادی (A)، فرهنگی (L) و سیاسی (G) باشد، آنگاه در هر نظام با یک وسیله‌ی خاص مانند پول، قدرت، تعهد و اندیشه، می‌توان به مبادله پرداخت. بر پایه‌ی نگرش تالکوت پارسونز، نظام اعتماد اجتماعی دارای چهار خرده نظام به شرح زیر است (Hwang and Masud, 2019: 3)؛

۱- خرده نظام اعتماد فرهنگی؛ در این خرده نظام، هدف ایجاد اعتماد متقابل در نظام ارزش‌ها و اندیشه‌ها است و وجود اعتماد در آن افکار و اندیشه‌ی انسانی را متبلور می‌سازد.

۲- خرده نظام اعتماد اجتماعی؛ هدف ایجاد اعتماد در فضای تعهدات، تعاملات و روابط رسمی است.

۳- خرده نظام اعتماد سیاسی؛ هدف از این خرده نظام، ایجاد اعتماد متقابل در حوزه‌ی اقتدار می‌باشد. همچنین ضرورت دستیابی به هدف، روابط مبتنی بر تعامل متقابل است که زور و قدرت را تبدیل به اقتدار یا قدرت مشروع می‌کند.

۴- خرده نظام اعتماد اقتصادی؛ هدف از آن ایجاد فضای اعتماد در روابط مبتنی بر مبادلات و ثروت است. انطباق و سازگاری با محیط زمانی ایجاد می‌گردد که تعادل بین انرژی و اطلاعات وجود داشته باشد که این امر باوجود اعتماد بین کنشگران میسر شده و فاصله‌ی اجتماعی را از فضای تولید و تسلط بر طبیعت دور می‌سازد. با توجه به نظریه‌ی پارسونز، رویکرد ساختار-کارگزار در اقتصاد غیرنفتی را می‌توان به صورت جدول زیر تنظیم کرد؛

جدول ۳: رویکرد ساختار-کارگزار در اقتصاد غیرنفتی

موارد	خرده نظام اجتماعی	خرده نظام سیاسی	خرده نظام اقتصادی (کارگزار)	خرده نظام اقتصادی (ساختار)
تکلیف یا کارکرد	انسجام و همبستگی اجتماعی	حفظ و نگهداشت الگو	تعیین و دستیابی به هدف	سازگاری و انطباق
نشانه یا نماد	G	P	A	S
نوع اعتماد	تعهدی	اندیشه‌ای	قهری و اجباری (توسل به زور و قدرت)	مالی و پولی
نوع زور یا حيله	اخلاقی	نهادی	گروهی	سازمانی
نوع ناهنجاری و تخلف	تعهدی	سازمانی	قهری یا اجباری	پولی یا ثروتی
محافظ نظم و امنیت	تعهد و وفای به عهد	سیاست‌گذاری	اعمال نفوذ	پول و سرمایه
نظام اعتماد	نظام اعتماد اجتماعی	نظام اعتماد سیاسی	نظام اعتماد مالی	نظام اعتماد اقتصادی

(اقتباس از Sermak, 2019)

دیدگاه ساختار-کارگزار به عنوان یکی از رویکردهای مدیریتی در علم اقتصاد، با تاکید بر عنصر ساختار-گارگزار، تلقی نهادهای خرد و کلان اقتصاد به مثابه‌ی یک چیز بسته، تحدیدی و مرزبندی شده را نمی‌پذیرد. این دیدگاه، اقتصاد را مثابه یک کلاف پیچیده در نظر می‌آورد که در درون ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، تنیده شده است. از این روی، اقدامات مدیریتی در اقتصاد بدون پرداختن به رابطه‌ی آن با محیط پیرامونی، قابل مطالعه نخواهد بود (یحیی پور و قره‌بیگی، ۱۳۹۴: ۱۶۰). این نوع نگرش، مدیون پژوهش‌ها و بینش‌های گرانوتر (۱۹۸۵). درباره‌ی مفهوم «محیط» و نیز نظریه‌ی ساختاربندی آنتونی گیدنز (۱۹۸۴) است که در آن نه تفاسیر ساختاری و نه کارگزارانه درکنش سازمانی ارجحیت ندارند. نظریه‌ی ساختاربندی گیدنز، یکی از کوشش‌های جامع در راستای تلفیق کارگزار (عامل) و ساختار است (Granovetter, 2015: 481). گیدنز بر آن است که «هر بررسی تحقیقی در علوم اجتماعی یا تاریخ، باید کنش یا کارگزاری (عاملیت) را با ساختار مرتبط سازد و این دو را هم‌زمان باهم و همراه باهم بررسی کند» (Giddens, 2014: 21).

مدیریت یکپارچه‌ی سیاسی-اقتصادی

مدیریت یکپارچه درزمینه‌ی اقتصاد سیاسی در سه سطح خرد- میانی- کلان قابل بررسی است؛ «در سطح خرد، اقتصاد سیاسی اشاره به افراد موجود در شبکه دارد که بر اثر تعامل میان این افراد شناخت حاصل و هویت نهادهای شکل می‌گیرد. در سطح میانی، اقتصاد سیاسی به گروه‌ها و سازمان‌ها اشاره دارد و باعث تقویت و ساخت بنیه‌ی مالی و تعاملی گروه می‌شود. در سطح کلان که دربرگیرنده سازمان‌ها و نهادهای دولتی است، شکل‌گیری و تقویت

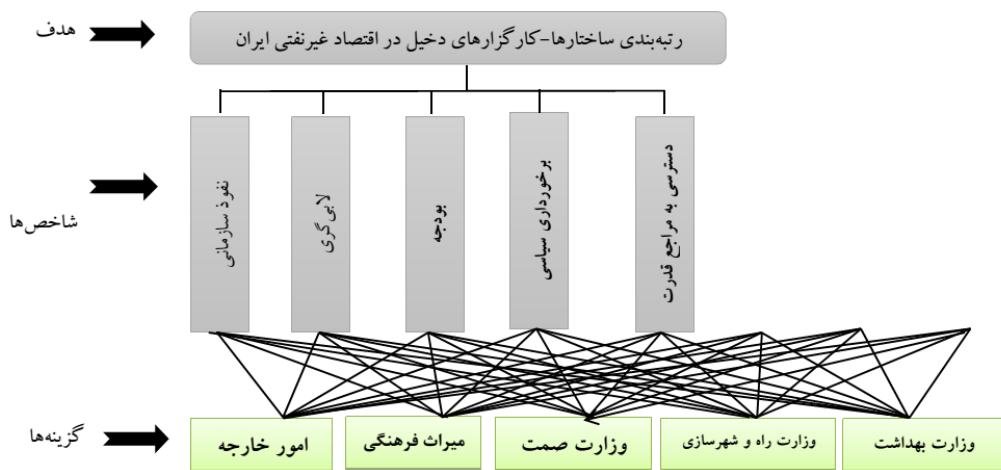
مرادوات و ارتباط اقتصادی میسر می‌شود. مدیریت یکپارچه در سطح کلان، به عنوان منبع شناخت و دانش، دانستن منبع اطلاعات و شیوه‌های انجام کار و یا بر طرف نمودن مشکلات پیش‌آمده در شبکه استفاده می‌شود. همچنین از منبع هویت برای اشاره به هنجارها و ارزش‌های شهروندان استفاده می‌کند (Cavallaro, 2019: 466). در سطح کلان، نهادهای سیاسی اقتصاد به زیرساخت‌های دولتی وابسته هستند. در این سطح باید به محیطی اشاره کرد که سازمان در آن فعالیت می‌کند، در این فعالیت نقش قوانین، چارچوب حقوقی، نوع حکومت، و نظام سیاسی، میزان عدم تمرکز و میزان مشارکت سیاسی افراد در خط مشی کلان اقتصادی قرار دارد. در این سطح، تعامل متقابلی که بین نهاد مدیران نهادهای اقتصادی با سایر دستگاه‌های دولتی و حکومتی دارد، قابل بررسی است (Janic and Reggini, 2012: 113). از همین روی، فرایند مدیریت یکپارچه استراتژیک و یا به عبارت دیگر، مدیریت سیاست‌گذاری یکدست در سطح ملی نیز همانند فرایند مدیریت یکپارچه استراتژیک در سطح محلی، شامل سه مرحله تدوین، اجرا و ارزیابی و کنترل می‌شود؛ هر چند در نحوه اجرای هر کدام از این سه مرحله در سازمان‌ها و سطوح مختلف، تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. فرایند مدیریت یکپارچه استراتژیک با تعریف چشم‌انداز و مأموریت سازمان آغاز می‌شود؛ این چشم‌انداز و مأموریت، در واقع راهنمای عمل اجرای استراتژی‌های مختلف به شمار می‌روند (Hwang and Yoon, 2011: 32).

چشم‌انداز در واقع آینده مطلوبی را برای یک سازمان ترسیم می‌کند که در ادبیات مدیریت، یکی از لوازم رهبری شناخته شده است؛ از این رو رهبرانی

می‌توانند مجموعه‌هایشان را به طور مؤثر هدایت کنند و از اتلاف منابع و کنش‌های ناهماهنگ جلوگیری کنند که یک چشم‌انداز روشن داشته و این چشم‌انداز را به مجموعه‌ها منتقل کرده باشند و مجموعه‌شان را بر اساس آن در یک سطح تجمیعی، یکپارچه و متمرکز هدایت کنند (شریف‌زادگان و مومنی، ۱۳۹۳: ۴۰).

یافته‌ها

با مشخص شدن ساختارها-کارگزارهای دخیل در اقتصاد غیرنفتی، به محاسبه‌ی وزن مدیریتی و تصمیم‌سازی پنج ساختار-کارگزار وزارت امور خارجه، وزارت صمت، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در اقتصاد غیرنفتی ایران است. بدین منظور، نمودار سلسله مراتبی هدف، گزینه و شاخص بر پایه‌ی تحلیل سلسله مراتبی (AHP) در این پژوهش به صورت زیر ترسیم شده است.



شکل ۴: سلسله مراتب تعیین ساختارها-کارگزارهای اقتصاد غیرنفتی ایران
(منبع: نگارنده، ۳۹۹۱)

تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری

ماتریس تصمیم‌گیری شامل شاخص‌های مورد نظر و گزینه‌های مورد بررسی است. به‌گونه‌ای که گزینه‌ها، سطرهای ماتریس و شاخص‌ها، ستون‌های ماتریس را تشکیل دهند. ماتریس تصمیم‌گیری در این پژوهش به صورت جدول (۴) می‌باشد.

جدول ۴: ماتریس تصمیم‌گیری ساختار-کارگزار مورد بررسی

گزینه/شاخص	بودجه	نفوذ سازمانی	برخورداری سیاسی	لابی‌گری	مراجع قدرت
وزارت امور خارجه	۴	۲	۷	۱	۶
وزارت بهداشت	۴	۷	۸	۴	۶
وزارت صمت	۲	۳	۴	۵	۴
وزارت راه و شهرسازی	۵	۵	۴	۳	۲
میراث فرهنگی	۶	۵	۷	۵	۶

(منبع: محاسبات نگارنده، ۱۳۹۹)

بررسی سازگاری در قضاوت‌ها

هنگامی که اهمیت شاخص‌ها نسبت به یکدیگر برآورد می‌شود، احتمال ناهماهنگی در قضاوت‌ها وجود دارد. بنابراین لازم است از معیاری استفاده گردد که میزان ناهماهنگی داوری‌ها را نمایان سازد. یکی از مزیت‌های فرایند تحلیل سلسله مراتبی، امکان بررسی سازگاری در قضاوت‌های انجام‌شده برای تعیین ضریب اهمیت شاخص‌ها و زیر شاخص‌ها است. سازوکاری که این مدل برای بررسی ناسازگاری در قضاوت‌ها در نظر می‌گیرد، محاسبه ضریبی به نام «نرخ ناسازگاری» است که از تقسیم «شاخص ناسازگاری» به «شاخص تصادفی بودن» حاصل می‌شود. چنانچه این ضریب کوچک‌تر از یک‌دهم (۰,۱) باشد، سازگاری در قضاوت‌ها مورد قبول بوده و در غیر این صورت لازم است در قضاوت‌ها تجدید نظر نمود. به عبارت دیگر ماتریس مقایسه دودویی شاخص‌ها باید مجدداً تشکیل شود (زبردست، ۱۳۸۰: ۱۹). شاخص‌های تصادفی بودن با توجه به تعداد شاخص‌ها و در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵: میزان شاخص با توجه به تعداد معیارها تصادفی بودن (R.L)

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	N
۱/۵۹	۱/۵۷	۱/۵۶	۱/۴۸	۱/۵۱	۱/۴۹	۱/۴۵	۱/۴۱	۱/۳۲	۱/۲۴	۱/۱۲	۰/۹	۰/۵۸	۰	R.I

(منبع: Bowen, 2013: 346)

برای محاسبه نرخ ناسازگاری، ابتدا ماتریس مقایسه زوجی (A) در بردار وزن ((W، ضرب می شود تا تخمین مناسبی از $\lambda_{\max} W$ به دست آید. به عبارتی $A \times W = \lambda_{\max} W$ است. با تقسیم مقدار $\lambda_{\max} W$ بر W مربوطه مقدار λ_{\max} محاسبه شد، سپس متوسط λ_{\max} را محاسبه کرده و مقدار شاخص ناسازگاری از طریق روابط زیر به دست می آید (قدسی پور، ۱۳۸۷: ۷۳-۷۱).

$$II = \frac{\lambda_{\max} - n}{n - 1}$$
$$RI = \frac{II}{RI}$$

شاخص ناسازگاری مقایسه زوجی معیارها نسبت به هدف ۰,۰۷ و مقایسه زوجی گزینه‌ها (ساختارها-کارگزارها) نسبت به هر یک از معیارها، تماماً کمتر از ۰,۱ به دست آمد که مقادیر دقیق آن‌ها در نمودارهای ۴ تا ۸ آمده است. این مقادیر نشان می دهند که قضاوت‌های انجام گرفته در مقایسات زوجی مطالعه رعایت شده است و بر اساس منطق روش تحلیل سلسله مراتبی نیز قابل قبول است.

۳-۴) تعیین ضریب اهمیت گزینه‌ها

در این مرحله ارجحیت هر یک از گزینه‌ها، در ارتباط با زیر شاخص‌ها و اگر شاخصی، زیر شاخص نداشته باشد، مستقیماً با خود آن شاخص مورد داوری و قضاوت قرار می گیرد. از آنجاکه در این پژوهش هیچ یک از شاخص‌ها (معیارها)، دارای زیر شاخص نبود، در نتیجه ضریب اهمیت گزینه‌ها مستقیماً نسبت به شاخص‌ها تعیین شده است. فرآیند به دست آوردن ضریب اهمیت هر

یک از گزینه‌ها نسبت به معیارها، مانند تعیین ضریب اهمیت معیارها نسبت به هدف است. با این حال باید به تفاوتی عمده در این مقایسه‌ها اشاره کرد. مقایسه گزینه‌های مختلف نسبت به زیر معیارها و معیارها (اگر معیاری، زیر معیاری نداشته باشد) صورت می‌پذیرد. در صورتی که مقایسه‌ی معیارها با یکدیگر نسبت به هدف مطالعه انجام می‌شود. بنابراین به‌جای اینکه سؤال شود معیار i ، در دستیابی به هدف چقدر از معیار j ، مهم‌تر است؟ در مقایسه‌ی گزینه‌ها، سؤال بدین ترتیب مطرح می‌شود که گزینه i ، در ارتباط با معیار X ، چقدر بر گزینه‌ی j ، ارجحیت دارد (خورشید دوست و رنجبر، ۱۳۸۹: ۲۶).

بنابراین، گزینه‌های پنج‌گانه (ساختارها-کارگزارها) نسبت به شاخص‌ها، مورد مقایسه زوجی قرار گرفت. از تلفیق و تعدیل مقایسات، ماتریس مقایسه‌ی زوجی نهایی گزینه‌ها نسبت به شاخص‌ها تشکیل شد و با نرمالیزه کردن ماتریس‌های مقایسه‌ی زوجی، وزن نهایی هر یک از گزینه‌ها نسبت به هر یک از شاخص‌ها به دست آمد. ضریب اهمیت هر یک از ساختارها-کارگزارها (گزینه‌ها) نسبت به هر کدام از شاخص‌های پنج‌گانه‌ی تحقیق (نفوذ سازمانی، بودجه، قدرت لابی‌گری، دسترسی به مراجع قدرت و برخورداری سیاسی) محاسبه شده است. تا این مرحله از مطالعه ضرایب اهمیت هر یک از شاخص‌ها نسبت به هدف مطالعه و همچنین ضرایب اهمیت گزینه‌ها (ساختارها-کارگزارها) نسبت به هر یک از شاخص‌ها تعیین شده است. حال باید از تلفیق ضرایب اهمیت شاخص‌ها نسبت به هدف و گزینه‌ها نسبت به هر یک از شاخص‌ها، امتیاز (رتبه) نهایی هر یک از گزینه‌ها محاسبه شود. بدین منظور، از اصل ترکیب سلسله مراتبی ال‌ساعتی که منجر به یک بردار اولویت با در

نظر گرفتن همه‌ی قضاوت‌ها در تمامی سطوح سلسله مراتبی می‌شود، استفاده‌شده است. بر این اساس، امتیاز نهایی هر یک از گزینه‌ها نسبت به هدف با استفاده از معادله‌ی زیر محاسبه شد.

$$\text{امتیاز نهایی (اولویت) گزینه } j = \sum_{k=1}^n W_k (g_{kj})$$

در این رابطه، W_i ضریب اهمیت معیار i و g_{ij} امتیاز گزینه j در ارتباط با معیار i است. بدان گونه که داده‌های جدول ۶ نشان می‌دهد، «وزارت بهداشت» در نهایت با امتیاز ۰,۲۷۲، بیشترین امتیاز را به خود اختصاص داده و در رتبه‌ی اول ساختار-کارگزار دخیل در اقتصاد غیرنفتی ایران قرار دارد. وزارت امور خارجه، وزارت صمت و وزارت راه و شهرسازی به ترتیب با امتیازهای ۰,۲۴۶، ۰,۲۴۱ و ۰,۱۶۹ در رتبه‌های بعدی جای دارند. میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی نیز کمترین امتیاز (۰,۰۷۲) را به خود اختصاص داده و در نتیجه، کمترین رتبه را در ساختار-کارگزار دخیل در اقتصاد غیرنفتی ایران داشته است.

جدول ۶: امتیاز نهایی و رتبه‌ی هر یک از گزینه‌های مورد بررسی

رتبه‌ی دخالت	امتیاز نهایی	گزینه
۲	۰,۲۴۶	وزارت امور خارجه
۳	۰,۲۴۱	وزارت صمت
۵	۰,۱۶۹	میراث فرهنگی
۱	۰,۲۷۲	وزارت بهداشت
۴	۰,۷۲	وزارت راه و شهرسازی

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

نتیجه‌گیری

نفت به‌مثابه‌ی یک کالای استراتژیک، همواره کانون اتصال قدرت‌های اقتصادی و سیاسی بوده است. در کشورهایی که به لحاظ تاریخی، نفت سهم عمده‌ای در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های ملی و فراملی داشته است، تنیدگی و شدت دخالت‌های سیاسی و اقتصادی در بخش تولید، پخش و سرمایه‌ی نفتی بیشتر است. پژوهش حاضر با توجه وزن استراتژیک اقتصاد غیرنفتی در سیاست‌گذاری‌های ملی و منطقه‌ای و نیز با توجه به ادامه‌ی تدریجی نوسانات بهای نفت، به بررسی اقتصاد غیرنفتی ایران با محوریت الحاق به اتحادیه‌ی

اقتصادی اوراسیا پرداخت. نتایج تحقیق، نشان داد که با توجه به حساسیت تحریمی نفت در ایران، لزوم شناسایی و مدیریت ساختارها و کارگزاران

تصمیم‌گیرنده در اقتصاد غیرنفتی، می‌تواند از هدر رفت سرمایه‌ی به دست آمده از این صنعت در بخش‌های خارج از قانون پیشگیری کند. در این پژوهش، با شناسایی اولیه‌ی هفت عامل دخیل در اقتصاد غیرنفتی ایران، به تفکیک هر کدام از آن‌ها بر اساس عنصر ساختار (نهادهای مستقیم اقتصادی) و کارگزار (اقتصاد غیرمستقیم) اقدام گردید.

با استفاده از روش دلفی، پنج ساختار-کارگزار «وزارت امور خارجه، وزارت صمت، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» به‌عنوان ساختارها و کارگزاران دخیل در اقتصاد غیرنفتی ایران مشخص شدند. با تعیین پنج شاخص «نفوذ سازمانی، قدرت لابی‌گری، برخورداری سیاسی، دسترسی به مراجع قدرت و بودجه»، وزن هر کدام از ساختارها-کارگزاران پنج‌گانه (به‌عنوان گزینه‌ها) در ارتباط با هر کدام از شاخص‌های یادشده، سنجیده شد. با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)، ابتدا ضرایب اهمیت هر کدام از گزینه‌ها (ساختارها-کارگزاران) به تفکیک هر شاخص، محاسبه گردید. در بررسی اولیه، مشخص شد که وزارت نفت در هر کدام از شاخص‌های پنج‌گانه‌ی تحقیق از وزن بالاتری نسبت به دیگر گزینه‌ها برخوردار است. در مرحله‌ی دوم، با تلفیق ضرایب اهمیت شاخص‌ها نسبت به هدف و گزینه‌ها نسبت به هر یک از شاخص‌ها، امتیاز (رتبه) نهایی هر یک از گزینه‌ها محاسبه شد. نتیجه‌ی نهایی نشان داد که سهم کارگزاران در اقتصاد غیرنفتی ایران،

بیش از ساختارهای رسمی است؛ به گونه‌ای که وزارت بهداشت با کسب بیشترین امتیاز در مقایسه با دیگر گزینه‌ها، از نظر میزان دخالت در رده‌ی

نخست و حائز رتبه‌ی اول در اقتصاد غیرنفتی ایران قرار گرفت. بدین ترتیب، بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، با توجه به شرایط اقتصادی حساس ایران، به‌کارگیری استراتژی‌های مدیریت یکپارچه و سیستمی در سه بخش تولید، پخش و سرمایه‌ی غیر نفتی در ایران با محوریت ساختارها و کارگزارهای شناسایی شده باهدف الحاق به اتحادیه‌ی اقتصادی اوراسیا، تاب‌آوری بخش اقتصاد و سیاست را در مواقعی بحرانی تا اندازه‌ی زیادی افزایش خواهد داد.

منابع

- اسدی، سید پیمان و بهرامی، جاوید (۱۳۹۲)، «اقتصاد سیاسی نظام ارزی کشورهای نفتی»، پژوهشنامه‌ی اقتصاد انرژی ایران (اقتصاد محیط زیست و انرژی)، سال ۳، شماره‌ی ۹، ص ۲۹-۱.
- آقا محمدی، ابراهیم (۱۳۹۴)، «چهارچوب تحلیلی ساختار-کارگزار در سیاست خارجی ایران»، پژوهشنامه‌ی علوم سیاسی، سال ۶، شماره‌ی ۴، صص ۴۰-۷.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۹۰)، «امکان‌سنجی و تأثیر تشکیل سازمان کشورهای صادرکننده گاز (اوجک) بر همگرایی و ارتقای امنیت، قدرت و سایر منافع کشورهای صادرکننده گاز»، فصلنامه‌ی روابط خارجی، سال ۳، شماره‌ی ۴، صص ۵۳-۷.
- خورشید، صدیقه و رنجبر، رضا (۱۳۸۹)، «تحلیل استراتژیک و انتخاب استراتژی مبتنی بر تحلیل SWOT و تکنیک‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه‌ی فازی»، فصلنامه‌ی مدیریت صنعتی (دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی-واحد سنندج)، سال ۵، شماره ۱۲، صص ۳۹-۱۹.

- درخشان، مسعود (۱۳۹۲)، «ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی: رویکرد اقتصادی- تاریخی به عملکرد قراردادهای نفتی در ایران»، پژوهشنامه‌ی اقتصاد انرژی ایران (اقتصاد محیط زیست و انرژی)، (سال ۳، شماره ۹، صص ۱۱۳-۵۳).
- رضوی، سید عبدالله، سلیمی فر، مصطفی، مصطفوی، سید مهدی و مرتضی بکی حسکویی (۱۳۹۵)، «بررسی تأثیر سیاست‌های پولی آمریکا بر قیمت نفت خام‌های شاخص در کوتاه مدت»، فصلنامه‌ی پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال ۲۴، شماره ۷۷، صص ۶۳-۷۹.
- زبردست، اصغر، (۱۳۸۰)، «کاربرد فرایند تحلیل سلسله مراتبی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای»، مجله‌ی هنرهای زیبا، شماره ۱۰، صص ۲۲-۱۳.
- شریف‌زادگان، محمدحسین. مومنی، مصطفی، (۱۳۹۳)، «برنامه‌ریزی راهبردی توسعه‌ی یکپارچه و پایدار منطقه قزوین مبتنی بر تحلیل عرصه‌های مرتبط تصمیم‌گیری»، فصلنامه‌ی آمایش محیط، دوره ۷، شماره ۲۶، صص ۶۴-۳۹.
- طاهری فرد، علی، شیرجیان، محمد و محمدرضا مهر افشان (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی اساسنامه‌های شرکت ملی نفت ایران در دوره زمانی ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۶: ارائه اصولی برای اساسنامه جدید»، پژوهشنامه‌ی اقتصاد انرژی ایران (اقتصاد محیط زیست و انرژی)، (سال ۴، شماره ۱۴، صص ۱۲۳-۵۲).
- عزیز خانی، احمد (۱۳۸۷)، «مفهوم کنش و ساختار در نظریه ساختاری شدن (با تأکید بر تحولات ایالات متحده آمریکا)»، فصلنامه‌ی انسان پژوهی دینی، دوره ۵، شماره ۱۷، صص ۲۱۳-۱۹۵.
- عسکری، محمد مهدی، صادقی شاهدانی، مهدی، شیرجیان، محمد و علی طاهری فرد (۱۳۹۵)، «الگوی تولید بهینه نفت خام مبتنی بر قرارداد بیع متقابل: مطالعه موردی میدان نفتی فروزان»، فصلنامه‌ی نظریه‌های کاربردی اقتصاد (دانشگاه تبریز)، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱۸۶-۱۵۹.
- قدسی پور، حسن (۱۳۸۷)، فرایند تحلیل سلسله مراتبی، تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی امیرکبیر.

- قره‌بیگی، مصیب، متقی، افشین و حسین ربیعی (۱۳۹۴)، «آمایش مناطق مرزی شرق کشور در راستای توسعه و امنیت پایدار، مورد: دهستان‌های مرزی استان خراسان جنوبی»، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه‌ی روستایی، سال چهارم، شماره ۴، صص ۱۶۷-۱۴۷.
- کسل، فیلیپ (۱۳۹۳)، چکیده آثار گیدنز، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: ققنوس
- مرداک، جاناتان (۱۳۹۲)، جغرافیای پسا ساختارگرا: رهیافتی به فضای رابطه‌ای، ترجمه‌ی زهرا پیشگاهی فرد و مصیب قره‌بیگی، تهران: انتشارات زیتون سبز.
- معینی، شهرام، شریفی، علی مراد و هادی فروهرمنش (۱۳۹۵)، «تحلیل پایداری مجمع نفتی اوپک: رهیافت نسبت صیانت و تاثیر تحریم اقتصادی ایران»، فصلنامه‌ی نظریه‌های کاربردی اقتصاد (دانشگاه تبریز)، دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۳، صص ۱-۲۴.
- نظری عدلی، نوید و خاکستری، مرضیه (۱۳۹۴)، «تحلیل رویکرد ایران در بازار نفت با استفاده از بازی‌های همکاران و بررسی اثر تحریم‌ها بر درآمدهای نفتی»، فصلنامه‌ی تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، شماره‌ی ۲۱، صص ۲۱۹-۱۹۳.
- یحیی پور، محمدصادق و مصیب قره‌بیگی (۱۳۹۴)، «چالش‌های مدیریت آمایشی کلان‌شهر تهران بر پایه‌ی نگرش رئالیسم انتقادی»، فصلنامه‌ی آمایش محیط، شماره‌ی ۳۰، صص ۱۷۱-۱۵۳.
- Bowen, W. (2013). AHP: Multiple Criteria Evaluation, in Klosterman, R. et al (Eds), Spreadsheet Model for Urban and Regional Analysis, New Brunswick: Center for Urban policy Research.
- Cavallaro, F. (2019). A Comparative Assessment thin-film photovoltaic production processes using the ELECTRE III method, Energy Policy, No. 38, PP. 463- 4۷۴.
- Giddens, A. (2014). The constitution of society: Outline of the theory of structuration. Polity Press.

- Granovetter, M. (2015). Economic action and economic structure: the problem of embeddedness. *American Journal of Sociology*, No. 91, PP. 481-510.
- Hwang, C.L and Masud, A.S. (2019). *Multiple Objective Decision Making Methods and Applications: A State of The Art Survey*, 2nd Edition. Springer – Verlag.
- Hwang, C.L and Yoon, K.L. (2011). *Multiple Attribute Decision Making: Method and Application*, 3rd Edition, New York: Springer – Verlag.
- Janic, M and Reggini, A. (2012). An Application of the Multiple Criteria Decision Making (MCDM) Analysis to the Selection of a New Hub Airport, *EJTIR*, No. 12, PP. 113-1۴۱.
- Leimgruber, W. (2014). *Boundary Values and Identity: The Swiss-Italian Trans-border Region*, eds: Rumley and J.V. Minghi, ۲nd Edition. Oxford University Press.
- Millon, T. (2017). *Oxford Text Book of Psychopathology*, 2ND Edition, Oxford University Press.
- Sermak, A. B. (2019). Theoretical Deliberations on Frontier location of Cities, *Bulletin of Geography (Socio-Economic Sires)*, No, 7, pp. 73-89.

Explaining of structure and agent in Iran's non-oil economy with the prospect of joining to the Eurasian Economic Union

Afshin Mottaghi- Associated Professor of Political Geography,
Kharazmi University

Abstract

As the most important strategic commodity of the mono-productive, oil has an increasing political and economic weight. Prior to oil price volatility since late 2013, macroeconomic challenges were managed by oil-owning governments. With the interconnectedness of a systematic set of geopolitical rivalries, the emergence of alternative oils in the United States, and the growing turmoil in the geo-economic space with the global spread of the Corona virus, major challenges in countries' political economies an oil producer emerged. The Islamic Republic of Iran, as one of the oil cores has pursued a series of non-oil economic policies in line with the instability of oil prices and the increasing sanctions after the withdrawal of the United States from the JCPOA. Considering the strategic importance of the non-oil economy in the country's political and economic portfolio, the present study investigates the role of the structure-broker in Iran's non-oil economy with a focus on convergence with the Eurasian Economic Union. The results showed that the Ministry of Health, as the most important agent of Iran's non-oil economy and the Ministry of Industry, Mines and Trade, as the most important structure of Iran's non-oil economy, are the optimal options to strengthen the non-oil economy. Therefore, strengthening the export products of the structure and agent of the non-oil economy with the aim of converging and joining the Eurasian Economic Union can largely manage the challenges facing Iran's non-oil economy.

Keywords: Non-Oil Economy, Eurasian Economic Union, Structure-Agent, Iran.

اتحادیه اقتصادی اوراسیایی و منطقه‌گرایی ایران با تکیه بر توانمندی‌های مناطق آزاد

هادی ویسی^۱

^۱ - دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه پیام نور

چکیده

منطقه‌گرایی و همگرایی‌هایی منطقه‌ای یکی از سازوکارهای مهم در توانمندسازی و توسعه کشورهای در عصر جدید است. روسیه به عنوان بزرگ‌ترین و قوی‌ترین کشور جداشده از شوروی، در دهه‌های اخیر تلاش‌های زیادی برای ترتیبات منطقه‌ای و منطقه‌گرایی در جمهوری‌های میراث شوروی سابق انجام داده است. در این میان، اتحادیه اقتصادی اوراسیایی متشکل از کشورهای روسیه، بلاروس، قزاقستان، ارمنستان و قرقیزستان مهم‌ترین و فعال‌ترین اتحادیه در قلمرو شوروی سابق است که با محوریت روسیه از سال ۲۰۱۵ به وجود آمده است. اتحادیه اقتصادی اوراسیایی قریب ۱۵ درصد از خشکی‌های جهان، ۲/۴ درصد از جمعیت جهان و ۳/۲ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را در اختیار دارد. جمهوری اسلامی ایران که همواره از فرایندهای منطقه‌گرایی در حوزه‌های پیرامونی و سازمان‌های منطقه‌ای شرق و غرب کنار گذاشته شده است، در سالهای اخیر همکاری و همگرایی با اتحادیه اقتصادی اوراسیایی را در دستور کار قرار داده است. امضای موافقت‌نامه موقت تشکیل منطقه آزاد تجاری بین جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی در اردیبهشت سال ۱۳۹۷ گام مهمی برای ورود ایران به ترتیبات منطقه‌ای بوده است. خروج ایالات متحده از برجام و تحریم‌های گسترده ایالات متحده بر علیه ایران و تنگنای ژئوپلیتیکی روسیه و چالش با غرب باعث شده تا بر حسب ضرورت و نیاز روسیه و ایران در

چارچوب اتحادیه اقتصادی اوراسیایی وارد همکاری شوند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد مناطق آزاد تجاری مرزی و بندرگاهی ایران با کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیایی ضمن توسعه زیرساخت‌های محلی می‌توانند بسترساز توسعه و همکاری‌های منطقه‌ای ایران شوند. علاوه بر آن، در کنار اهداف اقتصادی و تجاری، اهداف سیاسی و ژئوپلیتیکی از اهمیت اولویت خاصی برای هر دو کشور روسیه و ایران برخوردار است.

واژگان کلیدی: اتحادیه اقتصادی اوراسیایی، منطقه‌گرایی، همگرایی، ژئوپلیتیک.

۱- مقدمه

به لحاظ جغرافیایی، اوراسیا^۱ به ابر خشکی بسیار وسیع قاره اروپا و آسیا اطلاق می‌شود که از منتهالیه مرزهای غربی فرانسه و پرتغال تا منتهالیه مرزهای شرقی روسیه و چین و از کرانه های شمال روسیه تا کرانه های جنوب شبه قاره هند و ویتنام امتداد می‌یابد. در حقیقت، اوراسیا به ابر خشکی میان اقیانوس اطلس از غرب و اقیانوس آرام از شرق و اقیانوس منجمد شمالی از شمال و اقیانوس هند از سمت جنوب اطلاق می‌شود که بزرگ‌ترین خشکی پیوسته جهان است. این محدوده وسیع جغرافیایی اگرچه یک واحد کل جغرافیایی به لحاظ پیوستگی پهنه بزرگ خشکی‌ها است اما از چندین منطقه جغرافیایی - ژئوپلیتیکی تشکیل شده است که تمایز آشکار ویژگی‌های طبیعی و انسانی (سیاسی و فرهنگی) آن‌ها باعث شده است تا به صورت مجزا مورد طبقه‌بندی و مطالعه قرار گیرند (شرق آسیا، آسیای مرکزی، غرب آسیا، شبه قاره هند، منطقه خلیج فارس و ...). به جز در برخی موارد اندک و در زمینه‌های طبیعی که اصطلاح اوراسیا برای سرتاسر خشکی پیوسته قاره اروپا و آسیا استفاده می‌شود، در بسیاری از موارد این اصطلاح برای منطقه سیاسی و ژئوپلیتیکی با مقیاس محدودتری به کار می‌رود. بنابراین اصطلاح اوراسیا بیشتر یک مفهوم منطقه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیکی است که در ادبیات جغرافیای سیاسی و نظریه‌های ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی کلاسیک و نوین بسیار مورد توجه بوده است. بار معنایی مفهوم اوراسیا در ادبیات جغرافیای

^۱ - Eurasia

سیاسی و ژئوپلیتیک نه بر تمام ابر خشکی قاره اروپا و آسیا بلکه به قلب خشکی اوراسیا و نیمه شمالی قاره اوراسیا و در حقیقت سرزمین‌های فدراسیون روسیه و کشورهای همسایه روسیه اطلاق می‌شود که میراث اتحاد جماهیر شوروی بوده و منطقه‌ای مهم و راهبردی در مناسبات قدرت و تحولات سیاسی جهان بوده است.

آشکار است که مفهوم اوراسیا بیش از همه با محدوده جغرافیایی اتحاد جماهیر شوروی سابق و یا روسیه فعلی با ۱۴ کشور استقلال یافته از شوروی عجین است. هر چند این محدوده وسیع جغرافیایی نیز می‌توان به زیر منطقه‌های کشورهای آسیای مرکزی (قزاقستان، ترکمنستان، تاجیکستان، قرقیزستان و ازبکستان)، منطقه قفقاز (ارمنستان، آذربایجان و گرجستان)، منطقه کشورهای حوزه دریای بالتیک (لیتوانی، لتونی و استونی) و منطقه اروپای مرکزی شرقی (اوکراین، بلاروس و مولداوی) تقسیم کرد و هر یک از این گروه کشورها ممکن است تجانس بیشتری داشته باشند و زمینه همگرایی در آنان بیشتر باشد، اما همواره تحت تأثیر کشور و قدرت بزرگ منطقه و هسته مرکزی قدرت در ساختار منطقه اوراسیا یعنی روسیه هستند.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ابتدای دهه ۱۹۹۰ م، روسیه به عنوان هسته مرکزی و بزرگ‌ترین و قدرتمندترین کشور جدا شده از شوروی، تلاش‌های زیادی برای شکل دادن به نظام جدید ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و باز ساخت روابط مناسبات قدرت در منطقه اوراسیا در دوره پسا - شوروی انجام داد که در این راه مهم‌ترین استراتژی روسیه، سازوکار منطقه‌گرایی و همگرایی منطقه‌ای بوده است. همواره روسیه برای رسیدن به این اهداف با چالش‌های و موانع سیاسی، ژئوپلیتیکی و راهبردی مهمی مواجه بوده است. اگرچه روسیه

در هیچ زمانی نتوانسته است با سران تمام جمهوریهای جداشده از شوروی برای منطقه‌گرایی و همکاری‌های منطقه‌ای به توافق برسد، اما در مراحل گوناگون با مشارکت بخشی از آنان به توافق رسیده و اقداماتی در خصوص منطقه‌گرایی انجام داده است. نمونه اخیر آن امضاء توافقنامه تشکیل «اتحادیه اقتصادی اوراسیا» در سال ۲۰۱۴ میان روسیه و قزاقستان و بلاروس و اجرا آن از ابتدای سال ۲۰۱۵ بود که با پیوستن دو کشور ارمنستان و قرقیزستان در این سال به فعال‌ترین، جدی‌ترین، و مهم‌ترین سازمان منطقه‌ای اوراسیا به محوریت روسیه درآمد.

در کنار روسیه، جمهوری اسلامی ایران نیز از چندین دهه گذشته اهمیت منطقه‌گرایی و همگرایی منطقه‌ای را درک کرده است. علیرغم اینکه ایران به لحاظ بسترهای جغرافیایی زمینه‌های خوبی برای شکل دادن به سازمان‌های منطقه با همسایگان خود دارد (کشورهای منطقه خزر، کشورهای منطقه خلیج فارس، کشورهای جنوب غرب آسیا، کشورهای فارسی‌زبان) اما به دلیل مسائل گوناگون و از جمله تعارضات ایدئولوژیک و چالش‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی با همسایگان نتوانسته است از ظرفیت‌ها و فرصت‌های خود در این زمینه استفاده کند. شاید ایران از معدود کشورهایی باشد (به‌جز سازمان منطقه‌ای معلوم حال اکو) که در هیچ سازمان منطقه‌ای فعال، عضویت ندارد.^۱

^۱ - ایران در سازمان‌های آپک، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی و دی ۸ عضویت دارد اما هیچ کدام از آنها سازمان منطقه‌ای متشکل از همسایگان نیستند و فرایندهای منطقه‌گرایی برای آنها صادق نیست. این موارد را می‌توان مجامع یا سازمان‌های بین‌المللی و یا گروه‌بندی و ائتلاف بین‌المللی نامید.

به طور کلی، تنگنای ژئوپلیتیکی ایران و محدودیت‌های شدید تحریمی از سوی ایالات متحده امریکا بر علیه ایران و نیازهای روسیه و تعامل دوجانبه اتحادیه اوراسیا با کشورهای منطقه باعث شد تا جمهوری اسلامی ایران برای گشایش اقتصادی و خروج از انزوای ژئوپلیتیکی تحمیلی با اتحادیه اقتصادی اوراسیا توافقنامه موقت (آزمایشی) منطقه آزاد تجاری با محوریت کاهش تعرفه‌های گمرکی میان طرفین در ماه می ۲۰۱۸ / اردیبهشت ۱۳۹۷ امضا کند. این موضوع در سابقه جمهوری اسلامی ایران اقدامی مهم در راستای همگرایی و همکاری‌های منطقه‌ای است.

۲- پیشینه تحقیق

پژوهش‌های نسبتاً زیادی در خصوص منطقه‌گرایی و سیاست‌های منطقه‌گرایی روسیه و جمهوری‌های جداشده از شوروی سابق انجام شده است که هر کدام متناسب با نوع تحقیق و هدف پژوهش، بخشی از روندها و سیاست‌های منطقه‌گرایی در منطقه اوراسیا را تشریح و تبیین کرده اند. در پژوهش‌های ایرانی ضمن توجه به منطقه‌گرایی و همگرایی در هسته مرکزی اوراسیا (روسیه و پیرامون آن)، به ارتباط آن با ایران و فرصت‌ها و منافع ایران نیز توجه کرده اند.

نوری (۱۳۸۹) در بررسی همگرایی اوراسیایی ایران با روسیه به موانع پیش روی ایران و فرصت‌ها و مزیت‌های این همگرایی پرداخته و معتقد است که شناخت ناکافی ظرفیت‌ها، نبود راهبرد کلان اوراسیایی و نگاه دنباله‌رو به روند سازها و روندهای برساخته از دلایل اصلی ناکامی ایران در این همگرایی

بوده است. در این زمینه، ولی قلی زاده (۱۳۹۰) به همگرایی‌هایی جدید در اوراسیای مرکزی و چالش‌های احتمالی جمهوری اسلامی ایران توجه کرده و به این نتیجه رسیده است که همگرایی کشورهای ترک زبان و فارسی زبان در کنار هسته مرکزی همگرایی روسی در منطقه اوراسیا فعال شده که تاکنون همگرایی روسی و در کنار آن سازه ترکی در حال تکامل است و همگرایی منطقه فارسی به محوریت ایران ناقص و ضعیف باقی مانده است. در پژوهشی دیگر، میرفخرایی (۱۳۹۴) در بررسی اتحادیه اقتصادی اوراسیا و الزامات ژئواکونومیک آن برای ایران معتقد است که اتحادیه اقتصادی اوراسیا ابزاری اقتصادی در خدمت اهداف رقابت‌های ژئوپلیتیک است و این اتحادیه الزامات اقتصادی جدیدی را پیش روی ایران قرار داده که بدون توجه به آن، ایران توان رقابت‌های ژئوپلیتیک خود را در ماهیت نوین اقتصادی از دست خواهد داد. در جدیدترین پژوهش، فرسائی و همکاران (۱۳۹۸) فرصت‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در همگرایی با اتحادیه اقتصادی اوراسیایی را مهم می‌دانند و معتقدند که همگرایی مقدماتی ایران با کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیایی باعث خواهد شد ضمن کاهش فشار تحریمی غرب، بسترهای لازم را برای توسعه اقتصادی و تجارت خارجی ایران و بهره مندی از ظرفیت‌های اقتصادی اتحادیه فراهم آید.

زارعی و همکاران (۱۳۹۴) با نگرش رئالیستی و واقع‌گرایانه، در بررسی منطقه‌گرایی و چالش‌های آن در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران تأکید کرده اند که اگرچه ایران اهمیت منطقه‌گرایی و همگرایی در مناسبات جدید جهانی را درک کرده اما نگرش امنیتی این کشور به منطقه‌گرایی باعث شده است که توفیق چندانی در این حوزه نداشته باشد.

محققان در پژوهش‌های خارجی به روند همگرایی و چالش‌های پیرامون آن در منطقه اوراسیا توجه ویژه ای کرده اند. رابرتس^۱ (۲۰۱۷) در بررسی اتحادیه اقتصادی اوراسیا و ژئوپلیتیک همکاری اقتدارگرایی معتقد است که فقدان دموکراسی در روسیه و کشورهای استقلال یافته از شوروی باعث اقتدارگرایی و شکل‌گیری رژیم‌های امنیتی شده و در نتیجه آنان دستاورد مهمی در همکاری‌های اقتصادی و تجاری نداشته اند. ویناخورف^۲ و همکاران (۲۰۱۷) فقدان سیاست‌های هماهنگ پولی و شکل‌گیری سیاست‌های واحد ارزی مانع موفقیت اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌دانند. روتارو^۳ (۲۰۱۸) در بررسی اتحادیه اقتصادی اوراسیا و راهکاری پایدار برای فضای پس از شوروی به این نتیجه رسیده است که وزن نامتقارن اقتصادی، سیاسی، سرزمینی و جمعیتی و استقرار رژیم‌های غیردموکراتیک در کشورهای عضو و همگرایی ضعیف و آهسته در بازار اصلی کشورهای عضو یعنی در حوزه نفت، گاز و انرژی، چشم‌انداز اتحادیه اقتصادی اوراسیا را غبارآلود کرده است. اما برنو سرگی^۴ (۲۰۱۷) دستاوردهای سیاسی و ژئوپلیتیکی روسیه در همگرایی اتحادیه اقتصادی اوراسیا بیش از منافع اقتصادی آن می‌داند. او معتقد است که اتحادیه اقتصادی اوراسیا از نگاه روسیه نه یک اتحادیه برای همکاری اقتصادی میان کشورهای عضو بلکه یک دستاورد ژئوپلیتیکی و سیاسی مهم برای روسیه در

- Roberts^۱

- Vinokurov^۲

- Rotaru^۳

- Bruno Sergi^۴

دوره پسا شوروی است. لوکین و یاکونین^۱ (۲۰۱۸) در بررسی همگرایی اوراسیای و توسعه روسیه آسیایی با نگاهی انتقادی و اصلاحی به سیاست‌ها و استراتژی منطقه‌گرایی روسیه تأکید کرده اند که روسیه برای زمینه‌سازی زیربنایی برای توسعه باید به «پروژه توسعه کمربند فرا-اوراسیایی» توجه کند که بر اساس آن این کشور در چندین جبهه توسعه خواهد یافت. بر این اساس، سرزمین روسیه نه به عنوان یک پل میان شرق و غرب بلکه مرکزی مهم برای تمدن سازی و توسعه خواهد شد.

۳- مبانی نظری تحقیق

منطقه^۳ مفهوم کلیدی و مرکزی در جغرافیای انسانی است که توأمان مورد توجه اکولوژیست‌ها، اقتصاددانان، مورخان، برنامه ریزان، اندیشمندان حوزه سیاست و روابط بین‌الملل نیز بوده است. به‌درستی، منطقه مهم‌ترین مقیاس فضایی برای توصیف، تفسیر، تحلیل، تبیین و بررسی پدیدارهای فضایی است که جغرافیدانان آن را بخشی از کره زمین می‌دانند که دارای خصیصه‌های مشترک و یا دارای تجانس و همگنی نسبی طبیعی یا انسانی بوده و از محیط‌های پیرامونی متمایز می‌شود (به‌فروز، ۱۳۷۴: ۲۲؛ Hanks, 2011: 279؛ شکوئی، ۱۳۷۸: ۱۲۷). در این زمینه، مجتهد زاده (۱۳۸۱: ۱۹۵) معتقد است که یک منطقه در جغرافیا هنگامی قابل تشخیص و

^۱ - Lukin & Yakunin

^۲ - the Trans-Eurasian Belt Development project

^۳ - Region

برخوردار از یک شخصیت جغرافیایی یکپارچه و متمایز از دیگر مناطق است که عوامل پیوند دهنده اجزای آن به‌خوبی آشکار و قابل تشخیص و شناسایی باشد. بر این اساس است که کوهنهارت، معتقد است که منطقه تولیدگر معنا، خاطره، هویت و ارتباطات است و به لحاظ تاریخی استمرار دارد (Kuhnhardt, 2010: 21). منطقه در مقیاس فراملی به مجموعه‌ای از کشورهای یک حوزه جغرافیایی اطلاق می‌شود که دارای روابط متقابل ارگانیک است و دگرگونی در یکی از آن‌ها بر سایر کشورهای منطقه اثر می‌گذارد و مانع از بی‌تفاوتی آن‌ها می‌شود (نقیب زاده، ۱۳۸۲: ۶). منطقه به این معنا به منطقه ژئوپلیتیکی^۱ نزدیک می‌شود. در عرصه بین‌المللی، به مجموعه‌ای از کشورها و واحدهای سیاسی - فضایی همجوار که دارای تجانس و هویت مشخص و یا کارکرد مشترک بوده و از سایر مناطق و نواحی مجاور متمایز گردد، منطقه ژئوپلیتیکی گویند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۱). در یک منطقه ژئوپلیتیکی عوامل و متغیرهای طبیعی و انسانی آن دارای کارکرد سیاسی بوده و نظر دولت‌ها و کشورهای درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای و به‌ویژه قدرت‌های جهانی را به خود جلب می‌کند و کنش و واکنش آنها و پیدایش الگوی رقابت، همکاری و نزاع را برمی‌انگیزانند. منطقه ژئوپلیتیکی بستر ساز شکل‌گیری الگوی فضایی روابط سیاسی دولت‌های درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای است (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۲).

به لحاظ فلسفی، منطقه‌گرایی بر این مبنا استوار است که رسیدن به وحدت جهانی در شرایط کنونی جهان بعید و تحصیل ناپذیر است و باید با بسیج

^۱ - Geopolitical Regions

نیروهای پیوند دهنده منطقه‌ای، زمینه حصول به آرمان متعالی را فراهم ساخت. در منطقه‌گرایی کشورهای می‌توانند مکمل نیازهای یکدیگر باشند. بنابراین، آرمان صلح در اندیشه منطقه‌گرایی یک ملاحظه زیربنایی محسوب می‌شود (کاظمی، ۱۳۷۳: ۱۱۲). امکان دستیابی به منطقه‌گرایی در میان کشورهای همسایه در بعد اقتصادی بیش از موارد دیگر است. از بعد اقتصادی، منطقه‌گرایی فرایندی است که از طریق ایجاد منطقه تجارت آزاد یا اتحادیه گمرکی بین دولت‌ها و به منظور آزادسازی یا تسهیل تجارت در سطح منطقه آغاز می‌شود. در حقیقت، منطقه‌گرایی یکی از اشکال کلیدی آزادسازی تجاری است که در مراحل پیشرفته از همکاری تجاری به همکاری اقتصادی و پولی و سپس می‌تواند به همگرایی سیاسی و امنیتی منجر می‌شود (Mittelman, 1996).

آشکار است که همگرایی در مناطق مختلف جهان دارای مفهوم و شکل یکسان نبوده است. کیفیت شکل‌گیری و اجرای آن در مناطق مختلف جهان به صورت متفاوت ظاهر شده‌اند. بر این اساس، اندیشمندان این حوزه، دو مفهوم «منطقه‌ای شدن» و «منطقه‌گرایی» را از هم متمایز می‌کنند. منطقه‌ای شدن فرایند افزایش تعامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی در میان کشورها و جوامع متصل به لحاظ فرهنگی و جغرافیایی در میان بازیگران غیر دولتی نظیر شرکتها، سازمان‌های غیر دولتی و گروه‌های ذی‌نفع می‌باشد (7: Borzel & Risse, 2016) که از آن به عنوان «فرایند تعامل منطقه» یا «رشد همگرایی اجتماعی در یک منطقه» یاد می‌کنند که می‌تواند

به شکل گیری هویت منطقه ای منجر شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۰۰). اما منطقه گرایی فرایند منطقه سازی^۱ (Kuhnhardt, 2010: 21) و اغلب فرایندی ابتکاری، سازمان اند و هدایت یافته توسط نهادهای دولتی (ساعی، ۱۳۸۵: ۸۰) و یا به عنوان فرایند رسمی نهادسازی منطقه ای و به صورت از بالا به پایین گفته می شود که توسط نمایندگان رسمی دولتهای همجوار در سطح منطقه ایجاد می شود (Keating & Loughlin, 2016: 7).

در مجموع، منطقه به عنوان یک ظرف و بخشی از فضا، بسترساز روابط میان دولتهای همجوار و نهادها بر اساس منافع مشترک یا تضاد منافع در مقیاس فراملی است که در این صورت منطقه ژئوپلیتیکی شکل گرفته و فضای منطقه ای را برای همگرایی یا واگرایی سوق می دهد. میزان توسعه یافتگی، اراده سیاسی، میزان نیازمندی و هم تکمیلی واحدهای سیاسی و میزان همگنی منطقه ای در شکل گیری جریانهای واگرا یا همگرا بسیار موثر است. همگرایی در دو قالب منطقه گرایی و منطقه ای شدن ظاهر شده و در صورت تکامل به «یکپارچه سازی» منطقه ای خواهد رسید. در مقابل جریان واگرا می تواند به تنش، منازعه و حتی انفکاک کامل واحدهای سیاسی منجر شود.

باید توجه داشت که کیفیت دموکراسی و روح و خوی حکمروایی در میان کشورها و مناطق مختلف جهان متفاوت است و این مولفه تأثیر مستقیمی بر فرایندهای همگرایی و منطقه گرایی دارد. در مناطقی که بنیانهای حکومتها بر اساس دموکراسی شکل گرفته و حکومتها دارای پشتوانه های مردمی قوی و

^۱ - Region-Building

^۲ - Integration

دارای مشروعیت هستند احتمال موفقیت در همگرایی و منطقه‌گرایی میان آنان بیشتر است و در مقابل در نبود دموکراسی و حکومت‌های با ذات استبدادی و اقتدارگرا در همکاری و همگرایی‌های بین‌المللی و منطقه‌ای ناتوان و ضعیف هستند.

۴- سابقه منطقه‌گرایی و فرایند همگرایی در اوراسیا

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۰ و دگرذیسی جغرافیای سیاسی منطقه اوراسیا و ظهور جمهوری‌های مستقل، ایده همکاری و همگرایی اقتصادی میان کشورهای منطقه به رهبری روسیه آغاز شد. نخستین بار رهبران سه کشور روسیه، بلاروس و اوکراین هسته اولیه اتحادیه «کشورهای مشترک‌المنافع» (CIS) یا کشورهای همسود را ایجاد کردند و خیلی زود جمهوریهای آسیای مرکزی و به طور کلی ۱۲ جمهوری از ۱۵ جمهوری جداشده از شوروی (به جز جمهوری‌های بالتیک: استونی، لیتوانی و لتونی) به این اتحادیه پیوستند. در سال ۱۹۹۲-۱۹۹۳ همگرایی پسا-شوروی به صورت آشکارا با CIS هم پیوند بود. به طور کلی CIS به منظور همکاری در زمینه‌های حمل‌ونقل و انتقال انرژی برق میان اعضا که عمدتاً برای همکاری و همگرایی فناوری شبکه حمل‌ونقل ریلی و جریان انرژی بود، به وجود آمد. اما خیلی زود پیمان کشورهای مشترک‌المنافع به دلیل مشکلات و تنش‌های داخلی و مدنی کشورهای عضو و فرایند صلح و واگرایی‌های تمدنی

^۱ - Commonwealth of Independent States (CIS)

شکست خورد (Vinokurov,2018: 1-2). اما ایده اتحادیه اوراسیا نخستین بار توسط نور سلطان نظربایف، رئیس‌جمهور قزاقستان در مسکو در مارس ۱۹۹۴ م مطرح شد. او دو هدف عمده را همگرایی عمیق اقتصادی و اتحاد دفاعی در منطقه بیان کرد (Lagutina,2019: 199). در سال ۱۹۹۵ م کشورهای روسیه، بلاروس و قزاقستان که امروزه به عنوان هسته مرکزی

همگرایی اوراسیایی باقی‌مانده اند، پیمان «اتحاد گمرکی» را امضا کردند که عملیاتی نشد و خیلی زود شکست خورد. در سال ۲۰۰۰ م، پنج کشور بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه و تاجیکستان «مجمع اقتصادی اوراسیا» را تأسیس کردند. در سال ۲۰۰۳ م کشورهای بلاروس، قزاقستان، روسیه و اوکراین پیمانی برای شکل دادن به «فضای واحد اقتصادی» امضا کردند. به دلیل وقوع انقلاب نارنجی در اوکراین این پیمان نیز مسکوت ماند. در اکتبر ۲۰۰۷، سه کشور روسیه، بلاروس و قزاقستان تفاهم‌نامه ایجاد سرزمین تجاری مشترک برای شکل‌گیری اتحادیه گمرکی را امضا کردند و در دسامبر ۲۰۰۹ م سران سه کشور در شهر آلماتی ساختار و چارچوب برنامه عملیاتی اتحادیه گمرکی برای اجرای از ژوئن ۲۰۱۰ م و اجرای فضای واحد اقتصادی از ابتدای سال ۲۰۱۲ م را به امضا رساندند (Vinokurov,2018: ۶). بنابراین تا سال ۲۰۱۲ موافقت‌نامه‌های زیادی برای شکل‌گیری اتحاد

^۱ - Customs Union Treaty

^۲ - Eurasian Economic Community

^۳ - Single Economic Space

گمرکی و فضای واحد اقتصادی میان تروئیکا اوراسیا (روسیه، قزاقستان و بلاروس) به امضا رسید که همگرایی اقتصادی و هماهنگی سیاست کلان اقتصادی تا مهاجرت کارگری را در برمی گرفت. سرانجام سران سه کشور روسیه، قزاقستان و بلاروس در ماه می ۲۰۱۴ م پیمان «اتحادیه اقتصادی اوراسیایی» و اجرای آن از ابتدای سال ۲۰۱۵ م که بر اساس اتحادیه گمرکی ۲۰۱۰ م و فضای واحد اقتصادی ۲۰۱۲ م بود، امضا کردند و با شروع اجرای آن بلافاصله ارمنستان و تا ماه می ۲۰۱۵ قرقیزستان به این اتحادیه پیوستند (Filipowicz & Konopelko, 2016: 35).

جدول ۱: سیر تکوین همگرایی و منطقه گرایی اتحادیه اقتصادی اوراسیا

سال	فعالیت
۱۹۹۱	پیمان کشورهای مشترک المنافع (CIS)
۱۹۹۴	پیشنهاد اتحادیه اوراسیایی به وسیله رئیس جمهور قزاقستان
۱۹۹۵	طرح پیمان اتحاد گمرکی
۲۰۰۰	امضای پیمان مجمع اقتصادی اوراسیایی
۲۰۰۷-۲۰۱۰	امضای اتحاد گمرکی اوراسیایی
۲۰۱۱-۲۰۱۲	پیمان فضای واحد اقتصادی (بازار واحد)
۲۰۱۴	امضای پیمان اتحادیه اقتصادی اوراسیایی
۲۰۱۵	تأسیس و اجرای اتحادیه اقتصادی اوراسیایی

^۱ - Eurasian Economic Union (EAEU)

منبع: تنظیم از نگارنده

بر اساس ماده یک اساسنامه اتحادیه اقتصادی اوراسیایی هدف اصلی از تأسیس این اتحادیه، حرکت آزاد کالاها، خدمات، سرمایه و نیروی انسانی در بین کشورهای عضو و هماهنگی، موافقت یا سیاست مشترک در بخش اقتصادی است که زیر نظر نهادهای اتحادیه تعیین می‌شود (EAEU, 2014). به طور کلی، این پیمان همگرایی اقتصادی منطقه‌ای چهار بخش دارد که بخش دوم و سوم آن (۷۶ ماده از ۱۱۸ ماده) برگرفته از توافقنامه اتحادیه گمرکی سال ۲۰۰۹ و موافقت‌نامه فضای اقتصادی واحد سال ۲۰۱۲ است و بخش اول پیمان نامه نیز در خصوص ساختار اتحادیه در ۲۲ ماده متشکل از شورای اقتصادی سران اوراسیایی در سطح رئیس جمهوران، شورای دولتی اوراسیایی در سطح نخست وزیران و دادگاه اتحادیه اقتصادی اوراسیایی می‌باشد. بخش چهارم پیمان نامه در خصوص دوره گذار است که دربرگیرنده شرایط جدید برای همگرایی است که در آن بر رسیدن به توافقنامه مسائل بسیار مهم نفت، گاز و سرمایه‌گذاری تا سال ۲۰۲۵؛ نیروی برق تا جولای ۲۰۱۹، حذف تعرفه‌های گمرکی تجارت دارو و تجهیزات تا جولای ۲۰۱۶ بیان شده است (Knobel, 2019: 138).

اتحادیه اقتصادی اوراسیایی یکی از بزرگ ترین اتحادیه‌های منطقه‌ای است که قریب ۱۵ درصد از خشکی‌های جهان (۲۰ میلیون کیلومتر مربع) با جمعیت حدود ۱۹۰ میلیون نفر و ۲/۴ درصد از جمعیت جهان را در برمی‌گیرد و حدود ۱۵ درصد از تولید نفت جهان، ۱۹/۵ درصد از تولید گاز طبیعی جهان، ۷/۱ درصد از محصولات لبنی جهان، ۵/۵ درصد از تولید محصولات کشاورزی

جهان، ۲/۲ درصد از تولیدات صنعتی جهان و به طور کلی ۳/۲ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) جهان را در اختیار دارد (EAEU, 2020).



شکل ۱: نقشه کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیایی

۵- قانون موافقت‌نامه موقت تشکیل منطقه آزاد تجاری بین جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی
ایران در سال ۱۳۹۵ به کمیسیون اقتصادی اتحادیه اوراسیایی پیشنهاد ایجاد یک منطقه آزاد تجاری میان ایران و این اتحادیه را مطرح کرد. پیشنهادی که

- Gross Domestic Product^۱

از جانب اعضای آن نیز مورد استقبال قرار گرفت و طی دو سال مذاکرات متعدد و ارزیابی کمی و کیفی اقلام و میزان تعرفه ترجیحی آن‌ها، بالاخره این موافقتنامه در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۷ در شهر آستانه قزاقستان به امضا وزیر صنعت معدن و تجارت ایران و وزیرای اتحادیه اقتصادی اوراسیایی رسید و هیئت‌وزیران ایران در آذرماه ۱۳۹۷ آن را به تصویب رساند (ایرنا، ۱۳۹۸). بر اساس اصل ۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون موافقتنامه موقت تشکیل منطقه آزاد تجاری بین جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا و کشورهای عضو در نوزدهم خرداد ۱۳۹۸ در مجلس شورای اسلامی تصویب و در ۵ تیرماه همان سال به تأیید شورای نگهبان رسید و از آبان ماه ۱۳۹۸ به دستور رئیس جمهور ایران اجرایی گردید (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸). بر اساس ماده ۹ این موافقتنامه برای یک دوره سه ساله و به صورت موقت و آزمایشی منعقدشده است و طرف‌ها پس از سه سال برای ادامه اجرای آن به نحوی که در ماده ۳ این موافقتنامه پیش‌بینی شده، می‌توانند موافقت کنند.

در ماده یک این موافقتنامه اهداف مهم این موافقتنامه ذکر شده است که مهم ترین آنها آزادسازی و تسهیل تجاری کالا بین ایران و کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا از طریق کاهش یا حذف موانع و تعرفه‌ای گمرکی برای کالاها، ایجاد بستری برای تشکیل منطقه آزاد تجاری که در آن عوارض و سایر مقررات محدودکننده تجاری میان طرفین حذف شود، حمایت از همکاری‌های اقتصادی و تجاری بین طرف‌ها، ایجاد چارچوب مناسب جهت افزایش همکاری‌های نزدیک‌تر در زمینه‌های مودر توافق این موافقتنامه و تسهیل ارتباطات بین طرف‌ها است (قانون موافقتنامه موقت ...، ۱۳۹۸: ماده ۱). در

ادامه ماده یک این قرارداد ذکر شده است که «طرفین موافقتنامه از تاریخ لازم الاجرا شدن این موافقتنامه نسبت به کاهش و یا حذف عوارض گمرکی و هر گونه مالیات و هزینه یا دیگر تدابیر دارای تأثیر مشابه در خصوص کالاهای دارای مبدأ فهرست شده در پیوست موافقتنامه باید اقدام کنند». «طرفها حداکثر ظرف یک سال از تاریخ لازم الاجرا شدن این موافقتنامه، باید مذاکرات مربوط به انعقاد موافقتنامه منطقه آزاد تجاری را آغاز کنند».

بر اساس پیوست یک این موافقتنامه، ترجیحات اعطایی و امتیازات ۵۰۲ قلم کالاهای مختلف در حوزه‌های مواد غذایی، مواد مصرفی شیمیایی، محصولات ساختمانی، صدور خدمات فنی و مهندسی، محصولات صنعتی و محصولات کشاورزی از سوی اتحادیه اقتصادی اوراسیایی و ۳۶۰ قلم کالا در موارد مشابه را از سوی ایران شامل می‌شود که در مجموع کل اقلام مشمول در موافقتنامه به ۸۶۲ مورد می‌رسد که ضریب کاهش تعرفه ترجیحی بر آنان در نظر گرفته شده است (قانون موافقتنامه موقت ...، ۱۳۹۸: پیوست ۱). مطابق فهرست اعطایی اورسیا قرار است تعرفه ۱۷۵ ردیف کالا از جمله انواع فرش دستباف و ماشینی، پسته، انواع میگو، میوه‌هایی مانند پرتقال و لیمو، سبزیجات، خرما، بیسکویت و شیرینی، برخی محصولات از پلیمرهای پروپلین، ورق‌های پلاستیکی، محصولات بهداشتی و ... صفر شود. رفع موانع غیرتعرفه‌ای، توسعه همکاری‌ها در زمینه گمرکی، استانداردها، تسهیل تجارت و فراهم آوردن زمینه همکاری بخش‌های خصوصی از دیگر مفاد مهم این موافقتنامه است.

به طور کلی، موافقتنامه یادشده مفصل‌ترین و جامع‌ترین موافقتنامه تجاری است که تاکنون ایران منعقد کرده و شامل ۹ فصل: قواعد عمومی، تجارت

کالا، راهکارهای تجاری، موانع فنی فرا راه تجارت، اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی، قواعد مبداء، تسهیل تجاری، حل و فصل اختلافات و مقررات پایانی است.

بر این اساس، اتحادیه اقتصادی اوراسیایی و جمهوری اسلامی ایران گام مهمی برای مراودات تجاری برداشته اند و نخستین گام جهت همگرایی و اقتصادی بیشتر بین ایران و کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا خواهد بود. تردیدی نیست که این موافقتنامه در حیات جمهوری اسلامی ایران، مهم ترین و جدی ترین اقدام در خصوص همکاری های منطقه ای تجاری است که آثار و اهمیت بسیار زیادی دارد.

۶- تجزیه و تحلیل

۱-۶- روسیه و سیاست اوراسیاگرایی

قلمرو جغرافیایی اتحادیه اقتصادی اوراسیا متشکل از پنج کشور روسیه، قزاقستان، بلاروس، قرقیزستان و ارمنستان، منطقه ای بسیار مهم و راهبردی در هسته مرکزی ابر خشکی اوراسیا است. تقریباً در تمامی نظریه های ژئوپلیتیک کلاسیک از اهمیت ژئواستراتژیکی این منطقه و در نظریه های جدید علاوه بر امتیازات قبلی بر اهمیت ژئواکونومیکی آن تأکید شده است. این منطقه ژئوپلیتیکی، حداقل در ۳۰۰ سال اخیر که نامهایی چون امپراتوری روسیه (روسیه تزاری)، شوروی و فدراسیون روسیه به خود دیده است؛ همواره یکی از قطب های اصلی قدرت جهانی بوده و معمولاً در برابر قدرت های جهانی غربی نظیر امپراتوری بریتانیا، آلمان و ایالات متحده امریکا رقابت و صف آرایبی کرده است.

تحولات عمیق دوره جنگ سرد و فروپاشی نظام اتحاد جماهیر شوروی در آغاز دهه ۱۹۹۰ م باعث دگرذیسی نظام ژئوپلیتیکی منطقه اوراسیا شد و شکوه و قدرت گذشته هسته مرکزی قدرت در این منطقه تضعیف شد. پس از یک دهه دوره گذار و رویکردهای غرب رایانه دوره بوریس یلتسین (۱۹۹۱-۱۹۹۹ م)، نخستین رئیس جمهور روسیه که منطقه و روسیه را در دوره فترت و ضعف در برابر قدرت‌های جهانی قرارداد، با شروع هزاره جدید و روی کار آمدن ولادیمیر پوتین به عنوان نخست‌وزیر و رئیس جمهور (۱۹۹۹ تاکنون) تغییرات بنیادینی در سیاست خارجی و راهبردی کرم‌لین آغاز شد. پوتین با اتخاذ راهبرد اوراسیا‌گرایی و در قالب فرایندهای منطقه‌گرایی و همگرایی منطقه‌ای و باهدف چند قطبی‌سازی جهان و توزان قدرت در برابر قدرت‌های جهانی در دوره پسا - شوروی برآمد که هم‌زمان می‌توانست باعث تقویت قدرت اقتصادی و سیاسی روسیه شود. امضای پیمان مجمع اقتصادی اوراسیایی (۲۰۰۰)، امضای اتحاد گمرکی اوراسیایی (۲۰۰۷ و ۲۰۱۰)، پیمان فضای واحد اقتصادی (بازار واحد) (۲۰۱۱ و ۲۰۱۲)، امضای پیمان اتحادیه اقتصادی اوراسیایی (۲۰۱۴) و سرانجام تأسیس و اجرای اتحادیه اقتصادی اوراسیایی (۲۰۱۵) بخشی از سلسله اقدامات مهم راهبرد اوراسیا‌گرایی روسیه برای بازساخت قدرت با نگرش منطقه‌گرایی در دوره جدید بود.

از نظر سران کرم‌لین، اوراسیا‌گرایی به عنوان فلسفه رفع شکاف بین مفهوم منحصرراً روسی از روسیه و واقعیت چند نژادی روسیه را میسر می‌سازد. اوراسیا‌گرایی بقا و همزیستی مفهوم منحصربه‌فرد اسلاوی و ارتدکس روسی را با مردمان آسیایی و غیر روس، چین و قفقاز شمالی را ممکن می‌کند. در حقیقت، اوراسیا‌گرایی احیای ایده روسیه چند قومی، چند نژادی و چند

مذهبی روسیه را امکان پذیر می کرد (Hill and Gaddy, 2013: 107). در استراتژی منطقه گرایی اوراسیایی روسیه، تلاش برای حفظ و جذب هر چه بیشتر جمهوری های «خارج نزدیک» (جمهوری های جدا شده از شوروی) از اهداف زیربنایی است. دو هدف عمده مسکو در این مسیر، یکی تقویت روابط و مناسبات سیاسی و اقتصادی و امنیتی کشورهای «خارج نزدیک» با روسیه و دیگری دور نگه داشتن نفوذ قدرت های جهانی در بخش خارج نزدیک و پیرامون روسیه بوده است. واضح است که اهداف اوراسیا گرایی روسیه با روندهای گسترش نهادهای غربی به شرق در تقابل است. حتی استراتژی اوراسیا گرایی روسیه را می توان راه کاری در برابر استراتژی آتلانتیکی قدرت های غربی نامید.

در حال، در فرهنگ سیاسی و استراتژیک روسیه، احیاء دوباره قدرت روسیه و تبدیل شدن به قدرتی جهانی و بزرگ از خواسته های اساسی است و سران کرملین آن را در گفتمان بسط قدرت در چارچوب اوراسیا گرایی امکان پذیر می دانند.

اما در دهه های اخیر روسیه و سران کرملین برای تحقق اهداف استراتژیک خود با چالش ها و موانع راهبردی بزرگی مواجه بوده اند. امواج جهانی شدن و جهانی شدن دموکراسی و گرایش های قوی لیبرالیستی و سرمایه داری در جمهوری های جدا شده از شوروی و پشت کردن به روسیه، قدرت منطقه ای و سیاست های منطقه گرایی روسیه را با چالش مواجه کرده است. نفوذ قدرت های غربی و تمایلات قوی جمهوری های بخش غربی خارج نزدیک برای کاهش

وابستگی به روسیه و نزدیک شدن و عضویت در نهادها و ساختارهای تحت رهبری قدرت‌های غربی نظیر سازمان ناتو و اتحادیه اروپا، واگرایی و نیروهای گریز از مرکز (روسیه) را به شدت فعال کرد و اقتدار و دایره حوزه نفوذ روسیه را کاهش داد. جمهوری‌های حوزه بالتیک (لتونی، لیتوانی و استونی) خیلی زود به سمت غرب کشیده شدند و در سال ۲۰۰۴ هر سه کشور به عضویت اتحادیه اروپا و در سال ۲۰۰۷ جز منطقه یورو قرار گرفتند. انقلاب‌های رنگین نیز موقعیت روسیه را تضعیف کرد. انقلاب‌های رنگین گرجستان (۲۰۰۳)، اوکراین (۲۰۰۴) و حتی قرقیزستان (۲۰۰۵) و نمونه اخیر آن در قالب جنبش اعتراضی و دموکراسی خواهی بلاروس (۲۰۲۰) از نمونه‌های بارزی از واگرایی جمهوری‌های شوروی سابق از روسیه و توجه به غرب و مناسبات غربی است. تلاش‌های کیف، تفلیس و حتی باکو برای عضویت در ناتو و اتحادیه اروپا تهدیدات جدی برای روسیه است. کشورهایی نظیر ترکمنستان و تاجیکستان نیز با احتیاط و روحیه محافظه کارانه خود را در برنامه‌های اهداف استراتژیک روسیه قرار نداده‌اند.

بنابراین، تجارب و تلاش‌های روسیه برای همگرایی و منطقه‌گرایی در دوره پسا - شوروی با جمهوری‌های شوروی سابق بر خلاف اهداف و آرمان‌های ذکر شده در بسیاری از توافقنامه‌ها، توفیق زیادی به دست نیاورده است. اما باید خاطرنشان کرد که با توجه به فعالیت شدید نیروهای واگرا و نفوذ غرب، نمی‌توان انکار کرد که شکل‌گیری اتحادیه اقتصادی اوراسیایی یک موفقیت مهم برای روسیه به حساب می‌آید که می‌تواند سرآغاز فصلی جدید در فرایندهای منطقه‌گرایی در اوراسیا باشد. آنچه که در این موفقیت بر خلاف نام اقتصادی اتحادیه نمایان است دستاوردهای ژئوپلیتیکی برای روسیه است.

وگره از نظر اقتصادی، بیش از ۸۵ درصد تولید ناخالص داخلی این اتحادیه متعلق به روسیه (۱۷۰۰ میلیارد دلار) است و با توجه به کوچکی اقتصاد چهار کشور دیگر اتحادیه، عملاً روسیه مرادده اقتصادی مهمی با آنان نخواهد داشت. هر چند باید توجه داشت که حجم کل اقتصاد اتحادیه اقتصادی اوراسیا (۱۹۶۵ میلیارد دلار)، کمتر از اقتصاد ایتالیا (۲۰۰۱ میلیارد دلار) و در حدود اقتصاد کشور کانادا یا برزیل و اندکی بزرگ‌تر از تولید ناخالص داخلی کره جنوبی است (World Bank, 2020).

تردیددی باقی نمی‌ماند که مهم‌ترین اولویت روسیه از تأسیس اتحادیه اقتصادی اوراسیایی، اهداف سیاسی و ژئوپلیتیکی است. به گونه ای که عضویت ارمنستان در اتحادیه اوراسیا نوعی پیروزی ژئوپلیتیکی برای روسیه است. روسیه در قالب اتحادیه روسیه - محور اوراسیایی، علاوه بر حفظ رابطه نزدیک با قزاقستان و بلاروس، توانسته است مانع همکاری و پیوستگی ارمنستان با اتحادیه اروپا شد. از منظر اقتصادی، ارمنستان به دلیل کوچکی و اقتصاد ضعیف (۱۳ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی) تأثیر چندانی بر مناسبات اقتصادی اوراسیا ندارد. حتی ارمنستان مرز مشترکی با سایر اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا ندارد. تولید ناخالص داخلی ارمنستان، پنج برابر کوچک‌تر از ضعیف‌ترین اقتصاد سه بنیان‌گذار اتحادیه یعنی بلاروس است. به لحاظ اقتصادی، حجم اقتصادی قرقیزستان از ارمنستان نیز کوچکتر است و تولید ناخالص داخلی این کشور به ۸ میلیارد دلار می‌رسد که نمی‌تواند در برنامه‌های اقتصادی منطقه‌ای جایی داشته باشد. اما عضویت قرقیزستان نیز برای اتحادیه اهمیت ژئوپلیتیکی بالایی دارد. مسکو موفق شده است گسترش

نفوذ چین در آسیای مرکزی را با محدودیت مواجه کند و پایگاه خود را در منطقه آسیای مرکزی تحکیم کند.

نباید غفلت کرد که این اتحادیه به لحاظ منابع و تولید انرژی از وضعیت بسیار مناسبی برخوردار است. ۱۵ درصد از تولید نفت و نزدیک ۲۰ درصد از تولید گاز طبیعی جهان در اختیار کشورهای این اتحادیه است که یقیناً بخش عمده آن متعلق به روسیه است. اما بر اساس اساسنامه اتحادیه، حامل‌های انرژی مشمول تعرفه‌های ترجیحی و حذف گمرکی نشده است و سیاست‌گذاری در این حوزه را تا سال ۲۰۲۵ م موقوف کرده‌اند.

۲-۶- جمهوری اسلامی ایران و منطقه‌گرایی

کشور ایران نیز به مانند روسیه یک دگردیسی بنیادین سیاسی و ژئوپلیتیکی در دوره معاصر تجربه کرده است. به گونه ای که در اواخر دهه ۱۹۷۰ م از متحد استراتژیک غرب و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا به کشور ضد امریکایی و مبارز علیه سلطه و منافع غرب تبدیل شد. بر همین اساس، ایدئولوژی انقلابی و شیعه‌گرایی جمهوری اسلامی ایران مقبول قدرت‌های غربی واقع نشد و قرائت‌های رادیکال ایران از مناسبات بین‌المللی و ساختار ژئوپلیتیک جهانی زمینه پرچالشی برای نقش‌آفرینی ایران در عرصه بین‌المللی فراهم کرد.

حمله عراق به ایران و جنگ تحمیلی ۸ ساله بر علیه جمهوری اسلامی ایران، شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس و مواضع ضد جمهوری اسلامی ایرانی این شورا به ویژه از سوی عربستان سعودی و امارات متحده عربی، تأسیس اتحادیه سارک در مرزهای شرقی ایران و شبه قاره هند و بی توجه به کشور ایران و تحریم‌های قانون دام اتو ایالات متحده بر علیه ایران باعث شد تا دو

دهه نخست حیات جمهوری اسلامی ایران با چالش‌های ژئوپلیتیکی و سیاسی مهمی در سطح جهانی و منطقه‌ای مواجهه شود. با شروع مناقشه پرونده

هسته‌ای ایران با غرب در سال ۱۳۸۱/۲۰۰۲، جمهوری اسلامی ایران وارد مرحله فرسایشی از مناقشه سیاسی با غرب شد که تا به امروز ادامه دارد. حاصل کار تحریم‌های گسترده ایالات متحده آمریکا و در مقاطعی از زمان تأیید و گسترش تحریم از سوی شورای امنیت سازمان ملل و اتحادیه اروپا بر علیه ایران و در سالهای اخیر با خروج ایالات متحده آمریکا از برجام و تشدید تحریم‌های از سوی دولت ترامپ به نام «تحریم‌های فلج‌کننده» که باعث شد جمهوری اسلامی ایران را در وضعیت دشوار اقتصادی و مناسبات بین‌المللی قرار دهد.

ایران با فراغت از جنگ عراق و با شروع دولت سازندگی (۱۳۷۶-۱۳۶۸)، تلاش‌های زیادی برای گسترش روابط بین‌المللی و توسعه روابط دوجانبه و چندجانبه و به‌ویژه در سطح همسایگان و منطقه کرد. جمهوری اسلامی ایران که در تلاش بود پرچم‌دار کشورهای مسلمان در عرصه مناسبات بین‌المللی باشد، بر اساس ایدئولوژی سیاسی خود به دنبال منطقه‌گرایی نه بر اساس منطق اقتصادی بلکه در پی اهداف سیاسی و امنیتی خود و برای مقابله با گسترش حوزه نفوذ و منافع غرب بود. در دهه ۱۳۷۰ تهران تلاش‌های زیادی برای استفاده از ظرفیت سازمان کنفرانس اسلامی برای اثبات و حقانیت خود و مقبولیت خود در عرصه بین‌المللی کرد و در صدد احیاء هویت اسلامی جهان اسلام برآمد.

سقوط رژیم بعث در عراق یکی از نقاط عطف در سیاست خارجی ایران است. زمینه‌های مذهبی و تاریخی ایران با عراق باعث نزدیکی و تقویت مناسبات میان دو کشور شد. اتصال ایران از طریق سرزمین عراق به سوریه، لبنان و

فلسطین و ایدئولوژی شیعه‌گرایی و ضد اسرائیلی آنان باعث شکل‌گیری ائتلاف غیر رسمی به رهبری ایران با عنوان «جبهه یا محور مقاومت» شد که شاید در حیات بیش از ۴ دهه جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین دستاورد سیاست خارجی ایران باشد. بدیهی است که منطقه‌گرایی غیر رسمی ایران در چارچوب کشورهای محور مقاومت با اهداف سیاسی و امنیتی بوده و منافع اقتصادی و ژئواکونومیکی آن برای ایران روشن نیست.

نمی‌توان انکار کرد که تحریم‌های گسترده ایالات متحده بر علیه جمهوری اسلامی ایران و همراهی و همکاری برخی هم‌پیمانان قدرت‌های غربی در منطقه و ایدئولوژی ضد غربی و سیاست خارجی رادیکال ایران، مناسبات بین‌المللی ایران را در وضعیت دشوار و تنگنای ژئوپلیتیکی تحمیلی قرار داده است.

ایدئولوژی سیاسی ضد غربی جمهوری اسلامی ایران و روسیه و تنگناهای تحمیلی ژئوپلیتیکی ایالات متحده و هم‌پیمانان امریکا بر علیه جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه، وجه مشترک وضعیت دو کشور است. دو کشور روسیه و ایران در سالهای اخیر از تحریم‌های غرب به شدت رنج برده‌اند و قدرت‌های غربی همواره مانع مهمی برای انبساط فضایی حوزه نفوذ و توسعه قدرت ایران و روسیه در همسایگان و محیط‌های پیرامونی بوده‌اند. در چنین اتمسفر ژئوپلیتیکی دو کشور جمهوری اسلامی ایران و روسیه به هم نزدیک

شده اند. جمهوری اسلامی ایران که در منطقه خلیج فارس، منطقه غرب و جنوب غرب آسیا، منطقه شبه قاره هند و اقیانوس هند، منطقه خزر و حتی منطقه کشورهای فارسی زبان نتوانسته است وارد فرایندهای منطقه‌گرایی و

همگرایی شود، بر حسب ضرورت تاریخی و ژئوپلیتیکی به سمت اتحادیه اوراسیایی که منطقاً می‌بایست اولویت چندم منطقه‌گرایی ایران باشد، کشیده شده است.

اگرچه در بسیاری از موارد منطقه‌گرایی و همگرایی کشورها در عصر جدید بر اساس نیاز و همکاری‌های اقتصادی و هم‌تکمیلی اقتصادی به وجود می‌آید؛ اما نگرش جمهوری اسلامی ایران به‌مانند روسیه به منطقه‌گرایی و مناسبات منطقه‌ای دارای ماهیت سیاسی و امنیتی است. به نظر می‌رسد که تهدیدات امنیتی و سیاسی که همواره جمهوری اسلامی ایران با آن مواجه بوده است باعث شده تا نگرش منطقه‌گرایی ایران دارای صبغه‌گرایش‌های امنیتی و سیاسی باشد و اهداف اقتصادی و تجاری آن در اولویت‌های بعدی قرار گیرد. از این منظر، روسیه نیز وضعیت مشابه ایران دارد و اهداف سیاسی و ژئوپلیتیکی در نزد سران کرملین بیش از اهداف اقتصادی اولویت دارد.

اما نمی‌توان کتمان کرد در دوره رکود اقتصادی عصر کرونا و تحریم‌های گسترده ایالات متحده بر علیه ایران، سران تهران به مناسبات اقتصادی و بین‌المللی بی‌توجه باشند. در حیات بیش از چهار دهه جمهوری اسلامی ایران، برای نخستین بار است که تهران صادرات نفتش تقریباً به صفر نزدیک شده و درآمدهای ارزی کشور کاهش زیادی یافته است. در چنین شرایطی، امضای پیمان مرادوات اقتصادی و کاهش تعرفه‌های گمرکی با اتحادیه

اقتصادی اوراسیا برای تهران یک پیروزی مهم به حساب می آید. بر اساس این توافقنامه، جمهوری اسلامی ایران برای صادرات کالاهای غیر نفتی خود به پنج کشور اتحادیه اقتصادی اوراسیا با تعرفه‌های ترجیحی کاهش دسترسی

مستقیم دارد و متقابلاً اتحادیه اقتصادی نیز از ظرفیت بازار ایران استفاده خواهد کرد.

با اجرایی شدن موافقت‌نامه تجاری ایران با کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا، مناطق مرزی و بندرگاهی از موقعیت مناسبی برخوردار خواهند شد. مرز زمینی نوردوز در منطقه آزاد ارس به عنوان تنها مرز زمینی ارتباط‌دهنده کشور ایران با اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا (ارمنستان) می‌تواند نقش ترانزیتی و گذرگاهی مهمی را بین ایران و اتحادیه مذکور ایفا کند. اگرچه باید توجه داشت که ارمنستان با چهار کشور دیگر اتحادیه مرز مستقیم زمینی ندارد و برای ارتباط با روسیه نیازمند فضای آذربایجان یا گرجستان است. این موقعیت برای مناطق ویژه اقتصادی بنادر نوشهر، آستارا و منطقه آزاد انزلی که ارتباط دریایی با کشورهای قزاقستان و روسیه از طریق دریای خزر را دارند فراهم‌تر است. بدیهی است که این مناطق علاوه بر بهره‌مندی از مزایای ترانزیت، صادرات و واردات کالا بین ایران و کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا و ارائه خدمات متنوع مربوط به این حوزه می‌توانند در بخش تولید، فرآوری و بسته‌بندی کالا نیز فعالیت کنند و نسبت به تولید کالاهای رقابت‌پذیرتر اقدام نمایند.

از منظر اقتصادی، اگرچه وزن اقتصادی کشورهای اتحادیه اوراسیایی در سطح بالایی در مقایسه کلان اقتصادی قرار ندارد و حتی سهم تجاری میان

کشورهای عضو در سطح نامناسب ۱۴ درصد است اما برای ایران به عنوان یک تجربه و شروع همگرایی اقتصادی می توان مثبت ارزیابی کرد.

۷- نتیجه گیری

منطقه وسیع اوراسیا پس از فروپاشی نظام دوقطبی و اضمحلال شوروی، دچار خلأ قدرت و گسیختگی نظام ژئوپلیتیکی در منطقه شد. روسیه به عنوان هسته مرکزی باقی مانده از شوروی، تلاش زیادی برای بازساخت قدرت و افزایش وزن ژئوپلیتیکی و گسترش حوزه نفوذ در جمهوری های پیرامونی در دوره پسا شوروی از طریق سازوکار اوراسیایی گرای، همگرایی و منطقه گرایی انجام داد. نفوذ در خارج نزدیک و ممانعت از ورود قدرتهای رقیب در خارج نزدیک و ظاهر شدن به عنوان یکی از قطب های مهم قدرت جهانی (ساختار چند قطبی قدرت) از اهداف اصلی روسیه بوده است. اما سران کرملین برای رسیدن به این اهداف استراتژیک با چالش های متعددی مواجه بوده و هستند. روسیه پس از آنکه نتوانست همگرایی مناسبی بین کشورهای جدا شده از شوروی سابق در اتحادیه کشورهای مستقل همسود (CIS) به وجود آورد، در چندین گام با محوریت برنامه های اقتصادی و تجاری پیمان مجمع اقتصادی اوراسیایی، اتحاد گمرکی اوراسیایی و پیمان فضای واحد اقتصادی در دهه نخست هزاره جدید با برخی از جمهوری های خارج نزدیک امضا کرد اما هیچ یک به مرحله عملیاتی و تحقق اهداف نرسید. اما جدی ترین اقدام منطقه گرایی روسیه تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیایی با حضور کشورهای بلاروس، قزاقستان، ارمنستان و قرقیزستان در اواسط دهه اخیر بود که از ابتدا

سال ۲۰۱۵ م اجرایی شد. اگرچه بسیاری از جمهوری‌های جدا شده از شوروی در این پیمان مشارکت ندارند، اما پهناوری روسیه و قزاقستان و موقعیت مناسب آنان باعث شده تا این اتحادیه از جایگاه راهبردی برخوردار باشد. به

طور کلی، روسیه اتحادیه اقتصادی اوراسیایی را پروژه‌ای ژئوپلیتیکی برای مقابله با جهان تک قطبی و شکل دادن به ساختار ژئوپلیتیکی چندقطبی می‌بیند.

کشور ایران به عنوان یکی از کشورهای غنی و مهم در همجواری اتحادیه اقتصادی اوراسیا که مرز خشکی و دریایی با کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیایی دارد در صدد همکاری و همگرایی با اتحادیه مذکور برآمده است. جمهوری اسلامی ایران که اهمیت منطقه‌گرایی را درک کرده است اما در حیات خود تقریباً از تمامی فرایندهای منطقه‌گرایی شرق و غرب کنار گذاشته شده، اتحادیه اقتصادی اوراسیا را فرصتی مغتنم برای توسعه روابط بین‌المللی خود و تقویت اقتصاد خود می‌بیند. بر این اساس، موافقت‌نامه موقت تشکیل منطقه آزاد تجاری بین جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی می‌تواند شروع و تجربه اولیه از گامهای نخست جمهوری اسلامی ایران برای همگرایی و منطقه‌گرایی باشد. در این چارچوب، مناطق مرزی خشکی و دریایی ایران با کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیایی فرصت مناسبی برای توسعه و تقویت زیرساخت‌ها و گسترش فعالیتهای تجاری و بازرگانی پیدا کرده‌اند که مرز خشکی نوردوز در منطقه آزاد ارس و بنادر انزلی و نوشهر از شرایط بهتری برخوردار هستند.

اگرچه حجم تجاری میان کشورهای اتحادیه در سطح بالایی قرار ندارد و به طور کلی کشورهای این اتحادیه و ایران مکمل خوبی برای فعالیتهای تجاری و بازرگانی نیستند اما با توجه به شرایط ایران در دوره تحریمی و رکود، می تواند آسیب پذیری اقتصادی ایران را تا حدودی کاهش دهد.

منابع

- بهفروز، فاطمه (۱۳۷۴)، زمینه های غالب در جغرافیای انسانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۸)، تحول در نظریه های منطقه گرایی، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال دوم، شماره ۵، صص ۹۹-۱۱۶.
- زارعی، بهادر و همکاران (۱۳۹۴)، منطقه گرایی و چالش های آن در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۴۷، شماره ۴، صص ۷۴۳-۷۵۸.
- ساعی، احمد (۱۳۸۵)، جهانی شدن و نو منطقه گرایی: تعامل یا تقابل، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۱، صص ۷۹-۸۳.
- شکوئی، حسین (۱۳۷۸)، اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا، ج اول، چاپ سوم، تهران: گیتاشناسی.
- فرسائی، شهرام و حاکم قاسمی و بهرام نوازی (۱۳۹۸)، فرصت های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در همگرایی با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰۸، صص ۱۴۱-۱۶۸.
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۳)، روابط بین الملل در تئوری و عمل، تهران: نشر قومس.
- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت.

- مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸)، قانون موافقتنامه موقت تشکیل منطقه آزاد تجاری بین جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا و کشورهای عضو، مندرج در روزنامه رسمی به شماره ۲۱۶۴۹.

- میرفخرایی، سید حسن (۱۳۹۴)، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و الزامات ژئواکونومیک آن برای ایران، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال هشتم، شماره ۳۲، صص ۱۷۵-۱۴۳.

- نقیب زاده، احمد (۱۳۸۲)، اتحادیه اروپا از آغاز تا امروز، تهران: نشر قومس.
- نوری، علیرضا (۱۳۹۸)، ایران، روسیه و همگرایی اوراسیایی: منافع منطقه‌گرایی فعال، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۲، شماره ۱، صص ۲۳۵-۲۵۲.

- ولی قلی زاده، علی (۱۳۹۰)، نگاه اجمالی به همگرایی‌های جدید در اوراسیای مرکزی و چالش‌های احتمالی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۶، صص ۱۲۵-۱۴۶.

- Borzel, T.A. & Risse, T. (2016), *The Oxford Handbook of Comparative Regionalism*, Oxford University Press.
- EAEU (2014), *Treaty on the Eurasian Economic Union*, in: < <https://docs.eaeunion.org>>.
- EAEU (2020), *About the Eurasian Economic Union*, in: < <https://docs.eaeunion.org>>.
- Filipowicz, K. & A. Konopelko, (2016), *Regional Integration Processes in the Commonwealth of Independent States: Economic and Political Factors*, Springer.
- Hanks, R.R. (2011), *Encyclopedia of geography terms, themes, and concepts*, ABC-CLIO.
- Hill, F. & C.G. Gaddy (2013), *Mr. Putin: Operative in the Kremlin*, Washington, D.C.: Brookings Institution Press.

- Keating, M. & Loughlin, J. (2013), *The Political Economy of Regionalism*, Routledge
- Kühnhardt, L. (2010), *Region Building: The global proliferation of regional integration*, Berghahn Books.

- Lagutina, M. (2019), *Regional Integration and Future Cooperation Initiatives in the Eurasian Economic Union*, IGI Global.
- Lukin, A. & Yakunin, V. (2018), Eurasian integration and the development of Asiatic Russia, *Journal of Eurasian Studies*, Vol. 9, pp. 100–113.
- Mittelman, T. (1996), Rethinking the "New Regionalism" in the Context of Globalization, *Global Governance*, Vol. 2, No. ۲, pp. ۱۸۹–۲۱۳.
- Roberts, S. (2017), The Eurasian Economic Union: the geopolitics of authoritarian cooperation, *Eurasian Geography and Economics*, Vol. 58, No. 4, pp. 1-2۴.
- Rotaru, V. (2018), The Eurasian Economic Union – a sustainable alternative for the former soviet space?, *Journal of Contemporary Studies*, Vol. 26, No. 4, pp. 425-4۴۲.
- Sergi, B. (2017), Putin's and Russian-led Eurasian Economic Union: A hybrid half-economics and half-political “Janus Bifrons”, *Journal of Eurasian Studies*, Volume 9, Issue ۱, pp. ۵۲-۶۰.
- Vinokurov, E. (2017), *Introduction to the Eurasian Economic Union*, Palgrave Macmillan.
- World Bank (2020), <<https://data.worldbank.org/indicator>>.

جهان شبکه‌ای و همگرایی منطقه‌ای؛ پیوندهای شبکه‌ای
مناطق آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا
(مطالعه موردی: منطقه آزاد انزلی)

مرتضی قورچی^۱، فرشته دستواره^۲

^۱ - استادیار گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی،

تهران، ایران

mghourchi@gmail.com

^۲ - دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید

بهشتی، تهران، ایران

dastvareh.fereshteh@gmail.com

چکیده

جهانی‌شدن و ساختار اقتصاد پساפורدیستی زمینه‌های شکل‌گیری جهان شبکه‌ای و همگرایی منطقه‌ای را فراهم می‌آورند. جهان شبکه‌ای و همگرایی منطقه‌ای نیز موجب پیوندهای مکانی با سیستم اقتصاد جهانی شده و سبب رشد و توسعه اقتصادی کشورها می‌شود. مناطق آزاد تجاری و صنعتی از جمله گره‌ها و دروازه‌های ورود به جهان شبکه‌ای به حساب می‌آیند. در ایران مناطق آزاد تجاری همواره با چالش‌های متعددی جهت ورود به شبکه اقتصاد جهانی داشته‌اند که مانع از این شده است تا این مناطق به عنوان گره شبکه در نظام جهانی نقش‌آفرینی کنند، در این میان می‌توان به منطقه آزاد انزلی اشاره نمود. منطقه آزاد انزلی با دارا بودن موقعیت ویژه ژئوپلیتیکی در کشور می‌تواند دریچه ورود به بازار آزاد جهانی و نیز همگرایی منطقه‌ای برای ایران باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که منطقه آزاد انزلی ظرفیت بالایی برای پیوستن به اتحادیه اقتصادی اوراسیا در چارچوب اقتصاد شبکه‌ای دارد. در حقیقت اتصال سایر مناطق آزاد تجاری ایران به انزلی و سپس ارتباط آن با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، از جمله ترفندها و سیاست‌های خارجی ایران جهت همکاری در ساختار تولید و توسعه اقتصادی جهانی است. بدین سبب بازتعریف دقیق و شفاف اهداف تأسیس و استراتژی توسعه مناطق آزاد در ایران و به‌ویژه منطقه آزاد انزلی با رویکرد منطقه‌گرایی نوین، از جمله اقدامات اساسی در این زمینه است. در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی است که داده‌های موردنیاز به شکل کتابخانه‌ای و مطالعه متون، اسناد و مصاحبه‌های مرتبط با موضوع پژوهش جمع‌آوری شده است.

کلیدواژه: جهانی‌شدن، جامعه شبکه‌ای، اقتصاد پساפורدیستی، منطقه‌گرایی، منطقه آزاد تجاری - صنعتی، انزلی، اتحادیه اقتصادی اوراسیا.

مقدمه و بیان مسئله

فرایند جهانی‌شدن و سیستم اقتصاد پساפורدیستی به عنوان خالق جهان شبکه‌ای و فضای جریان‌ها محسوب می‌شود. جهانی‌شدن محصول

درهم آمیختگی سه فرایند تاریخی تکنولوژی اطلاعات، تجدید ساختار سرمایه‌داری و فروپاشی نظام دو قطبی در جهان و شکل‌گیری اقتصاد پسا فوردیستی است.

ارکان کلیدی اقتصاد نوین جهانی (پسا فوردیسم) شبکه‌ها^۱ و گره‌ها^۲ هستند. در حقیقت در طی فرایند جهانی‌سازی، با انقلاب در فناوری ارتباطات و تحت کنترل اقتصاد پسا فوردیستی، جریان‌ها و فضاهایی میان گره‌ها در سرتاسر جهان شکل می‌گیرد و به شکل شبکه نمایان می‌شود. گره‌ها به عنوان واحدهای مکانی و جغرافیایی در درون شبکه هستند. شبکه‌ها نیز جریان‌هایی در شبکه‌های اطلاعات الکترونیکی هستند که به عنوان " ابزار اصلی هدایت فرایند تغییرات اجتماعی همچون اشکال نوین تولید و مدیریت تجارت و جهانی‌شدن اقتصاد و فرهنگ به حساب می‌آیند" (Castells, 2000). در واقع تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات موجب شده است که گروه‌های اجتماعی و شرکت‌های فراملی با ورود به شبکه اطلاعات و ارتباطات و با حفظ فواصل جغرافیایی به یکدیگر نزدیک شوند. به بیانی دیگر در فضای جریان‌ها، مکان و زمان در اثر تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات، فشرده و به هم نزدیک می‌شوند که در آن‌ها کنش‌های متعامل و وابستگی‌های متقابل پیچیده‌ای وجود دارد. (خانی‌ها و قورچی، ۱۳۸۸).

در درون کانتکست جهان شبکه‌ای، جهانی‌شدن پیوند عمیقی با اقتصاد پسا فوردیسم و شیوه تولید تکه پاره شده دارد که هر قسمت از تولید در درون هر کدام از گره‌های موجود در فضای جریان‌ها شکل می‌گیرد و تولید در

^۱ . Network

^۲ . Node

فضاهای جهانی پخش می‌شود. از این عمل به عنوان برون‌سپاری^۱ یا دور سپاری^۲ یاد می‌شود که هر مکان جغرافیایی مسئولیت تولید بخشی از کالا و محصول را بر عهده می‌گیرد. برون‌سپاری یا دور سپاری تولید از ویژگی‌های کلیدی اقتصاد پساوردیسم است که جریان و انباشت سرمایه در آن شکل می‌گیرد. همچنین در این میان می‌توان به وضعیت سلسله مراتبی گره‌ها و جریان‌ها براساس اهمیت، نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری آن‌ها در فضای جریان‌ها و اقتصاد و سیاست بین‌المللی اشاره کرد. فضای جریان‌ها سه حوزه کلان را در اقتصاد جهانی شبکه‌ای کرده است. نخست تولید در مقیاس جهانی بسیار متکی به فضای جریان‌ها و شبکه‌ها شده است. دوم شرکت‌های توزیع کالا که شبکه جهانی مصرف را تحت کنترل دارند. امور مالی، بازارهای سهام نیز بخش‌های مهم فضای جریان‌ها هستند. یکی دیگر از این حوزه‌ها اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای هستند. (قورچی، ۱۳۹۹)

منظور از اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای، ساختار به‌هم‌پیوسته‌ای از کشورها و مبتنی بر قلمرو که در آن حاکمیت‌های منفرد وجود داشته باشد و متشکل از بازیگران مختلف است که به سمت اهداف و اصول مشخصی هدایت می‌شوند. بدین سبب در فرایند منطقه‌ای شدن، یک فضای جغرافیایی براساس اهداف، اصول و منافع مشترک و مشخص از حالت فعال به غیر فعال تبدیل می‌شود و تعاملات شکل می‌گیرند. در این میان، عامل بازار نیروی محرکه خوبی برای منطقه‌گرایی محسوب می‌شود. ساختارهای اقتصادی مانند مناطق آزاد تجاری می‌توانند روابط اقتصادی و نیز سیاسی میان کشورها در منطقه را تسهیل

^۱ . Out-sourcing

^۲ . Of-shoring

نمایند و موجب همگرایی اقتصادی شوند و سود اقتصادی را به حداکثر برسانند (سیمبر، ۱۳۸۵).

از این رو یکی از گره‌ها و مکان‌های جغرافیایی در درون اقتصاد پساפורدیسیم و جهان شبکه‌ای، مناطق آزاد تجاری هستند. مناطق آزاد تجاری به عنوان نقاط پیوند و گره‌گاه مراکز هدایت اقتصاد جهانی محسوب می‌شوند که از آن‌ها به عنوان دروازه‌های ورود به جهان شبکه‌ای و دریچه‌ی ورود به عرصه نظام بین‌الملل یاد می‌شود. مناطق آزاد تجاری حاصل تولید فضای اقتصاد پساפורدیسیم در کانتکست جامعه شبکه‌ای است که با بهره‌گیری از مزایایی نظیر معافیت‌های مالیاتی، بخشودگی سود و عوارض گمرکی، عدم وجود تشریفات زاید ارزی، اداری و مقررات دست و پاگیر و همچنین سهولت و تسریع در فرآیندهای صادرات و واردات با جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری به توسعه سرزمین اصلی کمک می‌نمایند. (صادقی و دیگران، ۱۳۹۹)

در ایران نیز مناطق آزاد تجاری به پیشنهاد تئوری پردازان اقتصاد دولتی صورت گرفت تا گریزگاهی برای اقتصاد بسته دولتی باشد و هدف از ایجاد آن‌ها بیشتر توسعه صادرات غیرنفتی بوده است. یکی از اهداف مهم در ماده ۱ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری- صنعتی، حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه‌ای (منطقه‌گرایی)، نقش مؤثر و کلیدی مناطق آزاد در اشتغال‌زایی و تولید و صادرات کالاهای صنعتی و تبدیلی است. به طور کلی منطقه‌گرایی فرایندی است که از طریق ایجاد منطقه تجارت آزاد یا اتحادیه گمرکی بین دولت‌ها و به منظور آزادسازی یا تسهیل تجارت در سطح منطقه آغاز می‌شود. در حقیقت نوعی آزادسازی تجاری در آن شکل می‌گیرد که از

طریق همکاری‌های اقتصادی و تجاری به همگرایی سیاسی منتج می‌شود. منطقه‌گرایی و همگرایی‌های حاصل از آن، راهی برای قرار گرفتن در فرایند و مسیر جهانی‌شدن است (موسوی، ۱۳۸۸).

با بررسی وضعیت مناطق آزاد تجاری ایران، به نظر می‌رسد این هدف مهم یعنی ورود به سیستم اقتصاد جهانی و همسویی با نظام جهانی‌شدن و توسعه همکاری‌های بین منطقه‌ای به‌خوبی برآورده نشده است. یکی از مهم‌ترین همکاری‌های بین منطقه‌ای برای مناطق آزاد تجاری ایران و دریچه و گره ورود به اقتصاد جهانی شبکه‌ای، همکاری و مراوده با مناطق آزاد اتحادیه اقتصادی اوراسیا است که فعالیت خود را رسماً از ابتدای ژانویه سال ۲۰۱۵ آغاز کرده و هدف آن تکوین بلوک تجاری منطقه‌ای و ایجاد بازار مشترک برای کشورهای عضو بود. در حقیقت اوراسیا یکی از مناطق و گره‌های ویژه در شبکه جهانی و نزدیک به ایران است که کشور ایران با همکاری و ارتباطات بین منطقه‌ای با آن می‌تواند بخشی از تولید در سیستم جهانی را عهده‌دار شود و بدین طریق زمینه‌های اشتغال‌زایی و حضور فعال در بازارهای بین‌المللی را فراهم آورد. اما در حال حاضر وضعیت و آمارهای موجود نشان می‌دهند که این شکل از همکاری به‌درستی شکل نگرفته است. برای مثال میزان واردات ایران از منطقه اقتصادی اوراسیا بیشتر از صادرات آن است که این موضوع به مصرف‌کننده بودن کشور ایران و مناطق آزاد تجاری آن اشاره دارد. صادرات ایران در سال ۲۰۱۸ میلادی ۹۱۸/۲ میلیون دلار است. در حالی که واردات ۲۶۹۳/۴ میلیون دلار بوده است. (EAEU و سازمان توسعه تجارت ایران)

مناطق آزاد تجاری ایران شامل ۷ منطقه است که یکی از مناطق هفت گانه آزاد تجاری ایران منطقه آزاد انزلی واقع در استان گیلان اشاره است. یکی از

اولین مزیت‌های منطقه آزاد انزلی که از نظر جغرافیایی و ژئوپلیتیک بسیار مورد توجه است و می‌تواند همکاری میان منطقه‌ای ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا را تضمین نماید، قرار گرفتن در مسیر کریدور بین‌المللی شمال - جنوب معروف به نستراک است، که از آن به عنوان کریدور حمل‌ونقل قرن بیست و یکم آسیا - اروپا یاد می‌شود. این کریدور بندر هلسینکی در شمال اروپا را از طریق روسیه به بندر شمال و جنوب دریای خزر، بندر خلیج فارس و سپس به کشورهای جنوب و شرق آسیا متصل می‌کند. (سازمان منطقه آزاد تجاری و صنعتی انزلی). اما کاوش در شرایط موجود منطقه و عدم وجود اتصال تدریجی با اقتصاد جهانی، نبودن راهبرد رویکرد منطقه‌گرایی منسجم در سیاست خارجی، ناهماهنگی میان سیاست‌های داخلی و خارجی در کشور و نیز نبود همکاری‌های شبکه‌ای در این منطقه، نشان می‌دهد که منطقه آزاد انزلی نیز همچون سایر مناطق آزاد تجاری ایران، از قوانین کار همسو با الزامات اقتصاد آزاد برخوردار نیست و جهت انجام این همکاری و مراودات هم‌زمان با چالش‌های درونی و بیرونی مواجه است. بدین سان پرسش بنیادی در نوشته پیش رو این است که چالش‌ها و موانع موجود در زمینه پیوندهای شبکه‌ای منطقه آزاد انزلی با مناطق آزاد اتحادیه اقتصادی اوراسیا کدام‌اند؟ و برای رفع این چالش‌ها چه اقدامات و تحولاتی باید صورت گیرند؟

روش پژوهش

پژوهش پیش رو از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی و به لحاظ قابلیت اجرایی آن نیز، از نوع توسعه‌ای-کاربردی است. داده‌ها در این پژوهش به شکل توصیفی و شامل متون، اسناد کتابخانه‌ای و نیز اینترنتی هستند. جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز از طریق بررسی‌های کتابخانه‌ای، جستجوی اینترنتی در

سایت های تخصصی مرتبط با موضوع، پیگیری مطالب جدید انتشار یافته و آخرین اخبار و اطلاعات درباره وضعیت فعلی مناطق آزاد تجاری در ایران و جهان، مبانی نظری پشتیبان پژوهش و رویکردهای مختلف و در نهایت مطالعه و کاوش در موانع و چالش های پیش روی مناطق آزاد در ایران جهت ورود به بازار آزاد صورت می پذیرد و در انتها با تلفیق نظرات پژوهش گران و دسته بندی مطالب، ویرایش و نتیجه گیری نهایی انجام خواهد شد.

دیدگاه های نظری پشتیبان پژوهش

جهانی شدن، اقتصاد پسا فور دیسم و جامعه شبکه ای

در دنیای امروزی نظامی نوین بر جهان حاکم است. این نظم نوین، یعنی جهانی شدن که به عنوان پدیده ای در حال گسترش، تشدید کننده ارتباطات متقابل در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی معاصر، فرهنگ، اقتصاد و سرمایه گذاری تا حوزه امور معنوی است. جهانی شدن نشان دهنده فرایند گسترده ای است که جهان را تحت تاثیر نیروهای اقتصادی و تکنولوژی به یک فضای اجتماعی مشترک تبدیل می کند و اثرات اصلی آن گرایش به بازیابی واحد جهانی، تغییرات بین المللی تولید، حرکت آزاد کالاها، مردم و اطلاعات، سلطه شرکت های بین المللی و تشدید رقابت، تولید و مصرف جهانی است. (Laves, 2014)

در سال ۱۹۶۴ مارشال مک لوهان مفهومی جدید به نام "دهکده جهانی" را مطرح کرد و به جهانی اشاره دارد که در آن ارتباطات و فاصله ها به علت تکامل تکنولوژی لغو می گردد و تحولات جدی در جامعه، اقتصاد، فرهنگ و سیاست ملت ها ایجاد می شود. در این شرایط ملت ها به یکدیگر وابسته می شوند؛ مسائل و راه حل آنها نیز جهانی می شود. در این میان شرکت های

چندملیتی، مناطق آزاد تجاری و صنعتی در کشورهای مختلف تشکیل می‌شوند و به فروش محصولات مشابه در بازارهای ملی و القای نوعی مصرف جهانی همگن می‌پردازند. بدین سان جهانی‌شدن، قدرت سیاسی بین‌المللی و رونمای اقتصاد جهانی را تقویت می‌کند و در این راستا ساختار دولت-ملت‌ها را تضعیف می‌کند. بنابراین تصمیم دولت-ملت‌ها برای پیوستن به جریان جهانی‌شدن بسیار حیاتی و مهم است. (Correia Gil, 2014)

در واقع جهانی‌شدن فرایندی است که در طی آن وابستگی متقابل جهانی و شکل‌گیری نهادهای جهانی افزایش می‌یابد. در این فرایند فشارهای رقابتی میان نهادهای، شهرها، منطقه‌ها و کشورها افزایش می‌یابد. کاستلز با به‌کارگیری مفاهیمی چون فضای جریان‌ها، جهانی‌شدن را به‌نوعی ظهور جامعه‌ای شبکه‌ای با پیوندهایی متکی بر فشردگی زمان و مکان و با اتکا بر فن‌آوری‌های اطلاعاتی می‌داند. (صرافی و دیگران، ۱۳۸۸). مشخصه‌های اقتصادی جهانی‌شدن در ساختار جامعه شبکه‌ای شامل بازسازی شیوه تولید و ایجاد نوعی تولید نوین (تکه پاره شده) است که در حقیقت شروع فعالیت صنایع مختلف در نقاط مختلف جهان، تکه تکه شدن فرآیند تولید، شکل‌گیری و توسعه بازارهای مالی جهانی، جابجایی مداوم نیروی کار، آزادسازی تجارت (در بازار آزاد)، خصوصی‌سازی و کاهش دخالت دولت و حکومت‌ها در اقتصاد هستند (Kacowicz, 1998). همراه با این تغییرات مفاهیم مکان و فضا نیز در چارچوب این شیوه تولید دچار تغییرات اساسی شده‌اند. در حقیقت در جامعه شبکه‌ای مفاهیم زمان و مکان معانی تازه‌ای پیدا می‌کنند که با معانی سنتی آن در جوامع ماقبل مدرن و یا حتی صنعتی تفاوت دارد. در زمانه حاضر و در درون سیستم پیچیده جهانی‌شدن، مکان با مفهوم دسترسی یا عدم

دسترسی به اطلاعات و ابزار انتقال و پردازش آن ارتباط پیدا کرده است و معنای تازه‌ای به خود گرفته که می‌تواند تعیین‌کننده ارتباط و حضور در مکان اعتبار اتصال شخص به جامعه شبکه‌ای و یا طرد و حذف او از این مکان فراگیر و در عین حال انحصاری به شمار آید. (Castells, 2007). در واقع فضای مکان‌ها با تفکیک، جداسازی و شکل‌گیری مرزها تعریف می‌شود که در مقابل آن، فضای جریان‌ها با کنش‌های متقابل و پیوند‌ها، میان مکان‌ها خود را باز تعریف می‌کند. به عنوان مثال نقشه جغرافیای سیاسی جهان و موزائیک دولت-ملت‌ها به همراه مرزهای سرزمینی بیانگر فضای مکان‌ها در مقیاس جهانی هستند. به طور کلی فضای مکان‌ها مبتنی بر تصور و چهارچوب موزائیکی از جهان متشکل از دولت-ملت‌های سرزمینی با مرزهای متصلب است در حالی که فضای جریان‌ها با کنش‌های متعامل و وابستگی‌های متقابل پیچیده تعریف می‌شوند. (موسوی، ۱۳۸۸)

در این فضا انواع جریان‌های سرمایه، اطلاعات، فناوری، ارتباط متقابل سازمانی و تصاویر، با سرعتی باورنکردنی و در واقع بدون محدودیت زمانی و مکانی در حال گسترش و تحمیل الزامات جهانی‌شدن، تفکر نئولیبرالیسم، توسعه و رفاه هستند. فضای جریان‌ها با تکیه بر شبکه‌هایی از مدارات الکترونیکی به عنوان پایه‌ی جامعه اطلاعاتی، مکان‌های متفاوت را به هم پیوند داده است. نمود این پیوندها به صورت گره‌هایی در شبکه قابل تصور است که معمولاً در مناطق آزاد تجلی و بروز می‌یابند. گره‌ها و محورها هر دو بر اساس اهمیتی که در شبکه دارند به گونه‌ای سلسله‌مراتبی سازمان‌یافته‌اند ولی این سلسله‌مراتب ممکن است بسته به تکامل فعالیت‌هایی که از طریق شبکه پردازش می‌شوند تغییر کند. در واقع، در برخی موارد مکان‌ها ممکن است از شبکه خارج شوند و

قطع ارتباط آن‌ها با انحطاط سریع و به همین لحاظ به زوال اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی آن‌ها منجر شود. همچنین ویژگی‌های گره‌ها به نوع کارکردهای هر شبکه بستگی دارد. علاوه بر این فضای جریان‌ها در چهارچوب پیوندهای بی‌شمار اقتصاد جهانی و روابط فضایی مبتنی بر نود و شبکه با تکیه بر اقتصاد اطلاعاتی شکل گرفته است. امر مهم گذار از اقتصاد فوردیسم به پست فوردیسم، شکل‌گیری فرایند جهانی‌شدن و تولید انعطاف‌پذیر در آن باعث تکه پاره شدن و پخش تولید در فضای شبکه جهانی شده است. در این میان گره‌هایی مانند شهرهای جهانی و مناطق آزاد تجاری به مقصد اصلی فرماندهی و میزبانی بزرگ‌ترین شرکت‌ها، صنایع تولیدی و خدمات پیشرفته جهانی تبدیل شده‌اند. جهانی‌شدن اقتصاد و شکل‌گیری بازار آزاد جهانی باعث شکل‌گیری شبکه گسترده و درهم‌تنیده از مبادلات تجاری بین‌المللی شده است که سراسر جهان را در برمی‌گیرد. (صادقی و دیگران، ۱۳۹۹) در حقیقت چنین می‌توان گفت که کانتکست اقتصاد جهانی نوع جدیدی از سرمایه‌داری یا اقتصاد پست فوردیسم است که به طور ذاتی به دنبال جهانی‌شدن است. بنابراین بدون نیاز به تعمیم دولت‌های اجتماعی به مدل‌های بین‌المللی، همواره می‌توان فرایند تحول در سرمایه‌داری را ذاتا جهانی فرض نمود که نیازمند بازتولید خود در شرایط متعدد بوده است سرمایه‌داری به دلایل زیادی از جمله نیاز به گسترش دائمی بازار برای محصولات در جستجوی تمام سطح کره زمین است. (Wallerstein, 2008) از ویژگی‌های اقتصاد پسا فوردیسم می‌توان به افزایش قابلیت تولید شرکت‌ها و کارخانه‌ها با کاربرد فناوری‌ها و اخراج کارگران از کار، چندپاره شدن شرکت‌ها، انعطاف‌پذیری در نزد

کارگران، در تولید و مصرف و در نتیجه زوال تولید انبوه اشاره کرد. در این میان اصلی ترین و روشن ترین ویژگی اقتصاد پساوردیستی، برون سپاری و تکه پاره شدن تولید است که منجر به پخش فرایند تولید در کل فضای جهانی می شود. اجرای برون سپاری از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی رشد بی سابقه ای در صنایع کشورهای غربی داشته است. حجم کل برون سپاری بازار جهانی در حدود ۳۸۶ میلیارد دلار تخمین زده شده و پیش بینی می شود با نرخ در حدود ۲۵ درصد در سال افزایش یابد. برون سپاری و تکه پاره شدن تولید عموماً موجب پخش اشتغال و پراکنده کردن فرصت های تولید، مصرف، رشد و توسعه اقتصادی می شود. (خانیه و قورچی، ۱۳۸۸) انعطاف پذیری در نزد کارگران، انعطاف پذیری در زمان، انعطاف پذیری در تولید و انعطاف پذیری در مصرف از اصلی ترین ویژگی اقتصاد پساوردیسم است و نتیجه کلی این فرایند زوال تولید انبوه و شکل گیری واحدهای پراکنده جهانی در نقاط و گره های مختلف که تنها فقط چند درصد از آنها مشغول کارند (Harvey, 1990). در ساختار پساوردیسم، این انعطاف با توجه به فرایندها و بازارهای کار، محصولات و الگوهای مصرف مطرح می شود. در حوزه تولید انباشت منعطف در تولید جهانی شکل می گیرد. در حوزه فرایندهای کار هم ساعت های انعطاف پذیر کار، مشاغل چندگانه، قراردادهای پرداخت و نیروی کار مرکز- پیرامونی وجود دارد (Thorns, 2002).

اقتصاد پست فوردیسم و ارتباط آن با مکان های جغرافیایی اساساً نه تنها موجب تجدید تمرکز جغرافیایی فعالیت ها و عملکردها در گره هایی با مقیاس بزرگ می شوند بلکه این الگوی تمرکز به گره هایی با مقیاس کوچک تر یعنی

گره‌های منطقه‌ای و سطح یک نیز تعمیم داده می‌شود. در این صورت پخش و انتشار سرزمینی فعالیت‌های اقتصادی که جهانی شدن یکی از وجوه آن است، به رشد متمرکز کارکردها و عملکردها یاری می‌رساند. بنابراین در شرایط ویژه ای که تسهیلات و امکانات از هر نظر قابل دسترسی‌اند، شرایط تجمیع و تمرکز حرفه‌ای ترین کاربران در پیشرفته ترین مراکز ارتباط از راه دور به خوبی فراهم خواهد شد. در فضایی شدن اقتصاد، اقتصادهای ملی و منطقه‌ای و محلی در نهایت به دینامیسم اقتصاد جهانی متکی می‌شوند که از طریق شبکه‌های اطلاعاتی و تکنولوژی اطلاعات به بازارهای مالی بدان‌ها وابسته و متصل می‌شوند. (Sassen, 2001). در نظریه والرش‌تاین با عنوان سیستم جهانی، همواره تاکیدها بر اهمیت اقتصاد جهانی سرمایه‌داری مبتنی بر جامعه شبکه‌ای که متشکل از مناطق ژئواکونومیکی و بین منطقه‌ای با تقسیم‌کار یکسان و تحرک نیروی کار و سیاست و فرهنگ‌های چندگانه است. بدین ترتیب شکل‌گیری ساختار مرکز-پیرامونی، وجود فرایندهای بالفعل و بالقوه و تسلط قدرت هژمونیک سه ویژگی اصلی در این سیستم جهانی است (Wallerstein, 1979) اما به‌جای کشورها روابط سلسه مراتبی و مرکز پیرامون را در اقتصاد پست فوردیسم شبکه‌ها و گره‌ها شکل می‌دهند.

رویکرد منطقه‌ای

موضوع منطقه‌گرایی^۱ نه تنها به شرایط جغرافیایی خاصی اشاره دارد بلکه در عین حال نیز شرایط سیاسی را نیز در برمی‌گیرد. بنابراین منطقه عبارت است از ساختار به هم پیوسته شامل مرز کشورها و مبتنی بر قلمرو که در آن حاکمیت‌های منفرد وجود دارد و متشکل از بازیگران مختلف است که به سمت اهداف و اصول مشخصی هدایت می‌شوند. منطقه‌گرایی سنتی مبتنی بر نظام دو قطبی جهانی است، در حالی که منطقه‌گرایی نوین و مدرن به نظام چند قطبی اشاره دارد که سنگ بنای نظم نوین جهانی است. در دیدگاه منطقه‌گرایی نوین به جای واحدهای جغرافیایی بر تراکم، شدت و کیفیت تعامل‌ها و میزان و انسجام و همبستگی درون منطقه‌ای تاکید می‌شود. از این رو منطقه در این دیدگاه بیشتر به صورت پدیده‌ای است که در طی فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تکوین می‌یابد (Jessop, 2003). در فرایند منطقه‌ای شدن، یک فضای جغرافیایی از حالت فعال به غیر فعال تبدیل می‌شود. تعامل کشورها در منطقه‌ای شدن براساس ارزش‌ها و منافع مشترک است. علاوه بر این موارد، عامل بازار به عنوان نیروی محرکه خوبی برای منطقه‌گرایی می‌تواند محسوب شود. در منطقه‌گرایی، ساختارهای اقتصادی مانند مناطق آزاد تجاری می‌توانند روابط اقتصادی و نیز سیاسی میان کشورها در منطقه را تسهیل نمایند و موجب همگرایی اقتصادی شوند و با حذف تعرفه‌های گمرکی، سود اقتصادی را به حداکثر برسانند (کولایی و سازمند،

^۱ Regionalism

۱۳۹۳ و سیمبر، ۱۳۸۵). البته در شکل گیری منطقه گرایی، علاوه بر همگرایی اقتصادی عواملی مانند انسجام اجتماعی، یکپارچگی سیاسی و انسجام سازمانی موثر هستند. منطقه گرایی یکی از اجزای جهانی شدن و یا موازی هم یا منطقه گرایی جزئی از جهانی شدن است. به طور کلی منطقه گرایی اقتصادی در پی دستیابی به اهداف زیر است:

۱- افزایش آزادسازی تجاری،

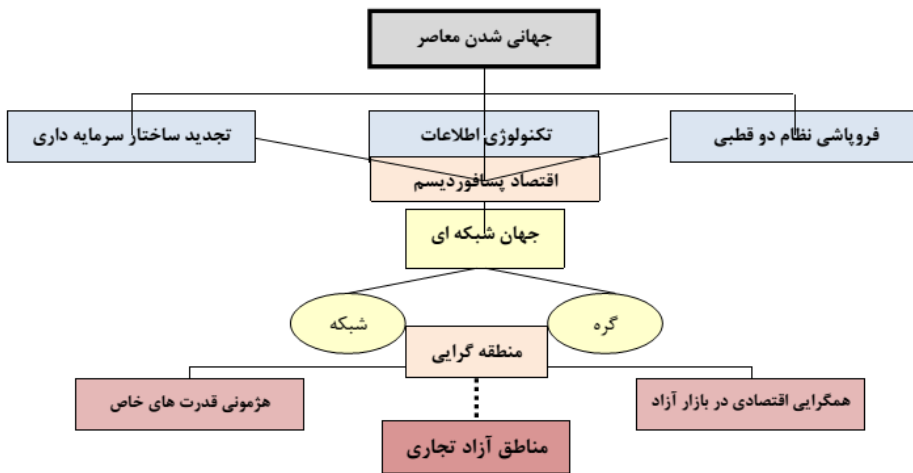
۲- آزاد شدن سرمایه گذاری،

۳- بازسازی ساختار اقتصادی کشورها،

۴- و همگرایی اقتصادی (موسوی، ۱۳۸۸: ۶)

از این رو تاکید بر منطقه گرایی به این علت است که پیمودن روند جهانی شدن از سطوح ملی راهی بسیار پیچیده و دشوار است. در این میان گذار از سطح ملی به منطقه ای و از سطح منطقه ای به سطح جهانی به نظر راحت تر می آید؛ زیرا در این حالت پیچیدگی های مربوط به سیاست گذاری داخلی و خارجی بسیار کمتر است و در این صورت زمینه های آزادسازی اقتصاد ملی آسان تر فراهم می شود. منطقه گرایی فاصله بین کشورها را کاهش می دهد و فرهنگ اجتماعی لازم را برای ورود به عرصه تعاملات و همکاری های جهانی را ایجاد و گسترش می دهد. به طور کلی می توان گفت منطقه گرایی همان جهانی شدن در مقیاسی کوچک تر است. (موسوی، ۱۳۸۸) برای مثال بازسازی اقتصاد سیاسی جهانی به سه گروه بندی اصلی "اتحادیه اروپا"، "نفتا؛ منطقه آزاد تجاری آمریکای شمالی"، "آسیا- پاسیفیک" که همگی مبتنی بر اشکال متفاوت سرمایه داری هستند، نمونه ای از منطقه گرایی در نظم نوین جهانی

است. (کولایی و سازمند، ۱۳۹۳). به طور کلی اتخاذ و توجه به رویکرد منطقه‌گرایی در سیاست خارجی کشورها، راهی برای حضور و فعالیت در درون ساختار جامعه شبکه‌ای و شیوه تولید جهانی و تکه پاره شده و عامل تسهیل این فعالیت است (Mittelman, 1994).



شکل ۱: چارچوب مفهومی پژوهش

اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU)

اتحادیه اقتصادی اوراسیا از ادغام اتحادیه گمرکی منطقه اوراسیا و نیز جامعه اقتصادی اوراسیا و به منظور مدرن‌سازی همه‌جانبه، همکاری و بهبود رقابت‌پذیری اقتصادهای ملی و ایجاد شرایط توسعه پایدار برای بهبود شرایط زندگی جمعیت کشورهای عضو ایجاد گردید. اتحادیه اقتصادی اوراسیا در حقیقت یک اتحادیه اقتصادی است که اعضای آن بیشتر شامل کشورهای شمال منطقه اوراسیا، در شرق اروپا هستند. معاهده تشکیل این اتحادیه در ۲۹ می ۲۰۱۴ توسط بلاروس، قزاقستان و روسیه امضا شد و از یکم ژانویه ۲۰۱۵ عملاً اجرا شد. اهداف دیگر این اتحادیه، ایجاد فضای واحد اقتصادی، توسعه بازار مشترک و دستیابی به حرکت آزاد کالا، سرمایه، خدمات و مردم در بازار واحد کشورهای عضو، کاهش قیمت کالاها با کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل مواد خام، ترویج رقابت سالم در بازار مشترک، سیاست‌های مشترک در کشاورزی، انرژی، فناوری و حمل‌ونقل اعلام‌شده است. (commission Eurasian) شاخص‌های کلی اقتصادی این اتحادیه شامل تولید ناخالص داخلی با حجم ۲/۲ تریلیون دلار (۳/۲ درصد تولید ناخالص داخلی جهانی)، تولید صنعتی با حجم ۱/۳ تریلیون دلار (۳/۷ درصد تولید صنعتی جهانی) و حجم تجارت خارجی با کالاهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا با کشورهای ثالث به میزان ۸۷۷/۶ میلیارد دلار (۳/۷ درصد از صادرات جهان و ۲/۳ درصد از واردات جهان) است. (The Eurasian Economic Union) برخی دیگر از شاخص‌های اقتصادی اتحادیه اقتصادی اوراسیا شامل این موارد است: رتبه اول استخراج نفت، رتبه اول تولید گاز در جهان، رتبه چهارم تولید

انرژی برق، رتبه سوم طول خط آهن، رتبه چهارم تولید آهن و رتبه پنجم تولید فولاد در جهان. (سازمان توسعه تجارت ایران)

شورای عالی اقتصادی اوراسیا، مهم ترین رکن اتحادیه اقتصادی اوراسیا است که از سران کشورهای عضو تشکیل شده است. دومین رکن اتحادیه، شورای بین دولتی اوراسیا است که اعضای آن، نخست وزیران کشورهای عضو هستند.

مناطق آزاد تجاری و صنعتی

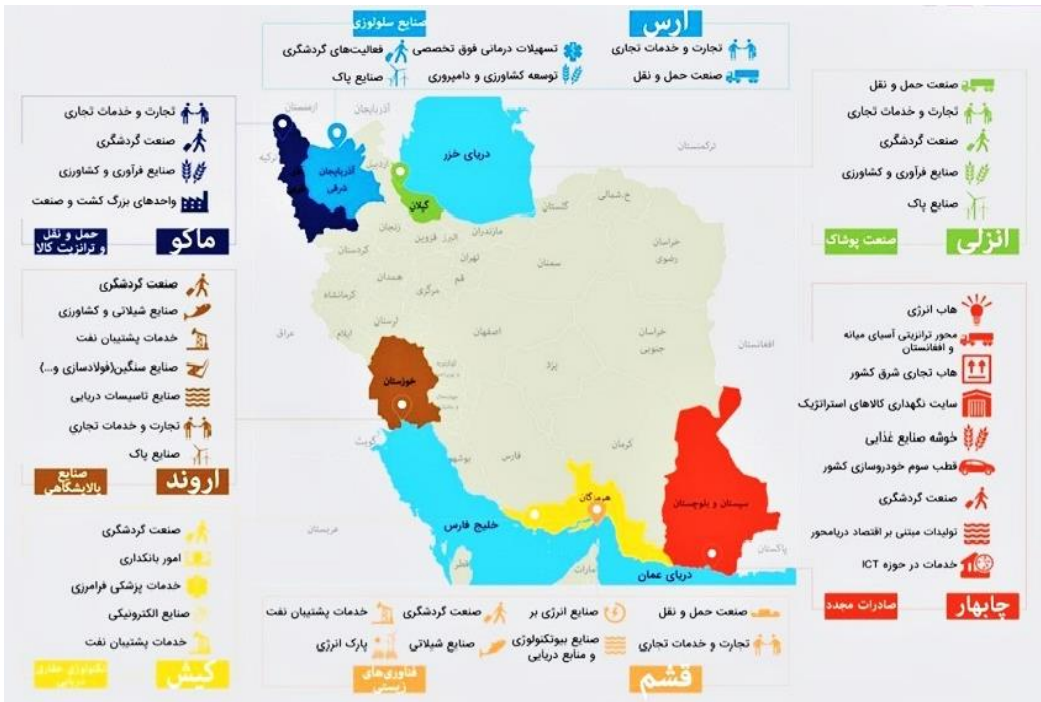
منطقه آزاد تجاری، محدوده معینی از قلمرو یک کشور است که خارج از محدوده قانونی، اداری و فیزیکی تأسیسات گمرکی و معمولاً در محدوده یک بندر قرار دارد و در آن تجارت آزاد با سایر نقاط جهان مجاز شناخته می شود. این مناطق جهت گیری صادراتی دارند و ورود و خروج کالا و سرمایه و جابجایی نیروی کار متخصص در آن ها به سهولت صورت می گیرد. (کریمی کیا و مقدم، ۱۳۹۱) این مناطق با بهره گیری از تسهیلات و مشوق هایی نظیر حذف تعرفه های گمرکی و سود بازرگانی، حذف مالیات برای تولیدکنندگان، حذف تشریفات زائد ارزی، رفع محدودیت های صادراتی و ایجاد تسهیلات در ورود و خروج اتباع خارجی، با جذب سرمایه گذاری خارجی و جذب فناوری مدرن به توسعه سرزمین اصلی کمک می کنند. مناطق آزاد بر حسب نوع فعالیت، به گونه های مختلفی تقسیم می شوند که هر یک کارکرد خاص خود را دارند و از آن جمله می توان به منطقه آزاد تجاری، منطقه آزاد صنعتی، منطقه آزاد تجاری صنعتی، منطقه آزاد گمرکی، منطقه آزاد گردشگری، منطقه آزاد شرکت ها،

منطقه- پردازش صادرات، منطقه ممتاز صادراتی و منطقه ویژه اقتصادی، اشاره

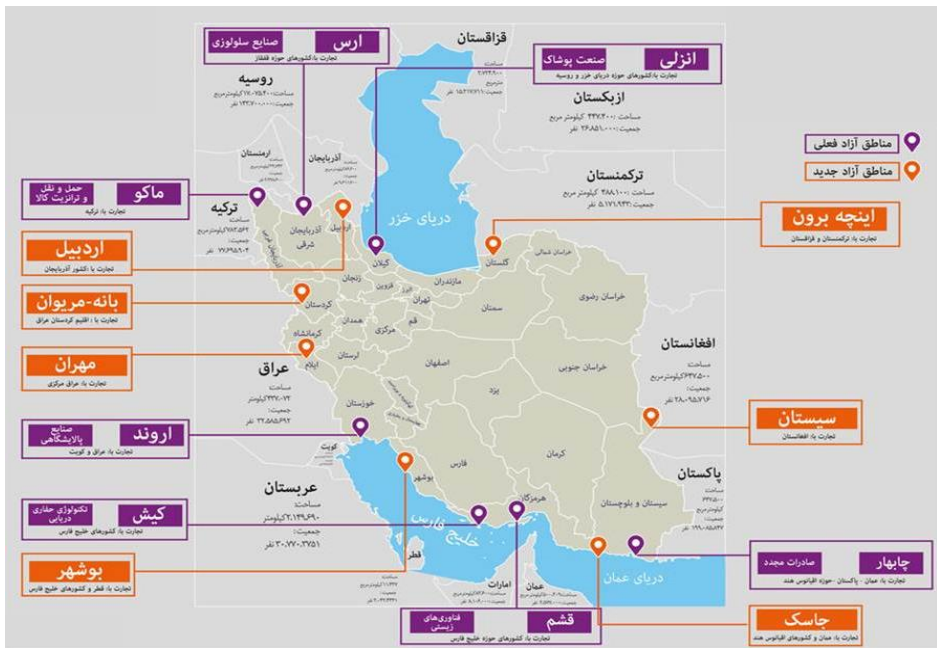
کرد. (گوگردچیان و همکاران، ۱۳۸۹)

مناطق آزاد تجاری در ایران

مناطق آزاد تجاری و صنعتی ایران شامل کیش، قشم، چابهار، ارس، انزلی، اروند و ماکو است. در مجموعه اقدامات و سیاست های مربوط به راهبردهای صادرات گرا، تأسیس مناطق آزاد تجاری و صنعتی و یا به عبارت بهتر مناطق پردازش صادرات به عنوان راهکاری برای تغییر جهت کلی اقتصاد از درون گرایی به برون گرایی و تجارت آزاد مورد استفاده اغلب کشورهای رو به توسعه قرار گرفته است. مناطق آزاد تجاری-صنعتی ایران در واقع سازمان هایی با مالکیت صد در صد دولتی هستند. هیئت وزیران وظیفه تصویب آیین نامه ها و هماهنگ نمودن کلیه فعالیت های هر منطقه، تصویب اساسنامه سازمان منطقه آزاد هر منطقه و شرکت های تابعه، تصویب برنامه های عمرانی، فرهنگی، بودجه سالانه و عملکرد صورت های مالی سازمان مناطق، تصویب مقررات امنیتی و انتظامی مناطق با تأیید فرماندهی کل قوا و اعمال نظارت عالیه بر فعالیت های مناطق را به عهده دارد. سیاست های ترجیحی مناطق آزاد ایران ۲ به شرح زیر است: معافیت های تعرفه ای، انگیزش های مالیاتی، حقوق مالکیت، ورود و خروج سرمایه، فرآیند اداری و اشتغال (التجایی، ۱۳۸۸). نقشه زیر بیانگر موقعیت، نحوه پخش جغرافیایی، اهداف اصلی مناطق آزاد تجاری در ایران است.



نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی مناطق آزاد تجاری و صنعتی ایران و محورهای اصلی حوزه کسب و کار آنها
 ماخذ: روابط عمومی شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی



نقشه ۲: ماموریت های و رویکردهای مناطق آزاد فعلی و جدید ایران برای توسعه روابط تجاری با کشورهای همسایه و پس کرانه های آن ها
 ماخذ: روابط عمومی شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی
 (طرح جامع استقرار مناطق آزاد ایران)

محدوده مورد مطالعه پژوهش

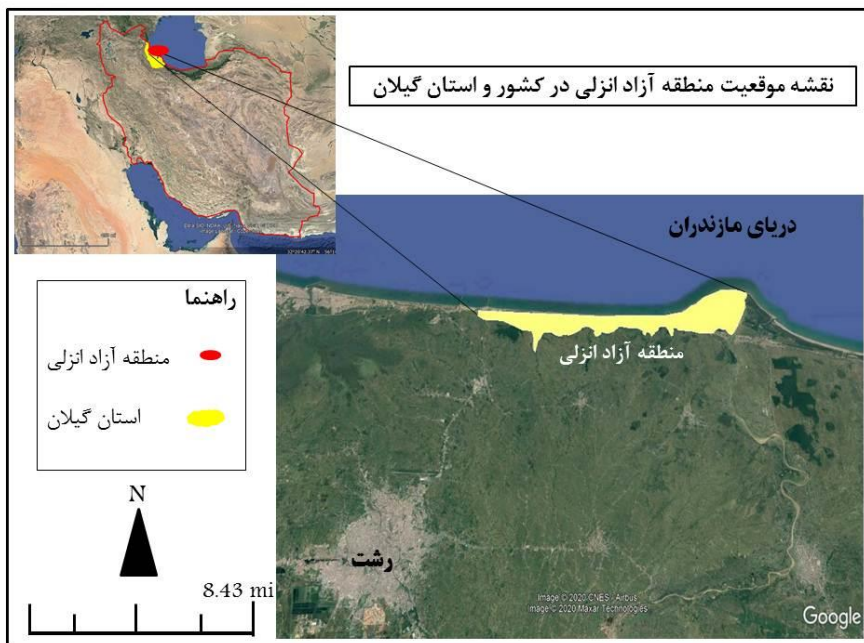
منطقه آزاد انزلی

منطقه آزاد تجاری - صنعتی انزلی یکی از مناطق آزاد هفت‌گانه ایران در استان گیلان است که در راستای اهداف اقتصادی در سال ۱۳۸۴ در شهرستان انزلی تأسیس شد. این منطقه در پهنه آبی، خاکی و ساحلی شهرستان انزلی در شمال ایران، منطقه جنوب دریای خزر و در مسیر کریدور شمال - جنوب واقع گردیده است. در سال ۸۲ منطقه ویژه اقتصادی انزلی به منطقه آزاد تجاری صنعتی انزلی بدل شده و در سال ۸۳ نیز اساسنامه سازمان منطقه آزاد تجاری صنعتی انزلی مورد تصویب هیئت‌وزیران قرار گرفت و محدوده منطقه آزاد تجاری و صنعتی انزلی در سال ۸۴ از طرف هیئت‌وزیران تعیین و ابلاغ شد؛ که بر اساس آن منطقه آزاد انزلی در سه بخش و محدوده مجزای بندری؛ اداره کل بنادر و کشتیرانی استان، شهرک صنعتی انزلی و محدوده منطقه ویژه اقتصادی سابق انزلی با مساحت ۳۲۰۰ هکتار خشکی و تا عمق ۲ کیلومتر از دریا در طول ۲۰ کیلومتر از حاشیه دریای خزر را شامل می‌شد.

منطقه آزاد تجاری - صنعتی انزلی اهدافی همچون ارائه خدمات عمومی، رشد و توسعه اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازار کار و کالا، تشویق تولید و صادرات کالا و همچنین ورود و حضور فعال در بازارهای منطقه‌ای و جهانی، دارا بودن موقعیت ویژه در زمینه ارتباط با کشورهای حاشیه دریای خزر، جذب فناوری‌های جدید و انتقال علم و دانش فنی به عوامل تولید، ایجاد بستر مناسب جهت انجام آزمایشی طرح‌ها

و تعمیم آن به سراسر کشور که رسالت تعامل فعال با جهان، منطبق با اسناد چشم‌انداز بیست ساله کشور را دنبال می‌کند. (سازمان منطقه آزاد تجاری و صنعتی انزلی).

از ویژگی‌های منحصر بفرد این منطقه می‌توان به وجود معافیت گمرکی، امکان ورود اتباع خارجی از طریق مبادی ورودی و خروجی مجاز مناطق بدون نیاز به صدور روادید قبلی، فروش و اجاره زمین به سرمایه‌گذاران داخلی و اجاره زمین به سرمایه‌گذاران خارجی، همجواری با بندر آستراخان و لاگان در روسیه، کراسنودسک در ترکمنستان، اکتائو در قزاقستان و باکو در آذربایجان، دارا بودن کلیه زیرساخت‌های لازم و ارائه تسهیلات بسیار مناسب جهت ایجاد صنایع و واحدهای تولیدی در فاز صنعت محدود منطقه، در نظر گرفتن پهنه‌بندی‌های مناسب برای استقرار پارک های علم و فناوری در منطقه و امکان گسترش ارتباطات علمی با مراکز آموزشی و تحقیقاتی اقصی نقاط جهان و نهایتاً وجود بندرانزلی در محدوده منطقه که دارای امکانات، تجهیزات و تأسیسات پیشرفته‌ای جهت تخلیه و بارگیری و انبارداری است. از مهم ترین آن‌ها می‌توان به وجود ده پست اسکله به طول ۱۵۸۱ متر با کاربری تجاری اشاره کرد. نقشه‌های زیر به ترتیب موقعیت منطقه آزاد انزلی در کشور و در ارتباط با خارج از کشور را نشان می‌دهند.



نقشه ۳: موقعیت منطقه آزاد انزلی پس از اصلاحات سال ۱۳۹۶

ماخذ: Google earth



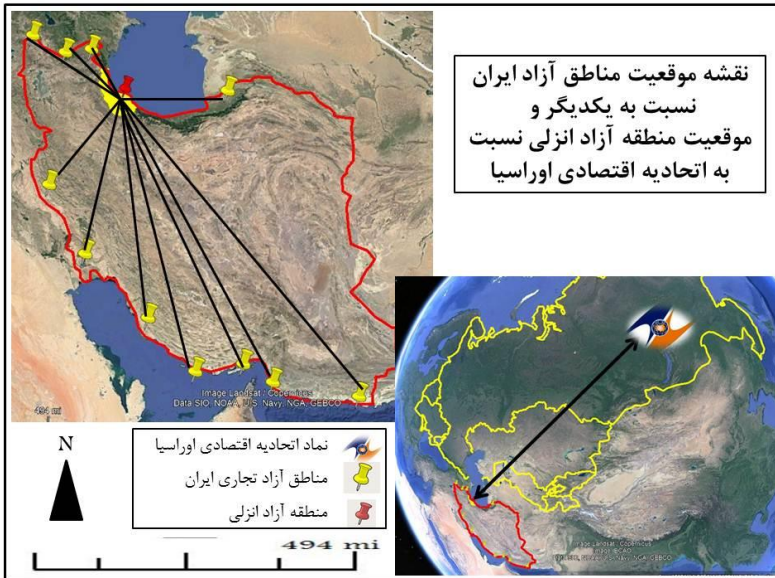
نقشه ۴: موقعیت منطقه آزاد انزلی نسبت به کریدور نسترک
ماخذ: پایگاه اقتصادی و سرمایه‌گذاری سازمان منطقه آزاد تجاری صنعتی انزلی

بحث و نتیجه گیری

مرور تاریخی تحولات اقتصادی جهان پس از جنگ جهانی دوم نشان می دهد که تجارت خارجی می تواند به عنوان محرک و عامل توسعه عمل کند. این مسئله در دنیای اقتصادی امروز که با تغییرات و تحولات فناوری همراه است از اهمیت دوچندانی برخوردار خواهد بود. زیرا هیچ کشوری به تنهایی قادر نخواهد بود همه چیز را برای همه کس تولید کند، بنابراین می توان گفت توسعه بدون تجارت جهانی اتفاق نمی افتد. یکی از راه های بسط تجارت خارجی به کارگیری ابزار منطقه آزاد است. (اسفندیاری و همکاران، ۱۳۸۷) بدین منظور ایجاد مناطق آزاد تجاری در راستای به کارگیری راهبرد تجارت خارجی به عنوان عامل محرک توسعه محسوب می شود. اتخاذ راهبرد تجارت خارجی منوط به گشوده بودن درهای اقتصاد کشور به سمت و سوی بازار آزاد جهانی، اتحادیه های اقتصادی و وارد شدن به ساختار جامعه شبکه ای از طریق گره ها و سیستم فناوری اطلاعات و ارتباطات است. در این میان زیرساخت های فضای سیاسی و ژئوپلیتیک کشور، سیاست خارجی، میزان پیوند و ارتباطات جهانی از فاکتورهای مهم در ورود به سیستم جهان شبکه ای است.

درباره منطقه آزاد تجاری در ایران و به ویژه منطقه آزاد انزلی می توان گفت که ارتباط هر کدام از مناطق آزاد تجاری با پس کرانه های آن ها (برای مثال ارتباط منطقه آزاد اروند با منطقه آزاد دبی) و سپس اتصال و ارتباط تجاری و صنعتی با منطقه آزاد انزلی و در نهایت ارتباط و تعامل منطقه آزاد انزلی با مناطق آزاد اتحادیه اقتصادی اوراسیا به دلیل موقعیت ویژه انزلی در کشور و نیز نسبت به کشورهای همسایه، گام بسیار مهمی در توسعه تجارت خارجی در کشور، رشد

تولید و صادرات، همگام شدن با روند اقتصاد جهانی، ایجاد اشتغال لازم، رشد و توسعه اقتصادی و نظیر این موارد به حساب می آید. بنابراین برای رسیدن به این مهم رفع چالش های بیرونی و درونی موجود در این زمینه اقدامی اساسی محسوب می شود. چالش بزرگ بیرونی در این حوزه برای ایران این است که در حوزه بیرونی رقابت ژئوپلیتیکی گسترده ای از سوی قدرت های کانونی مناطق ژئواستراتژیک جهانی وجود دارد تا ایران را در حوزه اقتصادی و نظامی خود تحت تاثیر قرار دهند. ورود ایران به اتحادیه های اقتصادی منطقه ای اوراسیا و پاسیفیک- آسیا همواره با واکنش جهان شبکه ای در حوزه مالی و بانکداری از سوی قدرت کانونی ژئواستراتژیک آتلانتیک یعنی ایالات متحده، مواجه می شود. این چالش بزرگ بیرونی در پیوستن ایران به اتحادیه های اقتصادی منطقه ای است. چالش های درونی نیز در این زمینه شامل ضعف دستگاه دیپلماسی در فهم جهان شبکه ای و فضای جریان ها و نبود رویکرد عمیق به اقتصاد پست فوردیسم (تولید تکه پاره) در دستگاه دیپلماسی کشور هستند. (قورچی، ۱۳۹۹) برای رفع این چالش ها ضرورتاً باید تمهیداتی اندیشید. در این نوشته براساس بررسی ها و کاوش در شرایط موجود، پیشنهادات و راهکارهای احتمالی ارائه شده اند. همچنین نقشه زیر موقعیت منطقه آزاد انزلی نسبت به سایر مناطق آزاد کشور و اتحادیه اقتصادی اوراسیا را نشان می دهد.



نقشه ۵: موقعیت منطقه آزاد انزلی نسبت به سایر مناطق آزاد کشور و اتحادیه

اقتصادی اوراسیا

منبع: Google earth

پیشنهادات پژوهش

- بازتعریف دقیق و شفاف اهداف تأسیس و استراتژی توسعه مناطق آزاد در ایران و به‌ویژه منطقه آزاد انزلی با رویکرد منطقه‌گرایی نوین، (در درون این پارادایم باید بتوانیم بخشی از سیستم برون‌سپاری (Out-Sourcing) یا دور سپاری (Off-Shoring) جهان را با توجه به مزیت نسبی و موقعیت جغرافیایی برعهده بگیریم)
- تعریف قوانین در روابط بین‌المللی، پیوند با بازارهای بین‌المللی و نیز رعایت تعهدات بین‌المللی با رویکرد صلح و سازش (به‌ویژه با اتحادیه اقتصادی اوراسیا) در منطقه آزاد انزلی،
- وجود فضای صلح‌آمیز، تعاملی و توسعه فضای جریان‌ها از طریق گسترش فناوری اطلاعات و زیرساخت‌های فناوری،
- ثبات داخلی، تمرکز سیاسی و ثبات در قوانین و مقررات مربوط به آن،
- حمایت همه‌جانبه دولت از مناطق آزاد انزلی در زمینه تجارت، ارتباطات خارجی و همچنین تأسیسات زیربنایی،
- تقویت و تسریع ایجاد زیرساخت‌ها، آزادسازی اقتصادی، گسترش مالکیت خصوصی و نهایتاً ضرورت کاهش مداخلات دولتی در امور اقتصادی منطقه آزاد انزلی،
- اصلاح و شفاف‌سازی قوانین و مقررات در مورد حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی و هماهنگی با فعالیت‌های اقتصادی در سطح جهانی،

- ایجاد امنیت برای سرمایه‌گذاری به‌ویژه سرمایه‌گذاران خارجی در انزلی،
- تعریف قوانین و مقررات گمرکی در منطقه،
- کفایت نیروی کار متخصص و داشتن آزادی نسبی در به‌کارگیری نیروی کار خارجی در منطقه آزاد انزلی،
- تغییر و اصلاح زیرساخت‌های فضای سیاسی، کدهای ژئوپلیتیکی و سیاست خارجی کشور در زمینه مناطق آزاد تجاری و به‌ویژه منطقه آزاد انزلی،
- کاهش وابستگی درآمد سازمان منطقه آزاد انزلی از محل واردات،
- ارائه تسهیلات بانکی به طرح‌هایی با توجیه اقتصادی و فنی در انزلی،
- برخورداری از آزادی نقل‌وانتقال سرمایه و ارز در منطقه آزاد انزلی و دسترسی به امکانات مالی و نقدینگی،
- کارآمد کردن سیستم بانکی، بیمه ای و ایجاد یک شعبه از بانک های معتبر بین‌المللی در منطقه آزاد انزلی،
- تعریف استانداردهای مشخص برای ارزیابی عملکرد مناطق آزاد و به خصوص منطقه آزاد انزلی،
- اداره مناطق آزاد انزلی به صورت خودگردانی محلی،
- جلب مشارکت مردمی در منطقه،
- و ایجاد زمینه‌های پیوند منطقه آزاد انزلی با تمامی مناطق آزاد ایران.

منابع پژوهش

منابع فارسی

- اسفندیاری، علی اصغر (۱۳۸۷)، ارزیابی عملکرد مناطق آزاد تجاری در ایران و تاثیر آن در توسعه اقتصادی این مناطق، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۲۸.
- التجایی، ابراهیم (۱۳۸۸)، مناطق آزاد تجاری و صنعتی: ابزار راهبرد توسعه صادرات در مقایسه با سه کشور دیگر آسیایی، پژوهشنامه اقتصادی، تابستان ۱۳۸۸، شماره ۳۳.
- خانیها، نسرین و قورچی، مرتضی (۱۳۸۸)، جهانی شدن، اقتصاد پساوردیسم و تنگه های بین المللی، فصلنامه بین المللی روابط خارجی، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۸۸، صص ۲۲۷-۲۵۶.
- سیمبر، رضا (۱۳۸۵)، منطقه گرایی و صلح سازی در جهان با تاکید بر خلیج فارس، فصلنامه چشم انداز جغرافیایی، سال اول، بهار ۱۳۸۵، شماره ۱.
- صادقی، محمد و دیگران (۱۳۹۹)، تبیین نقش اقتصاد سرمایه داری و فضای جریان ها در ظهور و نقش آفرینی شهرهای جهانی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال شانزدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹، صص ۱۳۷.
- صرافی، مظفر و دیگران (۱۳۸۸)، جهانی شدن، شهرهای جهانی و کلان شهر تهران (نقدی بر دیدگاه نایجل هریس)، مجله اقتصاد شهر، شماره ۳، صص ۹۷-۸۸.
- قورچی، مرتضی (۱۳۹۸)، ایران سردرگم در اقتصاد شبکه ای، روزنامه شرق، ۵ خرداد ۱۳۹۸.
- قورچی، مرتضی (۱۳۹۹)، فضای جریان ها و چالش های منطقه گرایی، روزنامه شرق، ۶ خرداد ۱۳۹۹.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵)، عصر اطلاعات، ظهور جامعه شبکه ای، ترجمه: علی پایا، احد علیقلیان و افشین خاکباز، جلد اول، تهران، انتشارات طرح نو.
- کریمی کیا، اسما و مقدم، محمد (۱۳۹۱)، بررسی عوامل جذب سرمایه گذاری در منطقه آزاد اروند، مجله سیاست گذاری اقتصادی، سال دوازدهم، شماره ۶ و ۷.

- کولایی، الهه و سازمند، بهاره (۱۳۹۳)، جهانی شدن و منطقه گرایی نوین در شرق آسیا، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره اول، صص ۱۵۹-۱۴۰.
- گوگردچیان، احمد و دیگران (۱۳۸۹)، اثر جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر صادرات غیرنفتی در مناطق آزاد تجاری ایران ۱۳۷۵-۱۳۸۷، مجله سیاست گذاری اقتصادی، سال دوم، شماره ۳.
- محمدعلی، موسوی (۱۳۸۸)، جهانی شدن و منطقه گرایی: انفکاک و هم گرایی؟ فصلنامه بین المللی روابط خارجی، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۸، صص ۱۱۹-۱۳۸.
- وب سایت اینترنتی سازمان مناطق آزاد ایران، روابط عمومی شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی (طرح جامع استقرار مناطق آزاد ایران) و وب سایت اینترنتی منطقه آزاد انزلی و سازمان توسعه تجارت ایران.
- منابع لاتین

- About the Eurasian Economic Commission, 2016, available:
<http://www.eurasiancommission.org/en/Pages/ses.asp>
- Castells, Manuel (2000). Toward a Sociology of the Network Society, American Sociological Association, Vol. 29, No. 5.
- Castells, Manuel (2007). The Rise of the Network Society, Translated by Ahmad Aliglian & Afshin Khakbaz, Tehran, Tarhe now Press[In Persian].
- Correia Gill, Ana Cristina (2013), "Globalization and Cultural Identities", The Handbook of Media and Mass Communication Theory, First Edition.
- Harvey, David (1990). The limits to Capital, Oxford, and Oxford University Press.

- Jessop, Bob(2003), The Political Economy of Scale and the Construction of Cross – Border Micro – Regions, in Fredrik Soderbaum and Timothy Shaw, eds., London: Palgrave.
- Kacowicz, Arie M, (1998); Regionalization, Globalization and Nationalism (Convergent, Divergent or Overlapping?), Working Paper# 262.
- Labes, Sebastian (2014), Globalization and Cultural Identity Delimmas”, CES Working Papers – Volume VI, Issue 1.
- Mittelman, James. 2000. The Globalization Syndrome, Princeton: Princeton University Press.
- Sassen, Saskia (2001). The Global City, second edition, Princeton University Press, New York, Tokyo, London.
- The Eurasian Economic Union: Power, Politics and Trade, 2016, International Crisis Group, available: <https://www.crisisgroup.org/europe-central-asia/central-asia/>
- Thorns, David C. (2002). The transformation of cities: Urban theory and urban life. London, England: Palgrave Macmillan.
- Wallerstein, Immanuel (1979). The capitalist world economy, Cambridge university.
- Wallerstein, Immanuel (2008). The emergence and fall of the future capitalist system, Strategic Quarterly, No.15-16, P: 9-44.
- www. Eurasiancommission.org

Global Network and Regional Integration; New Network between Iran's free zones and the Eurasian Economic Union (The case study: Anzali Free Zone)

Abstract

Globalization and the structure of the Post-Fordism economy provide the context for the formation of global network and regional integration. Global network and integration regional also contribute to the global economic system, its activities, and the economic growth and development of countries. Free trade zones are among the nodes to the global network. In Iran, free trade zones have not met this important goal, including the Anzali Free Zone. Anzali Free Zone, with its special geopolitical position in Iran, can be a gateway to the global free market and also a regional integration for Iran. One of the closest and best opportunities for regional integration and the start of global economic activity for Iran, as well as the Anzali Free Zone, is the Eurasian Economic Union. The connection of other free trade zones of Iran to Anzali and then its connection with the Eurasian Economic Union is a foreign policy of Iran to cooperate in the structure of global production and economic development. Therefore, a clear redefinition of the goals of the establishment and strategy for the development of free zones in Iran, and especially the Anzali Free Zone with the approach of modern regionalism, is one of the important principles in this field. The method in this research is descriptive-analytical and the required data is collected in the form of a library and study of texts, documents and interviews related to the research topic.

Keywords: Globalization, Network Society, Post-Fordism Economic, Regionalism, Free Trade Zone, Anzali, Eurasian Economic Union.

مسئله شناسی پایداری مناطق آزاد ایران براساس رویکرد اقتصاد سیاسی فضا

هادی اعظمی^۱، وحید سینائی^۲، فاطمه بخشی شادمهری^۳

چکیده:

وقتی سخن از اقتصاد سیاسی به میان می آید نگاه ما به دو نهاد فعال بازار و دولت معطوف می شود که هر دو در جهت رفاه جامعه گام برمی دارند. دولت از طریق ایجاد عدالت و بازار با افزایش پیشرفت در جامعه.

برای مشاهده این تلاش ها باید به فضاهای شکل گرفته در هر کشور رجوع کرد. یکی از این فضاها، مناطق آزاد است که تشکیل یافته از سیاست های دولت و اهداف بازار است که

۱ دانشجوی جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد. aazami@um.ac.ir. (نویسنده

مسئول)

۲ دانشجوی علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۳ دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

فضای جغرافیایی مستقیم و غیرمستقیم بر آن تأثیرگذار است. نقشی که امروزه مناطق آزاد در توسعه و رونق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورهای جهان داشته، باعث شده تا پایداری این مناطق و عوامل ایجاد ناپایداری برای برنامه ریزان اهمیت یابد. در این راستا در این پژوهش با تأکید بر مناطق آزاد ایران و استفاده از رویکرد اقتصاد سیاسی فضا به شناسایی مسائل موثر در پایداری مناطق آزاد هفتگانه ایران پرداخته شده است. نتایج نشان می دهد که تأثیر دولت به صورت اقتصاد رانتهی حاکم بر ایران، دخالت های اقتصادی بدون توجه به مزیت های نسبی منطقه و کم رنگ بودن شاخص های جغرافیایی در تخصیص بودجه برای هر منطقه سه مسئله ای می باشند که از سوی دولت بر مناطق آزاد اثرگذار بوده است. به گونه ای که باعث شده پایداری مناطق آزاد متعادل نباشد.

واژگان کلیدی: اقتصاد سیاسی، فضای جغرافیایی، پایداری، مناطق آزاد ایران

۱. مقدمه

همواره بشر به دنبال دستیابی به سطح بالایی از توانایی اقتصادی بوده و چه بسا بسیاری از سیاست گذاری ها و درگیری ها نیز بدان جهت روی داده است که منافع افراد و گروه ها به دلیل سهم خواهی زیاد در تضاد باهم قرار گرفته اند و امروزه دستیابی به زندگی بهتر و تقویت شاخص های اقتصادی از موضوعات مهم کشورها محسوب شده و همواره سیاستمداران و برنامه ریزان و در کل همه مردم به تقویت و توسعه اقتصادی می پردازند. تا جایی که دخالت های بخش دولتی و نقش فضاها جغرافیایی در توسعه اقتصادی باعث شده علم اقتصاد سیاسی از رویکرد فضایی هم مورد توجه واقع شود. فضا را می توان پدیده ای دانست که تولید می شود و شکل گیری مناطق با نظام سیاسی،

اقتصادی و اجتماعی جامعه رابطه دارد (Alsayyad, 1993:39). بنابراین، برای شناخت فضا لازم است فرایندهای اجتماعی به خوبی شناخته شده و مورد

تحلیل قرار گیرد؛ سیمای فضایی مکان، منعکس کننده روابط اجتماعی حاکم بر آن است. به نظر مانوئل کاستلز تسلط نظام اقتصادی، اساس سازماندهی فضایی است و فعالیت اقتصادی، سازماندهی فضایی را به عهده دارد. هیچ جامعه‌ای بدون فضایی که خود آن را سازمان بخشیده است، وجود خارجی ندارد (افروخته و حجبی پور، ۱۳۹۴: ۸۸). از این رو، شناسایی نیروهای سازنده و پدید آورنده فضای جغرافیایی و محتوای اجتماعی فضا از ضروریات است. یکی از فضاهایی که در سالهای اخیر نمونه بارز اقتصاد سیاسی محسوب می شود مناطق آزاد تجاری است.

در ایران تفکر ایجاد مناطق آزاد تجاری، پیش از سال ۱۳۳۰ شکل گرفت و با تدوین برنامه اول توسعه به دولت اجازه داده شد تا در سه نقطه اقدام به تأسیس مناطق آزاد تجاری صنعتی کند (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴۹). منطقه آزاد ابزاری است که می تواند برتری های بالقوه کشورها را به توانایی بالفعل تبدیل کند و پلی مستحکم بین اقتصاد ملی آنها و اقتصاد بین المللی برپا سازد. به دلیل پیدایش اثرات مهم و مثبت بر تمام اثرات کشورها، امروزه برنامه ریزان و سیاستمداران به اهمیت مناطق آزاد در توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی توجه دارند و همین امر باعث شده پایداری مناطق آزاد اهمیت بسیاری داشته باشد. چراکه هر قلمرو جغرافیایی سیاسی، بسته به اهدافی که برای آن تعریف شده است، برای بقا در محیط پیچیده‌ی

پیرامونی و رقابت با سایر مناطقی که کارکردها و اهداف مشابهی در سطح کشور، منطقه و یا جهان دارند باید در برخی مسائل کارآمدترین روش‌ها را

برگزیند که در مجموع بر پایداری منطقه افزوده شود. اما قبل از انتخاب بهینه‌ترین روش لازم است که آن منطقه از نظر پایداری مسئله یابی شود. مناطق آزاد کشور ایران که با توجه به سیاست‌های داخلی، نمونه‌ای از اقتصاد سیاسی فضا هستند از این امر مستثنی نیستند و باید با توجه به یک سری عوامل داخلی و خارجی پایداری‌شان مورد بررسی قرار گیرد.

با توجه به تأثیرگذاری که مناطق آزاد بر فضای پیرامونی خود دارند دخالت و تصمیمات دولت در این مناطق (اقتصاد سیاسی) خیلی اثرگذارتر در پایداری این مناطق عمل می‌کند که با بررسی شاخص‌هایی چون اقتصاد رانتهی، توزیع ثروت از طریق بودجه‌بندی و توازن بین این توزیع و فضای جغرافیایی (مساحت، جمعیت و تعداد شهرستان‌ها) هر منطقه به عنوان عوامل داخلی و امنیت (ریسک سیاسی) و وزن ژئوپلیتیکی مناطق آزاد به عنوان عوامل خارجی می‌توان به مسئله شناسی پایداری مناطق آزاد ایران پرداخت.

این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که " رویکرد اقتصاد سیاسی تا چه میزان در پایداری مناطق آزاد نقش داشته است؟". تلاش شده که تحلیل فضایی از رویکرد اقتصاد سیاسی حاکم بر مناطق آزاد ایران صورت پذیرد و ضمن ارزیابی توازن چگونگی تأثیرگذاری اقتصاد سیاسی فضا بر نامتوازن بودن مناطق آزاد هفتگانه در ایران تبیین شود.

۲. مبانی نظری

۱-۲. اقتصاد سیاسی

در جریان روند آهسته‌ای در قرن‌های ۱۸ و ۱۹ اقتصاد سیاسی به عنوان ابزاری برای تحلیل زمینه‌های اجتماعی اقتصادی و صنعتی جهان ساخته شد (Imboele, 2004: 21). مارکس در یک تعریف جامع و کامل از این اصطلاح برای اشاره به تولید، مبادله و مصرف به موازات ترتیبات اجتماعی و سیاسی به هم پیوسته‌ای استفاده کرده که نظم اقتصادی را بازتولید می‌کند (رنه شورت، ۱۳۹۰: ۱۱۱). دیدگاه اقتصاد سیاسی بر ویژگی‌های ساختار روابط اقتصادی به‌ویژه فرایندهای انباشت سرمایه، تولید و مصرف و تضادهای حاصل از برخورد این نیروها توجه دارد (محملی ایبانه، ۱۳۹۰: ۱۶۶).

بنابراین می‌توان گفت به‌طور کلی در اقتصاد سیاسی بنیان امور بر پایه تحلیل نظام روابط دولت با مردم و ملت است که تاکید اصلی آن و چگونگی مدیریت امور اقتصادی به‌ویژه تولید و توزیع ثروت به عنوان اساس تولید اقتصادی در جامعه از سوی دولت است. به‌نوعی اقتصاد سیاسی حاکی از پرداختن به نحوه ساخت کشمکش‌ها و شرایط اقتصادی-اجتماعی جاری در جامعه است (افروخته و حجی پور، ۱۳۹۴: ۹۱).

۲-۲. رویکرد اقتصاد سیاسی به مفهوم فضا

اقتصاد سیاسی فضا با تاکید دوگانه بر تولید فضای جغرافیایی و عدم خنثی بودن آن بر اقتصاد سیاسی، بازتاب تعامل متقابل میان تحول اقتصادی-اجتماعی یک ملت و فلسفه اقتصادی و اجتماعی غالب زمانه است که در فضای جغرافیایی با ظهور نوسانات آونگ ایدئولوژیکی (سیاست‌گذاری‌ها، بازار آزاد، توسعه منطقه‌ای و ...) همواره در سیاست‌های منطقه‌ای بازتاب می‌یابد (رهنمایی و وثوقی، ۱۳۹۲: ۳۵).

دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا به علل پیدایش سکونتگاه‌های مختلف می‌پردازد و می‌کوشد باریشه مسئله درگیر شود. در دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا تاکید بر چشم‌انداز و جهت‌گیری فضایی در ارتباط تنگاتنگ با شیوه تولید اقتصادی و به تبع آن روابط اجتماعی می‌باشد. این دیدگاه، فضا را پدیده‌ای می‌داند که تولید می‌شود، سپس می‌کوشد تا سازوکارهای حاکم و تولید فضا را کشف کند. در این رهگذر، نخستین نتیجه آن است که تولید فضا، چه مستقیم و چه غیر مستقیم، انعکاس روابط طبقاتی یا به بیان کلی‌تر بهره‌کشی است (پاپلی‌یزدی و سناجردی، ۱۳۸۲: ۳۱۲).

بر این اساس، هدف اقتصاد سیاسی فضا، کشف الگوهای فضایی فرآیند تولید، توزیع و مصرف و نقش دولت، گروه‌ها و طبقات اجتماعی در شکل بخشی به این الگوها است (پیران، ۱۳۷۰: ۷۸).

مفاهیمی نظیر فرایند فشرده‌گی فضا و زمان، تطور تاریخی - جغرافیایی جوامع، روابط نظام سرمایه‌داری، نقش دولت و برنامه ریزان، عدالت و توزیع عادلانه، رانت و مازاد تولید، انباشت ثروت، طبقه و قدرت در چارچوب مکتب اقتصاد سیاسی فضا مورد بحث قرار می‌گیرد (محملی ابیانه، ۱۳۹۰: ۱۶۶).

۳-۲. مناطق آزاد

منطقه آزاد، محدوده‌ای است در داخل مرزهای سیاسی کشور که مشمول محدودیت‌های قانونی، به‌ویژه مقررات گمرکی نباشد. این مناطق با توجه به اینکه در بیرون از محدوده منطقه گمرک قرار دارند، حقوق رایج در حوزه‌های تجاری، مالی و اقتصادی و نیز نظام اداری کشور در آن‌ها به اجرا در نمی‌آید و یا اینکه تاندازه‌ای به اجرا درمی‌آید و به شدت مورد تشویق برای فعالیت‌های

صنعتی و تجاری قرار دارند و به لحاظ فیزیکی نسبت به قسمت‌های دیگر کشور متفاوت و جدا هستند (اعظمی و بخشی، ۱۳۹۵: ۶).

در این مناطق محدودیت‌های مختلف در زمینه موانع گمرکی و تجاری شرایط سرمایه‌گذاری، تملک خارجی آن و ... نسبت به سایر مناطق کشور کمتر است و یا اساساً وجود ندارد (محمدی الموتی، ۱۳۷۴: ۳).

بنا به تعاریف بین‌المللی، منطقه آزاد محدوده حراست شده بندری و غیر بندری است که از شمول برخی از مقررات جاری کشور متبوع خارج بوده و با بهره‌گیری از مزایایی نظیر معافیت‌های مالیاتی، بخشودگی سود و عوارض گمرکی، عدم وجود تشریفات زائد ارزی، اداری و مقررات دست و پاگیر و همچنین سهولت و تسریع در فرایندهای صادرات و واردات با جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری به توسعه سرزمین اصلی کمک می‌نماید. در تعریف سازمان ملل متحد از مناط آزاد به عنوان محرکی در جهت تشویق صادرات صنعتی تلقی می‌گردد (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴۸). در دنیای اقتصاد، توسعه سرمایه‌گذاری بخش خارجی، تأمین زمینه‌های استفاده تولیدکنندگان داخلی از پول موجود در بازارهای جهانی، حضور در بین قدرت‌های رقیب در عرصه بین‌المللی، افزایش صادرات با حمایت از رشد و توسعه صنایع صادراتی، افزایش واردات ارزی، کمک به حل مسئله بیکاری با ایجاد فرصت‌های جدید شغلی، ارتقاء سطح استانداردهای اقتصادی با وارد کردن تولیدات پیشرفته و فناوری‌های مدرن مدیریتی از خارج به داخل کشور جزو مهم‌ترین اهداف ایجاد مناطق آزاد به شمار می‌روند. مناطق آزاد، به‌ویژه از دید کشورهای در حال توسعه یکی از سیاست‌هایی است

که باهدف ایجاد هر چه سریع تر همگرایی اقتصادی شکل می گیرند (ولی قلی زاده و اللهوردی زاده، ۱۳۸۹: ۱۵۹). ارزیابی ۶۰ منطقه از ۸۶ منطقه ای آزاد

جهان که مورد بهره برداری طولانی مدت قرار گرفته اند نشان می دهد که ۲۵ منطقه به طور کامل موفق بوده، ۱۰ منطقه به موفقیت نزدیک بوده اند، ۷ منطقه تا حدودی موفق و ۱۸ منطقه به وضوح ناموفق بوده اند. بیشتر موارد ناموفق از سالهای ۱۹۷۰ به بعد شروع به کار کرده اند.

از عوامل ناکامی مناطق آزاد ناموفق جهان می توان به این موارد اشاره کرد:

۱. مکان یابی نادرست این مناطق
۲. ضعف مدیریت مناطق
۳. بی ثباتی سیاسی مناطق
۴. نارسایی امکانات اولیه و تأسیسات
۵. عوامل بازدارنده فرهنگی و اجتماعی
۶. ضعف و بی ثباتی قوانین
۷. عدم وجود مزیت های نسبی برای جذب سرمایه گذاران داخلی و

خارجی

۴-۲. شاخص مهم پایداری مناطق آزاد با توجه به اهداف این مناطق: در ادبیات موجود به ضوابط اصلی و ثانویه ی زیر که در انتخاب مناطق آزاد و محدوده ی این مناطق باید مورد توجه قرار گیرد که این می تواند در پایداری مناطق تأثیرگذار باشد، اشاره شده است:

ضوابط اصلی

* دوری از نواحی بحرانی و بحران زای خارج؛

* دسترسی به راه‌های آبی بین‌المللی؛

* دسترسی به مسیرهای عمده ارتباطی منطقه‌ای، داخلی و بین‌المللی؛

* اهمیت بازرگانی؛

* دسترسی مطمئن به صنایع همگانی و خدماتی؛

* دسترسی به نیروی کار و ساختارها و توان‌های اقتصادی مناسب؛

* دسترسی به نوار مرزی کشور.

ضوابط ثانوی

* دسترسی به انرژی ارزان؛

* دسترسی به منابع معدنی؛

* اهمیت داد و ستد بین‌المللی با جاذبه‌های خارجی؛

* سهولت کنترل فیزیکی و امنیت منطقه‌ی آزاد؛

* برخورداری از شرایط آب و هوایی مناسب؛

* دسترسی به پس‌کرانه‌های قابل توسعه؛

* دوری از پایگاه‌های نظامی عمده (فتاحی، ۱۳۹۷: ۳۳۱-۳۳۰).

۳. روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده که آمار اولیه به منظور تکمیل بانک اطلاعات تحقیق از طریق بررسی آمارنامه‌ها و سایر مستندات آماری مرکز آمار ایران و شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی کشور به دست آمده است. نتایج داده‌ها تحلیل شده و از نرم افزار ArcGis برای ترسیم نقشه استفاده شده است.

۴. پیشینه تحقیق

در رابطه با موضوع پژوهش مطالعات انجام شده را می توان در سه دسته تقسیم کرد:

اقتصادی سیاسی، رویکرد فضایی در اقتصاد سیاسی و منطقه آزاد با تاکید بر توسعه و پایداری.

در جدول ذیل به تعدادی از این مطالعات اشاره مختصر شده است.

جدول شماره ۱: پیشینه تحقیق

حوزه	نویسندگان (سال)	عنوان	نتایج
اقتصاد سیاسی	منوچهر پاپور (۱۳۸۵)	نقش دولت ایران در پیشرفت منطقه آزاد انزلی	برای آزمون فرضیات از نظریه های اقتصاد سیاسی بین المللی استفاده شده که نتایج حاکی از دولت با تنظیم قوانینی از سرمایه داران حمایت می کند که تا حدودی این امر باعث رونق اقتصادی منطقه آزاد انزلی شده است.

<p>نتایج این پژوهش بیانگر اثر مثبت و معنی‌دار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات غیرنفتی در مناطق آزاد است. به گونه ای که منطقه آزاد کیش بهترین عملکرد را در زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه صادرات در بین مناطق آزاد تجاری کشور داشته است.</p>	<p>اثر جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات غیر نفتی در مناطق آزاد تجاری ایران</p>	<p>گوگردچیان، طیبی و امینی (۱۳۸۹)</p>	
---	---	---------------------------------------	--

<p>در این کتاب نویسنده بیان می کند که مناطق اقتصادی ویژه (SEZs) به یک سیاست توسعه عمومی در سراسر جهان در نیم قرن گذشته تبدیل شده اند و در فصول کتاب به علت موفق بودن و نبودن مناطق اقتصادی ویژه، نقش دولت در موفقیت های این مناطق، ارائه تاکتیک هایی برای اصلاحات اقتصادی از طریق مناطق ویژه اقتصادی می پردازد.</p>	<p>The Political Economy of Special Economic Zones Concentrating Economic Development</p>	<p>Farole&Moberg (۲۰۱۷)</p>	
---	---	-------------------------------------	--

<p>پژوهشگر در این مقاله ۲۱ چالش را بررسی می کند و در نهایت بیان می کند برخی از این چالشها پایداری این منطقه ای آزاد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می دهند اما برخی دیگر از چالشها، نه تنها می توانند بر پایداری منطقه به منزله ی یک منطقه ای آزاد تجاری اثرگذار باشند بلکه می توانند پایداری محیط زیستی دو شهرستان خرمشهر و آبادان را به شدت تحت تأثیر قرار دهند و با مخاطرات جدی روبرو کنند.</p>	<p>مسئله شناسی پایداری در منطقه آزاد اروند</p>	<p>فتاحی (۱۳۹۷)</p>	<p>پایداری و توسعه مناطق آزاد</p>
<p>نتایج تحلیل فضایی روستاهای مورد مطالعه نشان داد که نقش منطقه آزاد تجاری در تقویت شاخص های اقتصادی در ۲۵ درصد روستاها در سطح قوی و در ۴۱ درصد روستاها در سطح متوسط است.</p>	<p>بررسی نقش منطقه آزاد تجاری در بهبود شاخص های اقتصادی مناطق روستایی: شهرستان ماکو</p>	<p>حیدری ساریان (۱۳۹۸)</p>	
<p>نتایج این پژوهش نشان می دهد که این منطقه آزاد اگرچه در متغیر میزان</p>	<p>ارزیابی عملکرد منطقه آزاد بندر انزلی و تأثیر آن بر</p>	<p>اعظمی و بخشی (۱۳۹۵)</p>	

<p>سرمایه خارجی با توجه به سابقه تأسیس در جذب سرمایه عملکرد خوبی داشته است. ولی در جمع بندی متغیرهای عدم رشد این منطقه با توجه به پتانسیل های موجود را می توان بیان کرد که در صورت عکس این نتیجه می توانست بر توسعه هر چه بیشتر نوار شمالی کشور ایران تأثیر گذار باشد.</p>	<p>توسعه نوار شمالی کشور</p>		
<p>نتایج حاکی از آن است که بر اساس شاخص های صادرات، واردات، سرمایه گذاری داخلی و خارجی، ترانزیت، شرکت ها و مؤسسات ثبت نشده، منطقه آزاد ماکو بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده است و بعد از آن مناطق آزاد اروند، کیش، انزلی، ارس، قشم و چابهار قرار گرفته اند. از این رو می توان با تقویت شاخص هایی چون افزایش سرمایه گذاری خارجی و داخلی، صادرات و راه یافتن</p>	<p>ارزیابی و اولویت بندی مناطق آزاد کشور و تاثیر آن در توسعه اقتصادی این مناطق</p>	<p>دهم رده، علی احمدی و قادری (۱۳۹۸)</p>	

<p>به بازار جهانی و منطقه‌ای به توسعه اقتصادی این مناطق</p>			
<p>کمک کرد.</p>			
<p>نتایج این پژوهش نشان داد نتایج نشان داد گرایش و فقدان سبب‌های اجرایی و ساخت تک قطبی در اقتصاد نداشتن مدیریت صحیح و سیاسی حاکم بر فضا وجود دارد. انعطاف‌ناپذیری در قوانین و مقررات مربوط به اقتصاد سیاسی منجر به سرمایه‌گذاری‌های خارجی در پایایی نابرابر منطقه‌ای و منطقه آزاد چابهار و کمبود شدت بخشی به نامتوازی امکانات زیربنایی اولیه از فضایی شده است. نکته در مهم‌ترین موانع توسعه منطقه آزاد چابهار و به تبع آن استان بر خوردار از مواهب اقتصادی سیستان و بلوچستان است. - اجتماعی در فضای</p>	<p>نقش منطقه آزاد چابهار در توسعه منطقه‌ای استان سیستان و بلوچستان اقتصاد سیاسی فضا و تعادل منطقه‌ای ایران</p>	<p>زیاری و همکاران (۱۳۸۸) افروخته و حجتی پور (۱۳۹۴)</p>	<p>اقتصاد سیاسی فضا</p>
<p>سرزمینی متشکل از مناطق تهران البرز و اصفهان پدیدار شده است.</p>			

۵. مناطق مورد مطالعه

هفت منطقه آزاد تجاری ارس، ماکو، انزلی، قشم، کیش، چابهار و اروند در کشور فعال هستند که به طور کلی مساحت حدود ۵۴۷۷۷۰ هکتار و جمعیت ۹۴۷۲۸۴ نفر را پوشش می دهد.

نقشه شماره ۱: مناطق آزاد ایران



منبع: www.Freena.ir (۱۳۹۸)

که اولین آن منطقه آزاد قشم و جوان ترین منطقه نیز ماکو می باشد. برای شناسایی بهتر وضعیت کلی مناطق آزاد ایران را براساس شش شاخص مهم (شاخص تعداد شرکتهای، میزان صادرات، میزان واردات، میزان جذب سرمایه گذاری خارجی و داخلی، ترانزیت و میزان زیرساخت های موجود در بدو تأسیس) بررسی شده است.

جدول شماره ۲: وضعیت مناطق آزاد ایران از نظر شاخص‌های تعداد شرکتها، میزان صادرات، میزان واردات، میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی، ترانزیت و میزان زیرساخت‌های موجود در بدو تأسیس

نتایج	وضعیت	شاخص
این مسئله نشان می‌دهد فعالیت شرکتها در حوزه تجارت بسیار بیشتر از شرکت‌های تولیدی است. در واقع یکی از علل صادرات پایین از مناطق آزاد را می‌توان میزان اندک تولید محصول در این مناطق دانست	۳۳۰۰ شرکت به طور معمول حدود ۱۰ درصد از واردات کالاها در مناطق آزاد، صرف تهیه مواد اولیه و دیگر مواد موردنیاز بنگاه‌های تولیدی در داخل این مناطق می‌شود.	تعداد شرکتها
میزان واردات مناطق شش برابر مقدار صادرات بوده است. میزان صادرات کل مناطق آزاد در کشور کمتر از یک میلیارد دلار در سال است.	در سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ میزان کل صادرات مناطق آزاد کشور حدود ۵۴ هزار و ۳۵۳ میلیارد ریال و میزان واردات ۳۲۶ هزار و ۹۳۱ میلیارد ریال بوده است	میزان صادرات و واردات

<p>به طور متوسط در مناطق آزاد ایران سالانه ۴۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری خارجی می‌شود.</p>	<p>مقایسه این شاخص با میزان سرمایه‌گذاری خارجی در نقاط کشور وضعیت رضایت‌بخش‌تری ترسیم می‌کند، با این حال روند سرمایه‌گذاری خارجی در سالهای مذکور به استثنای سالهای ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ نزولی بوده است.</p>	<p>میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی</p>
<p>مناطق آزاد در ایران قبل از ایجاد زیرساخت‌های لازم به عنوان منطقه آزاد، فعالیت‌شان را شروع کرده‌اند. با این هدف که هزینه ایجاد زیرساخت‌ها از طریق عوارض واردات تأمین شود. همین امر موجب شده است مسئولان اداره کننده مناطق آزاد در کشور نه تنها تمایلی نسبت به کاهش واردات نداشته باشند، بلکه همواره سعی کنند میزان واردات را افزایش دهند. در نتیجه، در سال ۱۳۹۳ در قبال بیش از ۳ میلیارد دلار واردات از مناطق آزاد تنها ۲۰۰ میلیون دلار صادرات از این مناطق صورت گرفته است. بی تردید یکی از مهم‌ترین دلایل رونق واردات در مناطق آزاد، تأمین هزینه توسعه و ایجاد زیرساخت‌های این مناطق از محل درآمدهای وارداتی است.</p>		<p>سرمایه‌گذاری داخلی</p>
<p>مطابق آمار دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد کشور، میزان ترانزیت در مناطق آزاد تجاری در سال ۱۳۹۰ معادل ۱۲۰۸ میلیون دلار بوده است.</p>		<p>ترانزیت</p>

منبع: آمار شورای عالی مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی کشور

در بررسی های انجام شده و آمار شورای مناطق آزاد ایران در ۱۰ شاخص عملکرد مناطق (کسب رتبه برتر) به شرح جدول ذیل می باشد.
جدول شماره ۳: رتبه مناطق آزاد ایران براساس شاخص های عملکردی

منطقه آزاد رتبه برتر		شاخص
ماکو		میزان ترانزیت خارجی از طریق مناطق آزاد
کیش		واردات به منظور تولید، عرضه، مصرف در مناطق آزاد
ماکو		صادرات کالا داخلی از طریق مناطق آزاد
اروند		صادرات کالا و خدمات تولیدی در مناطق آزاد
اروند		تعداد شاغلین موجود در مناطق آزاد
اروند		میزان اشتغال ایجاد شده مناطق آزاد
انزلی		تعداد گردشگران ورودی مناطق آزاد
صدور مجوز	تحقق یافته	میزان سرمایه گذاری داخلی بخش غیردولتی در مناطق آزاد
چابهار	کیش	
صدور مجوز	تحقق یافته	میزان سرمایه گذاری خارجی (مستقیم و مشارکت) در مناطق آزاد
قشم	اروند	
تعداد واحدهای اقتصادی ثبت شده در مناطق آزاد		
تولیدی	معدنی	کشاورزی و شیلات
کیش	ماکو	تجاری و بازرگانی
کیش	ماکو	خدماتی و گردشگری
کیش	ماکو	واحدصنفی
کیش	ماکو	قشم
کیش	ماکو	اروند
کیش	ماکو	اروند

منبع: نگارنده براساس آمار شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی کشور

۶. یافته‌های تحقیق

با توجه به تاثیر مستقیم و غیر مستقیمی که سیاست‌گذاری‌های دولت و فضای جغرافیایی بر پایداری منطقه آزاد دارد، در این بخش ۵ حوزه مورد بررسی قرار گرفته تا از این طریق مسائل موثر در پایداری مناطق آزاد شناسایی شود.

۶-۱. تخصیص فضایی بودجه

بودجه جاری سازمان‌های مناطق آزاد کشور در سال ۱۳۹۸ که در راستای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و اهداف کلان کمک به تامین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله کشور، تنوع بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورهای منطقه به ویژه همسایگان و توسعه و تسریع عمران و آبادانی منطقه‌ای و توانمند سازی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوامع محلی به عنوان اهداف راهبردی و در چارچوب وظایف و مسئولیت‌های قانونی مناطق آزاد کشور تدوین شده است، از حیث درآمد بالغ به ۱۰,۷۹۷ میلیارد ریال و از حیث هزینه ها بالغ بر ۱۰,۰۹۴ میلیارد ریال می باشد.

پویش روند توزیع فضایی اعتبارات در اسناد برنامه‌ریزی (بودجه‌های سنواتی) نشان داد (جدول ۴ و ۵) که از مجموع اعتبارات بودجه‌ای تخصیص یافته به مناطق، در سال ۱۳۹۵ مناطق آزاد اروند و کیش بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است و در مقابل منطقه آزاد ماکو کمترین سهم. در سال ۱۳۹۸ مناطق آزاد اروند و کیش بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است و در مقابل منطقه آزاد انزلی کمترین سهم از اعتبارات بودجه‌ای را داشته است.

جدول شماره ۴: خلاصه بودجه سال ۱۳۹۵ سازمان های مناطق آزاد تجاری -

صنعتی کشور

کیش	قشم	چابهار	ارس	اروند	انزلی	ماکو
۱,۸۸۰,۰۰۰	۱,۳۲۳,۰۰۰	۱,۳۰۹,۰۲۷	۷۱۶,۳۴۰	۱,۲۱۷,۶۴۰	۵۱۹,۰۰۰	۴۱۴,۲۷۲
۱,۸۸۰,۰۰۰	۱,۱۴۶,۴۷۳	۱,۳۰۹,۰۲۷	۷۱۶,۳۴۰	۱,۰۶۷,۶۴۰	۵۱۹,۰۰۰	۴۱۴,۲۷۲
۵,۱۱۰,۰۰۰	۲,۴۹۰,۲۲۷	۱,۳۰۰,۹۷۴	۱,۴۵۱,۰۰۰	۳,۲۸۷,۰۲۴	۱,۳۲۹,۱۵۵	۱,۳۸۹,۵۰۰
۵,۱۱۰,۰۰۰	۲,۴۹۰,۲۲۷	۱,۳۰۰,۹۷۴	۱,۴۵۱,۰۰۰	۳,۲۸۷,۰۲۴	۱,۳۲۹,۱۵۵	۱,۳۸۹,۵۰۰
۱۳,۹۸۰,۰۰۰	۷,۴۴۹,۹۲۷	۵,۰۲۰,۰۰۲	۴,۳۳۴,۶۸۰	۸,۸۵۹,۳۲۸	۳,۶۹۶,۳۱۰	۳,۶۰۷,۵۴۴

جدول شماره ۵: خلاصه بودجه سال ۱۳۹۸ سازمان های مناطق آزاد تجاری -

صنعتی کشور

کیش	قشم	چابهار	ارس	اروند	انزلی	ماکو
۳,۰۳۱,۷۵۰	۱,۷۰۹,۵۰۳	۱,۶۱۲,۲۱۸	۱,۱۰۵,۰۰۰	۱,۹۶۳,۱۰۰	۷۹۳,۹۰۰	۵۷۱,۹۴۸
۲,۶۰۲,۷۰۸	۱,۷۰۹,۵۰۳	۱,۶۱۲,۲۱۸	۱,۰۹۵,۰۰۰	۱,۷۶۰,۱۴۲	۷۷۹,۶۰۰	۵۳۵,۶۴
۹,۰۷۳,۰۴۲	۴,۶۱۶,۳۲۷	۶,۲۹۶,۷۸۲	۱,۹۷۳,۵۰۰	۱۳,۰۲۳,۹۵۸	۱,۸۳۶,۸۰۰	۳,۹۰۴,۵۴۹
۸,۸۱۷,۰۰۰	۴,۶۱۶,۳۲۷	۶,۲۹۶,۰۰۰	۱,۷۹۵,۰۰۰	۱۳,۰۲۳,۹۵۸	۱,۸۳۶,۸۰۰	۳,۹۰۰,۳۴۹
۲۳,۵۲۴,۵۰۰	۱۲,۶۵۱,۶۶۰	۱۵,۸۱۷,۲۱۸	۵,۹۶۸,۵۰۰	۲۹,۷۷۱,۱۵۸	۳,۶۸۹,۳۳۵	۸,۴۳۰,۴۱۰

منبع (شورای عالی مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی کشور)

در مقایسه دو دوره ۱۳۹۸ و ۱۳۹۵ در مجموع ۷ منطقه آزاد ۶ منطقه با افزایش سهم اعتبارات مواجه شده اند که در این بین منطقه آزاد چابهار رشد قابل ملاحظه ای داشته است و فقط منطقه آزاد انزلی با کاهش رشد اعتبارات روبرو بوده است.

۶-۲. توزیع ثروت به نسبت ویژگی های فضایی هر منطقه (مساحت، جمعیت، تعداد شهرستان محدوده)

یکی از مسائل مهم در خصوص نحوه توزیع فضایی ثروت از سوی نظام اقتصاد سیاسی، توجه به ویژگی های هر واحد فضایی در مناطق مختلف است. هر چند در واقعیت طرح ریزی و بودجه بندی برای مناطق در سطح کلان، شاخص هایی همچون توزیع ثروت براساس واحد سطح، جمعیت و تعداد سکونتگاه های جغرافیایی در محدوده منطقه آزاد کمتر دیده می شود، اما عینیت کارکردی نحوه توزیع ثروت و سرمایه ی ملی مناطق را به نحو روشنی می توان در تغییر و تحولات ملاحظه نمود و در خصوص کارآمدی نظام تخصیص بودجه و ثروت اظهار نظر نمود. چرا که در اهداف راهبردی و در چارچوب وظایف و مسئولیت های قانونی مناطق آزاد کشور توسعه و تسریع عمران و آبادانی منطقه ای و توانمندسازی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوامع محلی تدوین شده است.

از سوی دیگر تمامی مناطق آزاد در مناطق مرزی و پیرامونی قرار گرفته اند که با توجه به در نظر گرفتن سطح برخورداری از توسعه استان های کشور، استان های مرکزی نسبت به استان های حاشیه ای از سطح توسعه بالاتری برخوردارند. این در حالی است که مناطق آزاد می بایست برای مناطق حاشیه ای می بایست در حکم موتور محرکه محسوب شده و نقش مهمی در توسعه مناطق محروم محدوده خود داشته باشند.

به عنوان مثال منطقه آزاد چابهار یکی از بهترین گزینه های خروج نسبی استان سیستان و بلوچستان از بحران ناشی از توسعه نیافتگی همه جانبه و

چند بعدی می‌باشد. چرا که مناطق آزاد نه فقط به عنوان ابزارهای توسعه اقتصادی، بلکه عواملی برای جذب سرمایه، انتقال فناوری، آموزش نیروی انسانی، اتصال به بازار جهانی و در نهایت دریچه‌ای به سوی توسعه اقتصادی به شمار می‌روند. در نتیجه با سازماندهی مطلوب منطقه آزاد تجاری چابهار و صنایع مرتبط با آن، افزایش سقف مبادلات بازارچه‌های مرزی و قانون‌مند کردن فعالیت‌های تجاری-مرزی و ... گامی بزرگ برای توسعه جنوب شرق کشور برداشته خواهد شد.

جدول شماره ۶: بررسی شاخص های فضایی (مساحت، جمعیت و محدوده

جغرافیایی) مناطق آزاد ایران

منطقه آزاد	مساحت منطقه آزاد	جمعیت	محدوده جغرافیایی
قشم	۳۰،۰۰۰ هکتار	۱۴۸،۹۹۳	۱ شهرستان
کیش	۹،۱۵۰ هکتار	۳۹،۸۵۳	۱ شهرستان
چابهار	۱۴،۰۰۰ هکتار	۱۴،۵۰۰	۱ شهرستان
ارس	۵۱،۰۰۰ هکتار	۱۹،۳۸۳	۳ شهرستان
انزلی	۹،۰۰۰ هکتار	۲۱،۳۳۵	۲ شهرستان
اروند	۳۷،۴۰۰ هکتار	۳۶۴،۵۷۳	۲ شهرستان
ماکو	۵۰۰،۰۰۰ هکتار	۱۹۲،۶۰۳	۳ شهرستان

منبع: نگارنده براساس داده‌های مرکز آمار و شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی کشور

بررسی آمار نشان داد، بیشترین جمعیت که می توانند تحت تاثیر توسعه مناطق آزاد باشند به ترتیب در سه منطقه آزاد اروند، ماکو و قشم قرار دارند.

جدول شماره ۷: مقایسه مناطق آزاد از نظر تخصیص رتبه، تعداد جمعیت و

مساحت

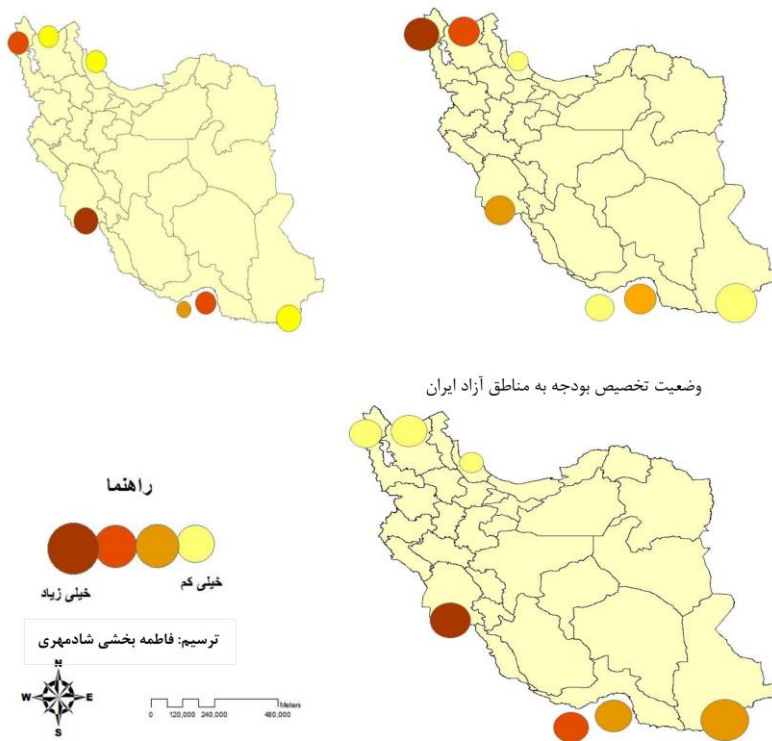
منطقه آزاد	رتبه در مساحت	رتبه در جمعیت	رتبه در بودجه
قشم	۴	۳	۳
کیش	۶	۴	۲
چابهار	۵	۷	۳
ارس	۲	۶	۴
انزلی	۷	۵	۴
اروند	۳	۱	۱
ماکو	۱	۲	۴

منبع: نگارنده براساس داده های مرکز آمار و شورای عالی مناطق آزاد تجاری -

صنعتی و ویژه اقتصادی کشور

از آنجا که در ماموریت های مناطق آزاد توسعه فراتر از سطح منطقه مطرح شده است و بودجه برای بخش های عمرانی شهر هم تخصیص داده می شود در نتیجه از سوی پژوهشگر مطالعه آمارهای مربوط به جمعیت اهمیت دارد. برای درک بیشتر سه شاخص جمعیت، مساحت و بودجه هر منطقه آزاد به صورت نقشه نمایش داده شده است.

نقشه شماره ۲: توزیع فضایی شاخص‌های مساحت، جمعیت و تخصیص بودجه در مناطق آزاد



۳-۶. بهره مندی فضایی از امنیت

در بررسی‌های مربوط به بهره‌مندی مناطق آزاد از امنیت، ریسک کشوری و سیاسی اهمیت دارد که به منظور مقایسه ریسک سیاسی کشورها، از شاخص‌های محیط سیاسی و ثبات سیاسی استفاده شده است. ریسک سیاسی و کشوری یکی از عوامل اصلی موثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تلقی می‌شود. ریسک سیاسی به خاطر بروز برخی از نا اطمینانی‌ها در ساختارهای قانون‌گذاری و سیاستی بروز می‌نماید (Kale, 1992). فری و اشنايدر بیان می‌کنند که حجم سرمایه‌گذاری خارجی به هر دو عامل سیاسی و اقتصادی مرتبط است. همین امر باعث شده تا این شاخص در اقتصاد سیاسی مورد توجه قرار گیرد. فری و اشنايدر برای تبیین فرضیه خود از مدلی بهره می‌گیرند که علاوه بر متغیرهای سیاسی و اقتصادی، رتبه اعتباری کشورها را نیز در نظر می‌گیرد. نتیجه کار آنها در ارتباط با ۵۴ کشور در حال توسعه نشان داد که هر دو گروه عوامل سیاسی و اقتصادی در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی موثرند (schaneider & Frey, 1985).

مقایسه شاخص‌های محیط سیاسی و ثبات سیاسی نشان می‌دهد که کشورهای در حال توسعه و کشورهای شرق آسیا عمدتاً از ریسک بالایی برخوردار هستند.

در مناطق آزاد ایران با توجه به دو عامل ریسک سیاسی و ثبات سیاسی داخلی و خارجی وضعیت نابرابر است.

جدول شماره ۸: وضعیت ثبات و ریسک داخلی و خارجی مناطق آزاد ایران

کیش	قشم	چابهار*	ارس	اروند*	انزلی	ماکو	
وضعیت مطلوب	وضعیت مطلوب	وضعیت نامطلوب	وضعیت مطلوب	وضعیت کمی نا مطلوب	وضعیت مطلوب	وضعیت مطلوب	ثبات داخلی - خارجی
وضعیت مطلوب	وضعیت مطلوب	وضعیت نا مطلوب	وضعیت مطلوب	وضعیت کمی نا مطلوب	وضعیت مطلوب	وضعیت مطلوب	ریسک داخلی - خارجی

*با توجه به مصاحبه‌ای که با کارشناسان جغرافیای سیاسی در رابطه با این مناطق انجام شد، دو منطقه آزاد اروند و چابهار وضعیت ریسک سیاسی و ثبات داخلی-خارجی فضای جغرافیایی‌شان نسبت به پنج منطقه آزاد دیگر مطلوبیت کمتری داشتند.

همسایه بودن با کشورهایی که از نظر سیاسی و امنیتی ثبات ندارند بر مناطق آزاد کشور نیز تاثیر گذاشته است به نحوی که منطقه آزاد چابهار از وضعیت نامطلوبی برخوردار است و منطقه آزاد اروند با توجه به برخی اغتشاشات در عراق (مانند اغتشاشات سال ۱۳۹۸) می تواند وضعیت مطلوب خود را از دست بدهد.

به طور کلی در طبقه‌بندی که توسط موسسه اولرهرمس در رابطه با ریسک مناطق آزاد کشورهای منطقه انجام شده است، کشور ایران در وضعیت با بالاترین ریسک قرار دارد.

جدول شماره ۹: طبقه بندی موسسه اولرهرمس در رابطه با ریسک مناطق آزاد کشورهای منطقه

کشور	سطح ریسک کوتاه مدت	درجه ریسک میان مدت
امارات متحده عربی	۱	BB
عربستان	۲	BB
عمان	۲	BB
قطر	۲	B
بحرین	۳	C
ترکیه	۳	C
ایران	۴	D
آذربایجان	۴	D
گرجستان	۴	D
ارمنستان	۴	D
قزاقستان	۴	D
پاکستان	۴	D

امنیتی بودن منطقه نیز در توسعه مناطق آزاد و جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی اثرگذار است به این صورت که: یکی از دافع‌های مناطق آزاد برای سرمایه‌گذاران خارجی، حضور و تراکم زیاد نیروهای نظامی و امنیتی در منطقه است. منطقه‌ی آزاد اروند یکی از مناطق کشور است که در آن شاهد بیشترین تراکم نیروهای نظامی هستیم. این موضوع می‌تواند چالش‌هایی جدی را برای جلب سرمایه‌گذاری در منطقه ایجاد کند که باید تمهیداتی پیرامون آن اندیشیده شود.

۶-۴. وزن ژئوپلیتیکی هر منطقه

بین وزن ژئوپلیتیکی کشورها، جایگاه و منزلت آنها در نظام بین‌المللی با قدرت ملی آنها رابطه مستقیمی وجود دارد. از این منظر، وزن ژئوپلیتیکی شناخت تاثیر عوامل واقعیت‌دهنده قدرت ملی است که در مجموع ممکن است اهمیت موقعیت جغرافیایی، انسانی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و دیپلماتیک یک کشور را تا آن اندازه بالا ببرد تا آن کشور یا آن قدرت را در معادلات ژئوپلیتیکی جهانی یا منطقه‌ای صاحب نقش سازد (مجتهدزاده، ۱۳۹۱). این شرایط مختص یک کشور نیست بلکه یک منطقه آزاد هم دارای وزن ژئوپلیتیکی است که باعث می‌شود هم در حوزه داخلی و هم در حوزه فراملی (منطقه‌ای و جهانی) اهمیت یابد که این ویژگی با اقتصاد سیاسی ارتباط دارد.

جدول شماره ۱۰: وضعیت مناطق آزاد از نظر وزن ژئوپلیتیکی

<p>منطقه آزاد چابهار آسان ترین و راهبردی ترین راه دسترسی به آب های آزاد برای ۶ کشور محاط در خشکی در آسیای مرکزی است. دسترسی مستقیم به آب های آزاد، قرار داشتن در خارج از خلیج فارس از دیگر ویژگی های چابهار است (عزتی و شگری، ۱۳۹۱).</p>
<p>منطقه آزاد ماکو مرز مشترک با سه کشور ترکیه، عراق و آذربایجان و دسترسی به بازارهای منطقه آسیای مرکزی و همین طور آسیای صغیر را دارد که این یکی از نقاط قوت این منطقه برای موفقیت و رسیدن به اهداف اقتصادی است.</p>
<p>منطقه آزاد اروند: همجواری با کشورهای عراق و کویت دارای ظرفیتهایی از قبیل حمل و نقل جاده ای، ریلی، دریایی و هوایی.</p>
<p>منطقه آزاد کیش شرایط آب و هوایی و نقش موثری که در جذب سرمایه های خارجی و داخلی و توسعه جزایر جنوبی ایران دارد.</p>
<p>منطقه آزاد قشم: قشم به عنوان بزرگترین جزیره خلیج فارس از موقعیت ویژه ای بین خلیج فارس و اقیانوس هند بهره می برد. خطوط کشتیرانی تمام کشورهای پیرامونی از سواحل جنوبی آن عبور می کنند.</p>
<p>منطقه آزاد انزلی به دلیل واقع شدن در مسیر ترانزیتی شمال جنوب، کشورهای آسیای جنوب شرقی، حاشیه خلیج فارس، جمهوریهای آسیای مرکزی، قفقاز، روسیه و اروپا از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است.</p>
<p>منطقه آزاد ارس: نزدیکی این منطقه با کشورهای حوزه CIS و همچنین نزدیکی با کشور ترکیه به عنوان دروازه مبادلاتی اروپا وزن ژئوپلیتیکی برای ایران و کشورهای همسایه دارد.</p>

۶-۵. اقتصاد رانتي

نظریه اقتصاد رانتي و دولت رانتي می تواند برای تبیین ماهیت اقتصادی دولت مورد نظر قرار گیرد، به طوری که بیلوی و لوسیانی در تعریف دولت رانتي اشاره می کنند که دولت رانتي دولتی است که بیش از ۴۲ درصد درآمد ارزی اش ناشی از صادرات مواد خام باشد که مصداق اصلی آن نفت است. معمولاً دولت‌هایی که بیش از ۴۲ درصد درآمدشان از استخراج نوعی ماده خام به دست بیاید دولت رانتي نام می گیرند به این دلیل که سهم عوامل موثر بر تولید و هزینه تولید نسبت به درآمد بسیار بالایی که از این رانت حاصل می شود خیلی کم است (سلامی، ۱۳۸۵). از نظر این دیدگاه، کشورهای که دارای اقتصاد رانتي وابسته به صدور مواد خام هستند، چون دارای سیستم متمرکز سیاسی و بوروکراسی اداری ناکارایی هستند، بخش اداری وسیع تری را در یک یا دو شهر جای می دهند. به عبارت دیگر، وابستگی به اقتصاد جهانی (توسعه برونزا) و عدم برخورداری از نظام سیاسی دموکراتیک و روان موجبات تمرکز را در ابعاد مختلف فراهم می آورد. در این کشورها دولت واسط بین رانت و اقتصاد داخلی است. فرایند تحول بازار منشاء بیرونی و مستقل داشته و ویژگی سیاست گذاری دولت، تابعی از منبع درآمدی (نوسانات بازار جهانی) و ایدئولوژی هیات حاکمه است که با رشد بخش عمومی، نوعی رفتار رانت جویانه را در حوزه علایق سیاسی شکل داده است. در اقتصاد سیاسی رانتي، نقش سوداگری بازار بر عملکرد باز توزیعی ثروت در جامعه غلبه کرده و فعالیت های بخش خصوصی در حوزه های غیر تولیدی (رانتي) گسترش یافته است. عدم توازن نظام اقتصادی و اجتماعی کشورهای مزبور سبب شده که

اقتصاد سیاسی فضا نیز در سایه رشد اقتصاد ملی، الگوی نامتوازن فضایی و منطقه‌ای را به صورت ساختاری نمایان سازد. دولت رانته و اقتصاد رانته می‌تواند تبدیل به یک عامل نابود کننده مناطق آزاد تبدیل شود.

۷. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال که "رویکرد اقتصاد سیاسی تا چه میزان در پایداری مناطق آزاد نقش داشته است؟" پنج شاخص اقتصاد سیاسی فضا در مناطق آزاد هفتگانه ایران بررسی شده و حال براساس ضوابط اولیه و ثانویه پایداری مناطق آزاد که در جهت رسیدن به ماموریت‌ها و اهداف این مناطق اند، مشخص شد که مناطق آزاد ایران پایداری نامتوازی دارند. که در شکل زیر قابل مشاهده است.

ناپایداری اقتصادی سطح B منطقه آزاد انزلی نشأت گرفته از عدم رشد تخصیص بودجه به این منطقه نسبت به سایر مناطق از سوی دولت می‌باشد. ناپایداری اقتصادی سطح B منطقه آزاد ارس نشأت گرفته از عدم نسبت مناسب بودجه با مساحتی که این منطقه دارد.

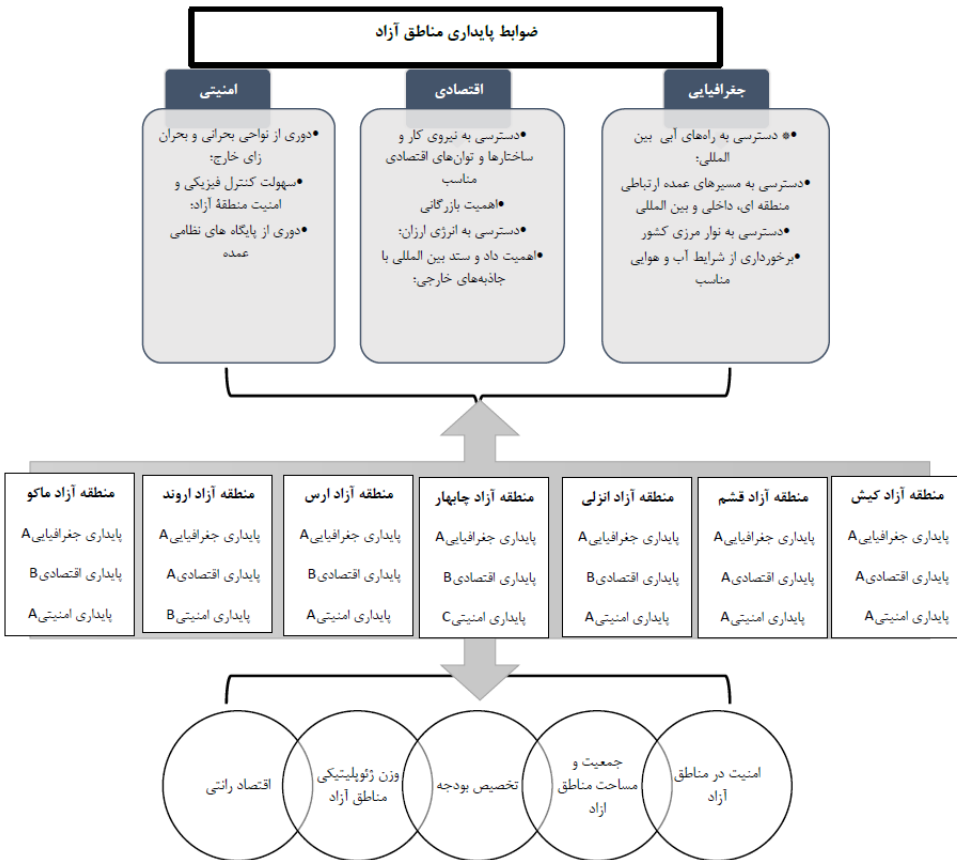
ناپایداری اقتصادی سطح B منطقه آزاد ماکو نشأت گرفته از عدم نسبت مناسب بودجه با تعداد جمعیتی که در این منطقه ساکن هستند.

ناپایداری اقتصادی سطح B منطقه آزاد چابهار نشأت گرفته از ضعف زیرساخت‌ها در جنوب شرق ایران است.

ناپایداری امنیتی سطح C منطقه آزاد چابهار نشأت گرفته از ریسک سیاسی و ثبات پایین جنوب شرق ایران و همسایگان شرقی ایران است.

ناپایداری امنیتی سطح B منطقه آزاد اروند نشأت گرفته از امنیتی بودن بالای این منطقه است.

به طور کلی علت این ناپایداری‌ها تاثیرپذیری است که مناطق آزاد از سیاست‌گذاری‌های دولت و بازار و فضای جغرافیایی ایران داشته‌اند.



شکل شماره ۱: وضعیت پایداری مناطق آزاد با توجه به توزیع منابع اقتصاد سیاسی فضا در این مناطق (ترسیم از نگارندگان

در نهایت مسائل مربوط به پایداری مناطق آزاد شناسایی شده و در ۸ مورد خلاصه شده است. ابتدا لازم است بیان شود که فرایند نیل به تعادل منطقه‌ای در میان واحدهای سرزمینی مستلزم تحرک بخشی و رشد در تمامی اندام‌های سازنده فضا است و بایستی نظام برنامه‌ریزی با رویکرد متوازن گونه، هم‌کاستی و هم منابع رشد دهنده را براساس وزن مناطق و فضاها تقسیم و تخصیص دهد تا در نهایت عدالت فضایی و تعادل منطقه‌ای برقرار گردد. در این پژوهش با استفاده از رویکرد اقتصاد سیاسی فضا، نقش دولت در پایداری مناطق آزاد به عنوان یک فضای سیاسی اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. طبق نظریه‌های اقتصاد سیاسی بین‌المللی، دولت باید به طور کلی در جهت تامین امنیت کشور گام بردارد و در عرصه اقتصادی برای سرمایه‌داران شرایطی را فراهم آورد که آنها بتوانند از سرمایه خود به نحو احسن استفاده نموده و به درصد سوددهی بالاتری دست یابند. زمانی که سرمایه‌داران از هر روی احساس امنیت می‌کنند، سرمایه خود را به جریان می‌اندازند و این امر هم به رشد اقتصادی و گسترش صادرات و راه اندازی مناطق آزاد بازرگانی منجر می‌شود و در نتیجه از نیروی کار کشور به نحو مناسبی استفاده می‌شود و اقتصاد مملکت رونق می‌گیرد.

با توجه به این مباحث چند مسئله مهم که در پایداری مناطق آزاد شناسایی شده، مطرح می‌شود:

- **دولت رانتي،** در جهت دادن به نوع سرمايه‌گذاري‌ها (نفتي و غيرنفتي) اثرگذار است. با بررسي‌هايي که در مقالات متعدد انجام شده مي توان بيان کرد که: جهت گيري سرمايه‌گذاري مستقيم خارجي به سمت صادرات غيرنفتي معني دار است، طبق نتايج طيبي و همکاران (۱۳۸۷) اثر سرمايه‌گذاري مستقيم خارجي بر صادرات يک کشور، تحت تاثير درجه باز بودن اقتصاد کشور ميزبان است؛ بدين معني که هر چه درجه باز بودن اقتصاد کشور ميزبان بيشتر باشد، سرمايه‌گذاري مستقيم خارجي تاثير بيشترى بر صادرات آن کشور مي گذارد. لذا درجه بالاي باز بودن اقتصاد، نشان دهنده راهبرد برونگرایی (استراتژی توسعه صادرات) است که اين امر پايداري و توسعه مناطق آزاد کشور را به ارمغان مي آورد. پس مي توان در شرايط کنونی يکي از چالش‌هاي مناطق آزاد ايران را دولت رانتي دانست.
- **دخالت دولت با ماهيت اقتصادي،** دخالت دولت در مناطق آزاد ايران بيشتر ماهيت اقتصادي دارد اين مسئله را با مواردی چون: سرمايه‌گذاري‌هاي بخش دولتي در اين مناطق و سياست‌گذاري‌هاي دولت از طريق بودجه و قوانين و تعرفه‌ها مي توان مشاهده کرد.
- **بي توجهی مدیریت منطقه به مزيتهاي نسبي ايران و آزادي عمل کم به بخش‌هاي خصوصي** در بخش‌هاي سرمايه‌گذاري صنعتی که هم باعث کم رونق شدن سرمايه‌گذاري‌ها مي شود و هم ممکن است چالش‌هاي زيست محيطی ايجاد کند مانند منطقه آزاد اروند: از آنجا که يکي از کارکردهاي مهم مناطق آزاد ايجاد زمينه

برای سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی مزیت‌های نسبی کشورهای اصلی جهت صادرات است. به نظر می‌رسد مدیریت منطقه‌ی آزاد ارونند جهت ایجاد زمینه برای سرمایه‌گذاری هرچه سریع‌تر سرمایه‌گذاران داخلی عموماً غیر خصوصی در منطقه، توجه چندانی به مزیت‌های نسبی ایران در زمینه صادرات که البته بالفعل نمودن آن نیازمند وقت و بررسی‌های بیشتری است ندارد. ایجاد زمینه برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های غیر خصوصی داخلی در زمینه‌ی صنایعی چون فولاد و آلومینیوم در منطقه‌ی ارونند که ایران توان رقابتی خاصی در این زمینه با سایر کشورهای جهان ندارد و تبعات زیست محیطی فراوان آن گزینه‌های مناسبی برای جلب سرمایه‌گذار نیست که در دستور کار مدیریت منطقه قرار گرفته است. تمایل نداشتن شرکت‌های خصوصی برای سرمایه‌گذاری در این بخش و ورود شرکت‌های دولتی و یا شبه دولتی به این موضوع، نمودی از عدم توان رقابت‌پذیری چنین صنایعی در ایران با صنایع مشابه مستقر در سایر نقاط جهان است.

- **امنیتی کردن بخش‌های مناطق آزاد.**

- تخصیص بودجه به هر منطقه که گویا مسائل جمعیتی و مساحت مناطق آزاد کمتر مورد توجه قرار گرفته است.
- باید تاکید کرد علاوه بر موارد فوق جایگاه و فضایی که ایران و مناطق آزاد دارند بر پایداری و توسعه مناطق آزاد اثرگذاری عمیق داشته و دارد که این امر توجه بیشتر دولت به مسائل روابط بین‌الملل را می‌طلبد. همانطور که در جدول ۹ مشاهده شد، ایران در وضعیت

خوب ریسک سیاسی و امنیتی قرار ندارد و این امر در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و حتی داخلی می‌تواند اثر منفی داشته باشد.

• از سوی دیگر وزن ژئوپلیتیکی مناطق آزاد ایران نیز دو روی سکه دارد. یک روی آن جذب سرمایه‌های بسیار از سوی کشورهای منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای که این نیازمند سیاست‌گذاری‌های دقیق حکومتی است و آن روی سکه بی‌ثباتی‌ها و ناامنی‌های ناشی از کشورهای رقیب برای کاهش این عامل مثبت نقش آفرینی ایران در منطقه و جهان.

• همچنین باید توجه داشت که موفقیت یک منطقه‌ی آزاد در دستیابی به اهداف مد نظر از ایجاد این مناطق، منوط به دنبال کردن سه استراتژی است"

۱- جایگزینی استراتژی توسعه‌ی صادرات به جای استراتژی جایگزینی واردات؛

۲- استراتژی تاکید بر مزیت‌های نسبی؛

۳- استراتژی به کارگیری تجارت خارجی به عنوان موتور محرک توسعه

مثلا در منطقه‌ی آزاد اروند به دلیل ابهام در هدف اصلی تعریف این منطقه به عنوان منطقه‌ی آزاد، به نظر می‌رسد بنا به دلایل گوناگون، توجهی به این سه استراتژی نشده و همین مسئله زمینه را برای انحراف منطقه از اهداف اصلی خود فراهم آورده است.

منابع:

- افتخاری، عبدالرضا، هدیه وجدانی طهرانی و ابراهیم علی رازینی (۱۳۸۸)، «ارزیابی و اولویت بندی مناطق آزاد تجاری ایران با استفاده از روش MADM»، برنامه ریزی و آمایش فضا، ش ۶۲.
- افراخته حسن، محمدحجی پور (۱۳۹۴). اقتصاد سیاسی فضا و تعادل منطقه‌ای ایران، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم شماره ۴ (پیاپی ۱۴)
- اعظمی. هادی، بخشی شادمهری. فاطمه (۱۳۹۵)، ارزیابی عملکرد منطقه آزاد بندر انزلی و تاثیر آن بر توسعه نوار شمالی کشور، همایش آمایش سرزمین، جایگاه خزر و چشم انداز توسعه گیلان
- پاپلی یزدی، محمدحسین، حسینرجبی سناجردی (۱۳۹۰)، نظریه های شهر و پیرامون، انتشارات سمت: تهران.
- پایور، منوچهر، نقش دولت جمهوری اسلامی در پیشرفت منطقه آزاد انزلی، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال سوم، شماره ۳ (پیاپی ۱۲، زمستان ۱۳۸۵)
- پیران، پرویز (۱۳۷۰)، دیدگاه های نظری در جامعه شناسی شهر و شهرنشینی، تحولات واحد پول ایران و نرخ برابری، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۵۱ و ۵۲.
- حیدری ساربان، وکیل (۱۳۹۸)، بررسی نقش منطقه آزاد تجاری در بهبود شاخص های اقتصادی مناطق روستایی: شهرستان ماکو فصلنامه روستا و توسعه شماره ۸۵
- دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی ایران، «گزارش عملکرد مناطق آزاد»، ۱۳۹۱.

- دهمرده قلعه‌نو نظر، علی احمدی ندا، قادری عباسعلی، ارزیابی و اولویت‌بندی مناطق آزاد کشور و تاثیر آن در توسعه اقتصادی این مناطق، فصلنامه سیاستهای راهبردی و کلان، پیاپی ۲۵ (بهار ۱۳۹۸)

- رنه شورت، جان (۱۳۹۰)، نظریه شهری، یک رویکرد انتقادی، ترجمه: زیاری کرامت‌اله، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رهنمایی محمدتقی، وثوقی لنگ شهروز (۱۳۹۲) تحلیلی بر توسعه منطقه‌ای ایران از منظر اقتصاد سیاسی، فصلنامه جغرافیا، پیاپی ۳۹
- زیاری. کرامت الله، بیرانوندزاده. مریم، رستم گورانی. ابراهیم، دوستی. معصوم (۱۳۸۹)، نقش منطقه آزاد چابهار در توسعه منطقه‌ای استان سیستان و بلوچستان، چهارمین کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام.
- طیبی. سیدکمیل، آذربایجانی. کریم، بابکی، روح‌الله (۱۳۸۷)، اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر تجارت خارجی کشورهای منتخب آسیایی و اقیانوسیه، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان ۱۳۸۷ شماره ۳۱
- عزتی. عزت‌اله، شکری. شمس‌الدین (۱۳۹۱). بررسی جایگاه چابهار در ترانزیت شمال جنوب و نقش آن در توسعه شهرهای همجوار، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، دوره ۹، شماره ۴ (پیاپی ۳۶).
- فتاحی، سجاد (۱۳۹۷) مسئله شناسی پایداری در منطقه آزاد اروند، فصلنامه مطالعات سیاست گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸.
- گوگردچیان، احمد، طیبی، سیدکمیل، امینی فاطمه، اثر جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات غیر نفتی در مناطق آزاد تجاری ایران (۸۷-۱۳۷۵) مجله سیاست‌گذاری اقتصادی، سال دوم، شماره ۳ (بهار و تابستان ۱۳۸۹)

- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۱) فلسفه و کارکرد ژئوپلیتیک (مفاهیم و نظریه‌ها در عصر فضای مجازی)، تهران: سمت.
- محمدی الموتی، مسعود (۱۳۷۴). "مناطق آزاد و اثرات اقتصادی و بازرگانی آن"، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

- محملی ابیان، حمیدرضا (۱۳۹۰). مقایسه تطبیقی مکاتب مطالعات مورفولوژی شهری به منظور تکمیل آن بر اساس دستگاه تحلیلی مکتب اقتصاد سیاسی فضا، نشریه معماری و شهر سازی آرمانشهر، پیاپی ۷
- مهدوی وفا. حبیب‌اله، رضویان. محمدتقی، مومنی. مصطفی (۱۳۸۸)، نقش اقتصاد سیاسی در ساختار فضایی تهران و پیرامون، فصلنامه محیط شناسی، دوره ۳۵، شماره ۵۰.
- ولیقلیزاده، علی، الله‌وردیزاده. رضا (۱۳۸۹). نگرشی ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی بر منطقه آزاد تجاری صنعتی ارس. فصلنامه ژئوپلیتیک. سال ۶. شماره دوم.
- Alasayyad, N. (1993). Squatting and culture: A comparative analyses of Informal developments in lation America and the Middle East. Habitat international, Vol.17, no 1, pp:33-44.
- Imboela, B. (2004). The political economy of the local: An inquiry into the causes of rural livelihoods vulnerability in developing countries. Unpublished doctoral dissertation, University of Delaware, Newark.
- ale, N.K (1992). The Political Economy of of foreign Direct Investment: a FRAMEWORK FOR analyzing LAWE and Regulations in Devoloping Countries. Law and Policy in International Business, Spring. Vol23. No 2-3.

uggested Citation: Farole, Thomas; Moberg, Lotta (2014):
It worked in China, so why not in Africa? The political
economy challenge of special economic zones, WIDER
Working Paper, No. 2014/152, ISBN 978-92-9230-873-5, The
United Nations University World Institute for
Development Economics Research (UNU-WIDER),
Helsinki, [http://dx.doi.org/10.35188/UNU-
WIDER/2014/873-5](http://dx.doi.org/10.35188/UNU-
WIDER/2014/873-5)Schneider, F, and frey, b. (1985).
Economic and Political Determinants of Foreign Direct
Investment. World Development, 1985, vol. 13, issue 2.

فرصت‌ها و چالش‌های مناطق آزاد و نقش آن در همگرایی منطقه‌ای (مطالعه موردی بندر آزاد انزلی)

سیده‌های زرقانی^۱؛ زهرا نسیمی^۲

^۱ - دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

^۲ - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

مناطق آزاد تجاری به عنوان بخش مهمی از پازل توسعه اقتصادی کشورها محسوب می‌شوند و به مثابه پل ارتباطی نقش مهمی در مبادله کالا و حمل و نقل دریایی و خشکی و پیوند بین مناطق دارند. جمهوری اسلامی ایران با قرار گرفتن در مرکز ثقل ارتباطی کشورهای حاشیه دریای خزر و قفقاز با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و جنوب آسیا داری موقعیت ژئوپلیتیکی بی‌نظیری برای ترانزیت کالا و خدمات است؛ ضمن اینکه با داشتن ۲۷۰۰ کیلومتر نوار ساحلی در شمال و جنوب کشور و دسترسی به آب‌های آزاد جهان و همچنین دارا بودن بنادر مختلف به عنوان یک پل ارتباطی مهم تجارت جهانی شناخته می‌شود. از اینرو می‌تواند با بهره‌گیری از این موقعیت نقش مهمی در همگرایی منطقه‌ای میان کشورهای حاشیه دریای خزر، قفقاز و آسیای مرکزی ایفا کند. یکی از سازمان‌هایی که در همکاری‌های منطقه‌ای میان کشورهای این منطقه نقش دارد اتحادیه اقتصادی اوراسیا است. این اتحادیه یک سازمان بین‌المللی برای ادغام اقتصاد منطقه‌ای است که از سال ۲۰۱۵ با عضویت ۵ کشور روسیه، بلاروس، قزاقستان، ارمنستان و قرقیزستان کار خود را آغاز کرده است. ایران از سال ۱۳۹۸ با بستن توافقنامه منطقه آزاد تجاری اوراسیا با کشورهای عضو به مدت سه سال به عضویت موقت در این اتحادیه درآمده است که با خاتمه سه سال عضویت موقت، زمینه لازم برای عضویت ایران در این اتحادیه فراهم می‌شود. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع معتبر به دنبال بررسی فرصت‌ها و چالش‌های مناطق آزاد و نقش آن در همگرایی منطقه‌ای با تاکید بر بندرانزلی از طریق اتحادیه اقتصادی اوراسیا است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد درجه ثبات سیاسی، چگونگی باورهای اقتصادی- اجتماعی، اجماع نظر در مورد هدف‌ها و منافع و آسیب‌های مناطق آزاد، حمایت یا عدم حمایت همه جانبه دولت و بالاخره برخورداری یا نارسایی‌های نرم‌افزاری (قوانین و مقررات و شناخت‌ها) و سخت‌افزاری (زیربناها و تاسیسات) می‌تواند بیشترین تاثیر را در استفاده یا عدم استفاده از مناطق آزاد به عنوان ابزار توسعه و نیز موفقیت و یا ناکامی این مناطق در همگرایی منطقه‌ای داشته باشد.

کلمات کلیدی: مناطق آزاد، منطقه آزاد انزلی، منطقه‌گرایی، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، فرصت‌ها و چالش‌ها

۱) مقدمه

امروزه ابزارها و الگوهای متعددی برای استفاده از ظرفیت‌های اقتصاد بین‌الملل و بهره‌برداری از آن به نفع اقتصاد داخلی وجود دارد. یکی از این الگوها تاسیس مناطق آزاد تجاری و جذب سرمایه‌های بین‌المللی از طریق این مناطق است. در حقیقت این مناطق به عنوان یک پنجره یا جزیره‌ای متصل به سرزمین اصلی، وسیله‌ای برای انتقال تکنولوژی، سرمایه و تجارب مدیریتی به اقتصاد داخلی ارزیابی می‌شود (عسکری و جعفری، ۱۳۹۵: ۴۵). در قالب کلی مناطق آزاد به مناطقی اطلاق می‌شود که ورود کالا، افراد، سرمایه و خدمات در آن آزاد و خارج از قوانین گمرکی محدود کننده صورت می‌گیرد. در تعریف سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، از مناطق آزاد به عنوان موتور محرکه در جهت تشویق صادرات صنعتی تلقی می‌شود. همچنین در برداشت جدید از مناطق آزاد که به منطقه آزاد پردازش صادرات معروف است به ناحیه صنعتی ویژه‌ای در خارج از مرز گمرکی، که تولیداتش جهت‌گیری صادراتی دارند گفته می‌شود (آرمش، ۱۳۸۷: ۱۱). این مناطق به فعالیت‌های صنعتی و تجاری و گردشگری تشویق می‌شوند و به لحاظ فیزیکی نسبت به قسمت‌های دیگر کشور متفاوت و جدا هستند (یعقوبزاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۰). از انواع مناطق آزاد می‌توان به منطقه آزاد تجاری، منطقه پردازش صادرات، منطقه ویژه اقتصادی، منطقه آزاد توریستی، منطقه آزاد شرکت‌ها و... اشاره کرد (اسفندیاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۲۱). به طور کلی مناطق آزاد ۴ هدف را مورد نظر دارند که عبارتند از: ۱- جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ۲-

کاهش نرخ بیکاری، ۳- اصلاح ساختار استراتژی‌های اقتصادی با استفاده از توسعه و تنوع صادرات، ۴- آزمون دیدگاه‌های جدید نسبت به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سیاست‌های مربوط به حقوق، اراضی، کار و قیمت‌گذاری کالاها (رضوانی، ۱۳۹۶: ۷).

این مناطق از سابقه دیرینه‌ای برخوردارند اما از نیمه قرن بیستم ایجاد مناطق آزاد در کشورهای مختلف از رشد گسترده‌ای برخوردار گردید؛ علت این رشد نیز سابقه درخشان اینگونه مناطق در کشورهای پیشرفته همانند بندر هامبورگ آلمان (در سال ۱۸۸۸) و منطقه آزاد شانون در ایرلند (سال ۱۹۵۹) بوده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۴۰۳). از اینرو از دهه ۱۹۶۰ بسیاری از کشورهای در حال توسعه که برخی از آنان هم اکنون در گروه کشورهای تازه صنعتی شده قرار گرفته‌اند در مجموعه اقدامات و سیاست‌های مرتبط با راهبرد توسعه اقتصادی، تاسیس مناطق آزاد تجاری را به عنوان راهکاری برای تغییر جهت کلی اقتصاد از درون‌گرایی به برون‌گرایی و تجارت آزاد مورد استفاده قرار دادند. به طوریکه آمارها نشان می‌دهد تا سال ۲۰۰۶ حدود ۳۵۰۰ منطقه پردازش صادرات، پارک یا بندر آزاد در ۱۳۰ کشور جهان به ثبت رسیده و در این میان کشورهای آسیایی و آمریکای لاتین در استفاده از این مناطق پیشرو بوده‌اند (التجایی، ۱۳۸۸: ۱۸۹).

در کشور ما نیز با توجه به حضور کمرنگ اقتصاد ملی در عرصه رقابت جهانی، ایجاد مناطق آزاد به عنوان عاملی موثر در جهت جبران فرصت‌های از دست رفته و توسعه صادرات، ایجاد اشتغال سالم و مولد، ارتقای جایگاه اقتصاد کشور و بهره‌مندی از اقتصاد رقابتی مورد توجه و تاکید سیاست‌گذاران نظام اقتصادی کشور بوده است (اسفندیاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۲۲) و از سال

۱۳۶۹ که نخستین مناطق آزاد در کشور ایجاد شد تا کنون گام‌های مهمی را در این راه برداشته است. لیکن متاسفانه بنابر دلایل مختلف، مناطق آزاد هنوز نتوانسته‌اند جایگاه واقعی خود را به دست بیاورند. دلایل زیادی در این ارتباط ذکر شده است از جمله جایابی نادرست، عدم وجود زیرساخت‌های لازم برای فعالیت‌های تجاری - صنعتی، قوانین دست و پاگیر و نامناسب، ساختار اداره دولتی، فقدان فضای امن برای سرمایه‌گذاری خارجی و موانع حقوقی مربوط به ساختار اداره، تشریفات سرمایه‌گذاری و ناامن نمودن فضای سرمایه‌گذاری نقش قابل توجهی در این عدم موفقیت دارند (رضوانی، ۱۳۹۶: ۷).

در ایران هم اکنون ۹ منطقه آزاد تجاری صنعتی وجود دارد. که عبارتند از کیش، قشم، چابهار، ارس، انزلی، اروند، ماکو، مازندران و دوغارون سرخس. در این میان منطقه آزاد انزلی به علت سابقه تجاری - ترانزیتی این ناحیه در روابط منطقه‌ای ایران طی سه قرن اخیر و وجود روابط و علایق فرهنگی - تاریخی و قومی مشترک با مردم کشورهای حاشیه دریای خزر و ظرفیت‌های متعدد موجود در استان گیلان و شهرستان بندر انزلی، ظرفیت‌های فراوانی برای ایفای نقش موثر در روابط منطقه‌ای ایران دارد. علاوه بر این با عنایت به جایگاه استراتژیک ایران در عرصه ترانزیتی و اقتصادی کشورهای حاشیه دریای خزر و قفقاز و ارتباط آنها با آبهای آزاد و نقش منطقه آزاد انزلی در ایجاد و تقویت این حلقه ارتباطی و تلاش روز افزون ایران به منظور ایفای نقش حلقه اتصال کشورهای حاشیه دریای خزر به کشورهای حاشیه خلیج فارس و جنوب آسیا، و از سوی دیگر دسترسی این بندر (از طریق کانال ولگا-دن) به کشورهای شرق اروپا، در صورت اتصال به شبکه ریلی کشور، اهمیت بسزایی در ترانزیت کالا به این کشورها خواهد داشت. همچنین این بندر علاوه

بر قرارگیری در کریدور شمال- جنوب نقش مهمی در مسیر ترانزیتی شرق- غرب ایفا خواهد کرد و در زمینه ترانزیت بین آسیای مرکزی و غرب آسیا دارای اهمیت فراوانی است (شهروی، ۱۳۹۰: ۶). از اینرو بررسی نقش منطقه آزاد انزلی در گسترش همکاری‌های منطقه‌ای حائز اهمیت می‌باشد. یکی از سازمان‌ها و اتحادیه‌هایی که می‌تواند نقش مهمی در گسترش همگرایی منطقه‌ای بین ایران و کشورهای حاشیه دریای خزر، قفقاز و آسیای مرکزی داشته باشد، اتحادیه اقتصادی اوراسیا است. این اتحادیه یک سازمان بین‌المللی برای ادغام اقتصاد منطقه‌ای است که از سال ۲۰۱۵ با عضویت ۵ کشور روسیه، بلاروس، قزاقستان، ارمنستان و قرقیزستان کار خود را آغاز کرده است. ایران از سال ۱۳۹۸ با بستن توافقنامه منطقه آزاد تجاری اوراسیا با کشورهای عضو به مدت سه سال به عضویت موقت در این اتحادیه درآمده است که با خاتمه سه سال عضویت موقت، زمینه لازم برای عضویت ایران در این اتحادیه فراهم می‌شود. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع معتبر به دنبال بررسی فرصت‌ها و چالش‌های مناطق آزاد و نقش آن در همگرایی منطقه‌ای با تاکید بر بندرانزلی از طریق اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌باشد.

۲) روش تحقیق:

این پژوهش براساس هدف کاربردی و براساس ماهیت و روش توصیفی- تحلیلی می‌باشد. مسأله اصلی پژوهش این است که مناطق آزاد در چارچوب کارکرد خود با چه فرصت‌ها و چالش‌هایی روبرو هستند و مناطق آزاد چه نقش و جایگاهی در توسعه منطقه‌گرایی و همکاری‌های منطقه‌ای دارند؟. اطلاعات پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع معتبر گردآوری

شده است. مطالعه موردی منطقه آزاد انزلی است و از اینرو فرصت‌ها و چالش‌های منطقه انزلی و نقش آن در توسعه همکاری‌های منطقه‌ای بیشتر مد نظر قرار گرفته است.

۳) مبانی نظری:

۳-۱) منطقه و منطقه‌گرایی:

در ادبیات روابط بین‌الملل و جغرافیای سیاسی منطقه به عنوان پیوستگی متقابل تعدادی از کشورها اطلاق می‌شود که از جهت جغرافیایی و فرهنگی متجانس می‌باشند. به عبارت دیگر، تعدادی از کشورها از طریق تاسیس یک نهاد منطقه‌ای و همکاری در حوزه‌های مختلف به ایجاد و گسترش هویت مشترک مبادرت می‌نمایند. بیشتر صاحب‌نظران معیار قرابت جغرافیایی را جزء ارکان اصلی هر تعریفی از منطقه به شمار می‌آورند. در ادبیات روابط بین‌الملل نیز منطقه بودن شامل سرزمین‌های چندین کشور می‌شود که به علت پیوندهای جغرافیایی مشترک به یکدیگر مربوط شده‌اند (قوام، ۱۳۸۹: ۷۸). در مجموع می‌توان منطقه را در چارچوب یکی از الگوهای زیر تعریف کرد: (۱) منطقه به عنوان واحدی جغرافیایی: که حدود آن کم و بیش بر پایه مرزهای فیزیکی و مختصات اکولوژیک تعیین می‌شود. (۲) منطقه به مثابه یک نظام اجتماعی: که از روابط فرامحلی و فروملی گروه‌ها انسانی تشکیل شده است. (۳) منطقه در قالب (همکاری‌های سازماندهی شده) در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی: در این رویکرد، منطقه به عنوان مجموعه‌ای از کشورها دانسته می‌شود که عضو رسمی یک سازمان منطقه‌ای هستند (حاجی حسینی، ۱۳۷۵: ۴).

منطقه‌گرایی معادل کلمه Regionism است که از لغت region به معنای منطقه و پسوند ism به معنای گرایش و اعتقاد تشکیل شده است. مراد از این اصطلاح تشکیلات و اجتماعاتی است که حداقل از سه واحد سیاسی تشکیل شده باشد. در ادبیات روابط بین‌الملل، منطقه‌گرایی هنگامی کاربرد دارد که دولت‌های واقع در یک منطقه جغرافیایی که دارای علائق مشترک هستند از طریق سازمان‌های منطقه‌ای با یکدیگر همکاری نظامی، سیاسی و اقتصادی داشته باشند. به عبارت دیگر، همکاری متقابل چند دولت واقع در یک حوزه جغرافیایی که دارای هدف‌های مشترکی باشند مصداق منطقه‌گرایی است. منطقه‌گرایی معمولاً به سه شکل تجلی می‌یابد: (۱) سیستم‌های اتحاد نظامی (مثل ناتو، ۲) اتحادیه‌های اقتصادی مثل اتحادیه اروپا، ۳) گروه‌بندی‌های سیاسی از قبیل اتحادیه عرب.

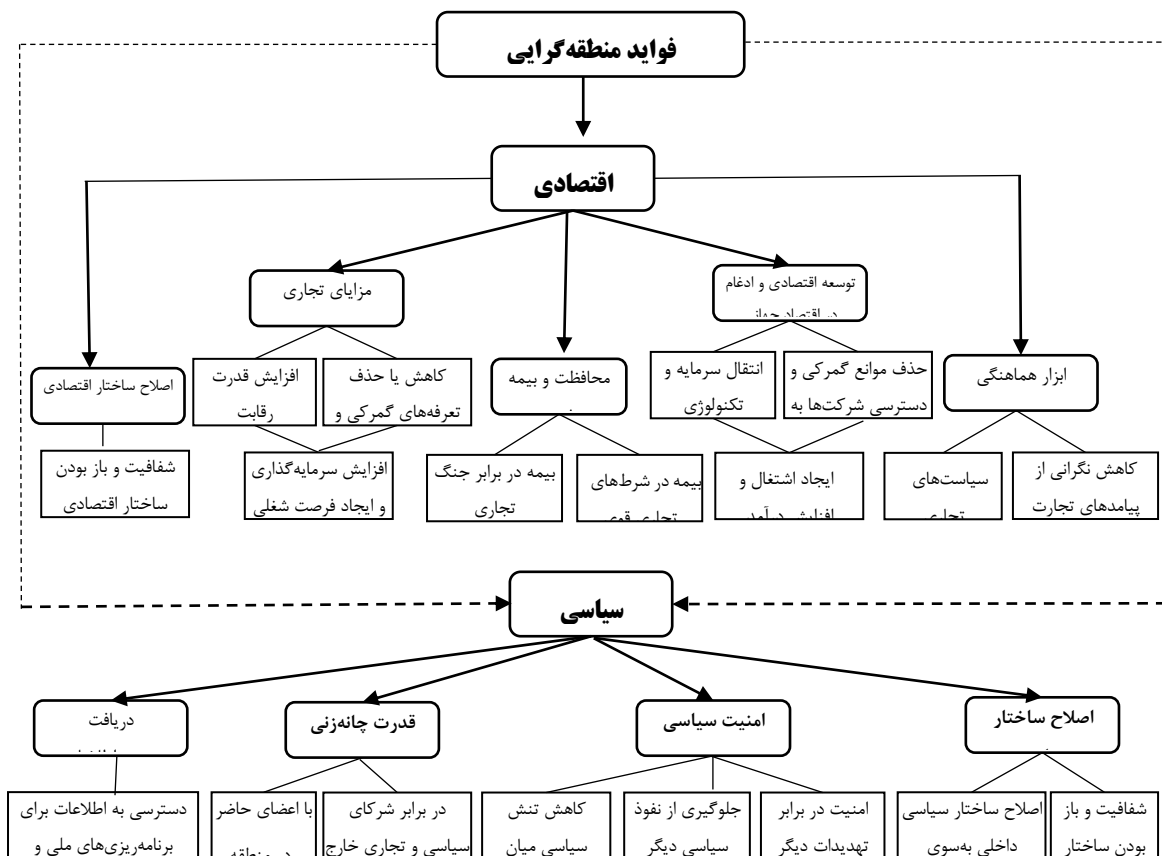
از لحاظ تاریخی منطقه‌گرایی را می‌توان به دو نوع سنتی و مدرن تقسیم نمود. بررسی این تفاوت‌ها برای روند منطقه‌گرایی حائز اهمیت است. تفاوت‌های این دو عبارتند از: (۱) منطقه‌گرایی سنتی اصرار بر اهداف تک بعدی دارد در حالی که منطقه‌گرایی به شکل جدید فرایندی چند بعدی است. (۲) در گذشته منطقه‌گرایی محدود به روابط دولت‌ها بود در حالی که منطقه‌گرایی نوین بازیگران غیردولتی را نیز دربرمی‌گیرد. (۳) در گذشته منطقه‌گرایی روندی بود که از بالا و معمولاً با مداخله یک قدرت بزرگ شکل می‌گرفت در حالی که در منطقه‌گرایی جدید همکاری دولت‌ها جهت مقابله با مشکلات داخلی، منطقه‌ای و جهانی ضروری است. (۴)

تعاملات منطقه‌ای در گذشته بیشتر درون‌گرا و توأم با بی‌اعتمادی نسبت به متحدان بود، در حالی که برون‌گرایی و اعتقاد به وابستگی متقابل اقتصادی و

امنیتی، ویژگی روند جدید منطقه‌گرایی است. (۵) نوع سنتی منطقه‌گرایی در فضای نظام دو قطبی شکل گرفته بود ولی شکل جدید این روند در بستر نظام چند منظومه‌ای نمود می‌یابد که از جهاتی امر منطقه‌گرایی را سهل و از جهاتی دیگران را ممتنع نموده است (Hveem,2000: 72).

در روند منطقه‌گرایی به سه کارگزار اشاره می‌شود که اولین، مهمترین و قدیمی‌ترین کارگزار حکومت‌ها هستند، دومین کارگزار عناصر جامعه مدنی، مانند سازمان‌های غیردولتی، رسانه‌ها، گروه‌های لابی و فشار و... و سومین کارگزار عناصر بازار مانند اتحادیه‌های تجاری، شرکت‌های ملی و چندملیتی و شبکه‌ها و بانک‌های مالی و پولی می‌باشند. منطقه‌گرایی دارای فواید متعددی است که در نمودار زیر به طور اختصار به آن اشاره شده است.

شکل (۱): فواید منطقه گرایی



منبع: (نگارندگان برگرفته از ریکاردو و همکاران، ۱۳۷۴، والرشتاین، ۱۳۸۸، سازمند، ۱۳۸۸، Hveem, 2000، Ruigrok, 2000، Tussie and Woods, 2000)

۲-۳) مناطق آزاد:

برای معرفی مناطق آزاد از اصطلاحاتی چون منطقه پردازش صادرات (Export Zone Processing Zone)، منطقه تجارت خارجی (Export Zone Free) و سایر واژه‌ها استفاده می‌شود. بنا به تعاریف بین‌المللی، منطقه آزاد محدوده حراست شده بندری و غیربندری است که از شمول برخی از مقررات جاری کشور متبوع خارج بوده و با بهره‌گیری از مزایایی نظیر معافیت‌های مالیاتی، بخشودگی سود عوارض گمرکی، عدم وجود تشریفات زاید ارزی، اداری و مقررات دست و پاگیر و همچنین سهولت و تسریع در فرایندهای صادرات و واردات با جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری، به توسعه سرزمین اصلی کمک می‌نماید. در سطح کلان اقتصادی، اهداف مختلفی برای مناطق آزاد وجود دارد که اهمیت و اولویت‌بندی آنها از اقتصادی به اقتصاد دیگر تا حدی می‌تواند متفاوت باشد. جذب سرمایه‌گذاری خارجی، اشتغال‌زایی و رونق اقتصاد داخلی از طریق پیوندهای پسین، توسعه صادرات، جذب دانش فنی و انتقال فناوری از جمله اهداف کلانی است که هر کشوری کم و بیش در پی دستیابی به آنهاست. در عین حال می‌توان هدف از ادغام تدریجی اقتصاد درونگرا در اقتصاد جهانی را نیز به این مجموعه اضافه نمود (Guangwen, ۲۰۰۳: ۱۷).

۱-۲-۳) تاریخچه مناطق آزاد:

قدیمی‌ترین بندر آزاد جهان، که به‌طور مشخص برای افزایش حجم داد و ستد پایه‌گذاری شد، بندر آزاد رومی‌ها واقع در جزیره «دلاس» در دریای اژه بود، که با هدف افزایش حجم مبادلات تجاری بین مصر، یونان، سوریه، شمال

آفریقا، آسیا و رم تأسیس شده بود و همه داد و ستدها بدون دریافت حقوق گمرکی انجام می‌شد. بعد از این، بنادر دیگری نظیر «جنوا»، «ونیز»، «جبل الطارق» بودند که وظایفی همانند بنادر آزاد «دلاس» داشتند. البته در دوران اخیر، پیشگام حقیقی مناطق تجارت آزاد، بندر آزاد «هامبورگ» است، که در سال ۱۸۸۸ پایه‌گذاری شد. موفقیت چشمگیر بندر آزاد هامبورگ، باعث ایجاد مناطق تجارت آزاد بسیار زیادی در اروپا و دیگر نقاط جهان شد (8: Rasagam, 2014). کپنهاک در سال ۱۸۹۴، دانزیگ (لهستان) در سال ۱۸۹۹ و بندرهای مالمو، هانگو، فیدم و تریست در اروپا، سنگاپور، هنگ‌کنگ و ماکائو در آسیا در زمره بنادر آزادی بودند که به تدریج و تا قبل از جنگ جهانی دوم ایجاد شدند. به طور کلی تفکر حاکم بر مناطق آزاد در قبل از جنگ دوم جهانی در انبارداری، انتقال کالا از یک وسیله نقلیه به وسیله نقلیه دیگر، صدور مجدد کالا و در یک جمع‌بندی کلی در تجارت خلاصه می‌شد. در ادبیات مناطق آزاد بعد از جنگ جهانی دوم، منطقه آزاد شانون در ایرلند را که در سال ۱۹۵۹ برپا شد به عنوان اولین منطقه آزاد به مفهوم امروزی آن می‌شناسند. زیرا برای اولین بار جذب سرمایه خارجی، انتقال تکنولوژی و ایجاد اشتغال از هدف‌های عمده منطقه آزاد شانون محسوب می‌شد (زرقانی و احمدی، ۱۳۹۰: ۴۱۷).

بررسی سوابق و نمونه‌های ایجاد شده این قبیل مناطق در جهان که از آنها به منطقه آزاد یا صادرات آزاد تعبیر می‌شود، بیانگر آن است که در دهه هفتاد

میلادی ایده ایجاد این مناطق با هدف جذب و جلب سرمایه از سایر مناطق و تسهیل و تسریع صادرات و واردات، طراحی و عملیاتی شد. از اینرو، روز به روز بر تعداد مناطق آزاد تجاری در دنیا افزوده شد، به طوریکه در اواخر دهه ۱۹۶۰ تنها ۱۰۰ منطقه آزاد تجاری در دنیا وجود داشت اما در پایان دهه نخست قرن بیست و یکم، تعداد آنها به حدود ۸۵۰ منطقه آزاد در سراسر جهان از آمریکای شمالی تا آفریقا، آسیا و منطقه کارائیب رسید. از این میان، ۳۲۰ منطقه آزاد تجاری در آمریکا و مکزیک و ۲۲۵ منطقه در آسیا (به جز چین) وجود داشت. در همین زمان در کشور چین نیز ۱۸۰ منطقه آزاد در حال فعالیت بود که حدود نیمی از صادرات آن از طریق مناطق آزاد این کشور صورت می‌گرفت. اولین منطقه آزاد در آسیا «کاندلا» نام داشت که در سال ۱۹۶۵ میلادی در هند تاسیس شد. اندکی بعد تایوان در سال ۱۹۶۶ میلادی به ایجاد منطقه پردازش «کائونسینگ» و کره جنوبی در سال ۱۹۷۰ به تاسیس منطقه پردازش صادرات «ماسان» مبادرت کردند. سهم فیلیپین ۳۵ منطقه آزاد، اندونزی ۲۶ منطقه، امارات متحده عربی ۹ منطقه و حوزه کارائیب نیز ۵۱ منطقه آزاد در سال ۲۰۱۰ میلادی بود (Free Trade Zone and Port Hinterland Development, 2005: 5-8).

۲-۲-۳) ویژگی‌های مناطق آزاد:

Free Zone ^۱

Export Free ^۲

مناطق آزاد عموماً سه ویژگی دارند که عبارتند از:

- ۱- به عنوان مکانی تجاری که در آنجا کارفرمایان و بنگاه‌ها به طور آزادانه می‌توانند مواد خام، کالاهای نیمه ساخته، ماشین‌آلات و تجهیزات خود
- ۲

- ۳- را بدون عوارض گمرکی، تعرفه و مالیات وارد کرده و به تولید و یا مونتاژ کالا اقدام کرده و با کمترین محدودیت و مقررات صادر نمایند.

- ۴- به عنوان مکانی صنعتی که در آنجا ساختمان‌های استاندارد جهت تاسیس کارخانه، ارائه خدمات عمومی و امکانات صنعتی توسط دولت ایجاد شده تا تسهیلات لازم را جهت تولیدات صنعتی فراهم آورد. برای سهولت صادرات نیز معمولاً این مناطق در نزدیکی بندر یا فرودگاه ساخته و به وسیله یک کادر اداری مستقل اداره می‌شود تا کارها را با کمترین زمان و مقررات انجام دهد. بنابراین مناطق آزاد زیرساخت‌های مخصوصی را ارائه می‌نماید که معمولاً در خارج از آن منطقه وجود ندارد.

- ۵- صنایع و بنگاه‌های مستقر در مناطق آزاد که معمولاً از مجموعه‌ای از امتیازات و تسهیلات سرمایه‌گذاری و صادرات نظیر معافیت مالیاتی برخوردار می‌شود.

شرایط فوق مناطق آزاد را برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی جهت صادرات جذاب می‌نماید و کشورهای در حال توسعه امیدوارند از طریق این مناطق بیشترین مزیت را از همسویی با اقتصاد جهانی با کمترین هزینه به

دست آوردند. از اینرو روز به روز بر تعداد مناطق آزاد تجاری در دنیا افزوده می‌شود (رحیمی بروجردی، ۱۳۸۵: ۶۶). با این وجود کشورهایی در این زمینه موفق بودند که اقدام به ارائه تسهیلات زیرساختی و زیربنایی لازم در زمینه‌های فرودگاه، شبکه حمل و نقل، دسترسی به ساحل دریا، تسهیلات برای حمل محموله‌های کانتینری، ساختمان و کارگاه‌ها و کارخانجات کارا و استاندارد، ارتباطات و تسهیلات مخابراتی، شبکه‌های برق‌رسانی، شبکه توزیع آب و پشتیبانی خدماتی شامل، خدمات فیزیکی، عرضه یا تولید نیروی الکتریسته و آب و فاضلاب و دفع زباله، و خدمات بازرگانی و تجاری مانند بانک، بیمه، خدمات حمل و نقل دریایی، معافیت‌های مالیاتی و حذف قوانین دست و پاگیر و خدمات اجتماعی مانند خدمات و مراقبت‌های بهداشتی، تسهیلات فروشگاهی و رستورانی و... کرده‌اند. به علاوه حجم انبارها، کیفیت و کمیت راه‌ها، امکانات اسکله‌ها، بنادر، هتل، هزینه انرژی، سهولت تامین منابع مالی برای سرمایه‌گذاری زیربنایی و هزینه مطالعات و تحقیقات نیز در آنجا قابل توجه است. این کشورها با ارائه این امکانات در مناطق آزاد خواهان جذب سرمایه و تکنولوژی مدرن هستند تا منابع بلااستفاده خود را مورد استفاده قرار داده و از نیروی کار مازاد خود بهترین استفاده را نمایند. بنابراین توجه به زمینه‌های زیرساختی و تاسیسات زیربنایی از الزامات و مشخصه‌های ضروری مناطق آزاد است. به همین دلیل بدون سرمایه‌گذاری همه جانبه دولت در منطقه در زمینه‌های زیرساختی و تاسیسات و اعمال مشوق‌های قانونی نمی‌توان زمینه جذب و موفقیت برای مناطق آزاد را فراهم کرد به طوریکه در یک منطقه آزاد وظیفه تأمین امکانات زیربنایی یک منطقه تا مرحله راه‌اندازی آن بر عهده دولت می‌باشد. به عنوان مثال، کشور امارات متحده عربی از سال

۱۹۷۸ تا سال ۱۹۸۵ حدود ۵/۲ میلیارد دلار صرف ایجاد منطقه آزاد جبل علی کرد و پس از ایجاد کلیه تسهیلات زیربنایی مورد نیاز، به افتتاح آن منطقه اقدام نمود. پاکستان نیز به منظور اهداف اقتصادی و استراتژیک خود با مشارکت چین مبادرت به ایجاد منطقه آزاد گوادر در منطقه بلوچستان

پاکستان با اعتباری معادل یک میلیارد و صد و شصت میلیون دلار کرده است. یکی از اهداف مهم ایجاد منطقه آزاد گوادر، فراهم نمودن زمینه ترانزیت کالا به کشورهای آسیای میانه و افغانستان است که می تواند رقیبی برای مناطق آزاد ایران همچون چابهار باشد (فرج زاده، ۱۳۹۱: ۱۲۳).

۳-۲-۳ انواع مناطق آزاد:

مناطق آزاد بر مبنای اهداف و راهبردهای متفاوتی ایجاد می شوند. براین اساس انواع مختلفی از مناطق آزاد شکل گرفته و عناوین مختلفی برای آنها تعیین شده است. انجمن جهانی مناطق آزاد، تقسیم بندی زیر را برای این مناطق ارائه نموده است:

۱) منطقه ویژه اقتصادی: در این منطقه تقریباً تمامی فعالیتها مجاز است، خارج از قلمرو گمرکی نیست و می توان سایر مناطق از جمله منطقه آزاد تجاری را در آن تاسیس کرد.

۲) منطقه پردازش صادراتی: منطقه سنتی فعال در صادرات کالاهای کارخانه ای است که خارج از قلمرو گمرکی می باشد. معمولاً مبتنی بر صنایع کاربر سطح پایین مانند منسوجات و پوشاک، کفش، چرم، لاستیک و قطعات الکترونیک است. مساحت اینگونه مناطق نسبتاً کوچک و ۲ تا ۳ کیلومتر مربع است.

۳) متمرکز بر تجارت بین‌المللی به ویژه فعالیت‌های باارزش افزوده لجستیکی و صنایع سبک است که خارج از قلمرو گمرکی قرار دارد و به منطقه پردازش صادراتی بسیار شبیه است.

۴) مناطق یا مجتمع‌های صنعتی: این مناطق پلاتفرمی برای صنعت کارخانه‌ای است و خوشه‌های صنعتی را دربرمی‌گیرد، معمولاً خارج از قلمرو گمرکی نیست و به منطقه سرمایه‌گذاری خارجی تبدیل می‌شود.

۶) منطقه یا مجتمع‌های توزیعی: فعالیت‌های پشتیبانی و انبارهای عمومی را دربرمی‌گیرد و معمولاً خارج از قلمرو گمرکی قرار دارد. این منطقه در ناحیه‌ای تاسیس می‌شود که بازارهای داخلی متعدد را پوشش دهد و شبکه‌های حمل و نقل (هوایی، ریلی، دریایی) قوی وجود داشته باشد.

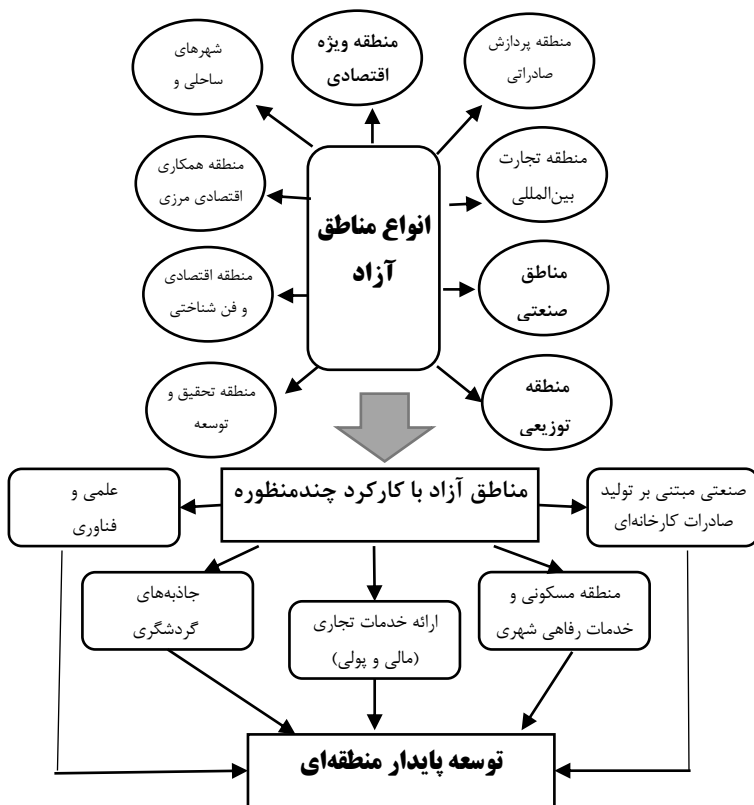
۷) سایر مناطق: مناطق دیگری از جمله منطقه تحقیق و توسعه، منطقه توسعه اقتصادی و فن‌شناختی، منطقه همکاری‌های اقتصادی مرزی، شهرهای آزاد ساحلی و گردشگری با اهداف و قوانینی خاص مانند عدم نیاز به اخذ ویزا در منطقه گردشگری وجود دارد.

ذکر این نکته ضروری است که در گذر زمان و بر مبنای تجربه مناطق آزاد برخی از کشورها از جمله چین و امارات کاربرد مناطق آزاد تغییر یافته و قلمرو جغرافیایی و کارکردی مناطق آزاد لزوماً به نواحی محصور کوچک مقیاس و فعالیت‌های خاص محدود نمی‌شود. بنابراین در رویکرد جدید، مناطق آزاد به عنوان مناطقی با کاربرد چند منظوره و وسیع دیده می‌شود. در واقع در برداشت جدید، مناطق آزاد دارای کاربرد چندمنظوره با هدف تامین توسعه

فراگیر و پایدار منطقه‌ای هستند. این تغییر شکل ساختاری هم ریشه در تغییر و تحولات شیوه تولید دارد و هم ناشی از تغییر و تحولات سیاست‌گذاری منطقه‌ای و جهانی است. در عرصه تولید نیز تقسیم کار بین بنگاهی و تجارت درون صنعتی اهمیت روزافزونی یافته است. به عبارت دیگر منطقه آزاد به معنای منطقه‌ای محصور با امتیازات خاص جهت جذب سرمایه خارجی و انتقال فناوری و به طور کلی برقراری ارتباط بیشتر و کنترل شده با اقتصاد جهانی، در اصل راهبردی است متعلق به دورانی که سیاست‌های حمایتی در حوزه تجارت خارجی کشورها وجه غالب را داشت. در این دوران در واقع منطقه آزاد حکم پنجره‌ای به سوی بیرون را داشت. اما امروزه با تغییر و تحولات پیش آمده در عرصه سیاست‌گذاری و باز شدن کم و بیش اقتصادها، منطقه آزاد مزیت تعرفه‌ای خود را نسبت به سایر نقاط کشوری تا حدی از دست داده است. به همین دلیل دیگر انگیزه قوی برای آن محسوب نمی‌شود یا دست کم می‌توان گفت که تنها انگیزه مسلط و غالب نیست.

مناطق آزاد جدید فقط محدود به کارخانه‌های تولیدی و عملیات پردازشی مرتبط با آنها نمی‌شود. این مناطق برای خود شهرهایی هستند با سازماندهی، ارتباطات بازتر با پسرکرانه‌های خود. از اینرو بیشتر به عنوان سیاستی در چارچوب برنامه توسعه منطقه‌ای و تکمیل حلقه‌های پسین و پیشین از طریق تاسیس خوشه‌های صنعتی، گردشگری، علمی و فن‌آوری و تجاری و خدماتی (مالی و پولی) دیده می‌شود. تجربه مناطق آزاد موفق کشورهای دیگر نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از مناطق آزاد نه به عنوان پنجره‌ای به سوی دنیای خارج بلکه هسته اولیه جهت ساماندهی مطلوب‌تر توسعه منطقه‌ای استفاده

کرد. تغییرات فوق‌به‌علاوه آنچه در شیوه تولید کالا به وجود آمده و موجب برجسته‌تر شدن فعالیت‌های پشتیبانی در زنجیره تامین کالا شده، به تغییر ساختاری منطقه آزاد از منظر کالبدی انجامیده است. به این اعتبار از نسل اول و نسل متاخر مناطق آزاد می‌توان سخن گفت. در نسل اول، منطقه آزاد، تک‌منظوره با کارکردی بیشتر مبتنی بر تولید صادراتی کارخانه‌ای یا ارائه خدمات تجاری است. از نظر کالبدی فاقد شهر و منطقه مسکونی و خدمات رفاهی شهری است. در حالی که در نگاه جدید، منطقه آزاد چندمنظوره مبتنی بر تولید صادراتی کارخانه‌ای، ارائه خدمات تجاری، علمی و فناوری، مالی و پولی، دارای جاذبه‌های گردشگری و همین‌طور منطقه مسکونی و خدمات رفاهی شهری است.



شکل ۲: انواع مناطق آزاد

منبع: (نگارندگان)

۴-۲-۳) اهداف مناطق آزاد:

میزان تحقق اهداف یکی از مهمترین شاخص‌های داوری و ارزیابی اقتصادی عملکرد مناطق آزاد در کشورها می‌باشد. به طور کلی شش هدف اصلی که دولت‌ها عموماً از طریق مناطق آزاد پیگیری می‌کنند و می‌توان از آنها به عنوان معیارهای ارزیابی عملکرد مناطق آزاد یاد کرد عبارتند از: ایجاد و کسب درآمد ارزی، جذب سرمایه‌های خارجی و انتقال تکنولوژی، ایجاد اشتغال، تربیت نیروی انسانی، ایجاد پیوندهای صنعتی بین صنایع منطقه آزاد با اقتصاد ملی و نفوذ در بازارهای خارجی. در زمینه اهداف ایجاد مناطق آزاد نیز دیدگاه‌های گوناگونی در کشورهای مختلف وجود دارد اما به طور کلی می‌توان به ۶ هدف که شامل جلب سرمایه‌های خارجی، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، کسب درآمدهای ارزی و افزایش صادرات، دستیابی به تکنولوژی پیشرفته، جذب نقدینگی سرگردان داخلی و کمک به مهار تورم، محرومیت‌زدایی از مناطقی که امکان رشد و توسعه را به طور بالقوه دارند اشاره کرد (احمدزاده و لطفی، ۱۳۹۶: ۱۶۶). برای تحقق این اهداف به خصوص جذب سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان یک شاخص مهم نیز عوامل تعیین کننده‌ای از جمله مقدار دستمزدها در فعالیتهای اقتصادی، مکان‌یابی درست یک منطقه، تسهیلات زیربنایی مناسب، ثبات سیاسی و اقتصادی نقش دارند (سند دوم طرح جامع منطقه آزاد انزلی، ۱۳۸۹: ۴۰).



شکل ۳: اهداف مناطق آزاد

منبع: (احمدزاده و لطفی، ۱۳۹۶)

۴) محیط شناسی پژوهش:

۴-۱) موقعیت شهرستان بندر انزلی و منطقه آزاد انزلی:

بندر انزلی یکی از شهرهای ساحلی حاشیه جنوبی دریای خزر و واقع در استان گیلان است. بندر انزلی اولین و بزرگترین بندر شمالی ایران و قطب اقتصادی و صنعت گردشگری استان گیلان و شمال کشور می باشد که در حاشیه دریای خزر قرار گرفته است. این جزیره بر اثر فعل و انفعالات جوی و سایر عوامل طبیعی، به صورت امروزی از دو قسمت انزلی و غازیان تشکیل می شود و کانالی بین این دو قسمت ایجاد گردید که آب چهار رودخانه از شرق (سوسر روگا، پیر بازار روگا، راست خانه و نهنگ روگا) و یک رودخانه از غرب (شنبه

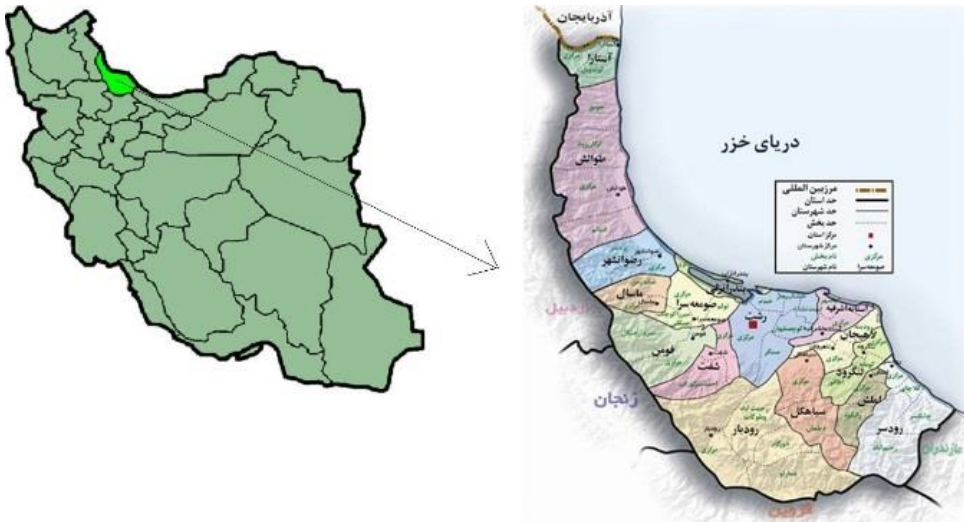
بازار روگا) از طریق آن به دریا وارد می‌گردد (بهرامی و خوش‌منش، ۱۳۹۵: ۸۲).

بندر انزلی در منطقه‌ای جلگه‌ای و ساحلی در طول جغرافیایی ۴۹ درجه و ۲۸ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۷ درجه و ۲۸ دقیقه واقع شده و ارتفاع آن از سطح دریا ۲۶- متر می‌باشد. جمعیت شهرستان بندر انزلی براساس آمار سال ۱۳۹۵ حدود ۱۳۹۰۱۶ نفر بوده و مساحت آن بالغ بر ۲۹۹ کیلومتر مربع است که سهم مساحت شهری آن ۴۹,۳۳ کیلومتر مربع با جمعیتی افزون بر ۱۱۰ هزار نفر بوده به طوریکه ملاحظه می‌شود بندر انزلی از نظر تمرکز جمعیت یکی از متراکم‌ترین شهرهای ایران است (سایت فرمانداری بندر انزلی).

این شهرستان حدود ۲۵۰ سال سابقه بندری دارد که در سال ۱۳۰۶ ه ۰ ش دولت ایران پس از تحویل تاسیسات بندری به وسیله روس‌ها، اقدام به تجهیز این بندر کرد. امروزه بندر انزلی به عنوان مجهزترین و مدرن‌ترین بندر حاشیه‌ای دریای خزر به شمار می‌رود که به دلیل موقعیت منحصر به فرد جغرافیایی و به عنوان تنها بندر آزاد منطقه، نقش به‌سزایی در رونق کریدور شمال- جنوب دارد. همچنین واقع شدن این بندر در محدوده منطقه آزاد تسهیلات و امکانات ویژه‌ای را در اختیار صاحبان کالا، تجار و سرمایه‌گذاران قرار داده که بی‌تردید به افزایش قابلیت‌های بالقوه و بالفعل این بندر منجر شده است. تحولات چند سال اخیر بندر انزلی در زمینه تکمیل و احداث زیرساخت‌ها، اعم از احداث ۶ پست اسکله جدید، نوسازی ۵ پست اسکله قدیمی با مجموع طول ۱۵۶۷ متر و قابلیت پهلودهی همزمان ۱۲ فروند کشتی، افزایش مساحت بندر از ۲۴ هکتار به ۱۰۰ هکتار، خرید تجهیزات

استراتژیک خشکی و دریایی و مخابراتی، واگذاری عملیات تخلیه و بارگیری به سه ترمینال اصلی، جذب سرمایه‌گذار به روش BOT در زمینه احداث انبار و

سیلوی ذخیره غلات، احداث اتوبان ویژه بندری و راه‌اندازی ترانزیت سوخت، همچنین به کارگیری فناوری روز، این بندر را به بندری استراتژیک در حاشیه دریای خزر تبدیل کرده است. به نحوی که ظرفیت آن از دو میلیون تن به ۷ میلیون تن کالا در سال رسیده است و با اجرای طرح جامع، این ظرفیت به ۱۱ میلیون تن می‌رسد. هم‌اکنون بندر انزلی با ایجاد ترمینال سوختی قادر است سالانه ۲ میلیون تن مواد سوختی را از بندر حاشیه‌ای دریای خزر تحویل گرفته و به صورت ترانزیت عبور دهد. این بندر همچنین با داشتن ۵ کندو سیلوی ذخیره غلات با ظرفیت ۶ هزار تن، می‌تواند سالانه ۱ میلیون تن گندم را به مقصد عراق و کشورهای خلیج فارس ترانزیت کند (فرج‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۱۲).



نقشه (۱): موقعیت جغرافیایی بندر انزلی

۲-۴) منطقه آزاد انزلی:

منطقه آزاد تجاری- صنعتی انزلی به موجب ماده واحده قانون ایجاد مناطق آزاد تجاری - صنعتی آبادان و خرمشهر، جلفا و بندر انزلی مصوب ۱۳۸۲/۶/۲۳ مجلس ایجاد گردید و اساسنامه سازمان در مورخ ۱۳۸۳/۵/۴ به تایید هیأت دولت رسید و نقشه محدوده در تاریخ ۱۳۸۴/۸/۸ ابلاغ گردید. بنابراین سازمان منطقه آزاد تجاری - صنعتی انزلی سازمانی نوپاست که عملاً از اواخر سال ۱۳۸۴ فعالیت‌های خود را شروع کرده است. منطقه آزاد تجاری- صنعتی انزلی اهدافی همچون، عمران و آبادانی و ارائه خدمات عمومی، رشد و توسعه اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازار کار و کالا، تشویق تولید و صادرات کالا، ورود و حضور فعال

در بازارهای منطقه‌ای و جهانی، جذب فناوری‌های جدید و انتقال علم و دانش فنی به عوامل تولید داخلی همسو با توسعه علمی و فناوری جهان، تسریع در فرایندهای تجاری و اقتصادی و فناوری را با ایجاد بستر مناسب جهت انجام آزمایشی طرح‌ها و تعمیم آن به سراسر کشور که رسالت تعامل فعال با جهان، منطبق با اسناد چشم‌انداز بیست ساله کشور را دنبال می‌کند. این منطقه شامل محدوده‌ای از شهرستان انزلی به مساحت تقریبی ۳۲۰۰ هکتار خشکی و تا عمق دو کیلومتر از آب‌های ساحلی محدوده است. محدوده منطقه آزاد تجاری- صنعتی انزلی (به غیر از محدوده بندری) از غرب به اراضی نیروی دریایی و محدوده روستای طالب آباد و از سوی شرق به روستای چپرپرد پایین منتهی می‌شود که در سه محدوده جدا از هم به شرح ذیل در نظر گرفته شده است که هر یک پتانسیل خاص خود را دارند. این سه محدوده عبارتند از:

- ناحیه گلشن و فاز تجارت به مساحت ۲۰۹۱ هکتار که شامل اراضی مناسب طبیعی، با تراکم جمعیت پایین و مناطق مسکونی و با کمترین مقدار زمین جهت شالی‌کاری و دسترسی به سواحل مناسب و وجود اماکن و تاسیسات تفریحی و توریستی منطقه
- شهرک صنعتی حسن‌رود و ناحیه اطراف آن به مساحت ۹۴۶ هکتار که شامل شهرک صنعتی، اراضی منابع ملی و مجاور تالاب می‌باشد.
- محدوده بندری منطقه آزاد انزلی به مساحت ۱۰۶ هکتار که این امر مطلوبیت و جاذبه‌های منطقه آزاد تجاری- صنعتی انزلی را برای ارائه

تسهیلات در زمینه تخلیه و بارگیری و سایر امور ارتقا داده است
(فرج‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۱).



نقشه (۲): محدوده جغرافیایی منطقه آزاد انزلی

منبع: (سایت منطقه آزاد تجاری- صنعتی انزلی)

۳-۴) ویژگی‌های منطقه آزاد انزلی:

۱- قرار گرفتن منطقه آزاد انزلی در مسیر کریدور شمال - جنوب، مسیر مواصلاتی که حلقه واصل تجاری کشورهای جنوب آسیا و آسیای جنوب شرقی به شمال اروپا و اروپای شرقی است و از نظر زمانی و هزینه تمام شده حمل و نقل را نسبت به مسیرهای مواصلاتی موجود بین‌المللی به ترتیب ۳۰ و ۴۰ درصد کاهش می‌دهد.

۲- برخورداری از مسیرهای متعدد مواصلاتی درون استانی و برون استانی مشتمل بر:

الف) وجود بندر انزلی به عنوان فعال‌ترین بندر ایران در دریای خزر با دارا بودن ۱۰ پست اسکله که توان تخلیه و بارگیری بالغ بر ۶ میلیون تن در

- طول سال را داشته و علاوه بر این در مسیر توسعه بندر انزلی به ۲۴ پست اسکله با ظرفیت ۱۷ میلیون تن در سال گسترش خواهد یافت.
- (ب) قرار گرفتن فرودگاه بین‌المللی سردار جنگل رشت در فاصله ۱۵ کیلومتری این منطقه.
- (ج) آغاز به کار بزرگراه قزوین رشت انزلی که علاوه بر گسترش مبادلات جاده‌ای زمینه‌ساز کاهش زمان تردد میان بندرانزلی با پایتخت کشور را فراهم نموده است.
- (د) مسیر راه‌آهن در حال ساخت قزوین- رشت- انزلی که با بهره‌برداری از آن انقلابی در توانمندی‌های ترانزیتی منطقه و کشور پدید می‌آید.
- (۳) وجود مجموعه گمرکات انزلی و استان گیلان به عنوان یکی از فعال‌ترین و مدرن‌ترین گمرکات کشور.
- (۴) دارا بودن نزدیک‌ترین فاصله به پایتخت و قطب‌های صنعتی ایران در میان سایر مناطق آزاد کشور.
- (۵) وجود ارتباطات تاریخی در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی با کشورهای حاشیه دریای خزر که زمینه‌ساز مقبولیت عرضه محصولات ایرانی در این کشورها می‌شود.
- (۶) نزدیکی منطقه آزاد انزلی به بازارهای مصرف ۳۰۰ میلیون نفری کشورهای حاشیه دریای خزر و قفقاز.
- (۷) قرار گرفتن این منطقه در مسیر ترانزیتی کشورهای حاشیه دریای خزر با ساحل نشینان خلیج فارس و اقیانوس هند و وجود ظرفیت بالقوه در

زمینه ایفای نقش حلقه ترانزیتی از سوی بندرانزلی میان مناطق جغرافیایی فوق.

۸) وجود ذخایر غنی انرژی در حوزه‌های نفت و گاز در دریای خزر، وجود برق مازاد بر مصرف و تولید انرژی‌های نو (از طریق باد) در استان گیلان. ۹) بندر انزلی و استان گیلان قطب گردشگری کشور در حوزه‌های اکوتوریسم، گردشگری دریایی، توریسم ورزشی، درمانی، تجاری و... بوده و دارای ظرفیت‌های فراوان در صنایع دستی می‌باشد. عواملی که زمینه‌ساز حضور میلیون‌ها گردشگر داخلی و خارجی در طول سال در این شهر و استان می‌شود.

۱۰) استان گیلان دارای بیشترین ظرفیت در عرصه محصولات کشاورزی و صنایع تبدیلی این حوزه به خصوص در محصولات استراتژیک برنج، زیتون، خشکبار، مرکبات، نوغان‌داری و در نهایت فرآورده‌های شیلاتی است (سند دوم طرح جامع توسعه منطقه آزاد انزلی، ۱۳۸۹:۱۵).

۵) یافته‌های پژوهش:

۱-۵) اتحادیه اقتصادی اوراسیا زمینه‌ای برای گسترش همگرایی منطقه‌ای: پس از فروپاشی شوروی سابق، هزاران زنجیره تولید و فناوری و زیرساخت مشترک در زمینه حمل و نقل ریلی، خطوط لوله نفت و گاز و... به کشورهای باقیمانده از آن به ویژه اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا به ارث رسید و همین امر باعث وابستگی این کشورها به یکدیگر شده است. از اینرو این کشورها با هدف تقویت مناسبات اقتصادی و بهره‌گیری از این زیرساخت‌ها اتحادیه اقتصادی اوراسیا را ایجاد و قرارداد تشکیل اولیه اتحادیه اقتصادی اوراسیا در

۲۹ مه ۲۰۱۴ میلادی میان کشورهای روسیه، بلاروس و قزاقستان منعقد و جایگزین اتحادیه گمرکی اوراسیا شد و سپس کشورهای ارمنستان و قرقیزستان نیز به عضویت آن درآمدند. این اتحادیه کار خود را به طور رسمی از اول ژانویه ۲۰۱۵ آغاز کرد. کشورهای عضو اتحادیه اکنون ۲۰ میلیون کیلومتر مربع مساحت و بیش از ۱۸۳ میلیون نفر جمعیت دارند که ۵,۲ درصد جمعیت جهان است. تولید ناخالص داخلی اسمی اتحادیه حدود ۱,۹ تریلیارد دلار؛ حجم تجارت با جهان ۹۰۰ میلیارد دلار و تجارت درون اتحادیه رقم ۳۸ میلیارد دلار می‌باشد (پایگاه خبری مناطق آزاد و ویژه اقتصادی).

البته اگرچه هم اکنون تنها پنج کشور عضو این اتحادیه هستند، اما بیش از ۴۰ کشور و سازمان بین‌المللی از جمله ایران، چین، اندونزی، کره جنوبی، هند، مصر، صربستان و حتی برخی کشورهای حوزه آمریکای لاتین برای فعالیت در چارچوب این اتحادیه اعلام آمادگی کرده‌اند. درباره اهداف این اتحادیه اقتصادی می‌توان به تسهیل تجارت، ایجاد بازار مشترک در حوزه کشورهای مستقل هم سود عضو، حذف تدریجی قوانین گمرکی در داخل اتحادیه، برقراری تعرفه خارجی مشترک در میان کشورهای عضو و هماهنگ‌سازی تشریفات گمرکی، جابه‌جایی آزاد کالا، سرمایه، نیروی کار و خدمات در مرزهای اوراسیا، برقراری سیاست مشترک در زمینه انرژی، صنعت، کشاورزی و وسایل نقلیه اشاره کرد (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۸/۹/۸).

در حال حاضر، جمهوری اسلامی ایران با هر ۵ کشور عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا دارای موافقتنامه سرمایه‌گذاری دوجانبه (BIT) است و راه‌چندانی تا

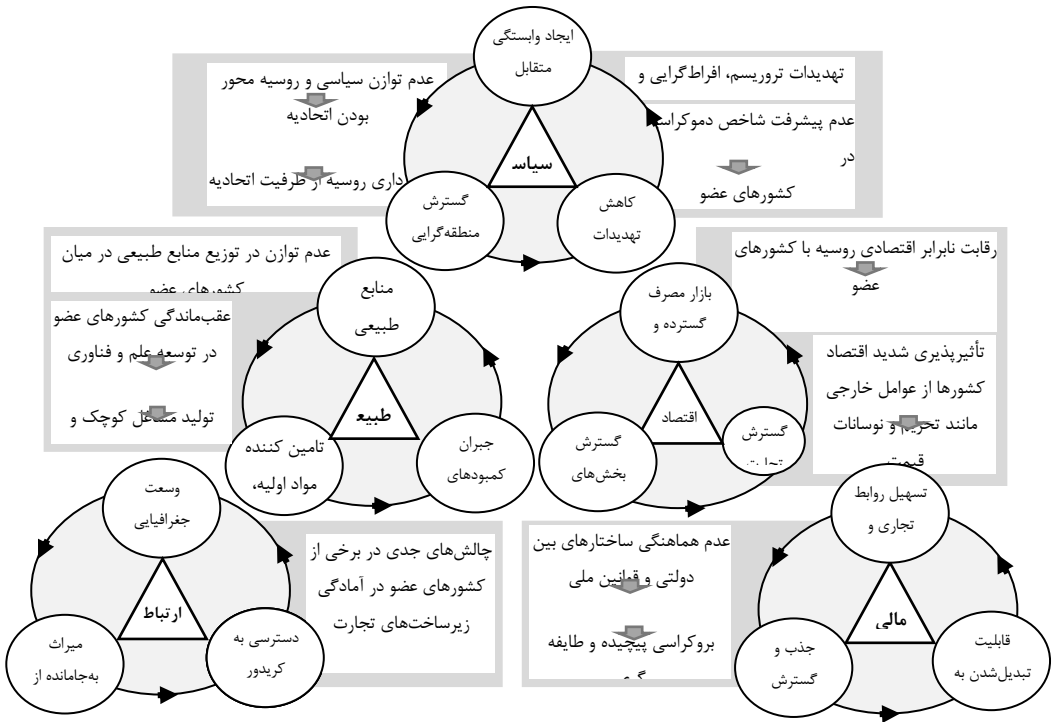
امضای موافقتنامه سرمایه‌گذاری در اوراسیا باقی‌مانده است. ایران در سال ۱۳۹۵ به کمیسیون اقتصادی اتحادیه اوراسیا پیشنهاد ایجاد یک منطقه آزاد تجاری میان ایران و این اتحادیه را مطرح کرد؛ پیشنهادی که از جانب اعضای آن نیز مورد استقبال قرار گرفت. مذاکرات موافقتنامه موقت تجاری بین ایران و کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا پس از دو سال مذاکرات در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۷ در شهر آستانه قزاقستان به امضا رسید. موافقتنامه مذکور ۱۵ تیرماه ۹۸ توسط رئیس مجلس شورای اسلامی به دولت ابلاغ شد و رئیس جمهور آن را در ۱۷ تیرماه ۹۸ برای اجرا به وزارت صمت ابلاغ کرد. با خاتمه سه سال عضویت موقت در تشکیل منطقه آزاد تجاری اوراسیا، زمینه لازم برای عضویت ایران در این اتحادیه فراهم می‌شود (سایت معاونت دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه ۱۳۹۹/۲/۲۴).

ورود به اتحادیه اقتصادی اوراسیا و همکاری با این اتحادیه می‌تواند دروازه جدیدی برای اقتصاد ایران باشد و نقش موثری در عبور ایران از تنگناهای اقتصادی ایفا کند. چرا که علاوه بر تنوع بازار و منابع موجود در کشورهای عضو، این اتحادیه با جمعیت بیش از ۱۸۰ میلیون نفر، قابلیت تبدیل شدن به بازاری بزرگ و مطمئن برای کالاهای صادراتی ایران را دارد. از دیگر مزایای اقتصادی عضویت در این اتحادیه می‌توان به تخفیف‌های تعرفه‌ای برای صادرکنندگان ایرانی به کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا اشاره کرد. همچنین از آنجا که اتحادیه اوراسیا با کاهش استفاده از دلار، سهم پرداخت‌های تجاری با ارز ملی را به ۷۰ درصد افزایش داده، می‌توان به کاهش استفاده از دلار در مبادلات تجاری خوشبین بود که این اتفاق در شرایط

کنونی تحریم برای تجار ایرانی امیدوارکننده است. توافق با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، علاوه بر اهمیت اقتصادی و تجاری، منافع سیاسی نیز برای طرفین به همراه دارد. ورود ایران به این اتحادیه باعث کاهش انزوای نهادی ایران در منطقه می‌شود. دنیای امروز دنیای همگرایی منطقه‌ای است. همگرایی منطقه‌ای تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر ثبات و امنیت اقتصادی و سیاسی دارد از اینرو به دلیل همسایگی و دسترسی کشورمان به اتحادیه اقتصادی اوراسیا، که با اکثر آنها اهداف سیاسی و زمینه تاریخی و فرهنگی مشترک دارد و علاوه بر آن با توجه به نقش کلیدی ایران در شاهراه‌های موجود منطقه یعنی جاده ابریشم، راه آهن سراسری آسیا، تراسیکا و کریدور شمال و جنوب که می‌تواند در بهره‌مندی اتحادیه اقتصادی اوراسیا از موقعیت ترانزیتی منحصر به فرد ایران برای صادرات کالا به کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا، خاورمیانه و شرق آفریقا از طریق مناطق آزاد چابهار و اروند و نیز منطقه ویژه اقتصادی بندر شهید رجایی موثر باشد. همین امر می‌تواند در گسترش همکاری‌ها با این کشورها در بخش‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، بانکی، حمل و نقل و خدمات فنی و مهندسی چه به شکل دو جانبه و چه به شکل منطقه‌ای در راستای سیاست منطقه‌گرایی در این اتحادیه موثر باشد (پایگاه خبری مناطق آزاد و ویژه اقتصادی).

در ادامه مطلب نیز فرصت‌ها و چالش‌های اتحادیه اقتصادی اوراسیا در قالب نمودار بیان شده است.

فرصت‌ها و چالش‌های اتحادیه اقتصادی



شکل (۴) فرصت‌ها و چالش‌های اتحادیه اقتصادی اوراسیا

منبع: (نگارندگان برگرفته از ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۹۹/۲/۶)

۵-۲ نقش مناطق آزاد در همگرایی منطقه‌ای:

همانطور که قبلا گفته شد عملکرد مناطق آزاد می‌تواند اثرات مثبتی در معادلات و بازیگری کشورها در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای داشته باشد. به طوریکه گسترش تعاملات بین‌المللی کشورها، در یک محدوده جغرافیایی نه تنها نقش موثری در بهبود روابط استراتژیک میان کشورها دارد بلکه در توسعه اقتصادی و مراودات منطقه‌ای نیز موثر است و می‌تواند روابط مخرب میان مناطق اقتصادی کشورهای همجوار را به همکاری میان آنها تبدیل نماید. به طور مثال می‌توان به مناطق آزاد دو کشور چین و امارات متحده عربی اشاره کرد که نمونه‌های موفق از عملکرد مناطق آزاد در گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و منطقه‌گرایی در محدوده جغرافیایی بین‌المللی هستند. چین به واسطه مناطق آزاد خود از یک اقتصاد بسته دولتی مبتنی بر آموزه‌های کمونیستی به یک اقتصاد آزاد و مبتنی بر رهیافت‌های غربی (آمریکای شمالی و اروپای غربی) ارتقاء یافت و از یک کشور با اقتصاد ضعیف به یک اقتصاد رو به رشد و پویا رسید، موضوعی که در توانایی چانه‌زنی و بازیگری چین در معادلات بین‌المللی بسیار مفید به فایده بوده است. یکی از اقدامات چین در مناطق آزاد این کشور که در ایجاد همگرایی منطقه‌ای موثر بوده است، طراحی و ایجاد مناطق آزاد جدید با همکاری و مشارکت کشورهای همسایه همچون روسیه، قزاقستان و مغولستان بوده است که اینگونه اقدامات در بهبود روابط، افزایش همکاری‌ها و رشد اقتصادی میان دو کشور و همچنین ارتقا و بهینه‌سازی ساختار صنعتی مناطق آزاد موثر می‌باشد. در رابطه با امارات نیز باید اذعان نمود که این کشور علاوه بر مزایا و حمایت‌های قانونی در نظر

گرفته شده از سوی دولت مرکزی، از مشکلات سیاسی - امنیتی پیش آمده برای ایران به عنوان یک فرصت بی‌نظیر برای موفقیت تجاری مناطق آزاد این کشور بهره‌برداری صحیحی کرده است. به گونه‌ای که امارات از طریق مناطق آزاد خود توانست اکثر قریب به اتفاق سرمایه‌های سرگردان منطقه‌ای را جذب نموده و از یک کشور حاشیه‌ای به کشوری با قدرت اثرگذاری بر معادلات منطقه‌ای کشورهای درون منطقه با یکدیگر و با قدرت‌های فرامنطقه‌ای بدل شد.

به طور کلی عواملی که در همگرایی منطقه‌ای کشورها در مناطق آزاد موثر است به طور خلاصه عبارتند از:

۱- بهره‌برداری از مسیرهای حمل و نقل میان دو یا چند کشور و توسعه

این مسیرها

۲- بهره‌برداری از تنوع منابع میان کشورها و مزیت هر منطقه

۳- تبادل دانش و فناوری میان کشورها

۴- استفاده از فرهنگ و سنن مشترک کشورها و افزایش فعالیت‌های

فرهنگی مشترک

۵- کمک به ایجاد رابطه همکاری راهبردی میان کشورهای یک منطقه

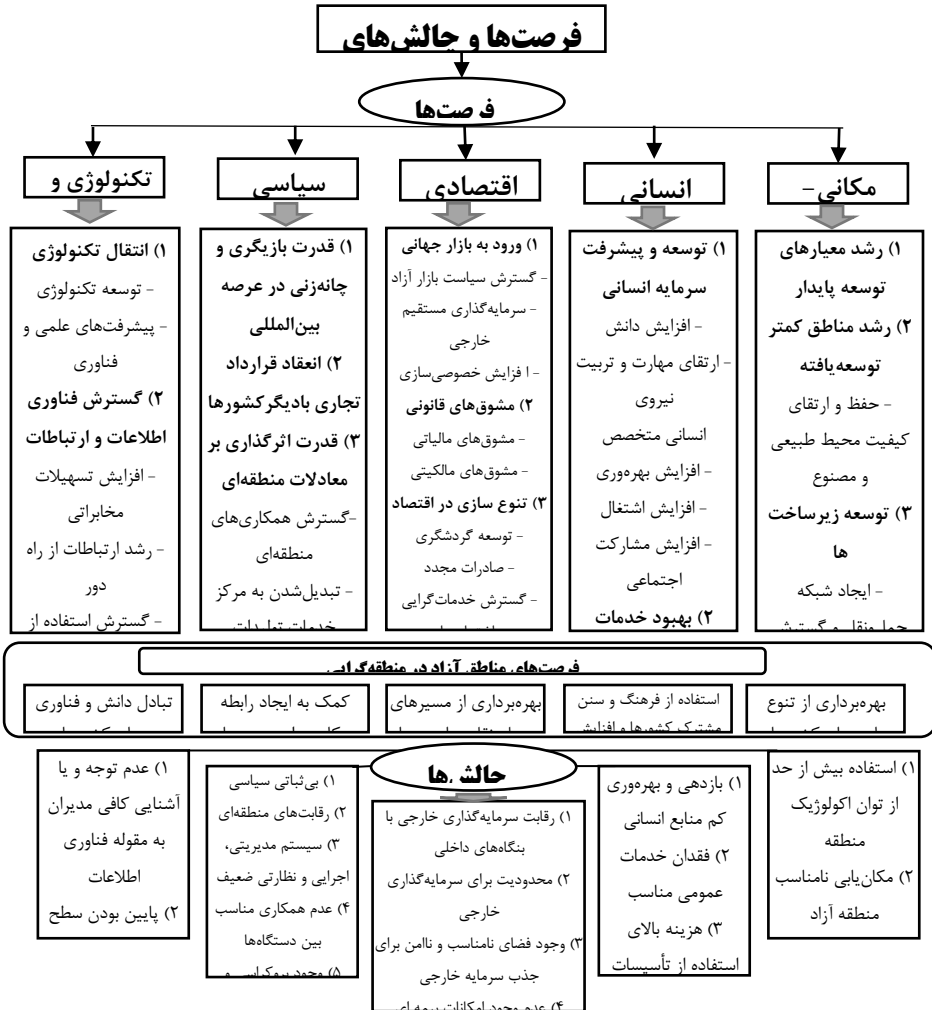
که علاوه بر منافع اقتصادی دارای منافع دیپلماتیک و سیاسی در

سطح ملی نیز می‌باشد (سند دوم طرح جامع منطقه آزاد

انزلی، ۱۳۸۹: ۵۰).

۳-۵) فرصت‌ها و چالش‌های مناطق آزاد:

با توجه به اهداف ذکر شده برای مناطق آزاد، در صورت تحقق این اهداف، این مناطق می‌تواند فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای کشورها ایجاد کند که در شکل (۵) به آنها اشاره شده است.



شکل (۵) فرصت‌ها و چالش‌های مناطق آزاد

منبع: (نگارندگان برگرفته از ابوطالب پور، ۱۳۸۸، فرج‌زاده، ۱۳۹۱، هاشمی، ۱۳۹۸، کریمی کیا و مقدم، ۱۳۹۱، زبینه و یوسفی فرد، ۱۳۹۳، یعقوب‌زاده و همکاران، التجابی، ۱۳۹۰، احمدزاده و لطفی، ۱۳۹۶)

همانطور که در نمودار بالا مشاهده می‌شود عوامل موثر در ایجاد فرصت‌ها و چالش‌های مناطق آزاد را می‌توان در قالب عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی، انسانی، مکانی- جغرافیایی و تکنولوژی و فناوری مورد بررسی قرار داد. البته بیشتر این عوامل نیز با یکدیگر ارتباط متقابل دارند به طور مثال ارائه تسهیلات و مشوق‌های قانونی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی موثر است، یا نقاط ساحلی با قابلیت ترانزیتی بین‌المللی در گسترش سرمایه‌گذاری و همکاری‌های منطقه‌ای نقش دارد و یا وجود نیروی کار ارزان و مصرف فراوان مهمترین جاذبه‌های حضور شرکت‌های چندملیتی در مناطق آزاد هستند که این خود نیز سبب وابستگی کشورها به یکدیگر و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای می‌شود. همچنین انعقاد توافقنامه‌های تجاری با دیگر کشورها نیز در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی موثر است و یا انتقال تکنولوژی در تربیت نیروی انسانی متخصص موثر است و موارد بسیاری دیگر که می‌توان به آن اشاره کرد.

۴-۵) فرصت و چالش‌های منطقه آزاد انزلی:

منطقه آزاد انزلی نیز همسو با دیگر مناطق آزاد جهان دارای فرصت‌ها و چالش‌هایی است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

جدول ۱: فرصت‌ها و چالش‌های منطقه آزاد انزلی در زمینه حمل و نقل

چالش‌ها	فرصت‌ها	حمل و نقل
<p>۱) وجود بنادر رقیب کشورهای همسایه در حاشیه دریای خزر</p> <p>۲) سیستم حمل و نقل ضعیف</p> <p>۱-۲) فرسودگی راه‌ها به دلیل شرایط آب و هوایی و ایمنی پایین جاده‌های موجود و نامناسب بودن ظرفیت حمل و نقل جاده‌ای</p> <p>۲-۲) ناوگان فرسوده در سیستم حمل و نقل هوایی</p> <p>۲-۳) فقدان فضای لازم برای احداث راه آهن در بندر انزلی</p> <p>۲-۴) ضعف تاسیسات بندری (فقدان راه آهن Ro-Ro ترمینال اختصاصی کانتینری، تخلیه مواد نفتی، تخلیه کالاهای فله خشک)</p> <p>۱-۴-۲) عمق کم آب‌خور برای پذیرش نسل جدید کشتی‌ها در بندر انزلی</p> <p>۳) کمبود انبارها و شبکه ذخیره و نگهداری کالا و انبارهای تخصصی</p>	<p>۱) وجود بندر انزلی به عنوان بخشی از منطقه آزاد</p> <p>۲) برخورداری از موقعیت ژئوپلیتیکی مناسب و قرار گرفتن در مسیر کریدورهای بین المللی (شمال-جنوب) (و شرق - غرب)</p> <p>۳) وجود شبکه جاده‌ای اتصال دهنده استان گیلان به استان‌های همجوار</p> <p>۴) مسطح بودن ۸۸ درصد از اراضی منطقه</p>	

۴) کمبود بودجه و منابع مالی و ضعف در مدیریت	۵) احداث شبکه‌های ریلی و جاده‌ای جهت اتصال منطقه آزاد انزلی به شبکه ریلی و جاده‌ای سراسری و طرح احداث فرودگاه و بندر تجاری	
---	--	--

منبع: (نگارندگان برگرفته از مسرور، ۱۳۹۵، زبینه و یوسفی، ۱۳۹۵، طرح جامع منطقه آزاد تجای - صنعتی انزلی ۱۳۹۷، فرج‌زاده، ۱۳۹۱، صالحی‌نژاد، ۱۳۹۱، خدادادی، ۱۳۹۱)

جدول ۲: فرصت‌ها و چالش‌های منطقه آزاد انزلی در زمینه گردشگری

چالش‌ها	فرصت‌ها	گردشگری
<p>(۱) تخریب محیط زیست و منابع طبیعی</p> <p>(۱-۱) تخریب پوشش گیاهی توسط گردشگران</p> <p>(۱-۲) از بین رفتن سطح وسیعی از اراضی زراعی و جنگلی به واسطه توسعه منطقه آزاد و ساخت اماکن گردشگری</p> <p>(۱-۳) افزایش آلودگی و بهره‌برداری از آب سطحی به واسطه افزایش جذب گردشگر</p> <p>(۱-۴) تخریب و تغییر کاربری زیستگاه حیات وحش</p> <p>(۱-۵) تداخل و عدم در نظر گرفتن حرایم مناطق حفاظت شده پیرامونی در تعیین مرز منطقه آزاد</p>	<p>(۱) وجود جاذبه‌های گردشگری (طبیعی، مذهبی، تاریخی، فرهنگی) و سابقه تاریخی استان گیلان و شهر انزلی در زمینه گردشگری</p> <p>(۱-۱) وجود ساحل ماسه‌ای و مناسب</p> <p>(۱-۲) پتانسیل بالای اکوتوریسم (پرنده‌گردی در زیستگاه تالابی و دریایی)</p> <p>(۱-۳) قرارگیری بخشی از پارک ملی بوجاق در منطقه انزلی</p> <p>(۱-۴) همجواری با تالاب بین المللی انزلی</p> <p>(۱-۵) وجود ۱۱ منطقه نمونه گردشگری و ۴ روستای هدف گردشگری در ۳ استان رشت، بندر انزلی، آستانه اشرفیه</p> <p>(۱-۶) وجود صنایع دستی و آداب و رسوم مردم منطقه</p> <p>(۱-۷) کاهش چشمگیر هزینه‌های اجرا و نگهداری طرح‌های فضای سبز</p>	

<p>۲) وجود زیرساخت‌های گردشگری دریایی و احداث پایانه مسافری دریایی بندر انزلی</p> <p>۲-۱) کیفیت پایین امکانات اقامتی</p> <p>۲-۲) فقدان امکانات اقامتی ارزان</p> <p>۲-۳) عدم تعادل در توزیع امکانات اقامتی</p>	<p>۲) کمبود و نامطلوب بودن زیرساخت‌های اقامتی گردشگری</p>	
<p>۳) قرار گیری در مسیر شبکه ارتباطی مازندران - گیلان، اردبیل - قزوین، گیلان - اردبیل</p>	<p>۳) کمبود و نامطلوب بودن امکانات حمل و نقل مسافری</p>	

منبع: (نگارندگان برگرفته از مسرور، ۱۳۹۵، زببنده و یوسفی، ۱۳۹۵، طرح جامع

منطقه آزاد تجای - صنعتی انزلی ۱۳۹۷، فرج‌زاده، ۱۳۹۱، صالحی‌نژاد، ۱۳۹۱،

خدادادی، ۱۳۹۱)

جدول ۳: فرصت‌ها و چالش‌های منطقه آزاد انزلی در زمینه اقتصادی

چالش‌ها	فرصت‌ها		
(۱) وجود محدودیت‌های زیست محیطی در منطقه برای استقرار برخی گروه‌های صنعتی (۲) ضعف در بسته بندی محصولات کشاورزی (۳) پایین بودن فعالیت تبدیلی ابریشم	(۱) وجود مزیت نسبی جهت ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی در زمینه مواد غذایی، شیلات، صنایع دارویی، چوب و سلولزی و.. وجود ذخایر انرژی نفت و گاز در دریای خزر وجود برق مازاد بر مصرف و تولید انرژی های نو (انرژی بادی)	صنعت	اقتصادی
(۴) وجود نیروی کار ساده و غیرماهر	(۲) افزایش اشتغال و کاهش نرخ بیکاری (۳) جوان بودن جمعیت به منظور تامین نیروی انسانی		
(۵) سهم پایین منطقه از تعداد معادن و محصولات معدنی	(۴) مسطح بودن ۸۸ درصد از اراضی		
(۶) تخلیه پساب فاضلاب به آب‌های سطحی و آب دریا	(۵) وجود شهرهای صنعتی در استان و قطب‌های صنعتی در استان‌های همجوار و امکان تامین نیروی کار متخصص از شهرهای بزرگ همجوار		
(۱) سنتی بودن بخشی از فعالیت‌های فعالیت‌های	(۱) جایگاه ویژه استان در زمینه تولیدات کشاورزی		

<p>کشاورزی و دامداری</p> <p>(۲) بافت سنگین و محدودیت‌های نسبتاً زیاد زهکشی برای زراعت‌های آبی (به استثنای برنج)</p> <p>(۳) وجود اراضی مسکونی در مجاورت اراضی کشاورزی و نفوذ آن به داخل اراضی کشاورزی</p> <p>(۴) وجود اراضی خرده کشاورزی و عدم وجود اراضی گسترده یکپارچه</p> <p>(۵) مصرف بی‌ضابطه کود و سموم شیمیایی در مزارع کشاورزی</p> <p>(۶) ضعف و کمبود مراکز شیلات به ویژه فرآوری خاویار در منطقه آزاد</p> <p>(۷) کاهش تعداد بهره‌برداران کرم ابریشم</p>	<p>(۱-۱) جایگاه ویژه استان در تولید در تولید فرآورده‌های دامی</p> <p>(۱-۲) جایگاه ویژه استان در تولید محصولات زراعی و باغی</p> <p>(۱-۳) پتانسیل بالای آبی‌پروری</p>	کشاورزی	
<p>(۱) آلودگی فیزیکی و شیمیایی منابع آبی اعم از رودخانه‌ها و دریا و تاشی مستقیم بر جمعیت آبریان</p> <p>(۲) بالابودن میزان برداشت از منابع آب زیرزمینی علی‌رغم</p>	<p>(۲) بارندگی زیاد و منظم در طول سال</p> <p>(۲-۱) وجود رودخانه‌ها با رژیم دائمی</p> <p>(۲-۲) وجود سفره‌های آب زیرزمینی آزاد و تغذیه</p>		

<p>وجود منابع آب سطحی پرآب و بزرگ (۳) احتمال وقوع سیلاب و در دسترس نبودن دبی رودخانه‌ها ۴- احتمال پیشروی دریا</p>	<p>آبخوان‌ها از جریان سطحی ۲-۳) بالا بودن رطوبت نسبی در منطقه ۲-۴) احتمال پایین وقوع طوفان به دلیل واقع شدن در منطقه ساحلی</p>		
<p>(۱) بافت سنگین و محدودیت‌های نسبتا زیاد زهکشی برای زراعت‌های آبی (به استثنای برنج) (۲) فرسایش خاک ناشی از تخریب جنگل جهت قاچاق چوب</p>	<p>(۳) وجود خاک عمیق و حاصلخیز ۳-۱) مستعد بودن منطقه در زمینه احیای پوشش گیاهی جنگلی</p>		
<p>(۱) وجود حساسیت‌های خاص زیست محیطی</p>	<p>۴) تغییرات کم نوسان دما ۴-۱) نوسان کم خشکسالی‌ها و ترسالی‌ها و در نتیجه اطمینان برای رشد پوشش گیاهی ۴-۲) تعداد کم روزهای یخبندان</p>		
<p>نامنی اقتصادی</p>	<p>(۱) وجود امکانات و تسهیلات قانونی منطقه آزاد انزلی به منظور جذب سرمایه‌گذاران در بخش خدماتی</p>	<p>خدمات</p>	
<p>پایین بودن شاخص کیفیت خدمات آموزشی، بهداشتی - درمانی و...</p>	<p>(۲) استقرار خدمات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای (درمانی، آموزشی، اقامتی) و ارائه خدمات مالی و</p>		

<p>کمبود و نامطلوب بودن امکانات حمل و نقل مسافری</p>	<p>بانکی و علمی و پزشکی به کشورهای همسایه</p>		
<p>تنش‌های سیاسی موجود در منطقه و فرار سرمایه‌های بین المللی در نتیجه افزایش ریسک سیاسی-اقتصادی جذب سرمایه‌های ایرانی توسط رقبای منطقه‌ای همچون آذربایجان، ترکیه و امارات سهم بالای دیگر کشورها در تصاحب بازارهای منطقه</p>	<p>(۱) واقع شدن در مسیر کریدور شمال-جنوب (۱-۲) دسترسی به بازار ۳۰۰ میلیونی کشورهای حوزه قفقاز و CIS (۲) نمایل کشورهای همسایه برای رهایی از سلطه روسیه و برخورداری ایران با انطباق تجاری بالای ۵۰ درصد با این کشورها (۳) نیاز کشورهای منطقه آسیای میانه و قفقاز به برخی از تولیدات صنعتی و کشاورزی ایران (۴) عضویت ایران و کشورهای منطقه در سازمان همکاری اکو</p>	<p>بازرگانی</p>	

منبع: (نگارندگان برگرفته از مسرور، ۱۳۹۵، زبینه و یوسفی، ۱۳۹۵، طرح جامع منطقه آزاد تجای- صنعتی انزلی ۱۳۹۷، فرج‌زاده، ۱۳۹۱، صالحی‌نژاد، ۱۳۹۱، خدادادی، ۱۳۹۱)

جدول ۴: فرصت‌ها و چالش‌های منطقه آزاد انزلی در زمینه انسانی

چالش‌ها	فرصت‌ها	انسانی
	تجانس مذهبی و قومی و فرهنگی در میان ساکنین اصلی و تاریخ و سابقه طولانی سکونت در سایت وجود ارتباطات تاریخی در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی با کشورهای حاشیه دریای خزر	
پایین بودن سطح سواد و تحصیلات پایین بودن نسبت جمعیت مردان به زنان در سطح شهرستان	سهم بالای نیروی انسانی در تامین نیروی ماهر و نیمه ماهر	
منفی شدن نرخ رشد جمعیت	جوان بودن جمعیت	
پایین بودن شاخص‌های خدمات اجتماعی، آموزشی و بهداشتی درمانی و...	امکان استفاده از امکانات و تسهیلات مناطق آزاد در زمینه فعالیت‌های خدمات‌رسانی به ساکنین	

منبع: (نگارندگان برگرفته از مسرور، ۱۳۹۵، زببند و یوسفی، ۱۳۹۵، طرح جامع

منطقه آزاد تجای - صنعتی انزلی ۱۳۹۷، فرج‌زاده، ۱۳۹۱، صالحی‌نژاد، ۱۳۹۱،

خدادادی، ۱۳۹۱)

جدول ۵: فرصت‌ها و چالش‌های منطقه آزاد انزلی در زمینه کالبدی- زیربنایی

چالش‌ها	فرصت‌ها	
(۱) عدم وجود خطوط گاز در بخشی از محدوده منطقه آزاد انزلی	(۱) پوشش سراسری خطوط اصلی آبرسانی، برق رسانی و خطوط فیبر نوری	کالبدی - زیربنایی
(۲) تخلیه فاضلاب به آبهای سطحی و آب دریا در فصل زمستان	(۲) وجود تصفیه خانه فاضلاب	
(۳) امکان آلوده شدن آب های سطحی با گسترش محدوده منطقه آزاد انزلی	(۳) غنی بودن منطقه از لحاظ تامین آب و وجود آبراهه‌های دائمی و نزولات جوی (۳-۱) امکان استفاده از سدهای محدوده مطالعات منطقه آزاد انزلی جهت تامین آب (۳-۲) وجود خطوط اصلی آب	
(۴) کمبود خدمات روبنایی مثل مراکز بهداشتی-درمانی، آموزشی، ورزشی و تفریحی در منطقه آزاد	(۴) توسعه و احداث مراکز بهداشتی - درمانی	
(۵) وضعیت نسبتا نامطلوب شاخص‌های بهداشتی- درمانی		
(۶) پایین بودن تعداد فارغ التحصیلان مراکز دانشگاهی	(۵) توسعه و احداث مراکز آموزش عالی	

<p>۷) نابرابری فضایی در توزیع کاربری‌ها ۸) وسعت زیاد اراضی کشاورزی و جنگلداری ۸-۱) بروز مشکلات مدیریتی به علت عبور مرز محدوده از میان بافت‌های روستایی</p>	<p>۶) استقرار مراکز اقامتی- رفاهی متعدد و امکان توسعه آنها</p>
<p>کمبود انبارها و شبکه ذخیره و نگهداری کالا</p>	<p>۷) وجود مجموعه گمرکات انزلی</p>
<p>کمبود و نامطلوب بودن امکانات حمل و نقل مسافری</p>	<p>۸) توسعه زیرساخت حمل و نقل</p>

منبع: (نگارندگان برگرفته از مسرور، ۱۳۹۵، زببنده و یوسفی، ۱۳۹۵، طرح جامع منطقه آزاد تجای- صنعتی انزلی ۱۳۹۷، فرج‌زاده، ۱۳۹۱، صالحی‌نژاد، ۱۳۹۱، خدادادی، ۱۳۹۱)

۵-۵) بررسی حوزه نفوذ عملکردی منطقه آزاد انزلی:

با در نظر گرفتن دو کریدور مهم تراسیکا از غرب به شرق و کریدور شمال - جنوب، همچنین شبکه راه‌های داخلی اعم از جاده‌ای و ریلی و ارتباط با بنادر مهم و در نظر گرفتن عوامل فیزیکی و اقتصادی، حوزه نفوذ منطقه آزاد انزلی را می‌توان در دو محدوده بررسی کرد:

- حوزه نفوذ خارجی مستقیم، شامل بنادر کشورهای حاشیه دریای خزر
- حوزه نفوذ خارجی غیرمستقیم، شامل آسیای میانه، کشورهای CIS، اتحادیه اروپا و شرق دور

نقشه (۳): حوزه نفوذ مستقیم و خارجی منطقه آزاد انزلی

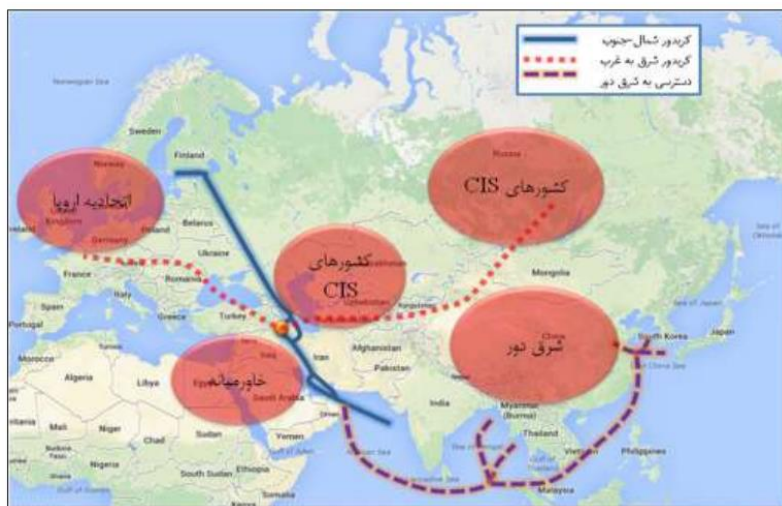


منبع: (گروه بین‌المللی ره شهر)

با توجه به بررسی های صورت گرفته بندرانزلی با توجه به قرارگیری در مسیر کریدور شمال- جنوب، از شمال به حوزه‌های CIS و از جنوب به کشورهای حاشیه خلیج فارس موسوم به GCC متصل خواهد بود. این اتصال هم از طریق شبکه بزرگراه‌های سراسری داخلی و اتصال به بنادر جنوبی و مناطق آزاد محور جنوب امکان‌پذیر است و هم از طریق راه آهن سراسری و در صورت تکمیل خطوط قزوین- رشت- انزلی و نیز خط چابهار در آینده‌ای نزدیک عملی خواهد بود. از این طریق منطقه آزاد انزلی از شمال و به طور غیرمستقیم به کشورهای CIS، از جنوب به کشورهای حاشیه خلیج فارس و از طریق بندر چابهار و نقاط مرزی سرخس و میرجاوه به کشورهای شرق دور

(چین) دسترسی خواهد داشت، همچنین از طریق کریدور ترانسیکا به ترکیه و اتحادیه اروپا مرتبط است.

نقشه (۴): حوزه نفوذ غیر مستقیم و خارجی منطقه آزاد انزلی



منبع: (گروه بین المللی ره شهر)

حوزه نفوذ داخلی و مستقیم منطقه آزاد انزلی، شامل ارتباطهای عملکردی در سطح استان گیلان می شود. با توجه به بررسی ها شبکه راهها در سطح بلا فصل منطقه می توان راه اصلی تا شعاع ۸ کیلومتری را شناسایی نمود که تقریباً منطبق بر مرزهای سیاسی استان گیلان است.

نقشه (۵): حوزه نفوذ مستقیم و داخلی منطقه آزاد انزلی



منبع: (گروه بین‌المللی ره شهر)

همچنین با توجه به روابط عملکردی میان منطقه آزاد انزلی و مناطق آزاد ایران، می‌توان این مناطق را به عنوان یک زنجیره لجیستیکی با یکدیگر در نظر گرفت. با در نظر گرفتن شبکه سراسری جاده‌ای همه مناطق آزاد و با در نظر گرفتن شبکه راه‌آهن سراسری مناطق آزاد ارس، ماکو و قشم می‌توانند در حوزه نفوذ داخلی و غیرمستقیم منطقه آزاد انزلی واقع شوند. همچنین بنادر مهمی چون امیرآباد، بندرعباس، بندر امام خمینی، بندر بوشهر و بندر شهید

بهشتی نیز در حوزه داخلی و غیرمستقیم منطقه آزاد انزلی واقع اند و به لحاظ عملکردی برای این منطقه حایز اهمیت خواهد بود.

نقشه (۶): حوزه نفوذ غیرمستقیم و داخلی منطقه آزاد انزلی



منبع: (گروه بین المللی ره شهر)

در ارتباط با بندرانزلی، کالاهای وارد شده از بنادر کشورهای شمالی مانند فولاد و سوخت و عبور و انتقال آنها به مناطق آزاد جنوبی از جمله چابهار و همچنین انتقال کالاهای صادراتی از جمله خشکبار، سنگ و شیشه از جنوب و مرکز به انزلی و صادرات این کالاها می تواند از اهمیت برخوردار باشد و به نوعی حوزه نفوذ داخلی و فرامرزی انزلی را شکل دهد (طرح جامع منطقه آزاد تجاری- صنعتی انزلی، ۱۳۹۷: ۳۶-۳۸).

۶-۵) نقش منطقه آزاد انزلی در همگرایی منطقه‌ای

یکی از اهداف اساسی ایجاد مناطق آزاد کشور، استفاده از موقعیت ویژه کشور ایران در توسعه ترانزیت و حمل و نقل کالا، تغییر کانون صادرات مجدد کالا از کشورهای مجاور به مناطق آزاد ایران و تبدیل کشور به کانون اصلی ترانزیت و صادرات و ایفای نقش عالی در مسیر کریدورهای شمال - جنوب و شرق - غرب می‌باشد. بر این اساس منطقه آزاد انزلی با توجه به ویژگی‌ها و پتانسیل‌های زیادی که جهت ارتقای توان ترانزیتی کشور دارد یکی از اهداف عالی خود را امر یاد شده قرار داده است.

بندر انزلی با توجه به موقعیت راهبردی دریای خزر جایگاه ویژه‌ای در داد و ستد ایران با منطقه آسیای میانه و قفقاز دارد. از سوی دیگر این بندر به سبب دسترسی (از طریق کانال ولگا- دن) به کشورهای شرق اروپا، در آینده‌ای نزدیک با اتصال به شبکه ریلی کشور، اهمیت به سزایی در ترانزیت کالا به این کشورها خواهد داشت. همچنین این بندر علاوه بر قرارگیری در کریدور شمال - جنوب نقش مهمی در مسیر ترانزیتی شرق - غرب ایفا خواهد کرد و در زمینه ترانزیت و ترانشیپ بین آسیای میانه و غرب آسیا دارای اهمیت فراوانی است.

کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال - جنوب به منظور توسعه مناسبات حمل و نقل، افزایش دسترسی به بازارهای جهانی، افزایش حجم حمل و نقل کالا و مسافر، ایمنی و حفظ محیط زیست، هماهنگ‌سازی سیاست‌های حمل و نقل، پی‌ریزی قوانین و مقررات مورد نیاز، تامین شرایط برابر جهت عرضه کنندگان خدمات حمل و نقل توسط وزرای حمل و نقل سه کشور ایران، روسیه و هند

در سپتامبر ۲۰۰۰ میلادی در شهر سن پترزبورگ روسیه به امضا رسید. این کریدور موسوم به کریدور شماره ۹ که از آن به عنوان کریدور قرن ۲۱ نیز یاد می‌شود، ارتباط ترانزیتی کشورهای شمال اروپا، اسکاندیناوی و روسیه را از طریق ایران به کشورهای حوزه اقیانوس هند، خلیج فارس و جنوب شرق آسیا برقرار می‌سازد. کریدور شمال - جنوب به عنوان امن‌ترین، کوتاه‌ترین، ارزان‌ترین و مناسب‌ترین مسیر حمل و نقل کالا، به طور مستقیم و غیرمستقیم به موقعیت ترانزیتی ایران مرتبط است و ایران در آن به عنوان پلی ارتباطی بین آسیا و اروپا عمل می‌کند، از اینرو می‌تواند نقش ممتازی را در اقتصاد، حمل و نقل و ترانزیت کالا بین کشورها ایفا کند. علاوه بر آن به وسیله کریدور شمال جنوب می‌توان از مزایای دسترسی به سه بازار و مرکز توزیع و حمل و نقل جهانی در آسیا شامل حوزه خلیج فارس، حوزه اقیانوس هند و حوزه کشورهای جنوب شرقی آسیا با جمعیتی حدود دو میلیارد نفر برخوردار شد. هزینه حمل کالاهای ترانزیتی از طریق کریدور شمال- جنوب تا ۳۰ درصد نسبت به سایر مسیرهای سنتی سریعتر و ارزان‌تر است. به علاوه آنکه این کریدور تقاطع‌های متعددی با کریدورهای موجود میان کشورهای آسیای میانه و اروپا از جمله تراسیکا و آلتید دارد که این تقاطع‌ها به توزیع متوازن بار در سطح منطقه کمک زیادی می‌کند. در صورت فعال شدن تمام حلقه‌های این زنجیره و بهره‌برداری کامل از این رهگذر، مسیر فنلاند به هندوستان نسبت به مسیر سنتی (کانال سوئز) به میزان ۴۰ درصد و زمان سفر از ۴۰ الی ۶۰ روز به ۲۵ الی ۳۰ روز و هزینه نیز ۳۰ درصد تقلیل خواهد یافت. از دیگر مزایای این کریدور می‌توان به افزایش حجم مبادلات کالا بین سه حوزه ایران،

آسیای میانه و کشورهای حاشیه اقیانوس هند و کاهش وابستگی تجارت کشورهای جنوبی آسیا به کانال سوئز اشاره نمود.

نقشه (۷) جایگاه ایران در کریدور شمال - جنوب NORSTRC



از اینرو با توجه به حجم عبور بار ترانزیتی بسیار گسترده از این کریدور و درآمدهای بسیار بالای بخش ترانزیت از این مسیر که بخش مهم آن از خاک ایران می‌گذرد، منطقه آزاد تجاری- صنعتی انزلی به دلیل موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک این منطقه در بخش‌های حمل و نقل، انبارداری و بندری بودن منطقه و همچنین دارا بودن موقعیت ممتاز در مسیر ترانزیت ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند در جهت احیاء و افزایش جایگاه کشور در کریدور شمال- جنوب گام بردارد. علاوه بر آن نبود منطقه آزاد در حاشیه دریای خزر را نیز می‌تواند به عنوان فرصتی برای توسعه منطقه آزاد انزلی در جذب سرمایه‌های منطقه به حساب آید. البته باید توجه داشت که بنادر حاشیه دریای خزر اگرچه منطقه آزاد نیستند، اما در جذب سرمایه‌های منطقه موفق عمل کرده‌اند که این مسأله خود می‌تواند تهدیدی برای منطقه آزاد انزلی به شمار آید. اکتائو در قزاقستان و باکو در آذربایجان به عنوان دو نقطه مهم برای توسعه همکاری‌ها در منطقه، برای انزلی هستند باید توجه داشت که هر دو بنادر از نقاط مهم ترانزیت دریایی حاشیه خزر هستند و در مسیر کریدور بین المللی تراسیکا قرار دارند. برقرای ارتباط هوایی با مناطقی از جمله باکو، به ویژه به لحاظ جابه جایی مسافر برای جذب گردشگر برای منطقه آزاد انزلی با پتانسیل‌های بالای گردشگری، قابل توجه خواهد بود. همچنین می‌توان به بنادر حاشیه دریای خزر به عنوان یک زنجیره لجستیکی در منطقه، نگریست. در صورت تبدیل آستاراخان در کنار باکو و اکتائو به منطقه آزاد تجاری، نقش ترانزیت دریایی بندرانزلی می‌تواند در منطقه پررنگ‌تر از گذشته شود. چراکه می‌تواند به عنوان نقطه‌ای با اهمیت برای ترانزیت کالا به سوی کشورهای

شرق و جنوب شرق آسیا عمل نماید. البته باید توجه داشت که انتخاب مسیر ترانزیتی ایران از سوی مناطق آزاد کشورهای همجوار برای جابه جایی کالا به سوی شرق دور و جنوب شرق آسیا، مستلزم تکمیل راه آهن قزوین- رشت- انزلی و برقراری ارتباط موثر با زنجیره لجستیکی مناطق آزاد داخلی و به طور مشخص، بنادری چون چابهار در جنوب و همچنین منطقه آزاد ماکو و ارس در شمال و شمال غرب خواهد بود.

تا کنون توافقنامه‌های متعددی نیز بین ایران و کشورهای حاشیه دریای خزر در زمینه‌های مختلف همکاری بسته شده است. از جمله آنها می توان به معاهده بین ایران و آذربایجان اشاره کرد که با توجه به پیوندهای مشترک فرهنگی و همچنین ضرورت انجام مراودات اقتصادی چندین موافقتنامه از جمله موافقتنامه حمل و نقل هوایی، موافقتنامه همکاری و کمک متقابل در امور گمرکی، موافقتنامه بازرگانی، معاهده اصول مناسبات دوستانه و همکاری، تصویب‌نامه لغو یک طرفه روادید، موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری، موافقتنامه حمل‌ونقل بین‌المللی جاده‌ای بین طرفین منعقد شده است. از سوی دیگر تا کنون چندین موافقتنامه بین ایران و ترکمنستان منعقد شده که البته برخی از آنها با توجه به مدت اعتبار تعیین شده در متن قرارداد قابلیت اجرایی ندارد و تنها موافقتنامه همکاری‌های بازرگانی، موافقتنامه همکاری‌های بلندمدت، موافقتنامه تاسیس دالان حمل و نقل و گذر بین‌المللی و موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف برقرار است. نظر به اینکه قزاقستان در میان جمهوری‌های استقلال یافته از شوروی حائز بیشترین تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه است، معاهدات بلند مدتی در زمینه

حمل و نقل هوایی، حمل و نقل جاده‌ای، همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی بلندمدت، تشویق و حمایت متقابل سرمایه‌گذاری، همکاری و کمک متقابل در امور گمرکی بین ایران و قزاقستان منعقد شده است. با نگرش به اینکه اتحاد جماهیر شوروی سردمدار بلوک شرق سابق بود، علیرغم همسایگی دو کشور به جز در مورد دریای خزر، در سایر زمینه‌ها معاهده‌های معدودی بین دو کشور منعقد شده است. اما پس از پیروزی انقلاب و به ویژه فروپاشی شوروی، چندین معاهده در زمینه همکاری‌های مختلف بازرگانی، علمی، فرهنگی، تجاری و حمل و نقل و... بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه امضا شده است (طرح جامع منطقه آزاد تجاری- صنعتی انزلی، ۱۳۹۷: ۱۹).

۶ نتیجه‌گیری:

دولت‌ها در جهان امروز جهت تحقق توسعه اقتصادی و تضمین منافع و تاثیر در فرایند استانداردسازی نهادهای رژیم‌ساز بین‌المللی، رقابت و همکاری توأمانی را با سایر کشورها آغاز کرده‌اند. به عبارت دیگر، کشورها علاوه بر اینکه برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با سایر واحدهای عرصه جهانی رقابت می‌کنند. از سوی دیگر در حال تعمیق همکاری‌شان در قالب نهادهای بین حکومتی تدوین‌گر استانداردها و قواعد بین‌المللی و یا در چارچوب توافق‌های اقتصادی منطقه‌ای هستند. در این روند مناطق آزاد تجاری می‌تواند حجم عظیمی از مبادلات تجاری را بین طرفین مبادله در اقتصاد جهان‌گستر و پرشتاب کنونی انتقال دهند؛ و از این طریق تاثیر مستقیمی بر روند توسعه اقتصادی کشور میزبان و بهبود روابط خارجی آن می‌گذارند. به همین دلیل

بسیاری از کشورها از جمله کشورهای توسعه یافته و کشورهای نوظهور و همچنین در حال توسعه در پی همگام سازی و بهینه سازی مبادلات تجاری در مناطق آزاد متعدد خود هستند (مسرور، ۱۳۹۵: ۱۱۳).

افزایش و توسعه صادرات با حمایت از رشد و توسعه صنایع صادراتی، افزایش واردات ارزی، کمک به حل مسئله بیکاری با ایجاد فرصت های جدید شغلی، ارتقاء سطح استانداردهای اقتصادی با وارد کردن تولیدات پیشرفته و تکنولوژی های مدرن مدیریتی از خارج به داخل کشور جزو مهمترین اهداف ایجاد مناطق آزاد به شمار می روند. به طور کلی می توان گفت مناطق آزاد تجاری در راستای گسترش و توسعه مبادلات بین المللی به وجود می آیند و در این مناطق میزبان از صاحبان سرمایه و شرکت های چندملیتی به منظور جذب سرمایه آنها استقبال می کند و همه نوع تسهیلات از قبیل معافیت های مربوط به بعضی از قوانین مدنی، کارگر و نیروی انسانی ارزان، زمین و اجاره ارزان، تهیه تاسیسات زیربنایی برق، آب و ارتباطات بین المللی را برای آنها فراهم می سازد. بنابراین، هدف اصلی از ایجاد این مناطق بهره گیری از مکانیزم های متفاوت اقتصادی و برخورداری از مزیت های نسبی در محل، جذب سرمایه های خارجی و داخلی، تسهیل صادرات، ایجاد اشتغال و در نهایت توسعه کشور میزبان است و قبل از اینکه به صورت دروازه ای برای تسهیل واردات عمل کنند، باید در خدمت صادرات و توسعه کشور باشند و در واردات نیز کالاهایی وارد کنند که در خدمت تولید و توسعه فعالیت های صادراتی کشور میزبان باشد (حیدری، ۱۳۸۸: ۱۳).

در این میان منطقه آزاد انزلی نیز باید از طریق برقراری پیوندهای راهبردی و مشارکت با کشورهای حوزه دریای خزر، اهداف متناسب خود را که با اهداف ذاتی مناطق آزاد کاملاً همخوان و همسو است دنبال کند. با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک منطقه آزاد تجاری - صنعتی بندر انزلی، این منطقه مشخصات بالقوه و بالفعل فراوانی جهت تاثیرگذاری مثبت بر روابط منطقه‌ای ایران در حوزه دریای خزر دارد. این منطقه از طریق راه‌اندازی کریدور شمال - جنوب و همچنین قرارگیری در مسیر کریدور شرق - غرب علاوه بر جذب انبوه سرمایه خارجی و افزایش حجم مبادلات تجاری، می‌تواند با افزایش ظریب وابستگی متقابل، بر روابط و مناسبات ایران با کشورهای حوزه دریای خزر تاثیر مثبت فراوانی نهد. در چشم‌اندازی کلان‌تر منطقه آزاد تجاری - صنعتی بندرانزلی با قابلیت تبدیل به مرکز یک شبکه گسترده داد و ستد کالاهای استراتژیک کشورهای CIS و خاورمیانه می‌تواند در آینده نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا نماید. در پایان باید اشاره نمود که در مسیر دستیابی به پیشرفت و توسعه منطقه آزاد و همین‌طور سرزمین اصلی، نکته بنیادین علاوه بر ایجاد تاسیسات زیربنایی، ایجاد مدیریت هماهنگ و یکپارچه ما بین تمامی اجزای سیستم فعال در منطقه آزاد و روابط سازمانی فی مابین دستگاه‌های اجرایی منطقه از طریق وحدت رویه، فرماندهی و مدیریت یکپارچه مطابق مفاد مندرج در قانون برنامه پنج ساله کشور با اعمال نقش حاکمیتی و مدیریتی سازمان منطقه آزاد تامین خواهد شد. حال چنانچه اهداف و راهبردها و اقدام‌های لازم برای فعال‌سازی و توسعه محور ترانزیت و حمل و نقل شرق و همچنین تامین منابع مالی منطقه آزاد انزلی مبنی بر جلوگیری از

انتقال سرمایه ایرانیان به دیگر رقبای منطقه‌ای انجام نپذیرد، ایران ضمن واگذاری نقش تاریخی ترانزیتی خود به کشورهای دیگر حوزه خزر و کاهش حجم مبادلات تجاری، در آینده برای بخش قابل توجهی از ارتباطات جهانی‌اش به کشورهای رقیب و همسایه وابسته خواهد بود.

مراجع

(۱) کتاب‌ها

- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی ایران. تهران: سمت.
- رحیمی بروجردی، علیرضا (۱۳۸۵). همگرایی اقتصادی: ترتیبات منطقه‌ای و بازار مشترک، تهران: سمت.
- ریکاردو، دیوید، موریس، پیرسرافا، تیموری، حبیب‌الله (۱۳۷۴). اصول اقتصاد سیاسی و مالیات ستانی. تهران: نشر نی.
- سازمند، بهاره (۱۳۸۸). منطقه‌گرایی و هویت مشترک در جنوب شرق آسیا. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۹). روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها. تهران: سمت.
- والرش‌تاین، امانوئل، عسکریان، حسین (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر تحلیل نظام‌های جهانی. تهران: موسسه ابرار معاصر.
- Hveen, Helge (2000). Explaining the Regional Phenomenon in an Era of Globalisation, in Stubbs, R.& Underhill, G. (eds): Political Economy and the Changing Global Order Oxford: Oxford University.
- Tussie, D (2000). The Coordination of Latin American Debtors: Is there a Logic behind the story in: Griffith-Jones, S. (ed). Managing World Debt. Hertfordshire: Harvester Wheatsheaf.
-

- Free Trade Zone Study, 2008, this research was prepared for Western Economic Diversification Canada FTZ Diversification Canada.

(۲) پایان نامه ها و طرح های پژوهشی

- خدادادی، بهمن (۱۳۹۱). نقش منطقه آزاد انزلی در توسعه روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و گردشگری بین ایران و کشورهای حاشیه دریای خزر، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.
- رضوانی، ابراهیم (۱۳۹۶). حمایت های حقوقی از سرمایه گذاری در مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی با مطالعه تطبیقی امارات متحده عربی. رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی.
- سند دوم طرح جامع منطقه آزاد انزلی، سال ۱۳۸۹.
- شهری، محمودرضا (۱۳۹۰). بررسی اهمیت ژئوپلیتیکی مناطق آزاد با تاکید بر قشم. پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.
- صالحی نژاد، محمد (۱۳۹۱). بررسی برخی از چالش های حقوقی و موانع فراروی ایران در جلب سرمایه گذاری های خارجی با نگاهی بر منطقه آزاد تجاری انزلی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، پردیس بین المللی انزلی.
- طرح جامع منطقه آزاد تجاری- صنعتی انزلی، ۱۳۹۷.
- فرج زاده، شیما (۱۳۹۱). تاثیر منطقه آزاد بر گسترش همکاری های منطقه ای: مطالعه موردی منطقه آزاد انزلی. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه گیلان.
- مسرور، فاطمه (۱۳۹۵). نقش منطقه آزاد انزلی در مبادلات تجاری و تاثیر آن بر روابط منطقه ای ایران با تاکید بر دولت یازدهم، پایان نامه کارشناسی ارشد روابط بین الملل، استاد راهنما دکتر سید امیر نیاکویی، پردیس بین المللی انزلی.

- هاشمی، رضا (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی موانع و شرایط سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد ایران با مناطق آزاد چین و امارات. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند.

(۳) مقالات مندرج در مجلات و کنفرانس‌های علمی معتبر

- احمدزاده، بهمن، لطفی، حیدر (۱۳۹۶). تاثیر مناطق آزاد بر تجارت بین‌المللی؛ مطالعه موردی منطقه آزاد کیش. فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال نهم، شماره دوم.

- اسفندیاری، علی اصغر، مقدس حسین‌زاده، سمیره، دلاوری، مجید (۱۳۸۷). ارزیابی عملکرد مناطق آزاد تجاری ایران و تاثیر آن در توسعه اقتصادی این مناطق. نشریه پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۸، شماره ۱.

- التجابی، ابراهیم (۱۳۸۸). مناطق آزاد تجاری و صنعتی: ابزار راهبرد توسعه صادرات در مقایسه با سه کشور دیگر آسیایی. پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۹، شماره ۲.

- آرمش، همایون (۱۳۸۷). مناطق آزاد تجاری، چالش‌ها؛ فرصت‌ها. مجله بانک، انتشارات بانک صادرات ایران، سال دهم، شماره ۴۷.

- بهرامی، یوسف، خوش‌منش، مهتاب (۱۳۹۵). سنجش رابطه بین توسعه اشتغال و ارتقای امنیت در مناطق آزاد تجاری-صنعتی (مورد مطالعه: منطقه آزاد تجاری-صنعتی بندر انزلی). پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، سال نهم، شماره دوم، پیاپی سی و چهارم.

- حاجی حسینی، احمد (۱۳۷۵). منطقه‌گرایی در جهان سیاست. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۷۵.

- حیدری، محمد (۱۳۸۸). مناطق آزاد تجاری و صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی ایران در اقتصاد ملی، مجله نامه اتفاق بازرگانی، شماره ۵۰۳.

- زرقانی، سیدهادی، احمدی، راحله (۱۳۹۰). مقایسه تطبیقی قابلیت‌ها و فعالیت‌های منطقه آزاد قشم و برخی مناطق آزاد جهان. همایش ملی قشم و چشم انداز آینده، ۴۱۷-۴۲۵.
- زبینه، عدالت، یوسفی فرد، سمیه (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل فرصت‌ها و تنگناهای ژئوپلیتیک توسعه منطقه آزاد انزلی. فصلنامه علمی - ترویجی دانشکده علوم و فنون مرز، سال پنجم، شماره ۳.
- عسکری، علی، جعفری، تینا (۱۳۹۵). ارزیابی آثار اعطای معافیت مالیاتی در مناطق آزاد تجاری ایران (مطالعه موردی منطقه آزاد قشم، کیش و چابهار). فصلنامه اقتصاد مالی، سال دهم، شماره ۳۷.
- کریمی کیا، اسما، مقدم، محمد (۱۳۹۱). بررسی عوامل جذب سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد اروند. مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره‌های ۶ و ۷.
- نجفی، مهرداد، ابوطالب پور، علی (۱۳۸۸). سیرتکاملی مناطق آزاد و جایگاه آنها در توسعه اقتصادی کشورها با تاکید بر منطقه آزاد چابهار. نشریه دیدگاه.
- یعقوب‌زاده، رحیم، عمویی، صدرا، جان بابانژاد، محمد حسین (۱۳۹۴). ارزیابی مناطق آزاد ایران به لحاظ جذب گردشگر و توسعه زیرساخت‌های گردشگری؛ مطالعه موردی منطقه آزاد قشم. نشریه مطالعات فرهنگ و سیاسی خلیج فارس، دوره ۲، شماره ۳.
- Guangwen, Meng (2003). The Theory and Practice of Free Economic Zones: A Case Study of Tianjin, Peoples Republic of China, Submitted to the Combined Faculties for the Natural Sciences and for Mathematics of the Ruprecht-Karls University of Heidelberg, Germany for the Degree of Doctor of Natural Sciences.
- Rasagam, G, Zhihua Zeng, D. 2014, Free Trade Zones- Learning From Global Experiences, AFDC "FTZ Seminar" Shanghai, June 2014.

- Ruigrok, W (2000). Komplementaritäten – eine neue Sichtweise beim organisatorischen fit.GDI_Impuls2.

(۴) سایر مقالات و منابع اینترنتی

- www.anzali.gilan.ir
- www.anzalifz.ir
- www.economic.mfa.ir
- www.freena.ir
- www.irna.ir

آسیب‌شناسی عدم توفیق چند ماه اخیر ایران در مبادلات تجاری با اوراسیا

دکتر هادی اعظمی؛ سمیرا چناری^۲

^۱ - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

^۲ - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

برای بسط تجارت، تعامل سازنده با اقتصاد جهانی و تطابق تدریجی با استانداردهای جهانی، عضویت در بلوک‌های تجاری منطقه‌ای و روی آوردن به چندجانبه‌گرایی اساسی‌ترین محور اقتصاد در قرن کنونی می‌باشد. اسناد کلان راهبردی و برنامه‌های توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران، تعامل سازنده و هوشمندانه با اقتصاد جهانی را به رسمیت شناخته و مورد تأکید قرار داده‌است و گرایش سیاست خارجی کشور ایران مبنی بر سیاست‌های کلی نظام در جهت مشارکت در تجارت جهانی از طریق ایفای نقش در قالب توافقنامه‌های تجارت بارزتر گردید. در سال‌های اخیر، ایران اقدامات مثبتی در زمینه انعقاد «موافقت‌نامه تجارت ترجیحی» با سایر کشورها در راستای اهداف اقتصادی مورد نظر انجام داده است. یکی از مهم‌ترین موارد، موافقت‌نامه تجارت ترجیحی ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا است. جدا از فرصت‌های پیش‌روی ایران در برقراری مناسبات تجاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، بر سر راه تجارت اقتصادی ایران محدودیت‌هایی قرار گرفته است که جمهوری اسلامی ایران را در بهره‌مندی کامل از این موافقت‌نامه دور نگه داشته است. لذا این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی روابط تجاری ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا را مورد مطالعه قرار داده و هدف مقاله ارزیابی و آسیب‌شناسی روابط تجاری ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا به ویژه در چند ماه اخیر می‌باشد.

کلیدواژه: ایران، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، روابط تجاری، موافقت‌نامه ترجیحی

۱-مقدمه

تجارت خارجی یکی از بنیادی ترین مباحث اقتصادی و یکی از عوامل مهم در اقتصاد جهانی محسوب می شود و ثروت کشورها را به گونه ای غیر قابل تصویری افزایش داده است. تجارت خارجی عاملی است که در شکل دادن محیط رقابتی نقش مهمی را ایفا می کند. امروزه عرصه ی تجارت جهانی را باید بدون تردید میدانی وسیع از فرصت ها و تهدیدها برشمرد. مبادلات تجاری در شکل وسیع خود اگرچه امکان افزایش فروش محصولات داخلی، رشد درآمد و انباشت ثروت را برای کشورها فراهم می آورد، لیکن شدت رقابت در بازار جهانی محصولات مختلف، خطر شکست در میدان رقابت را نیز در پیش روی کشورها و بخش های مختلف اقتصادی آنها قرار داده است. بدیهی است که ایران برای دستیابی به بازارهای صادراتی جهان و افزایش سهم از این بازارها به نسبت جمعیت و توان اقتصادی خود، باید ایجاد فضای مناسب برای جذب سرمایه گذاری خارجی و پیگیری عضویت در سازمان تجارت جهانی را محور اصلی این تعامل قرار دهد. در کنار توسعه روابط اقتصادی دوجانبه، یکی از مهمترین گزینه های پیشروی ایران برای بسط تجارت، تعامل سازنده با اقتصاد جهانی و تطابق تدریجی با استانداردهای جهانی، عضویت در بلوک های تجاری منطقه ای و روی آوردن به چندجانبه گرایی است. از سوی دیگر، اسناد کلان راهبردی و برنامه های توسعه ای کشور تعامل سازنده و هوشمندانه با اقتصاد

جهانی را به رسمیت شناخته و مورد تأکید قرار داده است. در مورد جایگاه تجارت در اقتصاد ایران می توان گفت که از جمله مشخصه های اصلی اقتصاد ایران و خصوصاً تجارت خارجی، اتکای شدید آن به صادرات نفت است. افت و خیزهای قابل ملاحظه در عواید به دست آمده از نفت موجبات بروز عدم تعادل ساختاری در بخش های گوناگون اقتصادی شده است بررسی ساختار تجارت خارجی کشور نیز نشان می دهد که سهم عمده ای از صادرات کالای کشور به صادرات نفت اختصاص دارد سهم ایران در صادرات و واردات نسبت به جهان اندک است و در ترکیب واردات، اتکای بیش از حد به واردات کالاهای واسطه ای و سرمایه ای برای یک دوره بلندمدت وجود داشته است. همچنین تمرکز صادرات کشور و سهم بالای نفت در صادرات کالایی مبین عدم تنوع کافی و توسعه نیافتگی ساختار تولید ملی، شکنندگی و آسیب پذیری تجارت در اقتصاد کشور است.

جغرافیای سیاسی ایران در حد فاصل منطقه آسیای مرکزی، خزر، خلیج فارس و غرب آسیا، همواره زمینه های بالقوه ای را برای پیشبرد اهداف اقتصادی-منطقه ای در سیاست خارجی ایران ایجاد کرده است. اما با توجه به الزام های ناشی از تحقق اهداف سند چشم انداز ۲۰ ساله و نقش همکاری های منطقه ای به عنوان یک بازدارنده مؤثر برای تضمین امنیت سیاسی و اقتصادی کشور در مقابل تهدیدهای خارجی، این موضوع اهمیت بیشتری پیدا کرده است. بنابراین گرایش سیاست خارجی کشور مبنی بر سیاست های کلی نظام در جهت مشارکت در تجارت جهانی از طریق ایفای نقش در قالب توافقنامه های تجارت بارزتر گردید. در سال های اخیر، ایران اقدامات مثبتی در

زمینه انعقاد «موافقت‌نامه تجارت ترجیحی» با سایر کشورها در راستای اهداف اقتصادی مورد نظر انجام داده است. یکی از مهم‌ترین مورد، موافقت‌نامه تجارت ترجیحی ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیاست. موافقت‌نامه تجارت ترجیحی بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در ماه می سال ۲۰۱۸ (اردیبهشت ۱۳۹۷) منعقد شده است. در مجموع شامل ۵۰۲ قلم کالای ترجیحی است که قرار است پس از سه سال، این موافقت‌نامه تبدیل به «موافقت‌نامه تجارت آزاد» شود. برای دستیابی به اهداف اقتصادی و رفع چالش‌های اقتصادی ایران، گسترش روابط تجاری بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. توسعه روابط تجاری متقابل می‌تواند در کاهش بحران‌های سیاسی منطقه‌ای نقش موثری ایفا نماید. ایران و اتحادیه با وجود مناسبات تجاری فعلی از روابط دوجانبه مناسبی برخوردارند که می‌تواند مشوقی برای تشکیل هم‌پیوندی تجاری منطقه‌ای محسوب شود. جدا از فرصت‌های پیش‌روی ایران در برقراری مناسبات تجاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، بر سر راه تجارت اقتصادی ایران محدودیت‌هایی قرار گرفته است که جمهوری اسلامی ایران را در بهره‌مندی کامل از این موافقت‌نامه دور نگه داشته است. لذا این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی روابط تجاری ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا را مورد مطالعه قرار داده و هدف مقاله ارزیابی و آسیب‌شناسی روابط تجاری ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا به ویژه در چند

ماه اخیر می‌باشد. قبل از بررسی محدودیت‌های ایجاد شده در چند ماه اخیر، در ابتدا موانع کلی که بر روابط تجاری ایران و اتحادیه قرار دارد مورد بررسی

قرار می‌گیرد. سپس اشاره‌ای می‌شود به دلایلی که در چند ماه اخیر روابط ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا را با مشکل مواجه کرده است.

۲- اتحادیه اقتصادی اوراسیا

برای فهم دقیق روند شکل‌گیری و ساختار اتحادیه اقتصادی اوراسیا ضروری است مطالعه‌ای جامع بر تاریخچه تشکیل انجمن‌های منطقه‌ای پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی انجام شود، چرا که بنای این اتحادیه ریشه در اتحادیه‌های سیاسی و منطقه‌ای پیشین چون اتحادیه کشورهای مشترک‌المنافع، مجمع اقتصادی اوراسیا، اتحادیه گمرکی اوراسیا و فضای اقتصادی اوراسیا دارد. پس از فروپاشی شوروی و از بین رفتن نظام دوقطبی، روند همگرایی منطقی‌های برای تأمین نیازها و اهداف گروه‌ها و مناطق مختلف جغرافیایی تغییر جهت داد و تقویت شد. در عرصه عمل، شمار قابل توجهی از سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای در این دوره شکل گرفتند. بر اساس گزارش سازمان جهانی تجارت، تا پایان سال ۲۰۰۸ حدود ۴۲۰ موافقت‌نامه تجارت منطقه‌ای به گات و به دنبال آن به سازمان تجارت جهانی اعلام شده بود که از این میان بیش از ۲۳۰ مورد در حال حاضر لازم‌الاجرا هستند. تلاش‌های متعددی در طول دو دهه گذشته به‌وسیله دولت‌های مستقل مشترک‌المنافع انجام شده است تا یکپارچگی اقتصادی عمیق‌تری پدید آید (میرفخرایی، ۱۳۹۴: ۱۴۳). در سال ۲۰۰۷ میلادی روسیه، قزاقستان و بلاروس درباره ایجاد یک اتحادیه گمرکی میان خود به توافق رسیدند. در سال ۲۰۰۹ میلادی، ابتدا

توافقاتی میان مسکو، آستانه و مینسک در خصوص ایجاد تعرفه گمرکی مشترک و ایجاد کد مشترک به جای قوانین داخلی صورت پذیرفت و در

نهایت، توافقات مذکور به امضای رؤسای جمهوری سه کشور رسید و بدین ترتیب، اتحادیه گمرکی در سال ۲۰۱۰ میلادی، میان این سه کشور شروع به فعالیت کرد (EurAsEC Today Annual Report, ۲۰۱۱:۳). اهداف و اولویت های اتحادیه گمرکی شامل حذف تعرفه های گمرکی داخلی کشورهای عضو، ایجاد تعرفه خارجی مشترک و یک بازار واحد گسترده میان روسیه، قزاقستان و بلاروس اعلام گردید. ایده تأسیس فضای واحد اقتصادی موجب گردید، رؤسای جمهور روسیه، بلاروس، قزاقستان توافقنامه ایجاد اتحادیه اقتصادی اوراسیایی را در سال ۲۰۱۴ میلادی امضاء کنند که در اول ژانویه سال ۲۰۱۵ میلادی اجرایی گردید. هدف این اتحادیه، ایجاد فضای واحد اقتصادی، توسعه بازار مشترک و دستیابی به حرکت آزاد کالا، سرمایه، خدمات و مردم در بازار واحد کشورهای عضو، کاهش قیمت کالاها با کاهش هزینه های حمل و نقل مواد خام، ترویج رقابت سالم در بازار مشترک، سیاست های مشترک در کشاورزی، انرژی، فناوری و حمل و نقل اعلام گردید (EEC, ۱۴ May:۲۰۱۸).

با توجه به سوابق متعدد در ایجاد فضای یکپارچه گرایی تا تلاش های فراوان اتحادیه ها در منطقه اوراسیا، باید به پیشنهادی که رئیس جمهور قزاقستان، نورسلطان نظربایف در سال ۱۹۹۴ در مورد تشکیل یک بلوک تجاری منطقه ای ارائه کرد به عنوان رخدادی ریشه ای در تشکیل اتحادیه اقتصادی بنگریم. پیشنهاد نظربایف که اساس تشکیل اتحاد اقتصادی در منطقه اتحاد

شوروی محسوب می‌شود، توسط ولادیمیر پوتین هم به شکل پیوسته دنبال شد و با اقبال و پیگیری دو عضو دیگر نیز همراه شد (میرفخرایی، ۱۳۹۴):

۱۴۳). اتحادیه اقتصادی اوراسیا از ادغام اتحادیه گمرکی منطقه اوراسیا و نیز جامعه اقتصادی اوراسیا و به منظور مدرن‌سازی همه جانبه، همکاری و بهبود رقابت پذیری اقتصادهای ملی و ایجاد شرایط توسعه پایدار برای بهبود شرایط زندگی جمعیت کشورهای عضو ایجاد گردید. این اتحادیه فعالیت خود را رسماً از ابتدای ژانویه سال «۲۰۱۵» آغاز کرد. در حال حاضر، اعضای این اتحادیه روسیه، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و ارمنستان هستند که عضو اتحادیه گمرکی اوراسیا نیز هستند. تاجیکستان، گرجستان، ازبکستان، مولداوی، اوکراین، پاکستان، ترکیه، ایران، چین و ویتنام نیز از دیگر گزینه‌های احتمالی عضویت در این اتحادیه اوراسیا هستند (Russia-led EEU & Israel may ink free trade pact in 2017). اتحادیه اقتصادی اوراسیا نشان از بازگشت مسکو به شرق دارد و نخستین تلاش سبباً موفقیت‌آمیز این کشور در جهت تأسیس نهادهای چندجانبه قوی برای همگرایی منطقه‌ای پسا شوروی به شمار می‌آید. برای قزاقستان و بلاروس و نیز قرقیزستان، اتحادیه اقتصادی اوراسیا طرحی اقتصادی است که هدف از آن تا حد زیادی تسهیل همکاری تجاری و سرمایه‌گذاری در فضای پسا شوروی و در وهله نخست با خود روسیه است. بنابراین رویکرد دولت‌های کوچک‌تر عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا را می‌توان ذیل رویکرد ژئواکونومی توصیف کرد، اما روسیه اتحادیه اقتصادی اوراسیا را ابزار الزام نهادی فضای پسا شوروی به دلایل بیشتر سیاسی قلمداد می‌کند. از این‌رو، رویکرد روسیه در قبال این اتحادیه را می‌توان ژئوپلیتیک

دانست که هدف اصلی همگرایی دوباره و گسترده در فضای پسا شوروی به مثابه یک موجودیت واحد را دنبال می‌کند (زارعی و عباسی، ۹۷: ۳۳).

در گزارش «مرکز کارشناسی توسعه اوراسیا» کشورهای قزاقستان و ازبکستان، از نظر منابع طبیعی غنی و دو اقتصاد بزرگ با بازارهای پذیرا و جمعیت‌های بزرگ، رهبران منطقه‌ای هستند اما موفقیت نسبی آنها فقط تا حدی می‌تواند با در اختیار داشتن منابع طبیعی توضیح داده شود و رهبران آنها با داشتن اراده سیاسی برای برنامه‌ریزی، توسعه، تنوع اقتصاد خود و ایجاد فضای مناسب سرمایه‌گذاری، نقش سرنوشت‌سازی را ایفا نمودند. قزاقستان، قطعاً در این زمینه پیشرو است، این جمهوری دارای پتانسیل قوی اقتصادی، یک بازار بزرگ (۱۳ میلیون نفر جمعیت به علاوه بازارهای کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا)، قانون سرمایه‌گذار پسند و برنامه‌هایی به منظور توسعه یک اقتصاد مبتنی بر غیر منابع طبیعی، می‌باشد. همچنین این کشور تمایل به ایجاد یک محیط مساعد برای سرمایه‌گذاران در بخش‌های اقتصادی دارد و مرکز مهم حمل و نقل اوراسیا برای پروژه‌های اقتصادی جاده ابریشم چین است.

معاهده اتحادیه اقتصادی اوراسیا به تعریف اولویت‌های اصلی در زمینه سیاست‌های حمل‌ونقل، تشکیل و اجرای یک سیاست کشاورزی موردپذیرش همه و نیز تعریف اهداف بلندمدت و اهداف عملیاتی برای سیاست‌های صنعتی در اتحادیه بر اساس اصول و مکانیسم‌های همکاری صنعتی اقدام کرده و مقرر شده است که توسعه و اجرای سیاست‌ها در زمینه تجارت و مبادله، گمرک و تعرفه‌ها، رقابت در مالکیت عمومی، حمل‌ونقل و زیرساخت‌ها، توسعه

کسب و کار، تنظیمات فنی و سایر حوزه ها باید منافع مربوط به توسعه صنعتی در کشورهای عضو را در نظر داشته باشد. از آنجا که تصور عملکرد مؤثر در

اتحادیه اقتصادی اوراسیا بدون به کارگرفتن سیاست‌های منسجم در زمینه اقتصاد کلان غیرممکن است، این سیاست‌ها که شامل توسعه و اجرای کنش‌های مشترک از سوی دولت‌های عضو در اتحادیه می‌شود، باهدف به دست آوردن توسعه اقتصادی متوازن در اتحادیه تنظیم شده است (۱۷: ۲۰۱۵). *Eurasian Economic Community*. اتحادیه اقتصادی اوراسیایی با جمعیت ۱۸۲ میلیون نفر مقام هشتم با مساحت ۲۰ میلیون و ۲۶۰ هزار و ۴۳۵ کیلومتر مربع مقام اول و با تولید ناخالص داخلی تریلیون ۸۳۸ میلیارد دلار مقام دهم را در جهان به خود اختصاص داده است. از لحاظ تولید نفت، اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای اولین بار در جهان رتبه اول (۱۴,۵ درصد از تولید جهانی) برای تولید گاز، دومین رتبه (۲,۲ درصد از تولید جهانی) برای تولید برق، سومین رتبه در جهان (۵,۱ درصد از تولید جهانی) برای تولید چدن، چهارمین رتبه در جهان (۴,۵ درصد از تولید جهانی) برای تولید چدن، چهارمین رتبه در جهان (۴,۵ درصد از تولید جهانی) برای تولید کود معدنی، دومین رتبه در جهان (۱۰,۸ درصد از تولید جهانی) برای تولید فولاد، پنجمین رتبه در جهان (۴,۵ درصد از تولید جهانی) در جکع‌آوری ناخالص محصولات غلات و حبوبات و پنجمین رتبه (۵,۵ درصد از تولید جهانی) برای تولید شیر را دارد (فرسائی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۴۱).

۱-۲- ساختار سازمانی اتحادیه اقتصادی اوراسیا

➤ شورای عالی اقتصادی اوراسیا (Supreme Eurasian Economic Council)

عالی‌ترین نهاد اتحادیه اقتصادی اوراسیا، شورای عالی اقتصادی اوراسیا می‌باشد که شامل روسای جمهور کشورهای عضو اتحادیه می‌شود. جلسات آن حداقل یک بار در سال برگزار می‌شود.

➤ شورای بین دولتی (Eurasian Intergovernmental Council)

متشکل از سران دولت کشورهای عضو. جلسات شورای بین دولتی در صورت لزوم، اما نه کمتر از دو بار در سال برگزار می‌شود. وظیفه اصلی آن تحقق و کنترل اجرای معاهده اتحادیه اقتصادی اوراسیا، معاهدات بین المللی در چارچوب اتحادیه و تصمیمات شورای عالی می‌باشد (زارعی و عباسی، ۹۷: ۳۳).

➤ کمیسیون اقتصادی اوراسیا (Eurasian Economic Commission)

نهاد دائمی رگولاتوری فراملی اتحادیه، که مقر آن در مسکو است. وظایف اصلی کمیسیون، اطمینان از شرایط کارکرد و توسعه اتحادیه و همچنین تدوین طرح‌های پیشنهادی برای ادغام اقتصادی در چارچوب اتحادیه است.

➤ دادگاه اتحادیه (Court of the Eurasian Economic Union)

یک نهاد قضایی اتحادیه که بکارگیری پیمان اتحادیه اقتصادی اوراسیا توسط کشورهای عضو و نهادهای اتحادیه و سایر معاهدات بین المللی را در چارچوب اتحادیه تضمین می کند.

➤ شورای بازرگانی (زیر مجموعه کمیسیون اقتصادی اوراسیا)

در ۲۲ مه ۲۰۱۵، در جریان هشتمین فروم اقتصادی آستانه، یک توافقنامه برای ایجاد شورای بازرگانی اتحادیه اقتصادی اوراسیا امضا شد که بنیانگذاران آن اتاق ملی کارفرمایان قزاقستان "Ataneken"، اتحادیه صنعتگران و کارآفرینان روسیه، کنفدراسیون صنعتگران و کارفرمایان بلاروس، اتحادیه صنعتگران و کارآفرینان (کارفرمایان) ارمنستان، اتحادیه صنعتگران و کارآفرینان قرقیزستان بودند. کار شورا به ایجاد گفتگوی بین محافل کسب و کار کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا کمک می کند و همچنین هماهنگی متقابل آنها با کمیسیون اقتصادی اوراسیا و رهبری کشورها را تضمین می کند (فرسائی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۴۱).

۳- ایران و اتحادیه اوراسیا

ایران تاکنون چند موافقتنامه ترجیحی یا تجارت آزاد را اجرایی کرده است و اکنون تلاش می کند، این نوع موافقت نام را با کشورهای دیگر اجرایی نماید. پیش از انعقاد موافقتنامه تجارت ترجیحی با اوراسیا، ایران طی سالهای ۱۳۸۴-۱۳۹۶ با کشورهای ازبکستان، بوسنی و هرزگوین، پاکستان، ترکیه،

تونس، کوبا و پنج کشور عضو (D۸)؛ یعنی مالزی، نیجریه، ترکیه، اندونزی و پاکستان نیز موافقتنامه تجارت ترجیحی منعقد کرده است و افزون بر آن،

یک موافقتنامه تجارت آزاد با سوریه دارد که همگی برقرار هستند (عسگری، ۱۳۹۸: ۷۷). موافقتنامه تجارت ترجیحی میان جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی، شامل «روسیه، ارمنستان، قزاقستان، قرقیزستان و بلاروس» به معنای عضویت در اتحادیه اقتصادی اوراسیایی نیست. موضوع تشکیل این موافقتنامه در سال ۱۳۹۴ و در چارچوب امکان‌سنجی انعقاد موافقتنامه تجارت آزاد /ترجیحی بین دو طرف مطرح گردید که به دلیل طولانی بودن روند مذاکرات مربوط به موافقتنامه تجارت آزاد، مطابق توافق اولیه، مقرر شد، موافقتنامه موقتی شامل تعدادی از اقلام برای اعطای ترجیحات تعرفه‌ای میان طرفین به امضا برسد. بر این اساس این موافقتنامه در ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ (می ۲۰۱۸ میلادی) در شهر آستانه پایتخت قزاقستان توسط وزیر وقت صنعت، معدن و تجارت ایران امضا و هیات وزیران نیز در تاریخ ۱۸ آذرماه ۱۳۹۷ لایحه مربوطه را به تصویب رساند. این موافقتنامه از سوی رئیس‌جمهور، روحانی در تاریخ ۱۷ تیر ماه ۱۳۹۸ جهت اجرا ابلاغ شد (فرسائی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۴۱). همگرایی ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیایی منجر به جهش بزرگی در صادرات نفتی و غیرنفتی ایران خواهد شد و در نهایت می‌تواند، موجب ارزآوری برای کشور شود. براساس این موافقتنامه، ایران از اتحادیه اقتصادی اوراسیایی امتیازات گمرکی خاصی دریافت کرده و کشورهای این اتحادیه هم این امکان را خواهند داشت تا حجم صادرات خود به ایران را افزایش دهند. ایران نیز می‌تواند با امتیازاتی که

دریافت می‌کند، صادرات کالاهای خود به مقصد پنج کشور اوراسیایی را تا چند برابر افزایش دهد. این موافقت‌نامه مفصل‌ترین و جامع‌ترین موافقت‌نامه

تجاری است که تاکنون ایران منعقد کرده و شامل نه فصل، قواعد عمومی، تجارت کالا، چاره کارهای تجاری، موانع فنی فرا راه تجارت، اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی، قواعد مبداء، تسهیل تجاری، حل و فصل اختلافات و مقررات پایانی است. همانند سایر موافقت‌نامه های ترجیحات تجاری، دو فهرست کالایی شامل ترجیحات اعطایی دو طرف (جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی) پیوست موافقت‌نامه مذکور است (سازمان توسعه تجارت، ۱۳۹۷).

لایحه موافقت‌نامه موقت تشکیل منطقه آزاد تجاری بین جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا و کشورهای عضو نیز یکی از توافق‌نامه‌های چندجانبه است که در مقدمه آن به مواردی از جمله افزایش روابط دوستی دیرینه و همکاری‌های سنتی چندجانبه بین طرف‌ها؛ تمایل به ایجاد محیط و شرایط مناسب برای توسعه تجارت دوجانبه و روابط اقتصادی و ارتقای همکاری اقتصادی بین طرف‌ها در زمینه‌های مورد علاقه متقابل، تشکیل یک منطقه بزرگ آزاد تجاری (به معنای تسهیل تجاری) بین ایران و اوراسیا، گسترش تجارت و همگرایی اقتصادی بین ایران و اوراسیا، نیاز به گسترش بیشتر روابط متقابل بین طرف‌ها بر پایه اعتماد متقابل، شفافیت و تسهیل تجاری؛ حمایت آنها از الحاق سریع به سازمان تجارت جهانی و تصدیق مراتب عضویت ایران و اتحادیه اوراسیا، ایجاد شرایط مناسب برای تشدید همگرایی

آنها در نظام تجارت چندجانبه اشاره شده است (معاونت پژوهش‌های اقتصادی دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۹۸).

۴- آسیب‌شناسی روابط تجاری ایران و اتحادیه

نقش توافقنامه تجارت ترجیحی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در تمرین عملی بخش‌های اقتصادی و تجاری کشورمان در شرایط تجارت آزاد، از جمله افزایش رقابت‌پذیری در داخل کشور، فراهم نمودن زمینه عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی و فراهم شدن زمینه انعقاد توافقنامه‌های مشابه با سایر سازمان‌های منطقه‌ای نظیر آ.سه. آن و اتحادیه اروپا در دوران پس از تحریم می‌باشد. ضرورت حفظ ثبات در قوانین صادرات و واردات و نیز مقررات بانکی، ارزی و گمرکی، ضرورت معرفی هر چه سریع‌تر رایزنان بازرگانی ایران در کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا، توجه بیشتر به تجارت دریایی و ظرفیت‌های دریای خزر پس از امضای کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر در اجرای توافقنامه تجارت ترجیحی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا و بهره‌مندی مناسب از ظرفیت مناطق آزاد تجاری ارس، ماکو، بندر انزلی و بندر امیرآباد در اجرای توافقنامه تجارت ترجیحی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، از دیگر ملاحظات هستند که در روند اجرایی شدن این توافقنامه طی سه سال پیش رو ضرورت دارد مورد توجه قرار گیرد تا زمینه تبدیل توافقنامه تجارت ترجیحی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا به تجارت آزاد فراهم شود (مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۸).

برای بررسی و تحلیل آسیب‌های روابط تجاری ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در چند ماه اخیر در ابتدا آسیب‌ها و محدودیت‌های کلی موافق‌نامه‌ی اقتصادی ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا چه با منشا دورنی چه با منشا بیرونی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. محدودیت‌های بنیادینی که در

موافقت‌نامه‌ی ترجیحی ایران و اتحادیه قرار دارد درجه‌ی آسیب‌پذیری روابط تجاری ایران را در برابر کوچکترین مسائل سیاسی و اقتصادی بالا برده است. بنابراین در گام اول برای رفع آسیب‌های موقتی و گذرا باید محدودیت و آسیب‌های زیربنایی را شناخت و سپس برای رفع آن‌ها برنامه‌ای جامع تدوین نمود. بررسی محدودیت‌های اقتصادی ایران بی شک در قالب یک مقاله نمی‌گنجد بنابراین در این پژوهش سعی شده است به مهم‌ترین موارد آسیب‌های مبادلات تجاری ایران اشاره شود:

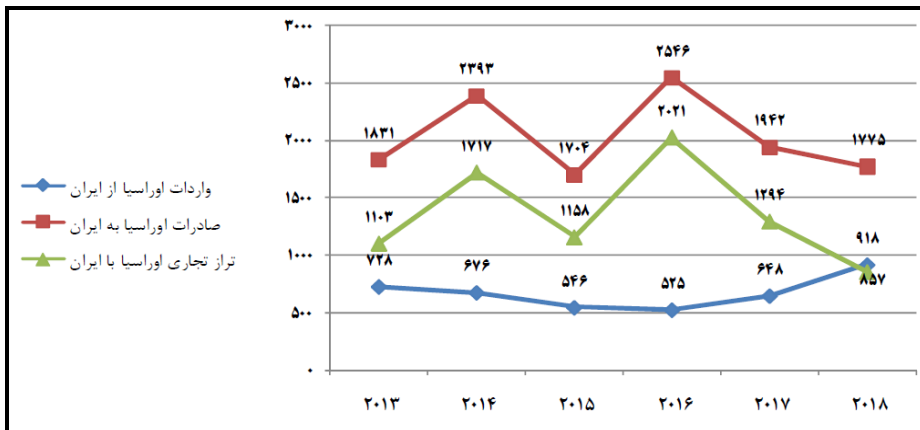
✓ عدم دیپلماسی فعال اقتصادی منطقه‌ای

ظهور اقتصاد سیاسی جهانی و پررنگ‌تر شدن نقش مسائل اقتصادی در پرتو جهانی شدن و به‌ویژه اهمیت یافتن نقش کنشگران غیردولتی در تبادلات اقتصادی، ضرورت توجه به دیپلماسی فعال اقتصادی را دوچندان ساخته است. در چنین بستری، کنشگران بین‌المللی درصددند تا موقعیت خود را در اقتصاد جهانی ارتقا دهند. نایل شدن به این اهداف در گرو بهره‌گیری مناسب از فنون دیپلماسی برای افزایش فرصت‌ها در زمینه‌های مختلفی همچون جذب سرمایه خارجی، دسترسی به بازارهای جهانی و حفظ منافع ملی در برابر چالش‌هایی است که در اقتصاد جهانی برای کشورها وجود دارد (حیدری و انعامی

علمداری، ۱۳۹۱: ۵۲). شرایط و تحولات سیاسی ایران در کنار شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل و جهانی شدن اقتصاد از عواملی هستند که به همراه عدم رشد مناسب بخش‌های اقتصادی در ایران مانع از حضور گسترده و فعال آن در رقابت جهانی می‌شود اما نباید از نظر دور داشت که ایران با دیپلماسی فعال

اقتصادی در سطح منطقه‌ای برای ایجاد روابط تجاری و ایجاد وابستگی تا حدود زیادی می‌تواند موانع و مشکلات تجاری خود را کاهش دهد.

برای بررسی و ارزیابی روند دیپلماسی اقتصادی ایران در اتحادیه اوراسیا، ابتدا باید جایگاه اقتصادی ایران در اتحادیه بررسی و سپس به ارزیابی عملکرد مثبت یا منفی دیپلماسی پرداخته شود. مهمترین متغیرهایی که در بررسی‌ها مورد توجه قرار می‌گیرند میزان سرمایه‌گذاری خارجی، روابط تجاری ایران و کشورهای عضو می‌باشد. با توجه به آمارهای منتشر شده از سوی سازمان تجارت و توسعه، وضعیت واردات و صادرات ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا از سال‌های ۲۰۱۳ الی ۲۰۱۸ به شرح زیر می‌باشد:



نمودار شماره (۱): وضعیت تجاری ایران با اتحادیه اوراسیا (منبع: سازمان توسعه و تجارت)

ساختار اقتصادی ایران با وجود برخورداری از شرایط بالقوه، فاقد پویایی، تحرک و انعطاف‌پذیری لازم است. از این رو مهم‌ترین عامل رونق اقتصادی یا ارتقای منزلت ایران در اقتصاد جهانی نگاهی برون‌گرایانه با هدف پیوند سنجیده و کارآمد با اقتصاد جهانی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. این امر، افزون بر تغییر بینش نخبگان سیاسی و تصمیم‌گیر در سیاست خارجی و توجه آنها به اهمیت عوامل اقتصادی در عصر حاضر نیازمند فراهم ساختن یا اصلاح ساختارهای قانونی، امنیتی و اعتباری اقتصاد ملی است (ارغوانی پیرسلامی و اسمعیلی، ۱۳۹۶: ۷۱). آمار منتشر شده از سوی آنکتاد نشان می‌دهد ایران در سال ۲۰۱۹ توانسته ۱ میلیارد و ۵۰۸ میلیون دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذب کند. ایران در سال ۲۰۱۸ بالغ بر ۲ میلیارد و ۳۷۳ میلیون دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذب کرده بود که بدین ترتیب میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایران در سال ۲۰۱۹ نسبت به سال قبل از آن ۸۶۵ میلیون دلار معادل ۳۶ درصد افت داشته است. جذب سرمایه‌گذاری خارجی ایران در سال ۲۰۱۸ نیز ۳۰ درصد افت کرده بود. بر اساس این گزارش ایران در سال ۲۰۱۹ همچنین ۸۵ میلیون دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای دیگر داشته است. این رقم برای سال پیش از آن ۷۵ میلیون دلار اعلام شده بود (unctad.org: ۲۰۲۰).

بنابراین شاخص‌های تجاری نشان از ضعف دیپلماسی اقتصادی ایران در روابط خارجی آن می‌باشد که با توجه به ظرفیت‌های کشور ایران و فرصت‌سازی‌های تجاری برای کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا، نیاز است که دیپلماسی فعال‌تری در این بخش از روابط خارجی برای گسترش روابط اقتصادی خصوصاً

افزایش صادرات کالاهای ایرانی ایجاد شود. برای افزایش صادرات لازم است سیاست تجارت خارجی تقویت شود و مذاکراتی برای فراهم آوردن زمینه‌های انعقاد قراردادهای مشترک و توسعه صادرات و دستیابی به توازن نسبی در مبادلات خارجی انجام شود. همچنین در این راستا اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی هماهنگ با سیاست‌های تجاری و صادراتی، استفاده صحیح از نظام ارزی و سیاست‌های ارزی مناسب، تعیین نرخ ارز قابل قبول، بهره برداری کامل از سیاست‌های مکمل نظیر سیاست‌های گمرکی، بازاریابی، اعتبار مناسب، توجه به اهمیت نقش نظام بانکی در توسعه صادرات و توجه لازم به فنآوری نوین اطلاعات ضرورت دارد.

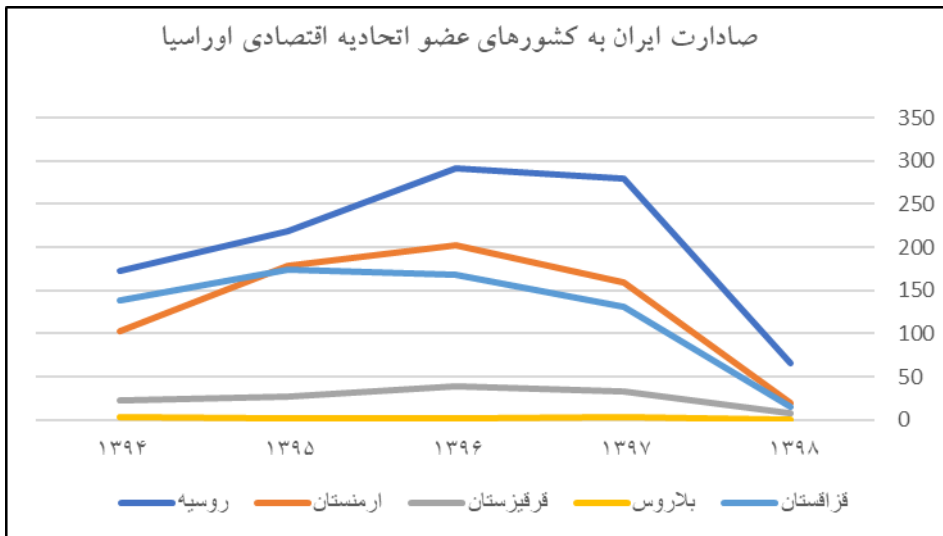
✓ **محوریت قرار دادن روسیه در مبادلات تجاری و عدم توجه به**

مزیت‌های تجاری کشورهای عضو

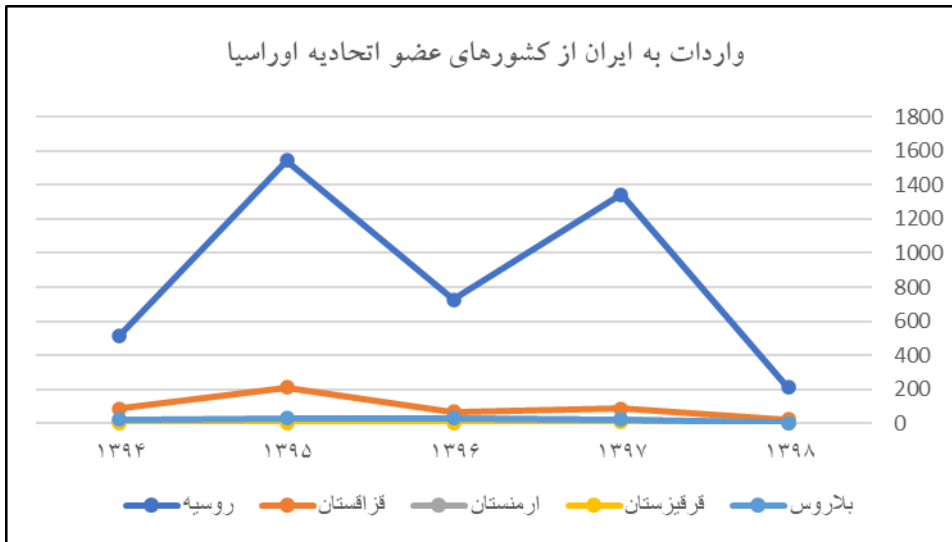
روسیه به عنوان قدرت سطح اول اتحادیه اقتصادی اوراسیا در حال حاضر قدرتمندترین اقتصادی است که از نظر تولید ناخالصی داخلی رتبه‌ی هشتم دنیا و از نظر برابری قدرت خرید قدرت ششم دنیا را دارد. همچنین، بنابر گزارش سازمان ملل در تجارت و توسعه در سال ۲۰۱۹، روسیه عنوان سومین کشور موفق دنیا در زمینه‌ی جذب سرمایه‌های خارجی را به خود اختصاص داده است. با توجه به تنش‌های شکل گرفته بین روسیه و اروپای غربی و

آمریکا، مانند تحریم‌های آن‌ها علیه روسیه بعد از جنگ روسیه و اوکراین از سال ۲۰۱۱ و همچنین اخراج دیپلمات‌های روسی از کشورهای مختلف غربی به دلیل مسموم شدن جاسوس روسی در بریتانیا، و مسائل و موضوع‌هایی همچون داعش، سوریه و ... از یک سو و تحریم و فشار از سوی دیگر مواردی

است که ایران و روسیه را در روابط بین‌الملل نزدیک نموده است. در حال حاضر ایران شریک راهبردی روسیه در سوریه نیز می‌باشد. نزدیکی سیاسی و استراتژیکی دو کشور باعث نزدیک شدن روابط اقتصادی نیز گردید. مطابق با آمارهای دریافت شده از سازمان تجارت و توسعه ایران در مبادلات تجاری ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا بیشترین حجم معاملات از میان کشورهای عضو اتحادیه، مربوط به کشور روسیه می‌باشد. با توجه به نمودارهای شماره ۲ و ۳ می‌توان حجم معاملات صادراتی و وارداتی ایران با کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا را مشاهده نمود.



نمودار شماره (۲): حجم معاملات صادراتی ایران به اتحادیه اوراسیا (میلیون دلار)



نمودار شماره (۳): حجم معاملات وارداتی به ایران از کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا (میلیون دلار)

حجم معاملات در نمودار شماره ۲ و ۳ کاملا نشان می‌دهد که بیشترین مبادلات تجاری چه در صادرات و چه در واردات مربوط به کشور روسیه می‌باشد. کمترین مبادلات تجاری نیز مربوط به کشور بلاروس می‌باشد. قزاقستان بعد از روسیه وسیع‌ترین کشور عضو اتحادیه است. روابط ایران با قزاقستان در شرایط چندان مناسبی نیست، همچنین ایران شریک راهبردی این کشور به حساب نمی‌آید؛ قزاقستان می‌تواند به موقعیت ژئواکونومیک ایران کمک کند؛ زیرا به عنوان پلی میان قدرت‌های اقتصادی شرق و غرب باشد. راه‌های ارتباطی جدید می‌تواند زمان و قیمت کالاهای منتقل شده بین اروپا و آسیا را به نصف کاهش دهد. گسترش این راه‌های ارتباطی و همچنین ایجاد

امکانات در خلیج فارس می‌تواند فرصت‌های تازه‌ای را برای تجارت و بازارهای جدید در جنوب فراهم کند. این اهمیت در کنار سیاست‌های توازن بخش و چندوجهی قزاقستان برای گسترش روابط ایران و چین فرصت بسیار مناسبی فراهم می‌کند. امنیت، منابع انرژی و حمل‌ونقل سه مؤلفه‌هایی هستند که قزاقستان می‌تواند بستر ساز همکاری ایران با چین در آسیای مرکزی باشد (مهکویی و گودرزی، ۱۳۹۷: ۵۱۹). قزاقستان به ایران بعنوان یک بازار بزرگ بالفعل و بالقوه در بخش صادرات محصولات کشاورزی و یک کریدور مهم خروج از منطقه نگاه می‌کند. مهمترین و بزرگترین شرکای اقتصادی، سرمایه‌گذاری و تجاری قزاقستان، کشورهای اروپایی، روسیه و چین می‌باشند. همچنین قزاقستان با آمریکا نیز در تحریم‌های غیر قانونی علیه ایران همگام است. کاهش حجم معاملات تجارت خارجی ایران و قزاقستان از ۵۹۷ میلیون دلار در سال ۲۰۱۶ به ۴۸۱ میلیون دلار در سال ۲۰۱۹ نشان می‌دهد که روابط اقتصادی این کشور با ایران کاهش یافته است.

روابط تجاری ایران و ارمنستان در سال ۹۸ تحت تاثیر عضویت ایران در اتحادیه تجاری اوراسیا قرار گرفت. یکی از موانع اصلی ارمنستان برای گسترش تجارت با سایر کشورهای جهان، محصور بودن در خشکی و عدم دسترسی به دریا است. همین موضوع نیاز ارمنستان را به همسایگان خود بیشتر کرده است. این در حالی است که دو همسایه‌ی مهم این کشور دارای رابطه تجاری با ارمنستان هستند، اما این رابطه همواره تحت تاثیر کشمکش‌های سیاسی قرار گرفته است. این مسائل باعث شده تا یک فرصت تجاری بی‌نظیر برای سایر همسایگان و کشورهای نزدیک به ارمنستان فراهم شود. خصوصاً برای کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا که از امتیازات ویژه ای برای تجارت با یکدیگر

برخوردار هستند. ارمنستان می تواند در راه توسعه روابط ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا به خوبی نقش آفرینی کند. به نظر می رسد با توجه به هم‌مرز بودن با ارمنستان، وابستگی ارمنستان به راه‌های امن ایران و احساس تهدید از جانب آذربایجان و ترکیه ج‌جمهوری اسلامی ایران آنطور که می‌بایست روابط سیاسی در نتیجه روابط اقتصادی خود را با ارمنستان گسترش نداده است. بنابراین باید با درک صحیح از موقعیت و ظرفیت‌های اقتصادی خود و شناخت دقیق از محدودیت و وابستگی‌های کشور عضو اتحادیه روابط اقتصادی خود را گسترش دهد.

بلاروس از وضعیت استراتژیکی با اهمیتی برخوردار است. در واقع با پیوستن لهستان به اتحادیه اروپا، بلاروس مانند پلی بین روسیه و کشورهای شرق و اتحادیه اروپا محسوب می شود. موقعیت ترانزیتی ممتاز و منحصر بفرد ایران نیز مانند پلی ارتباطی بین کشورهای CIS و خلیج فارس و کشورهای آسیایی برکسی پوشیده نیست. همکاری در زمینه حمل و نقل با توجه به پیوستن بلاروس به کریدور شمال جنوب یکی از مهمترین نکات همکاری بین دو کشور می باشد (سازمان توسعه و تجارت ایران). بنابراین برای کشور ایران که در ارتباطات اقتصادی خود با غرب کاملاً در انزوا قرار گرفته است گسترش ارتباطات اقتصادی با کشور بلاروس که همانند پلی میان کشورهای شرق و اتحادیه اروپا می‌باشد، اهمیت می‌یابد. مطابق با آمارهای گمرک جمهوری اسلامی ایران صادرات ایران به بلاروس در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال‌های قبل یک جهش خوبی داشته است و از حجم معاملات ۴ میلیون دلار در سال

۱۳۹۴، ۲ میلیون دلار در سال ۱۳۹۵، ۱،۸ میلیون دلار در سال ۱۳۹۶ و ۲ میلیون دلار در سال ۱۳۹۷ به ۱۱،۷ میلیون دلار رسیده است. این جهش اثرات موافقت‌نامه‌ی تجارت ترجیحی ایران با اتحادیه اوراسیا را آشکار می‌سازد. هرچند که تراز تجاری با کشور بلاروس هنوز منفی می‌باشد اما افزایش چشمگیر حجم معاملات بین ایران و بلاروس در سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که چنانچه ایران بتواند به درستی ظرفیت‌های کشور بلاروس را بشناسد و با دیپلماسی فعال و گسترش روابط سیاسی و اقتصادی، مزیت‌ها و توان‌های بالفعل و بالقوه‌ی خود را به کشور بلاروس معرفی نماید می‌تواند به خوبی از مزیت‌های موافقت‌نامه‌ی ترجیحی برای گسترش روابط اقتصادی و در نتیجه گسترش صادرات خود استفاده نماید. در این مورد برای داشتن دیپلماسی فعال اقتصادی در روابط با بلاروس یکی از مشکلات نداشتن شورای مشترک بازرگانی و دفتر رایزن بازرگانی است که می‌بایست هرچه سریعتر برای گسترش روابط تجاری در دیپلماسی اقتصادی ایران مد نظر قرار گیرد. در حال حاضر در بین پنج کشور عضو این اتحادیه تنها در ارمنستان، رایزن بازرگانی ایران مشغول به فعالیت است و در چهار کشور دیگر رایزنان بازرگانی به دلیل خاتمه مأموریت و یا مشکلات مالی و ارزی، مدت‌ها است که حضور و فعالیتی ندارند که با توجه به نقش بسیار تاثیرگذار رایزنان بازرگانی به عنوان حلقه ارتباطی شرکت‌های خصوصی و اتاق‌های بازرگانی ایران و پنج کشور عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ضرورت دارد به این موضوع به صورت جدی توجه شود.

✓ سیاست آمریکا مبنی بر محدودیت سازی ایران

ایالات متحده آمریکا با تکیه بر انگاره‌های آمریکایی برتری خواهانه، همواره درصدد بوده تا الگوی سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی خود را برای دیگر کشورهای جهان تجویز نماید. ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به اختلافات سیاسی با کشور آمریکا تحت سیاست‌های مهار و بازدارندگی از سوی آمریکا، قرار گرفته است. مقاومت برخی از کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه در مقابل هژمونی آمریکا با محوریت ایران از جمله مهمترین بحران‌های سیاسی خاورمیانه را تشکیل می‌دهد. در این راستا اولین نکته اسرائیل است که به عنوان متحد استراتژیک آمریکا و حافظ منافع آن در خاورمیانه در معرض تهدید جدی از مقاومت اسلامی به ویژه از سوی انقلاب اسلامی ایران است. طرح خاورمیانه بزرگ بوش در ابتدا با هدف تهدیدزدایی از کشور اسرائیل و تضمین امنیت آن ارائه شد. همچنین اسلام سیاسی با محوریت و مرکزیت انقلاب اسلامی ایران یکی از منابع مهم و الهام‌بخش برای مخالف‌های آمریکا با ایران است. بحران یازدهم سپتامبر باعث شد تا آمریکا بتواند از طریق اشغال نظامی افغانستان و عراق دست به محاصره فیزیکی ایران بزند (سپتامبر، ۱۳۸۹: ۱۰۷). دولت آمریکا از راهکارهای سخت و نرم در راه بازدارندگی و مهار ایران استفاده کرده است، اعمال سیاست‌هایی نظیر تحریم اقتصادی، ایران هراسی، گسترش و فروش تسلیحات در منطقه و تلاش برای ایجاد ائتلاف بین غرب، اعراب و اسرائیل و ... نشان از سیاست‌های حداکثری آمریکا برای محدودسازی ایران در منطقه و جهان می‌باشد. یکی از مهم‌ترین ابزارهای آمریکا برای فشار و محدودسازی جمهوری اسلامی ایران استفاده از تحریم‌ها می‌باشد. بیش از

۳۵ سال است که طراحان تحریم در ایالات متحده آمریکا، به منظور تاثیرگذاری بر ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، جمهوری اسلامی ایران را مورد هدف قرار داده‌اند. در فاصله سال های ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۵، تحریم‌ها بیشتر به صورت یک جانبه و اعمال محدودیت‌های سیاسی و تجاری برای اشخاص امریکایی اجرا شد. از ۲۰۰۶ به بعد، در پاسخ به فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی و تلاش‌های ایالات متحده برای منزوی کردن کشور، سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان ملل و اتحادیه اروپایی به برنامه‌ی تحریم‌های ایالات متحده ملحق شدند (اسلامی و نقدی، ۱۳۹۵: ۳۷). در شرایط موجود، تحریم یکی از عوامل اثرگذار بر کاهش روابط اقتصادی و راهبردی با بسیاری از کشورهای منطقه و بازیگران نظام بین‌الملل محسوب می‌شود. از آنجاکه ادامه تحریم، مخاطرات راهبردی و تهدیدهای مرحله‌ای برای ساختار و فرایندهای نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران به‌وجود می‌آورد، ارزیابی سازو کارهای سیاست‌گذاری تحریم اقتصادی ایران بر اساس نشانه‌های ساختاری و نهادی انجام می‌گیرد (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۸۰۱). بسیاری از شرکت‌ها و نهادهای اقتصاد جهانی، به دلیل وجود امکان کنترل ایالات متحده آمریکا و اقتصاد جهانی بر جایگاه سیاسی و ساختاری آنان، با سیاست جهانی آمریکا در روند تحریم اقتصادی ایران همکاری می‌کنند. چنین کشورهایی بر این امر واقف‌اند که بدون همکاری با بازیگران اصلی نظام جهانی، امکان نقش‌آفرینی اقتصادی و راهبردی آنان در حوزه‌های مختلف جغرافیایی میسر نیست. بحران‌های تامین مالی جهانی هم بر قشرهای آسیب‌پذیر و هم بر سرمایه‌گذاران تاثیر

منفی گذاشته است؛ به همین دلیل شرکت‌های فراملی خود را با اهداف قدرت‌های اصلی در اقتصاد جهانی هماهنگ می‌سازند.

✓ ضربه‌پذیری اقتصاد کشور مبتنی بر اقتصاد نفت محور

به دلیل متکی بودن بودجه دولتی ایران به درآمدهای نفتی، تغییر و بروز شوک در درآمدهای نفتی می‌تواند تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر تراز تجاری داشته باشد. بنابراین نحوه سیاست‌گذاری دولت‌ها در کنترل این شوک‌ها و کاهش اثرات منفی آن بسیار حائز اهمیت است. با این حال، به نظر می‌رسد اقتصاد ایران به دلیل عدم توجه کافی و اتخاذ سیاست‌های ارزی و تجاری بی‌ثبات و متغیر و گاه متناقض، نتوانسته از تجارت خارجی برای نیل به توسعه استفاده کند و حتی در برخی از سال‌ها به دلیل افزایش ارزش حقیقی پول ملی به دنبال افزایش درآمدهای نفتی، به واردات کالا از خارج وابسته و مزیت اقتصادی تولیدات داخلی دچار لطمه شده است.

مشکل صادرات غیرنفتی ایران همان چیزی است که به عنوان نارسایی فرهنگ صادراتی تعبیر می‌شود. برای کاهش آسیب‌پذیری ساختار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور و مصون ماندن از نوسانات غیرعادی قیمت نفت و جلوگیری از وقفه در اجرای برنامه‌های اقتصادی کشور، رشد و توسعه صادرات غیرنفتی و ایجاد تنوع در ترکیب درآمدهای ارزی کشور راه حلی ضروری، اجتناب‌ناپذیر و غیرقابل انکار است که باید جدی گرفته شود و موانع تحقق این مهم هرچه سریعتر برطرف شود. توسعه صادرات غیرنفتی، تنها به

افزایش درآمد ارزی از طریق توسعه صادرات انواع کالاها و خدمات محدود نمی‌شود؛ بلکه توسعه صادرات، نقش مهم‌تری به عنوان یک راهبرد در زمینه رشد و حتی توسعه اقتصادی بر عهده دارد که لازم است برای کاهش آسیب پذیری اقتصاد کشور و مصون ماندن از نوسانات غیرعادی قیمت نفت و جلوگیری از وقفه در اجرای برنامه‌های اقتصادی، توسعه صادرات غیرنفتی و ایجاد تنوع در بازارهای صادراتی و کسب بازارهای جدید مدنظر برنامه‌ریزان اقتصادی و سیاسی قرار گیرد.

✓ عدم توجه به بخش خصوصی

بخش خصوصی هماهنگ با خواست‌های رقابت جویانه دولت، می‌تواند آستانه ورود ایران به همکاری‌های اقتصادی با اتحادیه اقتصادی اوراسیا را هموارتر سازد. این بخش خصوصی البته امکان سنجی کالاها و عرصه‌های ورود خویش را باید براساس درک درست از منطق تعارض حاکم بر تحولات ژئواکونومیک اوراسیا تنظیم کند. در غیر این صورت هم بخش خصوصی هم جهت گیری‌های ژئواکونومیک ایران دچار شکست خواهند شد. جمهوری اسلامی البته نباید بپندارد که با تقویت بخش خصوصی نمی‌تواند تا جهت‌گیری‌های ژئوپلیتیک خود را در منطقه اوراسیا به پیش ببرد؛ زیرا معمولاً منطق بخش خصوصی متکی نبودن به دولت‌ها است. شناخت دقیق از میزان پذیرش شرکت‌های خصوصی ایرانی در منطقه اوراسیا، سبب می‌شود تا میزان حمایت‌های دولت از بخش خصوصی نیز تعریف شود. به عبارت دیگر، به همان سطح که شرکت‌های رقیب بخش خصوصی ایران از یارانه دولت‌های متبوع خود بهره می‌برند، شرکت‌های ایرانی هم باید مورد حمایت‌های دولت خویش

باشند. این اتفاق ممکن است از سوی دیگر یعنی از سوی شرکت‌های خصوصی اوراسیایی هم رخ دهد. این بخش‌های خصوصی ابزارهای ژئواکونومیک دولت‌های منطقه اوراسیا هستند. این ابزارها مشابه ابزارهای ژئواکونومیک هر واحد سیاسی دیگر، می‌توانند اهداف ژئوپلیتیک دولت‌ها در قالب رفتارهای اقتصادی را دنبال کنند. تعقیب این اهداف با ابزار واحدهای اقتصادی باید مورد مطالعه همواره دولت و نهادهای اقتصادی قرار داشته باشد (میرفخرایی، ۱۳۹۴: ۱۴۳).

✓ حمل و نقل و عدم کارایی مناسب در ترانزیت

بخش حمل و نقل از جمله بخش‌های زیربنایی اقتصاد هر کشور است. این بخش یکی از شاخص‌های مهم سطح توسعه یافتگی به حساب می‌آید. به عبارت دیگر حمل و نقل ریلی است که انقلاب صنعتی روی آن حرکت می‌کند و صنعت حمل و نقل نیروی محرکه توسعه اقتصادی و اجتماعی هر کشوری است. زیر ساخت‌های ارتباطات و حمل و نقل، گام مهمی در دولت‌های منطقه برای اولویت بخشی به اقتصاد و رفاه عمومی در صدر سیاست‌های ملی انجا پذیرد. در این رابطه نقش ایران بسیار اساسی است و با توجه به نگاه دولت‌مردان و ملت‌های منطقه به ایران، ضرورت دارد تا جمهوری اسلامی ایران در این زمینه قدم‌های مهمی بردارد.

یکی از ابزارهای مهم ایران در این زمینه برخورداری از زیرساخت‌های تولید انرژی در کشور است. در صورتی که ایران نتواند زیرساخت‌های تولید نفت و گاز را بروزرسانی کند و از پهنه گسترده سیستم انتقال انرژی در کشور بهره‌برداری نوین کند، یکی از ابزارهای رقابتی خود در عرصه ژئواکونومیک را

از دست داده است. در صورت ارتقای این سیستم می‌توانیم برای جذب همکاری‌های اقتصادی در حوزه انتقال و پالایش انرژی یک مزیت رقابتی به دست آوریم. از آن روی که قزاقستان به عنوان تولیدکننده انرژی با مقام دوم در اوراسیا، به تعقیب هدف نوسازی زیرساخت‌های انرژی در این منطقه می‌پردازد؛ بنابراین ایران می‌تواند در موقعیتی هم‌جوار یک بدیل کم هزینه تر برای تبادلات اقتصادی در زمینه انرژی منطقه اوراسیا باشد. کشورهای آسیای مرکزی در چارچوب راهبرد تنوع راه‌های دسترسی به بازارهای آزاد مایلند روابط خود را با قدرت‌های منطقه‌ای گسترش دهند. با توجه به اینکه این کشورها، بیشتر کشورهای تک محصولی در صادرات هستند و اقلام محدودی از مواد اولیه را صادر می‌کنند، میزان اتکا به درآمد این صادرات، بسیار زیاد و با توجه به نقش حمل و نقل در قیمت تمام شده و بازاریابی، جایگاه حمل و نقل و تسهیلات انتقالی در اقتصاد آن‌ها بسیار مهم است. بنابراین ایران از نظر حمل و نقل برای این کشورها اهمیت فراوان دارد. زیرا کشورهای آسیای مرکزی، تلاش گسترده‌ای دارند تا از راه تنوع بخشیدن به مسیرهای سنتی، وابستگی خود را به این راه‌ها کاهش دهند. راه‌هایی که بیشتر ظرفیت رقابت با مسیرهای مشابه و توجیه اقتصادی ندارند. از این رو، موقعیت راهبردی ایران در حمل و نقل منطقه افزایش یافت (مهکویی و گودرزی، ۱۳۹۷: ۵۱۹). در ارتباط با اتحادیه اقتصادی اوراسیا؛ توجه به نقش شبکه ریلی ایران به عنوان مهم‌ترین مسیر ارتباطی و ترانزیتی ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا در دو سوی خزر شامل خط ریلی قزاقستان- ترکمنستان ایران در شرق دریای خزر و خط ریلی ایران- آذربایجان- روسیه در غرب خزر و نگاه ملی و ویژه به تکمیل

قطعه‌ی باقیمانده خط ریلی رشت-آستارا از اهمیت ویژه ای برخوردار است که هرچه سریعتر باید نسبت به آماده سازی و توسعه‌ی آن اقدام نمود. بنابراین کشور ایران می‌بایست با توسعه‌ی حمل و نقل و توسعه‌ی زیرساخت‌های ترانزیتی، کشورهای اوراسیا را برای استفاده از مزیت ژئوپلیتیکی ایران ترغیب نماید. جایگاه ممتاز موقعیتی و ژئوپلیتیکی بارز ایران در آسیا با گسترش و توسعه‌ی ناوگان حمل و نقل فرصت‌های ایران را در گسترش روابط خارجی و اقتصادی افزایش می‌دهد. یکی از آسیب‌های جدی ایران در روابط خارجی خود غفلت از استفاده‌ی مناسب از موقعیت ایران و نقش گذرگاهی بودن آن در منطقه می‌باشد. داشتن موقعیت مناسب کافی نیست؛ در واقع برنامه‌ریزی برای حفظ و بهره‌وری از این موقعیت نقش اصلی را در توسعه‌ی روابط خارجی ایفا می‌نماید.

۱-۴- آسیب شناسی چند ماه اخیر روابط ایران و اتحادیه

✓ سیاست فشار حداکثری بر ایران و تحریم‌های مداوم

استفاده از تحریم برای فشار بر ایران سیاست جدیدی برای ایالات متحده آمریکا نیست، اما سیاست فشار حداکثری در کنار تحریم‌های مداوم بخشی از سیاست مهار ایران است که هدف آن تضعیف قدرت ایران و جلوگیری از رشد داخلی و خارجی این کشور را دنبال می‌کند. رفتار آمریکا نسبت به ایران حاکی از خصومت سیاسی است. دولت ترامپ با خروج از برجام و وضع تحریم‌های شدید و ایجاد سایر موانع اقتصادی و سیاسی علیه جمهوری اسلامی ایران، کارزار فشار حداکثری علیه ایران را راه‌اندازی کرد. مذاکره‌ی مجدد با ایران و محدود کردن برنامه‌ی موشکی و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران و

تامین امنیت رژیم صهیونیستی از اهداف اصلی این کشور در اتخاذ این مسیر بوده است. ایالات متحده از ابزارهای مختلفی چون تحریم برای اعمال این فشار حداکثری استفاده کرده است. هدف اصلی و اساسی آمریکا از طراحی نظام‌های تحریمی و کارزارهایی نظیر فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی ایران، فروپاشی و سرنگونی سیاسی و سرزمینی ایران است. از آنجایی که در نیل به این هدف سالیان درازی است که آمریکا به نتیجه نمی‌رسد این بار با پیگیری سیاست فشار حداکثری خواهان مذاکره از دل این فشار و حصول توافقی برای محدودسازی ایران است تا بتواند فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران را محدود نماید (اندیشکده راهبردی تبیین: ۱۳۹۸). مسئله دیگر که برای آمریکا از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، امنیت رژیم اشغالگر قدس است. ترامپ برجام را عاملی بر افزایش توان هسته‌ای ایران می‌دانست که این مسئله موجب ایجاد تهدیدی جدی علیه امنیت رژیم صهیونیستی می‌گشت. رژیم صهیونیستی تنها قدرت هسته‌ای منطقه غرب آسیا به شمار می‌رود و از این رو به خطر افتادن این یگانگی برای این رژیم و متحد اصلی‌اش آمریکا قابل پذیرش نبوده است. علی‌رغم اینکه جمهوری اسلامی ایران بارها با استناد به فتوای رهبر معظم انقلاب تلاش برای دستیابی به ابعاد نظامی فعالیت‌های هسته‌ای را قویا تکذیب کرده است، با این حال، آمریکا، این موضوع را نیز به عنوان یکی از دلایل خروج از برجام در نظر داشته است (بیگدلی، ۱۳۹۸) پروژه فشار حداکثری دونالد ترامپ بر دو اهرم اصلی متکی بود: اول، خفگی سریع اقتصاد ایران از گذر تحریم که به نارضایتی عمومی منجر شده و به نوبه خود یا فشار بر رهبران کشور را افزایش می‌دهد و یا خواسته‌های واشنگتن در

راستای سرنگونی رژیم را محقق می‌کند. دوم، سایه حمله نظامی فرسایشی که یا توسط ایالات متحده به تنهایی یا به کمک متحدان انجام می‌شود (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۸). در این راستا آمریکا از هیچ تلاشی برای تحت فشار دادن ایران در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی فروگذاری نکرده است. تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران، اعزام ناو، گروه و جنگده‌های عملیاتی به خاورمیانه، تحریم صنایع فولاد و معدن، تحریم بخش اعظمی از تولیدات پتروشیمی ایران، ترور سردار قاسم سلیمانی، تلاش برای ایجاد ائتلاف بین غرب، اسرائیل و عرب نشان از سیاست فشار حداکثری بر ایران و حفظ منافع اسرائیل در منطقه می‌باشد. اما چیزی که مشخص می‌باشد کوچک شدن اقتصاد ایران تحت تاثیر این سیاست‌ها می‌باشد و ایران در روابط اقتصادی خود دچار بحران شده است. هرچند که توافق‌نامه‌ی تجارت ترجیحی با اتحادیه اقتصادی اوراسیا تا حدودی می‌تواند نقش تحریم‌ها را کم‌رنگ کند اما آسیب‌پذیر بودن این توافق‌نامه به دلیل مواردی پیش‌تر اشاره گردید، تحت تاثیر از سیاست حداکثری آمریکا بوده است و حجم معاملات را با کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا در مسیر نزولی قرار داده است.

✓ پاندمی کووید-۱۹ یا کرونا در جهان

شیوع کرونا به یک همه‌گیری در سطح جهان، تبدیل شده و در اکثریت کشورهای جهان مشاهده می‌شود، به گونه‌ای که سازمان بهداشت جهانی آن را به صورت رسمی همه‌گیری جهانی (پاندمی) اعلام کرده است. تعطیلی کارخانه‌های متعدد در چین، کره جنوبی، ژاپن، هند، کشورهای اروپایی و به‌ویژه اروپای غربی، ایالات متحده آمریکا، کانادا و برخی کشورهای دیگر که

به منظور جلوگیری از گسترش بیماری صورت گرفت، تجارت بین‌المللی و اقتصاد جهانی را با مشکلات عدیده‌ای روبرو کرده است و تداوم این روند، مشکلات را بیشتر خواهد نمود. کمبود کالاهای گوناگون در سطح جهان در کنار سایر عوامل، می‌تواند رشد اقتصاد جهانی را بیش از پیش با کندی مواجه سازد. باید توجه داشت که تولیدات برخی صنایع، مواد اولیه برخی صنایع دیگر هستند و تعطیلی کارخانه‌ها در برخی کشورها، می‌تواند زنجیره تامین مواد اولیه برخی کارخانه‌ها در کشورهای دیگر را با کمبودهایی مواجه سازد (آندره گالستیان، ۱۳۹۹). تجارت جهانی که تحت تاثیر جنگ تجاری در سال ۲۰۱۹ کاهش یافته بود، امسال نیز با کاهش بیشتری مواجه خواهد بود. سازمان تجارت جهانی در آخرین پیش‌بینی خود در ماه جاری میلادی گفته است: حجم تجارت جهانی بسته به مسیر اقتصاد جهان، ممکن است امسال ۱۲,۱۲ درصد تا ۳۱,۹ درصد کاهش یابد. در گزارش این سازمان آمده است: همه مناطق در سال ۲۰۲۰، کاهش دو رقمی نرخ صادرات و واردات را شاهد خواهند بود. بر اساس پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول، انتظار می‌رود، رشد اقتصادی جهان تا پایان سال سه درصد کاهش یابد. این نهاد بین‌المللی معتقد است تنها تعداد معدودی از کشورها، از جمله چین و هند، در سال ۲۰۲۰ رشد اقتصادی مثبت را تجربه خواهند کرد (تجارت نیوز، ۱۳۹۹). تراژدی ایران در ضربه دیدن از کرونا در شرایطی است که اقتصاد آن، پیش از این بیماری، از عوامل دیگری به‌ویژه تحریم‌ها به‌شدت آسیب دیده و تقریباً نیمی از ده سال گذشته را با رشد منفی گذرانده است. در گزارش بانک جهانی می‌بینیم که اقتصاد ایران سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ را به‌ترتیب با نرخ رشد منهای ۴,۷

درصد و منهای ۸,۲ درصد گذرانده و امسال نیز، به پیش‌بینی همان سازمان، برای سومین سال متوالی به میزان ۵,۳ درصد سقوط می‌کند.

✓ عدم پیش‌بینی بازار در آینده و عدم تنوع‌پذیری مقصد صادرات

یکی دیگر از چالش‌های اقتصادی ایران چه در روابط با اتحادیه اوراسیا و چه در روابط اقتصادی با دیگر کشورها، عدم تنوع‌پذیری مقصد صادرات برای کالاهای مورد نظر می‌باشد. در کنار اقتصاد نفت‌محور ایران، تنوع کالاهای صادراتی در حجم معاملاتی زیاد در سطح پایینی قرار دارد؛ و غالباً مقصدهای صادراتی متنوعی نیز برای صادرات کالا در نظر گرفته نمی‌شود و بازاریابی ضعیفی برای یافتن بازارهای متنوع وجود دارد. جهان در حال گسترش و تغییر و تحول می‌باشد، هر کشوری متناسب با نیازها و منافع خود برنامه‌های اقتصادی را پیش می‌برد. داشتن برنامه‌های اقتصادی آینده‌گر مبتنی خوشبینانه‌ترین و بدبینانه‌ترین حالت، موجب تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تر می‌گردد. اتکا کردن به کالاهای محدود در مقاصد محدود، اقتصاد را آسیب‌پذیر می‌نماید. نمونه‌ی روشن این آسیب‌پذیری را می‌توان در محدود شدن واردات سیمان ایران به کشور قزاقستان در پی ممنوعیت واردات سیمان به این کشور مشاهده نمود. در تاریخ ۹ آوریل ۲۰۲۰ وزارت صنعت و توسعه زیرساخت‌های قزاقستان ممنوعیت واردات چهارنوع سیمان از کشورهای ثالث، منجمله ایران از ۲۷ آوریل ۲۰۲۰ به قزاقستان اعلام نمود که خود بحران جدیدی در صادرات سیمان ایران به آن کشور بوجود آورده است. عمده دلایل ان ممنوعیت فعال شدن یکی دوتا از کارخانجات سیمان این کشور اعلام شده است (سازمان توسعه و تجارت). یک تصمیم درون‌کشوری در قزاقستان یک

بحران صادراتی سیمان برای صادرکنندگان این کالا به وجود آورده است. این مورد نشان داده است که محدود شدن صادرات به یک بازیگر و عدم توانایی برای یافتن بازارهای متنوع مقصد یکی دیگر از آسیب‌هایی است که در چند ماه اخیر بخش صادرات ایران را در این قرارداد با اتحادیه به چالش کشیده است.

نتیجه‌گیری

برای دستیابی به اهداف اقتصادی و رفع چالش‌های اقتصادی ایران، گسترش روابط تجاری بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. توسعه روابط تجاری متقابل می‌تواند در کاهش بحران‌های سیاسی منطقه‌ای نقش موثری ایفا نماید. ایران و اتحادیه با وجود مناسبات تجاری فعلی از روابط دوجانبه مناسبی برخوردارند که می‌تواند مشوقی برای تشکیل هم‌پیوندی تجاری منطقه‌ای محسوب شود. جدا از فرصت‌سازی‌های اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای ایران، موانع و محدودیت‌های اقتصادی ایران راه را برای کسب منفعت حداکثری از این موافقت‌نامه کم‌رنگ نموده است. محدودیت‌هایی چون: عدم دیپلماسی فعال اقتصادی، محوریت قرار دادن روسیه در مبادلات تجاری خود و عدم توجه به مزیت‌های کشور عضو اتحادیه، اقتصاد نفت‌محور، عدم توجه به بخش خصوصی و حمل و نقل توسعه نیافته و ناکارآمد همانند حفره‌هایی در اقتصاد ایران، آسیب‌پذیری موافقت‌نامه تجارت ترجیحی با اوراسیا را در برابر مسائلی چون پاندمی کرونا، سیاست فشار حداکثری آمریکا و تحریم‌ها افزایش داده است. لازم است برای رفع محدودیت‌ها و تدوین برنامه‌ای جامع اقتصادی در روابط تجاری با اتحادیه

اقتصادی اوراسیا درک و شناخت درستی از محدودیت و مطلوبیت‌های داخلی و محدودیت و مزیت‌های کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا صورت گیرد. بنابراین پیشنهادات این مقاله برای رفع محدودیت‌های پیش‌روی روابط ایران با اتحادیه اوراسیا به صورت کوتاه و موردی به شرح زیر می‌باشد:

- شناخت دقیق از ظرفیت‌های تمامی کشورهای عضو اتحادیه در جهت استفاده از حداکثری از این ظرفیت؛ به عنوان مثال درک درست از موقعیت کشور بلاروس و افزایش مبادلات تجاری با این کشور می‌تواند دروازه‌ی ورود کالای ایرانی به اتحادیه اروپا باشد. مورد دیگر می‌توان به احساس تهدید ارمنستان از ترکیه و آذربایجان و عدم دسترسی کامل این کشور به مسیرهای امن تجاری اشاره نمود. جمهوری اسلامی ایران با شناخت دقیق از موقعیت ارتباطی و فراهم‌نمودن مسیرهای امن تجاری می‌تواند کشور ارمنستان را برای بهره‌مندی از این موقعیت ترغیب نموده و روابط تجاری خود با ارمنستان را افزایش دهد.
- استفاده از دیپلماسی کارآمد اقتصادی در کنار سیاست خارجی؛ یکی از موثرترین موارد که دیپلماسی اقتصادی ایران در روابط با اتحادیه اقتصادی اوراسیا را تقویت می‌نماید، فعال نمودن اتاق‌های بازرگانی و رایزنان بازرگانی در کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا است. موارد دیگر می‌توان به برگزاری اجلاس کمیسیون.
- مشترک همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی، دعوت از فعالان اقتصادی اتحادیه اوراسیا، تهیه‌ی بانک اطلاعاتی اقتصادی از کالاهای وارداتی و

صادراتی کشورهای عضو و همچنین تهیهی بانک اطلاعاتی از تجار ایرانی و تجار کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا.

- شناخت دقیق بازارهای مقصد، تنوع پذیری در کالاهای صادراتی و تنوع بازار؛ باتوجه به اینکه موافقت‌نامه‌ی ترجیحی با اتحادیه اوراسیا یک جهش بزرگ اقتصادی در صادرات کالاهای غیرنفتی می‌باشد، جمهوری اسلامی ایران باید از این فرصت برای تنوع بخشیدن به صادرات کالا استفاده نماید. افزایش توان تولیدی بسیاری از کالاها از میان ۵۰۲ قلم کالای ترجیحی مورد توافق فرصت مناسبی برای گسترش روابط اقتصادی و تنوع بخشیدن به بازارهای مقصد صادرات کالا می‌باشد.

- توسعه‌ی حمل‌ونقل؛ توسعه، بروزرسانی و پشتیبانی از سیستم حمل و نقل در کنار افزایش ضریب امنیت مسیرهای تجاری و ارائه‌ی دقیق ایران از مزیت‌های ارتباطی خود به کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا تا حدود زیادی می‌تواند آسیب‌های اقتصادی بر سر راه تجارت ترجیحی ایران و اوراسیا را مرتفع نماید.

- تمرکز و توجه به صادرات کالا در مقابل واردات؛ برای افزایش صادرات لازم است سیاست تجارت خارجی تقویت شود و مذاکراتی برای فراهم آوردن زمینه‌های انعقاد قراردادهای مشترک و توسعه صادرات و دستیابی به توازن نسبی در مبادلات خارجی انجام شود. همچنین در این راستا اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی هماهنگ با سیاست‌های تجاری و صادراتی، استفاده صحیح از نظام ارزی و سیاست‌های ارزی

مناسب، تعیین نرخ ارز قابل قبول، بهره‌برداری کامل از سیاست‌های مکمل نظیر سیاست‌های گمرکی، بازاریابی، اعتبار مناسب، توجه به اهمیت نقش نظام بانکی در توسعه صادرات و توجه لازم به فنآوری نوین اطلاعات ضرورت دارد.

منابع

-ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و اسمعیلی، محدثه (۱۳۹۷)، چالش‌ها و موانع دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و ششم، شماره نودوهفت، ص: ۷۱-۱۰۵.

-اسلامی، محسن و فرزانه نقدی (۱۳۹۵)، ابزار تحریم و سیاست خارجی امریکا در قبال ایران، فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره چهارم، ص: ۳۷-۷۱.

-اندیشکده راهبردی تبیین، "بع از کمپین ضد ایرانی فشار حداکثری؛ چه کسی خواهان مذاکره است؟"، ۹۸/۱/۲۶، قابل‌بازیابی در پیوند زیر:

<http://tabyincenter.ir/32574>

-بیگدلی علی، "حفظ امنیت اسرائیل و بهانه‌های تجاری دلایل خروج ترامپ از برجام"، دیپلماسی ایرانی، ۹۸/۱/۱۷، قابل‌بازیابی در پیوند زیر:

<http://irdiplomacy.ir/fa/news/1982592>

-تجارت نیوز، کرونا بر اقتصاد جهان چه تاثیری گذاشته است، ۹۹/۲/۷، کد مطلب: ۴۴۵۹۳۴، قابل دسترسی از لنک زیر:

<https://tejaratnews.com>

-حیدری، محمد و سهراب انعامی علمداری (۱۳۹۱)، دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره: ۲۰.

-خبرگزاری مهر، "سیاست فشار حداکثری ترامپ علیه ایران شکست خورد"، ۹۸/۵/۳۰، کدخبر ۴۶۹۸۱۳۱، قابل‌بازیابی در لینک زیر:

<https://www.mehrnews.com/news/4698131/>

-زارعی، غفار و عباسی، اسماعیل (۱۳۹۷)، اتحادیه اقتصادی اوراسیا در چشم‌انداز روسی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰۴، ص: ۶۰-۳۳.

-سیمبر، رضا (۱۳۸۹)، سیاست خارجی آمریکا و تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران، دانش سیاسی، سال ششم، شماره دوم، ص: ۱۳۸-۱۰۷.

-عسگری، منصور (۱۳۹۸)، عوامل موثر بر صادرات ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی (سال سیزدهم، شماره ۳ «پیاپی»، ص: ۱۰۲-۷۷).

-فرسائی، شهرام؛ قاسمی، حاکم و نوازی، بهرام (۱۳۹۸)، فرصت‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در همگرایی با اتحادیه اقتصادی اوراسیایی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰۸، ص: ۱۶۷-۱۴۱.

-گالسیان، آندره، "تبعات عمیق‌تر کرونا بر اقتصاد جهان در سال‌های پیش‌رو"، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۹۹/۵/۲۵، کد خبر: ۸۳۹۰۸۰۲۲، قابل دسترسی از لینک زیر:

<https://www.irna.ir/news/83908022>

-مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری (۱۳۹۸)، توافقنامه تجارت ترجیحی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، شصت و هفتمین نشست گفتگوی راهبردی، شماره مسلسل: ۳۴۳، کد گزارش ۱۴۶-۹۸.

-مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۴)، چندجانبه‌گرایی نامتوازن در سیاست‌گذاری تحریم اقتصادی ایران، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۵، شماره ۳، ص: ۸۲۴-۸۰۱.

-معاونت پژوهش‌های اقتصادی دفتر مطالعات اقتصادی (۱۳۹۸)، اظهار نظر کارشناسی درباره: «لایحه موافقت‌نامه موقت تشکیل منطقه آزاد تجاری بین جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا و کشورهای عضو»، دوره دهم، سال سوم، شماره ثبت: ۵۳۷.

-مهکویی، حجت و گودرزی، مهناز (۱۳۹۷)، تاثیر اتحادیه اقتصادی اوراسیا بر موقعیت ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۲، شماره ۲، ص: ۵۳۸-۵۱۹.

-میرفخرایی، سیدحسن (۱۳۹۴)، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و الزامات ژئواکونومیک آن برای ایران، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال هشتم، شماره ۹۴، ص: ۱۴۳-۱۷۵.

-EurAsEC Today Annual Report(2011),“Eurasian Economic Community, Integration Committee Secretariat”, Moscow2011

-EEC (14 May 2018),“Moldova Granted Observer State Status at the EAEU”, Eurasian Economic Council,Available at: <http://www.eurasiancommission.org/en/nae/news/Pages/14-05-2018-3.aspx>, Accessed on: 21 October 2019.

-Eurasian Economic Commission, (2015 first 6 month), Eurasian Economic Integration: Facts and Figures, Press Office of the Eurasian Economic Commission-

-Fassi, E. and Zotti, A. (2018), “The EU and EAEU: Normative Power and Geopolitics in EU-Russia ‘Shared Neighbourhood’”, In C. Frappi and G. Pashayeva (Eds.), Cooperation in Eurasia: Linking Identity, Security and Development (pp. 21-52), Milano: Ledizioni LediPublishing

-https://unctad.org/en/PublicationsLibrary/wir2020_en.pdf

-Russia-led EEU & Israel may ink free trade pact in 2017”, 2016, available: <https://www.rt.com/business/364530-eeu-israel-deal-talks>

اتحادیه اقتصادی اوراسیا، چارچوبی برای اجرای آزمایشی

موافقتنامه تجارت ترجیحی در مناطق آزاد (مطالعه موردی منطقه آزاد ارس)

میترا راه نجات^۱

^۱ - عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

امروز همگرایی‌های اقتصادی منطقه ایی مهمترین گام برای آمادگی کشورها جهت جذب شدن در روند جهانی شدن می باشد. نیم دهه فعالیت اتحادیه اقتصادی اوراسیا فرصت های مهمی را برای تقویت توان همگرایی اقتصادی اعضا فراهم ساخته است و ایران با هدف بهره برداری از این فرصت ها توافقنامه تجارت ترجیحی را به امضا رسانده است. اجرای این توافقنامه زمینه پیوستن کامل ایران به اتحادیه را فراهم خواهد ساخت. با توجه به نقش کلیدی مناطق آزاد شمالی ایران در توسعه و تعمیق همکاری های ایران با اتحادیه اوراسیا، سوال اصلی این تحقیق عبارت از آن که منطقه آزاد ارس با چه فرصت ها و چالش هایی در روند پیوستن ایران به اتحادیه مواجه است؟ فرض اصلی مقاله این است که منطقه آزاد ارس با داشتن تنها مرز زمینی ایران و اتحادیه اوراسیا (نوردوز) اگرچه پتانسیل تبدیل شدن به هاب ترانزیت زمینی ایران را دارد اما با وجود مشکلات مدیریتی و تنگناهای قابل توجه در معاملات مرزی (عوارض - ساختارهای زیربنایی، اداری بخش دولتی و خصوصی) دارای چالش های متعدد می باشد که در ارتباط کلی با دیگر مناطق آزاد، سیاست های کلان دولت در زمینه کریدورهای ترانزیتی و اصلاح قوانین داخلی، می بایست برطرف شود. داده های این مقاله به دو روش اسنادی - آرشیوی و مصاحبه با خبرگان، به خصوص کارشناسان منطقه آزاد ارس، تحصیل شده است.

واژگان کلیدی: اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ایران، ارس، همگرایی

۱. مقدمه

در مراودات اقتصادی کشورها، توجه بیشتر به همسایگان و کشورهای که دارای موقعیت جغرافیایی و فرهنگی و زبانی مشترک هستند امری عادی محسوب می‌شود. اگرچه پس از جنگ جهانی دوم توجه بیشتر بازیگران دولتی و غیردولتی در عرصه اقتصاد به روند جهانی شدن بوده است اما تحولاتی همچون فروپاشی نظام دوقطبی و پایان جنگ سرد، بستر مناسبی را برای توجه به سیستم‌های متفاوت و مهم منطقه‌ای فراهم آورد به گونه‌ای که دولت‌ها برای تقویت چانه‌زنی سیاسی و رقابت‌پذیری اقتصادهای ملی خود در فرایندهای جهانی شدن به گروه‌بندی‌های منطقه‌ای پناه آوردند. شکل‌گیری اتحادیه اروپا، بازار مشترک آمریکای جنوبی (مرکوسو)، سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا و اقیانوسیه (اپک) که در دهه ۱۹۸۰ شکل یافتند نمونه‌هایی از شکل‌گیری منطقه‌گرایی اقتصادی در نظام جهانی می‌باشد که در دهه‌های بعدی گسترش قابل توجهی یافتند. منطقه‌گرایی اقتصادی که در قالب همکاری‌های اقتصادی درون یک سازمان منطقه‌ای نمود می‌یابد، فرصت مناسبی را برای هر یک از اعضای سازمان جهت افزایش بهره‌وری سرمایه و در نتیجه توسعه و رفاه بیشتر فراهم می‌آورد.

یکی از سازمان های نوظهور اقتصادی مهم "اتحادیه اقتصادی اوراسیا" است که در فضای اوراسیا و نه آسیای مرکزی تشکیل شده است. این سازمان منطقه ایی در حال تبدیل شدن به یک قطب مهم اقتصادی و سیاسی جهان است که در همسایگی ایران قرار دارد که کشورهای عضو آن دارای نقاط مشترک متعدد به لحاظ سیاسی-فرهنگی-ژئوپلیتیکی با ایران هستند. در چارچوب استراتژی ایران مبنی بر تقویت همکاری با کشورهای همسایه همکاری با این کشورهای همسایه قابل تفسیر است و از ظرفیت ایجاد قطبی قدرتمند در مقابل گروه بندی های رقیب برخوردار است.

انعقاد توافقنامه تجارت ترجیحی با این اتحادیه گام اصلی و مهم ایران برای دست یازیدن به هدف گسترش همکاری های تجاری-اقتصادی دو جانبه- منطقه ایی و بین المللی بوده است که زمینه ساز مشارکت بنگاه های اقتصادی ایرانی و دسترسی تولید کنندگان داخلی به بازارهای جدید می شود. از اجرای توافقنامه تجارت ترجیحی که فقط دوره ۳ ساله را شامل می شود تا پیوستن کامل ایران به اتحادیه راهی دشوار در مقابل ایران قرار دارد. هدف اصلی این مقاله نگاه کردن به یک بخش از این مشکلات است. لذا این سوال اصلی را مطرح می کند که با توجه به نقش کلیدی مناطق آزاد شمالی ایران در توسعه و تعمیق همکاری های ایران با اتحادیه اوراسیا، منطقه آزاد ارس با چه فرصت ها و چالش هایی مواجه است؟

فرض اصلی مقاله این است که منطقه آزاد ارس با داشتن تنها مرز زمینی ایران و اتحادیه اوراسیا (نوردوز) اگرچه پتانسیل تبدیل شدن به هاب ترانزیت زمینی ایران را دارد اما مشکلات مدیریتی، تنگناهای قابل توجه در معاملات مرزی (عوارض - ساختارهای زیربنایی، اداری بخش دولتی و خصوصی) دارای چالش‌های متعدد می‌باشد که در ارتباط کلی با دیگر مناطق آزاد، سیاست‌های کلان دولت در زمینه کریدورهای ترانزیتی و اصلاح قوانین داخلی می‌بایست برطرف شود.

اگرچه منابع متعددی به توضیح و تفسیر فرصت‌ها و چالش‌های ایران در پیوستن به اتحادیه اوراسیا پرداخته‌اند اما عمده منابع موجود به توضیحات کلی بسنده کرده‌اند. مقاله حاضر از آنجا که تمرکز خاص بر نقش مناطق آزاد ایران به ویژه منطقه آزاد ارس با اتحادیه اوراسیا دارد نسبت به دیگر نوشته‌ها حایز مطالب جدید می‌باشد. داده‌های این مقاله به دو روش اسنادی - آرشیوی و مصاحبه با خبرگان، به خصوص کارشناسان منطقه آزاد ارس، تحصیل شده است.

مقاله در بخش سه تنظیم شده است. بخش اول نگاهی کلی به اتحادیه اقتصادی اوراسیا دارد و ضمن بر شمردن ویژگی‌ها و شاخص‌های آن، به آینده و چالش‌های پیش روی اتحادیه نظر می‌اندازد. در بخش دوم موافقتنامه تجارت ترجیحی ایران و اتحادیه مورد کالبد شکافی قرار گرفته و ملاحظات مربوط به این توافقنامه مد نظر قرار می‌گیرد. در بخش سوم تمرکز بر منطقه آزاد ارس و چالش‌های این منطقه در راستای اجرای موافقتنامه

تجارت ترجیحی، قرار دارد. در انتها به نتیجه‌گیری و ارائه توصیه‌های سیاستی پرداخته می‌شود.

۲. اتحادیه اقتصادی اوراسیا

الف) تاریخچه اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۱

تورق تاریخچه اتحادیه اقتصادی اوراسیا حاکی از وجود چندین نقطه عطف در شکل‌گیری و توسعه این اتحادیه می‌باشد:

نخست) در سال ۱۹۹۴، نورسلطان نظربایف، رئیس‌جمهور سابق قزاقستان، طرح اولیه شکل‌گیری این اتحادیه را مطرح کرد.

دوم) در سال ۱۹۹۵، قزاقستان، بلاروس و روسیه توافق نامه گمرک^۲ را با هدف از بین بردن موانع اقتصاد آزاد میان نهادهای اقتصادی طرفین برای رقابت عادلانه امضا کردند.

سوم) سران ترویکا در سال ۱۹۹۶ به همراه قرقیزستان "معاهده تعمیق ادغام" را در زمینه‌های اقتصادی و بشر دوستانه امضا کردند. مواد این توافق بر توسعه اقتصادی مشترک تاکید داشت.

چهارم) در سال ۱۹۹۸ تاجیکستان به توافق نامه می‌پیوندد و رهبران کشورهای عضو این توافق درصدد ایجاد ساختار جدید برای ادغام بر می‌آیند.

^۱ see: Guidance on the Eurasian Economic Union Trade Regulation, Eurasian Economic commission, 2020, Moscow
^۲ Agreement on the Customs Union

پنجم) در سال ۲۰۰۰ م. نخستین کوشش جدی با تشکیل «جامعه اقتصادی اوراسیا» بر مبنای الگوی جامعه اقتصادی اروپا صورت گرفت. روسیه، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان از اعضای تشکیل دهنده جامعه اقتصادی اوراسیا بودند.

ششم) در سال ۲۰۰۳ تشکیل "چارچوب قانونی فضای اقتصاد مشترک" سرعت گرفت و اوکراین به این روند پیوست.

هفتم) در سال ۲۰۰۶ مجددا رهبران کشورهای روسیه، بلاروس و قزاقستان توافق نامه گمرک و فضای مشترک اقتصادی را طراحی کردند.

هشتم) در اکتبر سال ۲۰۰۷، توافق نامه ایی در مورد ایجاد قلمرو مشترک گمرکی و تشکیل اتحادیه گمرکی امضا می شود. اما این ادغام تحت تاثیر رکود جهانی در سال ۲۰۰۸ با مشکلات رو به رو شد. این مساله زمینه توجه رهبران توافق نامه را به همکاری برای توسعه پایدار شد.

نهم) در سال ۲۰۱۰ با عضویت سه کشور بلاروس، قزاقستان و روسیه «اتحادیه گمرکی اوراسیا» با تعرفه گمرکی مشترک، تشکیل شد. در همین سال قوانین گمرکی اجرایی شدند و در سال ۲۰۱۱ نیز اتحادیه به طور کامل اجرایی شد. مناطق گمرکی ترویکا در یک قلمرو مشترک گمرکی ادغام شدند و یک محیط قانونی مشترک در حوزه تنظیمات فنی معرفی شد.

دهم) با امضا بیانیه ایی توسط لوکاشنکو، نظر بایف و مدودف در مورد ادغام اقتصادی اوراسیا بر تقویت رفاه و افزایش قدرت اقتصاد ملی در رقابت جهانی تاکید شد.

یازدهم) در سال ۲۰۱۲، چارچوب قانونی فضای اقتصاد مشترک شکل گرفته که در حقیقت بر مبنای اقدام مشترک در حوزه های تنظیمی مهم اقتصادی همچون اقتصاد کلان، یارانه های صنعتی و کشاورزی، حمل و نقل، بخش انرژی، تعرفه های انحصاری طبیعی، مقررات و تنظیمات فنی بوده است. **دوازدهم)** در بین سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴، کمیسیون اقتصادی اوراسیا و سران کشورهای بلاروس، قزاقستان و روسیه پیمان اتحادیه اقتصادی اوراسیا را توسعه بخشیدند. پیش نویس معاهده پس از ۵ دوره مذاکراتی نهایی شد. سند نهایی در هزار صفحه، در ۴ قسمت، ۳۳ پیوست، تهیه شد.

سیزدهم) در سال ۲۰۱۵ موافقتنامه اتحادیه اقتصادی اوراسیا میان بلاروس، قزاقستان و روسیه اجرایی می شود. در همین سال ارمنستان به عضویت کامل اتحادیه در می آید.

چهاردهم) در سال ۲۰۱۷ روسای دول عضو "پیمان نامه کد گمرکی اتحادیه اقتصادی اوراسیا" را امضا می کنند.

1. the Treaty on the Customs Code of the Eurasian Economic Union

پانزدهم) در سال ۲۰۱۸ کد گمرکی اتحادیه اقتصادی اوراسیا معرفی گردید. این کد ابزار اصلی تنظیم مقررات گمرکی است و یک بهینه سازی بهتر از تنظیم فعالیت اقتصادی خارجی ارائه می دهد.

امسال ششمین سال فعالیت اتحادیه اقتصادی اوراسیا می باشد و در این سال ها توانسته است با کشورهایمانند سنگاپور، مولداوی، ازبکستان، تاجیکستان و صربستان از طریق انعقاد قراردادهای تجارت آزاد و تجارت ترجیحی جایگاه خود را در اقتصاد جهانی ارتقا بخشد. همچنین موافقت نامه تجارت آزاد این اتحادیه با ویتنام از سال ۲۰۱۶ اجرایی شده است در عین حال که مذاکره با هند و چین در جریان است.

ب) اعضا و اهداف و ارکان اتحادیه اقتصادی اوراسیا:

اتحادیه اقتصادی اوراسیا از سوی پنج کشور روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، بلاروس و ارمنستان تاسیس شده است. این اتحادیه هفت هدف عمده را دنبال می کند: تسهیل تجارت، ایجاد بازار مشترک در حوزه کشورهای مستقل همسود عضو، حذف تدریجی قوانین گمرکی در داخل اتحادیه، برقراری تعرفه خارجی مشترک در میان کشورهای عضو، هماهنگ سازی تشریفات گمرکی، جابه جایی آزاد کالا، سرمایه، نیروی کار و خدمات در مرزهای اوراسیا، برقراری سیاست مشترک در زمینه انرژی، صنعت، کشاورزی و وسایل نقلیه^۱.

^۱Structure of the Commission, (eec.eaeunion.org)

مهمترین رکن اتحادیه اقتصادی اوراسیا، "شورای عالی اقتصادی اوراسیا" است که از سران کشورهای عضو به وجود آمده است. دومین رکن اتحادیه، "شورای بین دولتی اوراسیا" است که اعضای آن نخست وزیران کشورهای عضو هستند. "کمیسیون اقتصادی اوراسیا" رکن اجرایی اتحادیه محسوب می شود.

مقر این کمیسیون به عنوان سازمان نظارتی بر اتحادیه گمرکی در مسکو قرار دارد که متشکل از ۱۰ نفر است که از هر پنج کشور عضو، دو نفر نماینده در آن حضور دارند. در کمیسیون اقتصادی اوراسیا بیش از هزار نفر از متخصصان مربوطه مشغول به فعالیت هستند.^۱

تصمیمات کمیسیون اقتصادی اوراسیا در صورتی که توسط دو سوم آراء در هیات ده نفره تصویب شود، برای تمامی کشورهای عضو الزام آور خواهد بود. با این حال، هر یک از اعضا از طریق کمیسیون شورای اقتصادی اوراسیا که شامل معاونان نخست وزیران کشورهای عضو است، دارای حق وتو هستند. در صورتی که میان اعضا در خصوص موضوعی اختلاف وجود داشته باشد، موضوع اختلاف به نخست وزیران کشورهای عضو که دوبار در سال در قالب شورای بین دولتی اوراسیا با یکدیگر ملاقات می کنند، ارسال می شود. معمولاً موضوعات خطیر و بحث برانگیز به شورای عالی اقتصادی اوراسیا که سالانه در سطح سران برگزار می شود ارجاع داده می شود. همچنین یک نهاد قضایی

^۱. هادی سلیمان پور و مریم سلیمانی در چاق، همگرایی اقتصادی در اوراسیایی مرکزی در تطبیق با الگوی کانتوری و اشیپگل، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۳، بهار ۱۳۹۵

تحت عنوان دادگاه اتحادیه اقتصادی اوراسیا وجود دارد که به حل اختلاف و تفسیر مسائل حقوقی اتحادیه می پردازد.^۱

ج) شاخص های اقتصادی، نقاط قوت اتحادیه اقتصادی اوراسیا

نخست) اتحادیه اقتصادی اوراسیا جمعیتی بالغ بر ۱۸۳ میلیون نفر را در مساحت ۲۰ میلیون کیلومتر مربع با نرخ بیکاری ۵/۴ درصد و تولید ناخالص داخلی ۴/۷ تریلیون دلاری در بر می گیرد.

دوم) از شاخص های اقتصادی اتحادیه اقتصادی اوراسیا می توان به رتبه اول استخراج نفت (۱۴/۵ درصد از جهان)، رتبه اول تولید گاز جهان (۲۰/۲ درصد از جهان)، رتبه چهارم تولید انرژی برق (۹/۴ درصد از جهان)، رتبه چهارم تولید آهن (۴/۷ درصد از جهان)، رتبه ۵ تولید فولاد (۵ درصد از جهان) اشاره کرد. جدول ۱ اطلاعات اساسی اتحادیه را نشان می دهد.

^۱.ibid

جدول ۱: اطلاعات اساسی اتحادیه اقتصادی اوراسیا

توضیحات	شاخص ها
چین، آلمان، آمریکا، فرانسه، ایتالیا، ترکیه	کشورهای عمده صادرکننده به اوراسیا
هلند، چین، آلمان، ترکیه، ایتالیا، سوئیس، انگلیس	کشورهای عمده واردکننده از اوراسیا
دستگاه برقی روشنایی برای وسایل نقلیه، دارو، ماشین آلات مایع کردن گاز، کامپیوتر، خودرو، تجهیزات آزمایشگاهی	کالاهای عمده وارداتی اوراسیا از جهان
نفت و روغن های نفتی، میعانات گازی، زغال سنگ، گندم، کاند و قطعات کاتد.	کالاهای عمده صادراتی اوراسیا به جهان
کیوی، پسته، مس مات، کشمش، خیار، سیمان پرتلند	کالاهای صادراتی ایران به اوراسیا
جو، روغن آفتابگردان، ذرت، محصولات تخت نورد، چوب اره شده کاج	کالاهای عمده وارداتی ایران از اوراسیا
۶/۵	میانگین کل تعرفه
۸/۶	میانگین تعرفه کالاهای کشاورزی
۵/۹	میانگین تعرفه کالاهای صنعتی
۸۶۶/۳ میلیارد دلار	حجم تجارت در سال ۱۳۹۸

منبع: گزارش سازمان توسعه و تجارت، ۱۳۹۹

گزارش های متعدد گویای این مطلب است که بیشترین حجم تجارت اوراسیا با جهان مربوط به کشور روسیه است به گونه ایی که از تجارت ۸۶۶ میلیارد دلاری اتحادیه اقتصادی اوراسیا با جهان در سال ۲۰۱۸ (مجموع واردات و صادرات) ۶۸۷ میلیارد دلار ان توسط روسیه صورت گرفته است.

سوم) یکی از اصلی ترین مزایای اتحادیه اقتصادی اوراسیا پیوند جغرافیای کشورهای عضو این اتحادیه است. امری که موجب می شود تجارت و مبادلات اقتصادی در بین این کشورها تسهیل شود. از سوی دیگر همگرایی فرهنگی و تجربه تاریخی مشترکی که در بین بخش عمده ای از اعضای این اتحادیه وجود دارد، تمایل به همکاری را در بین آنها افزایش خواهد داد. بر اساس گزارش منتشر شده توسط روسیه در فاصله سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹، تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو ۲۰ درصد و بازده صنعتی در سراسر اتحادیه ۳۰ درصد، صادرات کالا در تجارت خارجی ۲۳ درصد، رشد داشته است. همچنین شاخص رقابت پذیری اتحادیه که در سال ۲۰۱۸ در رتبه ۴۵ قرار داشت در سال ۲۰۱۹ به رتبه ۴۴ رسیده است.^۱

چهارم) به دلیل حضور کشورهای صادرکننده انرژی (روسیه و قزاقستان) و کشورهای وارد کننده انرژی (بلاروس، قرقیزستان و ارمنستان)، نوعی روابط اقتصادی مکمل را میان اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا ایجاد می کند که در حوزه هایی چون احداث خطوط انتقال انرژی و پایانه های صادراتی، سرمایه گذاری مشترک در حوزه میادین نفت و گاز و صنایع پالایشگاهی و

^۱ . Guidance on the Eurasian Economic Union Trade Regulation, Eurasian Economic commission, 2020, Moscow

پتروشیمی، می‌تواند نقش مهمی در روند همکاری‌ها و انسجام این اتحادیه ایفا کند.

پنجم) روسیه، هشتمین دارنده ذخایر نفت خام جهان و قزاقستان نیز هفدهمین صادرکننده نفت خام جهان است که هر دو کشور خارج از حوزه اوپک به صادرات نفت می‌پردازند.

ششم) اتحادیه اقتصادی اوراسیا بیش از ۲۰/۷ درصد از گاز طبیعی جهان را تولید می‌کند. روسیه، بزرگترین دارنده ذخایر گاز طبیعی جهان و قزاقستان، بیست و سومین صادرکننده گاز طبیعی دنیا است.

هفتم) اتحادیه اقتصادی اوراسیا بیش از ۵/۹ درصد از کل ذخایر ذغال سنگ جهان را در خود جای داده است که با توجه به نقش این منبع انرژی فسیلی در تامین سوخت کشورهای عضو اتحادیه، از اهمیت فراوانی برخوردار است.

هشتم) اتحادیه اقتصادی اوراسیا بیش از ۹ درصد از انرژی الکتریسته جهان را تولید می‌کند. اتحادیه درصدد است یک بازار مشترک الکتریسته را تا سال ۲۰۲۵ میان کشورهای عضو تشکیل دهد.

د) آینده توسعه اتحادیه اقتصادی اوراسیا

در بحث توسعه اتحادیه اقتصادی اوراسیا اکثر نگاه ها به کشورهای ازبکستان، تاجیکستان، صربستان است. چنانچه پیش تر اشاره شد بیشترین تجارت اتحادیه با روسیه انجام می شود. روسیه از این فرصت برای نیروی جویای کار قزاقستان و قرقیزستان که دولت هایشان عضو اتحادیه هستند به عنوان یک کارت تشویقی استفاده کرده است و برای آنها تسهیلات متعددی در زمینه اشتغال، اقامت، مجوز کار، نقل و انتقال پول و تمدید مدت زمان اشتغال و اقامت در روسیه استفاده کرده است. در عین حال تعدادی زیادی از مهاجرین ازبک و تاجیک در روسیه که به درآمد اقتصادی کار در روسیه به شدت وابسته هستند، نه تنها در معرض اخراج از روسیه قرار گرفته اند بلکه از بسیاری از امتیازات محروم شده اند. در حقیقت روسیه با نشان دادن دو روی سکه به دولتهای ازبک و تاجیک درصدد است تا آنها را ملزم به پیوستن به این اتحادیه کند. تحولات سیاست خارجی ازبکستان در پی درگذشت اسلام کریم اوف و به قدرت رسیدن شوکت میر ضیایف در ۱۳۹۵ زمینه چرخش تاشکند را تا حد زیادی به سوی روسیه و اتحادیه اقتصادی اوراسیا فراهم ساخته است.^۱

^۱. ولی کوزه گر کالجی، حوزه های تحول در سیاست خارجی ازبکستان در دوره شوکت میر ضیایف، ۲۳ شهریور ۱۳۹۸ (iras.ir)

به گونه ایی که در دی ماه ۱۳۹۸ سفیر ازبکستان در بلاروس اعلام داشت که میرضیایف متعهد به پیوستن ازبکستان به اتحادیه اقتصادی اوراسیا است.^۱ صربستان توافق نامه با اتحادیه اقتصادی اوراسیا را در سال ۲۰۱۹ به امضا رساند و پارلمان این کشور آن را در سال ۲۰۲۰ تصویب کرد. توافق نامه شامل توافق نامه های معتبر تجارت آزاد این کشور با کشورهای روسیه، بلاروس، قزاقستان نیز می شود. بر این اساس صربستان می تواند ۲ هزار تن سیگار، ۴۰۰ تن پنیر نیمه سخت، مقادیر نامحدود پنیر بز و گوسفند صادر کند.^۲

ر) نقاط ضعف و چالش های اتحادیه اقتصادی اوراسیا

به طور کلی مجموع تحقیقات انجام شده در مورد اتحادیه اقتصادی اوراسیا گویای ۸ چالش این اتحادیه هستند که عبارتند از:
نخست) این اتحادیه فضای جغرافیایی اوراسیا را به طور کامل پوشش نمی دهد. اوراسیا در بر گیرنده ۱۵ کشور است اما اتحادیه ۵ کشور را شامل می شود.

^۱. تلاش ازبکستان برای پیوستن به اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ۷ دی ماه ۱۳۹۸، (irna.ir)
^۲. صربستان در یک قدمی پیوستن به اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ۱۳ مرداد ۱۳۹۹ (irna.ir)

دوم) ساختار هرمی و نامتوازن اتحادیه: از آنجا که بیش از ۸۴ درصد از جمعیت ۱۸۲ میلیون نفری اتحادیه اقتصادی اوراسیا در روسیه زندگی می کنند و بیش از ۸۸ درصد از مجموع ۲ هزار میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی

اتحادیه متعلق به روسیه است می توان گفت که روسیه در راس هرم اتحادیه قرار دارد.^۱

سوم) به زعم پژوهشگران اتحادیه ابزاری برای سلطه هژمونیک روسیه بر مناطق پیرامونی اش است. این انتقاد باعث شد که روسیه ساختار و ارکان اتحادیه را در کشورهای عضو تقسیم کند به گونه ای که بانک توسعه اقتصادی در آلماتی قزاقستان، بخش قضایی و دادگاه در بلاروس، کمیسیون اقتصادی در مسکو قرار دارد. همچنین بلاروس به عنوان اولین رئیس شورای اتحادیه انتخاب شد.^۲

چهارم) تفاوت در میزان توسعه یافتگی کشورهای عضو نیز تشدید کننده ساختار هرمی اتحادیه می باشد.

^۱ .Ksenia Kirkham, (2016)The Formation of the Eurasian Economic Union: How successful is the Russian regional hegemony?, Journal of Eurasian Studies, vol.7, issue 2.
^۲ .ibid

پنجم) تجارت غیر مکمل و حجم پایین تجارت درون منطقه ایی مانع از تقویت همگرایی منطقه ایی می شود.^۱
ششم) زیرساخت های حمل و نقل ضعیف و فرسوده مانع از انتقال سریع کالا و کاهش صادرات و واردات می شود.
هفتم) موانع گمرکی و تعرفه های ترجیحی یکی دیگر از چالش های مهم اتحادیه است.

چند نمونه گویای این مطلب است:

قزاقستان با هدف حمایت از تولید داخلی، حاضر به کاهش عوارض گمرکی برای خودروهای وارداتی از روسیه نشد. بلاروس در خلال بحران اوکراین که منجر به تحریم روسیه از سوی غرب شد، اقدام به واردات کالاهای غربی و صادرات مجدد آنها به روسیه با هدف کسب سود بیشتر کرد که این اقدام با واکنش روسیه در محدود کردن واردات مواد غذایی از بلاروس مواجه شد. این اقدام از سوی لوکاشنکو، رئیس جمهور بلاروس، تهدید جدی برای کارآیی اتحادیه اقتصادی اوراسیا خوانده شد.^۲

هشتم) تنش ها و بحران های روابط روسیه و غرب و تحریم های روسیه موجب کاهش ارزش روبل شده است. این مساله بر روی اقتصاد بلاروس و

^۱. هادی سلیمان پور و مریم سلیمانی در چاق، همان

^۲. Seilbek Mussatayev, Aseem Kaidarova, Maigul Mekebaeva, The

Eurasian Economic Union: Realities and Challenges, Mediterranean Journal of Social Sciences, vol. 6, no. 4.

قزاقستان تاثیر منفی داشته است. این مساله باعث شد که بلاروس خواهان دریافت طلا در مقابل صادرات به جای روبل بشود.^۱

۳. موافقتنامه تجارت ترجیحی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا

اتحادیه اقتصادی اوراسیا در راستای توسعه اهداف خود موافقتنامه های تجارت ترجیحی را با کشورهای هدف خود به امضا رسانده است. این موافقتنامه های تجارت ترجیحی در دوره چهارم منطقه گرایی که به دنبال افول جنگ سرد در دهه ۹۰ و وقوع انقلاب فناوری اطلاعات شکل گرفت حاصل شده است. در این دوره ترتیبات تجاری تنظیمی تا حد زیادی برای تحکیم اصلاحات اقتصادی و سیاسی بکار رفت. در واقع در این دوره منطقه گرایی صرفا ماهیت اقتصادی دارد و به عنوان "منطقه سازی اقتصادی" تحت فرایند جهانی شدن و چند جانبه گرایی تجاری تسهیل شده توسط سازمان تجارت جهانی پیش می رود. در این موج منطقه گرایی اقتصادی فرایندی جهان شمول است که کشورها از آن به عنوان دالان ورود به جهانی شدن استفاده می کنند. در نتیجه هویت و ارزش های حاکم بر منطقه گرایی اقتصادی در این دوره همان ارزش ها و هنجارهای جهان شمول است. به لحاظ هویتی منطقه گرایی اقتصادی در این دوره هویتی مستقل از جهانی شدن ندارد. در این دوره منطقه گرایی اقتصادی بر مبنای ترتیبات تجارت ترجیحی تعریف می شود که شامل موافقت نامه تجارت ترجیحی می شود.

^۱ Golam Mostafa and Monavar Mahmood, (2018) Eurasian Economic Union: Evolution, challenges and possible future directions, Journal of Eurasian Studies, vol.9, economic regionalization^۲

این موافقتنامه میان دو یا چند کشور منعقد می شود که بر اساس آن تعرفه های تجاری کاهش می یابد!

از جمله موافقت نامه های تجارت ترجیحی اتحادیه موافقت نامه ایی است که با ایران در سال ۱۳۹۷ در آستانه به امضا رسیده است.^۲ این موافقتنامه که حالت موقتی دارد، در طول سه سال فرصت دارد تا به توافق جامع برسد. این قرارداد از ۵ آبان ۱۳۹۸ به مرحله اجرا رسیده است و به زعم بسیاری از پژوهشگران و نیز گزارشات سازمان توسعه و تجارت، مفصل ترین و جامع ترین موافقتنامه ای است که تاکنون ایران منعقد کرده است.

این موافقتنامه شامل ۹ فصل قواعد عمومی، تجارت کالا، اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی، قواعد مبدا، تسهیل تجارت، حل و فصل اختلافات و... است. براساس جزئیات اعلام شده، امتیازات اعطایی ایران (کشاورزی و صنعتی) شامل ۳۹۰ کد هشت رقمی است که از این تعداد ۱۵۰ ردیف بدون تخفیف تعرفه هستند. امتیازات اعطایی توسط اتحادیه مذکور نیز شامل ۵۰۴ کد ۱۰ رقمی (کشاورزی و صنعتی) است که ۴۴ کد بدون تخفیف تعرفه از سوی اتحادیه هستند. برآورد در سطح کد ۸ رقمی نشان دهنده ۳۹۱ کد و ۳۷ کد

۱. نگاه کنید به: بیوردن هتته، (۱۳۹۱)، مقایسه منطقه گرایی ها: نتایجی برای توسعه جهان، ج ۵، تهران: نشر وزارت امور خارجه.

۲. این توافقنامه در اردیبهشت ۱۳۹۷ به امضا آقای شریعتمداری، وزیر صنعت ایران، تیگران سرکیسیان، ریس کمیسیون اقتصادی اوراسیا، واسیلی ماتیو شففسکی، نخست وزیر بلاروس، تیگران آوینیان، معاون نخست وزیر ارمنستان، عسکر ماکین، معاون اول نخست وزیر قزاقستان، زمیربیک، معاون نخست وزیر قزاقستان، دیمیتری کوزاک، معاون نخست وزیر روسیه رسیده است.

تثبیتی است. اقلام ایرانی شامل تعرفه صفر برای صادرات به اوراسیا شامل ۳۷ مورد می شود.^۱ سطح متوسط عوارض گمرکی برای کالاهای صنعتی در ایران از ۲۲,۴٪ تا ۱۵,۴٪ و در اتحادیه اقتصادی اوراسیا از ۸٪ تا ۴,۷٪ کاهش خواهد یافت. عوارض گمرکی کالاهای کشاورزی نیز در ایران از ۳۲,۳٪ تا ۱۳,۲٪ و در اتحادیه اقتصادی اوراسیا از ۹,۶٪ تا ۴,۶٪ کاهش خواهد یافت. جدول ۲ تجارت اوراسیا با ایران را نشان می دهد.

جدول ۲: تجارت اوراسیا با ایران

سال	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸
واردات اوراسیا از ایران	۷۲۷/۷	۶۷۵/۵۲	۵۴۵/۶	۵۲۵/۲	۶۴۸/۲	۹۱۸/۲
صادرات اوراسیا به ایران	۱۸۳۰/۸	۲۳۹۲/۶	۱۷۰۳/۶	۲۵۴۶/۴	۱۹۴۲/۴	۱۷۷۵/۲
تراز تجاری (از طرف اوراسیا)	۱۱۰۳/۱	۱۷۱۷/۱	۱۱۵۷/۹	۲۰۲۱/۱	۱۲۹۴/۲	۸۵۷
حجم تجارت	۲۵۵۸/۵	۳۰۶۸/۱	۲۲۴۹/۲	۳۰۷۱/۶	۲۵۹۰/۴	۲۶۹۳/۴

منبع: ITC

^۱. نگاه کنید به گزارشات سازمان توسعه و تجارت در مورد موافقت نامه موقت بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، (www.tpo.ir)

به لحاظ آماری اگر بخواهیم عملکرد اقتصادی ایران را در فاصله اجرایی شدن توافقنامه تا ۳۰ خرداد ۱۳۹۹ بسنجیم، داده ها گویای این مطلب است که صادرات ایران به اوراسیا در اقلام ترجیحی ۶۳ درصد رشد داشته است و در اقلام مشمول تخفیف ۷۹ درصد رشد کرده است. همچنین واردات ایران از اوراسیا در اقلام ترجیحی ۱۵ درصد در کل فهرست کاهش داشته است و در اقلام مشمول تخفیف نیز ۳۹ درصد کاهش یافته است.^۱

این مساله گویای آن است که توافقنامه مزایای اقتصادی قابل توجهی برای ایران دارد و می تواند باعث رشد اقتصاد غیر نفتی ایران شود. این مساله زمانی اهمیت پیدا می کند که به پدیده تحریم های امریکا و تاثیرش بر بخش انرژی و درآمد حاصل از آن توجه داشته باشیم. بر اساس داده های گمرک ایران، رقم معاملات غیر نفتی با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، به ویژه محصولات خوراکی - زراعی در سال مالی ۲۰۱۸-۲۰۱۹ به میزان ۳۴ درصد رشد افزایش یافت. در حقیقت افزایش صادرات به جای واردات از اهداف کلیدی ایران جهت کاهش فشار بر ذخایر ارزی نفتی در پیوستن به این توافقنامه بوده است. تاکید بر صادرات صنعتی، علمی و فناوری پر ارزش می تواند به ایران برتری نسبی در داخل اتحادیه بدهد، به گونه ایی که بعد از روسیه در جایگاه دوم قرار گیرد. برتری ایران در خدمات، سرمایه گذاری ها، و جریان سرمایه مشهود است که البته در توافقنامه به آن توجه نشده است.^۲

^۱. همان.

^۲. Kevjn lim, Iran's Eurasian Wager, April 27, 2020,

(washangtoninstitute.org)

لازم به ذکر است که تشدید ادغام (یعنی حذف کامل تعرفه ها یا درج محصولات دیگر در قرارداد تجارت ترجیحی) منافع بیشتری برای تجارت متقابل به همراه خواهد داشت. تلاش برای تشدید ادغام نه تنها بر کاهش تعرفه های واردات بلکه بر رفع موانع غیر تعرفه ایی تجارت باشد. امروز موانع غیر تعرفه ایی تجارت به طور کلی مانع مهمتر از تجارت برای واردات کالا محسوب می شود و از آنجا که ایران عضو سازمان تجارت جهانی نیست و تنها عضو ناظر محسوب می شود، اجرای کامل این توافقنامه به سود ایران خواهد بود. شایان توجه است که این مسیر می تواند ایران را به طور غیر مستقیم در رسیدن به استانداردهای بین المللی یاری کند. دسترسی به بازارهای منطقه اوراسیا در حالی که ایران از سوی غرب به شدت تحریم شده است یک فرصت عالی استراتژیک محسوب می شود.^۱

الحاق ایران به اتحادیه اوراسیا نیازمند تلاش وافر است تا زمینه پیوستن ایران به بازارهای جهانی نیز فراهم شود. در این مسیر کاستی هایی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. از آن جمله می توان به عدم برقراری شبکه بانکی و همخوان نبودن استانداردهای داخلی با جهان اشاره داشت که منجر به تعویق پیوستن ایران به اتحادیه می شود. ورود ایران به بازار ۸۰۰ میلیارد دلاری نیازمند رسیدن به استانداردها و دستورالعمل های فنی بین المللی است.

اتحادیه اقتصادی اوراسیا دارای دو حوزه است:

۱- Amat Adarow and Mahdi Ghodsi, The Impact of the EAEU-
IRAN preferential trade Agreement, may 2020, (wiiw.ac.at)

الف) حوزه اقتصادی (شامل روسیه - قزاقستان - بلاروس)،
ب) حوزه گمرکی (شامل ارمنستان - بلاروس - روسیه - قرقیزستان - قزاقستان).

در بهمن ۱۳۹۷ مجلس ایران پیوستن به اتحادیه را تصویب کرد. در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۷ توافقنامه تجارت ترجیحی ایران و اوراسیا در آستانه - قزاقستان امضا شد. کلیات تشکیل منطقه آزاد مشترک بین ایران و اتحادیه در ۱۹ خرداد ۱۳۹۸ در مجلس تصویب شد و موافقت نامه تشکیل منطقه آزاد تجاری بین ایران و اتحادیه در ۲۰ خرداد ۹۸ به امضا رسید. در تاریخ ۵ آبان ۹۸ موافقتنامه اجرایی شد و از ۵ آبان ۱۳۹۹ آغاز مذاکرات تجارت آزاد را داریم. در تاریخ ۵ آبان ۱۴۰۱ نیز موافقتنامه تجارت آزاد اجرایی خواهد شد.^۱

عضویت ایران در منطقه آزاد تجاری اتحادیه تسهیل کننده روابط در بخش هایی مانند روابط بانکی حوزه حمل و نقل و استفاده از شرایط موجود در کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی می باشد.

علاوه بر مهمترین اصول تعهدات طرفین که در جدول زیر نشان داده شده است، تعهداتی دیگری همچون تسهیل تجاری و همکاری گمرکی، قواعد مبداء، سیستم حل و فصل اختلاف، ترجیحات تعرفه ای طبق ضمایم فهرستهای کالاهای تحت پوشش توافق میان ایران و اتحادیه وجود دارد.

^۱. نگاه کنید به: گزارش نشست اوراسیا، پلی به سوی تجارت آزاد جهانی، ۳۰ مرداد ۱۳۹۹، سازمان توسعه و تجارت ایران، دفتر همکاری های ایران و اوراسیا. (www.tpo.ir)

مهمترین استثنائات از تعهدات در توافقنامه اوراسیا نیز شامل استثنائات عمومی (ملاحظات اخلاقی، فرهنگی، امنیتی و مذهبی)، اقدامات دفاع تجاری شامل آنتی دامپینگ، اقدامات حفاظتی تجاری، اقدامات جبرانی (در مقابله با یارانه ها) می شود.

جدول ۳: تعهدات طرفین در موافقتنامه اوراسیا

تعهدات	توضیحات
اصل عدم تبعیض	یکی از اصول بنیادین گات که از کشورها می خواهد بین کالاها بر اساس مبدا یا مقصد شان تبعیض قائل نشوند.
اصل رفتار ملی	کشورها را ملزم می سازد با کالاهای وارداتی پس از ترخیص از گمرک به گونه ای رفتار کنند که از رفتار اعمال شده در مورد کالاهای تولیدی در داخل نامطلوب تر نباشد.
اصل آزاد سازی تجاری	شامل موارد: کاهش نرخ تعرفه، تثبیت نرخ های تعرفه، ممنوعیت استفاده از موانع غیر تعرفه ای (در حد کالاهای تحت پوشش) می شود.
اصل انضباط تجاری	قواعد حاکم بر استاندارد ها شامل عدم تبعیض، شفافیت، اطلاع دهی، در حد ضرورت برای تامین اهداف مشروع، مبتنی بر اصول علمی و ارزیابی خطر، می شود.

۴. ملاحظات توافقنامه تجارت ترجیحی با اتحادیه اقتصادی اوراسیا

با توجه به اجرایی شدن توافقنامه و نتایج آن لازم است چند نکته را مد نظر قرارداد:

الف) قبل از توافقنامه حاضر ایران فقط ۶ توافقنامه تجارت ترجیحی با کشورهای ترکیه، پاکستان، تونس، کوبا، سوریه و ازبکستان امضا کرده است و در سطح سازمان منطقه ای هم دارای توافقنامه تجارت ترجیحی با سازمان اگو و گروه هشت کشور اسلامی در حال توسعه (D8) دارد. اما هیچ کدام به لحاظ شمول و گستردگی به اندازه توافقنامه حاضر نیستند. این مساله زمانی اهمیت دو چندان می یابد که بدانیم ۷۰ تا ۸۰ درصد تجارت ایران با کشورهای همسایه اش می باشد و امضا این توافق نامه عملاً در راستای توسعه تجارت خارجی ایران است.^۱

ب) ایران تنها یک موافقتنامه تجارت ترجیحی و موقت به مدت سه سال با اتحادیه امضاء کرده است که در صورت اجرای متقابل تعهدات، قابل تبدیل به توافقنامه تجارت آزاد است. بنابراین در صورت عدم تبدیل موافقتنامه تجارت ترجیحی بین ایران و اتحادیه و پایان احتمالی همکاری های ایران و اتحادیه نباید این موضوع مطرح شود که ایران از اتحادیه اقتصادی اوراسیا خارج شده است، چون اساساً از همان ابتدا ورودی به این سازمان نداشته است. لذا شناخت صحیح و انتقال رسانه ای درست و واقع بینانه از توافقنامه

^۱ میر هادی سیدی، موافقتنامه موقت تشکیل منطقه آزاد تجاری میان ایران و اتحادیه اوراسیا، سازمان توسعه و تجارت، ۱۰ آذر ۱۳۹۸ (FARSI.TPO.IR)

منعقد شده، نخستین ضرورت و ملاحظه‌ای است که باید به آن توجه کرد. ضرورت حفظ ثبات در قوانین صادرات و واردات و نیز مقررات بانکی، ارزی و گمرگی است که در هرگونه توافقنامه تجارت ترجیحی یا تجارت آزاد از ضرورت‌ها و الزامات غیر قابل انکار است. در صورت هر گونه بی‌ثباتی در حوزه‌های یاد شده، اعتماد طرف مقابل از بین می‌رود و ضمن آسیب به روند توافقنامه تجارت ترجیحی سه ساله، دورنمای تبدیل آن به تجارت آزاد را نیز نامشخص می‌کند. لذا ضرورت دارد در جریان تصویب هر قانونی در مجلس و یا ابلاغ آیین‌نامه‌ای در دولت، پیوست ۸۶۲ قلم کالای مشمول توافقنامه تجارت ترجیحی بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا مورد توجه جدی قرار گیرد تا هرگونه محدودیت صادراتی و وارداتی و مقررات گمرگی، شامل ۸۶۲ قلم کالای مشمول توافقنامه تجارت ترجیحی نشود.^۱

ج) عدم حضور رایزنان بازرگانی ایران در منطقه اوراسیا است. در حال حاضر در بین پنج کشور عضو این اتحادیه (روسیه، بلاروس، ارمنستان، قزاقستان و قرقیزستان) تنها در ارمنستان، رایزن بازرگانی ایران مشغول به فعالیت است و در چهار کشور دیگر رایزنان بازرگانی به دلیل خاتمه ماموریت و یا مشکلات مالی و ارزی، مدت‌ها است که حضور و فعالیتی ندارند. لذا با عنایت به اهمیت توافقنامه تجارت ترجیحی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ضرورت اجرای

۱. نگاه کنید به: توافقنامه تجارت ترجیحی ایران و اتحادیه اوراسیا، گزارش شصت و هفتمین نشست گفتگوی راهبردی مرکز بررسی‌های استراتژیک، ۲۱ آبان ۱۳۹۸، کد گزارش: ۹۸-۱۴۶، شماره مسلسل: ۴۳۳.

دقیق تعهدات برای تبدیل این موافقتنامه از تجارت ترجیحی به تجارت آزاد پس از سه سال و نیز نقش بسیار تاثیرگذار رایزنان بازرگانی به عنوان حلقه ارتباطی شرکتهای خصوصی و اتاقهای بزرگانی ایران و پنج کشور عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ضرورت دارد این موضوع به صورت جدی و فوریتی در دستور کار وزارت امور خارجه و وزارت صنعت، معدن و تجارت قرار گیرد.^۱

د) توجه به نقش شبکه ریلی ایران به عنوان مهم ترین مسیر ارتباطی و ترانزیتی ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا در دو سوی خزر است. در حال حاضر ایران فاقد پیوستگی جغرافیایی و مرز مستقیم زمینی با اتحادیه اقتصادی اوراسیا است. با توجه به بی طرفی دائم ترکمنستان و عدم عضویت این کشور در مکانیسمهای منطقه‌ای، ایران با دو کشور آسیای مرکزی عضو اتحادیه یعنی قزاقستان و قرقیزستان فاقد پیوستگی مشترک است. در منطقه قفقاز جنوبی نیز ایران از شرایط مشابهی برخوردار است. جمهوری آذربایجان که دارای مرز مشترک با روسیه است، تاکنون از عضویت در اتحادیه خودداری نموده است. تنها ارتباط زمینی غیر مستقیم ایران با اتحادیه از طریق جمهوری ارمنستان امکان پذیر است؛ کشوری که دارای مرز مشترک با فدراسیون روسیه نیست. هر چند مقامات ارمنی عنوان نموده‌اند که گرجستان دسترسی زمینی ارمنستان به روسیه و فضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا را تضمین کرده است. بنابراین، ایران در شرایط کنونی فاقد پیوستگی جغرافیایی و مرز مستقیم زمینی با اتحادیه اقتصادی اوراسیا در مناطق آسیای مرکزی و

^۱. پایگاه اختصاصی رایزنان بازرگانی ایران، (FARSI.TPO.IR)

قفقاز است. در چنین شرایطی، شبکه ریلی برای برقراری ارتباط ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا از نقش و اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. (ر) اگرچه در نگاه اول به نظر می رسد که فعالیت در قالب توافقنامه تجارت ترجیحی بسیار مطلوب است اما چند خطر وجود دارد که می توان این گونه شرح داد که:

نخست، به خاطر تحریم های همه جانبه، اقتصاد ایران در وضعیت بی ثباتی قرار دارد.

دوم: هیچ بانک بین المللی بزرگی در ایران شعبه ندارد.

سوم: به خاطر بی ثباتی سیاسی و اقتصادی در ظرفیت های رشد اقتصادی شک و تردید وجود دارد.

چهارم: مشکل انتقال پول و بیثباتی نرخ ارز در ایران^۱

(ز) در زمینه فعالیت تجار ایرانی در اوراسیا نیز ملاحظاتی وجود دارد: **نخست**: تجار ایرانی بازار اوراسیا را به عنوان بازاری بلند مدت نگاه نمی کنند و بعضا صادرات بی کیفیت دارند. **دوم**: به جای آن که اوراسیا را به عنوان مبدایی برای واردات کالاهای مورد نیاز ایران ببینند، آن را مبدایی برای نیازهای مقاصد دیگر می بینند. **سوم**: تشکل های صادراتی برای حضور پایدار در بازار اوراسیا ندارند. **چهارم**: ارتباط آنها با سازمان توسعه و تجارت ضعیف است. **پنجم**: در توافقات به حقوق در نظر گرفته شده بی توجه هستند.

^۱. مارات شیپوتاف، چشم انداز تجارت اوراسیا با ایران، آذر ۱۳۹۸،

(<http://www.iess.ir>)

س) نگاه سیستمی در عرصه نرم افزاری می بایست تغییراتی را در چند حوزه مورد توجه قرار دهد:

نخست: اصلاح قوانین اداری بخش های مرتبط با امر تجارت.

دوم: آموزش نیروی انسانی در جها سرعت دهی به امر مبادلات مرزی.

سوم: کاهش هزینه هایجاری در امور تجاری.

چهارم: اعمال تخفیفات ترجیحی و عوارض مربوطه.

پنجم: ارتقاء عملکرد شاخص های لجستیکی LPI در ایران.

ششم: پیاده سازی لجستیک الکترونیک برای سرعت دهی!

ش) نگاه سیستمی در عرصه سخت افزاری می بایست تغییراتی را در چند حوزه انجام دهد:

نخست: احداث زیرساخت های ارتباطی و مواصلاتی جهت همبندی و هم پیوندی کشورهای عضو از خاک ایران.

دوم: تدوین ماموریت به هریم از عناصر ذی مدخل در تسهیل امر تجارت در بستر جغرافیایی اتحادیه (اعم از پایانه مرزی و گمرکات و ...).

سوم: استفاده از تجهیزات روز در رصد و ارزیابی کالاها^۱.

۵. منطقه آزاد ارس؛ دروازه ورود به اتحادیه اوراسیا

^۱. فریبا شجاعی و محمد ابراهیم نویروان زاده، نقش گمرک ایران در رونق گیری تعاملات اقتصادی اتحادیه اوراسیا، تابستان ۱۳۹۹، (menoushiranzadeh.blogfa.com).

^۲. همان

یکی از ظرفیت های اقتصاد ایران جهت بهره مندی از فرصت های موجود در اتحادیه اقتصادی اوراسیا، وجود مناطق آزاد تجاری - صنعتی است که توسعه صادرات و گسترش روابط بین المللی به ویژه با کشورهای همجوار، از اهداف مهم آن به شمار می آید. هر یک از مناطق آزاد ایران با واقع شدن در مرکزیت یک حوزه اقتصادی درونی و بیرونی قابلیت آن را دارند که تنظیم بخشی از روابط اقتصادی ایران با کشورهای هدف را بر عهده گیرند و با امتیازات و تسهیلات قانونی موجود در این مناطق زمینه افزایش تعاملات و ارتقا جایگاه ایران را در میان کشورهای همجوار فراهم کند. به همین منظور ۵ هاب پشتیبان برای اجرای موفقیت آمیز پیمان تجاری اوراسیا در نظر گرفته شده است: منطقه آزاد انزلی با توجه به بندر کاسپین و زیر ساخت های لجستیکی موجود به عنوان هاب دریایی، منطقه آزاد ارس با تکیه بر مرز نوردوز اذربایجان شرقی به عنوان شاهراه ارتباطی ایران و ارمنستان به عنوان هاب زمینی، منطقه آزاد فرودگاه امام خمینی و زیر ساخت های حمل و نقل انبار هوایی (کارگو) به عنوان لجستیک هوایی، منطقه آزاد چابهار به عنوان هاب لجستیک و مناطق آزاد کیش و انزلی به عنوان هاب مالی.

توانمندی های مناطق آزاد به لحاظ زیر ساختی و لجستیکی در زمینه صادرات تولیدات داخلی و واردات مواد اولیه و سایر نیازهای کشور شایان توجه است. تولید کنندگانی که تمایل به صادرات محصولات خود به کشورهای اوراسیا دارند در صورت استقرار در این مناطق علاوه بر مزیت گمرکی موجود از معافیت مالیات بر درآمد ۲۰ ساله و معافیت از مالیات بر ارزش افزوده به خاطر صادرات محور بودن برخوردار می شوند. پس علاوه بر

معافیت مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده، میزان نقدینگی در گردش آنها نیز بالاتر خواهد بود.

در میان مناطق آزاد ایران، سه منطقه آزاد ارس، انزلی و ماکو به دلیل نزدیکی به کشورهای اوراسیا بالطبع از اهمیت قابل توجهی برخوردار هستند.^۱ منطقه آزاد ارس در نقطه صفر مرزی در همسایگی ارمنستان و اذربایجان قرار دارد و با در اختیار داشتن تنها مرز زمینی مشترک ایران و اتحادیه اوراسیا^۲ در زون نوردوز، به عنوان دروازه طبیعی ایران و اوراسیا شناخته می شود. منطقه آزاد ارس با بیش از ۵۰ هزار هکتار وسعت در حاشیه رودخانه مرزی ارس در ۱۳۰ کیلومتری شمال غربی تبریز، با جمهوری های اذربایجان و ارمنستان و جمهوری خودمختار نخجوان هم مرز است و با احداث خط راه آهن از منطقه آزاد ارس تا خاک ترکیه می تواند منطقه شمال غرب را به گذرگاه اصلی ترانزیت ریلی اروپا و منطقه قفقاز تبدیل کند. خط آهن جلفا-تبریز با قدمت ۱۲۰ سال قدیمی ترین خز آهن ایران محسوب می شود که به صورت برقی در زمان حال فعال است.

این منطقه پتانسیل تبدیل شدن به هاب ترانزیت زمینی ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا را دارد. زیر منطقه های اتحادیه اقتصادی اوراسیا شامل: منطقه آسیای مرکزی، منطقه قفقاز، منطقه بالتیک می شود. با توجه به مرز مشترک ایران و ارمنستان می توان از طریق ارمنستان به منطقه قفقاز و به

^۱. مناطق آزاد ایران عبارتند از: کیش، قشم، ماکو، انزلی، اروند، چابهار، ارس

^۲. تنها کشور عضو اتحادیه که با ایران مرز مستقیم دارد، ارمنستان می باشد.

واسطه ارمنستان از طریق گرجستان به حوزه بالتیک نیز متصل شد و در بازار آنها فعال شد.

در منطقه آزاد ارس نزدیک به ۱۶ هزار نفر اشتغال دارند که بیشترین آنها در بخش کشاورزی و شیلات فعالیت دارند و نزدیک به ۴ هزار نفر آنها در بخش صنعتی و تولیدی فعالیت دارند. منطقه آزاد ارس که صنعتی ترین منطقه آزاد ایران محسوب می شود دارای ۱۸۰ شرکت صنعتی است که با سرمایه گذاری در کشاورزی گلخانه ایی به وسعت ۱۰۶ هکتار، توانسته ۳۵ میلیون دلار محصول صادراتی در سال ۱۳۹۸ داشته باشد. همچنین ۳۵ واحد تولیدی با سرمایه گذاری خارجی از ترکیه، اذربایجان، ارمنستان و ... در این منطقه وجود دارد. این منطقه دارای ظرفیت ویژه در تولید و صادرات محصولات معدنی و مصالح ساختمانی است. منطقه آزاد ارس در تکمیل زنجیره صادرات خود، بودجه قابل توجهی را به تامین نیازهای لجستیکی در زن نوردوز اختصاص داده است که شامل تیر پارک های کامیون باری، انبارهای تخلیه و بارگیری کالا، سیستم ضروری برای امورات مربوط به تامین اسناد صادراتی از قبیل اسناد مربوط به گواهی مبدا کالا و ایکس ری های کامیون های باری می شود.

به واسطه اجرایی شدن توافقنامه تجارت ترجیحی اوراسیا، میزان صادرات از منطقه نوردوز نزدیک به ۸۵ درصد افزایش یافته است.^۱ اما با توجه به این که توافقنامه ایران و اوراسیا سه ساله است و یک سال آن گذشته است و تنها ۲

^۱. گفتگوی محسن نریمان با خبرگزاری موج، ۱۹ بهمن ۱۳۹۸، (mojnews.com)

سال دیگر باقی مانده است توجه به چند نکته ضرورت دارد: اولویت نخست تطبیق استانداردهای صادراتی ایران با استانداردهای اوراسیا است. دوم: تشکیل کارگروه کالایی برای حضور فعال در تجارت با اوراسیا است که متشکل از مسئولین سازمان توسعه و تجارت، سازمان ملی استاندارد، سازمان دامپزشکی، سازمان غذا و دارو، اتاق بازرگانی ایران و سازمان گمرک باشد. سوم: لزوم هماهنگی در کد گذاری کالاها به گونه ایی که کد گذاری ۸ رقمی ایران با کد گذاری ۱۰ رقمی اوراسیا هماهنگ شود تا از فرصت سوزی در گمرک خودداری شود.^۱

علاوه بر نکاتی که در بالا گفته شد، موفقیت منطقه ارس در استفاده از موافقتنامه تجارت ترجیحی و به طور کلی بهره برداری مطلوب تر ایران از این قرارداد نیازمند توجه به سرفصل های مدیریتی جهت توسعه کریدور های ترانزیتی است. این سرفصل ها را می توان در موارد کلی زیر بیان داشت:^۲

- هماهنگ سازی سیاست های حمل و نقل بین زیر بخش ها
- یکسان سازی و ساده سازی اسناد و مدارک
- کاهش تشریفات و مقررات گمرکی
- تامین شرایط برابر جهت عرضه کنندگان خدمات
- کاهش تعرفه ها و هزینه ها
- کاهش مدت زمان توقف

^۱. این مطالب برگرفته از مصاحبه نویسنده با کارشناسان منطقه آزاد ارس می باشد.

^۲. همان

- ساده سازی و روان سازی قوانین و اسناد
- نکته قابل توجه دیگر عوامل درونی است که موجب تنگناهایی در معاملات مرزی می شود:
- نخست: عوارض ها (اعم از هزینه های رسمی و غیر رسمی) و هزینه های سوختی: اعمال هزینه های جاری در مرزها باعث افزایش هزینه های حمل و نقل و ترانزیت می شود که در نهایت روی قیمت نهایی کالا تاثیر زیادی ایجاد می کند. بر این اساس اصلاح امور مرزی و کاهش هزینه ها سبب ترغیب بیشتر صاحبان کالا در جهت حمل و نقل و ترانزیت کالا و خدمات می شود. هزینه ها در برگیرنده: هزینه های گمرکی (تضمین-دیماند-باسکول)، هزینه های حمل و نقل (مابه التفات سوخت)، هزینه بیمه (بیمه تضمین و بیمه شخص ثالث)، هزینه هایی که توسط شرکت های حمل و نقل بین المللی و واسطه های آنها که بدون سند دریافت می کنند، می شود.
- دوم: مشکلات ساختارهای زیر بنایی و اداری بخش دولتی و خصوصی: در بخش مشکلات دولتی می توان به موارد زیر اشاره داشت:
- رویکرد مدیران نسبت به قبول جایگاه حمل و نقل لجستیک در ساختار اقتصادی و اجتماعی
- کمبود نیروی بخشی از ادارت مستقر در پایانه های مرزی و گمرکات داخلی
- نقص یا عدم مکانیزه بودن تجهیزات توزین و ارزیابی در اکثر گمرکات X-ray و باسکول الکترونیک
- ضعف در کارایی فرایند ترخیص کالا

- زیر ساخت های سخت افزاری و نرم افزاری (خطوط مواصلاتی - تیر پارک ها - گمرکات و پایانه مرزی - تجهیزات نوین ترخیص و بارگیری کالا و انبارهای بزرگ و مدرن - تکنولوژی اطلاعات - استفاده از سیستم رد یابی کالا)
- در بخش خصوصی نیز با چند مشکل مواجه هستیم:
- ضعف بنیه علمی و اطلاعات اکثر مدیران شرکت های حمل و نقل نسبت به تحولات منطقه ای
- عدم مالکیت شرکت های حمل و نقل بین المللی به کامیون هایی با تکنولوژی روز
- ضعف توان سیاسی و مالی شرکت های حمل و نقل ایران برای جذب بازار کشورهای منطقه
- فرسودگی ناوگان باری که خود سبب محدودیت جغرافیایی و افزایش مدت زمان تحویل کالا و کاهش خدمات لجستیکی نسبت به ناوگان کشورهای همچون ترکیه می شود.

۶. نتیجه گیری:

عضویت ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا به عنوان کشوری که به موازات داشتن روابط خوب با روسیه دارای موقعیت جغرافیایی راهبردی نیز هست به معنای حلقه مهم در تحقق اهداف ژئوپلیتیکی محسوب می شود. ایران با بهره برداری از ظرفیت های اقتصادی اوراسیا می تواند از منافع سیاسی عضویت در یک سازمان منطقه ای بهره مند شود. همچنین از آنجا که پیوستن به اتحادیه و اجرای تعهدات در قالب توافقنامه تجارت ترجیحی مقدمه و تمرینی برای پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی می تواند باشد، نخستین گام جهت موفقیت در این مسیر تقویت قدرت مناطق آزاد به عنوان پیشگامان همکاری ایران با اتحادیه می باشد. از طریق موافقت نامه اوراسیا امکان دسترسی ایران به بازار ۳۳۰ میلیارد دلاری ۵ کشور عضو فراهم شده است.

منطقه آزاد ارس با توجه به پتانسیل هایی که دارد در کنار سایر مناطق آزاد می تواند نقش محوری در پیاده سازی سیاست های توافقنامه ایران و اتحادیه داشته باشد اما مساله اصلی هماهنگی وزارت خانه های بازرگانی-نیرو-صنعت-خارجی می باشد تا با هدف گذاری های مشترک در مدت زمان اندک باقیمانده بیشتر کارایی را ایجاد کنند. استفاده از پتانسیل های دانشگاه های ایران در زمینه آگاهی بخشی به بخش خصوصی تجارت ایران نیز می تواند مساله قابل توجه دیگر در افزایش اثربخشی این توافقنامه باشد.

۷. منابع

منابع فارسی

- بیوردن هتنه، (۱۳۹۱)، مقایسه منطقه گرایی ها: نتایجی برای توسعه جهان، ج ۵، تهران: نشر وزارت امور خارجه.
- توافقنامه تجارت ترجیحی ایران و اتحادیه اوراسیا، گزارش شصت و هفتمین نشست گفتگوی راهبردی مرکز بررسی های استراتژیک، ۲۱ آبان ۱۳۹۸، کد گزارش: ۹۸-۱۴۶، شماره مسلسل: ۴۳۳.
- کوزه گر کالجی، ولی، "حوزه های تحول در سیاست خارجی ازبکستان در دوره شوکت میر ضیایف، ۲۳ شهریور ۱۳۹۸ (iras.ir)
- سیدی، میر هادی، موافقتنامه موقت تشکیل منطقه آزاد تجاری میان ایران و اتحادیه اوراسیا، سازمان توسعه و تجارت، ۱۰ آذر ۱۳۹۸ (FARSI.TPO.IR)
- سلیمان پور، هادی و مریم سلیمانی در چاق، همگرایی اقتصادی در اوراسیایی مرکزی در تطبیق با الگوی کانتوری و اشپیگل، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۳، بهار ۱۳۹۵
- شیپوتاف، مارات، چشم انداز تجارت اوراسیا با ایران، آذر ۱۳۹۸، (<http://www.iess.ir>)
- شجاعی، فریبا و محمد ابراهیم نویروان زاده، نقش گمرک ایران در رونق گیری تعاملات اقتصادی اتحادیه اوراسیا، تابستان ۱۳۹۹، (menoushiranzadeh.blogfa.com)
- گزارش سازمان توسعه و تجارت در مورد موافقتنامه موقت بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، (www.tpo.ir)

- گزارش نشست اوراسیا، پلی به سوی تجارت آزاد جهانی، ۳۰ مرداد ۱۳۹۹، سازمان توسعه و تجارت ایران، دفتر همکاریهای ایران و اوراسیا. (www.tpo.ir)
 - نریمان، محسن، گفتگو با خبرگزاری موج، ۱۹ بهمن ۱۳۹۸، (mojnews.com)
 - پایگاه اختصاصی رایزنان بازرگانی ایران، (FARSI.TPO.IR)
 - گزارش سازمان توسعه و تجارت، ۱۳۹۹
 - تلاش ازبکستان برای پیوستن به اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ۷ دی ماه ۱۳۹۸، (irna.ir)
 - صربستان در یک قدمی پیوستن به اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ۱۳ مرداد ۱۳۹۹، (irna.ir)
- منابع انگلیسی:

- Agreement on the Foundation of the Eur Asian Economic, 2001, (www.world bank.org)
- Adarow, Amat and Mahdi Ghodsi, (2020). **The Impact of the EAEU-IRAN preferential trade Agreement**, (wiiw.ac.at)
- **Guidance on the Eurasian Economic Union Trade Regulation**, Eurasian Economic commission, 2020, Moscow
- Kirkham, Ksenia. (2016) The Formation of the Eurasian Economic Union: How successful is the Russian regional hegemony?, **Journal of Eurasian Studies**, vol.7, issue 2.
- lim, Kevjn. (2020). **Iran's Eurasian Wager**, April 27 (washangtoninstitute.org)
- Mussatayev, Seilbek, Aseem Kaidarova and Maigul Mekebaeva, The Eurasian Economic Union: Realities and Challenges, **Mediterranean Journal of Social Sciences**, vol.6, no.4.
- Mostafa, Golam and Monavar Mahmood, (2018) Eurasian Economic Union: Evolution, challenges and possible future directions, **Journal of Eurasian Studies**, vol.9,

-Structure of the Commission, (eec.eaeunion.org)

فرصت ها و چالش های ایران در پیوستن به اتحادیه اوراسیا

غلامرضا حداد؛ بهرنگ مودب^۲

^۱ - عضو هیات علمی گروه اقتصاد سیاسی و سیاست گذاری عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی

E-mail: haddad@atu.ac.ir

^۲ - فارغ التحصیل کارشناسی ارشد مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دانشگاه علامه طباطبائی

E-mail: bmodab37@gmail.com

چکیده

این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که عضویت جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا چه مزیت‌هایی برای ایران داشته و چه فرصت‌ها و چالش‌هایی را پیش رو قرار خواهد داد؟ با اتخاذ رویکرد همگرایی اقتصادی، این پژوهش ضمن مروری بر وضعیت شاخص‌های کلان رفاه در میان کشورهای عضو اتحادیه، نشان می‌دهد که هیچیک از اعضای این اتحادیه وضعیت مطلوبی در این شاخص‌ها نداشته و همکاری با آنها نمی‌تواند منبع و محرکی برای توسعه ایران محسوب شود. جستجوی امکانی برای کاهش اثرات سوء تحریم‌ها، تقویت محور ترانزیتی شمال به جنوب، رفع تمرکز از خاورمیانه در سیاست خارجی ایران و متوازن سازی جغرافیای سیاست خارجی ایران و تقویت صادرات غیرنفتی از جمله مزیت‌های احتمالی جمهوری اسلامی ایران در این همکاری محسوب می‌شوند. اما

محدودیت گزینه‌های جمهوری اسلامی ناشی از مواجهه با غرب و تحریم‌های بین‌المللی و اهداف فرااقتصادی روسیه در این اتحادیه مهمترین چالش ایران در این همکاری خواهد بود چرا که ایران را بیش از پیش به تبعیت از سیاست خارجی روسیه متعهد خواهد کرد.

واژگان کلیدی: اتحادیه اقتصادی اوراسیا، منطقه گرایی، ایران، روسیه

مقدمه

اتحادیه اقتصادی اوراسیا نمونه‌ای از موجودیت‌های سیاسی-اقتصادی جدید در عصری است که اقتصاد سیاسی بین‌الملل را متأثر از روندهای واهمگرایانه در بستر جهانی شدن شکل می‌دهند و از منظر آکادمیک تلاش شده است ذیل نظریه‌های منطقه‌گرایی توضیح داده شوند. قرارداد تشکیل اولیه اتحادیه اقتصادی اوراسیا در ۲۹ مه ۲۰۱۴ میلادی میان کشورهای روسیه، بلاروس و قزاقستان منعقد و جایگزین اتحادیه گمرکی اوراسیا شد و سپس کشورهای ارمنستان و قرقیزستان نیز به عضویت آن درآمدند. این اتحادیه کار خود را به طور رسمی از اول ژانویه ۲۰۱۵ آغاز کرد. کشورهای عضو اتحادیه اکنون ۲۰ میلیون کیلومتر مربع مساحت و بیش از ۱۸۳ میلیون نفر جمعیت دارند که ۵,۲ درصد جمعیت جهان است. تولید ناخالص داخلی اسمی اتحادیه حدود ۱,۹ تریلیارد دلار، حجم تجارتش با جهان حدود ۹۰۰ میلیارد دلار و تجارت درون اتحادیه رقم ۳۸ میلیارد دلار می‌باشد.

از اواخر سال ۱۳۹۴ مذاکرات فشرده‌ای بین دولت‌های ایران با پنج کشور عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا جهت ایجاد منطقه موقت آزاد تجاری برای یک دوره سه ساله آزمایشی صورت گرفت که سرانجام موافقت‌نامه مذکور، در ماه

می ۲۰۱۸ میلادی (اردیبهشت ماه ۱۳۹۷) در شهر آستانه پایتخت قزاقستان توسط وزیر وقت صنعت، معدن و تجارت ایران امضا و هیات وزیران نیز در

تاریخ ۱۸ آذرماه ۱۳۹۷ لایحه مربوطه را به تصویب رساند. مذاکرات موافقتنامه موقت تجاری بین ایران و کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۷ در شهر آستانه قزاقستان به امضا رسید. موافقتنامه مذکور ۱۵ تیرماه ۹۸ توسط رئیس مجلس شورای اسلامی به دولت ابلاغ شد و رئیس جمهور آن را در ۱۷ تیرماه ۹۸ برای اجرا به وزارت صمت ابلاغ کرد. با خاتمه سه سال عضویت موقت در تشکیل منطقه آزاد تجاری اوراسیا، زمینه لازم برای عضویت ایران در این اتحادیه فراهم می‌شود. این موافقتنامه فرصتی فراهم می‌نماید که انطباق‌پذیری ساختارهای داخلی و بوروکراسی پیچیده با ساختارهای فراملی برای پیوستن به چنین اتحادیه‌هایی آزموده شود (ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها، ۱۳۹۹).

در این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی هستیم که عضویت جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا چه مزیت‌هایی برای ایران داشته و چه فرصت‌ها و چالش‌هایی را پیش رو قرار می‌دهد؟ در این راستا پس از مروری اجمالی بر ادبیات پژوهش، چارچوب نظری را مبتنی بر نظریه‌های همگرایی و منطقه‌گرایی معرفی کرده و سپس مزیت‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های پیوستن ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا را بر خواهیم شمرد.

مروری بر ادبیات پژوهش

در موضوع تبیین وضعیت اتحادیه اوراسیا و نیز نسبت ایران در همکاری با این اتحادیه تاکنون پژوهش‌هایی منتشر شده است. سلیمان‌پور و سلیمانی‌درچاق با استفاده از الگوی کانتوری و اشیپگل میزان کامیابی این اتحادیه در اهداف اقتصادی را مورد ارزیابی قرار داده و در عمل آنرا ناموفق ارزیابی کرده‌اند اگرچه ظرفیت‌هایی اقتصادی را در این میان مهم تشخیص داده‌اند که تا کنون مغفول مانده و در صورت فعال‌سازی آنها مسیر کنونی قابل تغییر خواهد بود (سلیمان‌پور و سلیمانی‌درچاق، ۱۳۹۵). همچنین زرگر و صبا موضوع همکاری‌ها در اوراسیا را از زاویه ژئوپولیتیک و رویارویی روسیه با غرب مورد بررسی قرار داده و معتقدند حضور گسترده روسیه در منطقه به هدف پر کردن خلاء قدرتی است که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ایجاد شده و حضور رقبای روسیه در این منطقه را تقویت کرده است (زرگر و صبا، ۱۳۹۵). زارعی و اسماعیلی نیز در پژوهشی به این پرسش اساسی پرداخته‌اند که چرا روسیه متحمل هزینه‌های گزاف برای راه‌اندازی و تداوم اتحادیه اوراسیا شده است در حالی که در صورت تداوم و تاکید بر توافقات دوجانبه با اعضای اتحادیه منافع اقتصادی بیشتری می‌داشته است. آنها به این جمع‌بندی رسیده‌اند که گرچه هدف اولیه روسیه از ایجاد و گسترش اتحادیه اقتصادی اوراسیا، تقویت جبهه‌ای ژئوپولیتیک در برابر غرب در مرزهای اتحادیه اروپا به بهای پرداخت هزینه‌های گزاف به منظور دوری آنها از غرب بوده است، اما از مزایای انسجام اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و هویتی درازمدت این اتحادیه در فضای پساشوروی نیز غافل نبوده است (زارعی و عباسی، ۱۳۹۷).

سید حسن میرفخرائی در پژوهشی ضمن پرداختن به ماهیت ژئواکونومیک اتحادیه از منظر اتحادیه اروپا و اعضای اتحادیه، الزامات ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران را در همکاری با این اتحادیه مورد بررسی قرار می دهد و معتقد است ایران می بایست ضمن احتیاط در مورد تاثیری که همکاری با این اتحادیه می تواند بر روابطش با غرب و اتحادیه اروپا داشته باشد با تقویت بخش خصوصی، تنظیم مقررات مناسب و توسعه همکاری ها در حوزه انرژی و حمل و نقل از منافع شکل گیری این اتحادیه بهره مند گردد (میرفخرائی، ۱۳۹۴). مهکویی و گودرزی نیز در کاری مشابه ضمن ارزیابی تاثیرات ژئواکونومیک اتحادیه، همکاری اقتصادی ایران را سودمند ارزیابی کرده اند (مهکویی و گودرزی، ۱۳۹۸).

نوازنی، قاسمی و فرسائی در پژوهشی به فرصت های اقتصادی ایران در پیوستن به اتحادیه پرداخته اند و معتقدند همگرایی مقدماتی ایران با کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیایی باعث خواهد شد، ضمن کاهش فشار تحریمی غرب، بسترهای لازم برای توسعه اقتصادی و تجارت خارجی ایران و بهره مندی از ظرفیت های اقتصادی اتحادیه فراهم آید (نوازنی، قاسمی و فرسائی، ۱۳۹۸) الهی و همکارانش نیز در پژوهشی مشخصا به آثار بالقوه موافقتنامه تجاری بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا بر بخش های صادراتی صنعت و کشاورزی پرداخته و به این نتیجه رسیده اند که متغیرهای میانگین تولید ناخالص داخلی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی با صادرات در بخش صنعت و کشاورزی از کشور ایران به کشورهای اوراسیا تاثیر مثبت و متغیرهای حاصل ضرب جمعیت کل کشور، نرخ تعرفه و نرخ ارز واقعی با

صادرات تاثیر منفی دارد. همچنین حذف تعرفه تجاری بین ایران و اوراسیا می تواند بخش های مختلف اقتصادی ایران را منتفع کند و این منفعت زمانی بیشتر می شود که تعرفه بخش صنعت حذف شود. همچنین ایجاد مکانیزم مالی مشترک برای مبادلات داخلی بین ایران و ۵ کشور اوراسیا، ایجاد بانک اطلاعاتی تجار کشورهای عضو برای فعالان اقتصادی ایرانی، صدور روادید تجاری میان کشورهای عضو و تاسیس شورای مشترک اتاق های بازرگانی اوراسیا می تواند در افزایش آثار تجاری ایران با اوراسیا در بخش های صادراتی صنعت و کشاورزی مفید باشد (الهی و دیگران، ۱۳۹۹).

همچنین در مقاله ای خازنی و حکمت آرا به تهدیدها و فرصت های همکاری ایران با اتحادیه اوراسیا پرداخته اند و ضمن برشماری برخی مزیت های اقتصادی در این همکاری، برتری جوئی روسیه و برخی چالش های ایدئولوژیک را مهمترین چالش های ایران در این همکاری دانسته اند (خازنی و حکمت آرا، ۱۳۹۹). در این پژوهش تلاش شده است ضمن بررسی وضعیت عمومی کشورهای عضو در کنار جمهوری اسلامی ایران در شاخص های رفاه، از منظر رویکرد همگرایی منطقه ای، فرصت ها و چالش های همکاری ایران با اتحادیه اوراسیا مورد بررسی قرار گیرد و نوآوری این پژوهش علاوه بر برشماری چالش ها و فرصت هایی که تاکنون به آن پرداخته نشده است، در توجه به ظرفیت های همگرایی درون کشورهای عضو است.

چارچوب نظری

منطقه گرایی که به عنوان تجلی و نمود همکاری بین المللی پس از جنگ جهانی دوم در اروپا آغاز شده بود، به تدریج این فرآیند در دیگر حوزه های جغرافیایی گسترش یافت. پایان جنگ سرد و نظام دوقطبی فرصت ها و امکانات جدیدی را برای تثبیت، تقویت و توسعه منطقه گرایی نوین فراهم ساخت. منطق منطقه گرایی بر همگرایی و رسیدن به یک مکانیسم همکاری جویانه است (هرسیچ و همکاران، ۱۳۹۳). منطقه گرایی معادل کلمه لاتین رژیونالیسم است که از لغت Region به معنای منطقه و پسوند ism که به معنای گرایش و اعتقاد ترکیب شده است. مراد از این اصطلاح در ادبیات روابط بین الملل تشکیلات و اجتماعاتی است که مرکب از حداقل سه واحد سیاسی باشد. منطقه گرایی در شرایطی شکل می گیرد که فرایندهایی سیاسی، اجرایی، سازمانی و ساختاری برای تحول در سازمانی منطقه ای به وجود آید. به عبارتی دیگر، سازمان های نوینی به وجود آید و هویت جدیدی شکل گیرد (آقاجری و سادات رستمی، ۱۳۹۱). منطقه بیانگر مجاورت جغرافیایی و حداقلی از روابط متقابل ژئوپلیتیکی و گاهی میزانی از وابستگی متقابل چند کشور یا شمار محدودی از دولت های هم جوار است که به همکاری و تعامل سازمان یافته در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی برای حرکت به سمت همگرایی مبادرت می ورزند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸). منطقه گرایی فرآیند فعلیت بخشیدن به توان های بالقوه منطقه در جهت همگرایی یا فرآیند همگون سازی در زمینه های مختلف است که بیشترین همکاری و هماهنگی بین دولت ها در درون منطقه را به طور رسمی و نهادی

به دنبال داشته است (حسنوند و اسفندیاری، ۱۳۹۷). اگر همگرایی منطقه‌ای به مثابه روند تلقی شود، همگرایی کشورها از منطقه آزاد تجاری (یا تجارت ترجیحی) آغاز شده و پس از گذراندن دو مرحله اتحاد کمرگی و بازار مشترک به اتحادیه کامل اقتصادی (سیاسی) ختم می شود (رمضانی و معین آبادی بیدگلی، ۱۳۹۸).

می‌توان منطقه‌گرایی را ذیل طیفی از نظریه‌های لیبرالی در روابط بین‌الملل طبقه‌بندی کرد که به نظریه‌های فراملی‌گرایی و همگرایی معروفند. این طیف از نظریه‌ها که بر مبانی و مفروضات لیبرالیستی در روابط بین‌الملل استوارند حول این ایده شکل گرفته‌اند که شرایط متحول نظام بین‌الملل در نیمه دوم قرن بیستم به سمتی است که ظرفیت، توان و منزلت دولت‌های ملی را رو به افول برده و نیز دستور کار بین‌المللی آنها را نیز تغییر داده است. از این منظر دولت‌ها دیگر تنها بازیگران متفوق در سیاست بین‌الملل نیستند و بازیگران رقیب دولت‌ها در سطوح فروملی و فراملی به محدودسازی کنش و گزینش آنها مشغولند. با اهمیت یافتن اقتصاد و مولفه‌های اقتصادی، مستقل و خارج از کنترل دولت‌های ملی، که با حضور بازیگران جدید به‌ویژه شرکت‌های فراملیتی در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی قوت گرفت، مسائل اصلی و مهم سیاست بین‌الملل به تدریج از رقابت‌های تسلیحاتی و اتحادیه‌های امنیتی- نظامی به رقابت‌های اقتصادی و همکاری‌های تجاری تغییر جهت داد و به عبارت دیگر تلاش برای دستیابی به دستاوردهای نسبی جای خود را به جستجوی دستاوردهای مطلق بخشید.

از منظر لیبرالی این می‌توانست زمینه‌ای برای تحقق صلح باشد، اما مهمتر از آن این بود که دولت‌ها به عنوان مهمترین موانع تحقق بازار جهانی بدون مرز، یعنی همان آرمان نهایی لیبرالیسم که تحقق صلح را در گرو آن می‌داند، به نفع شکل‌گیری موجودیت‌هایی منعطف‌تر تضعیف شده بودند. منطقه‌گرایی از این منظر، مرحله گذاری است از دولت‌های ملی به موجودیت‌ها سیاسی بزرگتری که مرزهای ملی را به سوی یک جامعه جهانی هموار می‌کنند. این ایده‌ها البته توسط طیف رقیب، یعنی رئالیست‌ها موضوع نقدهای جدی قرار گرفت با این استدلال که لیبرالها به پیش‌شرطی که چنین وضعیت همگرایانه‌ای را در جهان غرب ممکن ساخت، یعنی نقش هژمونیک ایالات متحده بی‌توجه بوده‌اند؛ که خارج از تمرکز نظری این نوشتار است.

چه بسا شروع چنین ایده‌ای را بتوان به دیوید میترانی در نظریه کارکردگرایی نسبت داد. میترانی با رویکرد هنجاری بر آن بود که می‌بایست همکاری در سطوح فنی میان دولت‌ها را به هدف سرریز همکاری به سطوح سیاسی تقویت کرد. ارنست هاز نیز، نه با رویکردی هنجاری، بلکه با منطقی تبیینی، تلاش کرد نشان دهد چگونه تمایلات بخش‌های فنی و غیر سیاسی/حاکمیتی در میان ملت‌ها، به مطالبات سیاسی همگرایانه در درون دولت‌ها منجر شده و زمینه‌های همکاری و متعاقبا همگرایی را فراهم می‌آورد. همکاری‌هایی که می‌تواند مقدمه‌ای بر افزایش منافع جدایی از تمایلات ملی به نفع موجودیت‌هایی سیاسی و فراملی بیانجامد (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۵۴). از نظر هاز، همگرایی پروسه‌ای است که به وسیله آن رهبران سیاسی چند کشور مختلف متقاعد و راغب می‌شوند که وفاداری، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی‌شان را به

سمت مرکز جدیدی که نهادهایش اختیارات قانونی داشته یا متقاضی اختیارات قانونی و رای اختیارات ملت و کشورها باشد سوق دهند (Seifzadeh, 2005: 191). این طیف نظری که بر تبیین مکانیسم علی روندهای همگرایانه به جای تاکید بر ابعاد هنجاری و تجویزی آن متمرکز بود را نوکارکردگرایی می‌نامند.

رهایی از محدودیت‌های ملی به سمت همگرایی، طیفی از وضعیت‌ها را شامل می‌شود که می‌تواند هم تنوعی در سطوح همکاری را نشان دهد و هم گویای روند مرحله‌ای نیل به همگرایی باشد؛ که از شکل‌گیری اتحادیه‌های گمرکی، مناطق بهینه پولی، اتحادیه‌های اقتصادی، تا تشکیل اجتماعات امنیتی ادغام شده و فدراسیون‌های سیاسی را در برمی‌گیرد. به عبارت دیگر اگرچه شکل‌گیری یک اجتماع امنیتی ادغام شده، مرحله‌ای پیشرفته از یک روند همگرایانه است که لزوماً از مسیر طی مراحل ابتدایی ممکن می‌گردد، اما انتخاب وضعیت‌های مقدماتی لزوماً به هدف ادغام‌های پیشرفته صورت نگرفته و به خودی خود می‌تواند با توجه به اقتضائات و امکانات، هدفی بسنده محسوب شود. به عنوان مثال اتحادیه اروپا به عنوان یک اجتماع امنیتی ادغام شده، از «بازار مشترک اروپائی زغال سنگ و فولاد» در ۱۹۵۲ و «جامعه اقتصادی اروپا» به عنوان یک اتحادیه اقتصادی در سال ۱۹۵۷ آغاز شده است اما الزاماً هر بازار مشترک یا اتحادیه اقتصادی به هدف نیل به یک اجتماع امنیتی ادغام شده شکل نمی‌گیرد و می‌تواند در محدوده‌ی اهداف مضیق در یک بازار مشترک و اتحادیه اقتصادی باقی بماند. بنابراین حتی می‌توان چنین تعبیر کرد که الزاماً هر روند همگرایانه‌ای را نمی‌توان در راستای

هماهنگ‌سازی با روندهای جهانی شدن در نظر گرفت و چه بسا برخی همگرایی‌های منطقه‌ای، انتخابی استراتژیک توسط اعضای یک اتحادیه، برای مقاومت یا افزایش تاب‌آوری در مقابل جریان جهانی شدن باشد. یا اینکه در مسیر معکوس، به جای اینکه مطلوبیت‌ها و مزیت‌های اقتصادی بخش‌های فروملی در همکاری با بخش‌های مشابه و هم‌پیوند در سایر جوامع، انگیزه و محرک ورود به روندی همگرایانه باشد که به همکاری سیاسی نیز بیانجامد، اساساً اهدافی سیاسی و امنیتی نزد دولت‌های ملی، ضرورتی در پیوند زدن اقتصادهای فروملی آنها به یکدیگر را توجیه نماید. در چنین مواردی، کاربست تئوری‌های متعارف همگرایی برای تبیین و تحلیل وضعیت، گرم‌ماه‌کننده خواهند بود.

همگرایی در سطوح مختلف خود نیازمند شرایط و ویژگی‌هایی در اعضاست که وجود آنها گاه برای شکل‌گیری یک موجودیت همگرایانه و گاه برای تحقق کارکردها و تداوم آن لازم و ضروری می‌باشد. در پایین‌ترین سطح در تشکیل یک اتحادیه گمرکی، شرط شکل‌گیری برآوردی از منافع مشترک میان طرفین و امکان انطباق قوانین تجارت و شرط ماندگاری، تحقق برآوردها در منافع مشترک است. به عبارت دیگر اگر دو یا چند دولت ظرفیت حقوقی لازم برای انطباق قوانین تعرفه و تجارت با یکدیگر را داشته باشند و از یکسان‌سازی یا کاهش مشترک تعرفه‌ها سودی برای خود متصور باشند می‌توانند در قالب یک توافقنامه به یک اتحادیه گمرکی بپیوندند و مادامی که سودی که متصور بودند دوام داشته باشد، آن اتحادیه نیز دوام خواهد یافت. اما وقتی سطح همگرایی عمیق‌تر می‌شود شروط شکل‌گیری و تداوم نیز

پیچیده‌تر و متنوع‌تر می‌شوند. به عنوان مثال در یک منطقه بهینه پولی متغیرهای بسیاری از جمله تحرک نیروی کار، تحرک سرمایه، انعطاف‌پذیری قیمت‌ها و دستمزدها، نرخ تورم، حجم اقتصاد، میزان بازبودگی اقتصاد، سیاست‌های پولی و مالی، میزان تنوع تولید و صادرات، همزمانی سیکل‌های تجاری، همانندی نهادهای بازار کار و بسیاری دیگر از عوامل در شکل‌گیری و موفقیت یک منطقه بهینه پولی موثرند (براز، ۱۰۷:۱۳۹۶).

در مراحل ابتدایی فرایند همگرایی که عموماً فنی و اقتصادی است، شرایط و متغیرها نیز عموماً محدود به عوامل فنی و اقتصادی هستند، اما در مراحل بالاتر شبیه به آنچه کارل دویچ در شرایط تحقق یک اجتماع امنیتی ادغام شده مطالعه کرده، شرایط عمومی و اختصاصی متنوع و چند بعدی در فرایند همگرایی و تحقق و تداوم آن دخیل هستند. از نظر دویچ اجتماعی سیاسی که در آن جنگ از روابط حذف شده باشد اجتماع امنیتی نامیده می‌شود؛ مانند ناتو، اعضای جوامع مشترک المنافع ذیل بریتانیا و یا اتحادیه اروپا. از نظر دویچ آستانه‌ای وجود دارد که با گذر از آن اعضا جنگ را از روابط خود حذف کرده و دیگر برای آن برنامه‌ریزی نمی‌کنند و وی گذار از این آستانه و شکل‌گیری اجتماع امنیتی را «همگرایی» می‌نامد. پیش‌شرط‌های اجتماعی اقتصادی و روانی که برای شکل‌گیری یک اجتماع امنیتی لازم - و نه کافی - هستند از نظر وی عبارتند از:

۱. سازگاری ارزش‌های اصلی سیاسی (حقوق بشر، دموکراسی و ...)
۲. وجود یک سبک زندگی متمایز و جذاب
۳. انتظار پاداش‌های مشترک یا نیل به پیوندهای اقتصادی پرسودتر

۴. افزایش ظرفیت‌های اداری و سیاسی در اغلب اعضا
 ۵. رشد اقتصادی برتر حداقل در برخی از اعضا
 ۶. وجود پیوندهای ناگسستگی در ارتباطات اجتماعی و رای مرزهای سرزمینی اعضا
 ۷. وسعت یافتن نخبگان سیاسی در درون برخی از واحدها برای کل جامعه بزرگتر
 ۸. تحرک بالای جغرافیایی و اجتماعی اشخاص حداقل میان اقشار مهم از نظر سیاسی
 ۹. تعدد دامنه جریان ارتباطات و مبادلات متقابل
 ۱۰. متقابل بودن پاداش‌ها در مبادلات اعضا (بازی برد برد)
 ۱۱. بسامد بالای تغییر در نقش گروه‌های سیاسی (چرخش نخبگان)
 ۱۲. حد بالایی از پیش بینی پذیری رفتارها
- در این میان سازگاری ارزش‌ها، ظرفیت بالای اداری و سیاسی و پیش‌بینی‌پذیری رفتارها از سایر شرایط برای شکل‌گیری یک اجتماع امنیتی ضروری‌تر هستند اما برای تحقق یک اجتماع امنیتی ادغام‌شده کافی نیستند. برای تحقق یک اجتماع امنیتی ادغام شده که یک موجودیت سیاسی فراملی است می‌بایست نهادهای حکومتی مشترک مورد پذیرش و حمایت قرار گیرند، وفاداری سیاسی به این نهادها تعمیم و بسط یابد و نهادهای مشترک جدید به هدف کارآمدی مناسب به کار بیافتند (مشیرزاده، ۶۵: ۱۳۸۸)

به لحاظ فلسفی، منطقه‌گرایی بر این امر استوار است که رسیدن به وحدت جهانی در شرایط کنونی جهان بعید و تحصیل‌ناپذیر بوده و باید با بسیج نیروهای پیونددهنده منطقه‌ای، زمینه حصول به آرمانی متعالی را فراهم ساخت. طرفداران منطقه‌گرایی معتقدند تجانس‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی اقتصادی و جغرافیایی به همراه سایر مولفه‌های وحدت‌بخش، این امکان را به دولت‌های مستقل واقع در منطقه گسترده حتی به وسعت قاره می‌دهد که از منابع مادی و معنوی خود، با همکاری مشترک به طور مطلوب بهره ببرند (زارعی و همکاران، ۱۳۹۴). این رویکردی است که منطقه‌گرایی را مرحله‌ای مقدماتی از جهان‌گرایی و نیز امکانی برای تسهیل در بهره‌وری از فرایند جهانی شدن و در راستای آن می‌داند. اما در مقابل، آنانی که جهانی شدن را پروژه‌ای در راستای تحقق مرحله‌ی نهایی امپریالیسم سرمایه‌داری تلقی کرده و یا آنرا در جهت تثبیت سلطه‌ی سیاسی و اقتصادی دولت‌های توسعه‌یافته‌ی غربی ارزیابی می‌کنند، منطقه‌گرایی را فرصتی برای تجمع توان و ظرفیت دولت‌های جنوب در مقابله با امواج سهمگین امپریالیسم غرب می‌دانند. در این رویکرد، مسیر کارکردگرایی معکوس می‌شود یعنی به جای اینکه بخش‌های غیرحکومتی و فروملی در جوامع مختلف پس از پیوند خوردن با یکدیگر، بخش‌های حکومتی و ملی را به سمت هماهنگی سیاستی و همگرایی ترغیب کنند، این دولت‌ها هستند که با دغدغه‌های سیاسی و امنیتی، به هماهنگ‌سازی بخش‌های غیرحکومتی و فروملی می‌پردازند. از این منظر منطقه‌گرایی، نسخه‌ی جدیدی از اتحادها و ائتلاف‌های کلاسیک بین‌المللی است با این تفاوت که در نوع کلاسیک، همکاری‌ها در سطح

سیاست سخت و امور نظامی و امنیتی صورت می‌گرفت اما در نسخه‌ی جدید همکاری‌ها به سیاست نرم و امور اقتصادی و فنی گسترش یافته است. از لحاظ تاریخی منطقه‌گرایی را می‌توان به دو نوع قدیم و جدید تقسیم نمود. منطقه‌گرایی نوین تفاوت‌هایی با منطقه‌گرایی قدیم دهه ۱۹۶۰ دارد:

۱. منطقه‌گرایی قدیم وابسته و پیوسته با نظم دو قطبی بود؛ اما منطقه‌گرایی جدید در شرایط چند قطبی‌شدن جهانی مطرح شده است. بدین معنا که اصولاً چند قطبی شدن و منطقه‌گرایی دو روی یک سکه‌اند. به عبارت دیگر هر یک از مناطق و قدرت‌های منطقه‌ای از استقلال و قدرت مانور بالایی برخوردارند.

۲. سازمان حاکم بر همکاری‌های منطقه‌ای دهه ۵۰ و ۷۰ بر اساس نظم و خواست و دستورات از بالا به پایین دو ابر قدرت بود در حالی که تقسیم‌بندی جدید منطقه‌ای، بر اساس خواست واقعی دولت‌ملت‌ها و با در نظر گرفتن منافع ملی‌شان است (طالبی و ذاکریان، ۱۳۹۴).

۳. همکاری‌های اقتصادی در نظام قدیم منطقه‌گرایی بسته بود. در حالی که منطقه‌گرایی نوین این همکاری بسیار باز بوده و به خارج از مرزهای منطقه نیز کشیده می‌شود (متقی و همکاران، ۱۳۹۴). منطقه‌گرایی نوین بر آزادسازی تجارت درون منطقه‌ای در زمینه خدمات و مالکیت معنوی، تحرک آزاد سرمایه و بالاخره هماهنگ شدن رژیم‌های نظارتی تاکید دارد (دهشیری و رضایی، ۱۳۹۳).

همچنین می‌توان بر حسب گستره و اندازه منطقه، روند منطقه‌گرایی را در چهار نوع مشخص دسته‌بندی کرد: منطقه‌گرایی کلان، که نوع بارز آن اپک

است؛ منطقه‌گرایی بزرگ که نمونه بارز آن اتحادیه اروپا است، منطقه‌گرایی میانه که اتحادیه جنوب شرق آسیا (آ.سه. آن) نمونه‌ای از آن به شمار می‌رود و سرانجام منطقه‌گرایی خرد (سرمست و همکاران، ۱۳۹۸).

بررسی اجمالی وضعیت شاخص‌های کلان اعضای اتحادیه‌ی اوراسیا در مقایسه با ایران

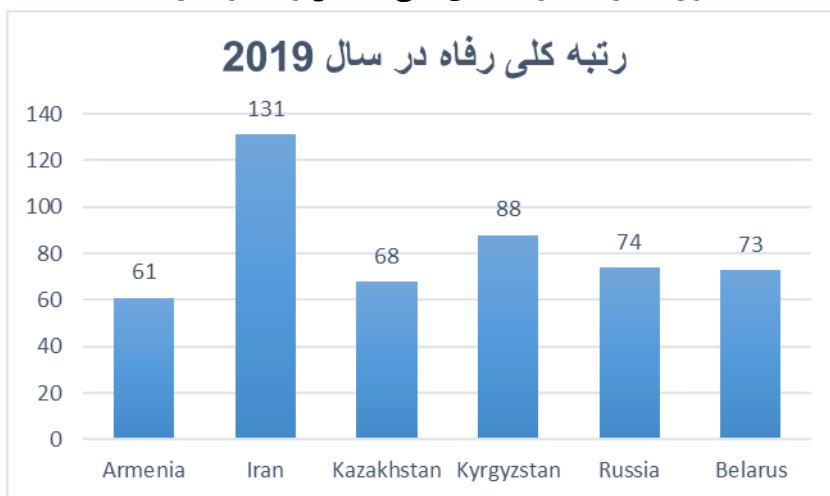
پیش‌تر گفته شد که همگرایی در سطوح مختلف، پیش‌شرط‌ها و الزامات مختلفی داراست. اگر منطقه آزاد تجاری یا اتحادیه‌ی گمرکی مطمع نظر باشد چه بسا هماهنگی حقوقی و تطبیق نظام تعرفه میان اعضاء به عنوان شرط تحقق و سودمندی به عنوان شرط دوام کافی باشد اما همگرایی در مراحل پیچیده‌تر اقتضائات و شرایط پیچیده‌تری را طلب می‌کند. با این وصف در میان اعضای اتحادیه اوراسیا و میان این اتحادیه و ایران چه سطحی از همگرایی را می‌توان متوقع بود؟ شاید بررسی برخی شاخص‌های کلان اعضای این اتحادیه بتواند در سنجش و ارزیابی و یا تعدیل توقعات مفید باشد.

بر اساس شاخص تجمیعی رفاه که همه ساله توسط موسسه بین‌الملل لگاتوم جمع‌آوری، ارزیابی، محاسبه و اعلام می‌شود، مجموعه‌ای از شاخص‌های کلان ذیل شاخص‌های اصلی کیفیت اقتصاد، شرایط کسب و کار، محیط سرمایه‌گذاری، دسترسی به بازار و زیرساخت‌ها، شرایط زندگی، حکومتگری، آزادی‌های فردی، آموزش، بهداشت، سرمایه اجتماعی، امنیت و ایمنی، و محیط زیست دسته‌بندی و محاسبه شده و رتبه‌بندی سالانه کشورهای جهان معرفی می‌شود. در این ارزیابی سالانه طیف گسترده‌ای از شاخص‌ها از منابع رسمی متعددی اعم از دولتی و غیردولتی گردآوری و در قالب فرمول‌بندی مشخصی ذیل مفهوم‌سازی «رفاه» ارائه می‌شود و از این منظر یکی از

جامع‌ترین معیارهای ارزیابی وضعیت توسعه‌ی کشورهای جهان محسوب می‌شود.

جدول شماره (۱) رتبه‌بندی کلی شاخص رفاه در میان اعضای اتحادیه اوراسیا به همراه ایران را در سال ۲۰۱۹ نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱): رتبه‌بندی کلی شاخص رفاه در سال ۲۰۱۹

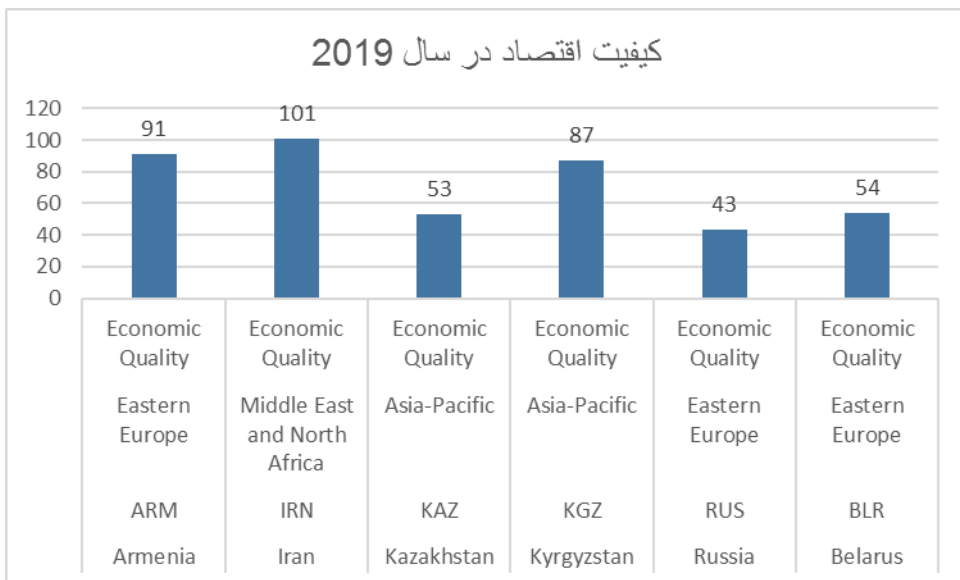


آمار نشان می‌دهد که وضعیت پنج کشور عضو اتحادیه در شاخص رفاه کمابیش مشابه است و از بهترین وضعیت که مربوط به ارمنستان با رتبه ۶۱ است تا بدترین وضعیت که مربوط به قرقیزستان با رتبه ۸۸ است اختلاف قابل توجهی دیده نمی‌شود. به عبارت دیگر مجموعه این کشورها اگرچه در کل، وضعیت مطلوبی در شاخص رفاه در مقایسه با کشورهای آمریکای شمالی، اعضای اتحادیه اروپا، و نمونه‌های موفق توسعه در شرق آسیا و سایر نقاط جهان ندارند اما در درون خود از سطحی از سازواری و همگنی

برخوردارند. اما جمهوری اسلامی ایران با رتبه ۱۳۱ فاصله‌ی بسیار زیادی با میانگین این کشورها داراست و از این منظر ظرفیت اندکی در پیوند به اتحادیه دارا خواهد بود.

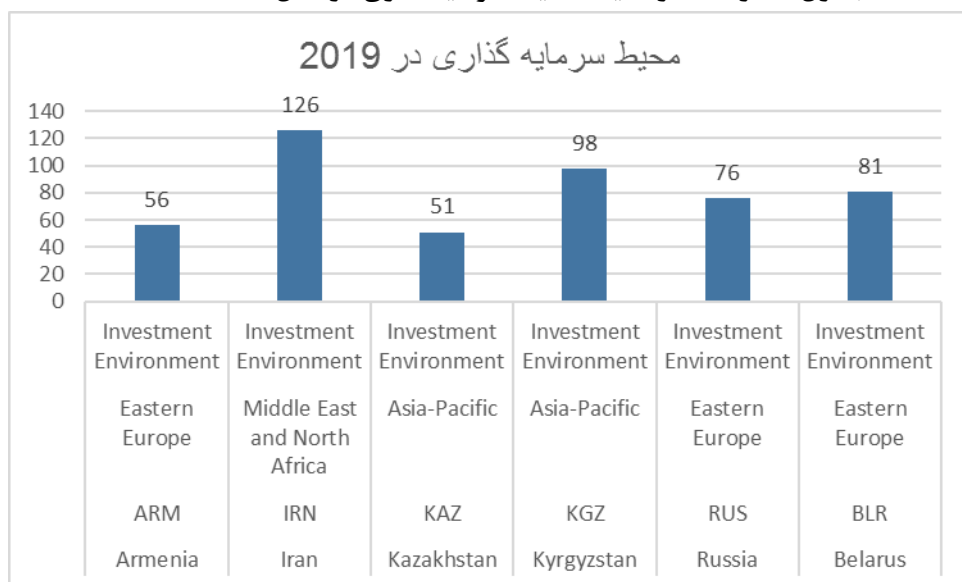
جدول شماره (۲) کیفیت اقتصاد کشورهای عضو و جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۲) کیفیت اقتصاد در سال ۲۰۱۹

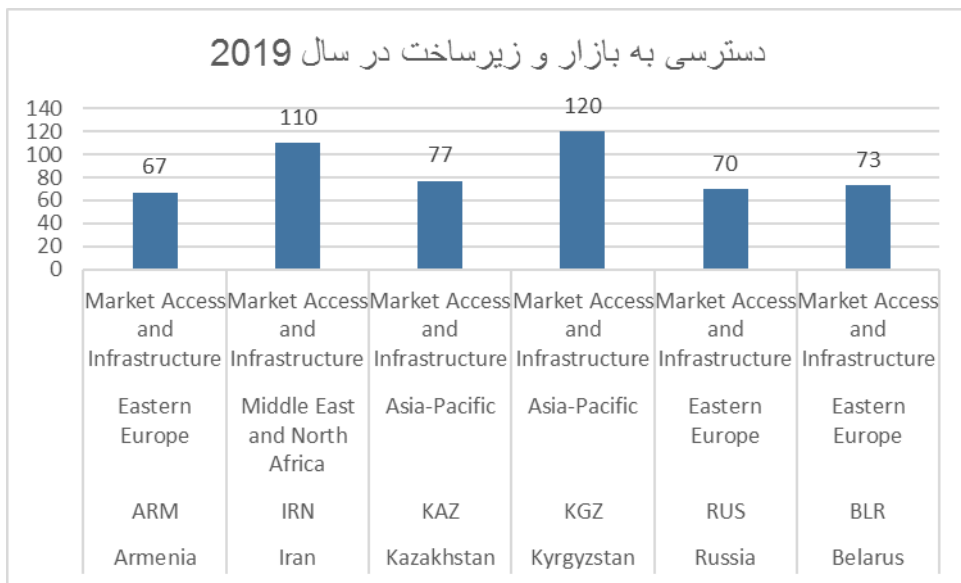


جدول شماره (۲) نشان می‌دهد که فاصله‌ی کشورهای عضو در کیفیت اقتصاد نسبتاً قابل توجه است. اگرچه هیچیک از اعضا از این منظر جزوو ۴۰ اقتصاد برتر جهان هم نیستند اما رتبه ۴۳ برای روسیه و ۵۳ برای قزاقستان در مقایسه با سایر اعضا نشان می‌دهد که این دو کشور حداقل از منظر تئوریک می‌توانند در صورت تحقق سایر شرایط، به عنوان موتور محرک اتحادیه عمل کنند؛ اما همانگونه که در نظریه همگرایی دویچ اشاره شد، وجود چند اقتصاد قدرتمند به عنوان موتور محرک همگرایی اگرچه ضروری است اما کافی نیست. از طرف دیگر اگرچه روسیه و قزاقستان در مقایسه با سایر اعضا وضعیت بهتری دارند اما در کل اقتصادهای برجسته و قدرتمندی در سطح جهان محسوب نمی‌شوند؛ به ویژه اینکه هر دو کشور، کیفیت اقتصادی خود را بیشتر مدیون تولید و فروش سوخت‌های فسیلی هستند تا تولید کالاهای با تکنولوژی بالا و یا خدمات. وضعیت جمهوری اسلامی در این شاخص نیز بسیار فاصله‌ی قابل توجهی با میانگین اعضا داشته و از روسیه تقریباً ۶۰ پله فاصله دارد. جداول شماره (۳) و (۴) به ترتیب وضعیت محیط سرمایه‌گذاری و وضعیت دسترسی به بازار و زیرساخت‌ها در سال ۲۰۱۹ برای کشورهای عضو و جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد.

جدول شماره (۳): وضعیت محیط سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۱۹



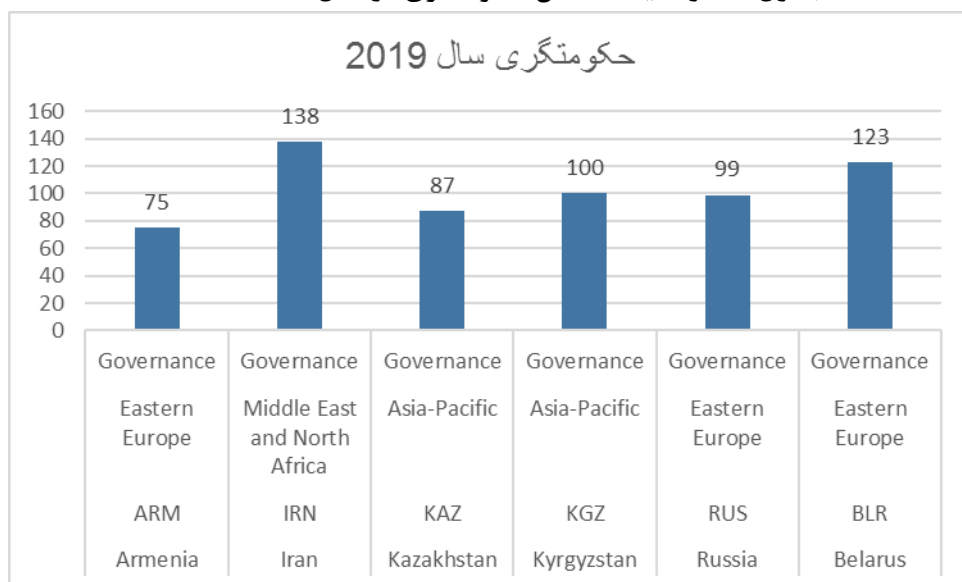
جدول (۴): دسترسی به بازار و زیرساختها در سال ۲۰۱۹



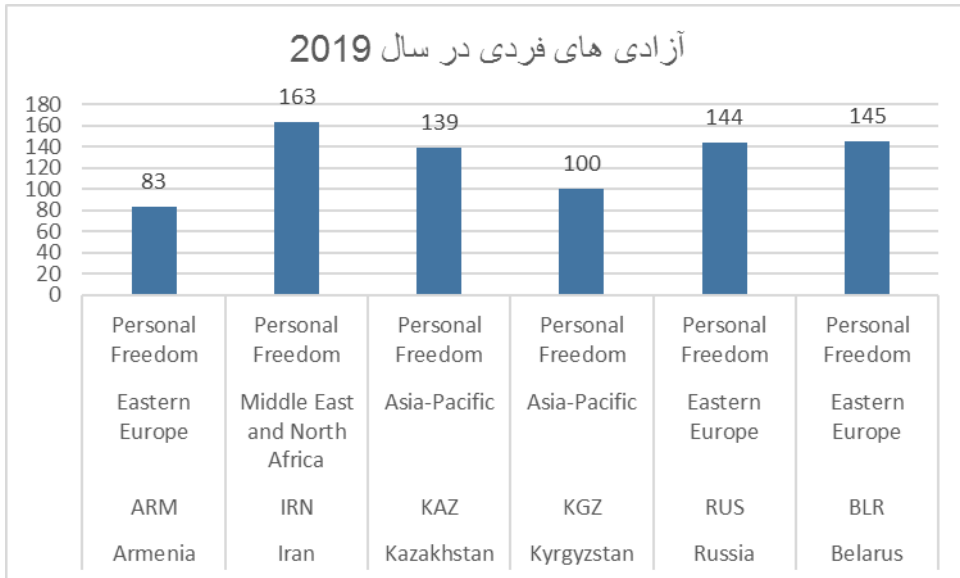
آمار جداول (۳) و (۴) و مقایسه آنها با یکدیگر نشان می‌دهد تمامی کشورهای عضو از وضعیت نسبتاً مشابهی در این دو شاخص کلان دارند و از این حیث جزو کشورهای میانه‌ی رتبه‌بندی جهانی قرار می‌گیرند. در مقایسه با جداول آتی مشخص می‌شود که نسبت معناداری میان شاخص حکومتداری و آزادی‌های مدنی و وضعیت سرمایه‌گذاری و دسترسی بازاری در این کشورها وجود دارد. همچنین جمهوری اسلامی ایران فاصله معناداری با سایر کشورهای عضو اتحادیه در این دو شاخص داراست. اما نکته قابل توجه در این است که علیرغم اینکه ایران در شاخص دسترسی به بازار و زیرساخت از

قرقیزستان وضعیت بهتری دارد اما احتمالاً به دلایل عمدتاً سیاسی، قرقیزستان محیط سرمایه‌گذاری بهتری نسبت به ایران داراست. جداول (۵) و (۶) به ترتیب وضعیت حکومتگری و آزادی‌های فردی در سال ۲۰۱۹ را نشان می‌دهد.

جدول (۵): وضعیت شاخص حکومتگری در سال ۲۰۱۹



جدول (۶): وضعیت آزادی‌های فردی در سال ۲۰۱۹



وضعیت اتحادیه اوراسیا در شاخص‌های حکومتگری و به ویژه آزادی‌های فردی به مراتب از وضعیت شاخص‌های اقتصادی نامطلوب‌تر است. شاخص حکومتگری که از مجموع شاخص‌های میزان محدودیت دستگاه اجرایی، کارآمدی حکومت، صداقت حکومت، پاسخگویی سیاسی، کیفیت مقررات، و حکومت قانون محاسبه می‌شود در مورد کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا نشان می‌دهد که کمابیش آنها از میانگین جهانی وضعیت بدتری دارند و تقریباً تمامی آنها در شاخص برنامه پولیتی ۴ جزو جوامع غیردموکراتیک محسوب می‌شوند. وضعیت آزادی‌های فردی که از تجمیع شاخص‌های عدم وجود تبعیض قانونی، عاملیت فردی، آزادی اجتماعات و تشکیلات، آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات، و تحمل اجتماعی به دست می‌آید به مراتب از وضعیت

حکومتگری نیز نامطلوب‌تر است. به جز ارمنستان باقی کشورها در صد کشور اول فهرست حضور ندارند و این امر اعضای اتحادیه را در زمره‌ی نظام‌های سیاسی بسته و سرکوبگر آزادی‌های فردی دسته‌بندی می‌کند. در این میان همچنان جمهوری اسلامی ایران از سایر اعضای اتحادیه با فاصله در وضعیت نامطلوب‌تری به سر می‌برد.

مطالعه‌ی شاخص‌های کلان اقتصادی و سیاسی کشورهای عضو اتحادیه و جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که: ۱. هیچکدام از کشورهای عضو اتحادیه از اقتصادهای برتر و پیشروی جهان محسوب نمی‌شوند. اگرچه وضعیت روسیه و قزاقستان با تکیه بر منابع نفت و گاز به نسبت سایرین مطلوب‌تر است اما آنها نیز حائز رشد اقتصادی برتر در حدی که توان پذیرش بار ناتوانی سایر اعضا در یک فرایند همگرایی را داشته باشند نیستند. ۲. وضعیت کشورهای عضو در شاخص‌های سیاسی و آزادی‌های فردی به شکلی کمابیش مشابه، بسیار نامطلوب است. تقریباً تمامی کشورهای عضو اتحادیه دولت‌های غیردموکراتیک و سرکوبگر آزادی‌های فردی محسوب می‌شوند. در مهمترین این کشورها یعنی روسیه، بلاروس و قزاقستان نزدیک به دو دهه است که رهبری سیاسی ثابت مانده و عملاً چرخش نخبگان به عنوان یکی از شروط اصلی همگرایی وجود نداشته است. به عبارت دیگر اعضای اتحادیه دولت‌هایی از نظر سیاسی بسته هستند که با دیکتاتوری‌های فردی اداره می‌شوند و این آینده‌ی ثبات سیاسی در این کشورها را با ابهام همراه کرده است. ۳. اعضای اتحادیه به واسطه‌ی اینکه برای دهه‌ها بخشی از یک نظم اداری و سیاسی ذیل اتحاد جماهیر شوروی بوده‌اند در برخی از مولفه‌ها، از

جمله سبک زندگی، زبان، ساختارهای اداری انطباق پذیر و مواردی از این دست مشابهت‌هایی را دارا هستند. اما استقلال و موجودیت سیاسی هر یک حاصل یک فرایند واگرایانه‌ی و اجتناب‌ناپذیر سیاسی در پی فروپاشی بلوک شرق بوده است. پس ظرفیت‌هایی که در مشابهت الگوهای موجود مشهود است بیش از آنکه امکانی برای نیل به همگرایی‌های آتی ارزیابی شود، میراثی از واگرایی‌های پیشین است. چه بسا این ظرفیت‌ها در اواسط دهه ۹۰ قرن بیستم به مراتب بیشتر از انتهای دهه دوم قرن بیست و یکم قابل ارزیابی باشد و احتمالاً علیرغم سخت‌جانی روسیه در حفظ این ظرفیت‌ها روند تحولات در صورت تداوم وضع موجود به واگرایی بیشتر میل می‌کند. ۴. جمهوری اسلامی ایران فاقد ظرفیت‌های لازم برای درگیر شدن در هرگونه فرایند همگرایانه با اتحادیه اوراسیا می‌باشد. اگر چه در تمامی شاخص‌هایی که مورد ارزیابی قرار گرفت، جمهوری اسلامی وضعیت مشابه و البته نامطلوب‌تر از سایر اعضای اتحادیه دار می‌باشد، اما نه تنها در ارزش‌های کلان و سبک زندگی و ظرفیت‌های اداری با این کشورها مشابهتی ندارد بلکه مزیت و اهداف مشترکی نیز در این همگرایی برایش متصور نیست.

همزمانی تغییر رویکرد؛ روسیه اوراسیاگرایی و ایران نگاه به شرق

به اعتقاد برخی پژوهشگران، با آغاز دوره ریاست جمهوری پوتین در سال ۲۰۰۰، گفتمان هویتی اوراسیاگرایی نیز مقام تعیین‌کنندگی سیاست داخلی و خارجی روسیه را به دست آورد. از جمله نخستین اقدام‌های پوتین، تاکید بر هویت اوراسیایی روسیه بود. در همین ارتباط، او در سفر به برونی برای شرکت در نشست سران اپک در سال ۲۰۰۰ تاکید کرد: «روسیه همیشه خود

را یک کشور اوراسیایی ملاحظه کرده است؛ ما هرگز فراموش نکرده‌ایم که بخش بزرگتری از خاک روسیه در آسیا قرار دارد، اما صراحتاً می‌گوییم که هیچوقت از این مزیت استفاده نکرده‌ایم.» طرح تاسیس اتحادیه اوراسیایی که در اکتبر ۲۰۱۱ از سوی پوتین ارائه شد، به خوبی جابه‌جایی‌های درون‌گفتمانی اوراسیاگرایانه را در انگاره ذهنی وی نشان می‌دهد. واکنش سخت روسیه به حوادث اوکراین در سال ۲۰۱۴ نیز به جدیت روسیه در پیاده‌سازی طرح اتحادیه اوراسیایی نسبت داده می‌شود (صوراناری، ۱۳۹۷). بحران اوکراین نمونه جدی تقابل روسیه با غرب است که ارتعاشات آن در فضای دیپلماتیک بین‌المللی همچنان ادامه دارد. غرب به تحریم اقتصادی روسیه برای پایان دادن به حمایت‌های این کشور از شورشیان اوکراین شرقی روی آورده است. اکنون آمریکا و اروپا دور سوم تحریم‌هایشان را آغاز کرده‌اند. تحریم‌هایی که شخصیت‌های بالای نزدیک به دولت، بانک‌های بزرگ، شرکت‌های انرژی و مراکز دفاعی روسیه را هدف قرار می‌دهد (کشاورز ترک و ادیب مهر، ۱۳۹۸).

پوتین در سیاست خارجی خود تلاش می‌کند تا مفهوم چندجانبه‌گرایی را به جای چند قطبی در ادبیات راهبردی بین‌المللی تقویت کند؛ زیرا در فضای چندجانبه‌گرا فرصت برای نقش‌آفرینی روسیه بیش از گذشته فراهم می‌شود. افزایش نقش روسیه در روند حل مسایل بین‌المللی و تغییر جهت‌گیری سیاست خارجی روسیه از غرب به شرق از اولویت‌های جدید پوتین در سیاست خارجی روسیه بوده است (صادقی، ۱۳۹۷). روشن‌ترین نمود اوراسیاگرایی را در سیاست کرملین در منطقه پیرامونی و در قلمرو شوروی

سابق می توان یافت. روسیه به رغم محتوای رفیع اصول دکترینی و نظری، یک وجه مشترک را در رویکردهای سیاست خارجی خود دنبال می کند و آن عبارت است از افزایش نفوذ بین المللی خود. در این رویکرد، آنچه برای کرملین بیشترین اهمیت را دارد، در اختیار داشتن نظارت بر منطقه کشورهای مستقل مشترک المنافع و برون نگه داشتن غرب به ویژه ناتو از این منطقه است. حفظ و بسط قدرت کرملین در قلمرو شوروی سابق، مستلزم وجود ترتیبات منطقه ای تحت رهبری روسیه است. به همین انگیزه در هزاره جدید و در زمان حاکمیت اوراسیاگرایان در روسیه نیز، تلاش برای همگرایی در قلمرو شوروی سابق تداوم یافت. متحد شدن سرزمین های گمرکی، به کار گرفته شدن سازوکارهای تنظیم اقتصادی مبتنی بر اصول مشترک، تضمین انتقال کالا، خدمات، سرمایه و نیروی کار از برنامه های ایجاد این فضا بوده است (رستمی، ۱۳۹۵). از دیدگاه تئوریسین اوراسیایی گرایان یعنی دورگین، ایران به عنوان یک قدرت قاره ای پدیدار شده که می تواند با تفاوت بسیار بیشتری از دیگر کشورهای مسلمان به طور کامل دنباله رو سنت قاره ای روسیه باشد و اتحاد با ایران به مثابه یک نیروی تقویت کننده اصلی برای آینده است (کوچک زاده و گودرزی، ۱۳۹۸).

در این شرایط، ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای تاثیرگذار جایگاه خاصی را در دکترین اوراسیاگرایی پوتین بدست آورده است. این مساله در کنار خاستگاه های مختلف دو کشور در گفتمان قدرت نظام بین الملل، تحت تاثیر اشتراکات آن در قبال قطب بندی قدرت در جهان است که مخرج مشترک آن ها مخالفت با نظام تک قطبی و تک محوری است. از سوی دیگر روسیه به خوبی آگاه است که توان مقابله با تنش های تهاجمی غرب به ویژه آمریکا

برای گسترش حضور و نفوذ در حوزه های جغرافیایی مختلف از جمله در مجاورت مرزهای خود را ندارد. در این چارچوب روسیه با درک پتانسیل ایران برای مهار نفوذ منطقه‌ای آمریکا در منطقه، ایران را کشوری می‌داند که توسعه روابط با آن می‌تواند منافع گوناگونی برایش داشته باشد (محمدی و جاودانی مقدم، ۱۳۹۸). بنابراین دیدگاه روسیه نسبت به همکاری با ایران با این نهادها در مجموع قابل توجه و سمت و سوی مثبتی دارد؛ هرچند که با توجه به منطق قدرت و سیاست عملگرایانه روسی با قاطعیت نمی‌توان گفت که روسیه، مصرانه در پیوستن ایران به این نهادها تلاش می‌کند با این وجود، دیدگاه روسی نسبت به حضور ایران در نظم سازی و نهادسازی‌های روسیه در اوراسیا و شرق آسیا تحت تاثیر دکترین اوراسیاگرایی پوتین و تحولات خاورمیانه پس از بهار عربی، نسبت به گذشته بهبود یافته و مخالفت‌های غیررسمی و غیرعلنی روسیه برای عضویت ایران در این نهادها تغییر ملموسی داشته است (کولایی و سلطانی نژاد، ۱۳۹۵).

اوراسیاگرایی در روسیه با راهبرد نگاه به شرق در ایران همزمان و مکمل شده است. برخی معتقدند که مقصود از راهبرد نگاه به شرق این است که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک بازیگر قدرتمند و مطرح آسیایی و صاحب یکی از قدرتمندترین تمدن‌های مشرق زمین، به واسطه قرابت تمدنی، فرهنگی و هویتی با دیگر بازیگران این حوزه می‌تواند ضمن طراحی راهبردی دقیق و جامع، خود را در جریان پرشتاب توسعه اقتصادی و رشد صنعتی آسیا پیوند زده و از رهگذر تعمیق همکاری با کشورهای قدرتمند شرقی از امکانات سرمایه‌ای، صنعتی و تکنولوژیک آنها در راستای تامین منافع کشور بهره گیری نماید (صیادی و سنایی، ۱۳۹۶). یکی از مهم‌ترین تلاش‌های ایران برای

تعامل با منطقه و همکاری با دولتها، سیاست منطقه گرایی و استفاده از دیپلماسی چندجانبه و سازوکارهای نهادی بوده است و این موضوع را بسیاری از تحلیلگرایان منطقه به عنوان شاخص ترین سیاست ایران ذکر کرده اند. اما اقدامات و ابتکارات ایران فراتر از این تلاش های کارگزاری بود و شاهد ارائه طرح هایی ساختاری چون سازمان کشورهای ساحلی خزر و گسترش اکو هم بوده ایم. برای این منظور، پس از فروپاشی شوروی نخستین نشست رهبران کشورهای عضو اکو در تهران برگزار شد (کریمی، ۱۳۹۷).

به عبارت دیگر، استراتژی نگاه به شرق، که مشخصا از سال ۱۳۸۴ و با شروع ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد به یکی از مهمترین جهت گیری های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بدل شده است و در دولت حسن روحانی نیز به دلیل خروج یکجانبه آمریکا از برجام، تداوم یافته است، با تغییر رویکرد کرملین به سوی اوراسیاگرایی همزمان و همراه شده و ظرفیت های نزدیک شدن طرفین به یکدیگر را افزایش داده است. روشن است که «شرق» در اینجا موجودیتی است نوظهور که در وضعیت جدید در حال تکوین است. شرق سیاسی در ادبیات روابط بین الملل، دال بر بلوک شرق با نظم سیاسی کمونیستی است که اکنون دیگر وجود خارجی ندارد. شرق فرهنگی و اقتصادی نیز فاقد اعتبار معنایی است و به عبارت دیگر نگاه به شرق همان نگاه دست دوم به غرب است؛ اما می توان انتظار داشت که رویکرد جدید روسیه چه بسا در همراهی با چین بتواند شرق سیاسی جدیدی را با

ویژگی های خاص خود خلق نماید. از این منظر شرق می تواند مجموعه کشورهایی را شامل گردد که از یک سو با الگوی دولت های دموکراتیک لیبرال

در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی انطباق‌پذیر نیستند و از سوی دیگر انگیزه و اراده کافی برای پیوستن به یک ائتلاف سیاسی و امنیتی در مقابله با مجموعه دولت‌های دموکراتیک لیبرال را دارا می‌باشند. در تعبیر کیس وندریپجل دو اردوگاه دولت-جوامع لاکه در مقابل دولت-جوامع هابزی از میانه قرن نوزدهم در مقابل یکدیگر صف آرایی کرده‌اند و حاصل این مقابله هضم تدریجی دولت‌جوامع هابزی در درون دولت-جوامع لاکه بوده است. شرق جدید، به نوعی بازسازی اردوگاه دولت-جوامع هابزی در مرحله‌ای جدید از این رویارویی محسوب می‌شود.

آشکار است که ساختار نظام بین‌الملل، پس از فروپاشی بلوک شرق، دیگر واجد یک نظم دوقطبی منعطف نبوده و در حال گذار به نظمی جدید است. این نظم همچنان در حال شکل‌گیری است و کارگزاران ملی در مرحله تکوین این ساختار در تلاشند تا آنرا متناسب با منافع درازمدت خود و سهمی که از قدرت بین‌المللی برای خود متصور هستند سامان دهند. چه بسا مطلوب ایالات متحده نظمی تک قطبی و سلسله مراتبی با محوریت آمریکا است و نظم مطلوب متحدان اروپایی و رقبای جهانی‌اش مانند چین و روسیه، نظمی چند قطبی است که در آن موقعیتی برتر برای ایالات متحده آمریکا مفروض و مشروع نباشد. اما شواهد حاکی است نه متحدان اروپایی و نه چین و روسیه در پی بازسازی نظم دوقطبی نیستند. اقتصاد جهانی چنان تار و پود اقتصادهای ملی در اقصی نقاط جهان را به یکدیگر بافته است که دیگر رهایی

از آن ناممکن به نظر می‌رسد و یا حداقل ابزارهای آن از کنترل سیاسی دولت‌ها خارج شده است. تصویری که چین از آینده‌ی خود به عنوان یک

ابرقدرت ترسیم کرده است بدون ادغام اقتصادی در غرب نقشی بر آب خواهد بود و تداوم رشد اقتصادهای سرمایه‌داری در کشورهای اروپایی و آمریکا نیز بدون بازار کار ارزان و دسترسی‌های مطلوب به سرمایه‌گذاری در چین با اختلال مواجه خواهد شد. از طرف دیگر بسیار بعید است که قدرتهای اروپایی دیگر تمایلی به حضور در یک بلوک سیاسی اقتصادی با محوریت هژمونیک آمریکا در مقابل بلوکی با اتحاد چین و روسیه داشته باشند و در این میان آمریکا نیز نه انگیزه و نه ظرفیت لازم برای پذیرش چنین مسئولیتی را داراست. اما جمهوری اسلامی با تحمیل تمایلات ذهنی رهبران خود بر واقعیت، بر تجدید حیات نظامی دوقطبی بین شرق و غرب اصرار می‌ورزد و با اتخاذ رویکردی استراتژیک تحت عنوان «نگاه به شرق»، تلاش دارد محدودیت خودساخته در تعامل با غرب را از طریق سیاست جایگزینی آمریکا و اروپا با چین و روسیه جبران نماید. به عبارت دیگر آنچه از نگاه ایران یک رویکرد استراتژیک در تجدید حیات یک نظم دوقطبی در نظر گرفته شده است از نگاه روسیه و چین صرفاً یک تاکتیک مقطعی برای مهار و کنترل آمریکا و البته به هزینه ایران در شکل دادن به یک نظم چند قطبی یا چندجانبه است.

مزیت های عضویت ج.ا. ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا

۱- کم کردن آسیب پذیری از تحریم ها

جمهوری اسلامی ایران طی چند دهه گذشته آماج تحریم های گسترده سازمان های بین المللی و قدرت های بزرگ غرب قرار گرفته است و دیپلماسی اقتصادی روشی است که ایران می تواند از آن به عنوان راهبردی برای شکست و یا کاهش اثرات تحریم استفاده کند. برخی معتقدند ایران با به کارگیری دیپلماسی اقتصادی قدرتمند می تواند از طریق کشورهای منطقه و آسیا وارد مبادلات تجاری سودمند شود که اثر تحریم های اقتصادی آمریکا و اروپا کاهش داده شود (ارغوانی و غلامی، ۱۳۹۷). با توجه به وضعیت ویژه ای که جمهوری اسلامی از بدو حیات خود با آن روبرو بوده و تحریم های مختلف اقتصادی که در این دوره تحمیل شده است، تمهیدات مختلفی برای مدیریت این وضعیت اتخاذ گردیده است. با توجه به افزایش چشمگیر صادرات و واردات در اقتصاد جهانی، توجه به موافقتنامه های تجارت ترجیحی در سطح جهان گسترش یافته است. نقش این موافقتنامه های تجارت ترجیحی را تکمیل سیستم تجارت چندجانبه یا حتی جایگزینی در عرصه بین الملل در نظر می گیرند (ادیبی و حبیب زاده، ۱۳۹۸). برخی کارشناسان معتقدند با توجه به تنوع بازار و منابع موجود در کشورهای عضو این اتحادیه، پیوستن ایران یک فرصت قابل توجه برای اقتصاد داخلی فراهم می کند که می توان از این طریق بخشی از اثر تحریم ها را جبران کرد. مهمترین مزیت اقتصادی احتمالی برای ایران تخفیف های تعرفه ای برای صادرکنندگان ایرانی به کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا است. تعرفه های ترجیحی به دلیل تفاوت

در میزان حقوق گمرکی و عوارض ورودی نسبت به واردات کالای مشابه با تعرفه یکسان امتیازی برای کشور صادر کننده کالا محسوب شده و می‌تواند در عین حال به توسعه صادرات و شکوفایی اقتصاد منجر شود. (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۸).

اما در عمل واردات و صادرات اتحادیه اوراسیا چه سطحی از کمبودهای ناشی از تحریم‌ها را پوشش می‌دهد و چه درصدی از کل تجارت ایران را شامل می‌شود؟ سخنگوی گمرک جمهوری اسلامی ایران در بهمن ۱۳۹۸ اعلام کرد که حجم صادرات به اتحادیه اوراسیا طی ۹ ماه گذشته ضمن رشد قابل توجه ۲۴ درصدی به میزان ۲۷۰ میلیون دلار، از نظر وزن ۲,۴۳ و از نظر ارزش ۲,۴۶ از کل صادرات غیرنفتی ایران را شامل شده است. در مدت مشابه واردات ایران از این اتحادیه که بیش از ۹۰ درصد آن واردات ترجیحی بوده‌اند به رقمی نزدیک به ۴۵۰ میلیون دلار رسیده است (دنیای اقتصاد؛ ۱۳۹۸/۱۱/۵). با توجه به تراز تجاری منفی ایران می‌توان تخمین زد که میانگین مجموع واردات و صادرات ایران با این اتحادیه رقمی زیر ۲ درصد از کل تجارت ایران بوده است.

تجارت میان ایران و اتحادیه فارغ از اینکه حجم اندکی از کل تجارت ایران را شامل می‌شود اما از منظر تخفیفات تعرفه‌ای برای ایران دارای مزیت است. با مقایسه آمار تجارت از آبان تا انتهای اسفند ۱۳۹۸ با مدت مشابه سال قبل بیانگر رشد صادرات ایران به اوراسیا در کل ارقام فهرست اعطایی اوراسیا (اعم از تخفیفات و عدم تخفیفات تعرفه) و رشد ۸۵,۶ درصدی در صادرات ایران به کشورهای عضو اتحادیه در ارقام مشمول تخفیف تعرفه می‌باشد.

واردات ایران از اتحادیه اقتصادی اوراسیا	مشمول تخفیف تعرفه ای
یک میلیارد و ۴۷۳ میلیون دلار	۱۷۶ میلیون دلار معادل ۱۱ درصد کل واردات ایران

صادرات ایران از اتحادیه اقتصادی اوراسیا	مشمول تخفیف تعرفه ای
۵۷۲ میلیون دلار	۳۱۹ میلیون دلار معادل ۵۵ درصد کل صادرات ایران

منبع: بولتن خبری اتحادیه اقتصادی اوراسیا

اما روشن است که محتوای این تجارت اگرچه متناسب با برخی نیاز به اقلام مصرفی در کشور است به دلایلی اما در عمل چندان هم به حل مشکلات ناشی از تحریم کمک نمی‌کند. نخست اینکه عمده‌ی واردات ایران از این کشورها را مواد خام و محصولات کشاورزی و کالاهایی با سطح تکنولوژی پایین را شامل می‌شود که در صورت نبود تحریم‌ها، چه بسا کشورهای اتحادیه برای صادرات این کالاها به ایران در رقابت با تولیدکنندگان در سطح جهان فاقد مزیت بودند. بیشترین سهم واردات غیر نفتی ایران از اتحادیه را بذر جو، ذرت دامی، روغن خام دانه آفتاب‌گردان، چوب، گوشت و عدس بوده است. متقابلاً عمده‌ی صادرات ایران به اتحادیه محصولات باغی هستند که در صورت نبود تحریم‌ها و سرمایه‌گذاری در بسته‌بندی و بازاریابی می‌توانستند در بازارهای جهانی عرضه شوند. تقریباً به جز فرش که رقم ناچیزی از کل صادرات را در بر می‌گیرد تمامی صادرات ایران به اتحادیه را میوه و سبزیجات

شامل می‌شوند. نکته دیگر اینکه این اقلام درصد ناچیزی از صنایع تولیدی داخل کشور را متأثر کرده و تبعاً تأثیری بر معضلاتی که تحریم‌ها برای مهمترین بخش اقتصاد ایران بوجود آورده‌اند نخواهد داشت. یک اقتصاد در حال توسعه، نیازمند ورود سرمایه و تکنولوژی برای فعال‌سازی صنایع و خدمات در داخل به هدف تولید برای رقابت در عرصه بازارهای جهانی است. این مهمترین محدودیتی است که در پی تحریم‌ها ایجاد شده و منفی‌ترین آثار را بر روی بازار کار داشته است. اما تجارت میان ایران و اتحادیه هیچ جایگزینی برای این محدودیت ارائه نمی‌کند. کشورهای اتحادیه عمدتاً اقتصادهایی کمابیش هم‌تراز با ایران هستند و محتوای مبادلات میان آنها نیز تأثیری بر رفع مشکلات صنایع تولیدی و بازار کار ایران ندارد. به عبارت دیگر افزایش سطح تجارت میان ایران و اتحادیه، تنها عده‌ی معدودی از جامعه‌ی اقتصادی ایران به‌ویژه آنهایی که به نوعی از رانتهای انحصاری واردات و صادرات بهره‌مند هستند را منتفع می‌کند نه عموم ایرانیان جویای شغل و رفاه را که از تحریم‌ها بیشترین آسیب را دیده‌اند.

۲- متوازن سازی جغرافیایی سیاست خارجی و رفع آسیب تمرکز بر خاورمیانه

تمرکز سنتی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر منطقه خاورمیانه در طول این سال‌ها باعث شده که از فرصت‌ها و مزیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مناطق دیگر غفلت شده و ایران پیوسته درگیر چالش‌های ایجاد شده در حوزه خاورمیانه باشد. عضویت ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا با توجه به پیوندهای تاریخی، فرهنگی و تمدنی با این منطقه می‌تواند در متوازن سازی جغرافیایی سیاست خارجی اثرگذار باشد. گفتمان انقلاب اسلامی با دال

مرکزی اسلام، از همان ابتدا زمینه‌ی سیاست خارجی ایران را در فضای خاورمیانه‌ی اسلامی تعریف کرد و جنگ ایران و عراق بر تثبیت این جغرافیای ذهنی تاثیر بسیار داشت. از سوی دیگر نزدیک به یک و نیم دهه از آغازین سال‌های حیات جمهوری اسلامی، اوراسیا تحت حاکمیت اتحاد جماهیر شوروی اداره می‌شد و تبعاً سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این موضوع بیش از آنکه متوجه ظرفیت‌های همکاری با مناطق پیرامونی باشد درگیر مواجهه با امپراتوری کمونیسم بود. پس از فروپاشی بلوک شرق نیز از آنجا که میخ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر خاورمیانه‌ی عربی کوبیده شده بود، توجه شایسته‌ای به فرصت‌های موجود در آسیای میانه‌ی در حال شکل‌گیری صورت نگرفت.

واقعیت حوزه ژئوپلیتیک ایران بیانگر آن است که پنج حلقه ژئوپلیتیکی در حوزه امنیت ملی ایران قرار دارد. این پنج حوزه عبارتند از کشورهای حوزه خلیج فارس، کشورهای غرب ایران (عراق، ترکیه، سوریه و اردن، کشورهای قفقاز، آسیای مرکزی و حوزه شرق (افغانستان، پاکستان و هند). هر یک از این حوزه‌ها در مسائل مختلف نشانه‌هایی از واگرایی و همگرایی را در دل خود جای داده است. به همین دلیل این امکان وجود دارد که زمینه‌های قدرت‌سازی از طریق ائتلاف و همبستگی با واحدهای هر حوزه شکل بگیرد. این ائتلاف‌ها و همبستگی‌ها صرفاً از طریق ائتلاف نظامی و امنیتی به دست نمی‌آید. در این زمینه همکاری اکو و عضویت ناظر در سارک می‌تواند ظرفیت نومنطقه‌گرایی ایران را افزایش دهد. افزون بر این، عضویت ناظر جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای و گسترش همکاری با آسه آن، مانند امضای مودت و همکاری‌های منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند و عضویت

در برنامه کریدور تراسیکا به عنوان مسیری که کمترین هزینه و زمان را برای اتصال جمهوری‌های آسیای مرکزی به بازارهای جهانی و بنادر اروپا دارد در زمره ابتکارات چندجانبه منطقه‌ای کشور به شمار می رود (دهشیری، ۱۳۹۷). سیاست تنوع بخشی و ارتباط گیری با بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شرایطی جدید و فرصتی مطلوب را در اختیار ایران قرار می‌دهد.

۳- تقویت نقش ایران در ترانزیت منطقه، کریدور شمال_جنوب در سال ۲۰۰۰ دولتهای روسیه، ایران و هند در سن پترزبورگ برای تاسیس کریدور حمل و نقل شمال_جنوب به منظور تامین مسیر کوتاه‌تر و مناسب‌تر از مسیر دریایی به توافق رسیدند و در این راه کشورهای ترکیه، آذربایجان، ازبکستان، قرقیزستان، قزاقستان، تاجیکستان، اوکراین و بلاروس برای همکاری با سه کشور نخست برای تقویت کریدور اعلام آمادگی کردند (ویسی، ۱۳۹۶). این کریدور سریع‌ترین راه ارتباطی میان غرب اروپا و آسیای شرقی است که جایگزین راه‌های طولانی گذشته خواهد شد. برآوردهای اخیر نشان می‌دهد که ارسال کالا و تولیدات دو کشور ایران و هند به اروپا توسط این کریدور سه برابر سریع‌تر و آسان‌تر از زمان گذشته امکان پذیر خواهد شد و این مسیر تجاری هزینه‌های حمل و نقل را تا ۲۰ درصد و حتی بالاتر برای ایران، روسیه و هند کاهش خواهد داد (شفایی و اسکندری، ۱۳۹۵). از طرفی کشورهای آسیای مرکزی در چارچوب سیاست تنوع بخشی به بازارهای آزاد تمایل دارند روابط خود را با قدرت‌های منطقه گسترش دهند. با توجه به این موضوع که کشورهای آسیای مرکزی بیشتر تک محصولی در صادرات می‌باشند میزان وابستگی به به درآمد این صادرات، جایگاه حمل و نقل و انتقال

در اقتصادشان بسیار با اهمیت است. از این رو ایران برای این کشورها اهمیت دارد تا بتوانند وابستگی خود را به مسیرهای حمل و نقل سنتی کاهش دهند (Ahmadipour&Others,2012: 80). برای فهم بهتر موقعیت حمل و نقلی ایران خوب است که به گفته نظربایف در کتاب راه قزاقستان اشاره شود که گفته است: راه‌های ایران یکی از مهم‌ترین راه‌های حمل و نقل کالا از قزاقستان به بازارهای جهانی و پنجره‌ای رو به دنیا است (Vosoghi&Safari,2017: 478).

البته این مهم مستلزم سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب در جهت ایجاد و تقویت شبکه حمل و نقل از شمال به جنوب و توسعه‌ی بنادر به هدف متصل کردن دریای خزر به خلیج فارس است. اگر کریدور شمال به جنوب متناسب با ظرفیت‌های مورد نیاز تحقق یابد با توجه به حجم تجارت کشورهای هند، چین، پاکستان و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با کشورهای اروپایی، اوراسیایی و افغانستان، حق ترانزیت ایران رقمی بسیار قابل توجه خواهد بود. بر اساس آمار حجم مبادلات این کشورها، در مجموع مقدار کل تبادلات تجاری آنها با یکدیگر در سال ۲۰۱۷ به میزان ۷۶,۵ میلیون تن بوده است. از آنجا که هر تن ترانزیت بار حدود ۷۵ دلار درآمد مستقیم برای ایران همراه خواهد داشت، در صورت اتصال خط ریلی قزوین-آستارا و تکمیل کریدور شمال-جنوب، ظرفیت کسب درآمد تقریباً ۵,۷ میلیارد دلاری در سال برای ایران بوجود خواهد آمد (مقاومتی نیوز، ۱۳۹۷/۱۱/۱۷). این رقم معادل یک دهم درآمد نفتی ایران در سال ۲۰۱۷ و یک چهارم درآمد نفتی ایران در سال ۲۰۱۹ است (خبرگزاری دانشجو، ۱۳۹۹/۴/۲۶). علاوه بر این درآمد

بسیار قابل توجه بالقوه، تبدیل شدن ایران به کریدور تجاری میان این کشورها، نه فقط متکی بر موهبت ژئوپولیتیک ایران، می‌تواند با فعال‌سازی صنایع و خدماتی که در حاشیه‌ی این نقش موقعیت رشد می‌یابند- نظیر گردشگری یا صنایع و خدمات مرتبط با حمل و نقل- بازار کار پایداری را در پدید آورده و تضمین نماید، بلکه امنیت ایران را نیز به امنیت این کشورها گره زده و هزینه‌های تولید امنیت انحصاری را برای ایران کاهش خواهد داد.

۴- توسعه صادرات غیرنفتی

اتکا به صادرات نفتی از ویژگی‌های خاص اقتصاد ایران می‌باشد و همواره نوسانات قیمت نفت سبب بی‌ثباتی درآمدهای ارزی و اقتصاد ایران می‌باشند. همین امر سبب شده که عدم وابستگی به اقتصاد تک محصولی، تنوع بخشیدن به درآمدهای ارزی از طریق افزایش صادرات غیرنفتی و افزایش سهم اقتصاد ایران در تجارت بین‌الملل مورد تاکید برنامه‌های توسعه اقتصادی قرار گیرد. توجه به صادرات غیرنفتی و اقدامات موثر در جهت بهبود نیازمند ایجاد محیط رقابتی است و این خود حضور گسترده‌تر در بازارهای جهانی به‌ویژه سازمان تجارت جهانی را ناگزیز می‌سازد (محمدزاده اصل و محمدی، ۱۳۹۱). بدون شک صادرات غیرنفتی یکی از عوامل مهم تامین ارز برای کشور و افزایش درآمد ملی است. یکی از اهداف مهم در بازارهای بین‌المللی، حفظ بازار و بهبود سهم بازار با توجه به هدف گذاری‌های مرتبط با حضور در بازارهای بین‌المللی می‌باشد. محصولات کشاورزی نخستین گروه کالایی اولویت دار است که بازارهای صادراتی از سوی سازمان توسعه تجارت مورد بررسی قرار گرفته است. در حال حاضر روسیه پیشرو خرید میوه تازه در

جهان است و عرضه کنندگان میوه ها و سبزیجات و همچنین تامین کنندگان نهاده ها و تجهیزات و ماشین الات بسیار علاقه مند و به دنبال کردن تحولات بازار در این کشور هستند. روسیه پس از ایالات متحده بزرگترین وارد کننده خالص میوه در جهان است (حقایق و همکاران، ۱۳۹۷). اقتصاد مستقل از نفت یکی از پایه های اقتصاد مقاومتی و همچنین به عنوان یکی از اهداف کلان، همواره برای دولت ها تعریف شده است. (کمالی اردکانی، ۱۳۹۵).

اجرایی شدن توافق نامه ایجاد منطقه آزاد تجاری بین ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا از آبان ۱۳۹۸، جهش بزرگی در صادرات نفتی و غیرنفتی کشور را در پی خواهد داشت، چرا که بازاری بزرگ و مطمئن برای کالاهای صادراتی ایران پس از اجرایی شدن موافقتنامه با اتحادیه برای کشور پیدا شده است. این بازار ۱۸۰ میلیون نفری بالقوه که سهم عمده آن به بزرگترین کشور اتحادیه اوراسیا یعنی روسیه با ۱۴۲ میلیون نفر جمعیت تعلق می گیرد، فضای حیاتی برای صادرات غیرنفتی ایران تامین خواهد کرد. مجموع صادرات ایران به پنج کشور این اتحادیه از زمان اجرای شدن موافقتنامه تا نیمه فروردین، ۱۳۹۹ بیش از ۴۹۶ میلیون دلار بوده که ۱۳۷ میلیون دلار آن شامل تعرفه ترجیحی شده است. در مقابل صادرات کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا به ایران در آن مدت حدود یک میلیارد و ۳۸ میلیون دلار ثبت شده است که بیش از ۷۶۷ میلیون دلار آن شامل تعرفه ترجیحی شده است. همچنین در این مدت از میان اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ایران بیشترین واردات را از روسیه با ۷۵۱ میلیون دلار و کمترین واردات را از قرقیزستان با ۴,۲ میلیون دلار داشته است. از سوی دیگر، بیشترین صادرات

ایران به اعضای اتحادیه مذکور، در مدت مذکور، به روسیه با ۲۵۴ میلیون دلار و کمترین میزان صادرات به بلاروس با ۶,۷ میلیون دلار بوده است (معاونت دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه، ۱۳۹۹).

صادرات کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا به ایران در سال ۲۰۱۹

ارمنستان	بلاروس	قزاقستان	قرقیزستان	روسیه
۵/۱ درصد	۲ درصد	۱۸/۴ درصد	۰/۹ درصد	۷۳/۶ درصد

جمع کل به دلار آمریکا: ۱,۶۲۸,۶۸۵,۲۴۱

واردات اتحادیه اقتصادی اوراسیا از ایران در سال ۲۰۱۹

ارمنستان	بلاروس	قزاقستان	قرقیزستان	روسیه
۳۹/۵ درصد	۱/۱ درصد	۹/۸ درصد	۲/۱ درصد	۴۷/۵ درصد

جمع کل به دلار آمریکا: ۸۲۳,۱۲۲,۸۹۵

یکی از ابزارهای مهم ارزیابی عملکرد موافقنامه های تجاری از جمله موافقتنامه ایران و اوراسیا رصد و تحلیل آمار می باشد. در ذیل فهرست اقلام عمده صادراتی ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۱۸ آورده شده است.

شرح تعرفه	ارزش (میلیون دلار)	وزن (کیلوگرم)
کیسه ۵۰ کیلویی پسته خندان	۱۴۴	۱۸۲۳۷۹۱۶
کیوی	۷۵	۱۱۴۱۱۳۹۷۰۷
کشمش تیزابی در کارتنهای ۱۰ کیلوگرمی	۴۴	۳۶۱۵۴۴۳۳
سیب درختی	۳۹	۸۰۵۰۱۹۷۹
خیار چنبر	۳۸	۹۶۲۳۹۵۷۸
خرما مضافتی	۳۵	۲۶۳۰۶۳۰۹
گوجه فرنگی گلخانه ای	۳۵	۵۵۴۴۹۳۶۵
خرما کلوته	۳۱	۴۰۲۷۲۸۹۵
سیمان خاکستری تیپ ۲	۲۹	۸۳۸۸۶۶۳۴۳

منبع: سازمان توسعه تجارت ایران

آمارها نشان می‌دهد که پس از موافقت تجاری ایران با اوراسیا سهم تجارت ایران با این کشورها رشد مشهودی داشته است، اما باید به این موضوع هم توجه داشت که عمده صادرات ایران را تولیدات باغی تشکیل می‌دهند که ظرفیت تولیدی محدودی دارند. تولیداتی که وابسته به زمین و منابع آبی هستند در بهترین شرایط نیز نمی‌توانند در حدی افزایش تولیدی بیابند که

جایگزینی برای درآمدهای نفتی باشند. از طرف دیگر علیرغم تخفیفات تعرفه‌ای که توسط اتحادیه در موضوع صادرات این کالاها اعمال می‌شود، شواهد نشان می‌دهد در صورت رفع موانع تحریمی و سرمایه‌گذاری مناسب در این حوزه، ایران می‌تواند از فروش و صادرات محصولات کم‌نظیر خود در بازارهای جهانی، درآمدهای بسیار بالاتری نسبت به وضع موجود کسب نماید. بنابراین زمانی می‌توان بر درآمدهای صادرات غیرنفتی ایران به اتحادیه اوراسیا امید جدی بست که هم صادرات از محدوده‌ی تولیدات باغی و کشاورزی خارج شده و کالاهای صنعتی و خدمات متنوعی را نیز شامل شود و هم در فضایی باز، مزیت رقابتی بالای این اتحادیه انگیزه برای توسعه تجارت باشد نه محدودیت‌های بیرونی بر سر راه دسترسی به سایر بازارها.

چالش‌های عضویت ج.ا. ایران

۱- اقتصادهای مشابه و نه مکمل

اتکای کشورها بر اقتصاد تک محصولی مبتنی بر منابع هیدوکربنی باعث شده است تا نه تولید به عنوان راهگشای اصلی توسعه اقتصادی تقویت شود و نه کشورهای منطقه با تکیه بر مزیت‌های نسبی خود به تجارت درون منطقه‌ای روی آورند. افزون بر این، اتکای بیش از اندازه این کشورها به درآمد نفتی سبب می‌شود از یک طرف با متغیر شدن قیمت نفت ساختارهای اقتصادی را با انبوهی از مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خاص خود که در پی وقوع سیکل‌های رکود-تورمی ایجاد می‌شود روبه‌رو کند و از طرفی دیگر وقتی کشوری به درآمدهای نفتی بیش از توسعه صادرات غیرنفتی تکیه می‌کند بر اثر تغییراتی که در موازنه پرداخت‌ها و ذخایر ارزی رخ می‌دهد

تاثیرات منفی آن بر چرخه اقتصادی خود مشاهده می‌کند. مشکل اصلی اینجاست که در این کشورها نفت درآمد است نه سرمایه. تک محصولی بودن این کشورها در کنار سیاست اقتدارگرایانه آنها این فرصت را به حاکمانشان داده تا با ثروت های هنگفتی که از راه فروش نفت و رانت اقتصادی به دست آمده، نیازهای جوامع خود را برطرف کنند و دیگر ضرورتی برای توسعه در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و در نتیجه ضرورت همکاری های منطقه ای با بهره گیری از دیپلماسی اقتصادی احساس نکنند (ارغوانی پیرسلامی و اسمعیلی، ۱۳۹۷).

توسعه اقتصادی مبتنی بر تخصصی شدن و تقسیم کار شکل می‌گیرد و این امر در شرایط جهانی شدن اقتصاد بر نوعی تخصصی شدن و تقسیم کار جهانی استوار است. اولین اقتصادهای پیچیده در طول تاریخ نیز بر نوعی تقسیم تخصصی کار استوار بوده است و انسان‌ها در این اقتصادهای پیچیده‌ی اولیه دریافتند که اگر منابع خود را بر تولید محصولی که در آن مزیت دارند متمرکز کنند می‌توانند دستاورد بیشتر و با کیفیت‌تری در مبادله با سایرینی که آنها نیز بر مزیت‌های خود متمرکزند به چنگ آورند. امروزه که این تقسیم کار در سطح جهانی روی داده است با نوعی طبقه‌بندی تولیدی مواجه هستیم. کالاهایی که نیازمند تکنولوژی پیشرفته‌تر هستند و آلودگی کمتری تولید می‌کنند و از منظر نیروی کار، بر توان نیروی انسانی کیفی متخصص استوارند در مرکز تولید می‌شوند و تولید کالاهایی با سطح تکنولوژی پایین‌تر، با آلودگی زیست محیطی بیشتر و متکی بر نیروی کار بیشتر و هزینه‌بر تر محسوب می‌شوند به پیرامونی سپرده شده است. از طرف دیگر تحرک

اجتماعی نسبتاً گشوده‌ای در میان مرکز و پیرامون ممکن شده است و جوامع می‌توانند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود جایگاه خود را در این سلسله‌مراتب تولیدی ارتقا بخشند. این تقسیم کار، به شکل‌گیری اقتصادهای مکمل منجر شده است. مزیت‌های نسبی و رقابتی باعث شده است اقتصادها بر توانمندی‌های رقابتی خود متمرکز باشند و این آنها را در رفع نیازهای تولیدی و مصرفی خود به دیگران بیش از پیش وابسته کرده است. به عبارت دیگر این تقسیم کار، بر نوعی وابستگی متقابل متکی است که در آن تفاوت بیشتر عامل پیوند و وابستگی است تا تشابه. نیازهای شما، چیزهایی هستند که خودتان در اختیار ندارید پس باید برای رفع آنها با دیگرانی مبادله کنید که آن چیزها را دارند و از سوی دیگر به چیزهایی که شما دارید نیازمندند؛ اقتصادهایی که یکدیگر را تکمیل می‌کنند ظرفیت بیشتری در همکاری دارند تا اقتصادهایی که از یکدیگر تقلید می‌کنند.

در بخش مربوط به شاخص‌های کلان نشان داده شد که کمابیش کشورهای عضو اتحادیه در عموم شاخص‌ها فاقد ظرفیت‌های برجسته بوده و اقتصادهای متوسط و زیر متوسطی محسوب می‌شوند که همکاری با آنها برای ایران ظرفیت خاصی را ایجاد نخواهد کرد. ایران به عنوان یک اقتصاد در حال توسعه نیازمند همکاری و شراکت با اقتصادهایی است که توان سرمایه‌گذاری و انتقال تکنولوژی و دانش پیشرفته را دارند تا از این رهگذر مسیر توسعه ایران هموار شود، وگرنه در همکاری با اقتصادهای هم‌تراز جز رفع مقطعی نیازهای مصرفی و روزمره دستاوردی نمی‌توان جستجو کرد.

۲- غلبه مباحث ایدئولوژیک و امنیتی بر اقتصاد در سیاست خارجی

هیچگاه اقتصاد در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران طی چهار دهه گذشته از اولویت برجسته‌ای برخوردار نبوده است. بسیاری این را ناشی از وجاهت رانتیر دولت در ایران و اتکاء به درآمدهای نفتی می‌دانند و برخی نیز غلبه‌ی نگاه‌های هنجاری به مقوله سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل در رهبران جمهوری اسلامی بر نگاه‌های واقع‌گرایانه یا همان ایدئولوژی‌گرایی را عامل چنین کم‌توجهی به اقتصاد می‌دانند. علت هر چه که باشد نتیجه آن است که اقتصاد در تحلیل رفتار خارجی جمهوری اسلامی ایران نقش چندانی نمی‌تواند داشته باشد. این در حالی است که چنانکه پیش‌تر گفته شد، منطقه‌گرایی جدید بر مبنای پیگیری مشترک منافع اقتصادی شکل گرفته و در راستای بهینه‌سازی ظرفیت‌های اقتصادهای ملی در یک اقتصاد منطقه‌ای و جهانی معنا می‌شود. غلبه‌ی رویکردهای ایدئولوژیک بر منطق اقتصادی در موضوع پیوستن به اتحادیه اوراسیا از دو منظر قابل توجه است. نخست اینکه آنچه جمهوری اسلامی ایران به درگیر شدن در چنین همکاری متمایل کرده است نه منافع اقتصادی و ظرفیت‌های توسعه‌ای، بلکه اقتضانات ایدئولوژیک یا دغدغه‌ای امنیتی بوده است. همانگونه که ضدیت با غرب دلیل رویکرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی بوده است، چه بسا همکاری با اتحادیه اوراسیا نیز نه به دلیل منافع ملحوظ در منطقه‌گرایی، بلکه مبتنی بر محدودیت‌ها و اقتضانات ایدئولوژی انقلاب اسلامی باشد. بر این اساس منطق اقتصادی تنها به عنوان سرپوشی بر حقیقت یا توجیهی بر تصمیم‌گیری‌ها قابل ارزیابی خواهد بود؛ و تبعاً حتی اگر این همکاری در تحقق اهداف

اقتصادی خود ناکام باشد نیز تداوم خواهد یافت. از منظری دیگر اگر این مفروض را بپذیریم که ایران به دلیل ضدیت ایدئولوژیک خود با آمریکا و برای موازنه‌ی آن به روسیه نزدیک شده است، آنگاه پیوستن به اتحادیه اوراسیا صرفاً تصمیمی در راستا و تابع اراده‌ی روسیه به عنوان قدرتی که این اتحادیه را در عمل رهبری می‌کند قابل ارزیابی خواهد بود. پس در مجموع می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که غلبه مسائل ایدئولوژیک بر منافع اقتصادی در سیاست خارجی می‌تواند از یک سو کارکردهای واقعی چنین همکاری را کم اهمیت و کم اثر نماید و از سوی دیگر ثبات و تداوم آنرا بنابر ملاحظات و اقتضائات ایدئولوژیک متزلزل نماید.

چالش دیگر برای این همکاری ماهیت امنیت‌محور سیاست خارجی ایران است. ماهیت امنیت‌محور سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باعث شده که تا حدی از میزان انسجام اجتماعی و سیاسی جامعه کاسته شده و اقتدار اقتصادی دولت در برخی موارد متزلزل شود به گونه‌ای که تهدیدات و تحریم‌های خارجی می‌توانند وضعیت اقتصادی درون کشور را دچار بحران و نابسامانی کند. این روند باعث می‌شود که نیروهای نظامی و امنیتی با هدف مقابله با تهدیدها، بتوانند مجوز دخالت در سیاست خارجی و حتی نقش مهمی در برنامه‌ها و طرح‌های اقتصادی برای خود قائل باشند (خلیلی، ۱۳۹۶). در چنین وضعیتی هر پدیده‌ی اقتصادی می‌تواند پدیده‌ای امنیتی تلقی شده و کارگزاران امنیت در مورد آن صاحب صلاحیت یا سهم باشند. چالش دیگر پیش روی ایران، نقش موانع و محدودیت‌های داخلی و دستیابی به اهداف آن در منطقه است. بخش مهمی از دلایل موفقیت اندک اقتصادی

ایران را باید نتیجه عدم برنامه‌ریزی صحیح، منسجم و دراز مدت، نبود پیوند مناسب میان بخش‌های اقتصادی با دستگاه دیپلماسی، عدم حمایت لازم و موثر بخش خصوصی و عدم حمایت‌های کافی و مستمر از سوی بانک‌های عامل و نهادهای مالی و اعتباری کشور دانست (دهقانی فیروزآبادی و دامن پاک جامی، ۱۳۹۵).

۳- بهره‌برداری روسیه از ظرفیت‌های اتحادیه

با توجه به نقش کلیدی و تاثیرگذاری انحصاری روسیه در اتحادیه اقتصادی اوراسیا بیم آن می‌رود در پی تحریم‌های غرب، روسیه به عنوان قدرت حاضر در این اتحادیه با اعمال نفوذ در جمهوری‌های پیشین شوروی سابق عضو اتحادیه به دنبال بهره‌برداری‌های سیاسی از اتحادیه اوراسیایی در راستای منافع ملی خود باشد. برخی تحلیلگران شاغل در مراکز پژوهشی غربی معتقدند که فارغ از اهداف و زمینه‌ها و انتفاع اقتصادی، بررسی موشکافانه‌تر روابط اتحادیه اوراسیا با جهان خارج نشان می‌دهد که این اتحادیه به طور کاملاً آشکاری عمدتاً در خدمت منافع راهبردی روسیه است. آمار جاری مبادلات اتحادیه نشان می‌دهد که بعید به نظر می‌رسد مناسبات تجاری اتحادیه با جهان خارج، رشد چندانی پیدا کند. همچنین هر گونه پیوند کارکردی اتحادیه با دنیای خارج در چارچوب انگیزه‌های سیاسی روسیه صورت می‌گیرد. به طوری که باوجود برابری اسمی، اصل قوام بخش همگرایی در چارچوب اتحادیه اقتصادی اوراسیا، قدرت ژئوپلیتیک و سیاسی است. روسیه به طور مکرر رفتار هژمونیک خود را در درون اتحادیه به نمایش می‌گذارد و قراردادهای دوجانبه‌ای که این کشور با اعضای اتحادیه منعقد ساخته است،

طراحی رسمی اتحادیه اقتصادی اوراسیا را تحت الشعاع قرار داده است. مساله دیگر این است که همگرایی اقتصادی در شرایطی که حجم اقتصاد سایر کشورهای عضو محدود می باشد به میزان هرچه بیشتری این انگیزه را برای روسیه پدید می آورد که قواعد مشترک و جاری اتحادیه را کمتر رعایت کند. این موضوع به ویژه پس از بحران اوکراین که منافع امنیتی اولویت خود را آشکارا نشان داده است، مشهودتر است. از سال ۲۰۱۴ به این طرف روسیه کم توجهی خود به جزییات تکنوکراسی و نهادی ادغام اقتصادی را به طور ملموسی نشان داده است. محافل غربی همچنین استدلال می کنند شیوه همگرایی اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سیاست روسیه در سالهایی که از تشکیل این اتحادیه گذشته است، نشان می دهد که این اتحادیه در درجه اول یک پروژه سیاسی است و اهمیت جنبه های اقتصادی آن ناچیز است (معاونت دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه معاونت دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه ۱۳۹۹).

نتیجه گیری

در این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش اصلی بودیم که عضویت جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا چه مزیت هایی برای ایران داشته و چه فرصت ها و چالش هایی را پیش رو قرار خواهد داد؟ بررسی وضعیت شاخص های کلان رفاه در میان اعضای اتحادیه نشان داد که هیچ یک از دولت های عضو در هیچ یک از این شاخص ها وضعیت مطلوبی نداشته و عموماً در رتبه بندی ها در نیمه دوم رنکینگ های جهانی قرار دارند. به عبارت دیگر

اعضای این اتحادیه هیچیک دولتی دارای ظرفیت یا مزیت‌های توسعه‌ای محسوب نمی‌شوند که پیوند با آنها بتواند تاثیر چندانی در وضعیت شاخص‌های توسعه‌ای ایران داشته باشد. آنها کشورهایی کمابیش مشابه ما هستند که نه می‌توانند به دانش و تکنولوژی ما بیافزایند و نه ظرفیت سرمایه‌گذاری چندانی در ایران دارند چرا که شاخص‌ها گویای آنند که خود بیشتر نیازمند سرمایه‌پذیری هستند. از این منظر جمهوری اسلامی ایران فاقد ظرفیت‌های لازم برای درگیر شدن در هرگونه فرایند همگرایی با اتحادیه اوراسیا می‌باشد. اگر چه در تمامی شاخص‌هایی که مورد ارزیابی قرار گرفت، جمهوری اسلامی وضعیت مشابه و البته نامطلوب‌تر از سایر اعضای اتحادیه دار می‌باشد، اما نه تنها در ارزش‌های کلان و سبک زندگی و ظرفیت‌های اداری با این کشورها مشابهتی ندارد بلکه مزیت و اهداف مشترکی نیز در این همگرایی برایش متصور نیست.

فرهنگ بروکراتیک و چه بسا ساختارهای اداری مشابهی که میراث اتحاد جماهیر شوروی است ظرفیت‌های اداری همگرایی در درون اتحادیه محسوب می‌شود اما ایران فاقد ظرفیت‌های اداری مناسب برای بهره‌مندی از مزیت‌های پیوند با این اتحادیه و اتحادیه‌های مشابه است. البته این نقصی درونی است که فارغ از بحث پیوستن به اتحادیه می‌بایست به شکلی مجزا موضوع آسیب شناسی و اصلاح قرار گیرد.

اقتصاد ایران و کشورهای عضو اتحادیه کمابیش مشابه یکدیگرند، تکیه بر صادرات نفت و پتروشیمی و محدودیت صادرات غیرنفتی به محصولات کشاورزی (به جز روسیه). این نکته‌ای است که از مزیت‌های چنین همگرایی می‌کاهد زیرا مزیت منطقه‌گرایی در تقسیم کار و مکمل‌سازی ساختارهای

ملی در سطح منطقه‌ای است و عملاً اقتصادهای مشابه ارزش افزوده‌ای در همگرایی تولید نمی‌کنند. بسیاری معتقدند در شرایطی که تحریم‌ها محدودیت‌های اقتصادی بسیاری برای ایران بوجود آورده‌اند چه بسا چنین همکاری‌هایی بتواند آثار یوء تحریم‌ها را برای ایران کاهش دهد. نگاهی به فهرست اقلام وارداتی و صادراتی این اتحادیه نشان می‌دهد که چه از نظر حجم و چه از نظر محتوا، تبادلات تجاری ایران با این اتحادیه عملاً درصد ناچیزی از نیازهایی را که تحریم متاثر کرده است تامین خواهد کرد. همچنین چه بسا که ایران در نبود تحریم‌ها می‌توانست تبادلات تجاری خود را مبتنی بر مزیت‌های رقابتی و در فضایی که آزادی انتخاب بیشتری داشت به گونه‌ای پیش می‌برد که انتفاع بیشتری می‌یافت.

اما توجه به اتحادیه اوراسیا می‌تواند تمرکز اختصاصی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر خاورمیانه را متوازن کرده و از آسیب‌های ناشی از آن بکاهد. به دلایل مختلفی ایران همواره توجه و تمرکز خود را بر منطقه خاورمیانه گذاشته و تنش و بحران‌های خاورمیانه همواره سیاست خارجی ایران را متاثر کرده است. در شرایط کنونی که ابزارهای سیاست خارجی جمهوری ایران در خاورمیانه در حال تضعیف شدن است و نزدیکی اعراب و اسرائیل، ایران را در منطقه خاورمیانه حاشیه‌ای کرده است تغییر جغرافیای سیاست خارجی ایران می‌تواند از انزوای احتمالی ایران کاسته و افق‌های جدیدی پیش روی آن بگشاید.

پیوستن به اتحادیه و پذیرش نقش کوریدور شمال به جنوب با توجه به موقعیت ژئوپولیتیک ایران، می‌تواند حائز بیشترین مزیت برای این کشور

باشد. تقویت زیرساخت‌های حمل و نقل شمال به جنوب، سال‌ها است که به عنوان یک ظرفیت ژئواکونومیک ایران مطرح است اما هیچ‌گاه در عمل متحقق نشده است. در صورت تحقق این امر، چه ایران عضو اتحادیه باشد یا نباشد، درآمد آن به حدی خواهد بود که درصد قابل توجهی از وابستگی به درآمدهای نفتی خواهد کاست و از سوی دیگر امنیت ملی ایران را به سایر دولت‌های ذینفع گره زده و تبعاً از هزینه‌های امنیتی ایران خواهد کاست. به هر دلیلی که مانع از تحقق شکل‌گیری چنین کوریدوری شده باشد، چه بسا پیوند با اتحادیه اوراسیا بتواند در شکل‌گیری آن عامل موثری شده و حتی اعضای اتحادیه را در راه‌اندازی آن به مشارکت طلبید.

برخی امیدوارند که پیوستن به اتحادیه به تقویت سهم تولیدات غیر نفتی در صادرات ایران بیانجامد. اما همانگونه که پیش‌تر نیز گفته شد، فهرست اقلام موضوع تبادلات تجاری میان طرفین نشان می‌دهد عمده‌ی صادرات ایران به این کشورها صادرات محصولات باغی است که افزایش تولید آنها با توجه به وابستگی به منابع محدود جغرافیایی عملاً چندان امکان‌پذیر نیست. از طرف دیگر چه بسا در نبود محدودیت‌های بیرونی و در یک بازار رقابتی و در صورتی که سرمایه‌گذاری مناسبی در بسته‌بندی و بازاریابی این محصولات انجام می‌پذیرفت، این محصولات می‌توانستند در بهترین بازارهای دنیا و به بهینه‌ترین سود به فروش برسند و در این صورت دیگر بازارهای کشورهای اوراسیا دارای مزیتی برای صادرکننده ایرانی نبودند. واقع امر این است که تولیدات کالای صنعتی در ایران به دلایل مشکلات اقتصادی داخلی و نیز تأثیرات سوء تحریم‌های بین‌المللی بسیار آسیب دیده است و این در عمل

صادرات ایران به اقلام بسیار محدود باغی، کشاورزی و صنایع دستی منحصر کرده است. اگر عضویت در اتحادیه بتواند به رونق‌گیری مجدد تولیدات صنعتی در داخل بیانجامد می‌توان امیدوار بود که به افزایش صادرات غیرنفتی ایران نیز بیانجامد.

نهایتاً آنچه بزرگترین چالش پیوستن ایران به این اتحادیه محسوب می‌شود در نقشی است که روسیه در این اتحادیه ایفا می‌کند. بسیاری از تحلیل‌ها حاکی از آن است که این اتحادیه نوعی ائتلاف سیاسی کلاسیک به رهبری روسیه در لباس منطقه‌گرایی جدید است. روسیه که بیشترین هزینه‌های تحقق این اتحادیه را تقبل کرده است، منطقه‌گرایی را نه به عنوان مقدمه‌ای بر جهان‌گرایی و مرحله‌ای برای ادغام در اقتصاد جهانی، بلکه شیوه‌ای برای تجمیع ظرفیت‌ها در مقابل آن می‌داند. در این میان تغییر استراتژی پوتین به اوراسیاگرایی با تقویت رویکرد نگاه به شرق در ایران هم‌زمان شده است. از این منظر پیوستن به اتحادیه اوراسیا، امری فراتر از یک همکاری و همگرایی اقتصادی بوده و به نوعی پیوستن به سازوکاری است که جمهوری اسلامی ایران را بیش از پیش به پیروی از سیاست خارجی روسیه متعهد خواهد کرد.

منابع

- _ ادیبی، علی و توکل حبیب زاده، (۱۳۹۸)، اقتصاد مقاومتی، دیپلماسی اقتصادی و موافقتنامه های ترجیحی، تابستان، شماره ۴۷
- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و محدثه اسمعیلی، (۱۳۹۷)، چالش ها و موانع دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه، فصلنامه مجلس و راهبرد، بهار، شماره ۹۷
- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و محمدحسن غلامی، (۱۳۹۷)، دیپلماسی اقتصادی ایران در بستر قوانین برنامه های توسعه: آسیب شناسی برنامه های چهارم تا ششم، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، تابستان، شماره دوم
- _ الهی، ناصر، معصوم زاده، الهه، کیالاحسینی، سید ضیاء الدین، عربی، سید هادی. (۱۳۹۹). بررسی آثار بالقوه موافقتنامه تجاری بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا بر بخش های صادراتی صنعت و کشاورزی؛ رهیافتی از مدل جاذبه. فصلنامه علمی پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی doi: -. (), 10.30473/egdr.2020.51845.5701
- ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، (۱۳۹۹)، ماهنامه رویدادها و تحلیل ها، شماره ۳۳۳، مرکز مطالعات سیاسی و بین المللی
- براز، تنجا (۱۳۹۶)، مروری بر ادبیات نظریه منطقه بهینه پولی، مترجم: رویا عاطفی منش، مجله اقتصادی، شماره ۳ و ۴، خرداد و تیر ۱۳۹۶، صص ۱۰۷-۱۳۴
- _ بولتن خبری اتحادیه اقتصادی اوراسیا (۱۳۹۹)، سازمان توسعه تجارت ایران دفتر همکاری ایران و اوراسیا، شماره ۵، خرداد
- _ حسن خانی، محمد و حسین محمدی سیرت، (۱۳۹۵)، تاثیر ایدئولوژی بر منافع ملی و امنیت ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ با تاکید بر اندیشه امام خمینی (ره)، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، زمستان، شماره چهارم

- _ حسونند، مظفر و مهدی اسفندیاری (۱۳۹۸)، نظم نوین جهانی و تحول در منطقه گرای جدید، فصلنامه روابط خارجی، شماره چهلیم، زمستان
- _ حسینی، لطیفه (۱۳۹۴)، نقش منطقه گرایی در حفظ صلح و امنیت منطقه ای: با تاکید بر نقش سازمان همکاری اسلامی در منطقه خاورمیانه، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره سوم، پاییز
- خازنی، محمدحسن و حکمت آرا، حامد، ۱۳۹۹، بررسی فرصت ها و تهدیدهای همکاری ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، چهارمین کنفرانس بین المللی علوم سیاسی، روابط بین الملل و تحول،
- <https://civilica.com/doc/1041530>،
- دامن پاک جامی، مرتضی، (۱۳۸۸)، دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
- _ دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و مرتضی دامن پاک جامی، (۱۳۹۵)، دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی؛ ارزیابی ۲۵ سال روابط اقتصادی ایران و جمهوری ها پس از استقلال، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، زمستان، شماره ۹۶
- _ دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۸)، تحول در نظریه های منطقه گرایی، فصلنامه مطالعات اوراسیا، شماره پنجم
- _ دهشیری، محمدرضا و محسن رضائی جعفری (۱۳۹۳)، نومنطقه گرایی در سیاست خارجی ایران، سیاست جهانی، شماره دوم، تابستان
- _ ذوالفقاری، مهدی و حسین زینی وند، (۱۳۹۷)، جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی ایران: (دولت های احمدی نژاد و روحانی)، پژوهش های روابط بین الملل، بهار، شماره اول
- _ رستمی، محمدرضا، (۱۳۹۵)، پوتین، اوراسیاگرایی و دشواری های احیای موقعیت قدرت روسیه، فصلنامه روابط خارجی، پاییز، شماره سوم
- _ رسولی ثانی آبادی، الهام (۱۳۹۳)، تحول روند منطقه گرایی در آمریکا لاتین بر اساس نظریه های روابط بین الملل، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، شماره ۱۰، پاییز

- _ رضانی، احمد و حسین معین آبادی بیدگلی، (۱۳۹۸)، اقتصاد سیاسی همگرایی منطقه ای آسه آن، دوفصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، بهار و تابستان، شماره ۲
- _ زارعی، بهادر و جلیل دلشاد زاد و سید مهدی موسوی شهیدی و سید محمود علوی (۱۳۹۳)، منطقه گرایی و چالش های آن در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۴، زمستان
- زارعی غفار، عباسی اسماعیل (۱۳۹۷)، اتحادیه اقتصادی اوراسیا در چشم انداز روسی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۲۴، شماره ۱۰۴، صص ۳۳ تا ۶۰.
- سلیمان پور هادی، سلیمانی درچاق مریم (۱۳۹۵)، همگرایی اقتصادی در اوراسیای مرکزی در تطبیق با الگوی کانتوری و اشیگل، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۲۲، شماره ۹۳؛ صص ۶۹ تا ۹۸.
- _ سرمست، حمیدرضا و علی بیژنی و محمد اخباری (۱۳۹۸)، ارائه الگوی منطقه گرایی ایران و آسیای مرکزی، نگرش های نو جغرافیای انسانی، زمستان
- _ صابری حقایق، رحمت علی و طهمورث حسنقلیپور، (۱۳۹۷)، روابط تجاری ایران و روسیه؛ راهبردی برای توسعه تجارت غیرنفتی، پژوهش های روابط بین الملل، بهار، شماره ۱
- _ صادقی، سیدمحسن، (۱۳۹۷)، سیاست خارجی روسیه در قبال ایران در دوره پوتین بعد از سال ۲۰۱۲، فصلنامه روابط بین الملل، بهار، شماره ۴۱
- _ صوراناری، حسین، (۱۳۹۸)، بازنمایی های سازه انگارانه منطقه گرایی اوراسیایی در گفتمان اوراسیایی روسیه، فصلنامه پژوهش های راهبرد سیاست، زمستان، شماره ۳۱
- _ صیادی، هادی و اردشیر سنایی، (۱۳۹۶)، عوامل ژئوپلیتیک تاثیرگذار بر تغییر نگاه سیاست خارجی ایران از غرب به شرق با تاکید بر روسیه بین سال های ۱۹۹۱-۲۰۱۶، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، پاییز
- _ طالبی، امیر و مهدی ذاکریان (۱۳۹۴)، اسلام سلفی افراط گرا و شکل گیری منطقه گرایی نوین در خاورمیانه؛ انقلاب اسلامی ایران و فرآیند منطقه گرایی نوین، فصلنامه رهیافت، شماره ۳۲، پاییز

- _ فتحی، محمدجواد و الهام رسولی ثانی آبادی و میلاد خسروی نژاد، مطالعه تطبیقی تاثیر تحولات سوریه و عراق بر سیاست منطقه گرایی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، شماره ۳۶، پاییز
- _ فرسائی، شهرام، حاکم قاسمی و بهرام نوازی، (۱۳۹۸)، فرصت های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در همگرایی با اتحادیه اقتصادی اوراسیایی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، زمستان، شماره ۱۰۸
- _ کشاورز ترک، عین اله و محمدناصر ادیب مهر، (۱۳۹۸)، روندها و سناریوهای آینده روابط ایران و روسیه مبتنی بر انتقال انرژی خزر، دوفصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، بهار و تابستان، شماره ۲
- _ کوچک زاده تهمتن، رضا و مهناز گودرزی، (۱۳۹۸)، نقش دکترین اوراسیاگرایی در گسترش روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه (۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷)، فصلنامه پژوهش های سیاسی و بین المللی، بهار، شماره ۳۸
- ۳۹
- _ کهرازه، یاسر، (۱۳۹۹)، دیپلماسی اقتصادی و مناسبات استراتژیک توسعه ای؛ نمونه هند، فصلنامه پژوهش های سیاسی و بین المللی، بهار، شماره ۴۲
- _ کمالی اردکانی، مسعود، (۱۳۹۵)، تاثیرات برجام بر تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، تابستان، شماره ۷۲
- _ کرمی، جهانگیر، (۱۳۹۷)، سیاست اوراسیایی ایران، انقلاب اسلامی و سیاست خارجی، فصلنامه سیاست خارجی، زمستان
- _ معزی، علی و سعید وثوقی، (۱۳۹۷)، نسبت امنیت و توسعه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، تابستان، شماره ۲
- _ محمدی، معصومه و مهدی جاودانی مقدم، (۱۳۹۸)، ارزیابی جایگاه ایران در دکترین اوراسیایی پوتین، فصلنامه راهبرد سیاسی، زمستان، شماره ۱۱

- مهکویی حجت، گودرزی مهناز (۱۳۹۸)، تاثیر اتحادیه اقتصادی اوراسیا بر موقعیت ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۲، شماره، صص ۵۱۹ تا ۵۳۸.
- میرفخرایی سیدحسن (۱۳۹۴)، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و الزامات ژئواکونومیک آن برای ایران، مطالعات روابط بین الملل (پژوهشنامه روابط بین الملل)، دوره ۸، شماره ۳۲، صص ۱۴۳ تا ۱۷۵.
- موسوی شفیایی، مسعود، همت ایمانی و مهدی باقری، (۱۳۹۵)، دیپلماسی اقتصادی و قدرت یابی چین در عرصه جهانی، مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، پاییز و زمستان، شماره دوم
- موسوی شفیایی، مسعود و سعیده اسکندری، (۱۳۹۵)، راهبرد موازنه گرایی هند در تعامل با ایران و آمریکا، فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، شماره بیستم
- موسوی دهموردی، سید محمد و وحید بزرگی، (۱۳۹۵)، دیپلماسی اقتصادی و الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت، فصلنامه سازمان های بین المللی، پاییز، شماره ۷
- محمدزاده اصل، نازی و فرناز محمدی، (۱۳۹۱)، بررسی عوامل موثر بر صادرات غیرنفتی ایران با تاکید بر جهانی شدن، مجله اقتصاد مالی، زمستان، شماره ۲۱
- متقی، افشین و حسین افشار و حسن مالداری (۱۳۹۴)، اقتصاد سیاسی بین الملل و اهمیت سواحل مکران در منطقه گرایی ایران، فصلنامه جغرافیا، تابستان
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸)، تحول در نظریه های روابط بین الملل، تهران: انتشارات سمت
- ویسی، هادی، (۱۳۹۶)، بررسی رقابتهای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی پاکستان و ایران در ایجاد کریدور شمالی-جنوبی اوراسیا: مزیتها و تهدیدها، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سیزدهم، بهار
- هرسیچ، حسین و حوا ابراهیمی پور و سید مرتضی نوعی باغبان (۱۳۹۳)، روابط کشورهای عرب منطقه خلیج فارس و ایران از منظر منطقه گرایی، مجله سیاست دفاعی، شماره ۸۸، پاییز

<https://economic.mfa.ir/portal/newsview/592361/>

<https://www.google.com/amp/s/www.irna.ir/amp/83554571> ابران

و اوراسیا پلی برای گذر از تحریم ها

Seifzadeh, Hossein (2005), Different Theories and Theories in Internationalized Individual and Global Relations: Occupation and Efficiency, Department of state Polirical Ministry of Foreign Affairs

<https://www.tzccim.ir/News/1178-/>

<https://moqavemati.net/۷-۵/۸۰۶۳۹->

<https://snn.ir/fa/news/862334>

شناسایی مناطق سرمشق صادراتی ایران با هدف گذاری صادرات به کشورهای عضو اتحادیه ی اورآسیا

سمیرا متقی^۱

^۱ - استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور samira.motaghi@pnu.ac.ir

چکیده

منطقه‌ی اورآسیا به‌عنوان یکی از مناطق هدف‌گذاری شده‌ی استراتژیک در سیاست اقتصادی ایران، به‌دلیل برخورداری از منابع تکمیلی برای کشور از اهمیت خاصی برخوردار است. با توجه به واقعیت‌های اقتصادی مسلط بر کشور و تضعیف آن به دلیل تحریم‌های آمریکا، شناسایی و هدف‌گذاری مناطق صادراتی در پیرامون کشور، می‌تواند روند اقتصاد غیرنفتی را بهبود بخشد. در این راستا، مقاله‌ی حاضر با روش علی-مقایسه‌ای و روش تاکسونومی عددی به بررسی تطبیقی پنج منطقه‌ی آزاد تجاری-صنعتی آستارا، ارس، انزلی، چابهار و ماکو از نقطه‌نظر چهار شاخص تولیدی-اقتصادی پرداخته است تا منطقه‌ی سرمشق اقتصادی (Cio) که حائز بیشترین ظرفیت برای صادرات به کشورهای عضو اتحادیه‌ی اورآسیا است، شناسایی شود. یافته‌ها نشان داد که از لحاظ شاخص‌های فراورده‌های کشاورزی، فراورده‌های دامی، طیور و شیلات، منسوجات و منابع معدنی، از میان پنج منطقه‌ی آزاد بررسی شده، منطقه‌ی آزاد چابهار (Cio 2.4) و ماکو (Cio 3.03) به‌عنوان مناطق سرمشق صادراتی در رتبه‌ی نخست و دوم قرار دارند. بنابراین، توسعه‌ی زیرساخت‌ها و انعقاد قراردادهای صادراتی با محوریت این دو منطقه میان ایران و کشورهای عضو اتحادیه‌ی اقتصادی اورآسیا از اهمیت استراتژیک برخوردار است.

کلیدواژگان: اتحادیه‌ی اقتصادی اورآسیا، مناطق آزاد تجاری، صادرات غیرنفتی، تاکسونومی، ایران.

مقدمه

به دلیل پیوستگی و رابطه‌ی متقابل منافع ملی، امنیت و توسعه با مؤلفه‌ی اقتصادی در زمان حال و آینده و با در نظر گرفتن این مسئله که هیچ بازیگری هر قدر هم که توانمند باشد، به تنهایی از پس تدبیر بازار جهانی اقتصاد بر نمی‌آید، لزوم همگرایی کشورها در چارچوب منطقه‌گرایی بین المللی به منظور اتخاذ تصمیمات مشترک و همسو و حفظ ثبات و امنیت بازار به نحوی که تأمین کننده‌ی منافع همگان به ویژه قدرت و امنیت آنان باشد، اجتناب ناپذیر می‌نماید (Mansfield and Milner, 2020: 35). اهمیت فزاینده‌ی تولید جهانی، اقتصاد سیاسی بین‌الملل را متحول ساخته است؛ بدین صورت که در کوتاه مدت با تغییر در نرخ بهره، در اثر سیاست‌های پولی، جریان نقدینگی بین بازارهای مالی (پولی، اوراق قرضه و سرمایه) و بازار نفت، اقتصاد جهانی را از مسیر خام‌فروشی کوتاه‌مدت به تولیدمحوری بلندمدت منعطف کرده است (رضوی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۳). در همین راستا، ارزیابی قراردادهای نفتی در یک دوره ۱۴۰ ساله، از رویتر (۱۲۵۱) تاکنون، نشان می‌دهد که توجه اصلی دولت‌ها همواره معطوف به افزایش درآمدهای ارزی بوده است. درحالت کلی، اعمال حاکمیت و مالکیت بر منابع نفتی در قراردادهای معمولاً محل نزاع بین دولت‌ها و شرکت‌های نفتی نبوده است؛ زیرا درحقوق بین الملل، حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی به رسمیت شناخته شده است (O'Loughlin and Anselin, 2016: 132). نکته مهم، تشخیص

دلالت‌های این ویژگی در فرآیند عملیات نفتی شرکت‌های خارجی است که تابعی از دانش و تجربه شرکت ملی نفت است. دو ویژگی بعدی، کم و بیش در تمام قراردادهای نفتی مورد توجه بوده است، بدون آنکه نتیجه ملموسی از آن حاصل شده باشد زیرا ثمربخشی این دو ویژگی مستلزم کوششی درون‌زا برای ارتقاء سطح دانش و مهارت‌های فنی در صنعت نفت و همچنین تغییر رویکرد مقامات دولتی به جایگاه نفت در توسعه اقتصادی است. در غیر این صورت، از انعقاد قراردادهای نفتی با شرکتهای نفتی بین المللی نمی توان ارتقاء توان کارشناسی و مدیریتی شرکت ملی نفت برای نیل به سطح شرکت‌های نفتی ملی- بین المللی را انتظار داشت (درخشان، ۱۳۹۲: ۵۳). ساختار سیاسی، رانت نفتی، ایدئولوژی دولت و اندازه اقتصاد در تعیین نظام ارزی نقش مهمی دارد. بدین ترتیب در پاره‌ای از کشورها، هرچه ساختار سیاسی دمکراتیک‌تر، ایدئولوژی دولت چپ‌گرایانه‌تر و اندازه‌ی اقتصاد بزرگ‌تر باشد، احتمال اتخاذ نظام ارزی شناور افزایش می‌یابد و هرچه رانت نفتی و درجه وابستگی به درآمد نفت بیشتر باشد،

گرایش به نظام ارزی ثابت افزایش می‌یابد (اسدی و بهرامی، ۱۳۹۲: ۱).
گرایش به نظام ارزی شناور در ایران با تحریم‌های فزاینده علیه اقتصاد نفتی ایران روند شتابانی به خود گرفت. از دست رفتن خریداران خارجی نفت و تنگناهای مالی برای وصول مطالبات نفتی، سبب شد سیاست‌گذاری‌های اقتصادی به سوی کاهش خام‌فروشی کوتاه‌مدت و سرمایه‌گذاری بر روی تولید-صادرات‌محوری بلندمدت مورد توجه قرار گیرد. در این میان، شناسایی بازارهای هدف به‌منظور صادرات کالا از اهمیت خاصی برخوردار است. در بررسی اولیه، کشورهای پیرامونی ایران به عنوان نخستین و به‌صرفه‌ترین

بازارهای صادراتی ایران محسوب می‌شوند. با این حال، روابط اقتصادی ایران با کشورهای پیرامونی تحت تاثیر روابط سیاسی قرار دارد و نمی‌توان همه‌ی کشورهای همسایه را به عنوان بازار هدف و باثبات برای سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در نظر گرفت. رویکرد جایگزین، پیوستن به اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای است که در این راستا، اتحادیه‌ی اقتصادی اوراسیا از جمله میدان‌های اقتصادی هدف‌گذاری شده است که می‌تواند در راستای صادرات محصولات غیرنفتی به اعضای این اتحادیه تا اندازه‌ای کارآمد باشد. با توجه به اهمیت اقتصادی این اتحادیه، تحقیق حاضر در پی شناسایی مناطق سرمشق صادراتی ایران است تا از میان مناطق آزاد تجاری-صنعتی ایران، مطلوب‌ترین گزینه برای صادرات محصولات غیرنفتی به اعضای اتحادیه‌ی اوراسیا را مشخص و اولویت‌بندی کند.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات علی-مقایسه‌ای به‌شمار می‌رود. به این صورت که با مقایسه‌ی گزینه‌های صادراتی و نیز گزینه‌های مکانی صادرات، در پی شناسایی مطلوب‌ترین گزینه است. با توجه به اهمیت مناطق آزاد تجاری-صنعتی، در این تحقیق پنج منطقه‌ی آزاد آستارا، ارس، انزلی، چابهار و ماکو انتخاب شد تا ظرفیت‌ها و قابلیت‌های هر یک از منظر تولیدات غیرنفتی شناسایی و سپس هر منطقه از نظر قابلیت‌های صادراتی به کشورهای عضو اتحادیه‌ی اوراسیا رتبه‌بندی شود.

شاخص صادراتی غیرنفتی که در این تحقیق استفاده‌شده، عبارتست از: فرآورده‌های کشاورزی، فرآورده‌های دامی، طیور و شیلات، فرآورده‌های معدنی و منسوجات.

شاخص‌های مذکور در میان مناطق پنج‌گانه بررسی و در نهایت منطقه‌ی سرمشق صادراتی شناسایی شده است. به منظور شناسایی و رتبه‌بندی شاخص‌ها و مناطق، از روش تاکسونومی عددی^۱ و نرم‌افزار Taxonomy استفاده است.

چارچوب مفهومی

بلوک‌بندی اقتصادی و منطقه‌گرایی

به نظر می‌رسد امروزه موتور محرکه عموم همکاری‌های منطقه‌ای، منافع اقتصادی بازیگران است و نگاه غالب، نه درون‌گرایی و بی‌اعتمادی بلکه برون‌گرایی و اعتقاد به وابستگی متقابل اقتصادی و امنیتی است. طبق فرضیه برون‌گرایی اشمیتر، از آنجایی که انگیزه‌های همگرایی در داخل جامعه نسبت به دیگر بازیگرانی که در خارج از جامعه قرار گرفته‌اند موجب بروز تبعیض می‌شود. برای آن‌ها که خارج از اتحادیه هستند دو واکنش متصور است؛ تشکیل اتحادیه منطقه‌ای دیگر یا پیوستن به اتحادیه کنونی و در هر دو حالت همکاری گسترده‌تر بین اعضا یا در منطقه را افزایش می‌دهد (ابوالحسنی، ۱۳۹۳).

شماری از آثار و مزیت‌های بلوک‌بندی اقتصادی در چارچوب منطقه‌گرایی عبارتند از:

- ۱) توسعه اقتصادی و ادغام تدریجی در اقتصاد جهانی؛ ۲) مزایای تجاری؛
- ۳) اصلاحات ساختاری سیاسی و اقتصادی؛ ۴) محافظت و بیمه‌شدن؛ ۵)

^۱ - Numeral Taxonomy

امنیت سیاسی؛ ۶) قدرت چانه‌زنی در برابر شرکای سیاسی و تجاری خارج از بلوک؛ ۷) ابزار هماهنگی؛ ۸) دریافت و توزیع اطلاعات؛ ۹) نقش تریبونی برای کشورهای مخالف وضع موجود (امیدی، ۱۳۹۸: ۱۶).

انگیزه‌های اقتصادی منطقه‌گرایی عبارتند از (Schott, 202۰: ۵):

- ۱) کشورهای عضو سازمان‌های منطقه‌ای، با استفاده از صرفه‌جویی‌های به مقیاس، تخصص‌گرایی در سطح منطقه و گسترش بازارهای تولید به رشد اقتصادی بهینه‌ای دست می‌یابند؛
- ۲) افزایش قدرت سیاسی منطقه، کنترل جریان‌های مهاجرت و توسعه امنیت ملی از مهم‌ترین دستاوردهای عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای است؛
- ۳) دلایل مربوط به دور اوروگوئه: با توجه به حرکت کند منطقه‌گرایی، در مذاکرات اوروگوئه، منطقه‌گرایی به مثابه جانشینی برای آزادسازی تجارت چندجانبه تحت مقررات دور اوروگوئه و وسیله‌ای برای تقویت موضع مذاکره در نظام تجاری بین‌المللی مطرح شد؛
- ۴) ترتیبات منطقه‌ای، محیط تجاری قابل پیش‌بینی و با ثباتی را ایجاد می‌کنند و از هراس کشورهای کوچکتر از محدودیت دسترسی به بازار کشورها در آینده می‌کاهند؛
- ۵) تمرکز بر اصلاحات سیاست‌های داخلی کشورها: حضور موثر در چنین بلوک‌بندی‌های منطقه‌ای، نیازمند اصلاحات در سیاست‌گذاری‌های داخلی و ثبات در اقدام به آزادسازی تجاری است. بنابراین منطقه‌گرایی، احتیاج به مکمل‌های لازم در جهت

- خصوصی سازی و اصلاحات سازگار با بازار دارد و این خود در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه بسیار موثر است؛
- (۶) اثر دومینو: با گسترش ترتیبات تجارت منطقه‌ای، بالا رفتن هزینه خارج ماندن از چنین نظم نوینی و الحاق دسته جدیدی از کشورها به (۷) گروه، کشورهای خارج مانده بیشتر احساس خطر می‌کنند و این امر باعث مرحله جدیدی از عضویت دیگر کشورهای بیرون مانده می‌گردد. به چنین پدیده‌ای دومینو گفته می‌شود؛
- (۸) منطقه‌گرایی و صنایع نوزاد: در اکثر ترتیبات منطقه‌ای آفریقا و آمریکای لاتین، تقویت و محافظت از صنایع نوپا که با اتخاذ سیاست‌های حمایتی در برابر کشورهای ثالث، وضعیت مناسب‌تری را نمودار خواهد ساخت، یکی از عوامل مهم تلقی می‌شده است. با این همه عموم این سازمان‌های منطقه‌ای در نیل به چنین هدفی موفقیت اندکی را کسب کردند (Arvis, et al, 2020: 14).

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل

به منظور اولویت‌بندی مناطق آزاد از نظر توانمندی‌های صادراتی به کشورهای عضو اتحادیه‌ی اوراسیا، نخست پنج منطقه‌ی آزاد تجاری آستارا، ارس، انزلی، چابهار و ماکو به عنوان مناطق نمونه‌ی پژوهش شناسایی شدند. با توجه به ظرفیت‌ها و ویژگی‌های جغرافیایی هر یک از مناطق مذکور، چهار محور تولیدی برای هر کدام از مناطق شناسایی شد که عبارتند از:

- فرآورده‌های کشاورزی
- فرآورده‌های دامی، طیور و شیلات

- فراورده‌های معدنی

- منسوجات

به منظور شاخص گذاری ریاضیاتی، هر یک از شاخص‌های فوق به صورت به صورت X_4, X_3, X_2, X_1 نشان داده می‌شود. به منظور مقایسه‌ی تطبیقی هر یک از پنج منطقه‌ی آزاد تجاری آستارا، ارس، انزلی، چابهار و ماکو از نظر بهره‌مندی از شاخص‌های X_4, X_3, X_2, X_1 به روش تاکسونومی عددی مراحل زیر طی شده است.

مرحله اول: تشکیل ماتریس داده‌ها و محاسبه میانگین و انحراف معیار هر شاخص ماتریس تصمیم‌گیری از مقادیر هریک از شاخص‌ها به ازای هریک از گزینه‌ها (مناطق آزاد پنج‌گانه‌ی تحقیق) تشکیل شده است؛ به طوری که شاخص‌ها ستون‌های ماتریس و گزینه‌ها سطرهای ماتریس تصمیم را تشکیل می‌دهند. در این تحقیق، مقادیر هریک از شاخص‌ها به ازای هر یک از گزینه‌ها به صورت جدول (۱) می‌باشد

جدول ۱: ماتریس داده‌ها، میانگین و انحراف معیار هر یک از شاخص‌ها

	x_1	x_2	x_3	x_4
آستارا	۴۵	۳	۰.۵۹	۰.۸۲
ارس	۰	۱.۴۳	۰.۶۷	۱.۳
انزلی	۱۰	۱.۵	۱	۳.۵
چابهار	۹۰	۲	۱	۰
ماکو	۰	۲	۲	۰.۷۷
$\sum X_i$	۱۴۵	۹.۹۳	۵.۲۶	۶.۳۹
\bar{X}	۲۹	۱.۹۸۶	۱.۰۵۲	۱.۲۷۸
S_j	۳۸.۸	۰.۶۳	۰.۵۶	۱.۳۳

مرحله دوم: نرمال سازی داده‌ها و تشکیل ماتریس نرمال شده

ماتریس نرمال در روش تاکسونومی عددی به روش امتیاز استاندارد شده بی مقیاس می‌شود که فرم ریاض آن به صورت معادله زیر است:

$$Z_{ij} = \frac{x_{ij} - \bar{x}}{S_j}$$

بیان ساده معادله فوق این است که برای بی‌مقیاس‌سازی داده‌ها بعد از تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری، ابتدا میانگین و انحراف معیار مقادیر هر یک از ستون‌ها (شاخص‌ها) ی ماتریس محاسبه می‌شود. سپس هریک از عناصر شاخص‌ها از میانگین عناصر همان شاخص کسر و بر انحراف معیار همان شاخص تقسیم می‌گردد. این عمل برای تمامی ستون‌های ماتریس تکرار شده و بدین طریق ماتریس استاندارد یا ماتریس نرمال تشکیل می‌شود. به عنوان نمونه مقادیر هریک از شاخص‌ها به ازای گزینه آستارا (a) به صورت زیر نرمال شده است:

$$a_{11} = \frac{45 - 29}{38.8} = 0.41, \quad a_{12} = \frac{3 - 1.99}{0.63} = 1.61$$
$$a_{13} = \frac{.59 - 1.05}{0.56} = -0.84, \quad a_{14} = \frac{.82 - 1.28}{1.33} = -0.34$$

به ازای هر یک از گزینه‌های دیگر نیز مقادیر شاخص‌ها به همین شکل بی‌مقیاس شد و ماتریس نرمال شکل گردید.

جدول ۲: ماتریس تصمیم نرمال شده

	x_1	x_2	x_3	x_4
آستارا (a)	۰.۴۱	۱.۶۱	-۰.۸۴	-۰.۳۵
ارس (b)	۰	-۰.۸۹	-۰.۷۴	۰.۰۲
انزلی (c)	-۰.۴۹	-۰.۷۸	-۰.۱۱	۱.۶۷
چابهار (d)	۱.۵۷	۰.۰۲	-۰.۱۱	۰
ماکو (e)	۰	۰.۰۲	۱.۷۷	۱.۶۷
	۱.۵۷	۱.۶۱	۱.۷۷	۱.۶۷

مرحله سوم: محاسبه فاصله مرکب بین گزینه‌ها و تعیین کوتاه‌ترین فاصله در این مرحله فاصله مرکب گزینه‌ها از یک دیگر با توجه به مقادیر شاخص‌ها در ماتریس استاندارد شده، با استفاده از رابطه زیر محاسبه شده است:

$$D_{ab} = \sqrt{\sum_{j=1}^n (Z_{aj} - Z_{bj})^2}$$

D_{ab} نشانگر فاصله دو گزینه **a** و **b** از یکدیگر است. فاصله هر گزینه از خودش برابر با صفر و فاصله گزینه **a** از گزینه **b** برابر با فاصله گزینه **b** از گزینه **a** است. در نتیجه ماتریس فواصل مرکب متقارن بوده و قطر آن برابر صفر است.

به عنوان مثال فاصله مرکب گزینه **a** (آستارا) از گزینه **b** (ارس) به صورت زیر محاسبه شده است.

$$D_{12} = \sqrt{(.41-0)^2 + (1.6-(-.89))^2 + (-.84-(-.74))^2 + (-.35-.02)^2} = 2.55$$

فاصله مرکب برای باقی گزینه‌ها به همین صورت محاسبه شده که مقادیر آنها به صورت زیر است:

$$D_{13} = \sqrt{0.81 + 0.67 + 0.53 + 4.08} = 3.3$$

$$D_{14} = \sqrt{1.35 + 2.5 + 0.53 + 0.12} = 2.12$$

$$D_{15} = \sqrt{0.17 + 2.5 + 6.81 + 0.09} = 3.09$$

$$D_{21}D_{12} = \sqrt{0.17 + 6.2 + 0.01 + 0.14} = 2.55$$

$$D_{23} = \sqrt{0.24 + 0.01 + 0.4 + 2.7} = 1.83$$

$$D_{24} = \sqrt{2.46 + 0.83 + 0.4 + 0.04} = 1.93$$

$$D_{25} = \sqrt{0 + 0.83 + 6.3 + 0.16} = 2.7$$

$$D_{31} = D_{13} = \sqrt{0.81 + 0.67 + 0.53 + 4.08} = 3.3$$

$$D_{32} = \sqrt{0.24 + 0.01 + 0.4 + 2.7} = 1.83$$

$$D_{34} = \sqrt{4.24 + 0.64 + 0 + 2.79} = 2.77$$

$$D_{35} = \sqrt{0.17 + 0.64 + 3.53 + 4.2} = 2.92$$

$$D_{25} = \sqrt{0+0.83+6.3+0.16} = 2.7$$

$$D_{41} = D_{14} = \sqrt{1.35+2.5+0.53+0.12} = 2.12$$

$$D_{42} = D_{24} = \sqrt{2.46+0.83+0.4+0.04} = 1.93$$

$$D_{43} = D_{34} = \sqrt{4.24+0.64+0+2.79} = 2.77$$

$$D_{45} = \sqrt{2.46+0+3.53+0.14} = 2.48$$

$$D_{51} = D_{15} = \sqrt{0.17+2.5+6.81+0.09} = 3.09$$

$$D_{52} = D_{25} = \sqrt{0+0.83+6.3+0.16} = 2.7$$

$$D_{53} = D_{35} = \sqrt{0.17+0.64+3.53+4.2} = 2.92$$

$$D_{54} = D_{45} = \sqrt{2.46+0+3.53+0.14} = 2.48$$

جدول ۳: ماتریس فواصل مرکب گزینه‌ها

	آستارا (a)	آستارا (a)	آستارا (a)	آستارا (a)	آستارا (a)	کوتاه‌ترین فاصله (d)
آستارا (a)	۰	۲.۵۵	۳.۳	۲.۱۲	۳.۰۹	۲.۱۲
ارس (b)	۲.۵۵	۰	۱.۸۳	۱.۹۳	۲.۷	۱.۸۳
انزلی (c)	۳.۳	۱.۸۳	۰	۲.۷۷	۲.۹۲	۱.۸۳
چابهار (d)	۲.۱۲	۱.۹۳	۲.۷۷	۰	۲.۴۸	۱.۹۳
ماکو (e)	۳.۰۹	۲.۷	۲.۹۲	۲.۴۸	۰	۲.۷
$\sum d$	مجموع مقادیر کوتاه‌ترین فاصله					۱۰.۴۱
\bar{d}	میانگین مقادیر کوتاه‌ترین فاصله					۲.۰۸۲
S_d	انحراف مقادیر کوتاه‌ترین فاصله					۰.۳۷

مرحله چهارم: شناسایی مناطق همگن و غیر همگن

پس از تعیین کوتاه‌ترین فاصله در هر سطر از ماتریس فواصل و درج آن در ستونی جداگانه، برای شناسایی گزینه‌های همگن و غیرهمگن، فواصل حد بالا (d^+) و حدپایین (d^-) طبق رابطه زیر محاسبه گردید:

$$d^+ = \bar{d} + 2S_d$$

$$d^- = \bar{d} - 2S_d$$

در این روابط (d^+) معرف میزان حد بالا و (d^-) معرف میزان حد پایین است و (\bar{d}) میانگین و (S_d) انحراف معیار ستون کوتاه‌ترین فاصله می‌باشد. گزینه‌هایی که مقدار محاسبه شده برای آنها در ستون کوتاه‌ترین فاصله بین (d^+) و (d^-) قرار داشته باشند، همگن بوده و در یک گروه قرار می‌گیرند و می‌توان آنها را با هم مقایسه نموده و رتبه‌بندی کرد. اما اگر مقدار محاسبه شده برای گزینه یا گزینه‌هایی در ستون کوتاه‌ترین فاصله بیشتر از حد بالا (d^+) باشد، بیانگر این است که هیچ نوع تشابهی از نظر تولیدی-تجاری بین این گزینه یا گزینه‌ها با سایر گزینه‌ها وجود ندارد و قابل مقایسه با گزینه‌های دیگر نیستند. همچنین گزینه یا گزینه‌هایی که فاصله محاسبه شده مذکور برای آنها کمتر از حد پایین (d^-) باشد، گزینه یا گزینه‌هایی هستند که طول فواصل بین آنها کمتر از آن حد است که بتوان تفاوت بین این دو گزینه را نشان داد. در صورتی که گزینه یا گزینه‌هایی در بازه بین حد بالا و پایین قرار نگیرند باید از ماتریس تصمیم‌گیری حذف شده و عملیات آنالیز تاکسونومی برای گزینه‌های همگن باقی مانده مجدداً انجام پذیرد و این عمل آنقدر باید تکرار گردد که همه‌ی گزینه‌های باقی مانده در بازه بین حد بالا و پایین قرار گیرند.

در مثال حاضر مقادیر حد بالا و پایین به ترتیب برابر هستند با:

$$d^+ = 2.08 + 2(0.37) = 2.82$$

$$d^- = 2.08 - 2(0.37) = 1.34$$

از آنجا که مقادیر کوتاه‌ترین فاصله هر یک از سطریهای ماتریس فواصل مرکب (جدول ۳) بین دو حد بالا و پایین قرار دارند، در نتیجه همه مناطق در در مجموعه های همگن قرار گرفته و مراحل بعدی طی می‌شود.

مرحله پنجم: تعیین الگو یا سرمشق صادراتی برای هر یک از گزینه‌ها

برای تعیین منطقه‌ی سرمشق صادراتی باید به ماتریس استاندارد (جدول ۲) رجوع کرده و از هر ستون از ماتریس استاندارد، بزرگترین مقدار را به عنوان مقدار ایده آل یا مطلوب ترین مقدار آن شاخص انتخاب نمود. پس از تعیین مقدار ایده‌آل هر شاخص (هر یک از ستون‌های ماتریس استاندارد)، فاصله مرکب هر گزینه از گزینه ایده‌آل ستون که آنرا (Cio) یا سرمشق می‌نامند، محاسبه شد. برای محاسبه سرمشق از معادله زیر استفاده شده است:

$$Cio = \sqrt{\sum_{j=1}^n (Z_{ij} - Z_{oj})^2}$$

در این رابطه Cio معرف سرمشق صادرات، (Z_{oj}) معرف مقدار مطلوب و ایده آل شاخص j ام و (Z_{ij}) معرف مقادیر استاندارد شده گزینه i ام از از شاخص j ام می‌باشد. در این رابطه هرچه اندازه Cio کوچکتر باشد، دال بر مطلوبیت گزینه مورد نظر است و هر چه که مقدار Cio بزرگتر باشد نشان از عدم مطلوبیت گزینه مورد نظر است.

با مراجعه به جدول دو مقادیر سرمشق صادرات به صورت زیر محاسبه شد. روش محاسبه سرمشق صادرات برای گزینه آستارا (a) به صورت کامل نشان داده شده است. سایر موارد نیز به همین شکل محاسبه شده‌اند.

$$Cio_a = \sqrt{(.41-1.57)^2 + (1.61-1.61)^2 + (-.84-1.77)^2 + (-.35-1.67)^2} = 3.5$$

$$Cio_b = \sqrt{2.46 + 6.2 + 6.3 + 2.72} = 4.20$$

$$Cio_c = \sqrt{4.24 + 5.66 + 3.53 + 0} = 3.66$$

$$Cio_d = \sqrt{0 + 2.5 + 3.53 + 2.79} = 2.97$$

$$Cio_e = \sqrt{2.46 + 2.5 + 0 + 4.2} = 3.03$$

جدول ۴: محاسبه سرمشق صادراتی گزینه‌ها

	$\sqrt{(z_{i1} - z_{o1})^2}$	$\sqrt{(z_{i2} - z_{o2})^2}$	$\sqrt{(z_{i3} - z_{o3})^2}$	$\sqrt{(z_{i4} - z_{o4})^2}$	Cio
(a) آستارا	۱.۳۵	۰	۶.۸۱	۴.۰۸	۳.۵۰
(b) ارس	۲.۴۶	۶.۲	۶.۳	۲.۷۲	۴.۲۰
(c) انزلی	۴.۲۴	۵.۶۶	۳.۵۳	۰	۳.۶۶
(d) چابهار	۰	۲.۵	۳.۵۳	۲.۷۹	۲.۹۷
(e) ماکو	۲.۴۶	۲.۵	۰	۴.۲	۳.۰۳
$\sum Cio$	مجموع مقادیر سرمشق صادرات				۱۷.۳۶
\overline{Cio}	میانگین مقادیر سرمشق صادرات				۳.۴۷
S_{cio}	انحراف معیار مقادیر سرمشق صادرات				۰.۵۱

مرحله ششم: محاسبه درجه توسعه یافتگی مناطق

پس از اینکه سرمشق صادرات برای هر یک از گزینه‌ها محاسبه شد، درجه توسعه یافتگی گزینه‌ها با استفاده از رابطه زیر محاسبه شده است:

$$F_i = \frac{C_{io}}{C_o}$$

در این رابطه C_o معرف حد بالای سرمشق صادرات است و از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$C_o = \overline{C_{io}} + 2S_{cio}$$

$\overline{C_{io}}$ معرف میانگین و S_{cio} معرف انحراف معیار ستون مقادیر ایده آل ماتریس استاندارد می‌باشد.

F_i درجه توسعه یافتگی را نشان می‌دهد و مقدار آن بین صفر و یک متغیر است، هر چقدر که مقدار F_i به صفر نزدیک باشد نشان دهنده توسعه یافتگی بیشتر گزینه مورد نظر و هر قدر میزان آن به یک نزدیک شد، نشانه عدم توسعه یافتگی است. حد بالای سرمشق صادرات (C_o) در این مثال برابر است با:

$$C_o = 3.47 + 2(0.51) = 4.49$$

بر این اساس درجه توسعه یافتگی و رتبه توسعه هر یک از نواحی مورد بررسی به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$F_a = \frac{3.5}{4.49} = 0.78 \quad F_c = \frac{3.66}{4.49} = 0.82$$

$$F_b = \frac{4.2}{4.49} = 0.94 \quad F_d = \frac{2.97}{4.49} = 0.66$$

$$F_e = \frac{3.02}{4.49} = 0.67$$

جدول ۵: درجه و رتبه توسعه یافتگی مناطق آزاد مورد بررسی

گزینه	C_{io}	F_i	رتبه توسعه
(a) آستارا	۳.۵	۰.۷۸	۳
(b) ارس	۴.۲۰	۰.۹۴	۵
(c) انزلی	۳.۶۶	۰.۸۲	۴
(d) چابهار	۲.۹۷	۰.۶۶	۱
(e) ماکو	۳.۰۳	۰.۶۷	۲

مقادیر جدول ۵، نشان می‌دهد که منطقه‌ی آزاد چابهار با کمترین مقدار C_{io} (۲,۹۷) در میان چهار منطقه‌ی آزاد مورد مطالعه از مطلوبیت و ظرفیت بیشتری برخوردار است. منطقه‌ی آزاد ماکو با مقدار ۳,۰۳ از نظر C_{io} در رده‌ی دوم و آستارا، انزلی و ارس به ترتیب در رتبه‌های سوم تا پنجم قرار دارند.

نتیجه‌گیری

گذار از اقتصاد نفتی و تک محصولی به اقتصاد تولیدمحور، فرایندی درازمدت و چندوجهی است. سیاست‌گذاری توامان در اقتصاد خرد و کلان و یافتن بازارهای بهینه‌ی مصرفی برای تولید و صادرات غیرنفتی، یکی از رویه‌ها و الزامات مهم برای چنین گذاری است. تجربه‌ی سیاست‌های اقتصادی کشورهای موفق در عرصه‌ی تولیدات و صادرات غیرنفتی، نشان می‌دهد که دستیابی به توافقات و معاهده‌های تجاری-اقتصادی در چارچوب بلوک‌های اقتصادی از اهمیت فراوانی برای پویایی و ثبات تولید برخوردار است. در این میان، بلوک‌بندی با نزدیک‌ترین همسایگان که همجواری مکانی-فضایی دارند

و از نظر مراودات تجاری از نقطه نظر تاریخی نیز ظرفیت‌ها و میدان‌های جاذبه‌ی مناسبی دارند، در اولویت برخوردار است. در میان بلوک‌های اقتصادی بالقوه در فضای پیرامونی ایران، به نظر می‌رسد حوزه‌ی اورآسیا از اهمیت بیشتری به منظور قرارگیری به عنوان کانون بازاریابی و صادرات برخوردار است. در این حوزه‌ی فعال، شکل‌گیری اتحادیه‌ی اقتصادی اورآسیا به عنوان بلوک اقتصادی تاثیرگذار، میدان اقتصادی سودآوری است که می‌تواند ثبات و پویایی تولید و صادرات غیرنفتی را تا اندازه‌ای فعال نگه دارد. به دلیل چنین اهمیتی، تحقیق حاضر به شناسایی و اولویت‌بندی مناطق سرمشق صادراتی پرداخته است تا مطلوب‌ترین و مناسب‌ترین منطقه‌ی اقتصادی در درون کشور برای صادرات فعال به حوزه‌ی بلوک اتحادیه‌ی اقتصادی اورآسیا مشخص شود. از آنجا که بلوک‌های اقتصادی در مناطق آزاد اقتصادی از ضریب فعالیت و سودآوری بیشتری برخوردار هستند، از این رو در این تحقیق پنج منطقه‌ی آزاد اقتصادی شامل آستارا، ارس، انزلی، چابهار و ماکو انتخاب شدند تا ظرفیت صادراتی هر کدام با توجه به مهم‌ترین فرآورده‌های اقتصاد غیرنفتی کشور مشخص و اولویت‌بندی شود. نتایج نشان داد که از میان چهار شاخص اقتصاد تولیدی و صادراتی غیرنفتی (فرآورده‌های کشاورزی، دام و طیور و شیلات، منسوجات و منابع معدنی)، مناطق اقتصادی چابهار و ماکو به عنوان منطقه‌ی سرمشق اقتصادی شناسایی شدند. چابهار به عنوان تنها بندر اقیانوسی ایران می‌تواند با توسعه‌ی زیرساخت‌های ارتباطی و مواصلاتی، به قطب فعال صادراتی فرآورده‌های غیرنفتی به اورآسیا تبدیل شود. همچنین، توسعه‌ی این منطقه که مستلزم راه‌اندازی کریدورهای زمینی از جنوب به شمال ایران است، خُرده مناطق پیرامونی درون کشور را نیز از نظر اقتصادی

فعال می‌کند و به صورت دومینویی باعث تحرک تولید می‌شود. منطقه‌ی آزاد ماکو نیز می‌تواند به‌عنوان مکمل استراتژیک اقتصاد غیرنفتی در پهنه‌ی شمال، شمال غرب و غرب کشور تلقی شود. پیوستگی ارتباطی و زیرساختی دو منطقه‌ی چابهار و ماکو نیز زنجیره‌ی فعالیت و تحرک اقتصادی را در جنوب، شرق، مرکز، شمال و غرب ایران تکمیل می‌کند و قطب‌های تولید و صادرات غیرنفتی با پیوستگی‌های ساختاری و زیرساختی گسترش و تداوم می‌یابند.

منابع

- ابوالحسنی، علی محمد (۱۳۹۳)، تبیین نظریه نوکارکردگرایی، پژوهشکده باقرالعلوم.
- اسدی، سید پیمان و بهرامی، جاوید (۱۳۹۲)، «اقتصاد سیاسی نظام ارزی کشورهای نفتی»، پژوهشنامه‌ی اقتصاد انرژی ایران (اقتصاد محیط زیست و انرژی)، سال ۳، شماره ۹، صص ۱-۲۹.
- امیدی، علی (۱۳۹۸)، منطقه‌گرایی در آسیا: نگاهی به سازمان‌های آ.سه. آن، سارک و اکو، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۹۰)، «امکان‌سنجی و تأثیر تشکیل سازمان کشورهای صادرکننده گاز (اوجک) بر همگرایی و ارتقای امنیت، قدرت و سایر منافع کشورهای صادرکننده گاز»، فصلنامه‌ی روابط خارجی، سال ۳، شماره ۴، صص ۷-۵۳.
- درخشان، مسعود (۱۳۹۲)، «ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی: رویکرد اقتصادی-تاریخی به عملکرد قراردادهای نفتی در ایران»، پژوهشنامه‌ی اقتصاد انرژی، سال ۳، شماره ۹، صص ۱۱۳-۵۳.
- رضوی، سید عبدالله، سلیمی فر، مصطفی، مصطفوی، سیدمهدی و مرتضی بکی حسکویی (۱۳۹۵)، «بررسی تأثیر سیاست‌های پولی آمریکا بر قیمت نفت خام‌های شاخص در کوتاه مدت»، فصلنامه‌ی پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال ۲۴، شماره ۷۷، صص ۶۳-۷۹.
- Arvis, J.F., Yann, D., Shepherd, B. and Chorthip, U. (2020). Trade Costs in the Developing World: 2005–2020, Policy Research Working Paper 6309, World Bank, Washington, DC.
- Mansfield, E.D. and Milner, H. (2020). The New Wave of Economic Regionalism, in Diehl, Paul F., The Politics of Global Governance: International Organizations in an Interdependent World. Boulder: Lynne Rienner Publishers.
- Milner, H. (2019). International Trade, in Carlsnaes, Walter; Thomas Risse; Beth A. Simmons, Handbook of International Economics. London: SAGE Publications

- O'Loughlin, J. and Anselin, L. (2016). "Geo-Economic Competition and Trade Bloc Formation: United States, German and Japanese Exports, 1968-1992". *Economic Geography*. 72 (2): 131–160.
- Schott, J. (2020). "Trading blocs and the world trading system". *World Economy*. 14 (1): 1–17.

Detection of Iran's Pattern Export Regions with the aim of Exporting to Eurasian Economic Union members

Samira Mottaghi- Assistant Professor of Economics, Payame Noor University

Abstract

As one of the strategically targeted regions in Iran's economic policy, the Eurasian region has especial importance for Iran due to its complementary resources. Given the prevailing economic realities in Iran and its weakening due to US sanctions, identifying and targeting export zones around the country can improve the trend of the non-oil economy. In this regard, the present article with a causal-comparative method and numerical taxonomy method has a comparative study of five free trade-industrial zones of Astara, Aras, Anzali, Chabahar and Mako from the point of view of four production-economic indicators to identify the Cio, which has the largest capacity for exports to Eurasian countries. The results showed that in terms of indices of agricultural products, livestock products, poultry and fisheries, textiles and mineral resources, among the five free zones studied, Chabahar Free Zone (Cio 2.4) and Mako (Cio 3.03) ranks first and second as export-oriented regions. Therefore, the development of infrastructure and the conclusion of export contracts with a focus on these two regions between Iran and the member countries of the Eurasian Economic Union are of strategic importance.

Keywords:

Eurasian Economic Union, Free Trade Zones, Non-Oil Exports, Taxonomy, Iran.

مقالات پذیرفته شده

ارزیابی تاثیرات منطقه آزاد انزلی بر توسعه منطقه‌ای

(مطالعه موردی: شهرستان‌های رشت و بندر انزلی)

سید حمیدرضا مرتضوی^{*}، لیلا کیانی^۲

^{*} - نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد

گرمسار، گرمسار

^۲ - کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی گردشگری، دانشگاه خوارزمی، تهران

چکیده

همواره مناطق آزاد با دارا بودن قابلیت‌هایی نظیر توسعه صادرات، اشتغال‌زایی، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، جذب گردشگران داخلی و خارجی و ... می‌توانند زمینه‌ها را برای توسعه منطقه‌ای در ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فراهم نمایند. در حال حاضر با وجود گذشت سه دهه از احداث مناطق آزاد در ایران، این مناطق تاکنون نتوانسته‌اند از جایگاه مناسبی در نظام منطقه‌ای برخوردار شوند و علاوه بر برآورده نکردن انتظارات، خود نیز معضلات و چالش‌هایی جدی را در راستای توسعه منطقه‌ای به همراه داشته‌اند. لذا در پژوهش حاضر سعی شده است که با رویکرد برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تاثیرات مناطق آزاد بر توسعه منطقه‌ای مورد مطالعه منطقه آزاد انزلی مورد مطالعه قرار گیرد. پژوهش حاضر از نظر روش و ماهیت از نوع توصیفی - تحلیلی و از نظر هدف از نوع کاربردی - توسعه‌ای است. در این زمینه پژوهش حاضر به تاثیر منطقه آزاد انزلی بر توسعه منطقه‌ای شهرستان‌های انزلی و رشت خواهد پرداخت و ضمن تعیین نقش‌های مناطق آزاد در راستای توسعه منطقه‌ای این شهرستان‌ها، به ارزیابی مهمترین موانع و چالش‌های توسعه منطقه آزاد انزلی می‌پردازد. جامعه آماری مورد بررسی را کلیه کارشناسان و اساتید دانشگاه ساکن در منطقه آزاد انزلی تشکیل می‌دهند و اطلاعات مورد نظر نیز از طریق نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد موانع مدیریتی، زیرساختی، قانونی - سیاسی و موانع سرمایه‌گذاری از مهمترین موانع توسعه منطقه‌ای منطقه آزاد انزلی محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: توسعه منطقه‌ای، شهرستان بندر انزلی، شهرستان رشت، منطقه آزاد انزلی، نظام منطقه‌ای.

مقدمه

یکی از اهداف مهمی که در برنامه‌های توسعه دولت جمهوری اسلامی به آن پرداخته شده توسعه صادرات، به ویژه صادرات غیر نفتی و کاهش وابستگی به درآمدهای حاصل از صدور نفت خام و اتخاذ سیاست‌های مناسب برای توسعه آن است و شاید ایجاد مناطق ویژه اقتصادی یکی از راهکارهایی باشد که امکان رسیدن به این هدف را میسر می‌کند (سلطانی شیرازی، ۱۳۸۷: ۳۸). شناخت، برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بر این مناطق از نظر کارایی در دو حوزه جذب سرمایه گذاری خارجی و ایجاد اشتغال امری مهم به نظر می‌رسد. در این مناطق کاهش یا حذف حقوق و عوارض گمرکی صادرات و واردات، راه را برای تجارت آزاد و موفق هموار می‌کند. در مقابل، استفاده از منابع ارزی حاصل از صادرات در این مناطق به عنوان جایگزینی برای کمبود پس‌انداز ملی، ایجاد اشتغال، دستیابی به فناوری های نوین و جذب سرمایه‌گذاران خارجی و شرکت‌های فراملیتی، سبب پیشبرد اهداف اقتصادی خواهد شد. امروزه اشتغالزایی و کسب اشتغال کامل به عنوان یکی از شاخص‌های مهم در اقتصاد مطرح است. با افزایش روز افزون جمعیت و شرایط رکود تورمی حاکم بر اقتصاد کشور ملاحظه می‌شود که در سال‌های اخیر بیکاری رشد نسبتاً بالایی داشته است. در حال حاضر ایجاد فرصت‌های شغلی از اساسی‌ترین برنامه‌های دولت در دستیابی به هدف فوق می‌باشد. دولت با تشویق کارآفرینان و حمایت و ترغیب آنها در توسعه و ایجاد بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط توجه جدی خود را به این بنگاه‌ها به عنوان راه حلی اساسی در جهت دستیابی به تثبیت جمعیت، توزیع عادلانه در

آمد و ثروت، ایجاد اشتغال، افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی و... معطوف ساخته است (زیرک، ۱۳۸۷: ۳۶). امروزه در بسیاری از کشورها به نقش خوشه‌های کسب و کار برای توسعه اقتصادی مناطق و رشد صنایع خوشه‌ها تاکید می‌شود. مطالعه ابعاد منطقه‌ای چرخه‌های کسب و کار برای کشف ناهمگونی پنهان در تجزیه و تحلیل کشورها بسیار مهم است (گادیا ریواس، ۲۰۱۸: ۱۷۱). مارشال (۱۹۲۰)، در قرن نوزدهم، مزایای تجمع فعالیت‌های اقتصادی را توصیف کرده است. مارشال معتقد است که با تمرکز در مناطق صنعتی، شرکت‌ها از تولید صنعتی بزرگ و نوآوری‌های فنی و سازمانی بهره‌مند می‌شوند. بر اساس نظریه مارشال، پورتر، مفهوم خوشه‌ای را توسعه داده و محبوب کرده است. بر طبق تعریف پورتر خوشه‌های کسب و کار، گستره‌های جغرافیایی مانند دانشگاه‌ها، سازمان‌های استاندارد و انجمن‌های تجاری هستند که در زمینه خاصی با هم همکاری می‌کنند (کولاکووا، ۲۰۱۴: ۱۷۵). در کل مناطق ویژه اقتصادی، به مثابه یک منطقه خارجی در قلمرو داخلی یک کشور محسوب می‌شوند و ضمن برخورداری از اهداف عملیات تجاری از مالیات و تعرفه گمرگی معاف هستند و دارای مجموعه‌ای از سیاست‌های ابزاری و امتیازاتی هستند که امکان به کارگیری‌شان و استفاده از آنها در سایر نقاط یک کشور وجود ندارد (تاکور، ۲۰۱۰). طبق گزارش بانک جهانی مناطق ویژه اقتصادی در ایران شبیه مناطق آزادند و فقط چهار تفاوت اساسی با آنها دارند:

۱. در مناطق ویژه اقتصادی تأمین اجتماعی و مقررات کار شبیه به سرزمین اصلی است در حالی که این قوانین در مناطق آزاد آسان‌ترند؛
۲. مناطق آزاد مجاز به عمده فروشی و خرده فروشی هستند، اما مناطق

ویژه فقط مجاز به عمده فروشی هستند؛

۳. در مناطق ویژه اقتصادی فقط از خدمات بانکی و بیمه داخلی استفاده می‌شود، اما در مناطق آزاد تجاری، بانک‌های خارجی مجاز به ایجاد شعبه هستند.

۴. در مناطق ویژه قوانین ملی بر ثبت شرکت‌ها و حق مالکیت حاکم است، در حالی که در مناطق آزاد تجاری بنگاه‌ها مقررات خود را در این مناطق دارند (بابایی فرد، ۱۳۸۹).

منطقه آزاد تجاری - صنعتی انزلی یکی از «مناطق آزاد هفت‌گانه» ایران در استان گیلان است که در راستای اهداف اقتصادی این کشور، در سال ۱۳۸۴ شمسی در شهرستان‌های انزلی و رشت تأسیس شد. روستاهای طالب‌آباد، زیبا کنار، چپرپرد، حسن رود از روستاهای معروف و نزدیک منطقه آزاد هستند که در سال‌های اخیر رونق ساخت و ساز در آنها بالا رفته است. خرید و فروش زمین‌های کشاورزی و تبدیل آنها به ویلا، ایجاد بنگاه‌های متعدد املاک با شمایل‌شکیل و زیبا، همه اتفاقاتی است که در جوار این منطقه تجاری - صنعتی اتفاق می‌افتد. اما سازمان تجاری - صنعتی منطقه آزاد انزلی در مسیر کریدور شمال - جنوب در اصل تنها برای اینها احداث و به بهره‌برداری نرسیده است. به جز فعالیت صنعتی، بخش زیادی از این منطقه باید مورد بهره‌برداری بندری و گمرکی قرار گیرد. همچنین تشویق به تولید و صادرات، حضور در بازارهای جهانی، ارتباط با کشورهای حاشیه خزر، جذب فناوری‌های جدید و ... از دیگر اهداف ایجاد مناطق آزاد است. همچنان که اهدافی چون رونق گردشگری برای آن متصور است، اما اکنون مناطق آزاد در شرایط کنونی مشکلات زیادی تا رسیدن به استانداردهای مطلوب خود دارند. منطقه آزاد

انزلی هم از این قاعده مستثنی نیست. بسیاری از تفاهمنامه‌های همکاری صنعتی و گردشگری و توسعه‌ای در کارنامه عملکردی این سازمان دیده می‌شود، همانطور که بسیاری از مقامات دیگر کشورها از این منطقه زیبا بازدید داشته‌اند. در حال حاضر، وجود مناطق روستایی در اطراف این منطقه با توجه به بازدهی نه چندان مطلوب فعالیت‌های کشاورزی که معیشت اصلی روستاهاست از سویی، و عدم رونق و رواج صنایع مختلف در این روستاها از سوی دیگر، و با توجه به نیاز این منطقه به نیروی انسانی جهت پیشبرد فعالیت‌های خود، دلایل لازم را برای توجیه به کارگیری این ظرفیت انسانی در این منطقه را به دست می‌دهد (دربان آستانه و همکاران، ۱۳۹۴). در استان گیلان به غیر از شهر رشت، شهرهای دیگر استان به لحاظ سطح توسعه اقتصادی نسبت به شهر اول در سطح به مرتبه پایین‌تری قرار دارند. این وضع نه تنها در شهرها بلکه به شکل حادثری در روستاهای اطراف هر یک از این شهرها نیز مشاهده می‌گردد. چالش اصلی و مهمی که این روستاها با آن مواجه هستند، مسئله اشتغال و درآمد است (دربان آستانه و همکاران، ۱۳۹۴). امری که تداوم سکونت و بقاء در یک محیط و مکان را در وهله اول برای افراد و اهالی آن منطقه توجیه و به نوعی تضمین می‌کند. در سال‌های اخیر و در منطقه آزاد انزلی به دلیل سیاست‌های نادرست دولت، منطقه آزاد نه تنها راهی برای افزایش اشتغال نبوده است، بلکه شاهد کاهش سرمایه‌گذاری‌ها، نابودی روستاهای اطراف و بافت منطقه، افزایش قاچاق کالا، افزایش مناطق محروم، افزایش رانت، افزایش بیکاری در شهرهای مجاور و تولیدی‌های بومی، افزایش بی‌نظمی اجتماعی و افزایش ناهنجاری‌های فرهنگی در شهرهای اطراف و منطقه آزاد انزلی بوده است.

در همین زمینه آن چه که در تحقیق حاضر به عنوان چالش اصلی مطرح می‌باشد، این مساله است که مهمترین چالش‌ها و موانع توسعه منطقه آزاد انزلی شامل چه مواردی است؟

پیشینه پژوهش و چارچوب نظری

۱. منطقه آزاد

«منطقه آزاد تجاری» محدوده حراست شده بندر یا غیر بندری است که از شمول مقررات جاری عمومی کشور متبوع خارجی است و با استفاده از مزایایی مانند بخشودگی مالیات و عوارض گمرکی و معافیت از مقررات ویژه صادرات و واردات و با هدف جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تکنولوژی مدرن، امکانات کسب درآمدهای ارزی را فراهم می‌سازد. یعنی مناطق آزاد عمدتاً در راستای پردازش صادرات و کسب درآمد ارزی موجودیت می‌یابند. منطقه ویژه اقتصادی طبق تعریف و تلفیق قوانین و موضوعات چنین تعریف می‌شود: منطقه ویژه اقتصادی محدوده جغرافیایی مشخصی از سرزمین کشور میزبان است که مجهز به انواع امکانات برای پردازش صادرات و واردات و یا انبارهای آزاد نگهداری کالا برای ترانزیت - صادرات و واردات یا صادرات مجدد می‌باشد. منطقه ویژه اقتصادی در واقع مجموعه‌ای از انواع و اشکال مناطق تجاری - صنعتی و خدماتی می‌باشد. در واقع این شکل از مناطق، کهن‌ترین و هم به تعبیری جامع‌ترین و مدرن‌ترین شکل مناطق آزاد جهان تلقی می‌شوند.

۲. برنامه‌ریزی منطقه‌ای

برنامه‌ریزی منطقه‌ای فرایندی است در جهت تنظیم و هماهنگ کردن برنامه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با نیازها و امکانات محلی

(معصومی اشکوری، همان: ۴۷) تا جائی که این برنامه‌ریزی را برنامه‌ریزی برای جامعه تلقی می‌کنند. در واقع برنامه‌ریزی منطقه‌ای نه تنها برنامه‌ریزی برای جامعه است، بلکه از این جهت که در راستای توسعه ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی و کالبدی سرزمین تصمیم‌گیری می‌شود یک برنامه جامع، کامل و شاملی است که پرداختن به رابطه بین انسان و محیط و فعالیت از ویژگی‌های آن است. به عبارت دیگر دارای بعد فضائی است. اما پیتر هال نویسنده کتاب برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، واژه برنامه‌ریزی منطقه‌ای را به صورت متفاوت‌تر از آنچه در کتب برنامه‌ریزی فارسی زبان با ترجمه‌های فارسی آمده است به کار می‌برد. توصیف پیتر هال این نوع برنامه‌ریزی را با صفت «فضائی بودن» کافی نمی‌داند، زیرا بسیاری از انواع برنامه‌ریزی وجود دارد که «فضائی» هستند اما لزوماً به مفهوم واقعی چند بعدی و چند وجهی نیستند.

۳. برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای

منطق توسعه منطقه‌ای را می‌توان بدین گونه تعبیر کرد که: انباشت سرمایه، منابع جدید، رشد نیروی کار و پیشرفت فنآوری، عوامل اصلی رشد اقتصادی در منطقه است. برای انباشت سرمایه باید بخشی از درآمدهای موجود پس‌انداز شود تا با سرمایه‌گذاری (خواه تولیدی، خواه زیر بنایی) موجبات جذب نیروی کار جدید و به کارگیری فنآوری جدید فراهم گردد. با توجه به رشد بالای نیروی کار در کشورهای در حال توسعه، محدودیت اصلی در برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، همان سرمایه است؛ آن هم سرمایه‌ای که قسمت قابل توجهی از آن، قابلیت تبدیل شدن به ارز خارجی را برای انتقال فنآوری

خارجی داشته باشد. بنابراین، برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای باید با استفاده از سیاست‌های برون نگر، در راستای تحقق عناصر نوینی برای رشد اقتصادی منطقه گام بردارد و با تزریق منابع خارجی، امکان افزایش بهره‌وری و در پی آن، رشد مستمر تولیدات و سپس سرمایه‌گذاری را فراهم آورد. با تکرار این چرخه، در نهایت امکان استفاده بهینه و کامل از امکانات منطقه، میسر و توسعه اقتصادی، پدیدار می‌شود (صرافی، ۱۳۷۷).

۱.۳. نظریه‌های توسعه منطقه‌ای

در این زمینه نظریه‌های گسترده‌ای وجود دارد که به مهم‌ترین آنها در زیر پرداخته می‌شود:

۱.۱.۳. نظریه توسعه صادرات

این نظریه که بر پایه رابطه «مزیت نسبی» کشورها در فرآیند تجارت و تقسیم کار بین‌المللی قرار دارد، قائل به این نظر است که برای نیل به اهداف توسعه اقتصادی، بایستی رشته‌هایی از فعالیت‌های اقتصادی مورد انتخاب و سرمایه‌گذاری قرار گیرند که تولید کالا در آن رشته‌ها متضمن نسبت کوچکتري از هزینه سرمایه به هزینه کار است. چرا که کشورهای در حال توسعه عمدتاً با مشکل دارای (کاربر) تأمین سرمایه و همچنین بیکاری گسترده رو به رو هستند. بنابراین، تمرکز اولیه روی صنایع مزیت نسبی، با توجه به تبادلات داده ستانده این صنایع با دیگر بخش‌ها، به ایجاد صنایع سرمایه‌بر و تعادل عمومی اقتصادی از طریق ایجاد پیوندهای پسین و پیشین و مجمل کلام، توسعه اقتصادی منجر می‌شود. طرفداران این نظریه می‌گویند که اتخاذ استراتژی توسعه صادرات علاوه بر بهبود تراز پرداخت‌ها و تراز

بازرگانی (به علت ارز آوری بیشتر)، رشد سرمایه‌گذاری خارجی به علت توسعه مشارکت‌های خارجی ناشی از حضور در بازارهای بین‌المللی و ... و نهایتاً توسعه اقتصادی را در پی دارد، بدیهی است که کاربرد استراتژی توسعه صادرات، ملازمه با سیاست‌ها و برنامه‌هایی دارد که بایستی با یکدیگر چفت و بست شده و یک نظام ساختار یافته را به وجود آورند تا شرایط لازم برای کارآمدی این استراتژی فراهم شود. از زمره این سیاست‌ها می‌توان به رقابتی کردن بازار، آزادسازی تجاری، حذف موانع سرمایه‌گذاری خارجی، خصوصی‌سازی و واگذاری تصدی‌های دولتی، مقررات‌زدایی از فعالیت‌های اقتصادی و ورود و خروج از بازارها، حمایت‌های مالی و مالیاتی از صنعتگران صادراتی و جز اینها اشاره داشت.

۲.۱.۳. نظریه بازرگانی بین‌الملل

نظریه بازرگانی بین‌المللی که در واقع، تعمیم نظریه‌ای در سطح ملی، به سطح منطقه‌ای است و بر این باور است که به جای تولید وسیعی از کالا و خدماتی که منطقه نیاز دارد، باید بر تولید کالا و خدماتی متمرکز شد که در آنها، مزیتی نسبی در مقایسه با دیگر مناطق وجود دارد و با تخصصی شدن به جای متنوع شدن، درآمد بیشتری از صادرات به دست آورد که خود منشاء انباشت سرمایه و چرخه رشد اقتصادی خواهد شد.

۳.۱.۳. نظریه توسعه منطقه‌ای

مطرح‌ترین این دیدگاه‌ها، تئوری اقتصادی، رشد نامتعادلی هیرشمن بود. وی با طرح استراتژی نامتعادل، اولویت دادن و انتخاب بخشی از اقتصاد، به عنوان بخش پیشتاز و تمرکز سرمایه در آن را عامل اصلی توسعه منطقه‌ای

می‌دانست. به عقیده وی، بخش صنعت به دلیل داشتن پیوند زیاد بین فعالیت‌های مختلف، با بخش‌های دیگر باید به عنوان بخش پیش‌تاز مورد توجه قرار گیرد. هیرشمن نیروهای تمرکز را روی هم رفته قطبش نام نهاد که بر اساس آن توسعه در مرکز، سرانجام به رشد مناطق عقب مانده کمک کرده، توسعه آنها را به دنبال خواهد داشت (ضرابی و موسوی، ۱۳۸۸). نظریه راهبرد قطب رشد از جمله دیدگاه‌های دیگری برای توسعه منطقه‌ای بود. در این تئوری بر سرمایه‌گذاری‌های کلان صنعتی در مراکز بزرگ شهری تأکید می‌شود.

جان فریدمن این دیدگاه را سبب شکل‌گیری انباشتگی‌های شهری و تمرکز منطقه‌ای و پیامدهای آن را در قالب الگوی مرکز پیرامون مطرح می‌نماید. وی رابطه بین مرکز - پیرامون را رابطه‌ای استعماری می‌داند؛ به گونه‌ای که در مرکز، منابع و فعالیت‌های پیش برنده اقتصادی رونق می‌گیرد، در حالی که پیرامون در فرایند توسعه، حاشیه‌ای و توسعه نیافته باقی می‌ماند و ظهور خصیصه قطبش شدید ناشی از رشد نامتعادل درون منطقه‌ای پدیدار می‌شود (ضرابی و موسوی، ۱۳۸۸). عدم موفقیت این استراتژی‌ها در ایجاد تعادل درون منطقه‌ای موجب شد این دیدگاه‌ها و نگرش‌ها دستخوش دگرگونی گردند، به طوری که نگرش سیستمی و یکپارچه به توسعه منطقه‌ای مورد توجه قرار گیرد. ایده اصلی این موضوع اولین بار با کار جانسون (۱۹۷۰) و فائل (۱۹۷۶) آغاز و مطرح گردید (فنی، ۱۳۸۲، ۱۶)، تا اینکه راندینلی^۱ با

Janeston^۱

Fauel^۲

طرح رهیافتی به نام «عملکردهای شهری در توسعه روستایی»^۲ ایجاد شهرهای کوچک در پیوندی عملکردی با حوزه روستایی را محور قرار داد (صرافی، ۱۳۷۹، ۱۳۲-۱۳۱). از نظر وی دولت‌ها قادر هستند در رشد شهرهای کوچک تاثیر بگذارند و توزیع متعادل‌تری از جمعیت شهری و فعالیت‌های تولیدی اقتصادی ایجاد نمایند. بنابراین، راندینلی معتقد به پر کردن خلأ سلسله مراتبی سکونتگاه‌ها از بالا به پایین بوده، بر توزیع راهبردی سرمایه‌گذاری‌ها از طرف دولت تأکید دارد.

۴.۱.۳. نظریه مزیت رقابت ملی

بر پایه این نظریه که توسط مایکل پورتر ارائه شده، در هر کشور چهار عامل اصلی برخورداری از منابع اقتصادی و عوامل اولیه تولید، شرایط تقاضا، صنایع مرتبط و حمایت کننده و نوع استراتژی، ساختار و توان رقابتی شرکت‌ها محیطی را شکل می‌دهد که در آن شرکت‌های محلی به رقابت پرداخته و این عوامل موجب افزایش یا کاهش مزیت رقابتی کشور مورد نظر می‌شود. پورتر این عوامل را عناصر تشکیل‌دهنده لوزی یعنی مدل رقابتی مورد نظر خود می‌داند. وی چنین استدلال می‌کند که هنگامی شرکت‌ها می‌توانند در صنایع یا زیربخش‌های صنعتی به خوبی رقابت نمایند که این لوزی در وضعیت بسیار مطلوبی باشد.

وی همچنین بر این باور است که این لوزی یک سیستم تقویت کننده متقابل یا خود تقویت کننده است یعنی اینکه موقعیت یا حالت هر عنصر در وضعیت

^۱ Rondinelli

^۲ Urban Function and Rural Development

سایر عناصر تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، شرایط مطلوب تقاضا به خودی خود نمی‌تواند منجر به مزیت رقابتی گردد مگر اینکه وضعیت رقابتی در حدی باشد که شرکت‌ها نسبت به آن واکنش نشان دهند. پورتر همچنین اشاره می‌کند که دو متغیر شانس و نقش دولت نیز می‌تواند بر حوضه ملی به میزان زیادی اثر بگذارد (امینی خیابانی، ۱۳۹۴: ۶۱).

۴. خصوصیات مناطق آزاد تجاری - اقتصادی

۱.۴. اهداف مناطق آزاد اقتصادی در ایران

از جمله مهمترین اهداف مناطق آزاد اقتصادی در ایران شامل موارد زیر است:

- حضور فعال ایران در منطقه خلیج فارس و حوزه خزر
- کم کردن محدودیت‌های بازرگانی و بسط تجارت خارجی
- کمک به تحقق هدف صادراتی غیر نفتی و ایجاد تحرک در اقتصادهای منطقه‌ای
- کمک به رهایی اقتصاد کشور از اتکا به درآمد تک محصولی
- ایجاد اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی
- کمک به اجرای برنامه‌های توسعه اجتماعی، فرهنگی در مناطق محروم از طریق استفاده از امکانات بالقوه منطقه برای پیشرفت و توسعه منطقه‌ای
- جلوگیری از مهاجرت و تشویق اهالی به استقرار در این مناطق
- جذب سرمایه‌های سرگردان (جمی، ۱۳۹۵: ۲۹).

۲,۴. مزیت‌های قانونی منطقه آزاد تجاری - صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی

مزیت‌های قانونی منطقه آزاد تجاری - صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی به صورت جدول ۱، می‌باشد.

جدول ۱- مزیت های قانونی مناطق آزاد تجاری - صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی

منطقه ویژه اقتصادی	منطقه آزاد تجاری - صنعتی	شرح مزیت ها	ردیف
وجود دارد	وجود دارد	امکان ورود کالا بدون پرداخت عوارض گمرکی و سود بازرگانی به منطقه	۱
به تناسب ارزش افزوده و مواد داخلی به کار رفته معاف است.	به تناسب ارزش افزوده و مواد داخلی به کار رفته معاف است.	معافیت گمرکی برای ورود کالاهای ساخته شده در منطقه به داخل کشور	۲
وجود دارد	وجود دارد	امکان ترانزیت و صدور مجدد کالا بدون محدودیت	۳
وجود دارد	وجود دارد	امکان مشارکت و سرمایه گذاری داخلی و خارجی	۴
طبق قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی	طبق قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی مناطق آزاد	تضمین کامل سرمایه های خارجی و سود حاصل از آنها	۵
وجود دارد	وجود دارد	آزادی کامل ورود و خروج سرمایه	۶
تخفیف مالیاتی طبق مقررات داخلی کشور	تا ۱۵ سال معافیت مالیاتی وجود دارد	معافیت مالیاتی	۷

۸	امور بانکی ، پولی و ارزی	تابع مقررات مناطق آزاد است.	تابع مقررات داخل کشور است.
۹	مقررات کار و بیمه های اجتماعی در استخدام اتباع خارجی	تابع مقررات خاص مناطق آزاد است	تابع قوانین داخلی کشور است.
۱۰	خرده فروشی کالا	برای اتباع خارجی و داخلی امکانپذیر است.	فقط برای اتباع خارجی امکانپذیر است.
۱۱	مقررات روادید برای اتباع خارجی	نیاز به اخذ روادید قبلی نیست، روادید در مرز ورودی اعطا می شود	براساس ضوابط داخل کشور است.

منبع: نگارندگان

براساس جدول فوق مشوق‌هایی از جمله معافیت گمرکی ورود ارز و خروج کالا به خارج و آزادی کامل ورود و خروج سرمایه برای جلب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در مناطق ویژه اقتصادی در نظر گرفته شده است. با این وجود شرایط مربوط به سرمایه‌گذاری در مناطق ویژه اقتصادی و چگونگی و میزان مشارکت خارجی‌ان در فعالیت‌های هر منطقه براساس قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۱۹ است.

براساس این قانون پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی با توجه به ضوابط زیر انجام می‌پذیرد:

- موجب رشد اقتصادی، ارتقاء فنآوری و کیفیت تولیدات، افزایش فرصت‌های شغلی و صادرات شود.
 - موجب تهدید امنیت ملی و منافع عمومی، تخریب محیط زیست، اخلاف در اقتصاد کشور و تضييع توليدات مبتنی بر سرمایه‌گذاری‌های داخلی نشود.
 - متضمن اعطای امتیاز ویژه توسط دولت به سرمایه‌گذاران خارجی نباشد.
 - تملک هر نوع زمین به هر میزان به نام سرمایه‌گذار خارجی در چارچوب این قانون مجاز نمی‌باشد (حسین خانلو، ۱۳۹۴).
- براساس قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌گذاری در همه زمینه‌ها مجاز و در چارچوب روش‌های مشارکت مدنی، بیع متقابل و ساخت، بهره‌برداری و واگذاری و با تصویب مجلس شورای اسلامی امکان‌پذیر است. نظارت بر ورود، بکارگیری و خروج سرمایه‌گذاری خارجی بر عهده سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران، از طریق هیات سرمایه‌گذاری خارجی است.
- سرمایه‌گذاران خصوصی خارجی از کلیه حقوق، حمایت‌ها و تسهیلاتی که برای سرمایه‌گذاری‌های داخلی موجود است به طور یکسان برخوردار می‌باشند و مورد سلب مالکیت و ملی شدن قرار نمی‌گیرند (بازیار، ۱۳۸۹).
- در خصوص نرخ ارز مورد عمل برای ورود یا خروج سرمایه خارجی و همچنین کلیه انتقالات ارزی، نرخ آزاد روز به تشخیص بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ملاک خواهد بود. سرمایه‌گذاران می‌توانند با دادن پیش‌آگهی سه ماهه به هیات و بعد از انجام کلیه تعهدات پرداخت کسورات قانونی و تصویب هیات

و تایید وزیر امور اقتصادی و دارایی سرمایه خود را به خارج انتقال دهند (همتی، ۱۳۹۳: ۴۳). بنگاه‌های اقتصادی واقع در منطقه مجاز به صادرات کالای تولیدی خود می‌باشند و در صورت ممنوعیت صادرات، کالای تولیدی در داخل به فروش رسیده و حاصل آن به صورت ارز از طریق شبکه پولی رسمی کشور قابل انتقال به خارج می‌باشد. در مناطق ویژه اقتصادی به منظور جلب سرمایه‌گذار خارجی امکان مشارکت با سرمایه‌گذاران خارجی بدون محدودیت در نسبت مشارکت وجود دارد و حجم سرمایه‌گذاری خارجی در هر مورد تابع هیچ گونه محدودیتی نیست (سند راهبردی توسعه منطقه پارس، ۱۳۹۳).

۴. پیشینه نظری

سوابق پژوهشی و پیشینه تحقیقات انجام گرفته در خصوص موضوع تحقیقه به صورت جدول زیر می‌باشد:

جدول ۲. پیشینه تحقیق پژوهش حاضر

ردیف	محقق / سال	عنوان پژوهش	خلاصه نتایج
۱	مینجی و همکاران، ۲۰۱۷	اثر مناطق آزاد تجاری جدید بر توریسم هنگ کنگ و منطقه شانگهای	اثرات سطح خرد گردشگری در زمینه کلان توسعه منطقه آزاد تجاری در نظر گرفته می شود و همچنین هنگ کنگ باید در مناطقی که از توسعه اقتصادی مناطق آزاد حمایت می کنند، یکپارچه سازی نزدیکتری در توسعه چینی به دنبال، تنوع محصولات گردشگری فعلی آن و بهره برداری از نظریه فنی گردشگری داشته باشند.
۲	وانگ، ۲۰۱۳	بررسی نقش اقتصادی مناطق ویژه اقتصادی بر اقتصاد چین طی سالهای ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۷	توسعه این مناطق اقتصادی باعث افزایش سرانه سرمایه گذاری خارجی و بهبود نرخ بهره وری کل به میزان ۲/۹ شده است. به اعتقاد او مناطق ویژه اقتصادی علاوه بر جذب سرمایه و بهبود بهره وری نقش مؤثری در انتقال فناوری نیز دارند.

<p>بهره‌وری دولت، نرخ ارزان و اتهامات، آداب و رسوم روش ساده شده، مقررات روشن و مشوقهای مالیاتی رایگان، پنج عامل با درجه بالایی اهمیت عملیات کسب و کار در FTPZ شناخته شدند. علاوه بر این، نتایج نشان دادند که شرکتها در FTPZ عملکردشان را از لحاظ شهرت، سرمایه‌گذاری، رضایت مشتری و درآمد افزایش داده بودند.</p>	<p>ارزیابی یک بندر منطقه تجارت آزاد در تایوان و عوامل مؤثر بر فعالیت‌های کسب و کار و درجه اهمیت آنها برای بهبود محیط عملیاتی</p>	<p>چیو و همکاران، ۲۰۱۱</p>	<p>۳</p>
---	--	----------------------------	----------

<p>به سنجش یکی از برنامه‌هایی که از سال ۲۰۰۱ م، جهت افزایش تجارت امن و کارآمد، در طول مرزهای امریکا و کانادا اجرا شده، پرداخته است. بر اساس ارزیابی‌ها، این برنامه موجب کاهش میانگین زمان انتظار در ۴ نقطه از ۵ نقطه در طول این مرز و نیز موجب افزایش سود و کاهش هزینه‌ها شده است.</p>	<p>ارزیابی برنامه تجارت آزاد و امن در طول مرز کانادا و امریکا</p>	<p>باردبوری، ۲۰۱۰</p>	<p>۴</p>
--	---	-----------------------	----------

<p>صنعت موجب تغییر شاخصهای اقتصادی - اجتماعی شهرستان از جمله افزایش میزان اشتغال و درآمد، افزایش رفاه اجتماعی، تغییر و تحولات جمعیتی و تغییر نقش شهر پارسیان از کشاورزی و بازرگانی به خدماتی - صنعتی شده است. در صورت کم توجهی به طرحهای جامع شهرستان یا همان طرحهای توسعه و عمران ناحیههای و آمایش سرزمینی تعادل و توازن ساختارهای اجتماعی - اقتصادی و محیط زیستی، در سطح ناحیه و منطقه با چالشها و ناپایداری روبرو خواهیم بود.</p>	<p>تحلیل اثرات منطقه ویژه پارس جنوبی بر ساختار اقتصادی- اجتماعی شهرستان پارسیان</p>	<p>شماعی و دیودید، ۱۳۹۸</p>	<p>۵</p>
<p>نتایج عدم تأثیر منطقه ویژه اقتصادی در توسعه یافتگی بخش سلفچگان تأمین عدالت فضایی و جغرافیایی در منطقه بوده است. همچنین در نهایت به منظور توسعه سکونتگاههای محروم بخش سلفچگان با عنایت به مباحث عدالت فضایی، پیشنهادهایی به منظور توسعه این سکونتگاهها ارائه شده است.</p>	<p>بررسی و سنجش نقش مناطق ویژه اقتصادی در توسعه منطقه‌ای با تأکید بر آمایش سرزمین (نمونه موردی: بخش سلفچگان استان قم)</p>	<p>مصطفی توکلی نغمه و همکاران، ۱۳۹۶</p>	<p>۶</p>

<p>ایجاد منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان از طرفی باعث کاهش همبستگی اجتماعی و کاهش اعتماد اجتماعی، در بین مردم سلفچگان شده، اما از جانب دیگر وجود این منطقه، باعث بهبود رفاه اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی مردم شهر سلفچگان شده است.</p>	<p>تأثیر مناطق ویژه اقتصادی بر رفاه و توسعه اجتماعی مناطق شهری و روستائی (مطالعه موردی: منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان)</p>	<p>لطیفی و قائم پور، ۱۳۹۵</p>	<p>۷</p>
--	---	-------------------------------	----------

منبع: نگارندگان

۵. روش شناسی

تحقیق حاضر از نوع پژوهش‌های توصیفی - تحلیلی و کاربردی (عملی) می‌باشد.

در تحقیق حاضر جامعه آماری کلیه کارشناسان، صاحب نظران، اساتید دانشگاه و مدیران شهرستان‌های رشت و انزلی می‌باشند که تعداد ۳۵ نفر از آن‌ها از طریق مدل کوکران جامعه آماری نامحدود به عنوان حجم نمونه تعیین شد و تعداد ۳۵ پرسشنامه تکمیل گردید. بسته به نوع جامعه آماری می‌توان از روش‌های مختلفی برای نمونه‌گیری استفاده نمود که در تحقیق حاضر از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده گردید.

در این پژوهش در بخش آمار توصیفی از فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و غیره استفاده گردیده است. در بخش آمار استنباطی نیز به دلیل تبدیل نمودن متغیرهای پژوهش به متغیرهای شبه فاصله‌ای، برای محاسبه میزان اهمیت یا وجود هر ویژگی بر اساس طیف لیکرت (گزینه خیلی زیاد = ۵، زیاد = ۴،

متوسط = ۳، کم = ۲، خیلی کم = ۱) به دست آمده است و سپس امتیاز هر گزینه با حاصل ضرب فراوانی در امتیاز هر گزینه محاسبه و سپس با محاسبه مجموع امتیازات گزینه‌ها، امتیاز هر سوال به دست آمد. با تقسیم جمع امتیازات بر تعداد افرادی که به آن گزینه پاسخ داده‌اند، میانگین امتیازات به دست آمد. با توجه به آن که میانگین امتیاز هر سوال عددی بین ۱ تا ۵ می‌باشد، لذا این معیار برای سنجش اهمیت سوالات یا گزینه‌ها مورد استفاده قرار گرفت. سپس بر اساس نتایج به دست آمده از پرسشنامه، مشاهدات میدانی و اسناد رسمی، به تجزیه و تحلیل یافته‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS پرداخته شد. در راستای تجزیه و تحلیل داده‌ها و بر اساس نتایج به دست آمده از پرسشنامه، نتایج داده‌های حاضر از طریق آزمون میانگین و آزمون دو جمله‌ای در نرم افزار SPSS محاسبه شده و در مقابل هر شاخص قرار می‌گیرد و در نهایت شاخص‌ها مورد ارزیابی و تحلیل قرار خواهند گرفت.

جدول ۳. معیارهای به کار رفته در پژوهش

زیرمعیارها	شاخص های مهمترین موانع توسعه منطقه آزاد
<ul style="list-style-type: none"> - کمبود مراکز آموزش فنی و حرفه ای و دانشگاهی - ضعف زیرساخت های تفریحی-رفاهی در بخش سلفچگان - ضعف امکانات رفاهی برای کارکنان منطقه - ضعف امکانات و خدمات آموزشی - ضعف زیرساخت های ارتباطی - الکترونیکی - ضعف زیرساخت های بهداشتی 	<p>موانع زیرساختی</p>
<ul style="list-style-type: none"> - عدم برنامه ریزی برای تربیت نیروی انسانی ماهر و نیمه ماهر در سطح استان - ناهماهنگی بین دستگاهی در ارتباط با سازماندهی سکونتگاه های استان خصوصا بخش سلفچگان - عدم تناسب سطح توسعه اقتصادی-اجتماعی منطقه با فرهنگ منطقه - بروز اختلاف طبقاتی در اثر افزایش ناگهانی قیمت زمین در شهر انزلی و شهرها و روستاهای اطراف 	<p>موانع مدیریتی</p>

<ul style="list-style-type: none">- مقاومت بافت سنتی با تغییرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی- ضعف های قانونی در امور گمرکی- تغییر بافت فرهنگی اجتماعی محلی در اثر مهاجرتهای نیروی کار به منطقه- عدم تناسب سطح توسعه اقتصادی-اجتماعی منطقه با فرهنگ منطقه- مشکلات اخذ مجوز- فقدان طرح جامع مصوب معرفی و اولویت بندی سرمایه گذاری صنایع موجود- وجود مشکلات سرمایه گذاران خارجی به دلیل مسائل مرتبط با تحریم ها.- قانون ممنوعیت تملک زمین توسط سرمایه گذار خارجی در مناطق ویژه اقتصادی- عدم تمایل کارکنان شرکت ها و کارخانه ها به سکونت دائم در منطقه به دلیل مشکلات اجتماعی- ضعف امکانات و خدمات آموزشی- ضعف زیرساخت های ارتباطی - الکترونیکی- ضعف زیرساخت های بهداشتی- تحریم های بین المللی و کاهش تعاملات اقتصادی و بازرگانی با کشورهای مختلف.	<p>موانع سرمایه گذاری</p>
---	---------------------------

<ul style="list-style-type: none">- ضعف در بروکراسی اداری- تحریم های بین المللی و کاهش تعاملات اقتصادی و بازرگانی با کشورهای مختلف- تنگناهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران در برخی از کشورهای جهان- فقدان طرح های اقتصادی بلند مدت- مشکلات سیاسی ایران با کشورهای همسایه- همپوشانی و تداخل وظایف سازمان با نهادهای عمومی و دولتی در سطح استان و منطقه- مشکلات جذب و نگهداشت نیروی انسانی متخصص در منطقه- امکان الحاق نقاط روستایی به شهر سلفچگان و سایر شهرها- تغییرات در ساختار شهر سلفچگان و شهرهای اطراف نظیر آلودگی هوا، شلوغی، ترافیک و..	<p>موانع قانونی و سیاسی</p>
--	-----------------------------

منبع: نگارندگان

۶. تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

۶.۱. شناخت محدوده مورد مطالعه

۶.۱.۱. موقعیت جغرافیایی

منطقه آزاد تجاری - صنعتی انزلی یکی از «مناطق آزاد هفت‌گانه» ایران در استان گیلان است که در راستای اهداف اقتصادی این کشور، در سال ۱۳۸۴ شمسی در شهرستان انزلی و شهرستان رشت تأسیس شد. از سال ۱۳۹۲ با افزایش محدوده، این منطقه در پهنه آبی، خاکی و ساحلی سه شهرستان رشت، انزلی و آستانه اشرفیه در شمال ایران، منطقه جنوب دریای خزر و در مسیر کریدور شمال - جنوب واقع گردیده است.

هم‌اکنون دو سوم محدوده منطقه آزاد در شهرستان رشت واقع شده و مابقی آن در شهرستان‌های انزلی و آستانه اشرفیه قرار دارد. در اردیبهشت ۹۳ محدوده این منطقه از ۳ هزار و ۲۰۰ هکتار پیشین در شهرستان‌های رشت و انزلی به بیش از ۸ هزار و ۶۰۹ هکتار افزایش یافته و بخشی از شهرستان آستانه اشرفیه نیز به این منطقه افزوده شده است.

۶.۱.۲. جایگاه منطقه آزاد انزلی از منظر اقتصادی

در راستای تحقق اهداف اقتصادی مناطق آزاد، حذف بوروکراسی زاید و تمرکز امورات مربوط به صدور مجوز فعالیت‌ها و ارائه تسهیلات به سرمایه‌گذاران و صاحبان صنایع و حرکت کلیه فعالیت‌ها و کارکردها در جهت تحقق اهداف ماموریت‌های مناطق آزاد کلیه فعالیت‌ها و کارکردها در جهت تحقق اهداف و ماموریت‌های مناطق آزاد کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی که به هر نوعی فعالیت اقتصادی مجاز از قبیل تجاری، بازرگانی، صنفی، خدماتی، صنعتی، گرمکی، ایجاد بنا، تغییر کاربری‌ها، مجوز بهره‌برداری‌ها و ... در محدوده منطقه

آزاد انزلی، می‌بایست با مراجعه به سازمان منطقه آزاد انزلی تقاضای صدور مجوز نموده تا مجوز فعالیت برای آنان صادر گردد. به طوری که به استناد ماده ۱۱ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد، صدور مجوز برای انجام فعالیت اقتصادی مجاز، ایجاد بنا و تاسیسات و تصدی به انواع مشاغل توسط اشخاص حقیقی و حقوقی، در مورد مشاغلی که متصدی مستقیم ندارند (طاهری دریاسری، ۱۳۹۴: ۶۵)، در محدوده منطقه فقط در اختیار سازمان می‌باشد. لذا هیچ یک از نهادها و سازمان‌های دیگر طبق این قانون مجاز نیستند در محدوده منطقه آزاد انزلی هیچ‌گونه مجوزی صادر نمایند. یکی از عوامل موفقیت مناطق آزاد مزیت‌ها و معافیت‌های مالیاتی است. بر اساس ماده ۱۳ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد کشور، اشخاص حقیقی و حقوقی که در مناطق آزاد به انواع فعالیت‌های اقتصادی اشتغال دارند و مجوزهای مربوطه را (مجوز فعالیت و بهره‌برداری) را از سازمان منطقه آزاد انزلی دریافت نموده‌اند، نسبت به هر نوع فعالیت اقتصادی در منطقه آزاد از تاریخ بهره‌برداری مندرج در مجوز به مدت ۲۰ سال از پرداخت مالیات بر درآمد و دارایی موضوع قانون پرداخت‌های مالیات مستقیم معاف خواهند بود (طاهری دریاسری، ۱۳۹۴: ۶۵).

۶.۱.۳. شهرهای پیوسته به منطقه آزاد انزلی

۶.۱.۳.۱. بندر انزلی

شهرستان انزلی از شهرستان‌های استان گیلان در شمال ایران است. شهر ساحلی بندر انزلی مرکز این شهرستان بوده و در شمال غربی استان گیلان واقع شده می‌باشد. شهرستان انزلی از شمال به دریای خزر، از جنوب به شهرستان صومعه سرا از شرق به شهرستان رشت و از غرب به شهرستان

رضوانشهر متصل می‌باشد. نقشه دقیق این شهرستان از منبع مقابل قابل مشاهده است. شهرستان انزلی در ناحیه‌ای کاملاً جلگه‌ای به صورت طولی و در ساحل دریای خزر واقع شده و دارای تابستان‌های گرم و مرطوب و زمستان‌های ملایم می‌باشد. مرکز آن بندر انزلی از گذشته عنوان پر باران‌ترین شهر ایران را داشته‌است. بخشی از محیط زیست طبیعی این شهرستان را دریا (۴۰ کیلومتر نوار ساحلی) و بخش مهم دیگر را اکوسیستم ارزشمند تالاب انزلی تشکیل می‌دهد (یزدان پناه، ۱۳۹۲: ۴۳). بنابر سرشماری مرکز آمار ایران، جمعیت شهرستان انزلی در سال ۱۳۹۵ برابر با ۱۴۸۰۰۶ نفر بوده‌است. این شهرستان دارای آب و هوای مرطوب ساحلی می‌باشد. میزان بارندگی شهرستان بسیار بالا بوده به طوری که سالیانه متوسط ۱۸۹۲ میلی‌متر بارندگی دارد. بیشترین بارندگی در ماه‌های شهریور و مهر با ۴۴۰۰۹ میلی‌متر گزارش گردیده است. میزان رطوبت نسبی سالیانه به طور متوسط حدود ۷۱ تا ۹۷ درصد و درجه حرارت محیط زیست بین ۵/۳ تا ۲۸ درجه سانتیگراد در نوسان بوده است. انزلی بطور کلی تابستان‌های گرم و مرطوب و زمستان‌های ملایم دارد (شامی، ۱۳۹۲: ۱۸). مرکز آن بندر انزلی از گذشته عنوان پر باران‌ترین شهر ایران را داشته است.

۲، ۳، ۱، ۶. رشت

کلانشهر رشت از شهرستان‌های ساحلی استان گیلان در ایران به مرکزیت شهر رشت است. این شهرستان از شمال به دریای کاسپین از غرب به تالاب انزلی و شهرستان‌های انزلی، صومعه‌سرا و شفت، از جنوب به شهرستان رودبار

و از شرق به شهرستان‌های آستانه اشرفیه، لاهیجان و سیاهکل محدود می‌شود. جمعیت این شهرستان ۹۱۸،۴۴۵ نفر (برآورد ۱۳۹۰) است. رودخانه‌های سفیدرود، گوهررود، زرجوب و پیربازار رود از مهم‌ترین رودخانه‌های شهرستان رشت هستند. تالاب عینک بزرگترین تالاب شهری ایران در این شهرستان، در منطقه ۴ شهر رشت واقع است. ساحل شرقی تالاب انزلی محدود به دهستان پیر بازار شهرستان رشت است. وجود ۷۰،۰۰۰ هکتار اراضی کشاورزی و ۱۰،۰۰۰ هکتار باغ به جز اراضی آبی‌پروری در شهرستان رشت موقعیتی ممتاز برای این شهرستان ایجاد کرده است. ۱۱ درصد برنج ایران و ۲۸ درصد برنج گیلان در شهرستان رشت تولید می‌شود و از این لحاظ دارای رتبه نخست در کشور می‌باشد. ۱۰۱۳ هکتار باغ چای دیم و ۳۰۵ آبیاری رتبه ۵ تولید چای ایرانی را برای شهرستان رشت رقم زده است. دیگر محصولات شامل حبوبات، سبزیجات، صیفی جات، علوفه دام است. با عدم نظارت بالاترین میزان تغییر کاربری اراضی کشاورزی در شهرستان رشت در بین شهرستان گیلان اتفاق افتاده است و این مسئله به شدت کشاورزی و محیط زیست این شهرستان را تهدید می‌کند. با افزایش محدوده از ۳۰ روستای منطقه آزاد ۲۳ روستای ساحلی و غیرساحلی شهرستان رشت واقع در بخش‌های خمام، خشک بیجار و لشت نشا در محدوده منطقه آزاد قرار دارد.

۷. سنجش آمار توصیفی

۷.۱. مهمترین موانع توسعه منطقه‌ای

در جهت تجزیه و تحلیل پرسش‌های آمار توصیفی موانع توسعه منطقه‌ای منطقه آزاد انزلی، ابتدا پرسش‌ها از یکدیگر تفکیک گردید و سپس در نرم

افزار SPSS عملیات کدگذاری انجام گرفت، کدگذاری به صورت طیف لیکرت، اعداد ۱ تا ۵ ثبت گردید و پس از آن داده‌های پرسشنامه‌ها در محیط نرم‌افزار و در قسمت **Data view** ثبت گردید، پس از آن با استفاده از دستور **frequencies** میانگین هر یک از سوالات و طبقه‌بندی آنها در یک جدول کلی ثبت گردید که نتایج آن به صورت زیر می‌باشد:

جدول ۴. آمار توصیفی مهمترین موانع توسعه منطقه ای در منطقه آزاد انزلی

ردیف	نام شاخص	گویه ها	میانگین هر شاخص	میانگین کلی شاخص
۱	موانع زیرساختی	کمبود مراکز آموزش فنی و حرفه ای و دانشگاهی	۱,۷۵	۳,۷۳
۲		ضعف زیرساخت های تفریحی-رفاهی در بخش سلفچگان	۳,۶۹	
۳		ضعف امکانات رفاهی برای کارکنان منطقه	۴,۵۲	
۴		ضعف امکانات و خدمات آموزشی	۴,۷۸	
۵		ضعف زیرساخت های ارتباطی - الکترونیکی	۳,۶۶	
۶		ضعف زیرساخت های بهداشتی	۴,۰۲	
۷	موانع مدیریتی	عدم برنامه ریزی برای تربیت نیروی انسانی ماهر و نیمه ماهر در سطح استان	۴,۶۶	۴,۱۱
۸		ناهماهنگی بین دستگاهی در ارتباط با سازماندهی سکونتگاه های استان خصوصا بخش سلفچگان	۵	
۹		عدم تناسب سطح توسعه اقتصادی-اجتماعی منطقه با فرهنگ منطقه	۴,۷۳	
۱۰		بروز اختلاف طبقاتی در اثر افزایش ناگهانی قیمت زمین در شهر انزلی و شهرها و روستاهای اطراف	۲,۰۵	

۴,۰۵	۳,۶۵	مقاومت بافت سنتی با تغییرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی	موانع سرمایه گذاری	۱۱
	۴,۲۰	ضعف های قانونی در امور گمرکی		۱۲
	۴,۵۵	تغییر بافت فرهنگی اجتماعی محلی در اثر مهاجرت های نیروی کار به منطقه		۱۳
	۳,۶۸	عدم تناسب سطح توسعه اقتصادی-اجتماعی منطقه با فرهنگ منطقه		۱۴
	۳,۰۲	مشکلات اخذ مجوز		۱۵
	۲,۶۶	فقدان طرح جامع مصوب معرفی و اولویت بندی سرمایه گذاری صنایع موجود		۱۶
	۴,۴۴	وجود مشکلات سرمایه گذاران خارجی به دلیل مسائل مرتبط با تحریم ها.		۱۷
	۴,۱۲	قانون ممنوعیت تملک زمین توسط سرمایه گذار خارجی در مناطق ویژه اقتصادی		۱۸
	۴,۸۰	عدم تمایل کارکنان شرکت ها و کارخانه ها به سکونت دائم در منطقه به دلیل مشکلات اجتماعی		۱۹
	۴,۱۳	ضعف امکانات و خدمات آموزشی		۲۰
	۴,۴۸	ضعف زیرساخت های ارتباطی - الکترونیکی		۲۱
	۵	ضعف زیرساخت های بهداشتی		۲۲
	۳,۹۶	تحریم های بین المللی و کاهش تعاملات اقتصادی و بازرگانی با کشورهای مختلف.		۲۳

۳،۲۰	۳،۱۵	ضعف در بروکراسی اداری	موانع فانونی و سیاسی	۲۴
	۳،۲۶	تحریم های بین المللی و کاهش تعاملات اقتصادی و بازرگانی با کشورهای مختلف		۲۵
	۲،۳۲	تنگناهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران در برخی از کشورهای جهان		۲۶
	۳،۶۲	فقدان طرح های اقتصادی بلند مدت		۲۷
	۲،۰۲	مشکلات سیاسی ایران با کشورهای همسایه		۲۸
	۲،۳۴	همپوشانی و تداخل وظایف سازمان با نهادهای عمومی و دولتی در سطح استان و منطقه		۲۹
	۳،۶۱	مشکلات جذب و نگهداشت نیروی انسانی متخصص در منطقه		۳۰
	۳،۸۹	امکان الحاق نقاط روستایی به شهر سلفچگان و سایر شهرها		۳۱
۴،۶۰	تغییرات در ساختار شهر سلفچگان و شهرهای اطراف نظیر آلودگی هوا، شلوغی، ترافیک و..	۳۲		

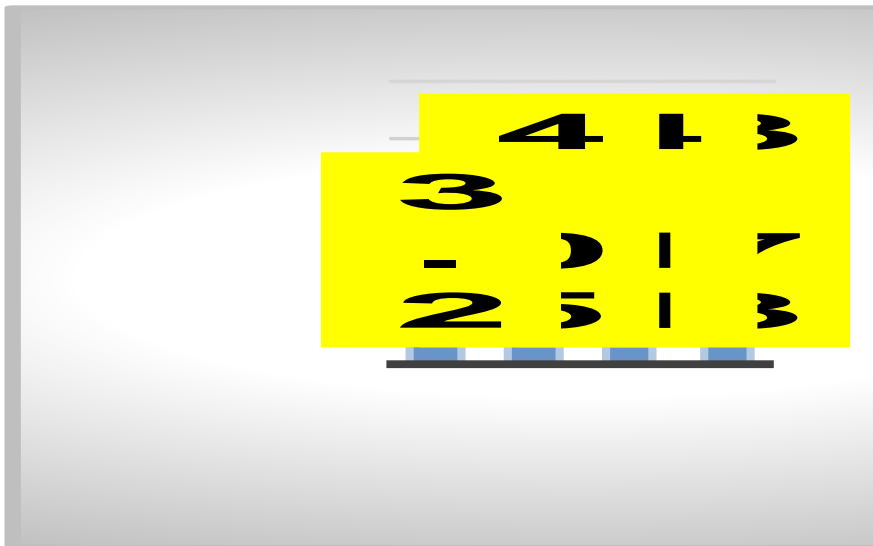
منبع: یافته های پژوهش

جدول ۵. ارزیابی مهمترین موانع توسعه منطقه ای منطقه آزاد

موانع توسعه	درصد تجمعی	درصد واقعی	درصد	فراوانی
موانع زیرساختی	۲۴.۷	۲۵	۲۴.۷	۳.۷۳
موانع مدیریتی	۵۲.۰	۲۷	۲۷.۲	۴.۱۱
موانع سرمایه گذاری	۷۸.۸	۲۷	۲۶.۸	۴.۰۵
موانع قانونی و سیاسی	۱۰۰.۰	۲۱	۲۱.۲	۳.۲۰
جمع		۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۵

منبع: نگارندگان

نمودار ۱. آمار توصیفی موانع توسعه منطقه ای



منبع: نگارندگان

بر اساس آمار و اطلاعات نمودار ۱، نتایج نشان می‌دهد که موانع مدیریتی و موانع زیر ساختی از جمله مهمترین موانع توسعه منطقه‌ای منطقه آزاد انزلی محسوب می‌شود و عوامل زیرساختی و قانونی - سیاسی نیز از اهمیت کمتری در این زمینه برخوردارند. در مجموع تاثیرپذیری شاخص‌ها، عوامل مدیریتی ۷۴,۶٪، عوامل اقتصادی با ۸۲,۲٪، عوامل زیرساختی با ۸۱٪ و عوامل سیاسی با ۶۴٪ بر موانع توسعه منطقه‌ای تاثیرپذیری داشته‌اند.

جدول ۶. آزمون دوجمله‌ای بر اساس متغیرهای موانع توسعه منطقه منطقه آزاد
انزلی

Binomial Test

	Category	N	Observed Prop.	Test Prop.	Exact Sig. (1-tailed)
موانع زیرساختی	Group 1 <= 3	۱۱	.۲	.۶	.۰۰۰ [□]
	Group 2 > 3	۳۹	.۸		
	Total	۵۰	۱.۰		
موانع مدیریتی	Group 1 <= 3	۱۵	.۳	.۶	.۰۰۰ [□]
	Group 2 > 3	۳۵	.۷		
	Total	۵۰	۱.۰		
موانع سرمایه‌گذاری	Group 1 <= 3	۱۰	.۲	.۶	.۰۰۰ [□]
	Group 2 > 3	۴۰	.۸		
	Total	۵۰	۱.۰		
موانع قانونی و سیاسی	Group 1 <= 3	۱۸	.۴	.۶	.۰۰۱ [□]
	Group 2 > 3	۳۲	.۶		
	Total	۵۰	۱.۰		

a. Alternative hypothesis states that the proportion of cases in the first group <.6.

منبع: یافته‌های نرم افزار spss

بر اساس نتایج جدول مدل دو جمله‌ای، از مجموع ۵۰ نفر از کارشناسان و اساتید حوزه مربوطه، در زمینه موانع زیرساختی تعداد ۱۱ نفر معادل ۲۰٪ مخالف تاثیرات موانع زیرساختی بر عدم توسعه منطقه‌ای شهرستان‌های رشت و انزلی بوده‌اند و تعداد ۳۹ نفر معادل ۸۰٪ موافق عدم توسعه منطقه‌ای شهرستان‌های رشت و انزلی بوده‌اند. در زمینه تاثیرات عوامل مدیریتی بر عدم توسعه منطقه‌ای نیز تعداد ۱۵ نفر معادل ۳۰٪ مخالف تاثیرات توسعه منطقه‌ای شهرستان‌های رشت و انزلی بودند و تعداد ۳۵ نفر معادل ۷۰٪ موافق تاثیرات عوامل مدیریتی بر عدم توسعه منطقه‌ای بوده‌اند. در زمینه تاثیرات موانع سرمایه‌گذاری بر عدم توسعه منطقه‌ای نیز تعداد ۱۰ نفر معادل ۲۰٪ مخالف تاثیر موانع سرمایه‌گذاری بر عدم توسعه منطقه‌ای شهرستان‌های رشت و انزلی بوده‌اند و در سوی مقابل تعداد ۴۰ نفر معادل ۸۰٪ موافق تاثیرات موانع سرمایه‌گذاری بر عدم توسعه منطقه‌ای شهرستان‌های رشت و انزلی بوده‌اند. در زمینه تاثیرات موانع قانونی - سیاسی بر توسعه منطقه‌ای نیز تعداد ۱۸ نفر معادل ۴۰٪ مخالف تاثیرات عوامل قانونی - سیاسی بر عدم توسعه منطقه‌ای بودند و تعداد ۳۲ نفر معادل ۶۰٪ موافق تاثیرات عوامل قانونی - سیاسی بر عدم توسعه منطقه‌ای بوده‌اند.

نتیجه‌گیری

امروزه مناطق آزاد تجاری، محور پیشرفت سایر مناطق پیرامونی به شمار می‌روند. ایجاد مناطق آزاد امری جدا از اقتصاد ملی نمی‌باشد، بلکه وسیله‌ای برای توسعه صنعتی و بخشی از برنامه‌ریزی کلان توسعه اقتصادی - اجتماعی

به شمار می‌رود. تأثیر جریان توسعه در مناطق محروم مجاور مناطق آزاد؛ توسعه اقتصادی در بلند مدت، همچون ظروف مرتبط سبب ایجاد فعالیت‌های جدید بویژه در شهرها و روستاهای اطراف منطقه آزاد می‌شود، ایجاد اشتغال و درآمدهای جدید با اثر تکاثری خود می‌تواند اقتصاد راکد مناطق محرومتر را به تکاپوی تازه سوق دهد و سطح فعالیت‌های اقتصادی این مناطق را بالا ببرند. در نتیجه اقتصاد ملی و منطقه‌ای چه به صورت مستقیم و چه غیر مستقیم از ایجاد منطقه آزاد و گسترش فعالیت‌های صنعتی - تجاری در آن منتفع می‌گردد و به سطوح بالاتری از تولیدات و مبادلات خارجی می‌گذارد.

براساس نتایج حاصل از مبانی نظری تحقیق، و در طرح پیشنهادی تحقیق سوال محوری «منطقه آزاد انزلی چه تاثیراتی بر شهرهای پیرامون خود داشته است؟» مد نظر قرار گرفته شد. در چارچوب آن در مبانی نظری به ترتیب زیر عمل شده در بخش اول به ارائه اصول و مفاهیم و کارکردها منطقه آزاد پرداخته شده است. سپس انواع مناطق آزاد و اهداف آن، عوامل موثر بر موفقیت این مناطق، تاریخچه مناطق آزاد در جهان، نقش مناطق آزاد در توسعه اقتصادی و تاثیرگذاری آن بر اقتصاد ملی، جایگاه آن در توسعه منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری‌های خارجی در این مناطق، و تفاوت‌های مناطق آزاد و ویژه اقتصادی مورد بررسی و شناسایی قرار می‌گیرد. در بخش دوم میانی نظری به بیان تاریخچه مناطق آزاد کشور، اهداف و ماموریت‌های سازمانی مناطق آزاد ایران و بررسی مناطق آزاد در ایران پرداخته شد.

در ادامه رویکردها و نظریه‌های توسعه و رشد منطقه‌ای تبیین کننده مناطق آزاد را مورد بررسی قرار دادیم. متون توسعه نشان می‌دهد که بر اساس نوع

رژیم‌های اقتصادی در کشورها، راهبردهای متفاوتی برای توسعه منطقه‌ای وجود دارد این راهبردها را می‌توان به لحاظ تحولات علمی و ضرورت‌های توسعه‌ای به سه گروه تقسیم کرد، عبارتند از:

۱. راهبرد مبتنی بر متعلق اقتصادی صرف،
۲. راهبرد مبتنی بر منطق اجتماعی و سیاسی،
۳. راهبرد مبتنی بر منطق حق توسعه‌یافتگی و حقوق شهروندی.

نتایج حاصل از مباحث فوق مبین این مسئله است که توسعه اقتصادی مبتنی بر راهبرد برونزا (صادرات‌گرا) از طریق پیوند اقتصاد ملی یا اقتصاد منطقه‌ای و جهانی و باز توزیع فعالیت‌های اقتصادی از طریق تمرکز منجر به توسعه بومی و داخلی خواهد شد و توجه سیاستگذاران منطقه‌ای، به همگرایی منطقه‌ای (کاهش تفاوت‌های اقتصادی

میان مناطق به ویژه تفاوت‌های مرکز - پیرامون) منجر خواهد شد. سرمایه‌گذاری زیربنایی به ویژه در روستاها و مناطق جمینی پراکنده، همچنین سرمایه‌گذاری‌های هدفدار و عمومی منجر به رشد فرصت‌هایی از قبیل، تمرکز بر تاثیر فعالیت‌های اقتصادی از جمله متانیایی صنایع و مناطق آزاد تجاری توجه به دانش فنی که به طور فزاینده به مثابه عامل قطعی رشد و پیشرفت است و چنین نگرشی موجب تولید مناطق با دانش فنی بالا و پارک‌های علمی می‌شود.

رویکرد شبکه منطقه‌ای، نگرشی نسبتاً متنوع، منعطف و جامع‌نگر به توسعه منطقه‌ای را پیش می‌کشد که بر هماهنگ‌سازی و ادغام توسعه روستایی با

توسعه شهری و اجرای آن در مقیاس منطقه‌ای و محلی استوار است. تئوری تجارت بین‌الملل و راهبرد توسعه اقتصادی با نگرش به تجارت بین‌الملل و نظریه رشد به نوعی اهداف ایجاد مناطق آزاد را توجیه می‌کنند. به طوری که با توجه به اینکه هر یک از این نظریات معتقدند با ایجاد زمینه‌های تولید و تجارت در سطح داخلی و بین‌المللی می‌توان به توسعه دست یافت. در واقع منطقه آزاد انزلی نیز در طرح‌های خود در نظر دارد با استفاده از دانش و سرمایه‌های داخلی و خارجی زمینه تولید و صادرات کالا را به بازارهای جهانی و به خصوص حاشیه دریای خزر گسترش دهد و از این طریق منجر به توسعه و گردش چرخ‌های اقتصاد ملی و محلی گردد. برای اینکار به منابع محلی، نیروی کار نیازمند است که در این زمینه این منطقه به یک منبع طبیعی و حجم قابل توجهی از نیروی کار ماهر و تحصیل کرده در منطقه دسترسی دارد. در نهایت در راستای شناسایی مهمترین موانع توسعه منطقه‌ای، نتایج نشان می‌دهد که موانع مدیریتی و موانع زیرساختی از جمله مهمترین موانع توسعه منطقه‌ای منطقه آزاد انزلی محسوب می‌شود و عوامل زیرساختی و قانونی - سیاسی نیز از اهمیت کمتری در این زمینه برخوردارند.

در مجموع تاثیرپذیری شاخص‌ها، عوامل مدیریتی ۷۴٫۶٪، عوامل اقتصادی با ۸۲٫۲٪، عوامل زیرساختی با ۸۱٪ و عوامل سیاسی با ۶۴٪ بر موانع توسعه منطقه‌ای منطقه آزاد انزلی تاثیرپذیری داشته‌اند.

منابع

- امینی خیابانی، غلامرضا، ۱۳۹۴، شناسایی عوامل موثر بر تدوین استراتژی های ورود به بازارهای بین المللی با تکنیک SRP (مطالعه موردی: صنعت مارگارین)، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه مدیریت اجرایی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- بازیار، عبدالله، ۱۳۸۹، تاثیر جذب سرمایه گذاری خارجی در زمینه انرژی در توسعه سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۵۷ لغایت ۱۳۸۸، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- توکلی، نغمه، مصطفی، خداداد، مهدی، آقا محمدی، علی اصغر، مرادی، محمد، (۱۳۹۶)، بررسی و سنجش نقش مناطق ویژه اقتصادی در توسعه منطقه ای با تأکید بر آمایش سرزمین (نمونه موردی: بخش سلفچگان استان قم)، مجله اقتصادی، دوره ۱۷، شماره ۱۱ و ۱۲.
- حسن خانلو، محمد حسین، (۱۳۹۴)، بررسی حمایت ها و محدودیت های قانونی سرمایه گذاری خارجی در نیروگاه های گازی، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم اقتصادی، علوم انسانی، دانشگاه مفید.
- داوودی، سید امیرحسین، (۱۳۹۴)، امکان سنجی قابلیت های شهرستان پاکدشت در برنامه های توسعه اقتصادی و اجتماعی حوزه شرق تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم اقتصادی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- دربان آستانه، علیرضا، توکلی، نغمه، مصطفی، تلخاب، امیر، (۱۳۹۴)، بررسی نقش منطقه ویژه اقتصادی در توسعه نواحی روستایی؛ (مطالعه موردی: منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان - استان قم)، نشریه برنامه ریزی منطقه ای، شماره ۲۰.
- زیرک، معصومه (۱۳۸۷)، بنگاه های کوچک و متوسط؛ فرصت یا چالش؟!، معاونت اقتصادی سازمان امور اقتصادی و دارایی استان همدان.
- سند راهبردی توسعه منطقه پارس، ۱۳۹۳

- شامی، محمد رضا، (۱۳۹۲)، ارزیابی نقش و اثر مناطق آزاد بر مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی (ICZM) (نمونه موردی: منطقه آزاد تجاری - صنعتی انزلی)، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- شمعی، علی و عارف دیوید، (۱۳۹۸)، تحلیل اثرات منطقه ویژه پارس جنوبی بر ساختار اقتصادی - اجتماعی شهرستان پارسیان، چهاردهمین کنگره انجمن جغرافیایی ایران، تهران: انجمن جغرافیایی ایران.
https://www.civilica.com/Paper-IGAC14-IGAC14_057.html
- ضرابی، اصغر، موسوی، میرنجف، (۱۳۸۸)، بررسی کارکرد شهرهای کوچک در نظام شهری و توسعه منطقه‌ای (مطالعه موردی: استان یزد)، نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، شماره ۳۴.
- طاهری دریاسری، محسن، (۱۳۹۴)، تبیین استراتژی توسعه اقتصادی منطقه آزاد انزلی و نقش آن به عنوان هسته اصلی مبادلات منطقه‌ای حوزه خزری، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- لطیفی، غلامرضا، قائم پور، محمد علی، (۱۳۹۵)، تأثیر مناطق ویژه اقتصادی بر رفاه و توسعه اجتماعی مناطق شهری و روستائی (مطالعه موردی: منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان)، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲۷.
- همتی، سمیه، (۱۳۹۳)، نقش صنعت بیمه در ارتقاء جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ارائه راهکارهای مناسب، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه مدیریت اجرایی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- یزدان پناه، فریده، (۱۳۹۲)، تخمین امواج بلند ناشی از عبور چرخندهای هواشناسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه اقلیم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.

منابع لاتین

- Mingjie Ji., Mimi Li, Brian King, (2017). " The Impacts of China's new free-trade zones on Hong Kong tourism", Journal of Destination Marketing & Management. 4(4,(
- Bradbury, S. L (2010). "An assessment of the free and secure trade (FAST) program along the Canada-US border". Journal of Transport Policy, 17.
- Chiu, Rong-Her; Taih-Cherng Lirn; Chia-Yi Li; Bing-Yan Lu and Kuo-Chung Shang, (2011): An Evaluation of Free Trade Port Zone in Taiwan, The Asian Journal of Shipping and Logistics, Volume 27, Issue 3
- Wang, Jin, (2010): The Economic Impact of Special Economic Zones: Evidence from Chinese Municipalities, North American Summer Meetings of the Econometric Society 2011.

تبیین عوامل ناکارآمدی و پیشران‌های کارآمدساز اتحادیه‌ی اقتصادی اوراسیا

عبدالوهاب یوسفی‌نژاد؛ قاسم اصولی^۲

^۱ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای، گرایش آسیای میانه و قفقاز،

دانشکده بیمه اکو، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

vahabyousefi@yahoo.com، شماره تماس: ۰۹۹۰۰۸۳۰۶۱۹

^۲ - استاد مدعو دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

Ghasem.osuli@gmail.com، شماره تماس: ۰۹۳۶۴۹۴۱۸۱۱

چکیده

در جهان کنونی کمتر کنشگری یافت می‌شود که بدون ورود به نظام اتحادها به نحو سریع‌تر و کم‌هزینه‌تری به منافع خود دست یابد. از زمره ابتکارات فدراسیون روسیه به منظور استفاده از نظام اتحادها در جهت تقویت توان اقتصادی خود تأسیس نهادی تحت عنوان اتحادیه‌ی اقتصادی اوراسیا است. محوریت پژوهش حاضر پاسخ به این سوال است که عوامل اصلی ناکارآمدی و پیشران‌های کارآمدی اتحادیه اقتصادی اوراسیا کدام‌اند؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به سوال مطرح می‌شود این است که عواملی مانند نگاه امنیتی فدراسیون روسیه به اتحادیه و در پی آن بی‌اعتمادی نسبت به اهداف این کشور، مداخله کشورهای غربی، عدم توسعه‌یافتگی برابر و هم‌سطح، اختلافات و اهداف متعارض اعضای اتحادیه، فقدان زیرساخت‌های مناسب، همسانی اقتصادی (تک محصولی بودن)، افت قیمت انرژی و عدم امکان کاربست منطق تسری، باعث ناکارآمدی اتحادیه شده است و مواردی مانند ایجاد ویزای اوراسیا، درک اعضای اتحادیه از وجود تهدید و رقیب مشترک، جاده ابریشم جدید، دید مثبت افکار عمومی کشورهای عضو، وجود ظرفیتهای بالقوه برای ترانزیت کالا به ویژه بین مناطق آزاد تجاری می‌تواند به عنوان پیشران‌هایی مهم در کارآمدسازی اتحادیه مثمر ثمر باشد. پژوهش حاضر با استفاده از روش کیفی و به شیوه توصیفی تحلیلی و ضمن مراجعه به منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

واژگان کلیدی: اتحادیه اقتصادی اوراسیا، همگرایی، جاده ابریشم، روسیه، انرژی

۱- مقدمه

رژیم‌های بین‌المللی که در شکل سازمان‌ها، اتحادیه‌ها، نهادها و تشکل‌ها به منصف ظهور رسیده‌اند غالباً در راستای نیل به برخی اهداف طراحی و تأسیس شده‌اند. بانیان این سازمان‌ها بر این عقیده هستند که نیل به منافع حداکثری و بهره‌گیری بهینه از ظرفیت‌ها به حرکت جمعی و تصمیم‌گیری چندجانبه و مشترک پیرامون مسائل مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی وابسته است. سازمان‌ها و اتحادیه‌های چندگانه، متنوع و با مأموریت‌های مختلفی که در اقتصای نقاط جهان در حال فعالیت هستند دستاوردهای فراوانی برای اعضا در پی داشته‌اند، پیامدها و نتایجی که با نقش‌آفرینی منفردانه کشورها احتمال کمتری برای دستیابی داشتند. روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نه تنها شاهد جدایی بسیاری سرزمین‌ها از بدنه این امپراتوری بود، بلکه خود را در مقابل سازمان‌های جدیدی نظیر ناتو و اتحادیه اروپا تحت نوعی انزوا دید. لذا حس محاصره‌شدگی یک دغدغه جدی برای حکمرانان روسیه بود و همین مسئله باعث شد به منظور جلوگیری از ورود رقبا و دشمنان به جغرافیای همجوار خود تأسیس برخی اتحادیه‌ها را در دستور کار قرار دهد. اتحادیه اقتصادی اوراسیا یکی از عمده تشکیلاتی است که با محوریت روسیه و به منظور هماهنگی و تشریک مساعی در حوزه‌های اقتصادی، زیر ساختی و به طور مشخص نظام تعرفه‌ای مشترک در قبال کشورهای غیرعضو تشکیل شد. از همین روی در چارچوب اتحادیه اوراسیا اعضای اصلی آن موافقت خود را با تردد آزاد کالا، سرمایه، نیروی کار و خدمات در مرزهای اوراسیا اعلام

داشته‌اند. به رغم اهداف بزرگ اعلام شده و مندرج در منشور اتحادیه، باید گفت که فرایند و روند همکاری‌ها به گونه‌ای نبوده که نشانگر یک سازمان کارآمد باشد، لذا وجوهی از ناکارآمدی بر سازمان مستولی است. آسیب‌شناسی اتحادیه به لحاظ کشف و تحلیل پسران‌های ناکارآمدساز و تلاش جهت آسیب‌زدایی یا ارائه پیشران‌های کارآمدساز اتحادیه یک ضرورت راهبردی است. محوریت پژوهش حاضر پاسخ به این سوال است که عوامل اصلی ناکارآمدی و پیشران‌های کارآمدی اتحادیه اقتصادی اوراسیا کدام‌اند؟ به منظور پاسخگویی بهتر به سوال اصلی برخی پرسش‌های فرعی نیز مطرح شده است، از جمله اینکه ماهیت و هدف اصلی تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا چیست؟ هر کدام از کشورهای عضو اتحادیه با چه هدفی به عضویت این اتحادیه درآمده‌اند؟ روش پژوهش کیفی است، داده‌ها با استفاده از رویکرد توصیفی و تحلیلی مورد واکاوی قرار گرفته‌اند، اطلاعات مورد نیاز به شیوه کتابخانه‌ای و با استفاده از مقالات، کتاب و اسناد و بهره‌گیری از ابزار فیش برداری گردآوری شده‌اند.

۲- مبانی نظری:

نئوکارکردگرایی

در خصوص همگرایی سازمانی برخی نظریه‌ها از جمله نئوکارکردگرایی وجود دارد. به منظور بررسی این نظریه ابتدا بایستی کارکردگرایی واکاوی شود. دیوید میترا نی که در ارتباط با این نظریه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، معتقد است که پیچیدگی فزاینده نظام‌های حکومتی، وظایف اساساً فنی

و غیرسیاسی حکومت‌ها در سطح ملی و بین‌المللی را به حدی افزایش داده است که حل آن‌ها مستلزم همکاری فن‌سالاران به‌جای همکاری نخبگان سیاسی است. این وضعیت به‌گونه‌ای است که ایجاد چارچوب‌هایی برای همکاری بین‌المللی در قالب سازمان‌های کارکردی را ضروری ساخته و می‌توان پیش‌بینی کرد که با افزایش وسعت و اهمیت مسائل فنی بشر، شمار و قلمرو این سازمان‌ها نیز افزایش یابد. چنین سازمان‌هایی ممکن است سرانجام نهادهای سیاسی گذشته را منسوخ یا بی‌ثمر سازند (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۲: ۶۶۶).

اما برخی از مفروضه‌های کارکردگرایی بنیان‌تقریر نظریه‌ای جدید شد که از آن با عنوان نوکارکردگرایی یاد می‌شود و عمدتاً در پیوند با نام «ارنست هاس» است. هدف نوکارکردگرایی تبیین این مسئله بود که چرا و چگونه دولت‌ها حاکمیت خود را رها می‌کنند و حاکمیت‌ها در هم ممزوج می‌شوند و فنون جدیدی جهت حل و فصل تعارضات میان کشورها تدبیر می‌گردد. هاس برخلاف میترانی اقتصاد و سیاست را کاملاً جدا از هم در نظر نمی‌گیرد و به اهمیت مسائل سیاسی، اقتصادی اذعان دارد. از یک سو، همگرایی مستلزم وجود نهادهای فراملی و فوق ملی در سطح منطقه‌ای است. از سوی دیگر، گروه‌های ذی‌نفع واحزاب سیاسی در داخل کشورها هستند که منافع را در همگرایی دنبال می‌کنند. اینها معمولاً پیوندهای فراملی نیز دارند. در این برداشت از همگرایی تأکید بر منافع مشترک متقابل است (مشیرزاده ۱۳۸۹: ۶۱-۶۲). ارنست هاس با اصلاحاتی که در نظریه کارکردگرایی به وجود آورد، توانست آن را در مورد جامعه زغال سنگ و فولاد اروپا به کار گیرد.

نوکارکردگرایی دست کم در شکل اولیه با کارکردگرایی در تعارض است. این تعارض ناشی از تأکیدی است که نوکارکردگرایی بر نهادهای فراملی دارد. به عقیده هاس، نوکارکردگرایی به جای تکیه بر ارزش‌های اجتماعی و تأکید بر انگیزه‌های نوع‌دوستانه، رقابت منافع متضاد را اساس کار خود می‌داند (hass,1964:230).

همانطور که گفته شد این نظریه یکی از برجسته‌ترین تئوری‌هایی است که پیرامون مسئله ادغام کشورها، سازمان‌ها و رژیم‌های بین‌الملل بحث می‌کند. استدلال اصلی در این دیدگاه ادغام‌های فرامرزی و تشریک مساعی بین دولتی است. شارحان بحث نوکارکردگرایی برخی از ایده‌های خود را با تمرکز بر کارکردگرایی در مورد تأثیر همکاری فنی بر ادغام کشورها ارائه می‌دهند. با این حال نوکارکردگرایی به عنوان یک تئوری کمتر حالت کاربردی و تجویز محور دارد و بیشتر به درک دلایل و چگونگی وقوع همگرایی و ادغام کشورها در عمل می‌پردازد. منطق نوکارکردگرایی با تکیه بر تحولات اولیه ادغام اروپا در اواخر دهه ۱۹۵۰ مدلی را برای توضیح سطح رو به رشد همگرایی اروپایی و نقش نهادهای فرامرزی در پیشبرد این رویکرد ایجاد کرد. کارکردگرایی نوین برخی اصول محوری دارد: اولاً در این نظریه استدلال می‌شود که وقتی کشورها برای همکاری در یک بخش معین توافق می‌کنند، این مسئله انگیزه‌هایی برای همکاری در سایر زمینه‌های مشابه یا مرتبط ایجاد می‌کند. در واقع، اشتراک منافع کامل و ادغام در بخش A گاهی با همکاری در بخش‌های B و C نیز انجام می‌شود، ثانیاً نوکارکردگرایی معتقد است که ادغام اقتصادی تقریباً همیشه منجر به افزایش تعامل بین بازیگران در یک منطقه

یکپارچه می‌شود. در نتیجه بازیگران فرعی و نقش‌آفرین در بخش اقتصادی با رهبران سیاسی خود به منظور همکاری‌های بیشتر لابی می‌کنند. ثالثاً نهاد فراملی که برای نظارت بر ادغام طراحی شده است اقدامات زیادی به منظور رصد فرایند یکپارچگی راهبردی کشورها انجام می‌دهد.

ذیل نظریه نئوکارکردگرایی یک مسئله تحت عنوان سرریز وجود دارد که مهم‌ترین بخش نظریه نئوکارکردگرایی است. سرریز سیستمی به مکانیسمی اشاره دارد که طبق آن ادغام در یک بخش شرایط و انگیزه‌هایی را برای ادغام در یک حوزه سیاست‌گذاری دیگر ایجاد می‌کند. ارنست هاس از این مسئله با عنوان همگرایی بخشی یاد می‌کند. از نظر این تئوری بحث سرریز به مانند قاعده گلوله برفی^۱ از یک نقطه شروع شده و تا آنجا می‌رسد که سیستم‌ها و اقتصادهای سیاسی ملی آنقدر در هم تنیده می‌شوند که در همه حوزه‌ها همکاری می‌کنند و از سوی دیگر با انتقال کارکردها از یک حوزه به حوزه دیگر سازمان شکوفا می‌شود (M.Dunn, 2012:3). کارکرد سیستمی نیز خود بر دو اصل استوار است: یکی منطق گسترده‌ای است و مطابق آن استدلال می‌شود که همانطور که در مورد جامعه ذغال سنگ و فولاد گفته شد چگونه ادغام و همگرایی در یک بخش می‌تواند انگیزه‌ها و فشارهایی را برای ادغام در سایر بخش‌های مجاور ایجاد کند. دوم به تعمیق ادغام و همگرایی در همان بخش اشاره دارد. به عنوان نمونه در صورت توافق بر سر نرخ ارز دولت‌ها مؤثرتر عمل می‌کنند. با این وجود موافقت با کاربست یک مکانیسم تحت

Spillover-^۱
snowball-^۲

عنوان «برابری نرخ ارز» احتمالاً انگیزه‌هایی را جهت همکاری گسترده پولی (مانند اتحادیه ارزی) افزایش می‌دهد (Rosamond, 2000: 60).

۳- اتحادیه اقتصادی اوراسیا: هدف و تاریخچه

اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۱ متشکل از روسیه، ارمنستان، بلاروس، قزاقستان و قرقیزستان وارد ششمین سال خود شده است. این اتحادیه در نتیجه تلاش تعدادی از کشورهای منطقه اوراسیا پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تکامل یافت. اتحادیه اقتصادی اوراسیا به طور رسمی در اول ژانویه ۲۰۱۵ تاسیس شد. این مسئله سومین مرحله از فرآیند ادغام اقتصادی روسیه در منطقه همجوار پس از فروپاشی شوروی است. قبل از ایجاد اتحادیه اوراسیا اتحادیه گمرک (در تاریخ ۱ ژانویه ۲۰۱۰) و بازار مشترک اقتصادی (در تاریخ ۱ ژانویه ۲۰۱۲) شکل گرفته بود. این سازمان جدید برخلاف پیشگام خود شخصیت حقوقی دارد (Jarosiewicz and Fischer, 2015: 1). در آگوست ۲۰۱۵ قرقیزستان رسماً به عضویت اتحادیه درآمد. ایران نیز در سال ۲۰۱۹ به عضویت درآمد. بازیگرانی نظیر ژریم صهونیستی، مصر و صربستان نیز در لیست انتظار اتحادیه قرار دارند. به طور کلی می‌توان روند شکل‌گیری اتحادیه را در جدول ذیل مشاهده کرد:

^۱ - Eurasian Economic Union (EAEU)

جدول ۱، سیرتطور شکل گیری اتحادیه اقتصادی اوراسیا

ردیف	سال	نوع عمل
۱	۱۹۹۴	پیشنهاد نظریات در دانشگاه مسکو تحت عنوان اتحاد اوراسیا
۲	۱۹۹۵	امضای معاهده ایجاد اتحادیه گمرکی بین بلاروس، قزاقستان و روسیه با هدف رفع موانع همکاری های اقتصادی، آزادی تجارت، تامین رقابت عادلانه و توسعه اقتصادی پایدار طرفها.
۳	۱۹۹۶	امضای معاهده تعمیق همگرایی اقتصادی و امور انسان دوستانه توسط روسای جمهور روسیه، بلاروس، قزاقستان و قرقیزستان
۴	۱۹۹۹	امضای معاهده اتحادیه گمرکی و فضای واحد اقتصادی توسط روسای جمهور بلاروس، روسیه، قزاقستان و قرقیزستان
۵	۲۰۰۰	امضای معاهده ایجاد ائتلاف همگرایی و همچنین ایجاد جامعه اقتصادی اوراسیا برای پیشبرد موثر اتحادیه گمرکی و فضای واحد اقتصادی بین بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه و تاجیکستان
۶	۲۰۰۳	امضای معاهده ایجاد فضای واحد اقتصادی بین روسیه، قزاقستان و بلاروس
۷	۲۰۰۶	توافق روسیه، قزاقستان و بلاروس برای فراهم کردن ایجاد اتحادیه گمرکی

امضای معاهده قلمرو گمرکی واحد و ایجاد اتحادیه گمرکی توسط روسیه، قزاقستان و بلاروس با هدف تامین آزادی تجارت متقابل و شرایط مطلوب تجارت بین اتحادیه گمرکی و طرفهای ثالث	۲۰۰۷	۸
آغاز به کار اتحادیه گمرکی بین روسیه، قزاقستان و بلاروس با هدف اعمال تعرفه های مشترک گمرکی، لغو تشریفات و کنترل های گمرکی در مرزهای داخلی و تامین آزادی حرکت کالا بین سه کشور	۲۰۱۰	۹
امضای بیانیه همگرایی اقتصادی اوراسیا و اعلام اجرای موفق اتحادیه گمرکی و آغاز حرکت به مرحله بعدی همگرایی اقتصادی واحد	۲۰۱۱	۱۰
اجرای شدن معاهده فضای واحد اقتصادی	۲۰۱۲	۱۱
امضای معاهده اتحادیه اقتصادی اوراسیا	۲۰۱۴	۱۲
آغاز به کار معاهده اتحادیه اقتصادی اوراسیا	۲۰۱۵	۱۳

منبع: <http://www.iras.ir>

ایجاد روابط اقتصادی عمیق تر بین اعضا و ادغام کشورها در یک نهاد اقتصادی منسجم هدف اعلانی اتحادیه بوده است بود. تاتیانا والوویا^۱ وزیر کمیسیون اقتصادی اوراسیا در این رابطه اینگونه می گوید: «سیاست ادغام اوراسیا تلاشی برای ساختن چیزی مشابه اتحادیه اروپا است» (Valovaya, 2016). ولادیمیر پوتین در مقاله ای در مورد طرح اتحادیه اوراسیایی بر این عقیده است که: «هدف ما از تشکیل اتحادیه اوراسیا بازسازی اتحاد جماهیر شوروی نیست،

^۱ Tatiana Valovaya-

زیرا چنانچه سعی کنیم چیزی که در گذشته بوده، احیا کرده و یا از آن تقلید نماییم، کار صحیحی انجام نداده و به خطا رفته‌ایم. با این حال همگرایی بر مبنای شرایط جدید ارزشی، سیاسی، و اقتصادی از مقتضیات زمان و سیاست بین‌الملل است. ما الگوی یک اتحادیه نیرومند فراملیتی را پیشنهاد می‌کنیم که این اتحادیه ظرفیت آن را دارد به یکی از قطب‌های جهان تبدیل شود. این بدان معنا است که می‌توان بر اساس اتحادیه گمرکی و فضای واحد اقتصادی به هماهنگی نزدیک‌تر در حوزه سیاست اقتصادی و ارزی رسید. دیگر اینکه، اتحادیه اوراسیا به نوعی کانون روندهای بعدی همگرایی خواهد بود. در این اتحادیه همکاری‌های انسانی در زمینه علمی، فرهنگی، آموزش و تعامل در زمینه تنظیم بازارهای اشتغال دورنمای وسیعی دارد. در واقع، اتحادیه اوراسیا بر محوریت اصول بنیادین همگرایی یعنی ارزش‌های آزادی، دموکراسی و قوانین اقتصاد بازار تشکیل خواهد شد» (putin,2011).

هدف اصلی اتحادیه اقتصادی اوراسیا اطمینان از حرکت آزاد کالاها، خدمات، سرمایه و کار و تسهیلات گمرکی مشترک است. هنگامی که چارچوب اولیه اتحادیه مورد مذاکره قرار گرفت، درک مشترک این بود که این سازمان بر امور اقتصادی متمرکز شود و تا حد امکان غیر سیاسی باشد. کشورهای عضو اتحادیه غالباً ادعا می‌کنند که این اتحاد صرفاً پروژه ساخت امپراتوری روسیه نیست، بلکه در عوض یک تمرین مشروع و تقاضا محور در راستای حاکمیت منافع اقتصادی منطقه‌ای است، از این رو بر این باورند که اتحادیه اوراسیا اوج یک پروژه چند مرحله‌ای در راستای ادغام عمیق اقتصادی است. عملیاتی ساختن یک بازار مشترک با ۱۸۰ میلیون مصرف کننده، که در آن

سیاست‌های اقتصادی با هماهنگی کامل صورت گیرد یکی از اهداف اعلامی بوده است (Dragneva and Wolczuk,2017:4). نکته قابل توجه در اتحادیه تأکید بر اساس اصل برابری رسمی همه کشورها است. آنها همچنین بر وجود یک رژیم مشترک حقوقی تأکید کرده‌اند که توسط نهادهای نظارتی و قضایی مشترک پشتیبانی می‌شود. این موارد شامل کمیسیون اقتصادی اوراسیا به عنوان یک تنظیم‌کننده دائمی جهت فرآیند ادغام کشورها است که در مسکو مستقر است، همچنین اتحادیه دارای یک دادگاه است که در مینسک مستقر است (diyachenko and entin,2017:53). نقشه ذیل نشانگر پهنه جغرافیایی اتحادیه اقتصادی اوراسیا است.

نقشه ۱، پهنه جغرافیایی کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا



Source: Crisisgroup,2017

۴- پسران‌های ناکارآمدساز اتحادیه اقتصادی اوراسیا

اتحادیه‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی غالباً تحت تأثیر برخی شرایط و مسائل با فراز و فرودها و برخی ناکارآمدی‌ها مواجه می‌شوند. به گواه تاریخ کمتر سازمانی یافت می‌شود که بدون وجود چالش به کنشگری پرداخته باشد. اتحادیه اقتصادی اوراسیا از زمره سازمان‌هایی است که در مدت نیم دهه فعالیت خود توفیق چندان ملموسی نیافته است. در ذیل تلاش بر این است بنیادی‌ترین دلایل ناکارآمدی این موضوع مورد تأمل و بحث قرار گیرد:

۴-۱. نگاه امنیتی فدراسیون روسیه به اتحادیه و بی‌اعتمادی به این کشور هر چند اتحادیه اقتصادی اوراسیا بر اساس مانیفست و مرام‌نامه خود سعی بر این داشته که در بطن و ماهیت اتحادیه یک رویکرد اقتصادی وجود داشته باشد ولی فدراسیون روسیه در سپهر این هدف اقتصادی سعی بر این دارد که رویکردها و مسائل امنیتی مطلوب خود را جامه عمل بپوشاند. روسیه تاکنون برای پیشبرد پروژه اتحادیه تلاش زیادی انجام داده است. با این حال این کشور به طور فزاینده تمایل بیشتری به استفاده از قاعده «چماق به جای هویج» در روابط با شرکای نشان داده است. به رغم توسعه اندک ابتدایی اتحادیه، نوع نگاه پدرسالار روسیه، تعمیق و ادغام بیشتر کشورها را مشکل‌تر خواهد ساخت. نگاه امنیت‌محور روسیه به ماهیت فعالیت اتحادیه آن را محکوم به بی‌حرکی و رکود کرده است. روسیه سعی بر این دارد که از دریچه مسائل

-a stick rather than a carrot¹

اقتصادی کشورهای همجوار را بیشتر در کنترل امنیتی و سیاسی خود قرار دهد.

به همین خاطر است که قرائت و خوانش امنیت‌محور از فعالیت‌های اقتصادی دارد. علاقه اصلی روسیه به ادغام اوراسیا تقویت قدرت جهانی خود است (Dragneva and Wolczuk, 2017:3). همین مسائل باعث شده است که اغلب این اتحادیه را به عنوان ابزاری برای احیای قدرت روسیه در اوراسیا مورد بحث قرار داد. حتی در زمان تأسیس آن اینگونه مطرح شد که آیا این تصمیم اولین قدم برای احیای اتحاد جماهیر شوروی توسط روسیه است (Putz, 2018:3). در مقابل روسیه شک و تردید در مورد پروژه اوراسیا را به عنوان تلاش دشمنان به منظور محروم کردن کشورهای این منطقه از یک سازمان قدرتمند اقتصادی منطقه‌ای می‌داند. همچنین آن را نشانه‌ای از «توطئه‌ای ضد روسی» از سوی غرب تلقی می‌کنند.

روی هم رفته باید گفت که این اتحادیه عمدتاً یک پروژه تحت هدایت روسیه است. ماهیت روابط بین روسیه و سایر کشورهای عضو به روسیه این امکان را می‌دهد که منافع اصلی خود را در داخل و خارج از اتحادیه به راحتی دنبال کند. اغلب اوقات ادغام اوراسیا در یک اتحادیه اقتصادی از دریچه منشور استراتژی سیاست خارجی روسیه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و مفهوم «بازیابی امپراتوری» و «هژمونی طلبی» به طور گسترده‌ای جهت توصیف رفتار این کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد (Kirkham, 2016:112). از این رو باید گفت که این اتحادیه برای روسیه وسیله اصلی جهت تحقق برنامه جهانی ژئوپلیتیک است. علیرغم عدم تمایل مسکو جهت پیروی از مقررات متداول

نهفته در اتحادیه، اما اهمیت آن همچنان زیاد است. برای سایر کشورهای عضو، حتی با مزایای اقتصادی متوسط (در بهترین حالت) و عدم توانایی در مقابله با روسیه، دلایل کافی برای مشارکت وجود دارد. از نظر تئوری، اعضا می‌توانند به گزینه‌هایی یعنی خروج از اتحادیه متوسل شوند. با این حال، این مسئله مساوی با مواجهه با اهرم‌های تهدیدآمیز روسیه در آینده است. به تعبیری روسیه همچنین با توجه به تجربه اوکراین تمایل دارد تا هر کشور دیگری در منطقه را که بخواهد به سوی اتحاد با اروپا حرکت کند به وسیله ابزارهای همین اتحادیه اوراسیایی تنبیه کند (میرفخرایی، ۱۳۹۴: ۱۵۹).

در پایان باید گفت که اتحادیه اقتصادی اوراسیا بدون شک جامع‌ترین شکل ادغام اقتصادی کشورهای پس از اتحاد جماهیر شوروی از زمان تجزیه این امپراطوری است. با این حال، شیوه‌ای که در روند ادغام در حال وقوع است، و همچنین سیاست تهاجمی روسیه طی چند سال گذشته، نشانگر این است که اتحادیه اوراسیا در درجه اول به یک پروژه سیاسی تبدیل شده است و اهمیت جنبه‌های اقتصادی آن کمرنگ شده است. روسیه همچنین تمایل دارد تا از ایجاد اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای تقویت روایت خود در مورد لزوم تجدید نظر در نظم بین‌المللی و ترویج جهانی چند قطبی در عین رد سلطه آمریکا استفاده کند. روسیه همچنین از اتحادیه اوراسیایی استفاده می‌کند تا نشان دهد که هنوز هم پیمانانی در رویارویی مداوم خود با غرب دارد. ایده تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا پس از بحران اوکراین و برکناری رئیس‌جمهور ویکتور یانوکوویچ در فوریه ۲۰۱۴، هنگامی که مشخص شد که رهبری جدید اوکراین امیدوار است روابط نزدیکتر با اروپا برقرار کند، قوی‌تر شد. روسیه به

دلیل الحاق کریمه و پشتیبانی نظامی از نیروهای طرفدار روسیه در شرق اوکراین توسط غرب تحریم و منزوی شد. مسکو در این برهه نیاز به تنظیم استراتژی‌ای جدید در بخش اوراسیا داشت (Perović, 2019). از این رو فارغ از موضوع تلاش برای تعریف خود به عنوان قدرت جهانی، مسئله تحریم‌ها علیه روسیه از جانب غرب که از سال ۲۰۱۴ تشدید شده در انگیزه‌های این کشور به منظور تشکیل اتحادیه اوراسیا نقش مهمی داشته است. بازار اقتصادی اتحادیه می‌تواند به عنوان یک نوع «دستگاه تنفسی» در دوران تحریم برای روسیه ایفای نقش کند. در واقع شکل‌گیری اتحادیه اروپا در شرایط دشوار ناشی از تلاطم‌های ژئوپلیتیکی و مصادف شدن آن با اعمال تحریم‌های شخصی و بخشی آمریکا و اتحادیه اروپا این فرض را تقویت می‌کند که روس‌ها اتحادیه اقتصادی اوراسیا را به عنوان اهرمی در راستای خنثی‌سازی تحریم قلمداد می‌کنند. باید تأکید کرد که سیاست تحریمی غرب در قبال روسیه دارای ویژگی‌های زیادی است. اولاً این تحریم‌ها واقعاً پیچیده و سیستمی هستند و طیف گسترده‌ای از روابط فدراسیون روسیه و مجموعه غرب را در بر می‌گیرند. دوم اینکه این تحریم‌ها فشارهای اقتصادی، از جمله تحریم‌های تجاری، مالی و شخصی علیه افراد (نمایندگان مشاغل بزرگ، سیاستمداران و مقامات دولتی)، تحریم‌های بخشی، و همچنین تحریم‌ها علیه شرکت‌های خاص در بخش واقعی اقتصاد و در نهایت برخی از بانک‌های بزرگ روسیه و موسسات مالی را در بر می‌گیرد. درخور توجه است که این مسائل یک تهدید جدی برای نظام اقتصادی و متعاقب آن سیستم سیاسی فدراسیون روسیه به

شمار می‌رود. با این وجود این تحریم‌ها منجر به از دست دادن ۶٪ از تولید ناخالص داخلی ملی بین سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۹ در کشور روسیه گردیده است (Shamishev and Toktamysov, 2019:477). این تحریم‌ها از سوی کشورهای غربی به صورت خودکار تداوم پیدا کرده است. همین مسئله باعث شد که دولت روسیه با توجه محدودیت‌های ناچیز در محیط همجوار خود با یک اقدامی فوری به منظور تشکیل اتحادیه، مکاتباتی با دولت‌های مد نظر انجام دهد. همین مسائل باعث شده که روسیه از نظر اقتصادی بیشترین ارزش را برای پروژه ادغام اقتصادی کشورهای اوراسیا در درون یک سازمان قائل است (Kalra & Saxena, 2015). به عنوان نمونه تجارت روسیه با قزاقستان و بلاروس از زمان پیوستن به اتحادیه گمرک تقریباً ۸۰٪ افزایش یافته است (Deceuninck, 2018:39).

مسائل مطرح شده در فوق باعث گردیده که یک نوع بی اعتمادی نسبت به اهداف روسیه شکل بگیرد. لازم به ذکر است که پس از اتحاد جماهیر شوروی اتحادیه اقتصادی اوراسیا یکی از ابزارهایی است که روسیه با استفاده از آن سعی در کنترل و هدایت سیاست خارجی کشورهای عضو را دارد. روشی که مجبور شد ارمنستان را به منظور پیوستن به اتحادیه اوراسیا ترغیب کند. نمونه‌های دیگر شامل دعوت‌نامه ارسال شده به جمهوری آذربایجان و تاجیکستان برای پیوستن به اتحادیه اوراسیا و پیشنهادات اخیر مبنی بر پیوستن ازبکستان به سازمان است. اتحادیه همچنین به عنوان بستری برای روسیه جهت ترویج مفهوم اوراسیایبسم و تقدم تمدنی روسیه و زبان و فرهنگ

روسی در منطقه پس از اتحاد جماهیر شوروی است. از این منظرگاه روسیه به اتحادیه اوراسیا نه تنها به عنوان یک پروژه اقتصادی، بلکه به عنوان یک فضای فرهنگی و تاریخی احاطه شده در حول محور زبان روسی نگاه می‌کند (Yeliseyeu, 2019). این امر در ابتکارات روسیه برای ایجاد بسترهای اطلاعاتی اوراسیا و انجمن‌های اوراسیا نمایان می‌شود، به طریقی که موسسات آموزشی و پژوهشی در حال ترویج این مفهوم هستند و خواستار نقش بیشتر زبان روسی در کشورهای عضو اتحادیه هستند که در سابق جزء شوروی بوده‌اند (Namirov, 2017). کشورهای عضو این سیاست را یک تهدید تلقی می‌کنند و معتقدند که این مسئله به طور غیرمستقیم حاکمیت آنها را تضعیف می‌کند. این موضوع قبلاً باعث انتقاد از اتحادیه اوراسیا در درون محافل ملی گرایانه کشورهای عضو و همچنین در انجمن‌های تجاری این کشور شده است که بر لزوم دفاع از منافع قزاقستان و بلاروس تأکید کرده‌اند. این بیزاری و ترس از تسلط روسیه در این واقعیت منعکس می‌شود که روسای جمهور قزاقستان و بلاروس اخیراً مایل به تأکید بر حفظ استقلال و وضعیت مستقل خود در روابط با روسیه هستند. از آنجا که بلاروس و قزاقستان از پیوستن به مواضع روسیه امتناع ورزیدند، روسیه در مواقع لزوم بی‌اعتنایی به مسائل حقوقی و رعایت حقوق شرکای اتحادیه گمرکی به اقدامات یکجانبه متوسل شد. اقدامات یک جانبه روسیه باعث نارضایتی همکارانش و به ویژه منجر به درگیری با بلاروس شد. بنابراین، اگر روسیه بخواهد اتحادیه را حفظ کند، باید از انحصار روابط خارجی اتحادیه اوراسیا جلوگیری کند (Khitakhunov and other, 2017:74). چنین مسائلی باعث گردیده که دیگر اعضای اتحادیه با

شک و بی‌اعتمادی به اهداف غایی روسیه از تلاش مستمر و زیاد جهت تداوم فعالیت اتحادیه بنگرند. در پایان باید به این مسئله نیز اشاره داشت که موقعیت روسیه در اوراسیا پس از شوروی هنوز نامشخص است و همچنان منوط به منافع کشورهای منطقه و همچنین رفتار قدرت‌های خارجی است؛ حتی اگر برخی از همسایگان روسیه پس از اتحاد جماهیر شوروی اکنون در چارچوب اتحادیه اوراسیا و دیگر سازمان‌های منطقه‌ای رابطه بسیار نزدیکی با مسکو دارند، اما با این وجود آنها مایل نیستند از حاکمیت سیاسی خود دست بکشند و همچنین می‌خواهند سود ملموسی از ارتباط خود با روسیه ببینند. با این حال کرملین می‌فهمد که ممکن است اجبار نتیجه معکوس دهد و باید اطمینان حاصل کند که اتحادیه اوراسیا تحت سلطه روسیه برای همه اعضا موفق و جذاب است و فقط به منافع روسیه توجه نمی‌کند.

در حالی که روسیه به هیچ‌عضوی اجازه خروج از اتحادیه را نخواهد داد، قدرت چانه‌زنی کشورهای مرتبط با روسیه لزوماً ضعیف نیست. همچنین، در حالی که روسیه هنوز مهم‌ترین بازیگر در فضای پس از اتحاد جماهیر شوروی است، مسکو در منطقه با رقابت روبرو است؛ زیرا سایر کشورها و به ویژه نقش چین به طور فزاینده‌ای در حال افزایش هستند. با توجه به مسائلی که گفته شد می‌توان ادعان داشت که نگاه امنیتی فدراسیون روسیه یکی از موارد برجسته و تأثیرگذار بر ناکارآمدی اتحادیه اقتصادی اوراسیا است. با نگاه امنیتی نمی‌توان بستر شکوفایی و رونق اقتصادی را در درون اتحادیه اقتصادی فراهم ساخت.

۴-۲. مداخله کشورهای غربی

رویکرد همگرایی اوراسیایی^۱ همواره یک سیاست نامطلوب برای کشورهای غربی قلمداد شده است؛ زیرا واقف هستند که چنین سیاست‌های همگرایانه‌ای با محوریت روسیه انجام می‌گیرد. لذا در صورت عینیت یافتگی چنین راهبردی عملاً فضایی برای نفوذ برای جبهه غربی باقی نمی‌ماند. در واقع دیدگاه رایج در بین ناظران غربی این است که اتحادیه اقتصادی اوراسیا یک سازمان منطقه‌ای موثر و قابل مقایسه با اتحادیه اروپا نیست، بلکه یک گروه از کشورهای تحت کنترل روسیه است که اگر به آنها امکان داده شود ترجیح می‌دهند با بروکسل همسو شوند (Dragneva, ۲۰۱۹). به همین خاطر است که این اتحادیه که با هدایت روسیه در اوراسیا طراحی شده است، توسط بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی مخالف روسیه رصد شده است. ایالات متحده و کشورهای اروپایی اروپایی با سازمان‌های اقتصادی مبتنی بر الگوی تحمیلی مسکو مخالف بودند و آنها را به عنوان تلاش برای ادغام مجدد کشورهای پس از اتحاد جماهیر شوروی در اتحادیه‌ای از جنس شوروی ترسیم می‌کنند، بنابراین به کشورهای همجوار روسیه هشدار دادند که به این اتحادیه ملحق نشوند. اتحادیه اروپا و ایالات متحده بازیگران با نفوذی در آسیای میانه هستند اما با ظهور روسیه و رهبری سازمان ادغام یافته نفوذ این کنشگران به حاشیه رانده می‌شود. کشورهای غربی بر این باور هستند که به رسمت شناخته شدن اتحادیه اقتصادی اوراسیا همچنین به منزله اعتبار رهبری بین‌المللی روسیه در

^۱ Eurasian integration-

یک سازمان مهم منطقه‌ای رو به گسترش است. لذا پذیرفتن ضمنی مشروعیت آن به منزله همراهی با روند هژمونیک‌گرایی روسیه است. وی از تلاش‌های روسیه برای ایجاد اتحادیه اوراسیا انتقاد کرد و آن را یک تلاش واقعی به منظور کنترل سرزمین‌هایی خواند که در سابق ذیل حاکمیت اتحاد جماهیر شوروی قرار داشتند. وی هشدار داد که ایالات متحده برای کاهش یا جلوگیری از این تلاش فعالیت خواهد کرد (Weitz, 2011). نظرات و اظهارات پوتین رئیس‌جمهور روسیه در خصوص اتحادیه به عنوان ابزار، مکانیزم تسلط، کنترل و نفوذ روسیه بر سایر کشورها پس از شوروی شناخته شده است. پس از ایجاد اتحادیه اقتصادی، بسیاری از کارشناسان و ناظران، با استناد به عملکرد مداوم ضعیف اقتصادی به ویژه روسیه، افت قیمت روبل و جنگ با اوکراین، آن را به صورت منفی و با آینده‌ای مخوف به تصویر کشیدند. نظام‌های سیاسی غربی با هدف به راه انداختن جنگ روانی علیه اتحادیه در خصوص آن مدعی شدند که: «آنها اتحادیه را به عنوان نهادی چند جانبه و توخالی پس از اتحاد جماهیر شوروی جشن می‌گیرند که در اجلاس‌های ریاست جمهوری برگزار می‌شود اما هیچ پیشرفتی در جهت اهداف اعلام شده خود ندارد» (Schenkkan, 2014:5). دلیل اصلی مخالفت کشورهای غربی جلوگیری از شکل‌گیری و ایجاد یک بلوک منطقه‌ای متمایل به روسیه بود؛ چرا که موفقیت این اتحادیه گمرکی و یک بازار واحد از حرکت کشورهای این منطقه به سمت بلوک‌های تجاری یا قدرت‌های بزرگ دیگر و به طور مشخص غرب جلوگیری می‌کند (Yeliseyeu, 2019:1).

۴-۳. عدم توسعه‌یافتگی برابر و هم‌سطح

جهت تشکیل همگرایی سازمانی و اتحاد کشورها در درون یک سازمان اشتراکات سیاسی به لحاظ نظام‌های سیاسی برآمده از رای مردم و همچنین اشتراکات فرهنگی و اجتماعی میان اعضا یک اصل قوام‌بخش و تسهیل‌ساز همکاری است. چهار کشور از پنج عضو اتحادیه اوراسیا یعنی روسیه، قزاقستان و بلاروس و ارمنستان (با درجه اقتدارگرایی کمتر) جزء کشورهای اقتدارگرا هستند و بوروکراسی‌های آنها برای نشان دادن وفاداری کامل و بی‌قید و شرط به رهبری سیاسی آموزش دیده‌اند. آنها این رفتار را پس از انتصاب در اتحادیه اروسیا از بین نمی‌برند. در نتیجه، در صورت بروز اختلافات حتی جزئی، بوروکرات‌ها ترجیح می‌دهند چنین اقدامی انجام ندهند و سازوکار تصمیم‌گیری را به سطح سیاسی (ترجیحاً رؤسای دولتها) منتقل کنند نه اینکه خودشان تصمیم بگیرند. البته برخی از آنها دارای جوهری از دموکراسی هستند، از جمله بیش از یک حزب سیاسی و انتخابات دوره‌ای دارند. تعیین سطح دموکراسی در کشورها دارای مؤلفه‌هایی در مورد حاکمیت ملی و محلی، روند انتخابات، رسانه‌های مستقل، جامعه مدنی، چارچوب قضایی و استقلال و فساد است. مطابق شاخص‌های دموکراسی خانه آزادی در سال ۲۰۲۰ در کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا وضعیت دموکراسی و آزادی در کشورهای قزاقستان، قرقیزستان، فدراسیون روسیه نسبت به سال‌های ابتدایی شکل‌گیری اتحادیه بهبود پیدا کرده است، اما با این وجود هنوز سیستم حکمرانی تلفیقی اقتدارگرایی در این کشورها حاکم است. بلاروس با تنزل در

دموکراسی و آزادی مواجه شده است ولی وضعیت کشور ارمنستان پایدار مانده است (freedomhouse, 2020). تلاش‌ها و شیوه‌های ادغام به طور کلی نتوانسته است نتیجه مثبتی در مورد اصلاحات سیاسی و تحولات دموکراتیک برای کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا به ارمغان آورد.

علاوه بر این با توافق و امضای فرایند همگرایی توسط رهبران اقتدارگرا هرگونه تغییر در رهبری کشورها ممکن است تهدیدی برای اتحادیه باشد. اعضای عضو اتحادیه کشورهای نسبتاً جدیدی هستند که تمرین دموکراسی در این کشورها فرایندی زمان‌بر است. یک بلوک منطقه‌ای ادغام یافته با یک نهاد تنظیم‌کننده فوق ملی قدرتمند و دادگاهی با اختیارات گسترده و یک نهاد قدرتمند قانونگذاری هرگز نمی‌تواند نتیجه واقع‌بینانه رژیم‌های سیاسی غیر دموکراتیک کشورهای عضو اتحادیه باشد. با این وجود، نمی‌توان استدلال کرد که ساختارهای نهادی اتحادیه با وجود و اقتدارگرایی برخی کشورهای عضو به سمت ایجاد یک بازار واحد حرکت نکرده‌اند. مواردی از جمله زبان رسمی اتحادیه، ادغام فرهنگی، تنوع قومی، اختلافات مذهبی و نژادی از جمله موانع جدی در همکاری میان کشورها است. برنامه بلندمدت روسیه برای همگرایی عمیق‌تر اتحادیه اقتصادی اوراسیا، اتخاذ و تعیین یک واحد پول (روبل) و یک زبان (روسی) بسیار بحث‌برانگیز است و با چالش‌های جدی از نظر جمعیتی متنوع قومی در منطقه روبرو است. هیچ کشور عضو حاضر به پذیرش روبل به عنوان یک ارز مشترک نیست؛ زیرا همیشه ناپایدار بوده است و از استهلاک مداوم و ارزش از دست رفته در مقابل سایر ارزها رنج می‌برد. مسئله زبان

احساساتی‌تر و حساس‌تر است؛ زیرا کشورهای پس از شوروی تلاش‌های اساسی را برای توسعه فرهنگی و زبانی خود انجام داده‌اند، ترویج زبان‌های بومی خود اقدامی در راستای از بین بردن زبان روسی به عنوان نمادی از گذشته و میراث اتحاد جماهیر شوروی است. ادغام بیشتر زبانی می‌تواند خشم مردم را در آینده برانگیزد، این مسائل باعث شده یکی از مؤلفه‌های اصلی همگرایی کشورها که طبق آن مردم کشورهای عضو احساس جامعه بودن را در درون یک اتحادیه تجربه کنند، محقق نگردد (v. perskaya, 2017:10).

لازم به ذکر است که بحث شکاف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با فقدان منطق تسری که در شاخص‌های بعدی خواهد آمد متفاوت است. به واقع در بحث شکاف پیرامون سیاسی و اقتصادی و اجتماعی عمدتاً از منظر اجتماعی و تأثیر متعاقب آن بر روی افکار عمومی به مسئله نگاه می‌شود. به عنوان مثال هنگامی که در خصوص شکاف سیاسی و اجتماعی بحث ارز مطرح می‌گردد، مقصود این است که کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا حاضر به پذیرش روبل نیستند؛ چرا که این مسئله بحث اعمال مجدد سلطه شوروی را برای این کشورها تداعی می‌کند، در صورتی که در بحث فقدان ادغام کامل و شکل‌گیری منطق تسری از منظر اقتصادی به مسئله نظر افکنده می‌شود. در واقع ذیل بخش تسری کشورهای عضو حاضر نیستند که بخشی از اختیارات خود را به یک نهاد فراداستی اعطا کنند که به صورت مشترک امورات را اداره کند.

۴ - ۴. اختلافات و اهداف متعارض اعضای اتحادیه

یکی از پسران‌های اصلی در جلوگیری از کارآمدی اتحادیه های بین کشورهای عضو اتحادیه فقدان همسویی راهبردی و همچنین افتراق در اهداف و منافع اعضا است. این مسئله هم روند همگرایی را با مشکل مواجه می‌سازد و هم اینکه در نتایج و پیامدهای نهایی به صورت عنصری چالش ساز جلوه نمایی می‌کند. چنین موضوعی در روابط کشورهای اتحادیه اوراسیا ملاحظه می‌گردد. شش کشور عضو که اتحادیه اقتصادی اوراسیا را تشکیل می‌دهند از نظر قلمرو، جمعیت و سطح اقتصاد تفاوت‌های چشمگیری دارند. بزرگترین کشور اتحادیه، فدراسیون روسیه به لحاظ مسافت ۵۷۴ برابر از کوچکترین عضو اتحادیه یعنی ارمنستان بزرگتر است و به همین ترتیب، تولید ناخالص داخلی روسیه تقریباً ۱۷۰ برابر بزرگتر از کشور مذکور می‌باشد. کل تولید ناخالص داخلی فدراسیون روسیه تقریباً ۶ برابر بیشتر از تولید ناخالص داخلی ترکیب چهار عضو دیگر است. جمعیت کل چهار کشور عضو - ارمنستان، بلاروس، قزاقستان و جمهوری قرقیزستان - کمتر از ۴۲ میلیون نفر است، در حالی که جمعیت روسیه تقریباً ۱۴۴ میلیون نفر است. بنابراین هیچ تعادلی وجود ندارد و روسیه بر همه مناطق اتحادیه تسلط قاطع دارد. سایر کشورهای عضو نگران این هستند که روسیه به عنوان عضو قدرتمند و مسلط ممکن است بیشترین مزایا را دریافت کند و باعث ایجاد فشار یا تهدید برای دیگران شود. با پیوستن کشورهای عضو به سمت ادغام بیشتر و اتحادیه سیاسی عمیق‌تر، این ناهماهنگی بیشتر رواج دارد (Umland, 2011).

با وجود همه پیشرفت‌های صورت گرفته در زمینه رفع موانع موجود در مسیر همگرایی اتحادیه اوراسیا، روئیت موانع جدید در سر راه تجارت آزاد، باعث تضعیف اتحادیه شده است. اختلافات زیادی در میان اعضای اتحادیه وجود دارد که همواره سرعت همگرایی و موفقیت آن را کاهش داده است. در همین رابطه می‌توان به جنگ‌های تجاری از جمله جنگ شیر و گوشت^۱ بین روسیه و بلاروس یا جنگ سیب زمینی^۲ بین قزاقستان و قرقیزستان استناد کرد. اختلافات دائمی با پدیده جدی تری به نام ناسازگاری روسیه و بلاروس در رابطه با قیمت بنزین و کنترل مرزها شدت گرفته است (Kłysiński, 2017). این مسئله منجر به برقراری یک جانبه یک رژیم حفاظت مرزی در مرز بلاروس و روسیه توسط مسکو در تاریخ فوریه ۲۰۱۷ شد.

همانطور اشاره شد درگیری تجاری بین کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا به ویژه میان سه عضو اصلی یعنی بلاروس، قزاقستان و روسیه برجسته است. این درگیری احتمالاً با وخیم‌تر شدن اوضاع اقتصادی در آینده بدتر و تشدید می‌شود. ارمنستان و قرقیزستان ضعف اقتصادی بیشتری دارند و در موضع مخالفت با روسیه نیستند؛ زیرا آنها بر منافع سیاسی، امنیتی و استراتژیک و همچنین به دست آوردن نفت و گاز از روسیه با قیمت‌های یارانه‌ای تمرکز کنند. اظهارات گاه و بیگاه ولادیمیر پوتین در مورد تضعیف استقلال و حاکمیت کشورهای عضو اتحادیه باعث ایجاد تنش در میان شرکای روسیه

^۱- milk and meat wars-

^۲- potato wars-

می‌شود. در حالی که روسیه رسماً به حاکمیت جمهوری‌های سابق عضو شوروی احترام می‌گذارد، این حق را نیز برای خود محفوظ می‌دارد که محتوای حاکمیت و تمامیت ارضی آن کشورها را تعریف کند. اساساً روسیه در دوره پوتین دیدگاه تزاریستی^۱ و شوروی را احیا کرده است که حاکمیت یک عامل احتمالی است به جای اینکه یک اصل مطلق و بی قید و شرط باشد. از منظر وی سیاست جهانی به قدرت، فرهنگ و هنجارهای تاریخی بستگی دارد (mostafa and mahmood,2018:169). علاوه بر این اعضای اتحادیه با توجه به اهداف متنوع و متعارض به آن پیوسته‌اند. اهداف اتحادیه در اسناد پایه ذکر شده است ولی هر یک از اعضا به دنبال یک سری اهداف بوده‌اند هر چند به صورت رسمی و صریحاً اعلام نکرده‌اند، ولی در عملکرد این کشورها قابل استخراج هست. اهداف ناهمسان هنگامی مشکل‌ساز می‌شود که با یک مسئله و بحران خارجی مواجه شوند. در جدول ذیل سعی بر آن است اهداف کشورهای عضو اتحادیه به صورت شاخص وار مورد اشاره قرار گیرد.

^۱ - Tsarist

جدول ۲ ، اهداف محوری از پیوستن کشورها به عضویت اتحادیه اقتصادی اوراسیا

اهداف	کشور	ردیف
ایجاد یک سازمان رقیب برای اتحادیه اروپا، کاهش نفوذ کشورهای غربی در سرزمین های همجوار روسیه، ایفای نقش پل بین شرق آسیا و اروپا و بهره گیری از مزایای جاده ابریشم جدید، نفوذ بیشتر و کنترل سیاسی و اطلاعاتی سرزمین های همجوار، صادرات بیشتر به کشورهای عضو اتحادیه، مقابله با تحریم های بین المللی علیه روسیه	روسیه	۱
دریافت سوبسید برای قیمت های گاز از روسیه و یا دسترسی به منابع مالی و انرژی ارزان روسیه	بلاروس	۲
بهره گیری از مواهب تجارت درون اتحادیه ای و صادرات وسیع کالا به کشورهای عضو، به تحرک در آوردن تجارت مرزی با روسیه، تشکیل مسیرهای حمل و نقل و راه های لجستیک نه فقط در بعد منطقه ای بلکه در ابعاد جهانی، استفاده از زیرساخت های ترانزیتی روسیه به منظور صادرات انرژی	قزاقستان	۳
استفاده از تسهیلات اتحادیه برای صادرات کالاها و نیروی انسانی، دریافت سوبسید برای قیمت های گاز از روسیه	قرقیزستان	۴
دریافت سوبسید برای قیمت های گاز و همچنین برخی کالاهای استراتژیک از روسیه در قابل وفاداری ژئوپلیتیک، صادرات کالاهای ارمنستان به روسیه، اعزام نیروی کار ارمنستان	ارمنستان	۵
استفاده از مزیت ترانزیت دریایی، زمینی و هوایی، خنثی سازی اثرات تحریم های بین المللی از طریق صادرات و واردات کالا از کشورهای عضو اتحادیه	ایران	۶

منبع: [https://www.investopedia.com/terms/e/eurasian-](https://www.investopedia.com/terms/e/eurasian-economic-union-eeu.asp,2020)

[economic-union-eeu.asp,2020](https://www.investopedia.com/terms/e/eurasian-economic-union-eeu.asp,2020)

۴ - ۵. مشکلات زیرساختی در اتحادیه

تدوین یک منشور به تنهایی جهت شکوفایی یک سازمان اقتصادی و سیاسی کفایت نمی‌کند؛ یک سازمان علاوه بر دستور کار و مرامنامه ریشه‌ای و قوی به منظور کسب دستاوردهای پایدار به وجود زیرساخت‌های مناسب وابسته است. پیمان آستانه چارچوبی را در حیطه نظر برای اعضای اتحادیه اوراسیا برقرار ساخت. مواردی از جمله ایجاد بازار مشترک بدون موانع داخلی از جمله موارد مهم این دستور کار بود. با این حال این دستور کار مستلزم رفع موانع غیر تعرفه‌ای، ایجاد بازارهای مشترک انرژی و برق و همچنین هماهنگی با سیاست‌های داخلی مختلف از جمله حمل و نقل و خدمات مالی و عمومی است. در مرحله بالاتر چنین هدفی نیز نیازمند وجود مؤسسات داخلی مؤثر، قدرتمند و با سطح بالایی از همکاری و تعهد است. برقراری مزایای اقتصادی واقعی اتحادیه ناشی از تغییرات تعرفه‌ای در گمرک نیست، بلکه مهمتر از همه از بین بردن موانع غیر تعرفه‌ای است. بر این اساس، مزایای احتمالی اتحادیه اوراسیا به مقابله با موانع غیر تعرفه‌ای و نوسازی نهادها و سیاست‌های داخلی کشورهای عضو بستگی دارد. نوع سیاست‌پردازی و ماهیت نهادهای کشورهای عضو و شیوه‌های عملکرد آنها باعث می‌شود که تحول عمیقی تا به امروز رخ ندهد.

علاوه بر این مدرنیزه کردن کشورهای عضو اتحادیه برای تسهیل فرایند ادغام مؤثر از جمله مثلاً از بین بردن انحصارهای حاکم بر اقتصاد ارمنستان باعث اختلال در شبکه‌های رانت‌خواهی شده و به منافع افراد نزدیک به رهبران سیاسی آسیب می‌زند. اتحادیه صریحاً از ترویج حاکمیت قانون و حکمرانی

خوب در کشورهای عضو خودداری می‌کند. در هر صورت، پیمان آستانه می‌کوشد اطمینان حاصل کند که همگرایی که شکل می‌گیرد، به ماهیت نظم سیاسی کشورهای عضو خود احترام می‌گذارد. در صورتی که ادغام برنامه‌ریزی شده ممکن است منجر به نوسازی شود، با این حال تسهیلات گمرکی و ادغام بیشتر در نهایت به تمایل رژیم‌های سیاسی داخلی و کیفیت مدیریت در کشورهای عضو بستگی دارد. با این حال امروزه اتحادیه در مقایسه با سال‌های اولیه پیمان، مجدداً تأکید می‌کند ترجیحات کشورهای عضو برای کنترل بر تعهدات خود اولویت دارد، این مسئله بدان معنی است که تعهدات اخلاقی فرامرزی کشورهای عضو اتحادیه محدود می‌شود.

یکی دیگر از مشکلات اتحادیه این است که هسته اصلی تصمیم‌گیری مشترک در اتحادیه ضعیف است. انعطاف‌پذیری زیادی در تصمیم‌گیری‌های فراتحادیه‌ای به چشم می‌خورد. در نتیجه این مسئله باعث شده که وحدت کمی در روابط خارجی اتحادیه وجود داشته باشد.

از نظر اصولی یک سیاست خارجی مشترک منجر به تعرفه گمرکی خارجی مشترک می‌گردد. در صورتی که چنین مسئله‌ای در اتحادیه وجود ندارد. این مسئله باعث می‌شود که سربزنگاه‌ها کشورهای عضو از قاعده سازمانی پیروی نکنند و منافع عظیم خود با کشورهای دیگر را مد نظر قرار دهند. نمود بارز این مسئله را می‌توان در بحران اوکراین مشاهده کرد. هنگامی که روسیه به تحریم‌های غربی علیه الحاق کریمه با ممنوعیت واردات کشاورزی از اتحادیه اروپا پاسخ داد و تجارت آزاد با اوکراین را متوقف کرد، دیگر اعضای اتحادیه اوراسیا از این قاعده پیروی نکردند. پس از بحران اوکراین، روسیه بر کالاهای

خاصی که از اروپا وارد می شود تحریم‌هایی را اعمال کرد و البته متوقع بود که روسیه سفید و قزاقستان نیز پیگیر همان تحریم‌ها باشند. هر چند این کشورها از همراهی با روسیه اجتناب ورزیدند اما مسکو معیارهای دیگری را اتخاذ کرد تا مانع ورود کالاهای اروپایی به بازارهای روسیه گردد. دیمیتری مدودوف در این راستا بیان داشت که: «همه اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا باید از نظام لیبل زنی خاصی برای کالاهای وارداتی استفاده کنند تا از صادرات مجدد کالاهای مد نظر جلوگیری شود» (boguslavsja,2015:11). قزاقستان آشکارا ادعاهای مسکو را مبنی بر اینکه توافق‌نامه اتحادیه اوراسیا و اوکراین برای منافع اقتصادی کشورهای عضو اتحادیه مضر است، رد کرد. در عبور واضح از هنجارهای اتحادیه اوراسیا، روسیه «واحد‌های گمرک سیار»^۱ را در نزدیکی مرزهای بلاروس و قزاقستان مستقر کرد تا از واردات غیرقانونی محصولات تحریم شده اوکراین توسط این کشورها جلوگیری کند. با این حال ترجیحات روسیه پس از پیوستن به اتحادیه گمرکی، روابط تجاری سایر کشورهای عضو با سایر نقاط جهان را تحت تأثیر قرار داده است. به عنوان مثال، قزاقستان که تجارت بیشتری با بقیه جهان نسبت به روسیه داشت، موظف بود سطح تعرفه‌های خود را به میزان قابل توجهی افزایش دهد. حتی پس از کاهش تدریجی تعرفه‌های روسیه مطابق با تعهدات خود در مورد سازمان تجارت جهانی، تعرفه‌های اتحادیه گمرک بالاتر از تعرفه‌های قزاقستان در دوره قبل از پیوستن به اتحادیه گمرک بود. این مسئله با اعطای برخی معافیت‌ها به

^۱ - mobile customs units

قزاقستان، به طور موقت کاهش یافت، اما این معافیت‌ها به تدریج از بین رفتند و تنش‌ها همچنان باقی مانده است.

با اینکه در اتحادیه اقتصادی اوراسیا پیش‌بینی همگرایی و ادغام مرحله به مرحله در خصوص برخی بازارهای کلیدی از جمله محصولات پزشکی و برق گرفته تا نفت و خدمات مالی شده است، اما با توجه به عدم توانایی اعضا در تصمیم‌گیری مشترک این اهداف تاکنون غیرواقعی نمایانده شده است. به عنوان نمونه در پاییز سال ۲۰۱۸ بین قزاقستان و قرقیزستان برخی اختلافات پدیدار شد که در آن آستانه به طور یک جانبه محدودیت‌های گمرکی بیشتری را برای بیشکک اعمال کرد. متعاقب آن خطوط طولانی کامیون‌ها و محصولات فاسد شده درکنار جاده مشاهده شد که در نتیجه عدم اجازه صادرات این محصولات صورت گرفت. این مسئله نشانگر این مهم است که به لحاظ قانون مرزها و تجارت آزاد هنوز مشکلات زیادی بین کشورهای عضو وجود دارد. یکی دیگر از مواردی که در اسناد اتحادیه اوراسیا مشاهده می‌شود این است که هیچ نهاد سیاسی مانند شهروندی مشترک یا پارلمان و اهداف سیاسی همسو وجود ندارد. این مسائل باعث شده تا این اتحادیه نه متلاشی شود و نه رشد خواهد کرد و بعید به نظر می‌رسد که به سطوح بالاتر ادغام اقتصادی نیل کند.

۴ - ۶. همسانی اقتصادی (تک محصولی بودن)

تجربه دیپلماسی سازمانی و عملکرد در این منطقه نشانگر این است که یکی از عوامل مهم کارآمدنبودن سازمان‌های اقتصادی ایجاد شده در این منطقه، عدم وجود اقتصادهای مکمل بین کشورهای عضو است. نمونه بارز این امر را می‌توان در سازمان همکاری اکو مشاهده نمود. در حقیقت ماهیت و ساختار اقتصاد کشورهای تشکیل دهنده اکو متنوع نیست، همین مسئله از یک سو آنها را در مقابل تهدیدات خارجی شکننده می‌سازد و از سوی دیگر باعث انزوای این سازمان در منطقه شده است. این تجربه و آسیب‌های منبث آن می‌تواند به عنوان یک «عبرت استراتژیک» برای بنیانگذاران اتحادیه اقتصادی اوراسیا در نظر گرفت. این مسئله لزوم تنوع‌بخشی ساختارهای اقتصادی در نظامات اقتصادی سیستم‌های سیاسی اتحادیه را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. لذا یکی از پسران‌های اصلی که به عنوان یک مشکل ترسیم در اتحادیه طرح می‌شود، همگنی ساختاری اقتصاد روسیه و قزاقستان، بلاروس است که منجر به ضعف فعالیت اقتصادی در بین کشورهای عضو می‌شود. دو اقتصاد روسیه و قزاقستان وابستگی زیادی به تولید مبتنی بر منابع فسیلی و به طور مشخص انرژی دارند. بر اساس آمارهای رسمی ۱۱٪ از تولید ناخالص داخلی یعنی ۶۶٪ در روسیه و ۱۵,۵٪ از تولید ناخالص داخلی در قزاقستان یعنی ۶۳٪ از صادرات منابع انرژی تأمین می‌شود. اقتصاد بلاروس نیز به بخش نفت و گاز نیز بسیار وابسته است. بخش انرژی صادراتی ۳۳ درصد از کل درآمدهای ارزی

این کشور را تشکیل می‌دهد. اقتصادهای مشابه و عقب‌ماندگی فناوری اعضای اتحادیه، تجارت داخلی را به عنوان موتور محرکه ادغام دشوار می‌کند و همچنین خطر همگام‌سازی روسیه و قزاقستان در چرخه‌های رونق را پس از ادغام افزایش می‌دهد (Hartwell, 2018: 413). بنابراین تنوع بخشیدن به این اقتصادها برای بهره‌مندی از مزایای ادغام ضروری است.

۴ - ۷. افت قیمت انرژی

این موضوع به عنوان یکی از تبعات اقتصاد تک محصولی کشورهای عضو اتحادیه را با چالش اساسی مواجه ساخته است. افت قیمت نفت و اثرات تحریم‌های غرب علیه روسیه اقتصاد روسیه را در رکود اقتصادی قرار داد. مشخص است که کاهش قیمت نفت و تحریم‌های اعمال شده تمام ارزش ارزهای کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا کاهش داده است. اوضاع سخت اقتصادی و استهلاک ارز عمدتاً پیشرفت و ترقی اتحادیه و تجارت متقابل میان کشورهای عضو را با چالش مواجه ساخته است. در کوتاه مدت بزرگترین چالش برای کشورهای عضو اتحادیه اروپا مربوط به وخیم‌تر شدن اوضاع اقتصادی در روسیه و به تبع آن، افزایش مشکلات اقتصادی به ویژه در قزاقستان و بلاروس خواهد بود. روسیه ممکن است از عدم ثبات اقتصادی در آن کشورها برای کنترل هرچه بیشتر آنها بهره‌برد؛ زیرا مشکلات اقتصادی قوانین بازی موجود را تضعیف می‌کند، در نتیجه رهبران اقتدارگرا در ازای تضمین ثبات اقتصادی از پشتیبانی مالی روسیه برخوردار می‌شوند. بحران اوکراین پیامدهای مهمی برای منطقه گرایی اوراسیا داشت و دلیلی برای

نگرانی همسایگان روسیه شد. همانطور که گفته شد تحریم های اعمال شده علیه روسیه تأثیر منفی هم در روسیه و هم در منطقه کشورهای عضو اتحادیه داشته است. تحریم ها و تقابل ها می تواند به کاهش قابل توجه تولید ناخالص داخلی واقعی و در نتیجه بی ثباتی منطقه منجر شود (Khitakhunov and other,2017:75). روسیه در سال ۲۰۱۸ با ۳/۷ درصد و در سال ۲۰۱۹ با ۰/۶ درصد دیگر افت تولید ناخالص داخلی داشت. بلاروس نیز به صورت مشابه با رکود روسیه مواجه شد. این کشور در سال ۲۰۱۸ با ۳/۹ درصد تولید ناخالص داخلی و در سال ۲۰۱۹ نیز ۲/۶ درصد کاهش داشت. در حالی که رشد اقتصادی سالانه قزاقستان در سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ به یک درصد کاهش یافته است (Kholodilin and Aleksei,2019:14). بیماری کرونا نیز از دیگر مواردی است که با ایجاد بحران های مالی تأثیرات جدی در روند اتحادیه ایجاد می کند. بیماری کرونا به موازت چالش های انسانی، تأثیرات زیادی بر درآمدهای خارجی کشورهای عضو گذاشته است. روسیه قدرت اصلی اقتصادی اتحادیه است که پس از آغاز بازارهای مالی جهانی به دلیل بیماری کووید ۱۹ در ۶ مارس ۲۰۲۰ جنگ قیمت نفت با عربستان سعودی را آغاز کرد؛ قیمت نفت سقوط کرد، که بحران مالی روسیه را به شدت تشدید کرد. پایین آمدن قیمت نفت باعث کاهش قابل توجه تولید ناخالص داخلی در کنار شیوع ویروس کرونا می شود. قیمت نفت برنت از ۶۰ دلار در هر بشکه در ابتدای سال ۲۰۲۰ به حدود ۲۵ دلار در هر بشکه در حال حاضر رسیده است (Islund,2020). همه این مسائل باعث گردید که رهبران کشورهای عضو

اتحادیه در ۱۴ آوریل ۲۰۲۰ در نشست آنلاین شورای عالی اقتصادی اوراسیا در بیانیه‌ای و با در نظرداشت مشکلات ناشی از ویروس کرونا در بیانیه‌ای اعلام کردند که: «ما از همه کشورهای می‌خواهیم که همکاری‌های بین‌المللی را حفظ کنند، اعتماد به نفس خود را تقویت کنند، به همه درگیری‌های بین‌المللی و جنگ‌های تجاری پایان دهند و تحریم‌های مالی و اقتصادی یک جانبه را بردارند» (globaltimes, 2020).

۴ - ۸. عدم امکان کاربست منطق تسری

روسیه تلاش زیادی کرده است که با مشارکت ارمنستان، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان پیشرفته‌ترین نهاد ادغام اقتصادی منطقه‌ای در میان کشورهای پس از شوروی را شکل بدهد. با این حال رویکرد ادغام فرامرزی و و تشریک مساعی بین‌دولتی در کشورهای اصلی اتحادیه اقتصادی اوراسیا نهادینه نشده است، و به طور اساسی باید گفت که شکل‌گیری یک سازمان بدون کسب برخی اختیارات فرادولتی از نظام‌های مرکزی دولت‌های عضو امکان‌پذیر نیست. بر این اساس، این تردید وجود دارد که اتحادیه اقتصادی اوراسیا به یک سازمان چند جانبه موثر تبدیل شود؛ زیرا هیچ یک از اعضا، از جمله روسیه، مایل نیستند قدرت قابل توجهی را به یک نهاد فراملی واگذار کنند. در حالی که هدف اصلی روسیه از ادغام اوراسیا، پیش‌بینی موثرتر قدرت خود در سطح جهانی بوده است، سایر کشورهای عضو کمتر به دنبال ادغام عمیق بوده‌اند. این امر از نقصان‌های مهم نهادی در اتحادیه مشهود است، به ویژه از جمله عدم وجود نهادهای مشترک اقتصادی اوراسیا که این سازمان را در میان مدت

و بلند مدت بی‌اثر می‌کند (Avedissian, 2019). اتحادیه اقتصادی اوراسیا هنوز پیرامون مسئله ادغام به عنوان یکی از پیش شرط‌های شکل‌گیری یک سازمان بین‌دولتی به سطح نهادینگی نرسیده است. با این وجود ارائه چهار آزادی جابجایی به اعضای خود شامل کالا، خدمات، سرمایه و اشخاص، یک ویژگی جذاب اتحادیه اقتصادی اوراسیا است که در صورت جامه عمل پوشاندن به صورت کامل، قادر است روند ادغام هر چه بیشتر سازمان را تسریع بخشد. در این رابطه بایستی به چهار نکته مهم توجه داشت اولاً اینکه ادغام اوراسیا از نظر اقتصادی برای همه طرف‌ها مفید است. ثانیاً، اعتقاد بر این است که عدم اراده سیاسی دلیل عدم موفقیت ادغام در منطقه است. ثالثاً، فرض این است که کشورهای پس از اتحاد جماهیر شوروی باید از همان الگوی اتحادیه اروپا پیروی کنند. سرانجام فشار سیاسی کشورهای غربی مانع همکاری نزدیکتر بین کشورهای اوراسیا می‌شود (Kirkham, 2016: 113). با اینکه مطابق با مفاد ماده ۲ اساسنامه پیمان اتحادیه اقتصادی اوراسیا اشاره شده که: «تأسیس پیمان جابجایی آزاد کالا، خدمات، سرمایه و نیروی کار در داخل مرزهای خود و همچنین سیاست هماهنگ، توافق شده یا مشترک در بخش‌های اقتصادی تعیین شده در این پیمان را تضمین می‌کند. و معاهدات بین‌المللی ذیل یک رویکرد کلی و هماهنگ در اتحادیه انجام می‌شود. اتحادیه باید یک سازمان بین‌المللی ادغام شده اقتصادی در حوزه منطقه‌ای باشد (Treaty on the Eurasian Economic Union, 2014, art2) و واقعیات میدانی چنین ادغام کاملی را نشان نمی‌دهد. یکی از مشخصه‌های مشهور یک سازمان نهادینه و

ادغام یافته فرامرزی این است که در وهله اول یک رکن محوری در درون آن شکل بگیرد و در پایتخت یکی از کشورهای عضو مستقر شود. این رکن در سازمان‌ها معمولاً به عنوان هماهنگ کننده و سخنگوی تمام سازمان ایفای نقش می‌کند. امروزه این بخش در درون سازمان موجود نیست که موانع و مشکلات بر سر راه سازمان را حل و فصل کند و کشورهای را به سمت ادغام بیشتر راهبردی کند. در خصوص سازمان اقتصادی اوراسیا فقدان درک دیالکتیکی رابطه بین عوامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اجتماعی به چشم می‌خورد. ادغام سیاسی به تنهایی برای یک سازمان کفایت نمی‌کند، بلکه چنانچه یک سازمان مانند اتحادیه اروپا خواهان پابرجایی تداوم فعالیت باشد، ناگزیر از ادغام‌های اقتصادی و همچنین فرهنگی است. ادغام چنانچه از حوزه فرهنگی و تجاری شروع شود و مسائل اجتماعی و مردمی را در بر بگیرد، غالباً مطابق با نظریه کارکردگرایی به همکاری در بخش‌های سیاسی نیز سرریز و تسری پیدا می‌کند. اما یک اصل نیز وجود دارد که مطابق نظریه نئوکارکردگرایی باید گفت که ادغام بیشتر برای همه مفید خواهد بود، اگر مبتنی بر تقویت آزادسازی تجارت باشد و فقدان این مسئله در اتحادیه اقتصادی اوراسیا مشهور است. با این حال بازی ادغام^۱ در اوراسیا بعید است به این زودی متوقف شود. این پروژه به یک واقعیت نهادی، نظارتی و اقتصادی تبدیل شده است. با این حال این واقعیت یعنی ادغام فراگیر بسیار پیچیده است؛ به این دلیل که همه کشورهای عضو به دنبال به حداقل رساندن

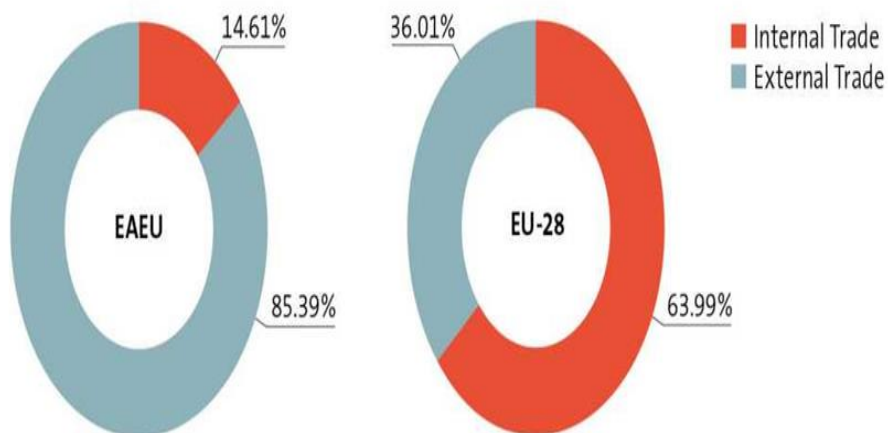
^۱ - 'integration game'

تعهدات و حداکثر انعطاف‌پذیری در رژیم مشترک هستند (Dragneva and Wolczuk, 2017:24). بنابراین این تردید وجود دارد که سازمانی تحت سلطه دولت‌های استبدادی از نظر ادغام به موفقیت‌های زیادی دست خواهد یافت؛ زیرا رفع موانع داخلی در تجارت و جابجایی کالا، مردم و خدمات معمولاً خواستار یک گشودگی خاص، اعمال حاکمیت قانون و آزادسازی اقتصادی، که هیچ یک به نفع حاکمان اقتدارگرا نیست. برخی خاطرنشان می‌کنند که در کشورهای اقتدارگرا، وفاداری به رهبران سیاسی ملی مربوطه بستگی دارد و در صورت اختلاف نظر، بوروکرات‌های اتحادیه ترجیح می‌دهند که خطری نپذیرند و به تصمیمات دولت‌های متبوع خود پایبند بمانند (Perović, 2019). یکی از مواردی که نشانگر عدم ادغام در اتحادیه است میزان تجارت داخلی اعضای اتحادیه با همدیگر در قیاس با اتحادیه اروپا است. در اتحادیه اروپا ۶۳ درصد تجارت میان خود اعضای اتحادیه صورت می‌گیرد و تنها ۳۶ درصد با خارج از اتحادیه است. در حالی که ۸۵ درصد مبادلات تجاری کشورهای عضو با خارج از اتحادیه است و تنها ۱۴ درصد تجارت درون اتحادیه‌ای صورت می‌گیرد. نمودار ذیل نشانگر بررسی مقایسه‌ای تجارت درون/ بیرون اتحادیه‌ای اتحادیه اقتصادی اوراسیا با کشورهای عضو اتحادیه اروپا است.

نمودار ۱، بررسی مقایسه‌ای تجارت درون / برون اتحادیه‌ای اتحادیه اقتصادی اوراسیا با اتحادیه اروپا

External and Internal Trade: The EU and the EAEU Compared

2017



منبع : eorostat; Eurasian economic commission; Richard giucci, anne

mdinaradze, die eurasische wirtschaftsunion, analyse au seiner handelspolitischen perspective, berlin economics, 2017

۵ - پیشران‌های کارآمدساز اتحادیه اقتصادی اوراسیا

هر اتحادیه‌ی سیاسی، امنیتی و اقتصادی طبیعتاً در مسیر حرکت خود با چالش‌های عدیده‌ای مواجه است و عناصر زیادی وجود دارد که به عنوان مانع در روند توسعه سازمان ظاهر می‌شوند. اما این مسئله به معنای توقف فعالیت و تعطیلی اتحادیه‌های بین‌المللی نیست، بلکه پیشران‌های زیادی وجود دارد که با تأثیرگذاری روی روندها و رویدادها و بار در نظر داشتن و عملیاتی ساختن به موقع آنها می‌تواند بسیاری از پسران‌ها را از بین برد. در ذیل به مهم‌ترین پیشران‌های کارآمدسازی سازمان اشاره می‌شود:

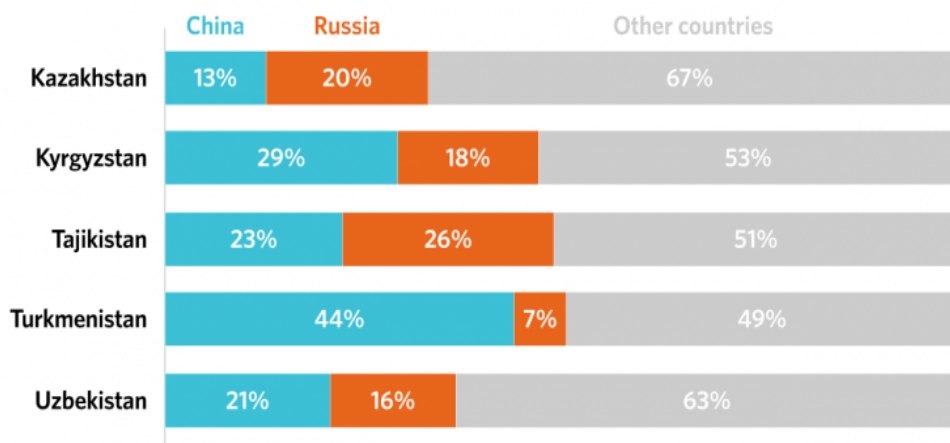
۵-۱. جاده ابریشم جدید

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی چین به عنوان یکی از تأثیرگذارترین کنشگران و در راستای افزایش کلی نقش جهانی خود در منطقه آسیای مرکزی ظاهر می‌شود. این منطقه به دلیل موقعیت استراتژیک و ثروت طبیعی، بخشی مهم از ابتکار عمل کمربند و جاده را تشکیل می‌دهد. روابط چین و کشورهای آسیای مرکزی طی دو دهه گذشته بسیار پویا در حال توسعه بوده و چین تأثیر قابل توجهی بر پنج اقتصاد منطقه داشته است. گرچه رویکرد چینی‌ها در زمینه سیاست و امنیت کاملاً محتاطانه است اما این کشور اهداف اقتصادی خود به ویژه در بخش انرژی و توسعه زیرساخت‌های منطقه را علنی اعلام کرده است (Melnikovová, 2020:34). چین در حوزه اقتصادی و زیرساختی مرادده زیادی با کشورهای آسیای مرکزی دارد. در نمودار ذیل سطح مراددهات تجاری کشورهای آسیای مرکزی با چین و روسیه به صورت تطبیقی بین سال‌های ۲۰۱۴ - ۲۰۱۸ آمده است.

نمودار ۲، میزان مراودات کشورهای آسیای مرکزی با چین و روسیه به صورت تطبیقی، ۲۰۱۴ - ۲۰۱۸

Trade With China and Russia

Trade with China and Russia accounts for a large percentage of Central Asian trade with the world.



Source: Trademap

Copyright Stratfor 2018

منبع: <https://tnnews.tv/2019/02/20/central-asias-economic-evolution-from-russia-to-china>

چین در مورد ایجاد اتحادیه اقتصادی اوراسیا و گسترش و ادغام عمیق‌تر کشورهای منطقه به رهبری روسیه بسیار شگفت‌آور و البته نسبتاً آرام بوده

است. چین در تلاش است تا منافع استراتژیک خود را با پیشبرد نفوذ در روابط اقتصادی و سرمایه گذاری با کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا از جمله روسیه دنبال کند. اتحادیه اقتصادی اوراسیا و جاده ابریشم جدید قابلیت پیوستگی^۱ دارند. با این وجود، اغلب برای تأثیر اقتصادی و استراتژیک بر کشورهای آسیای میانه بین مسکو و پکن یا به عبارتی دیگر بین اتحادیه اوراسیا و کمربند اقتصادی جاده ابریشم رقابت وجود دارد. چین می‌خواهد شریک اصلی تجارت و سرمایه‌گذاری برای کشورهای قاره اوراسیا باشد و مسیرهای جدیدی را برای تجارت با اروپا باز کند (Crisisgroup, 2017). چینی‌ها نسبت به این اصل واقف هستند که مشارکت در حوزه سرمایه‌گذاری در دیگر کشورها یکی از مهمترین عناصر در زمینه روابط بین‌الملل و نزدیکی و نفوذ در دیگر کشورها و مجموعه‌های اقتصادی و سیاسی است. در همین راستا چین در سال ۲۰۱۸ اعتبار ۱۰ میلیارد دلاری برای ادغام عمیق‌تر در اتحادیه اقتصادی اوراسیا تصویب کرد. این کشور همواره ایده مشارکت جدی بین بانک توسعه اوراسیا ((EDB، صندوق جاده ابریشم و بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیا (AIIB) را مفید قلمداد می‌کند. به باور چینی‌ها امروزه موسسات مالی فوق به طور جداگانه کار می‌کنند. همکاری میان آنها می‌تواند مزایای زیادی برای اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا به ویژه در زمینه کاهش هزینه معاملات مالی داشته باشد (Mekhdiev and others, 2019:15). استقلال آسیای میانه در دهه ۱۹۹۰ مصادف با آغاز رشد اقتصادی چین بود. چین در سال ۲۰۰۰ شروع به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی برای

Conjugation-^۱

دسترسی به منابع منطقه به ویژه نفت و گاز طبیعی کرد. از جمله این موارد طرح خطوط لوله نفت قزاقستان - چین بود که اولین فاز آن در سال ۲۰۰۳ افتتاح شد و دومین فاز آن احداث خط لوله گاز طبیعی آسیای مرکزی - چین بود که از سال ۲۰۰۹ شروع به کار کرد. هر دو خط لوله طی سال‌های اخیر به طور قابل توجهی گسترش یافته اند. در سال ۲۰۱۷ خط لوله انتقال نفت قزاقستان و چین ۱۲,۳ میلیون تن نفت و ۴۴ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی در سال ۲۰۱۷ منتقل کرد، در حالی که خط لوله گاز طبیعی آسیای مرکزی و چین در سال ۲۰۱۶ ۳۴ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی صادر کرد. تجدید ساختار روابط انرژی آسیای میانه در سطح گسترده تر تجارت منطقه نیز مشهود است. در دهه ۱۹۹۰ کل تجارت بین چین و آسیای میانه سالانه کمتر از یک میلیارد دلار بود. در سال ۲۰۱۷، این رقم به ۳۰ میلیارد دلار رسیده بود. چین همچنین به عنوان بخشی از طرح کمربند و جاده و تولید امکانات خود، میلیاردها دلار برای توسعه زیرساخت های حمل و نقل سرمایه گذاری کرده است. پروژه های زیربنایی شامل راه آهن باری است که بندر لیان یونگانگ چین را با شهر آلماتی قزاقستان متصل می کند و همچنین برای دو کریدور ریلی بین جنوب چین و آسیای میانه برنامه ریزی شده است. در همین حال، از نظر صنعت، چین یک کارخانه متالورژی در تاجیکستان احداث کرده است که در نوامبر ۲۰۱۷ افتتاح شد و شرکت های مخابراتی چینی از جمله هواوی و زد تی ئی و کارخانه های مونتاژ را در ازبکستان تأسیس شده

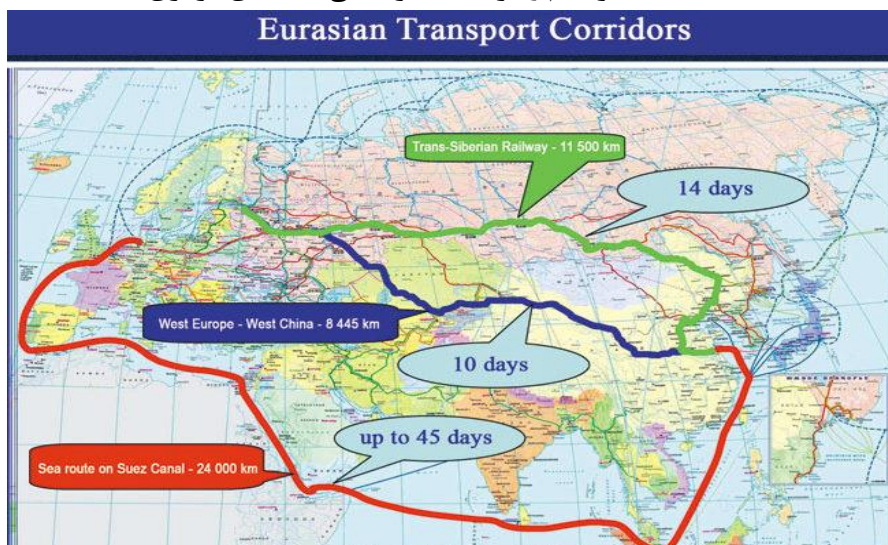
^۱-Lianyungang-

^۲-zte-

است. پکن همچنین قصد دارد شهر خورگوس^۱ قزاقستان را به یک قطب تدارکاتی و تولیدی تبدیل کند (tnnews,2019). سرمایه‌گذاری عظیم چینی‌ها برای توسعه زیرساخت‌های انرژی و حمل و نقل آسیای میانه به این معنی است که چین قصد دارد منطقه را به دنبال نیازهای استراتژیک خود متحول کند. از نظر چین، آسیای میانه دالان زمینی تجارت و انرژی است که به پکن اجازه می‌دهد تا استراتژی اقتصادی خود را متحول کند و ارتباط دریایی را کاهش دهد (Indeo,2017:8). آسیای مرکزی کم‌هزینه‌ترین مسیر برای جاده ابریشم و تجارت چین با دنیای غرب است. به طور کلی ارسال کالا از مسیر زمینی چین به غرب اروپا ۱۰ روز طول می‌کشد در صورتی که مسیر شمالی ۱۴ روز و مسیر جنوبی نیز میانگین ۴۵ روز زمان می‌برد. نقشه ذیل نشانگر مزیت ویژه مسیر آسیای مرکزی در قیاس با مسیرهای شمالی و جنوبی است.

^۱ Khorgos-

نقشه ۲، جاده ابریشم و مزیت مسیر میانی با آسیای مرکزی



منبع: <http://caiss.expert,2020>

شی جین پینگ در طول سفر خود به قزاقستان در سال ۲۰۱۳، با دادن نقشی مشارکتی به کشورهای آسیای میانه در اتصال چین به اروپا ایجاد کمربند اقتصادی جاده ابریشم را اعلام کرد. برخی بر این اعتقادند که با احداث کامل جاده ابریشم جدید احتمال درگیری بین اتحادیه اوراسیا و کمربند جاده ابریشم در آسیای میانه وجود دارد؛ زیرا هر دو اهداف مشابه همکاری و همگرایی اقتصادی را دارند، اگرچه روند و مکانیسم اجرای آن متفاوت است.

به تعبیری ممکن است که چین تهدید مستقیمی برای اتحادیه اقتصادی اوراسیا ایجاد نکند، اما از طریق نفوذ اقتصادی فعال، این کشور به مهمترین شریک تجاری و سرمایه‌گذاری در منطقه تبدیل شده است که ممکن است توجه و تعهد اعضای اتحادیه اوراسیا به ویژه کشورهای آسیای میانه را به سمت خود سوق دهد. جالب اینجاست که روسیه، عضو برجسته اتحادیه اقتصادی اوراسیا، نیز برای تجارت و سرمایه‌گذاری به سمت چین متکی است. پس از تحریم‌های اقتصادی توسط غرب، پوتین روند توسعه مناسبات با چین را کلید زد و چندین بار به پکن سفر کرد و برخی از معاملات تجاری چشمگیر را با این کشور انعقاد نمود. چرخش روسیه به شرق قبل از بحران اوکراین و در نتیجه رشد اقتصادی چین آغاز شد. اما بحران اوکراین جهت‌گیری مجدد ژئوپلیتیکی مسکو را تسریع کرد و این کشور حتی به مراودات بیشتر با چین روی آورده است. در اقدامی نمادین و به منظور تأکید بر اهمیت جدید آسیا در ماه مه ۲۰۱۴ معامله ۴۰۰ میلیارد دلاری بنزین را به مدت ۳۰ سال با این کشور کرد که بعنوان بزرگترین معامله بنزین تاریخ توصیف شده است. روسیه اتحادیه اقتصادی اوراسیا را به عنوان پلی بین چین و اتحادیه اروپا به نمایش گذاشته شده است که برای ایجاد یک منطقه اقتصادی واحد که اروپا و آسیا را شامل شود چنین پلی را ضروری می‌داند (Menkiszak, 2013). در این زمینه روسیه به مفهوم چینی مسیر ابریشم جدید مانند توسعه اتصالات زیرساختی بین چین و اتحادیه اروپا از طریق قلمرو اتحادیه اقتصادی اوراسیا علاقه مند است. استنباط این است که کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا و به ویژه روسیه از مزایای ترانزیتی طرح

استفاده خواهند کرد و اتحادیه اوراسیا به یک عنصر نسبتاً دائم در همکاری اقتصادی چین و روسیه تبدیل می‌شود. سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه در جلسه شورای روسای نهادهای تشکیل‌دهنده سازمان اقتصادی اوراسیا اشاره می‌کند که: «زیرساخت‌های حمل و نقل مناطق روسیه جهت ادغام اتحادیه اقتصادی اوراسیا و کمربند اقتصادی جاده ابریشم استفاده می‌شود روسیه روند یکپارچه سازی اوراسیا را در تقابل با دیگران قرار نمی‌دهد، بلکه برای ایجاد پل بین آنها است. کار ادغام اتحادیه اقتصادی اوراسیا و کمربند اقتصادی جاده ابریشم آغاز شده است» (tass,2016). با این حال باید توجه داشت که چین همواره سعی بر این دارد که به صورت یکجانبه و دو جانبه وارد عرصه معامله و مناسبات با کشورهای عضو اتحادیه شود و از انعقاد یک توافقنامه کلی با اتحادیه که شامل همه کشورها بشود اجتناب کرده است. با این حال اگر روسیه بتواند اعضای اتحادیه اروپا را متقاعد کند که در مورد سیاست‌های مشترک در قبال چین (و سایر کشورهای سوم) به توافق برسند، این می‌تواند به نفع هر یک از کشورها باشد. با این حال مسئله این به معنای تعهد و هماهنگی بیشتر در میان کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا است که آنها را بیشتر به مدار روسیه می‌کشاند.

با این وجود شکل‌گیری نقاط مشترک رشد اقتصادی بین اتحادیه اقتصادی اوراسیا و کمربند اقتصادی جاده بزرگ ابریشم چشم‌اندازهای روشن و قطعیت یافته‌ای ندارد (Svetlicinii,2016:15). البته نباید از نظر دور داشت که تأثیرات نابرابر محرکه‌های قدرت هنجاری چین و روسیه بر نخبگان و جمعیت محلی در آسیای مرکزی کرملین را نگران ساخته است (Shakhanova and

(Garlick,2020:18). با این وجود باید گفت که با توجه به اینکه عمده کشورهای منطقه آسیای مرکزی سیستم حمل و نقل جاده‌ای توسعه یافته‌ای ندارند، چین به پشتوانه قدرت اقتصادی قادر است که سیستم حمل و نقل پیشرفته‌ای در منطقه دائر کند، با اینکه هدف چین در وهله اول تسهیل روند صادرات کالا به وسیله مسیرهای حمل و نقل جاده ای و ریلی مناسب به بازارهای مورد نظر و ارزآوری برای کشور است، با این وجود این مسئله در غایت امر به توسعه پیوندهای اقتصادی میان کشورهای عضو اتحادیه کمک شایانی می‌کند.

۵-۲. حمایت افکار عمومی و دیوانسالاری کشورهای عضو

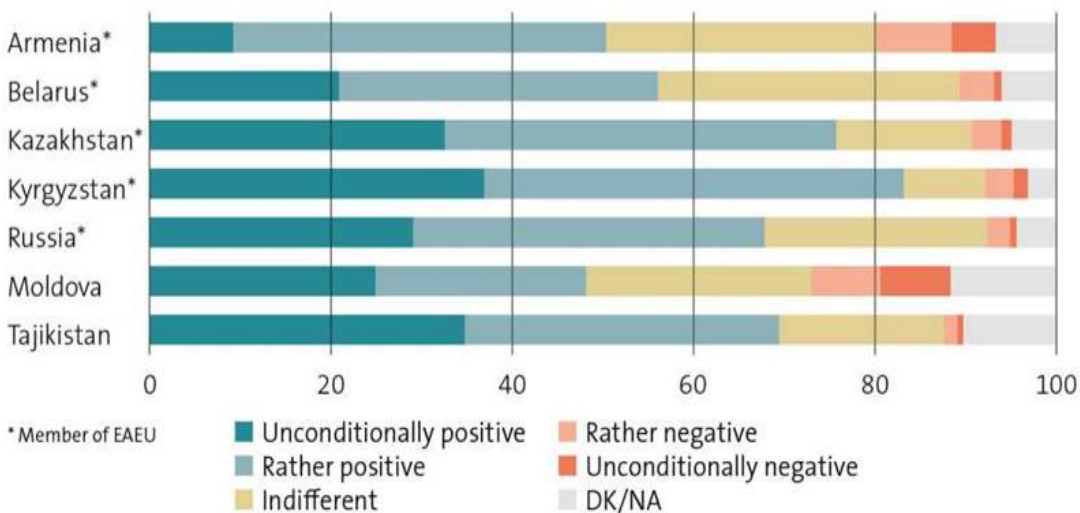
اکنون که اتحادیه اقتصادی اوراسیا وارد پنجمین سال حیات خود شده است، حداقل به دو دلیل چشم انداز آن - حتی با تغییر در رهبری سیاسی یا سیستم‌ها - لزوماً ناامید کننده به نظر نمی‌رسد. اول اینکه، همانطور که نظرسنجی‌های سالانه توسط بانک توسعه اوراسیا (EDB) نشان می‌دهد، ادغام اوراسیا در همه کشورهای عضو از پشتیبانی گسترده مردم برخوردار است. میزان حمایت در سالهای ۱۷-۲۰۱۶ تا حدودی به دلیل افت اقتصادی تا حدودی کاهش یافت، اما همچنان چشمگیر بود. علاوه بر این، اعتماد متقابل نسبتاً بالایی نیز بین جمعیت کشورهای عضو وجود دارد. به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۷، هنگامی که از آن‌ها خواسته شد تا مشخص کنند کدام کشور احتمالاً در برهه‌های دشوار از تداوم اتحادیه پشتیبانی خواهد کرد، به ترتیب ۷۹ درصد، ۴۵ درصد و ۳۰ درصد بلاروسی‌ها روسیه، قزاقستان و ارمنستان را انتخاب کردند. برای جمعیت قزاقستان، نتایج روسیه (۸۱ درصد)، بلاروس (۴۲

درصد) و قرقیزستان (۳۳ درصد) بود. دومین دلیل این است که دیوان‌سالاری و ارتباطات افقی بین ارگان‌های ملی کشورهای عضو به مرور زمان در حال توسعه بوده و این مسئله می‌تواند به تقویت اتحادیه کمک کند (yeliseyeu,2019:8). نمودار ذیل نشانگر تصور و استنباط افکار عمومی کشورهای عضو نسبت به اتحادیه است. البته همه کشورهایایی که در نمودار آورده شده است عضو اتحادیه نیستند، ولی به واسطه اینکه روسیه در نظر دارد در آینده این کشورهای نیز به عضویت سازمان در آیند، از افکار عمومی این کشورها نیز نظرخواهی شده است.

نمودار ۳. تصور افکار عمومی کشورهای عضو نسبت به اتحادیه اقتصادی اوراسیا

Public Attitude Towards the EAEU

What is your attitude towards the decision to create the Eurasian Economic Union (EAEU)?



منبع: Eurasian development bank; iqor zadorian et al., fdb integration barometer 2017, center for integration studies, 2020

۳-۵. رژیم ویزای آزاد در اتحادیه اوراسیا

تجربه اتحادیه اروپا نشان داده است که شکل‌گیری رژیم بدون ویزا از زمره برجسته‌ترین مؤلفه‌های موفقیت یک سازمان است. هدف از طراحی این نوع از ویزا تلاش جهت از میان برداشتن مرزها برای رفت و آمد بدون محدودیت کشورهای عضو اتحادیه بوده است. فقدان سیاست تجارت مشترک، هدف اتحادیه در راستای از میان برداشتن کنترل مرزهای داخلی را تضعیف می‌کند. این مسئله قادر است ارتباطات فرهنگی و اجتماعی بین کشورها را بیش از پیش توسعه دهد. در بسیاری از اتحادیه‌ها از جمله اتحادیه اروپا این رویکرد آزموده شده است و تا جایی حائز اهمیت بوده است که اروپا بدون مرز حس شهروندی اروپایی بدون در نظر داشت تعلق به یک کشور خاص را پدیدار ساخته است. این ایده تقریباً پیاده‌سازی شده است و اکنون شهروندان کشورهای عضو اتحادیه به راحتی موانع ناشی از ویزا به سرزمین‌های کشورهای عضو رفت و آمد می‌کنند (Voloshin, 2018).

روسیه در این ایده پیش قدم بوده و اکنون کشورهایی آذربایجان، ارمنستان، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان، مولداوی، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان و اوکراین بدون داشتن ویزا مجاز می‌توانند به روسیه سفر کنند و حتی اقامت‌های با مدت زمان طولانی داشته باشند (saint-petersburg, 20۲۰).

۵ - ۴. وجود ظرفیتهای بالقوه برای ترانزیت کالا به ویژه بین مناطق آزاد تجاری

مناطق آزاد تجاری یکی از اولین گام به منظور همگرایی کشورها و کارآمدسازی اتحادیه اقتصادی اوراسیا است. ماهیت این مناطق باعث می شود که همه کشورهای عضو به صورت آزادانه و فارغ از قواعد چالش ساز به عرضه تولیدات مختلف خود بپردازند. مزایای بی نظیر مناطق آزاد تجاری - اقتصادی این است که آنها موانع اداری را بر طرف می کنند و از سرمایه گذاران در برابر فساد محافظت می کنند. کشور ایران و در بخش هایی از بنادر انزلی، بندر نکا و بندر چابهار، بندر خرمشهر، منطقه آزاد ارس ظرفیتهای فراوانی در این رابطه دارند و عملاً اتحادیه را با بخش های گسترده ای از جهان پیوند می دهد. مناطق آستاراخان، تولا، کالوگا، آلابوگا بایستی به منظور تجارت درون اتحادیه ای برخی امتیازات ویژه را برای اعضای اتحادیه اوراسیا برقرار سازند. این مناطق ظرفیتهای آنها باید به دیگر اعضای اتحادیه معرفی شوند. باید توجه داشت که کشورهای منطقه در راستای تقویت مناطق آزاد تجاری نیاز به شبکه حمل و نقل توسعه یافته ای دارند. لازمه تقویت مناسبات درون اتحادیه ای اوراسیا تقویت سیستم حمل و نقل در بخش های مختلف هوایی، زمینی و دریایی کشورهای عضو است. اساساً ضعف در این خصوص سرعت توسعه اتحادیه را کاهش می دهد. دسترسی به بازار دیگر کشورها تنها وابسته به کاهش تعرفه تجاری نیست بلکه بهبود امور زیربنایی در تجارت میان کشورها بسیار مورد اهمیت است. سرعت ارتباطات اقتصادی میان اعضا منوط به وجود ناوگان

پیشرفته و توسعه یافته است. در این خصوص ایران با سرزمین پهناور، ارتباط با دریا و حریم هوایی امن یکی از مهم‌ترین و بهترین مسیرها به منظور کارآمدسازی اتحادیه است. یکی از مواردی که ضرورت دارد بر سرعت توسعه آن افزوده شود حمل و نقل ریلی است. پیوند بین کشورها با استفاده از حمل و نقل ریلی با کاربری جابجایی کالا و مسافر منجر به توسعه و تعمق مناسبات درون اتحادیه می‌گردد.

۵ - ۵. درک اعضای اتحادیه از وجود تهدید و رقیب مشترک

لازم به ذکر است که کشورهای عضو اتحادیه به رغم اینکه تهدیدات مشترکی به لحاظ دشمنان خارجی دارند به این درک مشترک نائل آمده‌اند که پیرامون عناصر رقیب همگرا شوند. طبیعتاً محور غرب و اتحادیه اروپا هر چند با کشورهای آسیای مرکزی مرادوات و مناسبات اقتصادی و سیاسی داشته باشند،

اما در غایت امر رویکردی منفعت‌گرایانه به کشورهای همجوار روسیه دارند. روایت‌سازی پیرامون تهدید و رقیب مشترک تمام اعضای اتحادیه یک ضرورت است که در همگرایی و ادغام بیشتر در درون مجموعه مفید فایده خواهد بود. تروریسم هم این منطقه را تهدید می‌کند (Mussatayev and others, 2018:206). عمدتاً گروه‌های تروریستی مانعی برای برقراری خطوط حمل و نقل و تأسیسات اقتصادی می‌باشند. مشکل کنترل مرزهای جنوبی یک چالش ژئوپلیتیکی است. به عنوان نمونه تشکیل خلافت اسلامی (داعش) در ژوئن ۲۰۱۴ به عنوان یک سازمان قدرتمند است برای برهه‌ای بخش قابل

توجهی از سوریه و عراق را کنترل می‌کرد و اکنون عناصر آن به صورت پراکنده و مخفی وجود دارد یک تهدید عمده برای منطقه اوراسیا به شمار می‌رود. امروزه با توجه به اینکه مسائل و تهدیدات سیستمیک هستند، و مسائل اقتصادی ممکن است توسط تهدیدات امنیتی تحت‌الشعاع قرار بگیرد، وجود همکاری‌های نظامی بر اساس یک سازمان پیمان امنیت جمعی به منظور پاسخگویی به تهدید خارجی به ویژه تروریسم و اسلام‌گرایی رادیکال اجتناب‌ناپذیر است. در این میان روسیه بیشترین نگرانی را در خصوص تأثیر سازمان‌های تروریستی بر مسائل درون سازمان دارد (Sivickiyj,2015:15).

ولی کشورهای دیگر به همین میزان نگرانی ندارند و به عنوان نمونه در خصوص نحوه مبارزه با گروه تروریستی داعش و کنترل عبور و مرور مرزهای به مانند روسیه برخورد نکرده‌اند. علاوه بر چالش‌های فوق بایستی به برخی تهدیدات دیگر نیز اشاره داشت. یکی از رویکردهایی که کشورهای غربی و با مدیریت انجمن‌هایی از جمله جرج سوروس^۱ دنبال می‌کند زمینه‌سازی برای ایجاد نافرمانی‌های درونی و متعاقب آن وقوع انقلابی‌های رنگی در کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا است. چنین راهبردی در سابق نمونه‌هایی از آن در منطقه به ویژه در کشورهای قرقیزستان، گرجستان و اوکراین عینیت یافته پیدا کرده است (Lipiński and Shukuralieva,2014:11). امنیت یک مؤلفه اساسی در توسعه یک منطقه است، وقوع انقلاب‌های رنگی و ناآرامی در هر کدام از کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا تأثیرات منفی برجای می‌گذارد.

^۱George Soros-

دسترسی به دریای آزاد یکی دیگر از مؤلفه‌های محوری توسعه کشورها و همچنین مجموعه‌های اقتصادی و سیاسی است. دریاهای آزاد هزینه جاده‌سازی و صادرات کالا به وسیله ماشین‌های سنگین را کاهش می‌دهد. محصوریت در خشکی^۱ و عدم دسترسی به آبهای آزاد که زمینه‌ی همکاری برای کشورهای عضو اتحادیه در حوزه‌ی ترانزیت انرژی و کالا با چالش مواجه ساخته است (Mahdi, 2016:2). ترانزیت کالا و همچنین انرژی از طریق دریا در قیاس با کریدورهای خاکی با هزینه کمتری صورت می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

ارمنستان، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و روسیه اتحادیه اقتصادی اوراسیا را با هدف تقویت همکاری اقتصادی نزدیکتر بین کشورهای عضو برای رفاه حال مردم منطقه تشکیل دادند. علیرغم تلاش‌ها و ابتکارات بیشمار، اقدامات اتحادیه به موفقیت چشمگیری دست نیافته است؛ زیرا بیشتر اهداف آن یا ماهیت اعلامی داشته و یا دارای انگیزه سیاسی بوده و جدی گرفته نشده است. محوریت پژوهش حاضر پاسخ به این سوال است که عوامل اصلی ناکارآمدی و پیشران‌های کارآمدی اتحادیه اقتصادی اوراسیا کدام‌اند؟ مؤسسان اتحادیه اوراسیا را با این هدف بنیان نهاده‌اند که از رهگذر تجمیع و ادغام پتانسیل‌ها به نحو بهتر و کم‌هزینه‌تری اهداف اقتصادی و توسعه‌ای خود را جامه عمل بپوشانند. این کشورها وجود یک سازمان اقتصادی همپایه با اتحادیه اروپا و دیگر سازمان‌های کارآمد را ضروری می‌دانند. با این وجود اتحادیه اقتصادی

landlocked-^۱

اوراسیا نیز همانند دیگر مجموعه‌های چند کشوری، یک مسیر یک‌سویه و بدون وجود عناصر چالش‌گر به منظور شکوفایی اقتصادی و نیل به اهداف مطرح شده ندارد. درخور توجه است که گام اول جهت رونق اتحادیه احصاء و تبیین مواردی است که به صورت منفی ظاهر گشته و جلوی توسعه سازمان را گرفته‌اند. در این پژوهش از عناصر منفی و ممانعت‌کننده در مسیر روند رونق سازمان با عنوان «پسران» یاد شده است. این مسائل در قالب آسیب‌ها و تهدیدات سازمان ظاهر شده‌اند و معرفت نسبت به آنها اجتناب‌ناپذیر است. مطابق با آنچه‌ای که از خلال بررسی فرازهای چندگانه پژوهش مبرهن گردید مسائلی از جمله نگاه امنیتی فدراسیون روسیه به اتحادیه، مداخله کشورهای غربی، عدم توسعه‌یافتگی برابر و هم‌سطح، اختلافات میان کشوری و اهداف متعارض اعضای اتحادیه، بی‌اعتمادی نسبت به اهداف روسیه، عدم وجود زیرساخت‌های مناسب، همسانی اقتصادی (تک محصولی بودن)، افت قیمت انرژی و عدم امکان کاربست منطق تسری به عنوان پسران‌های جلوگیری‌کننده از توسعه سازمان ایفای نقش کرده‌اند. عدم حل و فصل چنین مسائلی در افق آتی سازمان را در نیل به اهداف محوری با مشکلات بنیادینی مواجه می‌سازد. با این وجود گام بعدی ارائه راهبردهای پیش‌برنده برای ارتقاء اتحادیه اقتصادی اوراسیا است. در رابطه با پیشران‌های کارآمدساز اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌توان به مواردی از جاده ابریشم جدید، درک مثبت افکار عمومی کشورهای عضو نسبت به تشکیل اتحادیه، رژیم ویزای آزاد اتحادیه اوراسیا، ایجاد ارز جدید برای انجام امور تجاری، تأسیس دانشگاه و اندیشکده

اتحادیه اقتصادی اورسیا، تأسیس سازوکاری نظارتی قوی، مناطق آزاد تجاری، درک اعضای اتحادیه از وجود تهدید و رقیب مشترک، تأسیس کارخانه با سرمایه گذاری کشورهای اتحادیه، ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان مشترک، تأسیس بازارهای جدید خارج از اتحادیه، تولید محصولات رسانه‌ای مشترک و تقویت سیستم ترانزیت و حمل نقل هوایی و دریایی اشاره داشت. روی هم رفته باید اشاره داشت که چنانچه بنیان این اتحادیه خواستار تداوم و توسعه فعالیت آن باشند ناگزیر از مقابله با عوامل ناکارآمدساز و در پیش گرفتن سازوکارهای کارآمدساز است که در اینجا به برخی از آنها اشاره شد. این منطقه با تنوع محصولات و همچنین غنی بودن به لحاظ منابع طبیعی قابلیت دارا بودن یک سازمان منطقه‌ای کارآمد و پیشروی اقتصادی را دارد.

منابع و مأخذ

- دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت (۱۳۷۲)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه‌ی علیرضا طیب و وحید بزرگی، جلد دوم، تهران: نشر قومس.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ پنجم، تهران: سمت.
- میرفخرایی، سیدحسن (۱۳۹۴)، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و الزامات ژئوآکونومیک آن برای ایران، مطالعات روابط بین‌الملل، سال هشتم، شماره ۳۲، صص ۱۴۳ - ۱۷۵.

- troitskiy, evgeny (2020), the eurasian economic union at five: great expectations and hard times, wilsoncenter, available at: <https://www.wilsoncenter.org/blog-post/eurasian-economic-union-five-great-expectations-and-hard-times>

- putz,catherine(2018), remember the eurasian economic union?, thediplomat,policy paper.
- v. perskaya, victoria (2017), integration process in the eurasian economic union (eaeu): interstate relations instead of supranationality under the conditions of multipolarity, revistaespacic,vol. 39 (11),pp2 -1۳.
- khitakhunov, azimzhan and others(2017), eurasian economic union: present and future perspectives, econ change restruct (2017) 50:59-7۷ □□□ ۱۰.۱۰۰۷/□۱۰۶۴۴-۰۱۶-۹۱۸۲-۱.
- weitz, richard(2011), global insights: dim prospects for putin's eurasian union, worldpoliticsreview,policy paper.
- mostafa,golam and mahmood,monowar(2018), eurasian economic union: evolution, challenges and possiblefuture directions, journal of eurasian studies,volume 9, issue 2,pp ۱۶۳-۱۷۲.
- menkiszak,marek(2013),greater europe. putin's vision of european (dis)integration', osw studies, policypaper,no 12.
- jarosiewicz,aleksandra and fischer,ewa(2015), the eurasian economic union – more political, less economic, centre for eastern studies, osw commentary number 157.
- boguslavskakateryna, (2015 july), the first steps of the eurasian economic union: disputes, initiatives and results, russian analytical digest,no 170.
- dragneva,rilka and wolczuk,kataryna(2017), the eurasian economic union deals, rules and the exercise of power, research paper, chatham house.

- valovaya, valovaya (2012), eurasian economic integration: origins, patterns and outlooks, ebd eurasian integration yearbook.
- kłyściński, kamil (2017), the risk of escalating tensions in minsk-moscow relations, osw.waw, available at: <https://www.osw.waw.pl/en/publikacje/analyses/2017-01-04/rozwiazanie-konfliktu-moskwa-minsk>
- schenckan, robert (2014), eurasian disunion. why the union might not survive, available at: <http://www.dialogforumsicherheitspolitik.de/eurasian-disunion-union-might-not-survive-2015/>
- c. kuchins, andrew (2018), what is eurasia to us (the u.s.)?, journal of eurasian studies 9 (2018), pp125–133.
- namirov, ilya (2017), russkiy vopros v kazakhstane, stoletie news, available at: http://www.stoletie.ru/vzglyad/russkij_vopros_v_kazahstane_620.htm
- m. dunn, thomas (2012), neo-functionalism and the european union, e-international relations, policy paper, no 14.
- hass, b. ernest (1964), beyond the nation-state, california: stanford university press.
- gussarova, anna and others (2017), the eurasian economic union and the silk road economic belt competition or convergence? implications for central asia, central asia institute for strategic studies.
- diyachenko, ekaterina and entin (2017), the court of the eurasian economic union: challenges and perspectives, russian law journal volume v, issue 2.
- kholodilin, konstantin and aleksei, netšunajev (2019), crimea and punishment: the impact of sanctions on russian

- economy and economies of the euro area, baltic journal of economics volume 19, issue 1.
- Shamishev, Erlan And Zh. Toktamysov, Saken(2019), Eurasian Economic Union In The Context Of Sanctions
 - Policy, Shamishev, E., Toktamysov, S. /Vol. 8 Núm. 21: ۴۷۴ – ۴۸۲.
 - Kirkham, Ksenia (2016), The Formation Of The Eurasian Economic Union: How Successful Is The Russian Regional Hegemony?, Journal Of Eurasian Studies 7, Pp 111–1۲۸.
 - A.Hartwell,Christopher(2018),A Eurasian (Or A Soviet) Union? Consequences Of Further Economic Integration In The Commonwealth Of Independent States, Business Horizons,Volume 56, Issue 4,Pp 411-420.
 - Deceuninck, Fauke(2018), The European Union & The Eurasian Economic Union: Competing Regionalisms Towards The Neighbourhood?, Institute For European Studies Université Catholique De Louvain Université Saint-Louis – Bruxelles
 - Yeliseyeu, Andrei(2019),The Eurasian Economic Union: Expectations, Challenges, And Achievements, The German Marshall Fund Of The United States, Policy Paper.
 - Dragneva,Rilka And Wolczuk,Kataryna(2017), The Eurasian Economic Union Deals, Rules And The Exercise Of Power, Research Paper, Chatham House.
 - Crisisgroup(2017), Central Asia’s Silk Road Rivalries, Report 245.Available At: <https://www.crisisgroup.org/europe-central-asia/central-asia/eurasian-economic-union-power-politics-and-trade>
 - Avedissian,Karena(2019), Fact Sheet: What Is The Eurasian Economic Union?,Available At:

- <https://www.evnreport.com/understanding-the-region/fact-sheet-what-is-the- Eurasian-economic-union>
- Perović, Jeronim (2019), Russia's Eurasian Strategy, Eidgenössische Technische Hochschule Zürich, Available
 - At: <https://css.ethz.ch/en/services/digital-library/articles/article.html/76213743-2fe9-4caf-b0fa-d1116db2639a>
 - Mussatayev, Seilbek And Others (2018), Problems And Prospects Of The Eurasian Economic Union: Swot Analysis, https://www.ukw.edu.pl/download/55541/problems_and_prospects_of_the_ Eurasian_economic_union_swot_analysis.pdf
 - Indeo, Fabio (2017), The Eurasian Economic Union And The Silk Road Economic Belt: The Impact Of The Sino-Russian Geopolitical Strategies In The Eurasia Region, Center For Energy Governance And Security, Egs Korea, Hanyang University. Working Paper No. 5. Seoul, Published For Debate.
 - Svetlicinii, Alexandr (2017), China's Belt And Road Initiative And The Eurasian Economic Union: Integrating The Integrations, Public Administration Issues, Special Issue.
 - aslund, anders (2020), the russian economy in health, oil, and economic crisis, atlantic council, policy paper.
 - globaltimes (2020), eaeu calls for joint efforts against covid-19, <https://www.globaltimes.cn/content/1185664.shtml>

- tass(2016),lavrov:eurasian economic union opens up new prospects for russian regions,available at:<https://tass.com/economy/880483>
- Voloshin, George(2018), Kazakhstan's Neutrality Irks Russia and Strains Bilateral Ties, Eurasia Daily Monitor Volume: 15 Issue: 77.
- Sivickiy,Arseniy(2015),Belarus: Muted Integration Euphoria, in The Eurasian Economic Union Analyses and Perspectives from Belarus, Kazakhstan, and Russia, the Friedrich-Ebert-Stiftung.
- mekhdiev, elnur and others(2019), conjugation of the belt and road initiative and eurAsian economic union: problems and development prospects, jel classification: no2.
- shakhanova,gaziza and a. garlick,jeremy(2020), the belt and road initiative and the eurAsian economic union: exploring the greater eurAsian partnership, journal of current chinese affairs,no1(3) 1-2۵, □□□: ۱۰.۱۱۷۷/۱۸۶۸۱۰۲۶۲۰۹۱۱۶۶۶.
- lea, melnikovová(2020), china's interests in central asian economies, human affairs, volume 30: issue 2, <https://doi.org/10.1515/humaff-2020-0022>.
- tnnews(2019), central asia's economic evolution from russia to china, available at: <https://tnnews.tv/2019/02/20/central-asias-economic-evolution-from-russia-to-china/>
- lipiński, artur and shukuralieva, nartsiss(2014), social protests, modular revolutions and democratisation. selected categories in the analysis of the phenomenon of colour revolutions, środkowoeuropejskie studia polityczne, doi: ۱۰.۱۴۷۴۶/□□□.۲۰۱۴.۴.

- mahdi, samiullah(2016), security and foreign policy of landlocked states, university of massachusetts boston scholarworks at umass boston, masters theses doctoral dissertations and masters theses.
- Investopedia(2020), Eurasian Economic Union (EAEU), available at:
<https://www.investopedia.com/terms/e/eurasian-economic-union-eeu.asp>

نقش اتحادیه اقتصادی اوراسیا در تکمیل راه گذر شمال – جنوب

سید حمزه صفوی؛ عابد نوروزی زرمهری^۲

^۱ - استادیار، گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، تهران، safavi@ut.ac.ir

^۲ - دانشجوی دکتری، مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران،

abed.n.z@gmail.com، تهران

چکیده

دو دهه از طرح ابتکار راه‌گذر حمل و نقلی بین‌المللی شمال - جنوب توسط سه کشور جمهوری اسلامی ایران، هند و فدراسیون روسیه می‌گذرد و این در حالی است که این طرح با چالش‌های اساسی در زمینه راه‌اندازی مواجه است. گذشته از مشکلات فنی نبود اراده سیاسی لازم و فشارهای نظام بین‌الملل مهم‌ترین چالش‌های تکمیل این راه‌گذر قلمداد می‌شود. تحریم‌های اقتصادی علیه ایران و روسیه بویژه شدت یافتن آن پس از خروج امریکا از برجام از مهم‌ترین این عوامل است. علاوه بر آن فقدان چارچوب‌ها و مناسبات نیرومند اقتصادی و سیاسی میان اعضای دو دهه گذشته ایجاد چنین ساختاری را ضروری تلقی نمی‌کرد. با تمام این مشکلات پیگیری‌های اعضای اصلی راه‌گذر شمال - جنوب جهت حضور در اتحادیه اقتصادی اوراسیا را می‌توان نقطه عطفی برای افزایش اراده سیاسی و اقتصادی برای تکمیل و راه‌اندازی راه‌گذر شمال - جنوب به عنوان عامل مهم افزایش تجارت بین کشورهای عضو آن دانست.

در این نوشتار در جستجوی پاسخ به این پرسش هستیم که اتحادیه اقتصادی اوراسیا چه تاثیری بر روند شکل‌گیری راه‌گذر شمال - جنوب دارد؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که اتحادیه اقتصادی اوراسیا با ایجاد بسترهای لازم باعث افزایش تبادلات سیاسی - اقتصادی بین اعضای می‌شود و این امر باعث افزایش اراده سیاسی و اقتصادی جهت تکمیل راه‌گذر شمال جنوب می‌شود. این پژوهش با استفاده از مفروضات واقع‌گرایانه‌ی رابرت گیلپین در زمینه اقتصاد سیاسی بین‌الملل و از روش توصیفی و تحلیلی بر نقش سیاسی و اقتصادی اتحادیه اقتصادی اوراسیا بر راه‌گذر شمال - جنوب خواهد پرداخت.

کلمات کلیدی: راه‌گذر شمال - جنوب، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، جمهوری اسلامی

ایران، فدراسیون روسیه، هند، اقتصاد سیاسی بین‌الملل

مقدمه

نظام بین الملل به سبب های گوناگونی همواره در حال دگرگونی است. این تغییرات خود باعث تحول در نوع بازی کنشگران به ویژه دولت ها به عنوان اصلی ترین بازیگر نظام بین الملل می شود. به گواهی تاریخ دولت هایی در میان این تحولات قدرت گرفته و دولت هایی دیگر رو به افول رفته اند. کنشگرانی جدید از نوع نهادها و سازمان های بین المللی ایجاد شدند و پس از چندی در پی دگرگونی هایی دیگر جای خود را به سازمان های بین المللی دیگری داده اند. در مقطع های مهم تاریخی که نظام بین الملل در حال تغییرات اساسی است برخی از دولت ها با سیاست گذاری مناسب قدم در راه بهبود وضعیت اقتصادی و سیاسی خود به وسیله ی تنظیم روابط با بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای گذاشتند.

قرار گرفتن ایران در جنوب غرب آسیا و همسایگی با منطقه ی ویژه ی اوراسیا این کشور را تبدیل به کانون تحرکات سیاسی و اقتصادی مهمی در جهان کرده است. موقعیت جغرافیایی ایران، نزدیک ترین مسیرهای انتقال کالا، خدمات و انرژی را به صورت ظرفیتی طبیعی در اختیار ایران قرار داده است. اما در کنار مقدمات یاد شده محذورات گوناگونی در اثر همین موقعیت راهبردی، ایران را در طی تاریخ با تحولات پیچیده ای روبرو کرده است. صرف نظر از برخی مشکلات داخلی که در ابعاد سیاسی و اقتصادی همواره در ایران وجود داشته تحولات ناشی از بازیگران قدرتمند منطقه ای و فرامنطقه ای همواره ایران را در تنگناهای بزرگی قرار داده است. ایران در بسیاری از رفتارهای دگرگون ساز نظام بین الملل در طی تاریخ شرکت داشته است. اما

آنچه مهم است استفاده بیشینه از آن، جهت انجام خواسته‌های سیاسی و اقتصادی است. یکی از این رفتارهای تحول‌ساز ایجاد سازمان‌های اقتصادی است.

سازمان همکاری اقتصادی (اگو) را می‌توان اولین سازمان همکاری در قاره آسیا دانست، اما امروز شاهد آن هستیم که سازمان‌های دیگر مانند شورای همکاری خلیج فارس و دیگر سازمان‌ها در جنوب شرق آسیا بسیار فعال‌تر و تاثیرگذارتر از اگو عمل می‌کنند. در خصوص طرح‌های بین‌المللی نیز این شرایط وجود دارد. این مشکل را می‌تواند در عدم استفاده درست از موقعیت‌های بدست آمده در تنظیم روابط با بازیگران منطقه‌ای جستجو کرد. پژوهش حاضر در خصوص روند تکمیل راه‌گذر حمل و نقلی بین‌المللی شمال - جنوب است. طرحی که از نظر اقتصادی فراهم آورنده کوتاه‌ترین مسیر انتقال کالا از جنوب و جنوب شرق آسیا به شمال اروپا است. به سبب‌هایی که نمونه‌هایی از آن‌ها در بالا یادآوری شد این طرح در حدود بیست سال است که در حال تکمیل و راه‌اندازی است. کارشناسان روابط بین‌الملل و اقتصاد سیاسی بیش از هر چیز فشارهای بین‌المللی بر ایران را عامل تاخیر آن می‌دانند. در این پژوهش با اتکا بر تاثیر گسترده عوامل سیاسی بر پیشبرد امور اقتصادی که بدست آمده از مفروضات رویکرد اقتصاد سیاسی رابرت گیلپین است؛ ابعاد سیاسی اقتصادی را برای حل این مشکل تشریح کرده‌ایم. بنابراین برپایه مفروضات گیلپین که تلاش کرده است موضوع‌های اقتصاد سیاسی را با متغیر قدرت توضیح دهد این فرضیه مطرح می‌شود که اتحادیه اقتصادی اوراسیا با ایجاد بسترهای لازم باعث افزایش تبادلات سیاسی - اقتصادی بین اعضا

می‌شود و این امر باعث افزایش اراده سیاسی و اقتصادی جهت تکمیل راه‌گذر شمال - جنوب می‌شود. در این راستا عضویت ایران و هند به عنوان دو عضو مهم این راه‌گذر در اتحادیه اقتصادی اوراسیا موضوعی است که هم از لحاظ فنی و اقتصادی و هم از لحاظ سیاسی نیروی محرک خوبی برای افزایش همکاری بین اعضای این راه‌گذر به شمار می‌رود. این همکاری می‌تواند اراده‌ی سیاسی اعضای راه‌گذر به خصوص دو عضو مهم آن یعنی هند و روسیه را برای ایجاد زمینه‌های لازم جهت سرعت دادن به این طرح قوت بخشد.

چارچوب نظری

اقتصاد سیاسی بین‌الملل

دگرگونی در نظام بین‌الملل در پی جنگ سرد و مناظره بین پارادایم‌های واقع‌گرایی، لیبرالیسم و مارکسیسم و تغییر و تحولات ناشی از دستاوردهای فناوریانه باعث شد گرایش مطالعاتی فرعی با عنوان اقتصاد سیاسی بین‌الملل از دهه ۱۹۷۰ برای مطالعه ابعاد اقتصادی روابط بین‌الملل شکل بگیرد. این روند با فروپاشی شوروی و تحولات واپسین دهه سده بیستم و فرایند جهانی‌شدن و بحران مالی اقتصادی سال ۲۰۰۸ توسعه پیدا کرد.

اقتصاد سیاسی بیان می‌دارد که بین منافع گروه‌ها و طبقات اجتماعی تقابل وجود داشته و آن‌ها بر اندیشه‌های اقتصادی تاثیر گذاشته و آن را در جهت منافع خویش تدوین می‌کنند (سیف، ۱۳۷۶: ۸). تعاملات دولت و بازار در سطح بین‌المللی، تعاملات میان دولت‌ها و شرکت‌های چندملیتی و رابطه و تعامل دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی دولتی موضوع‌های مهم اقتصاد سیاسی بین‌الملل هستند. فروپاشی شوروی و آغاز فرایند جهانی‌شدن و تحولات

آغازین دهه اول هزاره سوم مانند ایجاد گروه بریکس، گروه بیست، بحران مالی ۲۰۰۸ و ظهور اقتصادهای نوظهوری چون چین و هند باعث تثبیت، تداوم، توسعه و تکامل اقتصاد سیاسی بین‌المللی شده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۱۳۱). در این میان اقتصاددانان سیاسی باید به دنبال تبیین چگونگی شکل‌گیری اولیه‌ی دستگاه‌های اقتصادی باشند. باید در نظر داشت اقتصاد سیاسی طیف گسترده‌تری از مسائل را در نظر دارد.

رویکرد واقع‌گرایانه رابرت گیلپین به اقتصادی سیاسی بین‌الملل

رابرت گیلپین با نگاه واقع‌گرایانه خود ضمن تأکید بر مفروضه‌های واقع‌گرایی، موضوع‌های اقتصادی را در ارتباط کامل با مولفه‌های سیاسی تحلیل می‌کند. گیلپین بیان می‌کند که تحلیل‌های اقتصادی تاجایی کاربرد دارد که با موانع سیاسی، اجتماعی و روان‌شناسی که اقتصاد امکان تبیین آن را ندارد مواجه نشوند. به اعتقاد گیلپین واقع‌گرایان نیز ارتباط بین سیاست بین‌الملل و اقتصاد بین‌الملل را برقرار می‌سازند (Gilpin, 1984: 293).

غرض از انتخاب نگرش اقتصاد سیاسی بین‌الملل رابرت گیلپین به عنوان چارچوب نظری این پژوهش تصویری است که گیلپین برای توصیف نظام بین‌الملل به وسیله مفروضات خود رسم کرده است. تغییرات گسترده در نظام بین‌الملل باعث نگارش کتاب اقتصاد سیاسی جهانی؛ درک نظم اقتصاد بین‌الملل از سوی وی شد و در این کتاب با بهره‌گیری از رویکرد واقع‌گرایی گزاره‌هایی را مطرح کرد که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است. یکی از موارد بیان شده این است که مهم‌ترین موضوع مطرح در توسعه اقتصادی، تأکید بر نقش مناسبات دولت و بازار در فرایند توسعه است. البته وی تأکید

می‌کند با افزایش نقش بازار در سازماندهی و کارکرد اقتصاد جهانی عصر دولت – ملت‌ها پایان نیافته و آن‌ها هنوز به عنوان بازیگر مهم در عرصه داخلی و بین‌المللی مطرح هستند (گیلپین، ۱۳۹۲: ۶).

گزاره مهم دیگری که گیلپین در نظر دارد این است که گسترش فناوری‌های حمل و نقلی نوین باعث کاهش فوق‌العاده هزینه‌های حمل و نقل شده است و این موضوع امکان برقراری تجارت جهانی را فراهم کرده است. گسترش تجارت نیز در کنار عوامل دیگری مانند افزایش نقش شرکت‌های چندملیتی و جریان‌های مالی باعث دگرگونی اقتصاد بین‌الملل شده‌اند (گیلپین، ۱۳۹۲: ۱۰-۱۱).

البته از نظر وی این امر باعث افزایش رقابت میان کشورها شد. نکته مهم دیگری که گیلپین بسیار بر آن تاکید دارد این است که عوامل سیاسی هم‌سنگ و گاهی اوقات بسیار بیشتر از عوامل اقتصادی در تبیین ویژگی‌های اقتصاد جهانی نقش دارد (گیلپین، ۱۳۹۲: ۱۵). در نگاه گیلپین همانند واقع‌گرایان، دولت‌ها مهم‌ترین بازیگران عرصه داخلی و بین‌المللی در مسائل اقتصادی هستند و هر چند بازیگران دیگر مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نیز دارای اهمیت هستند اما تصمیمات مهم اقتصادی همچنان در دست دولت‌های ملی است.

از آنجا که در رویکرد واقع‌گرایی منافع ملی نقش ویژه‌ای دارد گیلپین نخبگان سیاسی حاکم، فشارهای گروه‌های قدرتمند داخلی و ماهیت نظام سیاسی را شکل دهنده به آن می‌داند. در این راستا همچنین بر نقش عوامل عینی مانند موقعیت ژئوپلیتیکی و زیرساخت‌های فیزیکی اقتصاد در تعیین منافع تاکید

می‌کند (گیلپین، ۱۳۹۲: ۲۳). همچنین باید دانست طبق نظر وی ملاحظات سیاسی بر فعالیت‌های اقتصادی یک کشور تاثیر گذاشته و آن‌ها را از فعالیت‌های اقتصادی کشورهای دیگر متمایز می‌سازد (گیلپین، ۱۳۹۲: ۱۲۳). عدم جدایی تحلیل اقتصاد و سیاست در نگاه گیلپین، برای ما این موضوع را روشن می‌کند که هدف‌های کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در مناطقی مانند آسیای مرکزی و قفقاز و خاورمیانه تنها به افزایش نفوذ برای کسب سود اقتصادی حاصل از سرمایه‌گذاری در موضوع‌هایی مانند استخراج انرژی و خطوط لوله‌های انتقال انرژی خلاصه نمی‌شود. بلکه اهداف سیاسی و راهبردی هر کدام از این کشورها منجر به نفوذ آنها در این منطقه شده است. در واقع به نوعی شاهد یک در هم تنیدگی بین مسائل سیاسی و اقتصادی هستیم (آجیلی و بهادرخانی، ۱۳۹۳: ۱۳۴). اختلاف بین استراتژیست‌ها و اقتصادگراها در دولت جرج دبیلو بوش در خصوص منطقه نمونه خوبی برای توضیح اهمیت ملاحظات سیاسی است. اختلاف سلیقه‌ای که نهایت به پیروزی استراتژیست‌هایی از جمله پاول، وزیر امور خارجه و رامسفلد وزیر دفاع انجامید و نتیجه آن ادامه‌ی تحریم‌های ایران توسط دولت بوش و احداث خط لوله باکو - تفلیس - جیحان بود. اقتصادگراها بر استفاده از موقعیت بسیار مناسب ژئوپلیتیک ایران تاکید داشتند اما علی‌رغم به صرفه بودن مسیر ایران برای انجام طرح‌های گسترده‌ی انتقال انرژی، مولفه‌های سیاسی باعث ادامه کنار گذاشتن ایران از چنین طرح‌هایی شده است (آجیلی و بهادرخانی، ۱۳۹۳: ۱۳۸). بنابراین طبق رویکرد گیلپین جهان همچنان دولت‌محور است و جریان اقتصاد بین‌الملل محصول تعامل اراده‌های سیاسی دولت‌ها است.

راه‌گذر حمل و نقلی بین‌المللی

۱-۳ ماهیت راه‌گذرهای حمل و نقلی بین‌المللی

راه‌گذرهای حمل و نقلی بین‌المللی یک یا چند کشور مجاور را به هم وصل می‌کند، همچنین ممکن است کشورهایی را که به عنوان کشورهای ترانزیتی نام برده می‌شوند به راه‌گذرهای بین‌المللی وصل کند. ارتباط بین جمهوری‌های آسیای مرکزی از طریق چین به اقیانوس آرام نمونه‌ی بارز این موضوع است (Islamic Development Bank, 2011: 2). راه‌گذرهای حمل و نقلی مفهومی گسترده‌تر از زیرساخت‌های حمل و نقلی هستند. زیرساخت‌های حمل و نقلی ارائه دهنده‌ی خدمات حمل و نقل هستند و اشتغال، دسترسی به آموزش، مراقبت‌های بهداشتی را فراهم می‌آورد. در حالی که راه‌گذرهای حمل و نقلی پا را از این فراتر می‌گذارند و با پالایش خدمات حمل و نقلی و تدارکاتی تجارت را بین کشورها، استان‌ها و منطقه‌ها رقابتی می‌کنند (Islamic Development Bank, 2011: 4).

۲-۳ مزیت‌های راه‌گذرهای حمل و نقلی بین‌المللی

توسعه راه‌گذرهای حمل و نقلی باعث کاهش هزینه کالا در سراسر زنجیره تامین شامل هزینه حمل و نقل، هزینه تدارکات، هزینه‌های اداری و اسناد و گمرک خواهد شد و کاهش چشمگیری در زمان سفر بدست خواهد آمد. کاهش هزینه و زمان منجر به افزایش به صرفه بودن تجارت شده و در نتیجه واردات و صادرات کارآمدتر خواهد شد. راه‌گذرهای کوتاه، سریع و ارزان می‌توانند تجارت کالا را افزایش داده که علاوه بر تقویت تجار بر تقویت روابط دوجانبه بین کشورها و منطقه‌ها نیز تاثیر دارد. به طور نمونه می‌تواند به قطار

بین چونگ کینگ در غرب چین و دویسبورگ آلمان اشاره کرد. این قطار به عنوان قطار یاکسینو^۲ مشهور است که در سال ۲۰۱۱ راه اندازی شد و تجارت بین چین و آلمان را افزایش داد (Passi, 2017: 7).

راه‌گذر حمل و نقلی بین‌المللی شمال - جنوب جمهوری اسلامی ایران، فدراسیون روسیه و هند در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۰ توافقی را مبنی بر ایجاد یک راه‌گذر حمل و نقلی بین‌المللی به امضا رساندند. استفاده از موقعیت ژئوپلیتیکی کم‌نظیر ایران جان‌مایه اصلی شکل‌گیری این راه‌گذر به شمار می‌رود. ولادیمیر پوتین با دید گسترش دامنه نفوذ روسیه و دسترسی بهتر به مناطق جنوبی در ابتدای سده حاضر با هدف استفاده از موقعیت راهبردی مشتاق به انجام چنین طرحی شد. این توافق در سال ۲۰۰۲ توسط ۳ پایه‌گذار آن به تصویب رسید و در ۱۶ می همان سال به اجرا گذاشته شد. طراحان اصلی این راه‌گذر هدف‌های مهم سیاسی - اقتصادی را مد نظر خود داشتند که برخی از مهم‌ترین‌های آن عبارتند از: افزایش اثربخشی در روابط حمل و نقل به منظور سازماندهی حمل و نقل کالا و مسافر؛ بهبود دسترسی به بازارهای بین‌المللی از طریق راه آهن، جاده، دریا، رودخانه و حمل و نقل هوایی در کشورهای عضو توافق‌نامه؛ کمک به افزایش حجم حمل و نقل بین‌المللی مسافر و کالا؛ تامین امنیت مسافرت، ایمنی کالا و غیره طبق استانداردهای بین‌المللی، ایجاد هماهنگی بین سیاست‌ها و مبانی قانونی و قانون‌گذاری در حوزه حمل و نقل به منظور اجرای این توافق و ایجاد شرایط مساوی و غیرتبعیض‌آمیز برای انواع

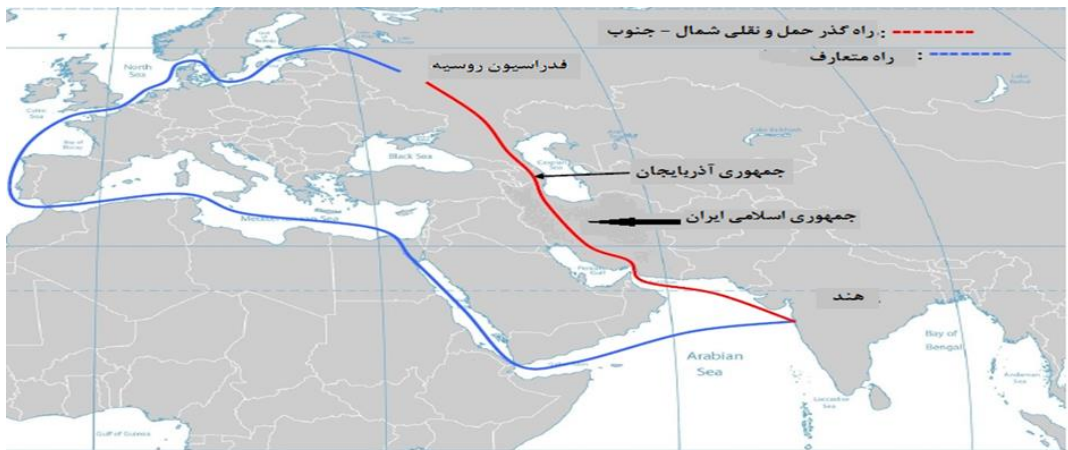
^۱ Duisburg

^۲ Yuxinou train

ارائه‌کنندگان خدمات حمل و نقلی از تمام طرف‌ها (singh & sharma, ۲۰۱۷).

۱-۴ تسهیل حمل و نقل

این راه‌گذر به عنوان سریع‌ترین مسیر حمل و نقل بین بمبئی و سنت‌پترزبورگ شناخته می‌شود. در بررسی‌های انجام گرفته در این خصوص، این راه‌گذر می‌تواند مسافت فعلی دریایی از کانال سوئز را از ۱۶۰۰۰ کیلومتر به ۷۲۰۰ کیلومتر و زمان سفر بین آسیای جنوبی و اروپای شمالی را از ۶۰ روز به ۳۰ روز کاهش دهد. در سطح قاره‌ای این راه‌گذر ظرفیت این را دارد که همتایی برای راه‌گذر راه ابریشم در مسیر شمال به جنوب باشد. (Castlreagh, 2019) شکل زیر نمایان‌گر تفاوت بین مسیر سنتی حمل و نقل از هند به اروپا و مسیر راه‌گذر شمال- جنوب است.



مسیر دریایی متعارف هند به شمال اروپا و راه‌گذر حمل و نقل بین‌المللی شمال - جنوب

۲-۴- شبکه‌های راه‌گذر شمال - جنوب در ایران

ایران به عنوان قطب اصلی این طرح، شبکه‌ای جامع از حمل و نقل را تشکیل می‌دهد که زیر راهروهای آن عبارتند از: بندر چابهار به افغانستان؛ جاده و ریل (پس از تکمیل راه آهن خواف - هرات)؛ بندر چابهار به آسیای مرکزی از مسیر سرخس؛ بندرعباس به آسیای مرکزی؛ جاده، ریل و دریا از بندر امیرآباد، بندرعباس به قفقاز و روسیه؛ جاده و دریا (پس از اتمام راه آهن رشت- انزلی - آستارا) و بندرعباس به ترکیه؛ جاده و ریل (Ministry of Roads & Urban Development, 2018).

۳-۴- اهمیت راهبردی راه‌گذر شمال - جنوب برای ایران

در رویکرد اقتصاد سیاسی بین‌الملل تحلیل پدیده‌های بین‌المللی به سمت بررسی یکسان عامل‌های سیاسی و اقتصادی رهنمون می‌شود. بر پایه این رویکرد ابتکارهایی مانند راه‌گذر شمال - جنوب، یک کمربند یک جاده چین و یا اتحادیه اقتصادی اوراسیا را نباید به صورت تک بعدی مورد تحلیل قرار داد. راه‌گذر شمال - جنوب علاوه بر تاثیرهای مثبت بر وضعیت تجاری ایران، تاثیر مثبتی در گشایش فضای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی برای ایران دارد. همسایگان ایران از هر سو عامل مهمی برای ایجاد ناامنی در مرزهای ایران هستند که براحتی می‌توانند امنیت ملی کشور را با خطر مواجه سازند. مرز به تقریب ۲۰۰۰ کیلومتری ایران با پاکستان و افغانستان در شرق کشور، دارای ظرفیت تسری عامل‌های ناامنی است که در این کشورها وجود دارد. تروریسم، افراط‌گرایی، قاچاق مواد مخدر، اقتدار کم دولت مرکزی و حضور نیروهای

نظامی خارجی همواره تهدیدی برای امنیت ایران در مرزهای شرقی به شمار می‌رود (Amirahmadian, 2016) از سوی دیگر مرز به تقریب ۱۴۰۰ کیلومتری ایران با عراق به عنوان یکی از بی‌ثبات‌ترین کشورهای جهان نیز بر تهدیدهای امنیتی ایران می‌افزاید. هرچند ایران تلاش‌های فراوانی را در راه ایجاد صلح و آرامش در افغانستان پس از فروپاشی شوروی و در عراق پس از سقوط صدام انجام داده است اما نبود حکومت‌های مرکزی قدرتمند در چنین کشورهایی در کنار نفوذ فراوان قدرت‌های متخاصم ایران در این کشورها هرگونه ارتباط زیرساختی و اقتصادی موثر را با مشکل روبرو کرده است. از سوی دیگر کشورهای عرب عضو شورای همکاری خلیج فارس مهم‌ترین هم‌پیمانان امریکا در منطقه هستند و توانسته‌اند ائتلافی را با هدف افزایش فشارهای بین‌المللی علیه ایران بر پا کنند. با وجود برخی اختلاف نظرها اقدام‌های این شورا در راستای منافع نیروهای متخاصم جمهوری اسلامی ایران تحرک اقتصادی و سیاسی ایران را در خاورمیانه با مشکل روبرو کرده است. روابط نامناسب ایران با این شورا روابط نه چندان مطلوب تجاری را بین ایران و این کشورها ایجاد کرده است. بر اساس آمار بانک جهانی در ۲۰۱۴ فقط ۵ درصد کالاهای صادراتی ایران به کشورهای عضو این شورا رفته است (ارغوانی پیرسلامی و اسمعیلی، ۱۳۹۸: ۸۳). شورای همکاری خلیج فارس ایران را به مثابه یک تهدید وجودی تلقی می‌کند و نگاه این کشورها به ایران بر امور امنیتی متمرکز است. شاید همین تهدید دانستن ایران باعث شد عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین و کویت با امریکا، فرانسه، روسیه و انگلیس قراردادهای امنیتی را منعقد کنند (حافظ نیا و فرجی، ۱۳۹۳: ۸۳).

تشدید بحران‌های امنیتی در منطقه خاورمیانه در پی رخداد بیداری اسلامی (بهار عربی) منجر به چند برابر شدن واردات جهانی سلاح به کشورهای خاورمیانه شد و به دنبال آن بر تجارت ایران با این کشورها نیز تاثیر منفی گذاشت (ارغوانی پیرسلامی و اسمعیلی، ۱۳۹۸: ۹۰).

در قسمت شمال غربی ایران نیز درگیری بین دو جمهوری آذربایجان و ارمنستان از ۱۹۸۸ بر روابط سیاسی و اقتصادی ایران با قفقاز جنوبی تاثیر گذاشته است. با اشغال قره‌باغ کوهستانی توسط ارمنستان، ایران به دلیل مصلحت‌های سیاسی امکان ارتباط موثر با منطقه تحت تسلط ارمنی‌ها را ندارد.

از این رو ارتباط‌های اقتصادی و سیاسی در این منطقه نیز با تنگناهای سیاسی روبرو است. اما با این حال می‌توان مرز ایران و جمهوری آذربایجان را یکی از امن‌ترین مرزهای جمهوری اسلامی ایران به شمار آورد. با توجه به بررسی‌های انجام شده و با عنایت به ملاحظات ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک، میزان ریسک هر نوع سرمایه‌گذاری دراز مدت در ساحل دو دریای خزر و عمان به مراتب کمتر از کرانه‌های خلیج فارس به ویژه در سه قسمت بندرعباس - بندر خمیر، کنگان - بوشهر و حسن آباد - خورموسی است (کریمی‌پور و محمدی، ۱۳۸۹: ۱۱۶). اما این در حالی است که معادل ۸۶ درصد ظرفیت تجارت کشور از این محدوده‌های خلیج فارس انجام می‌شود. در شرایطی که حجم کل نقل و انتقال کالا در بنادر مکران و خزر یعنی چابهار، انزلی، نوشهر، امیرآباد و فریدون‌کنار کمتر از ۱۶ درصد از کل است. وابستگی زیاد به تاسیسات و ظرفیت‌های ساحلی در خلیج فارس و تمرکز بر این کرانه‌ها

امنیت ملی ایران را دچار چالش و عمق راهبردی این کشور در برابر تهدیدهای دریایی را کاهش داده است (سلیمان پور، ۱۳۹۶: ۶۴).

با توجه به تمایل جمهوری آذربایجان و فدراسیون روسیه در ایجاد ارتباط بین دریای عمان و دریای خزر و مزیت‌های این راه‌گذر برای هند، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند نسبت به بهره‌برداری از یک راه‌گذر حمل و نقلی بین‌المللی امن و پایدار امیدوار باشد. از نظر رتیکا پاسی حمل و نقل در راه‌گذر شمال - جنوب، منجر به محوریت یافتن تجارت در روابط منطقه‌ای و تقویت کلی مناسبات دوجانبه و سه جانبه مسکو، دهلی نو و تهران می‌شود. در حال حاضر سهم صادرات هند به کشورهای مستقل مشترک‌المنافع حدود یک درصد است و این در حالی است که حجم مبادلات تجاری دو طرف از ۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱ به ۱۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴-۲۰۱۵ رسیده است. یکی از سبب‌های حجم محدود مبادلات تجاری فقدان سیستم حمل و نقل مناسب است (passi, 2017: 6-8). ساخت و تکمیل این راه‌گذر بیشتر از هر طرح دیگری برای هند اهمیت دارد از طرف دیگر سیاست‌های غربی در این پروژه به دلیل حضور روسیه نسبت به سیاست‌های اعمالی در پروژه خط لوله صلح کمتر خواهد بود که این موضوع هند را بیش از هر طرح دیگری به انجام آن ترغیب می‌کند. این راه‌گذر می‌تواند هند را در رقابت با پاکستان در نقل و انتقالات کالاهای خود به آسیای مرکزی تجهیز کند (balooch, 2009: 26).

با وجود پیشگامی ایران در ایجاد سازمان همکاری اقتصادی (اگو) این سازمان چندان با کشورهای خاورمیانه وارد سازوکارهای اقتصادی ژرف نشد. علاوه بر

آن، چالش‌های مختلفی که دامن اکو را گرفته بود، نتوانست ایران را در تبدیل شدن به کانون همگرایی منطقه‌ای در آسیای مرکزی و قفقاز یاری رساند. اکو با چالش‌های ژئوپلیتیکی مانند، فقدان اراده سیاسی برای کنشگری، عدم انعقاد موافقتنامه‌های سیاسی مستحکم، خلا قدرت و گرایش دولت‌های عضو به سوی قدرت‌های فرامنطقه‌ای مواجه است. علاوه بر آن رقابت‌های اقتصادی به جای اقتصادهای مکمل و اختلافات ارضی بین برخی از کشورها از چالش‌های دیگر آن به شمار می‌رود (ذوالفقاری و جعفری، ۱۳۹۵: ۲۶۹). بنابراین با عنایت به تنگناهایی که قدرت‌های مخالف ایران در منطقه برای ایران ایجاد کرده‌اند و با توجه به مشکلاتی که سازمان‌هایی نظیر اکو با آن درگیر است ایجاد هرچه سریع‌تر راه‌گذر شمال - جنوب می‌تواند عرصه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران را حتی فراتر از منطقه خاورمیانه و اوراسیا گسترش دهد. ایران همچنین می‌تواند از راه‌گذر شمال - جنوب جهت افزایش همکاری با روسیه در مقابله با تحریم‌های غرب بهره‌برداری کند. دو کشور همواره به دنبال انجام همکاری‌هایی برای مقابله با تحریم‌های غرب بودند. از جمله این همکاری‌ها می‌توان به توافق‌نامه‌ی بهبود وضعیت تجارت و سرمایه‌گذاری و همکاری راهبردی بین آژانس بیمه صادرات روسیه^۱ و صندوق ضمانت صادرات ایران اشاره کرد. این اقدام‌ها به منظور کاهش تاثیرهای منفی تحریم‌های بین‌المللی انجام شد ((Kozhanov, 2015: 12). راه‌گذر شمال - جنوب نیز با افزایش روابط سیاسی و اقتصادی بین دو کشور تاثیر مثبتی در کاهش صدمه‌های تحریم‌های غرب علیه دو کشور خواهد داشت.

^۱ Export Insurance Agency of Russia

۴-۴- راه‌گذر شمال - جنوب و طرح یک کمربند یک جاده چین

ابتکار یک کمربند یک جاده چین گسترده‌ترین سرمایه‌گذاری زیرساختی حمل و نقلی جهان در سده بیست و یکم است. این طرح در سال ۲۰۱۳ و طی سفر شی جین پینگ به قزاقستان علنی شد و از آن تاریخ به بعد قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در صدد توازن قوا با این ابتکار جدید برآمدند. یک کمربند یک جاده با افزایش تجارت در منطقه‌های پرتنش آسیا و در مجاورت با مرزهای چین سبب ادغام هرچه بیشتر آن‌ها با اقتصاد چین و دیگر اعضای این ابتکار خواهد شد.

منطقه سین‌کیانگ چین یکی از هسته‌های اصلی ابتکار یک کمربند یک راه است و چین را بوسیله‌ی جاده، ریل و شبکه انرژی به افغانستان، مغولستان، قزاقستان، قرقیزستان، پاکستان، روسیه و تاجیکستان متصل می‌کند. چین با در نظر گرفتن هدف‌های راهبردی و امنیتی از ابتدای سده‌ی حاضر به دنبال اجرای طرح‌های زیرساختی در سین‌کیانگ است تا اقتدار دولت مرکزی و فرهنگ چین را در آن سامان افزایش دهد (ملکی و رئوفی، ۱۳۹۵: ۹۹).

علاوه بر زیرساخت‌های زمینی، چین به طور گسترده به دنبال ایجاد یک مسیر دریایی تحت عنوان راه ابریشم دریایی است. ایجاد پایگاه‌هایی در نزدیکی بندر گوادر پاکستان و ایجاد پایگاه در جیبوتی که در سال ۲۰۱۷ انجام شد و تلاش برای ایجاد پایگاه‌های دیگر در مالدیو و تانزانیا حضور نظامی و امنیتی چین را در اقیانوس هند تضمین می‌کند (تویسرکانی، ۱۳۹۸: ۱۷). یک کمربند یک جاده از چند وجه با راه‌گذر شمال - جنوب ارتباط پیدا می‌کند. راه‌گذر

اقتصادی چین - پاکستان^۱ یکی از این موارد است. رقابت بین هند و پاکستان در سطح منطقه‌ای و رقابت هند و چین به عنوان دو قدرت آسیایی این دو ابتکار را در رقابت با یکدیگر قرار داده است. از طرف دیگر رقابت چین و آمریکا در عرصه جهانی و روابط هند و آمریکا فرصتی را در اختیار هند برای ورود به طرح‌هایی با مشارکت ایران کرده است. در این راستا دو کشور روسیه و ایران به دنبال بهره‌برداری از هر دو ابتکار هستند. ایران هرگز به دنبال فداکردن رابطه با یکی از کشورهای آسیایی برای رابطه بیشتری با دیگری نیست. محمد جواد ظریف در سفر خود در سال ۲۰۱۸ ضمن دعوت به همکاری در بندر چابهار، اظهار داشت روابط تهران با دهلی علیه اسلام آباد نیست و ایران خاک خود را تبدیل به پایگاهی برای ضربه زدن به پاکستان نخواهد کرد (Haider, ۲۰۱۹).

۵- اتحادیه اقتصادی اوراسیا

اتحادیه اقتصادی اوراسیا در کنار سازمان همکاری شانگهای دو نهاد بزرگی هستند که به منظور همگرایی منطقه‌ای و تقویت چندجانبه‌گرایی در ساخت جدید بین‌المللی فعالیت می‌کند. این دو بنیان نهادی بزرگ، ایده‌ی همکاری اوراسیایی را تشکیل می‌دهند. ایده‌ی اولیه تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا با پیشنهاد رئیس‌جمهور وقت قزاقستان در سال ۱۹۹۴ مبنی بر تشکیل سازمان همکاری اقتصادی اوراسیا آغاز شد.

^۱China-Pakistan Economic Corridor (CPEC)

پس از آن در سال ۲۰۰۰ بیانیه تاسیس جامعه اقتصادی اوراسیا به تصویب اعضا رسید و در ۲۰۰۱ با تصویب پارلمان‌های داخلی کشورهای عضو به صورت رسمی آغاز به فعالیت کرد (کریمی و فرجی لوحه‌سرا، ۱۳۹۷: ۲۶۴). قلمرو سرزمینی اتحادیه اقتصادی اوراسیا ۲۰ میلیون کیلومتر مربع به میزان ۱۳/۵ درصد از مساحت سرزمین است. جمعیتی معادل ۱۸۶ میلیون نفر را در بر می‌گیرد و ۵ عضو آن شامل روسیه، قزاقستان، روسیه سفید، قرقیزستان و ارمنستان می‌شود (Litvinova, 2019: 3) این اتحادیه یک بلوک تجاری آزاد به رهبری روسیه است که در مجموع تولید ناخالص داخلی ۱/۹ تریلیون دلاری را در اختیار دارد (masood, 2020). به منظور افزایش بهره‌وری حمل و نقل کانتینری زمینی شرکت سهامی با عنوان ((شرکت حمل و نقل و لجستیک متحد)) ایجاد شد. این شرکت فاصله ۵۴۳۰ کیلومتری بین ایستگاه‌های دوستوک در قزاقستان تا برست در روسیه سفید را نزدیک به ۵ روز طی می‌کند. شرکت نام برده در نظر دارد تا سال ۲۰۲۵ حجم حمل و نقل خود بین چین و اتحادیه اروپا به میزان ۱۰ برابر افزایش دهد. ادغام بخش حمل و نقل و لجستیک پیش نیاز مهم شکل‌گیری یک مدل مدرن از تعامل تجاری است که در راه ایجاد یک مدیریت منسجم زنجیره تامین بسیار موثر است (Almetova et al, 2019: 3).

اتحادیه اقتصادی اوراسیا یکی از کارآمدترین ساختارهایی است که در منطقه اوراسیای مرکزی در دوران پساشوروی ایجاد شده است. این اتحادیه به منظور آزادی سرمایه، تجارت، خدمات و جابجایی بهتر کالا ایجاد شده است. موتور محرکه‌ی اصلی این اتحادیه سیاست منطقه‌ای فدراسیون روسیه است. این

کشور به دنبال احیای قدرت خود در نظام بین الملل به ویژه اوراسیای مرکزی است. پس از فروپاشی نظم دو قطبی و تلاش های ایالات متحده در دنبال کردن یک جانبه گرایی در سیاست بین الملل، روسیه در رویای زنده کردن دوباره قدرت خود در نظام دو قطبی تلاش هایی را در سال های پس از فروپاشی بویژه در دو دهه ی اخیر انجام داده است. تلاش های روسیه در افزایش ارتباط با کشورهای جنوب غرب آسیا به ویژه ایران و سوریه پس از ۲۰۱۲ و حفظ نفوذ و رای برتر خود در تحولات آسیای مرکزی و قفقاز با ایجاد مناسبات منطقه ای از جمله اقدام های روسیه در این زمینه است. اتحادیه اقتصادی اوراسیا یکی از تلاش های روسیه جهت نهادسازی منطقه ای است که به منظور ژرفا بخشیدن به روابط اقتصادی کشورهای اوراسیایی با اهداف سیاسی شکل گرفته است. کشورهای عضو این اتحادیه به طور عموم به دنبال کسب منافع اقتصادی از این اتحادیه هستند اما آنچه برای روسیه اهمیت دارد بعد سیاسی این اتحادیه است.

آنچه را هم که مربوط به موضوع مورد نظر ما یعنی تاثیر این اتحادیه در راه گذر شمال - جنوب می شود علاوه بر بعد اقتصادی و فنی بعد سیاسی آن است.

این سازمان از ابتدا به دنبال پیمودن چهار مرحله فعالیت برای دستیابی به همگرایی بیشتر اقتصادی بوده است. شکل گیری تجارت آزاد، ایجاد اتحایه گمرکی، ایجاد قلمرو مشترک اقتصادی و دستیابی به اتحادیه اقتصادی منطقه اوراسیا این چهار مرحله فعالیت بوده است. در این راستا در ۲۰۱۰ اتحادیه

گمرکی بین سه کشور روسیه، روسیه سفید و قزاقستان ایجاد شد (کرمی و فرجی لوحه‌سرا، ۱۳۹۷: ۲۶۴).

۱-۵- چالش‌های اتحادیه اقتصادی اوراسیا

هر طرح اقتصادی و سیاسی برای اجرایی شدن و رسیدن به هدف‌های خود با چالش‌هایی روبرو است که کارویژه برخی طرح‌های دیگر می‌تواند آن چالش‌ها و مشکلات را برطرف کند. از آنجایی که این پژوهش درصدد یافتن تاثیرهای این اتحادیه بر راه‌گذر حمل و نقل بین‌المللی شمال - جنوب است؛ شناخت نقطه‌های ضعف و محذورات این اتحادیه می‌تواند روند تاثیرگذاری مثبت تکمیل این راه‌گذر بر اتحادیه مورد نظر را نمایان کند. برخی از مهم‌ترین چالش‌های این اتحادیه در بعد اقتصادی، فنی و سیاسی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد. ۱- یکسان نبودن وضعیت اقتصادی عضوهای این اتحادیه چالش مهم آن است که عدم توازن را در این اتحادیه ایجاد کرده است. روسیه اقتصاد بسیار بزرگ‌تری نسبت به قرقیزستان، تاجیکستان و ارمنستان به شمار می‌رود. ۲- قسمت عمده حجم تجارت عضوهای این اتحادیه با کشورهای خارجی از آن انجام می‌شود. ۳- زیرساخت‌های حمل و نقلی در اتحادیه به ویژه با اعضای آینده آن مانند ایران و هند چندان برای حجم تجارت در درون یک اتحادیه مناسب نیست (ایراس، ۱۳۹۸). ۴- موانع غیرتعرفه‌ای مانند کمبود زیرساخت‌های حمل و نقلی و مدت طولانی زمان ترخیص کالا که فاصله طولانی پایتخت‌های اقتصادی اعضا از یکدیگر نیز این مشکل را تشدید می‌کند. ۵- پای‌بندی اعضا به مقررات تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای سازمان تجارت

جهانی که استقلال و خودکفایی اقتصادی اتحادیه را کاهش می‌دهد. ۶-
عضوهای اتحادیه در رسیدن به چارچوب مشترک برای مبادلات و مذاکرات
خارجی با یکدیگر اختلاف دارند. ۷- اعضای اتحادیه در توسعه همکاری و
همگرایی منطقه‌ای در محور روسیه قرار دارند که از وابستگی سنتی
اقتصادهای ملی به روسیه ناشی می‌شود و از طرف دیگر روابط خود با بازیگران
بین‌المللی مانند اتحادیه اروپا توسعه می‌دهند،

که در صورت اختلاف با مسکو بتوانند از اهرم فشار آن‌ها برای مقابله با روسیه
استفاده کنند. ۸ - یک‌جانبه‌گرایی روسیه در اوراسیا ناشی از قدرت این کشور
در طول تاریخ فرمانروایی رومانف‌ها و دامنه نفوذ مسکو بر جمهوری‌های
منطقه طی دوران اتحاد شوروی است. این موضوع باعث شد روسیه
جمهوری‌های باقی‌مانده از اتحاد شوروی را حیات خلوت خود دانسته و با
ایجاد انواع همکاری‌های منطقه‌ای مانع نفوذ بازیگران فرامنطقه‌ای شود. این
مسئله همواره مد نظر اعضای این اتحادیه اقتصادی بوده است (کرمی و فرجی
لوحه‌سرا، ۱۳۹۷: ۲۶۹-۲۶۸).

۲-۵- اهداف سیاسی - اقتصادی اعضای اتحادیه

هریک از اعضای این اتحادیه اهداف خاصی را از عضویت در آن دنبال می‌کنند.
این اهداف به طور مستقیم با راهبرد سیاسی و اقتصادی آن‌ها در هماهنگی با
روسیه مرتبط است. روسیه سفید به دنبال صادرات به بازارهای روسیه است.
بهبود شرایط صادرات در چارچوب اتحادیه گمرکی توسعه اقتصادی را تحت
تاثیر قرار می‌دهند که این موضوع برای روسیه سفید اهمیت فراوانی دارد.
برای جمهوری‌های قرقیزستان و تاجیکستان انبوه کارگر مهاجر در روسیه

اهمیت فراوانی دارد. حواله‌های کارگری ارسال شده توسط کارگران قریب به ۳۰ درصد از تولید ناخالص این کشورها را شامل می‌شود. در خصوص ارمنستان موضوع کمی پیچیده‌تر است. عامل نظامی و سیاسی همکاری با مسکو برای ایروان اهمیت بالایی نسبت به دیگر عوامل دارد. علاوه بر آن مولفه‌های دیگری مانند مهاجران کار و نقل و انتقالات آن‌ها و جذب سرمایه روسی و دیاسپورای ارمنی نیز برای این کشور اهمیت دارد. قزاقستان به عنوان دومین اقتصاد بزرگ در این اتحادیه علاوه بر اهداف اقتصادی، به دنبال حفظ تعادل بین همکاری با روسیه و دیگر اعضای اتحادیه و همکاری با چین در چارچوب طرح یک کمربند یک جاده است. برای روسیه نیز این اتحادیه اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. به قول سرژی این نهاد نماد بارز آن چیزی است که پوتین برای فضای پساشوروی مد نظر داشته است (Sergi, 2018: 59). تنش‌های سیاسی و اقتصادی همواره بر روند همکاری نهادهای بین‌المللی تاثیر دارد. طور مثال می‌توان به غیبت الکساندر لوکاشنکو در جلسه سرای شورای عالی اتحادیه در سال ۲۰۱۶ اشاره داشت. روسیه سفید از اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای مقاصد سیاسی اقتصادی خود جهت تاثیرگذاری بر روسیه برای قیمت‌گذاری انرژی بهره می‌برد (Yeliseyeu, 2019: 3).

۳-۵- ایران و پیوستن به اتحادیه اقتصادی اوراسیا

گسترش دامنه اعضای اتحادیه اوراسیا به دیگر مناطق به خصوص جنوب غرب و جنوب آسیا لزوم ایجاد زیرساخت‌های حمل و نقل کالا به این مناطق را افزایش می‌دهد. این موضوع به طور خاص با توافقنامه‌های تجاری بین ایران و هند با این اتحادیه و تحلیل ارتباط آن با راه‌گذر شمال - جنوب نمود عینی

پیدا می‌کند. ایران پس از امضای برجام با گروه ۱+۵ فرصت‌های ویژه‌ای را برای ارتباط اقتصادی با غرب بدست آورد. ژرفا بخشیدن ارتباطات اقتصادی ایران با اتحادیه اروپا پس از ۲۰۱۵ مهم‌ترین اخبار اقتصادی ایران به شمار می‌رفت. ورود شرکت‌های اروپایی جهت سرمایه‌گذاری، ایران را به جذب سرمایه‌گذاران اروپایی و افزایش تجارت با غربی‌ها امیدوار کرد. همین موضوع برخی از کارشناسان را به این امر رهنون ساخت که همکاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیا که قبل از برجام مد نظر ایران بوده است چندان از اولویت‌های سیاسی و اقتصادی ایران به شمار نمی‌رود. اما ایران از همان سال‌ها، راهبردی را جهت تنوع سیاست خارجی دنبال می‌کرد. پس از انتخاب رئیس‌جمهور روحانی در سال ۲۰۱۳ تنظیم و تعمیق روابط اقتصادی با همسایگان از اولویت‌های سیاست خارجی کشور اعلام شد. این موضوع با خروج امریکا از برجام و شدت یافتن تحریم‌ها علیه ایران بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت.

تجارت ضعیف ایران با برخی از کشورهای عضو این اتحادیه علی‌رغم نزدیکی جغرافیایی عامل مهمی است که در روند عضویت ایران در این اتحادیه باید مد نظر قرار بگیرد. توجه به کارویژه اصلی این اتحادیه در خصوص گسترش تجارت و هماهنگی با اهداف کلان کشور مانند حمایت از تولیدکنندگان داخلی و تولیدات ایرانی و در عین حال تاکید بر گسترش تجارت که در کلام مقامات ایران نیز نمود دارد از ضروریتهایی که باید مود توجه سیاستگذاران قرار بگیرد (Israyelyan, 2019).

۳-۵-۱- اهمیت اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای ایران

ارتباط تجاری با این اتحادیه به خصوص در بخش کشاورزی تأثیرهای مثبتی را برای اقتصاد ایران به همراه دارد. موافقتنامه اقتصادی اوراسیا مفصل‌ترین موافقت‌نامه در تاریخ موافقت‌نامه‌های ایران در بخش کشاورزی است. گفتگوها در این حوزه بهترین تجربه برای حضور در سازمان تجارت جهانی است. زیرا کشورهای این اتحادیه عضو سازمان تجارت جهانی هستند.

تعرفه‌های ترجیحی در قالب این اتحادیه می‌تواند سود فراوانی را نصیب تجار فعال این حوزه کند. این سود به خصوص در برخی از کالاها که به دلیل محدودیت امکان تولید در سطح وسیع آن‌ها وجود ندارد، نمود بیشتری دارد. کالاهایی مانند ذرت با توجه نیاز نزدیک به هشت میلیون تنی واردات از جمله کالاهای مهم تجاری بین ایران و اعضای این اتحادیه است. بین ۴۰ تا ۴۵ کالای کشاورزی بر اساس موافقت‌نامه با کشورهای اوراسیا تعرفه ترجیحی دریافت کرده‌اند (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۸ الف). در همین راستا بین ایران، قزاقستان و روسیه در خصوص ورود موقت حمل و نقل و سواپ گندم با این دو کشور تفاهم‌نامه امضا شد (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۸ ب).

از طرف دیگر رقابت امریکا و روسیه در موضوع کنترل و دستیابی به منابع انرژی و مسیرهای انتقال آن در منطقه اوراسیا، انرژی را به اولویت اول سیاست

خارجی اتحادیه اروپا در روابط با کشورهای همسایه و منطقه‌هایی همچون خاورمیانه و آسیای مرکزی و قفقاز تبدیل کرده است. ایران می‌تواند از این فرصت جهت سرعت بخشیدن به اجرایی کردن طرح‌های انتقال انرژی، استفاده از ظرفیت خط‌های نکا - ری برای سوآپ نفت در جنوب، پیوستن به خط لوله گاز ناباکو از مسیر ترکمنستان - ایران - ترکیه و نیز خط لوله گاز قزاقستان - ترکمنستان - ایران و دیگر خطوط انتقال انرژی در راستای تأمین منافع ملی در منطقه قفقاز و دریای خزر بهره‌برد (میراشرفی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۴۶).

در شرایطی که ایران از کارشکنی‌های طرف‌های برجانی و تروریسم اقتصادی رنج می‌برد و به قول یکی از مقامات ایران شریک‌های تجاری ایران نیز زیر فشار آمریکا از ایجاد روابط اقتصادی و تجاری با ایران دوری می‌کنند یافتن شریک‌های تجاری جدید دستورکار دولت برای جلوگیری از منزوی شدن ایران است. رئیس‌جمهور روحانی نیز در جلسه مقام‌های اتحادیه اقتصادی اوراسیا در ایروان آمادگی ایران را برای همکاری در چارچوب یک بلوک اقتصادی مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیا، سازمان همکاری شانگهای و سازمان همکاری اقتصادی اکو ابراز داشته است (Tehran times, 2019). مزیت‌های دیگری نیز این اتحادیه برای ایران دارد از جمله اینکه این اتحادیه اولین سازمان بین‌المللی است که با ایران معاهده امضا کرده است و تلاش‌های ایران جهت پیوستن به این اتحادیه و ایجاد زیرساخت‌های مناسب فنی و مقرراتی جهت هماهنگی اقتصادی با یک سازمان بین‌المللی می‌تواند ایران را برای همکاری با سازمان‌های مشابه بویژه سازمان تجارت جهانی آماده کند. افزون بر آن

همکاری سیاسی ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا فرصت بی‌نظیری را برای همکاری بیشتر با اعضای سازمان همکاری شانگهای ایجاد می‌کند. پیوستن به سازمان همکاری شانگهای از اولویت‌های سیاسی و امنیتی ایران به شمار می‌رود. ایجاد پیوندهای عمیق‌تر ایران با اوراسیا بویژه عضویت در این اتحادیه، ایران را در ایجاد پیوندهای سیاسی و اقتصادی با منطقه جهت رسیدن به همگرایی منطقه‌ای یاری می‌کند (Israyelyan, 2019). اتحادیه‌های سیاسی و اقتصادی که بر پایه مناسبات قدرت در منطقه ایجاد می‌شدند همت و اراده طرف‌های متعهد را به ایجاد زیرساخت‌های مناسب بین خود ترغیب می‌کنند. به طور نمونه با ایجاد زمزمه‌هایی از همکاری بیشتر ایران و ارمنستان در چارچوب اتحادیه اهمیت ساخت بزرگراه تبریز به ارمنستان نیز بیشتر شده است. پیوستن ایران به مناسبات منطقه‌ای با کشورها نقش اساسی را در همگرایی منطقه‌ای و ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد.

۲-۳-۵- همکاری‌های ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا

روابط ایران و اتحادیه اوراسیا از ماه مه ۲۰۱۸ با امضای توافق‌نامه موقت سه ساله که در آستانه قزاقستان به امضا رسید، وارد مرحله جدی‌تری شد. توافق‌نامه ترجیحی نیز در اکتبر ۲۰۱۹ بین ایران و این اتحادیه به اجرا گذاشته شد. هدف از امضای این توافق‌نامه این است که با گذشت ۳ سال معاهده به تدریج به یک معامله‌ی تمام عیار تجارت آزاد ارتقا پیدا کرد. معامله‌ای که در آن عوارض گمرکی کم و یا برداشته شود. در مذاکرات انجام شده ایران و این اتحادیه اقتصادی اوراسیا در مجموع تعداد ۸۶۲ نوع کالا را در این معاهده اختصاص دادند.

اجرای این اجرای این توافق نامه نقش مهمی در بازسازی رژیم تجاری ایران دارد. طبق آمار ارائه شده توسط رئیس سازمان توسعه تجارت ایران حجم تجارت کشورهای حوزه اوراسیا در سال ۲۰۱۸ قریب به ۸۶۶ میلیارد دلار است که از این میزان ۳۲۰ میلیارد دلار مربوط به واردات این ۵ کشور بوده است. با امضای موافقت نامه موقت تجاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیا طبق گفته رئیس سازمان تجارت ایران حداقل به ۱۰ تا ۱۵ میلیارد دلار می رسد (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۸ ج). به قول مدیر اداره روابط چندجانبه اتاق ایران این تنها تشکل اقتصادی منطقه ای است که ایران می تواند با آن تعامل داشته باشد.

موافقت نامه تجارت ترجیحی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در شرایطی در حال انجام است که زیرساخت های حمل و نقل کشور متناسب تجارت ایران با این اتحادیه نیست (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۸ د).

ایران در سه سال پیش رو به دنبال تطبیق ساختار اقتصادی داخلی با قانون های اتحادیه به ویژه مرحله اصلی آن یعنی تجارت است. علاوه بر این که تلاش جدی ایران در این راستا منجر به پذیرش آن در اتحادیه و بهره مندی از مزایای تجاری و در مراحل بعد اقتصادی خواهد بود؛ استفاده از این فرصت مانور بزرگی برای ایران جهت ورود به پیمان های جدی تر مانند سازمان تجارت جهانی است.

۴-۵- هند و پیوستن به اتحادیه اقتصادی اوراسیا

هند از کشورهایی که در چند دهه گذشته به بازیگری مهم در نظام بین الملل تبدیل شده است. این بازیگر جدید گام های موثری را جهت افزایش قدرت نرم

خود بویژه از مسیر سیاست خارجی و ابزارهای اقتصادی برداشته است. کشور هند را به عنوان بزرگترین دموکراسی جهان و یک نمونه ایده آل از نظر انتخابات آزاد و عادلانه می‌شناسند. همچنین، این کشور یکی از بنیان‌گذاران جنبش عدم تعهد و قطب علمی و دانشگاهی در میان کشورهای در حال توسعه است. از نظر سیاست خارجی، هند پس از جنگ سرد، همواره سعی کرده روابط مفیدی را با همسایگان خود در منطقه شبه قاره و دیگر کشورها داشته باشد. هند در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای نقشی فعال دارد و به عنوان یکی از کاندیداهای کسب کرسی دائمی شورای امنیت در آینده تلقی می‌شود (آقایی و حسینی، ۱۳۹۱: ۲۶۵-۲۶۴).

تغییر در سیاست خارجی هند از ۲۰۰۱ و در پیش گرفتن سیاست خارجی عمل‌گرایانه در مقابل سیاست خارجی به عنوان اجماع نهرئویسم که چیزی بالاتر از عدم تعهد بود، نقطه آغاز الگوی کنونی سیاست خارجی هند است. اجماع نهرئویسم دارای سه مشخصه اصلی خودبسندهی اقتصادی بر پایه استراتژی جایگزینی واردات، سکولاریسم سیاسی و عدم تعهد بود (موسوی شفائی و اسکندی، ۱۳۹۵: ۱۰۷) عرصه موفقیت هند تنها به حوزه اقتصاد منحصر نمی‌شود این کشور در کنار سیاست اصلاح اقتصادی در دوران پس از جنگ سرد سیاست خارجی منسجمی را شکل داده که به مرور سبب افزایش قدرت و اعتبار آن شده است.

سیاست‌های اقتصادی آن نیز که توسط مان موهان سینگ^۱ وزیر اقتصاد این کشور دنبال می‌شد توانست چهارصد میلیون نفر را از خط فقر نجات دهد (سجادپور، ۱۳۹۱: ۶۹).

۴-۵-۱- اهداف سیاسی روسیه از پیوستن هند به اتحادیه

روسیه با نقش برتر خود در این اتحادیه به دنبال توافق‌نامه تجارت آزاد بین اتحادیه اقتصادی اوراسیا و هند است. ارتباط روسیه و هند در واقع یک تاکتیک از سوی روسیه برای استفاده از هند به منظور تعادل قدرت اقتصادی در حال افزایش چین در منطقه است. توازن قدرت در نهادهای منطقه‌ای موجود در آسیای مرکزی و قفقاز و در مقیاس بزرگ‌تر اوراسیای مرکزی اصلی‌ترین موضوع مد نظر بازیگران این منطقه است. روسیه از سال ۲۰۰۸ به بعد تلاش را جهت پیوستن هند به سازمان شانگهای انجام داد که با مذاکرات صورت گرفته، چین شرط پیوستن پاکستان را مطرح کرد و سرآخر در سال ۲۰۱۷ هند و پاکستان به شانگهای پیوستند (Jiang, 2020: 1).

روسیه به سبب‌های کاملاً واقع‌گرایانه و دیپلماتیک نمی‌تواند نفوذ چین را به صورت علنی در آسیای مرکزی محدود کند. اما می‌تواند با اقدام‌های راهبردی از طریق همکاری بیشتر اقتصادی با هند به هدف خود نائل شود. البته فشارهای امریکا به چین و روسیه باعث تحکیم روابط این دو کشور نه تنها در حوزه سیاسی بلکه در حوزه‌های اقتصادی نیز شده است و اما امروزه چین

^۱ Manmohan Singh

بزرگ‌ترین شریک تجاری روسیه است. در سال‌های اخیر تجارت چین و روسیه از مرز ۱۰۰ میلیارد دلار گذشت. خط لوله سیبری ساخته شد و روابط اقتصادی دو جانبه بین آن کشورها عمیق‌تر شد. در سال ۲۰۱۸ بیش از دو میلیون گردشگر چینی از روسیه و نزدیک به ۲/۵ میلیون روس از چین بازدید کردند. روابط اقتصادی عمیق و مراودات سیاسی حسنه هرگز موضوع رقابت بین این کشورها را در آسیای مرکزی کمرنگ نمی‌کند. با تکمیل طرح یک کمر بند یک جاده، چین دارای قدرت اقتصادی بی‌سابقه‌ای در آسیای مرکزی می‌شود. چین قریب به ۳۰۴/۹ میلیارد دلار تا آوریل ۲۰۱۷ در آسیای مرکزی در حوزه‌هایی مانند حمل و نقل، ارتباطات، زیرساخت‌های انرژی، پیوندهای مالی، انتقال فناوری و تسهیل تجارت سرمایه‌گذاری کرده است. قسمت عمده‌ای از سرمایه‌گذاری‌های چین در آسیای مرکزی مربوط به طرح ایجاد راه‌گذر حمل و نقلی عظیم یک کمر بند یک جاده است. ولادیمیر پوتین از روی اهداف دیپلماتیکی با چین، طرح یک کمر بند یک جاده را هماهنگ و مکمل اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌داند (Jiang, 2020: 1).

۴-۵-۲- افزایش روابط اقتصادی هند با اعضای اتحادیه اوراسیا

هند از سال ۲۰۱۵ مذاکراتی را با روسیه برای ورود به توافقنامه تجارت آزاد یا توافقنامه جامع همکاری اقتصادی با اتحادیه اقتصادی اوراسیا آغاز کرده است. این توافقنامه ظرفیت راهبردی ممتازی را برای هند به منظور خشنی کردن گسترش نفوذ چین در منطقه ایفا می‌کند. هند به منظور نیل به اهداف راهبردی خود در آسیای مرکزی روابط خود را با جمهوری‌های این منطقه در

فعالیت‌های مختلف زیرساختی و راه‌اندازی بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز فناوری اطلاعات و موارد مربوط به آسان‌سازی تجارت دنبال می‌کند. در همین راستا از طرح‌های حمل و نقلی مهم که ارتباط آسیای مرکزی با شبه قاره را تسهیل می‌کند مانند گسترش بندر چابهار و ایجاد راه‌گذر شمال - جنوب حمایت می‌کند. به طور مثال رابطه هند و قزاقستان بسیار عمیق است و قزاقستان بزرگ‌ترین شریک تجاری هند میان جمهوری‌های آسیای مرکزی است. دو کشور برای همکاری‌های راهبردی و نظامی معاهدات مختلفی را امضا کرده‌اند. هند و تاجیکستان نیز دارای روابط امنیتی خوبی با یکدیگر هستند. هند و روسیه نیز در زمینه‌های انرژی هسته‌ای و علم و فناوری دارای روابط گسترده‌ای هستند. پیوستن هند به اتحادیه اقتصادی اوراسیا به وسیله توافق‌نامه تجارت آزاد ارتباط هند را با کل منطقه اوراسیا افزایش می‌دهد. طبق آخرین داده‌ها از اداره کل تجارت خارجی، صادرات هند به ۵ کشور عضو اتحادیه اوراسیا ۱,۵۳۹,۶۱۷ میلیون دلار است. در حالی که واردات به تقریب ۵۷۵۹ میلیون دلاری هند ثابت می‌کند بازار اوراسیا ظرفیت بالایی برای کالاهای هندی دارد. با این حال یک ضعف بزرگی برای دهلی در پیوندهای اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی و کشورهای مستقل همسود در عدم دسترسی مستقیم و تنظیم شده به بازار منطقه وجود دارد که موافقتنامه تجارت آزاد این موضوع را برطرف می‌کند. به طور مثال صادرات برخی مواد کشاورزی مانند محصولات لبنی از هند به روسیه با محدودیت‌های شدید روسیه مواجه است که هند به دنبال بیشترین بهره‌وری از توافق‌نامه تجارت آزاد برای تجارت محصولات کشاورزی خود است.

صنعت داروسازی هند و محصولات مرتبط با آن در روسیه با موانع غیرتعرفه‌ای روبرو هستند و ثبت نام و تایید مقامات و اجرا باعث تاخیر در تامین این محصولات است. صنعت روزافزون بهداشتی و دارویی هند توجه ملت‌های مستقل همسود را به خود جلب کرده است و توافقنامه تجارت آزاد می‌تواند ظرفیت اقتصادی گسترده صنعت داروسازی هند در اوراسیا را افزایش دهد (masood,2020).

وابستگی هند به اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای تامین محصولات شیمیایی، تجهیزات معدن، فراورده‌های شیمیایی، تجهیزات زیرساختی و امنیتی، همکاری هند را با اتحادیه تقویت می‌کند. پوتین در دسامبر ۲۰۱۹ پیشنهاد داد ساخت یکی از پیشرفته‌ترین بالگردهای روسیه در هند انجام شود. امضای چنین توافقی باعث تسریع در تامین قابلیت‌های دفاعی هند از روسیه و دیگر کشورهای اوراسیا می‌شود. نکته بسیار مهم در ارتباط هند با کشورهای اوراسیا این است که اندازه اقتصادهای اوراسیایی به میزانی نیست که مختل کننده بازار تولیدات هند در بازار داخلی باشد. علاوه بر آن دسترسی به بازار و سرمایه‌گذاری را نیز برای هند فراهم می‌کند. اما در مورد مشارکت جامع اقتصادی منطقه‌ای و توافق تجارت آزاد پان‌آسیایی به رهبری چین ترس از نقش قدرتمند چین در بازارهای داخلی هند این کشور را مجبور به ترک این پیمان کرد. نگرانی مشابهی در خصوص رابطه چین با کشورهای اوراسیایی نیز برای روسیه وجود دارد که حضور هند در اوراسیا و ایجاد نیروی متوازن کننده در مقابل چین برای روسیه خوشایند است.

۶- پیشنهادها و راهکارها

با توجه به مشکل اصلی تکمیل راه‌گذر شمال - جنوب که می‌توان آن را در نبود نیروی محرکه قوی برای به حرکت درآوردن کشورهای آن خلاصه کرد، عضویت هند و ایران به عنوان اعضای اصلی این ابتکار در یکی از ترتیبات منطقه‌ای مهم می‌تواند حرکت‌های هماهنگ میان اعضا را جهت حل مشکلات مالی و فنی حلقه‌های مفقوده‌ی این راه‌گذر رفع نماید. در پایان به منظور جامه عمل پوشاندن توافق‌نامه تجاری ایران با این اتحادیه و صرف نظر از اینکه پس از اجرای آن ایران خواهان عضویت در این اتحادیه باشد یا خیر، پیشنهادهایی ارائه می‌شود:

- در بعد اقتصادی و فنی دستگاه‌های دولتی مرتبط با تجارت به ویژه وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان توسعه تجارت با دیگر دستگاه‌های زیرساختی و فنی کشور از طریق ایجاد کارگروه‌های تخصصی چالش‌های اجرای توافق‌نامه ایران با این اتحادیه را برطرف کنند؛

- شناسایی و حمایت از فعالان خوش سابقه در تجارت بین ایران و کشورهای منطقه اوراسیا و تجارت کالاهای با کیفیت به منظور اطمینان از عدم از دست دادن بازارهای هدف؛

- شناسایی بازارهای هدف در اوراسیا، ذوق و سلیقه مصرف‌کنندگان و آگاهی از شبکه توزیع در منطقه و موارد این چنینی و ارائه آن‌ها از طریق ابزارهای مختلف به صادرکنندگان مانند نمایشگاه‌های بین‌المللی؛

- ایجاد توازن روابط سیاسی ایران با جمهوری آذربایجان و ارمنستان با توجه به نقش ارمنستان در این اتحادیه و نقش آذربایجان در راه‌گذر شمال - جنوب؛

- ترغیب هند به روابط بیشتر با ایران از طریق ایجاد توازن بین روابط اقتصادی با چین و تضمین سیاسی به هند در خصوص رابطه ایران با چین، با این کار هند نسبت به روابط زیر ساختی با ایران ترغیب خواهد شد.

۷- نتیجه گیری

عوامل سیاسی و اقتصادی گوناگونی در تحول نظام بین الملل نقش دارند و دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی به دنبال تامین بیشینه‌ی منافع ملی خود در تحولات مختلف نظام بین الملل هستند. جمهوری اسلامی ایران با قرار گرفتن در منطقه‌ای پر بحران و تحمل فشارهای مختلف بین المللی، همواره به دنبال بهره‌مندی از فرصت‌های ژئوپلیتیکی جهت رهایی از مشکلات خود است. مشکلاتی که عموماً در بعد اقتصادی و در اثر فشار قدرت‌های بزرگ بر کشور تحمیل می‌شود. راه‌گذر حمل و نقلی بین المللی شمال - جنوب به عنوان یک طرح چندوجهی بین المللی در پی اهدافی مانند افزایش دسترسی به بازارهای بین المللی، تسهیل حمل و نقل و تجارت، افزایش امنیت انتقال کالا با استانداردهای بین المللی است که می‌تواند علاوه بر تاثیرهای اقتصادی مانند درآمدهای حمل و نقلی، عمق راهبردی و امنیت سیاسی اقتصادی کشور را نیز افزایش دهد. اما با گذشت دو دهه از توافق بر سر این راه‌گذر هنوز قسمت‌های تکمیل نشده در این راه گذر وجود دارد و نتایج مطلوب آن بدست نیامده است. یکی از دلایل کامل نشدن این راه‌گذر نبود اراده سیاسی و اقتصادی کافی برای سرعت بخشیدن به آن است. افزایش همکاری‌های ایران و هند در اتحادیه اقتصادی اوراسیا و به دنبال آن افزایش تبادلات سیاسی و اقتصادی می‌تواند نقش زیرساخت‌های حمل و نقلی را پر رنگ کند. افزایش تجارت نیازمند زیرساخت حمل و نقلی است که علاوه بر تسهیل سخت افزاری تجارت بتواند با قانون و مقررات هماهنگ و یکپارچه تجارت در بین اعضای این اتحادیه را بیش از پیش اقتصادی جلوه دهد.

تجربه تاریخ روابط سیاسی- اقتصادی نشان داده است آن دسته از طرح‌های بین‌المللی موفق خواهد شد که علاوه بر توجیه اقتصادی اراده سیاسی بالایی برای انجام آن‌ها وجود داشته باشد. این موضوع درباره طرح‌هایی که در منطقه اوراسیا طی سی سال گذشته انجام شده است، بسیار به چشم می‌خورد. بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که قانون‌های اقتصاد جهانی و نیروهای اقتصادی قدرتمند مانند شرکت‌های اقتصادی بزرگ جهان که در حوزه‌های انرژی، حمل و نقل و لجستیک فعال هستند، عامل مطلق پیشبرد طرح‌های بین‌المللی مانند راه‌گذرهای حمل و نقلی نیستند. بلکه هدف‌های سیاسی و راهبردی دولت‌ها نیروی محرک نفوذ در منطقه‌های مختلف و به دنبال آن ایجاد طرح‌های بزرگ است.

با ورود ایران و هند به اتحادیه اقتصادی اوراسیا به عنوان یک سازمان منطقه‌ای و در ادامه با امضای قراردادهای تجاری بین عضوهای اتحادیه، وابستگی متقابل بین کشورهای عضو راه‌گذر بین‌المللی شمال - جنوب و اتحادیه اقتصادی اوراسیا بیشتر می‌شود. در صورتی که ایران و هند به صورت کامل عضو این اتحادیه شوند و افزایش تجارت بین اتحادیه و منطقه جنوب آسیا و شبه قاره افزایش پیدا کند ضرورت ایجاد یک راه‌گذر چندوجهی و بین‌المللی افزایش خواهد یافت. از آنجاییکه راه‌گذر شمال - جنوب موجب تقویت حمل و نقل بین کشورهای عضو در اتحادیه خواهد شد؛ تکمیل این راه‌گذر از سوی کشورهای اوراسیا یک ضرورت تلقی می‌شود و اراده‌های سیاسی و اقتصادی برای تکمیل آن افزایش خواهد یافت. به دنبال آن منابع مالی برای انجام برخی از قسمت‌های تکمیل نشده آن مانند راه آهن رشت -

آستارا تامین می‌شود. توافقنامه‌های ایران و هند با این اتحادیه باعث روان‌سازی تجارت خواهد شد. این اقدام مشکلات راه‌گذر شمال - جنوب مانند مشکل جذب بار را تا حدی حل می‌کند و در نتیجه تکمیل این راه‌گذر با قوت بیشتری به پیش خواهد رفت.

جهت نیل به دستاوردهای مورد نظر انجام برخی از اقدامات ضروری به نظر می‌رسد. اقدام‌هایی مانند ایجاد کارگروه‌های تخصصی متشکل از دستگاه‌های دولتی جهت حل موانع اجرای توافق‌نامه ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، حمایت از فعالان اقتصادی در تجارت بین ایران و کشورهای اوراسیا، آگاهی یافتن از بازارهای منطقه و شبکه توزیع آن‌ها در این راستا اهمیت دارد. همگام با اقدام‌های اقتصادی مورد نیاز ایجاد توازن در روابط سیاسی در انجام چنین طرح‌هایی اهمیت دارد. ایجاد روابط متوازن با دو کشور جمهوری آذربایجان و ارمنستان در فضای پر تنش امروز آن دو برای عملکرد درست راه‌گذر شمال - جنوب ضرورت دارد. علاوه بر آن نیز لازم است جمهوری اسلامی ایران به سیاست‌های توازن بخش خود در روابط با هند، پاکستان و از طرف دیگر چین ادامه دهد.

منابع

-
رغوانی پیرسلامی، فریبرز و محدثه اسمعیلی (۱۳۹۸). چالش‌ها و موانع دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه. فصلنامه مجلس و راهبرد. شماره ۹۷، ۱۰۵-۷۱.

-
یراس (۱۳۹۸)، گزارش نشست ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ۱۵ مهر ۱۳۹۸
<http://www.iras.ir/fa/doc/report/>

-
جیلی، هادی و محمدرضا بهادرخانی (۱۳۹۳). اقتصاد سیاسی خطوط لوله انرژی در آسیای مرکزی و قفقاز. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۵۵-۱۲۹.

-
قایی، سید داوود و سید محمود حسینی (۱۳۹۱). چشم‌انداز قدرت نرم هند؛ فرصت‌ها و چالش‌ها. فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵۸، ۲۲۸-۱۹۹.

-
ویسرکانی، مجتبی (۱۳۹۸). راه ادویه جدید، رقیب منطقه‌ای راه ابریشم جدید. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز. شماره ۱۰۵. ۳۸-۱.

-
افزانی، محمدرضا و بهرام فرجی (۱۳۹۳). تأثیر ژئوپلیتیک انرژی بر شکل‌گیری ترتیبات امنیت منطقه‌ای: مطالعه موردی منطقه خلیج فارس از ۲۰۱۰-۱۹۷۰. فصلنامه آفاق امنیت. شماره ۲۴. ۱۰۶-۷۹.

-
برگزاری جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۸ الف). ایران و اوراسیا در اندیشه تجارت
دو میلیاردی. [اخبار] ۱۳ آبان ۱۳۹۸
<https://www.irna.ir/news/83541313>

-
برگزاری جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۸ ج). فرصت سه ساله ایران برای دستیابی
به تجارت آزاد با اتحادیه اوراسیا. [اخبار]
[\[https://www.irna.ir/news/83548787\]](https://www.irna.ir/news/83548787)

-
برگزاری جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۸ ب). امضای یادداشت تفاهم ایران با
روسیه و قزاقستان برای ورود موقت گندم. [اخبار] ۱۹ آبان ۱۳۹۸
<https://www.irna.ir/news/83548467>

-
برگزاری جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۸ د). ارتباط تجاری ایران و اتحادیه اوراسیا
را با نگاه ملی بسنجیم. [اخبار] [\[https://www.irna.ir/news/83542406\]](https://www.irna.ir/news/83542406)

-
هقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۵). اصول و مبانی روابط بین‌الملل، جلد دوم.
تهران: سازمان مطالعه و تویین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

-
والفقاری، وحید و علی اکبر جعفری (۱۳۹۵). سامانه منطقه‌ای اکو: متحدان
تاکتیکی و مصلحت‌گرا یا رقبای استراتژیک و منفعت‌گرا. فصلنامه راهبرد. شماره.
۲۷۴-۲۴۹.

-
جادپور، سید محمدکاظم (۱۳۹۱). سیاست خارجی و دنیای پرتلاطم کنشگران،
کنش‌ها و محیط بین‌المللی. تهران: انتشارات اطلاعات

-
لیمان پور، هادی (۱۳۹۶). ابتکارات راهبردی قدرت‌های آسیایی در منطقه خزر. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز. شماره ۹.

-
یف، احمد (۱۳۷۶). مقدمه‌ای بر اقتصاد سیاسی. تهران: نشر نی.

-
رمی، جهانگیر و تیمور فرجی لوحه‌سرا (۱۳۹۷). سازمان‌های اقتصادی در اوراسیای مرکزی. در، اقتصاد کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی. الهه کولایی و عابد نوروزی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

-
ریمی پور، یدالله و حمیدرضا محمدی (۱۳۸۹). تفاوت‌های راهبردی سواحل ایران. فصلنامه جغرافیای ایران. سال سوم شماره اول زمستان.

-
یلپین، رابرت (۱۳۹۲). اقتصاد سیاسی جهانی؛ درک نظم اقتصاد بین‌الملل. ترجمه مهدی میرمحمدی. محمود یزدان فام. علی رضا خسروی و محمد جمشیدی. تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.

-
لکی، عباس و رئوفی، مجید (۱۳۹۵). راه ابریشم جدید؛ یک کمربند، یک جاده؛ نظریه چینی چینی برای رهایی از محدودیت‌های استراتژیکی. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

-
وسوی شفائی و سعیده اسکندری (۱۳۹۵). راهبرد موازنه‌گرایی هند در تعامل با ایران و امریکا. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره ۲۰، ۱۲۱-۹۷.

-
یراشرفی، سید نوراله، داود کیانی و علی شیرخانی (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی

سیاست آمریکا و روسیه در قبال امنیت انرژی در قفقاز جنوبی. فصلنامه مطالعات
روابط بین‌الملل، سال یازدهم، شماره ۳۴، ۱۲۳-۱۶۱.

منابع لاتین

- Almetova, Z V, V D Shepelev and N A Kuznetsov (2019). The Integrative Process of Transport Systems of the Eurasian Economic Union. International science and technology conference "Earth science".
- Amirahmadian B. (2016). Iran as a Geopolitical Actor. **Electronic Scientific Edition Almanac Space and Time**. vol. 13, issue 1.
- Balooch, M. (2009). Iran and India's Cooperation in Central Asia. *China and Eurasia Forum Quarterly*, Volume 7, No. 3. ۲۵-۲۹
- Castlereagh (2019). The INSTC, transregional connectivity and geopolitics. available at: <https://castlereagh.net/the-instc-transregional-connectivity-and-geopolitics/> (accessed on 2020/21/2).
- Gilpin, Robert G (1984). The Richness of the Tradition of Political Realism. *International Organization*, Vol. 38, No. ۲, pp. ۲۸۷-۳۰۴.
- Haider, Syed Fazl-e (2019). INSTC vs. BRI: The India-China Competition Over the Port of Chabahar and Infrastructure in Asia. *China Brief*. Volume 19. Issue 21.
- Islamic Development Bank (2011). A Study of International Transport Corridors on OIC Member Countries. PGlobal Global Advisory and Training Services.
- Israyelyan, Armen (2019). Political and economic significance of Iran's cooperation with EEU. <http://www.iras.ir/en/doc/article/3851/political-and-economic-significance-of-iran-s-cooperation-with-eeu>
- Jiang, Yuan (2020). Russia's Strategy in Central Asia: Inviting India to Balance China. *The Diplomat*. 1-4, 23

- Kozhanov, Nikolay (2015). Understanding the Revitalization of Russian-Iranian Relations. Carnegie Moscow Center.
- Litvinova, Tatiana N (2019). Economic projects, design, institutions of Greater Eurasian Partnership. Revista ESPACIOS, Vol 40.
- Masood, hana (2020), Should India Join Hands with the Eurasian Economic Union?, youngbhartiya, <https://www.youngbhartiya.com/article/should-india-join-hands-with-the-eurasian-economic-union>
- Ministry of Roads & Urban Development (2018). INSTC: Iran's Role and Future Development. available at: <https://www.mrud.ir/en/About/Media/Management-News/DNNArticle-Detail-View/ArticleId/12493/INSTC-Iran-s-role-and-future-development> (accessed on 2020/۲۴/۰۴).
- Passi, Ritika (2017). Money matters: Discussing the economics of the INSTC. ORF.Occasional Papers.
- Sergi, Bruno S. (2018). Putin's and Russian-led Eurasian Economic Union: A hybrid half-economics and half-political "Janus Bifrons". Journal of Eurasian Studies. 9. ۶۰-۵۲
- Singh, Suresh p & sharma, manila (2017). INSTC: India-Russia's Trade to Get a Major Boost. Russian international affairs council. available at: <https://russiancouncil.ru/en/analytics-and-comments/analytics/instc-india-russia-s-trade-to-get-a-major-boost/> (accessed on 2020/20/3).
- Tehran times (2019). Iran to start economic interaction with Eurasian bloc from October 27.

<https://www.tehrantimes.com/news/440868/Iran-to-start-economic-interaction-with-Eurasian-bloc-from-October>

- Yeliseyeu, Andrei (2019). The Eurasian Economic Union: Expectations, Challenges, And Achievements. The German Marshall Fund of the United States

تحلیل یکپارچه شرایط سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق آزاد ایران و ارائه استراتژیهای جذب سرمایه خارجی

دکتر احمد کریمی^۱؛ عرفان فرجی^۲؛ رضا سلطانی^۳

^۱ - نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، تهران a.karimi@sndu.ac.ir

^۲ - کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

erfanfrj@gmail.com

^۳ - دانشجوی دکتری عمران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، شیراز

Reza_soltani51@yahoo.com

چکیده

ایجاد مناطق آزاد، نخستین بار در کشورهای سوسیالیستی که دارای اقتصاد بسته بودند، مورد توجه قرار گرفت. کشورهای مختلف از مناطق آزاد به عنوان وسیله و ابزاری برای جذب سرمایه گذاری خارجی، افزایش صادرات صنعتی، افزایش اشتغال، جلب سرمایه ها در بخش های مولد، توسعه صادرات، رشد اقتصادی، جذب نقدینگی سرگردان داخلی، کمک به مهار تورم، محرومیت زدایی از مناطق دارای پتانسیل توسعه، ایجاد وحدت بین کشورهای هم پیمان و در نهایت انتقال تکنولوژی و دانش استفاده می کنند. در ایران هم شکل گیری مناطق آزاد تجاری به پیشنهاد تئوری پردازان اقتصاد دولتی صورت گرفت تا گریزگاهی برای اقتصاد بسته دولتی باشد. در حال حاضر هفت منطقه آزاد تجاری قشم، کیش، ارس، چابهار، اروند، انزلی و ماکو در کشور وجود دارد و درخواست ایجاد مناطق آزاد جدید نیز مدت زیادی است که در انتظار تصویب می باشد. با این وجود عملکرد مناطق آزاد در ایران به دلیل تطابق نداشتن با راهبردهای توسعه موفق نبوده است. یکی از مهم ترین اهداف ایجاد مناطق آزاد تجاری، جذب سرمایه خارجی است و از آنجایی که انتقادات زیادی به عملکرد مناطق آزاد خصوصاً در جذب سرمایه خارجی وارد است، پژوهش کاربردی حاضر با روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از تکنیک تحلیل یکپارچه SWOT بر اساس مصاحبه با محققین، متخصصین و بازرگانان به بررسی و دسته بندی نقاط ضعف و قوت و همچنین شناسایی فرصت ها و تهدیدهای پیش رو می پردازد و در نهایت راهبردهای افزایش جذب سرمایه خارجی را ارائه می نماید.

کلمات کلیدی:

مناطق آزاد تجاری، سرمایه گذاری خارجی، جذب سرمایه، عملکرد مناطق آزاد

۱- مقدمه

امروزه ابزارها و الگوهای متعددی برای استفاده از ظرفیت‌های اقتصاد بین‌الملل و بهره‌برداری از آن به نفع اقتصاد داخلی وجود دارد. یکی از این الگوها تأسیس مناطق آزاد تجاری و جذب سرمایه‌های بین‌المللی از طریق این مناطق است (عسکری و جعفری، ۱۳۹۵: ۴۵).

منطقه آزاد عبارت است از ناحیه جغرافیایی محدود و محصور در محدوده گمرک ملی اعم از بندر، دریا، جزیره و یا بخشی از خاک کشور که به موجب قانون خاصی فعالیت صنعتی و تجاری و ورود و خروج کالا از آن آزاد بوده و مشمول مقررات و محدودیت‌ها گمرکی می‌باشند (کامران، ۱۳۸۱: ۳۵). در حقیقت، این مناطق به عنوان یک "پنجره" یا "جزیره‌ای متصل به سرزمین اصلی، وسیله‌ای برای انتقال تکنولوژی، سرمایه و تجارب مدیریتی به اقتصاد داخلی ارزیابی می‌شوند. ایجاد چنین مناطقی به عنوان بخشی از سیاست‌های درهای باز^۱ نیز محسوب می‌شوند (عسکری و جعفری، ۱۳۹۵: ۴۵). مناطق آزاد مبتنی بر این اعتقاد شکل گرفته‌اند که سرمایه‌موتور رشد و توسعه اقتصادی یک کشور است (اسفندیاری، مقدس حسین زاده و دلآوری، ۱۳۸۷: ۱۲۱).

در ادبیات، دامنه گسترده‌ای از اصطلاحات درباره این مناطق آمده است. از جمله، مناطق آزاد اقتصادی^۲، منطقه آزاد صادرات^۳، منطقه آزاد تجاری^۴،

^۱ Economic Free Zone (EFZ)

^۲ Free Export Zone (FEZ)

منطقه آزاد صنعتی^۲، منطقه صنعتی^۳، پارک صنعتی^۴، پارک صادرات^۵ و مناطق ویژه اقتصادی^۶ (در چین). با این حال، اصطلاح مناطق پردازش صادرات^۷ در سطح بسیار گسترده تری مورد استفاده قرار گرفته است (التجایی، ۱۳۸۸: ۱۹۱).

هدف های اصلی از ایجاد این مناطق در بسیاری از کشورهای در حال توسعه عبارتند از: ایجاد اشتغال، توسعه صادرات، جذب و تشویق سرمایه های خارجی، ایجاد درآمد ارزی، انتقال تکنولوژی، توسعه منطقه ای و برپایی نمایشگاه ها (اسفندیاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۲۱). این مناطق با برخورداری از معافیت های مالیاتی و گمرکی و دوری از قوانین بازدارنده داخلی، برخورداری از امکانات زیربنایی مناسب و سازمان های اجرایی کارآمد و ... می توانند سرمایه گذاری های خارجی را به دلیل بهره گیری از مزیت نسبی همچون ارزانی نیروی کار و مواد اولیه و نزدیکی به بازارهای مصرف جذب کنند. مناطق آزاد تجاری در صورت توفیق می توانند سرمایه های خارجی را برای گسترش صنعت صادرات گرا، انتقال تکنولوژی و ایجاد فرصت های شغلی

Free Trade Zone (FTZ) ^۱

Industrial Free Zone (IFZ) ^۲

Industrial Zone (IZ) ^۳

Industrial Park (IP) ^۴

Export Park (EP) ^۵

Special Economic Zones (SEZ) ^۶

Export Processing Zones (EPZ) ^۷

مناسب بکار برند و اقتصاد بسته و ناکارای داخلی را به اقتصاد بین المللی گره بزنند، بنابراین ایجاد و توسعه مناطق آزاد تجاری می تواند به عنوان یک خط مشی سریع و راهی میانبر برای تحقق اهدافی چون جذب سرمایه های داخلی و خارجی و صنعتی شدن سریع به منظور توسعه صادرات غیر نفتی مورد استفاده قرار گیرد (کریمی نیا و مقدم، ۱۳۹۱: ۶).

مناطق آزاد در دنیا ابتدا مورد توجه کشورهای سوسیالیستی که دارای اقتصاد بسته بودند قرار گرفت. در واقع هدف پایه گذاران مناطق آزاد در دنیا ایجاد تجربه تئوری اقتصاد آزاد در بخش هایی از کشور بود که پتانسیل های پیشرفت در آن ها دیده می شد. در ایران هم مناطق آزاد تجاری به تبعیت از ایده نظریه پردازان اقتصاد دولتی شکل گرفت تا گریزی از اقتصاد بسته دولتی باشد. صحبت از تجارت مناطق آزاد و در نظر گرفتن آن به عنوان یکی از بنیان های اقتصادی کشور بدون لحاظ کردن اصول رقابت و بازار آزاد ناممکن است. در حقیقت مناطق آزاد تجاری در معنای عام خود عموماً بر اساس مفهوم تجارت آزاد شکل گرفته اند (قاسمی، ۱۳۸۳).

یکی از مهم ترین اهداف ایجاد مناطق آزاد جذب سرمایه های بین المللی زیرا توسعه اقتصادی نیازمند سرمایه گذاری در بخش ها و فعالیت های مختلف اقتصادی است. بدون سرمایه گذاری در طرح های زیر بنایی و روبنایی نمی توان انتظار گسترش اشتغال، تولید و رفاه اقتصادی را داشت. امروزه بسیاری از کشورهای جهان تمایل شدیدی به جذب سرمایه های خارجی پیدا کرده اند. شناخت تنگناها و موانع جذب و گسترش سرمایه گذاری در مناطق آزاد، چشم انداز روشنی از عوامل مؤثر بر جذب و گسترش سرمایه گذاری خارجی ارائه

می کند. تجربه استفاده از مناطق آزاد در کشورهای در حال توسعه جزء اصلی چارچوب استراتژی توسعه صادرات با هدف جذب سرمایه گذاری های خارجی، توسعه صادرات صنعتی، ایجاد اشتغال و کسب تکنولوژی جدید بوده است، بنابراین کشورهای مختلف به طرق مختلف مبادرت به ایجاد مناطق صنعتی-بازرگانی نموده اند. به این منظور یکی از راه های مفید و مناسب، ایجاد مناطق آزاد تجاری-صنعتی است (کریمی نیا و مقدم، ۱۳۹۱: ۶). از آنجایی که این برنامه در صدر برنامه های کلان کشورمان قرار دارد و همچنین با توجه به این که عامل سرمایه یکی از عوامل اصلی در رشد و توسعه کشورها محسوب می شود و متغیرهای دیگر اقتصادی از جمله اشتغال، تولید ناخالص ملی، عرضه کالا و خدمات و ... مستقیماً از این عامل تأثیر می پذیرند. از این رو هدف اصلی پژوهش حاضر، ارائه استراتژی های تقویت جذب سرمایه خارجی در مناطق آزاد ایران است.

۱-۱- پیشینه پژوهش

چانلای (۱۹۹۷) عوامل تعیین کننده سرمایه گذاری مستقیم خارجی را در طی دوره ۸ ساله ۱۹۹۴-۱۹۸۷ در مورد ۳۱ کشور در حال توسعه با استفاده از مدل جاذبه تعدیل شده بررسی کرده است. نتایج تحقیق نشان می دهد عوامل اندازه بازار، رشد تولید ناخالص داخلی، دستمزد کارای بخش صنعت، دوردستی (که با فاصله نسبی از مرکز اقتصاد جهانی برآورد می شود)، ذخیره سرمایه گذاری مستقیم خارجی و باز بودن اقتصاد بر میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی به صورت معنی داری مؤثرند.

بانگا (۲۰۰۳) نیز همچون چانلای جهت دست یابی به اطلاعاتی در خصوص اینکه موافقت نامه های سرمایه گذاری و سیاست های دولت چگونه بر جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی تأثیرگذارند، با استفاده از اطلاعات ۱۰ کشور در حال توسعه معادله مشابهی برآورد کرده است. یافته ها بیانگر آن است که اندازه بازار، هزینه نیروی کار، نسبت ثبت نام شدگان دوره متوسطه، بدهی خارجی و مصرف برق، عوامل مؤثر بر جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی می باشد. همچنین نتایج مطالعه نشان می دهد موافقت نامه های سرمایه گذاری با کشورهای توسعه یافته دارای تأثیر مثبت و معنی دار و موافقت نامه های منطقه ای نیز اثرات متفاوتی بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی دارند.

آسیودا (۲۰۰۲) با استفاده از داده های مقطعی ۷۱ کشور در حال توسعه تفاوت بین آفریقای مرکزی با دیگر کشورهای در حال توسعه در جذب سرمایه خارجی را بررسی می نماید. در این مطالعه متغیر باز بودن اقتصاد، زیرساخت ها (تعداد خط های تلفن در هزار نفر جمعیت) و نرخ بازگشت سرمایه به عنوان عوامل مؤثر بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی در نظر گرفته شده اند.

اونیو (۲۰۰۲) نیز مطالعه مشابهی برای مقایسه منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا با سایر کشورهای در حال توسعه از نظر جذب FDI انجام داده است.

گلوبر من (۲۰۰۰)، به بررسی ارتباط ما بین ادغام های اقتصادی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی در شمال آمریکا و اروپا پرداخت. بررسی های وی نشان می دهد که هیچ قرابتی بین جریان تجاری و سرمایه گذاری مستقیم خارجی در مناطق شمالی آمریکا وجود نداشته است، در حالی که در اتحادیه اروپا تجارت و سرمایه گذاری مستقیم خارجی مکمل یکدیگر بوده اند.

فراوسن و دیگران (۲۰۰۴) با استفاده از داده های ۶۲ کشور طی دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۸۲ سه دسته از عوامل مکانی شامل عوامل مبدأ (طرف عرضه)، عوامل مقصد (طرف تقاضا) و عوامل ترکیبی در جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی را شناسایی کرده است.

در ایران نیز مطالعاتی در مورد عوامل مؤثر بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی و همچنین اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی انجام شده است.

نजारزاده (۱۳۸۳) مقاله ای با عنوان «رتبه بندی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی» بر اساس عوامل مؤثر بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی انجام داده است. نتایج حاصل از رتبه بندی نشان می دهد که کشور مالزی (به دلیل رشد اقتصادی بالا و نیز اجرای برنامه های آزادسازی تجاری طی سال های گذشته، نرخ های تعرفه پایین و سیاست آزادسازی ورود و خروج سرمایه ها در این کشور) بهترین وضعیت را از لحاظ جذب سرمایه گذاری خارجی داراست و کشور جمهوری اسلامی ایران در بین ۴۳ کشور مورد مطالعه عضو سازمان کنفرانس اسلامی در رتبه سی و پنجم قرار دارد.

حسین زاده بحرینی (۱۳۸۳) مقاله ای با عنوان «عوامل مؤثر بر امنیت سرمایه گذاری در ایران» انجام داده است و از آنجا که امنیت سرمایه گذاری یکی از مهم ترین متغیرهای اثرگذار بر سرمایه گذاری است؛ بنابراین مقاله درباره میزان امنیت در یک اقتصاد و ترکیب عوامل ناامن کننده فضای سرمایه گذاری در آن به دو شیوه به مطالعه می پردازد.

فاطمه نظیفی (۱۳۷۳) نیز اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی برخی از کشورهای در حال توسعه را طی سال های ۱۹۹۳-۱۹۷۳ در پایان نامه خود تحت بررسی قرار داده است. و مهران ملکی (۱۳۸۴) نیز بررسی تأثیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی با تأکید بر کشورهای صادر کننده نفت را در پایان نامه خود تحت بررسی قرار داده است. داوودی (۱۳۸۳) نیز مقاله ای با عنوان "بازشناسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در اقتصاد ایران و ۴۶ کشور جهان در چارچوب یک الگوی تلفیقی" را انجام داده است. هدف این مطالعه «بررسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ۴۷ کشور جهان طی دوره ۱۹۹۰-۲۰۰۲ است. نتایج مطالعه نشان می دهد که توجه به زیرساخت های قانونی، تشویق و تقویت سرمایه گذاری بخش خصوصی، توجه به کارآیی و بهره وری سرمایه گذاری انجام شده در زیرساخت ها و تحقیق و توسعه، توجه به کارآیی، بهره وری و سطح مهارت نیروی کار و اقداماتی در جهت افزایش ثبات سیاسی کشور شاید بتواند به جذب بیشتر سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران منجر شود.

مشیری و کیانپور در سال (۱۳۹۱) در مقاله ای با عنوان "عوامل مؤثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی" به بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ۲۰۹ کشور جهان طی دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۹ می پردازند و نتایج حاصل مبین این است که اثر درجه باز بودن، نرخ بازگشت سرمایه، زیر ساخت ها و سرمایه انسانی و حجم سرمایه گذاری در دوره قبل همگی دارای اثر مثبت و معنی داری بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی دارند، اما

متغیرهای هزینه های دولت، فساد و نرخ تورم تأثیر معناداری بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی نشان نمی دهند.

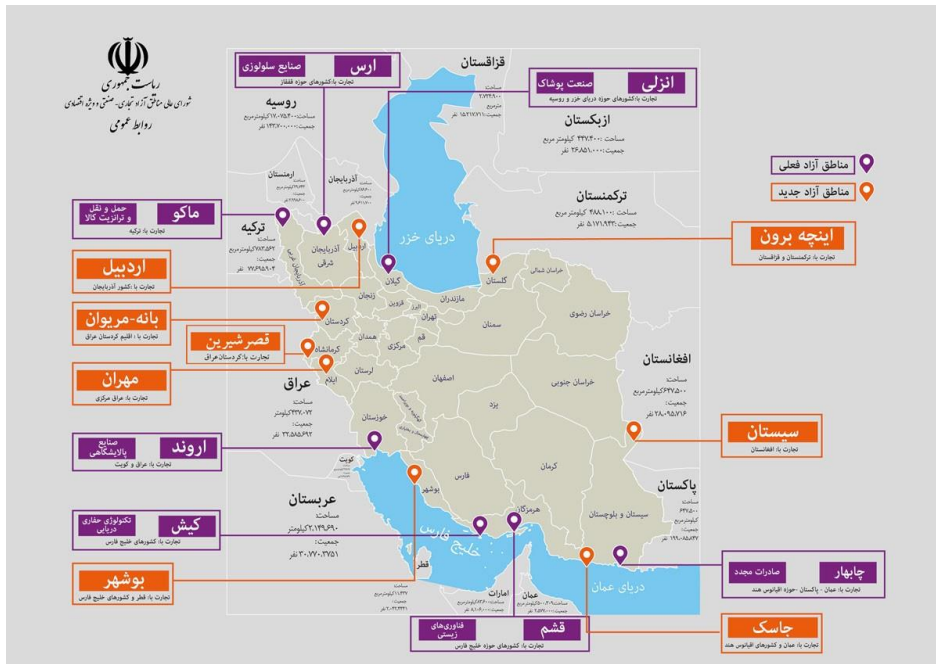
کریمی کیا و مقدم در سال (۱۳۹۱) در مقاله ای با عنوان بررسی عوامل جذب سرمایه گذاری در منطقه آزاد اروند عوامل مؤثر بر جذب سرمایه گذاری در منطقه آزاد اروند در دوره زمانی (۱۳۸۸-۱۳۸۴) مورد بررسی قرار می دهند و نشان می دهند عدم وجود امکانات زیربنایی، عدم سرمایه گذاری مناسب دستگاه های دولتی، نارسایی قوانین و مقررات ازموانع عمده جذب سرمایه گذاری در منطقه آزاد اروند به شمار می روند.

۲-۱- تاریخچه مناطق آزاد

نخستین بنادر شناخته شده آزاد جهان، در حقیقت، مناطق محصور با دیوارهای دفاعی بودند که در بنادر «چالیس و پیرائوس» یونان بنا شدند. قدیمی ترین بندر آزاد جهان که به طور مشخص برای افزایش حجم داد و ستد پایه گذاری شد، بندر آزاد رومی ها در جزیره «دالاس» در دریای اژه بود که با هدف افزایش حجم مبادلات تجاری بین مصر، یونان، سوریه، شمال آفریقا، آسیا و روم تأسیس شده بود و همه داد و ستدها بدون دریافت حق گمرکی دریافت می شد. سپس بنادر دیگری همچون «جنوا»، «ونیز» و «جبل الطارق» به وجود آمدند. هدف از ایجاد بندر آزاد هامبورگ که در سال ۱۸۸۸ پایه گذاری شده محصولات صنعتی بود مشروط بر آن که از رقابت با صنایع داخلی احتراز کند. تجربه شانون که بعد از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۵۹ ایجاد گردید، به عنوان اولین منطقه آزاد به مفهوم جدید آن شناخته شد، و ایجاد منطقه آزاد به سرعت توسعه پیدا کرد. به طوری که در اوایل دهه ۹۰

حدود ۶۰ کشور در حال توسعه دست اندر کار، اداره ایجاد و یا طراحی مناطق آزاد شدند. حال آن که در اوایل دهه ۷۰ تعداد آن ها فقط هفت کشور بود. البته در سال های اخیر به علت رقابت شدید مناطق آزاد تجاری- صنعتی کشورهای مختلفی برای مقابله با این امر و همچنین با سیر بازگشت صنایع کاربر به کشورهای صنعتی اقدام به تأسیس پارک های علوم و فنون نموده و در واقع این مناطق پیوندی بین مناطق آزاد تجاری صنعتی و مراکز تحقیق و توسعه ایجاد کرده اند. از طرفی برخی از سازمان های بین المللی نظیر «کنفرانس تجارت و توسعه ملل» و «سازمان صنعتی ملل متحده» که در ابتدا کشورهای در حال توسعه را به تأسیس این قبیل مناطق تشویق می نمودند بعدها در مواردی نظراتی بسیار محتاطانه تر ابراز نمودند (کامران، ۱۳۸۱: ۳۵). در کشور ما نیز با توجه به حضور کمرنگ اقتصاد ملی در عرصه رقابت جهانی؛ ایجاد مناطق آزاد به عنوان عاملی مؤثر در جهت جبران فرصت های از دست رفته و توسعه صادرات، ایجاد اشتغال سالم و مولد، ارتقاء جایگاه اقتصادی کشور و بهره مندی از اقتصاد رقابتی مورد توجه و تأکید سیاست گذاران نظام اقتصادی کشور قرار گرفت. ضربه پذیری اقتصاد کشور از صادرات نفتی و آن هم صادرات انحصاری، چیزی بود که در سال ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ به طور محسوس مورد توجه قرار گرفت. اگر به آمارهای سال ۱۳۶۷ توجه کنیم می بینیم که صادرات نفتی ما در آن سال حدود ۷ میلیارد دلار شد. در حالی که همین درآمدهای ارزی در برخی از سال ها از ۲۰ میلیارد دلار فراتر رفته است. برای کشوری که مسائل مختلف اش وابسته به ارز خارجی است و درصد قابل توجهی از فعالیت های تولیدی و خدماتی آن به دلیل ارتباط نزدیک با دنیا به

وسيله ارز خارجی رقم می‌خورد، نوسان‌های شدید درآمد ارزی طبعاً می‌تواند بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی و به تبع آن فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی جامعه را متأثر کند؛ به همین دلیل در برنامه اول، توسعه صادرات غیر نفتی به عنوان یک تصمیم قطعی مورد توجه قرار گرفت و یکی از بهترین ابزار برای توسعه صادرات غیرنفتی ایجاد مناطق آزاد صنعتی بود که در بسیاری از کشورهای جهان به ویژه در دو، سه دهه اخیر تجربیات موفقی از آن بر جا مانده است. بدین ترتیب در تبصره ۱۹ برنامه اول توسعه، سه منطقه آزاد تجاری-صنعتی در کشور مورد تصویب قرار گرفت (فرمند، ۱۳۸۱: ۴۶) و اولین مناطق آزاد تجاری صنعتی در ایران از سال ۱۳۷۲ با تصویب قانون چگونگی تشکیل و اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی ایجاد شدند.



موقعیت مناطق آزاد تجاری ایران (شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی، ۱۳۹۹)

۲- متدولوژی

پژوهش کاربردی حاضر با روش توصیفی- تحلیلی در راستای پاسخ به این سوال است که راهبردهای تقویت جذب سرمایه خارجی در مناطق آزاد ایران کدام است. به این منظور با استفاده از تکنیک تحلیل یکپارچه SWOT بر اساس نظر متخصصین و بازرگانان داخلی به بررسی و دسته بندی نقاط ضعف و قوت و همچنین شناسایی فرصت ها و تهدیدهای پیش رو در نهایت راهبردهای افزایش جذب سرمایه خارجی را ارائه می نماید.

۳- جذب سرمایه گذاری خارجی در مناطق آزاد

سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) عبارتست از سرمایه گذاری که متضمن مناسبات بلند مدت بوده و منعکس کننده کنترل و نفع مستمر شخصیت حقیقی یا حقوقی مقیم یک کشور، در شرکتی واقع در خارج از وطن سرمایه گذار باشد (کميجانی، عباسی، ۱۳۸۵: ۷۰).

سخن گفتن درباره میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق آزاد کار آسانی نیست، دلیل آن هم این است که به طور کلی درباره میزان جذب سرمایه گذاری خارجی در مناطق آزاد اطلاعاتی دقیقی در دست نیست. به طور کلی آمارهای موجود حاکی از آن است که روند جذب و تحقق سرمایه‌گذاری در حدی نیست که بتواند اهداف توسعه‌ای مناطق را محقق نماید و مناطق آزاد تاکنون در جذب سرمایه‌گذاری‌ها و به خصوص سرمایه‌گذاری خارجی چندان موفق عمل نکرده‌اند. شاید بتوان عملکرد ضعیف مناطق در دوره فوق را به مواردی نظیر تحریم‌های اعمال شده علیه کشور نسبت داد، اما عملکرد در دهه ۸۰ هم به همین منوال است. امتیازات مناطق تجاری ایران بیشتر مورد سوء استفاده سودجویان و واردکنندگان کالاهای مصرفی قرار می‌گیرد تا حدی که تراز تجاری این مناطق همیشه منفی بوده است. کته مهم این جا است که اکثر واحدهای تولیدی در ۷ منطقه آزاد موجود در صنایع فرآورده‌های غذایی، مواد و فرآورده‌های شیمیایی و تجهیزات حمل و نقل فعال هستند و در هیچ رشته فعالیتی، خوشه‌های صنعتی شکل نگرفته است در کنار این موارد ترکیب نوع صنایع فعال و مقیاس تولید در این مناطق حاکی از آن است که مناطق آزاد موجود در توسعه فناوری پیشرفته

هم توفیق چندانی نداشته اند و عمده صنایع بزرگ تأسیس شده در منطقه آزاد مربوط به سال‌های پیش بوده که بعد از مرزبندی های منطقه آزاد در محدوده این مناطق قرار گرفته‌اند. عدم ایجاد تأسیسات زیربنایی مناسب در کنار مشکلات قانونی دو علت اصلی عدم توفیق مناطق آزاد در موضوع جذب سرمایه گذاری خارجی و توسعه صادرات است. نباید فراموش کرد حضور سرمایه گذار خارجی در منطقه ای فاقد مسیرهای ارتباطی بین‌المللی مانند فرودگاه و یا بانک ها و سازمان های مالی بین المللی عملاً غیر ممکن است. در جدول زیر روند جذب سرمایه از ابتدای ایجاد مناطق تجاری در ایران در سال ۱۳۷۲ تا کنون ارائه شده است.

جدول ۱- حجم سالانه سرمایه گذاری مستقیم خارجی در مناطق آزاد تجاری از ابتدا (میلیون دلار)

۸۵	۸۴	۸۳	۸۲	۸۱	۸۰	۷۹	۷۸	۷۷	۷۶	۷	۷	۷۳	۷۲
									۱۹	۵	۴		
۳۳,	۴۰,	۴۵	۵۲	۴۵	۳۷	۲۴	۲۶	۲۱۸	۱۹	۷۳	۲,	۰,۳	-
۲۲	۴۷	۳,۵	۰,۲	۹,۲	۸,۳	۱	۳		۱,	۱۰	۶		
									۷				
۹۹	۹۸	۹۷	۹۶	۹۵	۹۴	۹۳	۹۲	۹۱	۹۰	۸	۸	۸۷	۸۶
									۹	۸	۸		
؟	۱۳	۳۵	۳۰	۳۱	۱۲	۶۱	۲۷	۳۲	۲۳	۴۶	۵۰	۵۶,	۲۱,
	۳	۰	۵	۰۳	۹۱	۷				۴	۴	۲۴	۱۵

۴. تحلیل SWOT

به منظور انجام تحلیل یکپارچه از شرایط سرمایه گذاری خارجی در مناطق آزاد ایران ابتدا با رجوع به پژوهش ها، گزارشات، مصاحبه ها و نقد های محققین، متخصصین و فعالان این حوزه و همچنین مصاحبه رو در رو با آن ها به گردآوری عوامل مؤثر بر سرمایه گذاری خارجی در مناطق آزاد ایران پرداخته و سپس به تدوین جداول SWOT بر مبنای این عوامل مبادرت ورزیده شد.

جدول ۲- تحلیل SWOT

قوت
معافیت مالیاتی ۲۰ ساله و معافیت های گمرکی در خصوص واردات مواد اولیه و صادرات
کاهش نرخ بهره پرداختی بانک ها به پس اندازها
بروکراسی اداری کمتر نسبت به سایر نقاط کشور
عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی
نیروی کار جوان، ارزان و در دسترس

فرصت
موقعیت مناسب جغرافیایی ایران و نزدیکی به بازار های شرق، غرب و مرکز آسیا و همچنین اروپای شرقی
دسترسی مستقیم به آب های بین المللی و نزدیکی به خطوط کشتیرانی بین المللی
تبادلات تجاری با کشورهای رو به توسعه همسایه که از پتانسیل های بالای تجاری برخوردارند.

تهدید
شرایط فرصت های بسیار بهتر سرمایه گذاری در کشورهای همسایه نظیر ترکیه و امارات
تحریم های مالی و بانکی بین المللی
تحریم های اقتصادی مربوط به حوزه صادرات و واردات

ضعف
افزایش نرخ تورم در کشور علاوه بر انعکاس افزایش قیمت منابع تولید داخلی، برای سرمایه گذاران خارجی، وجه نااطمینانی و عدم ثبات اقتصادی و مالی را به همراه دارد.
فقدان و کمبود امکانات زیربنایی اولیه و خدمات عمومی مناسب و زیر ساخت های پیشرفته
عدم صراحت های قانونی، محدودیت، نارسایی و فقدان پویایی پاره ای از قوانین و مقررات
عدم معرفی مناسب مزایای سرمایه گذاری در این مناطق
عدم سرمایه گذاری سازمان ها و مؤسسات سرمایه گذاری وابسته به دولت در این منطقه
عدم مکان یابی مناسب مناطق آزاد
وجود فساد و رانت در سیستم اداری کشور
عدم شفافیت مالی بخش های دولتی و خصوصی
گنگ و مبهم بودن جریان های مالی و ترازنامه های ناشفاف بنگاه ها
محدود بودن ظرفیت های نظام بانکی و بازار سرمایه ایران برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی
سهام بسیار کم بخش خصوصی در تشکیل سرمایه در ایران
عدم کارآمدی سیاست های اقتصادی کشور در سالیان اخیر
تغییر ناگهانی قوانین و رفتارهای غیر قابل پیش بینی برخی سیاست گذاران
قوانین بازدارنده نظیر اصول ۴۴، ۸۱ و ۱۳۹
عدم عضویت ایران در کنوانسیون بین المللی ICSID
افزایش فعالیت های رانت جویانه و تشدید فساد

کاهش سرمایه گذاری داخلی در این مناطق که نشانگر عدم ثبات اقتصادی است.
عدم وجود تضمین های کافی برای سرمایه های خارجی
وجود تشریفات زائد اداری (بوروکراسی و قوانین دست و پاگیر)
حاکمیت دیدگاه های خاص فرهنگی کشور و اعمال محدودیت های مرتبط با آن در مناطق آزاد

۵. راهبردهای پیشنهادی

اصولاً هدف از تجزیه و تحلیل در پژوهش علمی دست یابی به راه هایی است که با عبور از موانع ایجاد شده، حل چالش ها و تکیه بر نقاط قوت و فرصت ها، مسیر تحقق اهداف را هموار نماید. بر این اساس چهار دسته راهبردهای تهاجمی تدافعی، انطباقی و اقتضایی بر مبنای تحلیل SWOT صورت گرفته به شرح زیر ارائه می گردد.

جدول ۳- راهبردهای پیشنهادی

راهبردهای تهاجمی
ایجاد ثبات اقتصادی و کنترل نرخ تورم (بالا بودن نرخ تورم با بالا بردن نااطمینانی نسبت به آینده، انگیزه سرمایه گذاری را کم می کند) و ایجاد نظم و امنیت در بازارهای پولی و مالی کشور به منظور جلوگیری از نوسانات نرخ تورم و نرخ ارز در بازارهای داخلی.
افزایش درجه باز بودن اقتصاد که لازمه آن تسریع در مبادلات تجاری، اصلاح نرخ تعرفه ها و تسریع در امور گمرکی است باعث افزایش تمایل به سرمایه گذاری و جذب سرمایه گذاری می شود
تقویت بخش خصوصی برای مشارکت این بخش با سرمایه گذاران خارجی جهت اجرای طرح های آماده سرمایه گذاری و تأمین بخشی از هزینه های زیربنایی طرح های سرمایه گذاری خارجی و تأمین زمین مورد نیاز این طرح ها، ایجاد خوشه های صنعتی برای تقویت واحدهای

تولیدی و ایجاد زنجیره تولید و نظارت مستمر بر اجرای مناسب قانون اصل ۴۴ برای تقویت بخش خصوصی و کوچک نمودن دولت در جذب سرمایه
کاهش محدودیت های فرهنگی و آزادی های فردی
راهبردهای تدافعی
افزایش آگاهی مدیران هر منطقه از اهداف کارکردهای تأسیس آن منطقه است
حفظ نیروهای متخصص و کارآمد و مدیران کارآفرین و جذب و جلب نیروهای کارآمد و مدیران کارآفرین از داخل و خارج کشور
روشن و شفاف سازی قوانین و تدوین قوانین به صورت بلند مدت و پایدار، هماهنگ با استانداردهای جهانی
ابهام زدایی از قوانین و مقررات جاری از طریق نقد و اصلاح پاره ای از قوانین و مقررات، بهبود روش ها و آسان و منطقی کردن مقررات و همچنین شناخت قواعد و فراهم ساختن سازوکارهای لازم از طریق به رسمیت شناختن تساوی حقوق طرفین در قراردادهای مالی و فراهم کردن عوامل ایجاد اعتماد متقابل و تضمین کافی توسط قوانین و مقررات برای آن ها
اختصاص بودجه به منطقه آزاد از محل بودجه عمومی کشور به منظور ساخت و تأسیس امکانات زیربنایی و زیرساخت های اساسی منطقه و انجام سرمایه گذاری های عظیم دولتی در این خصوص
راهبردهای انطباقی
تشکیل و ایجاد بورس اوراق بهادار بین المللی در منطقه با مشارکت نهادهای مالی بین المللی
پیوند با بازار جهانی سبب گسترش فعالیت مناطق آزاد می شود. سیاست تنش زدایی جمهوری اسلامی ایران در سطح بین المللی می تواند مشارکت سرمایه گذاران خارجی را در طرح های عمرانی منطقه افزایش بخشد.
باید با استفاده از مزایا و تسهیلات قانونی به ایجاد زیرساخت ها در منطقه مبادرت ورزید و رشد بخش صنعت و خدمات را منوط به آماده سازی و احداث ساختمان برای واگذاری به متقاضیان است را سرعت بخشید. وجود ارتباطات حمل و نقل قوی و کافی به منظور ارتباط با

<p>بازارهای جهانی و داخلی بسیار مهم است. تجهیز ناوگان حمل و نقل جاده ای، دریایی، هوایی، برخورداری از شبکه حمل و نقل پویا، هماهنگ و سازمان یافته در منطقه آزاد اروند از قبیل آب و برق، سوخت، تلفن، تلکس، ارتباطات راه دور و ساختمان ها از جمله شرایط موفقیت منطقه آزاد اروند است. ضمن اینکه ایجاد تسهیلات و خدمات رفاهی، بهداشتی، اقامتی و تفریحی را نباید از نظر دور داشت.</p>
<p>جلوگیری از ورود بی رویه کالا به مناطق آزاد و اعمال عوارض گمرکی بر کالاهای وارداتی به منطقه و تشویق صادرات و معافیت گمرکی و مالیاتی کالاهای صادراتی؛</p>
<p>ایجاد امنیت و فضای سیاسی با ثبات در مناطق آزاد و برقراری تعرفه های ترجیحی برای مناطق در مقایسه با کشورهای همجوار، جهت تشویق سرمایه گذاران داخلی و خارجی؛</p>
<p>کاهش تصدی گری دولت و حذف تشریفات زائد اداری و بروکراسی دست و پا گیر و ایجاد نظام مدیریتی قوی، شفاف و پویا در مناطق آزاد و جلوگیری از فعالیت موازی سایر ادارات در اداره این مناطق</p>
<p>راهبردهای اقتضایی</p>
<p>توجه به ضوابط اصلی و ثانوی مکان یابی (نظیر دوری از نواحی بحرانی و بحران زای خارجی، دسترسی به راه های آبی بین المللی، دسترسی به مسیرهای عمده ارتباطی داخلی و خارجی، دسترسی به نوار مرزی، دسترسی به نیروی کار و توان های اقتصادی مناسب، دسترسی به انرژی ارزان، دسترسی به منابع معدنی، برخورداری از شرایط آب و هوایی مناسب و دوری از پایگاه های نظامی)</p>
<p>فراهم ساختن زمینه حضور بیشتر سرمایه گذاران داخلی به منظور تشویق سرمایه گذاران خارجی</p>
<p>ایجاد مؤسسات پولی و بانکی معتبر در مناطق آزاد و صدور مجوز و ایجاد شعب بانکی و بیمه خارجی در مناطق آزاد</p>
<p>اعطای تضمین کافی به سرمایه گذاران خارجی و عضویت در کنوانسیون بین المللی ICSID</p>
<p>شفاف سازی نظام مال و مبارزه با فساد اداری و رانت خواری</p>

۶. نتیجه گیری

نظر به اینکه سرمایه گذاری مستقیم خارجی نقش مهمی در رفع شکاف پس انداز- سرمایه گذاری، انتقال تکنولوژی، دانش فنی و تکنیک های جدید مدیریتی و به طور کلی در توسعه و رشد اقتصادی ایفا می کند، در میان کشورهای جهان رقابت شدیدی برای جذب آن وجود دارد. بنابراین، هر کشور با توجه به موقعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی خود تلاش می کند راه های جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی را شناسایی و موانع و مشکلات آن را برطرف نماید، عوامل تعیین کننده سرمایه گذاری مستقیم خارجی متعدد می باشند و می توان گفت جذب آن به کل عوامل اقتصادی و در مجموع به کل سیستم و ساختارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وابسته می باشد، اما در هر کشوری تعدادی از این عوامل نقش اصلی را در جذب آن به عهده دارند و تعیین کننده اصلی تلقی می شوند. در کشور ما از آن جایی که عوامل بازدارنده بسیار بیشتر و قوی تر از عوامل جذب کننده می باشند، توفیقی در جذب سرمایه خارجی در مناطق آزاد تجاری حاصل نشده است و سرمایه گذاران خارجی به دلایلی که در پژوهش عنوان شد تمایل به سرمایه گذاری در این مناطق را ندارند. در این پژوهش سعی شد ضمن تحلیل یکپارچه شرایط سرمایه گذاری در مناطق آزاد ایران، با بهره گیری از نظرات متخصصین و تجار؛ با راهکارهایی جهت تعدیل عوامل بازدارنده و افزایش جذابیت های سرمایه گذاری در این مناطق ارائه گردد.

منابع

۱. اسفندیاری، علی اصغر، مقدس حسین زاده، سمیره و مجید دلاوری (۱۳۸۷). ارزیابی عملکرد مناطق آزاد تجاری ایران و تأثیر آن در توسعه اقتصادی این مناطق، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۸، شماره ۲۸، صص ۱۴۶-۱۱۹.
۲. التجایی، ابراهیم (۱۳۸۸). مناطق آزاد تجاری و صنعتی: ابزار راهبرد توسعه صادرات در مقایسه با سه کشور دیگر آسیایی، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۹، شماره ۳۳، صص ۲۲۲-۱۸۹.
۳. تقوی، مهدی و مهدی رضایی (۱۳۸۹). تأثیر عواملی به جز سیاست آزادسازی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مناطق آزاد تجاری- صنعتی ایران، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۱۰، شماره ۳۶، صص ۴۰-۱۵.
۴. تقی زاده، خدیجه (۱۳۸۹). عملکرد مناطق آزاد تجاری- صنعتی کشور در چهار سال اول برنامه چهارم توسعه، مجله اقتصادی- ماهنامه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی، دوره ۱۰، شماره ۹ و ۱۰، صص ۱۳۲-۱۲۳.
۵. دودانگی، محمد (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در ایران، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۶، شماره ۲۳، صص ۱۴۷-۱۳۱.
۶. زاکر خواهی فرد، یحیی و محمد صادقی (۱۳۹۹). تحلیل حقوقی- اقتصادی موانع سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق آزاد ایران، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل (تحقیقات حقوقی آزاد سابق)، دوره، شماره ۴۷، صص ۲۶۴-۲۳۹.
۷. شیری، سعید و سعید کیان پور (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، یک مطالعه بین کشوری (۱۹۸۰-۲۰۰۷)، مجله علمی- پژوهشی اقتصاد مقداری، دوره، شماره ۹، صص ۳۰-۱.
۸. عسکری، علی و تینا جعفری (۱۳۹۵). ارزیابی آثار اعطای معافیت مالیاتی در مناطق آزاد تجاری ایران (مطالعه موردی: منطقه آزاد قشم، کیش و چابهار)، فصلنامه اقتصاد مالی (اقتصاد مالی و توسعه)، دوره ۱۰، شماره ۳۷، صص ۷۰-۴۳.

۹. فرمند، رضا (۱۳۸۱). مکانیابی حکایت سال ها سرگردانی، مجله مناطق آزاد، شماره ۱۲۹.
۱۰. کامران، حسین (۱۳۸۱). علل توسعه نیافتگی مناطق آزاد ایران، فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات جغرافیایی سال، دوره ۱۷، شماره ۲ و ۳ (پیاپی ۶۵ و ۶۶)، صص ۴۲-۳۲.
۱۱. کریمی کیا اسما (۱۳۹۱). بررسی عوامل جذب سرمایه گذاری در منطقه آزاد اروند، مجله اقتصادی- ماهنامه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی، دوره ۱۲، شماره ۴ و ۵، صص ۲۸-۵.
۱۲. کمیجانی، اکبر و منصوره عباسی (۱۳۸۵). تبیین نقش عوامل مؤثر بر جلب سرمایه مستقیم خارجی در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۱، شماره ۲، صص ۱۰۵-۶۹.
۱۳. ممی پور، سیاب، بشارتی، زهرا و داوود بهبودی (۱۳۹۳). بررسی و اولویت بندی عوامل جذب سرمایه گذاری در منطقه آزاد انزلی، پژوهش های اقتصاد و توسعه منطقه ای، دوره ۲۱، شماره ۷، صص ۱۶۳-۱۳۳.
۱۴. مهدیار اسماعیلی، محمدرضا (۱۳۹۶). کارکرد مناطق آزاد در ایران و بررسی تبعات افزایش تعداد آن ها، گزارش راهبردی اقتصاد و مدیریت، اندیشکده سیاست های راهبردی اقتصاد و مدیریت آراء، ویرایش اول.

نقش راهبردی و ژئوپلیتیکی بندر چابهار در توسعه و امنیت پایدار ایران در سده بیست و یک

سید محمد تقی رییس‌السادات! سمیرا مردانی^۲

^۱ - دانش‌آموخته دکتری جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، smt.raissadat@gmail.com

^۲ - دانش‌آموخته کارشناسی جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، کرج، samiramardani001@gmail.com

چکیده

یکی از مهمترین پایه های امنیت پایدار کشورها در عرصه جهانی بستگی به شیوه و میزان پیوند کشور در شبکه اقتصاد جهانی دارد. با توجه به اینکه اقتصاد و مسائل راهبردی و ژئوپلیتیکی به شدت باهم پیوند خورده است از این رو کشورها در ژئوپلیتیک نظام جهانی سده بیست و یکم همواره خود را در شبکه اقتصاد جهانی به عنوان بازیگری فعال نیز معرفی می کنند. بدیهی است ایفای نقش راهبردی فعال در نظام اقتصاد جهانی نیز بدون داشتن بسترهای جغرافیایی عملی نخواهد بود. کشور ایران با توجه به موقعیت راهبردی خود در جنوب غرب آسیا به عنوان پلی برای کریدور شمال-جنوب و اتصال کشورهای منطقه اوراسیا به دریای آزاد نقش کلیدی در تحولات ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک منطقه می تواند داشته باشد. در این خصوص بندر چابهار به عنوان یک موقعیت جغرافیایی، ژئوپلیتیکی و ارتباطی نقش مهمی در تحولات راهبردی و اقتصادی ایران در مسیر اتصال به کشورهای منطقه اوراسیا ایفا می کند. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی با این فرضیه که توسعه بندر چابهار می تواند توسعه و امنیت را برای ایران به همراه داشته باشد. به دنبال این موضوع است که با توجه به جایگاه کنونی ایران و همچنین نیاز کشورهای آسیای مرکزی و اوراسیا به اتصال به دریای آزاد و همچنین تحولات ژئوپلیتیک منطقه، تحریم و کم رنگ شدن جایگاه راهبردی سنتی ایران در منطقه، ایران با توسعه و گسترش ظرفیت های منطقه آزاد چابهار و اتصال بندر چابهار به کریدور شمال - جنوب به عنوان یکی از مناطق مهم راهبردی منطقه خلع راهبردی خود در منطقه را جبران نموده و با رویکردی ژئوپاسیفیکی توسعه و امنیت پایدار ملی را تامین کند.

کلمات کلیدی: موقعیت ژئوپلیتیکی، اقتصاد، امنیت، چابهار، ایران

۱- مقدمه

در طول تاریخ، دسترسی به دریاها یکی از عناصر مطلوب در توسعه طلبی کشورها بوده است. در واقع در اختیار داشتن آب‌های آزاد، یکی از شروط ضروری برای رسیدن به قدرت جهانی است. آلفرد تایر ماهان (۱۹۱۱-۱۸۴۰) یکی از نظریه پردازان شاخص آمریکایی که چهل سال از عمر خود را در نیروی دریایی این کشور گذراند، «توان دریایی» را اساس قدرت ملی می‌دانست. وی به تئوری قدرت دریایی و راهبرد آن بسیار اهمیت داد و توانست در خط مشی نیروی دریایی آمریکا تغییرات مهمی ایجاد کند (عزتی، ۱۳۸۰: ۵۲). از واژه «قدرت دریایی» تعاریف متعدد و متنوعی ارائه شده است، اما در جامع‌ترین و تازه‌ترین تعریف، قدرت دریایی عبارت است از مجموعه توانایی‌های یک ملت در به دست آوردن منافع خویش از دریاها و اقیانوس‌ها، با به کارگیری آب‌های دنیا، برای مقاصد سیاسی، اقتصادی و نظامی در زمان صلح و جنگ، در راستای دستیابی به مقاصد و اهداف ملی (عزتی، ۱۳۸۷: ۸۰).

سواحل و دریاها، از جوانب گوناگون مانند ارتباطات دریایی، انرژی، شیلات، مقاصد امنیتی و نظامی و... در طول تاریخ مورد توجه کشورها بوده‌اند و توسعه آنها نقشی اساسی در توسعه منطقه‌ای و امنیت پایدار دارد. کشورهای آسیای مرکزی و اوراسیا به با توجه به جغرافیایی که در آن قرار گرفته‌اند خشکی بست هستند یا به سختی به آبهای آزاد دسترسی دارند. از این رو به شدت برای صادرات و واردات کالا نیازمند مسیری مطمئن و ارزان هستند. ایران به عنوان کشوری امن و داشتن مرز مشترک با کشورهای منطقه اوراسیا

و نیز سواحل متصل به اقیانوس هند از موقعیت خوبی برای کمک و تسهیل ترانزیت کالا برخوردار است.

سواحل جنوبی کشورمان شامل حوزه خلیج فارس و دریای عمان، منطقه ای بیش از ۱۳۳۳ کیلومتر را دربرگرفته است که ۲۹۳۳ کیلومتر آن در ساحل خلیج فارس و ۱۰۳ کیلومتر آن در ساحل دریای عمان قرار دارد. در این میان، سواحل دریای عمان و به عبارتی ناحیه مکران، موقعیت ویژه ای را رقم زده است که به رغم حساسیت و اهمیت آن، تاکنون در حاشیه قرار گرفته است؛ به طوری که به نظر می رسد، به دلیل تمرکز بیشتر بر بندرها و سواحل خلیج فارس، از این قابلیت ها استفاده نشده و توجه جدی به آن صورت نگرفته است. بررسی شاخص های مختلف آماری کشور، بیانگر اهمیت و تفاوت های آشکار این منطقه با دیگر مناطق کشور است. سطح پایین شاخص های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی منطقه نشان می دهد تعامل این عوامل در ثبات و بی ثباتی و از طرف دیگر در تهدیدهای داخلی و خارجی، نقشی تعیین کننده دارد.

جنوب شرق ایران با داشتن ظرفیت بالای اقتصادی، امنیتی، وحدت ملی، دسترسی، ارتباطات منطقه ای و بین المللی، کارکرد تولید قدرت را در کشور دارد.

در مرزهای شرقی ایران، با وجود امکانات اقتصادی و موقعیت ویژه، اختلافات قومی مذهبی، ناامنی و فقر مشاهده می شود؛ بنابراین، امنیت و همراه با آن، توسعه پایدار، در این منطقه نیز تهدید شده است. (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۲).

چابهار به عنوان یک بندر اقیانوسی کرده است. توسعه منطقه آزاد چابهار و اتصال آن شمال و شمال شرق ایران به راحتی می‌تواند کشورهای افغانستان، آسیای مرکزی و اوراسیا از تنگناهای جغرافیایی بیرون بیاورد و مسیری امن برای صادرات و واردات کالا باشد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی بوده و با ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه شامل کتب، مقالات و وب سایت‌ها با این فرضیه که توسعه بندر چابهار می‌تواند توسعه و امنیت را برای ایران به همراه داشته باشد. از منظر ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و با دیدگاهی ژئوپاسیفیکی با بررسی و ارزیابی مواردی چون ۱- منابع و ظرفیت‌های منطقه، ۲- فرصت‌ها و نقاط قوت در نواحی ساحلی دریای مکران با رویکرد توسعه و امنیت پایدار منطقه، ۳- چالش و نقاط ضعف در نواحی ساحلی دریای مکران با رویکرد توسعه و امنیت پایدار منطقه، ۴- ابعاد رقابتی نواحی ساحلی مکران در مقایسه با سایر قسمت‌های منطقه، به این موضوع می‌پردازد که توسعه بندر چابهار و اتصال آن کشورهای اوراسیا و آسیای مرکزی، خلع راهبردی خود در منطقه را با بارورسازی ظرفیتهای چابهار جبران نموده و به تامین توسعه و امنیت پایدار ملی خود پردازد و با حذف یا کم رنگ نمودن تهدیدهای مترتب در راستای امنیت ملی خویش اقدام نماید.

۲- مبانی مفهومی پژوهش

ژئوپلیتیک

محقق حوزه جغرافیای سیاسی انگلستان پیترتیلور، مطالعه توزیع جغرافیایی قدرت بین کشورهای جهان به ویژه رقابت بین قدرت های بزرگ و اصلی راعمه ترین وظیفه ژئوپلیتیک می داند (Taylor, 1989) در حالی که جان اگنیو مطالعه تاثیر جغرافیا بر روابط بین الملل را ذکر می کند (p15, . Agnew, 1998) یولاکوست اندیشمند فرانسوی بر این باور است من چیزی را ژئوپلیتیک می نامم که با رقابت و تقابل قدرت بر سرزمین مرتبط باشد. رجوع به سرزمین با تمام خصوصیات جغرافیایی آن است که ارتباط بین ژئوپلیتیک و جغرافیا را برجسته می سازد. (لاکوست، ۱۳۸۷، ص ۱۲-۱۴) در فرهنگ نامه فرانسوی روبر درباره ی ژئوپلیتیک آمده است: «ژئوپلیتیک علمی است که به مطالعه روابط بین داده های طبیعی، جغرافیا و سیاست حکومت ها می پردازد» (عزتی، ۱۳۸۲، ص ۵). کارل هاوس هوفر بین ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی تفاوت قائل بود. او ژئوپلیتیک را هنری پویا و جغرافیای سیاسی را دانشی ایستا توصیف می کرد. همچنین اوتامائول یکی از جغرافیدانان آلمانی ژئوپلیتیک را نیاز فضایی دولت و جغرافیای سیاسی را دانش مطالعه شرایط فضایی دولت می دانست (حافظ نیا، ۱۳۸۰، ص ۲۴). شیوه های قرائت و نگارش سیاست بین الملل توسط صاحبان قدرت و اندیشه و تاثیر آنها بر تصمیم گیری های سیاسی در سطح بین المللی بیان کاملی از ژئوپلیتیک است (میرحیدر، ۱۳۷۷، ص ۶۱) ژئوپلیتیک مطالعه اثر عوامل

جغرافیایی در تصمیم گیری های سیاسی است و جغرافیای سیاسی مطالعه تاثیر تصمیم گیری های سیاسی بر محیط جغرافیایی است با این تفاوت که ژئوپلیتیک غالباً فرامرزی است و در محدوده بین المللی معنا پیدا کرده و معمولاً سیاست خارجی را مطالعه می کند (مجتهدزاده، ۱۳۷۹). ژئوپلیتیک عبارت است از مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست که در قالب یک مدل سه وجهی قابل تبیین است، در این مدل سه حوزه فضا، محیط و انسان ها مورد توجه قرار گرفته است. در حوزه فضا تعامل های فضایی و سیستم ها و ساختارهای فضایی مدنظر است و در حوزه محیط، ویژگی ها و عوامل محیط طبیعی و مصنوعی و در حوزه انسا نها خصلت ها و کارکردهای گروهی مدنظر می باشد (حافظ نیا، ۱۳۷۹، ص ۸۷-۸۴).

ژئواکونومی

به عقیده ای ادوارد لوتواک از دهه ی ۹۰ میلادی مؤلفه های اقتصادی جایگزین اهداف نظامی و استراتژیک شدند و عامل منازعات و درگیری های قرن آینده دیگر همان موضوعات قرن گذشته نیست، بلکه در کنار هر تنش عاملی اقتصادی خودنمایی می کند (لوتواک، ۱۹۹۰: ۸۹). در حال حاضر رهیافت ژئواکونومی در سیاست تجاری کشورهای غربی کاملاً مشهود است، ژئواکونومیک رویکردی در تحلیل مسایل بین المللی، به ویژه رقابت دولتهای بزرگ در مناطق حساس جهان است؛ که در آن به جغرافیا، قدرت، و اقتصاد در تعامل با یکدیگر توجه می شود. ژئواکونومی که جزئی از ژئوپلیتیک است (مجتهدزاده، ۱۳۵۶: ۵۰).

در این راستا قدرت های بزرگ صنعتی به دنبال کسب انرژی و رقابت اقتصادی با یکدیگر همواره به مسایل غرب آسیا حساسیت نشان داده اند و این در حالی است که با تبدیل ژاپن و آسیای شرقی به قطب های بزرگ اقتصادی، اهمیت انرژی این منطقه بیشتر شده است. با توجه به اینکه انرژی نیاز مبرم جهان در قرن بیست و یکم است، بنابراین، کشمکش و رقابت برای کسب منابع انرژی هیدروکربنی بین قدرت های بزرگ به منطقه ژئواکونومیک غرب آسیا نیز سرایت خواهد کرد (کمپ، جفری و هارکاو، رابرت ۱۴، ۱۳۸۴-۱۱) در حال حاضرچالش های سنگینی پیش روی جهان وجود دارد و ناامنی های اخیر نشان از بروز بحران در سطح گسل دو بخش شرقی و غربی سیستم در حال ظهور جهان دارد، ساختار ژئوپلیتیکی در حال ظهور جهان در قالب دوسازه رقیب یعنی ناتو و شانگهای در حال شکل گیری است (حافظ نیا، ۱۳۹۴:۱).

موقعیت ژئوپلیتیکی

موقعیت جغرافیایی از عوامل ثابت ژئوپلیتیکی است. اساساً موقعیت، عبارت است از چگونگی قرار گرفتن یک نقطه در سطح کره‌ی زمین که خود دارای دو حالت عمومی یا نسبی و خصوصی یا ریاضی است (عزتی، ۱۳۸۰، ص ۷۵). که معمولاً در مباحث ژئوپلیتیکی موقعیت نسبی مد نظر است که در مقیاس قاره ای، جهانی و یا منطقه ای مورد بررسی قرار می گیرند، که خود دارای تقسیمات دیگری در زیر مجموعه ها هستند (عزتی، ۱۳۸۰، ص ۷۵). موقعیت جغرافیایی هر کشور بیانگر نحوه‌ی قرارگیری آن کشور نسبت به دیگر کشورها، واحدهای سیاسی، مناطق مختلف جهان، منابع، دسترسی ها و غیره

است. اگرچه به سهولت نمی توان تأثیر و نفوذ این عوامل جغرافیایی را به طور دقیق و مطلوب در سرنوشت افراد و دولت ها تعریف کرد، ولی به طور کلی می توان گفت که حدود شرکت و فعالیت هر کشور در امور بین المللی، اغلب بستگی به موقعیت جغرافیایی و ارتباط آن کشور با همسایگان خود، اعم از کشورهای قدرتمند و ضعیف و همچنین مناسباتش با دولت های بزرگ جهانی دارد؛ به عبارت دیگر، در مطالعه ی روابط بین کشورها و سیاست خارجی دولت ها، پیش گرفتن یک راه و روش خاص، به موقعیتهای جغرافیایی آنها بستگی دارد (عزتی، ۱۳۸۰، ص ۷۵-۷۶).

امروزه جغرافیدانان سیاسی برای مطالعه وضع سیاسی جهان، کلیه وابستگی های ناحیه ای، ملی و قاره ای را در نظر گرفته اند و چهار موقعیت جغرافیایی را مورد توجه قرار می دهند که عبارتند از: الف) موقعیت محوری که در واقع همان موقعیت مرکزی یا بری است؛ ب) موقعیت حاشیه ای که همان موقعیت ساحلی است که معمولاً محل برخورد است؛ ج) موقعیت بیرونی که منطبق با شرایط جزیره ای است و دارای نقش سرپلهای نظامی هستند؛ د) موقعیت استراتژیک که تاریخ ساز است (عزتی، ۱۳۸۰، ص ۸۴).

توسعه و توسعه پایدار

توسعه یا گذار از وضعیتی به وضعیت دیگر، عبارت است از تغییر، تحول و پیشرفت (افتخاری، ۱۳۸۲: ۴۱). توسعه و مفاهیم مرتبط با آن، در نیم قرن اخیر، چالش های بیشماری را در حوزه مطالعات اقتصادی برانگیخته است، اما نظریه پردازان، درباره حوزه مطالعاتی آن اتفاق نظر ندارند و تعریف آن به شدت از عقاید، ایدئولوژی و زمان تأثیر می پذیرد. در گذشته، تنها به رشد

اقتصادی جامعه توجه می شد، اما نگرش تک بعدی به توسعه، علی رغم رشد اقتصادی بالا، شکاف های اساسی در جوامع بشری به وجود آورده بود. بدین ترتیب، از دهه ۱۹۶۰ به بعد در مفهوم توسعه تجدیدنظر شد و توسعه با مفهوم چندبعدی مدنظر قرار گرفت. در این نگرش، حمایت های محیطی، با معیارهایی مانند امنیت ملی، کامیابی اقتصادی و عدالت اجتماعی و مکانی مدنظر قرار گرفت و هدف آن، رفاه اجتماعی و زندگی شرافتمندانه همراه با آزادی و تصمیم گیری برای آینده محیط زندگی بود. همچنین توسعه، علاوه بر ازدیاد ثروت جامعه، تغییر کیفی نظام اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را نیز به همراه دارد (از کیا، ۱۳۸۷: ۶) واژه توسعه پایدار را اولین بار به طور رسمی برانت لند در سال ۱۹۸۷ در گزارش «آیندهی مشترک ما» مطرح کرد (زیاری، ۲۰۱۳: ۲۰).

با بروز ضایعات زیست محیطی و کاهش سطح عمومی زندگی مردم، سازمان ملل رویکرد فوق را به عنوان موضوع روزهده آخر قرن بیستم مطرح کرد. توسعه پایدار یعنی راه حل هایی در مقابل الگوهای فانی کالبدی، اجتماعی و اقتصادی توسعه.

بدین ترتیب، توسعه پایدار از بروز مسائلی مانند نابودی منابع طبیعی، تخریب سامانه های زیستی، افزایش بیرویه جمعیت، بی عدالتی و پایین آمدن کیفیت زندگی انسان ها در زمان حال و آینده جلوگیری می کند. همچنین توسعه پایدار، برآیند نگرش های مختلف توسعه است. از این مفهوم نیز مانند مفهوم توسعه، برداشت های گوناگون شده است. نکته مشترک، تمامی این نگرش ها، پایداری متعادل و رسیدن به فرآیندی از توسعه است که پایا و بادوام باشد.

تعریف عمومی از توسعه پایدار عبارت است از برآورده کردن نیازهای نسل امروز بدون اینکه توانایی نسل آینده در برآورده کردن نیازهایش تهدید شود. (Isaksson, 2006: 64). در واقع، هر تحولی، زمانی پایدار است که محافظ محیط و مولد فرصت ها باشد. این تحول نیازمند پیوند ناگسستنی میان اکولوژی، اقتصاد و امنیت اجتماعی است. پیشرفت های اقتصادی و شرایط زندگی اجتماعی باید در تطابق با جریان درازمدت حفظ پایه های طبیعی زندگی باشند. (Thin et al., 2002: 481)

امنیت و امنیت پایدار

امنیت به عنوان یک مفهوم عام، تمامی شئون و ابعاد زندگی انسان را دربرمی گیرد و با بقای نفس و صیانت از حیات و موجودیت انسان پیوند می خورد. در واقع، تضمین کننده حیات و بقای انسان و موجود زنده است (حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۳۲۷). امنیت مقوله ای مهم و حیاتی است که مفاهیم پیچیده و متنوعی دارد. تعریف امنیت و دامنه آن، از یک سو پیوندی مستقیم با ذهنیت و در، نخبگان و مردم از آسیب پذیری و تهدید دارد و از سوی دیگر، از پیش فرض های آنان در مقوله هایی مانند منافع ملی، مصالح ملی، قدرت ملی و مانند آن تأثیر می پذیرد (تاجیک، ۱۳۸۱: ۳۵). از این رو، در بررسی مفهوم امنیت، همواره باید به نسبی بودن آن توجه داشت. در واقع امنیت، تابعی از دو متغیر فرصت، و مؤلفه دیگری به نام تهدید است. دو متغیر یادشده همواره با یکدیگر محاسبه می شوند. در این میان، باید تهدیدها را زیان های امنیتی دانست؛ در حالی که فرصتها، سودمندی کشورها در روند تعامل بین المللی به

شمار می روند (متقی، ۱۳۸۳: ۹). رویکرد امنیت پایدار با تمرکز بر راهبردهای پیشگیرانه (و نه انفعالی) بر شناسایی نیروهای اصلی ناامنی و تعارض تاکید می کند. اساس رویکرد امنیت پایدار این است که نمی توان همه پیامدهای ناامنی را کنترل کرد، اما باید علل ناامنی را از میان برداشت؛ به عبارت دیگر، مبارزه با عوارض بیماری مؤثر نیست و به جای آن باید خود مرض را درمان کرد. در حالی که رویکردهای جاری به امنیت، عمدتاً هنوز «الگوی کنترلی» دارند؛ رویکردی که بر این باور تأکید دارد که ناامنی را می توان از طریق نیروی نظامی یا ممانعت کنترل کرد (رحمانی فضلی و سعیدی، ۱۳۹۴: ۲۲).

نابرابری های منطقه ای، به ویژه بین مناطق مرکزی و پیرامونی، شکاف های سیاسی را عمیق تر می کند و سبب نارضایتی ناحیه ای می شود (درایسل و بلیک، ۱۳۷۳، ۲۲۰)؛ از این رو به نظر برخی از صاحب نظران، توسعه و امنیت مکمل یکدیگرند و با یکدیگر ارتباط متقابل دارند. امنیت پایدار مرهون توسعه پایدار، و توسعه پایدار تضمین کننده امنیت ملی است. از یک سو توسعه و حرکت به سوی آن به تقویت مبانی قدرت ملی و در نتیجه امنیت ملی در کشور می انجامد و از سوی دیگر، فراهم آمدن این امنیت، یکی از بسترهای مناسب را برای توسعه ملی فراهم می کند. وجود بی عدالتیهای جغرافیایی و توسعه نامتوازن بخش های یک کشور ممکن است موجب آسیب به همبستگی و وحدت ملی، و بروز تحرکات واگرایانه به ویژه در مناطق قومی شود که این مسئله تأثیر مثبتی بر قدرت ملی ندارد؛ بنابراین، تأمین امنیت ملی کشور در گرو رفع تهدیدهای داخلی و خارجی است (احمدی پور و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۲).

۳- محیط شناسی پژوهش موقعیت ژئوپلیتیکی ایران

موقعیت جغرافیایی هر کشور از جمله عوامل قدرت جغرافیای است که بین وضع طبیعی زمین و قدرت ملی ارتباط برقرار می کند و چگونگی قرار گرفتن یک کشور بر روی کره زمین را به ما نشان می دهد، این موقعیت به موقعیت ریاضی و موقعیت نسبی تقسیم می شود. موقعیت عمومی یا نسبی نیز که در مقیاس های قاره ای و جهانی و منطقه ای، به موقعیت های بری و بحری و گذرگاهی قابل تقسیم است. کشور ایران دارای سه امتیاز موقعیتی است: ۱- این کشور متصل به موقعیت بین اوراسیاست؛ ۲- به سبب دارا بودن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان از موقعیت بحری برخوردار است؛ ۳- به لحاظ در اختیار داشتن تنگه استراتژیک هرمز، دارای موقعیت گذرگاهی است. تجربه نشان داده است، کشورهایی که مجاور آب های آزاد و دریاهای آزاد می باشند بهتر می توانند استقلال سیاسی اقتصادی خود را حفظ کنند، اگرچه از نظر نظامی همین دریاها می توانند به عنوان مناطق تهدید و حضور بیگانه باشند (رزم آرا، ۱۳۲۰، ص ۱۰).

موقعیت جغرافیایی استثنایی ایران، یعنی قرار گرفتن این کشور میان پراهمیت ترین منابع انرژی جهان، خلیج فارس و دریای خزر، که کارایی ژئوپلیتیک و ژئو استراتژیک پر اهمیتی خواهد یافت و پروژه های انتقال خطوط انرژی و اتصال خطوط راه آهن و... به اجرا درآید و شبکه های جاده و راه آهن و راه های دریایی و هوایی و شبکه لوله های نفت و گاز همانند ریسمان های پولادین ژرفای ژئوپلیتیک شمالی ایران را به ژرفای ژئوپلیتیک

جنوبی آن پیوند مستحکم دهد و خلیج فارس و دریای عمان را به دریای خزر متصل سازد (مجتهدزاده، ۱۳۷۹، ص ۳۰۰).

ایران با ۱۵ کشور مستقل همجوار است. این کشور از جنوب با دولت-ملت های مستقل کویت، عربستان، بحرین، قطر، امارات عربی متحده و عمان، از شرق با پاکستان و افغانستان، از شمال با ترکمنستان، قزاقستان، روسیه، آذربایجان و ارمنستان و از غرب با ترکیه و عراق همجوار است. اما ایران در شمال با جمهوری خودمختار داغستان، نخجوان و کالمیک و در جنوب با شش امیرنشین از هفت امیرنشین تشکیل دهنده امارات عربی متحده، یعنی ابوظبی، دبی، شارجه، عجمان، ام القوین و راس الخیمه همسایه است. چنین موقعیتی فضای سرزمین ایران را در مرکز تلاقی دولت هایی قرار داده که به طور ماهوی نیازمند تعامل فضایی همه جانبه هستند (کریمی پور، ۱۳۷۹، ص ۲۴).

بندر چابهار

شهرستان چابهار با مساحتی حدود ۱۷۱۵۵ کیلومتر مربع در منتهی الیه جنوب شرقی ایران در کنار آب های گرم دریای عمان و اقیانوس هند قرار گرفته است. این شهرستان از جانب شمال به شهرستان های ایرانشهر و نیکشهر و از جنوب به دریای عمان و از شرق به پاکستان و از غرب به استان های کرمان و هرمزگان محدود است. از مجموع سه کریدور حمل و نقل جهانی که کارشناسان سازمان ملل برای این امر پیش بینی کرده اند، دو کریدور از ایران می گذرد و چابهار نقطه عبور جنوبی ترین کریدور شرقی-غربی جهان خواهد بود. چابهار، در طرح توسعه محور شرق، محور ترانزیتی

شرق نامیده می شود. این کریدور از «دروازه ابریشم» در چین آغاز می شود و قلب اقتصاد این کشور یعنی استان کانتون را تغذیه کرده و به سرزمین آسیای جنوب شرقی می پیوندد و پس از طی این مسیر وارد هندوستان شده و با پوشش مهمترین شهرهای این ناحیه مانند کلکته، ناکپور، جاییپور، حصیر آباد، کراچی و بن قاسم به چابهار می رسد. بندر چابهار آسان ترین و راهبردی ترین راه دسترسی به آبهای آزاد برای شش کشور محاط در خشکی در آسیای مرکزی است.

این منطقه به وسیله شبکه حمل و نقل زمینی و هوایی از شمال به کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان، از شرق به پاکستان و از جنوب به اقیانوس هند اتصال می یابد. دسترسی مستقیم به آبهای آزاد و قرار داشتن در خارج از خلیج فارس و همین طور عدم آسیب پذیری در مواقع بروز بحران، موقعیت استراتژیکی خاص از دیگر ویژگیهای چابهار است (زرقانی و احمدی، ۱۳۹۵: ۴).

بندر چابهار به دلیل موقعیت راهبردی که نزدیک ترین راه دسترسی کشورهای محصور در خشکی آسیای میانه افغانستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان) به آب های آزاد است از اهمیت فراوانی برخوردار است و سازندگی و سرمایه گذاری فراوانی در آن صورت می گیرد؛ از جمله ساخت اسکله و افزایش گنجایش بارگیری کشتی های اقیانوس پیما و ساخت راه آهن به سوی آسیای میانه و احداث فرودگاه بین المللی. این بندر یکی از مهم ترین چهار راه های کریدور شمال - جنوب و شرق - غرب بازرگانی جهانی است. منطقه آزاد تجاری صنعتی چابهار یکی از مناطق آزاد ایران است

که به دلیل قرار گرفتن در دهانه‌ی اقیانوس هند و آب‌های آزاد به عنوان کریدور شمال جنوب مطرح بوده و می‌تواند بسیاری از کشورهای محصور در خشکی را به تجارت بین‌المللی به ویژه ترانزیت متصل نماید. چابهار در سال ۱۳۷۰ در راستای برنامه اول توسعه اقتصادی و اجتماعی و به پیشنهاد شورای عالی معماری و شهرسازی، منطقه آزاد اعلام شد. سرمایه‌گذاران مختلفی از کشورهای آلمان، هلند، فرانسه، کره، ژاپن، تایوان، چین، ایتالیا، مالزی، سنگاپور، روسیه، هند، پاکستان و چندین کشور عربی حاشیه خلیج فارس برای سرمایه‌گذاری به این منطقه آمده و بررسی‌های لازم را برای حضور خویش انجام داده‌اند (لطفی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۱۹)

نقشه ۱- موقعیت استراتژیک بندر چابهار.



منبع: وب‌سایت منطقه آزاد چابهار

اتحادیه اقتصادی اوراسیا

اتحادیه اقتصادی اوراسیا فعالیت خود را رسماً از ابتدای ژانویه سال ۲۰۱۵ آغاز کرد. ریشه نظری تکوین اتحادیه اقتصادی اوراسیا را بایستی در پیشنهاد نور سلطان نظر بایف، رئیس‌جمهور قزاقستان در سال ۱۹۹۴ در خصوص تکوین بلوک تجاری منطقهای جستجو کرد. پس از طرح این پیشنهاد، در سال

۲۰۰۰ بلاروس، قزاقستان، روسیه، قرقیزستان و تاجیکستان جامعه اقتصادی اوراسیا را با هدف ایجاد بازار مشترک برای کشورهای عضو به وجود آوردند که ازبکستان نیز در سال ۲۰۰۶ به آن پیوست. در سال ۲۰۰۷، روسیه، قزاقستان و بلاروس درباره ایجاد یک اتحادیه گمرکی میان خود به توافق رسیدند. در سال ۲۰۰۹، ابتدا توافقاتی میان مسکو، آستانه و مینسک در خصوص ایجاد تعرفه گمرکی مشترک (ایجاد کد مشترک به جای قوانین داخلی (صورت پذیرفت و در نهایت، توافقات مذکور به امضای رؤسای جمهوری سه کشور رسید و بدین ترتیب، اتحادیه گمرکی در سال ۲۰۱۰ میان این سه کشور شروع به فعالیت کرد. اتحادیه اقتصادی اوراسیا از ادغام اتحادیه گمرکی منطقه اوراسیا و نیز جامعه اقتصادی اوراسیا و به منظور مدرن سازی همه جانبه، همکاری و بهبود رقابت پذیری اقتصادهای ملی و ایجاد شرایط توسعه پایدار برای بهبود شرایط زندگی جمعیت کشورهای عضو ایجاد گردید (<http://www.eurasiancommission.org>).

اهداف و اولویتهای اتحادیه گمرکی شامل حذف تعرفه های گمرکی داخلی کشورهای عضو، ایجاد تعرفه خارجی مشترک و یک بازار واحد گسترده میان روسیه، قزاقستان و بلاروس اعلام شد. ایده تأسیس فضای واحد اقتصادی موجب شد رؤسای جمهور روسیه، بلاروس، قزاقستان توافقینامه ایجاد اتحادیه اقتصادی اوراسیا را در سال ۲۰۱۴ امضاء کنند که در اول ژانویه سال ۲۰۱۵ اجرایی شود. هدف این اتحادیه، ایجاد فضای واحد اقتصادی، توسعه بازار مشترک و دستیابی به حرکت آزاد کالا، سرمایه، خدمات و مردم در بازار واحد کشورهای عضو، کاهش قیمت کالاها با

کاهش هزینه‌های حمل و نقل مواد خام، ترویج رقابت سالم در بازار مشترک، سیاستهای مشترک در کشاورزی، انرژی، فناوری و حمل و نقل اعلام شده است.

ارمنستان در ۲ ژانویه ۲۰۱۵ و قرقیزستان در ۶ اوت ۲۰۱۵ به عضویت کامل اتحادیه اقتصادی اوراسیا درآمدند.

در حال حاضر، اعضای این اتحادیه روسیه، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و ارمنستان هستند که عضو اتحادیه

گمرکی اوراسیا نیز هستند. تاجیکستان، گرجستان، ازبکستان، مولداوی، اوکراین، پاکستان، ترکیه، ایران، چین

و ویتنام نیز از دیگر گزینه‌های احتمالی عضویت در این اتحادیه اوراسیا هستند.

نقشه ۲- موقعیت کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا



منبع خبرگزاری جمهوری اسلامی (irna.ir)

۳- یافته ها

پژوهش حاضر چون بر روابط اقتصادی ایران و کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا تاکید دارد و از منظر ژئواکونومیک توسعه و امنیت را بررسی می کند ابتدا به طور خلاصه به بررسی تبدلات تجاری ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا می پردازیم سپس مزایا و محاسن بندر چابهار را بررسی می کنیم. بر اساس آمارهای گمرک ج.ا. اسلامی ایران و محاسبات صورت گرفته حجم تجارت کشورمان بامجموع پنج کشور عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا طی ۵ ماهه اول سال ۱۳۹۹، ۲۷۹۱،۸ میلیون دلار بوده است که نسبت به مدت مشابه سال قبل (۲۶۳۵،۱ میلیون دلار) رشد ۶ درصدی داشته است.

جدول شماره ۱- حجم تجارت ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا

صادرات/واردات	طی بازه زمانی ۵ آبان ۱۳۹۷ تا ۳۱ مرداد ۱۳۹۸	طی بازه زمانی ۵ آبان ۱۳۹۸ تا ۳۱ مرداد ۱۳۹۹	رشد (درصد)
صادرات ایران به اوراسیا	۶۷۹/۸	۸۲۳/۹	۲۱
واردات ایران از اوراسیا	۱۹۵۵/۳۶	۱۹۶۷/۹	۱
حجم تجارت	۲۶۳۵/۱۵	۲۷۹۱/۸	۶

منبع: گزارش سازمان توسعه تجارت ایران

بر اساس آمارهای گمرک ج.ا. اسلامی ایران و محاسبات صورت گرفته در این تحلیل آماری، کل واردات ایران از مجموع پنج کشور عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا طی بازه زمانی ۵ آبان ۱۳۹۸ تا ۳۱ مرداد سال ۱۳۹۹، ۱۹۶۷،۸۸ میلیون دلار بوده است که از این میزان بیشترین واردات با رقمی معادل ۱۶۱۱،۸۸ میلیون دلار از کشور قرقیزستان انجام شده است. همچنین مقایسه میزان کل واردات کشورمان از اوراسیا طی ۵ ماهه اول سال جاری نسبت به دوره مشابه سال قبل (۱۹۵۵،۳۶) رشد ناچیز یک درصدی را نشان می دهد. میزان کل صادرات ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا از ۵ آبان ۱۳۹۸ تا ۳۱ مرداد ماه سال جاری، ۸۲۳،۹۱ میلیون دلار بوده است که نسبت به دوره مشابه سال قبل (۶۷۹،۹۷ میلیون دلار) رشد ۲۱ درصدی را نشان می دهد. بیشترین میزان صادرات به ۵ کشور عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا طی دوره مورد بررسی و مدت مشابه آن به کشور روسیه و کمترین میزان صادرات به کشور بلاروس

انجام شده است (گزارش سازمان توسعه تجارت ایران). با توجه به آمار برآورد شده از مبادلات تجاری ایران و کشورهای اوراسیا نشان میدهد صادرات و واردات کالا یکی از عوامل مهم نزدیکی ژئواکونومیک و ژئوپلیتیکی کشورهای منطقه اوراسیا و ایران است.

همچنین می توان به مبادلات تجاری کشورهای اتحادیه اوراسیا با شرق آسیا و کشورهای حوزه خلیج فارس نیز اشاره کرد که از ایران به عنوان پل تجاری در این خصوص استفاده می شود. در همین جهت بندر چابهار با مزایا و محاسنی که دارد می تواند بخوبی نقش راهبردی برای اتصال ایران به کشورهای اوراسیا باشد. در ذیل به چند نمونه از این مزایا را اشاره می کنیم.

۱- ارزیابی منابع و ظرفیت های منطقه آزاد چابهار؛

- موقعیت جغرافیایی راهبردی سواحل مکران در خارج از محدوده پرترافیک و پرتنش خلیج فارس و تنگه هرمز (این موقعیت، آن را کمتر در معرض تنش های منطقه ای و بین المللی خلیج فارس قرار می دهد؛ بنابراین، با آرامش ناشی از آن، موقعیت خود را به نحو اساسی سامان می بخشد)
- وجود پایگاه های هوایی و دریایی، همچنین پدافند هوایی ارتش در منطقه
- داشتن موقعیت لازم برای توسعه راهبردهای دریایی
- مستعدبودن منطقه برای سرمایه گذاری در بهره برداری و توسعه صنایع وابسته به کشتی سازی و علوم دریایی
- نزدیکی به مراکز تولید و مصرف انرژی

- اجماع نظر مسئولان کشور درباره توسعه محور شرق و جنوب شرق
 - تردد کشتی های حامل نفت و فرآورده های وابسته
 - افزایش سرمایه گذاری ها در بخش های اقتصاد و انرژی
 - حضور اقتصادی هند
- ۲- بررسی فرصت ها و نقاط قوت در نواحی ساحلی دریای مکران با رویکرد توسعه و امنیت پایدار منطقه چابهار
- قابلیت جذب گردشگر داخلی و خارجی و رونق صنعت گردشگری به دلیل شرایط خاص زیست محیطی، وجود ظرفیت در بسیاری از زمینه ها و مستعدبودن منطقه از نظر توسعه سرمایه گذاری و برنامه ریزی در زمینه گردشگری و فعالیت های گردشگری (طبیعی، انسانی، تاریخی، ورزشی، پزشکی و ...)
 - وجود منطقه آزاد تجاری صنعتی چابهار در این ناحیه با امکانات و مزیت های قانونی؛ سرمایه گذاری برای اتباع ایرانی و خارجی شامل معافیت از درآمد و دارایی؛ اعمال نکردن مقررات گمرکی و تجارت خارجی در منطقه آزاد، امکان خروج اصل و سود حاصل از به کارگیری سرمایه.
 - موقعیت جغرافیایی راهبردی سواحل مکران در خارج از محدوده پرترافیک و پرتنش خلیج فارس و تنگه هرمز.
 - کوتاه ترین، بهصرفه ترین و کم هزینه ترین راه ترانزیتی به آب های آزاد بین المللی برای تأمین نیازها و ترانزیت کالا به کل کشورهای

- آسیای میانه (افغانستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان) و برعکس.
- پیوندهای فرهنگی اجتماعی و مذهبی با مردم کشورهای منطقه.
 - دسترسی به پهنه عملیاتی بزرگ اقیانوس هند و قابلیت نظارت و کنترل خطوط تجارت دریایی در این حوزه؛ مرکز ثقل و تکیه گاه جمهوری اسلامی ایران از نظر ژئواستراتژیک در جناح شرقی.
 - داشتن موقعیت ارتباطی و واقع شدن در مسیر کریدور ارتباطی و ترانزیتی جنوب به شمال.
 - دسترسی به حوزه های پراهمیتی مانند خلیج فارس، شبه قاره هند، آسیای مرکزی، جنوب شرق آسیا، تنگه باب المندب، دریای سرخ و شرق آفریقا.
- ۳- بررسی چالش و نقاط ضعف در نواحی ساحلی دریای مکران با رویکرد توسعه و امنیت پایدار منطقه چابهار و ایران؛
- تحریمها و کارشکنیهای آمریکا تاکنون و روابط چند جانبه هند با ایالات متحده آمریکا و تأکید آمریکا بر تضعیف نقش ایران، به ویژه در دوره تحریم و حتی منع کشورها از هرگونه روابط تجاری و اقتصادی با ایران و تحریم بانک مرکزی ایران و نیز سیاستهای پرابهام و برخی مصوبات ضد ایرانی دولت ترامپ کنگره آمریکا باعث دلسرد شدن شرکای ایران به خصوص هندوستان در کریدور شمال - جنوب گردیده است.

- ضعف زیرساخت‌های ارتباطی از جمله فرسودگی شبکه راه‌های کشور به خصوص شبکه ریلی و جاده‌ای که با وجود نوسازی این شبکه‌ها هنوز زیرساخت مناسب و در سطح استانداردهای بین‌المللی برای ترانزیت کالا در کریدور شمال - جنوب در کشور مناسب نیست و بازسازی آنها برای توسعه حمل و نقل منطقه‌ای و بهره‌گیری بهینه از بندر چابهار ضروری و الزامی است. این در حالیست که بزرگراه در حال ساخت گوادر- سین کیانگ توسط چین به دلیل ظرفیت‌های بالا می‌تواند جذابیت بیشتری برای کشورها و تجار داشته باشد و از این حیث عدم توسعه و نوسازی به هنگام زیرساخت‌های ضروری و منطقه‌ای این بندر در بلندمدت می‌تواند فرصت‌های بهره‌برداری شایسته از چنین پروژه راهبردی را به شدت کاهش دهد.
- همچنین از جمله چالش‌های غیرمستقیم طرح توسعه منطقه‌ای و بندر چابهار برخی ناامنی‌های مقطعی می‌باشد که توسط برخی گروه‌های تروریستی شکل می‌گیرد. وجود برخی جریان‌های رادیکال قومی- مذهبی در مرزهای بلوچستان ایران امنیت این منطقه و چابهار را با خطر مواجه کرده است به طوری که بارها شاهد اقدامات تروریستی و ضد امنیتی این گروه‌ها بوده‌ایم.
- حضور نظامی آمریکا در منطقه
- حضور و سرمایه گذاری چین در بندر گوادر پاکستان
- شرایط اقلیمی نسبتاً چیره و سخت
- گسترش و نفوذ جریان های ارتجاعی و تروریستی در منطقه

- توسعه نیافتگی سطوح فضایی داخلی
 - توسعه نیافتگی سطوح فضایی بیرونی و کشورهای همسایه
 - حضور جریان ارتجاع عربی و محور عربی آمریکایی
- ۴- بررسی ابعاد رقابتی نواحی ساحلی مکران در مقایسه با سایر قسمت‌های منطقه؛

سه منطقه شهرهای بندری کراچی (مرکز ایالت سند پاکستان)، گوادر پاکستان، فجیره و دبی امارات به عنوان رقبای اصلی در منطقه ساحلی مکران (چابهار، کنار، و جاسک) شناسایی شده اند، که از نظر آمایش سرزمینی و توسعه منطقه ای، بندر کراچی بزرگ ترین رقیب در منطقه است و بندر گوادر، فجیره و دبی به ترتیب رقبای بعدی به شمار می روند در این راستا به دلیل سرمایه گذاری های چین در بندر گوادر که یکی از رقبای بندر چابهار محسوب می شود به اختصار راجع به آن شرح می دهیم:

بندر گوادر

بندر گوادر جنوبی ترین بخش ایالت بلوچستان پاکستان است که در نزدیکی مرزهای ایران قرار دارد فاصله ی این بندر تا بندر کراچی مرکز ایالت سندپاکستان ۸۰۰ کیلومتر و با شهر چابهار ایران ۱۷۰ کیلومتر است. بندر گوادر بعد از سال ۲۰۰۰ مورد توجه جدی پاکستان قرار گرفت و طی دوره ی گذشته توافقنامه هایی با چین در خصوص تجهیز و توسعه آن اجرایی شد. پس از یک دهه در تاریخ ۱۳۹۴/۱/۳۱ طی سفر شیجین پینگ رییس جمهور چین به پاکستان اهمیت فوق العاده استراتژیکی داشت. در این سفر، رییس جمهور چین اعلام آمادگی سرمایه گذاری ۴۶ میلیارد دلاری چین در

پاکستان به ویژه در بندر گوادر و در اختیار گرفتن مدیریت ۴۰ ساله‌ی این منطقه راهبردی را نمود (افتاده، ۱۳۹۴:۱). مهم ترین برنامه های اقتصادی این کریدور تجاری-اقتصادی تأمین منابع انرژی است. طبق این پروژه تجاری در بخش های مختلف چون انرژی ۷۹،۳۳ میلیارد دلار، جاده سازی ۹، ۵ میلیارد دلار، خط ریلی ۶۹،۳ میلیارد دلار، حمل و نقل انبوه در لاهور ۶،۱ میلیارد دلار، در بندر گوادر ۶۶ میلیون دلار و دربخش فیبر نوری ۴ میلیون دلار سرمایه گذاری خواهدشد (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۴:۱) با این وصف کشتی های غول پیکر نفتکش و باری چین برای دسترسی به کشورهای نفت خیز حوزه‌ی خلیج فارس و حتی برای دسترسی به بازارهای مصرف کالاهای متنوع چینی در حاشیه خلیج فارس و خاورمیانه - اروپا و آفریقا دیگر مجبور نخواهند بود مسیر ۱۳ هزار کیلومتری آب های اقیانوس هند را تا بندر شانگهای طی کنند و با اجرای طرح یادشده، این مسیر با کاهش ۱۰ هزار کیلومتری، تنها به حدود ۳ هزار کیلومتر خواهدرسید (روزنامه مردم، ۱۳۹۴:۱). ژانک بوژونگ رئیس شرکت چینی که مسؤولیت اجرای طرح توسعه‌ی بندر گوادر پاکستان را بر عهده دارد، اعلام کرده که بندر گوادر با ظرفیت جابجایی حدود یک میلیون تن کالا پیش از فرارسیدن سال ۲۰۱۷ با تمام ظرفیت فعالیت خواهد کرد و در حال حاضر حجم تجارتی که هم اکنون از طریق بندر گوادر انجام می شود بسیار ناچیز و نزدیک به صفر بوده و امیدوار است یک جهش بزرگ اتفاق بیفتد تا بندر گوادر به عنوان یک مرکزو قطب تجارت منطقه ای تبدیل شود (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۵:۱). پس از مشخص شدن موضوع سرمایه گذاری هند در چابهار، لی کچیانگ نخست وزیر چین گفت که کشورش هیچ

تضادی در توسعه بندر چابهار ایران با طرح های چین در پاکستان و توسعه بندر گوادر نمی بیند و معتقد است که این طرح ها در نهایت به توسعه اقتصادی کل منطقه منجر خواهد شد (ایرنا، ۱۳۹۵: ۱).

شکل ۳- موقعیت بندر چابهار در اتصال ایران و کشورهای اتحادیه اوراسیا.



منبع: وب سایت <https://reconnectingasia.csis.org/map/>

۴- نتیجه گیری

عامل اولیه در مهیا شدن امنیت پایدار در یک منطقه که خود عامل حساس و اساسی در پیشرفت و توسعه اقتصادی است نابرابری های منطقه ای است که از دو عامل نشأت می گیرد: عامل اول، شرایط طبیعی هر منطقه جغرافیایی، عامل دوم، تصمیمات سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی است که با وجود فناوری های نوین از اهمیت عامل اول کاسته شده و بر اهمیت عامل دوم افزوده شده است.

در نتیجه برای بهره بردن از منابع و قابلیت های منطقه و غلبه برچالش ها و ضعف های موجود در منطقه در راستای توسعه اقتصادی، گام اول ایجاد امنیت پایدار در منطقه است که خود مستلزم تصمیمات صحیح سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی است. تصمیمات صحیح سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی مبنایی است در راستای پیشگیری از نابرابری های منطقه ای که در واقع گام اول در ایجاد توسعه و امنیت پایدار می باشد.

با بررسی و تحلیل منطقه آزاد چابهار و به طبع آن بندر چابهار و همچنین مبدلات تجاری ایران و کشورهای آسیای مرکزی، افغانستان و اتحادیه اقتصادی اوراسیا و نیز با در نظر گرفتن عناصر و مولفه های توسعه و امنیت از منظر ژئواکونومی و ژئوپلیتیک آنچه به نظر می رسد فرضیه پژوهش یعنی توسعه بندر چابهار می تواند توسعه و امنیت را برای ایران به همراه داشته باشد به تایید می رسد. آزانجا که وقتی کشورها برای مناسبات اقتصادی پیشبینی هر گونه ضرر و زیان را با توجه به مولفه های امنیتی می کنند با

قرار گرفتن بندر چابهار در مسیر کریدور شمال - جنوب می تواند امنیت ایران را نیز فراهم کند همچنین با تبدلات تجاری امکان توسعه نیز فراهم می شود. بر مبنای همین ادله در مقاله حاضر به طور کلی و مختصر به بررسی منابع و قابلیت های منطقه، فرصت ها و قابلیت ها، تهدیدات و چالش ها، و حضور سایر رقبا پرداخته شد و در راستای محقق شدن توسعه و امنیت پایدار در منطقه، پیشنهاداتی نیز ارائه می شود.

- توسعه و نوسازی زیرساخت های داخلی کشور به خصوص زیرساخت های ارتباطی مانند شبکه های ریلی و جاده ای؛
- توسعه و تقویت زیرساخت های دفاعی و امنیتی در راستای حفظ تمامیت ارضی و امنیت پایدار منطقه؛
- فرهنگ سازی موثر با تاکید بر هویت ملی با استفاده از ظرفیت های آموزشی و فرهنگی در راستای پیشگیری از واگرایی قومی و مذهبی در منطقه؛
- عامل موثر با کشورهای همسایه و احترام به تنوع مذهبی و فرهنگی در راستای افزایش همکاری های اقتصادی، توسعه و امنیت پایدار در منطقه؛
- سازمان دهی شبکه سکونتگاهی بین مراکز استان، شهرها و روستاهای منطقه؛ توجه خاص به مدیریت صحیح منابع آب در منطقه در راستای رونق کشاورزی صحیح در منطقه؛
- تقویت همگرایی، هویت و یکپارچگی ملی با تاکید بر اشتراکات فرهنگی و مذهبی در راستای توسعه و امنیت پایدار در منطقه؛

- توسعه و سرمایه گذاری های دولتی و خصوصی در بخش صنعت با مهیا کردن بسترهای مناسب و فرصتهای برابر در راستای رشد و توسعه درون زا برای رسیدن به تعادل منطقه‌ای
- اختصاص ردیف بودجه از منابع اعتباری دولتی و غیردولتی برای ارتقای شاخص های توسعه یافتگی منطقه؛
- توسعه نواحی حاشیه ای مرزها، به خصوص توسعه اقتصادی در این نواحی در راستای حفظ و پایداری امنیت در منطقه؛
- مهیا کردن زیرساخت‌ها و بسترهای مناسب در راستای رونق گردشگری در منطقه؛
- توجه خاص به مدیریت صحیح منابع آب در راستای رونق کشاورزی صحیح در منطقه؛
- تعیین نقش ملی و فراملی برای استان به اقتصاد دریامحور؛
- مهیا کردن بسترهای مناسب در راستای ایفای نقش موثر کشور در حوزه ترانزیت بین الملل؛

منابع

- ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۸۹)، «امنیت و توسعه در مرزهای جنوب خاوری ایران و برنامه ریزی راهبردی برای آن»، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، سال بیست و چهارم، شماره ۹ و ۱۰، صص ۱۳۶-۱۴۹.
- احمدی پور، زهرا، حیدری موصل، طهمورث و اکبر میرجلالی (۱۳۹۰)، «تبیین عوامل نامنی در جنوب شرق ایران»، فصلنامه مطالعات اجتماعی، شماره ۲۷، صص ۱۳-۱۴.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۷)، جامعه شناسی توسعه، انتشارات کیهان، تهران.
- اطاعت، جواد و سیده زهرا موسوی (۱۳۹۰)، «رابطه متقابل امنیت ناحیه ای و توسعه یافتگی فضاهای سیاسی با تأکید بر سیستان و بلوچستان»، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره هفتم، شماره ۱، صص ۷۰-۸۷.
- افتاده، علی اصغر (۱۳۹۴). خواب ایرانی چابهار- بیداری چینی گوادر پاکستان، تهران: خبرگزاری جمهوری اسلامی، تلکس ویژه، مورخه ۱۳۹۴/۲/۲.
- ایرنا (۱۳۹۵). حمایت تمام قد چین از موافقت نامه چابهار، مورخه ۹۵/۳/۱۳ شماره ۴۸۵.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱)، مقدمه ای بر استراتژی های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: رهیافت ها و راهبردها، جلد اول، انتشارات فرهن گفتمان، تهران.
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۷۹) «ژئوپلیتیک ایران در جهان پس از جنگ سرد» مجموعه مقالات همایش جغرافیا و کاربرد ملی. تهران: دانشگاه امام حسین.
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۱) جغرافیای سیاسی ایران، چاپ اول، تهران: سمت.
- حافظ نیا، محمدرضا و ابراهیم رومینا (۱۳۸۴)، «تحلیل ظرفیت های ژئوپلیتیک سواحل جنوب شرق ایران در راستای منافع ملی»، جغرافیا و توسعه، دوره سوم، شماره ۶، صص ۵-۲۰.

- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۴)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات پاپلی، مشهد.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۴). سخنرانی دکتر محمدرضا حافظ نیا، تهران. گزارش روابط عمومی پژوهشگاه شاخص پژوه ۱۳۹۴/۹/۲۲.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۳۹۵). تلکس ویژه، بندر گوادر پاکستان تا پایان امسال با تمام ظرفیت شروع به فعالیت میکند، مورخه ۹۵/۱/۲۴ .
www.irna.ir
- خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۳۹۵). تلکس ویژه، به نقل از رسان ههای چین، مورخه ۱۳۹۵/۵/۱ www.irna.ir.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۳۹۵). چابهار دروازه هند به آسیای میانه، مورخه ۱۳۹۶/۱۰/۲۲ www.irna.ir.
- خبرگزاری مهر (۱۳۹۴). سرمایه گذاری ۴۵ میلیارد دلاری چین در کریدور کاشغر- گوادر، به نقل از داون نیوز. مورخه ۹۴/۸/۱۱.
- حشمتی جدید، مهدی، بشارتی، محمدرضا و غلامرضا زارعی (۱۳۹۳)، ملاحظات دفاعی- امنیتی آمایش سرزمین در کشور (مطالعه موردی: جنوب شرق کشور) مدیریت و پژوهش های دفاعی، سال سیزدهم، شماره ۷۵، صص ۱۰۹-۱۲۹.
- خلیلی، مرسن، مرتضی منشادی و فهیمه آزموده (۱۳۹۰) «بایستگی های ژئواکونومیک توسعه منطقه جنوب شرق ایران» روابط خارجی، سال سوم، شماره ۴.
- درایسدل، آلسدایر و جرالده، اچ. بلیک، (۱۳۷۳) جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
- زرقانی، سید هادی و ابراهیم احمدی. (۱۳۹۵). تحلیل نقش و جایگاه بندر چابهار در وابستگی های ژئوپلیتیکی هند. اولین همایش جغرافیا و برنامه ریزی مناطق مرزی ایران، دانشگاه سیستان و بلوچستان

- زیاری، کرامت الله (۱۳۷۸)، اصول و روش های برنامه ریزی منطق های، انتشارات دانشگاه یزد، یزد.
- روزنامه مردم (۱۳۹۴). چین به عنوان دومین اقتصادبزرگ جهان از امروز این بندر را به اجاره خود در آورده است، چاپ پاکستان. مورخه ۹۴/۸/۲۰.
- رحمانی فضلی، عبدالرضا و عباس سعیدی (۱۳۹۴)، پیوستگی توسعه و امنیت مناطق مرزی جستاری در مفهوم شناسی، جغرافیا، دوره سیزدهم، شماره ۴۷، صص ۷-۳۳.
- عزتی، عزت الله (۱۳۸۰)، ژئوپلیتیک، انتشارات سمت، تهران.
- عزتی، عزت الله (۱۳۸۷)، ژئواستراتژی در قرن بیست و یکم، انتشارات سمت، تهران
- کریمی پور، یدالله (۱۳۷۹)، مقدمه ای بر ایران و همسایگان (منابع و تهدید)، تهران. انتشارات دانشگاه تربیت معلم.
- کمپ جفری وهارکاو، رابرت (۱۳۸۳)، «جغرافیای استراتژیک خاورمیانه» جلد دوم، ترجمه سید مهدی حسینی.
- گزارش سازمان توسعه تجارت ایران، ۱۳۹۹-۱۳۹۸
- لاکوست، ایووژیبلن، یثتریس (۱۳۷۸)، عوامل و اندیشه ها در ژئوپلیتیک، ترجمه، علی فراستی، تهران: نشر آمن.
- لطفی، حیدر و همکاران. (۱۳۹۶). نقش و تاثیر مناطق آزاد در اقتصاد ایران با تاکید بر منطقه آزاد چابهار به منظور ارائه مدلی فرا منطقه ای برای اقتصاد و سیاست خارجی ایران. فصلنامه علمی- پژوهشی جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای). شماره ۳ (سال هفتم)
- لوتواک ادوارد (۱۹۹۰)، از ژئوپلیتیک تا ژئواکونومی، ترجمه: محمدرضا حافظ نیا و هاشم نصیری، تهران. دفتر مطالعات سیاسی بین المللی.

- متقی، ابراهیم (۱۳۸۳)، «تهدیدات امنیت ملی در دوران عملیات پیش دستی کننده»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی کرج، پیش شماره ۲.
- محمدحسینی، مسعود و عباس علیپور (۱۳۹۱)، «سنجش تهدیدهای امنیتی در جنوب شرق کشور (با تأکید بر امنیت مرز)» مجله سیاست دفاعی، سال بیستم، شماره ۷۸، صص ۱۶۳-۱۹۵.
- میرحیدر دره، (۱۳۷۱) اصول و مبانی جغرافیای سیاسی، چاپ اول. تهران، سمت.
- مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۹۰. جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، چاپ چهارم، تهران، سمت.
- واثق، محمود، صفوی، سید یحیی و سید سلمان حسینی (۱۳۹۵)، «رهیافت هم تکمیلی، مبانی و کارکردهای آن با تأکید بر منطقه جنوب شرق ایران»، سال دوازدهم، شماره ۱، صص ۲۴-۵۹.
- وب سایت اخبار تجاری ساخت و ساز در خاورمیانه
- Construction Business News Middle East.
www.cbnme.com
- www.cfzo.ir - وب سایت منطقه آزاد چابهار
- "About the Eurasian Economic Commission", 2016, available:
<http://www.eurasiancommission.org/en/Pages/ses.aspx>

بررسی عوامل اقتصادی تاثیرگذار بر همگرایی منطقه‌ای اتحادیه اوراسیا

سیروس احمدی؛ ریحانه صالح آبادی^۲

^۱ - استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

^۲ - دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

در هزاره سوم ما شاهد کاهش نقش قدرت نظامی در روابط بین الملل و به تبع آن پررنگ تر شدن قدرت اقتصادی با تمامی ابعاد و جنبه‌های آن می‌باشیم. اقتصاد به عنوان موتور محرک برای رشد و توسعه یک کشور محسوب می‌گردد. بنابراین از سویی دیگر همگرایی اقتصادی در قالب اتحادیه‌های مختلف می‌تواند سبب توسعه بیشتر این بعد از قدرت گردد. در این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی در صدد تبیین عوامل اقتصادی تاثیرگذار بر همگرایی اتحادیه اوراسیا هستیم. سپس با مراجعه به نظرات ۸ خبره در حوزه علوم اقتصادی و ژئوپلیتیک با استفاده از تکنیک دیمتل به بررسی میزان تاثیرگذاری و تاثیرپذیری هر یک از عوامل موثر بر همگرایی می‌پردازیم. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد متغیرهایی مانند توسعه صنعتی (۱۲,۸۹۹)، سطح درآمد و توزیع درآمد (۱۱,۸۷۹۶)، الگوی تجارت خارجی کشورها (۱۱,۸۴۳۸)، همکاری گمرکی (۱۱,۵۷۷۶)، امکانات زیرساختی (۱۱,۵۲۰۳) و ... در منطقه نشان دهنده تعامل بالا و ارتباط سیستمی قوی با سایر متغیرها هستند. از سویی دیگر همانگونه که ملاحظه می‌گردد بردار عمودی (J - R) قدرت تاثیرگذاری هر عامل را نشان می‌دهد. متغیرهای الگوی تجارت خارجی کشورها، همکاری گمرکی، رفع و یکسان سازی موانع غیر تعرفه‌ای، سرمایه گذاری خارجی متقابل و دستیابی به منابع انرژی علت این مدل سیستمی محسوب می‌شوند. و عواملی مانند توسعه صنعتی، سطح درآمد و توزیع درآمد، امکانات زیرساختی، حذف معافیت‌ها در بازار کالا و خدمات، مقررات رقابت و ضد انحصار پذیری، سرمایه گذاری در بخش ملی و صنایع به عنوان معلول نمایش داده شده است. در نهایت به عنوان نتیجه می‌توان بیان نمود که توجه به عواملی که دارای بیشترین نقش بر همگرایی منطقه‌ای هستند به ما کمک خواهد نمود تا به تدوین قوانین و دستورالعمل‌های متناسب با شرایط موجود بپردازیم و قادر باشیم از پتانسیل‌های موجود در این زمینه بیشترین بهره برداری را نماییم.

کلمات کلیدی: اقتصاد، همگرایی، اتحادیه اوراسیا، دیمتل

مقدمه

یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها و معیارهای موجود در عصر جهانی شدن همگرایی منطقه‌ای به ویژه در بعد اقتصادی است (Beeson, 2009: 499). در واقع نظم اقتصادی جهان امروز متناقض است، بدین صورت که جهانی سازی اقتصاد جهانی را به یک عامل کل نگر تبدیل نموده است و از سویی دیگر شوک بحران‌های دهه‌های گذشته سبب شده است تا انجمن‌ها و اتحادیه‌های اقتصادی تقویت و ایجاد گردند که موجبات رشد و توسعه را برای کشورهای منطقه‌ای فراهم آورده است. با توجه به محدودیت بازارهای فروش و منابع اندک تناقضات بین مناطق و کشورها افزایش می‌یابد و برای حل و فصل نمودن این تناقضات اغلب به صورت منطقه‌ای به ایجاد اتحادیه‌های همگرا می‌پردازند (Andronova, 2016). بنابراین این واقعیت وجود دارد که توسعه و توجه به مدل‌های توسعه‌ای از اهم موارد مورد توجه کشورها در یک منطقه ژئوپلیتیکی از بعد اقتصادی است تا از این طریق بتوانند نیازهای خود را رفع نموده و توانایی رقابت اقتصادی با سایر مناطق و کشورها را نیز داشته باشند (Babanov & Zunde, 2016). در این ارتباط می‌توان بیان نمود که روند ادغام اقتصادی منطقه‌ای در فضای پس از اتحاد جماهیر شوروی و تقریباً همزمان با انحلال URSS آغاز گردید. ایجاد اتحادیه اوراسیا در فضای پس از اتحاد جماهیر شوروی به عنوان رویکردی که دارای توانایی بالایی در نهاد سازی و قانونی سازی می‌باشد مورد توجه قرار گرفت. این اتحادیه متشکل از روسیه، بلاروس، قزاقستان، ارمنستان و قرقیزستان است و از تاریخ اول ژانویه ۲۰۱۵ اجرایی شده است. در این زمینه، هاوکالا استدلال می‌کند که کل

ساختار نهادی پیشنهادی اتحادیه اقتصادی اوراسیا براساس الگوی اتحادیه اروپا ساخته شده است (Haukkala, 2013: 169). هدف اصلی این اتحادیه ادغام اقتصادی بوده است. از آنجا که ملاحظات اقتصادی نقش مهمی را در ایجاد پروژه‌های منطقه‌ای پس از شوروی ایفا می‌نماید لازم است تا به بررسی عوامل اقتصادی تاثیرگذار بر همگرایی این اتحادیه پرداخته شود. زیرا ماهیت اصلی این اتحادیه اقتصادی است و به دنبال ایجاد یک اتحادیه گمرکی، چندین بازار مشترک همراه با سیاست‌های توفیق شده و هماهنگ با سایر کشورهای منطقه است (Molchanov, 2015: 53). بنابراین سوال اصلی تحقیق بدین صورت مطرح است که عوامل اقتصادی تاثیرگذار بر همگرایی اتحادیه اقتصادی اوراسیا چه مواردی هستند؟ فرضیه تحقیق نیز بدین صورت خواهد بود که به نظر می‌رسد عواملی همچون همکاری گمرکی، الگوی تجارت خارجی کشورها، توسعه صنعتی، سطح درآمد و توزیع درآمد، امکانات زیرساختی، رفع و یکسان سازی موانع غیر تعرفه‌ای، حذف معافیت‌ها در بازار کالا و خدمات، سرمایه گذاری خارجی متقابل، سرمایه گذاری در بخش ملی و صنایع، مقررات رقابت و ضد انحصار پذیری و دستیابی به منابع انرژی در همگرایی اقتصادی اتحادیه اوراسیا تاثیرگذار هستند.

مبانی نظری

۲-۱- منطقه ژئوپلیتیکی

منطقه ژئوپلیتیکی بیان کننده شکل تکامل یافته منطقه جغرافیایی است. اگر در یک منطقه جغرافیایی عوامل همگرایی برای چندین عامل فراهم گردد می توان به منطقه ژئوپلیتیکی دست پیدا نمود. در منطقه ژئوپلیتیکی کارکردهای جغرافیایی بر سیاستگذاری های دولت ها تاثیرگذار است و سبب نقش آفرینی می گردد. اگر عناصر و مولفه های ساختاری و کارکردی موجود در یک منطقه جغرافیایی به صورت انفرادی یا اجتماعی، یا به صورت ناقص و یا کامل از منظر ابعاد سیاسی، نقش آفرین داشته باشند، منطقه جغرافیایی دچار تغییر ماهیت ساختاری و درونی شده و به صورت یک منطقه ژئوپلیتیکی نمود می یابد. این عامل زمینه شکل گیری الگوی فضایی روابط سیاسی دولت های درون منطقه ای و برون منطقه ای است و کنش و واکنش آن ها را در غالب الگوی رقابت، همکاری و نزاع ایجاد می کند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۲). در واقع در منطقه ژئوپلیتیک این نیروهای طبیعی و انسانی هستند که تحولات را رقم می زنند. منطقه ژئوپلیتیکی بستر ساز شکل گیری الگوی فضایی روابط سیاسی دولت های درون منطقه ای و برون منطقه ای است (حافظ نیا و کاویانی، ۱۳۸۳: ۷۵). منطقه ژئوپلیتیکی از پنج ویژگی به شرح زیر بر خوردار است: زیربنای جغرافیایی/ سرزمینی، موقعیت جغرافیایی، اهمیت اقتصادی، رقابت برای کنترل و نفوذ، پیشینه تاریخی (احمدی پور و قادری حاجت، ۱۳۸۹: ۵۹).

۲-۲- همگرایی منطقه‌ای

همگرایی به لحاظ مفهومی عبارتست از تقریب و نزدیک شدن افراد به سمت نقطه‌ای مشخص که معمولاً به عنوان هدف مشترک آنان شناخته می‌شود و واگرایی در برابر آن به معنی تفکیک و جدایی از همدیگر و دور شدن آنها از هدف مشترک و حرکت به سوی هدف‌های خاص است (حافظ نیا، ۱۳۸۵:۳۷۳). مفهوم همگرایی منطقه‌ای در واقعیت، اغلب همکاری نزدیک‌تر بین دولت‌های حاکم است نه به معنای انتقال حاکمیت. واژه همگرایی (ادغام) به معنی ترکیب اجزا در یک کل است؛ اما وقتی به صورت خاص به کار می‌رود معنی آن دچار ابهام می‌شود. علی‌رغم تلاش‌هایی مکرر جهت توضیح همگرایی منطقه‌ای به‌عنوان مثال: توسط لیندبرگ و اسکین گولد، متلی و والاک، تعریف مشترکی وجود ندارد و این امر مقایسه آنچه برای همگرایی آسیا، همگرایی آمریکای لاتین با آنچه در آفریقا و اروپا اتفاق می‌افتد را مشکل می‌سازد. ارنست هاس بنیانگذار نئوکارکردگرایی، همگرایی منطقه‌ای در وجه سیاسی را اینگونه تعریف می‌کند: فرآیندی که در آن بازیگران سیاسی در محیط‌های ملی متفاوت متقاعد می‌شوند وفاداری‌ها، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی خود را به مرکز جدیدی منتقل کنند، نتیجه نهایی اینکه اجتماع سیاسی جدیدی است که برفراز اجتماع قبلی قرار می‌گیرد.

۲-۳- همگرایی اقتصادی

میرکان (۱۹۹۹) استدلال می‌کند که مفهوم همگرایی و ادغام می‌تواند به سه روش مختلف قابل بررسی باشد. اولاً، ادغام و همگرایی در سطح ملی که هدف ادغام هر یک از مناطق مختلف در مرزهای یک کشور است. دوم، همگرایی و ادغام‌های اقتصادی در عرصه منطقه‌ای که هدف آنها ادغام کشورهای مختلف در یک منطقه است و در آخر همگرایی‌های جهانی که به ادغام گروه‌های مختلف منطقه‌ای برای تبدیل شدن به واحد اقتصادی و سیاسی موثر و تاثیرگذار می‌انجامد. بنابراین می‌توان بیان نمود که EAEU یک نمونه ای از ادغام اقتصادی بین‌المللی که هدف آن ادغام کشورهای مختلف در داخل یک منطقه است. به نظر می‌رسد وجود این موارد را می‌توان در مقیاس‌های گوناگونی و همچنین در مراحل مختلف اقتصادی مشاهده نمود. همگرایی‌های اقتصادی به عنوان توافقات تجاری، اتحادیه تجارت آزاد، اتحادیه گمرکی، بازار مشترک و اتحادیه اقتصادی قابل بررسی هستند. اینسکارا (۱۹۹۵) بیان می‌کند که کشورهای مایل به عضویت در یک اتحادیه هستند همگرایی را با هدف استفاده از منافع مشترک به حداکثر می‌رسانند. بدین ترتیب، موفقیت همگرایی بستگی به انتظارات کوتاه مدت و بلند مدت از کشورها یی دارد که قصد دارند تا به هدف خود برسند (Incekara, 1995). گرچه رسیدن به این اهداف نیازمند دارا بودن عوامل و شرایط و الزامات اقتصادی و سیاسی بی شماری است تا بتواند کشورها را برای رسیدن به اهداف هدایت نماید.

۲-۴- اتحادیه اوراسیا

اتحادیه اوراسیا (EAEU) سازمانی جدید و نوین محسوب می‌گردد که از سال ۲۰۱۱ به عنوان یک اتحادیه گمرکی و از سال ۲۰۱۵ به عنوان یک اتحادیه اقتصادی فعالیت خود را آغاز نموده است. علاوه بر اهداف ژئوپلیتیکی براساس یک برنامه بلند مدت اقتصادی نیز طراحی شده است. در این زمینه این اتحادیه برای کمک نمودن به کشورهای عضو خود در راستای استفاده حداکثری از روابط اقتصادی درون منطقه‌ای، مدرنیزه نمودن اقتصاد ملی و ایجاد فضای مناسب برای بهبود رقابت جهانی تاسیس شده است. بازار واحد کالاها، خدمات، سرمایه و نیروی کار برای بهبود رقابت جهانی از جمله بسترهای تشکیل دهنده این اتحادیه محسوب می‌گردد. تاسیس این اتحادیه یک موفقیت بزرگ برای اعضای آن محسوب می‌گردد زیرا آنها دو بار در این ادغام شکست خوردند. بار اول در دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰ و بار دوم نیز در سال ۲۰۰۳ بوده است. در حال حاضر این اتحادیه یک نهاد فعال است و در کنار سایر پروژه‌های ادغام منطقه‌ای با سطوح مختلف توانسته است به موفقیت بالایی دست یابد. نفتا، آسه آن و مرکوسور و همچنین شورای همکاری خلیج فارس می‌توانند به عنوان یک چارچوب مناسب برای تجزیه و تحلیل وضعیت کنونی اتحادیه اوراسیا مورد استفاده قرار گیرند (Vinokurov, 2017: 55). اتحادیه اقتصادی اوراسیا با تولید ناخالص داخلی اسمی دهمین اقتصاد بزرگ جهان و با برابری قدرت خرید پنجمین اقتصاد بزرگ است. از ابتدای قرن، کشورهای عضو رشد اقتصادی را با متوسط تولید ناخالص داخلی ۶ تا ۸ درصد رشد بین سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۷ تجربه کرده‌اند که پس از بحران مالی

۲۰۰۸-۲۰۰۷، در سال ۲۰۱۰ دوباره افزایش یافته است. از زمان تاسیس اتحادیه گمرکی اوراسیا در سال ۲۰۱۰، تجارت بین کشورهای عضو به شدت افزایش یافت. در سال ۲۰۱۱، تجارت متقابل ۶۳ میلیارد دلار بود که ۳۳,۹ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۰ بود. در سال ۲۰۱۲، تجارت متقابل ۶۸ میلیارد دلار بود و صادرات به ۵۹۴ میلیارد دلار رسید، در حالی که واردات ۳۴۱ میلیارد دلار بود. اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای دستیابی به تعدادی از اهداف اقتصاد کلان از جمله کاهش قیمت کالاها با کاهش هزینه حمل مواد اولیه، افزایش بازدهی از فن آوری‌ها و محصولات جدید به دلیل افزایش حجم بازار و ارتقاء رقابت سالم در این کشور طراحی شده است. همچنین برای کاهش قیمت مواد غذایی، افزایش اشتغال در صنایع و افزایش ظرفیت تولید طراحی شده است. اعضای EAEU مانند بلاروس و قزاقستان با سیاست اقتصادی به دنبال استفاده از EAEU به عنوان پلی بین اتحادیه اروپا و کمربند اقتصادی جاده ابریشم جدید هستند. اتحادیه اوراسیا به عنوان یک بازیگر اصلی در بخش انرژی جهان، مواد اولیه، صنعت اسلحه و تولید محصولات کشاورزی در نظر گرفته شده است. در سال ۲۰۱۳ روسیه سومین کشور موفق در جهان در جذب سرمایه از خارج از کشور بود. پتانسیل قابل توجه برای توسعه زیرساخت‌ها، کشورهای عضو و شرکای آن را به ایجاد پیوندهایی با ساخت جاده‌ها، راه آهن، شبکه‌های برق و کابل‌های فیبر نوری سوق داده است.

۳- روش تحقیق

روش تحقیق از نوع اسنادی، تحلیلی و پیمایشی می‌باشد. بر اساس موضوع اصلی پژوهش (عوامل اقتصادی تاثیرگذار بر همگرایی اتحادیه اوراسیا) ضمن مرور اتحادیه اوراسیا، داده‌های حاصل از مطالعات نظری مورد بررسی قرار گرفت و اطلاعات پایه جمع‌آوری و طبقه‌بندی شدند. جامعه آماری این تحقیق را خبرگان و اساتید آشنا با جغرافیای سیاسی، ژئوپلیتیک، ژئواستراتژی و ژئواکونومیک تشکیل می‌دهند. خبرگان به روش گلوله برفی و از میان اساتید فعال در این زمینه انتخاب شدند. در این تحقیق با توجه به مراجعه به خبرگان، حجم نمونه‌ای متشکل از ۸ الی ۱۵ نفر کفایت دارد؛ بنابراین در این تحقیق پرسشنامه مقایسات زوجی در اختیار ۸ خبره (از آنجا که در روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره از خبرگان نظر خواهی می‌شود استفاده از نظر تنها ۵ خبره مسلط به موضوع نیز بر اعتبار پژوهش می‌افزاید) قرار گرفت. با توجه به اینکه همگرایی اقتصادی اتحادیه اوراسیا دارای مولفه‌های تاثیرگذار بر یکدیگر هستند برای تعیین روابط علت و معلولی بین متغیرهای اقتصادی از تکنیک دیمتل بهره گرفته شد. تکنیک دیمتل توسط *Gabus* و *Fonetla* به سال ۱۹۷۱ ارائه شد. هدف تکنیک دیمتل شناسایی الگوی روابط علی میان یک دسته معیار است. این تکنیک شدت ارتباطات را به صورت امتیازدهی مورد بررسی قرار داده، بازخورها توأم با اهمیت آنها را تجسس نموده و روابط انتقال‌ناپذیر را می‌پذیرد. پایه روش *DEMATEL* بر اساس این فرض بنا شده که یک سیستم شامل مجموعه‌ای از معیارهای $C = \{C_1, C_2, \dots, C_n\}$ است

و مقایسه زوجی روابط میان آنها می‌تواند به وسیله معادلات ریاضی مدل شود. این تکنیک برای ساختن و تحلیل مدل‌های ساختاری مرتبط با روابط علی و معلولی پیچیده میان عوامل یک مسئله است. گام‌های تکنیک دیمتل بدین شرح است:

۱- تشکیل ماتریس ارتباط مستقیم: (M) در این گام تاثیرگذاری معیارها دو به دو بر روی هم بررسی می‌شود. زمانیکه از دیدگاه چندنفر استفاده می‌شود از میانگین حسابی نظرات استفاده می‌شود و M را تشکیل می‌دهیم. برای بررسی تاثیرگذاری معیارها بر روی هم از طیف کلامی جدول زیر استفاده می‌شود:

عدد متناظر	عبارت کلامی
۰	بدون تاثیر
۱	تاثیرگذاری خیلی کم
۲	تاثیرگذاری کم
۳	تاثیرگذاری زیاد
۴	تاثیرگذاری خیلی زیاد

۲- نرمال کردن ماتریس ارتباط مستقیم: جهت نرمال سازی از رابطه $N=k*M$ استفاده می‌شود که در این فرمول k به صورت زیر محاسبه می‌شود. ابتدا جمع تمامی سطرها و ستون‌ها محاسبه می‌شود. معکوس بزرگترین عدد سطر و ستون k را تشکیل می‌دهد.

۳- محاسبه ماتریس ارتباط کامل: ماتریس ارتباطات کل از رابطه $T=N \times (I-N)^{-1}$ محاسبه می‌شود. در این رابطه I ماتریس یکه است.

- ۴- ایجاد نمودار علی: در این بخش جمع عناصر سطر و ستون ماتریس ارتباط کامل (T) را محاسبه می کنیم و به صورت زیر تحلیل می کنیم:
- جمع عناصر هر سطر (D) برای هر عامل نشانگر میزان تاثیرگذاری آن عامل بر سایر عامل های سیستم است. (میزان تاثیر گذاری متغیرها). هر چه میزان این متغیر بیشتر باشد یعنی آن عامل تاثیر بیشتری دارد.
 - جمع عناصر ستون (R) برای هر عامل نشانگر میزان تاثیرپذیری آن عامل از سایر عامل های سیستم است. (میزان تاثیرپذیری متغیرها)
 - بنابراین بردار افقی (D + R) میزان تاثیر و تاثر عامل مورد نظر در سیستم است. به عبارت دیگر هرچه مقدار D + R عاملی بیشتر باشد، آن عامل تعامل بیشتری با سایر عوامل سیستم دارد.
 - بردار عمودی (D - R) قدرت تاثیرگذاری هر عامل را نشان می دهد. بطور کلی اگر D - R مثبت باشد، متغیر یک متغیر علت محسوب می شود و اگر منفی باشد، معلول محسوب می شود.
 - در نهایت یک دستگاه مختصات دکارتی ترسیم می شود. در این دستگاه محور طولی مقادیر D + R و محور عرضی براساس D - R می باشد. موقعیت هر عامل با نقطه ای به مختصات (D + R, D - R) در دستگاه معین می شود. به این ترتیب یک نمودار گرافیکی نیز بدست خواهد آمد.

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- منافع اقتصادی کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا

به نظر می‌رسد بلاروس دارای انگیزه‌های متفاوتی برای پیوستن به اتحادیه اوراسیا باشد. یکی از دلایل مهم این کشور دستیابی به منابع مالی مورد نیاز و همچنین انرژی ارزان از روسیه بوده است. با حذف عوارض گمرکی بلاورس قادر است تا ۳۰ تن نفت از روسیه خریداری نماید. به همین ترتیب میزان هزینه بنزین در هر ۱۰۰۰ مترمکعب از ۲۶۵ دلار در سال ۲۰۱۱ به ۱۶۵ دلار در سال ۲۰۱۲ کاهش یافته است. در مقابل برخی از کشورهای غیر عضو همچون اکراین ۴۱۴ دلار پرداخت می‌کنند. از سویی دیگر روابط اقتصادی و تجاری قزاقستان و روسیه پس از امضای توافقنامه CU در سال ۲۰۱۰ بهبود یافته است. سلطانوف و دودونوف (۲۰۱۲) ادعا کردند که قزاقستان در سال ۲۰۱۱ یک تریلیون ۱۴۲ میلیارد در مقایسه با ۷۰۰ میلیارد از حقوق گمرکی در سال ۲۰۱۰ درآمد کسب کرده است. سرمایه گذاری خارجی در سال ۲۰۱۱ به بیش از ۱۹,۸۵ میلیارد دلار افزایش یافت که به ویژه به سود صنایع تبدیلی کشور مانند ماشین سازی، صنایع برق و الکترونیک و صنایع حمل و نقل و کشاورزی بود. محققان دیگر نیز نسبت به پیوستن قزاقستان به CU ابراز خوش بینی کرده‌اند. این کشور به مدرنیزه کردن اقتصاد، صنعت و کشاورزی خود کمک کرده است و از این طریق بهبود شرایط اقتصادی را برای مردم خود به ارمغان آورده است (Mostafa, 2018: 165). ادغام‌های اقتصادی منطقه‌ای باید براساس اهداف مشترک اقتصادی کشورهایی انجام شود که دارای عملکرد مشابه در سیستم اقتصادی کنونی هستند. بنابراین

اتحادیه اوراسیا برای همگرایی اقتصادی در منطقه باید دارای شرایطی باشد که بدین صورت برشمرده می شود:

سطح درآمد و توزیع درآمد: قابل توجه ترین عامل در اقتصاد کلان بین کشورهای منطقه مرتبط با تولید ناخالص داخلی است. در دهه ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۳ تولید ناخالص داخلی کشورها به جز روسیه، قزاقستان و بلاروس کمتر از ۱۰۰۰ دلار بوده است. با این حال ارقام در طی سالها ۲۰۰۴-۲۰۱۲ نشان می دهد که تولید ناخالص داخلی برای تمامی کشورها به جز ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان بیش از ۱۰۰۰ دلار بوده است. هنوز هم تفاوت درآمد در منطقه وجود دارد.. به عنوان مثال درآمد روسیه و قزاقستان تقریباً ده برابر قرقیزستان و تاجیکستان است. از سویی دیگر وقتی کشورهای منطقه به عنوان واردکنندگان و صادرکنندگان انرژی گروه بندی می شوند می توان مشاهده نمود که کشورهای صادرکننده بالاتر از کشورهای واردکننده همچون بلاروس و ارمنستان قرار دارند. از نظر اقتصاد کلان مهم ترین بخش برای ایجاد تقاضای کل هزینه های مصرفی است که با هدف اصلی اتحادیه های اقتصادی تجارت خارجی هماهنگ است. براساس شاخص درآمد سرانه توزیع درآمد کشورهای منطقه زیر ۰,۵۰ باقی مانده است. این عامل نشان دهنده یک کارایی کلی برای توزیع درآمد است. با توجه به اینکه درآمد سرانه کشورها کم و اغلب ناهمگن است اما توزیع درآمد آنها به نظر می رسد دارای سطح کارایی بالا و هماهنگی است که معضلی برای اتحادیه محسوب نمی گردد (, Atik, ۲۰۱۴).

جدول ۱: تولید ناخالص داخلی سرانه (دلار)، تغییر درصد واقعی تولید ناخالص داخلی سالانه، شاخص GINI

۲۰۱۲-۲۰۰۴			۲۰۰۲-۱۹۹۴			کشور
GNI	GDP واقعی سرانه و تغییرات	درصد GDP	GNI	GDP واقعی سرانه و تغییرات	درصد GDP	
۳۵	۴,۵	۲۷۶۳	۳۸	۰,۷	۱۷۱۳	روسیه
--	۷,۲	۲۲۶۶	۳۵	۲,۱	۱۲۲۶	قزاقستان
--	۸,۱	۸۱۳	۳۸	۲,۵	۵۴۳	ازبکستان
۳۳	۱۵,۲	۱۸۳۷	۳۵	۲,۲	۶۲۲	اذربایجان
۳۲	۸,۲	۱۰۰۷	۴۰	۴,۳	۶۰۶	ترکمنستان
----	۳,۲	۱۰۴۱	۳۱	۲,۳-	۶۷۲	اکراین
۲۷	۷,۸	۲۳۲۱	۲۹	۲,۳	۱۱۸۵	بلاروس
۴۰	۶,۱۱	۱۱۵۷	۴۰	---	۶۵۱	گرجستان
۳۳	۶,۳	۱۲۸۶	۳۷	۷,۵	۶۰۰	ارمنستان
۴۰	۸,۲	۲۳۸	۳۱	۰,۵	۱۴۵	تاجیکستان
۳۰	۴,۳	۳۵۵	۳۴	۱,۱	۲۶۷	قرقیزستان

منبع: World Bank World Economic Outlook (WEO) database

October 2012

سرمایه گذاری در بخش ملی و صنایع: تولید ناخالص داخلی و نرخ کل سرمایه گذاری ها بین ۱۸٫۸ تا ۲۷٫۷ درصد در دهه اول را می توان به صورت یکنواخت و هماهنگ در نظر داشت که در سال های بعدی به مرور زمان به صورت مداوم افزایش پیدا نموده است.

جدول ۲: کل سرمایه گذاری (درصد تولید ناخالص داخلی) و ارزش افزوده صنعت (درصد تولید ناخالص داخلی)

۲۰۱۲		۲۰۰۸		۲۰۰۴		۲۰۰۲-۱۹۹۴		کشور
ارزش افزوده	GDP	رزش افزوده	GDP	ارزش افزوده	GDP	ارزش افزوده	GDP	
۴۰٫۱	۲۳٫۵	۳۶٫۱	۲۴	۳۶٫۳	۲۰٫۳	۳۷٫۲	۲۱	روسیه
۳۶٫۱	۲۳٫۱	۳۰٫۷	۳۷٫۶	۳۷٫۶	۲۶٫۲	۳۴٫۶	۲۳٫۳	قزاقستان
۶۶٫۸	۳۰٫۸	۷۰٫۲	۲۵٫۹	۲۵٫۹	۲۴٫۵	۲۵٫۲	۲۰٫۵	ازبکستان
۴۸٫۴	۱۹٫۴	۵۳٫۶	۵۴٫۷	۵۴٫۷	۵۷٫۹	۴۱٫۳	۲۷٫۷	اذربایجان
۳۱٫۷	---		۴۰٫۱	۴۰٫۱	---	۴۸٫۲	---	ترکمنستان
۴۴٫۴	۱۸٫۶	۳۳٫۶	۳۵٫۸	۳۵٫۸	۲۱٫۱	۳۷٫۸	۲۱٫۹	اکراین
۲۳٫۲	۳۲٫۴	۴۴٫۲	۴۰٫۸	۴۰٫۸	۲۹٫۵	۳۸٫۴	۲۸٫۷	بلاروس
۳۷٫۱	۲۶٫۲	۲۱٫۸	۲۶٫۴	۲۶٫۴	۲۹٫۳	۲۱٫۳	۲۵٫۵	گرجستان
۲۰٫۱	۳۰٫۷	۴۳٫۵	۴۱٫۱	۴۱٫۱	۲۲٫۹	۳۵٫۴	۲۱٫۳	ارمنستان
۲۸٫۸	۱۹٫۸	۲۶٫۸	۳۱٫۷	۳۱٫۷	۱۴٫۸	۳۵٫۳	۱۴٫۷	تاجیکستان
۹۳٫۶	۲۴٫۹	۲۳٫۵	۲۴٫۱	۲۴٫۱	۲۰٫۸	۲۳٫۹	۱۸٫۸	قرقیزستان

منبع: World Bank World Economic Outlook (WEO) database

October 2012

همکاری گمرکی: ایجاد شرایط مطلوب برای محیط تجاری و فعالیت‌های کارافرینی می‌تواند به عنوان یکی از عوامل ایجاد کننده توسعه اقتصادی د این اتحادیه محسوب گردد. بنابراین هدف اصلی و بلند مدت ایجاد نمودن سازوکارهایی ساده و تاثیرگذار بر اداره گمرک برای توسعه کارافرینی است. این عامل می‌تواند اقدامات اتخاذ شده برای تجارت را به روشنی مشخص نماید و در عین حال کنترل مناسبی بر جابجایی کالا و ... داشته باشد. سیاست گمرکی می‌تواند بر رشد تولید در کشورهای اتحادیه تاثیرگذار باشد به ویژه این عامل را می‌توان در بخش محصولات صادراتی به وفور مشاهده نمود. زیرا این سیاست قادر است تا آزادی جابجایی کالا، خدمات سرمایه و نیروی کار را در کشورهای عضو به خوبی فراهم آورد و بر بهبود فضای کسب و کار در کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا تاثیرگذار باشد.

حذف معافیت‌ها در بازار کالا و خدمات: پیشرفت در همگرایی اتحادیه اوراسیا با موفقیت از پایین به بالا همراه بوده است و سبب رونق رشد تجارت متقابل، سرمایه گذاری‌های متقابل و افزایش مهارت نیروی کار شده است. هدف نهایی این اتحادیه تا سال ۲۰۲۵ افزایش هر چه بیشتر بازار مشترک است. حذف معافیت‌ها در بازار برای نوسازی و همکاری اقتصادهای EAEU بسیار مهم است. به عنوان مثال، طرفین توافق کرده‌اند که از اول ژانویه ۲۰۱۶، یک بازار مشترک برای داروها ایجاد کنند. با این وجود، به دلیل پیچیدگی‌های نظارتی و دشواری‌های مرتبط با یکسان سازی رویه‌های حاکم بر عملیات دارویی از طریق کل EAEU، تصمیم مربوطه یک سال به تأخیر

افتاده است. علاوه بر این، به منظور پذیرفتن تصمیم از نظر سیاسی برای همه کشورهای عضو، حرکت اساسی به بازار مشترک واقعاً به سال ۲۰۲۰ و در بعضی از بخش‌ها حتی به سال ۲۰۲۵ موکول شده است. علاوه بر این، مذاکرات در مورد کد گمرکی EAEU هر کاری آسان بوده است. این کد باید از اول ژانویه ۲۰۱۶ اجرا می‌شد، اما تصویب آن به تأخیر افتاد. نمایندگان اقتصادی کشورهای عضو اکنون با تکیه بر قوانین ملی و معاهدات و توافق نامه‌های موجود بدون کد گمرکی فعالیت می‌کنند. اتحادیه اروپا از بلاروس، قزاقستان و روسیه حدود ۱۵۰۰ نظر درباره پیش نویس کد دریافت کرده است. ارمنستان و قرقیزستان دیرتر از سایر اعضای EAEU به این سند پیوستند و اکنون نیز درگیر بحث فعال اصلاحات پیشنهادی هستند. در ژوئن ۲۰۱۶، ۵۷ مورد مربوط به تنظیم گمرک در EAEU هنوز حل نشده است. بحث در سطح نخست وزیران پنج ایالت (شورای بین دولتی، ۱۶ نوامبر ۲۰۱۶) برای رفع سرانجام آخرین موانع ضروری بود. بنابراین قانون گمرکی EAEU تا اواسط سال ۲۰۱۷ به اجرا درآمد.

رفع و یکسان سازی موانع غیر تعرفه‌ای: یکی از مهمترین موارد در دستور کار EAEU در آینده نزدیک اتحاد تدریجی و از بین بردن موانع غیر تعرفه‌ای (NTB) در تجارت متقابل کالاها و خدمات است. موانع غیرتعرفه‌ای بار قابل توجهی بر جریان دو جانبه کالاها و خدمات بین کشورهای EAEU وارد می‌کند و باعث کاهش کارایی کلی بازار مشترک می‌شود. آنها یک اثر فلج کننده خاص در توسعه و همکاری صنایع پیشرفته، به ویژه مهندسی مکانیک و شیمیایی دارند. مرکز مطالعات ادغام EDB یک پروژه تحقیقاتی در مقیاس

بزرگ را به اتمام رساند و برای اولین بار ارزیابی گسترده‌ای از تأثیر NTB در تجارت متقابل در EAEU ارائه داد و توصیه‌هایی در مورد چگونگی از بین بردن چنین موانعی ارائه داد. یک نظرسنجی گسترده از شرکت‌های بلاروس، قزاقستان و روسیه نشان داد که NTB ۱۵ تا ۳۰ درصد ارزش کل صادرات را تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر، ارزش کالاهای صادراتی هر دلار که بین کشورهای EAEU معامله می‌شود، از سال ۲۰۱۴ همچنان شامل ۱۵ تا ۳۰ سنت هزینه مربوط به NTB است (Vinokurov, 2015).

سرمایه گذاری خارجی متقابل: شرایط اقتصادی نامطلوب قادر نبود تا بر میزان مطلق سهام مستقیم سرمایه گذاری مستقیم خارجی تأثیر بگذارد. براساس داده‌های به دست آمده هنگام نظارت بر سرمایه گذاری‌های متقابل در کشورهای CIS، سهام سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) در پایان سال ۲۰۱۵ معادل ۲۳,۶ میلیارد دلار بود که ۷٪ کاهش سالانه نشان می‌دهد (در سال ۲۰۱۴، این شاخص کاهش یافته است ۱٪ افزایش یافته است) (Kuznetsov, 2015). کاهش سهام سرمایه گذاری مستقیم خارجی EAEU به دلیل کاهش سرمایه گذاری‌های مستقیم انجام شده توسط شرکت‌های روسی در قزاقستان و بلاروس بود. دلیل اصلی این روند تکمیل پروژه‌های سرمایه گذاری نیست، بلکه بیشتر ارزیابی مجدد دارایی‌ها به دنبال کاهش گسترده ارزش پول‌های ملی در قزاقستان و روسیه در سال ۲۰۱۵ است. با این حال، اگر مقایسه مستقیم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای CIS داشته باشیم، به نظر می‌رسد اوضاع بسیار بیشتر است اسفناک حجم سهام مستقیم سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای

مستقل مشترک المنافع از سال ۲۰۱۳ در حال کاهش است. مهمترین افت در سال ۲۰۱۴ ثبت شد، زمانی که سرمایه گذاری‌های متقابل در کشورهای مستقل مشترک المنافع با ۱۶٪ کاهش نسبت به سال ۲۰۱۵، ۵٪ دیگر در پایان سقوط کرد. در کل، علی رغم بی ثباتی کلی اقتصاد جهانی و فرار سرمایه از بازارهای نوظهور، کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا سطح نسبتاً ثابتی از تعاملات سرمایه‌گذاری را حفظ می‌کنند و این عامل می‌تواند بر همگرایی اقتصادی این کشورها تاثیرگذار باشد.

امکانات زیرساختی: گوران و آکتورک (۱۹۹۷) بیان می‌کنند که صنایع کشورهای توسعه نیافته نمی‌توانند در یک فضای تجارت آزاد با کشورهای پیشرفته رقابت کنند زیرا دارا بودن نیروی کار ماهر و سرمایه کافی حرکت به سمت توسعه محسوب می‌گردد و بنابراین، یکپارچه سازی بین کشورهایی که ساختار اقتصادی مشابهی دارند می‌تواند موفق‌تر عمل نماید. دومین نیاز امکانات زیرساختی است. به عنوان مثال، تجارت متقابل برای سهولت بیشتر نیاز به امکانات زیرساختی دارد. کشورهای درگیر در همگرایی باید به امکانات زیربنایی توسعه یافته دسترسی داشته باشند تا با بهره‌وری تولید و تولید بالا محصولات با ارزش افزوده بتوانند به درستی در این مسیر گام بردارند. ییژیت (۲۰۰۳) اشاره می‌کند که در حالی که کشورها امکانات زیرساختی را توسعه داده است مانند راه آهن، هواپیمایی، صنعت و انرژی می‌توان شاهد موفقیت در روند همگرایی بود (Yılmaz, 2017: 2).

دستیابی به منابع انرژی: تفاوت در منابع، زمینه نابرابری در اقتصاد کشورهای این منطقه را نیز فراهم آورده است. به گونه‌ای که کشورهای نفت خیز منطقه به مدد این منبع طبیعی از رشد اقتصادی بهتری در مقابل بقیه اعضا برخوردار هستند. شکاف اقتصادی در اوراسیای مرکزی به حدی است که کشورهای این حوزه را به دو گروه کشورهای برخوردار و فقیر تقسیم کرده است. برای مثال نمی‌توان، ظرفیت اقتصادی تاجیکستان با جمعیت حدود ۳۶ درصد زیر خط فقر که فقیرترین کشور اوراسیای مرکزی است با کشورهایی چون جمهوری آذربایجان و یا روسیه مقایسه نمود. این نابرابری اقتصادی امکان همگرایی را دشوار می‌کند. چرا که این نوع عدم تقارن موجب می‌شود که برخی از کشورها از همگرایی اقتصادی، استفاده بیشتری ببرند و پاره‌ای دیگر کمتر متمتع گردند. جدول زیر شاخص‌های اقتصادی کشورهای اوراسیای مرکزی را نشان می‌دهد که بیانگر تفاوت‌های در توان اقتصادی کشورهای منطقه است (سلیمان پور، ۱۳۹۵: ۷۵). بنابراین این عامل می‌تواند بر میزان همگرایی اقتصادی کشورها تاثیر گذار باشد.

جدول ۳: منابع طبیعی کشورهای اوراسیای مرکزی

نام کشور	منابع طبیعی
روسیه	پایگاه گسترده‌ای از منابع طبیعی نفت، گاز، زغال سنگ و بسیاری از مواد معدنی
اکراین	سنگ آهن، زغال سنگ، منگنز، گوگرد، نیکل، تیتانیوم
مولداوی	زغال سنگ، سنگ آهک، سنگ گچ
روسیه سفید	چوب، زغال سنگ، گرانیت، سنگ گچ و مقادیر ناچیز نفت و گاز
ارمنستان	مقدار بسیار کم طلا، مس، روی
گرجستان	تخت الوار، برق آبی، منگنز، سنگ آهن، مس، زغال سنگ
آذربایجان	نفت، گاز طبیعی، سنگ آهن، فلزات غیر آهنی
ازبکستان	نفت، گاز طبیعی، زغال سنگ، طلا، اورانیوم، نقره
تاجیکستان	طلا، نقره، زغال سنگ، آهن
ترکمنستان	نفت، گاز طبیعی، گوگرد، پتاسیم
قرقیزستان	برق آبی، طلا، زغال سنگ، جیوه
قزاقستان	نفت، گاز طبیعی، زغال سنگ، سنگ آهن، منگنز، اورانیوم، طلا، مس

منبع: سلیمان پور، ۱۳۹۵

الگوی تجارت خارجی کشورها: امروز تلاش نهادهای نظارتی در حوزه تجارت باید حول گنجاندن محصولات داخلی در ارزش افزوده جهانی زنجیره‌ای و شکل‌گیری تولیدات خود با تشویق محصولات صادرات‌گرا، که قابلیت رقابت بین‌المللی دارند باشد. محصولات تعیین شده جایگزینی محصولات وارداتی می‌شوند و این عامل می‌تواند الگوی تجاری کشورها را دگرگون سازد. بر این اساس، کمیسیون اوراسیا در تجارت با تعدادی از چالش‌ها روبرو است: افزایش رقابت کالاها، EAEU، ساده‌سازی دسترسی به بازارهای کشورهای در حال توسعه، شکل‌گیری سیاست‌های مشترک و شیوه‌های تبلیغ کالاها از جمله این معضلات است. به منظور بهبود رقابت و الگوی تجاری بازاریابی کالاها کشورهای اتحادیه به طور مداوم در حال شکل‌گیری عواملی مانند مولفه‌های گمرکی: به عنوان مثال، توسط کاهش نرخ عوارض گمرکی برای اجزاء، مواد اولیه، تجهیزات و ... هستند تا از این طریق به کشورهای تولیدکننده برای کاهش هزینه‌ها و هزینه‌های محصولات نهایی، و همچنین تحریک توسعه فن‌آوری در EAEU، پشتیبانی صادرات و همکاری بین‌المللی اجازه دهند تا اقداماتی را در راستای رسیدن به اهداف و تمایلات خود انجام دهند. در همین راستا، باید اقداماتی معقول و مناسب و کافی برای محافظت از داخلی بازار و مبارزه با اقدامات ضد رقابتی شرکای تجاری از کشورهای ثالث صورت گیرد. در راستای افزایش دسترسی به بازارها باید بر توسعه رژیم‌های تجاری کشورها متمرکز شد و با شرکای اولویت‌دار توافق نامه‌های تجارت آزاد، منعقد نمود. هدف از انعقاد موافقت‌نامه‌ها مشارکت

اقتصادی، است که در راستای شکل گیری پیش شرطها برای همگرایی عمیق تر و ارتقا صادرات کشورهای عضو صورت می گیرد.

توسعه صنعتی: کلیه سیاست‌های صنعتی در داخل EAEU باید با هدف تسریع و بهبود پایداری توسعه صنعتی، بهبود رقابت سیستم‌های صنعتی از کشورهای عضو، اجرای موثر است همکاری با هدف افزایش فعالیت‌های نوآوری و از بین بردن موانع موجود در بخش صنعتی از جمله در رابطه با جابجایی کالاهای صنعتی کشورهای عضو طراحی گردد. سیاست صنعتی در اتحادیه توسط کشورهای عضو در جهت اصلی همکاری‌های صنعتی و توسط آنها انجام می‌شود با پشتیبانی و هماهنگی مشاوره‌ای از کمیسیون اهداف، اصول و ابزار سیاست‌های صنعتی و همچنین صلاحیت ایالات و کمیسیون توسط بخش " XXIV صنعت " از کشور تعریف شده است. در داخل اتحادیه پیش‌بینی شده است که اقدامات مشترک احزاب توسعه پیدا کند و در بخش‌های دارای اولویت، توسعه و اجرای برنامه‌ها و پروژه‌های بین‌المللی، ایجاد زیرساخت‌های تجاری و اطمینان از شرایط برابر برای رقابت به صورت مناسبی تعریف گردد.

مقررات رقابت و ضد انحصار پذیری: در این اتحادیه مرزهای فضای مشترک اقتصادی به روی همه موضوعات آن باز شده است و بنابراین وظیفه اصلی ایجاد چارچوب قانونی برای تجارت و اطمینان از شرایط برابر رقابت در بازار کالاها و بازارهای خرید عمومی است. بنابراین، طبق پیمان EAEU ، اجرای قوانین رقابت و سرکوب تخلفات توسط مقامات ضد انحصاری ایالت‌ها در کشورهای عضو پیگیری می‌شود. به نوبه خود، کمیسیون اقتصادی اوراسیا چنین تخلفاتی در بازارهای مرزی را سرکوب می‌نماید. بنابراین، از ۱ ژانویه

۲۰۱۵ از زمان لازم الاجرا شدن پیمان در اتحادیه اقتصادی اوراسیا EEC حق شروع را برای در نظر گرفتن موارد نقض قوانین عمومی رقابت در بازارهای مرزی، جریمه نقض قانون شکنان و دستورالعمل لازم الاجرا برای از بین بردن تخلف و عواقب آن صادر نموده است. تصمیمات EEC و همچنین مقامات ملی رقابت قادر است تا در دادگاه اتحادیه اقتصادی اوراسیا مورد تجدیدنظر قرار گیرند. در این راستا امروز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که فعالیت‌هایی مانند بازارهای کالا، تعامل با کشورها و همچنین حمایت از رقابت، که شامل یک سیاست باز در مورد رقابت و افزایش آگاهی حقوقی از نهادها، اصول و قوانین است را به آنها آموزش دهند. بنابراین قانون رقابت، کمیسیون اقتصادی اوراسیا در مقررات ضد انحصاری، سیاست رقابت و تدارکات عمومی مواردی را مورد توجه قرار داده است که در تمام ابعاد و حتی در قوانین ملی کشورها نیز نمود پیدا کرده است. هدف اصلی همگرایی اوراسیا اطمینان از شرایط برابر و فرصت‌هایی برای کشورهای عضو EAEU بوده است که این موضوع به نوبه خود، انگیزه‌ای برای توسعه اقتصادی مثبت و رقابت اقتصادی است کشورهای EAEU در بازار جهانی را ایجاد نموده است.

۴-۲- یافته‌های میدانی تحقیق

تکنیک دیمتل توسط فونتال گابوس در سال ۱۹۷۱ ارائه شده است و یکی از روش‌های تصمیم‌گیری براساس مقایسات زوجی است که نتایج حاصل از آن با مراجعه به نخبگان بدست خواهد آمد. از این تکنیک در استخراج عوامل سیستمی و ساختاردهی نظام‌مند استفاده می‌شود. از آنجا که گراف‌ها به خوبی نشان‌دهنده روابط عناصر با یک سیستم را نشان می‌دهند لذا این تکنیک

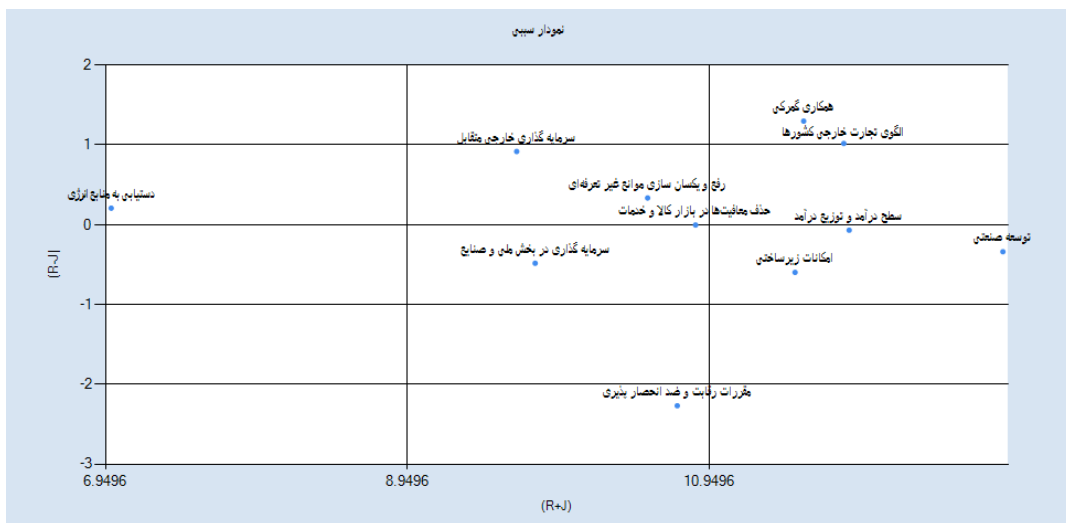
مبتنی بر نمودارهایی است که می‌تواند عوامل درگیر را به دو گروه علت و معلوم تقسیم نماید و رابطه میان آنها را به صورت یک مدل ساختاری قابل درک در آورد. محققینی که برای این بخش از پژوهش انتخاب شدند شامل ۸ متخصص در جغرافیا و ژئوپلیتیک بودند. با توجه به اینکه تمامی عناصر تشکیل دهنده همگرایی اتحادیه اوراسیا در ارتباط با یکدیگر و در غالب یک رویکرد سیستمی مطرح می‌شوند و دارای ارتباطات گسترده‌ای هستند برای تعیین میزان این ارتباطات از روش سیستمی دی‌ماتل استفاده شد که در ادامه به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود:

جدول ۴: محاسبه روابط میان شاخص‌های همگرایی اقتصادی اتحادیه اوراسیا

R-J	R+J	مجموع ستونی J	مجموع ستونی R	شاخص
۱.۲۹۶۸	۱۱.۵۷۷۶	۵.۱۴۰۴	۶.۴۳۷۲	همکاری گمرکی
۱.۰۱۶۵	۱۱.۸۴۳۸	۵.۴۱۳۶	۶.۴۳۰۲	الگوی تجارت خارجی کشورها
- ۰.۳۳۹۹	۱۲.۸۹۹	۶.۶۱۹۵	۶.۲۷۹۵	توسعه صنعتی
-۰.۰۷۰۴	۱۱.۸۷۹۶	۵.۹۷۵	۵.۹۰۴۶	سطح درآمد و توزیع درآمد
- ۰.۵۹۸۶	۱۱.۵۲۰۳	۶.۰۵۹۵	۵.۴۶۰۸	امکانات زیرساختی
۰.۳۳۳۳	۱۰.۵۴۲۹	۵.۱۰۴۸	۵.۴۳۸۱	رفع و یکسان سازی موانع غیر تعرفه‌ای
-۰.۰۰۵۱	۱۰.۸۶۰۸	۵.۴۳۲۹	۵.۴۲۷۸	حذف معافیت‌ها در بازار کالا و خدمات
۰.۹۱۵۷	۹.۶۷۴۶	۴.۳۷۹۵	۵.۲۹۵۲	سرمایه گذاری خارجی متقابل
-۰.۴۸۴	۹.۷۹۶۸	۵.۱۴۰۴	۴.۶۵۶۴	سرمایه گذاری در بخش ملی و صنایع
- ۲.۲۶۹۴	۱۰.۷۳۹۴	۶.۵۰۴۴	۴.۲۳۵	مقررات رقابت و ضد انحصار پذیری
۰.۲۰۵۳	۶.۹۸۵۴	۳.۳۹	۳.۵۹۵۳	دستیابی به منابع انرژی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

بررسی مدیریت مرزها براساس ۱۱ معیار و شاخص مطابق جدول (۴) پرداخته شد. برای بررسی معیارها از نظر ۸ خبره استفاده شده است. میزان اهمیت شاخصها $(J_i + R_i)$ و رابطه بین معیارها $(J_i - R_i)$ مشخص می‌گردد. اگر $J_i - R_i > 0$ باشد معیار مربوطه اثرگذار و اگر $J_i - R_i < 0$ باشد معیار مربوطه اثرپذیر است. جدول بالا، $D_i + R_i$ و $J_i - R_i$ را نشان می‌دهد. نمودار (۱) میزان اهمیت و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بین معیارها را نشان می‌دهد. بردار افقی $(J + R)$ میزان تأثیر و تأثر عامل مورد نظر در سیستم است. به عبارت دیگر هرچه مقدار $J + R$ عاملی بیشتر باشد، آن عامل تعامل بیشتری با سایر عوامل سیستم دارد. متغیرهایی مانند توسعه صنعتی (۱۲,۸۹۹)، سطح درآمد و توزیع درآمد (۱۱,۸۷۹۶)، الگوی تجارت خارجی کشورها (۱۱,۸۴۳۸)، همکاری گمرکی (۱۱,۵۷۷۶)، امکانات زیرساختی (۱۱,۵۲۰۳) و ... در منطقه نشان دهنده تعامل بالا و ارتباط سیستمی قوی با سایر متغیرها هستند. از سویی دیگر همانگونه که ملاحظه می‌گردد بردار عمودی $(J - R)$ قدرت تأثیرگذاری هر عامل را نشان می‌دهد. متغیرهای الگوی تجارت خارجی کشورها، همکاری گمرکی، رفع و یکسان سازی موانع غیر تعرفه‌ای، سرمایه‌گذاری خارجی متقابل و دستیابی به منابع انرژی علت این مدل سیستمی محسوب می‌شوند. و عواملی مانند توسعه صنعتی، سطح درآمد و توزیع درآمد، امکانات زیرساختی، حذف معافیتها در بازار کالا و خدمات، مقررات رقابت و ضد انحصار پذیری، سرمایه گذاری در بخش ملی و صنایع به عنوان معلول نمایش داده شده است. به‌طور کلی اگر $J - R$ مثبت باشد، متغیر یک متغیر علی محسوب می‌شود و اگر منفی باشد، معلول محسوب می‌شود.



شکل (۱). روابط علی و معلولی بین شاخصها

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

۵- نتیجه گیری

همگرایی اقتصادی در سطح جهانی، منطقه‌ای و زیر منطقه‌ای یک اقدام مهم برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی تلقی می‌شود و تشکیل EEU به عنوان حرکتی برای رشد اقتصادی بهتر و موفقیت در بین کشورهای منتخب پس از شوروی تلقی می‌شود. اولین تلاش برای ادغام سیاسی و اقتصادی نزدیکتر در ۸ دسامبر ۱۹۹۱ اتفاق افتاد، زمانی که رهبران بلاروس، روسیه و اوکراین توافق نامه انحلال اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و ایجاد کشورهای مشترک المنافع (CIS) را به عنوان جانشین امضا کردند. اتحاد جدید، برای همه کشورهای جانشین اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی آزاد بود و در دسامبر ۱۹۹۱، هشت جمهوری شوروی سابق، ارمنستان، آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، مولداوی، ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان پروتکل آما آتا را امضا کردند و به CIS پیوستند. EAEU واقعیت جدیدی از فضای پس از شوروی است. موفقیت‌ها و شکست‌ها آن را باید واقع بینانه ارزیابی نمود. اگرچه مقایسه مستقیم با اتحادیه اروپا می‌تواند گمراه کننده باشد، اما دسترسی به EAEU را در مقیاس کوچکتري امکان پذیر می‌سازد. از این نظر، با سایر سازمان‌های ادغام منطقه‌ای به ویژه اتحادیه‌های گمرکی یا مناطق تجارت آزاد - نفتا، مرکوسور و شورای همکاری برای کشورهای عربی خلیج فارس و اتحادیه گمرکی آفریقای جنوبی قابل مقایسه است. بررسی عوامل اقتصادی تاثیرگذار بر این اتحادیه نشان می‌دهد که توسعه صنعتی، سطح درآمد و توزیع آن و الگوی تجارت خارجی کشورها از اهمیت بسزایی برخوردار است. اگر کشورها قادر باشند تا خود را با این عوامل هماهنگ و همسو نمایند می‌توان

انتظار داشت تا به موفقیت در این عرصه دست پیدا نمایند. اگرچه هم اکنون اتحادیه اقتصادی اوراسیا به عنوان یک اتحادیه اقتصادی کاملی مطرح نمی‌باشد که قادر باشد تا به صورت تاثیرگذاری در تحقیقات علمی جهانی مورد توجه قرار گیرد. زیرا هنوز در مرحله ابتدایی برای رشد و توسعه قرار گرفته است و ممکن است که تا سال ۲۰۱۶ به سقف کوتاه مدتی از این توسعه رسیده باشد. همچنین زمان زیادی برای عبور از این سقف با توجه به اختلافاتی که در زمینه منابع طبیعی و دسترسی به آنها و همچنین عوامل زیرساختی بین کشورها وجود دارد لازم باشد. از طرف دیگر، به دستاوردهای زیادی رسیده و می‌توان این دستاوردها را کاملاً مناسب در نظر داشت. معاهده تاسیس و نهادهای آن در حال کار هستند. همین امر در مورد بازار کار مشترک نیز صدق می‌کند. در زمینه تدوین مقررات فنی مشترک (در مجموع ۳۶ مورد از این آیین نامه‌ها تاکنون نهایی شده‌اند) پیشرفت‌هایی داشته است. اثرات همگرایی اقتصادی با تحقق برنامه‌های موجود در این زمینه‌ها و اجرای برخی از ابتکارات تخصصی (مربوط به زیرساخت‌ها، سیاست‌های صنعتی، مجتمع‌های کشاورزی و صنعتی، بازار کار، فضای رقابتی واحد و همکاری تحقیق و آموزش) به حداکثر می‌رسد.

منابع

- احمدی پور، زهرا، قادری حاجت، مصطفی، ملا حسینی، رضا، رحیمی، صابر (۱۳۹۰). تبیین ژئوپلیتیکی شکلگیری سازمان منطقه‌ای در حوزه ژئوپلیتیکی خزر- آسیای مرکزی، فصلنامه علمی- پژوهشی آفاق امنیت، سال چهارم، شماره سیزدهم زمستان ۱۳۹۰.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. انتشارات پاپلی: مشهد
- حافظ نیا، محمدرضا، کاویانی، مراد (۱۳۸۳). افق های جدید در جغرافیای سیاسی، انتشارات سمت: تهران
- Atik, Selda (2014). Regional economic integrations in the post-Soviet Eurasia: An analysis on causes of inefficiency, *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 109 (2014) 1326 – 1335, doi: 10.1016/j.sbspro.2013.12.633
- Andronova, I. (2016). Eurasian Economic Union: Opportunities and Barriers to Regional and Global Leadership. *International Organizations Research Journal*, no. 2: 7-23.
- Babanov, A. and V.Zunde. (2016). Regional Economic Integration in the Global Economy of the 21st Century. *State and Municipal Management. Scholar Notes*, no. 2: 132-138.
- Beeson, Mark (2009). Geopolitics and the Making of Regions: The Fall and Rise of East Asia, *POLITICAL STUDIES: 2009 VOL 57*, 498–516, doi: 10.1111/j.1467-9248.2008.00744.x.
- Haukkala, Hiski (2013), The impact of the Eurasian Customs Union on EU-Russia relations, in in Dragneva, Rilka, Wolczuk, Kataryna (eds.), *Eurasian Economic Integration: Law, Policy and Politics*, Edward Elgar Publishing, pp. 163-178
- Molchanov, Mikhail, A. (2015), *Eurasian Regionalisms and Russian Foreign Policy*, Ashgate Publishing, 190 pages, DOI: 10.2139/ssrn.2735260
- Mostafa, Golam, (2018). Eurasian Economic Union: Evolution, challenges and possible future directions, *Journal of Eurasian*

- Studies, Volume 9, Issue 2, July 2018, Pages 163-172, <https://doi.org/10.1016/j.euras.2018.05.001>
- A. Kuznetsov (2014). Russian direct investments as a factor of Eurasian integration *Voprosy Ekonomiki*, 8 (2014), pp. 58-69
 - Vinokurov, Evgeny (2017). Eurasian Economic Union: Current state and preliminary results, *Russian Journal of Economics*, Volume 3, Issue 1, March 2017, Pages 54-70, <https://doi.org/10.1016/j.ruje.2017.02.004>
 - İncekara, A. (1995). Globalleşme ve Bölgeselleşme Sürecinde Nafta ve Etkileri, İstanbul, İstanbul Ticaret Odası Yayınları.
 - E. Vinokurov, M. Demidenko, I. Pelipas, I. Tochitskaya, G. Shymanovich, A. Lipin, V. (2015). *Movchan Estimating the economic effects of reducing non-tariff barriers in the EEU* Eurasian Development Bank, St. Petersburg (2015).
 - Yılmaz, Serdar (2017). EURASIAN ECONOMIC UNION: A REGIONAL ECONOMIC HEGEMONY INITIATIVE, *JOURNAL OF EASTERN EUROPEAN AND CENTRAL ASIAN RESEARCH* Vol.4 No.2 (2017), DOI: <http://dx.doi.org/10.15549/jeeccar.v4i2.166>

تبیین ژئواکونومیکی پتانسیل‌های اتحادیه اورآسیایی در شرایط تحریم برای ایران

مصطفی قادری حاجت؛ فرزاد احمدی دوازده امامی؛ محمدرضا ملکشاهی^۳

^۱- استادیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

^۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

^۳- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

ایران با ۱۵ کشور مستقل همسایه است. که به همراه چین و پس از روسیه رکورددار تعداد همسایه در جهان است. داتحادیه اقتصادی اوراسیا ظرفیت خوب و مناسبی برای ارتقاء روابط اقتصادی و در نهایت افزایش قدرت اثرگذاری کشور های عضو در سطح منطقه را فراهم می کند. اتحادیه اوراسیا با بیش از ۲۰ میلیون کیلومتر مربع وسعت و ۱۸۳ میلیون نفر جمعیت در حدود ۵ هزار میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی از یک پتانسیل بالقوه برای تحرک پویایی های منطقه ای مبتنی بر واقعیت های ژئواکونومیکی برخوردار است. در شرایط کنونی و متأثر از تحریم های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، پیوستن به این اتحادیه می تواند متضمن فرصت هایی برای اقتصاد در تنگنا گذاشته شده ایران باشد. در صورت بهره گیری از رویکردهای مبتنی بر واقعیات ژئواکونومیکی این اتحادیه می تواند، تا حدودی منجر به کاهش اثرات منفی تحریم های ایالات متحده آمریکا علیه ایران شود. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و تکیه بر منابع کتابخانه ای و اسنادی به دنبال ارزیابی پتانسیلهای ژئواکونومیکی اتحادیه اقتصادی اوراسیا در راستای منافع ملی ایران و کاهش اثرات مخرب تحریم های آمریکا انجام شده است. سوال اصلی مقاله این است که پتانسیل های ژئواکونومیکی اتحادیه اوراسیا در بر دارنده چه فرصتهایی برای منافع ملی ایران در شرایط تحریم می باشد؟ یافته های پژوهش نشان از آن دارد که پس از خروج آمریکا از برجام حجم مبادلات تجاری ایران و اتحادیه اوراسیا روند افزایشی داشته که این امر در خصوص واردات پرننگ تر است و با توجه به محدودیتهای ارزی کشور این نکته منفی به حساب می آید. در راستای تقویت پتانسیلهای ژئواکونومیکی پیشنهاد می شود: ایران ضمن روز آمد سازی قوانین تجاری و تقویت استاندارد زیرساختهای خود مخصوصا در امر حمل و نقل با تأکید بر حمایت از ظرفیتهای بخش خصوصی واقعی را نصب العین خود قرار دهد.

واژگان کلیدی: اتحادیه اوراسیا، ژئواکونومی، تحریم، ایران، منافع ملی.

۱- مقدمه:

آمریکا با خروج یکجانبه از توافق هسته ای با ایران موسوم به برجام در اردیبهشت ۱۳۹۷، تحریم های یکجانبه و سنگینی علیه ایران را اعمال نمود. شاید بتوان قانون ایسا را به عنوان بزرگترین و جامعترین حرکت تحریمی علیه ایران شناخت که، هرگونه سرمایه گذاری در صنایع وابسته به نفت و انرژی، فروش بنزین، تجهیزات مربوط به صنایع پتروشیمی و نهایتا بخش های مربوط به حمل و نقل نفت و انرژی ایران مشمول تحریمهای ایالات متحده قرار گرفتند. اعمال تحریمهای ایالات متحده علیه بخشهای مختلف ایران اگرچه از بدو پیروزی انقلاب و در مقاطع مختلف وجود داشته اما به اذعان اغلب کارشناسان، تحریم ها در سال های اخیر وارد ابعاد جدیدی شده است (استادزاده، ۱۳۹۸، ۵). متأثر از شرایط پیش گفته شده صادرات نفتی ایران از دو میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه نفت در روز در سال ۲۰۱۶ امروزه به کمتر از ۵۰۰ هزار بشکه در روز رسیده است. کاهش شدید ارزش ریال و نوسانات قیمت ارز حالا اقتصاد در مرز ورشکستگی ایران را با مشکلات جدی از جمله تورم و گسترده شدن فقر مواجه کرده است. در شرایط تحریم توسعه صادرات غیر نفتی از مهمترین مسائل سیاسی و اقتصادی است (یلفانی و دیگران، ۱۳۹۵، ۲) که باید مورد توجه سیاستمداران و سیاست گذاران واقع شود. یکی از راهکارهای کاهش اثرات تحریم های یک جانبه آمریکا پیوستن به ساز و کارهای منطقه ای تجاری و اقتصادی است. در خاورمیانه با توجه به وجود سازمان های منطقه ای همچون اتحادیه عرب (ایران عضویت ندارد)، اگو، اوپک، شورای همکاری خلیج فارس (ایران عضویت ندارد) و در قفقاز سازمان

منطقه ای گوام در آسیای مرکزی اتحادیه اقتصادی اوراسیایی و سازمان همکاری شانگهای ظرفیت خوب و مناسبی وجود دارند (مهکویی و گودرزی، ۱۳۹۸، ۵۲۰) که می توانند در شرایط تحریم کمک کنند. ایران در سال ۱۳۹۵ کمیسیون اقتصادی اتحادیه منطقه آزاد تجاری میان ایران و اتحادیه را مطرح کرد پیشنهادی که از جانب اعضای آن مورد استقبال قرار گرفت و طی دو سال مذاکرات متعدد و ارزیابی کمی و کیفی اقلام و میزان تعرفه ترجیحی آنها بالاخره این موافقتنامه در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۷ در آستانه قزاقستان به امضا رسید (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۸) اتحادیه اوراسیا رسماً در اول ژانویه ۲۰۱۵ بر پایه پیمانی بنا نهاده شد که در ۲۹ مه ۲۰۱۴ از سوی رهبران روسیه قزاقستان و بلاروس امضا شده بود ارمنستان و قرقیزستان نیز در سال ۲۰۱۵ به این اتحادیه ملحق شدند (زارعی و همکاران، ۱۳۹۷، ۳۴)، از اهداف این اتحادیه اقتصادی می توان به تسهیل تجارت، ایجاد بازار مشترک در حوزه کشورهای مستقل همسوی عضو، حذف تدریجی قوانین گمرکی در داخل اتحادیه، برقراری تعرفه خارجی مشترک در میان کشورهای عضو و هماهنگ سازی تشریفات گمرکی اشاره کرد (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۸)، ایران در صورت همکاری نزدیک با اتحادیه در شرایط تحریم می تواند به بازاری برای صادرات محصولات غیر نفتی و مخصوصاً سرمایه گذاری بخش خصوصی با محوریت مناطق آزاد دسترسی داشته باشد، به ویژه آنکه ارتباط دریایی روسیه و قزاقستان از طریق دریای خزر بنادر شمالی مانند امیر آباد و بندر انزلی نیز وجود دارد که ظرفیت های لازم برای مراودات تجاری ما با کشورهای اتحادیه اوراسیایی ایجاد می کنند.

براساس آمارهای رسمی اعلام شده مجموع صادرات ایران به پنج کشور این اتحادیه در سال ۲۰۱۸، ۹۱۸،۲ دلار بوده و در مقابل صادرات کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا به ایران در سال ۲۰۱۸ م حدود ۱ میلیارد و ۷۷۵ میلیون دلار ثبت شده است (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۸)، می توان گفت این اتحادیه از یک پتانسیل بالقوه برای تحرک پویایی‌های منطقه‌ای مبتنی بر واقعیت های ژئواکونومیکی در شرایط تحریم برای ایران برخوردار است. این مقاله با رویکرد توصیفی - تحلیلی در پی پاسخگویی به این سوال است که: پتانسیل های ژئواکونومیکی اتحادیه اوراسیایی در بردارنده چه فرصت هایی برای منافع ملی ایران در شرایط تحریم می باشد؟ در این مقاله پس از بررسی مبانی نظری، نخست میزان مبادلات تجاری ایران با کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا مورد مطمح نظر قرار خواهد گرفت در ادامه تاثیر تحریم ها بر میزان مبادلات تجاری ایران با کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا مورد توجه واقع خواهد شد و در نهایت فرصت ها و محدودیت های پیوستن ایران به اتحادیه اوراسیا مورد توجه واقع خواهد شد.

۲- روش پژوهش:

این مقاله با استفاده از رویکرد ژئواکونومی و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و تکیه بر منابع کتابخانه‌ای در پی تبیین ژئواکونومیکی پتانسیلهای اتحادیه اوراسیایی در شرایط تحریم برای ایران می باشد.

۳- مبانی نظری:

۴-۱. تحریم:

تحریم جزئی از دیپلماسی اقتصادی بین المللی حاکم بر جهان کنونی است که از سوی کشورهای تحریم کننده به عنوان ابزاری غیرنظامی برای اجبار دولت‌های کشورهای هدف جهت انجام واکنش مورد نظر اعمال می‌شود. منظور از تحریم اقتصادی، کاهش یا متوقف ساختن یا تهدید به توقف، روابط اقتصادی و تجاری و مالی متعارف با کشور هدف از سوی دولت کشور تحریم کننده است. در واقع تحریم سلاحی اقتصادی در میدان مبارزه‌ای غیرنظامی است که دیپلماسی را از گفتگو فراتر برده و وارد عمل می‌کند (ایلر، ۲۰۰۷). تحریم‌ها می‌تواند یکجانبه یا چندجانبه باشند. در تحریم‌های چندجانبه، معمولاً یک کشور به عنوان تحریم کننده پیشرو است. رابطه میان کشور تحریم کننده پیشرو و سایر متحدان بالقوه‌اش می‌تواند بستگی به اثرات اشاعه‌ای ناشی از اتخاذ این سیاست‌ها داشته باشد. منطق مبنایی موفقیت تحریم چندجانبه مشخص است. اگر یک گروه انحصارگر از شرکای تجاری به یکباره روابطشان با کشور هدف را بخاطر رفتار نامطلوبش قطع کنند، طبیعتاً منجر به فشار اقتصادی زیادی به کشور هدف خواهد شد (طغیانی و همکاران، ۱۳۹۲، ۵۵).

۳-۲. ژئواکونومی:

دیدگاه ژئواکونومیک عبارت است از مطالعه اثرگذاری عوامل و زیربنای اقتصادی و تجاری در محیط کشوری، منطقه ای و جهانی در تصمیم گیریهای سیاسی و رقابت های قدرتی و اثرگذاری این عوامل اقتصادی در ساختار ژئوپلیتیک منطقه ای یا جهانی (مجتهدزاده، ۱۳۹۵، ۱۱۹). در قرن حاضر شاخص قدرت رهبری برای کشورهای سرمایه دار و قدرتمند در صحنه بین المللی دیگر قدرت نظامی نیست، امروزه قدرت در حالت طبیعی اش بر عوامل بدون توسل به زور و قدرت نظامی و اجبار تاکید دارد (عزتی، ۱۳۸۰، ۱۰۶)، توان گفت نظام جهانی با عبور از دوران جنگ سرد وارد دوره ای شده است که عوامل و زیربنای اقتصادی مهمترین عوامل شکل دهنده به نظام ژئوپلیتیک جهانی هستند.

واضع تئوری ژئواکونومی ادوارد لوتواک از متفکرین دوره جنگ سرد است که عنوان می کند: زوال جنگ سرد در واقع نشان دهنده تغییر مسیر از ژئوپلیتیک به ژئواکونومی در جهان سیاست است. بر این بنیاد افراد اعتقاد دارند که روش های تجاری به تدریج جایگزین روش های نظامی در جهان شده اند (حافظنیا، ۱۳۹۶، ۷۳). بر این مبنا می توان گفت مسائل ژئواکونومیک دارای چند مشخصه هستند: نخست آنکه ارزش و اهمیت آنها به نسبت مسائل ژئوپلیتیک در حال گسترش است و دوم آنکه منازعات با ماهیت و محتوای ژئواکونومیک برای ملت ها ملموس تر است (کریمی پور، ۱۳۷۹، ۱۶). گاهی اوقات منطق تجارت باعث ایجاد رقابت شدید می گردد در حالیکه همان منطق

ممکن است باعث ایجاد ائتلاف و اتحاد سازمان‌های اقتصادی در جهت سرمایه گذاری میان نقاط مختلف جهان شود و نهایتاً همبستگی، تولید مشترک و ایجاد بازارهای مشترک برای انواع کالاها و خدمات را در پی داشته باشد (حافظنیا، ۱۳۹۶، ۷۳). در نظریات همگرایی اقتصادی منطقه‌ای، ارتقاء تجارت نقش مهمی را ایفا می‌کند. شکل‌گیری اتحادیه‌های اقتصادی پس از جنگ دوم جهانی با اهداف توسعه اقتصادی صورت گرفت. منطقه‌گرایی اقتصادی بیان‌کننده میل و رغبت گروهی از کشورهای مستقل به منظور توسعه و گسترش فعالیت‌های اقتصادی متقابل است که عقد موافقت‌نامه‌های ترجیحی، رشد فعالیت‌ها و میزان تجارت و سرمایه‌گذاری متقابل میان آنها از نشانه‌های آن است.

در باب میزان موفقیت در همکاری میان کشورهای یک منطقه از حیث همکاری‌های متقابل نظریات متفاوتی وجود دارد. کانتوری و اشپیگل چهار متغیر الگویی را به عنوان مهمترین عوامل درون منطقه‌ای نام می‌برند که با بررسی آن‌ها می‌توان میزان موفقیت یک منطقه در شکل‌دهی به ترتیبات منطقه‌ای میان اعضای آن را مورد شناسایی و بررسی قرار داد. متغیرهای عنوان شده عبارتند از: ۱- میزان و ماهیت همبستگی ۲- ساختار روابط اعضا ۳- سطح قدرت اعضا ۴- ماهیت ارتباطات (مهکویی و گودرزی، ۱۳۹۸، ۵۲۱).

۴- یافته‌های پژوهش:

۴-۱. سابقه شکل‌گیری اتحادیه اقتصادی اوراسیا:

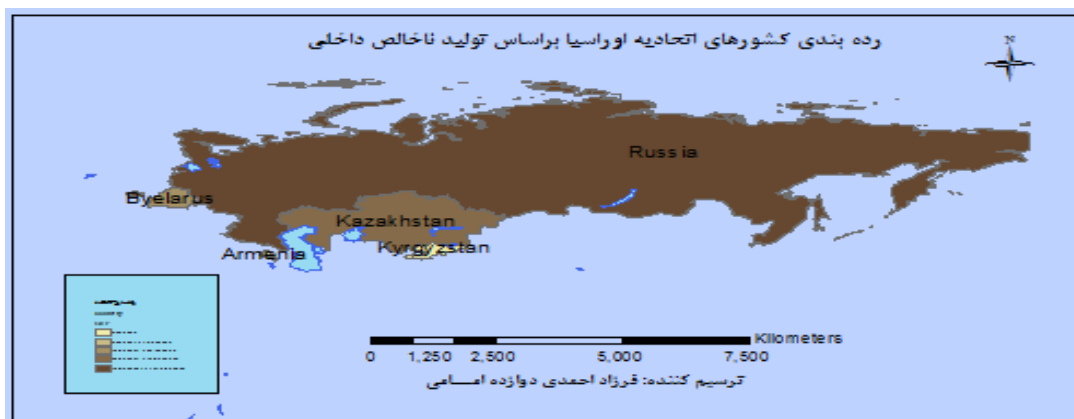
با توجه به سوابق متعدد در ایجاد یکپارچه‌گرایی تا تلاش‌های فراوان با هدف تشکیل اتحادیه‌ها در منطقه اوراسیا، با توجه به پیشنهادی که رئیس‌جمهور قزاقستان، نور سلطان نظربایف در سال ۱۹۹۴ در مورد تشکیل یک بلوک تجاری منطقه‌ای ارائه کرد، به عنوان رخدادی ریشه‌ای در تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا بنگریم (میرفخرایی، ۱۳۹۴، ۱۵۲).

جامعه اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۰۰ بر مبنای ایده تاسیس اتحادیه گمرکی، با مشارکت بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و روسیه در جولای ۲۰۱۱ بنا نهاده شد (www.tpo.ir) و سه سال بعد قرارداد تشکیل اولیه اتحادیه اقتصادی اوراسیا در ۲۹ مه ۲۰۱۴ میان روسیه، قزاقستان و بلاروس منعقد و جایگزین اتحادیه گمرکی اوراسیا شد و این اتحادیه کار خود را به طور رسمی از اول ژانویه ۲۰۱۵ آغاز کرد (اینانلو، ۱۳۹۸) و سپس ارمنستان در تاریخ ۲ ژانویه ۲۰۱۵ و قرقیزستان در تاریخ ۱۵ آگوست به اتحادیه پیوستند (www.tpo.ir)، مقر کمیسیون اقتصادی اوراسیا در مسکو واقع شده است، که در راس آن شورای عالی مرکب از سران پنج کشور عضو اتحادیه قرار گرفته‌اند (حافظ نیا، ۱۳۹۸). اعضای اصلی اتحادیه اوراسیایی عبارتند از: روسیه (از ۱ ژانویه ۲۰۱۵)، بلاروس (از ۱ ژانویه ۲۰۱۵)، قزاقستان (از ۱ ژانویه ۲۰۱۵)، ارمنستان (از ۲ ژانویه ۲۰۱۵)، قرقیزستان (از ۱۵ آگوست ۲۰۱۵). اتحادیه

اقتصادی اوراسیا دارای جمعیتی در حدود ۱۸۳/۸ میلیون نفر جمعیت (۲۰۱۶) و مساحتی بالغ بر ۲۰ میلیون کیلومتر مربع است.

۴-۲. شاخص‌های اقتصادی اتحادیه اقتصادی اوراسیا:

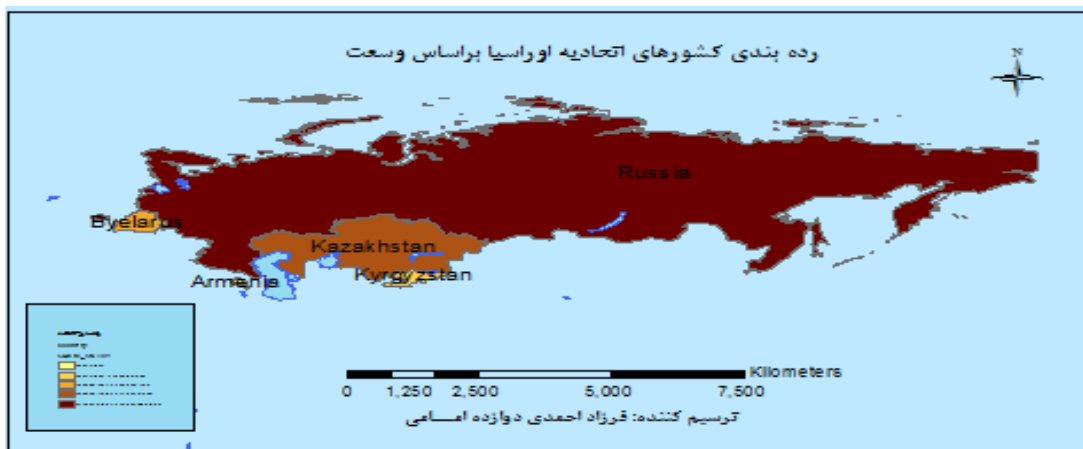
تولید ناخالص داخلی در اتحادیه اقتصادی اوراسیا ۴/۷ تریلیون دلار است. حجم تجارت خارجی ۸۶۶/۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸، واردات اوراسیا از جهان در سال ۲۰۱۸ حدود ۳۱۸/۵ میلیارد دلار و کشورهای عمده صادرکننده به اوراسیا هلند، چین، آلمان، ترکیه، ایتالیا، سوئیس و انگلستان هستند. این اتحادیه از لحاظ تولید انرژی رتبه اول استخراج نفت (۱۴/۵ درصد از جهان)، رتبه اول تولید گاز جهان (۲۰/۲ درصد از جهان)، رتبه چهارم تولید انرژی برق (۴/۹ درصد از جهان) را دارد، رتبه چهارم تولید آهن (۴/۷ درصد از جهان)، رتبه پنجم تولید فولاد (۵ درصد از جهان) را داراست و از لحاظ حمل و نقل رتبه سوم طول خط آهن (۸ درصد از جهان) را دارد. (www.tpo.ir).



نقشه ۱: رده بندی کشورهای عضو براساس تولید ناخالص داخلی



نقشه ۲: رده بندی کشورهای عضو براساس میزان جمعیت

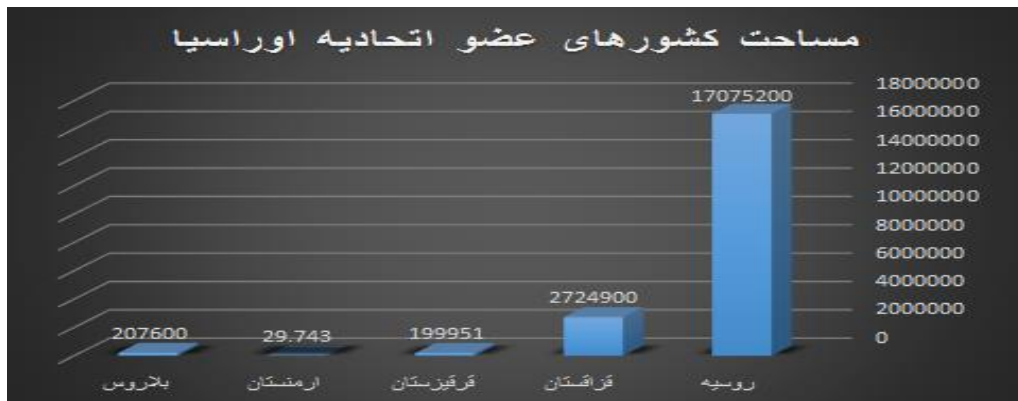


نقشه ۳: رده بندی کشورهای عضو براساس وسعت

جدول ۱: برآورد وضعیت کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا:

کشورهای عضو	جمعیت (میلیون نفر)	مساحت	GDP	اقلام عمده صادراتی	اقلام عمده وارداتی
روسیه	۱۴۴,۴	۱۷۰۷۵۲۰۰	۱۷۰۰ میلیارد دلار	نفت، گاز، چوب و مصنوعات آن، مواد شیمیایی	ماشین آلات و وسایل نقلیه، محصولات دارویی، پلاستیکی، کشاورزی
قزاقستان	۱۸,۱۶	۲۷۲۴۹۰۰	۱۷۰ میلیارد دلار	نفت خام، غلات، گاز طبیعی، اورانیوم طبیعی، سنگ مس، روی، نقره خام	ماشین آلات و تجهیزات، دارو، فرآورده‌های نفت و روغن، گاز طبیعی، سنگ سرب، مصنوعات آهن و فولاد
بلاروس	۹,۵	۲۰۷۶۰۰	۵۴,۴۴ میلیارد دلار	کودهای معدنی، تراکتور، شیر،	نفت، گاز، اتومبیل، محصولات از

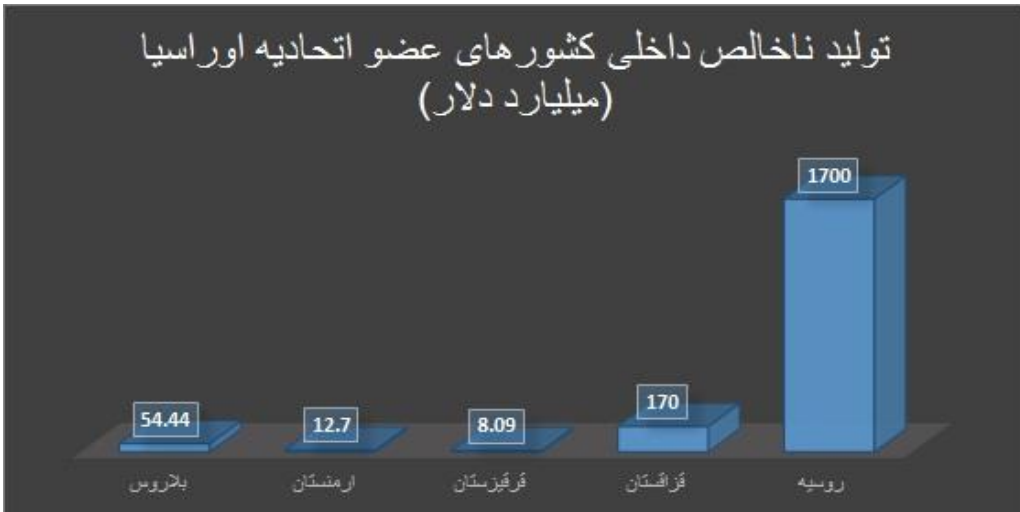
آهن و فولاد، دارو، تلفن، میوه	کره، پنیر، وسایل نقلیه موتوری، چوب و مبلمان				
گاز و نفت، ماشین الات و تجهیزات، مواد غذایی، داروهای ترکیبی، تجهیزات الکترونیکی، گندم و حبوبات	مواد معدنی، مواد غذایی، سنگ معدن، الکل، طلا، الماس، فویل آلومینیوم	۱۲،۷ میلیارد دلار	۲۹،۷۴۳	۳	ارمنستان
نفت، پارچه، البسه، کفش، دارو، لاستیک روی چرخ، شکلات	طلا و فلزات گرانبها، البسه و کفش، سبزیجات، آخال پنبه، قطعات وسایل نقلیه موتوری	۸،۰۹ میلیارد دلار	۱۹۹۹۵۱	۶،۳	قرقیزستان



نمودار ۱: رده‌بندی کشورهای عضو اتحادیه براساس مساحت



نمودار ۲: رده‌بندی کشورهای عضو اتحادیه براساس جمعیت



نمودار ۳: رده بندی کشورهای عضو اتحادیه براساس تولید ناخالص داخلی

۳-۴. مناسبات ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا

ایران در سال ۱۳۹۵ به کمیسیون اقتصادی اتحادیه اوراسیا پیشنهاد ایجاد یک منطقه آزاد تجاری میان ایران و این اتحادیه را مطرح کرد، پیشنهادی که از جانب اعضای آن نیز مورد استقبال قرار گرفت و طی دو سال مذاکرات متعدد و ارزیابی کمی و کیفی اقلام و میزان تعرفه ترجیحی آنها، بالاخره این موافقت‌نامه در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۷ در شهر آستانه قزاقستان به امضا رسید. براساس این موافقت‌نامه، ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا امتیازات گمرکی خاص دریافت کرده و کشورهای این اتحادیه هم این امکان را خواهند داشت تا حجم صادرات خود به ایران را تا ۷۵ درصد افزایش دهند، ایران نیز

می تواند با امتیازاتی که دریافت می کند، صادرات کالاهای خود را به مقصد پنج کشور اوراسیا تا چند برابر افزایش دهد. (ایرنا، ۱۳۹۸).

این موافقت نامه شامل ۸۶۲ قلم کالا است که ۵۰۲ قلم از آن ترجیحات اعطایی کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا به ایران است و ۳۶۰ قلم در ترجیحات اعطایی ایران به اتحادیه اوراسیا است. بر مبنای این موافقت نامه جمهوری اسلامی ایران طی سه سال آینده عضو اتحادیه خواهد شد (حافظ نیا، ۱۳۹۸).

۴-۳-۱. تجارت اتحادیه اوراسیا با جمهوری اسلامی ایران:

واردات و صادرات ایران به اوراسیا و بالعکس از سال ۲۰۱۳ تاکنون همواره دارای نوسان بوده اما میزان تجارت طی این سالها حجم قابل توجهی را نشان می دهد، بطور کلی میزان واردات و صادرات مذکور را می توان بصورت جدول زیر نشان داد:

جدول ۲: میزان تجارت ایران با کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا

(ارقام به میلیون دلار)

سال	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸
واردات اتحادیه از ایران	۷۲۷,۷	۶۷۵,۵۲	۵۳۵,۶	۵۲۵,۲	۶۴۸,۲	۹۱۸,۲
صادرات اتحادیه به ایران	۱۸۳۰,۸	۲۳۹۲,۶	۱۷۰۳,۶	۲۵۴۶,۴	۱۹۴۲,۴	۱۷۷۵,۲

(منبع: سازمان توسعه تجارت ایران)

جدول ۳: میزات تجارت ایران با اتحادیه اوراسیا پس از خروج آمریکا از برجام
(ارقام به میلیون دلار)

سال	آبان ۱۳۹۷ تا مرداد ۱۳۹۸	آبان ۱۳۹۸ تا مرداد ۱۳۹۹	درصد
واردات اتحادیه از ایران	۶۷۹	۸۲۳	+۰.۲۱٪
صادرات اتحادیه به ایران	۱۹۵۵	۱۹۶۷	+۰.۱٪
حجم تجارت	۲۶۳۵	۲۷۹۱	+۰.۶٪

(منبع: سازمان توسعه تجارت ایران)

یافته های جدول شماره سه نشان دهنده این امر است که پس از خروج آمریکا از برجام حجم مبادلات تجاری ایران و اتحادیه اوراسیا روند افزایشی داشته که این امر در خصوص واردات پررنگ تر است و با توجه به محدودیتهای ارزی کشور این یک نکته منفی به حساب می آید. مهم ترین اقلام صادراتی ایران به اوراسیا در سال ۲۰۱۸ (به میلیون دلار) را می توان به شرح جدول زیر ارائه نمود:

جدول ۴: ارزش اقلام صادراتی ایران به کشورهای عضو اتحادیه اورآسیا
به ترتیب ارزش

نوع کالا یا محصول	
پسته خندان	۱۴۶
گاز طبیعی	۹۴
کیوی	۷۵
کشمش	۴۴
خیار	۳۸
خرما مضافتی	۳۵
گوجه فرنگی	۳۵
خرما کلوته	۳۱
سیمان خاکستری	۲۹
جمع کل	

- ۱- پسته خندان ۱۴۶
- ۲- گاز طبیعی ۹۴
- ۳- کیوی ۷۵
- ۴- کشمش ۴۴
- ۵- خیار ۳۸
- ۶- خرما مضافتی ۳۵
- ۷- گوجه فرنگی ۳۵
- ۸- خرما کلوته ۳۱
- ۹- سیمان خاکستری ۲۹

مهم ترین اقلام وارداتی ایران از اتحادیه اوراسیا در سال ۲۰۱۸:

۱- اجزاء و قطعات نیروگاهی ۳۷۰ میلیون دلار

۲- جو پرک شده ۱۷۰

۳- ذرت دامی ۱۳۷

۴- روغن خام آفتابگردان ۸۹

۵- دستگاه کمک ناوبری ۶۶

۶- گوشت گوسفندی غیر منجمد ۵۷

روابط تجاری ایران با اعضای اتحادیه اوراسیایی به تفکیک کشورها
جدول ۴: مبادلات تجاری ایران و روسیه از سال ۲۰۱۳ لغایت ۲۰۲۰: (ارقام به

میلیون دلار)

سال	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	اکتبر ۲۰۱۸ تا آگوست ۲۰۱۹	اکتبر ۲۰۱۹ تا آگوست ۲۰۲۰
صادرات به روسیه	۴۰۵	۲۹۳	۲۱۲	۱۸۲	۲۸۲	۲۷۶	۴۴۱
واردات از روسیه	۷۹۰	۶۷۲	۵۶۰	۱۳۸۸	۷۰۵	۱۴۲۱	۱۶۱۱

(منبع: سازمان توسعه تجارت ایران)

اقلام عمده صادراتی ایران به روسیه در سال ۱۳۹۷: (ارقام به میلیون دلار)
 ۱- کیوی ۴۱ میلیون دلار ۲- گوجه فرنگی ۲۲ ۳- سیب درختی ۲۱ ۴- پسته ۲۰
 ۵- خیار ۱۴

اقلام عمده وارداتی ایران از روسیه: (ارقام به میلیون دلار)
 ۱- اجزاء و قطعات نیروگاه اتمی ۳۸۲ میلیون دلار ۲- روغن خام
 آفتابگردان ۲۰۹ ۳- ذرت دامی ۱۸۷ ۴- جو دامی ۱۵۵

جدول ۵: مبادلات تجاری ایران و جمهوری ارمنستان از سال ۲۰۱۳ لغایت ۲۰۲۰:

(ارقام به میلیون دلار)

سال	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	اکتبر ۲۰۱۸ تا آگوست ۲۰۱۹	اکتبر ۲۰۱۹ تا آگوست ۲۰۲۰
صادرات به ارمنستان	۱۰۸	۱۰۹	۱۱۲	۱۷۵	۱۷۴	۲۴۱	۲۷۵	۱۹۸
واردات از ارمنستان	۲۹	۱۵	۲۰	۱۷	۸۴	۲۶	۱۰	۱۲

(منبع: سازمان توسعه تجارت ایران)

اقلام عمده صادراتی ایران به جمهوری ارمنستان در سال ۱۳۹۷:

۱- گاز طبیعی مایع شده ۸۴/۸۷۰/۷۵۲ دلار ۲- متانول ۸/۶۵۸/۹۵۵ ۳- پسته ۶/۱۸۵/۰۸۹ قیر نفت ۸/۱۷۱/۴۹۳

اقلام عمده وارداتی ایران از جمهوری ارمنستان در سال ۱۳۹۷:

۱- لاشه و شقه بره، تازه یا سرد کرده ۷/۰۹۴/۷۵۹ ۲- لاشه و شقه حیوانات از نوع گوسفند ۶/۶۸۲/۰۷۹ ۳- محصولات از آهن یا فولاد غیر ممزوج ۱/۲۰۵/۶۲۹ ۴- چوب اره شده ۱/۶۲۲/۹۷۱

جدول ۶: مبادلات تجاری ایران با قزاقستان از سال ۲۰۱۶ لغایت ۲۰۲۰:

(ارقام به میلیون دلار)

سال	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	اکتبر ۲۰۱۸ تا اکتبر ۲۰۱۹	اکتبر ۲۰۱۹ تا اکتبر ۲۰۲۰
صادرات به قزاقستان	۱۷۳	۱۶۸	۱۳۱	۹۰	۱۲۸
واردات از قزاقستان	۲۱۱	۶۷	۸۷	۴۵۶	۳۰۱

(منبع: سازمان توسعه تجارت ایران)

اقلام عمده صادراتی ایران به قزاقستان در سال ۱۳۹۷:

- ۱- پسته فرآوری شده ۸/۰۲۵/۱۰۰ دلار ۲- خرما ۸/۰۴۱/۰۴۰ ۳- خرمای ربی ۸/۰۴۱/۰۹۰- سیمان پاکتی ۲۵/۲۳۲/۹۰۰

اقلام عمده وارداتی ایران از قزاقستان در سال ۱۳۹۷:

- ۱- جو دامی ۱۰/۰۳۹/۰۰۰ دلار ۲- گوشت گوسفندی غیرمنجمد ۲/۰۴۲/۱۰۰ ۳- دانه کلزا ۱/۲۰۵/۰۰۰ ۴- لاشه گوشت ۲/۰۴۱/۰۰۰

جدول ۷: مبادلات تجاری ایران و قرقیزستان طی سالهای ۲۰۱۴ لغایت ۲۰۲۰:

(ارقام به میلیون دلار)

سال	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	اکتبر ۲۰۱۸ تا آگوست ۲۰۱۹	اکتبر ۲۰۱۹ تا آگوست ۲۰۲۰
صادرات به قرقیزستان	۳۸	۲۲	۲۷	۳۹	۳۴	۳۳	۴۲
واردات از قرقیزستان	۴	۲	۳	۶	۱۱	۲۰	۵

(منبع: سازمان توسعه تجارت ایران)

اقلام عمده صادراتی ایران به قرقیزستان در سال ۱۳۹۷:

- ۱- پسته ۴/۸۰۳/۰۰۰ دلار ۲- رنگ روغن ساختمانی ۴/۰۰۸/۰۰۰ ۳- فرش ماشینی ۱/۸۹۸/۰۰۰ ۴- خرما ۱/۵۹۳/۰۰۰

اقلام عمده وارداتی ایران از قرقیزستان در سال ۱۳۹۷:

۱- گوشت گوسفندی ۵/۰۶۹/۰۰۰ دلار ۲- لوبیا قرمز ۳/۸۱۸/۰۰۰ ۳- لاشه گوشت ۱/۳۱۵/۰۰۰ ۴- لوبیا سفید ۳۳۶/۰۰۰

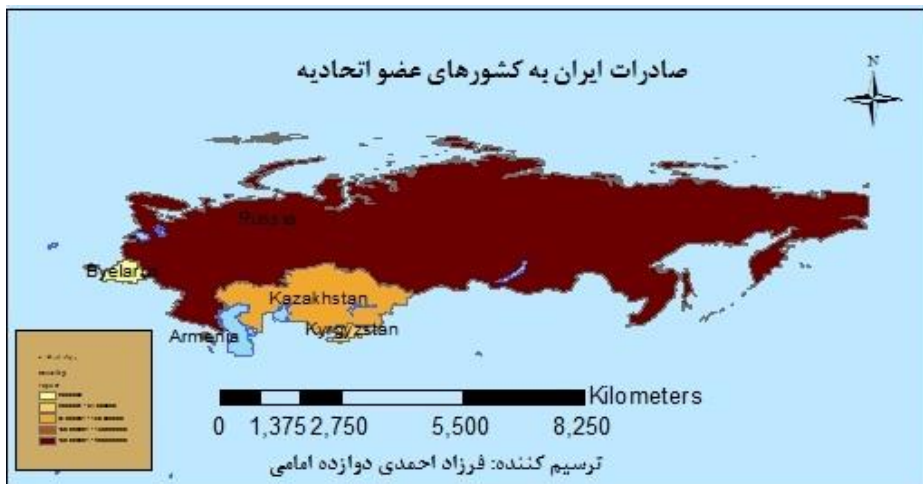
جدول ۸: مبادلات تجاری ایران و بلاروس طی سالهای ۲۰۱۵ لغایت ۲۰۲۰

(ارقام به میلیون دلار)

سال	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	اکتبر ۲۰۱۸ تا اکتبر ۲۰۱۹	اکتبر ۲۰۱۹ تا اکتبر ۲۰۲۰
صادرات به بلاروس	۴	۳	۲	۲,۳	۴	۱۲
واردات از بلاروس	۳۰	۲۶	۳۱	۲۷	۴۶	۳۶

(منبع: سازمان توسعه تجارت ایران)

۷- نتیجه گیری:



نقشه ۴: مهمترین بازارهای صادراتی ایران (بازارهای هدف)

پیوستن ایران به اتحادیه اوراسیا امکان دسترسی ایران به بازار اتحادیه را فراهم آورد و موجب افزایش صادرات غیرنفتی کشور خواهد شد، همچنین پیوستن ایران به این اتحادیه با ساز و کار ضد تحریمی آن برای ایران واجد اهمیت فراوان است. طبق آمارهای به دست آمده و بر اساس آمارهای گمرک جمهوری اسلامی ایران حجم تجارت ایران ب مجموع پنج کشور عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا قبل از تحریم ها در سال ۲۰۱۷ حدود ۲۵۹۰,۴ میلیون دلار بوده است که از این میزان بیشترین حجم تجارت با روسیه ۹۸۷ میلیون دلار بوده است و کشورهای بعدی ارمنستان با ۲۵۷، قزاقستان با ۲۳۵، قرقیزستان با ۴۵، و بلاروس با ۳۳، میلیون دلار به ترتیب بیشترین حجم تجارت خارجی با ایران را در سال ۲۰۱۷ داشته اند. اما بعد از تحریم ها از اکتبر ۲۰۱۹ تا

آگوست ۲۰۲۰ حجم تجارت خارجی ایران با اوراسیا ۲۷۹۱,۸ میلیون دلار بوده است که با رشد ۷,۷ درصدی مواجه بوده است و از این میزان بیشترین حجم تجارت با کشور روسیه به میزان ۲۰۵۳,۴۴ میلیون دلار و کشورهای قزاقستان ۴۲۹,۸۴، ارمنستان ۲۱۰,۸۱، بلاروس ۴۹,۴، و قرقیزستان ۴۸,۳۱ میلیون دلار بوده است. طبق این آمارها بیشترین رشد را بعد از تحریم‌ها روسیه با ۱۰۸ درصد، قزاقستان ۸۲ درصد، بلاروس ۴۸ درصد و قرقیزستان با ۶ درصد رشد داشته است اما میزان تجارت با ارمنستان بعد از تحریم‌ها با کاهش ۲۲- درصدی همراه بوده است که نشان‌دهنده آن است که تحریم‌ها در روابط دو کشور تاثیر گذار بوده است.

اتحادیه اقتصادی اوراسیا به عنوان یک بلوک ژئواکونومیک، با توجه به پتانسیلها و حجم فعالیت‌های اقتصادی خود، توان‌ها و پتانسیل‌های متنوعی را برای ایران در شرایط تحریم مهیا می‌کند، همچنین تجارت کشورهای عضو اتحادیه با ایران نیز فرصت‌های متقابل برای این کشورها فراهم می‌آورد. قرارداد تجاری میان ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا و رعایت مفاد آن طی ۳ سال آتی می‌تواند ایران را به این اتحادیه به عنوان عضوی رسمی نزدیک کند که نخستین تجربه ایران برای عضویت در یک بلوک اقتصادی منسجم بشمار می‌آید. این بلوک اقتصادی با توجه به بازار مصرف وسیعی که در اختیار دارد می‌تواند در آینده ای نه چندان دور کشورهای بیشتری را وارد تعاملات اقتصادی خود کند که در صورت تحقق آن موهبتی برای کشوری مثل ایران است که درگیر فضای تحریم‌های سنگین شده است. پیوستن ایران به این اتحادیه مزایا یا فرصت‌ها و تهدیداتی را پیشروی ایران قرار می‌دهد.

۷-۱ منافع:

۱- امکان تبادل منابع مالی خارج از سیستم سوئیفت این امکان را به ایران می دهد که از بلوکه شدن منابع مالی حاصل از تجارت خارجی خود با اعضای این اتحادیه جلوگیری بعمل آورد. البته باید یادآور شد حذف مبادلات مالی بر پایه دلار و جایگزینی ارزهای ملی (و در بلندمدت احتمالا پول واحد) به جای آن نیز در شرایط تحریمی برای ایران سودمند خواهد بود.

۲- عمدتاً کالاهای مورد مبادله که شامل ترجیحات اعطائی شده است در حوزه تحریم ها قرار ندارند و این مسئله به سهولت امر تجارت برای ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا کمک شایانی کرده و طرف معامله ایرانی نیز با نگرانی کمتری ناشی از تحریم ها می تواند اقدام به واردات و صادرات از ایران کند. این اقلام عمدتاً در حوزه کشاورزی است که بازار مصرف مناسبی در کشورهای عضو دارد و بدلیل تولیدات متنوع کشاورزی در ایران، این مورد را می توان فرصتی مناسب برای ایران دانست تا با در پیشگیری سیاست های حمایتی و مناسب از تولیدات داخلی ضمن تامین بازار مصرف داخلی بتواند درصدی از نیازهای کشورهای عضو اتحادیه را نیز تامین نماید.

۳- شکل گیری همگرایی اقتصادی ایران و اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا فرصتی مناسب برای رشد و توسعه بخش حمل و نقل ایران در زمینه ریلی و زمینی و هم در زمینه تجارت دریایی و هوایی فراهم می کند. این مورد را می توان یکی از الزامات تجاری خارجی موفق

نیز بحساب آورد چنانکه بدون داشتن یک سیستم حمل و نقل پیشرفته و کارا، عملاً تجارت خارجی با مصائب فراوانی روبرو خواهد شد.

۴- ایران به عنوان کشوری که عمدتاً از طرف جنوب خود تحت فشار مستقیم و غیر مستقیم آمریکا و متحدان منطقه‌ای قرار گرفته است می‌بایست از فرصت فراهم شده در پیوستن به این اتحادیه استفاده کند تا ضمن کاستن از فشارهای وارده، بتواند از شرایط مهیا شده نهایت استفاده را حاصل نموده و با سیاستگذاری درست و عمل به تعهدات خود، زمینه را برای ورود خود به سایر اتحادیه‌ها و همگرایی‌های منطقه‌ای مهیا کند و این مهم تحقق نخواهد یافت مگر با تجربه‌ای روشن از ورود ایران به اتحادیه اوراسیا.

۲-۷ تهدیدات:

۱- تردید در تاثیر قابل توجه بر گسترش روابط تجاری چند جانبه با اعضای اتحادیه، بدلیل ضعف بسترهای نیاز متقابل و مزیت‌های اقتصادی هم تکمیل طرفین از سویی، و داشتن کارکردهای اقتصادی مشابه و رقابتی بویژه در حوزه نفت و گاز از سوی دیگر (حافظ نیا، ۱۳۹۸)

۲- این اتحادیه عمدتاً روسیه محور است که این نیز خود معلول وزن ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی روسیه نسبت به سایر اعضای اتحادیه است. بدون شک روسیه از رهبری این اتحادیه به عنوان اهرمی برای افزایش وزن خود در مناسبات بین‌المللی و یافتن پایگاه‌های سیاسی-

اقتصادی-نظامی جدید استفاده میکند تا قدرت چانه زنی خود را در سطح جهانی و منطقه ای افزایش دهد.

۳- نکته دیگری که ذکر آن حائز اهمیت می نماید، این است که کشورهای عضو اتحادیه از نظر اقتصادی دارای تشابهات فراوانی هستند که کارکردهای آنها عمدتاً در بحث انرژی های فسیلی است، پس ایران اگر خواهان استفاده از شرایط بوجود آمده در دوران تحریم است باید ضمن توجه به نیازهای بازارهای هدف در کشورهای عضو، با سیاستگذاری های به جا و صحیح اقتصادی، تنوع در تولید محصولات متناسب با خواست و نیاز کشورهای هدف را در دستور کار قرار دهد، چون در غیر این صورت نه تنها فرصتی برای اقتصاد ایران در جهت بهبودی و کاستن از فشار تحریم داده نمی شود که می تواند تراز معاملات ایران را به نفع واردات سنگین کرده و ایران تبدیل به بازاری یکطرفه برای کشورهای دیگر شود.

۸- پیشنهادات:

در پایان ذکر این نکته ضروری می نماید ایران در صورتی می تواند از فرصت بدست آمده حداکثر استفاده را ببرد که:

۱- قوانین تجاری خود را منطبق با شرایط روز و فرصت بدست آمده اصلاح نماید تا ضمن جلوگیری از سردرگمی تجار داخلی، زمینه را برای عدم اعتماد طرفین مهیا کند.

۲- به زیرساختهای خود مخصوصاً در امر حمل و نقل توجه جدی مبذول دارد زیرا چنانکه گفته شد یکی از مهمترین ارکان

تجارت بین المللی برخورداری از سیستم حمل و نقل کارآمد است.

۳- بدون تردید استفاده و حمایت از ظرفیتهای بخش خصوصی، راهگشای تسهیل و رقابت پذیری برای مبادلات اقتصادی با اتحادیه خواهد شد.

با توجه به نکات گفته شده، ایران می تواند از ظرفیت های این اتحادیه برای افزایش وزن ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود بهره برداری کرده و متعاقبا به نقش منطقه ای خود نیرویی دو چندان دهد و ضمن کاستن از فشار تحریم ها، فرصت را برای جذب سرمایه گذاری خارجی فراهم آورده و با بهبود وضعیت اقتصادی زمینه کاستن از فشار بیکاری و افزایش کیفی محصولات که مقدمه ای برای ورود موفق به رقابت های اقتصادی با ملل دیگر است را فراهم نماید.

منابع

- استاذزاده، علی حسین (۱۳۹۷). تأثیر منفی انواع تحریم بر رشد اقتصادی ایران (راهکار مقابله با حدس استراتژی آمریکا در تحریم)، کنفرانس بین‌المللی اقتصاد جهانی و تحریم‌ها.
- اینانلو، اطهر (۱۳۹۸/۷/۸). پیوستن به اتحادیه اوراسیا؛ دروازه جدیدی برای اقتصاد ایران، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، کد خبر ۸۳۴۹۵۹۲۹ از <http://irna.ir/news/83495929>
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۹۶). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات پاپلی.
- حافظنیا، محمدرضا. (دی ماه ۱۳۹۸). ابعاد ژئوپلیتیکی روابط ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، مقاله منتشر شده در کنفرانس تخصصی اوراسیا، تهران-خانه اندیشمندان علوم انسانی.
- طغیانی، مهدی و همکاران (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر اقتصاد تحریم، تهران، به سفارش سازمان پدافند غیرعامل کشور، قرارگاه پدافند اقتصادی، تهران: نیلوفران.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۰). ژئوپولیتیک در قرن بیست و یکم، تهران: انتشارات سمت.
- کریمی‌پور، یدالله (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، انتشارات: جهاد دانشگاهی واحد خوارزمی، تهران، ایران.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۵). فلسفه و کارکرد ژئوپولیتیک، تهران: سمت.
- مهکویی، حجت و گودرزی، مهناز (۱۳۹۸). تأثیر اتحادیه‌ی اقتصادی اوراسیا بر موقعیت ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۲، شماره ۲، صص ۵۱۹-۵۳۸.
- میرفخرایی، سید حسن (۱۳۹۴). اتحادیه اقتصادی اوراسیا و الزامات ژئواکونومیک آن برای ایران، عاوم سیاسی: مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۳۲، ۱۴۴-۱۷۶.

- یلفانی، امیر، رضا کاظمی، فاطمه و مصدق، فاطمه (۱۳۹۵). بررسی اثرات و پیامدهای تحریم بر سرمایه‌گذاری خارجی در ایران و رابطه اقتصاد مقاومتی با کاهش اثرات منفی تحریم، مطالعات علوم انسانی، دوره ۲، شماره ۲، صص: ۱-۱۰.
- وب‌سایت سازمان توسعه تجارت ایران، <http://tpo.ir>.
- Eyler, R (2007), *Economic Sanctions International Policy and Political Economy at Work*, Palgrave Macmillan.

Geo-economical potential of the Eurasian Economic Union for Iran in sanction Situation

Abstract

The Eurasian Union, with an area of more than 20 million square kilometers and a population of 183 million people with a GDP of about \$ 5,000 billion, has the potential to mobilize regional dynamics based on geo-economic realities. In the current context of US sanctions against Iran, joining the union could provide a good opportunity for the Iranian economy to reduce some of the negative effects of US sanctions.

This research has been done by descriptive-analytical method, relying on library and documentary sources to evaluate the geo-economic potential of the Eurasian Union In the Orientation Iran's national interests to reduce the destructive effects of US sanctions. The article's main question is as follow: What are the opportunities and threats that the geo-economic potential of the Eurasian Union pose to Iran's national interests in the face of sanctions?

The main research hypothesis is: according to the quantity of intra-regional exchanges between EU countries, having the possibility to export competitive products by Iran, the Eurasian Union can reduce the destructive effects of US sanctions, opportunities such as achieving Include a model of minimizing sanctions on Iran by relying on regional initiatives based on the potential of the private sector.

Keywords: Eurasian Union, Geo-economics, Sanctions, Iran, National Interests.

نقش مناطق آزاد ایران با تکیه بر ژئواکونومیک در همگرایی منطقه‌ای

کبری قامتی مجرد؛ آرش قربانی سپهر^۲

^۱ کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده
مسئول)

Ghcobra_313@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
Std_ar.ghorbanisepehr@khu.ac.ir

چکیده

مناطق آزاد امروزه به عنوان موتورهای توسعه کشورها از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. از این‌رو، بسیاری از کشورها برنامه و سناریوهای بسیار ویژه‌ای برای این مناطق داشته‌اند تا بتوانند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های این مناطق، زمینه توسعه را ایجاد کنند. ایران کشوری در منطقه جنوب غربی آسیا است که دارای مناطق آزاد تجاری بسیاری می‌باشد که با داشتن همسایه‌های پُرشمار این مناطق آزاد می‌توانند به عنوان موتورهای توسعه کشور عمل نمایند که این نیازمند داشتن برنامه و سناریوهایی ویژه می‌باشد تا مسئولین بتوانند در راستای همگرایی منطقه‌ای و توسعه کشور، از این مناطق آزاد بهره‌گیرند. روش اصلی این تحقیق، با توجه به ماهیت نظری آن توصیفی-تحلیلی است. در این تحقیق برای گردآوری و فیش برداری آن از اطلاعات کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که مناطق آزاد ایران چگونه می‌توانند در راستای همگرایی منطقه‌ای ایفای نقش کنند. نتایج نشان از آن دارد، ایران با تکیه بر ظرفیت ژئواکونومی مناطق آزاد می‌تواند به نقش خود در همگرایی منطقه‌ای بپردازد. مناطق آزاد ایران با قرار گرفتن در مسیر کریدورهای ترانزیتی شمال، جنوب و در نتیجه برقراری ارتباط ترانزیتی با کشورهای روسیه، اروپای شرقی، مرکزی، شمالی، آسیای میانه و قفقاز از یک سو و آسیای جنوبی، جنوب شرقی، خاور دور، اقیانوسیه و کشورهای حاشیه خلیج فارس از طرف دیگر، می‌تواند به عنوان یک مزیت برجسته برای مناطق آزاد ایران که از موقعیت ارتباطی و مواصلاتی خوبی برخوردار است، استفاده نماید.

کلمات کلیدی: ایران، مناطق آزاد، همگرایی منطقه‌ای، موقعیت ژئواکونومیک.

۱- مقدمه

از قرن‌ها قبل کشور ایران به واسطه موقعیت ژئوپلیتیکی خود، نقش ارزنده‌ای در استراتژی‌های ژئوپلیتیک داشته و همواره در کانون توجه قدرت‌های جهانی بوده است. از این‌رو، کسب قدرت و بزرگی، چیزی دور از ذهن و غریب نمی‌باشد. اما ذکر این نکته ضروری است که، تاریخ ایران خود تا اندازه‌ای متأثر از عوامل ژئوپلیتیکی آن است: همسایگان، محورهای ارتباطی و مسیرهای هجوم بر مسائل سیاسی، نظامی، اقتصادی و قومی تاثیر مستقیم می‌گذارد و تجربه تاریخ نیز، در قالب‌ریزی آن خصوصیات که با اسامی گوناگون فرهنگ سیاسی یا خصوصیات ملی مشخص می‌گردد، تاثیر زیادی دارد. اگر نگاهی به وضعیت فعلی سطح بندی قدرت در منطقه جنوب غربی آسیا بیافکنیم متوجه برخی برتری‌های ایران در نزد همسایگان می‌شویم که البته این برتری به صورت بالقوه می‌باشند و برای بالفعل کردن آنها، شناخت مؤلفه‌ها و فرصت‌های پیش رو برای برنامه‌ریزی و بهره‌برداری نقش حیاتی دارد. مؤلفه‌های قدرت کشورها در دوره‌های زمانی مختلف دچار تغییر و دگرگونی شده‌اند و هر زمان به تناسب تحولات اجتماعی، اقتصادی و فن آوری این مؤلفه‌ها تغییر یافته‌اند (جان پرور و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۴).

طرح ایجاد مناطق آزاد تجاری-صنعتی در ایران برای اولین بار در اوایل دهه ۱۳۳۰ مورد توجه قرار گرفت. ولی ایجاد اینگونه مناطق به دلایل زیادی تا اواخر دهه ۱۳۶۰ اجرا نشد. به دنبال مصوبه‌ای که در سال ۱۳۶۸ در مجلس به تصویب رسید نخستین مناطق آزاد ایران در کیش، قشم، و چابهار تأسیس

شدند. با توجه به پتانسیل‌های ارتباطی، انرژی، مواد اولیه، نیروی کار، دسترسی به بازارهای مصرفی و... که ایران از آن برخوردار بود به تدریج مناطق آزاد دیگری در انزلی، اروند، ارس، ماکو ایجاد شدند. همچنین در راستای گسترش اینگونه مناطق، مناطق ویژه اقتصادی فراوانی نیز در کشور ایجاد شدند که منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس-عسلویه و منطقه ویژه اقتصادی سرخس از جمله مهمترین این منطقت هستند که می‌توانند به عنوان مکمل مناطق آزاد ایران در توسعه ژئواکونومیکی کشور نقش ایفا کنند (ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۸). قرار گرفتن ایران در کریدور بین‌المللی حمل و نقل شمال-جنوب، غرب، شرق و همچنین داشتن همسایگان متعدد، بخصوص در شمال مرزهای خود که در پی دستیابی به آب‌های گرم هستند و برخورداری از سایر امکانات و مواد اولیه، باعث شده که برخی از مناطق آزاد تجاری-صنعتی ایران در مسیرهای مزبور ایجاد شوند (عبدالله پور و زبینه کپته، ۱۳۹۷: ۱۶۵). به هر روی، امروزه سیاستمداران کشور از ظرفیت‌های مناطق آزاد در راستای همگرایی منطقه‌ای به درستی بهره لازم نبرده‌اند زیرا کشورهای همسایه ایران به این مناطق آزاد وابسته هستند که باید مسئولین دیدگاه و نگرش جدیدی نسبت به ظرفیت مناطق آزاد در راستای همگرایی منطقه‌ای داشته باشند. لذا، از آنجا که هدف اصلی در این پژوهش، ارزیابی مناطق آزاد ایران در همگرایی منطقه‌ای می‌باشد سعی خواهیم کرد تا جایگاهی که موقعیت ایران برای همگرایی منطقه‌ای می‌تواند ایجاد نماید، تحلیل نماییم.

به همین منظور، ابتدا مفاهیم و اهمیت موضوع مورد بررسی قرار داده، سپس به بررسی خصوصیات و عملکرد مناطق آزاد در همگرایی منطقه‌ای خواهیم پرداخت. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که مناطق آزاد ایران چگونه می‌توانند در راستای همگرایی منطقه‌ای ایفای نقش کنند. روش اصلی این تحقیق، با توجه به ماهیت نظری آن توصیفی-تحلیلی است. در این تحقیق برای گردآوری و فیش برداری آن از اطلاعات کتابخانه ای و اینترنتی استفاده شده است.

۲- مبانی نظری

در جغرافیای سیاسی و یا رشته‌های علوم سیاسی و مطالعات منطقه‌ای از منطقه به عنوان محدوده‌ای فراملی یاد می‌کنند که در برگیرنده چند کشور با خصلتهایی است که آن‌ها را به صورت یک منطقه در کنار یکدیگر گرد هم آورده است. حال می‌توان این تشکیل منطقه مبتنی بر منابع جغرافیایی قدرت و یا ایدئولوژیکی و... باشد. لذا، در جغرافیای سیاسی، منطقه به‌عنوان یک مقیاس جغرافیایی در نظر گرفته می‌شود که فراتر از مقیاس ملی و فروتر از مقیاس جهانی است. به‌طور کلی، بخش مهمی از رفتار بازیگران سیاسی، ساکنان واحدهای سیاسی (افراد) و برخی سازمان‌های فرو ملی، ملی و منطقه‌ای در چارچوب مقیاس منطقه‌ای صورت می‌پذیرد. مشترکات جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، طبیعی و اقتصادی این امکان را به کشورهای واقع در یک منطقه جغرافیایی می‌دهد که از امکانات خود با همکاری مشترک بهره ببرند و ضمن تأمین کمبود های یکدیگر، در زمینه‌های مختلف به سرمایه‌گذاری و تولید مشترک بپردازند. مقیاس

منطقه‌ای از چند جهت دارای اهمیت است: نخست، مقیاس منطقه‌ای یکی از مقیاس‌های عمده جغرافیایی و از نوع سرزمینی است که با گستره‌های متفاوت، موجودیت واقعی دارد. دوم اینکه، این سطح از مقیاس به دلیل میانجی بودن بین مقیاس مهم دولت - ملت و مقیاس جهانی دارای تعامل زیادی با دیگر سطوح مقیاس‌هاست و به‌نوعی می‌توان گفت که هویت آن عمدتاً منشعب از اهمیت مقیاس‌های جهانی و ملی است. مقیاس منطقه‌ای و شکل‌گیری نظام‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای در عصر جهانی‌شدن یکی از مقیاس‌های سیاسی - فضایی برجسته جهان معاصر به حساب می‌آید (ذکی و ولیقلی‌زاده ۱۳۹۲: ۱۱۸-۱۲۳). بنا به استدلال بارال، مجاورت جغرافیایی و یک تعامل وسیعتر بین حکومت‌ها و مردم آن‌ها به یک ناحیه - منطقه مشخص و متمایزی منجر می‌شود که مردم آن به تدریج به بازتعریف هویت جدید برای خود و به عنوان عضوی از آن منطقه در کنار آگاهی از هویت ملی خود مبادرت می‌ورزند. بنابراین روشن است که قرابت جغرافیایی و تشدید تعامل، متغیرهای اصلی و تعیین کننده در تعریف منطقه به‌شمار می‌روند. اما با این وجود، همکاری، منازعه و تعامل به نوبه خود در تعیین و تعریف منطقه به عنوان شاخصه‌های ارزشمند قابل توجه هستند (Baral, ۲۴۱: ۱۹۹۹). در حوزه ژئوپلیتیک بنظر می‌رسد دو عنصر اصلی یعنی «جغرافیا» و «رقابت قدرت‌ها»، پایه شکل‌گیری منطقه در ژئوپلیتیک است. از ویژگی‌های منطقه ژئوپلیتیک به مواردی چون:

- ۱- زیربنای جغرافیایی و سرزمینی،
 - ۲- موقعیت جغرافیایی (دسترسی) جذاب،
 - ۳- اهمیت اقتصادی،
 - ۴- رقابت برای کنترل و نفوذ،
 - ۵- پیشینه تاریخی اشاره کرد (حافظنیا و ربیعی، ۱۳۹۲: ۱۷-۱۸).
- در عصر حاضر ضعف و درماندگی سازمان‌های جهانی در حل مسائل بین‌المللی، کشورها را متوجه تشکیل سازمان‌های منطقه‌ای نمود تا بتوانند در کادر محدودتری، امنیت جمعی بهتر و همکاری‌های سیاسی و اقتصادی مؤثرتر با یکدیگر داشته باشند (موسی‌زاده، ۱۳۸۵: ۵۶-۵۵). به این ترتیب سازمان‌های منطقه‌ای گستره یک منطقه خاص را مورد پوشش قرار می‌دهند (طاهری مقدم، ۱۳۹۱: ۱۲). بر این بنیاد در یک مفهوم بسیار کلی، شاید بتوان گفت که سازمان‌های منطقه‌ای به ویژه برای توسعه همکاری گسترده در میان کشورها مناسب هستند، در حالیکه سازمان‌های جهانی برای برخورد با کشکش میان کشورها مزیت ویژه‌ای دارند. هرگاه هدف توسعه ارتباطی باشد که کشورها از طریق همکاری صمیمانه و فزاینده به هم پیوند می‌دهد به یکپارچگی‌شان منجر می‌گردد، محدود کردن تشکیلات به چند کشور دست‌چین شده - سطح منطقه‌ای ضروری به نظر می‌رسد (کلاد، ۱۳۸۲: ۱۲۸).

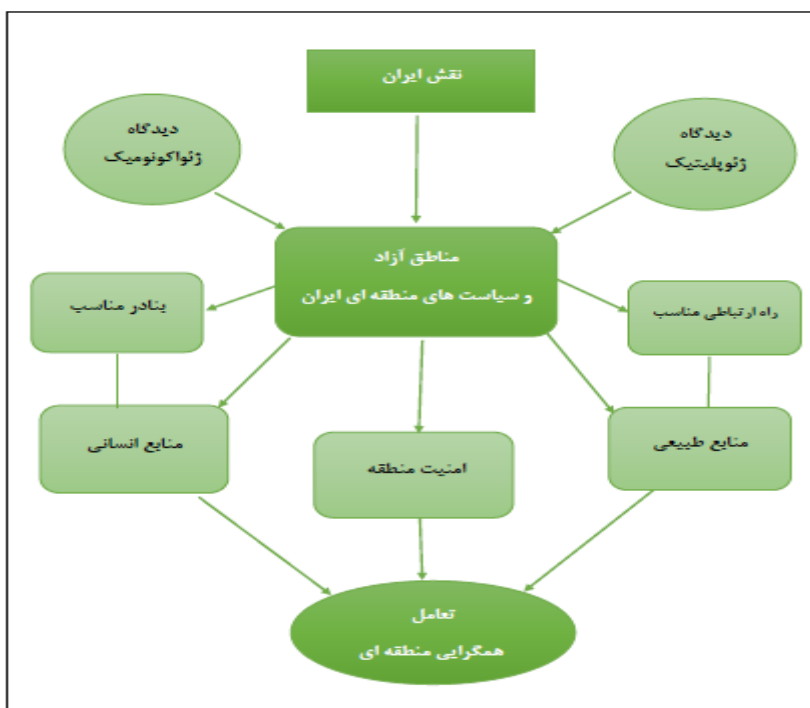
مسئله همگرایی از سال‌های میانی دهه ۱۹۵۰ میلادی و در چارچوب منطقه‌گرایی در اروپای غربی و به‌عنوان یکی از پرکاربردترین مفاهیم در مکتب لیبرالیسم در روابط بین‌الملل مورد استفاده قرار گرفته و از درون این مکتب و توسط نظریه‌پردازان شهیر آن همچون کارل دوئیچ، دیوید میترا نی و ارنست هاس و در قالب الگوهای نظری همچون فدرالیسم، رهیافت ارتباطات و کارکردگرایی، به ساحت اندیشه‌ای و نظری روابط بین‌الملل تسری پیدا کرده است (Michelmann, 1994: 14). از این‌رو، در سیاست بین‌المللی همگرایی فرآیندی شناخته می‌شود که طی آن واحدهای سیاسی به صورت داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به هدف‌های مشترک صرف نظر کرده و از یک قدرت فوق ملی (که همان نهاد یا سازمان بین‌المللی است) تبعیت می‌کنند. انگیزه اصلی دولت‌ها برای چنین همکاری‌های نزدیکی، دسترسی آنها به منافع و امکاناتی است که قبل از ورود به فرایند همگرایی دست یافتن به آن برایشان غیرممکن بود (قوام، ۱۳۷۰: ۲۲۲). بنابراین، همگرایی منطقه‌ای شیوه‌ای است که به غلبه بر جنگ و منازعه سیاسی، حل و فصل اختلافات دولت-ملت‌های رقیب و سوق دادن آنها به مسیر منافع مشترک معطوف می‌باشد. همگرایی منطقه‌ای فرایندی صلح‌آمیز و ارادی و داوطلبانه است، اما الزاماً فرایندی خطی نبوده و از الگوی واحدی پیروی نمی‌نماید. همگرایی با تعداد محدودی از کشورها آغاز و ممکن است به حوزه‌های جغرافیایی وسیعی گسترش یابد. تأمین مطلوب‌تر منافع دوجانبه و بین‌المللی دولت‌های عضو فلسفه وجودی همگرایی منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد (سلیمان‌پور و مولایی، ۱۳۹۱: ۵۱).

ژئواکونومیک مطالعه زیربناهای اقتصادی در محیط کشوری، منطقه‌ای یا جهانی در تصمیم‌گیری سیاسی و رقابت‌های قدرتی و اثرگذاری این عوامل در ساختار شکل‌گیرنده ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی است. نظام دگرگون‌شونده کنونی پس از گذشتن از مرحله پیگیری ایدئولوژی در هم‌آوردی‌های ژئوپلیتیک جهانی وارد دوران پست‌مدرن می‌شود که یکسره به کارکرد زیر بناهای اقتصادی در شکل‌دادن به نظام ژئوپلیتیک جهانی تعلق دارد و جهانی‌شدن اقتصاد بازار آزاد نظام جهانی پست‌مدرن را سبب می‌شود (مجتهد زاده، ۱۳۸۱: ۱۳۱). بدین ترتیب آنجا که انگیزه رقابت‌های قدرتی و اقتصادی است، ژئوپلیتیک قرائتی اقتصادی از شرایط ارائه می‌دهد و جنبه‌های ژئواکونومیک به خود می‌گیرد، چنانچه با آغاز جهانی‌شدن ژئوپلیتیک جنبه‌ای ژئواکونومیک به خود گرفت (همان، ۵۴). بنابراین در عصر جهانی‌شدن، منطقه‌گرایی نمودهای بیشتری یافته است و سازمان‌های منطقه‌ای و بیشتر مناطق ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک جهان شکل‌گرفته‌اند. در هزاره سوم، آهنگ جهانی‌شدن سریع‌تر از گذشته در مسیر یکپارچگی دنیا در حرکت است و اقتصادهای ملی برای بقا و آمادگی در رقابت جهانی به گروه‌بندی منطقه‌ای پناه آورده‌اند. از آنجا که کشورهای جهان به تنهایی همه عوامل تولید را در اختیار ندارند، بنابراین کشورها با هدف دستیابی به آرمان‌هایی که بدون همکاری جمعی امکان‌پذیر نیست، تلاش می‌کنند تا با تشکیل سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای سبب رونق اقتصادی خود و تکمیل چرخه تولید در منطقه جغرافیایی شوند (امیدی، ۱۳۸۵: ۱۲۵). بدین ترتیب پیمان‌های منطقه‌ای در آینده خواهند توانست نقش بیشتری در شکل‌گیری

فرایندهای همگرایی اقتصادی، سیاسی و امنیتی در مقیاس‌های جغرافیایی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا نمایند.

مناطق آزاد، قلمرو معینی از سرزمین اصلی است که در آن تجارت آزاد با سایر نقاط جهان با قوانین خاص و متفاوت از سرزمین اصلی مجاز شناخته شده است. این مناطق با ایجاد مشوقها و معافیت‌های متنوع سعی دارند که سرمایه‌گذاری خارجی را جذب و آن را در تولید کالاهای صادراتی مورد استفاده قرار دهند. سپس با صادرات این کالاها کشور از آثار و مزایای مثبت صادرات و تجارت نظیر ایجاد اشتغال، رشد اقتصادی، توسعه شهری و منطقه‌ای و... برخوردار نمایند (فرشیدی، ۱۳۹۰: ۴). در ایران نیز از دهه ۱۳۳۰ اندیشه تاسیس و راه اندازی مناطق آزاد شکل گرفت. در آن سال‌ها با توجه به وجود مشکلات ناشی از فقدان تسهیلات و تأسیسات مورد نیاز برای نگهداری کالاهای وارده به کشور، در بنادر جنوبی ضرورت ایجاد مناطق آزاد در کشور احساس می شد. با وقوع انقلاب اسلامی ایران، جزیره کیش به عنوان اولین منطقه تجارت آزاد ایران تعیین و در سال ۱۳۶۸ براساس برنامه پنج ساله اول توسعه به دولت اجازه داده شده تا در سه نقطه مرزی کشور اقدام به تأسیس مناطق آزاد تجاری صنعتی کند (احمدپور رودسری، ۱۳۹۷: ۱۴).

شکل ۱: مدل مفهومی: مناطق آزاد و سیاست‌های منطقه‌ای



ایران (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹)

۳- یافته‌های تحقیق

جمهوری اسلامی ایران به لحاظ جغرافیایی در آسیای جنوب غربی که منطقه و محدوده توسعه ایران در سند چشم انداز افق ۱۴۰۴ هجری شمسی ایران ۲۰ ساله می‌باشد قرار گرفته است که شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه کوچک، خلیج فارس و شبه قاره، افغانستان و پاکستان است. قرار گرفتن ایران در این منطقه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک از جهان که محل تلاقی و راه ارتباطی اروپا به جنوب و جنوب شرق آسیا و جنوب شرق آسیا محل زندگی بیش از یک سوم جمعیت جهان و پل ارتباطی میان سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا می باشد و امکان دسترسی کشورهای تازه استقلال یافته به آب‌های آزاد از طریق ایران را فراهم می‌سازد. حساسیت‌های امنیتی- سیاسی حاکم بر منطقه به ویژه نزدیکی جغرافیای ایران به اسرائیل غاصب که امنیت آن به لحاظ استراتژیکی برای امریکا از اهمیت زیادی برخوردار است و همچنین موقعیت ژئواستراتژیک جمعیت کمی و کیفی سرزمینی، منابع سرشار انرژی، و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل رشد و توسعه ایران، ایران را به مرکز ثقل اهرم سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ قرار داده است به حدی است که حتی بی‌طرفی ایران در خصوص مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی برای قدرت‌های بزرگ رضایت بخش و قانع کننده نباشد. بر این اساس، با توجه به

اینکه ایران در این منطقه حساس جهانی دارای نقش و موقعیت حساسی است که امریکا در عرصه سیاست های استراتژیک خود در قبال خاورمیانه نمی‌تواند آن را مد نظر قرار ندهد، رفتار امریکا با ایران و قرار دادن ایران در محوریت شرارت از یک طرف و انتقال خط مهار ایران توسط امریکا از البرز به منتهی‌الیه زاگرس و در نهایت تکمیل محاصره ایران از جهات شمال و جنوب و قرار دادن ایران در حلقه انگشتی متحدان خود بسیار قابل ملاحظه و تأمل است. از این‌رو، به دلیل ضعف ساختار اقتصادی کشورهای منطقه، به خصوص کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و عدم توانایی لازم برای همراهی با فرآیند جهانی شدن، سرمایه‌گذاری ایران در این منطقه موجب تأمین منافع ملی این کشور خواهد شد (جان پرور و قربانی سپهر، ۱۳۹۶: ۱۱). پس از فروپاشی شوروی و از میان رفتن مرکزیت سیاست خارجی امریکا در بلوک شرق موضوعاتی مانند بروز شکاف میان امریکا و شرکای استراتژیک آن، رویکرد مخالف جویانه چین، ناتوانی امریکا از کنترل تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، گرایش روسیه به اقتدارگرایی، تقلیل جایگاه بی‌همتایی اقتصادی، اطلاعاتی و نظامی و همچنین ناتوانی امریکا از ارتقای آزادی همگی باعث شده که امریکا در سیاست خارجه خود تجدیدنظر کرده و منافع خود را در تعیین اولویت‌های سیاسی خارجی جدید به منطقه آسیای غربی به ویژه کشور ایران متمرکز کند. سرمایه‌گذاری‌های طولانی مدت کشورهای قدرتمند در سال‌های اخیر به ویژه امریکا و قلع و قمع مبارزان فلسطینی با دستان رژیم سر سپرده و نامشروع اسرائیل بدان جهت صورت می‌پذیرد که ایران دارای موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک بالایی می‌باشد. نظر به این که

ملاک قدرت در قرن ۲۱ توانمندی اقتصادی در سطح بین‌الملل است، خاورمیانه و به ویژه منطقه خلیج فارس به دلیل داشتن این توانمندی از مناطق مهم ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک خواهد بود. طبیعی است ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای منطقه در قرن ۲۱ از لحاظ راهبردی و اقتصادی از اهمیت زیادی برخوردار است. بدیهی است دستیابی به جایگاه هژمونیک و ایفای نقش موثر در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه همواره یکی از اهداف سیاست خارجی ایران بوده است. وابستگی پایه‌های اصلی اقتصاد کشورهای توسعه یافته بر انرژی نفت و گاز و نیازهای جهانی به ذخایر معدنی و هیدروکربونی موجود از یک طرف و قرار گرفتن ایران در مرکز بیضی استراتژیک هیدروکربونی جهان در خاورمیانه و آسیای میانه که منبع اصلی تغذیه انرژی جهان به شمار ی‌د و بخش قابل توجه منابع نفت و گاز جهان را در خود جای داده است. از طرف دیگر موقعیت ایران از لحاظ دسترسی و تسلط بر منابع نفت و گاز و راه‌های انتقال آن منحصر به فرد می‌کند. وجود منابع عمده انرژی و نفت در خاورمیانه موقعیت ایران را به حدی ارتقاء بخشیده است که با اکثر کشورهای همسایه دارای علایق مشترک ژئوپلیتیک می‌باشد. خطوط لوله انتقالی از مسیر ایران به غرب به مقصد اروپا و جنوب خلیج فارس به عنوان کوتاه‌ترین، امن‌ترین و اقتصادی‌ترین مسیرهای مطرح، اگر چه با ممانعت‌های امریکا مواجه شد اما هیچ‌گاه از موقعیت حساس و ژئوپلیتیک ایران نکاسته است.

در هر حال ایران برای منطقه محصور در خشکی آسیای مرکزی، یک کشور ترانزیتی مطلوب است که می‌تواند تولیدات نفت و گاز قزاقستان و ترکمنستان را به بهترین شکل به دریای آزاد برساند و با وجود تلاش دولت امریکا برای نادیده گرفتن این ویژگی و سیاسی کردن راه انتقال نفت و گاز هنوز ایران به عنوان امن ترین، اقتصادی ترین و کوتاه ترین مسیر برای انتقال منابع انرژی به آب‌های آزاد مطرح است. (شهاب فهیم دانش، ۱۳۸۴). بنابراین، ایران حاکمیت ۵۰٪ یکی از مهمترین تنگه‌های بین‌المللی یعنی تنگه هرمز را دارا است که نبض خلیج فارس را در دست دارد. از نظر جغرافیایی اصولاً خلیج فارس یک دریای عمیق نیست و جالب آنکه عمیق‌ترین قسمت آن نیز که جهت کشتیرانی و به ویژه حمل و نقل کشتی‌های بزرگ مناسب می‌باشد، تقریباً در محدوده‌ی متعلق به ایران واقع شده است. در خصوص کشتیرانی در خلیج فارس و اهمیت جزایر ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک در این میان باید اشاره کرد که به علت عمق کم آب در تمام نقاط تنگه هرمز که از رأس منسدم تا بندرعباس امتداد دارد کشتی‌های بزرگ قادر به عبور نبوده و مجبور هستند از ناحیه‌ی محدودی که معادل ۱۰ کیلومتر است و عمق آب جهت عبور آنها کافی است، حرکت نمایند. در قسمت شمال این معبر جزایر ایرانی قشم، هرمز و لارک قرار دارند. علاوه بر این، در ابتدای این راه عبور، کشتی‌های بزرگ جنگی و نفت کش‌ها مجبور هستند از کنار جزایر ایرانی تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی و... عبور کنند. با این وجود باید مهم‌ترین دلیل اهمیت جزایر سه گانه را در مباحث نظامی جستجو کرد. این دو جزیره‌ی تنب بزرگ و کوچک به همراه ابوموسی بخشی از سیستم دفاعی و

حفاظتی تنگه‌ی هرمز و کرانه‌های جنوبی کشور را تشکیل می‌دهند و به علاوه موقعیت جغرافیایی آنها در عمق آب‌های خلیج فارس و همچنین در داخل دو کریدور رفت و برگشت طرح تفکیک تردد بین‌المللی کشتی‌ها، از اهمیت استراتژیک خاصی برخوردار نموده است. (شهاب فهیم دانش، ۱۳۸۴: ۲۶-۲۷).

۳-۱- ژرفای ژئوپلیتیکی جنوبی ایران و تجارت از جنوب به شمال در جنوب، نقش‌آفرینی ایران برای دورانی دراز دستخوش اثرگذاری اختلافات گسترده سیاسی و جغرافیایی با همسایگان عربش بوده است که از آن میان اختلافات سرزمینی و مرزی دراز مدت با عراق و مساله ادعاهای امارات متحده عربی نسبت به جزیره‌های ایرانی تنب و ابوموسی مهمترین بوده است. امنیت در خلیج فارس از آغاز قرن نوزدهم به صورت یک مسؤولیت انگلیسی در آمد که به صورت یک استراتژی حساب شده، قبایل تابع ایران و سرزمین‌های آنان را به امارات عربی تحت‌الحمایه بریتانیا تبدیل کرد. بدیهی است که به سرانجام رساندن این پروسه مستلزم ایجاد اختلافات سرزمینی و مرزی میان ایران و همسایگان عربش بود تا امکان پیشرفت سیاست "تفرقه بیانداز و حکومت کن" فراهم شود.

پس از اعلام ژانویه ۱۹۶۸ سیاست انگلیسی خروج از خلیج فارس تا انتهای سال ۱۹۷۱، دوران امنیت ایرانی در خلیج فارس آغاز شد. در این دوران ۱۰ ساله که در سال ۱۹۸۱ با ورود و استقرار نظامی ایالات متحده امریکا در این منطقه پایان گرفت، ایران توانست همه مسائل و اختلافات سرزمینی و مرزی میان خود و کشورهای عربی همسایه را حل و فصل نماید و توانست به حل مسائل و اختلافات سرزمینی و مرزی میان همسایگان عربی در خلیج فارس کمک کند. در این راستا مرزهای دریایی ایران و عربستان سعودی در سال ۱۹۶۸، ایران و قطر در سال ۱۹۶۹، ایران و بحرین در سال ۱۹۷۲، ایران و عمان در سال ۱۹۷۵ تبیین و تعیین شدند. مرزهای ایران و عراق در شط العرب در سال ۱۹۷۵ تبیین و تثبیت شدند در حالیکه طی قرارداد ۱۹۷۱ مرز ایران و شارجه (امارات متحده عربی) در اطراف جزایر تنب و ابوموسی مشخص شد. همچنین مرزهای دریایی عربستان سعودی و بحرین در سال ۱۹۵۹، قطر و ابوظبی در سال ۱۹۶۹ تعیین شده به اضافه توافقی‌های رسمیت نیافته مرزی دریایی میان ایران و کویت از سال ۱۹۶۰ و ایران و دوبی و ایران و ابوظبی در سال ۱۹۷۴ و توافقی‌های حاصله میان بحرین و قطر در نتیجه رای ۲۰۰۱ دادگاه بین المللی (مجتهدازده، ۱۳۹۸).

در همان حال، ایران می‌تواند راه ایجاد ارتباطی مستقیم به خزر - آسیای مرکزی را برای کشورهای عربی تولید کننده نفت در خلیج فارس و دریای عمان هموار سازد: کشورهایی که ممکن است به درستی تصمیم گیرند منافع ملی خود را در منطقه‌ای همسایه پیگیری کنند که گمان می‌رفت در بازارهای جهانی گسترنده، رقیب منطقه آنان شود. کشور عمان در حال حاضر سرگرم توسعه سریع و گسترده بندر صحار، پایتخت باستانی آن کشور است که در دوران اقتدار ایران "اومانا" خوانده می‌شد و نام کشور کنونی عمان از آن آمده است. توسعه صنایع فولاد و آهن در این بندر آزاد بر اساس برنامه‌های پیش بینی شده عمان را از راه بندر جاسک به بازارهای آسیای مرکزی خواهد رساند. همین پس کرانه‌ها ایرانی مکران در دریای عمان می‌تواند به عنوان پل سرزمینی ارتباط دهنده آسیای مرکزی به اقیانوس هند، در گسترش تلاش‌های بازرگانی هندوستان در آن منطقه نقشی محوری داشته باشد. بازرگانی دریای هندوستان، در حال حاضر، از بندرهای گرجستان و اوکراین استفاده می‌کند به اضافه پیمودن صدها کیلومتر راه خشکی در روسیه تا بتواند به آسیای مرکزی دسترسی یابد. ایران پیشنهاد کرده بود که هندوستان هزینه تاسیس هفتصد کیلومتر راه آهن ارتباط دهنده بافق به مشهد را، برای دسترسی مستقیم به آسیای مرکزی، تأمین نماید. دسترسی مستقیمی که می‌تواند مسیر آسیای مرکزی - اقیانوس هند را صدها کیلومتر کوتاه‌تر سازد. این اقدام می‌توانست شبه قاره هند را در آسیای مرکزی از امتیاز ویژه‌ای نسبت به رقیبانش برخوردار سازد. نمایندگان هندوستان و ترکمنستان در تاریخ ۲۲ فوریه ۱۹۹۷ یک قرارداد ترانزیت سه جانبه را با ایران امضاء کردند،

این قرارداد استفاده هندوستان از امکانات جغرافیایی ایران برای دسترسی به آسیای مرکزی را آسان ساخت. کنفرانس سران اکو (سازمان همکاری اقتصادی) در اطلاعیه پایانی خود در تاریخ ۱۴ می ۱۹۹۷ نیز احتمال تاسیس لوله های نفتی از راه ایران را مورد توجه قرار داد (مجتهدزاده، ۱۳۹۸).

۳-۲- موقعیت ژئوپلیتیک ایران در همگرایی آسیای مرکزی و کشورهای حاشیه خلیج فارس

ارتباط کشورهای آسیای مرکزی با خلیج فارس و همچنین برقراری رابطه تجاری بین شرق آسیا و کشورهای اروپایی، از طریق ایران بسیار مقرون به صرفه است به نحوی که بسیاری از این کشورها به دنبال آن هستند تا چنین روابطی را از طریق ایران برقرار کنند. این رویکرد موقعیت ژئوپلیتیک ایران در همگرایی منطقه آسیای مرکزی و کشورهای حاشیه خلیج فارس به خوبی نشان می دهد.

ایران با توجه به توانمندی ها و پتانسیل های اقتصادی، فرهنگی، نظامی، جغرافیایی و در یک کلمه واقعیت های ژئوپلیتیکی، از کشورهای بسیار مهم منطقه به حساب می آید. ایران با توجه به موقعیت های ارتباطی در کانون راه های ارتباطی و مواصلاتی اوراسیا واقع شده است. این گستره جغرافیایی برای پیوندهای جغرافیایی میانی و به عبارتی هارتلند اوراسیا با پهنه آب های آزاد و دنیای خارج از موقعیت ویژه ای برخوردار است (ولی قلی زاده و ذکی، ۱۳۸۷: ۲). علاوه بر آن، ایران، به دلیل موقعیت خاص خود با مناطق جغرافیایی مهمی در جهان همجوار است یا در درون بعضی از این مناطق

حساس قرار دارد که این امر بر اهمیت ژئوپلیتیکی ایران می‌افزاید. امروزه آسیای مرکزی به عنوان یک حوزه ژئوپلیتیک در جهان مطرح می‌باشد، که از بعضی جنبه‌ها دارای اهمیت خاص در مطالعات ژئوپلیتیکی است. این حوزه از لحاظ اقتصادی به دلیل وجود منابع عظیم انرژی (نفت و گاز در نقطه مهم و حساس دریای خزر قرار دارد. بازار بکر کشورهای حوزه آسیای مرکزی برای فروش کالا، می‌تواند اهمیت این حوزه را برای کشورهای همسایه آن، بخصوص ایران (به دلیل وجود مرزهای طولانی خشکی و دریایی با بعضی از این جمهوری‌ها) و خلیج فارس داشته باشد. کشورهای این حوزه به دلیل محصور بودن در خشکی از آنتروپی بالایی برخوردارند و به دلیل فقدان توسعه یافتگی در اقتصاد و به دلیل شرایط بازمانده از دوران کمونیستی که منجر به تک محصولی شدن اقتصاد کشورهای این حوزه در آن دوران شده بود، برای توسعه اقتصادی و صادرات و واردات به کشورهای همسایه خود وابستگی جغرافیایی دارند که ایران به عنوان کوتاه‌ترین و امن‌ترین و از لحاظ اقتصادی به صرفه‌ترین مسیر ترانزیتی برای این کشور به سمت دریاهای آزاد، دریای عمان و خلیج فارس محسوب می‌شود.

از سوی دیگر، حوزه خلیج فارس به عنوان یک حوزه پویا و پراهمیت در ابعاد ژئواکونومیکی و ژئواستراتژیکی دارای ژئوپلیتیک منحصر به فرد خود می‌باشد. این دو حوزه ژئوپلیتیکی منطقه آسیای مرکزی و منطقه خلیج فارس، هر دو دارای پتانسیل‌های بالقوه‌ای در شکل‌دهی به یک ساختار ژئوپلیتیکی جدید با محوریت ایران را دارد که علاوه بر راه حل بعضی از نارسایی‌های جغرافیایی ناشی از جبر جغرافیایی حاکم بر دو منطقه، توانایی نقش‌آفرینی مؤثر در نظام

بین‌الملل به منظور دستیابی به اهداف سودبخش برای ایران و کشورهای حوزه آسیای مرکزی و خلیج فارس می‌باشد (محرابی، عابدینی، ۱۳۹۲: بنابراین، ایران به‌عنوان مهمترین کشور این منطقه و به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی و کلیدی در وقایع مهم انرژی منطقه شناخته می‌شود. بنابراین، می‌توان چنین استدلال نمود که ایران علاوه بر اعتبار ژئوپلیتیکی دارای ارزش و قابلیت‌های منحصر به فردی در ژئواکونومی نیز می‌باشد. کشور ایران همواره جایگاه ممتازی در منطقه داشته است. این کشور به همراه عراق، کویت و عربستان سعودی دارای غنی‌ترین ذخایر گاز و نفت در منطقه خلیج فارس و قزاقستان و ترکمنستان در دریای خزر هستند، واقع شدن در حاشیه تنگه هرمز به طور متوسط در هر ۱۲ دقیقه یک کشتی نفت کش از تنگه هرمز عبور می‌کند و در مجموع ۴۰ درصد از نفت مصرفی کشورهای جهان از این تنگه عبور می‌نماید. حاشیه شمالی این تنگه در اختیار ایران است و سواحل جنوبی آن تحت حاکمیت دولت عمان قرار دارد، از آنجایی که عمان حضور چندانی در خلیج فارس ندارد ایران به‌عنوان تنها تامین‌کننده امنیت در منطقه مزبور است و از اهمیت شایانی برخوردار می‌باشد. وضعیت توپوگرافی سواحل ایران در خلیج فارس به نحوی است که سرتاسر سواحل برای اجرای عملیات (آبی خاکی) مساعد می‌باشد (عزتی، ۱۳۸۷: ۷). همچنین ایران با موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ویژه‌ای که برای منطقه محصور در خشکی آسیای مرکزی دارد، یک کشور ترانزیتی مطلوب است و می‌تواند تولیدات نفت و گاز قزاقستان و ترکمنستان را به بهترین شکل به دریای آزاد و حتی از طریق ترکیه به اروپا برساند (مختاری هشی، ۱۳۸۹: ۱۱۵). موقعیت خاص

ژئوپلیتیکی ایران به گونه‌ای است که با عبور لوله‌های نفت و گاز از خاک ایران، منجر به گسترده شدن همکاری‌های ژئواکونومیک این کشور با جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز باشد که همکاری‌های بخش انرژی، همکاری‌های اقتصادی را به دنبال دارد که نهایتاً منجر به یکپارچگی ژئوپلیتیکی ایران با حوزه خزر خواهد شد. همچنین تأکید بر همکاری‌های انرژی، اقتصادی و هماهنگی‌های وسیع سیاسی می‌تواند زمینه‌ساز اعتمادسازی‌های عمیق در منطقه شود (سریع القلم، ۱۳۸۷: ۳۵).

کشورهای حاشیه خلیج فارس و ایران می‌توانند با تلاش و پیگیری‌های سازنده، با گفتمان و تعامل بر حسب نیازهای خود و منطقه فصل نوینی از ساختار امنیتی در منطقه را رقم بزنند که کاهش حضور نظامی آمریکا و افزایش اعتماد سازی بین کشورهای منطقه را به دنبال داشته باشد (Frederic Wehrey & Richard Soklisky, 2015:3).

گفتمان منطقه‌ای می‌تواند دنباله رو کنفرانس صلح مادرید در سال ۱۹۹۱ باشد. در این کنفرانس با حضور اکثر کشورهای عرب خاورمیانه حول مسائل و مشکلات منطقه‌ای از جمله معضل آب، محیط زیست و توسعه اقتصادی طی نشست‌های تخصصی، مذاکرات چندجانبه‌ای به عمل آمد. هرچند که این کنفرانس ناکام ماند اما حداقل در آن برهه از زمان شرایط گفتمان و تفاهم بین کشورهای منطقه فراهم آمده بود البته باید یادآور شد که ایران و عراق در مذاکرات کنفرانس مادرید شرکت نکردند این در حالی است که موفقیت مذاکرات برای دستیابی به نتایج ملموس مستلزم مشارکت فعال تمامی کشورهای منطقه می‌باشد (طالقانی، ۱۳۹۴: ۱).

۳-۳- موقعیت جغرافیایی و ارتباطی مناسب ایران در نقش آفرینی همگرایی منطقه‌ای

ترانزیت از طریق ایران با توجه به موقعیت راهبردی و ترانزیتی این کشور، می‌تواند فرصت‌ها و مزیت‌های زیادی را برای ترانزیت منطقه در پی داشته داشته باشد. البته بهره برداری از این مزیت‌ها و فرصت‌ها و برقراری ارتباط حمل و نقلی با کشورهای هدف می‌تواند نقش برجسته‌ای در تسهیل تجارت میان آسیا و اروپا و کشورهای منطقه و توسعه ترانزیت ایفا نماید. در مجموع مزیت‌های ترانزیت از طریق قلمرو ایران عبارتند از: قرار گرفتن در مسیر کریدورهای ترانزیتی شمال - جنوب، در نتیجه برقراری ارتباط ترانزیتی کشورهای روسیه، اروپای شرقی، مرکزی، شمالی، آسیای میانه و قفقاز از یک سو و آسیای جنوبی، جنوب شرقی، خاور دور، اقیانوسیه و کشورهای حاشیه خلیج فارس از طرف دیگر، می‌تواند به عنوان یک مزیت برجسته برای بنادر ایران قلمداد شود و به واسطه کوتاهی مسیر و آماده سازی امکانات و زیر ساخت‌ها فراهم آوردن تسهیلات گسترده در بخش‌های مختلف حمل و نقلی، مسیر ایران از جذابیت‌های فراوانی برای ترانزیت کالا در چارچوب کریدورهای منطقه ای برخوردار است. بنادر شهید رجایی، امیر آباد و انزلی از جایگاه ویژه‌ای در مسیر ترانزیتی کریدور شمال - جنوب برخوردارند و علاوه بر بنادر فوق، بنادر دیگری چون شهید باهنر، بوشهر، لنگه، چابهار، امام خمینی، و بندر نوشهر نیز از توانمندی‌های نقش آفرینی برخوردارند. همچنین قرار گرفتن در مرکزیت جغرافیایی کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو)، این فرصت را برای ایران فراهم آورده است تا ضمن ایفای نقش فعال در

برقراری ارتباط تجاری و اقتصادی میان کشورهای عضو اکو بتواند در چارچوب همکاری‌ها و موافقت‌نامه‌های مختلف تجاری، در زمینه ترانزیت کالاهای صادراتی و وارداتی کشورهای عضو نیز به ایفای نقش بپردازد. گستردگی بازار و دارا بودن جمعیت فراوان، وجود منابع زیرزمینی سرشار و قرار گرفتن در مسیر راه‌های ترانزیتی و تجاری از ویژگی‌های بارز اکثر کشورهای عضو اکو می‌باشد. تعداد زیادی از کشورهای عضو این سازمان، محصور در خشکی‌اند و به منظور توسعه مبادلات بازرگانی خویش نیاز به بهره‌برداری از توانمندی‌های ترانزیتی سایر اعضا داشته و در این راستا، بنادر ایران می‌توانند در تأمین نیازهای ترانزیتی کشورهای عضو اکو موثر واقع شوند. از آنجایی که دسترسی کشور به دریای خزر در شمال و خلیج فارس و دریای عمان در جنوب از یک سو و در اختیار داشتن بنادر پیشرفته با توانمندی بالای عملیات بندری از سوی دیگر، از جمله مزیت‌های مهم کشور در ارائه خدمات ترانزیتی به کشورهای هدف قلمداد می‌شود. در اختیار داشتن ناوگان بازرگانی دریایی قدرتمند و احراز رتبه بیستم در سطح جهانی و رتبه ممتاز در خاورمیانه، امکان ارائه خدمات Multimodal Transport برای صاحبان کالاهای ترانزیتی خارجی در کشورهای هدف ترانزیتی را فراهم آورده و امکان بهره‌مندی از بسترهای حمل و نقل چندوجهی و در نتیجه کاهش هزینه‌ها و خطرهای تجاری را برای شرکای ترانزیتی کشور به حداقل رسانیده است. با توجه به آنچه که گفته شد ایران، می‌تواند ضمن کسب درآمدهای ترانزیتی، مناسب، نیازهای بازرگانی کشورهای حوزه آسیای میانه، قفقاز و افغانستان را برآورد نموده است و در برقراری ارتباط حمل و نقلی بین

کشورهای حوزه خلیج فارس، آسیای غربی و سایر نقاط اقتصادی جهان ایفای نقش نماید. از جمله این موارد ترانزیت کالا و انرژی است، چرا که قرار داشتن در محل تلاقی دو کریدور شمال - جنوب و غرب به شرق که جزو مهمترین کریدورهای ترانزیتی هستند به معنای آن است که می توان با اخذ حق عبور و انتقال کالا و انرژی، سالانه میلیاردها دلار نصیب کشور کرد. همچنین وجوه مختلف حمل و نقل هوایی، دریایی، ریلی و جاده ها برای ایران به عنوان پل ارتباطی شرق و غرب و شمال - جنوب علاوه بر کارکرد اقتصادی، از نظر سیاسی و اجتماعی نیز حائز اهمیت می باشد (جعفری، ۱۳۹۱: ۵).

بنابراین می توان گفت حمل و نقل عبوری کالا بخشی از حمل و نقل بین المللی و فرامنطقه ای است که علاوه بر افزایش درآمدهای ارزی نقش بسیار کلیدی در توسعه سیاسی و اجتماعی کشور دارد و از جهات ایجاد اشتغال افزایش امنیت ملی، توسعه و عمران منطقه ای وابستگی کشورهای منطقه به مسیر ایران در بخش حمل و نقل افزایش نقش کشور در مناسبات منطقه ای و بین المللی، جذب سرمایه گذاری های داخلی و خارجی را به دنبال دارد. تلاش روسیه، ایران و هند در ایجاد توسعه شبکه ترانزیتی کریدور شمال - جنوب و موافقت سران همکاری خلیج فارس در کویت با احداث پروژه راه آهن بین کشورهای عضو، تلاش این کشور را بر رفع موانع ترانزیت کالا در منطقه و توسعه آن را نشان می دهد با این وجود شاید بتوان گفت هنوز عزم جدی برای رفع موانع ترانزیت کالا و مسافر بین کشورهای منطقه شکل نگرفته است و مشکلات گمرکی، ضعف زیر ساخت های حمل و نقل مانند توسعه حمل و نقل ریلی و جاده ای بین کشورهای منطقه در چارچوب

کریدورهای حمل و نقل بین‌المللی همچنان پابرجا است (عزتی، ۱۳۹۱: ۱۰).
۳-۴- در اختیار داشتن بنادر مناسب و متعدد و سوق دادن این بنادر به سمت فضای جریان‌ها و بازارهای بزرگ

به‌طور کلی در سواحل مختلف ایران، ۳۸۴ بندر وجود دارد که شامل بنادر و اسکله‌های بزرگ و کوچک با کاربردهای مختلف است. بنادر بزرگ تجاری ایران شامل ۸ بندر با ۱۳۵ پست اسکله به طول ۲۳ کیلومتر است. ظرفیت کنونی این بنادر حدود ۱۲۵ میلیون تن است و ظرفیت ناوگان تجاری دریایی ایران بنا بر ارزیابی انجام شده، ظرفیتی معادل ۴ میلیون تن و میانگین عمر ۱۵ سال در سال ۱۳۸۶ بالغ بر ۲۸ میلیون تن عملیات حمل و نقل کالا داشته است.

ناوگان تجاری دریایی ایران در سطح منطقه جایگاه اول را به خود اختصاص داده است و در آسیا و جهان هم به ترتیب در رتبه ۱۲ و ۲۰ قرار گرفته است (www.farsnews.com). از آنجایی که بنادر به عنوان یکی از مراکز مهم و مرکز ثقل فعالیت‌های اقتصادی از قدیم نقش مهمی را در اقتصاد کشورها ایفا می‌کردند. با تغییر کاربرد بنادر و تبدیل آنها از بارانداز و انبار نگهداری کالا به بازار کالا و محل‌هایی برای پردازش، فرآوری، تغییر، تبدیل، توزیع و ترانزیت کالا، فعالیت‌های خدماتی، صنعتی و بازرگانی اهمیت بنادر در اقتصاد جهانی دو چندان شده است. با این تفاسیر، آن دسته از کشورهایی که موفق به هماهنگ کردن بنادر خود با روند جدید اقتصاد جهانی شده‌اند و با سرمایه‌گذاری و مدیریت، بنادر را از حالت بارانداز خارج کرده و آن را به شکل

بنگاه اقتصادی درآورده‌اند از منافع آن نیز در اقتصاد کشور خود بهره‌مند شده‌اند.

جدول ۱: ظرفیت‌ها و قابلیت‌های حمل و نقل دریایی ایران در سال ۱۳۹۴

ردیف	عنوان	مقدار	واحد متعارف
۱	مساحت آبهای تحت حاکمیت ایران	۱۹۰۰۰	کیلومتر مربع
۲	طول سواحل ایران	۵۸۰۰	کیلومتر
۳	خط ساحلی جزایر ایران	۱۰۹۵	کیلومتر
۴	ظرفیت اسمی بنادر تجاری	۲۰۹	میلیون تن
۵	ظرفیت کانتینری بنادر تجاری	۴۸۵۵	هزار TEU
۶	ظرفیت پایانه مسافربری دریایی در بنادر تجاری	۱۸/۲	میلیون نفر
۷	ظرفیت ناوگان دریایی تجاری ایران	۷	میلیون تن
۸	ظرفیت ناوگان دریایی نفتی ایران	۱۵	میلیون تن
۹	طول اسکله های بنادر اصلی	۳۵/۷	کیلومتر
۱۰	مساحت اراضی بنادر اصلی	۱۸۴۶۲	هکتار
۱۱	مساحت محوطه باراندازها و انبارهای روباز بنادر اصلی	۱۲۴۸	هکتار
۱۲	مساحت انبارهای سرپوشیده بنادر اصلی	۱۲۲/۳	هکتار
۱۳	شرکت های فعال در کارگزاری ترابری دریایی و بندری	۱۳۱۷	شرکت

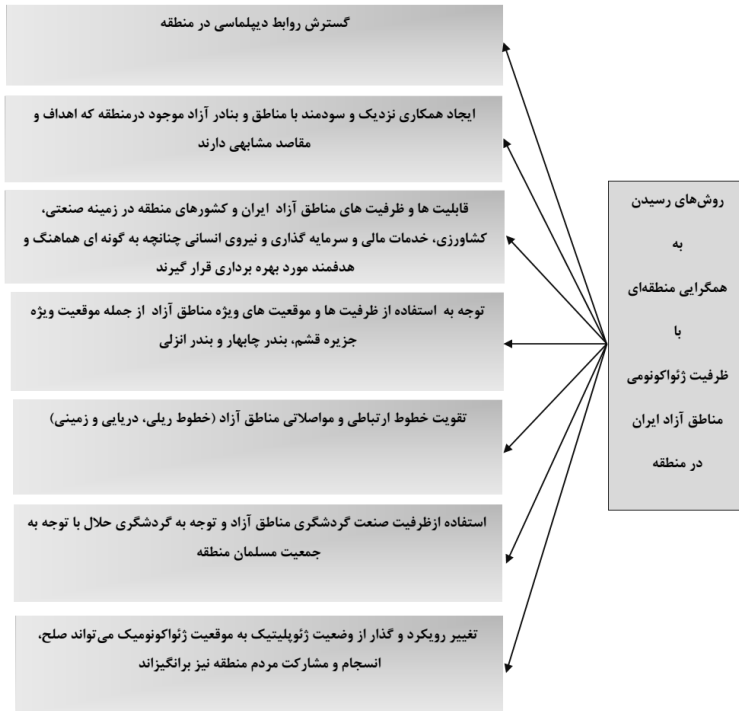
(منبع: نشریه سازمان بنادر و دریانوردی ایران، ۱۳۹۵)

به عبارتی به اعتقاد کارشناسان تغییر کاربردها و وظایف بنادر از بارانداز کالا به بازار کالا، یک رویکرد بازرگانی بوده و از سویی برای اقتصاد ملی و منطقه ای ایجاد منافع کرده و از طرف دیگر شرایط حفظ موقعیت کشور را در شبکه حمل و نقل و تجارت پایدار و همچنین زمینه‌های تولید ارزش افزوده و توسعه اقتصادی کشور را فراهم می‌کند. کشور ما دارای چندین بندر مهم شامل بنادر انزلی، نوشهر و امیرآباد در شمال و بنادر عباس، امام، بوشهر، عسلویه، سیراف، چابهار و شهید رجایی، شهید بهشتی، لنگه، شهید باهنر، آبادان، خرمشهر در جنوب هستند. با این حال به نظر می‌رسد هنوز تا رسیدن به شرایط بایسته برای رقابت با بنادر نوین جهانی برای مثال بنادر حاشیه جنوبی خلیج فارس چون جبل علی و دوبی فاصله بسیار وجود دارد. در کشور ما بنادر در مرحله انتقال از حالت سنتی یعنی از محلی برای باراندازی کالا به سمت بنادر نسل دوم یعنی ایفای نقش توزیع و پردازش کالا هستند. هنوز تعدادی از بنادر کشور درگیر کارکردهای سنتی خود هستند و در زمره بنادر نسل اول محسوب می‌شوند. از طرفی تمام بنادر از نظر جغرافیایی شرایط تبدیل شدن به بازار یا قطب توزیع منطقه‌ای را ندارند، لذا ممکن است امکان تبدیل شدن آنها به بنادر نسل سوم به علت محدودیت‌های طبیعی وجود نداشته باشد. معیار ویژگی‌های بنادر نسل اول تا سوم را موقعیت جغرافیائی بندر، حجم تردد، میزان اشتغال زایی، توان توسعه منطقه ای، بازدهی سرمایه گذاری‌ها، خودکفایی و تأمین مالی رقم می‌زند و لذا توسعه مراکز لجستیک بندری تنها راهکار برون رفت بنادر از وضعیت عقب ماندگی و کم تحرکی تخمین زده می‌شود. این امر نیازمند تسهیلات فیزیکی یا تسهیلات زیر بنایی و رو بنایی

بنادر و تسهیلات قانونی (مقرراتی) یا آزادی عمل مناطق آزاد تجاری است (جعفری، ۱۳۹۱: ۴). بنابراین، مناطق آزاد ایران هر کدام دارای موقعیت استراتژیک و تجاری ویژه ای می باشند. با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک ایران و جایگاه ژئواکونومیک مناطق آزاد آن، ایران می تواند در همگرایی منطقه ای به ایفای نقش بپردازد.

شکل ۲: روش های رسیدن به همگرایی منطقه ای با ظرفیت ژئواکونومی مناطق

آزاد ایران در منطقه



منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹

۴- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

به‌طور کلی قرن بیست و یکم را قرن ژئواکونومیک می‌نامند، قرن‌ی که در آن توانمندی اقتصادی، معیار قدرت در سطوح منطقه‌ای و جهانی قرار گرفته است و از آنجایی که ژئواکونومیک به بررسی و مطالعه زیربنای اقتصادی در سطوح کشوری، منطقه‌ای و جهانی می‌پردازد و امروزه بر منطقه و جهان اثرگذار است. کشور ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و باید از توانمندی و ظرفیت ژئواکونومی که در اختیار دارد استفاده بهینه نماید. ایران با تکیه بر ظرفیت ژئواکونومی مناطق آزاد می‌تواند به نقش خود در همگرایی منطقه‌ای بپردازد. این کشور با در اختیار داشتن بنادر مناسب و متعدد و سوق دادن این بنادر به سمت مناطق آزاد، و قرارگیری در مراکز کریدور حمل و نقل دریایی منابع فسیلی جهان، و برخورداری از منابع عظیم انرژی (نفت، گاز و پتروشیمی)، از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین مناطق آزاد ایران از عوامل دیگری نیز برخوردارند که نشان دهنده توانمندی و پتانسیل بالای این مناطق جهت تحقق پیشبرد اهداف می باشد. مناطق آزاد با قرار گرفتن در مسیر کریدورهای ترانزیتی شمال، جنوب و در نتیجه برقراری ارتباط ترانزیتی با کشورهای روسیه، اروپای شرقی، مرکزی، شمالی، آسیای میانه و قفقاز از یک سو و آسیای جنوبی، جنوب شرقی، خاور دور، اقیانوسیه و کشورهای حاشیه خلیج فارس از طرف دیگر، می‌تواند به عنوان یک مزیت برجسته برای مناطق آزاد ایران که از موقعیت ارتباطی و مواصلاتی خوبی برخوردار است، استفاده نماید. با این تفاسیر می‌توان گفت مناطق آزاد ایران می‌توانند نقش

بالقوه ای در همگرایی منطقه‌ای باتوجه به جایگاه خاص ژئواکونومیک خود ایفا نمایند. از جمله پیشنهادات تحقیق حاضر در زیر آمده است.

۱- استفاده از ظرفیت فرهنگی و قومیتی مناطقی که ساکنین آنها از نظر فرهنگی با هم سنخیت دارند و از این طریق می توان حس همگرایی را در آن مناطق به وجود آورد.

۲- موقعیت ژئواکونومی مناطق آزاد که از نظر منابع انرژی برخوردارند.

۳- باتوجه به موقعیت ارتباطی و مواصلاتی که اکثر مناطق آزاد در اختیار دارند و می‌توانند بیشترین کمک رادر همگرایی منطقه ای انجام دهند.

۴- استفاده از ظرفیت زیست محیطی مناطق آزاد در جهت ایجاد صنعت گردشگری حلال و جذب مسلمانان منطقه.

۵- باتوجه به مجاورت با کشورهای محصور در خشکی و موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در شما دریای خزر و در جنوب خلیج فارس ایران می‌تواند از این موقعیت استفاده بهینه نماید.

۶- باتوجه به منابع انسانی که در بعضی مناطق وجود دارد با آموزش و کسب مهارت می‌توانند در مناطق همجوار که از نظر منابع کار با مشکل روبه‌رو می‌باشند در این زمینه ایران استفاده نموده و به تامین متخصص در منطقه بپردازد

۷- اولویت در تسریع شبکه ریلی کشور و اتصال آن به شبکه ریلی کشورهای همسایه مناطق آزاد ایران می‌تواند کمک شایانی از نظر امنیتی و ژئواکونومی منطقه انجام شود.

۸- استفاده از بنادر مهم کشور که در همجواری مناطق آزاد قرار دارند و ایجاد پل ارتباطی با بنادر مهم کشورهای منطقه می‌تواند در همگرایی منطقه‌ای کمک بسزایی بنماید.

منابع

- ابراهیمی، سید ابراهیم (۱۳۸۱). نقش مناطق آزاد در توسعه اقتصادی ملی و توریسم، مجموعه مقالات اولین همایش ملی گردشگری، جغرافیا و محیط زیست پایدار.
- امیدی، علی (۱۳۸۵). تاثیر ژئوپلیتیک در رخوت همگرایی اکو و بالندگی آ. سه. آن، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره ۱، صص ۱۵۷-۱۲۲.
- جان پرور، محسن و آرش قربانی سپهر (۱۳۹۶). تبیین نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا، همایش قدرت‌های بزرگ و امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا.
- جان پرور، محسن؛ قربانی سپهر، آرش و مهدی خداداد (۱۳۹۶). تحلیل موقعیت ژئوپلیتیک ایران اسلامی به عنوان سکندار قدرت منطقه‌ای در نظام جهانی، فصلنامه سیاست پژوهی، دوره ۴، شماره ۷، صص ۷۸-۵۳.
- جعفری، حسین (۱۳۹۰). توسعه بنادر کشور و راهبردی موثر در توسعه دریا محور، اولین همایش توسعه سواحل مکران.
- حافظ نیا، محمد رضا و کاویانی راد، مراد (۱۳۹۳). فلسفه جغرافیای سیاسی، چاپ اول، انتشارات پژوهشگاه مطالعات راهبردی ص ۲۵۳.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و ربیعی، حسین (۱۳۹۲). مطالعات منطقه‌ای خلیج فارس، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- خندان، لیلا و احمدپور، احمد (۱۳۹۴). بررسی عوامل موثر بر توسعه گردشگری در جزیره کیش، مجموعه مقالات همایش توسعه پایدار شهری، کانون معمارانایران، قزوین.
- ذکی، یاشار و ولیقلی‌زاده، علی (۱۳۹۲). مقیاس‌های فضایی در جغرافیای سیاسی (مفاهیم و نظریه‌ها)، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.

- زارعی، بهادر و شاهدوستی، حسین و زینی وند، علی (۱۳۹۳). فرصت‌ها و چالش‌های همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۶، شماره ۴، صص ۷۵۵-۷۳۱.
- سریع القلم، محمود (۱۳۸۷). اثرات فروپاشی شوروی در جهان اسلام، مجله سیاست خارجی، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی، شماره ۴، تهران.
- سلیمانپور، هادی و مولایی، عباداله (۱۳۹۱). امکان یا امتناع همگرایی قاره ای در آسیا، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۷.
- سیف زاده، حسین (۱۳۷۸). اصول روابط بین الملل (الف و ب)، تهران: نشر دادگستر: میزان.
- طاهری مقدم، طاهر (۱۳۹۱). موانع شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای فراگیر در خاورمیانه (۱۹۲۰-۲۰۱۱). پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.
- عبدالله پور، مراد و زببند کپته، عدالت (۱۳۹۷). نقش مناطق آزاد تجاری - صنعتی در توسعه ژئواکونومی و امنیتی ایران با تاکید بر منطقه مرزی آزاد ماکو، فصلنامه علوم و فنون مرزی، سال نهم، شماره ۲، صص ۱۹۱-۱۶۳
- عزتی، عزت اله (۱۳۸۸). ژئواکونومی انرژی و پیامدهای امنیتی آن بر سه کشور ایران، پاکستان و هند، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و سوم، شماره ۱.
- عزتی، عزت اله (۱۳۹۲). ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم، انتشارات سمت، چاپ پنجم، تهران.
- فرشیدی، جواد. (۱۳۹۰)، نقش مناطق آزاد تجاری در امر توسعه اقتصادی (منطقه آزاد تجاری-صنعتی ارس، شهر جلفا)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، بخش علمی: مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه پیام نور مرکز کرج.
- قوام، عبدالعی (۱۳۷۰). اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران.
- کلا، اینیس لوتر (۱۳۸۲). سازمان‌های بین‌المللی، ترجمه منوچهر شجاعی و مرجان صفائیان، تهران: کتاب نو.

- کیانی، وحید (۱۳۹۴). الزامات همگرایی منطقه ای در بین کشورهای حوزه خلیج فارس با تاکید بر دیپلماسی انرژی، فصلنامه مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس، شماره سوم، دوره دوم، صص ۴۱-۵۶.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، انتشارت سمت، تهران.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۸). زیربناهای ژئوپلیتیکی سیاست خارجی، جزوه درسی دانشگاه خوارزمی، منتشر نشده.
- محرابی، علیرضا و عابدینی، امیرعلی (۱۳۹۲). همگرایی ژئوپلیتیک آسیای مرکزی و جنوب غرب آسیا (تاکید بر ساخت سازه ژئوپلیتیک جدید با محوریت ایران)، مجموعه مقالات همایش ملی ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا، همایش تحولات و چشم انداز.
- مختاری هشی، حسین و نصرتی، حمیدرضا (۱۳۸۹). امنیت انرژی و موقعیت ژئوانرژی ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره دوم.
- مختاری هشی، حسین (۱۳۹۷). تبیین مفهوم ژئواکونومی (اقتصاد ژئوپلیتیکی) و توصیه هایی به ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره دوم، صص ۵۶-۸۲.
- ممی پور، سیابو بشارتی، زهرا و بهبودی، داوود (۱۳۹۳). بررسی و اولویت بندی عوامل جذب سرمایه گذاری در منطقه آزاد انزلی، مجله اقتصاد و توسعه منطقه ای، سال بیستم، شماره ۷، صص ۱۰۲-۷۷.
- موسی زاده، رضا (۱۳۸۵). سازمان های بین المللی، چاپ هفتم، تهران: نشر میزان.
- نشریه سازمان بنادر و دریانوردی ایران ۱۳۹۵
- ولیقلی زاده، علی و الله وردی، رضا (۱۳۸۹). نگرشی ژئوپلیتیکی - ژئواکونومیک بر منطقه آزاد تجاری - صنعتی ارس، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره دوم، صص ۱۵۳-۱۸۱.
- ولیقلی زاده، علی و ذکی، یاشار (۱۳۸۷). بررسی و تحلیل جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک ایران برای کشورهای CIS، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره سوم.

- ولیقلی زاده، علی و ذکی، یاشار (۱۳۹۱). اهمیت استراتژیک پل خلیج فارس در توسعه ژئواکونومیکی منطقه آزاد قشم، فصلنامه پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۴۴، شماره ۴، صص ۲۲۲-۲۰۳
- ولیقلی زاده، علی و ذکی، یاشار (۱۳۹۲). بررسی و تحلیل اهمیت ژئواکونومیک مناطق آزاد ترکیه برای منطقه آزاد ارس، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۳، صص ۱۶۷-۱۳۵.
- Baral, L.R. (1999). "SAARC: the Problem of Becoming a Community", South and David A Lake, Pennsylvania: The Pennsylvania State University Press. Asian Survey, No: 6, Pp: 241-257. DOI: 10.1177/097152319900600206.
- Michelmann, Hans J & Panayotis Soldatos. European integration: theories and approaches, Lanham, Md.: University Press of America, 1994.
- Inan, Suleyman (2005). Serbest Bolge Đthalat ve Đhracat Uygulamaları, www.alarkocarrier.com.tr
- Ozturk, Lutfu (2004). "Serbest Bolgelerdeki Dogrudan Yabancı Sermaye Yatırımları: Dunyadaki Uygulamalara Teoriler Işığında Bir Bakış", Akdeniz D.D.B.F. Dergisi, 7 Sayı, 110-128s.

نگرشی مقایسه‌ای به مدیریت مناطق آزاد

(ایران، امارات متحده عربی و ترکیه)

محسن جان پرور! دریا مازندرانی^۲

^۱ استادیار جغرافیا سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

با توجه به اهمیت مناطق آزاد تجاری-صنعتی در اقتصاد کشورهای توسعه یافته و برخی کشورهای در حال توسعه، داشتن نگرش مقایسه‌ای به نحوه مدیریت این مناطق امری ضروری به نظر می‌رسد. در تحقیق حاضر مقایسه مدیریت مناطق آزاد سه کشور ایران، امارات متحده عربی و ترکیه مورد بررسی قرار گرفته است و در گام بعدی سعی شده است برای مدیریت هر کشور مدل مفهومی مشخصی ترسیم کرد تا نحوه مدیریت مناطق آزاد راحت‌تر در آن بیان شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مناطق آزاد ایران در قانون آماده است که باید به صورت یکپارچه مدیریت شود یعنی مجموعه‌ای از سازمان‌ها و اداره‌ها ولی متأسفانه این مناطق به شدت درگیر بروکراتیک هستند و مدیریت موفق ندارند. در مقابل اداره مناطق آزاد تجاری امارات متحده عربی به علت استفاده از مدل اداری یعنی محلی شدن مدیریت این مناطق، بسیار موفق هستند. در ترکیه نیز از مدل سازمانی برای مدیریت مناطق آزاد تجاری استفاده می‌شود؛ اما به دلیل توافقی‌های متعددی که ترکیه با انجمن‌ها به خصوص اتحادیه اروپا دارد، صاحب موفقیت چشمگیری در این مناطق می‌باشد.

واژگان کلیدی: مناطق آزاد، مدیریت مناطق آزاد، ایران، امارت متحده عربی، ترکیه

۱- مقدمه

منطقه آزاد، محدوده‌ای است در داخل مرزهای سیاسی کشور که مشمول محدودیت‌های قانونی، به ویژه مقررات گمرکی نباشد (öztürk, 2004:112). این مناطق با توجه به اینکه در بیرون از محدوده منطقه گمرک قرار دارند، حقوق رایج در حوزه‌های تجاری، مالی و اقتصادی و نیز نظام اداری کشور در آنها به اجرا در نمی‌آید و یا اینکه تا اندازه‌ای به اجرا

در می آید و به شدت مورد تشویق برای فعالیتهای صنعتی و تجاری قرار دارند و به لحاظ فیزیکی نسبت به قسمت‌های دیگر کشور متفاوت و جدا هستند (inan,2005:1). مناطق آزاد، علی‌رغم داشتن گستره جغرافیایی محدود، با توجه به فلسفه وجودی متمایز و نوع مدیریت ویژه، در صورت به کارگیری سیاست‌های کارآمد و اصولی می‌توانند به عنوان کانون‌های کوچک، اما با نقش آفرینی‌های اقتصادی کلان در عرصه معادلات ژئواکونومیکی ظاهر شوند (ولی‌قلی‌زاده و الله‌وردی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۵۳). به عبارت دیگر این مناطق، وسیله‌ای برای ورود به بازارهای جهانی و بهره‌گیری از برتری‌های نسبی اقتصاد داخلی در بازرگانی بین‌المللی بوده و باید به عنوان تسریع‌کننده (کاتالیزور) ارتباط اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی به کار روند (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴۴). به طور کلی مناطق آزاد، فارغ از پیچیدگی‌های دست و پاگیر بوروکراتیک و نیز تعرفه‌ها و قوانین و مقررات سخت‌گیرانه تجاری و سیاسی نقش مهمی در نقل و انتقال کالا و تکنولوژی در دنیای اقتصاد بازی می‌کنند (ابراهیمی و لطفی، ۱۳۹۶: ۲۱۷). این مناطق، با داشتن قابلیت‌هایی در جهت افزایش صادرات، اشتغال‌زایی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، جذب گردشگران خارجی و داخلی و... می‌توانند نقش مهمی در اقتصاد کشورها ایفا کنند (حاجی‌نوروزی، ۱۳۹۵: ۹). اما با گذشت بیش از سه دهه از ایجاد اولین منطقه آزاد تجاری در ایران، این مناطق هنوز نتوانسته‌اند از جایگاه مناسبی در اقتصاد ایران برخوردار شوند. آنچه می‌تواند منجر به حصول اهداف مناطق آزاد شود، نحوه اداره این مناطق و اتخاذ

تصمیمات مناسب با در نظر گرفتن قابلیت‌های منطقه است (لطیفی و امین‌آقایی، ۱۳۸۶: ۷۹-۸۰).

مکان‌ها و نواحی جغرافیایی به منظور اداره بهتر امور و تنظیم روابط افقی و عمودی با سایر نواحی و همچنین استقرار نهادها و سازمان‌ها به خودگردانی و مدیریت در بعد محلی نیازمند می‌باشند (حجی‌پناه و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۳۸). این نوع خودگردانی‌ها و سازماندهی سیاسی فضا در بعد محلی در ادبیات جغرافیایی سیاسی به دولت محلی و حکومت محلی و غیره تعبیر می‌شود که با کارکردهای ویژه خود از فعالیت‌هایی که مربوط به قلمرو دولت مرکزی است مجزا می‌شود. خودگردانی‌های محلی بر اساس فضای جغرافیایی خود دارای کارکردهای متنوعی شامل امور سیاسی، امنیتی، اداری، خدماتی، تجاری بازرگانی، توریستی و غیره هستند (حافظنیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۲).

در این میان، مناطق آزاد به لحاظ مدیرتی و اداره امور از مرحله تصمیم‌گیری تا اجرا و نظارت یکی از انواع خودگردانی‌های محلی است که در مناطق جغرافیایی ویژه‌ای با اختیارات و شرح وظایف مشخص به اداره امور محلی می‌پردازد. در ایران اراده حاکمیت ملی بر پهنه فضایی مناطق آزاد از دو طریق صورت می‌پذیرد: یکی از طریق الگوی مدیریت سیاسی فضا (وزارت و استانداری کشور) و دیگری اختصاصی (سازمان مناطق آزاد). در این راستا در دولت‌های بسیط جهت کاهش دیوان سالاری، بروکراسی و تسریع روند سرمایه‌گذاری و تولید در مناطق آزاد، به اشکال مختلف نظیر عدم تمرکز، سعی در اعطای استقلال اداری جهت تحقق اهداف تشکیل این گونه مناطق هستند (گرچی‌ازندریانی و باران‌زهی، ۱۳۹۸: ۱۴۹) و یکی از نشانه‌های

استقلال ساختاری، برخورداری از شخصیت حقوقی مستقل و عدم وابستگی سازمانی به دولت دانست (گرچی، ۱۳۹۵). از سوی دیگر با توجه به این مسئله که مناطق آزاد در هر کشوری به عنوان بازوهای تبادلات اقتصادی در مناطق مرزی شناخته می‌شوند، می‌توانند جایگاه بسیار مهمی در افزایش سطح همکاری و همگرایی بین کشوری داشته باشند، از این رو با توجه به اهمیتی که مناطق آزاد در افزایش پیوندهای اقتصادی بین کشورها دارد ضروری است که مطالعه‌ای جهت بررسی نحوه مدیریت مناطق آزاد در ایران و مقایسه آن با کشورهای پیرامون صورت گیرد تا مشکلات و مسائل این مناطق با اهمیت اقتصادی مشخص شود. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال مقایسه مدیریت مناطق آزاد کشور در سه کشور ایران، ترکیه و امارات متحده عربی است.

۱- پیشینه تحقیق

در انجام هر کار پژوهشی و تحقیق علمی، مطالعه و بررسی پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با موضوع مورد بررسی و با هدف بهره‌مندی از نتایج توسعه و تکامل آن‌ها ضروری است و محقق را جهت دستیابی به نتیجه بهتر تا حد قابل توجهی کمک می‌کند. بررسی منابع مرتبط و نزدیک به موضوع یعنی مدیریت مناطق آزاد در بین مقاله‌های داخلی و خارجی متعددی یافت شد. برخی از این منابع که تا حدی بیشتر بحث را مطرح کرده اند در جدول شماره ۱ آورده شده است.

جدول ۱: نمونه‌هایی از مقالات مرتبط با مدیریت مناطق آزاد

محقق / سال	عنوان	یافته‌ها
فضلی و هداوند ۱۳۹۶	ماهیت حقوقی نظارت بر سازمان مناطق آزاد تجاری- صنعتی ایران	در خصوص ساختار سازمان منطقه آزاد و استثنائات قانونی آن، مشخص گردید که این استثناها هم ناظر به نحوه اداره امور و هم مربوط به نظارت‌های مختلف بر این نهاد می‌باشد. بنابراین جهت جلوگیری از مفاسد اداری و اقتصادی و پیشرفت این مناطق در جهت اهداف تعیینی و توسعه صادرات و کسب منابع ارزی، وجود نظارت بر نهادهای مقررات‌گذار در مناطق آزاد شفاف گردد تا نواقص مربوط به اجمال و فقدان تکرار نگردد.

محقق / سال	عنوان	یافته ها
حافظنیا و همکاران ۱۳۹۰	بررسی تاثیر الگوی دوگانه مدیریت سیاسی فضا بر کارکردهای مناطق آزاد: مطالعه موردی کیش	اراده حاکمیت ملی بر پهنه فضایی مناطق آزاد کشور ایران از دو طریق صورت می پذیرد: یکی از طریق الگوی مدیریت سیاسی فضا (وزارت و استانداری کشور) و دیگری اختصاصی (سازمان مناطق آزاد) که با الگوی مدیریت سایر کشورها متفاوت است. زمانی که این دو الگو مکمل هم بوده‌اند باعث رشد و توسعه و زمانی که باهم در تعارض بوده‌اند باعث تاثیر منفی بر روی کارکرد منطقه آزاد شده‌اند.
جهرمی و رضوانی ۱۳۹۵	الگوی خصوصی سازی ساختار اداره مناطق آزاد تجاری	نحوه اداره مناطق آزاد تجاری از اهمیت زیادی برخوردار است. این مناطق از طریق تاسیس یک شرکت دولتی که دارای کلیه اختیارات حاکمیتی به استثنای امور نظامی و امنیتی است، اداره می شود. به کارگیری شیوه متمرکز در اداره مناطق مزبور ایرادات جدی دارد و لزوم بازنگری در نحوه اداره مناطق آزاد یعنی ضرورت خصوصی سازی مشخص می شود. واگذاری مدیریت به بخش خصوصی نخست به صورت بازسازی ساختاری سازمان اداره کننده و در مرحله بعد اجاره طولانی مدت شرکت‌های مذکور به این بخش می‌باشد.
گرگی از و دریانی و باران زهی ۱۳۹۸	امکان استقلال اداری مناطق آزاد تجاری صنعتی در ایران	جهت دستیابی به اهداف مورد نظر در باب تاسیس مناطق آزاد، بهترین شیوه مدیریت می تواند گرایش به وضع مقررات در راستای نظام منطقه‌گرایی اقتصادی باشد.

یافته ها	عنوان	محقق / سال
<p>نحوه تاثیرگذاری قوانین و برنامه ریزی دولت در مناطق آزاد تجاری ایران، به دلیل ناکامی این مناطق، ناقص عمل کرده است. چرا که در دوران جنگ تحمیلی، این مناطق، بیشتر معطوف به ایجاد زمینه ای برای وادرات کالاهای مورد نیاز کشور در این برهه بوده است. همچنین مناطق آزاد تجاری بیشتر در نواحی ساحلی ایران تاسیس شده اند که این نقاط از محروم ترین نقاط ایران است و در بیشتر مواقع درآمد حاصل از صادرات کالا، صرف هزینه های عمران و آبادی این مناطق می شود چرا که زیربنای مناسب وجود نداشته است.</p>	<p>جایگاه مناطق آزاد در برنامه ریزی منطقه ای ایران</p>	<p>لطیفی و امین آقایی ۱۳۸۶ ی</p>
<p>چین با استفاده از مزیت تجارت آزاد از طریق راه اندازی مناطق آزاد و اتخاذ سیاست های نوین، توانست به رشد اقتصادی ۹ درصد در بیست و پنج سال گذشته برسد و در عرصه اقتصاد جهانی حضور فعال و موثر داشته باشد. در یک ارزیابی نیز عوامل موثر بر عملکرد این مناطق در زمینه توسعه صادرات، جذب سرمایه گذاری خارجی، توسعه سیاست زیربنایی و ایجاد فرصت های شغلی، مورد توجه قرار گرفت.</p>	<p>مناطق ویژه اقتصادی چین: مدیریت، عملکرد و چشم انداز آینده</p>	<p>علوی نسب ب ۱۳۸۱</p>
<p>مناطق آزاد، که در مناطق خاصی از کشور ایجاد شده و مقررات و محدودیت های اعمال شده در تجارت خارجی به طور جزئی یا کاملاً بی اعتبار تلقی می شود، اخیراً نقش مهمی در حجم تجارت جهانی داشته است. منطقه آزاد اژه،</p>	<p>مناطق آزاد و منطقه آزاد اژه: ارزیابی وضعیت</p>	<p>Hava, ۱۹۹۹</p>

محقق / سال	عنوان	یافته ها
		که فعالیت های آن با هدف جذب سرمایه گذاری های مبتنی بر فناوری پیشرفته آغاز شده است، در گازیمر- ازمیر تأسیس شد.

منبع: نگارندگان ۱۳۹۹

بررسی و تحلیل پیشینه و سوابق نظری پژوهش نشان می دهد که با وجود منابع مرتبط علمی بسیاری در خصوص چگونگی مدیریت مناطق آزاد، اما هیچ کدام از مقالات به طور مشخص نگرش مقایسه ای به چگونگی مدیریت این مناطق در سه کشور ایران، امارات متحده عربی و ترکیه نداشته اند و برای درک بهتر موضوع مدل مفهومی ارائه نکرده اند.

۱- روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع و اهداف تحقیق، نوع تحقیق حاضر کاربردی است و روش بررسی آن توصیفی- تحلیلی است. در تحقیق حاضر تلاش شده است ضمن داشتن نگرش مقایسه ای به مدیریت مناطق آزاد سه کشور ایران، امارت متحده عربی و ترکیه، برای درک بهتر چگونگی مدیریت هر کدام از این مناطق آزاد یک مدل مفهومی رسم شده است. بدین منظور با مراجعه به داده های کتابخانه ای (کتاب ها، مقالات و مجلات مرتبط با موضوع)، چگونگی اداره مناطق آزاد این سه کشور مورد بررسی قرار گرفته است و در گام دوم با ترسیم مدل های مفهومی مدیریت مناطق آزاد به درک بهتر چگونگی عملکرد آنها احصاء شده است.

۲- ادبیات نظری تحقیق

مرز یعنی آن قلمروهایی که بلافاصله نزدیک به خط جدا کننده بین دو یا چند کشور است. این چشم انداز یک مرز است که به صورت منطقه ای در یک خط ثابت مشخص می شود. خط مرزی نقطه شروع تجزیه و تحلیل با اشاره ویژه به قلمرو نزدیک به آن است (Bonchuk, 2014:4). مرز از جمله مفاهیمی می باشد که در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی و جغرافیایی کاربردهای متفاوتی دارد. مرز به دو مفهوم عینی مانند مرزهای رسمی کشورها و یا ذهنی مانند مرزهای عقیدتی، همچنین می تواند در مفهوم باز، بسته و یا قوی مطرح گردد (عبده زاده، ۱۳۹۴: ۴۳). مرز دارای کارکردهای مختلفی است که یکی از مهم ترین کارکردهای آن توجه به نقش مبادلاتی مرز بین ساکنان دو منطقه مرزی است. در واقع، در جهان امروز تجارت و گسترش مبادلات تجاری به عنوان محرکه رشد و توسعه کشورها معرفی شده است. زیرا کشوری که از سیستم های باز خارجی در عرصه بین المللی برخوردار است کمتر به فقر مبتلا شده و این موضوع سبب رونق تجارت خارجی و کاهش نابرابری های موجود در جامعه می شود (اسماعیل زاده، ۱۳۹۲: ۳۰). از این رو کشورهای در حال توسعه برای گسترش تجارت خارجی به مبادلات مرزی با همسایگان روی آورده اند. در واقع امروزه کارکرد ارتباطی مرزها برجسته تر شده و در میان کارکردهای ارتباطی بعد اقتصادی نیز به مهمترین بحث بعد ارتباطی مرزها مبدل گشته است. یکی از ابعاد مهم در ارتباطات اقتصادی ایجاد سازوکاری جهت مدیریت تبادلات اقتصادی می باشد که جهت این مورد مناطق آزاد تجاری برای رونق دادن به تبادلات

اقتصادی بین کشورها به وجود آمدند. از قرن ۱۶ میلادی انواع مختلفی از مناطق دارای امتیازات ویژه اقتصادی در برخی از کشورها تاسیس شدند. در سال ۱۸۸۸ میلادی، اولین منطقه آزاد تجاری که هدف تاسیس آن تا حدی با اهداف مناطق آزاد به مفهوم جدید آن تطابق دارد، در بندر هامبورگ ایجاد شد. موفقیت چشم گیر بندر آزاد هامبورگ، باعث ایجاد مناطق آزاد دیگر به ویژه در اروپا شد. به طور کلی تفکر حاکم بر مناطق آزاد در قبل از جنگ دوم جهانی در انبارداری، انتقال کالا از یک وسیله نقلیه به وسیله نقلیه دیگر، صدور مجدد کالا و در یک جمع بندی در تجارت خلاصه می شد از دهه ۱۹۶۰ به بعد تعداد زیادی از مناطق آزاد در انواع مختلف به وجود آمد و نقش این مناطق در اقتصاد جهانی افزایش یافت. بعد از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۵۹ منطقه آزاد شانون در ایرلند به عنوان اولین منطقه آزاد به مفهوم امروزی آن، تاسیس شد. زیرا برای اولین بار جذب سرمایه خارجی، انتقال تکنولوژی و ایجاد اشتغال از هدفهای عمده منطقه آزاد شانون محسوب میشد. هم چنین اولین منطقه پردازش صادرات ۲۹ در دهه ۱۹۶۰ در کشورهای ایرلند و تایوان به دنبال مکان یابی مجدد تولید صنعتی بین کشورهای توسعه یافته و نیز انتقال این صنایع از کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه تاسیس شد (نجفی و ابوطالب پور، ۱۳۸۸: ۸۴-۸۳). تجربه تاسیس مناطق آزاد صنعتی - تجاری یا مناطق آزاد پردازش صادرات در کشورهای در حال توسعه نشان داده است که ایجاد در کشورهایی دارای فضای سیاسی - اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و مقید به رعایت تشریفات زائد گمرکی، ارزی، اداری و سایر ضوابط و مقررات دست و

پاگیر حداقل به عنوان ابزار آزمایشی توانسته برای توجیه رفع موانع ضد توسعه‌ای به کار گرفته شده و دانش و مهارت‌های جدید قابل توجهی از طریق مناطق آزاد کسب شود (احمدزاده و لطفی، ۱۳۹۶: ۱۶۶). از لحاظ نظری، تجارت آزاد، مخالف تمامی محدودیت‌های تجاری است. اما در عصر حاضر، هیچ جامعه‌ای به طور کامل و صد در صد به صورت اقتصاد آزاد اداره نمی‌شود (لطفی و امین‌آقایی، ۱۳۸۶: ۸۰). در این مناطق، هرچند که محدودیت‌های مختلف در زمینه موانع گمرکی و تجاری، شرایط سرمایه‌گذاری، تملک خارجی‌ان و... نسبت به سایر مناطق کشور کمتر است و یا اساساً وجود ندارد (محمدی‌الموتی، ۱۳۷۴: ۱). با این حال، مناطق آزاد، به معنی دقیق کلمه مناطق آزاد نیستند؛ یعنی در این مناطق، با وجود این که قوانین در بسیاری از موارد به صورت کاملاً آزادانه به اجرا در می‌آیند، در بسیاری از موارد دیگر نیز، با جدیدت و به صورت کاملاً موثر، منطقه را مورد کنترل قرار داده، درواقع این مناطق اصولاً توسط حاکمان ملی که به وجود آورنده آنها هستند، کنترل می‌شوند (Haywood, 2000). به طور کلی، کشورها در اداره مناطق آزاد از روش واحدی پیروی نمی‌کنند، برخی از کشورها، اداره مناطق آزاد و تجاری را به جهت اهمیت موضوع منحصر در صلاحیت پارلمان یا نهاد قانون گذاری مشابه قرار می‌دهند و برخی دیگر از کشورها اداره این مناطق را به دولت‌های محلی (در نظام فدرال) یا قوه مجریه واگذار نموده (جبارزاده، ۱۳۸۷: ۱۲).

در کشور ایران نیز مدیریت سیاسی و اداری مناطق آزاد و بنادر آزاد زیر نظر نماینده سیاسی منطقه‌ای حکومت نیست، بلکه به‌طور مستقیم زیر نظر

بالاترین مقام کشوری هستند و مقررات و قوانین اقتصادی و تجاری و مدنی خاص خود دارند. به زبان ساده مناطق آزاد، واحد سیاسی شبه مستقلی هستند که در جوار واحد سیاسی مادر وظایف خود را انجام می‌دهند. مدیریت منطقه آزاد تجاری در ایجاد تعهدات بین‌المللی نیز دارای اختیارات است و قادر به برقراری روابط با دولت‌های خارجی، افراد و شرکت‌های سرمایه‌گذار بیگانه و دادن تضمین‌ها و تعهدات لازم مبنی بر ملی نشدن سرمایه‌های آنان می‌باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۷۸: ۲۷۷). از آنجا که، مدل و مدل سازی در عرصه علمی از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای برخوردار است و به هر میزان ترسیم مدل‌ها در عرصه علمی نظام مند باشد و معنی دار می‌تواند زمینه درک مسائل و مباحث را بهتر و دقیقتر نماید، در تحقیق حاضر نیز برای نمایش ذهنی دقیق و روشن‌تر از مدل‌های اداره مناطق آزاد تجاری مناطق آزاد در سه کشور ایران، امارت و ترکیه استفاده شده است. مدل‌های استفاده شده در اداره مناطق آزاد تجاری را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: مدل سازمانی، مدل اداری و مدل یکپارچه (جامع). در مدل سازمانی، یک شرکت غیرانتفاعی، خصوصی، عمومی یا شرکت مشترک عمومی و خصوصی، مسئول سازماندهی ساختاری منطقه آزاد تجاری است. همچنین، آنها مسئول سازماندهی فعالیت‌های اقتصادی و فراهم آوردن تجهیزات لجستیکی مورد نیاز هستند؛ اما، مدیریت منطقه آزاد تجاری از طریق مدل اداری مبتنی بر اداره مناطق آزاد توسط واحدهای اداری موجود در منطقه است؛ به نحوی که، مراجع اداری مجاز امور اقتصادی، تجاری و صنعتی موجود در منطقه را از طریق مجاری اداری محلی به طور مستقیم مدیریت می‌کنند (افتخارچهرمی و

رضوانی، ۱۳۹۵: ۲۵۲). مدل سوم یعنی مدل جامع، مجموعه‌ای از مدل‌های سازمانی و اداری است. مهمترین ویژگی این مدل، تقسیم کار میان سرمایه گذاران منطقه، ادارات منطقه و مدیران مشاغل و خدمات است که همه آنها طبق قوانین به ایفاء وظیفه می‌پردازند. بر اساس این مدل، مرجع مربوطه محلی، ممکن است سازماندهی و مدیریت فعالیت های موجود در منطقه را به یک شرکت خصوصی واگذار کند. از جمله تحولات اخیر این نوع مدل اداره، می‌توان به توسعه آژانس‌های تجاری نیمه دولتی اشاره کرد که تمامی وظایف و تکالیف جهت اداره منطقه آزاد را متمرکز و اجرا می‌کنند (Kofi, 1997).

۱- تجزیه و تحلیل یافته‌ها

۱-۵- مدیریت مناطق آزاد ایران

سابقه ایجاد مناطق آزاد تجاری در ایران به سال ۱۳۶۸ برمی‌گردد که در بهمن ماه این سال هنگام تهیه و تصویب قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، به موجب تبصره ۱۹، به دولت اجازه داده شد که حداکثر در سه نقطه از نقاط مرزی کشور، مناطق آزاد تجاری-صنعتی تأسیس کند. در پی تصویب این قانون هیأت وزیران در سال ۱۳۷۲، تأسیس سه منطقه آزاد کیش، قشم و چابهار را تصویب کرد و سپس در سال‌های بعد مناطق آزاد ارس، اروند، ماکو و انزلی نیز به این مناطق اضافه شد. ماده ۱ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی، اهداف تشکیل مناطق آزاد تجاری صنعتی را به این شرح بیان می‌کند: «سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد عمومی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازار کار و کالا، حضور فعال در بازارهای جهانی و

منطقه‌ای، تولید و صادرات کالاهای صنعتی و تبدیلی و ارائه خدمات عمومی» (قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری صنعتی ایران، ۱۳۷۲). از نظر ساختاری در ایران براساس ماده ۵ قانون فوق «هر منطقه توسط سازمانی که به صورت شرکت با شخصیت حقوقی مستقل تشکیل می‌شود و سرمایه آن متعلق به دولت است، اداره می‌شود. این شرکت‌ها و شرکت‌های وابسته از شمول قوانین و مقررات حاکم بر شرکت‌های دولتی و سایر مقررات عمومی دولت مستثنی بوده و منحصر بر اساس این قانون و اساسنامه‌های مربوط اداره خواهند شد و در موارد پیش بینی نشده در این قانون و اساسنامه، تابع قانون تجارت خواهند بود». تامل در قانون مزبور نشان‌دهنده آن است که چنین سازمانی در قالب یک شرکت بدون تعیین نوع شرکت عملاً دارای کلیه اختیارات مربوط به اداره منطقه است، به گونه‌ای که موارد اختیارات سازمان به طور پراکنده در مواد ۷، ۸، ۹ و ۱۰ قانون فوق بیان شده و در ماده ۶ مقرر شده است که «مدیر عامل سازمان که ریاست هیأت مدیره را به عهده خواهد داشت، به موجب حکم ریاست جمهوری و از میان اعضای هیأت مدیره منصوب و بالاترین مقام اجرایی در زمینه های اقتصادی و زیربنایی منطقه می‌باشد»؛ از سوی دیگر، ماده ۱۱ آن نیز مقرر می‌دارد: «صدور مجوز برای انجام هر نوع فعالیت اقتصادی مجاز، ایجاد بنا و تأسیسات و تصدی به انواع مشاغل توسط اشخاص حقیقی و حقوقی، در مورد مشاغلی که متصدی مستقیم ندارند، در محدوده منطقه فقط در اختیار سازمان می‌باشد». وجود چنین رویکردی در اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی با تصویب ماده ۱۱۲ قانون برنامه پنجم تکمیل شده است؛ به گونه‌ای که بر اساس بند الف این ماده

«مدیران سازمان‌های مناطق آزاد به نمایندگی از طرف دولت، بالاترین مقام منطقه محسوب می‌شوند و کلیه وظایف، اختیارات و مسؤولیت‌های دستگاه‌های اجرائی دولتی مستقر در این مناطق به استثناء نهادهای دفاعی و امنیتی به عهده آنها است». بنابراین، نظام حقوقی حاکم بر اداره مناطق آزاد تجاری از طریق طراحی یک ساختار سازمانی در قالب شرکت با لحاظ کلیه اختیارات به استثنای نهادهای دفاعی و امنیتی به شیوه متمرکز مورد توجه قرار گرفته است. در واقع، مناطق آزاد ایران نتوانسته است اهدافی را که برای حصول به آن تأسیس شده است، برآورده سازد و یکی از دلایل عمده این شکست را باید در ساختار اداره این مناطق بررسی کرد. از یک سو، پیچیدگی و ابهام ساختاری و از سوی دیگر ساختار دولتی حاکم بر این مناطق در کنار عوامل دیگری، به عنوان مهم‌ترین موانع توسعه کیفی این مناطق بوده اند؛ در حالی که، تجارب جهانی حکایت از موفقیت مناطق آزادی دارد که اداره آن در دست بخش خصوصی بوده است. در پی ابلاغ سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و متعاقب آن تصویب قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ و شروع روند خصوصی سازی در کشور، امکان واگذاری اداره مناطق آزاد تجاری به بخش خصوصی واقع شد (افتخارچهرمی و رضوانی، ۱۳۹۵: ۲۵۲).

نمودار: سلسله مراتب حقوقی-اداری در مناطق آزاد ایران

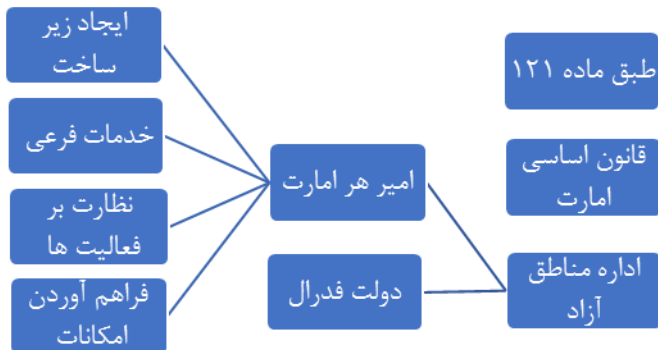


منبع: (فضلی و هداوند، ۱۳۹۶: ۱۰)

۲-۵- مدیریت مناطق آزاد امارات متحده عربی

مناطق آزاد تجاری امارات متحده عربی به دلیل نحوه توسعه و رویکرد خاص منطقه‌ای به عنوان یک فرصت و قوت برای این کشور به شمار می‌روند. یکی از دستاوردهای قابل توجه مناطق آزاد این کشور در دهه گذشته، توسعه سریع صنعتی بوده‌است. از سال ۱۹۹۰ دبی به عنوان پیشگام مناطق آزاد امارات در جهت تنوع بخش‌های اقتصادی حرکت نمود و در این راستا برنامه توسعه شهری خوبی را پیش‌بینی نمود. امارات متحده عربی مرکز توزیع بین‌المللی در سطح منطقه‌ای است و در دو دهه گذشته با رشد عظیم شهری

مواجهه بوده است. حاکمیت مناطق آزاد با استفاده از ایجاد زیرساخت اساسی توانسته است نسبت به جذب سرمایه در این مناطق اقدام نماید. سرمایه‌های کلان بازار مستغلات در پروژه‌های بزرگ این شهر به عنوان سیمای ساخت و ساز و مستغلات بر رشد بخش‌های غیر نفتی اقتصاد شهر موثر بوده است (Shaw,2016:77). در این کشور هر منطقه توسط یک حاکمیت مجزا که مرتبط با دولت مرکزی است اداره می‌شود و این نهاد تمامی مجوزهای لازم برای فعالیت را در محدوده آن منطقه صادر می‌نماید. در مناطق آزاد امارات نیز واگذاری زمین به ضرورت اجاره و یا واگذار قطعی می‌باشد که هر کدام دارای شرایط و میزان سرمایه‌گذار حداقلی می‌باشند. در امارات بیش از ۴۰ منطقه آزاد وجود دارد که بیشترین آن دبی با بیش از ۲۵ منطقه آزاد و شارجه با ۸ منطقه آزاد می‌باشد (Böhmer and Farid,2010,:55).



نمودار: مدل مفهومی اداره مناطق آزاد امارت متحده عربی

در مورد منطقه آزاد جبل علی نیز وضعیت به همین منوال است. به شهادت آمار و اطلاعات موجود، از بین تمامی مناطق آزادی که در کشورهای عربی ایجاد شده است، در حال حاضر منطقه آزاد جبل علی در امارات قدرتمندترین مدل اداره را داراست. منطقه آزاد جبل علی در سال ۱۹۸۰ و در پی دستور حاکم وقت دبی یعنی شیخ راشد بن سعید آل مکتوم پایه گذاری شد. رجوع اداره کننده منطقه آزاد جبل علی سازمانی بود که در پی دستور شماره ۱ سال ۱۹۸۵ حاکم دبی با عنوان " ایجاد مرجع منطقه آزاد در بندر جبل علی " تاسیس شد. مرجع مذکور، مسئول وضع مقررات، تنظیم امور و نظارت بر منطقه آزاد جبل علی است. مسئولیت های مرجع مذکور به صورت جزئی عبارت است از: ایجاد زیرساخت لازم برای منطقه، وضع مقررات، تنظیم فعالیت های مشتریان در منطقه، صدور مجوز فعالیت، انعقاد قراردادهای اجاره کوتاه مدت یا بلند مدت برای املاک مورد نیاز مشتریان، کمک به سرمایه گذاران در یافتن و استخدام مدیران، کارمندان، کارگران و حرفه های مورد نیاز آنها، وضع قوانین مورد نیاز برای شرکت های فعال در منطقه و فراهم کردن نیروی فنی، حرفه ای و اجرایی برای این شرکت هاست. تا سال ۲۰۰۱ اداره منطقه آزاد جبل علی مانند سایر مناطق آزاد دبی در اختیار مرجع اداره کننده بود تا اینکه طبق فرمان شیخ مکتوم آل مکتوم حاکم دبی سازمان بنادر دبی، شرکت گمرکات دبی و مرجع اداره منطقه آزاد جبل علی در هم ادغام و " شرکت بنادر، گمرکات و مناطق آزاد " تاسیس شد. در واقع این سه نهاد با ادغام، کنسرسیومی را ایجاد کردند که منجر به تشکیل شرکت جدید

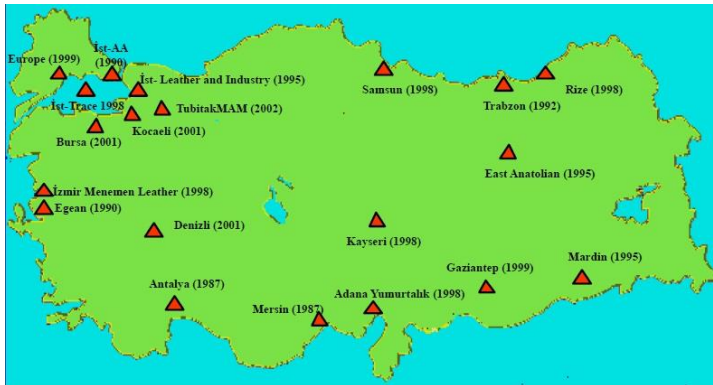
برای اداره این منطقه آزاد شد. در ماه می همان سال شیخ مکتوم بن رشید آل مکتوم، سلطان احمد بن سلیمان را به عنوان مدیر اجرایی شرکت مذکور منصوب کرد؛ تاکنون نیز وی در همین مسند قرار دارد. بر طبق فرمان مذکور، این شرکت شخصیت مستقل مالی و اجرایی دارد و بر اساس اصول تجاری و بازرگانی اداره می شود. به نظر می رسد یکی از دلایل موفقیت منطقه آزاد جبل علی را باید در ثبات و کیفیت مدیریت آن جستجو کرد؛ شرکت اداره کننده که از زمان تشکیل از ثبات مدیریتی برخوردار بوده، بیشترین تلاش خود را جهت ارائه سریع بهترین خدمات به فعالان اقتصادی، به دور از مداخلات سیاسی، بروکراسی های معمول اداری و تشریفات زاید انجام داده است. در این منطقه اغلب امور، به صورت اینترنتی قابلیت انجام و پیگیری دارند و پرتال تجارت دبی در خصوص فعالیت های مرتبط با منطقه ۱۶۲ مورد خدمات الکترونیکی نظیر ثبت نام سرمایه گذاران، صدور و تمدید مجوزها، درخواست ویزا و پرداخت های الکترونیکی ارائه می کند. این موضوع تاثیر بسزایی در تسریع روند سرمایه گذاری در این منطقه داشته است. ایجاد تمرکز در ارائه خدمات به مشتریان یکی از شعارهای اصلی و پررنگ این منطقه آزاد است که بدون شک برای سرمایه گذاران یک مزیت محسوب می شود (رضوانی و رضوانی، ۱۳۹۸).

۳-۵- مدیریت مناطق آزاد ترکیه

تاریخچه مناطق آزاد در ترکیه به امپراتوری عثمانی باز می گردد. اگرچه اقداماتی در مورد مناطق آزاد در سال های پایه و اساس جمهوری انجام شد، اما نتایج موفقیت آمیزی حاصل نشده است. اتخاذ اقتصاد بازار آزاد، همراه با

تصمیمات ۲۴ ژانویه در ترکیه، اهمیت آن را برای اقتصاد این کشور افزایش داده شد و تغییرات اساسی در مناطق آزاد ایجاد شد و قانون مناطق آزاد در سال ۱۹۸۵ به تصویب رسید. مناطق آزاد در قانون مناطق آزاد؛ علی‌رغم قرار گرفتن در مرزهای سیاسی کشوری که در آن واقع شده‌اند، آنها به عنوان مکان‌هایی تعریف می‌شوند که مشوق‌ها، مزایا و معافیت‌های گسترده‌تری از نظر فعالیت‌های صنعتی و تجاری برای آنها فراهم شده‌است که از نظر تجارت خارجی، مالیاتی و قوانین گمرکی خارج از خط گمرک در نظر گرفته می‌شوند. در تعریف مناطق آزاد همراه با مزایا و معافیت‌ها؛ با هدف افزایش صادرات و پس انداز سرمایه‌های خارجی، افزایش قدرت بنگاه‌های داخلی در عرصه رقابت بین‌المللی، ترغیب به توسعه صنایع صادرات محور، افزایش ورود ارزهای خارجی به کشور، کمک به حل مشکل اشتغال با فرصت‌های شغلی جدید و دستیابی به تکنیک‌های پیشرفته تولید و مدیریت می‌باشد (İmamoğlu, 2019, 1). ترکیه دارای ۲۱ منطقه آزاد تجاری در سراسر کشور است. از زمان تأسیس اتحادیه گمرکی EC- ترکیه در سال ۱۹۹۶، صادرات به اتحادیه اروپا از مشاغل داخلی در ترکیه عاری از مالیات بوده است. هدف این است که مناطق آزاد با کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری برای سرمایه‌ها در تلاش برای باز شدن به خارج، رقابت بین‌المللی را بدست آورند. در حالی که برخی از این مناطق آزاد برای تجارت کار می‌کنند، برخی از آنها در بخش‌های خاصی تخصص دارند و برخی از آنها تولید صنعت تولید را برای صادرات انجام می‌دهند (Acar & Gültekin, 2017:32).

نقشه مناطق آزاد ترکیه



(منبع: Mum, 2009:8)

قوانین مربوط به مناطق آزاد تجاری در ترکیه:

توسعه اصلی مناطق آزاد با "قانون مناطق آزاد به شماره ۳۲۱۸" در روزنامه رسمی در سال ۱۹۸۰ و شماره ۱۸۷۸۵ پس از تصمیمات ۲۴ ژانویه ۱۹۸۰ منتشر شده است. قانون مناطق آزاد به شماره ۳۲۱۸، که شامل مفاد کلی در مورد مناطق آزاد است، یک قانون کوتاه است و از چهار قسمت تشکیل شده است.

- قسمت اول شامل مفاد کلی در مورد مناطق آزاد است. در ماده ۲ قانون مربوط، اختیار تعیین محل و مرزهای مناطق آزاد به شورای وزیران داده شده است. در این بخش، فعالیتهایی که می توان در مناطق آزاد انجام داد نیز توضیح داده شده است.
- قسمت دوم شامل مقررات مربوط به تنظیم مناطق آزاد است. در این بخش، جایی که درآمد و هزینه مناطق آزاد و مشوق ها و معافیت

های ارائه شده در مناطق مشخص شده است، اصول تنظیم مناطق آزاد توضیح داده شده است.

- در قسمت سوم، قوانین کلی در مورد شیوه های تجارت خارجی در مناطق آزاد توضیح داده شده است.
- در قسمت چهارم و آخرین قانون مربوط، اصول کار و تأمین اجتماعی مناطق آزاد تعیین شده است. طبق این قانون، T.C. بیان شده است که مفاد قانون تأمین اجتماعی در مناطق آزاد نیز اعمال خواهد شد (Tümenbatur, 2012, 346-347).

از جمله مزایای مناطق آزاد تجاری ترکیه می توان به؛ امکان بهره مندی از مزایای مالیاتی برای کاربران سازنده، فرصت برنامه ریزی میان مدت و بلند مدت، فرصت انتقال سود، تسهیل تجارت خارجی، تسهیلات تجارت عاری از رویه وظایف گمرکی، دسترسی آسان به کشورهای اتحادیه اروپا، رفتار برابر، بدون محدودیت زمانی، مدیریت فعالیت های تجاری با توجه به تقاضای بازار و شرایط، فرصت حسابداری تورم، دسترسی به بازارهای داخلی و خارجی، کاهش رویه های بوروکراتیک و مدیریت پویا، موقعیت مکانی استراتژیک، استانداردهای رقابتی زیرساخت، مدیریت زنجیره موجودی، اشاره کرد (Yurdakul, 2019). اما به طور کلی، مشخص شده است که تفاوت زیادی بین مناطق آزاد موجود در غرب این کشور که صنعت و شهرنشینی توسعه بیشتری داشته است با مناطق آزاد موجود در شرق ترکیه وجود دارد. اولین ناراحتی در اینجا ناشی از خود منطقه آزاد نیست، بلکه ناشی از مدیریتی است که وظیفه خود را انجام نمی دهد. تقریباً ۶۰ میلیون دلار هر ساله به دلیل

فعالیت‌های منطقه آزاد به بودجه عمومی واریز می‌شود. مناطق آزاد که تقریباً ۱۵٪ تجارت جهانی را مدیریت می‌کنند، از این نظر سهم زیادی در اقتصاد دارند، خصوصاً از نظر اشتغال. مناطق آزاد، به ویژه در کشورهایی که فرصت‌های خوبی برای مسائل اشتغال مانند ترکیه ایجاد می‌کنند. حدود ۴۶۰۰۰ نفر در مناطق آزاد تجاری در ترکیه اشتغال دارند. البته سهم این مناطق در اشتغال بسیار بیشتر از این تعداد است. بنابراین، مناطق آزاد تجاری در ترکیه گفتند که به کاهش بیکاری کمک کرده است.

(Paksoy & güllü,2012:131).

اداره کل مناطق آزاد که در سال ۱۹۸۳ به عنوان یک اداره کل وابسته به نخست وزیر با مصوبه قانون شماره ۱۵۱ تأسیس شد، در سال ۱۹۸۴ با مصوبه قانون شماره ۲۲۳ به سازمان برنامه ریزی کشور وابسته شد. بعداً، با مصوبه قانون شماره ۴۳۶، در سال ۱۹۹۱ به عنوان مدیرکل به وزارت امور خزانه داری و تجارت خارجی نخست وزیر پیوست، اما در سال ۱۹۹۴ وزارت امور خارجه. با تقسیم به دو عنوان وزیر امور خزانه داری و تجارت خارجی، اداره کل مناطق آزاد به وزارت امور خارجه وابسته شد (Hava,1999:116).

اداره کل مناطق آزاد ترکیه



نمودار: مدل مفهومی اداره کل مناطق آزاد ترکیه از سال ۱۹۸۳ تا کنون

عضویت دولت‌ها در نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و کثرت موافقتنامه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی از شاخص‌های توان (قدرت) دولت‌ها در عرصه روابط بین‌المللی محسوب می‌شود. دولت‌ها با انعقاد موافقتنامه‌های مختلف با سایر بازیگران عرصه بین‌الملل در پی تحصیل هر چه بیشتر منافع ملی خود هستند. ترکیه عضو سازمان جهانی تجارت، سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD)، اکو، همکاری‌های اقتصادی دریای سیاه (BSEC) و برخی نهادها و سازمان‌های بین‌المللی دیگر است. این کشور دارای اتحادیه گمرکی

(CUSTOM UNION) با اتحادیه اروپا و موافقتنامه تجار آزاد با جامعه تجارت آزاد اروپا (EFTA) و کشورهای اروپای مرکزی و شرقی (CEE) است. به تازگی دولت این کشور در پی انعقاد موافقتنامه تجارت آزاد با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (GCC) نیز برآمده است (دیده‌ور، ۱۳۸۸: ۳۵). ظرافت و ذکاوتی که دولتمردان ترک برای بهره‌مندی از چنین موافقتنامه‌هایی از خود بروز داده‌اند قابل توجه است. با ارتقای موقعیت تکنولوژیکی و سرمایه‌ای شرکت‌های متعلق به کشورهای در حال توسعه، روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در طی سال‌های اخیر تاحدودی متحول شده و کشورهای در حال توسعه نیز، خود اقدام به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سایر کشورها اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه نموده‌اند تا بتوانند بازارهای جدیدی را برای محصولات خود به وجود آورند. به تازگی دیپلمات‌های ترک در محل مأموریت خود در کشورهای جنوب، جنوب شرق و شرق آسیا اقدام به رایزنی‌های فراوانی کرده‌اند تا با توجه به موافقتنامه اتحادیه گمرکی بین این کشور و اتحادیه اروپا، شرکت‌های آسیایی را به حضور و سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری خود ترغیب کنند. در این صورت شرکت‌های آسیایی با حضور و تولید در مناطق آزاد ترکیه، کالاهای تولیدی خود را به نام ترکیه و تحت تسهیلات موجود در مناطق آزاد این کشور، وارد بازارهای اروپا خواهند کرد (Taarji, 2005).

۶- نتیجه گیری

امروزه کشورها برای تامین سرمایه و ایجاد زیرساخت‌های اساسی رشد و توسعه اقتصادی، کسب فناوری‌های نوین، ایجاد اشتغال و مواردی از این قبیل، ناگزیر از برنامه ریزی برای جلب و جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی هستند و ایجاد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی یکی از مهم‌ترین راهکارهای کشورهای مختلف دنیا در چند دهه اخیر برای نیل به این مهم بوده است. منطقه آزاد تجاری، قلمرو معینی است که غالباً در داخل یا در مجاورت یک بندر قرار گرفته است و در آن تجارت آزاد با سایر نقاط جهان انجام می‌شود. با توجه به آمار ارائه شده از مناطق آزاد کشور و اهداف ایجاد آن‌ها، این مناطق با مشکلات و چالش‌های بسیاری روبرو می‌باشند و به بسیاری از اهداف خود نرسیده‌اند. در بخش صادرات، این مناطق به پایگاه‌هایی برای ورود کالا به کشور تبدیل شده‌اند. قسمت اعظم مواد اولیه و قطعات نیمه ساخته شده صنایع مستقر در مناطق آزاد، وارداتی هستند، از سوی دیگر، صنایع داخلی نیز دارای ساختاری وابسته می‌باشد، بدین لحاظ نمی‌توان خالص صادرات چندانی را از مناطق آزاد انتظار داشت، همچنین در زمینه اشتغال نیز مناطق آزاد کشور نتوانسته‌اند به اهداف مورد نظر خود دست یابند، پایین بودن دستمزد برای کارگران عادی و همچنین بالا بودن سطح دستمزدهای کارگر فنی به دلیل مهاجرت کم آن‌ها که باعث به وجود آمدن تفاوت در سطح درآمد بخش صنعت و خدمات شده است. در آخر، به سبب نبود ابزارهای کنترلی، مناطق آزاد مورد سوء استفاده قاچاقچیان کالا نیز قرار گرفته است

(مقدسی، ۱۳۸۹: ۵). بنابراین، یکی از راهکارهای سودمند برای موفقیت مناطق آزاد، می تواند وجود یک بازنگری جدی و اصلاح در نحوه اداره این مناطق باشد.

حال در این تحقیق در گام نخست سعی شده است با داشتن یک نگرش مقایسه‌ای به نحوه مدیریت مناطق آزاد سایر کشورها، بهترین نوع اداره این مناطق معرفی شود و در گام دوم با ارائه یک مدل مفهومی از نحوه اداره مناطق آزاد سه کشور ایران، امارات و ترکیه، این مفاهیم بهتر درک شود. در ادامه می‌توان به این اشاره کرد که مدل‌های مدیریت مناطق آزاد سه نوع هستند: مدل سازمانی (یک شرکت خصوصی یا عمومی و یا به صورت مشترک مسئول سازماندهی این مناطق هستند)، مدل اداری (اداره‌های محلی به صورت مستقیم مدیریت مناطق آزاد را بر عهده دارند) و مدل یکپارچه (مجموعه‌ای از مدل‌های سازمانی و اداری است).

مناطق آزاد تجاری ایران همانطور که قبل تر بیان شد دچار مشکلاتی هستند. با وجود اینکه احکام قانونی متعددی درخصوص یکپارچه سازی امور مدیریتی و واگذاری اختیارات دستگاه‌های اجرایی در داخل محدوده مناطق آزاد تصویب شده است، اما عمده این مناطق در عمل درگیر امور شهری و روستایی هستند و در رسیدن به اهداف اقتصادی مطابق سایر مناطق آزاد موفق دنیا ناکام مانده‌اند. از منظر فلسفه تاسیس مناطق آزاد در ایران مانند سایر مفاهیم اقتصادی سیاست‌گذار صرفا با یک الگو برداری ناقص و بدون رعایت پیش نیازهای اساسی برای ایجاد این مناطق اقدام به تاسیس مناطق

آزاد کرده و به نتایج مورد انتظار قانون گذار در این خصوص عمدتاً نرسیده است.

در خصوص نحوه اداره مناطق آزاد امارات متحده عربی می‌توان گفت: این کشور از مدل اداری استفاده کرده است و علت موفقیت مناطق آزاد خود را مدیون محلی بودن مدیریت است؛ یعنی امیر هر امارت به صورت محلی برای مناطق آزاد خود تصمیم‌گیری می‌کند و سرمایه گذران شرکت‌های خصوصی در این مناطق بسیار فعال هستند.

و در نهایت در کشور ترکیه، اداره کل مناطق آزاد وابسته به وزارت امور خارجه می‌باشد؛ یعنی مناطق آزاد در این کشور با مدل سازمانی و دخالت دولت انجام می‌شود. اما علت موفقیت مناطق آزاد تجاری ترکیه را می‌توان عضویت‌های متعدد این کشور در توافقنامه‌های گمرکی و اقتصادی و امضای قرارداد های سودمند دیپلمات‌های ترک در محل ماموریتشان دانست، در حال حاضر اتحادیه اروپا دارای بزرگ‌ترین شبکه موافقتنامه‌های تجاری در جهان است. دولت ترکیه نیز به اعتبار برخورداری از موافقتنامه اتحادیه گمرکی با اتحادیه اروپا به‌طور خودکار از منافع این موافقتنامه‌ها بهره‌مند می‌شود. ارتقای ترکیه به این سطح از موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای با اتحادیه اروپا بیانگر اعمال تغییرات مورد نظر این اتحادیه در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی ترکیه می‌باشد.

۷- پیشنهادات

با توجه به مشکلات متعددی که ایران در اداره مناطق آزاد خود دارد و نگرش مقایسه‌ای که به مدیریت مناطق آزاد در کشورهای امارت و ترکیه شد، می‌توان پیشنهادهای زیر را برای بهتر شدن وضعیت مناطق آزاد ارائه کرد:

- ایران می‌تواند در اداره مناطق آزاد خود مانند امارات از مدل اداری (دولت‌های محلی) استفاده کند تا در این مناطق شاهد کاهش بروکراسی باشیم.
- همچنین ایران می‌تواند مانند ترکیه که موافقتنامه‌های تجاری با اتحادیه اروپا دارد، با اتحادیه اروسیا روابط دیپلماتیک خود را افزایش دهد تا از فواید همکاری با این اتحادیه برخوردار شود.
- ایجاد و توسعه ساختار مدیریت نظام مند؛
- افزایش تعاملات بین مناطق آزاد؛
- تمرکز بر ظرفیت‌های ژئوپلیتیک مناطق آزاد ایران؛
- و....

منابع

- ابراهیم‌خانی، حسین (۱۳۸۴): بررسی تطبیقی حقوق کار در مناطق آزاد تجاری (ایران، چین و امارات)، نشر آریان، چاپ اول، تهران.
- ابراهیمی، علی و لطفی، حیدر (۱۳۹۶): نقش و تأثیر مناطق آزاد در اقتصاد ایران با تأکید بر منطقه آزاد چابهار به منظور ارائه مدلی فرا منطقه‌ای برای اقتصاد و سیاست خارجی ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، سال هفتم، شماره ۴، پاییز، صص ۲۴۰-۲۱۷.
- احمد زاده، بهمن و لطفی، حیدر (۱۳۹۶): تأثیر مناطق آزاد بر تجارت بین‌الملل؛ مطالعه موردی منطقه آزاد کیش؛ فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال نهم، شماره دوم، صص ۱۵۸-۱۷۷.
- اسماعیل زاده، خالد (۱۳۹۲): ارزیابی اثرات ایجاد بازارچه‌های مرزی بر توسعه اقتصادی روستاهای پیرامون آنها نمونه مورد مطالعه: دهستان نور، شهرستان بانه، پایاننامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زنجان.
- افتخارچهرمی، گودرز و رضوانی، ابراهیم (۱۳۹۵): الگوی خصوصیسازی ساختار اداره مناطق آزاد تجاری، مطالعات مدیریت راهبردی، شماره ۲۶، تابستان، صص ۲۴۹-۲۷۵.
- جان‌پرور، محسن (۱۳۹۶): نگرشی نو به مطالعات مرزی (مفاهیم، اصول، نظریه‌ها)؛ چاپ اول، انتشارات انجمن ژئوپلیتیک ایران، تهران.
- جبارزاده، فاطمه (۱۳۸۷): مناطق آزاد تجاری-صنعتی در آیین قانون، ماهنامه آغاز، سال اول، شماره ۶.
- حاجی‌نوروزی، شیما (۱۳۹۵): بررسی مسائل روز اقتصاد ایران، گزارش: مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی بسترها و الزامات، چالش‌ها و راهکارها، تهیه شده در:

- معاونت اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، پاییز، صص ۳۳-۱.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۷۸): خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
 - حافظنیا، محمدرضا و ذوقی بارانی، کاظم و احمدی پور، زهرا (۱۳۹۰): بررسی تاثیر الگوی دوگانه مدیریت سیاسی فضا بر کارکردهای مناطق آزاد: مطالعه موردی کیش، مدرس علوم انسانی-برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره پانزدهم، شماره ۱، بهار، صص ۲۱-۳۹.
 - حجبی پناه، نرگس و زرقاتی، هادی و خوارزمی، امیدعلی (۱۳۹۷): تحلیل نقش عوامل اجتماعی-فرهنگی در شکل گیری دولت محلی در ایران بر اساس نگرش سیستمی، پژوهش های جغرافیایی انسانی، دوره ۵۰، شماره ۳، پاییز، صص ۲۳۷-۵۵۴.
 - دیده ور، بهرام (۱۳۸۸): مناطق آزاد تجاری: ایران و ترکیه، ویژه نامه اقتصادی، سال هشتم، شماره ۵۷.
 - رضوانی، ابراهیم و رضوانی، مریم (۱۳۹۸): آشنایی با مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی، انتشارات نسل روشن.
 - رکن الدین افتخاری، عبدالرضا و وجدانی تهرانی، هدیه و علی رازینی، ابراهیم (۱۳۸۸): ارزیابی و اولویت بندی مناطق آزاد تجاری ایران با استفاده از روش MADM، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۳، شماره ۳، پاییز.
 - عبده زاده، سیروان، فتح الهی، سعید (۱۳۹۴). بازارچه های مرزی و احساس امنیت اقتصادی - اجتماعی روستائیان مرزنشین مورد مطالعه: بازارچه ها و روستاهای مرزی شهرستان، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۴۳.

- عسکری، علی و جعفری، تینا (۱۳۹۵): ارزیابی آثار اعطای معافیت مالیاتی در مناطق آزاد تجاری ایران (مطالعه موردی منطقه آزاد قشم، کیس و چابهار)، فصلنامه علوم اقتصادی، شماره ۳۷.
- علوی نسب، سیدمحمد (۱۳۸۱): مناطق ویژه اقتصادی چین: مدیریت، عملکرد و چشم انداز آینده، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال چهارم، شمار سیزدهم، تابستان، صص ۱۶۸-۱۴۹.
- فضلی، عزیزالله و هداوند، مهدی (۱۳۹۶): ماهیت حقوقی نظارت بر سازمان مناطق آزاد تجاری-صنعتی ایران، دو فصلنامه حقوق اداری (علمی-پژوهشی)، سال پنجم، شماره ۱۳، پاییز و زمستان، صص ۳۱-۹.
- قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲.
- کامران، حسن (۱۳۸۱): علل توسعه نیافتگی مناطق آزاد ایرن؛ مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۷.
- گرجی ازندریانی، علی اکبر و باران زهی، محمد (۱۳۹۸): امکان استقلال اداری مناطق آزاد تجاری صنعتی در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق اداری، سال شیشم، شماره ۱۹، تابستان، صص ۱۷۰-۱۴۹.
- لطیفی، غلامرضا و امین آقایی، مهرناز (۱۳۸۶): جایگاه مناطق آزاد در برنامه ریزی منطقه ای ایران، فصلنامه ی علوم اجتماعی، شماره ۳۶، تابستان، صص ۱۰۲-۷۷.
- نجفی، مهرداد و ابوطالب پور، علی (۱۳۸۸): سیر تکاملی مناطق آزاد و جایگاه آنها در توسعه اقتصادی کشورها با تاکید بر منطقه آزاد چابهار؛ فصلنامه دیدگاه، شماره تابستان، صص ۱۱۸-۸۱.
- محمدالموتی، مسعود (۱۳۷۴): مناطق آزاد و اثرات اقتصادی-تجاری آن، موسسات و پژوهش های بازرگانی، تهران.
- مقدسی، علیرضا (۱۳۸۹): مناطق آزاد: اصول، مفاهیم، کارکردها و راهکارها، راهکار مدیریت.

- ولی‌قلی‌زاده، علی و الله‌وردی‌زاده، رضا (۱۳۸۹): نگرش ژئوپلیتیکی-ژئواکونومیکی بر منطقه آزاد تجاری-صنعتی ارس، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره دوم، تابستان، صص ۱۸۱-۱۵۳.

- Acar, Sevil and Gültekin, Derya (2017): Dünyada ve Türkiye’de Serbest Bölgeler, Marmara İktisat Dergisi, Marmara Journal of Economics Volume, Cilt: 1 / Issue, Sayı: 1 Mart, ss/pp. 21-35.
- Böhmer, A and Farid, N (2010) Investment Policies and Promotion, working Paper, Amman.
- Bonchuk, Michael (2014). Nigeria - Cameroon borderland: Prospects of economic cooperation and integration, American Journal of Social Issues and Humanities.
- Hava, H. Tamer, (1999): “Serbest Bölgeler Ve Ege Serbest Bölgesi: Bir Durum Değerlendirmesi”, Dokuz Eylül Üniversitesi, İ.İ.B.F. Dergisi, Cilt: 14, Sayı: 1, İzmir.
- Haywood, Robert (2000); Free zones in the Modern World, World Economic Processing Zones Association Evergreen, Colorado, USA, CFATF Meeting Aruba, No. 5 Ver. 1. <http://www.wepza.org>.
- İmamoğlu, İ.K. (2019). “Serbest Bölgelerin Ekonomideki Etkinliği: Türkiye’deki Serbest Bölgeler Üzerine Bir Değerlendirme”, International Social Sciences Studies Journal, 5(50): 6542-6554.
- İnan, Süleyman (2005); Serbest Bölge ithalat ve ihracat Uygulamaları, www.alarkocarrier.com.tr.
- Kofi Oteng Kufuor (1997): The Ghana Free Zone Act, Transnat'l Law, 10, 245 ۲۶۳.
- Mum, Edvar (2009): Turkish free zones, General Manager, Mersin Free Zone Operator Inc.

- Öztürk, Lütfü (2004); “Serbest Bölgelerdeki Doğrudan Yabancı Sermaye Yatırımları: Dünyadaki Uygulamalara Teoriler Işığında Bir Bakış”, Akdeniz i. i.B.F. Dergisi, 7 Sayı,110-128s.
- Paksoy, Sadettin and güllü, Mehmet (2012): SERBEST BÖLGELER ÜZERİNE BİR ARŞTIRMA: GAZİANTEP ÖRNEĞİ, Elektronik Sosyal Bilimler Dergisi, Electronic Journal of Social Sciences, Cilt:10, Sayı 113-133.
- Rumley, D & Minghi, J (1991): The Geography of the Border landscapes. London, by Routledge.
- Shaw. B (2016): Land Use in Dubai, University of Chicago Law School Chicago Unbound, Law School International Immersion Program Papers,23.
- Tümenbatur, Atiye (2012): SERBEST BÖLGELER VE TÜRKİYE EKONOMİSİNE KATKILARI ÜZERİNE BİR DEĞERLENDİRME, Ç.Ü. Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi, Cilt 21, Sayı13, Sayfa 339-356.
- Yurdakul (2019): Turkish Free Trade Zones, International Legal Consultancy, <https://www.mondaq.com/turkey/export-controls-trade-investment-sanctions/788638/turkish-free-trade-zones>.

نگاه استراتژیک افغانستان به منطقه آزاد چابهار

دکتر مرجان بدیعی ازندهی!
نرجس سادات حسینی نصرآبادی^۲

^۱ استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

^۲ دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، hossainy_65@ut.ac.ir

چکیده

کشورها، همواره می‌کوشند در سطحی کلان، با عضویت در اتحادیه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از مزایای سیاسی و اقتصادی این اتحادیه‌ها بهره‌مند شوند. بعنوان نمونه، «اتحادیه ارواسیا» در همسایگی ایران و افغانستان، عملاً سه حوزه جغرافیایی آسیای مرکزی، قفقاز و حوزه بالتیک را در خود جای داده است. در سطحی خردتر، «منطقه‌ی آزاد اقتصادی»، به مثابه‌ی یک منطقه‌ی میانجی و استراتژیک از اهمیت زیادی در برنامه‌ریزی کشورها برای ایجاد روابط سیاسی و همکاری اقتصادی با کشورهای دیگر برخوردار است. بیش از دو دهه است، منطقه آزاد چابهار در کنار دریای عمان تاسیس شده است، و نگاه استراتژیک کشورهای همسایه‌ی ایران مانند افغانستان را برای بهره‌مند شدن از پتانسیل‌های این منطقه به خود جلب کرده است. جمهوری اسلامی افغانستان از یکسو، به دلیل موقعیت جغرافیایی محصور در خشکی، و از دیگر سو، به دلیل دهه‌ها جنگ و تصادم رقابت‌های ژئوپلیتیک برون منطقه‌ای در این کشور، نیازمند بهره‌گیری از سواحل کشورهای همسایه خود باهدف برقراری روابط سیاسی و کسب مزایای اقتصادی است. چابهار کمتر از ۶۰۰ مایل با مرز افغانستان فاصله دارد، و تنها بندر غیر پاکستانی است که افغانستان را به دریا متصل می‌کند. براساس برآوردها، ارزش صادرات افغانستان در سال ۲۰۱۹ بالغ بر یک میلیارد دلار بوده که پیش‌بینی می‌شود، در سال ۲۰۲۰ با بکارگیری بندر چابهار به دو میلیارد دلار برسد. از این رو، نگاه استراتژیک افغانستان به منطقه آزاد چابهار به عنوان پلی برای برقراری روابط با دیگر مناطق و اتحادیه‌ها، قابل مطالعه و بررسی است. مقاله‌ی حاضر با روش توصیفی - تحلیلی در صدد بیان دلایل ملاحظات استراتژیک افغانستان به منطقه‌ی آزاد چابهار است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد، منطقه‌ی آزاد چابهار پارامترهای اساسی مانند دسترسی به آبهای آزاد بین‌المللی، توان جای‌گزینی مسیرهای سنتی، و تعیین‌کنندگی مسیر حمل‌ونقل

کالا برای افغانستان به کشورهای مختلف و در نهایت تبدیل این کشور به محور همکاری‌های منطقه‌ای را دارد.

واژگان کلیدی: منطقه آزاد، افغانستان، ایران، چابهار، نگاه استراتژیک.

مقدمه

آسیا، نقش هاب جهانی تولید، تجارت، ساختار سرمایه و بهره وری را پیدا کرده است و بر مبنای تجارت بین منطقه‌ای و بین‌المللی، رشد و توسعه سریعی داشته است. رشد اقتصادی کشورهای آسیایی در دوره رکود اقتصاد جهانی، آسیا را به عنوان محور رشد اقتصاد جهانی معرفی کرده است (۱۳۳): (Fingar ۲۰۱۶). درقاره آسیا، منطقه آسیای مرکزی بعنوان یک منطقه ژئواستراتژیک همواره در کانون توجه روسیه و ابرقدرتهای چین و آمریکا قرار داشته است. توجه چین به این منطقه برای عبور طرح (یک کمربند - یک راه) برای اتصال به اروپا از نمونه‌های موقعیت مهم آسیای مرکزی است. در این منطقه، اتحادیه اقتصادی ارواسیا و سازمان همکاری شانگهای ظرفیت‌های خوب و مناسبی برای ارتقای سطح اقتصادی کشورهای این منطقه دارند (مهکویی و گودرزی، ۱۳۹۸: ۵۱۹). در این راستا، نقش مناطق آزاد اقتصادی نیز بسیار حائز اهمیت است. یکی از مهمترین این مناطق که توجه بسیاری از کشورهای آسیایی را به خود جلب کرده است، منطقه آزاد چابهار است. با توجه به اینکه منطقه‌ی آزاد چابهار به دلایل جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی وحتى فرهنگی دارای ماهیتی پویا برای تحرک و توسعه‌ی نیمه شرقی کشور و در نتیجه کل ایران است؛ برای کشورهای هم‌جوار در منطقه وحتى برای ارتباطات اقتصادی جهانی نیز دارای اهمیت است؛ از این‌رو، نگاه استراتژیک کشورهای همسایه در زمینه توسعه را به خود جلب کرده است. توجه به بهره‌مندی از منطقه آزاد چابهار این امکان را می‌دهد تا از یکسو، با برنامه‌ریزی صحیح بتوان در جهت توسعه این منطقه و درنهایت برای توسعه

کشور گام برداشت، و از دیگر سو، به کشورهای دیگر امکان داد تا برای توسعه منافع ملی خود از این منطقه استفاده کنند. البته توجه به چالش‌های احتمالی کمک خواهد کرد تا نگاه استراتژیک کشور بهره‌مند از این مزیت راهبردی، موجبات تهدید ابعاد امنیت منطقه‌ای را فراهم نیاورد. بندر چابهار به‌عنوان مهم‌ترین بندر در مسیر ترانزیتی محور شرق ایران، برای همسایگان شرقی ایران بویژه افغانستان اهمیت راهبردی دارد، زیرا افغانستان یک کشور محصور در خشکی است و برای رشد اقتصادی خود به دسترسی به آب‌های آزاد نیاز دارد. این کشور می‌تواند با ترانزیت کالا در بندر چابهار زمینه رشد و شکوفایی اقتصاد خود را فراهم کند. ایران و افغانستان طی قرون متمادی با حضور در یک بستر تمدنی و جغرافیایی مشترک، تقریباً نوعی همسایگی مسالمت‌آمیز را تجربه کرده‌اند (سینایی و جمالی، ۱۳۹۷: ۶۹). بویژه آنکه افغانستان دوره‌های دیگری را بعد از دوران جهاد تجربه کرد؛ و سرانجام بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ عملاً توسط ائتلاف به رهبری ایالات متحده اشغال شد و هم‌اینک در کوران برقراری صلح در بین گروه‌های داخلی یعنی طالبان با حکومت مرکزی است. این مطالعه نشان داده است، منطقه‌ی آزاد چابهار می‌تواند توان استراتژیک افغانستان را بالا ببرد، و نقش موثری در پیشبرد اهداف کشور افغانستان به ویژه در برقراری روابط با کشورهای محصور در خشکی در اتحادیه‌هایی مانند اتحادیه اوراسیا داشته باشد. این نکته موجب نگاه استراتژیک افغانستان به منطقه آزاد چابهار شده است.

چارچوب مفهومی پژوهش

الف - منطقه گرایی

مناطق با هر تعریفی که از آنها ارائه شود، باید از نظر جغرافیایی از مجموعه‌ای از واحدها تشکیل شده و این مجموعه‌ها باید درون یک سیستم بزرگتر قرار گرفته باشد که دارای ساختار خاص خود می‌باشد (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۳۷). یک منطقه، دسته‌ای از کشورهاست که از نظر سیاسی وابستگی متقابل داشته یا تصور می‌کنند که این‌گونه هستند. نظریه نظام‌های منطقه‌ای، مناطق را به صورت الگوهای روابط و تعاملات در داخل یک ناحیه جغرافیایی در نظر می‌گیرند که از درجه‌ای از نظم و ترتیب و انسجام برخوردارند (لیک و مورگان، ۱۳۹۲: ۲۶). در جغرافیای سیاسی، به یک فضای جغرافیایی که از یک سلسله پدیده‌ای مشابه و عوامل پیونددهنده اجزای تشکیل‌دهنده آن محیط برخوردار باشد، هم از نظر فیزیکی و هم از نظر محیط انسانی، منطقه گفته می‌شود (مجتهدزاده: ۱۳۸۱: ۱۹۵). در دو دهه اخیر، منطقه‌گرایی به یکی از اصلی‌ترین موضوعات خاص رشته‌های علوم اجتماعی، سیاست مقایسه‌ای، اقتصاد بین‌الملل، روابط بین‌الملل و اقتصاد سیاسی بین‌المللی تبدیل شده است. در تعریف مفهوم منطقه‌گرایی اتفاق نظری وجود ندارد. در بیشتر موارد، همگرایی در سیاست بین‌الملل با منطقه‌گرایی یکسان برآورد می‌شود. همچنین، منطقه‌گرایی گاه با فراملی‌گرایی یا گرایش‌های بین‌حکومتی یکسان شناخته می‌شود که به گسترش چشمگیر همکاری‌های اقتصادی و سیاسی میان دولت‌ها و سایر کنشگران در مناطق جغرافیایی خاص اشاره دارد.

عوامل موثر در تحلیل منطقه‌گرایی بسیار گسترده‌اند و در بیشتر موارد منطقه‌گرایی برحسب درجه انسجام اجتماعی (زبان، قومیت، نژاد، فرهنگ، مذهب، تاریخ و آگاهی از میراث مشترک)، همگرایی اقتصادی (الگوها و رژیم‌های تجاری و هم تکمیلی اقتصادی)، یکپارچگی سیاسی (نوع رژیم، ایدئولوژی و زمینه‌های فرهنگی مشترک) و انسجام سازمانی (وجود نهادهای رسمی منطقه‌ای) تجزیه و تحلیل می‌شوند. دراصل، منطقه به صورت ترکیبی از عواملی مانند نزدیکی جغرافیایی، درجه بالای ارتباطات، چارچوب‌های نهادی و هویت‌های فرهنگی مشترک تعریف می‌شود. باتوجه به پویایی مناطق، ضروری است همکاری‌های منطقه‌ای بر اساس رشد تعامل‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و هویتی، میزان جریان‌های تجاری، ویژگی‌ها، ارزش‌ها و تجارب مشترک مورد توجه قرارگیرد (کولایی و سازمند، ۱۳۸۹: ۱۲۸). دراین راستا، منطقه‌گرایی کلیه حوزه‌های موضوعی اعم از اقتصادی، سیاسی و امنیتی-دفاعی را در برمی‌گیرد. براین اساس، منطقه‌گرایی مفهوم عامی است که شامل همه اشکال و انواع همکاری بین مناطق، اعم از کشورها، بازیگران فروملی یا موجودیت‌های گسترده‌تر جغرافیایی مانند نهادهای فرا و فوق ملی می‌شود. برخی محققان، منطقه‌گرایی را به صورت برساخته شدن اجتماعی یا شکل‌گیری مناطق بین و در میان کشور-ملت‌ها جهت دستیابی به منافع مشخص و همچنین ناشی از عضویت در آنها تعریف کرده‌اند. این منافع و اهداف ممکن است اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و دفاعی-امنیتی باشند. از اینرو، همکاری منطقه‌ای در کانون مفهوم منطقه‌گرایی قرار دارد که در اشکال مختلفی تجلی و تحقق می‌یابد.

این همکاری نیز بر پایه تهدید یا تعهد مشترک نسبت به منافع و اهداف خاصی صورت می‌گیرد (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۶: ۵۹). در بسیاری از موارد، آنگاه که پای منافع اقتصادی و آسایش ملی به میان می‌آید، کشورها بیش از آنکه به دنبال دشمنی باشند، در پی شناسایی منافع یکدیگر و رقابت در چارچوب همزیستی برمی‌آیند. این نوع نگاه عملگرایانه به همکاری برای کسب امنیت جمعی و تأمین منافع بازیگران منطقه‌ای، زمینه‌ساز شکل‌گیری منطقه‌گرایی به‌عنوان پلی در میان دو سطح مطالعاتی خرد (واحدهای سیاسی) و کلان (ساختار سامانه بین‌الملل) بوده است. ویژگی‌های این رویکرد نوین به منطقه‌گرایی، بیش از همه بر بازبودگی تعریف مفهوم منطقه و لایه‌لایه بودن آن تأکید دارند. به این ترتیب، کشورها برای پیوستن یا گسستن از ترتیبات منطقه‌ای، نه تنها کمتر در قیدوبندهای ایدئولوژیک هستند، بلکه جغرافیا نیز به امری نسبی بدل شده و می‌توان دید که در بسیاری از نهادهای منطقه‌ای، کشورهایی در بیرون از این مناطق به آن‌ها پیوسته‌اند. تعریف مفهوم منطقه نیز از انعطاف بیشتری برخوردار شده و در یک منطقه جغرافیایی می‌توان اشکال گوناگونی از منطقه‌گرایی و نهادهای منطقه‌ای را بر پایه منافع کشورهایی که گرد هم می‌آیند ساخت (تیشه بار، ۱۳۹۵).

یکی از روندهای منطقه‌گرایی را می‌توان در ارواسیا مشاهده کرد. اتحادیه ارواسیا^۱ به عنوان یک اتحادیه منطقه‌ای، از ژانویه سال ۲۰۱۵ فعالیت رسمی خود را آغاز کرد و شامل، کشورهای روسیه، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و ارمنستان است. مجموع مساحت کشورهای عضو این اتحادیه بیش از ۲۰

^۱ Eurasian Union

میلیون کیلومتر مربع، جمعیت آن بیش از ۱۸۰ میلیون نفر و تولید ناخالص داخلی آن در سال ۲۰۱۳ حدود ۴ هزار میلیارد دلار (بر اساس معیار برابری قدرت خرید) است (<http://parstoday.com/dari>). بیشتر کشورهای عضو اتحادیه محصور در خشکی‌اند و میزان تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری در میان آنها ضعیف است. فرایند تشکیل اتحادیه اقتصادی ارواسیا فصل جدیدی از رقابت‌های کنشگران قدرتمندتر ارواسیایی با واحدها و مناطق دیگر را پدید آورد. در موفق‌ترین زمان از فرایند تشکیل این اتحادیه، اعضا توافق کرده بودند تا نظام تعرفه‌های یکسانی نسبت به همه کشورهای غیرعضو به‌کارگیرند. البته سه کشور اصلی تشکیل‌دهنده اتحادیه یعنی روسیه، قزاقستان و روسیه سفید، هریک اهداف خاص خود را نیز دنبال می‌کنند. بی‌تردید، تصمیمات این کشورها با تولید و انتقال ذخایر انرژی پیوند دارند. تشکیل اتحادیه اقتصادی در این منطقه، به‌عنوان یکی از نقاط مهم چرخه انرژی دنیا، بر اهمیت این مسئله می‌افزاید. در عصر حاکمیت گفتمان ژئواکونومیک، کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه مانند ایران که ارتباطات پیچیده‌ای با کشورهای ارواسیا دارند؛ برای تحلیل کنش‌های اقتصادی این اتحادیه الزامات بیشتری احساس می‌کنند (میرفخرایی، ۱۳۹۴: ۱۴۵-۱۴۶). از آنجاکه منطقه ارواسیا همواره در قلب تحولات ژئوپلیتیک بوده است، توجه بازیگران مهم این منطقه بویژه روس‌ها به رقابت‌های بین‌منطقه‌ای سبب شده

^۱ - کشورهایمانند ایران، تاجیکستان، ازبکستان، پاکستان، چین، ویتنام، ترکیه، مولداوی، اوکراین، و گرجستان، تقاضای خود را برای عضویت در این اتحادیه ارائه کرده‌اند.

تا سایه سنگین تقابلات سنتی بر مدل همکاری‌ها و اتحادهای اقتصادی – تجاری این مجموعه ادامه داشته باشد (همان، ۱۴۶).

ب- منطقه آزاد در بحث پیرامون مناطق آزاد، با دامنه گسترده‌ای از اصطلاحات روبرو می‌شویم مانند، مناطق آزاد اقتصادی^۱، منطقه آزاد صادرات^۲، منطقه آزاد تجاری^۳، منطقه آزاد صنعتی^۴، منطقه صنعتی^۵، پارک صنعتی^۶، پارک صادرات^۷ و مناطق ویژه اقتصادی^۸ (التجایی، ۱۳۸۸: ۱۹۱). ایجاد مناطق آزاد، نخستین بار در کشورهای سوسیالیستی که دارای اقتصاد بسته بودند، مورد توجه قرار گرفت. از دهه ۱۹۶۰ بسیاری از کشورهای روبه توسعه راهبردهای صادرات‌گرا را بعنوان راهبرد توسعه خود انتخاب کرده‌اند. این‌گونه راهبردها توسط نهادهای اقتصادی بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بعنوان بهترین راه برای ارتقای توسعه در کشورهای درحال توسعه مورد حمایت قرار گرفته است. در مجموعه اقدامات و سیاست‌های مرتبط با راهبردهای صادرات‌گرا، تاسیس مناطق آزاد تجاری و صنعتی یا به بیان بهتر، مناطق پردازش صادرات بعنوان راهکاری برای تغییر جهت کلی اقتصاد از درونگرایی به برونگرایی و تجارت آزاد مورد استفاده اغلب

^۱-Economic Free Zone (EFZ)

^۲-Free Export Zone (FEZ)

^۳-Free Trade Zone (FTZ)

^۴-Industrial Free Zone (IFZ)

^۵- Industrial Zone (IZ)

^۶- Industrial Park (IP)

^۷-Export Park (EP)

^۸-Special Economic Zones (SEZ)

کشورها قرار گرفته است. البته در میان کشورهای دارای مناطق آزاد، نمونه‌هایی هست که در آنها تاسیس این‌گونه مناطق مبتنی بر راهبرد توسعه‌ای مشخصی نبوده است. بهر حال، تاسیس این مناطق آنچنان مورد توجه کشورهای مختلف قرار گرفت که تا سال ۲۰۰۶ حدود ۳۵۰۰ منطقه پردازش صادرات، پارک یا بندر آزاد در ۱۳۰ کشور جهان به ثبت رسید (همان).

از نظر یونیدو^۱ مناطق آزاد، وسیله‌ای برای تشویق توسعه صنعتی با هدف صدور کالاهای صنعتی است. آنکتاد^۲ معتقد است، ساختار فعلی تجارت جهانی به زیان کشورهای توسعه نیافته است و مناطق آزاد ابزاری برای دگرگونی این ساختار به نفع کشورهای مذکور است. سازمان تجارت جهانی^۳، مناطق آزاد را ابزاری برای گسترش تجارت بین‌الملل و یاری‌دهنده توسعه می‌داند. سازمان بین‌المللی کار^۴ نیز مناطق آزاد را به لحاظ اشتغالزایی و کاهش بیکاری مثبت ارزیابی کرده است (دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۹۵: ۱۰۰-۱۰۱). هدفهای اصلی از ایجاد این مناطق در بسیاری از کشورهای در حال توسعه عبارتند از: ایجاد اشتغال، توسعه صادرات، جذب و تشویق سرمایه‌های خارجی، ایجاد درآمد ارزی، انتقال تکنولوژی، توسعه منطقه‌ای و برپایی نمایشگاه‌ها. هرچند که به باور برخی اندیشمندان، اصلی‌ترین هدف مناطق آزاد در جهان و به خصوص در کشورهای در حال توسعه ایجاد پیوند

^۱UNIDO

^۲UNCTAD

^۳WTO

^۴ILO

ملی با اقتصاد جهانی و بازارهای بین الملل در ورای مقررات و قوانین درون مرزی کشورهاست (الماسی، ۱۳۹۲: ۱۹).

در یک تعریف، منطقه آزاد، ناحیه‌ای از قلمرو کشور است که خارج از محدوده فیزیکی، قانونی و اداری تأسیسات گمرکی قرار دارد. ورود و خروج سرمایه و سود به آن و جابجایی نیروی کار متخصص در منطقه به سهولت صورت می‌گیرد و کالاها و مواد خارجی را که منع قانونی نداشته باشند، می‌توان بدون هیچگونه موانع گمرکی و ترانزیت، یا در انبارهای آن نگهداری و یا در کارخانه‌های مستقر در آن تغییر شکل داده و به کالاهای دیگر تبدیل نمود (اسفندیاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۲۱). در تعریفی دیگر، مناطق آزاد، نواحی حفاظت شده در کنار دریاها، فرودگاهها و نوار مرکزی است که مواد اولیه و کالا از راه هوایی، دریایی و زمینی بی پرداخت حقوق و عوارض گمرکی، وارد آنها می‌شود و پس از فرآیندهای ویژه، با بسته‌بندی و کیفیت تازه، فرآوری و صادر می‌شود (بیک محمدی، ۱۳۷۸: ۱۶). در کنوانسیون کیوتو، منطقه آزاد اقتصادی، «قسمتی از سرزمین اصلی است که مبادلات کالاها در آن فراتر از محدودیت های موجود در سرزمین اصلی در نظر گرفته شده و مقید به قوانین گمرکی و مالیاتی سرزمین اصلی نیستند» (عسگری و جعفری، ۱۳۹۵: ۴۵).

به همین جهت، از آنجا که در بیشتر مواقع مناطق آزاد در کنار آبراهه‌های بین المللی و بنادر و فرودگاهها قرار دارند، گاه به آنها «بنادر آزاد» نیز گفته می‌شود. همچون مناطق آزاد، واژه «بندرآزاد» از نظر بازرگانی به بندری گفته می‌شود که بتوان کالاهایی را به آن وارد و انبار کرد و یا به کالاهای دیگری

تبدیل و در موقعیتی ویژه، بار دیگر صادر کرد، بدون اینکه عوارضی به آن تعلق گیرد. در بنادر آزاد، از واردات حقوق گمرکی گرفته نمی‌شود و چون جلوگیری از انتقال کالا از این بنادر به مناطق اطراف تقریباً غیرممکن است، تعداد این قبیل بندرها کم است و اغلب آنها در سرزمین‌های بسیار کوچک مانند هنگ‌کنگ، بیروت، کویت، و منطقه جبل‌علی در دوبی که تعرفه پایینی دارند- واقع شده‌اند (میرحیدر و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۲).

مناطق آزاد در جهان امروز اساساً، در چهار گروه اصلی شامل: «بازرگانی»، «پردازش صادرات»، «مناطق آزاد شرکت‌ها یا کاروبیشه»، و در نهایت «پردیس‌های مالی-مالیاتی» که نوعی از سرزمین‌های آزاد می‌باشند، تقسیم‌بندی می‌شوند (عسگری و جعفری، ۱۳۹۵: ۴۷). (جدول شماره ۱).

^۱ - تا سال ۱۳۹۲، در ایران نیز ۷ منطقه آزاد و ۱۶ منطقه ویژه اقتصادی وجود داشته است (میرحیدر و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۲).

جدول شماره ۱- انواع مناطق آزاد

ش	انواع مناطق	تعریف
۱	«مناطق آزاد بازرگانی»	بعنوان قدیمی ترین مناطق آزاد تجاری با هدف توسعه بازرگانی و پذیرش کالاهاى بین المللی و جهت دادن به جریان کالاها ایجاد می‌شوند. در این دسته از مناطق آزاد، تاسیسات و تجهیزات زیر بنایی توسط کشور میزبان ایجاد و تنها بصورت اجاره در اختیار شرکت‌های بازرگانی داخلی و خارجی گذارده می‌شود.
۲	«مناطق پردازش صادرات»	با الهام از منطقه «شانون» در ایرلند شمالی پا به عرصه وجود نهاد، با هدف جذب سرمایه های خارجی و داخلی و پذیرش شرکت ها برای افزایش تولید به منظور توسعه صادرات و با توجه به شرایط محلی در محدوده ای محصور و حراست شده ایجاد می شوند. در این مناطق، نیز تاسیسات زیربنایی و اولیه را کشور میزبان ایجاد می کند و تنها بصورت اجاره در اختیار متقاضیان قرار می - دهد. بدیهی است متقاضیان برای ایجاد انبارهای بازرگانی یا صنعتی نیز مجاز به اجاره زمین هستند. این گونه مناطق در بیشتر کشورها تحت «اداره اتاق بازرگانی و صنایع و معادن» قرار دارند و غالباً بصورت شرکتهای سهامی عام اداره می شوند که بهترین نوع ایجاد و اداره این نوع مناطق است. بدیهی است همواره نماینده حکومت مرکزی نیز در اداره این مناطق نقش موثری دارد.
۳	«مناطق آزاد شرکت‌ها»	جدیدترین نسل مناطق آزاد هستند و در مقایسه با دو گروه مناطق آزاد بازرگانی و مناطق پردازش صادرات این تفاوت را دارند که به منظور ایجاد اشتغال و جابجایی مشاغل از نقاط پیشرفته به مناطق عقب مانده طراحی می شوند. نکته حائز اهمیت در ایجاد مناطق آزاد آن است که این مناطق در برابر مزایای فراوان و نقش موثر در توسعه بازرگانی خارجی، علاوه بر این که هزینه هایی را دربردارند، گه گاه مسائل و مشکلاتی هم ایجاد می کنند. به همین دلیل است که کشورهای پیشرفته صنعتی برای ایجاد مناطق آزاد قوانین فوق العاده دقیق و سنجیده‌ای دارند.
۴	«پردیس های مالی و مالیاتی»	بعنوان نوع دیگری از سرزمین های آزاد شامل مناطق و مراکز جهانگردی یا تمامی سرزمین کوچکی از یک کشور است که در آن قوانین و مقررات مالیاتی ثبت شرکتها، شناورها یا به کلی از میان برداشته شده، و یا تا حد زیادی تعدیل شده است و آزادی های ویژه‌ای در آنها وجود دارد؛ مانند آزادی های مربوط به مالیات بر درآمدهای خاص، بویژه برای اشخاص غیر مقیم. مانند مرکز جهانگردی کیش.

استخراج از: (عسگری و جعفری، ۱۳۹۵: ۴۷-۴۸)

در این راستا، «مناطق پردازش صادرات» که درایران به نام «مناطق آزاد تجاری صنعتی» نامیده می‌شود، بخشی محدود، محصور، حراست شده و غیرقابل نفوذ از یک کشور است که در آن از قوانین و مقررات گمرکی، مالی و مالیاتی و... یا خبری نیست؛ و یا اینکه این قوانین و مقررات تاحد زیادی تعدیل شده‌اند. دراین مناطق، واردات کالا مشمول هیچ نوع حقوق گمرکی یا کنترل بر واردات نمی باشد و بعضا معافیت از پرداخت مالیات بر درآمد شرکت‌ها را برای بهره‌گیران خود تضمین می‌کند. روشن است که سایر قوانین و مقررات ویژه درهرکشور با کشور دیگر متفاوت است (عسگری و جعفری، ۱۳۹۵: ۴۷-۴۸). دراین راستا، «منطقه آزاد تجاری» قلمرو معینی است که غالبا در محدوده داخل یک بندر یا در مجاورت آن قرار گرفته و در آن تجارت آزاد با سایر نقاط جهان مجاز شناخته شده است. چنان‌که کالاها را می‌توان بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی از این مناطق صادر یا به این مناطق وارد کرد؛ و آنها را برای مدتی در انباز ذخیره و درصورت لزوم بسته‌بندی و مجددا صادر کرد. ازدیگرسو، می‌توان گفت منطقه آزاد، ناحیه صنعتی ویژه‌ای است که تولیدات آن جهت‌گیری صادراتی دارند. تسهیلات این مناطق جهت جلب سرمایه‌گذاران خارجی و تسهیل استقرار آنها است و معمولا با مشوق‌های دیگری نیز همراه است (دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۹۵: ۹۵).

در مجموع می‌توان سه ویژگی کلی برای مناطق آزاد برشمرد: ۱- بعنوان مکانی تجاری که در آنجا کارفرمایان و بنگاه‌ها بطور آزادانه می‌توانند مواد خام، کالاهای نیمه ساخته، ماشین‌آلات و تجهیزات خود را بدون عوارض گمرکی، تعرفه و مالیات وارد کرده و به تولید و یا سرهم‌بندی کالا اقدام کرده

و با کمترین محدودیت و مقررات صادر نمایند. ۲- بعنوان مکان صنعتی که درانجام ساختمان‌های استاندارد، جهت تاسیس کارخانه، ارائه خدمات عمومی و امکانات صنعتی توسط دولت ایجاد شده تا تسهیلات لازم را جهت تولیدات صنعتی فراهم نماید. برای سهولت صادرات معمولاً این مناطق در نزدیکی بندر یا فرودگاه ساخته و بوسیله یک کادر اداری مستقل اداره می‌شود تا کارها را با کمترین زمان و مقررات انجام دهد. بنابراین، مناطق آزاد زیرساخت‌های مخصوصی را ارائه می‌نمایند که معمولاً در خارج از آن مناطق وجود ندارد. همچنانکه یک کشور توسعه می‌یابد و زیرساخت‌های اقتصادی آن در سطح ملی بهبود پیدا می‌کند، جذابیت نسبی این مناطق کاهش یافته و به نسبت گذشته از اعتبار می‌افتند. ۳- صنایع و بنگاه‌های مستقر در مناطق آزاد معمولاً از مجموعه ای امتیازات و تسهیلات سرمایه‌گذاری و صادرات مانند معافیت مالیاتی برخوردار می‌شوند.

معمولاً، مناطق آزاد دنیا اغلب از نظر قانونمندی، کامل و از تسهیلات زیرساختی و زیربنای لازم در زمینه فرودگاه، شبکه حمل و نقلی و دسترسی به ساحل دریا، تسهیلات برای حمل محموله‌های کانتینری، ساختمان و کارگاه‌ها و کارخانجات کاراو استاندارد، ارتباطات و تسهیلات مخابراتی، شبکه‌های برق رسانی، آب و پشتیبانی خدماتی شامل خدمات فیزیکی عرضه یا تولید نیروی الکتریسیته و آب و فاضلاب، دفع زباله و ... برخوردار هستند. بعلاوه، حجم انبارها، کیفیت و کمیت راه‌ها، امکانات اسکله‌های، بندر، هتل، شبکه‌ای توزیع آب و برق، هزینه انرژی، حجم سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی، سهولت تامین منابع مالی برای سرمایه‌گذاری زیربنایی، مشارکت بخش

خصوصی در زیربناسازی و هزینه مطالعات و تحقیقات نیز در مناطق آزاد موفق دنیا قابل توجه است. کشورهای مذکور با تاکید بر مناطق آزاد تجاری، خواهان جذب سرمایه و تکنولوژی مدرن شده و منابع بلااستفاده خود را مورد استفاده قرار داده و از نیروی کار مازاد خود بهترین استفاده را می‌نمایند. با فراهم کردن تسهیلات زیربنایی و ارائه امکانات و انگیزه‌های لازم انتظار می‌رود که سرمایه‌های خارجی از معافیت‌های مالیاتی و حذف قوانین و مقررات دست و پاگیر اداری برخوردار شده و بخشی از فعالیت‌های تولیدی خود را به این کشورها منتقل کنند و از طریق شبکه‌های گسترده جهانی با این مراکز پیوند برقرار کرده و موجبات توسعه صنعتی کشور را فراهم نمایند (همان، ۱۳۹۵: ۹۶).

رویکردهای رایج در باره مناطق آزاد

اگرچه ایجاد مناطق آزاد را نباید تنها عامل برای دستیابی به توسعه ملی تلقی کرد، ولی به خصوص در کشورهای آسیایی، ایجاد مناطق آزاد حداقل به عنوان ابزار آزمایشی توانسته برای توجیه رفع موانع ضد توسعه‌ای به کار گرفته شود و دانش و مهارت‌های جدید قابل توجهی از طریق مناطق آزاد کسب شود. کشورهای در حال توسعه‌ای که به ایجاد منطقه آزاد روی آورده‌اند، براین باورند که منطقه آزاد می‌تواند یاری‌دهنده آنان در رهایی از فقر و عقب ماندگی باشد. و تکنولوژی، مدیریت و سرمایه را به کشور وارد کند و عوامل تولید داخلی را با علم و دانش فنی خارجی تلفیق کرده و کشور را در مسیر توسعه و همسو با اقتصاد جهانی قرار دهد (دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد، ۱۳۸۶: ۲). دو رویکرد کلی در این باره وجود دارد:

الف- رویکرد توسعه اقتصادی به مناطق آزاد: درارتباط با نقش مناطق آزاد (یا مناطق پردازش صادرات) در اقتصاد، چهار دیدگاه کلی وجود دارد که به مناطق آزاد بعنوان منابع انتقال فناوری وتوسعه سرمایه انسانی می نگرند. این چهار دیدگاه عبارتند از:

۱- دیدگاه نخست: مناطق آزاد دوره حیات خاصی دارند و پس از اعمال اصلاحات منظم تجاری، اقتصادی و ارزی در سطح کل کشور، اهمیت خود را ازدست می دهند. ۲- دیدگاه دوم: این دیدگاه، مناطق آزاد را برحسب ارزش صادرات آنها در نظر می گیرد. به بیان دیگر، در کشوری که سایر مناطق آن آزاد سازی نشده است، مناطق آزاد می توانند بعنوان مناطق تولیدی با مشارکت محدود در اقتصاد باقی بمانند. ۳- دیدگاه سوم: بکارگیری مناطق آزاد بعنوان آزمایشگاهی برای آزمون اقتصاد باز و سیاست هایی با گرایش بازار آزاد است. نخستین مناطق ویژه اقتصادی چین به همین منظور ایجاد شد که در آن، تولیدات جدید، قوانین و مقررات نیروی کار و مسائل مالی قبل از آنکه در کل اقتصاد به اجرا درآیند، دراین مناطق معرفی و ارزیابی شد. ۴- دیدگاه چهارم: این دیدگاه در باره نقش مناطق پردازش صادرات که تاخر بیشتری دارد، از برخی کشورهای درحال توسعه ای اقتباس شد که دراین کشورها میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی نومیذکننده بوده است؛ ونتیجه منجر به اصلاحات تجاری و سیاست کلان اقتصادی شده است. برخی از این کشورها مناطق پردازش صادرات را ایجاد کرده اند تا انگیزه های جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی را افزایش دهند وبا این گونه سرمایه گذاری ها بر کشورهای

همسایه و رقبای بالقوه برتری جویند (التجایی، ۱۹۳:۱۳۸۸-۱۹۴) و (دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۹۵: ۱۳).

ب- رویکرد توسعه منطقه‌ای به مناطق آزاد: با توجه به این مسئله که امروزه مناطق آزاد تجاری، محور پیشرفت مناطق پیرامونی به شمار می‌روند، برخی مطالعات در تبیین این موضع از نظریات توسعه منطقه‌ای مرکز-پیرامون بهره گرفته‌اند. فریدمن در مدل مرکز-پیرامون مناطق عقب‌مانده را همچون پیرامونی تلقی می‌کند که در رابطه استعماری با مرکز قرار دارند و دوگانگی فضایی ایجاد شده نیز با گذشت زمان تقویت می‌شود. براساس الگوهای انتشار نوآوری، بر اثر سرمایه‌گذاری، تخصیص منابع توسط دولت و مهاجرت، شکاف میان مرکز و پیرامون تحت‌تاثیر قرار گرفته و اندک اندک کم می‌شود و در نهایت از بین می‌رود. البته باید توجه داشت که این پویا با مداخله سیاستگذاری فعال در قالب سیاست‌های توسعه منطقه امکان‌پذیر است. منطق توسعه منطقه‌ای را می‌توان چنین تعبیر کرد که انباشت سرمایه، منابع جدید، رشد نیروی کار و پیشرفت فناوری عوامل اصلی رشد اقتصادی در منطقه است. بنابراین، برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای باید با استفاده از سیاست‌های برون‌نگر، در راستای تحقق عناصر نوینی برای رشد اقتصادی منطقه گام بردارد و با تزریق منابع خارجی، امکان افزایش بهره‌وری و در پی آن، رشد مستمر تولیدات و سپس سرمایه‌گذاری رافراهم آورد. با تکرار این چرخه، در نهایت امکان استفاده بهینه و کامل از امکانات منطقه میسر و توسعه اقتصادی، پدیدار می‌شود (دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۹۵: ۱۵).

روش تحقیق

این پژوهش، از نوع پژوهش‌های کاربردی است؛ و روش جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش اسنادی و کتابخانه‌ای و شیوه‌ی تحلیل اطلاعات نیز توصیفی – تحلیلی می‌باشد. در این راستا، برای دستیابی به یک نتیجه درست و شفاف در این پژوهش کوشش شده تا ضمن بیان اهمیت استراتژیک منطقه آزاد چابهار، دلایل نگاه استراتژیک افغانستان به منطقه آزاد چابهار مورد بحث قرار گیرد. بنابراین، با به کارگیری متغیر اصلی مانند منطقه‌ی آزاد، سعی بر آن بوده است تا به یک نتیجه قابل تعمیم دست یافته شود.

یافته‌های تحقیق

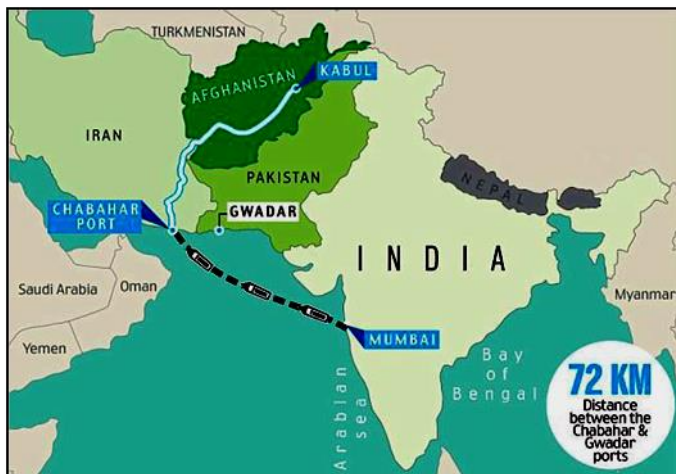
۱- اهمیت استراتژیک منطقه‌ی آزاد چابهار

برای شناسایی نگاه استراتژیک افغانستان به منطقه آزاد چابهار، نخست باید به اهمیت استراتژیک این بندر اشاره شود و سپس نگاه استراتژیک افغانستان به آن مورد بررسی قرار گیرد.

بندر آزاد چابهار در استان سیستان و بلوچستان و در شهرستان چابهار، شرقی‌ترین شهرستان جنوبی کشور قرار دارد؛ و اولین بندر ایرانی واقع در دریای عمان و تنها بندر اقیانوسی است که ایران را از طریق خلیج عدن و دریای عرب به اقیانوس هند متصل می‌کند. از نظر جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی وحتى فرهنگی، منطقه‌ی چابهار دارای ماهیتی استراتژیک هم برای تحرک و توسعه شرق ایران، و هم برای منطقه، و هم برای ارتباطات اقتصادی جهان است. جاذبه‌های چابهار در زمینه آب و هوا، دسترسی آن به اقیانوس و اتصال آن به پیکره اصلی سرزمینی، آن را نسبت به سایر مناطق

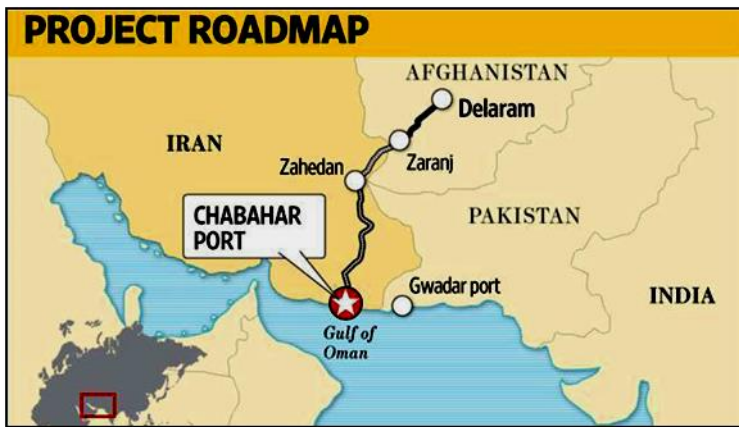
آزاد کشور در جایگاه ممتازی قرار داده است. منطقه به لحاظ تقسیمات اداری یکی از هشت منطقه آزاد کشور است و زیر نظر شورای مناطق آزاد به صورت مستقل و به عنوان یکی از نهادهای ریاست جمهوری فعالیت می کند. در واقع، منطقه آزاد چابهار همانند سایر مناطق آزاد در ایران از قوانین جداگانه مصوب مجلس تبعیت می کند و اهم و پایه این قوانین، قانون چگونگی اداره مناطق آزاد جمهوری اسلامی ایران است (بلوچ و لطفی، ۱۳۹۶: ۱۸۴). چابهار در کریدور شمال - جنوب جایگاه مهمی دارد، بطوریکه در مسیر ترانزیتی شرق - غرب قرار گرفته و فوریت های مختلف اقتصادی و جغرافیایی در زمینه ترانزیت و ترانشیب دارد (ویسی، ۱۳۹۶: ۱۲۰). این بندر کلان، متشکل از دو پایانه شهید بهشتی و شهید کلانتری است که هر کدام پنج لنگرگاه دارند و مساحتی حدود ۴۸۵ هکتار را اشغال کرده اند.

نقشه شماره ۳- مسیر بمبئی- بندر چابهار - کابل



منبع: متقی و دیگران، ۱۳۹۷:۱

نقشه شماره ۳- مسیر بندر چابهار به زاهدان-زرنج-دلارام



منبع: متقی و دیگران، ۱۳۹۷:۱

اساساً، محور شرق از بندر چابهار در استان سیستان و بلوچستان آغاز شده و بعد از عبور از شهرهای نیک شهر، ایرانشهر، خاش، زاهدان، نهبندان، بیرجند، گناباد، تربت حیدریه و مشهد، از یک طرف به سرخس و از طرف دیگر، به نقاط مرزی لطف آباد و باجگیران در استان خراسان رضوی منتهی می‌شود. خروجی‌های این محور به نقاط مرزی میلک و دوغارون نیز جزء این محور محسوب می‌شوند. شبکه راه‌های ارتباطی مؤلفه اساسی و یکی از ارکان اصلی ترانزیت است (طاووسی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۳). از مجموع ۲۶ بندر در سواحل ایران در دریای عمان تنها چابهار با داشتن چهار

اسکله جهت پهلو گرفتن کشتی‌های بزرگ و عمق مناسب، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بندرچابهار و منطقه مکران از نظر اقتصادی و نقشی که در حمل‌ونقل بین‌المللی و امنیت ملی دارند مورد توجه هستند. بندرچابهار که از سال ۱۹۹۲ به بندر آزاد-صنعتی تبدیل شده است، به جهت برخورداری از موقعیت ممتاز در شرق تنگه هرمز و دریای عمان، در مسیر خطوط اصلی کشتیرانی به آفریقا، آسیا و اروپا قرار گرفته و بعنوان کوتاه‌ترین راه ارتباطی و ترانزیتی کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان به بازارهای خلیج فارس، شرق آفریقا و دیگر نقاط جهان مطرح است. بندر شهید رجایی چابهار دروازه ترانزیت کالا است و چابهار به دلیل موقعیت راهبردی، که نزدیک‌ترین راه دسترسی کشورهای محصور در خشکی یعنی افغانستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان به آبهای آزاد از طریق محور ترانزیتی شرق کشور «چابهار-میلک» می‌باشد، از اهمیت فراوانی برخوردار است (اسدی و دیگران، ۱۳۹۷: ۶). بنابراین، نزدیکی و دسترسی خلیج چابهار به آسیای مرکزی، شبه قاره هند و کشورهای حوزه خلیج فارس، با جمعیتی حداقل ۲۰ درصد جمعیت جهان، بازار بزرگ و مناسبی برای فعالیت و تبدیل شدن این منطقه به یکی از قطب‌های بازرگانی و اقتصادی آسیاست. در این میان، ژئوپلیتیک چابهار می‌تواند نقشی راهبردی در ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین‌الملل و اقتصاد سیاسی تجارت و ترانزیت انرژی در منطقه اقیانوس هند در قبال هندوچین داشته باشد. همچنین، در شکل‌دهی به اتحادیه منطقه‌ای در ناحیه‌ای که به جز اتحادیه نوپای منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند هیچ اتحادیه منطقه‌ای دیگری وجود ندارد، تأثیرگذار باشد (سعادت و

همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۵۴). براساس بررسی‌های صورت گرفته، منطقه مکران و بویژه بندرچابهار با دارا بودن پتانسیل‌های فوق‌العاده همچون ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی، امنیتی، دسترسی، ارتباطات، بازرگانی منطقه‌ای و بین‌المللی، جزو واحدهای کارکردی تولیدکننده قدرت درکشوراست که تا کنون بهره برداری لازم از ظرفیت‌های آن صورت نگرفته و توسعه-نیافته باقی مانده است. چابهار توانایی آن را دارد که ۱/۵ میلیارد جمعیت آسیا-اروپا را از طریق شبکه‌های ریلی، جاده‌ای، هوایی و دریایی به یکدیگر رساند (اسدی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۰).

اهمیت استراتژیک کریدور چابهار به گونه‌ای است که دو منطقه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی جنوب آسیا و دو قلمرو سازمان همکاری سارک و شانگهای به قلمرو آسیا مرکزی اکو و دریای خزر و اروپای شرق متصل می‌کند. نزدیکی بندر چابهار به مهمترین مسیر ترانزیت دریای جهان در تنگه هرمز و دریای عمان می‌تواند به عنوان هاب تجاری منطقه ای، سه منطقه بزرگ آسیای جنوبی، خاورمیانه و آسیای مرکزی را به هم پیوند دهد (ویسی، ۱۳۹۶: ۱۱۷). ویژگی این بندر به گونه‌ای است که برخلاف محدودیت‌های بنادر واقع در خلیج فارس به دلیل مسدود شدن احتمالی تنگه هرمز در مواقع بحرانی، از آزادی عمل کامل برای برقراری ارتباط با کشورهای جهان برخوردار است (بلوچ و لطفی، ۱۳۹۶: ۲۰۷). بطوریکه ایران درطول جنگ با عراق با بهره‌گیری از این بندر توانست به تداوم روابط بازرگانی و تجاری خود با دیگر کشورها بپردازد (اسدی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۴). بندر چابهار ایران در وهله اول، رقیب بندر گوادر واقع در استان بلوچستان پاکستان به شمار می‌رود و

تاحدی با هدف ایجاد موازنه با آن و به گفته برخی تحلیلگران «مهار» تحرکات دریایی پاکستان در منطقه طراحی شده است. بندر گوادر که تقریباً ۴۰۰ کیلومتر از طریق خشکی و ۱۰۰ کیلومتر از مسیر دریا با بندر چابهار فاصله دارد، طی همکاری مشترک پاکستان و چین ساخته شده؛ و از آنجا که این دو قدرت هسته‌ای رقبای اصلی هند در قاره آسیا هستند، حضور چین بندری در شمال دریای عربی و به فاصله اندکی از شهرهای مهم گوجرات و بمبئی در غرب هند نگرانی‌های جدی امنیتی و ژئوپلیتیکی برای دهلی ایجاد کرده است.

یکی از نکاتی که به لحاظ استراتژیک بندر چابهار را برای ایران جذاب می‌کند، قابلیت استفاده از آن بعنوان وزنه تعادلی برای تنظیم روابط سیاسی امنیتی با دو رقیب هسته‌ای جنوب آسیا یعنی هند و پاکستان است. دسترسی هند به بندر چابهار نه تنها دهلی را قادر می‌سازد حضور نظامی پاکستان در دریای عربی و شمال اقیانوس هند را خنثی کرده و «محاصره استراتژیک» دو متحد رقیبش یعنی چین و پاکستان را بشکند، بلکه با دور زدن قلمرو سرزمینی پاکستان مسیری قابل اتکاتر از طریق ایران به افغانستان برای آن می‌گشاید. با توجه به عضویت هند در «کریدور بین المللی شمال- جنوب»، مسیر مواصلاتی امن به افغانستان نیز این امکان را برای دهلی فراهم خواهد ساخت که به بازار کشورهای آسیای مرکزی مانند تاجیکستان و ترکمنستان و ازبکستان و ذخایر انرژی آنها، و نیز ترکیه و روسیه و در نهایت شمال اروپا دسترسی یابد. دهلی همچنین در مقام یکی از قدرت‌های نوظهور جهان پساامریکایی نگران آن است که حضور نظامی و اقتصادی چین در اقیانوس

هند و به تبع آن خاورمیانه و سپس اروپا با تحقق پروژه تقریباً یک ونیم تریلیون دلاری «کمر بند و جاده» و بهره برداری از «جاده ابریشم جدید» تقویت شود، پروژه‌ای که یکی از نقاط دریایی کلیدی آن بندر گوآدار پاکستان است. تصور می‌شود که چنین پروژه کلانی در صورت تحقق، گرانیگاه نظم جهانی را به لحاظ سیاسی و اقتصادی از غرب با محوریت ایالات متحده آمریکا به شرق و با محوریت چین تغییر دهد. جالب آنکه هند با وجود مرز مشترک با چین و سهولت همکاری با آن در پروژه مذکور، دست کم در طرح «جاده ابریشم جدید» - که چین را از راه خشکی به قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان، ایران، ترکیه، روسیه، آلمان، هلند و ایتالیا وصل می‌کند- در نظر گرفته نشده و محلی از اعراب ندارد. تمایل ایران برای راه‌اندازی بندر چابهار نیز با توجه به منافع استراتژیکش قابل درک است. زیرا بخش اعظم سرمایه‌گذاری برای ساخت بندر چابهار، توسط دولت هند صورت می‌گیرد و از این لحاظ تکمیل و بهره‌برداری از آن با کمک سرمایه خارجی، فشار اقتصادی چندانی به جمهوری اسلامی وارد نمی‌کند. بندر چابهار و مسیرهای ارتباطی منتهی به آن- بویژه راه آهن چابهار-زاهدان با هزینه تخمینی یک میلیارد و ششصد میلیون دلار در استان سیستان و بلوچستان که دولت هند بخشی از سرمایه‌گذاری برای احداث آن را به عهده گرفته است- به شکوفایی اقتصادی و رونق کسب و کار در این استان محروم ایران کمک می‌کند. جدول شماره (۲) به برخی از مهمترین فرصتها و چالش‌های بندر چابهار اشاره دارد.

جدول شماره ۲- فرصت‌ها و چالش‌های بندر چابهار

چالش‌ها و نقاط ضعف بندر چابهار	فرصت‌ها و نقاط قوت بندر چابهار
<ul style="list-style-type: none"> • عدم امکانات لازم ارتباطی (زمینی و هوایی) برای صدور کالا به شبه قاره هند و افغانستان؛ • ضعیف بودن شاخص‌های توسعه‌ای و تأخیر در بهره‌برداری بندر و ایجاد کاهش تمایل افغانه! به چابهار؛ • عدم زیرساخت‌های بندی و پس‌گرنه‌ای؛ • عدم شناخت مزیت‌های چابهار در اثر ضعف رسانه‌ای و تبلیغات؛ • عدم برخورداری از مدیریت بهینه و مدرن ، و عدم وجود سازمان‌های اجرایی برای هماهنگی ابعاد مختلف توسعه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی؛ • تحریم‌های بین المللی سد راه ش رکت‌های خارجی (هند و افغانستان) برای سرمایه‌گذاری در توسعه چابهار؛ • عدم روابط دوستانه ایران با برخی کشورهای خلیج فارس و موانع ارتباطات تجاری افغانستان و اعراب؛ • مسیرهای حمل و نقل نامناسب افغانستان و افزایش هزینه‌های استهلاک از مسیر چابهار-افغانستان. 	<ul style="list-style-type: none"> • ژئوپلیتیک بندر چابهار، موقعیت مناسبی برای تقویت پیوندهای اقتصادی منطقه است؛ • در سطح ملی ، چابهار محور ترانزیتی شرق نامیده شده است؛ • ثبات و امنیت داخلی بندر چابهار، محرکی قوی برای جذب سرمایه‌گذاری تجار و بازرگانان افغانستان شده است؛ • پیوندهای مشترک فرهنگی، تمامات اجتماعی مسئولین و تجار افغان با مردم شرق و جنوب شرق ایران را تسهیل کرده است؛ حس همدلی و نزدیکی مردم چابهار با ملت افغانستان؛ • حضور گسترده اتباع افغانستان در سیستان و بلوچستان، باعث افزایش نفوذ اجتماعی- اقتصادی آنان در این استان شده است؛ • گرایش دولت افغانستان به چابهار به دلیل مطالبات مهاجرین افغان جهت بهره‌برداری امکانات موجود در چابهار؛ • نقش درخشان چابهار در معادلات منطقه ای کابل و تهران در آینده؛

با این حال؛ آنچه به لحاظ استراتژیک بندر چابهار را برای ایران جذاب می‌کند قابلیت استفاده از آن بعنوان وزنه تعادلی برای تنظیم روابط سیاسی امنیتی با دو رقیب هسته‌ای جنوب آسیا یعنی هند و پاکستان است. ایران بطور تاریخی از نفوذ ایدئولوژیک خود در میان مسلمانان جنوب آسیا بویژه شیعیان برای تاثیرگذاری بر سیاست خارجی دهلی و اسلام آباد بهره برده است. برای نمونه، رهبر انقلاب، مساله کشمیر و ظلمی را که به زعم او به مسلمانان آن منطقه می‌رود، طی خطبه‌های عید فطر ۱۳۹۶ (ژوئن ۲۰۱۷) به میان کشید و از قوه

قضائیه خواست «از جایگاه حقوقی وارد شود و نظر حمایتی و یا مخالفت خود را قاطعانه اعلام کند». بدیهی است که این موضع، موجب انتقاد هند و موجب خوشایند پاکستان واقع شود. بندر چابهار همچنین می‌تواند به واسطه تقویت همکاری‌های نظامی میان ایران و هند، قدرت تاثیرگذاری و چانه زنی تهران در قبال تحولات افغانستان و بویژه مهار جاه طلبی‌های سیاسی پاکستان در این کشور جنگ‌زده را افزایش دهد. چنین قدرتی در مقطع کنونی که سرنوشت جنگ افغانستان و نیروهای امریکایی مستقر در آن با اتهامات بسیاری مواجه است و کشورهای همسایه می‌کوشند از طریق ارتباط‌گیری با گروه‌های مختلف درگیر در آن، نفوذ خود را حفظ و تقویت کنند، از اهمیت خاصی برخوردار است.

۲- نگرانی‌های افغانستان

افغانستان کشور محاط به خشکی بوده و از شمال با ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان، و از شمال شرق با جمهوری خلق چین، از شرق و جنوب با پاکستان، و از طرف غرب با ایران هم‌سرحد است. سطح زمین افغانستان از زمین هموار در شمال غرب و جنوب غرب تا ارتفاعات و کوه‌های مرتفع در قسمت‌های دیگر کشور تشکیل شده است. سلسله کوه‌های هندوکش افغانستان را به شرق و غرب تقسیم می‌کند. افغانستان با ۳۰ میلیون نفوس در سال ۲۰۱۵، دارای تراکم ۴۳ نفر در هر کیلومتر مربع است که کمترین تراکم نفوس در قاره آسیا است. جغرافیا، سطح زمین و پراکندگی نفوس در افغانستان باعث ازدیاد هزینه ترانسپورت می‌گردد؛ و تجارت داخلی و خارجی را وابسته به سکتور ترانسپورت می‌کند (بانک انکشاف آسیایی، ۲۰۱۷:۵).

مساحت افغانستان ۲۴۵۰۰۰ مایل مربع (۶۵۲۰۰۰ کیلومتر مربع) یعنی در حدود مساحت دو ایالت نیومکزینو و آریزونا است. افغانستان در بخش شرقی فلات ایران، سرزمین و منطقه‌ای مرتفع در آسیا است که از اطراف کوه‌های زاگرس در غرب ایران ظاهر می‌شود و تا دره ایندوس در مرزهای شرقی افغانستان پایان می‌یابد. از لحاظ اقلیم، افغانستان بین کوه‌ها و بیابان‌ها واقع است. چند رودخانه با جریان‌های سریع و دره‌های باریک در منطقه کوهستانی، کار متمرکز برای تداوم بقای زندگی انسانی را می‌طلبد (ماگنوس و نی، ۱۳۸۰: ۳). همچنین، افغانستان در محل تلاقی چند منطقه قرار دارد؛ بطوریکه از سمت مرزهای غربی خود با منطقه خاورمیانه، از شمال با منطقه آسیای مرکزی، از جنوب با منطقه آسیای جنوبی، و از سمت شرق به نوعی با منطقه خاور دور در تماس است. بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، بازی بزرگ جدیدی با ابعاد متفاوت از بازی بزرگ قرن نوزدهم پدید آمد که بازیگران بیشتری علاوه بر روسیه و بریتانیا مانند هند، پاکستان، عربستان، چین، ایران و ایالات متحده را به عرصه رقابت کشانده است. در این راستا، افغانستان جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک بسیار مهمی در سیاست خارجی کشورهایمانند هند و ایران یافته است. موقعیت ژئوپلیتیک افغانستان و نیز تحولات بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ سبب افزایش اهمیت منطقه‌گرایی بعنوان راهکاری برای خروج این کشور از بحران شده است. بدین‌وسیله افغانستان ضمن ارتقای روابط دو و چند جانبه با کشورهای منطقه، درصدد است بستر حل بحران‌های داخلی خود را از طریق ارتباطات برون مرزی فراهم نماید (وٹوقی و دیگران،

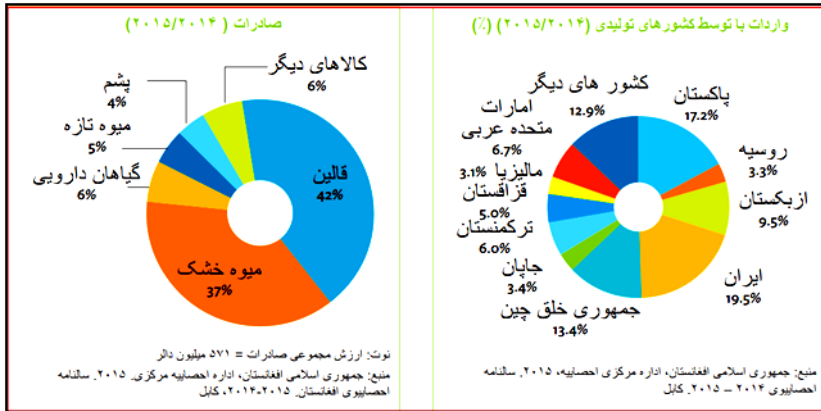
۱۳۹۳: ۱۵۰). برای درک نگاه استراتژیک افغانستان به منطقه آزاد چابهار، ناگزیر باید حداقل دو نگرانی و دل مشغولی افغانستان مورد تحلیل قرار گیرد.

۱- نگرانی افغانستان از موقعیت جغرافیایی محصور در خشکی: افغانستان با شش مشکل ناشی از محصور بودن در خشکی مواجه است. از نظر جغرافیای سیاسی، این شش مشکل عبارتند از: ۱- بوسیله سرزمینهای وسیع و ناهموار از دسترسی به دریا دور افتاده‌اند. همین عوارض طبیعی در ایجاد تاسیسات زیربنایی مشکلاتی بوجود آورده است؛ در نتیجه شبکه ارتباطی در بیشتر موارد ناقص است و تاخیری که در نتیجه این نارسایی‌ها در رسیدن کالا به مقصد روی می‌دهد، در بالا رفتن نرخ بیمه، انبارداری، بهره وام وغیره موثر است. ۲- بازرگانان هر دو طرف از این تاخیر متضرر می‌شوند زیرا کالا آن قدر دیر به مقصد می‌رسد که دیگر قابل استفاده و حتی قابل فروش نیست. ۳- تعداد همسایگان دریایی، که به دولت محصور در خشکی، احیاناً در انتخاب راه برای دسترسی به دریا کمک می‌کنند. ۴- مسافت وطبیعت سرزمینی که میان هسته اقتصادی یک کشور محصور و مناطق هسته‌ای کشورهای همسایه یا یک بندر خوب دریایی قرار دارد. ۵- از نظر نظامی، کلیه کشورهای محصور در خشکی (مانند افغانستان) حتی در مقایسه با کشورهایی با قدرت متوسط، ضعیف هستند. ۶- وجود حالت روانی این نوع کشورها که همواره خود را به کشور معبر وابسته می‌دانند. بنابراین، قدرت بده بستان‌های سیاسی این کشورها در مذاکرات دوجانبه با دولت‌های معبر (ترانزیت)، عمدتاً از حقوق بین‌الملل، امکانات و استفاده‌های اقتصادی متقابل ناشی می‌شود. برای غلبه بر این نارسایی‌ها، کشورهای محصور در خشکی در وهله نخست باید با

کشورهای دریایی همسایه خود رابطه‌ای خوب داشته باشند و سپس از راه‌های متناسب و جانشین برای رسیدن به دریا استفاده کنند (میرحیدر و دیگران، ۱۵۴:۱۳۹۳-۱۵۵).

۲- نگرانی افغانستان از وضعیت اقتصادی در نتیجه چند دهه جنگ: اقتصاد افغانستان بصورت سنتی اقتصاد زراعت و مالداری بوده است. ۷۶/۵٪ مردم این کشور در روستاها زندگی می‌کنند و زراعت برای ۴۱٪ نیروی کار کشور فرصت کاری ایجاد می‌کند که ۳۲٪ تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد. سکتور خدمات ۴۶٪ تولید ناخالص داخلی، و بیشترین بخش اقتصاد این کشور را تشکیل می‌دهد. صنعت تولیدی هرچند تنها برای ۷٪ نیروی کار فرصت شغلی ایجاد می‌کند، اما ۲۱٪ تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد. تعداد محدودی شرکت‌های بزرگ در بخش سیمان و منسوجات فعالیت می‌کنند. ادامه خشونت‌ها، مارکیت داخلی کوچک، هزینه بلند ترانسپورت، عدم موجودیت مهارت مدیریتی و اجرایی کافی، و کمبود موادخام، مانع رشد چشمگیر صنعت تولید شده است. پایه‌های باریک اقتصادی افغانستان در ترکیبی از صادرات انعکاس یافته است. تولیدات زراعی و صنعت‌های مربوط به زراعت کالاهای صادراتی کشور را تشکیل می‌دهند که در مقابل وضعیت اقلیمی و نوسانات بازار، بسیار حساس می‌باشد (بانک انکشاف آسیایی، ۲۰۱۷:۵). افغانستان از اواسط سال ۲۰۱۶ و آغاز خروج نیروهای خارجی از کشور و کاهش همکاری خارجی، در راستای تامین صلح با چالش روبرو شده است. میلیون‌ها افغان نیازمند کمک‌های بشردوستانه‌اند. و کودکان با سوء تغذیه حاد مبتلاند. در برابر افزایش خشونت، دولت افغانستان بیش از نیم

بودجه‌اش را روی امنیت ملی مصرف می‌کند که باعث افزایش خلاء منابع می‌شود. فساد گسترده و موجودیت مواد مخدر گسترده، خطرهای دیگری را متوجه حاکمیت قانون و ثبات می‌کند. وضعیت اضطراری و جنگ‌زده در کشور، اولین موج سرمایه‌گذاری را بعنوان اولویت تعیین کرد که هدف آن بازسازی اتصال و بازکردن مسیرهای تجارت بود. باوجود تلاش‌ها، هنوز هم مشکل مواصلات در دهات و تجارت داخلی و بین‌المللی کشور وجود دارد. زیربنای حمل‌ونقل (ترانسپورت) در وضعیت متغیر بازسازی قرار دارد. درحالی‌که به دارایی سکتور ترانسپورت افزوده شده است، ولی درحفظ و مراقبت این دارایی‌ها غفلت شده است. جنگ، بیش از دو دهه زیربنای ترانسپورت افغانستان را از بین برده است، ذخیره منابع انسانی کشور را خالی کرده و در این مدت ظرفیت نهادی برای مدیریت سکتور ترانسپورت را تضعیف نموده است. برای اعاده کردن زیربنا و نهادها، حکومت افغانستان و همکاران توسعه‌ای از سال ۲۰۰۲ به بعد، حدود ۴,۵ میلیارد دلار را روی توسعه زیربناها و نهادهای ترانسپورتی سرمایه‌گذاری نموده‌اند (بانک انکشاف آسیایی، ۲۰۱۷:۱).



منبع: بانک انکشاف آسیایی، ۲۰۱۷:۶

با اینحال، افغانستان ظرفیت تبدیل شدن به یک مرکز اقتصادی منطقه‌ای را دارد. تجارت خارجی افغانستان وابسته به مسیرهای اصلی حمل‌ونقل است که از مسیر پاکستان عبور می‌کند. مانند هر کشور محاط به خشکی، افغانستان نیز با هزینه‌های بلند مدت حمل و نقل و تاخیر طولانی در تحویل مواجه است (متقی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۴). اما از سوی دیگر، افغانستان و پاکستان از مسائل کهنه‌ای مانند خط دیوراند و تردهای غیرقانونی بویژه افراط‌گرایی اسلامی در نوار مرزی رنج می‌برند، که به نوبه خود تداوم همکاری‌ها را با مشکل روبرو می‌سازد. افغانستان بیش از ۹۰٪ نیازهایش را از خارج و بویژه از همسایگانش تامین می‌کند. بعنوان مثال، ایران یکی از شرکای تجاری افغانستان با تجارت سالانه تقریباً دو و نیم میلیارد دلار، یکی از صادرکنندگان مهم برق به افغانستان به میزان سالانه حدود ۲۳۷ مگاوات

محسوب می‌شود. در سال ۱۳۹۵، ماهانه به ارزش پنج میلیون دلار، صادرات برق از ایران به افغانستان صورت گرفته است (فرهنگ، ۱۳۹۵: ۲۲۳). با توجه به موقعیت جغرافیایی، افغانستان توانایی تبدیل شدن به یک کشور وصل‌کننده را دارد. بندر چابهار ایران، برای افغانستان ظرفیت‌های بسیار مهمی فراهم می‌کند زیرا از یک سو، زرنج، هرات، کندهار، کابل، و مزار شریف را به اقتصاد آسیای مرکزی متصل می‌کند، و از دیگر سو، طرح‌های آینده دهلیز ترانزیتی بین‌المللی شمال- جنوب از طریق ایران به روسیه و اروپا خواهد بود (متقی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۴).

۳- نگاه استراتژیک افغانستان به منطقه آزاد چابهار

در سال ۱۳۹۵، با حضور هیأت افغان و رئیس جمهوری افغانستان^۱ در تهران، قرارداد سه جانبه ایران، هند و افغانستان برای توسعه چابهار و فعالسازی کریدور جنوب - شمال امضا شد. توافق سه جانبه به منظور هموار نمودن راهی برای احداث بندر جامع چابهار به عنوان هاب کریدور تجاری - بازرگانی و کشیده شدن شاخه‌ای از آن به افغانستان و همچنین دسترسی به آسیای مرکزی و روسیه از طریق ایران بود (ویسی، ۱۳۹۶: ۱۱۶). فاز اول چابهار در سال ۲۰۰۷ دایر شد. نیاز به توسعه اقتصادی مواضع کشور افغانستان و ایران را به هم نزدیک کرده است. افغانستان نیز تنوع در مسیرهای تجاری خود را برای صدور محصولات به بازارهای بین‌المللی و کاهش وابستگی به پاکستان و ایجاد اشتغال بیشتر، دنبال می‌کند. منطقه آزاد چابهار، فرصت روابط تجاری بدون نیاز به پاکستان را در اختیار افغانستان قرار می‌دهد: Farooq, 2019

^۱ - اشرف غنی احمد زی

(۴۵). چابهار کمتر از ۶۰۰ مایل با مرز افغانستان فاصله دارد. و تنها بندر غیر پاکستانی است که افغانستان را به دریا متصل می‌کند (Clawson, 2019). افغانستان همچنین از طریق توافقی‌های انجام شده با ایران این فرصت را دارد که با تعرفه‌ای اندک از چابهار برای انتقال کالا استفاده کند. به همین علت تخمین زده می‌شود که با استفاده چابهار توسط افغانستان، ارزش تجارت بین افغانستان و پاکستان از طریق تورخم، از ۲۵۰۰ میلیون دلار به ۵۰۰ میلیون دلار کاهش یابد. ارزش صادرات افغانستان در سال ۲۰۱۹ بالغ بر یک میلیارد دلار بوده که پیش بینی می‌شود، در سال ۲۰۲۰ با بکارگیری بندر چابهار به دو میلیارد دلار برسد. بدین ترتیب، افغانستان در قلب مسیرهای تجاری آسیای مرکزی و جنوبی قرار گرفته و نقش مهمی در تقویت اتصال منطقه‌ای دارد. با این نگاه استراتژیکی است که مسئولان افغان به دنبال اتصال به بندر چابهار هستند (صبوری ۱۳۹۸: ۲۸۴). درواقع، چابهار فرصت‌های استراتژیک چشمگیر و گزینه‌های تجاری خوبی را برای افغانستان فراهم می‌کند. از منظر تدارکاتی، بندر چابهار بعنوان نزدیکترین بندر به افغانستان، ۷۰۰ کیلومتر نزدیکتر از بندرعباس است. همچنین چابهار ۱۰۰۰ کیلومتر نزدیکتر از بندر کراچی در پاکستان است، و مهره‌ی تغییردهنده بازی استراتژیک در منطقه است. کشورهای دخیل در این زمینه امیدوارند پروژه چابهار، افغانستان را به مرکز اقتصادی در منطقه تبدیل کند و همچنین، روابط رو به رشد میان افغانستان و هند را افزایش دهد (متفی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸). درواقع، نگاه استراتژیک افغانستان به منطقه آزاد چابهار هم به دلیل بهره‌مندی‌های

اقتصادی و بازرگانی؛ و هم به دلیل اشتیاق برای حضور در سیاست‌های منطقه‌ای است:

الف- اشتیاق افغانستان برای برقراری ارتباط با آسیای مرکزی از طریق چابهار

افغانستان در پیوستگی سرزمینی و خویشاوندی با کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی یعنی تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان در مرزهای شمالی خود است. پیوستگی‌های قومی و فرهنگی اقوام تاجیک و ازبک با هم‌نژادان خود در آن سوی مرز، سبب انتقال ناپایداری‌های قومی-مدنی افغانستان به درون مرزهای ازبکستان و تاجیکستان شده است. ترکمنستان نیز یکی از همسایگان افغانستان است که موقعیت سرزمینی افغانستان اهمیتی استراتژیک برای صادرات انرژی آن دارد. بعنوان مثال، در ۱۹۹۷ قراردادی میان ترکمنستان و پاکستان برای تاسیس خط لوله تاپ امضا شد که از راه افغانستان، گاز ترکمنستان را به پاکستان صادر می‌کرد، هرچند که جنگ داخلی و سلطه طالبان در افغانستان مانع اجرای این طرح شد. بعدها در سال ۲۰۰۲ نیز پس از شکست طالبان، مجددا مذاکرات برای تاسیس این خط لوله از سرگرفته شد اما تداوم ناامنی در افغانستان و نارضایتی روسیه منجر به شکست دوباره این طرح شد. بطور کلی مسیر استراتژیک افغانستان، یکی از راه‌های مناسب برای تجارت انرژی و دسترسی کشورهای آسیای مرکزی به آبهای آزاد است اما مساله ناامنی در افغانستان مانع تحقق این کارویژه شده است. از سوی دیگر، مرز مشترک میان این کشورها تبدیل به مسیری برای قاچاق مواد مخدر توسط باندهای مسلح و در نتیجه تهدید امنیت ملی آنها شده است. زیرا علاوه بر پیامدهای انسانی و اجتماعی مواد مخدر، بخش اعظم

درآمد حاصل از قاچاق مواد مخدر در اختیار طالبان و تروریست‌ها قرار می‌گیرد که صرف استخدام نیروهای جدید و خرید تسلیحات و در نتیجه ناامنی داخلی در افغانستان و احساس خطر همسایگان می‌شود (و ثوقی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۵۶). بطوریکه روسیه می‌کوشد با فشار بر دوشنبه در مرزهای افغانستان و تاجیکستان، بتواند با حضور خود ضمن کنترل تجارت مواد مخدر، از قدرت مانور ناتو در منطقه بکاهد. با چنین چشم‌اندازی، زمینه‌های همگرایی افغانستان با همسایگان شمالی و به بیان دیگر، با آسیای مرکزی به‌آسانی مهیا می‌شود، هرچند استفاده از موقعیت جغرافیایی و ترانزیتی افغانستان همواره مورد توجه بوده است. بعنوان نمونه، پیش از خروج نیروهای امریکایی از افغانستان، باراک اوباما طرح «جاده ابریشم جدید» را مطرح کرد که در واقع تلاش برای مشارکت کشورهای آسیای مرکزی در طرح‌های انتقال انرژی از مسیر افغانستان، تجارت و سرمایه‌گذاری مشترک و بطور کلی مشارکت در تامین صلح و ثبات منطقه‌ای از طریق همکاری با افغانستان بود. حمایت اولیه کشورهای آسیای مرکزی از این طرح، بدلیل مسائلی مانند منازعات قومی، افراط‌گرایی اسلامی، تروریسم، مهاجرت و قاچاق مواد مخدر در افغانستان بود که ثبات‌شکننده جمهوری‌های آسیای مرکزی را تهدید می‌کند. با توجه به این تهدیدها، همراهی کشورهای آسیای مرکزی با این طرح در حد حمایت لفظی باقی ماند. همچنین، پیوستن افغانستان به آسیای مرکزی یکی از برنامه‌های بلندمدت امریکا به نام «طرح آسیای مرکزی بزرگتر» است؛ بطوری‌که در این طرح امریکا بوسیله افغانستان بیش از پیش

در آسیای مرکزی نفوذ خواهد کرد. مخالفت روسیه و چین با این طرح بدیهی است؛ هرچند که توجیه امریکا برای این طرح مواردی از قبیل مهار تروریسم به کمک کشورهای منطقه، توسعه افغانستان و گسترش همکاریهای چند جانبه بوده است؛ اما هدف اصلی این سیاست و نیز طرح جاده ابریشم جدید، جهت دادن به اقتصاد کشورهای آسیای مرکزی به سمت جنوب است، زیرا از نظر استراتژیست‌های امریکایی، گسترش روابط افغانستان با همسایگان آسیای مرکزی ثبات دولت طرفدار امریکا در افغانستان را تامین خواهد کرد و این امر، حفظ پایگاه‌های نظامی غرب در افغانستان را پس از ۲۰۱۴ تضمین می‌کند. راهبرد اصلی کشورهای آسیای مرکزی در قبال افغانستان، تلاش برای حفظ تمامیت ارضی و اتخاذ سیاست تدافعی پایدار در مقابل تهدیدات طالبان بوده است و نه همگرایی. روسیه نیز به هیچ‌وجه مایل به از دست دادن انحصار خود در مسیر انتقال انرژی کشورهای آسیای مرکزی نیست و از عدم ائتلاف کشورهای آسیای مرکزی با افغانستان حمایت خواهد کرد. نفوذ و قدرت اقتصادی چین نیز توانایی جهت دهی به سیاست خارجی این کشورها را دارد اما در راستای سیاست مهار هند تمایل به راه یافتن دهلی به آسیای مرکزی از طریق افغانستان نیست (همان، ۱۳۹۳: ۱۵۸-۱۵۷). در واقع، چابهار بین گوادر و تنگه هرمز؛ در نقش یک حائل میان گوادر و خلیج فارس، مسیر مطمئن‌تری برای رسیدن به افغانستان و آسیای مرکزی است. مسیری امن که به لحاظ عمق آب و وضعیت طبیعی کرانه، توانایی پذیرش کشتی‌هایی با ظرفیتی بیش از ۱۰۰ هزار تن را دارد. و در کشوری امن واقع شده است که توانایی اقتصادی زیادی برای سرمایه‌گذاری در زیرساختها را

دارد (عسگری، ۱۳۹۵: ۲۲). با فراهم کردن مسیر دسترسی کشورهای محصور در خشکی افغانستان و آسیای مرکزی به اقیانوس هند، علاوه بر مزایای اقتصادی استفاده از ترانزیت، امکان حضور سیاسی و تاثیر گذاری بیشتری را هم در روندهای سیاسی این کشورها بدست خواهد آورد (ویسی، ۱۳۹۶: ۱۱۷).

در این راستا، دغدغه‌های دوکشور روسیه و ایران درباره افغانستان و اتحادیه ارواسیا، قابل توجه است. از نگاه روسیه، این اتحادیه به عنوان عاملی برای برقراری توازن با اتحادیه اروپا و نیز متوقف ساختن تحرکات چین در آسیای مرکزی است. همچنین، روسیه برای حفظ آسیای مرکزی از خطرات امنیتی نیروهای افراط‌گرای اسلامی، ناگزیر است به لحاظ جغرافیای سیاسی، تاریخی و اقتصادی، افغانستان را نیز مورد توجه خاص قرار دهد. ایران و روسیه، می‌توانند با همکاری با یکدیگر در سطح منطقه ارواسیا، به‌ویژه در برپایی ثبات و امنیت در افغانستان به همکاری با یکدیگر بپردازند. توافقنامه اتحادیه اقتصادی ارواسیا، موجب تقویت موقعیت ترانزیت ایران بویژه در بحث کریدور شمال جنوب، خواهد شد و از بروز تهدیدات امنیتی بالقوه جلوگیری خواهد کرد.

در این راستا، همسایگی چین با اتحادیه ارواسیا و تأثیر عمیق آن در سازمان همکاری شانگهای، راه ابریشم، نگاه اروپا به مسیر عبور تا قلب مشرق زمین و اهمیت آسیا - پاسفیک برای امنیت ملی آمریکایی‌ها، موجب می‌شود تا بر ضرورت حضور و تعامل‌های چندجانبه در این منطقه و اهمیت آن در مسیر اهداف ژئوپلیتیک ایران افزوده شود. همچنین، ارتباطات اقتصادی ایران در

منطقه ارواسیا و مشترکات اقتصادی بویژه در زمینه انرژی با روسیه، موجب علاقه‌مندی اقتصادی هرچه بیشتر ایران با منطقه ارواسیا می‌شود. ایده سوآپ نفتی و همکاری در زمینه انتقال انرژی کشورهای این منطقه، برای ایران با اهمیت است. بویژه آنکه، ایران نقش کلیدی در شاهراه‌های موجود منطقه یعنی جاده ابریشم، راه‌آهن سراسر آسیا، تراسیکا و کریدور شمال و جنوب دارد. (<https://ana.press/i/504902>)

ب- اشتیاق افغانستان برای برقراری ارتباط با جنوب آسیا بویژه هند از طریق
چابهار

هند در نقشه‌های استراتژیک خود جنوب آسیا را در صدر اولویت‌های خود قرار داده است. دکترین کلان سیاست خارجی هند، کشورها را به سه دایره متحد‌المرکز تقسیم می‌کند که اولین دایره همسایگان نزدیک آن از جمله افغانستان است. در محیط این دایره، هند در صدد کسب موقعیت هژمونی است تا به واسطه آن بتواند با حضور قدرت‌های دیگر در این منطقه مقابله کند. افغانستان در محیط پیرامونی هند، واسطه‌ای برای مقابله با سایر قدرت‌ها مانند پاکستان است؛ بعلاوه، بستری برای نفوذ هند به آسیای مرکزی نیز می‌باشد. بعداز ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ هند با درک جایگاه افغانستان در گسترش همکاری با آن است تا از طریق اتحاد استراتژیک با افغانستان الگوی امنیتی هند محور در جنوب آسیا را تقویت نماید، و همچنین زمینه نفوذ هند در آسیای مرکزی و خاورمیانه از راه زمینی فراهم شود. به بیان دیگر، هند با درک ضعف افغانستان در ایفای نقش ارتباطی، می‌کوشد با وارد کردن کابل به معادلات آسیای جنوبی، زمینه‌های نفوذ خود در این کشور را مهیا کند و

بدین وسیله از موقعیت ارتباطی افغانستان نهایت استفاده را ببرد. هند با درک جایگاه ژئواستراتژیک افغانستان در صدد گسترش نفوذ خود و بهره‌برداری از موقعیت میانی این کشور جهت دستیابی به آسیای مرکزی است. البته رقابت هند با پاکستان عامل دیگری جهت ارتقای جایگاه افغانستان در سیاست خارجی هند است. در گذشته، پاکستان با هدف جلوگیری از محاصره شدنش توسط هند از طریق طالبان، خواهان گسترش عمق استراتژیک خود در افغانستان بود. بطوریکه جنگ‌های داخلی افغانستان در دهه ۹۰ میلادی در واقع، نوعی «جنگ نیابتی» بین هند و پاکستان بود (وٹوقی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۵۸-۱۶۰). منافع چندگانه هند از گسترش روابط با افغانستان بویژه در ارتباط با منطقه آزاد چابهار عبارتند از: تحدید نفوذ پاکستان؛ مهار افراط‌گرایی و تروریسم؛ کارکرد پل‌مانند افغانستان در دستیابی به آسیای مرکزی؛ گسترش نفوذ منطقه‌ای؛ تقویت سیستم امنیتی هند محور در آسیای جنوبی با وارد کردن افغانستان (همان، ۱۳۹۳: ۱۶۱).

با توجه به آنچه گذشت، منطقه آزاد چابهار به یک نقطه ارتباطی و حیاتی برای ارسال کالاهای هندی به افغانستان و فراتر از آن در آسیای مرکزی تبدیل شده است. دولت افغانستان بودجه پیشنهادی خود را برای توسعه بندر چابهار افزایش داده است. افزایش بودجه بندر چابهار نشان‌دهنده تعهد افغانستان برای توسعه این بندر و همچنین قاطعیت برای تبدیل آن به یک گزینه مناسب ارتباطی است. بندر چابهار به علت موقعیت استراتژیک و دستیابی به آب‌های آزاد بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای در مبادلات تجاری

افغانستان با سایر کشورهای منطقه دارد. شایان توجه است، برنامه امریکا، ایجاد یک پایگاه منطقه‌ای رقیب برای ایجاد موازنه در برابر بندر گوادر است و قرائن زیادی وجود دارد که چابهار در کنار بندر عمانی دوقم، جدی‌ترین گزینه‌ها هستند (عسگری، ۱۳۹۵: ۲۱).

در مجموع از نگاه استراتژیک افغانها، منطقه آزاد چابهار، منافع متعددی برای افغانستان به همراه دارد. دولت‌مردان افغان با هدف رهایی از موقیعت محصور در خشکی، سال‌ها کوشیده‌اند تا برای رهایی کشورشان از جبر جغرافیایی، از فرصت‌های اقتصادی ناشی از آب‌های آزاد جنوب، در راستای تأمین منافع داخلی و رونق تجارت خارجی‌شان بهره جویند. مسائل و اولویت‌های داخلی دیگر این کشور تا اوایل قرن ۲۱ م، عملاً مانع از تحقق هدف مذکور شد. پس از رشد میانگین اقتصاد داخلی افغانستان طی دهه‌ی نخست قرن ۲۱ م. (حدود ۱۰٪)، نخستین گام‌های مسیر ترانزیت منطقه‌ای بندر چابهار توسط دولت‌مردان افغان برداشته شد. اراده‌ی قوی حکومت افغانستان جهت کاهش محدودیت‌های محیطی از طریق محور ترانزیتی چابهار، به طور جد از سال ۲۰۱۱ تا کنون ادامه داشته است. بندر چابهار یکی از دلایل کاهش وابستگی افغانستان به بنادر پاکستان (کراچی، قاسم، گوادر) است. اختلافات سیاسی و درگیری‌های مرزی کابل-اسلام آباد در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۷ م. باعث کاهش مراودات تجاری آنان به میزان ۴۰ درصد شد (اسلامی و یوسف زهی، ۱۳۹۷: ۹۸). به همین دلیل، افغانستان مهمترین همکار و شریک تجاری و اقتصادی منطقه آزاد چابهار است. حضور و سکونت شهروندان افغان در چابهار نشان‌دهنده عزم جدی آنها برای سرمایه‌گذاری و پشت‌کار برای تجارت در این

منطقه می‌باشد. منطقه آزاد چابهار می‌تواند نقش مهمی در پیشرفت تجارت و ترانزیت کالا در کشورهای همسایه بازی کند، همچنین، به دلیل موقعیت استراتژیک و اتصال آن به دریای هند، شرایط خوبی برای ترانزیت و تجارت دارد. فعالسازی دهلیز شرق-غرب از برنامه های دولت است که می‌خواهد ترافیک ترانزیتی را از منطقه آزاد تجاری چابهار به جاده ملاک و مرز زابل منتقل نماید. سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند مالکیت زمین را به مدت با قیمت مناسب مقرون به صرفه برای فعالیت تجاری و اقتصادی تصاحب کنند و برای مدت بیست سال از هرگونه مالیاتی معاف شوند. بنابراین، فعالیت‌های اقتصادی و تجاری در افغانستان باید از آزادی بیشتری برخوردار باشد تا فرصت‌های سرمایه‌گذاری در این شهر و صدور انواع مختلف کالاها، محصولات کشاورزی و مواد معدنی را از طریق این بندر به سایر نقاط جهان فراهم سازد. این کشور یکی از ثروتمندترین کشورها در زمینه داشتن آهن، کرومیت، زغال سنگ، سنگهای قیمتی و نفت است. کالا و مواد معدنی این کشور از طریق بندر استراتژیک چابهار به مناطق مختلف جهان صادر می‌شود؛ و تأثیر زیادی بر توسعه اقتصادی افغانستان دارد و می‌تواند نقش مهمی در توسعه این کشور محصور به خشکی داشته باشد. لذا، تجار افغان مشتاق کار در بندرچابهار هستند و توجهشان به سرمایه‌گذاری بیشتر در این منطقه می‌باشد. با این امید که بندر چابهار به نوعی این کشور را از رکود اقتصادی نجات دهد. از این رو، مقامات افغان بر توسعه روابط اقتصادی، تجاری و سیاسی با ایران تأکید دارند. امنیت بالا، تعامل خوب بین مقامات ایرانی و زیرساخت بندر چابهار شرایط مناسب را برای حمل‌ونقل، صادرات و واردات کالا توسط فعالان

اقتصادی و سرمایه‌گذاران افغان فراهم کرده است (متفی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۴). البته سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در افغانستان در سال ۲۰۱۳، ۲۵٪ افزایش یافته که بدلیل تلاش دولت برای اختصاص زمین بیشتر به صنایع و برگزاری چندین نمایشگاه تجاری است. براساس اطلاعات آنکتاد، سهام سرمایه‌گذاری خارجی، حدود ۷/۲٪ تولید ناخالص داخلی این کشور را در سال ۲۰۱۶ تشکیل می‌داد. چین در صنعت نفت، و هند در بخش معدن افغانستان سرمایه‌گذاری کرده‌اند. البته وضعیت بد امنیتی در کشور مانع پیشرفت در این پروژه‌ها در سال ۲۰۱۵ شد. برای درک بیشتر نگاه استراتژیک افغانستان به این بندر، به ذکر چند نمونه از بخش‌های عمده‌ای که ظرفیت سرمایه‌گذاری در چابهار دارند می‌پردازیم:

۱- کشاورزی: زراعت نقش مهمی در رشد اقتصادی افغانستان دارد. از این رو، چابهار امکانات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در این بخش برای تاجران هندی و ایرانی فراهم می‌کند. توسعه اقتصادی در دهه تحول (۲۰۱۵-۲۵) برای امنیت دراز مدت مردم افغانستان بسیار مهم است. ۲- بخش معدن: افغانستان با داشتن منابع طبیعی دست نخورده، می‌خواهد تلاش عملی برای توسعه زیرساخت‌های اجتماعی، اقتصادی و کاهش فقر بوسیله استخراج و بهره‌برداری موثر از مواد معدنی را انجام دهد تا منجر به توسعه کشور شود. بعنوان مثال، ذخایر نفتی ولایت سرپل ۴۴/۵ میلیون متریک تن شناسایی شد و ذخایر قابل استخراج آن ۱۴/۵ میلیون متریک تن می‌رسید. طی چند سال گذشته، حدود ۵ میدان نفت و گاز در افغانستان شناسایی شد. این بخش عمده ظرفیت سرمایه‌گذاری در چابهار را دارد. ۳- بخش صنعت: نتایج قابل

توجهی در طول سالهای گذشته در نتیجه تاسیس کود و برق در ولایت بلخ با ظرفیت ۱۱۰۰۰۰ تن کود یوریا درسال ۴۸ مگاوات برق درساعت انجام شد. نیز ایجاد کارخانه سیمان غوری، کارخانه سیمان جبل السراج با حداکثر ظرفیت ۳۰۰۰ تن درسال، کارخانه سیمان هرات و غوری ۲ با ظرفیت جداگانه ۷۰۰ و ۸۰۰ تن درهمین راستا توسعه و ایجاد شده است. ۸۰٪ از کار این فعالیتها با انتقال ماشین آلات به پایان رسیده است اما با توجه به تداوم جنگ درکشور، این برنامهها قادر به ادامه کار نشدند (متقی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۰-۱۸). ۴- بخش انرژی: چشم‌انداز استراتژیک دولت برای بخش انرژی این است که این بخش بتواند به شهروندان افغانستان و عاملین رشد اقتصادی دسترسی به منابع انرژی قابل اعتماد را مهیا کند. همچنین بتواند در طولانی مدت اقتصاد مبتنی بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و بر اساس نظام بازار آزاد، تحت نظارت دولت فراهم کند. بیشتر نیروگاههای برق درافغانستان براساس نیروی آبی (تولیدبیش از ۵۴ درصد کل) است و بقیه از منابع حرارتی می‌باشند (عمدتا از طریق استفاده از ذغال‌سنگ و گاز طبیعی) ۵- توسعه زیرساختها: بدلیل تهاجم شوروی و جنگ داخلی پس از سال ۱۹۷۹ و بدلیل حفظ و مراقبت ضعیف، زیرساختهای افغانستان بشدت تخریب شده‌اند و درطی این ۳۰ سال جنگ، تقریبا هیچ پیشرفتی دراین بخش صورت نگرفته است. این کشور با کمبود زیرساختهای اساسی دراین زمینه روبرو است. ۶- پروژه‌های ملی و بین المللی خط آهن: بخش اول آنچه که بعنوان شبکه ملی راه آهن در نظرگرفته شده است، با وصل شدن مزارشریف به حیرتان توسط خط آهن و از طریق ان به شبکه های خط آهن آسیای مرکزی و اروپا متصل شد.

کارساخت و ساز راه آهنی که افغانستان را به کشور ترکمنستان وصل می کند، نیز راه اندازی شده است. شامل: الف) خط آهن هرات- بندرتورغند (۱۵۰ کیلومتر)؛ ب) خط آهن ترکمنستان، افغانستان و تاجیکستان (۶۴۵ کیلومتر)؛ پ) خط آهن جلال آباد- تورخم- لندی کوتل (۹۸ کیلومتر)؛ ت) خط آهن چمن- قندهار؛ ث) خط آهن جاده ابریشم از چین به ایران از طریق جمهوری قرقیزستان، تاجیکستان و افغانستان؛ ج) خط آهن گورانی (ایران)- هرات پنج. (همان، ۱۳۹۷: ۲۱-۲۰).

نتیجه گیری

منطقه آزاد چابهار به دلیل موقعیت استراتژیک و اتصال آن به دریای هند، بویژه به علت نزدیکی به کشورهایمانند هند، پاکستان و آسیای مرکزی شرایط خوبی برای ترانزیت و تجارت دارد. کریدور جنوب - شمال از مبدأ چابهار نیز دارای فرصتها و مزیتهایی فراوانی برای منطقه و بویژه ایران است که با دارا بودن ظرفیت های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک بالا، از نظر داخلی و خارجی راه گشای بسیاری از تنگناهای منطقه ای می باشد.

افغانستان یکی از همسایگانی است که توان بالای منطقه آزاد چابهار را در مناسبات سیاسی و اقتصادی بخوبی درک کرده است. مهمترین دلایل نگاه استراتژیک افغانستان به منطقه آزاد چابهار عبارتند از: رهایی از موقعیت جغرافیایی محصور در خشکی؛ بهره گیری از موقعیت ژئوپلیتیک کشورهای همسایه در آسیای مرکزی که دارای منابع عظیم انرژی هستند؛ رهایی از انحصار موقعیت جغرافیایی پاکستان برای دسترسی به آبهای آزاد و نیز مقابله با نفوذ داخلی پاکستان در افغانستان. زیرا منطقه آزاد چابهار موجب کاهش

وابستگی افغانستان به بنادر پاکستان (کراچی، قاسم، گوادر) خواهد شد؛ نزدیکی به هند برای رفع نیاز خود به سرمایه‌گذاری خارجی برای بازسازی اقتصاد بشدت آسیب‌دیده خود؛ بهره‌گیری از مسیر امن همسایه خود ایران که میزبان چند میلیون پناهنده افغان در طی دهه‌ها است. بنابراین، افغانستان می‌کوشد از فرصت‌های اقتصادی ناشی از آب‌های آزاد جنوب ایران، در راستای تأمین منافع داخلی و رونق تجارت خارجی‌اش بهره جوید. از این رو، مقامات افغان بر توسعه روابط اقتصادی، تجاری و سیاسی با ایران تأکید دارند. امنیت بالا، تعامل خوب بین مقامات ایرانی و افغان، توسعه زیرساخت بندرچابهار، شرایط مناسب برای حمل‌ونقل، صادرات و واردات کالا توسط فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران افغان رافراهم خواهد کرد.

منابع

- اسدی، امیدعلی، امینی، علی اکبر، تاجری، منصور (۱۳۹۷) پیامدها و آثار ژئواکونومیکی ناشی از توسعه بندر گوادر و بندر چابهار بریکدیگر، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال ۱۴، شماره ۴۵، زمستان، صص ۱-۲۵
- اسفندیاری، علی اصغر؛ مقدس حسین زاده، سمیره؛ دلاوری، مجید (۱۳۸۷)، ارزیابی عملکردمناطق آزاد تجاری ایران و تاثیر آن در توسعه اقتصادی این مناطق، پژوهشنامه اقتصادی، بهار، دوره ۸، شماره ۲۸، صص ۱۱۹-۱۴۶
- اسلامی، روح اله، یوسف زهی، ناصر (۱۳۹۷). استراتژی‌های کارآمدساز اقتصاد سیاسی منطقه‌ای افغانستان و ایران، بر مبنای تحلیل سیستمی نقش بندر چابهار، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، شماره ۲۸(۸).
- التجایی، ابراهیم (۱۳۸۸)، مناطق آزاد تجاری و صنعتی: ابزار راهبرد توسعه صادرات در مقایسه با سه کشور آسیایی، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۳۳، صص ۱۸۹-۲۲۲
- الماسی، محیا (۱۳۹۲). جایگاه مناطق آزاد تجاری در توسعه منطقه‌ای ایران (مطالعه موردی: منطقه آزاد کیش)، اولین همایش ملی گردشگری، جغرافیا و محیط زیست پایدار، همدان، انجمن ارزیابان محیط زیست هگمتانه، https://www.civilica.com/Paper-TGES01-TGES01_212.html
- بانک انکشاف آسیایی (۲۰۱۷)، جمهوری اسلامی افغانستان: تجدید ماستر پلان سکتور ترانسپورت (۲۰۱۷-۲۰۳۶)، افغانستان، کابل: بانک انکشاف آسیایی.
- بلوچ، ازیر، لطفی، حیدر (۱۳۹۶). برنامه ریزی و سازماندهی سیاسی، امنیتی و اقتصادی فضا در منطقه مکران، فصلنامه آمایش محیط، ش ۴۳(۲).
- بوزان، باری و ویور، الی (۱۳۸۸)، مناطق و قدرتها، تهران، انتشارات مطالعات راهبردی.
- بیک محمدی، حسن (۱۳۷۸)، عملکردمناطق آزاد تجاری-صنعتی ایران در توسعه: مورد، منطقه آزاد چابهار، دوره ۸، شماره ۲۹. صص ۱۶-۱۹.

- دفتر مطالعات اقتصادی (۱۳۹۵)، مطالعات مناطق آزاد، تهران: مرکز مطالعات اقتصادی.
- تیشه‌بار، ماندانا، (۱۳۹۵)، زمینه‌های همکاری ایران و روسیه در برپاداری ثبات و امنیت در افغانستان، مجموعه مقالات همکاری های ایران و روسیه؛ ابعاد و چشم انداز، موسسه ایراس.
- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۸۶)؛ ضرورت و الزامات منطقه گرایسی در تحقق برتری منطقه ای جمهوری اسلامی ایران، نگرش راهبردی، شماره: ۸۷.
- سینایی، وحید، جمالی، جمال (۱۳۹۷). دیپلماسی اقتصادی ایران در افغانستان و مدیریت اختلافات آبی دو کشور. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، شماره ۲۸ (۸)
- سعادت، حسن، کریمی پور یدالله، کاویانی راد، مراد و احمد کارگر (۱۳۹۸)، تبیین نقش و کارکرد ژئوپلیتیک خلیج چابهار در تحولات اقیانوس هند، پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۵۱ (۴).
- صبوری، ضیال‌الدین، (۱۳۹۸). کارکردها و چالش های منطقه ازاد چابهار در ایجاد همگرایی منطقه‌ای. پژوهشنامه رسانه بین الملل، سال ۴ (۴).
- طاوسی، تقی، اسکندریثانی، محمد، حسین‌زاده کرمانی، محمود (۱۳۹۱). قابلیت‌ها و تنگناهای توسعه محور شرق در شرایط امروز ایران و منطقه. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه ای سال ۳، شماره ۱۲،
- عسگری، حامد (۱۳۹۵) بندر چابهار و منطقه. فصلنامه روابط خارجی. سال ۸ (۱).
- عسگری، علی، جعفری، تینا، ۱۳۹۵، ارزیابی آثار اعطای معافیت مالیاتی در مناطق آزاد تجاری ایران (مطالعه موردی منطقه آزاد قشم، کیش و چابهار)، فصلنامه اقتصاد مالی، سال دهم، شماره ۳۷، زمستان. صص ۴۳-۷۰
- فرهنگ، عبدالهادی (۱۳۹۵). تجارت میان افغانستان و ایران. تهران: موسسه انتشارات عرفان.

- کولایی، الهه؛ سازمند، بهاره (۱۳۸۹)، زمینه های درون نظری و برون نظری تحول در نظریه های منطقه گرایی، فصلنامه پژوهش سیاست نظری، دوره جدید، شماره ۹، زمستان و بهار. صص ۱۲۷-۱۴۶.
- لیک، دیوید و مورگان، پاتریک (۱۳۹۲)، نظم های منطقه ای (امنیت سازی در جهانی نوین)، مترجم: جلال دهقانی فیروز آبادی، تهران: انتشارات مطالعات راهبردی.
- ماگنوس، رالف؛ نبی، ادن؛ (۱۳۸۰) افغانستان: روحانی، مارکس، مجاهد، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- مجتهدزاده پیروز (۱۳۸۱)؛ جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت.
- متفی، عبدالقدیر، امیراحمدیان، بهرام، ساچدوا، گلشن (۱۳۹۷). تحلیل استراتژیک بند چابهار، کابل: انستیتوت مطالعات استراتژیک.
- مهکویی، حجت؛ گودرزی، مهناز (۱۳۹۸). تاثیر اتحادیه اقتصادی اوراسیا بر موقعیت ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران، مطالعات اوراسیای مرکزی دوره ۱۲.
- میرحیدر، دره؛ میراحمدی، فاطمه، راستی، عمران (۱۳۹۲)، مبانی جغرافیای سیاسی، چاپ ۱۹، تهران: سمت.
- میرفخرایی، سیدحسن؛ (۱۳۹۴)، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و الزامات ژئواکونومیک آن برای ایران، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال ۸، شماره ۳۲، زمستان.
- وثوقی، سعید؛ فلاحی، احسان؛ حیدری، قربانعلی (۱۳۹۳)، تبیین جایگاه افغانستان بعنوان کانون چند زیرسیستم منطقه ای با تاکید بر منطقه آسیای جنوبی و نقش هند؛ فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۷، پاییز، صص ۷۷-۱۴۹.
- ویسی، هادی (۱۳۹۶). بررسی رقابتهای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی پاکستان و ایران در ایجاد کریدور شمالی - جنوبی اوراسیا: مزیتها و تهدیدها. شماره ۴۵ (۱۳).
- Fingar, T. (2016), *Central Asia in the Era of Reform*, Stanford University Press

- Clawson, Patrick (2019), renewing the Iran Sanctions Waivers: Energy and Afghan Trade, April 22, Available at: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/renewing-the-iran-sanctions-waivers-part-2-energy-and-afghan-trade>
- Farooq, Khesraw Omid (2019), Chabahar Port: A Step Toward Connectivity for India and Afghanistan For India and Afghanistan, Chabahar holds great promise, Available at: <https://thediplomat.com/2019/07/chabahar-port-a-step-toward-connectivity-for-india-and-afghanistan/>
- <http://parstoday.com/dari>
- <https://ana.press/i/504902>

اهمیت جایگاه مناطق آزاد در مناسبات میان کشورها

(نمونه موردی: ارئه الگوی دیپلماسی ویژه در مناطق آزاد ایران)

آرش قربانی سپهر^۱، پروین دانشور^۲، مهتاب امرایی^۳، پریسا قربانی
سپهر^۴

^۱ - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

(نویسنده مسئول) Std_ar.ghorbanisepehr@khu.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

paryparvin@gmail.com

^۳ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

m.amraie1372@yahoo.com

^۴ دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

parisa.sepehr@yahoo.com

چکیده

در هزاره نونین بسیاری از کشورهایی که دارای موقعیت ممتاز تجاری-ارتباطی در منطقه و جهان هستند در پی آنند از ظرفیت‌های موقعیت مناطق آزاد خود به‌طور شایسته در راستای توسعه کشور استفاده کنند. از این‌رو، در جهان کنونی مناطق آزاد به عنوان گلوگاه‌های ارتباطی-تجاری در مناسبات میان کشورها نقش بسیار مؤثری دارند که زمینه (همکاری، مشارکت و همگرایی) را فراهم می‌آورد. در این راستا، کشورهایی در جهان موفق هستند که بتوانند با استفاده از دیپلماسی ویژه در مناطق آزاد خود مناسبات با کشورها را بر پایه همکاری و مشارکت بنیان گذارند که در این صورت مناطق آزاد زمینه توسعه همه جانبه و هم زمینه مناسبات دوستانه میان کشورها را فراهم آورده است. بر این مبنا، پژوهش حاضر با روشی توصیفی و تحلیلی و مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای، تلاش کرده است تا مفهوم‌سازی درست و قابل قبولی از تبیین موقعیت منطقه آزاد ایران ارائه دهد. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که مناطق آزاد ایران با تکیه بر دیپلماسی ویژه چگونه می‌توانند زمینه مناسبات بر پایه همکاری و مشارکت را میان کشورها فراهم آورند. نتایج پژوهش گویای آن است که اگر دیپلماسی ویژه در مناطق آزاد کشور بکار گرفته شود، این مناطق ظرفیت آن را دارند که زمینه توسعه همه جانبه کشور در جهت کسب رتبه بتر منطقه در افق ۱۴۰۴ و رتبه ۱۶ جهان در افق ۲۰۵۰ را فراهم سازند. بر این بنیاد، هر کدام از مناطق آزاد دیپلماسی ویژه خود را در مناسبات با کشورها می‌طلبد تا زمینه همکاری، مشارکت و همگرایی را فراهم سازد. با این تدابیر، مناطق آزاد به یکی از ارزشمندترین منابع جغرافیایی برای کشور ایران تبدیل خواهد شد.

کلمات کلیدی: ایران، مناطق آزاد، توسعه اقتصادی، دیپلماسی ویژه، مناسبات کشورها.

۱- مقدمه

مکان‌ها و نواحی جغرافیایی به منظور اداره بهتر امور و تنظیم روابط افقی و عمودی با سایر نواحی و همچنین استقرار نهادها و سازمان‌ها و خودگردانی و مدیریت در بعد محلی نیازمند می‌باشند. این نوع خودگردانی‌ها و سازماندهی سیاسی فضا در بعد محلی در ادبیات جغرافیای سیاسی به «دولت محلی» و حکومت محلی و غیره تعبیر می‌شود که با کارکردهای ویژه خود از فعالیت‌هایی که به قلمرو دولت مرکزی مرتبط است، مجزا می‌شود. خودگردانی‌های محلی براساس فضای جغرافیایی خود دارای کارکردهای متنوعی شامل امور سیاسی، امنیتی، اداری، تجاری-بازرگانی، توریستی و... هستند که مناطق آزاد به لحاظ مدیریتی و اداره امور از مرحله تصمیم‌گیری تا اجرا و نظارت یکی از انواع خودگردانی‌های محلی است که در مناطق جغرافیایی ویژه‌ای با اختیارات و شرح وظایف مشخص به اداره امور محلی می‌پردازد (حافظنیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۲). مناطق آزاد مبتنی بر این اعتقاد شکل گرفته‌اند که سرمایه‌موتور محرک توسعه اقتصادی یک کشور است (اسفندیاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۲۱). مناطق آزاد تجاری-صنعتی یا مناطق پردازش صادرات و واردات به‌عنوان یکی از ابزارهای گسترش صادرات صنعتی و تسهیل دسترسی کشورها به بازارهای جهانی مورد توجه اغلب دولتمردان و اقتصاددانان قرار گرفته است. امروزه تجربه بسیاری از کشورها مانند «چین، کره جنوبی و تایوان» نشان می‌دهد که می‌توان با ایجاد مناطق آزاد تجاری امکان جذب سرمایه‌گذاری خارجی را فراهم آورد و به توسعه صادرات کالاهای

صنعتی و در نتیجه درآمدهای ارزی کشور افزود (کریمی‌کیا و مقدم، ۱۳۹۱: ۶). در کشورهای در حال توسعه، تردید در دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی از طریق صادرات کالاهای اولیه باعث شد که بسیاری از کشورهای بعد از جنگ جهانی دوم تئوری‌های سنتی تجارت، مبنی بر تخصص یافتن کشورهای در حال توسعه در تولید و صدور کالاهای اولیه را کنار گذاشته و در جهت صنعتی شدن تلاش نمایند. به این دلیل، با هدف توسعه صادرات صنعتی، ایجاد اشتغال و انتقال تکنولوژی از طریق جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی اقدام به تأسیس مناطق آزاد نمودند (سلامی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳). رشد سریع ایجاد مناطق آزاد تجاری باعث شده است پس از بندر هامبورگ (در سال ۱۸۸۸) و کشور ایرلند (سال ۱۹۵۹) کشورهای در حال توسعه زیادی اقدام به ایجاد چنین مناطقی در کشور خود نمایند. از آن جمله می‌توان به مناطق آزاد تجاری مانائوس (در برزیل)، منطقه آزاد ماریتین (در موریس)، منطقه آزاد کراچی (در پاکستان)، منطقه آزاد ماسان و ایری و کومی (در کره جنوبی)، منطقه آزاد کاندلا، الکترونیک سانتاکروز (در هند)، مناطق آزاد شیکو، ژیا من، شنجن، ژوهایی، شانتو، هانیان و پودینگ (در چین)، مناطق آزاد فرودگاه آتاتورک، مرسین، آنتالیا، اژه، چرم، استانبول، استانبول (ترکیه)، مناطق آزاد جبل علی، احمد بن رشید (در دبی)، منطقه آزاد جاکارتا (در اندونزی)، مناطق آزاد کیش، قشم و چابهار (سال ۱۳۶۸ در ایران) و... در آسیا اشاره نمود (اسفندیاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۲۱).

در ایران اداره حاکمیت ملی بر پهنه فضایی مناطق آزاد از دو طریق صورت می‌پذیرد: یکی از طریق الگوی مدیریت سیاسی فضا (وزارت کشور و

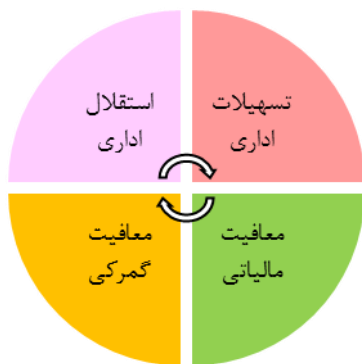
استانداری‌ها) و دیگری اختصاصی (سازمان مناطق آزاد). نوع عملکرد این الگوها در مناطق آزاد می‌تواند در تکامل یا تعارض با هم باشد، که این موضوع می‌تواند تأثیر مستقیمی بر کارکرد این مناطق داشته باشد (حافظنیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۳). از طرفی محیط جغرافیایی و همجواری سرزمینی بر آمده از آن، می‌تواند به عنوان عاملی مهم در پیوند کشورها و نزدیک کردن استراتژی آنها با هم باشد. به طور حتم کشورهایی که در موقعیت جغرافیایی واحدی قرار دارند به نحو اجتناب‌ناپذیری بر یکدیگر اثر می‌گذارند. همچنین کشورهایی که دارای پیوندهای تاریخی و فرهنگی مشترک هستند، دارای علائق‌های مشترک هستند که آنها را در تعامل نزدیک با یکدیگر قرار می‌دهد. از این حیث ایران و کشورهای همجوار دارای اشتراکات فرهنگی و ژئوپلیتیکی قابل توجهی‌اند (محمدی و احمدی، ۱۳۹۱: ۸۶). همچنین مناطق آزاد تجاری ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی مناسب خود از پتانسیل‌های بسیاری برای توسعه مناسبات تجاری، سیاسی و فرهنگی با کشورهای همجوار را دارا می‌باشند و از آنجا که مناطق آزاد به شدت از سیاست‌های کشورهای حاکم بر این مناطق متأثر هستند، تحقق این توسعه‌ها و مناسبات به سیاست‌های ایران و سایر کشورهای همجوار وابستگی کامل دارد. در ایران در چند سال گذشته تلاش‌های بسیاری برای رونق این مناطق در چارچوب دیپلماسی ایران صورت گرفته، اما هنوز با موفقیت کامل همراه نبوده است و این مسئله نیازمند تعدیل در برخی از سیاست‌های ایران در این مناطق را دارد. لذا در پژوهش حاضر سعی گردیده که به اهمیت این مناطق و نقش اقتصادی و سیاسی این مناطق در مناسبات بین ایران و سایر کشورها پرداخته شده و به تأثیر و

بکارگیری دیپلماسی ویژه در این مناسبات تأکید شده است. شایان ذکر است در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ آمده که ایران به خودکفایی در تأمین امنیت غذایی و تولیدات کشاورزی دست می‌یابد و همچنین قدرت برتر منطقه می‌شود و در سال ۲۰۵۰ میلادی به اقتصادهای نوظهور برتر جهان با قرار گرفتن در رتبه ۱۶ می‌پیوندد که تحقق چنین چشم‌اندازی ارتباط مستقیمی با تولیدات داخلی و جایگاه مناطق آزاد دارد که در این بین صحبت از دیپلماسی ویژه در مناطق آزاد جایگاه ویژه‌ای را می‌طلبد. در پژوهش حاضر از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی برای انجام پژوهش استفاده شده است. از این‌روی، روش اصلی پژوهش با توجه به ماهیت کاربردی و مبتنی بر استدلال‌های منطقی است. بر همین اساس در این تحقیق سعی شده، ابتدا به بررسی واژگان کلیدی موضوع پرداخته شده و با شرح و بررسی هر یک از این واژگان از دیدگاه اندیشمندان جهانی اهمیت مفاهیم را نمایان ساخته، سپس با درک کامل از اهمیت مناطق آزاد در روابط سیاسی و دیپلماسی بین ملل مختلف و بیان پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته در ارتباط با مناطق آزاد و روابط بین کشورهای جهان در نهایت به بررسی جایگاه مناطق آزاد ایران در مناسبات سیاسی بین ایران با کشورهای جهان که به نحوی با مناطق آزاد ایران در ارتباط‌اند و تهیه نقشیه مسیر این روابط با تأکید بر دیپلماسی ویژه پرداخته شود.

۲- مبانی نظری

مناطق آزاد، قلمرو معینی از سرزمین اصلی است که در آن تجارت آزاد با سایر نقاط جهان با قوانین خاص و متفاوت از سرزمین اصلی مجاز شناخته

شده است. این مناطق با ایجاد مشوقها و معافیت‌های متنوع سعی دارند که سرمایه‌گذاری خارجی را جذب و آن را در تولید کالاهای صادراتی مورد استفاده قرار دهند. سپس با صادرات این کالاها کشور از آثار و مزایای مثبت صادرات و تجارت نظیر ایجاد اشتغال، رشد اقتصادی، توسعه شهری و منطقه‌ای و... برخوردار نمایند (فرشیدی، ۱۳۹۰: ۴).



شکل (۱): خصایص مناطق آزاد

هر منطقه‌ای که به‌عنوان منطقه آزاد تجاری شناخته می‌شود، چیزی جدا از مفهوم تحول یافته تعریف قدیمی بندر آزاد نیست. البته در اغلب مواقع دو مفهوم «منطقه آزاد تجاری» و «ناحیه آزاد تجاری» (مانند ناحیه آزاد تجاری آمریکای لاتین) به اشتباه به جای یکدیگر بکار برده می‌شود اما باید توجه داشت که تفاوت مشخصی بین این دو مفهوم وجود دارد. همچنین در بعضی مواقع مفهوم یکسانی از دو اصطلاح «بندر آزاد» و «منطقه آزاد تجاری» گرفته می‌شود در حالی که این سوءبرداشت ناشی از آن است که بیشتر مناطق مدرن آزاد تجاری در نزدیکی بنادر قرار دارند در حالی که بین این دو

اصطلاح تفاوت ظریفی وجود دارد: بندر آزاد صرفاً به مثابه مرکزی برای جابه‌جایی کالا از یک وسیله حمل به وسیله دیگر یا به مثابه یک انبار امانی گمرکی است که مبادلات تجاری بین‌المللی را تسهیل می‌کند، در حالی که مناطق تجارت آزاد-اگرچه اغلب در محدوده بنادر آزاد تجاری واقع شده‌اند، در حقیقت مناطق سنتی و تولیدی هستند که در سواحل قرار داشته و قوانین ملی بر عملکرد آنها نظارتی ندارند، این مناطق مانند آهن‌ربا سرمایه‌گذاری‌های خارجی را به خود جذب می‌کنند و به دیگر سخن در حقیقت علت وجودی آنها نیز جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی است (دهقانی، ۱۳۹۶: ۳۰ و ۳۱).

در هر حال، مناطق آزاد یکی از عناصر ساختار سیاسی فضاست با کارکرد و هویت اقتصادی-تجاری. این مناطق صرف‌نظر از فلسفه وجودی، ماهیت و کارکردهای اقتصادی-تجاری آنها، از آن جهت که بخشی از حاکمیت و اقتدار سیاسی حکومت و دولت مرکزی را به خود اختصاص می‌دهند و نسبت به سایر عناصر سیاسی-فضا از موقعیت ترجیحی برخوردارند، مورد توجه خاص جغرافیای سیاسی قرار دارند. در واقع این مناطق به صورت واحدهای سیاسی-اقتصادی هستند که دارای اختیارات ویژه‌ای در ورای اختیارات سایر عناصر و تقسیمات کشوری‌اند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۴۰۶). در آغاز بحث دیپلماسی تجاری، باید این نکته را روشن کرد که این مفهوم گرچه با مفاهیمی همچون دیپلماسی اقتصادی و سیاست تجاری، همپوشی‌های مهمی دارد، اما تفاوت‌های کلیدی نیز با این دو مفهوم دارد. مهمترین عاملی که دیپلماسی اقتصادی را از دیپلماسی تجاری متمایز می‌نماید، شمولیت آن است،

دیپلماسی اقتصادی بنابر یک تعریف، کلیه فعالیت‌هایی که یک دولت در حوزه روابط اقتصادی خارجی صورت می‌دهد را در برمی‌گیرد. باریج و جیمز، دیپلماسی تجاری را به عنوان اقدامات نمایندگی‌های دیپلماتیک در حمایت از بخش‌های مالی و کسب و کار کشور متبوع، تعریف کرده‌اند. از منظر آنان این مفهوم گرچه همپوشانی‌های مهمی با دیپلماسی اقتصادی دارد، اما در وجوه مهمی نیز از آن تمایز است.

یکی از کارکردهای اصلی دیپلماسی در زمینه تجارت در سطح دو جانبه و چندجانبه، ایجاد قواعد و چارچوبی است که بر اساس آن طرفین قادر باشند فعالیت‌های بازرگانی و سایر موارد همچون تأمین مالی و سرمایه‌گذاری را به شیوه‌ای سازمان یافته اداره کنند. همچنین زمانی هدف دیپلماسی تقویت یا تجدید ساختار تجارت است که سطح روابط تجاری در فقدان یک توافق یا عدم کفایت یک توافقنامه پیشین، پایین و گسیخته باشد. به علاوه، دولت‌ها اغلب یک توافقنامه رسمی را به دلیل امنیت اقتصادی، چون توافقنامه‌های حمایت از سرمایه‌گذاری برای حفاظت از دارایی‌ها و فعالیت‌های اتباع خود یا تضمین امنیت فراهم شدن مواد خام یا کالای اساسی، مهم تلقی می‌کنند. در حالیکه این بحث وجود دارد که دیپلماسی برای گسترش ترتیبات قانونی میان دولت‌ها، همچنین میان دولت‌ها و واحدهای دولتی به کار گرفته می‌شود، عکس آن نیز صادق است. ممکن است دولت‌ها از بستن یک موافقتنامه عمومی تجارت یا موافقتنامه‌ای جزئی خودداری کنند تا از کسب منافع جلوگیری کنند یا از آن منافع به عنوان اهرمی جهت به دست آوردن امتیازات در برخی زمینه‌های دیگر استفاده کنند. برای نمونه ژاپن از بستن یک

موافقتنامه بلندمدت اقتصادی با اتحاد شوروی خودداری کرد تا زمانی که در اختلاف بر سر جزایر شمالی هوکایدو که شوروی در سال ۱۹۴۵ اشغال کرده بود، پیشرفتی صورت گیرد. از دیگر سو، دیپلماسی اقتصادی در حمایت از بخش‌های خصوصی هر کشوری می‌تواند با پیگیری موقعیت‌های اقتصادی در کشورهای دیگر عمل کند. بر این مبنا، مأمورین دیپلماسی تجاری می‌توانند با جمع‌آوری اطلاعات در باب موقعیت‌های تجاری، عملکرد بخش‌های تجاری کشور مورد هدف برای بخش‌های تجاری کشور متبوع خود، گام بزرگی در جهت توسعه ملی و افزایش تجارت بردارند (امینی، ۱۳۸۸: ۱۶۲-۱۶۱).

از همین رو تردیدی نیست که کشورها به طراحی و اجرای دیپلماسی تجاری نیاز دارند. مهمترین دلایل نیاز کشورها به طراحی و اجرای دیپلماسی تجاری را اینگونه می‌توان دسته‌بندی کرد:

۱. نیاز به دسترسی اطلاعات قابل اتکاء و بی‌طرفانه،
۲. جستجوی شریک: تشویق شرکت‌های یک کشور به بین‌المللی شدن،
۳. مدیریت و کاهش اختلافات،
۴. حمایت از هیئت‌های کشور متبوع که از سایر کشورها دیدار می‌کنند،
۵. برآورده ساختن دغدغه‌های استراتژیک همچون تجارت استراتژیک حمایت از فعالیت‌های مرتبط با توسعه و تحقیق یا تسهیل دسترسی به انرژی،
۶. بهبود تصویر بین‌المللی یک کشور به تصویرسازی از آن (ملایک و همکاران، ۱۳۹۰: ۶).

۴-۲- نظریات در حوزه دیپلماسی اقتصادی

الف) نظریه واقع گرایی

واقع گرایی اساس دیپلماسی را پیشینه سازی قدرت یک دولت- ملت می داند و دیپلماسی اقتصادی را ابزاری می داند که از طریق توزیع دستاوردهای اقتصادی به افزایش قدرت سیاسی کمک نماید، اگر چه هر گونه توفیق در عرصه دیپلماسی اقتصادی را موکول به برتری قدرت نسبی طرف مذااره می دانند، به عنوان نمونه در اختیار داشتن اهرمهایی چون کنترل و یا دسترسی به بازارهای بزرگ و یا منافع مالی می تواند ورق را به نفع قدرتمندان برگرداند.

ب) نظریه ثبات مبتنی بر سیطره

نظریه ثبات مبتنی بر سیطره، توفیق در همکاری های اقتصادی را مستلزم وجود یک قدرت مسلط می داند. بدون وجود قدرت قاهره مسلط، حصول اطمینان از گردن نهادن کشورها به رژیم های تأسیس شده امکان ندارد. فی الواقع این نظریه برای توضیح چگونگی ایجاد نظم اقتصادی بین المللی تحت سیطره آمریکا در نظر گرفته شده است. در مواردی که مذاکرات اقتصادی و برپایی رژیم ها توسط قدرت های بزرگ اقتصادی و به رهبری آنها صورت می گیرد، نظریه ثبات مبتنی بر سیطره را می توان برای درک بهتر مفاهیم در مطالعه دیپلماسی اقتصادی بکار گرفت. اما نکته اینجاست که در شرایط امروز، کشوری که بتواند به تنهایی نقش قدرت مسلط را ایفا نماید، تردید وجود دارد.

ج) نظریه وابستگی متقابل

نظریه وابستگی متقابل نیز می‌کوشد با ارجاع رویدادها و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی به قدرت نسبی در روابط بین‌الملل، قوانین بازی اقتصاد جهانی سرمایه‌داری را به سایرین تعمیم می‌دهد. اگر چه نظریه وابستگی به‌طور خاص برای توضیح توسعه نیافتگی ارائه شده است، لیکن باید یادآور شد که کشورهای کمتر توسعه یافته به دلیل فقدان قدرت و منابع مورد نیاز برای اعمال نفوذ در اقتصاد جهانی، ممکن است پیشاپیش از دستیابی به اهداف و برنامه‌های اقتصادی خود باز بمانند. از این‌رو، نظریه پردازان وابستگی، نظریه بین‌الملل را صرفاً با دیدی اقتصادی می‌نگرند و مدعی‌اند که روابط بین‌الملل حاکی از توزیع عادلانه کالاهای اقتصادی است و نظام کنونی اقتصاد جهانی مولد توسعه طبیعی کشورهای سرمایه‌داری است که از طریق انحصار مراکز تولید، سرمایه مازاد مناطق پیرامونی را به جامعه خود منتقل کرده و نوعی رابطه وابستگی ساختاری را علیه این کشورها ایجاد کرده است. دیپلماسی اقتصادی نیز با اشاعه تجارت آزاد روابط نابرابر گذشته را تداوم بخشیده و بافت سلسله مراتبی اقتصادی گذشته را حفظ می‌کند (حیدری و انعامی علمداری، ۱۳۹۱: ۴۳-۴۲).

۳- یافته‌های تحقیق

۳-۱- اهمیت مناطق آزاد در مناسبات بین کشورها

مدل ابتدایی مناطق آزاد دارای شرایط و ویژگی‌های تجاری بود. ابتدا در ۱۸۸۸ میلادی، رونق و شکوفایی را به منطقه هامبورگ آورد، به گونه‌ای که کشورهای دیر به مشابه‌سازی و الگوبرداری از هامبورگ پرداختند. بعد از خاتمه جنگ دوم جهانی، مدل دوم و سوم مناطق آزاد با شرایط و ویژگی‌های ایجاد صنایع و ارائه خدمات به وجود آمدند. مدل چهارم مناطق آزاد در دهه ۱۹۷۰ میلادی تشکیل و فرم‌دهی گردید. در پی توسعه سیاسی و اقتصادی جهان و انقلاب در فناوری، نسل جدید مناطق آزاد از مناطق خدماتی-صنعتی به مناطق آزاد بر پایه دانش ارتقاء پیدا کرد. این‌گونه مناطق آزاد ابتدا در آمریکا ایجاد شدند و سپس در دیگر کشورها گسترش یافتند. به منظور ارتقای توان صنایع با فناوری بالا و همچنین تجاری‌سازی یافته‌های تکنولوژیک، برخی مناطق شهرها یا حومه آنها که شامل تعداد بیشتری از مناطق تحقیقاتی و دانشگاهی بود به عنوان مناطق مناسب برای ایجاد این‌گونه مناطق آزاد انتخاب شدند و با ارائه تسهیلات و امتیازات ویژه، مکان مناسب برای رشد و ترقی این صنایع را فراهم ساختند. مدل پنجم مناطق آزاد مناطق با تمامی کارکردهایی بود که تا کنون در دوره توسعه مناطق آزاد تعریف شد و به همین دلیل منطقه ویژه اقتصادی جامع نامگذاری گردید. ششمین مدل دارای رسالت سایر مناطق آزاد می‌باشد؛ منتهی فرمانطقه‌ای در

تعامل با سرزمین اصلی برای کسب درآمد ارزی و ایجاد ارزش افزوده (حسین خانی، ۱۳۹۰: ۱۳ و ۱۴).

در حدود چهل سال پیش ایجاد مناطق آزاد تجاری برای دسترسی به سرمایه‌گذاری‌های خارجی و انتقال فن‌آوری مدنظر بسیاری از مسئولان اقتصادی کشورها از جمله کشورهای در حال رشد و توسعه قرار گرفت و تجربیات موفق‌تری نیز در تشکیل این مناطق در گوشه و کنار جهان به ویژه در شرق آسیا به دست آمده است. بررسی قوانین و مقررات مناطق آزاد دنیا این حقیقت را به وضوح نشان می‌دهد که مهمترین اهداف این مناطق توسعه صادرات کالا و خدمات و افزایش درآمدهای ارزی کشورهایی است که با تأسیس این مناطق همت گذاشته‌اند. به عبارتی دیگر مناطق آزاد به عنوان سکوی پرتاب صادرات در اقتصاد اغلب کشورها به شمار می‌روند (حسین خانی، ۱۳۹۰: ۲). لذا می‌توان گفت ایجاد و توسعه مناطق آزاد تجاری در کشورهای در حال توسعه بی‌شک یکی از عمده‌ترین تحولاتی است که در طی نیم قرن اخیر در اقتصاد جهانی به‌وقوع پیوسته است. دلایل این امر چه از جنبه‌های داخلی و چه از نقطه نظر سرمایه‌گذاری خارجی متعدّدند که اهم آنها عبارت‌اند از: الف) عدم توفیق استراتژی‌های توسعه مبتنی بر جایگزینی‌های واردات؛ ب) ارزانی و فراوانی نیروی کار. ج) جهانی شدن اقتصاد بازررا آزاد و همچنین افزایش محدودیت‌ها برای فعالیت شرکت‌های چند ملیتی. این مناطق یکی از عناصر ساختار سیاسی فضاست با کارکرد و هویت اقتصادی-تجاری (محرابی و امیری، ۱۳۹۲: ۱۴۱).

بنابراین می توان گفت که مناطق آزاد یکی از مهمترین مناطق رونق اقتصاد و تجارت در کشورهای مختلف جهان می باشند. این مناطق در تمام مراحل شکل گیری رشد و گسترش خود نیازمند به حمایت های مالی از دولت های خود می باشند از طرفی دیگر مدیریت سیاسی و اداری این گونه مناطق زیر نظر نماینده سیاسی منطقه ای حکومت نیست، بلکه به طور مستقیم زیر نظر بالاترین مقام کشوری هستند و مقررات و قوانین اقتصادی و تجاری و مدنی خاص به خود دارند. به زبان ساده مناطق آزاد، واحد سیاسی شبه مستقلی هستند که در جوار واحد سیاسی مادر وظایف خود را انجام می دهند. مدیریت منطقه آزاد تجاری در ایجاد تعهدات بین المللی نیز دارای اختیارات است و قادر به برقراری روابط با دولت های خارجی، افراد و شرکت های سرمایه گذار بیگانه و دادن تضمین ها و تعهدات لازم مبنی بر ملی شدن سرمایه های آنان می باشد (حافظنیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۳-۲۲).

از این رو می توان نتیجه گرفت که برقراری مناسبات سیاسی بین کشورهای دارای مناطق آزاد از گذشته های دور و با شکل گیری اولین مناطق آزاد تجاری در پی گسترش روابط تجاری و اقتصادی کشورها عمیق تر گشته است. کشورها با داشتن مناطق آزاد زمینه مناسبات و همکاری های بین المللی را فراهم می آورند و این مناطق آزاد بر روند توسعه کشور اثر می گذارد و زمینه جذب سرمایه گذاران می شود. بر این اساس مناطق آزاد به عنوان یک منبع قدرت برای کشورهای محسوب می شود که تولیداتی دارند و این مناطق که در بنادر آزاد قرار گرفته است به راحتی کالای تولید شده را به سایر کشورها صادر می کند و زمینه ارز آوری برای کشور می شود که این رونق اقتصادی

کشور را با خود به همراه دارد. مبتنی بر اصول بیان شده مناطق آزاد به ویژه مناطقی که در سواحل که دسترسی بین المللی قرار دارد در مناسبات میان کشورها از اهمیت و جایگاه ویژه ای قرار دارد و دولت ها با اتخاذ یک دیپلماسی ویژه با سایر کشورها می تواند آن منطقه تجاری را جهانی نماید به طوریکه بسیاری از کشورها وابسته آن منطقه تجاری شوند.

۲-۴- اهداف مناطق آزاد ایران

بنابر تعاریف بین المللی، منطقه آزاد محدوده حراست شده بندری و غیربندری است که از شمول برخی مقررات جاری کشور متبوع خارج بوده و با بهره گیری از مزایایی نظیر معافیت های مالیاتی، بخشودگی سود و تعرفه گمرکی، همچنین سهولت و تسریع در فرآیندهای صادرات و واردات با جذب سرمایه گذاری خارجی و انتقال فناوری، به توسعه سرزمین اصلی کمک می کند. بر این اساس، تأمین کمبودهای توسعه اقتصاد ملی، بهره گیری از مزایا، پتانسیل ها و به طور کلی برتری های نسبی منطقه، برقراری ارتباط سیستماتیک بین اقتصاد ملی و جهانی، کسب و افزودن بر مهارت های نیروی کار و مدیریت، تولید و اشتغال، کسب درآمدهای ارزی، جذب سرمایه های خارجی و فناوری پیشرفته همچنین در مرتبه بعدی محرومیت زدایی و توجه به مناطق محروم از جمله اهداف اصلی ایجاد مناطق آزاد است. در ایران نیز ایده اولیه شکل گیری مناطق آزاد تجاری- صنعتی به برنامه اول توسعه مصوب سال ۱۳۶۸ برمی گردد. از جمله اهدافی که برای شکل گیری مناطق آزاد در ایران به ویژه در دوران تحریم و اقتصاد مقاومتی وجود دارد و به عنوان راه نجاتی برای کشور از بحران های اقتصادی مطرح است، کسب درآمد ارزی برای

کشور است به طوری که بتوان با صادرات تولیدات، ارزش آوری کرد و بتوان هزینه‌های جاری دولت و کشور را با آن پرداخت کرد و از سوی دیگر در جهان جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد. علاوه بر ارزش آوری، ایجاد مناطق آزاد زمینه ایجاد اشتغال‌های فراوانی در آن منطقه و در سطح کشور می‌شود به عبارتی به هر میزان رسالت‌های بیان شده برای هر منطقه آزاد هر چه دقیق‌تر اجرا شود به همان میزان توسعه یافتگی، توسعه و اشتغال در درون کشور رخ می‌دهد و زمینه‌ای می‌شود که مناطق محروم نزدیک مناطق آزاد، به مناطقی توسعه یافته تبدیل شوند. لذا کلید خوردن موفقیت اهداف بیان شده برای مناطق آزاد ایران در گرو موارد نام برده شده در ذیل می‌باشد.

۱- **ثبات سیاسی:** ثبات سیاسی مهمترین عاملی است که موجب جذب سرمایه در کشورمان می‌شود. لذا سرمایه‌گذاران خارجی به طور معمول از سرمایه‌گذاری در کشوری که ثبات سیاسی ندارند، اجتناب می‌کنند.

۲- **تعهد به اقتصاد آزاد:** هر چه کشور ایران در فضای جریان‌ها قرار گیرد و دولت به سمت اقتصاد درهای باز تمایل پیدا کند به همان میزان مناطق آزاد ایران جذابیت بیشتری برای سرمایه‌گذاران خارجی خواهد داشت و زمینه رشد این مناطق می‌شود.

۳- **محل استراتژیک:** مناطق آزاد تجاری باید به بازارهای بین‌المللی عمده نزدیک باشد. از این رو، هر چه کشور ما در انزوا قرار گیرد و خود را در مسیر جریان آزاد قرار ندهد، مناطق آزاد کم‌کم کارکرد واقعی خودشان را از دست خواهند داد.

۴- در دسترس نبودن نیروی کار ارزان: تولیدکنندگان خارجی به دنبال کاهش هزینه‌های تولید هستند و از این‌رو، نیروی کار ارزان از عواملی است که در جذب سرمایه‌گذار به منطقه آزاد نجاری مؤثر می‌باشد و قابل توجه اینکه اکثر مناطق آزاد کشور ایران دارای نیروی کار ارزان و جوان است که به عنوان یک منبع مهم می‌تواند نقش آفرینی کند.

۵- زیرساخت‌های مناسب: وجود زیرساخت‌های مناسب مانند سیستم‌های حمل و نقل، ارتباطات و اداری برای موفقیت مناطق آزاد تجاری یک ضرورت محسوب می‌شود درحالی‌که کشور ایران در این زمینه تلاش‌های خود را کرده است و اگر بتوان کریدور شمال به جنوب را متصل کند، جایگاه اقتصادی مناطق آزاد بیش از پیش افزایش پیدا می‌کنند و بسیاری از کشورها خواهان استفاده از این مسیر در جابجایی کالاهای خود هستند (رهنورد، ۱۳۸۹: ۴۹-۴۸ با تغییر).

۳-۴- مناسبات ایران با کشورهای همسایه بر پایه دیپلماسی ویژه در مناطق آزاد از جمله علت وجود مناطق آزاد در ایران، «تأمین کمبودهای توسعه ملی، بهره‌گیری از مزایا، پتانسیل‌ها و برتری‌های نسبی اقتصاد ملی، رونق صادرات، ایجاد ثبات اقتصادی و...» می‌باشد. تحقق یافتن موارد ذکر شده مناطق مرزی کشور ایران را به رونق و آبادانی نزدیک می‌سازد و یک گام کشور را در تحقیق افق ۱۴۰۴ و ۲۰۵۰ میلادی نزدیک می‌سازد. بر این بنیاد، مناطق آزاد فرصتی استثنایی برای پیوند اقتصادی و منبعی ارزشمند در مناسبات با

کشورهای دیگر است به ویژه کشورهایی که می‌توانند از ظرفیت این مناطق آزاد استفاده کنند که هم زمینه تأمین منابع کشور خود را فراهم آورند و هم زمینه توسعه اقتصادی کشور میزبان شوند.

از این رو، مهمترین برنامه برای کشور ایران و دولتمردان، تقویت همکاری‌های تجاری و آزادسازی تجاری با بهره‌گیری از دیپلماسی ویژه هر منطقه اقتصادی جهت همکاری‌های منطقه‌ای است. زیرا مناطق آزاد به ویژه مناطق آزادی که در بنادر قرار گرفته‌اند از ظرفیت‌های بسیار خوبی برخوردارند. بر این اساس، پرداختن به همکاری‌های تجاری و حتی آزادسازی تجاری با همسایگان، می‌تواند به‌عنوان مقدمه و تمرینی برای تسهیل روند تعامل سازنده و هوشمندانه ایران با اقتصاد جهانی تلقی شود که این الگو با بهره‌گیری از دیپلماسی ویژه در هر منطقه اقتصادی-تجاری زمینه‌ای فراهم می‌آورد تا کشورها با یکدیگر بتوانند همکاری دوستانه داشته باشند و زمینه صلح منطقه‌ای فراهم شود به طوری که همه کشورها از موقعیت جغرافیایی خوبی برخوردار نیستند و از این رو کشور ایران با قرار گرفتن در موقعیت دریایی و جغرافیایی مناسب این امکان را دارد تا بتواند با ظرفیت‌های موجود در مناطق آزاد و بنادر، کشورهای همسایه خود را جهت تجارت و حتی کریدور ارتباطی شمال به جنوب دعوت کند و با احداث زیرساخت‌های مناسب و برقراری امنیت بیشتر، به جذب سرمایه‌گذاران بپردازد و به نوعی موارد بیان شده به صورت زنجیره وار به یکدیگر متصل هستند و اگر می‌خواهیم اقتصاد ایران آینده را اقتصادی بدون نفت برنامه‌ریزی کنیم نیازمند آن هستیم که با برنامه‌های دقیق و عملیاتی پیش رفته و رویکرد آینده‌نگارانه نسبت به وضعیت

همسایگان خود داشته باشیم و با هر کدام از همسایگان با دیپلماسی ویژه خودشان وارد گفتگو و مناسبات شویم که این ظرفیت‌سازی می‌تواند ما را یک گام به اقتصاد بدون نفت و گاز نزدیک سازد. بنابراین، به نظر می‌رسد چندجانبه‌گرایی و همکاری‌های تجاری منطقه ای نقش مهمی در دستیابی به اهداف سیاست خارجی کشور در زمینه توسعه روابط اقتصادی خارجی و به عبارتی پیشبرد دیپلماسی اقتصادی ایفا می‌کند. اما باید یادآور شد که دولت نمی‌تواند در مناطق آزاد مختلف یک نوع دیپلماسی را اتخاذ کند بلکه دولت باید با بکارگیری دیپلماسی ویژه در هر منطقه اقتصادی - تجاری زمینه مناسبات بهتر و شایسته‌تر را میان کشورها و سرمایه‌گذاران در مناطق آزاد فراهم نمایند. به‌طور مثال دیپلماسی ویژه‌ای که دولت باید در منطقه آزاد ماکو بکار گیرد با دیپلماسی ویژه‌ای که در منطقه آزاد چابهار بکار می‌گیرد باید متفاوت باشد زیرا کشورهایایی که در نزدیکی این مناطق آزاد هستند، هر کدام دارای نگرش و رویکردهای متفاوتی در مناسبات با کشورمان هستند که باید مسئولین، نخبگان توانمندی را برای سامان دادن اوضاع اقتصادی - تجاری مناطق آزاد در راستای اتخاذ دیپلماسی ویژه برگزینند تا بتوانند بر کارویژه این مناطق آزاد تأثیر بیشتری بر جای گذارد که در شکل (۲) مناطق آزاد و کشورهای که جهت تجارت در نزدیکی آن مناطق آزاد وجود دارد، ترسیم شده است.

از جمله برنامه‌هایی که دولت با بکارگیری دیپلماسی ویژه و با همکاری بخش خصوصی در مناطق آزاد می‌تواند در جهت کارایی و اثربخشی مناطق آزاد انجام دهد به قرار زیر است.

۱. تقویت نقش سفارتخانه‌ها به عنوان یک منبع بالقوه تبلیغ ظرفیت‌های اقتصادی ایران در کشورهای همسایه به ویژه کشورهای که محصور در خشکی می‌باشند.

۲. گسترش تعامل معاونت دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه و بخش‌های مرتبط در وزارتخانه‌های اقتصادی با دولت‌ها همسایه جهت تحکیم روابط اقتصادی - تجاری.

۳. فراهم سازی شرایط مناسب جهت سرمایه‌گذاری مشترک کشورهای همسایه ایران در مناطق آزاد و ایجاد چرخش سرمایه.

۴. تقویت اتاق مشترک بازرگانی میان کشورهای همسایه ایران جهت حضور پایدار در بازارهای تجاری - اقتصادی کشورهای همسایه.

۵. ایجاد شبکه توزیع محصولات ایرانی در جهت معرفی مزیت‌های رقابتی کالا و خدمات ایران در بازار کشورهای همسایه در جهت رونق تولید داخلی و صادرات کالا و ارز آوری.

۶. افزایش حضور فعال بخش خصوصی واقعی (کارآفرینان، صنعتگران و بازرگانان) در بازار کشورهای همسایه و اتصال آن بازارها به بازارهای داخل کشور.

۷. اعطای نمایندگی فروش و پخش کالاهای ایران از سوی تولیدکنندگان ایرانی به بازرگانان کشورهای همسایه در جهت ارتقاء و قرارگیری در بازارهای جهانی رقابتی.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با توجه به معرفی و شناخت مناطق آزاد ایران که دارای جایگاه ویژه‌ای در مناسبات هستند به این نتیجه رسیدیم که هر کدام از مناطق آزاد ایران، دارای ظرفیت‌های ویژه‌ای است که دولتمردان با بهره‌گیری از دیپلماسی ویژه می‌توانند زمینه افزایش همکاری و تعامل را در مناسبات خود با کشورهای همسایه فراهم آورند. باید اشاره نمود برخی از کشورهای همسایه ایران از موقعیت جغرافیایی خوبی برخوردار نیستند و به نوعی محصور در خشکی‌اند و کشور ایران به عنوان یک مکمل برای رونق اقتصادی - تجاری آن کشورها به شمار می‌آید که دولتمردان باید این کارویژه مناطق آزاد را فعال سازند تا کشورهایی که در همسایگی مناطق آزاد هستند بتوانند از ظرفیت این مناطق آزاد استفاده کنند که این زمینه رونق اقتصادی در مناطق آزاد می‌شود و زمینه توسعه کشور و مناسبات دوستانه با کشورهای همسایه می‌شود که می‌توان گفت مناطق آزاد به عنوان یک منبع جغرافیایی قدرت می‌تواند در راستای اهداف اقتصادی و توسعه‌ای کشور گام‌های بلندی را بردارد که در این بین نیازمند برنامه‌های ویژه‌ای است تا بتوان این مناطق آزاد را بیش از پیش فعال ساخت و به مناطق آزادی که در کنار بنادر قرار گرفته‌اند توجه ویژه‌تری داشت زیرا کشورهای همسایه می‌توانند از ظرفیت بنادر موجود استفاده کرده و جایگاه این مناطق را در جهان ویژه تر سازند که در این بین بنادر انزلی و

چابهار به عنوان موتورهای توسعه کشور بشمار می‌روند که با بکارگیری دیپلماسی ویژه می‌توان زمینه توسعه آن مناطق و سپس کشور را به همراه داشت. در نهایت پیشنهادات کاربردی زیر ارائه می‌شود.

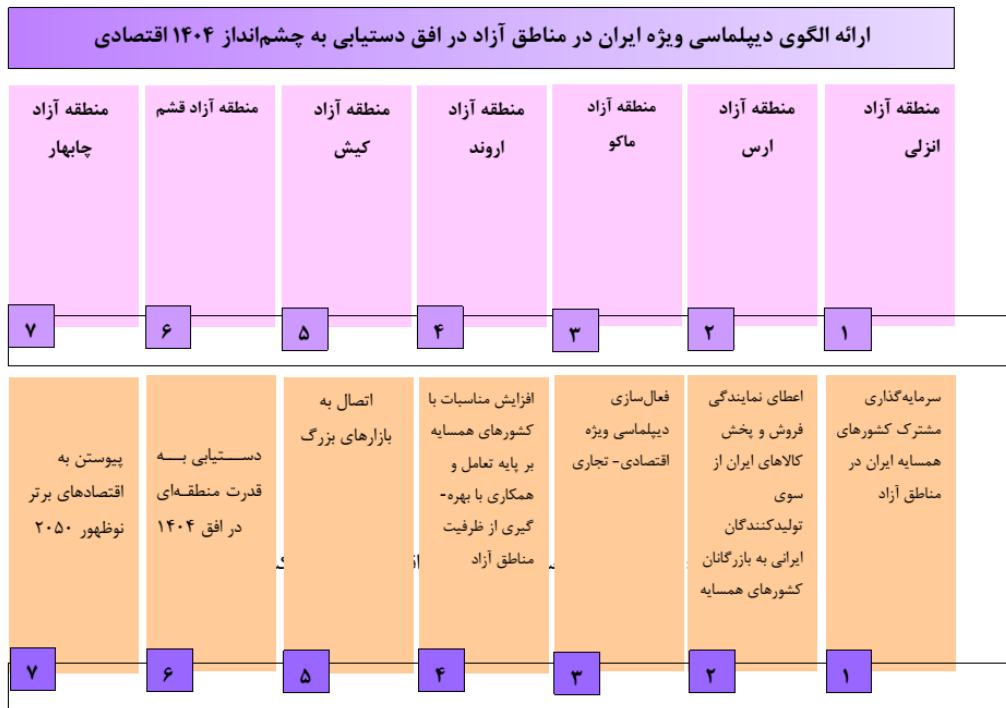
۱. توسعه مناسبات با کشورهای همسایه بر پایه همکاری و تعامل هم‌افزا،

۲. بهره‌گیری از نخبگان در جهت کاربست دیپلماسی ویژه در مناطق آزاد،

۳. دعوت از سرمایه‌گذاران و بازرگانان داخلی و خارجی در جهت سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد،

۴. توسعه زیرساخت‌های ارتباطی مناطق آزاد با کشورهای همسایه،

۵. بهبود تصویر بین‌المللی مناطق آزاد ایران در کشورهای همسایه.



شکل (۳): چشم‌انداز دیپلماسی ویژه تجاری- اقتصادی ایران با کشورهای همسایه

منابع

- اسفندیاری، علی اصغر، مقدس حسینزاده، سمیره و دلاوری، مجید. (۱۳۸۷)، ارزیابی عملکرد مناطق آزاد تجاری ایران و تأثیر آن در توسعه اقتصادی این مناطق، مجله پژوهشهای اقتصادیف شماره ۲۸، صص ۱۴۶-۱۲۰.
- امینی، آرمین (۱۳۸۸). دیپلماسی و اقتصاد: الگوی مناسبات جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا ۸۴-۱۳۷۶، شماره ۸، صص ۱۷۹-۱۵۵.
- حافظنیا، محمدرضا. (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران؛ چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- حافظنیا، محمدرضا، ذوقی بارانی، کاظم و احمدی پور، زهرا. (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر الگوی دوگانه مدیریت سیاسی فضا بر کارکردهای مناطق آزاد: مطالعه موردی کیش، مجله مدرس علوم انسانی-برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره پانزدهم، شماره ۱، صص ۳۹-۲۱.
- حسین خانی، فاطمه. (۱۳۹۰)، نقش مناطق آزاد تجاری در بازرگانی بین الملل ایران مطالعه موردی منطقه آزاد اروند، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت بازرگانی (گرایش بین الملل)، دانشگاه پیام نور واحد تهران غرب.
- حیدری، محمد و سهراب انعامی علمداری (۱۳۹۱). دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره ۲۰، صص ۶۱-۳۹.
- دهقانی، افضل. (۱۳۹۶)، نقش دولت در توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به منظور گسترش فراهم کردن زمینه های تسهیل تولید و صادرات کالا، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- رهنورد، فرج الله (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر عملکرد مناطق آزاد تجاری - صنعتی ایران، مجله فرایند مدیریت و توسعه، شماره ۴۷، صص ۵۹-۴۵.

- سلامی، فریبا، ضرونی، زهرا و رادین، فایق. (۱۳۹۶)، نقش مناطق آزاد در توسعه اقتصادی و ضرورت ایجاد آن در کردستان، اولین همایش بین المللی برنامه ریزی اقتصادی، توسعه پایدار و متوازن منطقه ای رویکردها و کاربردها، دانشگاه کردستان.
- فرشیدی، جواد. (۱۳۹۰)، نقش مناطق آزاد تجاری در امر توسعه اقتصادی (منطقه آزاد تجاری-صنعتی ارس، شهر جلفا)، پایان نامه کارشناسی ارشد، بخش علمی: مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه پیام نور مرکز کرج.
- کریمی کیا، اسما و مقدم، محمد. (۱۳۹۱)، بررسی عوامل جذب سرمایه گذاری در منطقه آزاد اروند، مجله اقتصادی-ماهنامه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی، شماره های ۶ و ۷، صص ۲۸-۵.
- محرابی، علیرضا و امیری، هاشم. (۱۳۹۲)، نقش عوامل سیاسی-امنیتی در توسعه نیافتگی منطقه آزاد چابهار، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال نهم، شماره سوم، صص ۱۶۵-۱۴۰.
- محمدی، حمیدرضا و احمدی، ابراهیم. (۱۳۹۱)، واکاوی زمینه های همگرایی ایران و پاکستان (تبیینی از سه رویکرد ژئوکالچر، ژئواکونومی و ژئوپلیتیک)، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره دوم، صص ۸۵-۱۱۰.

ارزیابی قدرت نرم مناطق آزاد تجاری ایران در شکل دهی نظام امنیت منطقه ای

مریم وریج کاظمی^۱

۱-دانش آموخته دکترا جغرافیا سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
mariamverijkazemi@gmail.com

چکیده

دستیابی به نقش های موثر منطقه ای از اهداف استراتژیک کشورها برای پایداری حاکمیت و مشروعیت شان میباشد؛ از این رو بهره برداری مطلوب از فرایندهای اقتصادی-تجاری که به شکل بازارهای مشترک و یا اتحادیه های اقتصادی-چند ملیتی فرصت بروز یافته، ظهور منظومه های را تحت عنوان مناطق آزاد تجاری که بر اساس موقعیت جغرافیایی و سیاسی کشورها تشکیل میشود، به یک راه حل سیاسی-اقتصادی قابل قبول برای ایجاد ساختار منسجم امنیتی در جهت تولید قدرت نرم و بازتولید آن یعنی اقتدار جامعه مدنی مبدل میسازد؛ ضمن اینکه هسته اولیه شکل گیری مناطق آزاد تجاری دسترسی به دریاها و اقیانوس هاست که تاکتیکهای متفاوتی را فارغ از فضای ناامن و تهدیدکننده محیطی در پوشش فعالیت های اقتصادی، سیاسی، امنیتی می تواند برای توسعه کشورها به همراه آورد. با این تفاسیر جغرافیای منحصر به فرد ایران نقش متنوع و موثری را برای پیوند اقتصادی-ژئواکونومیکی کشورهای پیرامونی که از تنگنای جغرافیایی در تعسر هستند، بازی میکند. این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی و استفاده از منابع علمی و پژوهشی معتبر درصدد پاسخ به این پرسش است که آیا مناطق آزاد تجاری ایران را می توان یکی از ارکان قدرت نرم برای تقویت و یا تضمین وحدت نظام امنیت منطقه ای با توجه به استراتژی مهار جمهوری اسلامی ایران به حساب آورد؟ بر اساس یافته های تحقیق چنین استنباط میشود که مناطق آزاد تجاری در ایران موقعیت استثنایی و توسعه ای برای دست یابی به یک فضای نظام مند امنیتی از جهت همگرایی ملی-منطقه ای دارند؛ اما نهادینه کردن پیمانهای دو یا چند جانبه و مشارکت همه جانبه را می طلبند.

کلمات کلیدی: هژمون اقتصادی، قدرت منطقه ای، ایران، مناطق آزاد تجاری، اتحادیه

اوراسیا.

مقدمه

فاکتور موثر در پیدایش و تداوم نظم امنیتی باثبات این است که از طریق دستیابی به توسعه اجتماعی-فرهنگی، هژمون اقتصادی را تقویت کند و در تلاش برای رسیدن به منافع مشترک که زمینه ساز همکاری های امنیتی دو یا چند جانبه منطقه ای و بین المللی است، سیاستهای به اصطلاح موازنه قوا را تضعیف نکند. این بستر زمانی ایجاد می شود که امنیت به شکل کالای قابل رویت در جهت تضمینی برای مشارکت اقتصادی مورد بهره برداری قرار گیرد. این موضوع به طور مشخص با تقویت قدرت دولت-حاکمیت های ملی در یک محیط امنیتی منطقه ای که کمترین دگرگونیهای سیاسی-اجتماعی را تجربه کرده باشد، روی می دهد. در هزاره سوم و ظهور عصر ارتباطات، مجادلات سیاسی-اطلاعاتی و بخصوص ایدئولوژیکی، حیات و بقای تمامی دولت‌های حاکم در سطح بین الملل را تحت تاثیر خود قرار داده و رقابتهای میان دولت‌ها صرفاً به منافع اقتصادی-تجاری محدود است. از این رو در شکل دهی نظام امنیت منطقه ای می بایست یک محیط امنیتی که در آن منافع امنیتی که همانا اهداف توسعه ملی کشورها را شامل میشود، بتواند از فضاهای جغرافیایی در جهت بهبود زیرساخت‌های اقتصادی و معیشتی بهترین استفاده را ببرد. بی شک تحولات متأثر از شرایط محیطی اعم از سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بواسطه عدم بهره گیری از ظرفیت های جذب سرمایه گذاری واقعی برای رشد و رونق توسعه ملی و ثبات سیاسی بوجود می آید که در ایجاد یک بستر قوی و محکم اقتصادی و تجاری نقش موثری دارد.

با این تفاسیر گستره جغرافیای ایران، بستر مناسبی برای کشورهای اوراسیایی (که غالباً از شرایط محیطی نامساعد برای تجارت با دیگر کشورها برخوردارند) بوجود می آورد تا به تجارت با کشورهای مختلف بخصوص کشورهای جنوب شرق آسیا که دارای موفقیت های بزرگ اقتصادی اند، بپردازند.

در طی سالیان اخیر، ظهور عصر پاسفیک در جهان اقتصاد که به دلیل تشکیل مثلث اقتصادی - تجاری در کشورهای آسیای جنوب شرق که به باور بسیاری از صاحب نظران، شریان اقتصاد جهانی را در آینده در دست خواهند داشت، باعث در اختیار گرفتن سهم بالایی در تجارت بین المللی می شود؛ از این رو بکارگیری ظرفیت های تولیدی و صادراتی کشورهای اوراسیایی که در قالب اتحادیه اقتصادی اورسیا^۱ شکل گرفته تنها از طریق فضای امن جغرافیای ایران می توانند در سطح بالایی مورد توجه قرار گیرند. علیرغم اقدامات بازدارنده و محدودیت های اعمال شده که از سوی ایالات متحده امریکا بر نهادهای اقتصادی - سیاسی به جهت کنترل و مهار ایران وارد شده و عرصه را برای ورود رقبا منطقه ای هموار کرد، ایران می تواند چه از نظر تجارت دریایی - بین المللی و حتی مرزهای زمینی، دسترسی آسان و مطمئن تری را برای تعامل اقتصادی - تجاری و سیاسی برای کشورهای پیرامونی حوزه شمالی خود که جزو اتحادیه اوراسیا هستند، مهیا سازد. در این راستا سیاست دولت برای ایجاد قدرت نرم بواسطه توسعه بخش خصوصی فعال که

^۱ Eurasian

^۱ Eurasian Economic Union (EAEU)

ظرفیت جذب سرمایه ها را در داخل و خارج داشته باشد در ایجاد مناطق آزاد تجاری^۱ بخصوص در مناطق مرزی که حساسیت های ایدئولوژیکی در آنجا حاکم است، بسیار حیاتی به نظر می رسد.

صرف نظر از پرداختن به مباحث ذکر شده در دیگر مقالات که صرفا به بررسی وضعیت مناطق آزاد تجاری در ارتباط با توسعه برای رشد اقتصادی ملی پرداخته اند، این مقاله به شرایط استفاده از شیوه های مدرن در مناطق آزاد تجاری به عنوان ابزار قدرت نرم که در شکل گیری نظم امنیتی منطقه ای برای رسیدن به همگرایی های مثبت منطقه ای نقش ارزنده ای بازی می کنند، می پردازد. با روش تحلیلی- توصیفی و بر اساس یافته های تحقیق، ظرفیت های موجود در مناطق آزاد تجاری ایران (حمل و نقل و ترانزیت، تجارت، جا به جای کالا و خدمات) می تواند در فراهم سازی زیرساخت های اقتصادی-تجاری و بازرگانی در راستای برداشتن موانع امنیتی و چالش های استراتژیک و حتی از بین بردن سوءظن های ایجاد شده گام مثبت بردارد که در مبحث تحلیل و نتیجه گیری به آن پرداخته می شود.

طرح مساله

مناطق آزاد تجاری در مناطق مختلف جهان از شیوه های گوناگونی برای توسعه و شکوفایی همکاری های منطقه ای همچون پیوندهای ژئوپلیتیکی-ژئواکونومیکی به منظور بهره برداری مطلوب از فرصت های که عوامل جغرافیایی و محیطی، استفاده می کنند. علت وجودی شکل گیری مناطق

^{۲۰} Free Trade Zones (FTZ)

آزاد تجاری بهره گیری از معیارها و یا میزانهای یک نظام امنیتی منسجم در جهت توسعه اهداف ملی و گسترش امنیت پایدار و عدم وابستگی در وجوه مختلف به خارج از مرزهای سیاسی است. از این منظر موقعیت منحصر به فرد ژئوپلیتیکی ایران در ابعاد دسترسی به آبهای آزاد، می تواند کشورهای محصور در خشکی حوضه اوراسیا را برای پیشبرد اهداف اقتصادی-تجاری و حتی سیاسی-امنیتی همراهی نماید، چراکه مهمترین عامل پیوند ژئوپلیتیکی بین سازماندهی فضایی و پیوستگی داخلی دسترسی به آبهای آزاد است.

از این رو مناطق آزاد تجاری ایران یک سیستم قابل اتکا به جهت ظهوراستراتژی قدرت نرم برای اهداف بلند مدت اقتصادی-تجاری ایران و کشورهای حوضه اوراسیا محسوب میشود. ضمن اینکه مجاورت سرزمینی ایران با دریای کاسپین (خزر)، خلیج فارس و دریای عمان یعنی کانونهای امتیازگیری از برنامه ها و سرمایه گذاری های اقتصادی-تجاری در سطوح جهانی و داشتن ثروت های طبیعی نفت، انرژی های تجدید پذیر، معادن و حتی ثروتهای انسانی نظیر فعالیتهای فرهنگی-علمی، الگوی رفتاری ایران را به سمت هژمون خواهی اقتصادی و تقویت مناطق آزاد تجاری می کشاند. اما طی سالیان اخیر اعمال نفوذ ایالات متحده امریکا به شکل یک سیستم مداخله گر در منطقه غرب آسیا برای برهم زدن وحدت منطقه ای و کنترل نظام امنیتی برای حفظ توازن قوا و تنوع بخشی به منافع کوتاه مدت و بلند مدت خود، تبلیغات منفی و تخریبی و چالش های عمده ای را برای منافع اقتصادی-تجاری ایران بوجود آورد. لذا پرسشی که شکل میگیرد اینست که چگونه بهره گیری از تواناییهای اقتصادی-سیاسی-فرهنگی مناطق آزاد تجاری

ایران به عنوان یکی از ابزارهای رسیدن به قدرت نرم برای متعادل سازی خلاءهای ایجاد شده ناشی از استراتژی مهار ایران خواهد توانست نظام امنیت منطقه ای را کنترل و مدیریت نماید؟ فرضیه ای که در این راستا شکل می گیرد را می توان اینطور بیان کرد که گسترش و رونق مناطق آزاد تجاری که حاصل جغرافیای منحصر به فرد ایران اند، یکی از ابزارهای قابل اعتماد و کارآمد جهت هژمون خواهی اقتصادی ایران که در نهایت موجبات کنترل نظام امنیتی منطقه ای را شکل می دهند، است.

مبانی نظری

در غرب آسیا امنیت منطقه ای در ارتباط مستقیم با درخواستهای هویتی - قومیتی قرار می گیرد. از سوی دیگر موقعیت توپوگرافیک نامناسب یا توزیع نامتعادل طبیعی موجب انعطاف پذیری نیروهای گریز از مرکز (مرزنشینان) نسبت به واگرایی از کانون قدرت مرکزی خواهد شد. این مسئله معضلی غیرقابل حل را برای حکومت های که از توان و قدرت اقتصادی ضعیفی برخوردارند ایجاد می کند. بر این اساس یکی از ابزارهای غیرنظامی که در جهت کنترل و نظارت بر رفتار مرزنشینان می تواند کارایی نتیجه بخش داشته باشد، ایجاد و توسعه مناطق آزاد تجاری است.

این روش از سیستم های متداول در کشورهای توسعه یافته و رو به توسعه است که در جهت حفظ منافع و امنیت ملی واحدهای سیاسی استفاده می شود. مناطق آزاد تجاری که در برخی از کشورها به عنوان مناطق ویژه اقتصادی هم مطرح هستند، با برداشتن موانع و فیلترهای اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی، سلسله مراتب رسیدن به نظم پایدار امنیتی در سطوح ملی

و منطقه ای را فراهم می سازند. این مناطق غالباً از معافیت گسترده مالیاتی برای رشد و توسعه تولیدی و صادراتی برخوردارند. در کشورهای که موانع تجاری مانند سهمیه ها - تعرفه ها و مالیات بر درآمد برداشته شود در جذب مشاغل جدید و سرمایه گذاری های خارجی پیشرو می شوند، در غیر اینصورت وقتی کالاها به کشور مصرف کننده که منطقه گمرکی در آن قرار دارد منتقل می شوند، مشمول عوارض متعدد گمرکی خواهند شد (Babatunde، ۲۰۱۹:۵۵). در این راستا یک منطقه آزاد تجاری می تواند به عنوان قطب تولیدی یا مونتاژ کننده با نیروی کار تعریف شود که شامل واردات مواد اولیه ویا اجزای سازنده یا مونتاژ محصولات نهایی یا نیمه تمام شده برای صادرات به کشورهای پیرامونی است. ضمن اینکه مناطق آزاد تجاری به عنوان یک منطقه جغرافیایی تعریف می شوند که در آن می توان مواد اولیه را بدون نیاز به دخالت و حتی نظارت مستقیم مقامات گمرکی، تولید یا بازسازی و مجدداً صادر کرد. از این رو مناطق آزاد تجاری معمولاً در جاهایی رشد و توسعه می یابد که از نظر جغرافیایی برای تجارت سودمند باشند نظیر مکان های نزدیک به بنادر مستقر در حاشیه دریاها و اقیانوسها، فرودگاه های بین المللی و غیره که برای توسعه مناطق تجارت آزاد نقش ارزشمندی دارند.

مناطق آزاد تجاری در ایران به رغم داشتن امتیازات محیطی منحصر به فرد اگرچه انگیزه و فرصتها را برای تغییر الگوی رفتاری مبادلات اقتصادی-تجاری میان خود و کشورهای پیرامونی دارند اما با تکیه بر شیوه های سنتی مراودات بازرگانی نمی تواند تاثیر چندانی بر فرایندهای اقتصادی-تجاری در سطوح

منطقه ای و بین المللی داشته باشند و چالش های امنیتی را به همراه می آورند. بی شک امنیت تنها با یک توافق نامه چند جانبه که در برگیرنده منافع و ارزشهای بر پایه عدالت، آزادی و رفاه عمومی و کاهش تهدیدات و آسیب پذیری در بخش های اقتصادی است، بدست می آید و اتحاد قوی منطقه ای را به یک نظم سیستماتیک تبدیل می کنند و این موضوع مستلزم استفاده از قابلیت های مناطق آزاد تجاری در عصر امروز موسوم به عصر ارتباطات است.

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله به شکل تحلیلی-توصیفی است که از مقالات علمی-پژوهشی سایت های دانشگاهی و موسسات پژوهشی معتبر گردآوری شده و بر اساس یافته های تحقیق، تجزیه و تحلیل نهایی که پاسخ به سوال این تحقیق می باشد در قالب نتیجه گیری ارائه می شود.

یافته های تحقیق

۱-۵- قابلیت های مناطق آزاد تجاری در شکل دهی هژمون اقتصادی

پیدا کردن یک تعریف مناسب برای مفهوم مناطق آزاد تجاری می تواند چالش برانگیز باشد، اما می توان آنرا در ابعاد عملکرد و رقابت برای انگیزه های اقتصادی مورد بررسی قرار داد، ضمن اینکه اقتصاد به تصمیم گیرندگان کمک می کند تا توزیع قدرت و ثروت بین گروههای مختلف در یک جامعه را مورد بررسی قرار دهد (Bruch، ۲۰۱۷:۸)، همچنین اصول کلی شکل گیری آن در فرایندهای ساده و منطقه گمرکی مجزا، دولت واحد و پایدار، حق استفاده از مزایای ویژه براساس موقعیت مکانی در یک منطقه، اساس آنرا تشکیل می دهند (Wagner، ۲۰۱۷). مناطق آزاد تجاری به طور معمول در بنادر دریایی،

پایگاه های هوایی یا زمینی یا در نزدیکی آنها واقع شده اند و بخش مهمی از ساختار زنجیره تجارت جهانی را بوجود می آورند. تقریباً ۵۳۰۰ منطقه در ۱۴۰ کشور جهان به این شیوه از مراحل گمرکی آزاد هستند، از این رو بیشتر می تواند تولید مشترک را انجام دهند (Wong, ۲۰۱۹). به طور مشخص مناطق آزاد تجاری فضاهایی هستند که کالا می تواند قبل از توزیع مجدد در سرتاسر جهان ذخیره، پردازش و بازاریابی شود و از توافق نامه تجارت آزاد متمایز باشد. این مناطق به دلیل تاثیر و یا پراکندگی آنها در سرتاسر جهان به عنوان ابزاری برای توسعه اقتصادی که تحت سیاست اقتصادی نئولیبرال و باز دنبال می شود، مورد توجه قرار گرفته اند (Gunawardana, ۲۰۱۶). در عین حال، تعداد و اندازه مناطق آزاد تجاری یا مناطق فرآوری صادرات^۱ که به عنوان نوع خاصی از منطقه آزاد تجاری برای پردازش ورودی های وارداتی هستند، در دهه کنونی رشد فزاینده ای داشته است (Siroen, ۲۰۱۴:۲۲). از آنجاییکه مناطق آزاد تجاری به ابزاری برای افزایش تجارت تبدیل شده اند اما تأثیرات توسعه ای آنها غیرمستقیم است. برای کشورهای کم درآمد و حداقل کشورهای توسعه یافته، موافقت نامه های تجاری، سیاست تجارت ملی را تعیین می کنند و بنابراین تأثیر مستقیمی بر چشم انداز توسعه ملی دارند، از این رو ادغام منطقه ای منجر به نتایج مثبت توسعه، از جمله رشد اقتصادی بالاتر و نابرابری پایین تر در کشورهای کم درآمد نسبت به توسعه مناطق آزاد تجاری دارند می شود (United Nations, ۲۰۱۹). به عنوان مثال صادرکنندگان محصولات کشاورزی در سطح منطقه ای می توانند از یک

^۱ Export Processing Zone (EPZ)

بازخورد نسبتاً قوی در تجارت منطقه ای برخوردار باشند، از طرف دیگر صادرکنندگان و حتی تولیدکنندگان منطقه ای می توانند انتظار ایجاد مشاغل با بهره وری بالاتر را نسبت به تجارت جهانی داشته باشند، از جمله برای صادرکنندگان نفت و مواد معدنی، تنوع در محصولات صادراتی جدید با تأثیر اشتغال بالاتر مهم است (Uexkull، ۲۰۱۲). با این حال ایجاد مناطق آزاد تجاری مستلزم هزینه های سنگین از منابع دولتی است و در نتیجه بر بودجه دولتها به ویژه در سطح مدیریت عمومی تأثیر می گذارد (Dankwa، ۲۰۱۴). در عمل، مناطق آزاد تجاری ممکن است به اندازه یک فروشگاه خرده فروشی در یک فرودگاه یا به بزرگی منطقه هنگ کنگ باشند و حتی ممکن است عملکرد ساده انبارداری را انجام دهند و یا طیف گسترده ای از صنایع را در اختیار داشته باشند. ویژگی اساسی مناطق آزاد تجاری برای تحلیل اقتصادی این است که آنها از طریق کاهش تعرفه ها، موانع کمی و اداری برای تجارت، سطح حمایت کشور میزبان را پایین می آورند، به عنوان مثال یک بنگاه، کالایی را به منطقه آزاد تجاری پردازش یا مونتاژ وارد و سپس آنها را صادر می کند، وظیفه شرکت ذخیره این واردات است و برای این کالاها درآمدهای تعرفه کشور میزبان و در نتیجه نرخ تعرفه متوسط کاهش می یابد. فعالیت در مناطق آزاد تجاری غالباً به میزان لازم به ارزش افزوده داخلی کمک می کند و بنابراین به طور غیرمستقیم منجر به کاهش نرخ تعرفه ها می شود در نتیجه محدودیتهای ویژه واردات در سهمیه مشخص ضمنی کاهش می یابد. علاوه بر این صرفه جویی در هزینه ها، برخورد با گمرک و مقامات مالیاتی نیز وجود دارد که اغلب برای بنگاه های کوچک نسبتاً زیاد است (Grubel، ۱۹۸۲).

اولویت اصلی نیز باید برای اطمینان از اجرای مؤثر آنها به منظور جلوگیری از سوءاستفاده از تجارت باشد، در غیر این صورت آنها فقط به توافق نامه های کاغذی و بی فایده تبدیل می شوند (Jha، ۲۰۱۱).

بر این اساس است که چگونگی اهمیت قدرت اقتصادی و عقاید و هنجارهای غالب گروههای اجتماعی خاص، اقتصاد سیاسی را تبدیل به هژمون اقتصادی مؤثر در سیاست بین الملل می کند و یک رویکرد دولت محور به این هژمونی در سطح جهان با توزیع بسیار نابرابر قدرت که در آن یک کشور واحد قدرتمند کنترل یا تسلط بر سیستم را دارد ضروری به نظر می رسد. پس منابع و تمایل گروهی عنصر اصلی هژمون اقتصادی را شکل می دهند. هژمون باید منابع کافی در ابعاد مناسب داشته باشد تا بتواند رهبری خود را تأیید کند و باید تمایل به پیگیری سیاست های لازم برای یک سیستم اقتصادی پایدار و باز را دارا باشد چراکه در صورت عدم وجود چنین رهبری، سیاست های دولت های قدرتمند و همکاری آنها باید از مبانی سیاسی لازم برای یک اقتصاد جهانی با ثبات و متحد حمایت کند (İpek، ۲۰۱۳: ۲۲). بر این مبنا اتخاذ استراتژی های رشد صادراتی به رهبری کشورهای در حال توسعه، منجر به افزایش مناطق آزاد و توسعه تولیدات آن و کاهش قابل توجه نرخ بیکاری در سراسر جهان می شود.

۲-۵- قدرت نرم و نظام امنیت منطقه ای

مفهوم قدرت نرم که گاهی تئوری نرم هم خوانده می شود از جمله مفاهیم پرکاربرد طی سالیان اخیر در محافل علمی و ژورنالیستی است. به طور دقیق قدرت نرم در گفتمان سیاسی مقامات امریکایی برای تحلیل سیاست خارجی

این کشور دیده می شود. این واژه برای اولین بار به صورت علمی توسط جوزف نای^۱ استاد علوم سیاسی در دانشگاه هاروارد و متخصص امنیت بین المللی ایالات متحده امریکا در سال ۱۹۹۰ م مطرح شد. به گفته نای، توانایی تأثیرگذاری نامحسوس بر رفتار حریف برای دستیابی به نتایج مطلوب را قدرت نرم گویند. برای دستیابی به هدف مورد نظر بسیاری از کشورها سعی می کنند از قدرت خود به طور مؤثر استفاده کنند. با این حال عناصر ساختاری اصلی چنین قدرتی شامل موقعیت جغرافیایی، جمعیت و نیروی کار، منابع طبیعی، پتانسیل صنعتی و کشاورزی و سطح توسعه و عناصر انتزاعی شامل روحیه ملی، کیفیت دیپلماسی، کیفیت دولت می شود (Yavuzaslan, ۲۰۱۶: ۳۹۵). بر این اساس قدرت نرم خود نشانگر تغییر چشم انداز در روابط بین الملل خواهد بود، این درحالیست که تاریخ نشان می دهد همیشه قدرت نرم منبع مهمی از نفوذ ملی بوده و تغییر در سیاست مدرن جهانی باعث می شود که این ابزار بیش از پیش مورد استفاده قرار گیرد، در حقیقت بر این اساس جهان در حال تکامل در جهانی نرم تر درحوزه های سیاسی-امنیتی است.

سیاست جهانی در عصر مدرن دستخوش تغییراتی شده که اهمیت قدرت نرم را نسبت به قدرت سخت بالا می برد. در این سیستم بین المللی متحول شده، قدرت نرم عنصر اساسی در تقویت نفوذ بر نتایج بین المللی خواهد بود زیرا اجبار ملت ها و بازیگران غیر دولتی از طریق اهرم های اصلی قدرت سخت (یعنی تهدید و زور) دشوارتر می شود. همه منابع قدرت نامحسوس (یعنی

^۱ Joseph Nye

نرم) چنین تضمینی که برای از بین بردن یک بازیگر تهدیدآمیز می توان با یک عمل سخت و نظامی برخورد کرد، ندارند و این تصویر مثبت از منابع مختلف مانند سیاستهای داخلی-خارجی که ملت ها از آن پیروی می کنند نشأت گرفته است. این تصویر مثبت باعث احترام و تحسین می شود و به نوبه خود ملت هایی را که دارای قدرت نرم هستند از دید ملت های دیگر نیرومند جلوه می دهد. این تلاش می تواند به حدی قوی باشد که سایر کشورها را برای پیروی از سیاست های قدرت نرم ترغیب نماید چراکه رفتار عطوفت آمیز در خدمت تقویت قدرت نرم است (Gallarotti, ۲۰۱۱). با این تفاسیر دستیابی به چنین قدرتی به همان اندازه می تواند سود و بهره وری را با افزایش حضور دولت در اقتصاد و رژیم های چند جانبه به جای جهانی شدن منطقه ای برای رقابت اصلی در بازارهای تجارت جهانی فراهم سازد (Leonard, ۲۰۱۵). بر این اساس جهانی سازی تجارت و اقتصاد فرصت های جدیدی را برای اقتصادهای نوظهور فراهم می کند که در مباحث انطباق با هماهنگی جهانی، انعطاف پذیر نیستند (Tamosiuniene, ۲۰۱۵). به این شکل یک عامل سیاسی یا به اصطلاح الگویی که قدرت براساس آن شکل گرفته در بین عناصر اقتصادی گسترش می یابد، که عملکرد نظام امنیتی منطقه ای را تعیین می کند. البته اساس این نظام امنیتی را مباحث انرژی به عنوان زیربنای اقتصاد جهانی تشکیل می دهد که ماهیت آنارشیک ساختار سیستم بین المللی و نابرابری توزیع انرژی به عنوان سنگ بنای رفتار تجاری در سطح جهان می تواند امنیت کشورها را بسیار آسیب پذیر کند (Eyvazov, ۲۰۱۲:۲۰).

بی تردید شکل گیری قدرت نرم براساس تجارت آزاد جهانی و امنیت اقتصادی اساس نظام امنیتی منطقه ای را مستحکم می کند و مدتهاست امنیت اقتصادی در دستور کار سیاست گذاران اقتصاد جهانی قرار گرفته که شامل مباحث سرمایه گذاری های خارجی، تحقیقات تجاری و امنیت تأمین انرژی و غیره است. در این بین رقابتهای ژئوپلیتیکی هم در حال تغییر شکل اقتصاد جهانی هستند و قدرت و ابزارهای اقتصادی به طور فزاینده ای برای اهداف سیاسی مورد استفاده قرار می گیرد. بر این اساس اقتصاد و سیاست با درهم آمیختگی بین خود مفهوم ژئواکونومی را بوجود می آورند (۲۰۱۹، Meijnders) و چنین مفهومی از لحاظ ساختاری متمایز از تجارت آزاد در قرن بیستم در جهان غرب است (Nienhaus، ۲۰۱۰:۷۵).

اما هدف اول از ایجاد بازارهای مشترک کالاها و خدمات استفاده از معافیت ها است و در انجام این کار تراز کردن تعرفه گمرکی مشترک در سطح بالا می بایست حفظ شود. هدف دوم ادامه از بین بردن یا متحد کردن صدها مراکز خودکار خدماتی از قوانین صدور گواهینامه کالاها گرفته تا وضعیت واردکننده ویژه است، و هدف سوم، هماهنگی سیاست های کلان اقتصادی (و خاص پولی) است که بدون چنین هماهنگی، ساختار اقتصادی نوپای ممکن است پدیدار نشود (Vinokurov، ۲۰۱۷:۵۴).

انقلاب فناوری اطلاعات، آزادسازی تجارت و سایر اصلاحات اقتصادی در این پروسه راهکارهای را برای ورود سرمایه و فناوری از کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه هموار می کند، بطوریکه چنین پروسه ای به سرعت

از ایالات متحده امریکا و اروپا (جهان غرب) به سمت افزایش قدرت در آسیا و آمریکای لاتین در حال حرکت است (Ahearn، ۲۰۱۱).

بازسازی مداوم تجارت و اقتصاد جهانی، که با اشکال جدید جهانی شدن همراه است، فشار را برای اصلاحات عمیق در مدیریت تجارت جهانی در چند سال آینده افزایش می دهد که این امر در تحول نظام امنیت منطقه ای تاثیر بسزای خواهد گذاشت. چراکه موافقت نامه های تجارت منطقه ای ممکن است جایگزین بی رقیبی برای توافق های تجاری چند جانبه باشد. این موضوع، تضادهای ناشی از تعمیق جهانی شدن را نشان می دهد، یعنی تغییر اقتصاد جهانی به سمت آسیا و تضعیف نسبی سیاست های اقتصادی-تجاری ایالات متحده امریکا و اروپا (Pierre، ۲۰۱۴:۱۰۹)، بطوریکه شرکت های آمریکایی که زمانی بر صنایع اتومبیل، فولاد و لوازم الکترونیکی تسلط داشتند با رقابت شدید ژاپن و افزایش رقابت کره جنوبی و سایر کشورهای صنعتی آسیای جنوب و جنوب شرق مواجه هستند (Gould، ۱۹۹۳). البته مسئله حمل و نقل و ترانزیت یکی از جنبه هایی است که پیشرفت اقتصادی را برجسته تر جلوه می دهد و یک سیستم حمل و نقل جهانی سازمان یافته نقش مهمی در تجارت جهانی و توسعه اقتصادی ایفا می کند (Gujrati، ۲۰۱۵:۴۵۳).

از سوی دیگر امروزه منطقه گرایی ارتباط نزدیکی با ماهیت تغییر سیاست جهانی و تشدید جهانی شدن دارد. منطقه گرایی با دخالت تقریباً همه دولت های جهان مشخص می شود، اما پدیده منطقه ای نیز شامل تنوع زیادی از بازیگران غیر دولتی و نتیجه آن تعدد مدیریت های رسمی و غیر رسمی منطقه ای و شبکه های منطقه ای در اکثر حوزه ها است. این تکثرگرایی و

چند بعدی بودن منطقه گرایی باعث ایجاد ابهامات و چالش جدید برای درک امنیت در دنیای امروز می شود (Soderbaum, 2009). در پانزده سال گذشته، منطقه گرایی به مراتب به محبوب ترین شکل آزادسازی تجارت متقابل تبدیل شده است. در این راستا نگرانی اصلی دیگر این است که منطقه گرایی می تواند چند جانبه گرایی را به خطر اندازد (Freund, 2010).

۳-۵- وضعیت مناطق آزاد تجاری ایران

تفکر ایجاد مناطق آزاد در ایران به حدود چهار دهه قبل بازمی گردد. در سال ۱۳۴۸ جزیره کیش به عنوان یک بندر آزاد و البته با هدف اصلی ایجاد امکانات گردشگری بین المللی در نظر گرفته شد و در همان زمان زیربناهایی نیز ساخته شد. ولی پس از سال ۱۳۵۷ عملاً فعالیتهای این منطقه متوقف گردید. بنابراین آغاز پایه گذاری مناطق آزاد در ایران را باید سال آغاز برنامه اول توسعه، یعنی ۱۳۶۸ دانست. کشور ایران در مدتی طولانی - بیش از چهار دهه - سیاستهای جایگزینی واردات را به عنوان راهبرد بازرگانی خارجی خود مورد استفاده قرار داده است. این راهبرد اگرچه در آغاز سطوحی از صنعتی شدن را در کشور پدید آورد، ولی به دلیل طولانی شدن اجرای آن و به اجرا در نیامدن مراحل تکمیلی و تغییر جهت نیافتن به سمت سیاستهای برون گرایی نتوانسته توسعه صنعتی قابل قبولی در کشور ایجاد نماید. ایجاد مناطق آزاد تجاری - صنعتی در ایران در کنار سیاستهای جایگزینی واردات، از اواخر دهه ۱۳۶۰ مورد توجه سیاستگذاران قرار گرفت ولی پس از گذشت نزدیک به دو دهه از آغاز فعالیت مناطق آزاد در ایران، این مناطق در دستیابی به هدف

اساسی که در قوانین تأسیس برای آنها در نظر گرفته شده یعنی توسعه صادرات، چندان موفق نبوده اند.

در برنامه سوم توسعه، نسبت به برنامه های قبلی تأکید بیشتری روی سیاستهای توسعه صادرات صورت گرفت و اقداماتی نظیر معافیت صادرات از عوارض و مالیات، حذف پیمان سپاری ارزی، اعطای یارانه و جوایز صادراتی، ساده سازی فرایند صادرات، بازگرداندن حقوق گمرکی و سود بازرگانی مواد اولیه و واسطه ای مورد استفاده در تولید کالاهای صادراتی پس از صدور، سیاست یکسان سازی نرخ ارز و واگذاری ارز بر اساس نرخهای بین بانکی، به انجام رسید. سیاست حذف موانع غیرتعرفه ای و غیر فنی واردات و تبدیل آن به تعرفه های معادل و تهیه برنامه زمان بندی اصلاح نرخهای معادل تعرفه و سیاست حذف ممنوعیتهای صادراتی بجز موارد خاص نیز در قانون برنامه سوم توسعه پیش بینی شده بود که تا پایان برنامه بطور کامل عملی نشد. در سال پایانی این برنامه سه منطقه آزاد تجاری-صنعتی قشم، کیش و چابهار تأسیس شدند و فعالیتهای خود را در سطح بسیار ناچیزی آغاز نمودند. قانون چگونگی اداره مناطق آزاد در سال ۱۳۷۱ در دستور کار قرار گرفت که سرانجام در سال ۱۳۷۵ به تصویب نهایی رسید. در قانون یاد شده برای این مناطق پس از تأسیس، اهدافی به این شرح در نظر گرفته شد: تسریع در انجام امور زیربنایی، عمران و آبادانی، رشد و توسعه اقتصادی، سرمایه گذاری و افزایش درآمد عمومی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازار کار و کالا، حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه ای، تولید و صادرات کالاهای صنعتی و تبدیلی و ارائه خدمات عمومی. مناطق آزاد تجاری-صنعتی ایران

در واقع سازمانهایی با مالکیت صد در صد دولتی هستند. بطور کلی مناطق آزاد ایران برنامه هماهنگ و سازگاری با سیاستهای تجاری و صنعتی کشور نبوده و این مسئله باعث شده که تعریف بجا و مناسبی از این مناطق در قالب بسته های سیاستی کلی کشور نشده باشد (التجایی، ۱۳۸۸: ۱۸۹-۲۲۲). از سوی دیگر توسعه هفت منطقه آزاد کشور می تواند راه حلی برای رسیدن به اهدافی مانند افزایش صادرات و کاهش واردات، جذب سرمایه گذاریهای داخلی و خارجی، افزایش ترانزیت و حمل و نقل و افزایش شرکتهای و مؤسسات در مناطق آزاد تجاری است. مناطق قشم و چابهار به دلیل پایین بودن سرمایه گذاری داخلی و خارجی، حمل و نقل، واردات زیاد و همچنین ناکارای بودن مدیریت به منظور افزایش تولید در اولویت پایانی نسبت به مناطق آزاد موفق قراردارند. از جمله دلایل موفق نبودن مناطق آزاد تجاری کشور ایجاد نشدن تأسیسات زیربنایی مناسب و مشکلات مربوط به قوانین است که توجه خاص و ویژه ای می طلبد و بعضی دیگر تسهیل کننده هستند. نمودار شماره (۱) وضعیت کلی فعالیت مناطق آزاد در سال ۱۳۹۸ را نشان می دهد.

شرکت و مؤسسات ثبت شده	ترازیت	سرمایه گذاری		واردات	صادرات	متغیرها منطقه
		داخلی	خارجی			
۰/۰۶۶	۰/۰۱۷	۰/۰۵۸	۰/۰۲۷	۰/۰۱۵	۰/۰۲۵	کیش
۰/۰۰۶	۰/۰۰۰۹	۰/۰۱۷	۰/۰۱۳	۰/۰۱۹	۰/۰۰۷	قشم
۰/۰۱۴	۰/۰۰۰۲	۰/۰۵۹	۰/۰۳۰	۰/۰۲۲	۰/۰۰۱	چابهار
۰/۰۰۸	۰/۰۳۶۲	۰/۰۱۷	۰/۰۱۰	۰/۰۸۷	۰/۰۲۳	انزلی
۰/۰۱۸	۰/۰۰۴	۰/۰۱۳۹	۰/۰۱۰	۰/۰۲۹	۰/۱۰۷	اروند
۰/۰۲۹	۰/۴۰۹	۰/۰۲۸	۰/۰۶۳	۲/۳۹۰	۰/۰۱۲	ارس
۲/۲۲۰	۰/۴۰۹	۰/۰۰۱	۰/۱۰۳	۰/۰۰۳	۰/۱۳۴	ماکو

نمودار شماره (۱)^۱

بی شک رقابت بر مبنای ارائه خدمات و کیفیت آنها، عامل موفقیت مناطق آزاد تجاری محسوب می شود. برای موفقیت منطقه آزاد تجاری، باید عوامل جذب کننده شرکتها شناخته شوند. با توجه به اینکه ترازیت یکی از عواملی است که باعث کاهش توسعه اقتصادی مناطق آزاد شده، دولت باید توجه ویژه ای به مناطق آزادی چون چابهار و مناطق دیگری کند که در اولویت آخر قرار گرفته اند و ترازیت خارجی میان اروپا و آسیای مرکزی و دیگر کشورهای مرتبط با این مناطق را به منظور جذب بخشی از نیروی بومی منطقه انجام دهد (دهمرده و همکاران، ۱۳۹۸:۱۱۸).

^۱ - نظر دهمرده، ندا علی احمدی، عباسعلی قادری، ۱۳۹۸

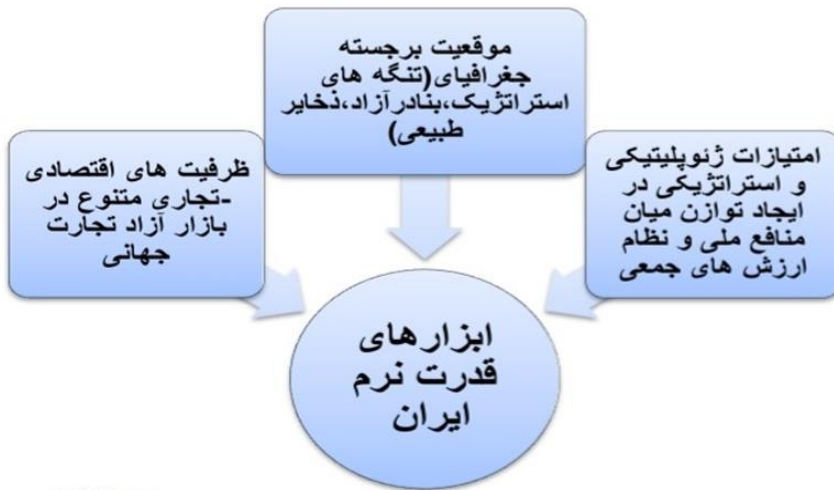
با این اوصاف شرکتها و اتحادیه های بی شماری در سطح جهان درصدد همکاری و مشارکت برای پیشبرد منافع اقتصادی-تجاری خود با ایران بدلیل شرایط منحصر به فرد آن هستند از جمله آنها اتحادیه اوراسیاست. این اتحادیه که کمیسیون اقتصادی اوراسیا^۱ هم خوانده میشود در سال ۲۰۱۰ راه اندازی شد که شامل کشورهای روسیه، بلاروس و قزاقستان است این اتحادیه در اول ژانویه ۲۰۱۵ رسماً کار خود را آغاز کرد (Popescu, ۲۰۱۴:۵). ظاهراً از اهداف بلند مدت اتحادیه اقتصادی اوراسیا یکپارچگی اقتصاد برای تامین رفاه اقتصادی و امنیت منطقه ای است که گاه اتحادیه ژئوپلیتیک اوراسیا هم به آن اطلاق می شود (Yilmaz, ۲۰۱۷:۱۰). این اتحادیه درصدد نزدیک کردن کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز با سایر کشورهای جهان در ابعاد اقتصادی-تجاری است و رهبری آنرا روسیه به دلیل بهبود زیرساختهای بنیادی برعهده دارد (Gussarova, ۲۰۱۷:۱). مناطق آزاد تجاری در این راستا می توانند در تعامل سازنده با کشورهای منطقه ای نقش موثری داشته باشند. از این رو تلاش ایران برای بسترسازی زمینه های همگرایی از طریق توسعه مناطق آزاد تجاری با توجه به جغرافیای منحصر به فردش می تواند فضای تنش آلود امنیتی را تبدیل به مشارکت و تعاملات سازنده اقتصادی-تجاری با همسایگان و سایر کشورهای منطقه کند. در این راستا با توجه به اینکه برنامه هسته ای ایران یکی از اصلی ترین چالش های سیاست خارجی در قرن اخیر برای جهان غرب و بخصوص ایالات متحده امریکا است و بر این اساس پیامدهای منفی استراتژی مهار ایران بسیاری از معادلات را برهم زده است

^۱ Eurasian Economic Community

(Reardon, 2012)، همچنین چالش های ایران و ایالات متحده در خلیج فارس (U.S. Policy, 2020) نگرانی های را از جانب کشورهای منطقه ای برای ادامه روند مناسبات موثر اقتصادی و امنیتی منطقه ای بوجود می آورد که ایران با توسعه و بهینه سازی مناسبات اقتصادی-تجاری در مناطق آزاد تجاری به عنوان یکی از ابزارهای قدرت نرم، می تواند تعادل و ثبات را در سیستم امنیت منطقه ای به نفع کشورهای کمتر توسعه یافته فراهم آورد.

تحلیل و نتیجه گیری

در جهانی که فشردگی مکانی و زمانی باعث تسهیل تعاملات انسانها با یکدیگر و افزایش انباشت سرمایه و تجارت می شود، بی تردید مسیر امنیت در مدیریت کشورها از طریق شکل دهی مسالمت آمیز به استراتژیهای مرتبط با مباحث اقتصادی خواهد بود. ضمن اینکه مجادلات سیاسی و ایدئولوژیکی از جمله تهدیداتی مستقیم در تضعیف سیاستهای اقتصادی دولتها در فضای درونی و پیرامونی آنهاست. همانطور که در طول این مقاله به آن اشاره شد، عنصر اولیه نظم امنیتی صرفا در پرداختن به امنیت اقتصادی و تمهیداتی برای رشد بازارهای منطقه ای در جهت تعادل عرصه و تقاضا به نفع تولیدکنندگان بخصوص کارگاههای کوچک و خرد بومی است، از این رو توازن بین منافع ملی و اهداف استراتژیک منطقه ای در گرو بکارگیری از ابزارهای قدرت نرم به عنوان تضمینی برای هژمون اقتصادی در سطح منطقه ای خواهد بود.

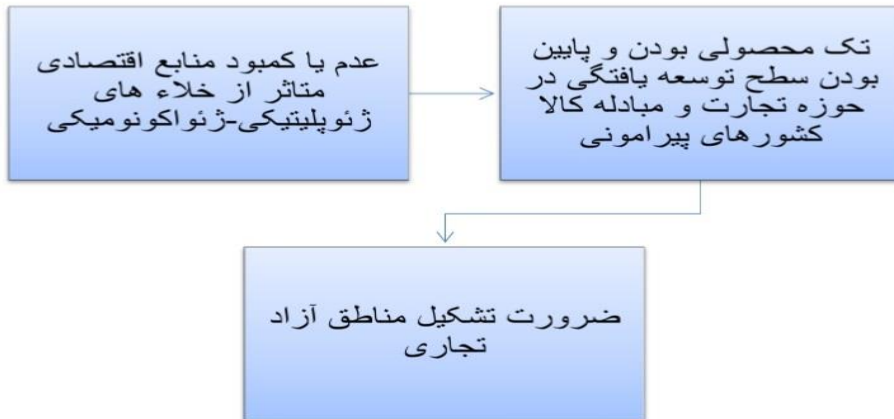


ترسیم از نگارنده

آشکار است امروزه پیشرفت یک منطقه از لحاظ اقتصادی به صادرات و روابط قابل قبول با شرکای تجاری وابسته است. در این راستا هدف از شکل گیری قدرت نرم ایجاد یک سیستم امنیتی پایدار که در موقعیت همکاری و رقابت مثبت و سازنده با مراکز قدرت است و در این راستا مناطق آزاد تجاری کوششی برای چنین همگرایی و مشارکت خواهند بود.

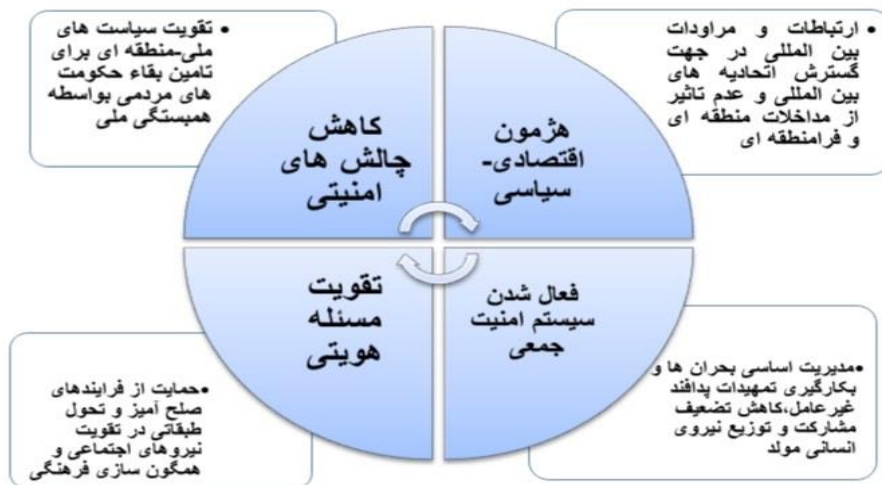


ترسیم از نگارنده



ترسیم از نگارنده

از سوی دیگر مناطق آزاد تجاری در ایران طبق نمودار زیر شرایط را برای برهم زدن افکار منطقه ای که در تلاش برای بسط تهدیدات و چالش ها امنیتی برای کوچک شدن فضای عملیاتی ایران با توجه به استراتژی مهار که از سوی ایالات متحده امریکا و برخی از کشورهای غربی ارائه شده، دارا هستند.



ترسیم از نتقارتده

با این تفاسیر مناطق آزاد تجاری در ایران به عنوان کانون پشیمانی از منافع ملی در چارچوب استراتژیهای بلند مدت نظام، علیرغم محدودیتها و چالش های بی شماری که با آن روبه روست با توجه به ابزارهای توانمند در حوزه قدرت نرم که برای برتری جویی و کاهش منازعات منطقه ای در اختیار دارد، خواهد توانست مسائل امنیت منطقه ای را کنترل و هدایت کند. ضمن اینکه می تواند نقش تعیین کننده ای را در سیاست های توزیع داخلی و خارجی در

ارتباط با سیاست نفت (به عنوان نبض اقتصاد جهان) در بازار آزاد تجارت جهانی ایفا نماید. این پروسه با توجه به ویژگیهای خاص ژئوپلیتیکی ایران (دسترسی به آبهای آزاد و نزدیکی به قطب های برتر اقتصاد جهانی)، با ایجاد یک کریدور ارتباطی مدرن و مجهز بین ایران و کشورهای پیرامونی بخصوص کشورهای حوزه اتحادیه اوراسیا (غالباً کشورهای محصور در خشکی) و مشوق های دولتی در خصوص کاهش مالیات و عوارض گمرکی و سایر موارد مشابه، همچنین بکارگیری از قابلیت های حضور در پیمان های دو یا چند جانبه (که هم اینک منافع اقتصادی-تجاری را مدنظر دارند)، می تواند نظام امنیت منطقه ای را در راستای حل و فصل اختلافات و تهدیدات مدیریت نماید.

لذا پیشنهادات زیر در جهت توانمندسازی شاخص های توسعه ای در مناطق آزاد تجاری در ابعاد بومی و منطقه ای می تواند موثر باشد:

آمایش سرزمینی در بخش صنعت، انرژی، ترانزیت و توسعه برنامه های عمرانی بخصوص تجهیز زیرساختهای ارتباطی (زمینی-ریلی-دریایی-هوایی) با مشارکت و همکاری های متقابل در قالب اتحادیه و پیمانهای چندجانبه منطقه ای.

انسجام و سازماندهی سرمایه گذاری های بخش دولتی و خصوصی با تمرکز بر عدالت سرزمینی برای شناخت عوامل موثر در افزایش کارایی مناطق آزاد تجاری، و افزایش تسهیلات بانکی (وام های کم بهره) برای تشویق سرمایه گذاری در بخش های متنوع تجاری-اقتصادی و حمل و نقل.

تاسیس شرکت و بنگاههای اقتصادی اعم از خصوصی و دولتی در بندرگاههای مستقر در مناطق آزاد تجاری جهت مراودات تجاری با رعایت

قواعد بازی تجارت در سطح بین الملل و البته در قالب روابط چندجانبه گرایي.

برنامه ریزی های میان مدت و بلندمدت توسعه ای برای توانمندسازی مناطق آزاد تجاری به جهت بهره مندی از ظرفیت های تولیدی نواحی پیرامونی و ایجاد بازارچه های مشترک به منظور افزایش اشتغال و توسعه مراکز تولیدی در جهت گسترش صادرات غیرنفتی.

منابع

- التجایی، ابراهیم (۱۳۸۸)، مناطق آزاد تجاری و صنعتی: ابزار راهبرد توسعه صادرات در مقایسه با سه کشور دیگر آسیایی، پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۹، شماره ۲، پیاپی ۳۳، ص ۱۸۹-۲۲۲.
- دهمرده، نظر؛ علی احمدی، ندا؛ قادری، عباسعلی (۱۳۹۸)، ارزیابی و اولویت بندی مناطق آزاد کشور و تأثیر آن در توسعه اقتصادی این مناطق، فصلنامه سیاستهای راهبردی و کلان، دوره ۷، شماره ۱، صص ۱۰۸-۱۲۲.
- Ahearn, Raymond J (2011), Rising Economic Powers and the Global Economy: Trends and Issues for Congress, Specialist in International Trade and Finance, 7-5700, Congressional Research Service, R41969, <https://fas.org/sgp/crs/misc/R41969.pdf>, www.crs.gov
- Babatunde, Adepoju (2019), Free Trade Zones Between Theory And Practice In Nigeria, IOSR Journal Of Humanities And Social Science (IOSR-JHSS), Volume 24, Issue 9, Series. 3, pp52-68, www.iosrjournals.org
- Boakye Dankwa, Chistabel (2014), The Advantages and Disadvantages of Constructing Free-Trade Zones as an Industrialisation Strategy, 23 Pages, Grade: 68, <https://www.grin.com/document/284233>
- Bruch, Carl, Michael Lerner, Claudia D'Andrea (2017), Political Economy Analysis, Nvironmental law institute • Policy Brief. NO. 13, Pp1-11, www.eli.org
- Dicaprio, Alisa, amelia u santos paulino, maria v sokolova (2019), Regional trade agreements, integration and development, UNCTAD Research Paper No. 1, https://unctad.org/en/PublicationsLibrary/ser_rp2017d1_en.pdf

- Eyvazov, Jannathan (2012), the regional security system in the central Caucasus: political structure and conflicts, institute of strategic studies of the Caucasus, Volume 6 Issue 1, p20
- Freund, Caroline, Emanuel Ornelas, (2010), Regional Trade Agreements, Policy Research Working Paper 5314, https://www.parisschoolofeconomics.eu/docs/koenig-pamina/freund_ornelas_regional_trade_arrangements.pdf
- Grubel, Herbert G, (1982), Towards a Theory of Free Economic Zones, 118(1):39-61 · https://www.researchgate.net/publication/24066363_Towards_a_Theory_of_Free_Economic_Zones
- Gunawardana, Samanthi J (2016), Free Trade Zones, <https://doi.org/10.1002/9781118663219.wbegss453>
- Gussarova, Anna, Farkhod Aminjonov, Yevgeniy khon (2017), Competition or Convergence? Implications for Central Asia The Eurasian Economic Union and the Silk Road Economic Belt, pp1-28 <https://library.fes.de/pdf-files/bueros/kasachstan/13620.pdf>
- Gould, David M, Woodbridge (1993) The Theory and Practice of Free Trade, Economic Review— Fourth Quarter, pp1-16 <https://www.researchgate.net/publication/5029899>
- Gujrati, Rashmi (2015), The role of International Trade in the Global Economy & Its Effects On Economic Growth, IJISSET - International Journal of Innovative Science, Engineering & Technology, Vol. 2 Issue 7, pp453-462, www.ijiset.com

[https://www.iss.europa.eu/sites/default/files,EUISSFiles,CP_132.pdf](https://www.iss.europa.eu/sites/default/files/EUISSFiles,CP_132.pdf),pp5-45 Chaillot Papern 132

- Pierre Cling, Jean (2014), The future of global trade and the WTO, April 2014 *with* 333 Reads, DOI 10.1108/FS-06-2012-0044 □□□. ۱۶ □□. ۲ ۲۰۱۴, □□. ۱۰۹-۱۲۵, □□□□□□□□□□ Group Publishing Limited, ISSN 1463-6689,P109
- Reardon, Robert J (2012), Supported by the Stanton Foundation Corporation Containing Iran Strategies for Addressing the Iranian Nuclear Challenge/https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/mo_nographs/2012/RAND_MG1180.sum.pdf
- Soderbaum, Fredrik, Hettne, Bjorn (2009), Regional security in a global perspective, Promoting norms and institutionalising solutions, V1 https://www.researchgate.net/publication/293317713_Regional_security_in_a_global_perspective
- Sejuti Jha (2011), Utility of Regional Trade Agreements: Experience from India's Regionalism, Asia-Pacific Research and Training Network on Trade, Working Paper Series, No. 99, April ۲۰۱۱ <https://www.unescap.org/sites/default/files/AWP%20No.%2099.pdf>
- Tamosiuniene, rima (2015), Current research approaches to economic security, 1st International Conference on Business Management, Universitat Politècnica de València, ۲۰۱۵, □□□: □□□□:/□□.□□□□.□□□□/۱۰.۴۹۹۵/□□□□□.۲۰۱۵.۱۵۳۷
- von Uexkull, Erik (2012), Regional Trade and Employment in ECOWAS, Employment Working Paper No. 114, Employment Sector, Trade and Employment Programme,

- https://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---ed_emp/documents/publication/wcms_175415.pdf
- Vinokurov, Evgeny (2017), Eurasian Economic Union: Current state and preliminary results, E. Vinokurov, Russian Journal of Economics 3 (2017) 54-70, www.rujec.org, Available online at www.sciencedirect.com
 - Wagner, Thomas (2017), Positive economic impact of a Free Trade Zone in the Dominican Republic, 1421025, Vienna, 13.06.2017, https://www.modul.ac.at/uploads/files/Theses/Bachelor/undergrad_2017/Thomas_Wagner_thesis.pdf
 - Wong, Liana (2019), U.S. Foreign-Trade Zones: Background and Issues for, r42686, December 19, ۲۰۱۹, <https://www.congress.gov/legislation/116/100/100-42686-1>
 - Yavuzaslan, Kiymet, Murat Cetin (2016), Soft Power Concept and Soft Power Indexes, Business Challenges in the Changing Economic Landscape - Vol. ۱, https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-3-319-۲۲۵۹۶-۸_۲۸, pp 395-409
 - Yilmaz, Serdar, (2017), Eurasian Economic Union: A Regional Economic Hegemony Initiative, Journal Of Eastern european And Central Asian Research Vol.4 No.2, pp1-15 www.ieeca.org/journal

**Assessing the soft power of Iran's free- trade zones in shaping
the regional security system**
mariamverijkazemi@gmail.com

Abstract

Achieving effective regional roles is one of the strategic goals of countries to maintain their sovereignty and legitimacy; therefore, the optimal use of economic-trade processes in the form of common markets or multinational economic union depends on the emergence of systems. under the guise of free trade zones, which are based on the geographical and political location of countries, it is an acceptable political-economic solution to create a cohesive security structure to produce soft power and reproduce it, that is, authority of civil society; At the same time, the core of free trade zones is a place to access the seas and oceans, which can bring different tactics to the development of countries, regardless of the insecure and threatening environment in covering economic, political and security activities. Beside these interpretations, the unique geography of Iran plays a diverse and effective role for the economic- geo-economic connection of the surrounding countries, which are affected by the geographical bottleneck. The question is whether the free trade zones of Iran can be considered as one of the pillars of soft power to strengthen or guarantee the unity of the regional security system according to the strategy of controlling the Islamic Republic of Iran? Based on the research findings, it is inferred that free trade zones in Iran have an exceptional and developmental position to achieve a systematic security environment in terms of national-regional convergence, but institutionalizing bilateral or multilateral agreements and comprehensive participation is important.

Keywords: Economic Hegemony, Regional Power, Iran, Free Trade Zones. Eurasia union.

بررسی موانع شکل گیری اتحادیه اقتصادی بین ایران و آسیای مرکزی از منظر سازه انگاری

رسول افضلی^۱، کمال رنجبری چیچوران^۲، صارم شیراوند^۳

^۱ - دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران rafzali@ut.ac.ir

^۲ - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

^۳ - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

چکیده

فروپاشی شوروی تأثیرات ژئوپلیتیکی قابل ملاحظه‌ای را در محیط پیرامونی ایران به ارمغان آورد. قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ایران در مرزهای شمالی تنها با این کشور مرز مشترک داشت اما با فروپاشی شوروی منطقه قفقاز و آسیای مرکزی در پیرامون ایران دچار تغییر در جغرافیای سیاسی شدند و کشورهای جدید شکل گرفتند. فروپاشی شوروی و تشکیل جمهوری‌های تازه استقلال یافته باعث بازتعریف سیاست خارجی و تغییر در راهبردهای جمهوری اسلامی ایران برای تامین منافع بر اساس تغییرات جدید و انطباق با وضع موجود شد. این کشورها برای وفق با تغییرات جدید و دستیابی به علت وجودی مبتنی بر ملت‌سازی جدید انگاره‌ها و فضای ذهنی جدیدی را جایگزین فضای قبلی کردند. امروزه یکی از مناطق مهم و تاثیرگذار از منظر عینی و ساختارهای مشاهداتی در حوزه پیرامونی ایران با مرزهای مشترک و طولانی و منابع آبی مشترک، منطقه آسیای مرکزی در شمال شرق ایران است. آسیای مرکزی جزء علائق ژئوپلیتیک ایران محسوب می‌شود لذا روابط ژئوپلیتیک با این منطقه از منظر عینی و ذهنی در ارتقای قدرت منطقه‌ای ایران تأثیرات ژرفی خواهد داشت. روابط دیپلماتیک ایران و آسیای مرکزی علی‌الرغم وجود ظرفیت‌های ژئواکونومیک، هیدروپلیتیک، ژئواستراتژیک و ... شکل نگرفته است و روابط این منطقه با جمهوری اسلامی ایران در بعد اقتصادی خیلی کم‌رنگ است. با توجه به وجود ظرفیت‌های عینی برای ایجاد رابطه از جمله انزوای ژئوپلیتیکی این منطقه اما شکل نگرفتن روابط دیپلماسی نشان از این دارد که تحلیل روابط بین الملل مبتنی بر عینیات دارای کاستی‌های ژرفی بوده و قادر به تفسیر و تبیین پیچیدگی‌های نظام بین الملل و روابط بین الملل نیست. لذا این تحقیق با روش کتابخانه‌ای در صدد بررسی روابط بین جمهوری اسلامی ایران و آسیای مرکزی با رویکرد سازه‌انگاری است. نتایج تحقیق گویای این واقعیت است که عملیاتی کردن پتانسیل‌های مبتنی بر بسترهای عینی موجود بین ایران و آسیای مرکزی در راستای ایجاد روابط نیازمند تغییر ذهنیت و بازتعریف انگاره‌های ذهنی است.

واژگان کلیدی: سازه انگاری، آسیای مرکزی، ایران، روابط ژئوپلیتیک، اتحادیه اقتصادی

مقدمه

کشورها با توجه به توزیع نامتوازن منابع و همچنین جغرافیای سیاسی^۱ منحصر به فرد در عصر جهانی شدن مبتنی بر اقتصاد سیاسی بین الملل در نظام ژئوپلیتیک جهانی^۲ به تنهایی قادر به تامین نیازهای خود نیستند و در زمینه های مختلف ساختاری و کارکردی در جهت تامین منافع و کاستی های خود به همدیگر وابستگی متقابل دارند. در نتیجه، عقلانیت سیاسی برای مدیریت مطلوب گویای این واقعیت است که دولت-ملت ها^۳ در راستای رسیدن به امنیت پایدار^۴ و توسعه پایدار^۵ و با درک درست از موقعیت جغرافیایی و منطقه ای خود با همدیگر در زمینه های مختلف به طور عام و در زمینه هیدروپلیتیک و ژئوپلیتیک انرژی به طور خاص همکاری های لازم را برقرار می کنند (Bradshaw, 2009:1920). وابستگی متقابل^۶ در ابعاد مختلف ژئوپلیتیک باعث شده است که روابط بین قدرت ها طیفی از همکاری و تعامل تا رقابت و تنش را در برگیرد (Pain and Steaheli, ۲۰۱۴:۳۴۴). راه رسیدن به اهداف استراتژیک و ارتقاء وزن ژئوپلیتیک هر کشور از درک صحیح از موقعیت جغرافیایی، شناسایی جایگاه منحصر به فرد در نظام بین الملل، شناخت صحیح از محدودیت ها و ظرفیت های محیطی و

۱. Political Geography

۲. Global Geopolitical System

۳. Nation State

۴. Stable Security

۵. Stable Development

۶. Codependency

براساس آن تدوین راهبردهایی برای چگونگی ایجاد پیوندهای مشترک تحت تاثیر عوامل ژئوپلیتیک در سطوح مختلف به طور کلی و سطح منطقه‌ای به‌طور خاص می‌گذرد. تأکید بر همکاری‌های مبتنی بر عوامل ژئوپلیتیک بین کشورها معمولاً در صورت وجود مرز مشترک، منابع مشترک، و به طور کلی وجود مکمل‌ها در سطح منطقه‌ای عملی‌تر به‌نظر می‌رسد. به‌طوری‌که همسایگان در صورت درک واقعیت‌های جغرافیایی و همکاری در ابعاد ژئوپلیتیک می‌توانند، بستر تعامل در سایر عرصه‌ها از جمله مسائل امنیتی را نیز مهیا کنند. در این صورت کشورها به ظرف تولید ثروت تبدیل شده از ظرف‌های امنیتی خارج شده و این فرایند آنها را به سمت همکاری‌های بیشتر می‌کشاند. در مقابل به‌دلیل تاثیرات مستقیم همسایگان در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی بر یکدیگر، هرگونه تنش و واگرایی بین همسایگان می‌تواند، منطقه را به‌سمت آشوب و بحران بکشاند. یکی از مناطق پیرامون ایران برای ایجاد روابط ژئوپلیتیک مبتنی بر منافع مشترک بعد از فروپاشی شوروری منطقه آسیای مرکزی است. آسیای مرکزی سرزمین پهناوری در قاره آسیا است که هیچ مرزی با آب‌های آزاد جهان ندارد و در انزوای ژئوپلیتیک قرار دارد؛ آسیای مرکزی در شمال شرق ایران قرار داشته و یکی از فضا‌های استراتژیک در مناطق ژئوپلیتیک حوزه پیرامون ایران است، اگرچه مرزهای دقیقی برای این سرزمین تعریف نشده است، اما آن را شامل کشورهای امروزی ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان می‌دانند. این منطقه از شمال به روسیه از جنوب به ایران و افغانستان از شرق به چین و از غرب به دریای خزر متصل است. وجود ذخایر انرژی و مسائل

ژئواستراتژیک ناشی از دوران جنگ سرد و رقابت‌های جهانی این منطقه را به یک منطقه ژئوپلیتیک در مقیاس کروی تبدیل کرده است. با توجه به وجود ظرفیت‌های عینی برای ایجاد رابطه ایران و منطقه آسیای مرکزی از جمله انزوای ژئوپلیتیکی این منطقه اما شکل نگرفتن روابط دیپلماسی نشان از این دارد که تحلیل روابط بین الملل مبتنی بر عینیات دارای کاستی‌های ژرفی بوده و به تنهایی عینیات قادر به تفسیر و تبیین پیچیدگی‌های نظام بین الملل و روابط بین‌الملل نیست. لذا هدف این تحقیق بررسی روابط بین ایران و آسیای مرکزی با رویکرد سازه‌نگاری است. رویکرد سازه‌نگاری رویکردی هویت محور است که بر ذهنیات و سازه‌های ذهنی برای تفسیر روابط بین دولت‌ها تاکید دارد و میتواند چارچوبی مناسب برای تبیین مسئله تحقیق باشد.

چارچوب نظری

سازه‌نگاری: تا دهه ۱۹۹۰ روابط بین‌الملل و پدیده‌های سیاسی مبتنی بر عینیات و ابژه محور بودند. در جهان سیاسی و ژئوپلیتیکی دهه ۱۹۹۰ نظریه‌ها و مکاتب پوزیتیویستی نتوانستند پدیده‌های سیاسی و تغییرات ژئوپلیتیکی آن مقطع را که متأثر از فروپاشی جهان دو قطبی و جنگ سرد بود به خوبی تبیین کنند. لذا رویکردهای جدید با مبانی و مفروضات جدیدی وارد عرصه علمی و دانشگاهی در علوم انسانی و اجتماعی شدند که از نظر هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی دارای تفاوت‌های ژرفی با مکاتب سنتی بودند. در مکاتب سنتی روش‌شناخت معرفت‌مبتنی بر عینیات و همان روش‌های علوم طبیعی بر اساس مشاهده و اثبات‌گرایی بود که در آنها

اهمیت ذهنیات و سوژه‌ها نادیده گرفته می‌شد. بعد از دهه ۱۹۹۰ با کشف روش‌های جدید فرائیباتی تحولات عظیمی در عرصه علوم انسانی به وقوع پیوست. در روش‌های جدید فرائیباتی و بر اساس ذهنیات و انگاره‌های ذهنی بودند و تاثیر انگاره‌های ذهن را در رفتار کنشگران دارای اثراتی غیر قابل چشم پوشی می‌دانستند. نظریه‌ها و مکاتب جدید در علوم انسانی بطور عام و روابط بین الملل بطور خاص تحولات عظیمی را به راه انداختند. یکی از نظریه‌هایی که به تفسیر چگونگی ایجاد روابط بین دولت‌ها پرداخت نظریه سازه‌نگاری الکساندر ونت بود. نظریه سازه‌نگاری منابع قدرت را غیر مشاهداتی قلمداد می‌کند و مبتنی بر روش هرمنوتیک است. سازه‌نگاری معتقد است که روابط بین‌الملل متأثر از سازه‌های ذهنی (هنجارها، ارزش‌ها، انگاره‌ها و ذهنیت‌ها) و عناصر فرهنگی و اجتماعی است.

سازه‌نگاری در روابط بین‌الملل بر این اصل بنا نهاده شده است که مقیاس سیاست خارجی ملی است و سیاست خارجی کشورها امتداد سیاست داخلی آنها بر اساس عناصر فرهنگی اجتماعی و سازه‌های ذهنی جامعه است. سازه‌نگاری فضای بین ذهنی را برای درک و فهم عمیق از مسائل در نظر گرفته و معتقد است که درک متفاوت باعث سیاست‌های متفاوت در سیاست خارجی می‌شود (مشیرزاده؛ طالبی آرانی، ۱۳۹۳). سازه‌نگارها تاثیر عینیات را در روابط بین‌الملل رد نمی‌کنند بلکه آن را متغیر وابسته به متغیر مستقل انگاره‌های ذهنی می‌دانند. سازه‌نگاری در روابط بین‌الملل معتقد به تغییر و تحول است و ماهیت نظام بین‌الملل را لوحی سفید می‌داند در عین حال تغییر و تحولات اجتماعی را تحت تاثیر روندهای تاریخی و زمان‌بر در نظر

می‌گیرد. سازه‌انگاری جهان سیاسی را برساخته اجتماعی می‌داند و متصلب فرض کردن کنشگری‌های سیاسی را انکار می‌کند و معتقد است که کنش‌های کنشگران سیاسی را هنجارها هدایت می‌کنند. فرض سازه‌انگاری این است که اهداف سیاست گذاران قابل تغییر است و این مفروضات آنها را در مقابل رئالیست‌ها و لیبرالیست‌ها قرار می‌دهد که ثبات اهداف را دنبال می‌کنند (مشیرزاده، ۱۳۹۴).

به عقیده سازه‌انگاران، بازیگران نظام بین‌الملل (دولت‌ها) با توجه به نقشی که آنها به ایشان و سایرین نسبت می‌دهند، رفتار می‌کنند. رفتار دولت‌ها به وسیله هویتشان تعیین می‌شود. ونت می‌گوید که تغییر هویتی که یک‌بار شکل بگیرد، دشوار اما ممکن است و دو شرط عمده باید وجود داشته باشد:

- باید دلیلی برای «فهم خویش در مسیر جدید» وجود داشته باشد. این وضعیت معمولاً زمانی که شکل جدیدی از تعامل اجتماعی به وجود می‌آید که غیرممکن است بر اساس یک درک قدیمی از «ما» و «آنها» رفتار کند، پدیدار می‌گردد.

- هزینه تشکیل هویتی جدید بدین دلیل که هویتی جدید است، نمی‌تواند بالاتر از سودی که به دست می‌آید باشد (Klotz, 2014:3).

طبق مفروضات سازه‌انگاری دولت‌ها به عنوان کنشگران نظام بین‌الملل به دنبال منافع هستند که به بازتولید هویت آنها کمک می‌کند و از منفعی که هویت آنها را با مخاطره مواجه می‌کند دوری می‌کنند. دولت‌ها از منظر سازه‌انگاری برعکس رئالیست‌ها به جای توازن قوا برای ایجاد امنیت از قوانین و مقررات و تفاهم نامه‌ها پیروی می‌کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۳:۱۱۵). که نمونه

آن امنیت کامل کانادا در برابر قدرت جهانی آمریکا بوده و این کشور هیچ وقت به فکر موازنه قوا برای تامین امنیت خود در برابر آمریکا اقدام نکرده است.

ژئوپلیتیک و سازه‌نگاری: ژئوپلیتیک عبارت است از مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست که در قالب یک الگو سه وجهی قابل تبیین است در این الگو سه حوزه فضا، محیط و انسان‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در حوزه فضا تعامل‌های فضایی و سیستم‌ها و ساختارهای فضایی مدنظر است و در حوزه محیط، ویژگی‌ها و عوامل محیط طبیعی و مصنوعی و در حوزه انسان‌ها خصلت‌ها و کارکردهای گروهی در ابعاد ذهنی و عینی مدنظر می‌باشد. این مفهوم جایگاه ویژه‌ای در مطالعات میان رشته‌ای و پژوهش‌های نظری در حوزه قدرت، سیاست، سرزمین، رقابت و همکاری دارد. ژئوپلیتیک مطالعه رقابت و همکاری قدرت‌ها برای سلطه بر منطقه یا جهان و افزایش قدرت ملی بر اساس امکاناتی است که جغرافیا در اختیار کنشگران سیاسی (ذهنیات) قرار می‌دهد یا امکاناتی که هر یک از قدرت‌ها از محیط و مزیت‌های جغرافیایی می‌گیرند (سلیمی؛ صادقی، ۱۳۹۶). ژئوپلیتیسین آمریکایی؛ کوهن معتقد است که ژئوپلیتیک مطالعه کاربردی روابط فضای جغرافیایی با سیاست است که تاثیر دو جانبه الگوهای فضایی، اشکال و ساختارها را با عقاید سیاسی و سازمان‌ها مورد مطالعه قرار می‌دهد. ژئوپلیتیک اجزای جغرافیای انسانی را برای بررسی کاربرد و مفاهیم قدرت به کار می‌گیرد. بحث در ماهیت مکان‌ها و فضاهای ژئوپلیتیک و ارتباطشان با

بقیه جهان یک نزاع قدرت بین منافع و گروه‌های و اجتماعات انسانی مختلف است. جان اگنیو^۱ مطالعه تاثیر جغرافیا بر روابط میان ملت‌ها را ژئوپلیتیک می‌نامد (Agnew, 1998:68). محور تمرکز ژئوپلیتیک به‌عنوان تلاش برای کنترل فضا و مکان بر اساس قدرت یا توانایی دستیابی به استراتژی خاص در مواجهه با مخالفت یا جایگزین‌ها استوار است و همچنین ژئوپلیتیک علم وضعیت‌یابی روندهای سیاسی توسط محیط جغرافیایی است. در ژئوپلیتیک نوین محققان در حال جستجو برای پارادایم‌های جدید برای پیش‌بینی مسیری هستند که نظام بین‌الملل می‌تواند در قرن بیست و یکم به سمت آن حرکت کند (Cohen, 1994:17). ژئوپلیتیک نوین دیدگاه‌های تازه‌ای در رابطه بین جغرافیا و سیاست برای توسعه پارادایم‌های ذهنی مطرح می‌کند. به‌طور کلی، ژئوپلیتیک علمی است که چگونگی قرائت جغرافیایی سیاست خارجی قدرت‌ها (کشورها) را در راستای تامین منافع ملی و ارتقای قدرت ملی در فضای رقابتی با سایر قدرت‌ها تفسیر می‌کند با این تفسیر ژئوپلیتیک (موقعیت جغرافیایی و داده‌های عینی) متغیر وابسته و سیاست متغیر مستقل است و ژئوپلیتیک تحت تاثیر ذهنیت‌ها و انگاره‌ها و سازه‌های ذهنی قرار می‌گیرد. ژئوپلیتیک علم رقابت و همکاری با سایر قدرت‌ها و ارتقای حوزه نفوذ و قدرت ملی است و نگاه ژئوپلیتیک در سیاست خارجی از درک چگونگی ارتباط بر اساس موقعیت جغرافیایی، مرزها، همسایگان، منابع و رقبا سرچشمه می‌گیرد. ژئوپلیتیک چگونگی سیاست‌گذاری در زمینه همکاری و رقابت را بر اساس داده‌های جغرافیایی تفسیر می‌کند.

^۱ Gohn Agnew

این رهیافت دارای عناصر و عوامل (عنصر دارای اراده) مختلف انسانی و طبیعی است و توسط کنشگرهای سیاسی در راستای استراتژی‌های کلان به کار گرفته می‌شوند ((Hurd, 2009). ژئوپلیتیک دارای زیرمجموعه‌های مختلفی از جمله ژئواکونومیک، ژئواستراتژیک، ژئوکالچر و ... است. هر کدام از زیرمجموعه‌های ژئوپلیتیک در ذات خود ماهیت رقابت و همکاری را دارا می‌باشند و کنشگران سیاسی با توجه به انگاره‌های ذهنی مشترک یا مبتنی بر سازه‌های ذهنی متضاد روابط مبتنی بر همکاری و تعامل تا رقابت را دنبال می‌کنند ((Caldara and Lacoviello, 2018:6). ژئوپلیتیک و روابط بین‌الملل دارای قرابت‌ها و شباهت‌های متعددی هستند. ژئوپلیتیک سیاست را متغیر مستقل و داده‌های جغرافیایی مبتنی بر عینیات را متغیر وابسته فرض می‌کند تا از طریق خوانش‌های ذهنی بر اساس اهداف استراتژیک از محیط جغرافیایی بهره برداری شود و چگونگی ایجاد روابط ژئوپلیتیکی تبیین گردد.

ژئواکونومیک و سازه انگاری: به عنوان شاخه‌ای از ژئوپلیتیک مطالعه جنبه‌های سیاسی و فضایی اقتصاد و منابع است. ژئواکونومیک شاخه‌ای از ژئوپلیتیک است که سیاست و منابع و اقتصاد را باهم بررسی می‌کند. ادوارد لوتواک^۱ در سال (۱۹۹۰ م) الگوی ژئواکونومیک را با مفهومی گسترده به روابط بین‌الملل و سایر دانش‌های سیاسی مرتبط با تحلیل‌های بین‌المللی وارد کرد. ایشان دهه نود را دهه‌ای می‌دانست که در آن مؤلفه‌های اقتصادی جایگزین اهداف نظامی و ژئواستراتژیک می‌شوند، به عقیده وی، عامل

^۱ Edward Luttwak .

منازعات و درگیری‌های قرن آینده دیگر همان محورهای کلاسیک قرون گذشته نیست، بلکه در کنار هر تنش و چالشی در فضاهای جغرافیایی عامل اقتصادی و منابع خودنمایی می‌کند. ویژگی نسبی استدلال لوتواک نشان می‌دهد که کشورها نقش سیاست‌های داخلی و ایدئولوژی‌ها را در تعیین رفتار اقتصادی خود دخیل می‌کنند. ژئواکونومیک روابط ساختاری بین منابع، سیاست و اقتصاد است و چگونگی توسعه اقتصادی را با استفاده از سیاست چگونگی بهره‌برداری از منابع و جریان‌ها در نظام بین‌الملل بررسی می‌کند (Luttwak, 1990:19). به‌طور کلی ژئواکونومیک مطالعه زمینه‌های همکاری و تنش بین کشورها بر اساس اقتصاد، سیاست و جغرافیا (منابع و موقعیت) است. سیاست (ذهن‌گرایی) جغرافیا را برای رسیدن به توسعه اقتصادی مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد.

ژئواستراتژیک و سازه‌انگاری: ژئواستراتژیک به بررسی روابط فی‌مابین استراتژی و عناصر جغرافیایی می‌پردازد. عناصر ثابت ژئوپلیتیک (عناصر جغرافیای طبیعی) شالوده ژئواستراتژیک را تشکیل می‌دهد چرا که عناصر طبیعی تأثیر عمیقی در کاربرد ابزار و امکانات دارد. ابزار و امکانات با توجه به شرایط جغرافیایی انتخاب شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد.

«مطالعه اهمیت محیط به‌طور اساسی در ارتباط با درک مسئله، شامل رفاه اقتصادی یا سیاسی نسبت به دیدگاه بین‌المللی، ژئواستراتژیک خوانده می‌شود». به‌عبارت دیگر بسیاری از تحلیل‌گران در مورد رابطه بین موقعیت، وسعت سرزمینی و قدرت ملی به‌تعمیم‌گرایی پرداخته‌اند. این دانش‌پژوهان «ژئواستراتژیک» ارزش و اعتبار فضا را از لحاظ اقتصادی و سیاسی و نظامی

مورد ارزیابی قرار می‌دهند و در مورد عملکرد روابط بین‌المللی در ارتباط با رعایت امنیت و مصالح ملی توصیه‌هایی را ارائه می‌نمایند (Julien, 2012: 65). ژئواستراتژیک عبارت است از مطالعه اثر عوامل استراتژیک محیط جغرافیایی، منطقه‌ای و جهانی روی تصمیم‌گیری‌های سیاسی حکومت‌ها و اثرگذاری‌های متقابل کشورها در ابعاد منطقه‌ای و جهانی، و سیاست‌های قدرتی. ژئواستراتژی در حقیقت علم کشف روابطی است که بین یک استراتژی و محیط جغرافیایی وجود دارد. موضوع ژئواستراتژیک بررسی عناصر جغرافیایی مبتنی بر استراتژیک و نائل آمدن به نتایج استراتژیک است. ژئواستراتژیک یعنی علم و هنر پیوند فعالیت‌های مبتنی بر فاکتور سیاست، استراتژی، جغرافیا و برخورداری از این پیوند در حرکات استراتژیک نظامی است. ژئواستراتژی را علم روابط ژئوپلیتیک با استراتژی دانسته و تأکید شده است که برای طراحی نظامی و شرکت مؤثر در جنگ و یا حتی فهم صحیح استراتژی و تاکتیک نظامی، آگاهی از تأثیر عوامل جغرافیایی بر عملیات نظامی ضرورت دارد. بر اساس این رویکرد، ترکیب جغرافیا، مسائل جهانی و عوامل استراتژیک، مناطق جغرافیایی ویژه‌ای را شکل می‌دهد که از آن می‌توان به منطقه ژئواستراتژیک تعبیر نمود (Conker, 2014: 31). ژئواستراتژیک علم شناخت موقعیت جغرافیایی خود و رقیبان از منظر عینی و ذهنی است بطوریکه که ژئواستراتژیک قرائتی فرامرزی دارد و سیاست خارجی کشورها در ابعاد سوژه و ابژه را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

هویت / ژئوکالچر و سازه انگاری: اصطلاح علمی ژئوکالچر از دو واژه ژئو (Geo) به معنی زمین و کالچر به معنی فرهنگ تشکیل یافته است. وجود

پیشوند ژئو در اصطلاح ژئوکالچر، به طبیعت واحد، یکپارچه و به هم پیوسته سیاره زمین اشاره می‌کند. پس تحلیل ژئوکالچر مستلزم برخورداری از یک نگرش جهانی به فرآیندهای فرهنگی است. بر اساس این تحلیل همواره، ملت‌ها از جایگاه خاصی برخوردار هستند. اگرچه در ابتدا توجه به ملت‌ها و روابط فرهنگی با آن‌ها، به‌عنوان عامل تأثیرگذار در سیاست خارجی، به کشورهای بزرگی که دارای سیاست خارجی گسترده بودند منحصر می‌شد؛ اما، به تدریج بسیاری از کشورها نیز به روابط فرهنگی با خارج توجه پیدا کردند و در حوزه سیاست خارجی آن‌ها بخشی به‌نام سیاست خارجی فرهنگی به‌وجود آمد. مطرح شدن «ژئوکالچر» نتیجه بالا گرفتن ایده‌های دهه (۱۹۷۰ م) ساموئل هانتینگتون درباره برخورد تمدن‌ها در ایالات متحده آمریکا است. آغاز دوران اثرگذاری تفاوت‌های تمدنی- فرهنگی، بر شکل‌گیری‌های سیاسی جهان در رقابت‌های قدرتی جدید، مفهوم پردازشی ژئوکالچر مطرح شد.

به‌طور کلی فرهنگ امروزه در اشکال مختلف در سیاست ملی و در سیاست‌های بین‌المللی نقش‌آفرینی می‌کند. از این‌رو نظریه‌های «برخورد تمدن‌ها» و یا «گفتگوی تمدن‌ها» خود منعکس‌کننده نقش‌آفرینی فرهنگ در روابط و مناسبات ابناء بشر و خلق الگوهای جنگ و عداوت، یا صلح و دوستی بین آن‌ها است. معقوله فرهنگ و هویت در چگونگی روابط بین دولت‌ها تأثیر گذار بوده و دارای نقشی تعیین‌کننده در جهان مدرن برای ایجاد روابط است. الکساندر ونت هویت را نتیجه تعامل می‌داند و معتقد است که در وضعیت طبیعی و قبل از تعامل هیچ هویت خودخواهانه‌ای ممکن نیست؛ براین اساس کنش‌گران، هویتی را که به دست می‌آورند بر اساس رویه شان می‌باشد

که آن را بدین گونه در آورده است و تغییر در این رویه موجب تغییر شناخت بینادهنی شده که نوع هویت کنش گر را قوام می بخشد. الکساندر ونت در زمینه چگونگی ساخته شدن هویت های گوناگون، آن ها را از منظر تعامل گرایی نمادین می نگرد که هویت کنش گران از طریق فرایند علامت دهی، تغییر و پاسخ صورت می گیرد (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۳۲۴). در واقع ونت با تکیه بر آرا تعامل گرایان نمادین بر آن است که نخست؛ اشخاص بر اساس معانی که چیزها و سایر کنش گران برای آنها دارند عمل می کنند، ثانیاً؛ این معانی در ذات جهان نیستند، بلکه در تعامل شکل می گیرند. به عقیده ونت، شرایط مادی مستقل از انگاره ها، حداقل دو اثر قوام بخش یا تکوینی خاص خود را دارند که یکی تعریف محدودیت های فیزیکی مکان پذیری و دیگری کمک به تعریف هزینه ها و سودهای سایر جریانات بدیل است. بر اساس عقیده ونت در ابتدا کنش گر بر اساس سابقه ای که در ذهن خویش دارد، وارد تعامل می گردد و نسبت به انگاره هایی که نسبت به تعامل جنبه برونزا دارد، یک نقش را به خود و نقشی را به دیگری نسبت می دهد که این جنبه شامل «نقش پذیری خود و قالب بندی دیگری است» (عابدی اردکانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۴۹). در حقیقت هویت عبارت است از فهم ها و انتظارات در مورد خود که خاص نقش است. هویت ها به طور همزمان به گزینش های عقلانی قوام می دهند.

یافته ها

۱- سازه های ناهمگون ژئوکالچری ج.ا.ایران و آسیای مرکزی

جمهوری اسلامی ایران: جمهوری اسلامی ایران با انقلاب اسلامی دچار تغییر و تحولات بنیادی شد. قبل از انقلاب اسلامی ساختار سیاسی اجتماعی

حاکم بر ایران متکی بر تاریخ ایران و فرهنگ ایرانی و اسلام زدایی از سیاست و سازه‌های اجتماعی سکولار بود. بیشتر گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی متکی بر فرهنگ و تمدن ایران باستان و تجلی دهنده فرهنگ غربی بود، که نمود عینی آن در کشف حجاب اجباری در دوران پهلوی اول بوده است. اما با انقلاب اسلامی تمامی سازه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از منظر ذهنی دچار تغییرات بنیادی متکی بر مذهب تشیع شدند و این گفتمان انقلاب اسلامی با نهادسازی در عرصه‌های مختلف در عینیات تجلی یافته است. انگاره‌های ذهنی دوران پهلوی مبتنی بر گفتمان سیاسی توسعه‌گرایی و غرب گرایی بود که در سیاست خارجی هم تجلی عینی پیدا کرده بود. سازه‌های ذهنی آن دوران با انگاره‌های ذهنی شوروری سابق که متکی بر مبانی کمونیستی و سوسیالیزم اقتصادی بود دو کشور را به سمت واگرایی و دور شدن از هم در ابعاد عینی سوق می‌داد و روابط ژئوپلیتیکی علی‌الرغم وابستگی‌های ژئوپلیتیکی مشاهداتی شکل نگرفت. با انقلاب اسلامی مذهب شیعه و انگاره‌های ذهنی آن در طول چهار دهه انقلاب اسلامی ایران با فراز و فرودهایی همراه بوده اما به طور کلی بیشتر سیاست خارجی ایران و روابط خارجی آن متکی و متأثر از انگاره‌های ذهنی مذهب تشیع و مبانی فقهی و حقوقی آن و قانون اساسی مبتنی بر آن بوده است. انقلاب اسلامی ایران نه تنها در سطح داخلی منجر به تغییرات عظیمی گردید، بلکه در سطح منطق ای و جهانی نیز تأثیرات شگرفی برای نظام بین الملل به همراه داشت. همانند هر انقلاب ایدئولوژیک دیگری، انقلاب اسلامی خواهان تغییر نظم سنتی و پایه‌ریزی نظمی جدید گردید. جهت‌گیری‌های انقلابی در سیاست‌های

داخلی، از جمله تغییر کامل سیستم‌های اقتصادی - سیاسی و فرهنگی داخلی و تلاش در جهت غرب‌زدایی و جهت‌گیری‌های جدید در حوزه سیاست خارجی از جمله نظریه صدور انقلاب، سیاست نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی که عمدتاً مبتنی بر تغییر وضع موجود و ارائه مدل جدیدی بود نوع و ماهیت روابط ایران و قدرت‌های غربی با محوریت آمریکا را تغییر داد. در نتیجه، ایران به عنوان مهم‌ترین متحد غرب و آمریکا در منطقه تبدیل به دشمن درجه یک غرب و آمریکا گردید. انقلاب اسلامی از منظر انقلابیون دارای پتانسیل اثرگذاری بر بیشتر کشورهای مسلمان منطقه بود که این انقلاب را به عنوان نقطه عطف برای رهایی از استعمار و حاکمان مستبد تلقی کنند (علی‌دادی، ۱۳۹۰: ۱۸۸). یکی از چالش‌های مهمی که انقلاب اسلامی برای ساختار نظام ژئوپلیتیک جهانی ایجاد کرد، تاثیرگذاری بر کشورهای اسلامی و جنبش‌های فعال در این کشورها بود که با پیروی از ایران منافع جریان‌های غیراسلامی را در کشورهای خود به خطر می‌انداختند. ظرفیت بالای انقلاب ایران برای گسترش به دیگر نقاط جهان، به ویژه خاورمیانه و نیز وجود شیعیان بسیار در خلیج فارس تهدیدی برای حکومت‌های طرفدار غرب در منطقه و همچنین قدرت‌های بزرگ جهانی بود. تحلیل انقلاب اسلامی در سطح کلان نشان می‌دهد که انقلاب ایران اساساً در تعارض با نظام بین‌الملل رخداد و ارزش‌ها و هنجارهایی و انگاره‌های ذهنی متأثر از مبانی فقهی و اسلامی را مطرح کرد که با منافع قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای تعارض داشت.

برخی از این ارزش‌ها عبارتند از: استقلال، آزادی، عدالت، حق تعیین سرنوشت، همبستگی و اتحاد مستضعفان، بیداری مسلمانان، حقانیت ملت‌های محروم، حق طلبی، همکاری، همیاری و از طرف دیگر مبارزه علیه قدرت طلبی، غارتگری، زورگویی، انحصارطلبی، پایگاه خارجی، تجاوز، امپریالیسم، استعمار، جهالت، تفرقه و اختلاف. انقلاب اسلامی ایران تلاش کرده است تا از طریق طرح این ارزش‌ها، افکار عمومی ملت‌های محروم و مستضعف جهان سوم را جهت تغییر و تحول نظام بین الملل تحت تأثیر قرار دهد و ارزش‌های مطرح شده را از طریق تبلیغ و الگودهی تبدیل به هنجار سازد. میراث فرهنگی مشترک یکی از مهمترین اجزای هویت جمعی است که سبب توافق فرهنگی می‌شود و کلیه ابعاد فرهنگی هر نظام اجتماعی را در برمی‌گیرد که به نحوی خود آگاه یا ناخودآگاه ما را تحت تأثیر قرار میدهد. میراث فرهنگی هر ملت که در هویت فرهنگی آن مؤثر است، مشتمل بر مجموعه مناسک عام، شیوه‌های معماری، سنت‌ها، اعیاد، اسطوره‌ها، عرف‌ها و فرهنگ مردم است. به تعبیری کلی، به نظر میرسد مجموعه خصلت‌های ملی، ارزش‌های حاکم بر جامعه و مردم، سنت‌های پذیرفته شده جامعه و اعتقادات کلی جامعه در میراث فرهنگی و آیین‌های سنتی تبلور می‌یابد. به همین دلیل، می‌توان میراث فرهنگی و هنری ایرانیان را یکی از نمادهای هویت ایرانی قلمداد کرد که حفظ و حراست آنها با پایداری جامعه ایرانی ارتباط دارد؛ و تقویت کننده فرهنگ جمعی هستند. در نتیجه بعد از انقلاب اسلامی بیشتر روابط ژئوپلیتیکی ایران متکی بر انگاره‌های ذهنی و خصوصیات فرهنگی با محوریت مذهب تشیع بوده است (زین العابدی، ۱۳۹۱: ۶۸). بیشتر روابط ایران و

مناطق جهان از جمله در رابطه با آسیای مرکزی برای بازتولید هویت جمعی در ایران و ارتقای بازوهای ژئوکالچری در منطقه بوده است. حمایت جمهوری اسلامی ایران از فلسطین علی الرغم در تضاد بودن با منافع عینی نمونه واضحی از تاثیر انگاره‌های ذهنی در ایجاد روابط جمهوری اسلامی ایران و مناطق و کشورهای مختلف بوده است.

آسیای مرکزی: تمام قوانین اساسی کشورهای آسیای مرکزی صراحتاً می‌گویند که حکومت این کشورها شکل سکولار دارد. اول از همه، کریمواف، نظربایف، آقایف و رحمانوف که بنیانگذاران کشورهای آسیای مرکزی بوده‌اند، تحصیلات خود را در دوران شوروی گذرانده‌اند و در نتیجه، متأثر از تفکرات مارکسیستی درباره دین و اعتقادات مذهبی هستند. رژیم کمونیسم، اسلام را دینی خشونت طلب و ابتدایی تصور می‌کرد و جهاد افغان‌ها ضد ارتش سرخ، باعث تقویت چنین عقایدی شد. به علاوه، نخبگان سیاسی منطقه، قوانین سیاسی عرفی به سبک غربی را تدوین کردند تا تمایلات غرب گرایانه خود را به نمایش گذارند. در اوایل دهه ۱۹۹۰، سکولاریسم ضامن هم آهنگی قومی در جمهوری‌های تازه تأسیس آسیای مرکزی تلقی می‌شد منطقه‌ای که در آن تعداد فراوانی غیر مسلمان (مانند روس‌ها، اوکراینی‌ها، آلمانی‌ها، یهودیان و یونانی‌ها) زندگی می‌کردند.

نقشه ۱: موقعیت آسیای مرکزی



تاریخ آسیای مرکزی حاکی از آن است که در زمان شوروی سابق طی ۷۰ سال تلاش‌های زیادی صورت گرفته بود تا باورهای مذهبی در آسیای مرکزی را از بین ببرند. این تلاش‌ها در چارچوب سیاست‌های دولت کمونیستی شوروی که حاکم بر این مناطق بود صورت می‌گرفت. همچنین در زمان تسلط کمونیست‌ها بر آسیای مرکزی، آنها از همه ابزار قدرت از زور و سرکوب گرفته تا اعمال فشار بر نهادهای آموزشی استفاده می‌کردند تا نگرش دینی مردم را تغییر دهند و در این راستا نهادسازی کرده‌اند. امروزه قوانین اساسی همه کشورهای آسیای مرکزی، به اصل تفکیک دین از سیاست احترام

می‌گذارند. با فروپاشی شوروی و تشکیل جمهوری‌های جدید در آسیای مرکزی اغلب اعضای حزب کمونیست به مراحل بالایی می‌رسیدند مانند نظربایف در قزاقستان، اسلام کریمف در ازبکستان و امامعلی رحمانف و ... که همگی جزء فعالان حزب کمونیست بودند.

این حکومت‌ها هم مجدداً اسلام ستیزی را راه انداختند. البته نه از طریق مقابله مستقیم با اسلام بلکه به عنوان دولت‌های سکولاری که نمی‌خواهند دین وارد سیاست شود. جامعه آسیای مرکزی فقط در خارج از شهرهای بزرگ به مذهب گرایش دارند و به مبانی مذهبی خود عمل می‌کنند و در شهرهای بزرگ چنین گرایش‌هایی در سطح وسیع وجود ندارد. به طور کلی از بعد هویتی، مذهبی، زبانی کشورهای آسیای مرکزی دارای ناهمگونی و ناهمسانی‌های متعددی در بعد ذهنی با سازه‌های بین‌الذهانی در ساختاری سیاسی و اجتماعی ساختار سیاسی ایران هستند. اقوام مختلف با گرایش‌های متعدد و ملت سازی ضعیف باعث شده است که انسجام هویتی در این منطقه مشهود نباشد. قوانین سکولار، گرایش نسل جوان به فرهنگ غیر دینی، دولتمردان سکولار و نهادهای اجتماعی باعث شده است که این منطقه هویتی چندگانه و غیر مذهبی به خود بگیرد (شکوهی و حاجی آبادی، ۱۳۹۷: ۱۵۷). با توجه به فراز و فرودهای تاریخی و تحولات سیاسی اجتماعی گروه‌های مذهبی این منطقه به سمت افراطی‌گرایی گام برداشته‌اند و با توجه به اینکه اکثریت جامعه آسیای مرکزی سنی مذهب هستند لذا سنی‌های افراطی تشیع را در تضاد با انگاره‌های ذهنی خود می‌پندارند.

۲- سازه های ناهمگون ژئواکونومی

جمهوری اسلامی ایران: اقتصاد پدیده‌ای است که نظام سیاسی کشورها با توجه به آن شکل می‌گیرد و به صورت امری کاملاً سیاسی و حکومتی ظاهر می‌شود. در این روند برای تعیین و تثبیت نظام اقتصادی حاکم بر اقتصاد کشورها به طور معمول در قوانین اساسی اصولی گنجانده می‌شوند که نشان‌دهنده نگرش حاکمیت به مسئله اقتصاد و نوع اقتصاد حاکم بر هر کشور می‌باشند. این اصول با طرح دیدگاه‌های کلی درباره مسائل اصلی اقتصاد جامعه و پرهیز از ورود به موارد جزئی و متغیر نقشی کاملاً مؤثر در سامان‌دهی اقتصاد هر کشور متناسب با نگرش مورد پذیرش جامعه و حاکمیت سیاسی آن دارند. فصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران طی ۱۳ اصل به طراحی اصول کلی اقتصادی جامعه پرداخته است. آنچه در شرایط اول انقلاب بیش از هرچیز فضای کشور را به دلیل ماهیت ضد استعماری انقلاب اسلامی مردم ایران تحت تأثیر قرار داده بود اندیشه مبارزه با استثمار و استعمار، و احقاق حق پابرهنگان و برتری کوخ‌نشینان بر کاخ‌نشینان بود. در شکل‌گیری این فضا و ایجاد نگرش منفی نسبت به سرمایه‌داری دو عامل سیاسی و اقتصادی به جامانده از روندهای سیاسی اجتماعی جامعه ایران مؤثر بوده‌اند.

در تدوین تمامی اصول اقتصادی قانون اساسی سعی شده از یک سو بخش خصوصی محدود و کنترل شود و از سوی دیگر استثمار و بهره‌کشی از دیگران به شدت مورد منع قرار گرفته است. این‌ها همه نشان‌دهنده عمق نگرانی و عدم اطمینان نسبت به بخش خصوصی و سرمایه‌داری خصوصی در آن سال‌ها

است. در قانون اساسی بخش دولتی یکی از سه بخش نظام اقتصادی جمهوری اسلامی شمرده شده است و تعلق یک مجموعه فعالیت اقتصادی به یک بخش بدین معناست که تمامی شئون اداره این مجموعه از جمله درآمد و هزینه آن در اختیار دولت باشد. دولت می تواند در بخش دولتی، علی رغم آنکه مدیریت و تصدی مستقیم ندارد، با استفاده از برنامه ریزی اجباری به گونه ای عمل کند که در صورت عدم تحقق خواسته هایش و عدم انطباق فعالیت های انجام شده با برنامه های مصوب، دخالت مستقیم کند. میزان و درجه استقلال و وابستگی بانک مرکزی به دولت نقش تعیین کننده ای در چگونگی شکل گیری ساختار تصمیم گیری در هر نظام اقتصادی دارد. بانک مرکزی به عنوان بانک بانک ها و نیز بانک دولت از بازیگردانان اصلی صحنه اقتصاد هر کشور است. امکان دست اندازی آسان دولت در بانک مرکزی، قدرت اقتصادی دولت را به نحو چشم گیری افزایش و بخش های دیگر اقتصاد را در موضع انفعال قرار می دهد. قانون اساسی جمهوری اسلامی در این مورد، ساکت است و در حقیقت، این مسئله به قوانین عادی کشور واگذار شده است و آنچه هم اکنون جریان دارد، ارتباطی به قانون اساسی ندارد (نواختی و رضایی، ۱۳۹۲: ۱۴۱).

مشکلات اقتصادی ایران در سطح داخلی باعث شده است که ایران نتواند وارد بلوک بندی های اقتصادی و منطقه گرایی اقتصادی شود. منطقه گرایی در سیاست بین الملل به گسترش قابل ملاحظه همکاری های سیاسی و اقتصادی میان دولت ها و سایر بازیگران در نواحی جغرافیایی خاصی اشاره دارد. اصولاً منطقه به صورت ترکیبی از نزدیکی جغرافیایی، درجه بالای تعاملات، چارچوب های سابقه فرایند همگرایی و نهادی و هویت های فرهنگی مشترک

تعریف می‌گردد. بر همین اساس جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور مهم و تاثیرگذار در منطقه‌ای استراتژیک، با پایان یافتن جنگ تحمیلی و خصوصا از روی کار آمدن دولت سازندگی تا کنون، اگرچه با فراز و نشیب هایی اما، همواره با اتخاذ رویکرد منطقه گرایی و همکاری منطقه‌ای و با بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و سازمان‌های بین المللی، به این موضوع مهم توجه داشته است. اما علیرغم این تلاش‌ها نتوانسته است در راستای اهداف اقتصادی بهره لازم را ببرد. ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی خود در بین بحران‌های منطقه‌ای عراق و افغانستان و همسایگی با کانون‌های بحران خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز، آسیای جنوبی (هندو پاکستان) و بازیگر مهم بحران سوریه و چالش‌های لبنان، به هر شکل ممکن با مسائل امنیت بین الملل در ارتباط مستقیم بوده و ظرفیت‌های اقتصادی و ثروت ملی را صرف دفاع از استقلال سیاسی و صرف گفتمان سازی مذهبی کرده است. جمهوری اسلامی ایران تمام تلاش و تکاپوی خود را طی حیات سیاسی حفظ کیان سیاسی کرده است (جدی، ۱۳۹۸: ۲۱۰).

از این رو می‌توان گفت؛ تنها واحد سیاسی در خاورمیانه است که ابتدا یک واحد امنیتی، سپس یک واحد سیاسی و در انتها یک واحد معدنی، تجاری و اقتصادی قلمداد می‌گردد و به نظر می‌رسد تا زمانی که نتواند مانند بسیاری از کشورهای تاثیر گذار دنیا، حداقل در سطح سیاست‌های عمومی خود را به عنوان یک بازیگر با رویکرد اقتصادی و تجاری مطرح کند نمی‌تواند به سمت بلوک‌بندی‌های منطقه‌ای حرکت کند و به ظرف تولید ثروت در اقتصاد جهانی تبدیل گردد. مشکلات اقتصادی ایران در سطح ملی متأثر از قانون اساسی

بسته و اقتصاد ارزشی و در سطح منطقه‌ای رقابت‌های ایدئولوژیک با قدرت‌های رقیب و در سطح جهانی مشکلات تحریم و تحمیل سیاست انزوای اقتصادی و تجاری ایران توسط آمریکا است.

آسیای مرکزی: در روند جهانی شدن، اقتصاد ملی باید در ارتباط با اقتصاد جهانی تعریف شود، زیرا از یک سو اقتصاد و تجارت واحدهای ملی از یکدیگر مجزا نخواهند بود و از سوی دیگر هیچ کشوری را توان گریز از آثار و تبعات جهانی شدن نیست. چرا که کشورها یا از طریق پذیرش اصول اقتصادی جهانی شدن همچون تجارت آزاد و عضویت در سازمان تجارت جهانی به صف کشورهای موافق با این پدیده می‌پیوندند و یا از طریق پیش گرفتن مواضع انزواجویانه از نظام اقتصاد و تجارت جهانی به گروه مخالفان جهانی شدن می‌پیوندند؛ که در هر دو صورت باید توان خود را صرف موافقت یا مخالفت نمایند. از این رو با قدرت گرفتن مدیریت سیستم اقتصاد بین المللی، وابستگی‌های اقتصادی، کشورها را به یکدیگر متصل می‌کند و در چنین شرایطی بروز بحران‌های اقتصادی در هر نقطه‌ای از جهان می‌تواند به سرعت دامن‌گیر کشورهای منطقه و جهان گردد. بنابراین دوری جستن از فرایند جهانی شدن اقتصاد و اصول و الزامات آن باعث پدید آمدن نوعی از هم‌گسیختگی در توسعه ملی می‌شود. لذا هر اندازه در پیوستن به پدیده جهانی تاخیر ایجاد شود، به همان نسبت انطباق مجدد اقتصاد ملی با شرایط اقتصاد و تجارت بین الملل نیز دشوارتر می‌گردد و هر چه یکنواختی و نفوذ متقابل اقتصادی افزایش یابد آن دسته از کشورها و مناطقی که قادر یا مایل به ادغام در نظام جهانی نیستند بیشتر منزوی شده و به حاشیه رانده

می‌شوند و شکاف بین غنی و فقیر به نفع کسانی که دارای بیشترین ثروت‌های مورد نیاز جهان هستند افزایش می‌یابد. در حال حاضر نقش کشورهای منطقه آسیای مرکزی در روند جهانی شدن اقتصاد رقم خورده و از اهمیت شایانی نیز برخوردار است. در واقع جز در دوران اتحاد شوروی، آسیای مرکزی همواره از جایگاه و اهمیت بالایی برخوردار بوده و مورد رقابت و منازعه قدرت‌های گوناگون قرار گرفته است (متقی و قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۵). از این رو اقتصاد و امنیت کشورهای آسیای مرکزی نمی‌تواند جدای از اقتصاد و امنیت منطقه‌ای و جهانی مورد بررسی قرار گیرد. آسیای مرکزی پس از جنگ سرد به عنوان منطقه‌ای برخوردار از امکانات بالقوه اقتصادی و منابع سرشار زیر زمینی مجدداً به عنوان کانون و مرکز توجه جهانی قرار گرفته است.

قرار گرفتن در میان سه کشور چین، هند و روسیه می‌تواند پویایی خاصی به مناسبات اقتصادی این کشورها ببخشد و آسیای مرکزی می‌تواند نقش بزرگی را در معادلات منطقه‌ای اوراسیا ایفا نماید. علی‌الخصوص پس از ۱۱ سپتامبر که دیدگاه‌های امنیتی در سطح نظام بین الملل با تغییر و تحولات گسترده‌ای مواجه شد و با توجه به حضور نیروهای نظامی آمریکا در آسیای مرکزی که موجب پیدایی شرایط جدید در منطقه شد؛ اهمیت ژئوپلیتیک منطقه با اهمیت منابع انرژی آن تلفیق شده است. اهمیت فوق چنان نمود یافته که دیگر برای قدرت‌های بزرگ جهانی بی‌اعتنایی به تحولات داخلی و منطقه‌ای آسیای مرکزی ناممکن گردیده و حتی برخی آسیای مرکزی را قلب جهان در قرن آینده نامیدند و اعتقاد یافتند که بار دیگر بازی بزرگ در منطقه آغاز

شده و هر قدرتی بر این منطقه تسلط بیشتری یابد و منابع آن را زیر نفوذ خود درآورد، قدرت برتر جهان خواهد بود. از این رو اهمیت آسیای مرکزی برای دنیای سرمایه‌داری رو به جهانی شدن، علاقه مندی به رشد اقتصادی کشورهای منطقه و یا کمک به تسریع روند توسعه و پیشرفت آنها نیست، بلکه این اهمیت در ازای موقعیت جغرافیایی و بهره برداری از منابع غنی انرژی منطقه است که کشورهای مختلف و در صدر آنها ایالات متحده را وارد منطقه کرده است. بدین ترتیب میراث به جا مانده از نظام اقتصاد کمونیستی شوروی سابق، منابع طبیعی تلف شده و آسیب‌های محیطی تا حد بسیاری کشورهای منطقه را آسیب‌پذیر کرد. با توجه به ظرفیت‌های بالای اقتصادی در کشورهای آسیای مرکزی و در حالی که همگرایی و همکاری‌های منطقه‌ای در مواردی همچون ایجاد ساز و کارهای امنیتی، مدیریت صحیح آب و انرژی، مبارزه با قاچاق مواد مخدر، قراردادهای تجاری و بازرگانی، کاهش حقوق گمرکی، شکل‌گیری راههای ترانزیتی میان کشورهای منطقه و ایجاد مسیرهایی برای حمل و نقل کالا می‌تواند آسیب‌پذیری کشورها را در مقابل حوادث گوناگون کاهش دهد و این منطقه را به اقتصاد جهانی متصل کند.

۳- سازه‌های ناهمگون ژئواستراتژیکی

جمهوری اسلامی ایران: پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ و شکست سیاست دو ستونی آمریکا در خاورمیانه و ناکامی طرح ژاندارمی منطقه، تمامی معادلات و محاسبات سنتی حاکم بر منطقه خلیج فارس و خاورمیانه را بهم ریخت. این رخدادها فاکتور مثبت دیگری بر ارزش ژئوپلیتیکی مناطق استراتژیک دیگر افزود و روز به روز، ارزش و اعتبار این

مناطق برای دولت‌های غربی بیش‌تر گردید. گرچه این مناطق قبل از وقوع این حوادث نیز به دلیل قرار گرفتن بر سر راه سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا و موقعیت ژئوپولیتیکی، از اهمیت قابل توجهی برخوردار بود، ولی در حال حاضر به دلیل وجود منابع عظیم نفتی و هم‌چنین ایجاد سدی در برابر نفوذ ایران در کشورهای منطقه و جلوگیری از به خطر افتادن منافع آنان، دارای ارزش و جایگاه خاصی می‌باشد.

تشکیل شورای همکاری خلیج فارس، نیروهای واکنش سریع، حضور پررنگ آمریکا در منطقه، واگذاری ده‌ها پایگاه نظامی به آمریکا و متحدانش، تحریم و اعمال فشار بر ایران و شرکای منطقه‌ای‌اش و... به عنوان بخشی از تلاش‌های جهانی و منطقه‌ای برای اعمال فشار بر ایران و بر هم زدن موازنه ژئوپلیتیکی به نفع خود و در نهایت تغییر رفتار ایران در بازی سیاست خاورمیانه می‌باشد. گفتمان انقلابی در جمهوری اسلامی ایران و هویت جمعی متاثر از نهادسازی‌های حکومتی را در سطح ژئواستراتژیک بصورت ذهنی پردازش کرده‌اند که قدرت‌های جهانی با محوریت آمریکا حق نفوذ، دخالت و حضور در منطقه جهان اسلام و خاورمیانه را ندارند و قدرت‌های جهانی استعمار نوینی هستند که از طریق نفوذ خواستار عملیاتی کردن اهداف خود در منطقه جهان اسلام هستند. لذا حضور آنها در راستای تضعیف هویت اسلامی و انتقال هویت غربی به منطقه است. انگاره‌های ذهنی جمهوری اسلامی ایران در منطقه در حال گفتمان سازی برای شکل‌گیری گروه‌های هویتی است که حضور نظامی و پایگاه‌های نظامی قدرت‌های جهانی را بر ضد منافع جهان اسلام قلمداد کند و این قدرت‌ها را دشمن بپندارند.

آسیای مرکزی: امروزه رویکرد و استراتژی برخی کشورها و قدرتهای فرامنطقه‌ای نسبت به منطقه حساس و مهم آسیای مرکزی، افزایش یافته است. این مسأله بی‌تردید متأثر از جایگاه و نقش این منطقه در ثبات امنیتی و اقتصادی در نظام بین الملل است. وجود منابع قابل توجه انرژی و وابستگی بسیاری از کشورهای فرامنطقه‌ای به آن، وقوع جنگ‌های داخلی، وجود چالش‌هایی همچون خطر بنیادگرایی اسلامی، تهدیدهای تروریستی، همسایگی این منطقه با افغانستان، سر برآوردن قدرتهای تاثیرگذار منطقه‌ای همچون جمهوری اسلامی ایران و موارد دیگر، آسیای مرکزی را به یکی از مهمترین و تاثیرگذارترین مناطق دنیا تبدیل کرده است. با این حساب، می‌توان از استراتژی برخی کشورها و سازمان‌های فرامنطقه‌ای در آسیای مرکز با عنوان استراتژی نفوذ یاد کرد. با توجه به این مهم، آسیای مرکزی از گذشته جذابیت خاصی داشته و کشورها و قدرتهای جهانی را به خود معطوف کرده است. رقابت قدرتهای بزرگی چون روسیه، ناتو و چین در این منطقه، دلیلی جز آگاهی آنها به جایگاه و اهمیت این منطقه در جهان رقابتی کنونی ندارد (قادری حاجت و نصرتی، ۱۳۹۱: ۸۸). از این رو، کشورهایی همچون روسیه و چین، ایالات متحده و اتحادیه اروپا، از مهمترین قدرتهایی هستند که سعی در نفوذ و حضور در آسیای مرکزی را دارند و همواره در جهت کسب منافع در این منطقه تلاش کرده‌اند.

در این میان، یکی از سازمان‌های نظامی و امنیتی که در برگیرنده کشورهای غربی است و از سال‌ها پیش زمینه نفوذ و حضور در آسیای مرکزی را فراهم کرده است، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) است. واقعیت آن است که

ناتو پس از فروپاشی شوروی دچار بحران هویت شد و کارکرد اصلی خود که مبارزه و مقابله با کمونیسم بود را از دست داد. اما تصمیم سران ناتو بر ادامه حیات این نهاد تأکید داشت از این رو ناتو مجبور بود اقدام‌هایی را برای تقویت خود جهت خروج از بحران اتخاذ کند. پس از فروپاشی شوروی سران و برنامه‌ریزان این سازمان، تصمیم به گسترش ناتو در سه حوزه جغرافیایی، کارکردی و عملیاتی گرفته و با تدوین مفاهیم راهبردی در سالهای ۱۹۹۱ و ۱۹۹۹ شرایط بهتری را برای خود به وجود آوردند. اما حادثه ۱۱ سپتامبر نقطه عطفی بود که ناتو را از بحران واقعی خارج کرد و آنرا وارد مرحله نوینی از حیات خود ساخت؛ چرا که اینبار ناتو با حربه مبارزه با تروریسم و تهدیدهای نوین تصمیم‌های فرامنطقه‌ای اتخاذ کرد و به این ترتیب به طور رسمی به افغانستان که در مجاورت آسیای مرکزی واقع است وارد شد. حضور و نفوذ قدرت‌های جهانی و ناتو با محوریت آمریکا نشان از این دارد که این کشورها و ساختار حاکم بر آنها با توجه به روندهای تاریخی که گذرانده‌اند از اقتصاد سیاسی لیبرال استقبال می‌کنند و حضور و نفوذ قدرت‌های جهانی در این منطقه را عامل پیشرفت و توسعه و رسیدن به رفاه قلمداد می‌کنند (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۰۱). کشورهای آسیای مرکزی حاکمیت قدرت‌های جهانی را برای رهایی از نفوذ و اعمال قدرت روسیه برای امنیت خود لازم و ضروری می‌دانند و برای خروج از انزوای ژئوپلیتیکی و یک جانبه‌گرایی روسیه، توسعه نیافتگی و مشکلات اقتصادی پشتیبانی از سیاست‌های قدرت‌های غربی را برای بهبود وضعیت موجود لازم و ضروری می‌دانند.

نتیجه گیری

نتایج تحقیق نشان می دهد که با توجه به پیچیدگی های سیاست و روندهای تاریخی اجتماعی آن نمی توان صرفا بر مبنای عینیات و پدیده های مشاهداتی به تحلیل مسائل سیاسی و ژئوپلیتیکی در روابط بین الملل پرداخت. سازه انگاری یکی از رهیافت های تحلیل منازعه و همکاری در روابط بین الملل است. شیوه تحلیل این رهیافت متکی بر سازه های ذهنی و غیر مشاهداتی است. سازه انگاری عینیات را بدون اثر قلمداد نمی کند بلکه آن را متغیر وابسته انگاره های ذهنی می داند. و در این نوع از تحلیل روابط بین الملل عینیات و داده های جغرافیایی ابزارهای برای بازتولید هویت جمعی و نهاد سازی در راستای رسیدن به اهداف ذهنی است. با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران کشوری ایدئولوژیک و مبانی حقوقی آن متأثر از فقه شیعی است لذا یکی از بهترین رهیافت ها برای تحلیل روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورها و مناطق دیگر رهیافت سازه انگارانه است.

یکی از مناطق استراتژیک برای ایجاد روابط ژئوپلیتیکی از منظر عینیات و عوامل و عناصر مشاهداتی منطقه آسیای مرکزی است. این منطقه علی الرغم داشتن منابع انرژی زیاد ولی در تنگنای ژئوپلیتیکی قرار داشته و برای ایجاد روابط ژئواکونومیک نیازمند فضاهای جغرافیایی پیرامون است. یکی از فضاهای آسان و مطمئن برای برون رفت آسیای مرکزی از انزوای ژئوپلیتیکی برای دسترسی به دریاهای آزاد فضای سرزمینی جمهوری اسلامی ایران است و جغرافیای ایران می تواند در راستای انتقال انرژی کشورهای آسیای مرکزی نقشی گسترده ایفا کند و کشورهای آسیای مرکزی را به بازارهای عمده

جهانی و ترمینال های انرژی برساند. از طرف دیگر کشور ایران برای توسعه اقتصادی نیازمند روابط ژئوپلیتیکی گسترده با پیرامون خود به طور عام و آسیای مرکزی به طور خاص است. علی الرغم وابستگی های متقابل جمهوری اسلامی ایران و منطقه آسیای مرکزی اما روابط ژئوپلیتیکی بین جمهوری اسلامی ایران و آسیای مرکزی شکل نگرفته و یا بصورت خیلی محدود بوده است. لذا با بررسی و تحلیل روابط به این نتیجه می رسیم که رهیافت های مشاهداتی توانایی و قابلیت حل خیلی از مسائل را در فضاهای سیاسی ندارند. با تحلیلی سازه انگارانه مبتنی بر انگاره های ذهنی، هویت و هنجارها در روابط بین جمهوری اسلامی ایران و آسیای مرکزی به این نتیجه می رسیم که سازه های ذهنی بین منطقه آسیای مرکزی با جمهوری اسلامی ایران سازه های ناهمگون هستند و روابط فی مابین را تحت تاثیر خود قرار داده و منطقه را به سمت واگرایی برده اند. تحلیل ژئوپلیتیکی مبتنی بر روش شناسی، معرفت شناسی و هستی شناسی سازه انگارانه نشان می دهد که در ابعاد ژئوکالچر، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک سازه های ذهنی و انگاره های ناهمگون مانع اصلی ایجاد روابط ژئوپلیتیکی بوده اند. در ابعاد ژئوکالچری جمهوری اسلامی ایران کشوری است با اکثریت شیعه مذهب و قانون اساسی و نهادهای مجری در این کشور متأثر از ایدئولوژی شیعه است. ایدئولوژی شیعه در سیاست خارجی ایران دارای تاثیرات ژرفی است و بیشتر سیاست خارجی ایران مبتنی بر حمایت از مستضعفین جهان و اشاعه و ترویج فرهنگ شیعی است. در برابر منطقه آسیای مرکزی با توجه به روندهای تاریخی و اجتماعی دارای عدم انسجام و چند هویتی در بعد مذهبی است. مذهب این منطقه بیشتر اهل

تسنن است اما با توجه به تاثیرات تاریخی اجتماعی کمونیسم در دوران شوری گرایشهای مارکسیستی هنوز هم در این منطقه موجود است. و از طرف دیگر با توجه به دولت سازی سکولار در این منطقه لذا گفتمان سکولاریزم از طرف حاکمیت ترویج می شود. لذا مذهبیین با توجه به اینکه در دوران شوروی ثابتی توسط مکتب کمونیسم و بعد از فروپاشی شوروی توسط سکولارها به حاشیه رانده شدند لذا به سمت گروه های افراطی مذهبی گرایش پیدا کرده اند و مذهب شیعی را در تضاد با مبانی و مفروضات ذهنی خود قلمداد می کنند.

در کنار سازه ناهمگون مذهبی زبان رسمی اکثر این کشورها ترکمنی و زبان رسمی ایران فارسی است لذا با توجه به اهمیت زبان در بازتولید انگاره ها و گفتمان های ذهنی دو زبان بدون اشتراکات تاریخی و دستوری دو فضای ذهنی غیر همسان را تولید کرده اند. در بعد ژئواکونومیک اقتصاد ایران اقتصادی دولتی و بسته است و ذهنیات مردم ایران در تضاد با اقتصاد سرمایه داری است و با توجه به اهمیت کم رنگ اقتصاد آزاد در قوانین و مقررات لذا کشور ایران از منظر اقتصادی دارای ساختار اقتصادی رانته و دولتی بوده و تاکنون با گذشت چهار دهه نتوانسته که به نهادهای اقتصادی بین المللی بپیوندد و یا بلوک بندی اقتصادی خود را بیابد. از طرف دیگر با توجه به تحریم های آمریکا و غرب و رقبای منطقه ای لذا بیشتر ظرفیت ها و سرمایه های جمهوری اسلامی ایران صرف تامین امنیت شده و جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به ظرف تولید ثروت و ورود به بازهای جهانی با توجه به قوانین محدود کننده فاصله زیادی دارد. این وضعیت باعث شده که انگاره

های ذهنی و هنجارهای اقتصادی خاصی در جامعه ایران شکل گیرد. در طرف مقابل کشورهای آسیای مرکزی برای فروش منابع انرژی و توسعه اقتصادی و رفاه عمومی از اقتصاد جهانی و ورود به بازهای آزاد استقبال می کنند. در بعد اقتصادی سازه های ذهنی ناهمگون بوده و جمهوری اسلامی ایران ساختار اقتصادی خود را در تضاد با اقتصاد جهانی و ارتباط با نهادهای اقتصاد جهانی تفسیر می کند. در بعد ژئواستراتژیکی جمهوری اسلامی ایران در راستای بیرون کردن استعمار و امپریالیسم جهانی از منطقه جهان اسلام گام برداشته و این انگاره ذهنی در اوایل انقلاب سبب تسخیر سفارت آمریکا توسط انقلابیون شد در مقابل کشورهای آسیای مرکزی نزدیک شدن به غرب با محوریت آمریکا را فرصتی برای توسعه خود دانسته و با توجه به استقبال این کشورها ناتو در پیشروی به منطقه آسیای مرکزی است و این کشورها علی الخصوص قزاقستان با اسرائیل دارای روابطی دوستانه هستند. این سازه های ذهنی ناهمگون باعث شده اند که علی الرغم نیازهای متقابل عینی روابط بین جمهوری اسلامی ایران و منطقه آسیای مرکزی با سردی همراه باشد.

منابع

- جدی، حسین (۱۳۹۸) "بررسی تاثیر ساختار اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر ساختار سیاسی آن با تأکید بر فرایند مردم‌سالاری" سیاست متعالیه، شماره ۵، ۲۵.
- حافظ نیا؛ محمد رضا؛ شمس دولت آبادی، محمود؛ حسین افشردی، محمد (۱۳۸۶) "علائق ژئوپلیتیکی ایران در آسیای مرکزی و فرصتهای پیش رو" فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره سوم.
- زین العابدین، یوسف (۱۳۹۱) "نقش فرهنگ در پیوند ژئوکالچری ایران و آسیای مرکزی" خراسان بزرگ، سال چهارم، شماره ۱۰.
- شکوهی، سعید، حاجی آبادی، مرتضی. (۱۳۹۷). ناکامی اشتراکات ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری در همگرا ساختن ایران و کشورهای آسیای مرکزی. فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک، ۱۴(۵۲)، ۱۶۴-۱۴۹.
- علیدادی، شهربانو (۱۳۹۰) "انقلاب ایران و ژئوکالچر مقاومت در روابط بین الملل" مجله سیاست، دوره ۴۱، شماره ۴.
- قادری حاجت، مصطفی؛ مصرتی، حمید رضا (۱۳۹۱) "اهداف ژئوپلیتیکی قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای در آسیای مرکزی" فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۸، شماره ۲.
- متقی، ابراهیم و حجت کاظمی (۱۳۸۶)، "سازهانگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۴.
- متقی، ابراهیم؛ قاسمی، زهرا". (۱۳۹۲). نقش سیاسی و اقتصادی آسیای مرکزی در روابط بین‌الملل. مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ۴(۱۵)، ۱-۲۴.

- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳)، "احیای مکتب انگلیسی در روابط بین الملل"، فصلنامه سیاست خارجی، سال هجدهم، شماره ۷۱.
 - مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳)، "سازهانگاری به عنوان فرانظریه روابط بین الملل"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۵.
 - مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳)، "گفتگوی تمدن ها از منظر سازهانگاری"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۳.
 - مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶)، "تحول در نظریه های روابط بین الملل"، تهران: انتشارات سمت.
 - مشیرزاده، حمیرا؛ طالبی آرانی، روح الله (۱۳۹۰)، "نظریه های روابط بین الملل" انتشارات میزان.
 - معینی علمداری، جهانگیر و عبدالله راسخی (۱۳۸۹)، "روش شناسی سازهانگاری در حوزه روابط بین الملل"، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، سال دوم، شماره ۴.
 - نواختی مقدم، امین؛ رضائی پناه، امیر (۱۳۹۲) "بسترهای اقتصادی گفتمان های چیره در جمهوری اسلامی ایران (نشانه شناسی، رویکردها و کارکردها)، مطالعات سیاسی، دوره ۵، شماره ۱۹.
 - ونت، الکساندر (۱۳۸۴)، "نظریه اجتماعی سیاست بین الملل"، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
 - هادیان، ناصر (۱۳۸۲) "سازهانگاری: از روابط بین الملل تا سیاست خارجی" فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۶۸.
-
- Caldara, D. & Iacoviello, M. (2018), "Measuring Geopolitical Risk", *FRB International Finance Discussion Paper*, Number 1222.
 - Cohen, S. B. (1994), *Geopolitics in the New World Era: A New Perspective on an Old Discipline, Reordering the*

World: Geopolitical Perspectives on the 21st Century, 15-48.

- Conker, A. (2014), "An Enhanced Notion of Power for Inter-state and Transnational Hydropolitics: An Analysis of Turkish-Syrian Water Relations and the Ilisu Dam Conflict Between the Opponents and Proponents of the Dam" (Doctoral dissertation, University of East Anglia).
- Hall, D. (2004). Branding and national identity: the case of Central and Eastern Europe. *Destination branding*, 87-105.
- Klotz, A., & Lynch, C. M. (2014). *Strategies for research in constructivist international relations*. Routledge.
- Luttwak, E. N. (1990), "From Geopolitics to Geo-economics: Logic of Conflict, Grammar of Commerce", *The National Interest* (20): 17-23.

بررسی نقش مناطق آزاد تجاری در توسعه روابط ایران و
کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا از منظر جغرافیای سیاسی
(مورد مطالعاتی: منطقه آزاد تجاری - صنعتی انزلی)

عمران علیزاده^۱، مینا کرم بجاری^۲، آیه شعبانی^۳

^۱ رییس مرکز تحقیقات اقتصاد سیاسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی

^۳ دانشجوی دکتری جغرافیای شهید بهشتی و نویسنده عهده‌دار مکاتبات ayehabani@yahoo.com

چکیده

منطق رقابت های راهبردی پس از جنگ سرد، جز در مناطق ویژه ای از جهان دیگر از ماهیت نظامی پیروی نمی کند. رقابتهای ژئوپلیتیک با افول جایگاه تقابلات نظامی، ماهیتی اقتصادی - تجاری به خود گرفته اند. از طرف دیگر ویژگیهای جغرافیای سیاسی ایران در حد فاصل منطقه آسیای مرکزی، خزر، خلیج فارس و غرب آسیا همواره زمینه های بالقوه ای را برای پیشبرد اهداف اقتصادی - منطقه ای در سیاست خارجی ایران ایجاد کرده است. عضویت در اتحادیه های منطقه ای که صرفا با اهداف بنیادی اقتصادی تشکیل شده اند یکی از این راههاست و اتحادیه اقتصادی اوراسیا یکی از این اتحادیه هاست که ج.ا.ا. قصد دارد در راستای دستیابی به اهداف ملی خود در صدد تعامل و همکاری با آن بر آید. منطقه آزاد تجاری - صنعتی انزلی با موقعیت ویژه ای واقع شدن در کرانه دریای خزر و مسیر کریدور بین المللی شمال - جنوب، خیز بلندی برای توسعه روابط با کشورهای حاشیه دریای خزر و افزایش ترانزیت و تجارت داشته است.

این تحقیق با استفاده از روش توصیفی تحلیلی وبا استفاده از اسناد کتابخانه ای و فضای مجازی در تلاش به پاسخ به این پرسش است که منطقه آزاد انزلی در این بین چه نقشی ایفا میکند؟

نتایج حاصل از این تحقیق نشان میدهد منطقه آزاد بندر انزلی یک فرصت و ظرفیت مناسب برای تجارت ج.ا.ا. است. پیش بینی می شود که توافقنامه اوراسیا موجب توسعه تجارت ایران با کشورهای عضو شود در این راستا باید ظرفیت های بندری کشور و زمینه تعامل بیشتر تجار را با دستگاه های دولتی و حاکمیتی افزایش داد. با توجه به موافقتنامه اوراسیا چشم انداز مثبتی در این منطقه وجود دارد، موافقتنامه اوراسیا فرصت خوبی برای توسعه بندر انزلی نیز است. اگر مدیریت متمرکز و ظرفیت سازی صورت نگیرد، دستاوردی نخواهیم داشت، از اینرو باید تلاش کرد تا در فرآیند مبادلات تجاری منافع حداکثری را کسب کنیم.

واژگان کلیدی مناطق آزاد تجاری، اتحادیه اوراسیا، منطقه آزاد تجاری - صنعتی انزلی، دریای خزر

۱. مقدمه:

ایده‌ی ایجاد مناطق آزاد تجاری به پس از جنگ جهانی دوم بر می‌گردد که در آن کشورهای زیادی به استقلال رسیدند، این کشورها در صدد برآمدند تا آثار عقب ماندگی را از بین ببرند. در این راستا، رسیدن به استقلال اقتصادی-صنعتی را یکی از مهم‌ترین عوامل پیشرفت دانسته و بدینجهت در پی یافتن نظریه‌ها و راهبردهایی بودند که هر چه سریع‌تر آثار عقب ماندگی را زدوده و صاحب صنعت شوند. همان‌طور که در قلب سیاست جایگزینی واردات، حمایت از صنایع نوزاد بود، در قلب سیاست توسعه‌ی صادرات بحث ایجاد مناطق آزاد تولیدی و تجاری مطرح بود و ادعا می‌شد اگر چنین مناطقی ایجاد شود در بسیاری از کمپانی‌های خارجی انگیزه‌ی سرمایه‌گذاری در این مناطق ایجاد خواهد شد که به تبع آن، تکنولوژی جدید، اشتغال جدید و توان صادرات و ارز از آن حاصل خواهد گردید که توسعه‌ی صنعتی کشور را به دنبال خواهد داشت؛ لذا مناطق آزاد تجاری مورد توجه قرار گرفتند. (عبدی نژاد، ۱۳۹۴)

از طرح اولین پیشنهاد در خصوص همکاری‌های اقتصادی در میان کشورهای حوزه اوراسیای مرکزی در سال ۱۹۹۴ تا تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیای در سال ۲۰۱۵، بیش از دو دهه می‌گذرد. طی این مدت در جهت ایجاد

همگرایی اقتصادی در منطقه اوراسیای مرکزی اقدامات متفاوتی همچون تشکیل جامعه اقتصادی اوراسیایی در جهت گسترش و هماهنگی فعالیت های اقتصادی و نیز ایجاد اتحادیه گمرکی و فضای اقتصادی مشترک در میان کشورهای منطقه به منظور تسهیل روابط اقتصادی صورت پذیرفته است. (سلیمان پور، سلیمانی درجاق، ۱۳۹۵)

ایران در ماه می میلادی سال جاری به ((اتحادیه اقتصادی اوراسیا)) می پیوندد، با توجه به اهمیت موضوع، نوشتار زیر به بررسی نقش منطقه آزاد بندر انزلی، فرصت‌ها و چالش‌های اقتصادی و سیاسی پیش رو در اتحادیه اوراسیا می پردازد.

۱. مبانی نظری:

۱.۲. محدوده تحقیق

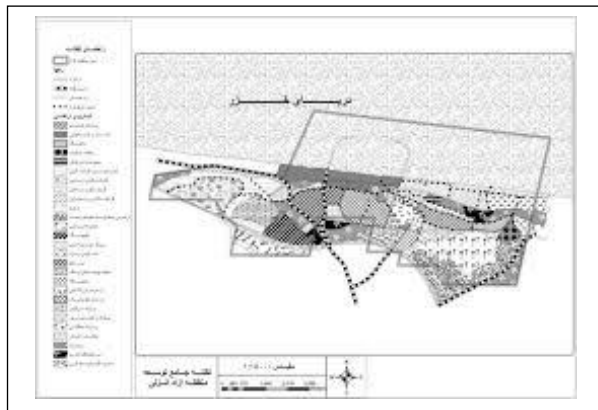
۱.۱.۲. موقعیت جغرافیایی انزلی

با بررسی های زمین شناسی حدود ۱۵۰۰۰ سال پیش، جزیره ای از سطح آب دریای کاسپین (خزر) سر برآورده که بعدها به نام انزلی نامیده شد و به عنوان مهمترین بندر سواحل جنوبی کاسپین و ایران معروف گردید. (رنجبر، ۳۱۹۱)

این جزیره به بر اثر فعل و انفعالات حوی و سایر عوامل طبیعی، به صورت حالیه از دو قسمت انزلی و غازیان شکل گرفت و کانالی بین این قسمت ایجاد گردید که آب پهار رودخانه از شرق _(- سوسرروگا - پیربازار روگا - راست

خانه و نهنگ روگا) و یک رودخانه از غرب (شنبه بازار روگا) از طریق آن به دریا وارد می گردد. (همان)

بندر انزلی در منطقه ای جلگه ای و ساحلی در طول جغرافیایی ۴۹ درجه و ۲۸ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۷ درجه و ۲۸ دقیقه واقع شده است و ارتفاع آن از سطح دریا منهای ۲۶ متر می باشد.



۱.۱.۲. محدوده جغرافیایی اتحادیه اقتصادی اوراسیا

۹۳ کشور مستقل در اوراسیا وجود دارد که شامل همه ۴۸ کشور اروپایی (همچنین کشورهای جزیره ای قبرس، ایسلند، ایرلند و انگلستان)، ۱۷ کشور خاورمیانه، ۲۷ کشور آسیایی (شامل اندونزی، مالزی، ژاپن، فیلیپین و تایوان)

است و یک کشور هم به نام تیمور شرقی وجود دارد که البته اکنون اغلب به اقیانوسیه - پیوند داده می شود و اینکه فقط تعدادی از این کشورها تشکیل دهنده اتحادیه اوراسیا شدند. که این کشورها عبارتند از:

روسیه (زمان پیوستن به اتحادیه ۱ ژانویه ۲۰۱۵)

بلاروس (زمان پیوستن به اتحادیه ۱ ژانویه ۲۰۱۵)

قزاقستان (زمان پیوستن به اتحادیه ۱ ژانویه ۲۰۱۵)

ارمنستان (زمان پیوستن به اتحادیه ۲ ژانویه ۲۰۱۵)

قرقیزستان (زمان پیوستن به اتحادیه ۱۲ آگوست ۲۰۱۵)



۱,۲ تعاریف مفاهیم

۱,۲,۲ منطقه آزاد تجاری اقتصادی

بنا به تعاریف بین المللی منطقه آزاد محدوده حراست شده بندری و غیر بندری است که از شمول برخی از مقررات جاری کشور متبوع خارج بوده و با بهره گیری از مزایایی نظیر معافیت‌های مالیاتی، بخشودگی سود و عوارض گمرکی، عدم وجود تشریفات زاید ارزی، اداری و مقررات دست و پاگیر و همچنین سهولت و تسریع در فرآیندهای صادرات و واردات با جذب سرمایه گذاری خارجی و انتقال فناوری به توسعه سرزمین اصلی کمک می نماید. (سایت منطقه آزاد بندر انزلی)

۱,۲,۲ منطقه آزاد بندر انزلی

بر اثر تحولات صورت گرفته پس از فروپاشی شوروی و در پی تغییر و تحولات ساختاری روابط بین الملل منطقه‌ی قفقاز و کشورهای حاشیه‌ی دریای خزر در معادلات منطقه‌ای و جهانی اهمیت یافتند؛ امری که با دوران پس از جنگ تحمیلی در ایران و آغاز عصر سازندگی کشور همزمان گردید؛ عصری که ایران به دنبال ورود به اقتصاد جهانی و اخذ سرمایه و به تبع آن دانش و تکنولوژی جدید بود هدفی که دولت وقت با ایجاد مناطق آزاد کشور در پی تحقق آن بود. در پی سفر ریاست جمهوری وقت به شهرستان انزلی و با توجه به خواست همگانی و براساس مصوبه هیأت دولت در سال ۷۵ منطقه ویژه اقتصادی بندرانزلی در دو بخش جداگانه تعیین گردید و در سال ۸۲ منطقه

ویژه اقتصادی انزلی به منطقه آزاد تجاری صنعتی انزلی تبدیل شده و در سال ۸۳ نیز اساسنامه سازمان منطقه آزاد تجاری صنعتی انزلی مورد تصویب هیأت وزیران قرار گرفت و محدوده منطقه آزاد تجاری صنعتی انزلی در سال ۸۴ از طرف هیأت وزیران تعیین و ابلاغ شد که بر اساس آن منطقه آزاد انزلی در سه بخش و محدوده مجزای بندری؛ اداره کل بنادر و کشتیرانی استان، شهرک صنعتی انزلی و محدوده منطقه ویژه اقتصادی سابق انزلی با مساحت ۳۲۰۰ هکتار خشکی و تا عمق ۲ کیلومتر از دریا در طول ۲۰ کیلومتر از حاشیه دریای خزر را شامل می شود. (سایت منطقه آزاد بندر انزلی)

۳.۲.۲. اوراسیا

اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU) یک اتحادیه اقتصادی است که اعضای آن بیشتر کشور های شمال منطقه اوراسیا، در شرق اروپا هستند. معاهده تشکیل این اتحادیه در ۲۹ می ۲۰۱۴ توسط بلاروس، قزاقستان و روسیه امضا شد و از یکم ژانویه ۲۰۱۵ عملاً اجرا شد.

۳.۲. فلسفه وجودی اتحادیه

روز ۲۹ مه ۲۰۱۴ روسای جمهور روسیه، قزاقستان و بلاروس در آستانه پایتخت قزاقستان قراردادی هزار صفحه‌ای را امضا کردند که مبنای تشکیل اتحادیه اقتصادی "اوراسیا" شد. این اتحادیه از اول ژانویه ۲۰۱۵ رسماً کار خود را آغاز کرد. اتحادیه اوراسیا جمعیتی معادل ۱۷۰ میلیون نفر را در برمی‌گیرد که ۸۴ درصد آن از روسیه است. از مجموع ۲ هزار میلیارد تولید ناخالص ملی این اتحادیه هم ۸۸ درصد متعلق به روسیه است. بر اساس توافق اولیه این اتحادیه جریان تبادل کالا و خدمات و سرمایه میان کشورهای عضو

را تسهیل می‌کند و نیروی کار نیز امکان جا به جایی بیشتری خواهد داشت. عوارض گمرکی باقیمانده در مناسبات اقتصادی اعضا نیز به طور کامل برچیده می‌شود. قرار است سیاست‌های اقتصادی اعضا نیز تا حد ممکن هماهنگ و یک دست شود. (بهبودی نژاد، ۱۳۹۷)

در حال حاضر کشورهای روسیه، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان، ارمنستان عضو این اتحادیه می‌باشند. از مهم‌ترین مباحث اتحادیه اوراسیا پذیرش اعضای جدید است. اگرچه هنوز تصمیمی در این خصوص اتخاذ نشده است، اما به نظر می‌رسد که ترکیه به‌عنوان گزینه بعدی مطرح باشد. البته این تنها شکل همکاری اتحادیه اقتصادی اوراسیا با کشورهای مختلف نیست. در حال حاضر این اتحادیه در حال مذاکره برای امضای موافقت‌نامه تجارت آزاد با ویتنام، اندونزی، صربستان، مولداوی تایلند و ازبکستان نیز هست. همچنین این احتمال وجود دارد که در آینده نزدیک فیلیپین بتواند به این پروژه بپیوندد و به‌عنوان پلی بین کشورهای عضو (آ.سه آن.) و روسیه باعث تقویت عمل کند و زمینه‌های همکاری‌های بین این دو نهاد را فراهم سازد. (همان)

۴,۲. مزایا عضویت ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا

ایران مدت‌هاست که برای پیوستن به این گروه تلاش می‌کند و بنا به گزارش‌ها قرار است در ماه می ۲۰۱۸ میلادی به این اتحادیه بپیوندد. عضویت ایران به‌عنوان یک قدرت اوراسیا و شریک راهبردی روسیه در منطقه، کمک می‌کند به تسهیل تجارت بین این دو کشور و آن را از سطح انرژی و امنیتی به سطوح گسترده‌تر اقتصادی سوق می‌دهد. علاوه بر این، حضور ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا ضربه بزرگی به تحریم‌های آمریکا علیه ایران خواهد

بود. ایران با عضویت در این اتحادیه به‌طور خودکار در معرض فرصت‌های تجاری جدید با کشورهایی قرار می‌گیرد که اقتصادهای آن‌ها برای تجارت با ایران بسیار مناسب‌تر هست تا اقتصادهای غربی. (بهبودی نژاد، ۱۳۹۷)

اگر به برنامه‌های آینده اتحادیه اقتصادی اوراسیا توجه شود این اتحادیه به سمت و سویی حرکت می‌کند که مستقل از دلار حرکت کند و وابستگی به دلار را کاهش دهد و این به کشورهای روسیه و ایران که همواره تحت تحریم‌های اقتصادی آمریکا هستند فرصت و آزادی عمل بیشتری می‌بخشد. با توجه به افق همکاری‌های بین ایران و ترکیه، روسیه و ایران و روسیه، و با توجه به این‌که ترکیه به‌طور رسمی از تلاش طولانی برای عضویت در اتحادیه اروپا عملاً خسته شده است، به نظر می‌رسد ترکیه در مرحله بعدی عضویت در این اتحادیه باشد. (همان)

از آنجایی‌که ایران یک کشور برجسته در کریدور بین‌المللی شمال و جنوب است که سه کشور ایران روسیه و هند بنیانگذاران اصلی آن هستند که این کریدور منطقه جنوب آسیا را به کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز، روسیه و ترکیه وصل می‌کند، عضویت ایران در این پیمان می‌تواند باعث تقویت و نقش برجسته ایران در کریدور بین‌المللی حمل‌ونقل شمال- جنوب شود و به رشد اقتصادی ایران کمک کند.

۵.۲. معایب عضویت در اتحادیه اقتصادی اوراسیا

روسیه به‌عنوان موتور محرکه اتحادیه اقتصادی اوراسیا، از یک‌سو به دلیل تحریم‌های غرب و از سوی دیگر به خاطر کاهش قیمت نفت به بحران دچار شده و رشد اقتصادی چندان مناسبی برایان پیش‌بینی نمی‌شود. این بحران بر

اقتصاد کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا هم تأثیر منفی می‌گذارد. (بهبودی نژاد، ۱۳۹۷)

استقبال و هیجان برای ایجاد اتحادیه اوراسیا در میان جمهوری‌های سابق اتحاد شوروی محدود بود. اندکی پیش از آغاز به کار اتحادیه اوراسیا جمهوری ارمنستان نیز به آن پیوست، که فشار روسیه در این اقدام نقشی مؤثر داشت. ارمنستان نیز مانند قزاقستان به گاز روسیه وابسته است. سال ۲۰۱۳ ارمنستان وارد مذاکراتی با اتحادیه اروپا شد، که واکنش منفی مسکو را به دنبال داشت و قیمت گاز صادراتی به ارمنستان را از ۱۸۰ دلار به ۲۷۰ دلار افزایش داد. قرقیزستان گرچه منابعی از طلا و اورانیوم و فلزهای کمیاب دارد، ولی اقتصادش عمدتاً با تجارت و از جمله صدور کالاهای بومی و به خصوص باز صدور کالاهای چینی به جمهوری‌های آسیای مرکزی وابسته است. از زمانی که قزاقستان در اجرای شرایط مربوط به اتحادیه گمرکی با روسیه و بلاروس عوارض گمرکی برای کالاهای کشورهای غیر عضو را افزایش داد، قرقیزستان بزرگ‌ترین بازار صادراتی خود را از دست داد. نزدیک به یک میلیون از جمعیت ۶ میلیونی قرقیزستان در روسیه کار می‌کنند که پولی که به کشور می‌فرستند مبلغ قابل‌اعتنایی است. روسیه در سال‌های اخیر گاه و بیگاه با انگیزه‌های سیاسی تهدید به تشدید سخت‌گیری در صدور ویزا برای نیروی کار قرقیزستان کرده است.

۶.۲. چشم‌انداز پیش روی عضویت ایران

با توجه به توان نازل ۵ کشور عضو در تأمین نیازهای یکدیگر، زمانی اتحادیه اوراسیا می‌تواند کارآیی و بازدهی داشته باشد که با کانون‌های دیگر اقتصادی

مانند اتحادیه اروپا در مناسباتی تنگاتنگ قرار گیرد و به جای تقابل با آن خود را مکمل آن ارزیابی کند. در مجموع کارآیی و دوام اتحادیه اوراسیا از یک سو مشروط به همگرایی بیشتر منافع میان کشورهای عضو و سمت‌گیری مسکو به سوی به رسمیت‌شناختن حقوق برابر سایر اعضا است. از سوی دیگر تقویت توان و تنوع اقتصادی نازل این اتحادیه مشروط به پیوند خوردن آن به سایر قطب‌های اقتصادی جهان، و از جمله اتحادیه اروپاست. اما برای ایران با شرایط و مشکلاتی که در حال حاضر با آن روبروست می‌تواند فرصتی برای تقویت بنیه اقتصادی خود از طریق صادرات کالاهای خود و در مرحله بعدی نفوذ سیاسی در بین کشورهای منطقه آسیای مرکزی باشد. (بهبودی نژاد، ۱۳۹۷)

۷,۲. اتحادیه اقتصادی اوراسیا؛ بسط همگرایی

اتحادیه اقتصادی اوراسیا را باید نوعی از همگرایی منطقه‌ای دانست که با هدف تأمین نیاز و اهداف جمهوری‌های سابق شوروی در زمینه گردش آزاد کالا، سرمایه، خدمات و نیروی کار شکل گرفته است و توافق مربوط به ایجاد آن در سال ۲۰۱۴ از سوی قزاقستان، بلاروس و روسیه به امضا رسید. پس از تصویب پارلمان کشورهای مذکور نیز مقرر گشت از ابتدای ژانویه ۲۰۱۵ قابلیت اجرایی یابد که البته پس از این تاریخ، ابتدا ارمنستان و سپس قرقیزستان به عضویت اتحادیه درآمدند. هدف اصلی از ایجاد اتحادیه اقتصادی اوراسیا را باید تلاشی در مسیر تحقق «پروژه همگرایی اوراسیا» دانست که دستیابی به اهداف سیاسی را از مسیر اقتصاد دنبال می‌کند و به منظور نیل به هدف، چهار سیاست «توسعه سازمانی»، «توسعه داخلی»، «توسعه از مسیر

روابط دوجانبه» و «توسعه خارجی» را پیگیری می‌نماید؛ به عبارت دیگر، تعمیق و گسترش همکاری از طریق ساختار سازمانی، دولت‌های عضو و شرکای خارجی را در دستور کار قرار داده است. (خان محمدی ۱۳۹۸)

سیاست نخست در حوزه کلان اقتصادی شامل دستیابی به مؤلفه‌های کلان اقتصاد مطابق با مقررات ۶۲-۶۳ معاهده اتحادیه اقتصادی اوراسیا و ضمیمه ۱۴ آن و همچنین واگذاری بخشی از اختیارات در زمینه سیاست‌های کلان اقتصادی به بخش تخصصی کمیسیون اقتصادی اوراسیاست. سیاست دوم بسط و توسعه داخلی با تمرکز حداکثری بر اجرای قوانین تجارت آزاد و سرمایه‌گذاری در میان کشورهای اتحادیه و سیاست سوم و چهارم، به گسترش روابط با شرکا و سازمان‌های خارجی از طریق اعضا و یا سازمان اشاره دارد. درخصوص هریک از سیاست‌ها تبیین و تحلیل‌های فراوان اقتصادی وجود دارد که مسئله اصلی مقاله حاضر نیست؛ لذا با صرف نظر از جزئیات، به ذکر سیاست سوم و چهارم بسنده خواهد شد. (همان)

اتحادیه اقتصادی اوراسیا با توجه به اقتصاد کشورهای عضو و اینکه میزان توسعه اتحادیه با اقتصاد اعضا رابطه مستقیم دارد، همگرایی با شرکای خارجی را در اولویت قرار داده است تا منتج به دستاوردهای بیشتر شود. ایجاد منطقه آزاد تجاری با سایر کشورهایی که دارای اقتصاد در حال توسعه و باثبات هستند (مصر، رژیم صهیونیستی، صربستان، تایلند، مغولستان و سنگاپور، کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا چون کره جنوبی) و نیز ایجاد سازکار همکاری با اتحادیه‌هایی چون: اتحادیه اروپا و آسه‌آن از جمله سیاست‌های آن در مسیر نیل به سیاست مذکور هستند. از آنجاکه اعضای اتحادیه اقتصاد

توسعه یافته‌ای همچون اتحادیه اروپا ندارند که قادر به توسعه شاخص‌های اقتصادی شوند و امکان حمایت و همگرایی با سایر بازیگران و نهادها را از خود سلب کنند، به‌سوی سیاست گسترش اتحادیه با سایرین در چهارچوب‌های مختلف پیش خواهند رفت؛ اما لازمه این امر، همان‌گونه که ذکر شد، دارا بودن اقتصادی با شاخص‌های معین است که علاوه بر کمک به اتحادیه در مسیر نیل به توسعه، مسئولیت اقتصادهای ضعیف برخی از اعضا را نیز برعهده گیرد.

۸.۲. نگرش سیستمی به سیاست بین المللی

با یک نگرش سیستمی به مسائل جهان، می‌توان سه سطح اساسی را از هم متمایز نمود. در سطح نخست، «نظام جهانی» (به تعبیر والرشتاین) مطرح است که از قرن ۱۶ شکل گرفته و روز به روز در حال گسترش بوده و امروز به خاورمیانه رسیده است. به تعبیری، در برابر نظام سرمایه داری لیبرال، صرفاً منطقه خاورمیانه است که به دلایل مختلف مقاومت می‌کند و حتی چینی‌ها نیز با وجود پذیرش نظام اقتصادی آن، مدعی عدم پذیرش بخش سیاسی آن نیستند، بلکه صرفاً قصد خریدن زمان و فرصت را برای تحکیم موقعیت اقتصادی خود دارند. تحول در این نظام، زمانی امکان پذیر است که یک نظام اقتصادی - سیاسی به شکل نرم افزاری جایگزین آن شده و ساختار اقتصادی و نوع نظام‌های حکومتی را تنظیم نماید. (کرمی، ۱۳۸۴)

سطح دوم به «نظام بین المللی» اشاره دارد که از توزیع قدرت میان واحدهای اصلی (دولت‌ها) به اشکالی چون چندقطبی، دوقطبی و یا هژمونی پدید می‌آید. در حال حاضر این نظام شکل هژمونی دارد، اما یک هژمونی محدود است

و این محدودیت به وسیله عوامل داخلی کشورها (نقش افکار عمومی، مردم و گروه‌های اجتماعی)، تعاملات و رقابت‌ها میان دولت‌ها و نیز هنجارها و نهادهای بین‌المللی ایجاد می‌شود. لذا برخی از اصطلاح نظام یک - چند قطبی استفاده می‌کنند. (همان)

ما سطح سوم به «مناطق» برمی‌گردد که این نیز به دو دسته تقسیم می‌شود: مناطق اصلی و مناطق فرعی. منظور از مناطق فرعی، آن حوزه‌های ژئوپلیتیکی است که کمتر برای سطوح بالاتر سیستم اثر گذارند و البته این مناطق فرعی نیز به لحاظ اهمیت متفاوتند. اهمیت مناطق اصلی آن است که اثری مستقیم روی سطح دوم (نظام بین‌المللی) دارد و به بیانی، این میزان بازیگری در مناطق مهم است که ساختار نظام بین‌المللی را تعیین می‌کند و هر قدرتی که بتواند در تعداد بیشتری از این مناطق ایفای نقش کند، به لحاظ اهمیتی که برای وضعیت اقتصادی، سیاسی و نظامی آنها دارد، می‌تواند به مراتب خود در میان سایر قدرتها بیفزاید. در دوران جنگ سرد، جهان در راستای گسل‌های اصلی سطح نظام بین‌المللی به سه منطقه مهم تقسیم شده بود: بلوک شرق، بلوک غرب و کشورهای غیر متعهد یا جهان سوم. بلوک غرب همان منطقه آتلانتیک بود، بلوک شرق عمدتاً در اوراسیا و فراتر از آن قرار داشت و خاورمیانه و پاسیفیک نیز عرصه رقابت و منازعه شرق و غرب و به شکل کم‌رنگ‌تری جنبش غیر متعهدها بود. در واقع، نقش پررنگ ایدئولوژی موجب تحت‌الشعاع قرار گرفتن مناطق ژئوپلیتیک شده بود ۳، اما پس از جنگ سرد، مناطق ژئوپلیتیک معنا و مفهوم روشن‌تری پیدا کردند. در حال حاضر، چهار منطقه اصلی آتلانتیک (اروپا - امریکای شمالی)، پاسیفیک

(شرق و جنوب شرقی آسیا)، خاورمیانه و اوراسیا از آنچنان اهمیتی برخوردارند که بیشتر مسائل سیاست بین المللی پیرامون آنها جریان دارد. (همان)

۹.۲. جایگاه اوراسیا و بازیگران سیاست بین المللی

آنچه که امروز اوراسیا به مفهوم ژئوپلیتیک نام دارد و برای سیاست بین المللی اهمیت دارد و گستره ای است که از دو جمهوری غرب روسیه (اوکراین و بیلاروس) شروع و مناطق میان دریای سیاه تا مغولستان را در بر می گیرد و علاوه بر روسیه و قفقاز، منطقه خزر و آسیای مرکزی را نیز شامل می شود. این عرصه در دوره شوروی در درون بلوک شرق بود و از این رو، کمتر از آن نام برده می شد، اما اینک محل اشاره بوده و به خاطر همجواری آتلانتیک، خاورمیانه و پاسیفیک، نقش مهمی دارد. بر خلاف آتلانتیک که بازیگر اصلی آن آمریکا، پاسیفیک که بازیگر اصلی آن، آمریکا و چین، خاورمیانه که بازیگر اصلی آن آمریکاست، در اوراسیا در حال حاضر، روسیه نقش اصلی را بر عهده دارد. اما طی پانزده سال اخیر، به موازات مطرح شدن این منطقه در عرصه ژئواستراتژیک جهان، سایر بازیگران (آمریکا، اروپا و چین) نیز کوشیده اند تا وارد این معادله شوند.

از نظر دولت آمریکا، بازیگری در اوراسیا در راستای ایفای نقش هژمون (به عنوان حافظ اصلی و موتور گسترش نظام جهانی سرمایه داری لیبرال) و نیز در خدمت منافع خود برای حفظ موقعیت در نظام بین المللی قرار دارد. این حضور و نفوذ بایستی احتمال بازگشت روسیه به اشکال پیشین را در منطقه سد نموده و با ایجاد ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جدید،

موقعیت فعلی آن را نیز محدود سازد. علاوه بر این، حضور در اوراسیا می تواند نقش کنترل کننده و محدود سازنده چین را در صفحه شطرنج جهانی را (به تعبیر یرژینسکی) نیز عملی سازد. همچنین باید به کنترل خاورمیانه اشاره کرد چرا که اوراسیا به لحاظ فرهنگی و سیاسی در پیوندی اساسی با آن قرار دارد و حضور در آن تکمیل کننده حضور در خاورمیانه است. نگاه اتحادیه اروپا نیز در درجه اول جلوگیری از سرایت بحران های منطقه به اتحادیه و نیز نقش اتحادیه در گسترش نظام جهانی است. اروپایی ها به شکل مسالمت آمیزی در صدر الگوسازی برای اوراسیا هستند و تا کنون نیز موفق تر از آمریکا عمل کرده اند. (کرمی، ۱۳۸۴)

برای چین، منطقه اوراسیا علاوه بر اینکه همجوار خاک آن است و بسیاری از مسائل نظیر مسائل دینی بر بخش های مهمی از چین (مانند اویغورستان) تأثیر دارد، منافع مهمی چون انرژی در منطقه وجود دارد و ایفای نقش در این منطقه، علاوه بر محدود سازی حضور آمریکا، می تواند نقش بین المللی این کشور را برای آینده افزایش دهد. (همان)

ما برای روسها، اوراسیا معنا و مفهوم خاصی دارد و در واقع، اوراسیا یعنی امپراتوری روسیه و از قرن هفده به بعد و به ویژه در تمام قرن بیستم نیز کماکان اینچنین بوده است. در حال حاضر نیز مسکو برای کشورهای این منطقه حق استقلال قائل نیست و مفهوم «خارج نزدیک»^۴ و مفاهیم مرتبط با آن در اسناد استراتژیک و سیاست خارجی این کشور به خوبی گویای آن است که از نگاه کرملین، کشورهای این منطقه (۱۴ جمهوری جدا شده از شوروی) حیاط خلوت روسیه و قلمرو اعمال دکتترین مونرو روسی هستند و

خارج قلمداد نمی شوند. رفتار کرملین طی پانزده سال گذشته نسبت به مناطق مجاور (دریای سیاه، قفقاز جنوبی، خزر و آسیای مرکزی) و قائل نشدن حق مشارکت برای سایر کشورهای منطقه مانند ایران و چین نیز از این واقعیت حکایت دارد که مسکو تنها ساختارها و ترتیباتی را می پذیرد که محور آن روسیه باشد. شاید تنها پس از حضور جدی آمریکا طی دو سه سال اخیر و وقوع انقلاب های رنگی است که روس ها پذیرفته اند سازمان همکاری شانگهای (که صرفاً برای حل و فصل مسائل مرزی بود) نقشی گسترده تر بازی نموده و نقش کشورهای چین و ایران نیز در سطحی محدود برای منطقه پذیرفته شود. نقش روسیه در اوراسیا از یک قدرت انحصاری به تدریج کاهش یافته و بویژه پس از سال ۲۰۰۱ به صورت اساسی با رقابت آمریکا رویارو شده است و با توجه به تحولات نسلی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به کشورهای اوراسیا، گمان می رود که تا دهه آینده به نقشی درجه دوم تبدیل شود. نکته جالب این است که مسکو بخاطر اولویت های داخلی حاضر نیست سطح بارزی با قدرت های خارجی را در اوراسیا از منطقه به نظام بین المللی بکشد. چرا که از نگاه مقامات کرملین وارد شدن به رقابت های کلان برای این کشور هزینه هایی دارد که در حال حاضر قادر به پرداخت آن نیست. (همان)

به هر حال، آنچه که در اوراسیا می گذرد، صرفاً یک رقابت میان قدرت های بزرگ در سطح منطقه نیست، بلکه برای هر سه سطح سیستم های مورد اشاره در ابتدای این نوشته آثاری دارد. در سطح نظام جهانی، رقابتی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی برای گسترش سرمایه داری لیبرال به شکل تغییر

ساختارهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بجا مانده از دوره کمونیسم به ساختارهای جدید جریان دارد. در سطح نظام بین الملل، همه بازیگران مدعی (آمریکا، اروپا، روسیه و چین) می دانند که جایگاه آنها در نظام بین الملل کنونی و آینده پیوندی ژرف با بازی در اوراسیا دارد. این موضوع برای آمریکا و اروپا حالتی تهاجمی و برای روسیه و چین وضعیت تدافعی تری دارد و بویژه روسیه باید از موقعیت خود و جلوگیری از افول بیشتر دفاع نماید. در سطح منطقه ای، بازیگران بیشتری دخالت دارند و علاوه بر ایران، ترکیه و کشورهای منطقه، برخی دولت های دیگر چون هند و پاکستان نیز در پی نفوذ هستند.

۱۰،۲. زمینه های کلی و عمومی همکاری های منطقه ای

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تشکیل کشورهای مستقل در اوایل دهه ۱۹۹۰ بازار بزرگی به روی تجار و سرمایه گذاری بین المللی گشوده شد که فقط در منطقه سوق الجیشی آسیای مرکزی و قفقاز جمعیتی بیش از ۳۰۰ میلیون نفر را در بر می گیرد. آسیای مرکزی و قفقاز که در حد فاصل میان غرب آسیا تا اروپا قرار دارد، دارای منابع عظیم زیر زمینی از جمله نفت و گاز بوده ولی به آب های آزاد بین المللی راهی ندارد. لذا برای توسعه مناسبات خارجی به کشورهای همسایه نیاز دارد.

عمده ترین معضلی که در ارتباط با بهره برداری از نفت و گاز زیر بستر دریای خزر برای کشورهای ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان وجود دارد راه عرضه این منابع به بازارهای مصرف در اروپا و یا جنوب شرق آسیا است. موقعیت جغرافیایی ایران با وجود مرزهای زمینی و دریایی گسترده کشورها و اتصال به آبراهه های بین المللی اهمیت بالایی دارد.

زمینه دیگر همکاری کشورهای حاشیه خزر بعد زیست محیطی است. اولین گام در همکاری عملی این کشورها باید پذیرش کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریای خزر در تاریخ ۱۳/۸/۱۳۸۲ در تهران برداشته شده است. بر مبنای آن کشورهای یاد شده متعهد شده اند که از آلودگی ناشی از فعالیت های مختلف انسانی از جمله تخلیه مواد مضر و خطرناک موادزائد و سایر آلودگی های ناشی از منابع دریایی و منابع مستقر در خشکی جلوگیری و در حفظ منابع زنده دریای خزر همکاری نمایند.

از لحاظ فرهنگی نیز کشورهای حاشیه دریای خزر به استثناء روسیه همگی مسلمان بوده ضمن آنکه اقلیت قابل توجهی از مردم روسیه نیز مسلمان و در شهرها و روستاهای حاشیه دریای خزر زندگی می کنند. ۵ کشور حاشیه دریای خزر در سازمان همکاری های منطقه ای عضو هستند و چهار کشور ایران، ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان عضو کنفرانس اسلامی و اکو بوده و چهار کشور روسیه، ترکمنستان، آذربایجان و قزاقستان در جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع (CIS) عضو هستند و به لحاظ شرایط عمومی مستعد گسترش این نوع همکاری ها می باشند.

۱۱,۲. زمینه های همکاری با مناطق آزاد کشورهای عضو اوراسیا

با توجه به مطالعات انجام شده در ارتباط با کشورهای عضو، منطقه آزاد بندر انزلی می توان موارد زیر را به عنوان نتایج حاصل برشمرد.

- نبود منطقه آزاد در حاشیه دریای خزر را به عنوان فرصتی برای توسعه منطقه آزاد بندر انزلی در جذب سرمایه های منطقه به حساب می آید. البته باید توجه داشت که بنادر حاشیه دریای خزر اگرچه

منطقه آزاد نیستند، اما در جذب سرمایه های منطقه موفق عمل کرده اند که این مساله خود می تواند تهدیدی برای منطقه آزاد انزلی به شمار آید

- اکتائو در قزاقستان به عنوان دو نقطه مهم برای توسعه همکاری ها در منطقه، برای انزلی هستند باید توجه داشت که هر دو این بنادر از نقاط مهم ترانزیت دریایی حاشیه خزر هستند و در مسیر کریدور بین المللی تراسیکا قرار دارند. برقراری ارتباط هوایی با مناطقی از جمله باکو، به ویژه به لحاظ جابه جایی مسافر برای جذب گردشگر برای منطقه آزاد انزلی با پتانسیل های بالای گردشگری، قابل توجه خواهد بود. همچنین می توان به بنادر حاشیه دریای خزر به عنوان یک زنجیره لجستیکی در منطقه، نگرست. در صورت تبدیل اکتائو به منطقه آزاد تجاری، نقش ترانزیت دریایی بندر انزلی می تواند در منطقه پر رنگ تر از گذشته شود. چراکه می تواند به عنوان نقطه ای با اهمیت برای ترانزیت کالا به سوی کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا عمل نماید. البته باید توجه داشت که انتخاب مسیر ترانزیتی ایران از سوی مناطق آزاد کشورهای عضو برای جابه جایی کالا به سوی شرق دور و جنوب شرقی آسیا، مستلزم تکمیل راه آهن قزوین - رشت - انزلی و برقراری ارتباط موثر با زنجیره لجستیکی مناطق آزاد داخلی و به طور مشخص، بنادری چون چابهار در جنوب و همچنین منطقه آزاد ماکو و ارس در شمال و شمال غرب خواهد بود.

۳. یافته ها:

۱.۳. لزوم صادرات ایران به کشورهای منطقه مورد مطالعه

در این قسمت صادرات ایران بعنوان یکی از مؤلفه های تجارت در دوره ۲۰۱۶-۲۰۰۷ به هر یک از کشورهای مورد نظر بر حسب هزار دلار در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. صادرات ایران به کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا

دوره	روسیه		قرقیزستان		قزاقستان		بلاروس		ارمنستان	
	هزار دلار	سهام (درصد)	هزار دلار	سهام (درصد)	هزار دلار	سهام (درصد)	هزار دلار	سهام (درصد)	هزار دلار	سهام (درصد)
۲۰۰۷	۲۹۲۴۴۴۶	۷۳/۰۶	۱۰۳۲۵	۰/۲۶	۹۵۴۲۱۹	۲۳/۸۴	۸۱۲۵۶	۲/۰۳	۳۲۳۳۷	۰/۸۱
۲۰۰۸	۳۱۴۳۸۷۱	۷۳/۴۱	۱۱۹۵۹	۰/۲۸	۱۰۲۳۵۴۶	۲۳/۹۰	۸۳۶۳۵	۱/۹۵	۱۹۳۵۳	۰/۴۵
۲۰۰۹	۲۷۷۶۱۱۴	۶۷/۱۲	۶۳۵۸	۰/۱۵	۱۲۷۹۰۰۴	۳۰/۹۲	۶۳۱۲۵	۱/۵۳	۱۱۲۳۲	۰/۲۷
۲۰۱۰	۳۳۵۹۰۴۶	۷۳/۱۰	۱۰۲۲۸	۰/۲۲	۱۰۹۳۸۸۴	۲۳/۸۱	۹۷۱۵۶	۲/۱۱	۳۴۸۴۵	۰/۷۶
۲۰۱۱	۳۲۷۷۱۴۰	۷۱/۶۲	۶۹۴۴	۰/۱۵	۱۰۷۷۰۳۱	۲۳/۵۴	۱۲۴۵۰۰	۲/۷۲	۹۰۱۷۱	۱/۹۷
۲۰۱۲	۱۹۰۰۳۸۷	۶۹/۴۳	۹۶۰۳	۰/۳۵	۶۲۶۹۱۵	۲۲/۹۰	۱۰۸۴۴۵	۳/۹۶	۹۱۶۷۷	۳/۳۵
۲۰۱۳	۱۱۶۸۶۱۶	۶۳/۹۴	۷۵۷۹	۰/۴۱	۵۳۵۶۷۱	۲۹/۳۱	۳۲۹۲۳	۱/۸۰	۸۳۰۲۲	۴/۵۴
۲۰۱۴	۱۳۲۵۵۱۴	۵۵/۵۳	۴۵۲۲	۰/۱۹	۸۹۲۵۰۴	۳۷/۳۹	۸۴۲۸۹	۳/۵۳	۸۰۰۰۱	۳/۳۵
۲۰۱۵	۱۰۱۷۲۱۴	۵۹/۷۶	۳۶۴۰	۰/۲۱	۵۶۵۷۹۲	۳۳/۲۴	۳۸۹۷۷	۲/۲۹	۷۶۵۷۱	۴/۵۰
۲۰۱۶	۱۸۸۱۷۷۲	۷۳/۹۶	۸۱۴۸	۰/۳۲	۵۵۰۸۶۷	۲۱/۶۵	۳۵۹۲۶	۱/۴۱	۶۷۶۷۴	۲/۶۶
متوسط دوره	۲۲۷۷۴۱۲	۶۸/۰۹	۷۹۳۰	۰/۲۶	۸۵۹۹۴۳	۲۷/۰۵	۷۵۰۲۳	۲/۳۳	۵۸۶۸۸	۲/۲۷

منبع: سازمان توسعه تجارت ایران، ۱۳۹۸

۲,۳. راهبردهای توسعه اقتصادی با نگرش به تجارت بین الملل

در زمینه مباح توسعه اقتصادی اغلب با دودسته راهبردهای درون گر و برون نگر به شرح زیر مواجه هستیم:

راهبرد جاننشینی واردات یا راهبرد درون نگر

راهبرد جاننشینی واردات یا جهتگیری دورنگرا در اتخاذ سیاستها راهبردی برای توسعه اقتصادی مبتنی بر تأمین احتیاجات بازار داخل کشور با تولیدات داخلی میباشد؛ به صورتی که این تولیدات بهمرور جایگزین واردات گردند. این سیاست در دهه ۱۹۵۰ مطرح و در دهه ۱۹۶۰ اعتلا یافت و بسیاری کشورها همچون آمریکای لاتین سیاست صنعتی شدن جایگزینی واردات را به عنوان اصلترین روش حصول به رشد و توسعه اقتصادی اتخاذ کردند. عمدهترین هدف از انتخاب این راهبرد، رهایی از وابستگی وارداتی و رسیدن به خودکفایی است.

راهبرد توسعه صادرات یا راهبرد برون نگر

از دهه ۱۹۷۰ تردیدهای زیادی در خصوص موفقیت سیاست جایگزینی واردات در حل مسائل توسعه کشورها ایجاد شد و موجب تقویت موضع اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک گردید. توسعه صادرات معرف گرایش به آزادی در تجارت بین الملل است، منظور از راهبرد توسعه صادرات، صادرات محصولات غیر سنتی، نیمه ساخته و کالاهای صنعتی میباشد؛ سیاست توسعه صادرات منجر به تخصیص منابع در جهت استفاده از مزیت‌های نسبی توأم با

کارایی و گسترش کیفیت میشود. استدلال شده است که رشد برونگرا و مبتنی بر صادرات به رشد بیشتر بهره وری کل عوامل تولید منجر میشود.

۳.۳. بررسی حوزه نفوذ عملکردی منطقه آزاد انزلی

با در نظر گرفتن دو کریدور مهم تراسیکا از غرب به شرق و کریدور شمال - جنوب، همچنین شبکه راه های داخلی اعم از جاده ای و ریلی و ارتباط با بنادر مهم و در نظر گرفتن عوامل فیزیکی و اقتصادی، حوزه نفوذ خارجی منطقه آزاد انزلی را می توان در دو محدوده بررسی کرد:

- حوزه نفوذ خارجی مستقیم، شامل بنادر کشورهای حاشیه دریای خزر
- حوزه نفوذ خارجی غیر مستقیم، شامل آسیای میانه، کشورهای

اتحادیه اروپا و شرق دور مخصوصا عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا

همان گونه که بررسی ها نشان داد بندر انزلی با توجه به قرارگیری در مسیر کریدور شمال - جنوب از شمال به متصل خواهد بود. این اتصال هم از طریق GCC و از جنوب به کشورهای حاشیه خلیج فارس موسوم به CIS حوزه شبکه بزرگراه های سراسری داخلی و اتصال به بنادر جنوبی و مناطق آزاد محور جنوب امکان پذیر است و هم از طرق راه آهن سراسری و در صورت تکمیل خطوط قزوین - رشت - انزلی و نیز خط چابهار در آینده ای نزدیک عملی خواهد شد

از جنوب کشورهای حاشیه، از این طریق منطقه آزاد انزلی از شمال و به طور غیر مستقیم به کشورهای خلیج فارس و از طریق بندر چابهار و نقاط مرزی

سرخس و میرجاوه به کشورهای شرق دور (چین) دسترسی خواهد داشت . همچنین از طریق کریدور تراسیکا به ترکیه و اتحادیه اروپا مرتبط است.

۴,۳. مزیت ها و فرصت ها

۱,۴,۳. مزیت های قانونی منطقه آزاد انزلی

۱. آزادی کامل ورود و خروج سرمایه.
۲. آزادی مشارکت سرمایه گذاری خارجی تا سقف ۱۰۰ درصد.
۳. تضمین کامل سرمایه های خارجی و سود حاصل از آنها.
۴. معافیت مالیاتی ۱۵ ساله که تا ۲۰ سال افزایش پیدا نموده است.
۵. معافیت از پرداخت هرگونه حقوق گمرکی و سود بازرگانی برای واردات مواد اولیه، ماشین آلات و قطعات یدکی جهت تولید کنندگان منطقه.
۷. معافیت گمرکی برای ورود کالاهای ساخته شده در منطقه آزاد به داخل کشور به میزان ارزش افزوده.
۸. امکان ترانزیت و صدور مجدد کالا بدون محدودیت.
۹. امکان مشارکت سرمایه گذاری داخلی و خارجی.
۱۰. معافیت گمرکی برای ورود کالاهای ساخته شده در منطقه به داخل کشور.
۱۱. امکان ورود کالا بدون پرداخت عوارض گمرکی و سود بازرگانی منطقه.
۱۲. امکان ورود اتباع خارجی از طریق مبادی ورودی و خروجی مجاز مناطق، بدون نیاز به صدور روادید قبلی.

۱۳. فروش و اجاره زمین به سرمایه گذاران داخلی و اجاره زمین به سرمایه گذاران خارجی.

۱۴. حاکم بودن مقررات خاص اشتغال در مناطق

۲،۴،۳. سایر ویژگیهای منطقه آزاد انزلی

به غیر از مزایای قانونی یاد شده، منطقه آزاد تجاری - صنعتی انزلی دارای ویژگیها و مزایای بیشمار دیگری نیز می باشد که از چند منظر می توان بیان نمود:

الف) ویژگیها و مزایای منطقه از منظر جغرافیایی

قرار گرفتن در مسیر کریدور بین المللی شمال - جنوب معروف به نستراک، که از آن به عنوان کریدور حمل و نقل قرن بیست و یکم آسیا - اروپا یاد می شود. این کریدور بندر هلسینکی در شمال اروپا را از طریق روسیه به بنادر شمال و جنوب دریای خزر، بندر خلیج فارس و سپس به کشورهای جنوب و شرق آسیا متصل می کند. (سایت منطقه آزاد بندر انزلی)

۱. دارابودن موقعیت ویژه در زمینه ارتباط با کشورهای حاشیه دریای خزر.

۲. همجواری با بندر آستراخان و لاگان در روسیه، کراسنودسک در ترکمنستان، اکتائو در قزاقستان و باکو در آذربایجان.

۳. دسترسی از طریق راههای مناسب، به بازارهای مصرف کشورهای CIS.

۴. نزدیکی به فرودگاه بین المللی رشت با برخورداری از تجهیزات کامل ناوبری.
۵. نزدیکترین منطقه آزاد به پایتخت کشور (تهران) و سایر مراکز صنعتی و پر جمعیت کشور به عنوان بازارهای مصرف.
۶. محدوده ای کاملاً مشخص شده و دارای پایگاه اطلاعات جغرافیایی کامل (GIS).
۷. نزدیکی به بزرگترین ذخایر نفت و گاز دریای خزر.

ب) ویژگیهای منطقه از منظر اقتصادی

۱. وجود بندرانزلی در محدوده منطقه، که دارای امکانات، تجهیزات و تاسیسات پیشرفته ای جهت تخلیه و بارگیری و انبارداری است. از مهمترین آنان می توان به وجود ده پست اسکله به طول ۱۵۸۱ متر با کاربری تجاری، رو رو، غلات، خدماتی و نفتی و سیستم کنترل ترافیک دریایی و همچنین سیستم رایانه ای مشترک با گمرک جهت سهولت ترخیص کالا اشاره کرد.
۲. ایجاد و راه اندازی بندرگاه نوین کاسپین به عنوان یک بندر نسل سوم، در آینده ای نزدیک با ۲۲ پست اسکله با ظرفیتی بالغ بر ۱۱ میلیون تن، که در فاز اول (ظرف پنجسال) توانایی تخلیه و بارگیری کالا تا مرز ۳ میلیون تن را خواهد داشت و می تواند ضمن پاسخگویی به نیازهای بازرگانی، موجب ایجاد مراکز لجستیک شامل

- انبارداری، توزیع کالا و گسترش صنایع دریایی (اعم از کشتی سازی و شناورسازی) گردد.
۳. اتصال منطقه بویژه بندرگاه کاسپین به آزاد راه و راه آهن قزوین - رشت - انزلی که بدین وسیله توان حمل و نقل و ترانزیتی منطقه به بیش از چندین برابر افزایش خواهد یافت.
۴. وجود شهرک صنعتی انزلی به عنوان جزء ای از محدوده منطقه آزاد انزلی و همچنین به عنوان یکی از مدرنترین شهرکهای صنعتی استان با دارا بودن و ارائه تمامی امکانات آب، برق، تلفن، گاز، زمین غیره به سرمایه گذاران بطوریکه هم اکنون ۸۸ واحد صنعتی فعال در زمینه های فلزی، سلولزی و بهداشتی، غذایی و ... در آن مشغول فعالیت می باشند.
۵. فاز صنعت محدوده منطقه، با دارا بودن کلیه زیرساختهای لازم و ارائه تسهیلات بسیار مناسب جهت ایجاد صنایع و واحدهای تولیدی بطوریکه هم اکنون تعداد ۱۵ واحد صنعتی و تولیدی در زمینه های فلزی، بهداشتی و غذایی در آن مشغول فعالیت می باشند.
۶. فاز تجارت منطقه با ایجاد بسترهای لازم جهت گسترش بازرگانی از قبیل محوطه سازی، برقراری اینترنت پر سرعت، وجود مجتمع های تجاری - نمایشگاهی و ارائه تسهیلات بسیار مناسب به فعالین اقتصادی منطقه.
۷. قبول ضمانتنامه های بانکی بلند مدت جهت ایجاد تسهیلات برای صاحبان کالا و بازرگانان

صدور مجوز فعالیت در یک هفته و امکان ثبت شرکت در کمتر از چند روز وجود مراکز ارائه خدمات مالی، بانکی و امکان ایجاد بورس کالا با توجه به حجم مبادلات بالای تجاری و بازرگانی و قوانین بسیار مناسب منطقه.

۸. وجود گمرک انزلی با امکانات و تجهیزات مدرن
۹. فراهم بودن مقدمات جهت ایجاد صنایع تبدیلی، بسته بندی و فرآوری محصولات کشاورزی در منطقه، جهت ایجاد حداکثر ارزش افزوده (با توجه به محوری بودن فعالیت کشاورزی در استان گیلان) و ارائه تسهیلات سازمان منطقه آزاد انزلی به سرمایه گذاران متقاضی.
۱۰. وجود مجتمع های تجاری - نمایشگاهی منطقه با حدود ۲۰۸۰ غرفه تجاری، جهت ارائه محصولات تولیدی صنایع منطقه در آنها و ارائه تسهیلات و مزیت استفاده از فضای نمایشگاهی جهت عرضه مستقیم محصولات.

۱۱. صدور کارت بازرگانی کشوری در منطقه آزاد انزلی.
۱۲. اعمال تخفیفات ویژه انبارداری در منطقه و ایجاد مزیت نسبی انبارداری به نسبت سایر مناطق. واگذاری غرفه و فضای نمایشگاهی عرضه مستقیم محصولات در منطقه به تجار و بازرگانان برای مدت ۲ سال بدون اجاره و تنها با دریافت حق شارژ.

۱۳. تقبل هزینه های تبلیغاتی توسط منطقه، برای تولیدکنندگانی که محصولات خود را در غرفه های فاز تجارت منطقه عرضه می نمایند.

۱۴. تقبل هزینه های ایاب و ذهاب بازدیدکنندگان و مشتریان توسط منطقه، صدور کارت اعتباری خرید برای مشتریان توسط بانکهای طرف قرارداد با منطقه و ...

۱۵. وجود طرح ساحلی با کلیه امکانات رفاهی و بهداشتی شامل آلاچیق، وسایل بازی کودکان، طرح شنای بانوان و آقایان و پارکینگ با وسعت ۴ هکتار، که بطور رایگان در اختیار بازدیدکنندگان و گردشگران قرار می گیرد.

۱۶. ارتباط و تبادلات تجاری با بنادر شمال و جنوب اروپا از طریق رود ولگا و ولگادان.

وجود نیروی کار متخصص فراوان.

ج) ویژگیها و مزایای منطقه از منظر عمرانی و زیرساختی

۱. منطقه ای دارای طرح راهبردی و طرح جامع که تمامی فعالیتهای عمران و آبادانی و اقتصادی آن، بر اساس اصول علمی و کارشناسی انجام می شود.

۲. منطقه ای دارای تمام امکانات زیربنایی شامل آب، برق، گاز، تلفن و ... مورد توجه سرمایه گذاران داخلی و خارجی.

۳. اتصال منطقه به آزاد راه قزوین - رشت - انزلی و ظرفیت سازی و گسترش راههای ورودی و خروجی منطقه جهت توسعه توان ترانزیتی.

۴. اتصال به راه آهن قزوین - رشت - انزلی از طریق ایجاد راه آهن منطقه آزاد و پیوند با شبکه ریلی سراسری که ظرفیت حمل بار از

منطقه آزاد، به نقاط مختلف کشور و مبادی ذیربط را بطور چشمگیری افزایش می دهد.

۵. تکمیل و اجرای پروژه های زیربنایی، مانند چهارخطه کردن محور حسن رود - زیباکنار و اتصال آن به آزاد راه قزوین - رشت - انزلی به عنوان ورودی منطقه، احداث بزرگترین تقاطع غیر هم سطح شمال کشور بر روی محور چهارخطه حسن رود - زیباکنار، احداث پست برق و تصفیه خانه فاضلاب و فضای سبز در منطقه، راه اندازی بستر فیبر نوری و برقراری اینترنت پر سرعت در سرتاسر منطقه.

(د) ویژگیها و مزایای منطقه از نظر دانش و فناوری

۱. ایجاد مراکز دانشگاهی بین المللی شامل راه اندازی واحدهای بین الملل دانشگاههای گیلان و علوم پزشکی گیلان و سایر موسسات آموزش عالی و پژوهشی.

۲. ایجاد بسترهای لازم در زمینه های ICT برای راه اندازی تجارت الکترونیک، گسترش اینترنت و اینترنت در منطقه و استفاده از فیبر نوری و به روز کردن واگذاری تلفن ثابت به متقاضیان و تامین کننده نیازهای شبکه الکترونیکی منطقه و قرار گرفتن در کانون توجه بازرگانی کشور به لحاظ تجارت الکترونیکی. در نظر گرفتن پهنه بندیهای مناسب برای استقرار پارکهای علم و فناوری در منطقه و امکان گسترش ارتباطات علمی با مراکز آموزشی و تحقیقاتی اقصی نقاط جهان. فراهم نمودن مقدمات لازم جهت ایجاد دهکده سلامت

در منطقه با توجه به راه اندازی واحد بین الملل دانشگاه علوم پزشکی در منطقه.

نقش منطقه آزاد انزلی در توسعه اقتصادی استان و کشور

- منطقه آزاد انزلی با وجود قوانین بسیار مناسب نظیر انواع معافیت‌های مالیاتی و ایجاد امنیت سرمایه و دارایی (ماده ۵ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد) از مناطق بسیار مستعد جهت جذب افزایش جذب سرمایه گذاری خارجی و داخلی به شمار می آید. ضرغام پور، عباسیان، ۱۳۹۵)
- منطقه آزاد تجاری - صنعتی یکی از بهترین مناطق جغرافیایی از نظر توسعه فعالیت‌های گردشگری، اقتصادی، صنعتی و تجاری با توجه به نزدیکی به کلان شهر رشت و بندر انزلی می باشد و توان ایجاد رقابت با بنادر کشورهای حاشیه دریای خزر را دارد.
- منطقه آزاد تجاری - صنعتی انزلی درصدد است با گسترش تجارت الکترونیکی و توسعه بازارهای مجازی و IT و همچنین برگزاری نمایشگاه‌های بین المللی باعث تنوع فعالیتها در استان گردد.
- منطقه آزاد انزلی با دارا بودن دریا، جنگل، تالاب درصدد است با توسعه گردشگری، حفاظت از تالاب بین المللی انزلی، توسعه کاربریهای توریستی، راه اندازی مسیر دریایی به دیگر بنادر شمالی کشور مانند نوشهر و بندر ترکمن بتواند باعث توسعه خدمات گردشگری منطقه ای، ملی و فراملی گردد.

- منطقه آزاد تجاری - صنعتی انزلی با توجه به اینکه کشاورزی فعالیت محوری استان گیلان می باشد، از مناطق بسیار مستعد در جهت ایجاد صنایع فرآوری تبدیلی و بسته بندی محصولات کشاورزی می باشد و ارزش افزوده را در استان باعث می شود.
- منطقه آزاد انزلی در کارکردهای اقتصادی خود می تواند اموری را همچون پشتیبانی صادراتی و بازاریابی، بازاریابی خدمات، خدمات لجستیک محصولات کشاورزی را در استان عهده دار گردد و کشاورزی سنتی را به کشاورزی نوین که آمیزه ای از صنعت و تکنولوژی است، تبدیل نماید.
- منطقه آزاد تجاری - صنعتی انزلی به واسطه قوانین و مقررات مناسب و همچنین آماده بودن زیرساختهای لازم می تواند به عنوان پایلوتی برای ایجاد شرکتها و واحدهای تولیدی - صنعتی که محصولات مرتبط یا مکمل را تولید می کنند، تبدیل گردد و از این طریق به رشد همه جانبه اقتصادی استان و کشور کمک نماید.
- منطقه آزاد انزلی با توسعه صنایع تبدیلی، افزایش بازدهی فعالیتهای کشاورزی، توسعه صنایع با تکنولوژی بالا، تخصصی و صادراتی با عملکرد بین المللی (کشاورزی - الکترونیک - شیلات)، برقراری یارانه های صادراتی، تاکید بر توسعه صنعت در شهرکهای صنعتی، در جهت توسعه صنعت صادراتی گام بر می دارد.

- منطقه آزاد تجاری - صنعتی انزلی بدلیل برخورداری از جایگاه رفیع ترانزیتی و حمل و نقل بواسطه واقع شدن در مسیر کریدور شمال - جنوب، توان بالایی در جهت ارتقا جایگاه استان در این زمینه را دارد.
- منطقه آزاد تجاری - صنعتی انزلی، با پیوند بنگاههای اقتصادی و تشکیل خوشه های صنعتی، درصدد است تا علاوه بر اینکه؛ هزینه های مشترک بالاسری را کاهش دهد، به توسعه بخش صنعت در استان کمک نماید.
- منطقه آزاد تجاری - صنعتی انزلی با ایجاد و راه اندازی بندرگاه کاسپین علاوه بر گسترش فعالیتهای بازرگانی و تجاری استان می تواند باعث گسترش صنایع دریایی و بندری شده و بدین لحاظ ۸۰ صنعت مرتبط با این صنعت را در استان فعال نماید.
- سازمان منطقه آزاد انزلی با فراهم نمودن مقدمات جهت ایجاد و راه اندازی بندرگاه نوین کاسپین و ایجاد راه آهن اتصال این بندرگاه به راه آهن در حال احداث قزوین - انزلی - آستارا می تواند موجب رونق هر چه بیشتر درآمدهای ترانزیتی در استان باشد.
- منطقه آزاد انزلی در تلاش است با توسعه پارکهای علم و فناوری و گسترش ارتباطات علمی با مراکز و نهادهای آموزشی و تحقیقاتی در جهت انتقال دانش فناوری و تکنولوژی گام بردارد.
- منطقه آزاد انزلی با توسعه خدمات دانشگاهی برتر و ایجاد واحدهای دانشگاهی بین المللی و پذیرش دانشگاههای خصوصی، علاوه بر بسط

و توسعه علوم و فنون در استان و همچنین باعث به وجود آمدن تقاضای گردشگری علمی و آموزشی در فصل سرما می گردد.

۲. نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات:

مناطق آزاد در دنیا بعنوان پنجره ای برای هم پیوندی اقتصادی کشورها با اقتصاد جهانی، رشد صادرات و دستیابی به اهداف توسعه اقتصادی است که در صورت به کارگیری سیاستهای اصولی میتواند علیرغم گستره محدود جغرافیایی به نقش آفرینی های کلان در عرصه اقتصادی دست یابند.

امروزه تجارت به عنوان موتور رشد و توسعه معرفی شده و کشورهای در حال توسعه برای رسیدن به توسعه لازم است به دنبال حضوری جدیتر در تجارت جهانی باشند. از جمله روشهای حضور در تجارت جهانی، گسترش مبادلات منطقهای بین کشورها می باشد گسترش اینگونه مبادلات فواید زیادی برای هر کشور دارد از جمله مهمترین آنها میتواند به ایجاد اعتماد با افزایش توسعه ارتباطات با مکانیزم تجارت در مناطقی هم مرز با کشورهای همسایه اشاره کرد، مرزهای دریایی و مناطق ویژه اقتصادی تجاری یکی از این پتانسیل هاست.

نقش منطقه آزاد بندر انزلی در مبحث موافقتنامه تجاری اوراسیا بسیار پررنگ است و بندرانزلی یک فرصت و ظرفیت مناسب برای تجارت کشور است. پیش بینی میشود که توافقنامه اوراسیا موجب توسعه تجارت ایران با کشورهای عضو شود در این راستا باید ظرفیت های بندری کشور و زمینه تعامل بیشتر تجار را با دستگاه های دولتی و حاکمیتی افزایش داد.

با توجه به موافقتنامه اوراسیا و کلیه ظرفیتهای و پتانسیلها و ویژگی های بلقوه این منطقه، چشم انداز مثبتی برای منطقه آزاد بندر انزلی وجود دارد، موافقتنامه اوراسیا فرصت خوبی برای توسعه بندر انزلی است. اگر مدیریت متمرکز و ظرفیت سازی صورت نگیرد در مباحث یاد شده سودی نخواهیم برد از اینرو باید تلاش کرد تا در فرآیند مبادلات تجاری منافع حداکثری را کسب کنیم. منطقه بندر آزاد انزلی روند رو به رشدی دارد و سرمایه گذاری خوبی را در آن شاهد هستیم.

راهکارها:

۱. گسترش و تقویت زیر ساختهای اقتصادی مناسب برای تولید و صادرات با حمایت مستمر و تسهیلات دولت قبل از شروع هرگونه فعالیت
۲. هم راستا کردن اهداف این منطقه و تمرکز بر اهداف بلند مدت توسعه ای
۳. نظارت بر عملکرد این منطقه توسط سازمانهای زیربسط
۴. تعیین و تدوین نقشه راه تولید در قالب راهبرد توسعه در راستای هدفمند ساختن فعالیت ها
۵. باید برای سازمانهای مناطق آزاد، از یکسو بهمثابه یک مؤسسه خصوصی، تمهیدات لازم برای برخورداری از تسهیلات حساب ذخیره ارزی و منابع بانکی فراهم شود و ازسوی دیگر با ملاحظه تعهدات دولت در حوزه های زیربنایی، امکاناتی برای فروش اوراق مشارکت و ارائه تضمینهای دولتی در نظر گرفته شود.

۶. ساختارهای انگیزشی مناسبی به منظور ترغیب شرکتهای خصوصی و دولتی با فعالیتهای برون مرزی به استقرار محل فعالیت خود در مناطق آزاد، در نظر گرفته شود.

۷. الگوهای مدیریتی و سازماندهی مناطق آزاد ایران در شرایط رقابتی نوین در جهان، باید در سطح استانداردهای بین المللی شکل گیرد. ارتباط با خارج از کشور به گونهای برقرار شود که جریان ورود و خروج سرمایه را تسهیل کند.

منابع:

۱. بهبودی نژاد قدرت ا... (۱۳۹۷) مزایا و معایب عضویت ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا، مرکز بین المللی صلح مقاله ۲۲ فروردین
۲. خان محمدی زهره (۱۳۹۸) ارزیابی حضور ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سایه حضور رژیم صهیونیستی، مویسه تحقیقات بین المللی ابرار معاصر مقاله ۱۸ بهمن
۳. رنجبر محسن (۱۳۹۱) تغییرات تالاب انزلی و تاثیر ویژگی های مرفولوژیکی آن، فصلنامه جغرافیای سرزمین، شماره ۳۴
۴. سایت منطقه آزاد بندر انزلی
۵. سلیمان پور هادی، سلیمانی در جاق مریم (۱۳۹۵) همگرایی اقتصادی در اوراسیای مرکزی در تطبیق با الگوی کانتوری و اشیپگل، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۵
۶. زرغام پور مریم، عباسیان لیلا (۱۳۹۵) نقش منطقه آزاد تجاری- صنعتی انزلی در توسعه اقتصادی استان گیلان، همایش آمایش سرزمین، جایگاه خزر و چشم انداز توسعه گیلان
۷. عبدی نژاد نوحدانی، امیرحسین، ترابی خداهشهری، حامد، رضاعلی نیا ، سروش ، شیرزاد ، خالد (۱۳۹۴) نقش مناطق آزاد تجاری در توسعه صنعتی و اقتصادی مطالعه موردی منطقه آزاد انزلی ، اولین کنفرانس مهندسی عمران، رهاوردهای جدید، توسعه اقتصادی، فرهنگی و مدیریت جهادی
۸. عسگری، منصور. (۱۳۹۸). عوامل موثر بر صادرات ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا. فصلنامه علمی - پژوهشی *مدلسازی اقتصادی* ۱۳(۴۷)
۹. کرمی جهانگیر (۱۳۸۴) ایران در اوراسیا: واقعیت های موجود و سطح بازی در نظام بین المللی امروز، ماهنامه ایراس، شماره ۵
۱۰. طرح جامع منطقه آزاد تجاری-صنعتی انزلی (۱۳۹۷)

اتحادیه اوراسیا و نقش مناطق آزاد ایران در کریدور

شمال - جنوب و جاده ابریشم

ناصر قزل سفلی^۱

^۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه ژئوپلیتیک، دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش (دافوس

آجا)، تهران

ghezelsoflanaser@gmail.com

چکیده

رقابت‌های ژئوپلیتیک پس از جنگ سرد جز در مناطق ویژه‌ای از جهان، دیگر از ماهیت نظامی پیروی نمی‌کند. با افول جایگاه تقابلات نظامی، رقابت‌های ژئوپلیتیکی ماهیتی ژئواکونومیکی به خود گرفته‌اند. اتحادیه اوراسیا با گذراندن چندساله فرایندی که در اروپا چندین دهه به طول انجامید، ابزاری اقتصادی در خدمت اهداف رقابت‌های ژئوپلیتیک مهیا کرده است. این پژوهش تلاش می‌کند تا درمورد اتحادیه اوراسیا و نقش مناطق آزاد ایران در کریدور شمال-جنوب و جاده ابریشم را بیان کند. پرسش اصلی این پژوهش این است، مناطق آزاد ایران در کریدور شمال-جنوب و جاده ابریشم چه نقشی در اتحادیه اوراسیا می‌تواند داشته باشد؟ تشکیل اتحادیه اوراسیا یک جهت‌گیری ژئوپلیتیک در چارچوب رقابت‌های ژئواکونومیکی است و برای ایران نیز در منطقه مجموعه‌ای از الزامات ژئواکونومیک به همراه دارد. یافته‌های مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: اوراسیا، ژئوپلیتیک، ایران، مناطق آزاد، ژئواکونومیک

مقدمه

از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، بسیاری از متفکران و سیاستمداران روسی و غیر روسی، معتقد بودند که دیدگاه و جهت گیری های روسیه بادیگر قدرت های جهانی دچار بحران خواهد شد. این پیش بینی خیلی زود به واقعیت رسید و غرب به درون مرزهای شوروی سابق (جمهوری های تازه تأسیس) راه یافت.

روسیه نیز به عنوان اصلی ترین وارث شوروی، مدتی بعد از شوک ناشی از فروپاشی امپراطوری کمونیسم، خود را بازیافت و تلاش کرد تا جمهوری های استقلال یافته را تحت پوشش عناوین و قرارداد های مختلف به سمت خود بکشاند و به نوعی در مقابل قدرت های جهانی دارای حیات خلوت باشد. نگاهی به روند سیاست خارجی روسیه تأیید کننده این ماجرا و روند است.

روسیه تلاش میکند تا با حفاظت از حیات خلوت خود بتواند اهرم فشار مهمی را در مقابل قدرت هایی مانند اتحادیه اروپا، آمریکا و چین به کار ببندد. طرح ایجاد «اتحادیه اوراسیا» از مهمترین اصول سیاست های اوراسیایی ولادیمیر پوتین است. پوتین سال هاست که تلاش میکند تا با اعمال این سیاست ها در قالب عقد قراردادهایی اقتصادی و سیاسی جمهوری های استقلال یافته را با خود همراه کند. ادامه همین سیاست ها باعث شد تا وی در سال ۲۰۱۲ طرح ایجاد اتحادیه اوراسیا را متشکل از روسیه و تمامی جمهوری های استقلال یافته بعد از فروپاشی شوروی (جمهوری های آسیای مرکزی، قفقاز و اروپای شرقی) مطرح کند. طرحی که براساس آن بار دیگر شاهد احیای ژئوپلیتیک شوروی و فضای آزادانه تری خواهیم بود. در این طرح روسیه

تلاش میکند تا با ایجاد این اتحادیه برای خود حیات خلوت و یا حتی همراهانی محکم داشته باشد تا بتواند در مقابل قدرت های جهانی حرفی برای گفتن داشته باشد. پوتین پیش از هر مسئله ای به استفاده ابزاری از قدرت اتحادیه مذکور می اندیشد. جایی که بتواند با پشتیبانی همراهان خود نقش بسزایی در عرصه بین الملل ایفا کند و توازن قوا را از سمت غرب به شرق متعادل کند.

تحت فشار گذاشتن اروپا با حربه انرژی از طریق اروپای شرقی، ممانعت از نفوذ اقتصادی چین به آسیای مرکزی و جلوگیری از حضور آمریکا در منطقه قفقاز و در بحثی گسترده تر جلوگیری از نفوذ ناتو به نزدیکی مرزهای خود از مهمترین دلایل ایجاد این اتحادیه است.

اما سوال اینجاست که روسیه چرا نیاز به تشکیل چنین اتحادیه ای دارد؟ پاسخ روشن است، جهان به سمت همگرایی پیش میرود. هر کشوری که دارای قدرت و تأثیر در عرصه بین المللی است، این قدرت تأثیرگذاری را مدیون ایجاد جمعی از متحدین در کنار خویش است. در واقع روسیه به دلایل ضعف سیاسی و اقتصادی در خطر از دست دادن قدرت بین المللی و یا حتی ممکن است دچار ورشکستگی شود و در کنار کشور های درجه دوم قرار گیرد. بسیاری از تحلیلگران تنها راه حل برای جلوگیری از زوال روسیه را ایجاد اتحادیه ای بزرگ در فضای شوروی جهت بازیابی قدرت سیاسی و اقتصادی می دانند. به همین دلیل با سرعت گرفتن سیاست های اورآسیایی، تشکیل این اتحادیه مطرح شد.

حال با اجرای سیاست های اورآسیایی پوتین، احتمال رویارویی روسیه با قدرت های جهانی بیشتر از گذشته خواهد بود. زمینه های اقتصادی، سیاسی و نظامی - امنیتی مهمترین چالشها را میان روسیه و قدرتهای جهانی (اتحادیه اروپا، آمریکا و چین) ایجاد خواهد کرد.

بحث انرژی رسانی در زمستان به اروپا از طریق اروپای شرقی (اوکراین)، حفظ حوزه بازارهای اقتصادی در آسیای مرکزی در مقابل چین و عدم همراهی با آمریکا در حوزه های اقتصاد جهانی، بحث رژیم های سیاسی و بین المللی، حفظ استقلال و آرامش آسیای مرکزی و قفقاز، بازیابی قدرت نظامی در مقابل نفوذ ناتو، مسائل هسته ای و... از مهمترین مباحث است که در حوزه این تقابلات جای میگیرد. در واقع روسیه امیدوار است به پشتوانه سابقه خود و همراهی حوزه اورآسیا بتواند تا مسائل مختلف را با نفع خود حل و فصل کند تا همانطور که گفته شد خود را به عنوان یک قدرت تأثیر گذار در عرصه بین المللی نشان دهد.

در این منطقه اتحادیه اورآسیایی ظرفیت خوب و مناسبی برای ارتقا سطح اقتصادی کشورهای این منطقه دارد که سیاست خارجی ایران می تواند از این ظرفیت ها در راستا منافع ملی خود بهره ببرد. کشور ایران به دلیل قرار گرفتن در مجاورت دریای خلیج فارس از جایگاه مهمی در امور بین المللی برخوردار است نوشتار حاضر بر آن است که نقش مناطق آزاد ایران در کریدور شمال-جنوب و جاده ابریشم در اتحادیه اوراسیا را مورد مطالعه قرار دهد.

۱- روش تحقیق

مقاله حاضر از نوع پژوهش های توصیفی تحلیلی است، یعنی به روش توصیفی مورد تحلیل قرار گرفته و یافته های مورد نیاز پژوهش به روش کتابخانه ای (کتب، نشریات و اینترنت) گردآوری شده است.

۲- چارچوب نظری

۱-۲- اتحادیه اوراسیا:

اتحادیه اوراسیا فعالیت خود را رسماً از ابتدای ژانویه سال ۲۰۱۵ میلادی آغاز کرد. ریشه نظری تکوین اتحادیه اوراسیا را بایستی در پیشنهاد نور سلطان نظربایف، رئیس‌جمهور قزاقستان در سال ۱۹۹۴ درخصوص تکوین بلوک تجاری منطقه‌ای جستجو کرد. پس از طرح این پیشنهاد، در سال ۲۰۰۰ بلاروس، قزاقستان، روسیه، قرقیزستان و تاجیکستان جامعه اقتصادی اوراسیا را با هدف ایجاد بازار مشترک برای کشورهای عضو به وجود آوردند که ازبکستان نیز در سال ۲۰۰۶ به آن پیوست. در سال ۲۰۰۷، روسیه، قزاقستان و بلاروس درباره ایجاد یک اتحادیه گمرکی میان خود به توافق رسیدند. در سال ۲۰۰۹، ابتدا توافقاتی میان مسکو، آستانه و مینسک درخصوص ایجاد تعرفه گمرکی مشترک (ایجاد کد مشترک به جای قوانین داخلی) صورت پذیرفت و در نهایت، توافقات مذکور به امضای رؤسای جمهوری سه کشور رسید و بدین ترتیب، اتحادیه گمرکی در سال ۲۰۱۰ میان این سه کشور شروع به فعالیت کرد. اهداف و اولویت های اتحادیه گمرکی شامل حذف تعرفه های گمرکی داخلی کشورهای عضو، ایجاد تعرفه خارجی مشترک و

یک بازار واحد گسترده میان روسیه، قزاقستان و بلاروس اعلام گردید.

(International Financial Consulting Group,2010)

ایده تأسیس فضای واحد اقتصادی موجب گردید رؤسای جمهور روسیه، بلاروس، قزاقستان توافقنامه ایجاد اتحادیه اقتصادی اوراسیا را در سال ۲۰۱۴ امضاء کنند که در اول ژانویه سال ۲۰۱۵ اجرایی گردید. هدف این اتحادیه، ایجاد فضای واحد اقتصادی، توسعه بازار مشترک و دستیابی به حرکت آزاد کالا، سرمایه، خدمات و مردم در بازار واحد کشورهای عضو، کاهش قیمت کالاها با کاهش هزینه های حمل و نقل مواد خام، ترویج رقابت سالم در بازار مشترک، سیاست های مشترک در کشاورزی، انرژی، فناوری و حمل و نقل

اعلام گردید. (International Crisis Group,2016)

ارمنستان در ۲ ژانویه ۲۰۱۵ و قرقیزستان در ۶ اوت ۲۰۱۵ به عضویت کامل اتحادیه اقتصادی اوراسیا درآمدند. در حال حاضر، اعضای این اتحادیه روسیه، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و ارمنستان هستند که عضو اتحادیه گمرکی اوراسیا نیز می باشند. تاجیکستان، گرجستان، ازبکستان، مولداوی، اوکراین، پاکستان، ترکیه، ایران، چین و ویتنام نیز از دیگر گزینه های احتمالی عضویت

در این اتحادیه اوراسیا هستند. (www.rt.com,2016)

در خصوص ارکان اتحادیه اقتصادی اوراسیا باید گفت که شورای عالی اقتصادی اوراسیا مهم ترین رکن اتحادیه است که از سران کشورهای عضو تشکیل شده است. دومین رکن اتحادیه، شورای بین دولتی اوراسیا است که اعضای آن، نخست وزیران کشورهای عضو هستند. کمیسیون اقتصادی اوراسیا، رکن اجرایی اتحادیه است. مقر این کمیسیون به عنوان سازمان

نظارتی بر اتحادیه گمرکی، در مسکو قرار دارد، متشکل از ده نفر می باشد که از هر پنج کشور عضو، دو نفر نماینده در آن حضور دارد. تیگران سرکیسیان، نخست وزیر سابق ارمنستان رئیس آن می باشد. از دیگر اعضای کلیدی کمیسیون می توان به ورونیکا نیکیشینا، وزیر تجارت اتحادیه اوراسیا اشاره کرد. در کمیسیون اقتصادی اوراسیا بیش از ۱ هزار نفر از متخصصان مربوطه مشغول به فعالیت هستند. تصمیمات کمیسیون اقتصادی اوراسیا در صورتی که توسط دو سوم آراء در هیأت ده نفره تصویب شود، برای تمامی کشورهای عضو الزام آور خواهد بود. با این حال، هر یک از اعضاء از طریق کمیسیون شورای اقتصادی اوراسیا که شامل معاونان نخست وزیران کشورهای عضو است، دارای حق وتو می باشند. در صورتی که میان اعضاء در خصوص موضوعی اختلاف وجود داشته باشد، موضوع اختلاف به نخست وزیران کشورهای عضو که دو بار در سال در قالب شورای بین دولتی اوراسیا با یکدیگر ملاقات می کنند، ارسال می گردد (www.eurasiancommission.org,2016) معمولاً موضوعات خطیر و بحث برانگیز به شورای عالی اقتصادی اوراسیا، که سالانه در سطح سران برگزار می گردد، ارجاع داده می شود. همچنین یک نهاد قضایی تحت عنوان دادگاه اتحادیه اقتصادی اوراسیا وجود دارد که به حل اختلاف و تفسیر مسائل حقوقی اتحادیه می پردازد.

۲-۲- تعریف منطقه آزاد:

مناطق آزاد تجاری، به نواحی گفته می شود که در آنها کالا انبار میشود و بدون دگرگونی قابل توجه در آن، دوباره به کشور میزبان یا سایر کشورها صادر می گردد (کمیسیون اقتصادی، اجتماعی آسیای غربی، ۱۹۹۵). بنابراین،

ویژگی برجسته مناطق آزاد تجاری این است که برای کالاهای داخلی کشور میزبان، مالیات در نظر گرفته نمیشود و سایر محدودیتهای تجارت خارجی در واردات و صادرات نیز بر مناطق مذکور اعمال نمیگردد (گروبل، ۱۹۸۴). به عبارت دیگر، منطقه آزاد تجاری، قلمرو معینی است که اغلب در داخل یا مجاورت بندر قرار دارد و در آن تجارت آزاد با سایر نقاط جهان مجاز دانسته می شود. از این مناطق می توان کالا را بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی صادر یا وارد کرد، برای مدتی در انبار ذخیره نمود و در صورت لزوم، بسته بندی و دوباره صادر کرد. منطقه آزاد می تواند به شکل منطقه آزاد تجاری، منطقه آزاد صنعتی، منطقه آزاد تجاری - صنعتی و غیره باشد. گرچه منطقه آزاد تجاری درون مرزهای ملی قرار دارد، اما از نظر مالی خارج از مرز در نظر گرفته می شود (کوزنتسف، ۱۹۹۳). باید توجه کرد که اکنون مفهوم منطقه آزاد تجاری به صورت فراکشوری نیز بیان شده است.

در تعریفی دیگر از منطقه آزاد به عنوان محدوده معینی از قلمرو کشور یاد میشود که خارج از محدوده قانونی، اداری و فیزیکی تاسیسات گمرکی و معمولاً در محدوده یک بندر قرار دارد و در آن تجارت آزاد با سایر نقاط مجاز است. این مناطق جهت گیری صادراتی دارند و ورود و خروج کالا و سرمایه و جابجایی نیروی کار به سهولت انجام میشود (مرکز پژوهشهای مجلس، مهر ۱۳۹۵)

از جمله مزایای این مناطق بارگیری سریع کشتی و هواپیما از طریق کاهش و حذف موانعی همچون تعرفه های تجاری بالا، مقررات پیچیده و بازرسیهای گمرکی است (Sullivan, ۲۰۰۳).

یافته های تحقیق:

۴- اتحادیه اوراسیا:

ریشه نظری تکوین اتحادیه اوراسیایی را باید در پیشنهاد نور سلطان نظربایف رئیس جمهور قزاقستان در سال ۱۹۹۴ میلادی درخصوص تکوین بلوک تجاری منطقه ای جستجو کرد. پس از طرح این پیشنهاد در سال ۲۰۰۰ میلادی بلاروس، قزاقستان، روسیه، قرقیزستان و تاجیکستان، جامعه اقتصادی اوراسیایی را با هدف ایجاد بازار مشترک برای کشورهای عضو به وجود آوردند که ازبکستان نیز در سال ۲۰۰۶ میلادی به آن پیوست (Baslar, ۲۰۱۰:۹۸).

در سال ۲۰۰۷ میلادی روسیه، قزاقستان و بلاروس درباره ایجاد یک اتحادیه گمرکی میان خود به توافق رسیدند. در سال ۲۰۰۹ میلادی، ابتدا توافقاتی میان مسکو، آستانه و مینسک در خصوص ایجاد تعرفه گمرکی مشترک و ایجاد کد مشترک به جای قوانین داخلی صورت پذیرفت و در نهایت، توافقات مذکور به امضای رؤسای جمهوری سه کشور رسید و بدین ترتیب، اتحادیه گمرکی در سال ۲۰۱۰ میلادی، میان این سه کشور شروع به فعالیت کرد (EurAsEcToday, ۲۰۱۱:۳).

اهداف و اولویت های اتحادیه گمرکی شامل حذف تعرفه های گمرکی داخلی کشورهای عضو، ایجاد تعرفه خارجی مشترک و یک بازار واحد گسترده میان روسیه، قزاقستان و بلاروس اعلام گردید. ایده تأسیس فضای واحد اقتصادی موجب گردید، رؤسای جمهور روسیه، بلاروس، قزاقستان توافقتنامه ایجاد اتحادیه اقتصادی اوراسیایی را در سال ۲۰۱۴ میلادی امضاء کنند که در اول ژانویه سال ۲۰۱۵ میلادی اجرایی گردید. هدف این اتحادیه، ایجاد فضای

واحد اقتصادی، توسعه بازار مشترک و دستیابی به حرکت آزاد کالا، سرمایه، خدمات و مردم در بازار واحد کشورهای عضو، کاهش قیمت کالاها با کاهش هزینه های حمل و نقل مواد خام، ترویج رقابت سالم در بازار مشترک، سیاست های مشترک در کشاورزی، انرژی، فناوری و حمل و نقل اعلام گردید. ارمنستان در ۲ ژانویه ۲۰۱۵ میلادی و قرقیزستان در ۶ اوت ۲۰۱۵ میلادی به عضویت کامل اتحادیه اقتصادی اوراسیایی در آمدند (EEC, 14 May, 2018).

شکل ۱- نقشه کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا



(منبع: ماهنامه صنایع پلاستیک، ۲۲ اگوست ۲۰۱۹)

در حال حاضر، کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیایی، جمهوری ارمنستان (در منطقه قفقاز در همسایگی شمال غربی ایران)، جمهوری بلاروس (در همسایگی شمال غربی روسیه و در همسایگی لهستان)، جمهوری قزاقستان و جمهوری قرقیزستان (در منطقه آسیای مرکزی) و فدراسیون روسیه هستند. به جز ارمنستان که با دیگر اعضا پیوستگی جغرافیایی ندارد، بقیه اعضا با یکدیگر پیوند زمینی مستقیم دارند (Eaunion.Org).

۵- اهداف اتحادیه اوراسیا:

اتحادیه اقتصادی اوراسیایی به عنوان یک جایگزین اوراسیایی برای اتحادیه اروپا با هدف ساخت یک بازار مشترک بدون موانع داخلی، ایجاد شد. این اتحادیه تعرفه های خارجی را بر واردات غیر از کشورهای عضو اتحادیه افزایش داده که منجر به افزایش فضای رقابتی میان محصولات تولیدی در میان کشورهای عضو شده است. اتحادیه اقتصادی اوراسیایی همچنین به عنوان بستر مفیدی برای ایجاد موافقتنامه های تجارت آزاد با کشورهای خارجی در نظر گرفته می شود.

کمیسیون اقتصادی اوراسیایی، تشکیل اتحادیه را به عنوان یک مجمع اقتصادی یکپارچه گرا با هدف حفظ منافع اقتصادی مجمع به شکل عام و کشورهای مشارکت کننده به شکل خاص معرفی می کند. مؤسسان اتحادیه اقتصادی اوراسیایی این هدف را دنبال می کنند که یک سازمان بین المللی با شخصیت حقوقی بین المللی و با هدف یکپارچگی اقتصادی منطقه ای بسازند. مفهوم بازارهای مشترک در شناخت اولویت های اتحادیه بسیار مؤثر است.

این بازارها، فضاها، نوینی از یکپارچگی و تعامل بین دولت های عضو در اتحادیه اقتصادی اوراسیایی هستند. اتحادیه اقتصادی اوراسیایی به تعریف اولویت های اصلی در زمینه سیاست های حمل و نقل، تشکیل و اجرای یک سیاست کشاورزی مورد پذیرش همه و نیز تعریف اهداف بلندمدت و اهداف عملیاتی برای سیاست های صنعتی در اتحادیه بر اساس اصول و ساز و کارهای همکاری صنعتی اقدام کرده و مقرر می کند که توسعه و اجرای سیاست ها در زمینه تجارت و مبادله، گمرک و تعرفه ها، رقابت در مالکیت عمومی، حمل و نقل و زیرساخت ها، توسعه کسب و کار، تنظیمات فنی و سایر حوزه ها باید منافع مربوط به توسعه صنعتی در کشورهای عضو را در نظر داشته باشد. از آنجا که تصور عملکرد مؤثر در اتحادیه اقتصادی اوراسیایی بدون به کارگرفتن سیاست های منسجم در زمینه اقتصاد کلان غیرممکن است این سیاست ها که شامل توسعه و اجرای کنش های مشترک از سوی دولت های عضو در اتحادیه می شود، با هدف به دست آوردن توسعه اقتصادی متوازن در اتحادیه تنظیم شده است (میرفخرایی، ۱۳۹۴:۱۵۴).

به طور کلی باید اذعان داشت که اتحادیه اقتصادی اوراسیایی برای ارتقای جامع، بالابردن رقابت و همکاری بین اقتصادهای ملی و ارتقای توسعه پایدار به منظور بالا بردن سطح زندگی ملل کشورهای عضو ایجاد شده است. اهداف این اتحادیه اقتصادی متمرکز بر تسهیل تجارت، ایجاد بازار مشترک در حوزه کشورهای مستقل هم سود عضو، حذف تدریجی قوانین گمرکی در داخل اتحادیه، برقراری تعرفه خارجی مشترک در میان کشورهای عضو و هماهنگ سازی تشریفات گمرکی است.

۶- موقعیت ژئوپلیتیک کشورهای آسیای مرکزی و نگاه آنها به اتحادیه اوراسیا

موقعیت ژئوپلیتیک آسیای مرکزی در قلب اوراسیا، این منطقه را سرزمینی پهناور و فاقد مرز مشترک با آب های آزاد جهان و برخورداری از مرزی دقیق تعریف کرده است که کشورهای ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان امروزی را در بر می گیرد و در طول تاریخ با جاده ابریشم شناخته شده است و مانند جاده ای برای پیوند مردم، جابجایی کالاها و اندیشه ها بین اروپا، خاورمیانه، آسیای جنوبی و آسیای شرقی عمل کرده است.

موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آسیای مرکزی، منابع و ذخایر فراوان نفت و گاز، موقعیت گذرگاهی - ارتباطی، ارزش استراتژیک و ژئواکونومیک دریای خزر، کنترل تولید منابع و خطوط لوله انرژی، توان تأثیرگذاری بر بحران های منطقه و علایق مشترک فرهنگی، تاریخی و اقتصادی میان کشورهای منطقه با برخی همسایگان، باعث شده است که قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای برای تحقق اهداف خود و پر کردن خلاء قدرت بعد از فروپاشی اتحاد شوروی در آسیای مرکزی به رقابت بپردازند. این ویژگی های کشورهای منطقه آسیای مرکزی باعث شده است که این منطقه در نظریه های ژئوپلیتیک جایگاهی مهم داشته باشد. البته به دلیل آن که این کشورها تا سال ۱۹۹۱ بخشی از جماهیر مورد «هارتلند» شوروی بوده اند، در بیشتر نظریه های کلاسیک ژئوپلیتیک، این منطقه در چارچوب توجه قرار می گرفت؛ اما در نظریه های جدیدتر، آسیای مرکزی به دلیل ویژگی های فرهنگی - تمدنی،

موقعیت جغرافیایی و استراتژیک و همچنین اهمیت ژئواکونومیک مورد توجه قرار گرفته است و حتی از جایگاه برجسته ای نیز در نقشه جهان برخوردار می باشد. (سلسله مقالات خبرگزاری فارس درباره اتحادیه اوراسیا).

به لحاظ موقعیت جغرافیایی، آسیای مرکزی در حد فاصل اروپا در غرب، آسیا در شرق، روسیه در شمال و جهان اسلام در جنوب قرار گرفته است. کشورهای این منطقه محصور در خشکی هستند و تنها به واسطه خاک کشورهای همجوار به آبهای آزاد دسترسی دارند. منطقه آسیای مرکزی دومین ذخایر انرژی دنیا (نفت و گاز) را در اختیار دارد. علاوه بر این، تعداد زیادی از معادن فلزهای کمیاب مانند طلا، مس، اورانیوم و فلزات سنگین در این منطقه واقع شده اند. این منطقه در محل برخورد و تقاطع فرهنگ های شرق و غرب، از جمله فرهنگ ترکی و اسلامی و از نظر تاریخی در مسیر جاده ابریشم قرار گرفته است. آسیای مرکزی به عنوان نقطه اتصال چهار قدرت هسته ای (یعنی روسیه، چین، هند و پاکستان)، این منطقه را برخوردار از بازار مصرف بیش از ۵۱ میلیون سکنه معرفی میکند که علاوه بر آن بواسطه وجود گروه های قومی و اختلافات ارضی متعدد، پیدایش وجود بی ثباتی احتمالی در آن دور از ذهن نمی باشد.

کشورهای آسیای مرکزی پس از استقلال با دو تحول ژئوپلیتیکی داخلی و منطقه ای مواجه شدند. مسائل سیاسی، قومی، هویتی و مرزی بجا مانده از دوران حکومت شوروی، این کشورها را با مشکلات ژئوپلیتیکی مواجه نمود. حاصل میراث سیاست های شوروی، ظهور یک رشته از بحران هاست که برخی از آن ها ریشه جغرافیایی، برخی ریشه در مشکلات قومی و برخی دیگر

ریشه در هر دو مساله دارند. تحول دیگر مربوط به دوران پس از جنگ سرد می باشد که فضای ژئوپلیتیک جدیدی در منطقه آسیای مرکزی به وجود آورده است. این تحولات از یک سو موجب خلاء قدرت در منطقه به دلیل شرایط حاکم بر روسیه گردید و از سویی صحنه برای رقابت قدرت های منطقه ای و فرا منطقه ای شد که هر کدام اهداف و منابع خود را دنبال می کردند.

تبدیل شدن منطقه آسیای مرکزی به عرصه رقابت قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای در زمان پس از فروپاشی شوروی به ویژه پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر را از جمله مهمترین ویژگی ژئوپلیتیکی این منطقه برشمرد. منطقه ای که در آن به غیر از پنج کشور (ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان، قزاقستان و ترکمنستان)، پنج قدرت منطقه ای (روسیه، ایران، ترکیه، هند و پاکستان) و سه قدرت فرامنطقه ای (آمریکا، اتحادیه اروپا و چین) به رقابت برای تأمین منافع خود می پردازند.

آمریکا به عنوان هژمونی جهانی، اهدافی را در آسیای مرکزی دنبال می کند که از جمله آن ها می توان به کنترل منابع انرژی منطقه، جلوگیری از تأمین منافع و نفوذ ایران و همچنین جلوگیری از احیای نفوذ روسیه اشاره کرد.

همچنین موقعیت آسیای مرکزی در نزدیکی به مرزهای افغانستان به دلیل عملیات نیروی بین المللی کمک به امنیت، توجه خاص ناتو به کشورهای این منطقه را موجب شده است. علاوه بر این، از آنجایی که آسیای مرکزی عرصه نفوذی است که باعث آسیب پذیری روسیه می شود، مسکو در بهترین حالت، مرزهای نزدیک به این منطقه را به عنوان ضربه گیر در نظر می گیرد؛ زیرا

هرگونه تسلط خارجی در منطقه می تواند تمامیت ارضی روسیه را به مخاطره افکند. رقابت قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای در آسیای مرکزی به علاوه ویژگی های داخلی و جغرافیایی این کشورها، این منطقه را در آغاز هزاره سوم به یکی از مهمترین مناطق سیاسی جهان تبدیل کرده است.

طرح نظریه هایی چون نظریه هارتلند توسط هالفورد مکیندر، نظریه سرزمین حاشیه یا ریملند توسط نیکولاس اسپایکمن، نظریه سورسکی مبنی بر منطقه تصمیم خواندن آسیای مرکزی، نظریه برخورد تمدن ها و بازسازی نظم جهان توسط ساموئل هانتینگتون و بعد از فروپاشی شوروی، دیدگاه بیضی استراتژیک جفری کمپ در ادبیات سیاسی اهمیت نظریه های مذکور به ویژه نظریه جفری کمپ که در آن به لحاظ ژئو اکونومیکی، انرژی موجود در اوراسیای مرکزی را منابعی ارزشمند برای کشورهای شرق و غرب و گزینه ای جهت تنوع بخشی به واردات انرژی با نتیجه افزایش تقاضا در راستای انباشت سرمایه و افزایش تقاضای مصرف است و به حضور و نقش روسیه به خصوص پس از فروپاشی اتحاد شوروی و استقلال کشورهای مجزا شدن از این اتحادیه، در صحنه استراتژیک آسیای مرکزی و قفقاز را نشان میدهد.

در اواسط دهه ۹۱ برخی ناظران بر این عقیده بودند که روسیه در حال به دست آوردن مجدد نقش و نفوذی است که پس از فروپاشی اتحاد شوروی و استقلال کشورهای آسیای مرکزی از دست داده بود. با این همه چنین به نظر می رسد که نحوه بازگشت روسیه به منطقه در نیمه دوم دهه ۱۹۹۱، با فرایندی سریع، اما ناخواسته عقب کشیدن روسیه همراه بوده است؛ یعنی روسیه در حال از دست دادن نفوذ خود در حوزه های اقتصادی، سیاسی،

فرهنگی و امنیتی بود. با آن که این کشور، به صورت قوی‌ترین قدرت خارجی در آسیای مرکزی و بازیگر اصلی در مناسبات منطقه باقی‌ماند، اما موقعیت آن با دخالت بیشتر بازیگران خارجی لطمه دید. دخالت غرب در قفقاز و آسیای مرکزی، تغییری شدید در صحنه استراتژیک به وجود آورده و با پیامدهای مستقیم برای روسیه همراه بوده است. روسیه سرخورده برای از دست دادن آنچه حیاط خلوت خود تلقی می‌کرد، به دنبال سیاستی جهت مقابله با عقب‌گرد خود در منطقه بود. (سلسله مقالات خبرگزاری فارس درباره اتحادیه اوراسیا)

در خصوص حضور روسیه در صحنه استراتژیک آسیای مرکزی و قفقاز نیز باید عنوان کرد که سیاست روسیه در سطح بین‌المللی در آسیای مرکزی، در چارچوب تلاش‌های آن برای حفظ ثبات منطقه‌ای و جلوگیری از کسب نفوذ خارجی‌ان در کشورهای آسیای مرکزی قابل فهم است. روابط روسیه با ایران، ترکیه و چین، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی عادی شد. تقسیم‌بندی ایدئولوژیک پیشین از میان رفت و این حقیقت که روسیه دیگر با ایران و ترکیه مرزی تداست و مرز آن با چین کوتاه‌تر شده است، به آرام‌سازی روابط کمک کرد؛ هرچند که در طول دهه ۹۱ با تبدیل شدن این کشورها به رقبای بالقوه روسیه برای نفوذ در آسیای مرکزی، عنصر جدید رقابت در این معادلات وارد شد. برای روسیه ایجاد این تفاهم میان دیگر قدرت‌های منطقه‌ای که منافع استراتژیک و ملی روسیه در آسیای مرکزی باید مورد احترام قرار گیرند، از اهمیت خاصی برخوردار بود. با ورود آمریکا به منطقه، وضعیت استراتژیک منطقه خزر و آسیای مرکزی به حالت نظامی درآمد.

اهمیت سیاسی، اقتصادی و نظامی آسیای مرکزی سبب شده است که روسیه همچنان آن را حوزه نفوذ خود بداند و با نزدیک دانستن آن، مانع نفوذ قدرت های رقیب خارجی شود. روسیه با حفظ این مناطق قادر است که نخست امنیت خود را تأمین کند، دوم منافع سیاسی و اقتصادی خود را به دست آورد و سوم با تسلط بر منابع انرژی و حفظ انحصار خود بر آن، در مواقع لازم از ابزار انرژی جهان و خریدار اصلی تولیدات انرژی منطقه، سعی در حفظ جایگاه خود و کنترل نفوذ دیگر کشورها را دارد. (سلسله مقالات خبرگزاری فارس درباره اتحادیه اوراسیا).

اما با حضور چین در منطقه آسیای مرکزی باید گفت که نگاه چین به منطقه بیشتر امنیتی است، اما علاقه این کشور دستیابی به منابع انرژی همسایگانش است. چین در این منطقه از مجموعه ای از مزیتها نسبت به روسیه به عنوان بزرگترین بازیگر منطقه ای و نیز نسبت به بازیگران فرامنطقه ای یعنی ایالات متحده امریکا و اتحادیه اروپا برخوردار است.

چین با توجه به قدرت فزاینده اقتصادی خود، نفوذ قدرتمندی در ساختارهای اقتصادی منطقه به دست آورده است. وجود ذخایر عظیم نفت و گاز در حوزه خزر که در آینده می تواند وابستگی نفتی چین به انرژی خاورمیانه را کاهش دهد از یک سو، و بازار بکر و بزرگ منطقه جهت صدور کالاهای چینی و نیاز این جمهوری ها به سرمایه گذاری شرکت های چینی در بخش های صنعتی از سوی دیگر، همگی پکن را تشویق به حضور فعالانه در تحولات این منطقه کرده و آسیای مرکزی جایگاهی ویژه در سیاست خارجی چین پیدا کرده است.

اروپانیز دارای دیدگاهی عمدتاً تجاری نسبت به منطقه آسیای مرکزی می باشد و چندان به دنبال کسب جایگاه ژئوپلیتیک نیست. در حقیقت اروپایی ها به دنبال بهره گیری مناسب از فرصت موجود برای دستیابی به منابع جدید انرژی و کم رنگ نمودن وابستگی به انرژی خاورمیانه و روسیه هستند. در حال حاضر، شرکت های بزرگ سرمایه گذاری اروپایی بازار اقتصادی منطقه را بلعیده و این کار در زمینه های سرمایه گذاری اقتصادی در منطقه فرصت های بی شماری را از دست قدرت های ضعیف خارج کرده است. ابتکار اروپا در راه اندازی کریدور ارتباطی تراسیکا، از طرفی دروازه های اروپا به منطقه و از طرف دیگر دروازه های ارتباطی منطقه به اروپا را گشوده است که این موقعیت، تأثیرات و منافع ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی فراوانی برای اروپا در پی داشته است.

اتحادیه اروپا به دنبال شکستن حصار روسیه در منابع انرژی آسیای مرکزی است. اتحادیه اروپا نفت و گاز آسیای مرکزی را از طریق روسیه دریافت می کند و همین امر موجب گردیده که برخی در اتحادیه اروپا نسبت به اتکای بیش از حد به روسیه برای تأمین انرژی ابراز نگرانی کنند. اساساً آمریکا با این توجه که جهان در قرن بیست و یکم شاهد جدال بر سر دستیابی به منابع انرژی خواهد بود، تلاش گسترده ای را برای تسلط بر منابع انرژی حوزه خلیج فارس و دریای خزر سازماندهی کرده است. دسترسی به منابع نفتی خزر در استراتژی امنیت ملی آمریکا به عنوان منفعت حیاتی و حساس این کشور تعریف شده و این کشور استراتژی چندجانبه ای را در حوزه های سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای حضور خود در این منطقه تعریف کرده است.

در این استراتژی، گسترش ناتو به عنوان عاملی برای تکمیل حلقه های اوراسیا و برنامه همکاری برای صلح به شرق در قالب تسلط بر محورهای امنیتی منطقه پیش بینی شده که در عین حال، ضمن کنترل روسیه، باعث مهار ایران نیز شده و سیاست منطقه بدون ایران به عنوان سیاست محوری آمریکا در منطقه را پیش می برد. ولی در این بین، مهم این است که آمریکا قصد دارد در حوزه های سیاسی، اقتصادی و امنیتی حضور خود را در منطقه گسترش داده و به تدریج مسلط گردد. این کار از طریق نهادسازی، تقویت ارتباطات منطقه با نهادهای غربی نظیر ناتو، سازمان امنیت و همکاری اروپا، اتحادیه اروپا و سازمان تجارت جهانی و افزایش حضور نظامی در منطقه صورت می پذیرد. در همین راستا، قطع وابستگی منطقه به کشورهای منطقه ای نظیر روسیه، چین و ایران، از طریق ایجاد ارتباطات متعدد و گوناگون فراملی، از جمله سیاست های رسمی دولت آمریکا است. همین مساله دامنه ارتباطات و وابستگی های فرمانطقه ای کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز و حتی کشورهای اروپای شرقی را بالا برده و از میزان تسلط کشورهای مرکز برای کنترل تعاملات منطقه ای می کاهد.

۷- جایگاه ایران در نظریه های ژئواکونومیک

به طور مشخص ملاک قدرت در سده بیست و یکم توانمندیهای اقتصادی در سطح بین المللی و کنترل نظام تولید، عرضه و مصرف کالاهای اقتصادی است. به همین لحاظ مناطق استراتژیک منطبق با مناطقی است که منابع سرشار طبیعی (بویژه منابع انرژی) و نیز تولید ناخالص ملی چشمگیر دارند. بدین لحاظ منطقه خاورمیانه، به ویژه حوزه خلیج فارس و دریای خزر به علت در

اختیار داشتن بیش از ۷۰ درصد منابع تولید انرژی (نفت و گاز) نقش ژئواکونومیک ویژه‌ای در قرن ۲۱ بازی خواهد کرد. جمهوری اسلامی ایران که به عنوان یک کشور مهم از دید استراتژیک در دوران جنگ سرد مطرح بود اکنون با عامل اقتصادی (ژئواکونومیک) منطبق شده و موقعیت منطقه‌ای آن در دوران پسا جنگ سرد، به موقعیت ممتاز بین المللی در عرصه جهانی بدل گشته است. این موقعیت استثنایی، جایگزین ناپذیر بوده و نقش محوری در تدوین استراتژی های مربوط به منظومه های قدرت جهان در سده حاضر خواهد شد. تسلط طبیعی ایران بر تنگه هرمز و جزایر استراتژیک اطراف آن و همچنین هم مرز بودن با دومین منبع نفت و گاز جهان در شمال، موجب می‌گردد جایگاه جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از نقش‌آفرینان اصلی استقرار صلح و ثبات بین المللی در سده ۲۱ باشد. جمهوری اسلامی ایران نیز باید به تدوین یک دستور کار ژئوپلیتیکی بپردازد که هم جوابگوی مشکلات و مطالبات منطقه‌ای و جهانی باشد و هم به نحوه بسیار مطلوب برآورنده منافع ملی و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی باشد. (مینایی، ۲۴۱-۲۴۸: ۱۳۸۲)

با تغییر شاخص ها در انتخاب قلمرو های استراتژیک پس از پایان جنگ سرد و اولویت یافتن مسائل اقتصادی بر مسائل نظامی، انطباقی بین قلمروهای ژئواکونومیک و استراتژیک پدید آمد و در مباحث ژئواکونومیک، موضوع ژئوپلیتیک نفت و امنیت استراتژیک منابع انرژی به عنوان مهمترین عامل تعیین کننده در تعیین استراتژی های جهانی مطرح گردید.

بر همین اساس در آغاز سده بیست و یکم دو عامل عمده منابع و ارتباطات نقش اصلی را در شکل گیری مناطق ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک بازی

می‌کنند. با نگاهی به نقشه منابع انرژی درمی‌یابیم که بیش از ۷۰ درصد ذخایر نفت و گاز جهان در منطقه کوچکی از حوزه خلیج فارس تا حوزه دریای خزر نهفته است و به همین دلیل این منطقه به عنوان تکیه گاه قلمروهای ژئواستراتژیک انتخاب گردیده است که در این گرانیگاه استراتژیک، کشور جمهوری اسلامی ایران نقش کلیدی و محوری دارد. روند کنونی تحولات نظام بین الملل، بیانگر این است که کشوری نقش قدرت برتر جهانی را در سده بیست و یکم بازی خواهد کرد که بتواند بر منابع و خطوط انتقال انرژی جهان به ویژه نفت و گاز تسلط داشته باشد. (رحیم پور، ۵۸: ۱۳۸۱)

۸- همکاری با اتحادیه‌ی اوراسیا گامی در جهت توسعه اقتصادی ایران طبق ماده ۱۳ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، جمهوری اسلامی ایران موظف است نسبت به ایجاد و انعقاد پیمان های دوجانبه و چندجانبه و همچنین پیمان های پولی دوجانبه با کشورهای طرف تجاری و هدف به ویژه کشورهای منطقه اقدام کند (سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۳۹۶: ۴۰).

موافقتنامه موقت ترتیبات منطقه آزاد تجاری بین ایران و اتحادیه اوراسیایی این فرصت را برای ایران فراهم خواهد کرد تا حجم معامله کالا در چارچوب منطقه تجارت آزاد افزایش یابد که در نهایت منجر به ثبت رشد اقتصادی در کشورهای حاضر در این تبادلات می شود. توافقنامه با اتحادیه اقتصادی اوراسیایی می تواند، رونق جدیدی برای برنامه های سرمایه گذاری، طرح های نوآوری و همچنین اجرای ابتکار عمل های مشترک در زمینه های علوم و فناوری باشد.

آنچه وضعیت کشور ثالثی مانند ایران را در اوراسیا دقیق تر می کند، مفهوم بازارهای مشترک و رژیم های تنظیم کننده مقررات برای این بازارها است. چنانچه ایران بخواهد کالاهای صادراتی خود را به کشورهای عضو اتحادیه اوراسیایی عرضه کند با مسئله بازارهای مشترک مواجه است که برای هر کالا تعریف شده و اهداف زمانی مشخصی را نیز برای آنها تعیین کرده اند. ایران به عنوان اقتصادی که جهت گیری بازار آزاد را انتخاب کرده می تواند، بازارهای مشترک اوراسیایی را بشناسد و طی یک دیپلماسی اقتصادی جهت حضور و عرضه کالاهای ایرانی در این بازارها نقش متناسبی بازی کند. این دیپلماسی اقتصادی باید هدف گیری خود را مبتنی بر تعامل با کمیسیون های اتحادیه قرار دهد تا بتواند بر وضع قوانین اتحادیه که الگوی بازارهای مشترک را شکل می دهند، تأثیر بگذارد. مسئله بسیار مهم در کلیت تعاملات ژئواکونومیک با این اتحادیه ها یا هر اتحادیه اقتصادی دیگر، مسئله قوانین گمرکی و یکسان سازی سطوح تعرفه ای بین اعضای اتحادیه های اقتصادی است. از آن روی که یکی از گام های مهم تشکیل اتحادیه توجه به اصل اتحادیه گمرکی اوراسیایی است، لزوم تنظیم قوانین گمرکی و محاسبه ضریب هزینه ها و منافع رعایت این قوانین مسئله ای بسیار ضروری است.

در صورتی که تعرفه های گمرکی ایران بالاتر از حد متناسب با تعرفه اتحادیه باشد شکل گیری تعاملات ژئواکونومیک با شکست مواجه می شود و اگر از حد متناسب پایین تر باشد در نهایت ابزارهای برتری اقتصادی را به دست رقیب بخشیده است. کار با قوانین گمرکی این اتحادیه می تواند ایران را به

درخواست تعیین سطوح گمرکی مطلوب خود از رقبای اروپایی نیز سوق دهد. (میرفخرایی، ۱۳۹۴، ۱۶۹-۱۷۰).

۹- اثرگذاری طرح کریدور بین المللی شمال به جنوب در توسعه مناطق آزاد ایران

با اتحاد استراتژیک میان مناطق آزاد شاهد موفقیت بیشتری در توسعه مناطق و نقش آفرینی آنها در سطح بین الملل خواهیم بود. موافقتنامه کریدور بین المللی شمال به جنوب، به عنوان یکی از مسیرهای راهبردی در نیم کره شرقی جهان و مهمترین حلقه تجارت بین آسیا و اروپا در شهریور ماه ۱۳۷۹ در سن پترزبورگ به امضای وزرای حمل و نقل سه کشور ایران، هند و روسیه رسید. دسترسی ایران به سواحل طولانی در خلیج فارس، دریای عمان، دریای مکران، سواحل دریای خزر و موقعیت استراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک منحصر به فرد ایران موجب شده بود تا مورد توجه کشورهای بزرگ جهان و سرمایه گذاران قرار گیرد؛ این موافقتنامه امروز هم یکی از مهمترین موضوعات مورد توجه مناطق آزاد ایران و کشورهای همسایه و نقطه عطفی در اقتصاد مناطق آزاد ایران به شمار می آید. راه گذر یا کریدور بین المللی شمال به جنوب ارتباط ترانزیتی کشورهای شمال اروپا و روسیه را از طریق ایران و دریای خزر به کشورهای حوزه اقیانوس هند، خلیج فارس و جنوب آسیا برقرار می سازد. در این میان اتصال خلیج عمان و بندر چابهار در ساحل شرق دریای مکران به عنوان بندری استراتژیک به این راه گذر در مبادله کالا به شرق کشور و همسایه های شرقی و آسیای میانه نقش مهمی ایفا خواهد کرد. یکی از مدل های جدید مناطق آزاد در جهان، مناطق آزاد موافقتنامه ای هست که بر

اساس آن میان چند کشور یا چند منطقه موافقت‌نامه تجارت ترجیحی بسته می‌شود و یکسری از معافیت‌ها و قوانین گمرکی مدنظر قرار می‌گیرد که می‌تواند در پیشبرد اهداف و تسریع روند فعالیت‌ها موثر باشد. در حقیقت این تعریف جدید از مناطق آزاد در قالب تفاهم‌نامه‌هاست مانند توافق‌نامه اوراسیا که به زودی ایران هم به آن می‌پیوندد. اگر این مدل همکاری توسعه پیدا کند و بازتعریفی از همکاری‌ها و مدل‌های جدیدی برای روابط در قالب شورای همکاری یا اتحاد استراتژیک بین مناطق آزاد ایران و کشورهای همسایه صورت گیرد، شاهد موفقیت بیشتری در توسعه مناطق آزاد و نقش‌آفرینی آنها در سطح بین‌الملل خواهیم بود و با تعمیم این الگو و مشارکت در زمینه‌های مختلف، موجب توسعه صادرات و تامین نیازهای داخلی خواهیم شد. در همین زمینه منطقه آزاد انزلی تفاهم‌نامه ای با منطقه آزاد چابهار و منطقه لوتوس آستراخان روسیه برای احیا و رونق بیشتر کریدور بین‌المللی شمال به جنوب تنظیم در دستور کار قرار داده است. منطقه آزاد انزلی با توجه و پیگیری تفاهم‌نامه مشترک میان ایران، هند و روسیه و تفاهم‌نامه‌هایی که در گذشته داشته مانند همکاری با منطقه آزاد اکتائو قزاقستان در جهت توسعه روابط با دیگر مناطق گام برداشته و در حرکت است.

بر اساس توافق‌نامه ای که میان سه کشور روسیه، ایران و هند منعقد شده است، مبادلات کالایی در مسیر کریدور شمال - جنوب صورت خواهد گرفت و بخش عمده‌ای از کالا که از هند و کشورهای جنوب شرق آسیا مثل ژاپن و کره، از مسیر کانال سوئز به سمت اروپا و شمال شرق اروپا منتقل می‌شود؛ از طریق کریدور بین‌المللی شمال به جنوب به عنوان مسیر جایگزین برای کانال

سوئز منتقل می‌شود و به جای عبور از مسیر طولانی باب المندب که امروز در بحث های امنیتی ضعیف است و کانال سوئز، بخشی از آن با ورود به چابهار یا بندرعباس و یا دیگر بنادر

جنوبی و از آنجا به وسیله حمل و نقل ریلی و یا جاده ای به بنادر شمالی منتقل شود و از آنجا به روسیه و کشورهای سی سی آی اس (CIS) با سهولت بیشتری حمل شود. کشورهای آسیای شرقی، مانند چین، ژاپن، هند، تایوان و اندونزی حجم صادرات و تولید ناخالص داخلی بالایی دارند و صادرات کالای آنها بعد از گذشت از باب المندب و سوئز از طریق مسیر دریایی به شمال اروپا می رسد، که ایجاد این کریدور موجب ایجاد اشتغال، ارزش افزوده و چرخش مالی و افزایش درآمد ارزی برای کشور ما خواهد شد. کریدور نوستراک یا کریدور شمال به جنوب می بایست بخشی از بار کانال سوئز را به عهده بگیرد و رقیب کانال سوئز باشد. برای اجرایی شدن این مهم، ما نیازمند تکمیل زیرساخت‌ها به خصوص مسیر ریلی جنوب تا شمال هستیم که می بایست بنادر را برای پذیرش کشتی‌های بزرگتر توسعه داده و پسکرانه وسیع‌تر ایجاد کنیم (www.eghtesaad24.ir).

شکل ۲: نقشه کریدور شمال به جنوب



منبع: پایگاه خبری شفقنا، ۱۸ بهمن ۱۳۹۶

۱۰- جایگاه ژئواکونومیکی ایران در اتحادیه اوراسیا

در قرن حاضر انرژی، به ویژه نفت و گاز به منزله روح ژئواکونومیک، در فرایند توسعه تعیین امنیت و ایجاد کشمکش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نقش آفرین شده است. با تحول گفتمان سنتی ژئواستراتژیک به گفتمان نوین انطباقی بین قلمروهای ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک در دهه های اخیر و ایفای نقش برتر اقتصاد بر مسائل نظامی در عرصه مناسبات جهانی، نفت همچون خون صنعت مدرن هم اکنون مهم ترین و اجتناب ناپذیر ترین ماده خام تمدن صنعتی جهان در مقایسه با سایر عوامل قدرت از جایگاه بالاتری برخوردار شده است. (زارعی و دیگران، ۳۱۲: ۱۳۹۴)

در شرایطی که ایران همچنان با تحریم های اقتصادی از سوی آمریکا و هم پیمانان آن روبه رو است، همکاری در حوزه انرژی با کشورهای منطقه اوراسیایی برای ایران از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از سوی دیگر، ایران نقش کلیدی در شاهراه های موجود منطقه یعنی جاده ابریشم، راه آهن سراسری آسیا، تراسیکا و کریدور شمال و جنوب دارد. اقتصاد ایران و کشورهای حوزه آسیای مرکزی و قفقاز از توان هم تکمیلی جدی برخوردارند. ارتباطات تجاری و اقتصادی ایران در منطقه اوراسیایی و اشتراکات انرژی پایه با اقتصاد روسیه سبب می شود که جمهوری اسلامی الزامات اقتصادی بیشتری در جغرافیای اوراسیایی داشته باشد. در حقیقت ایران با یک منطقه تجاری مواجه خواهد بود که افزون بر حفظ استقلال سیاسی واحدهای عضو، یکپارچگی در حال پیشرفتی از نظر اقتصادی و تجاری دارد و انسجام بیشتری

نیز کسب خواهد کرد. زیرساخت های انرژی ایران، می تواند بستر مناسبی برای انتقال انرژی اوراسیایی به آب های آزاد باشد. ایران می تواند زیرساخت های تولید نفت و گاز خود را بروز سازی کند تا از پهنه گسترده سیستم انتقال انرژی در کشور بهره برداری نوین داشته باشد.

۱۱- نقش کریدور شمال - جنوب و جاده ابریشم در توسعه ایران

موقعیت ایران بین دو دریای خزر در شمال و خلیج فارس در جنوب و قرار گرفتن در موقعیت ترانزیتی شرق به غرب، می تواند مسیری مناسب برای ترانزیت کالاهای کشورهای عضو اتحادیه بوده و در رونق کریدور بین المللی حمل و نقل شمال - جنوب موثر باشد. ارمنستان تنها کشور عضو اتحادیه اوراسیایی است که با ایران مرز زمینی دارد. این عامل بسیار مهمی است که می توان از این فرصت استفاده شود و مسیر ارمنستان - ایران به عنوان یک جاده ترانزیتی برای انتقال کالاهای ایران به اتحادیه اوراسیایی که برای ایران اهمیت بسیاری دارد برای همگان معرفی شود. توافق هایی که اتحادیه اقتصادی اوراسیایی بر سر موضوعات حمل و نقل کرده نیز شبیه موضوعات انرژی است. فضای مشترک حمل و نقلی مدنظر این اتحادیه یک راه ابریشم منسجم است که می تواند میزان موفقیت خود را در آینده نشان دهد. فضای مشترک حمل و نقل در کنار سیاست های کشاورزی و همچنین صنعتی گسترده در این اتحادیه، نشان از الزام ایران به همکاری های فعال با اعضای اتحادیه با هدف تأثیر بر شکل گیری این فضاها اشتراکی دارد. (میرفخرایی، ۱۳۹۴، ۱۶۹-۱۷۰).

شبکه ریلی ایران به عنوان مهم ترین مسیر ارتباطی و ترانزیتی ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا در دو سوی خزر (خط ریلی قزاقستان - ترکمنستان ایران در شرق دریای خزر و خط ریلی ایران - آذربایجان - روسیه در غرب خزر و نگاه ملی و ویژه به تکمیل قطعه باقیمانده خط ریلی رشت - آستارا)، تجارت دریایی و ظرفیت های دریای خزر پس از امضای کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر (با توجه به مرزهای آبی ایران با قزاقستان و روسیه در دریای خزر)، ظرفیت منطقه قفقاز شمالی روسیه به عنوان دروازه ورود ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا از سمت منطقه قفقاز و ظرفیت مناطق آزاد تجاری ارس، ماکو، بندر انزلی و بندر امیرآباد با اجرای توافقنامه تجارت ترجیحی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا رونق خواهد گرفت.

از طرفی، موقعیت جغرافیایی ایران می تواند، اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیایی را به آبهای گرم خلیج فارس و به منطقه خاورمیانه متصل کند. اگر شرایط زیرساخت های ترانزیتی ایران بهبود یابد می توان بر درآمدزایی از این طریق حساب ویژه ای باز کرد و از این لحاظ عضویت در این اتحادیه می تواند درآمد سرشاری را نصیب ایران کند.

همچنین ایران می تواند در شرایط کنونی با استفاده از فرصت ها و ظرفیت های ایجاد شده در پی پیوستن به موافقتنامه اتحادیه اقتصادی اوراسیایی، مناسبات اقتصادی با کشورهای منطقه، تکمیل و توسعه زیرساخت ها و تسهیلات لازم به ویژه در زمینه حمل و نقل دریایی و ریلی را برقرار و توسعه دهد. تشکیل نخستین کارگروه ترانزیت و مبادله کالا میان ایران و اتحادیه اوراسیایی اخیرا در دستورکار دو طرف قرار گرفته است. تیگران

سرکسیان، رئیس هیات اتحادیه اقتصادی اوراسیایی خواهان تشکیل کارگروهی برای بهره مندی کشورهای عضو اوراسیایی از ظرفیت های ایران برای ترانزیت و مبادله کالا با هند، پاکستان و کشورهای جنوب شرق آسیا است. وی استفاده از ظرفیت های ایران در زمینه ترانزیت و استفاده از ظرفیت ایران برای مبادلات تجاری کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیایی باهند و پاکستان و جنوب شرق آسیا را بسیار حائز اهمیت می داند و آن را یکی از عوامل مهم توسعه تجارت اوراسیایی و به تبع آن همگرایی اقتصادی کشورهای منطقه و خارج دور ارزیابی می کند (اینانلو، ۱۳۹۸).

۱۲- تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا و الزامات ژئواکونومیک آن
برای ایران

پس از انحلال اتحاد شوروی الزامات ژئوپلیتیک ایران در منطقه شمالی آن به میزان قابل توجهی کاهش یافت. حال پس از قدرت گیری روسیه در صحنه معادلات بین المللی به ویژه با وقوع مسئله اوکراین، نقش روسیه در راهبری منطقه خارج نزدیک خود رو به افزایش است. از سویی ایران با روسیه - به عنوان محور حرکت های راهبردی در اوراسیا - و نیز سایر کشورهای این منطقه روابط حیاتی برقرار ساخته است و در برخی مناطق همچون ارمنستان نوعی منافع ژئوپلیتیک مستقیم نیز دارد و از سوی دیگر، رقابت های راهبردی روسیه با بازیگران بزرگ دنیا سبب شده است تا این کشور از راه محاسبه متغیرهای امنیتی و جریان مبادلات انرژی دست به تشکیل اتحادیه اوراسیا بزند

با این هدف که تا جای ممکن این منطقه را به سمت ضریب بالاتری از اتحاد سوق دهد. هر درجه که این اتحاد بالاتر می‌رود، رقابت‌های راهبردی در مورد این منطقه نیز مهم‌تر می‌شود. از آنجاکه مناطق آسیای مرکزی و قفقاز ادامه مناطق ژئواستراتژیکی همچون خاورمیانه هستند، با اهمیت‌تر شدن این منطقه در منازعات رقابتی می‌تواند کشورهای خاورمیانه‌ای هم‌جوار را بیشتر تحت تأثیر قرار دهد. وقوع چین در کنار این منطقه و تأثیر عمیق چین در سازمان همکاری شانگهای، مسئله راه‌های ابریشم پیشنهادی، نگاه اروپا به مسیر عبور تا قلب مشرق زمین و اهمیت آسیا - پاسیفیک برای امنیت ملی آمریکایی‌ها بر ضرورت حضور و تعامل‌های چندجانبه در این منطقه بر اهمیت آن در مسیر اهداف ژئوپلیتیک ایران می‌افزایند. در کنار تمامی این موارد، ارتباطات تجاری و اقتصادی ایران در منطقه اوراسیا و اشتراکات انرژی پایه با اقتصاد روسیه سبب می‌شود که جمهوری اسلامی الزامات اقتصادی بیشتری در جغرافیای اوراسیا داشته باشد (میرفخرایی، ۱۳۹۴، ۷).

۱۳- تأثیراتحادیه اوراسیا بر مناطق آزاد تجاری صنعتی

از پدیده مناطق آزاد، با عناوین مختلفی یاد کرده اند، برای مثال میتوان به موارد زیر اشاره کرد (حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۲۷۵). منطقه آزاد، منطقه تجاری آزاد، منطقه تجارت خارجی، منطقه اقتصادی ویژه، منطقه آزاد پردازش صادرات، منطقه آزاد صادرات و تعدادی اسامی دیگر اشاره کرد (مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۶۸: ۱) که این امر ارائه تعریفی روشن از منطقه آزاد را مشکل نموده است. ساده ترین و مختصرترین تعریفی که از منطقه یا بندر آزاد میتوان ارائه نمود بدین سان است: " ناحیه جغرافیایی محدود و محصور

در محدوده گمرک ملی اعم از بندر یا جزیره و یا بخشی از خاک کشور که به موجب قانون خاص، فعالیت صنعتی و تجاری و ورود و خروج کالا در آن آزاد است و مشمول مقررات و محدودیتهای گمرکی کشور نمیشود." این مناطق معمولاً در مسیر آبراه های مهم بین المللی درجایی که امکانات و تسهیلات بندرگاهی و فرودگاهی وجود داشته باشد (حافظ نیا، ۲۷۶:۱۳۸۴).

مناطق آزاد از روش های زیر می تواند به توسعه اقتصاد ملی کمک کنند:

الف) سرعت در تامین مواد اولیه کارخانه های داخل کشور

مناطق آزاد فرآیند سفارشات کارخانه های داخلی را تسهیل می بخشد، قطعاً افزایش سرعت دریافت سفارشات می تواند باعث صرفه جویی در هزینه ها و در نهایت سبب کاهش بهای تمام شده محصولات ساخته شده در داخل کشور شود و موجبات افزایش توان رقابتی و بهبود روند صدور محصولات را فراهم آورد.

ب) کاهش نرخ بیکاری

هنگامی که مناطق آزاد کشور با پشتوانه علمی و عملی مناسبی ایجاد می شوند فرصت های شغلی را نیز با خود به همراه می آورند. انجام امور صنعتی، اقتصادی، تجاری و گردشگری در مناطق آزاد ظرفیت های شغلی متعددی را ایجاد می کند که با تکیه بر آنها می توان نرخ بیکاری را در درون این مناطق و حتی در مناطق همجوار تا حد قابل ملاحظه ای کاهش داد. هرچند که با سودآوری هایی نیز همراه می باشند که دست آخر مقداری از آنها به درون اقتصاد میزبان منتقل می شود. فعالیت های اصلی و جانبی بسیاری نظیر شرکت های صنعتی، بازرگانی، خدماتی، امور بانکی، بیمه ای، انبارداری، تخلیه

و بارگیری بسته بندی و... هستند که در سایه مناطق آزاد ایجاد می‌شوند و می‌توانند کمبودهای شغلی موجود در این مناطق را تا حدودی برطرف نمایند.

ج) توسعه صادرات کشور و افزایش درآمدهای ارزی برجسته ترین کارکرد نوین مناطق آزاد پرداختن به توسعه صادرات کشور هستند. مناطق آزاد سکویی برای توسعه و گسترش صنعت صادرات کشور محسوب می‌شوند. در این میان استفاده از تزلزل اقتصادی برگرفته از عدم ثبات سیاسی کشورهای همسایه می‌تواند موقعیت های مناسب و چشمگیری برای صادرکنندگان ایرانی به وجود آورد تا ابزارهای مناسبی را برای تولیدات خود ایجاد نمایند. با تکیه بر کارکردها پتانسیل‌های مناطق آزاد کشور می‌توان کوشید تا هر چه سریع تر و عمیق تر بازارهای تشنه و نیازمند را در اختیار گرفته و پایگاهی مناسب و قابل اعتماد با رعایت اصول و ارزش‌های حاکم بر کشورهای وارد کننده، برای تولیدات کشور خود در کوتاه‌مدت و بلندمدت فراهم آورد. تحقق این امر مستلزم تجزیه و تحلیل های مستمر محیط می‌باشد. محیطی که قرار است به عنوان بازار هدف انتخاب شود، قطعاً توسعه صنعت صادرات کشور می‌تواند تا حدودی کمبودهای ارزی اقتصادی ملی و مشکلات موجود در تعادل با تراز تجاری را برطرف نماید و به یاری پیشرفت اقتصاد ملی برآیند.

د) محرومیت زدایی مکان یابی مناطق آزاد کشور به گونه ای است که در نواحی مرزی کشور واقع شده اند، که مناطق همجوار آن ها اغلب با محرومیت‌های همراه هستند. بدون

شک تزریق درآمدهای حاصله و تکنولوژی‌های جذب شده در مناطق آزاد در درون اقتصاد مناطق همجوار می‌تواند گامی باشد در جهت بهبود شرایط اقتصادی این مناطق. یکی از معیارهای جذب توریست در بهبود صنعت گردشگری در مناطق آزاد و سطح کشور، برخورداری مناطق فرهنگی و اقتصادی پویا است تا بتواند به تغییرات محیطی پاسخ مناسب دهند. جهت دستیابی به این مهم تحولات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی لازم، ضرورت می‌یابد که تسری و انتقال این فرآیند به درون مناطق همجوار و الگوبرداری از آن توسط این مناطق امری بدیهی است، لذا مناطق همجوار که معمولاً با ضعف و محرومیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مواجه هستند طی این فرآیند جهش می‌یابند و به درجات بالاتری از فرهنگ و اقتصاد خواهند رسید (محمدی الموتی، ۱۳۷۴).

۱۴- مناطق آزاد تجاری در ایران

با تصویب قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری صنعتی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۲، فعالیت مناطق آزاد تجاری در ایران شروع شد. قوانین اصلاحی بعدی مصوب مجلس و مجمع تشخیص مصلحت نظام، فرصتی را فراهم کرد تا برخی از محدودیتهای مناطق آزاد از بین رود. هر منطقه را سازمانی اداره میکند که به صورت شرکت است و شخصیت حقوقی مستقل دارد و سرمایه آن متعلق به دولت است. مناطق آزاد تجاری-صنعتی ایران، در ابتدا به سه منطقه کیش، قشم و چابهار محدود میشد، اما با تصویب قانون مورخه ۸۲/۶/۲ محدوده ای از شهرستانهای آبادان، خرمشهر و قسمتهایی از شهرستانهای جلفا و بندر انزلی نیز به عنوان مناطق آزاد شناخته شدند

(مناطق آزاد ارس، اروند و انزلی). همچنین به منظور ایجاد هماهنگی بین مناطق آزاد تجاری - صنعتی، شورایی به نام شورای عالی مناطق آزاد تجاری - صنعتی به ریاست رئیس جمهور تشکیل میشود.

بررسی عملکرد مناطق آزاد تجاری - صنعتی و مقایسه آن با اهداف تأسیس این مناطق در طول بیش از یک دهه در ایران (دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد، ۱۳۸۴) نشان میدهد که برخی از اهداف مورد نظر تحقق نیافته و مشکلاتی پدیدآمده است که این موضوع ایجاب میکند تا سازوکار مناسبی برای ادامه فعالیت مناطق مذکور به منظور رفع مشکلات پدید آمده اتخاذ شود. در واقع، به دلیل عدم تحقق برخی از اهداف مربوط به ایجاد مناطق آزاد (از بدو تأسیس تاکنون) با توجه به مشکلات ساختاری مانند تعیین نه چندان اصولی اهداف مربوط به ایجاد مناطق، مکانیابی نامناسب، عدم سرمایه گذاری اولیه برای ایجاد زیربناهایی به منظور حل مشکلات موجود از قبیل کمبود منابع مالی، محرومیت مناطق با وجود هزینه های انجام شده، عدم اولویتبندی نیازهای هر منطقه، کمبود تسهیلات بیمه ای و بانکی، اتخاذ سازوکار مناسب برای ادامه فعالیت مناطق به منظور دستیابی به اهداف مذکور ضروری خواهد بود.

۱۵- نقش جاده ابریشم در اتحادیه اوراسیا

یکی از راهبردهای اساسی چین، احیای جاده ابریشم و نگاه ویژه پکن به کشورهای آسیای میانه است. با توجه به اینکه حلقه وصل این کشورها به آب های آزاد، ایران است بنابراین چینی ها از سالها پیش دریافته اند که ترانزیت و تجارت کالا با کشورهای آسیای میانه و فراهم آوردن امکان ترانزیت صادرات

و واردات این کشورها از دریای خزر به خاورمیانه، اروپا و بدون ایران ممکن نیست.

چین به دنبال اجرای پروژه‌های با نام «یک جاده یک کمر بند» است که برای آن سرمایه‌گذاری ۸۵۰ میلیارد دلاری صرف کرده تا بتواند با پروژه ترانزیتی ترانس پاسیفیک آمریکا رقابت کند، از این رو کشورهای بسیاری تمایل به همکاری در این پروژه دارند و مسیرهای متفاوتی برای ترانزیت کالا از چین پیشنهاد شده است، برای نمونه مسیر ریلی سیبری برای اتصال چین به اروپا، ترانزیت به اروپا از مسیر منجمد شمالی که کوتاه‌ترین مسیر نیز هست (اما به دلیل یخبندان ۵ ماه از سال قابل استفاده نیست)، مسیر اتصال چین به غرب از طریق بندر گواتر پاکستان (در حال حاضر سرمایه‌گذاری سنگینی در این بندر انجام داده‌اند)، مسیر چین- قزاقستان و ایران که کالا از بندر اکتائو قزاقستان وارد بندر کاسپین در منطقه انزلی می‌شود و از این منطقه به مناطق دیگر توزیع می‌شود. برای نمونه می‌توان کالا را به صورت زمینی از طریق مرز بازرگان به کشورهای منطقه صادر یا در آینده با اتصال پروژه ریلی به ترکیه و بعد به اروپا ترانزیت کرد و یا بندر کاسپین می‌تواند به عنوان تنها بندر نسل سوم حوزه خزر، در مسیر کریدور شمال - جنوب قرار گرفته و ارتباط ترانزیتی کشورهای شمال اروپا و روسیه از طریق ایران و دریای خزر به کشورهای حوزه اقیانوس هند، خلیج فارس و جنوب آسیا را برقرار سازد.

راه ابریشم دو هزار سال پیش، جاده تعامل تمدن و بازرگانی اقوام آسیایی و پلی بود که آسیای شرقی را به غرب متصل می‌کرد. این مسیر استراتژیک تا سده پانزدهم میلادی و به مدت ۱۷۰۰ سال، بزرگترین شبکه بازرگانی جهان

محسوب می‌شد. علت انتخاب نام ابریشم برای این مسیر، حمل بار ابریشم چین از راه مذکور به سمت دریای مدیترانه و مناطق دیگر بود. این جاده، سالیان طولانی با توسعه حمل و نقل در سطوح مختلف، کارکرد ویژه خود را از دست داد؛ اما چند سالی است که چینی‌ها بر آن شده‌اند تا این جاده را احیاء کنند. طرح احیاء جاده ابریشم برای نخستین بار توسط شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین، در سال ۲۰۱۳ مطرح شد. جاده ابریشم نوین، مجموعه‌ای از پروژه‌های زیرساختی، انرژی، تجارت، حمل و نقل و فناوری اطلاعات است که چین و آسیای شرقی را به آسیای مرکزی، اروپا و آفریقا وصل می‌کند.

شکل ۳: جاده ابریشم



منبع: خبرگزاری جمهوری اسلامی استان خراسان، ۱۹ اسفند ۱۳۹۷

تمرکز اصلی این طرح بر ایجاد یک جاده ابریشم دریایی و همچنین ایجاد کمربند اقتصادی جاده ابریشم است. براساس طرح چینی‌ها و اعلام سیاست دولت جمهوری خلق چین در خصوص فعالسازی جاده ابریشم، این طرح در دو مسیر زمینی و دریایی، ۶۵ کشور را در آسیا، اروپا و آفریقا در برمی‌گیرد. روابط بین چین و کشورهای آسیای مرکزی بسیار فعال و سازنده و در حال توسعه است. چین مشتاق است تا همکاری سودمند متقابل از طریق آسیای مرکزی را گسترش دهد. بزرگترین هدف چین این است که مسیرهای انتقال انرژی مورد نیاز خود را امن و متنوع کند، نزدیکی و فراوانی منابع آسیای مرکزی، منطقه را به یک شریک تجاری کامل تبدیل می‌کند. به نوبه خود، جمهوری‌های سرشار از هیدروکربن آسیای مرکزی نیز سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز خود از چین را برای بهره‌برداری از منابع طبیعی خودشان دریافت می‌کنند.

صرف‌نظر از روابط تاریخی و ریشه‌دار میان چین و ایران، سیاست موازنه قوا در نظام بین‌الملل با عبارت رقابت شرق و غرب از یک‌سو و نفوذ ژئواستراتژیک به مناطق دور از دسترس زمینی یعنی خلیج فارس از سوی دیگر، ایران را به مرکز ثقل برخی از منافع استراتژیک و کلیدی چین تبدیل کرده است. نقش ژئوپلیتیک ایران از دیرباز تاکنون غیرقابل اغماض بوده است؛ به‌گونه‌ای که در میان کشورهای واقع‌شده در مسیر راه ابریشم جدید، ایران یکی از کشورهایی است که توانایی ایفای نقش مثبت و سازنده را در توسعه ارتباطات و مناسبات میان کشورهای آسیایی داراست. هرچند با زوال نسبی جاده ابریشم قدیم بسیاری از کشورهای مستقر در مسیر آن به حاشیه رانده شدند، ایران

همچنان نقش مهم ژئوپلیتیک خود را ایفا کرده است. در شرایط کنونی، ایران باتوجه به مزیت‌هایی مانند داشتن کوتاه‌ترین مسیر به سوی اروپا می‌تواند نقش ارزنده‌ای در ترانزیت کالا پس از احیا و تکمیل جاده ابریشم ایفا کند؛ همچنین فروپاشی شوروی و به‌تبع آن، استقلال کشورهای آسیای مرکزی جایگاه ایران را در احیای راه ابریشم پررنگ کرده است. اهمیت چنین جایگاهی به محصور بودن منطقه آسیای مرکزی و قفقاز در خشکی و مطرح شدن ایران به عنوان تنها گزینه موجود برای دسترسی به خلیج فارس و آب‌های آزاد برای کشورهای این منطقه مربوط می‌شود.

ایران از نظر چین، عنصر مرکزی در کمربند اقتصادی جاده ابریشم این کشور است؛ کمربندی که برایش به شدت بازار گرمی می‌کند و هدف آن گسترش نفوذ فرامرزی چین از طریق آسیای مرکزی به خلیج فارس و اروپاست. موقعیت جغرافیایی ایران، اهمیت ویژه‌ای به این کشور به لحاظ جابه‌جایی کالا و عبور خطوط لوله‌های نفت و گاز در اقتصاد جهانی بخشیده است. ایران با بهره‌گیری از این مزیت می‌تواند منافع بسیاری را به دست آورد و جایگاه اقتصادی خود را در سطوح منطقه‌ای و جهانی ارتقا بخشد. این مهم، مستلزم درک واقعیت‌ها، بهره‌گیری از فرصت‌ها و کسب آمادگی‌های لازم برای رقابت با رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی است.

طرح کریدور شمال-جنوب یک فرصت استثنایی و بی‌نظیر اقتصادی و تجاری برای ایران است؛ از طرفی، برای تقویت و حمل کالای ترانزیتی در اسرع زمان با هزینه کمتر و ایمنی بیشتر، احداث خط‌آهن چابهار-سرخس ضروری به نظر

می‌رسد؛ همچنین قرار گرفتن بندر چابهار در مسیر کریدورهای ترانزیتی شمال-جنوب و در نتیجه برقراری

ارتباط ترانزیتی کشورهای روسیه، اروپای شرقی، مرکزی، شمالی، آسیای مرکزی و قفقاز از یک سو و آسیای جنوب شرقی، خاور دور، اقیانوسیه و کشورهای حاشیه خلیج فارس به عنوان یک مزیت برجسته برای ایران قلمداد می‌شود

و به دلیل کوتاهی مسیر در کریدور شمال-جنوب و تجهیز امکانات و زیرساخت‌ها و فراهم آوردن امکانات و تسهیلات گسترده در بخش‌های مختلف حمل و نقل، مسیر ایران از جذابیت‌های فراوانی برای ترانزیت کالا برخوردار است.

جاده ابریشم جدید، شرایطی مطلوب برای ایران است که در این میان کریدور شمال-جنوب اهمیت ویژه‌ای دارد. ایران در راستای تکمیل و گسترش راه‌های ارتباطی خود با کشورهای منطقه، طرح‌هایی را در دست اجرا دارد.

- بازسازی راه‌آهن تفتان-کوئته در پاکستان برای اتصال شبکه‌های راه‌آهن سراسری ایران و پاکستان که اروپا و آسیا را به هم پیوند می‌دهد

- اتصال ایران و جمهوری آذربایجان از طریق راه‌آهن قزوین-رشت-انزلی-آستارا

- خط‌آهن چابهار-سرخس، که جنوب شرق ایران را از بندر چابهار (تنها بندر اقیانوسی ایران) به سرخس در شمال شرق در مرز ترکمنستان، آسیای مرکزی را به آب‌های اقیانوس هند متصل می‌کند. در میانه این راه، راه‌آهن خواف-هرات، افغانستان را از نزدیک‌ترین فاصله ریلی به اقیانوس هند متصل

می‌نماید. هندوستان به عنوان شریک استراتژیک افغانستان و همچنین خود افغانستان بر روی این پروژه فعال می‌باشند و علاقه‌مند به احداث این کریدور هستند که می‌تواند مسیر جنوبی جاده ابریشم به دریا نیز باشد.

مهم‌ترین کریدور حمل و نقل بین‌المللی که در زمینه ترانزیت کالا بین کشورهای آسیایی و اروپایی تاکنون به وجود آمده، کریدور شمال-جنوب است. این کریدور ارتباط ترانزیتی کشورهای شمال اروپا، اسکاندیناوی و روسیه را از طریق ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس، حوزه اقیانوس هند و جنوب شرقی آسیا برقرار می‌سازد. این کریدور حمل و نقل که بخش مهمی از آن از خاک ایران می‌گذرد؛ در حال حاضر یکی از کوتاه‌ترین، کم هزینه‌ترین و سریع‌ترین مسیرهای ترانزیت کالا بین آسیا و اروپا به شمار می‌رود.

طرح جاده ابریشم جدید چین که در چند سال اخیر موضوع بحث کارشناسان حوزه‌های اقتصاد سیاسی و ژئوپلیتیک بین‌المللی در رسانه‌ها بوده است، اساساً شامل دو شاخه اصلی آبی و خاکی می‌شود. این جاده از شهر کهن «شی‌آن» چین آغاز می‌شود و با پشت سر گذاشتن راه‌های اصلی و فرعی بسیار و چندگانه از کشورهای پیش رو عبور می‌کند و در نهایت، سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا را به هم پیوند می‌زند.

اهمیت این طرح تا آنجاست که پکن قصد دارد این پروژه را با طرح وسیع‌تری به نام «منطقه آزاد تجاری آسیا پاسیفیک» متصل و مرتبط سازد. هر چند چینی‌ها اعلام داشته‌اند که طرح جاده ابریشم جدید ۶۵ کشور را از آسیا تا اروپا در برمی‌گیرد، ولی آنچه مشخص می‌باشد، این است که در مقطع کنونی، تمرکز اساسی این طرح بر

محیط همسایگی چین است تا هم امکان توسعه و ثبات در مناطق غربی چین حاصل شود و هم ظرفیت‌های استراتژیک سایر رقبای منطقه‌ای مانند آمریکا، روسیه و هند برای نفوذگذاری در محیط پیرامونی چین کاهش پیدا کند.

اگرچه چینی‌ها تلاش دارند تا با تبلیغات گسترده این طرح، فضای روانی مناسبی را برای پیشبرد اهداف این طرح ایجاد نمایند؛ با این حال، تاکنون اقدام جامع و مشترکی از طرف سایر کشورها برای همراهی با این طرح صورت نگرفته است و واکنش‌های ارائه شده در سطح انعقاد قراردادهای مشترک دوجانبه بوده است. واکنش صورت گرفته از طرف کشورهای پیرامونی چین اساساً واکنشی دو وجهی بوده؛ یعنی این کشورها، هم تلاش دارند تا از منافع اقتصادی این طرح بهره‌مند شوند و هم تعادلی را میان این منافع و نگرانی‌های امنیتی و استراتژیک خود برقرار نمایند.

کمربند اقتصادی جاده ابریشم جدید چین در هر دو گونه شکلی خشکی-دریایی به علت ملحوظ داشتن نقش اساسی و محوری ایران می‌تواند تامین‌کننده منافع ژئواستراتژیک، اقتصادی و امنیتی ایران در منطقه باشد؛ با این حال، تلاش ایران برای گنجانده شدن هر چه بیشتر در این طرح و ایفای نقش موثر در احداث، راه‌اندازی و تداوم جاده ابریشم جدید، بسیار حائز اهمیت می‌باشد. کمربند اقتصادی جاده ابریشم تاثیر بسزایی در تعمیق همگرایی اقتصادی و به تبع آن، تامین امنیت در منطقه ایفا خواهد نمود.

کمربند اقتصادی جاده ابریشم جدید، پتانسیل لازم برای تحقق امنیت در منطقه را دارد. کلید دستیابی به امنیت مزبور در منطقه، تحقق همگرایی است و کمربند اقتصادی جاده ابریشم ملزوم تحقق این همگرایی است.

جاده ابریشم موردنظر چین که شرق آسیا را به آسیای مرکزی، آسیای مرکزی را به غرب آسیا و غرب آسیا را به اروپا متصل می‌سازد، همگرایی فرامنطقه‌ای با اروپا را نیز رقم خواهد زد. از آنجا که طرح‌های دیگری نیز از سوی برخی کشورها مثل ایالات متحده مطرح شده‌اند و نگرانی‌هایی که روسیه و هند نسبت به جاه‌طلبی‌های چین در منطقه دارند؛ همچنین نیاز به هزینه‌های گزاف، به نظر می‌رسد احیای جاده ابریشم چین با وجود عملی بودن، با چالش‌هایی در آینده روبه‌رو خواهد بود. جدیت ایران در پیوستن به این ابتکار می‌تواند هم برای چین و هم برای ایران سرنوشت‌ساز باشد. راه شمالی که از آسیای مرکزی از طریق روسیه به اروپا می‌پیوندد به سبب رقابت روسیه با چین، با تعلل و کارشکنی روسیه مواجه خواهد بود. ولی راه سنتی که از ایران می‌گذرد با برقراری ثبات و امنیت در عراق و سوریه، آینده روشنی برای ایران و چین ترسیم می‌کند. بازسازی عراق و سوریه ویران، نیاز به سرمایه دارد که روسیه و ایران فاقد سرمایه هستند. کشورهای عربی نیز به سبب مخالفت با سوریه تمایلی به حضور در آن نخواهند داشت. این تنها چین است که سرمایه‌های هنگفت دارد و نیازمند جایی در بیرون از مرزهای خود برای سرمایه‌گذاری است تا بیش از ۳۰۰۰ میلیارد دلار ذخایر ارزی خود را به تولید و ثروت تبدیل کند.

سوریه و عراق مقصد مهمی برای سرمایه‌گذاری چین است که دسترسی به انرژی و بازار کالاهای خود را در تجارتی دو سویه تامین می‌کند. آسیای مرکزی (قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان)، ایران، عراق نیازهای انرژی هیدروکربنی

چین را تا دهه‌ها می‌توانند تامین کنند. اینجا بازاری بزرگ برای کالاهای چینی وجود دارد. ترکیه از نظر تامین نیروی انسانی و خدمات مهندسی همراه با ایران توانا در زمینه صادرات خدمات مهندسی و سرمایه چین می‌تواند جاده ابریشم سنتی را به واقعیت نزدیک سازد (shoaresal.ir اهمیت-کریدور-بین-المللی-شمال-به-جنوب-در-توسعه-مناطق-آزاد-ایران).

نتیجه گیری:

۱- اتحادیه اقتصادی اوراسیا یی یک سازمان نوظهور در بین سازمان های منطقه ای و در حال تبدیل شدن به یکی از قطب های مهم اقتصادی و سیاسی جهان است. این اتحادیه یکی از مهم ترین بلوک های اقتصادی در همسایگی ایران است که کشورهای عضو آن دارای نقاط مشترک فرهنگی، سیاسی و ژئوپلیتیک با کشورمان هستند. همکاری با این اتحادیه برای ایران مهم است زیرا در چارچوب استراتژی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تقویت همکاری با کشورهای همسایه قابل تفسیر بوده و از ظرفیت ایجاد قطبی قدرتمند در مقابل گروه بندی های رقیب برخوردار است. یکی از راه های گسترش همکاری های تجاری و اقتصادی دوجانبه، منطقه ای و بین المللی، انعقاد موافقتنامه های ترجیحی و تجارت آزاد با کشورها است.

از این منظر، جمهوری اسلامی ایران نیاز دارد با عقد توافق های تجاری به فراهم سازی زمینه لازم برای مشارکت بنگاه های اقتصادی ایرانی، زمینه دسترسی تولیدکنندگان داخلی به بازارهای جدید را هموارتر کند.

توافقنامه موقت تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیایی، اولین اقدام جدی کشورمان جهت همگرایی منطقه ای با یک بلوک اقتصادی منطقه ای است و

کامل ترین و مفصل ترین موافقتنامه تجاری ایران محسوب می شود. این موافقتنامه از تاریخ ۵ آبان ما ه ۱۳۹۸ عملاً وارد مرحله اجرایی شده و انتظار می رود که یک سال بعد از اجرایی شدن آن و دوره گذارتطابق ساختار و استانداردها، مذاکرات برای تداوم همکاری و تبدیل آن به موافقتنامه تجارت آزاد و تمام عیار با اتحادیه اوراسیا آغاز شود.

فرصت های اقتصادی که از همگرایی جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اوراسیایی ایجاد می کند، نیازمند تامل بیشتر بر نکات زیر است:

-امضای موافقت نامه تعرفه ترجیحی و ایجاد منطقه آزاد تجاری میان ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی نه تنها می تواند به توسعه روابط اقتصادی ایران و اتحادیه اوراسیایی منجرشود، بلکه می تواند به قطب منطقه ای ایران کمک کرده و کریدور شمال -جنوب وجاده ابریشم را تقویت کند. ایران به جهت قرار گرفتن دو دریای خزر در شمال و خلیج فارس در جنوب و قرارگرفتن در موقعیت ترانزیتی شرق به غرب، می تواند مسیری مناسب برای ترانزیت کالای کشورهای عضو اتحادیه اوراسیایی مطرح شود.

- برخورداری ایران از ذخایر غنی نفتی و گازی و توانمندی های فنی مهندسی، صنایع گوناگون و معادن و نفوذ فوق العاده در منطقه به عنوان یک عامل "ثبات زا" می تواند، شریک فوق العاده ای برای منطقه اوراسیایی باشد.

- همگرایی جمهوری اسلامی ایران در «اتحادیه اوراسیایی» در شرایطی که ایالات متحده آمریکا محدودیت های یک جانبه بسیاری علیه ایران اعمال کرده که منجر به کاهش صادرات نفت ایران شده، می تواند برای کشورمان در حوزه تعاملات اقتصادی فرصت حائز اهمیتی را به وجود آورد.

-ایران ملزم است تا برای گسترش برنامه های همکاری جویانه با اتحادیه اوراسیا به سوی هماهنگ سازی ساختارهای اقتصادی خود با الگو های اقتصادی رایج در دنیا بپردازد.

یکی از اهداف مهم موافقت نامه های تجاری، ایجاد تسهیلات و حذف قوانین دست و پاگیر برای تجار و سرمایه گذاران و از بین بردن موانع و تعرفه های گمرکی و همچنین به هم پیوستن اقتصاد ایران به اوراسیایی است. این رویه در آینده می تواند با ادغام اقتصاد کشور های دیگر توسعه پیدا کند و حتی همانند عملکرد اتحادیه اروپا، دارای واحد پول مشترک و همسویی سیاست ها در حوزه های پولی مالی و بانکی شود. در نتیجه، چشم انداز نهایی اتحادیه اوراسیایی، افزایش تعاملات تجاری کشور های حاضر در این اتحادیه و همگرایی ادغام اقتصادی تا سطح ایجاد واحد پولی مشترک و اتخاذ سیاست های یکسان در حوزه تجارت بین الملل و خارجی خواهد بود.

۲- تجربه کشورهای موفق نشان می دهد که مناطق آزاد، پلی میان اقتصاد داخلی و جهانی با جهت گیری تولیدی، صادراتی، انتقال تکنولوژی و رشد و توسعه اقتصادی بوده است. در واقع، مناطق آزاد تجاری- صنعتی در کشورهای در حال توسعه، ابزار توسعه اقتصادی برای کل اقتصاد در نظر گرفته می شوند.

کشورهای موفق، مناطق آزاد را وسیله ای برای ورود به بازار جهانی و بهره گیری از برتری های نسبی در بازرگانی بین المللی می دانند و امیدوار هستند مناطق مذکور یاری دهنده آنان در رهایی از فقر و عقب ماندگی باشند، تکنولوژی، مدیریت و سرمایه را به کشور آنها وارد کنند و عوامل تولید داخلی

را با عوامل علمی و دانش فنی خارجی تلفیق نمایند و سرانجام کشور را در مسیر توسعه صنعتی و در درازمدت در رده کشورهای توسعه یافته و صنعتی قرار دهند.

در شرایط حاضر که دنیا به سوی جهانی شدن و آزادی کامل حرکت میکند و کشور ما نیز ناگزیر به پیوستن به این جریان خواهد بود، مناطق آزاد به مثابه الگوی نمونه برای اصلاح ساختار اقتصاد کشور برای انطباق با تحولات پدید آمده در اقتصاد جهانی محسوب میشوند. با توجه به اینکه ساختار اقتصاد کشور از طریق حذف موانع اداری و برقراری مقررات آسان و در عین حال، تقویت کنترلها و نظارت های کلان اصلاح میشود، مناطق آزاد میتوانند به عنوان ابزاری برای طراحی، آزمون و تکامل برنامه های اصلاح ساختاری و بهره برداری از نتایج آن به منظور تسریع اصلاحات به سرزمین اصلی مورد توجه قرار گیرند. بررسی عملکرد مناطق آزاد تجاری - صنعتی و مقایسه آن با اهداف مورد نظر از تأسیس این مناطق، در طول یک دهه در ایران نشان میدهد که عدم تحقق برخی اهداف مذکور و بروز برخی مشکلات، لزوم اتخاذ سازوکارهای مناسب را برای بهبود عملکرد مناطق آزاد ایجاد میکند.

می توان عوامل تأثیرگذار در مناطق آزاد ایران را به پنج عامل به شرح زیر طبقه بندی کرد: (۱) الزامات اجرایی و سیاستگذاری؛ (۲) عوامل محیطی؛ (۳) شفافسازی قوانین و مقررات؛ (۴) جهت گیری استراتژیک؛ و (۵) سازوکارهای تأمین مالی. وسخن آخردر مورد مناطق آزاد اینکه توسعه هفت منطقه آزاد کشور (کیش، قشم، چابهار، انزلی، اروند، ارس و ماکو) میتواند راه حلی برای رسیدن به اهدافی مانند افزایش صادرات و کاهش واردات، جذب سرمایه

گذاریهای داخلی و خارجی، افزایش ترانزیت و حمل و نقل و افزایش شرکتها و مؤسسات در مناطق آزاد باشد.

۳- طرح کریدور شمال-جنوب یک فرصت استثنایی و بی نظیر اقتصادی و تجاری برای ایران است؛ از طرفی، برای تقویت و حمل کالای ترانزیتی در اسرع زمان با هزینه کمتر و ایمنی بیشتر، احداث خط آهن چابهار-سرخس ضروری به نظر می رسد؛ همچنین قرار گرفتن بندر چابهار در مسیر کریدورهای ترانزیتی شمال-جنوب و در نتیجه برقراری ارتباط ترانزیتی کشورهای روسیه، اروپای شرقی، مرکزی، شمالی، آسیای مرکزی و قفقاز از یک سو و آسیای جنوب شرقی، خاور دور، اقیانوسیه و کشورهای حاشیه خلیج فارس به عنوان یک مزیت برجسته برای ایران قلمداد می شود و به دلیل کوتاهی مسیر در کریدور شمال-جنوب و تجهیز امکانات و زیرساخت ها و فراهم آوردن امکانات و تسهیلات گسترده در بخش های مختلف حمل و نقل، مسیر ایران از جذابیت های فراوانی برای ترانزیت کالا برخوردار است. جاده ابریشم جدید، شرایطی مطلوب برای ایران است که در این میان کریدور شمال-جنوب اهمیت ویژه ای دارد.

منابع:

- اینانلو، اطهر (۱۳۹۸)، "پیوستن به اتحادیه اوراسیایی؛ دروازه جدیدی برای اقتصاد ایران"، ایرنا، تاریخ دسترسی: ۱۹ مهر ماه ۱۳۹۸، قابل دسترسی در: <https://www.Irna.ir/news/83495929>
- سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۶)، قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور. چاپ اول. تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور، مرکز اسناد، مدارک و انتشارات.
- زارعی، بهادر؛ دلشاد زاد، جلیل؛ موسوی ش هیدی، سید مهدی و علوی سید محمود (۱۳۹۴) "منطقه گرایی و چالش های آن در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه پژوهش های جغرافیایی انسانی، دوره ۴۷.
- سلسله مقالات خبرگزاری فارس درباره اتحادیه اوراسیا <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=1390100400065>
- 3
- شعارسال، با اندکی تلخیص و اضافات بر گرفته از پایگاه خبری تحلیلی اقتصاد ۲۴، تاریخ انتشار: ۱۹ تیر ۱۳۹۸، کنخبر: ۱۱۵۰۸۳، www.eghtesaad24.ir
- رحیم پور، ع (۱۳۸۱)، تحولات ژئواستراتژیک در سده بیست و یکم و جایگاه منطقه و ایران، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۸۴-۱۸۳، صص ۶۱-۴۸.
- دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی (۱۳۸۵) گزارش عملکرد جامع مناطق، در <http://www.freezones.ir/farsi/prj.html> سایت
- دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهشهای مجلس، ۱۳۹۵ (مهر)، "فراتحلیل مطالعات مناطق آزاد: ۱. مقالات"
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۴)، مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: انتشارات سمت.

- محمدی الموتی، مسعود (۱۳۷۴)، مناطق آزاد و اثرات اقتصادی بازرگانی آن، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.
- مینایی، م (۱۳۸۲)، انقلاب اسلامی و جایگاه ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۸-۷، ص ۲۴۸-۲۴۱.
- میرفخرایی، سیدحسن (۱۳۹۴)، " اتحادیه اقتصادی اوراسیا و الزامات ژئواکونومیک آن برای ایران"، مطالعات روابط بین الملل. دوره ۸، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۹۴، صفحه ۱۴۳-۱۷۵
- <https://shoaresal.ir/fa/news/219481>/اهمیت-کریدور-بین-المللی-شمال-به-جنوب-در-توسعه-مناطق-آزاد-ایران
- AbouttheEurasianEconomicCommission:2016,available:
<http://www.eurasiancommission.org/en/Pages/ses.aspx>
 - Russia-ledEEU&Israelmayinkfreetrade pact in 2017", (2016), available: <https://www.rt.com/business/364530-eeu-israel-deal-talks/>
 - Sullivan.A; Sheffrin, Steven M. (2003). Economics: Principles in action. Upper Saddle River, New Jersey 07458: Pearson Prentice Hall. p. 454. ISBN 0-13-063085-3
 - Baslar,Kemal(2016),"The Commonwealth of Independent States: Decayed within a Decade",Available at:<http://www.politics.ankara.edu.tr/kemalbaslar.pdf>, Accessed on: 12/December /2019.
 - EEC (14 May 2018),"Moldova Granted Observer State Status at the EAEU", Eurasian Economic Council,Available at: <http://www.eurasiancommission.org/en/nae/news/Pages/14-05-2018-3>.
 - EurAsEC Today Annual Report(2011),"Eurasian Economic Community, Integration Committee Secretariat", Moscow2011.
 - EEU(2016),"The Eurasian Economic Commission", Available at:<http://www.eaeunion.org>, Accessed on: 27 October 2019.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و توسعه گردشگری در مناطق آزاد تجاری-صنعتی

علی ابوالخانی^۱، فاطمه نوری^۲، لیلا کیانی^۳

^۱ دانشجوی دکتری جغرافیای نظامی، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام،

تهران. aabolkhani@gmail.com

^۲ کارشناسی ارشد مدیریت جهانگردی، دانشگاه علامه طباطبائی

Parvaz2012@yahoo.com

^۳ - کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی گردشگری، دانشگاه خوارزمی

lkiani16@gmail.com

چکیده

اتحادسازی های استراتژیک به طور فزاینده ای طی دهه گذشته در میان کشورها رشد یافته و حتی در بسیاری از صنایع اتحادها بعنوان یک مولفه راهبردی و سلاح رقابتی تهاجمی و گاه تدافعی محسوب می شوند. اتحادهای استراتژیک پارادایم رقابتی را از حالت سنتی به رقابت اتحاد گونه و شبکه ای تغییر داده است. توسعه مناطق آزاد تجاری و صنعتی یکی از ابزارهای کشورهای است که به دنبال ایجاد این نوع اتحادها با سایر کشورها برای توسعه و رشد سریع تجاری و صنعتی همراه با بومی سازی صنعتی و جذب تکنولوژی خارجی هستند. سیاست خارجی، بعنوان یکی از مولفه های مهم در زمینه توسعه گردشگری است و نگاه ویژه به نقش مناطق آزاد تجاری و صنعتی در جذب سرمایه گذاری های خارجی و ارزآوری و توسعه تکنولوژیک و صنعتی و... برای کشورها باعث شده تا در این مناطق به توسعه صنعت گردشگری توجه ویژه گردد. یکی از عوامل موثر در توسعه گردشگری در ایران و در مناطق آزاد تجاری و صنعتی آن، کیفیت روابط با کشورهای خارجی است. از این رو، کوشش شده به این پرسش پاسخ داده شود که آیا سیاست خارجی در توسعه گردشگری در ایران و در مناطق آزاد تجاری-صنعتی آن تاثیر گذار بوده است. روش پژوهش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از مطالعات کتابخانه ای و بررسی اسنادی می باشد که با روش مطالعات مروری انجام شده و نتایج پژوهش نشان می دهد که با توجه به سیاست های اتخاذ شده در دوره های مختلف و تحولات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به جز دوران دفاع مقدس که به دلیل جنگ با کاهش چشمگیر گردشگر خارجی روبه رو بوده در سایر دوره ها با سیاست ها و رویکرد های مختلف با روند رو به رشد ورود گردشگران خارجی مواجه بوده ایم. اما این روند بصورت کاملا کند بوده و عملا توسعه چشمگیری را تجربه نکرده است. این امرحاکمی از آن است که در رویکرد و برنامه ریزی های گردشگری توجه به سیاست های بین المللی و روابط دیپلماتیک دولت ها برای رونق گردشگری حایز اهمیت است و بر این اساس گردشگری همراه برنامه ریزی های اقتصادی و درآمد سازی برای دولت- ملت ها، جلوه های منحصر

به فردی از تعامل و تفاهم بین ملت ها را در سطح بین المللی ایجاد میکند و حضور دولت هایی با سیاست خارجی اعتدال گرایانه و همراه با رویکرد تنش زدایی موجبات تقویت گردشگری را فراهم می آورد در مقابل رویکرد رادیکال سبب تنزل جایگاه صنعت گردشگری و مواهب آن برای کشور می شود.

کلیدواژه‌ها: توسعه گردشگری، جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی، مناطق آزاد.

مقدمه

گردشگری به عنوان صنعت نوظهور عصر جدید به یکی از ارکان اصلی اقتصاد تجاری جهان تبدیل شده و امروزه به عنوان صنعت بدون دود از آن یاد می‌شود که هم علت و هم پیامدی در روند جهانی شدن است، به گونه‌ای که بسیاری از برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران توسعه نیز از صنعت گردشگری به عنوان رکن اصلی توسعه پایدار یاد می‌کنند. سیاست خارجی، یکی از تعیین‌کننده‌ترین گزاره‌های موفقیت در حوزه گردشگری برای هر کشوری به حساب می‌آید. یکی از موانع و مشکلاتی که در توسعه گردشگری در مناطق آزاد ایران با آن مواجه بوده، رابطه ما با کشورهای خارجی است. سیاست خارجی یکی از عمده‌ترین مسائلی است که به صورت مستقیم بر روند گردشگری و رشد و گسترش این صنعت پول‌ساز تأثیر دارد (افضلی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۹).

در واقع سیاست خارجی بعنوان یکی از مهم‌ترین وجوه زندگی اجتماعی و فرهنگی، سیاسی، زیست محیطی و اقتصادی ملتها و کشورها به شمار می‌رود (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۹، ۲۱). زیرا بقا، حیات و شکوفایی آنها تا حدود زیادی به رویکردهای سیاست خارجی شان بستگی دارد. در دنیای پس از جنگ دوم جهانی رویکردهای اقتصادی به سیاست خارجی اولویت نخست را در بین کشورها به خود اختصاص داد و تلاش دولت-ملتها بر مبنای گرداندن چرخ‌های اقتصاد کشورهایشان قرار گرفت و در واقع برای رقابت در بازار بین‌المللی سرمایه‌داری در حال شکل‌گیری اهمیت بالاتری یافت. رقابت‌های دوران جنگ سرد بر سر حکمروایی یکی از دو مدل اقتصاد

کاپیتالیستی یا کمونیستی در جهان شکل گرفت (نصری، ۱۳۹۴: ۳۵). و تحلیل گران برای اندازه گیری توان اقتصادی قدرت های رقیب به شاخص های متنوع علمی نظیر تولید ناخالص ملی و... پرداختند. با فروپاشی شوروی، عموم کشورها برای افزایش درآمد سرانه، کاهش و رفع فقر، افزایش اشتغال و کاهش بیکاری و... سیاست های اقتصادی مختلفی را برگزیدند و استراتژی های سیاست خارجی خود را بر مبنای نظریات ژئواکونومیکی متحول کرده و به دنبال حل و فصل مسائل و مشکلات اقتصادی داخلی با بهره گیری از فرصت های فراسرزمینی بوده اند (حافظ نیا، ۱۳۹۳، ۶۵).

توسعه صنعت گردشگری بین المللی در نیم قرن اخیر و پیشرفت برخی کشورها در جذب درآمدهای کلان خارجی از گردشگری دیدگاه کارشناسان و تحلیل گران اقتصادی را متوجه اهمیت این درآمد نامرئی برای کشورها کرد. بنابراین اهمیت بالای این صنعت در رشد و توسعه اقتصادی کشورها باعث شده تا پژوهشگران به دنبال بررسی چگونگی توسعه پایدار، رشد مداوم و کم هزینه برای کشور و بدون آسیب های جدی نظیر هزینه های زیست محیطی و... باشند. از سوی دیگر مناطق آزاد تجاری و صنعتی که با تعریف خاص در برخی کشورهای با اقتصاد دولتی یا نیمه دولتی پدید آمده اند و به دنبال جذب فرصت های سرمایه گذاری و انتقال تکنولوژی و افزایش بیلان تراز تجارت خارجی به نفع کشور مادر هستند موقعیت های جغرافیایی مناسبی برای جذب گردشگران خارجی و... نیز محسوب می شوند. مقاله حاضر با بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و نقش ارزش ها، اصول و اهداف آن سعی در تبیین و بررسی اثرات مثبت و منفی کنش های

سیاست خارجی بر توسعه پایدار گردشگری در مناطق آزاد تجاری و صنعتی داشته است.

تحولات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

۱- از دولت موقت تا بیانیه الجزایر (۵۹-۵۷)

اولین دوره سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با حاکمیت دولت موقت آغاز می شود و تا تهاجم رژیم بعث عراق به ایران ادامه می یابد. بنابراین مهم ترین هدف دولت موقت تحکیم و تثبیت انقلاب اسلامی در چارچوب یک نظام سیاسی و اسلامی بود. در دوره جمگ، هدف اول سیاست خارجی حول محور تامین امنیت و حفظ تمامیت ارضی تدوین می شد. از این جهت ماهیت و ساختار سیاست خارجی ایران متأثر از جنگ و ناامنی گسترده بود و راهبرد سیاست خارجی دولت موقت عدم تعهد اعلام شد که متضمن و مستلزم عدم وابستگی اتحاد و ائتلاف با کانون های قدرت در نظام بین الملل است. از حوادث شاخص سیاسی دوران دولت موقت بحران گروگان گیری سفارت آمریکا بود که ۴۴۴ روز بحران سیاست خارجی تنها یکی از پیامد های این حرکت انقلابی بود (به نقل از روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۶/۱۰/۱۷، ص ۲) به گونه ای که بسیاری از تحولات بعدی، تهدیدات و فرصت ها و چالش ها را در سیاست خارجی ایران ایجاد کرد که در بخش های مختلف اقتصادی باعث اعلام تحریم هایی توسط ایالات متحده آمریکا شد. همچنین چهره بین المللی ایران بعنوان مقصدی ناامن تصویر شد که اثرات منفی بر روی ورود گردشگران بین المللی داشت و غالباً دلت های غربی شهروندان خود را از سفر به ایران برحذر می داشتند.

۲- دوران دفاع مقدس (۶۸-۵۹)

از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، آغاز جنگ هشت ساله عراق و ایران خسارات مادی و معنوی فراوانی را به کشور تحمیل کرد. بنابراین از تاریخ شروع جنگ چگنگی مدیریت جنگ و دفاع از انقلاب و ایران اولویت نخست سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار گرفت. با برکناری بنی صدر از ریاست جمهوری در اول تیر ماه ۱۳۶۰، عدم تعهد انقلابی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران غالب شد. بر این اساس بنیادهای نظم بین المللی و نظام دو قطبی غیر عادلانه تلقی شد که جمهوری اسلامی باید برای برهم زدن و دگرگونی آن جهت جایگزینی نظم مطلوب تلاش نماید. بنابراین علاوه بر نفی و رد هرگونه وابستگی و تعهد به ابرقدرت ها و مراکز قدرت جهانی، نظم و نظام ناعادلانه بین المللی و مبانی آن نفی گردید (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹، ۲۷). جهت گیری سیاست خارجی در دوره نخست جنگ در چارچوب اصل نه شرقی و نه غربی و به این علت با پایان بحران گروگان گیری نه تنها از رویارویی ایران و آمریکا کم نشد بلکه بر شدت تقابل آن ها افزون گشت. زیرا نقلابیون عامل اصلی حمله صدام به ایران را آمریکا می دانستند. در مجموع می توان گفت نا امنی های حاصل از جنگ ایران و عراق در مناطق مسکونی و شهری، حمله به فرودگاه ها و خطوط مواصلاتی و ارتباطی و ... ایران را ز کشوری امن برای مسافرت و گردشگری به کشوری نا امن برای گردشگران تبدیل کرد.

۳- دوره سازندگی (۶۸-۷۶)

پس از پایان جنگ عراق علیه ایران، دوره جدیدی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی آغاز شد که از آن به عنوان دوره سازندگی یاد می شود. هاشمی رفسنجانی رییس جمهور این دوره هشت ساله، بر این اعتقاد بود که اصول، مبانی و استراتژی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ثابت ماند و تنها در سطح تاکتیکی و دیپلماسی و شیوه تعامل با جهان دگرگون گردید (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ۱۷۰). با پایان جنگ، اولویت و سلسله مراتب اهداف سیاست خارجی تغییر کرد، به طوری که بازسازی اقتصادی- دفاعی کشور در اولویت نخست سیاست خارجی قرار گرفت. بهبود روابط خارجی با بازیگران دولتی و غیردولتی دستخوش دگرگونی و دگرذیسی شد. تلاش برای بهبود روابط با اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس و توسعه مناسبات با سازمان ها و مجامع بین المللی و حضور فعال در آنها تجلی دیگر این تحول رفتاری سیاست خارجی بود. در سیاست خارجی پس از جنگ اعتقاد بر توسعه و تحکیم روابط با کشورهای غیرمتخاصم بود و اولویت توسعه و رفاه اقتصادی در سیاست خارجی از طریق بازسازی اقتصادی و توسعه ملی قرار داشت.

الگوی رفتاری و عملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای جهت گیری عدم تعهد اصلاح طلب به عادی سازی روابط و تشنج زدایی با اروپا، تلاش برای کاهش تنش و همزیستی مسالمت آمیز با آمریکا، مشارکت فعال در سازمان ملل، جنبش عدم تعهد، سازمان کنفرانس اسلامی، توسعه روابط با شورای همکاری خلیج فارس و کشورهای آسیای میانه و قفقاز در

چارچوب منطقه گرایی، همکاری نزدیک با روسیه و چین بود. تامین توسعه اقتصادی بعنوان اولویت نخست سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران متضمن و مستلزم بازسازی زیرساخت های اقتصادی و دفاعی کشور بود که علاوه بر تامین امنیت ملی جمهوری اسلامی و بقای آن، برای صدور انقلاب اسلامی نیز از طریق ارائه الگوی توسعه یافته برای سایر کشورها و ملت ها بستر مناسب را فراهم می کرد. در این دوران اقتصاد جمهوری اسلامی از حالت برنامه ریزی شده ی متمرکز دولت محور به سمت اقتصاد بازار آزاد حرکت کرد که از آن باعنوان تعدیل اقتصادی یاد شد. سیاست تعدیل اقتصادی گامی در جهت پیوند با اقتصاد جهانی، مذب سرمایه های خارجی و انتقال تکنولوژی بود که آزادسازی اقتصادی و خصوصی سازی را در پی داشت. بر این مینا هم پیوندی و ارتباط با اقتصاد بین الملل و بازارهای جهانی اجتناب ناپذیر شد (رشیدی، ۱۳۷۸، ۸۰).

در اولویت قرارگرفتن بازسازی اقتصادی کشور در دوران سازندگی که نیازمند گسترش تعاملات با کشورهای مختلف بود و همچنین افزایش توجه به بازسازی زیرساخت های اقتصادی داخلی، بسترهای مناسب برای افزایش جذب توریست را فراهم آورد. با متناسب سازی ساختارهای ملی با این فعالیت و سعی بر فرآوری پتانسیل ها و قابلیت های جذب توریسم در فضای جغرافیایی کشور، بویژه در بعد بین المللی به سمت و سوی جذب منافع اقتصادی در راستای اولویت های سیاست خارجی اقدام گردید و این خود باعث گردید تا تفاهم بین المللی از طریق توسعه مناسبات اجتماعی بهبود و افزایش یابد.

۴- دوره اصلاحات (۷۶-۸۴)

اهداف اصلی دولت خاتمی شامل، تنش زدایی در عرصه روابط بین الملل بر اساس رعایت اصول حکمت، عزت و بازسازی روابط سیاسی دوجانبه با کشورها، افزایش حضور و تاثیر دولت در مجامع و سازمان های بین المللی، ارتقا منزلت فرهنگی جمهوری اسلامی و تغییر نگرش ایرانیان مقیم خارج از کشور (فوزی، ۱۳۸۴، ۳۴۹) و جهت گیری ایشان توسعه محور بود چرا که در عرصه خارجی دارای زمینه مساعدی برای توسعه روابط با دیگر کشورها داشت. از این رو این دوران را در سیاست خارجی ایران می توان به عنوان یکی از موفق ترین دوران ها در عرصه روابط با همسایگان و کشورهای منطقه دید. از مباحث مطرح در سیاست خارجی این دوران می توان به طرح نظریه گفتگوی تمدن ها، وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر، طرح مساله مذاکره با آمریکا و کاهش تنش بین دوکشور و مساله هسته ای کشور بود. در برنامه سوم توسعه، دولت خاتمی با اولویت دادن به بخش خصوصی و ایجاد فضای رقابتی و جلوگیری از رقابت غیر اصولی بخش های دولتی را از سیاست های اصلی اعلام کرد. همچنین برنامه ریزی جهت مشخص کردن اهداف برنامه و تعیین راهکارهای لازم، شناخت کشورهای جهانگرد، فرصت و برنامه ریزی برای جذب گردشگر، ایجاد فرهنگ گردشگری در بین مردم و گسترش آن به مدارس و دانشگاه ها، اعطای تسهیلات مختلف در جهت توسعه گردشگری از دیگر اقدامات بود (جوادیان، ۱۳۹۱، ۱۴۹).

۵- دوره اصول گرایی و عدالت محوری (۹۲-۸۴)

سیاست خارجی دولت آقای احمدی نژاد مبتنی بر گفتمان عدالت طلبانه و رویکردشان مبتنی بر احیای ارزش ها و اصول اسلامی و انقلابی در عرصه های مختلف کشور بود. از مسایل این دوره صدور چهار قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران بود که در ارتباط با رویکرد جهانی آقای احمدی نژاد، در بحث هولوکاست و ادبیات دیپلماتیک دولت نهم بود در این دولت که قرین با برنامه چهارم توسعه بوده، نسبت به برنامه های قبلی توجه خاصی به گردشگری و میراث فرهنگی داشته است. چنانچه که موضوع یکی از بخش های ششگانه برنامه (بخش چهارم) موضوع صیانت از هویت فرهنگ اسلامی ایرانی، فصل نهم، توسعه فرهنگی، مشتمل بر ۱۵ ماده در فرازهای مختلف این بخش به کرات به توسعه آموزش، حمایت، حفاظت، پایداری و مشارکت بخش خصوصی، تبادلات فرهنگی با تکیه بر گردشگری فرهنگی و مذهبی تاکید شده است (محسنی نیا، ۱۳۹۵: ۱۱). با این حال خطوط کلی برنامه چهارم راجع به توسعه گردشگری عبارت از:

- مکلف کردن دولت جهت رونق اقتصاد فرهنگی (ماده ۱۰۴)
- مکلف کردن دولت جهت تعمیق ارزش ها و باورها، فرهنگ، معنویت و نیز حفظ هویت اسلامی ایرانی، اعتلای معرفت دینی و توسعه فرهنگ آتی
- حمایت از پژوهش های علمی و بین رشته ای، به منظور حفظ و شناساندن هویت تاریخی ایران.

- مکلف کردن دولت به منظور ترویج فرهنگ صلح در سطوح بین الملل
- مکلف کردن دولت جهت متجلیکردن و توسعه مفاهیم و نهادهای هویت اسلامی و ایرانی در ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و علمیو نیز تعامل اثر بخش میان ایران فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و زبانی با رویکرد توسعه پایدار (ماده ۱۱۳).
- مکلف کردن دولت جهت اهتمام ملی در شناسایی
- حفظ، پژوهش، مرمت، احیا، بهره برداری و معرفی میراث فرهنگی کشور و ارتقای توان گردشگر، تولی ثروت و اشتغال زایی و مبادلات فرهنگی در کشور (ماده ۱۱۴)

۶- دوره اعتدال گرایی (۹۲ تا کنون)

- روی کار آمدن دولت یازدهم که رییس دولت آن بارها بر اهمیت گردشگری و رونق آن سخن گفته بود، امید برای سروسامان یافتن سازمان میراث فرهنگی و گردشگری را به جمع فعالان این حوزه بازگرداند (فکوهی، ۱۳۹۲: ۲۵). آقای روحانی از زمان سخنرانی‌های تبلیغاتی خود بر اهمیت رونق گردشگری در ایران تاکید داشت. گفتمان حاکم بر سیاست خارجی آقای روحانی مبتنی بر اعتدال است که مهمترین مفهوم آن تعامل موثر و سازنده است. از این رو تعامل فعال و توسعه و بازسازی روابط با جهان خارج از اهداف این گفتمان به شمار می آید. در این زمینه برخی فعالیت ها که می تواند توسط دستگاه سیاست خارجی انجام گیرد عبارت است از:
- اطلاع رسانی در تغیر جهت نگرش گردشگران خارجی

- توسعه همکاری های بین المللی در راستای جلب گردشگران
- تسهیل صدور ویزا و اجازه اقامت
- گردشگری فرهنگی و مذهبی در حوزه کشورهای اسلامی
- همکاری و همگرایی منطقه ای در حوزه گردشگری فرهنگی (احمدی و همکاران، ۱۳۹۳، ۱)

از اثرات موفق تصمیم های سیاست خارجی بر صنعت گردشگری در دوره اعتدال گرایی، می توان به تأثیر برجام بر افزایش ورود گردشگران به ایران پرداخت. برخی از محققین حوزه گردشگری بر این باورند که گردشگری، شاخصی برای تعیین میزان ثبات سیاسی کشور محسوب می شود و از همین رو به عنوان یک ابزار برای اعمال فشار بر کشورهای هدف تحریم استفاده می شود.

ظرفیت های متعدد تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی این امکان را برای کشورمان فراهم کرده است که یکی از محبوب ترین مقاصد گردشگری باشد. مجله «فوربز» در تاریخ ۱۲ دسامبر ۲۰۱۶، ایران را به عنوان یکی از «ده مقصد جذاب برای بازدید در سال ۲۰۱۷» معرفی کرد. هم چنین وب سایت «مستر کارت» در ماه سپتامبر ۲۰۱۶ در گزارش سالانه خود، تهران را به عنوان نهمین شهر از شهرهای دارای رشد سریع در زمینه جذب گردشگر قرار داده است. این گزارش می گوید تهران رشد ۱۳ درصدی از گردشگران بین المللی را تجربه کرده است.

اگر چه آمار های سال ۲۰۱۸ هنوز منتشر نشده است، اما مطالعه روندها نشان دهنده این واقعیت است که خروج آمریکا از برجام و تلاش دولت

ترامپ برای تقویت ایران هراسی، بار دیگر بر صنعت گردشگری ایران اثر گذاشته است. که از جمله اثرات محسوس آن، حذف اسامی هتل ها و ... در سایت های معتبر معرفی گردشگری کشورها و مکان های اقامتی است. فضای دیجیتال و شبکه های اجتماعی می توانند بستر مناسبی برای ارتباط نمایندگی های دیپلماتیک و کنسولی و مردم فراهم آورده و زمینه ای مناسب برای تبلیغ گردشگری باشد. برگزاری جلسات با کار آفرینان، دانشجویان و رسانه های حوزه گردشگری کشور های هدف، هماهنگی برای سفر روزنامه نگاران، تعامل مؤثر با آژانس های مسافرتی معتبر، شناسایی شکاف های موجود در زنجیره تأمین گردشگری و تلاش برای رفع مشکل با استفاده از ابتکار و خلاقیت، از دیگر راهکارهای فعال شدن نمایندگی های کشور در عرصه اقتصاد گردشگری است.

سیاست خارجی و گردشگری در مناطق آزاد ایران

مناطق آزاد صنعتی تجاری منطقه ای است که خارج از مرزهای گمرکی هر کشور که در چارچوب قوانین خاص اداره می شود و در آن منطقه فعالیت های اقتصادی از معافیت مالیاتی برخوردار بوده و تجارت آزاد با سایر نقاط جهان بون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی مجاز است (سید علی پور و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۲۹) در ایران تفکر ایجاد مناطق آزاد تجاری، سال ۱۳۳۱ شکل گرفت و اهداف و ماموریت های مهم سازمان های منطقه آزاد تجاری-صنعتی در ابتدا مسائلی چون انجام امور زیربنایی، عمران و آبادانی، رشد و توسعه اقتصادی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازار کالا، حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه ای، تولید و صادرات کالاهای صنعتی و تبدیلی بود.

اما در برنامه چهارم اقتصادی کشور بر بعد گردشگری این مناطق بیش از پیش تاکید شد. زیرا اصولاً مناطق آزاد بنا بر خصوصیات طبیعی خود از قابلیت بالقوه و با اهمیتی برخوردارند. با توجه به این که یکی از مهمترین اهداف مناطق آزاد کاه بهره گیری از مزایا، ظرفیت ها و برتری های منطقه ای برای توسعه مناطق کمتر توسعه یافته و پیشبرد توسعه اقتصادی ملی است؛ مهمترین محوری که این گونه مناطق با امکانات و قابلیت های منطقه ای و سازمانی خود میتوانند از آن طریق تحقق بخش اهداف مورد نظر باشند، توسعه گردشگری است. زیرا مناطق آزاد با استفاده از توان های بالقوه خود که ناشی از قدرت تجاری، صنعتی، ترانزیتی و تفریحی می باشد و همین طور استفاده از قدرت اداری و توان تبلیغاتی، می توانند در جهت جذب گردشگر موفقیت های چشمگیری به دست آورند (ابراهیم زاده و آقاسی زاده، ۱۳۹۱، ۶۱). اما نگاهی به عملکرد مناطق آزاد در ایران نشان می دهد این مناطق نتوانسته اند به موفقیت چندانی دست یابند چرا که ارتقای این مناطق به هزینه های هنگفتی نیاز دارد که می تواند از طریق ایجاد اتحادی استراتژیک و یکپارچه میان مناطق آزاد تأسیس شده و به عبارتی طراحی ساختاری جهت افزایش همکاری بین مراکز ارائه دهنده خدمات گردشگری ضروری به نظر میرسد؛ اتحادی که شامل همکاری میان دو و یا بیشتر از مناطق، یا گردانندگان محلی در یک بازار مشترک است که در آن شرکاء در عین رقابت با یکدیگر در مقابل رقبای بیرونی با هم همکاری می نمایند. به همین دلیل براساس دیدگاه محققان، ایجاد اتحادهای استراتژیک به طور قابل ملاحظه ای طی دهه های گذشته افزایش یافته و در بسیاری از صنایع

اتحادها به عنوان یک عضو استراتژیک مرکزی و یک سلاح رقابتهای تهاجمی یا تدافعی یاد می شود (Holmberg and Cummings, 2009). همین مساله ضرورت توجه به سیاست خارجی را جهت توسعه همکاری های منطقه ای در راستای توسعه گردشگری پایدار نشان می دهد چرا که سیاست خارجی و روابط بین المللی، یکی از تعیین کننده ترین گزاره های موفقیت در حوزه گردشگری برای هر کشوری به حساب می آید. یکی از موانع و مشکلاتی که در توسعه گردشگری ایران با آن مواجه بوده، رابطه با کشورهای خارجی است. برخی از کشورها با وجود آنکه از نظر جاذبه های گردشگری، تاریخ و فرهنگ در جایگاه پایین تری نسبت به کشور ما قرار دارند، توانسته اند از طریق روابط بین المللی مناسب و سیاست خارجی فعال و جذب کننده، همچنین وضع قوانین تسهیل کننده ورود گردشگران خارجی، چندین برابر ایران از محل گردشگر و توریسم درآمد ارزی داشته باشند. این خود نشان دهنده آن است که یک سیاست خارجی فعال و متناسب چقدر می تواند مفید و کارگشا باشد (رجبی و حاجی محمدی، ۱۳۹۳: ۴۷).

جایگاه ایران از چشم انداز گردشگری

ایران از نظر تنوع آب و هوایی و وجود مکان های تاریخی و فرهنگی خاص، یکی از چند کشور معدود جهان است که تاکنون از ظرفیت های بالقوه خود در این زمینه به نحو مطلوبی استفاده نکرده است. بررسی وضعیت صنعت گردشگری در ایران و ملاحظه ارقام درآمدی ارزش حاصل از آن، بیانگر این است که به رغم این واقعیت که ایران یکی از ده کشور مهم جهان از حیث

آثار تاریخی و باستانی است کمتر از یک هزارم درآمد جهانی حاصل از گردشگری را نصیب خود کرده است.

با وجود اهمیت بی بدیل صنعت گردشگری در توسعه و شکوفایی اقتصادی، سیاست‌گذاری‌های مناسبی در خصوص ارتقاء آن در کشور صورت نپذیرفته و عمده تلاش‌های مربوط به توسعه‌ی صنعت گردشگری در دهه‌ی اخیر، معطوف به رهیافت‌های تشویقی و تبلیغاتی و یا به عبارتی تقاضا محور بوده اند. در این راستا بیشتر هدف گذاریها و وضع دستورالعمل‌های اجرایی معطوف به خصوصی‌سازی واحدهای اقامتی، تبلیغات جهانگردی آموزش نیروی انسانی، سیاست‌های تشویقی ساخت تأسیسات ایران گردی و جهانگردی، تخفیف‌های مالیاتی بوده که بیشتر جذب تقاضا را مد نظر قرار داده است (طهماسبی پاشا و مجیدی، ۱۳۸۴: ۶۵). در حالی که چالش‌های پیش روی این صنعت، نه تنها استحکام و دوام بیشتر سیاست‌های جانب تقاضا را طلب می‌کند، بلکه سیاست‌گذاری ابعاد عرضه و سازماندهی ساختار فعالیت بنگاه‌ها را نیز می‌طلبد (نوبخت، ۱۳۸۷: ۵۹). کشور ایران دارای منابع و جاذبه‌های گردشگری متنوعی است که قابلیت سرمایه گذاری زیادی را دارند. از برنامه اول توسعه گردشگری تاکنون برنامه‌های متعددی در سطوح مختلف در کشور تدوین شده است. در رئوس کلی برنامه اول تا پنجم توسعه گردشگری در کشور سرفصل‌های مجزایی به صنعت گردشگری اختصاص یافته است. علیرغم گسترش روزافزون و پرشتاب صنعت گردشگری در سطح دنیا و با وجود منابع فراوان جذب جهانگرد در کشور اطلاعات و آمارهای موجود بیانگر عدم موفقیت این صنعت در کشور ما

و عملکرد ناکارآمد آن است (گزارش سالانه سازمان ایرانگردی و گردشگری ۷۸-۷۷). به طوری که برای مثال طی سال‌های برنامه اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور بعد از انقلاب، عملکرد این صنعت هرگز به حد اهداف تعیین شده در بخش گردشگری نرسیده است (جدول ۱، تعداد گردشگران ورودی به ایران از سال ۱۳۵۷).

تعداد گردشگران خارجی ورودی به ایران	
۵۰۲۲۷۸	۱۳۵۷
۱۴۷۵۳۲	۱۳۵۸
۱۵۳۶۱۲	۱۳۵۹
۱۶۷۴۷۳	۱۳۶۰
۶۸۵۹۵	۱۳۶۱
۱۰۷۴۷۲	۱۳۶۲
۱۳۱۳۰۸	۱۳۶۳
۸۹۴۲۵	۱۳۶۴
۸۵۸۰۱	۱۳۶۵
۶۸۴۲۶	۱۳۶۶
۷۰۷۴۰	۱۳۶۷
۹۲۳۵۲	۱۳۶۸
۱۶۱۹۵۴	۱۳۶۹
۲۴۹۱۰۳	۱۳۷۰
۲۷۵۶۷۲	۱۳۷۱
۳۱۱۲۴۳	۱۳۷۲
۳۶۰۶۵۸	۱۳۷۳
۴۸۸۹۰۸	۱۳۷۴

۵۷۲۴۴۹	۱۳۷۵
۷۶۴۰۹۲	۱۳۷۶
۱۰۰۷۵۹۷	۱۳۷۷
۱۳۲۰۹۰۵	۱۳۷۸
۱۳۴۱۷۶۲	۱۳۷۹
۱۴۰۲۱۶۰	۱۳۸۰
۱۵۸۴۹۲۲	۱۳۸۱
۱۵۰۰۰۰۰	۱۳۸۲
۱۵۹۴۷۹	۱۳۸۳
۱۸۸۹۰۰۰	۱۳۸۴
۲۷۳۵۰۰۰	۱۳۸۵
۲۱۷۱۶۹۹	۱۳۸۶
۲۰۲۷۵۲۸	۱۳۸۷
۲۲۷۲۵۷۵	۱۳۸۸
۳۱۲۱۲۸۳	۱۳۸۹
۳۲۹۴۱۲۶	۱۳۹۰
۴۰۷۰۴۱۵	۱۳۹۱
۴۸۰۱۸۲۶	۱۳۹۲
۵۰۴۴۴۱۲	۱۳۹۳
۵۱۸۱۰۱۸	۱۳۹۴
۴۹۰۱۰۸۴	۱۳۹۵
۵۱۱۳۵۲۴	۱۳۹۶
۷۸۰۴۱۱۳	۱۳۹۷

منبع: دفتر برنامه ریزی، آمار و اطلاعات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

نتیجه گیری

گردشگری به عنوان یکی از بزرگترین صنایع در حال رشد دنیاست و تاثیرات اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی و محیطی فراوانی را به دنبال داشته است و به همین دلیل به حوزه‌ی مهم مطالعاتی بین پژوهشگران مبدل شده است (تقوی و قلیپور سلیمانی، ۱۳۸۸). ایران با داشتن سابقه فرهنگی و تمدنی، جاذبه های طبیعی و اکوتوریسم و به صورت کلی دارا بودن رتبه بالا در وجود جاذبه های متنوع گردشگری در مقایسه با سایر کشورها جایگاه و سهم متناسب با خود را در صنعت گردشگری کسب نکرده است. اگرچه توسعه و گسترش ایرانگردی و جهانگردی به منظور استفاده هرچه بیشتر از مزایای متعدد آن اجتناب ناپذیر است ولی مشکلات و تنگناهایی در راه رشد و توسعه‌ی این صنعت وجود دارد. بخشی از موانع و تنگناهای موجود در راه رشد و توسعه این صنعت در ایران متاثر از اصول، منافع، اهداف و راهبردهای خاص سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است که وضعیت ویژه ای را برای کشور ایجاد کرده و علل مستقیم و غیرمستقیم رشد و رکود صنعت گردشگری را سبب شده است. بررسی دوره های مختلف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نشان می دهد که سیاست های اتخاذ شده در دولت های مختلف به جز دوران دفاع مقدس که به دلیل جنگ با کاهش چشمگیر گردشگر خارجی روبه رو بوده در سایر دوره ها با روند رو به رشد ورود گردشگران خارجی روبه رو بودیم اما این روند بصورت کاملاً کند بوده و عملاً رشد چشمگیری را تجربه نکرده است. ایجاد و گسترش مناطق آزاد تجاری و صنعتی در دهه های اخیر که اغلب همجوار با کشورهای همسایه و مناطق

ژئوپلیتیک مجاور بوده اند، تسهیلات ویژه ارائه شده در این مناطق به نفع اتباع خارجی، اداره این مناطق با قوانین و سیاست های ویژه سرمایه گذاری و اقتصادی، جذب سرمایه های خارجی و داخلی با معافیت های چشمگیر مالیاتی و... فرصت های جدیدی برای توسعه گردشگری بین المللی و بهره گیری از مواهب آن برای کشور پدید آورد. مناطق آزاد به عنوان ابزاری برای رفع موانع ضد توسعه ای یاد می شود؛ زیرا مناطق آزاد وسیله ای برای ورود به بازارهای جهانی و بهره گیری از برتری های نسبی اقتصاد داخلی در بازرگانی بین المللی بوده و به عنوان تسریع کننده ارتباط اقتصادی با اقتصاد جهانی به کار می روند. بررسی ها نشان می دهد که این مناطق نیز متاثر از اثرات فراز و نشیب های تحولات دوره های مختلف سیاست خارجی جمهوری اسلامی بوده اند و نتوانسته اند نقش ویژه ای در پایداری مداوم رشد و توسعه صنعت گردشگری ایفا نمایند. بحران های سیاست خارجی در روابط بین المللی و منطقه ای جمهوری اسلامی ایران همواره اثرات منفی خود را در جذب و ورود گردشگران بین المللی به کشور ظاهر نموده و مناطق آزاد نیز با وجود شرایط و جاذبه های خاص از این امر مستثنی نبوده اند. در بررسی فرضیه پژوهش مبنی بر تاثیر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر توسعه گردشگری در مناطق آزاد با توجه به تحولات دوره های مختلف سیاست خارجی پس از انقلاب می توان چنین نتیجه گرفت که امنیتی سازی یا امنیتی شدن فضای جغرافیایی ایران در ادوار مختلف به همراه تصویرسازی منفی دولت ها و رسانه های خارجی برای شهروندان این کشورها، زیربنای عدم استقبال گردشگران را فراهم ساخته است. حتی جهت گیری های

مقطعی روشی و تنش زدایی و اعتدال گرایی در سیاست خارجی هم نتوانسته تاثیر چندانی بر رشد و گسترش صنعت توریسم بر جای بگذارد و این فراز و نشیب در جذب گردشگر و رشد یا رکود آن به مناطق آزاد تجاری و صنعتی نیز تسری می یابد.

منابع

- احمدی، احمد؛ اخوان فرشی، مسلم؛ باقری، یدالله. (۱۳۹۳). " بررسی تاثیر سیاست خارجی دولت دکتر روحانی بر توسعه صنعت گردشگری ایران". کنفرانس بین المللی اقتصاد، حسابداری، مدیریت و علوم اجتماعی.
- احمدی، مهدی. (۱۳۹۴). " توجه ویژه دولت یازدهم به صنعت گردشگری ". خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱/۶/۱۳۹۴.
- اسمعیل اسدی، رمضان. (۱۳۹۶). سیر تحول رویکردهای توسعه از دیدگاه بین المللی با تاکید بر توسعه پایدار (استکلهم، ریو، ژوهانسبورک و ریو + ۲۰)، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه کشور.
- افضلی، رسول؛ فرجی، امین؛ شعبانی فرد، محمد. (۱۳۸۹). " جایگاه حقوق گردشگران خارجی از نگاه اسلام و قوانین حقوقی جمهوری اسلامی ایران ". فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، پاییز، شماره ۷۳، صص ۱۴۰-۱۱۹.
- باصری، ابوالفضل، ۱۳۸۷، گردشگری و توسعه اقتصادی و سیاسی، چاپ پنجم، تهران، نشر نو.
- بشیریه، حسین، ۱۳۹۰، موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران، پژوهشکده امور سیاسی.
- بنادرویش، فاطمه. (۱۳۸۲). نقش دولت و مدیریت بخش عمومی در پیشبرد و ارتقای برنامه های جهانگردی، مجله‌ی مطالعات گردشگری، شماره ی ۱، صص ۳۸-۲۳.
- بهکیش، محمدمهدی، ۱۳۸۹، اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، تهران، انتشارات نی.

- تقی زاده انصاری، حسن (۱۳۸۳). "جهانگردی در ایران، سیاست ها، برنامه های عمرانی و توسعه با رویکرد به جاذبه های طبیعی گردشگری". تهران: انتشارات اندیشه پویا.
- جوادیان، محمدرضا اصل، ۱۳۹۱، جهانگردی به مثابه بازوی اجرایی دیپلماسی بین المللی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، راهنما، دکتر علی اکبر امینی.
- حافظ نیا، محمد رضا، ۱۳۹۳، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، نشر پاپلی، چاپ چهارم.
- حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۷۹، تعریفی نو از ژئوپلیتیک، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۸۸.
- خسروی، محمدعلی؛ جباری ثانی، عباسعلی. (۱۳۹۰). "ظرفیت های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی عمومی". فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم، شماره ۱۱، بهار، صص ۸۳-۱۱۶.
- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال، ۱۳۸۹، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نشر سمت، چاپ سوم.
- رجبی، آریتا؛ حاجی محمدی، علیرضا. (۱۳۹۳). "نقش دیپلماسی در توسعه پایدار صنعت گردشگری جمهوری اسلامی ایران". اردیبهشت، دانشکده جغرافیا، مؤسسه جغرافیا، همایش علوم جغرافیایی ایران، صص ۴۴-۵۱.
- رحمانی، زین العابدین؛ پرهیزگار، محمد مهدی؛ امینی، محمد تقی؛ شیرمحمدی، یزدان. (۱۳۹۲). "عوامل موثر بر اجرای سیاست های گردشگری جمهوری اسلامی ایران". فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، زمستان، شماره ۲۴، صص ۲۰۸-۱۸۳.
- رضایی، ناصر. (۱۳۹۳). "سهم و نقش دولت و دیپلماسی در گردشگری، روزنامه دنیای اقتصاد". ۱۳۹۳/۹/۱۷.

- رضوانی، محمدرضا و جواد صفائی، (۱۳۸۴)، گردشگری خانه های دوم و اثرات آن بر نواحی روستایی: فرصت یا تهدید (مطالعه موردی: نواحی روستایی شمال تهران)، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۵۴، صص ۱۰۹ - ۱۲۱.
- رئیس دانا، فریبرز، ۱۳۹۱، دیپلماسی سیاسی در ایران، تهران، انتشارات نگاه.
- سالومون، مارگوت. ای. (۱۳۹۱). مسئولیت جهانی برای حقوق بشر، فقر جهانی و توسعه حقوق بین الملل، مترجمان آزاده السادات طاهری و [...دیگران]. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، برنامه توسعه ملل متحد.
- سن، آمارتیاکومار سن. (۱۳۹۴). توسعه به مثابه آزادی، ترجمه وحید محمودی، تهران: دانشگاه تهران
- سلیمان آبادی فهیمه، ۱۳۹۶، تحلیل و بررسی رابطه بین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و صمغن توریسم (مطالعه موردی: مقایسه دولت احمدی نژاد و روحانی)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی، گروه علوم سیاسی، راهنما، دکتر فرزاد رستمی، مشاور، دکتر قدرت احمدیان.
- صباغ کرمانی، مجید. (۱۳۷۹). "صنعت جهانگردی در ایران: تخمین عرضه و تقاضای جهانگردی". تهران، نشر کتابفرا.
- طهماسبی، پاشا؛ جمعی و روفسیا مجیدی. (۱۳۸۴). "چشم انداز گردشگری سواحل جنوبی دریای خزر و آثار آن بر توسعه شهرها و روستاهای منطقه (مطالعه موردی شهرستان تنکابن)"، مجموعه مقالات اولین همایش سراسری نقش صنعت گردشگری در توسعه استان مازندران، ناشر: رسانش، تهران.
- فکوهی، ناصر، ۱۳۹۲، از فرهنگی تا توسعه سیاسی اقتصادی اجتماعی در ایران، تهران، انتشارات فردوس
- کاتوزیان، محمدعلی، ۱۳۸۶، تضاد سیاسی دولتها و ملتها، نظریه تاریخ و سیاسی در ایران، تهران، نشر نی.
- کارگر، بهمن، (۱۳۸۶). توسعه، شهرنشینی و صنعت گردشگری در ایران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.

- لطفی، صدیقه. (۱۳۸۴). "نگرش سیستمی لازمه پایداری گردشگری در مازندران، مجموعه مقالات اولین همایش سراسری نقش صنعت گردشگری در توسعه مازندران، ناشر رسانش، تهران."
- مشکینی، ابوالفضل؛ امیرحاجلو، الهام؛ زنگانه، ابوالفضل. (۱۳۹۶). "تیین نابرابری در توسعه‌ی صنعت گردشگری با نگاهی به ایران". پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۹، شماره ۴، زمستان، صص ۷۸۹-۷۶۹.
- موسوی شفاپی، سیدمسعود؛ امین بیدختی، علی اکبر؛ اسماعیل شهابی، سیدمجتبی. (۱۳۹۱). "تاثیر بی ثباتی سیاسی خاورمیانه بر صنعت گردشگری ایران در دوره پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱". فصلنامه روابط خارجی، تابستان، دوره ۴، شماره ۲ (پیاپی ۱۴)، صص ۲۳۹-۲۱۱.
- مهری نژاد، مصطفی، ۱۳۹۲، بررسی تاثیر اتحاد استراتژیک مناطق آزاد تجاری-صنعتی بر توسعه صنعت گردشگری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه گیلان، راهنما، دکتراسمائیل ملک اخلاق، مشاور، دکتر محمد دوستار.
- نوبخت، محمد باقر. (۱۳۹۵). الگوهای توسعه (مقدمه ای بر الگوی مطلوب توسعه ایرانی - اسلامی)، تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور.
- نیک روش، ملیحه. (۱۳۹۲). "دیپلماسی عمومی و قدرت نرم". پژوهشنامه روابط بین الملل، دوره ۶، شماره ۲۲، تابستان، ۱۳۳-۹۹.
- واحدپور، غلامعباس؛ جعفری، مهتاب. (۱۳۹۰). فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، بهار، سال اول - شماره ۱، صص ۱۰۰-۸۵.
- الوانی، سید مهدی. (۱۳۷۲). "سازوکارهای لازم برای توسعه پایدار جهانگردی، خلاصه مقالات برگزیده دومین اجلاس جهانگردی فرهنگ و توسعه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی."
- هال، مایکل کالین؛ جنکینز، جان ام (۱۳۸۲). "سیاست گذاری جهانگردی"، (ترجمه سید محمد اعرابی و داود ایزدی). تهران: انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی.

- طهماسبی پاشا، ج. و مجیدی، ر. ۱۳۸۴. چشم انداز گردشگری سواحل جنوبی دریای خزر و آثار آن بر توسعه شهرها و روستاهای منطقه (مطالعه موردی: شهرستان تنکابن)، مجموعه مقالات اولین همایش سراسری نقش صنعت گردشگری در توسعه استان مازندران.
- فکوهی، ناصر، ۱۳۹۲. از توسعه فرهنگی تا توسعه اقتصادی و اجتماعی در ایران. تهران.
- محسنی نیا، ایمان، ۱۳۹۵. دیپلماسی گردشگری و بهره برداری از توریسم سیاسی برای کاهش تنش بین کشورها. شماره ۱۱ و ۱۲، نشریه شباک.
- نصری، مرتضی، ۱۳۹۴. تجزیه و تحلیل توریسم ورزشی در چهارچوب روش سوات در شهر تهران. پایان نامه دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات به راهنمایی دکتر بهرام قدیمی.
- Farhoudi, R., Shourche, M., 2004, **Estimating the Capacity of Tourism Board of Anahita Temple in Kangavar**, Tourism studies quarterly, Allame Tabatabai University, No. 7, Winter (printed: winter 2008).
- Press –Annand, P. (2014). Capability Health. Oxford: Oxford University.

تحلیل ژئواکونومی مناطق آزاد ایران با اتحادیه اوراسیا

علی امیری^۱؛ زهره منصوری^۲

^۱ استادیار، گروه آموزشی جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایمیل:

amiri.ali@lu.ac.ir

^۲ کارشناس ارشد جغرافیا، دانشگاه پیام نور، اهواز، ایمیل: zohreh.mansouri69@gmail.com

چکیده:

امروزه منطقه‌گرایی به عنوان یکی از استراتژی‌های توسعه و تحول، گستردگی و مقبولیت فراوانی در سطح نظام جهانی باز نموده است و روز به روز بر رشد آن افزوده می‌شود. اتحادیه اوراسیا به عنوان یک منطقه‌گرایی جدید که در نزدیکی و همسایگی ایران قرار گرفته است، می‌تواند به عنوان یک فرصت جدید برای توسعه همکاری منطقه‌ای ایران مورد توجه قرار گیرد. از طرف دیگر ایران با برخورداری از مناطق آزاد می‌تواند از این فرصت جهت گسترش روابط تجاری خود استفاده نماید. بر این اساس این مقاله درصدد است تا بررسی نماید که وضعیت مناسبات تجاری این مناطق آزاد ایران و اتحادیه اوراسیا با توجه به بسترهای ژئواکونومیکی چگونه می‌باشد. برای این انجام این کار، داده‌ها به شکل اسنادی از منابع کتابخانه‌ای و آخرین آمار صادرات و واردات موجود در سایت گمرک جمهوری اسلامی ایران گردآوری شده است. نتایج نشان می‌دهد با اینکه ایران و اتحادیه اوراسیا از بنیان‌های ژئواکونومیکی مناسبی برای توسعه تجاری خود برخوردارند، اما میزان واردات و صادرات بین این اتحادیه و مناطق آزاد ایران بسیار پایین می‌باشد. تراز تجاری مناطق آزاد ایران با این اتحادیه منفی می‌باشد و فقط از ظرفیت یکی از مناطق آزاد ایران یعنی منطقه آزاد انزلی به میزان محدود و به مقدار بسیار جزئی منطقه آزاد اروند برای مراوده تجاری با این اتحادیه استفاده شده است.

کلیدواژه: منطقه آزاد تجاری، اتحادیه اوراسیا، ایران، ژئواکونومی

مقدمه

پارادایم غالب دوران جنگ سرد غلبه ژئوپلیتیک ایدئولوژیک بر عوامل صرفاً اقتصادی بود و منطق اقتصادی جایگاهی نداشت. قدرت‌های رقیب که هر دو مجبور بودند برای گسترش ایدئولوژی خود حتی ضرر اقتصادی بدهند، باید اقمار خود را با کمک‌های اقتصادی حتی بلاعوض حفظ می‌کردند. پس از جنگ سرد، رویکرد ژئواکونومی مورد توجه قرار گرفت و این تجدید هیات مدرن خود مدیون سه عامل است: اول؛ قدرت در نظام بین‌الملل به طور فزاینده‌ای به اقتصاد کشیده شد. دوم؛ در مقایسه با دوره‌های قبل، کشورها برای نمایش قدرت، بیشتر به جنبه‌های اقتصادی قدرت و منابعی که در اختیار دارند، توجه کردند. سوم؛ تغییرات بازارهای جهانی موجب تحول الگوهای رفتاری دولت‌ها شد و دولت‌ها عمدتاً متناسب با این تغییرات رفتار کردند (مختاری، ۱۳۹۷: ۶۲). لذا رویکرد ژئواکونومی در چند دهه اخیر باعث شده است که تحولات اساسی در نظام اقتصادی و حتی سیاسی کشورها و مناطق جغرافیایی جهان شکل بگیرد.

در دنیای به سرعت در حال جهانی شدن در کنار تراکم تجارت و سفرهای انسانی، رقابت بین کشورها و شهرها نیز با سرعت افزایش یافته است. این بدان معناست که کشورها و شهرها به طور آشکار یا مخفیانه درگیر یک جنگ تجاری یا رقابت مخرب هستند. این امر همچنین باعث شده است که کشورها یا شهرها انگیزه‌ها یا مشوق‌های جذابی برای سرمایه‌گذاران بالقوه و تجارت‌های واقع در سرزمین‌های خود فراهم آورند. این انگیزه‌ها می‌توانند شامل تبصره‌های مالیاتی، معافیت‌های مالیاتی و سهولت کسب دارایی در

موسسه مناطق آزاد تجاری باشند. در منطقه آزاد تجاری کالاها ممکن است بدون هیچ گونه ممانعت تحمیل شده توسط مقامات گمرک میزبان، وارد و صادر شوند. منطقه آزاد همچنین می‌تواند موانع تجاری منظم مانند سهمیه و تعرفه را برداشته و محدودیت‌های اجرایی برای جذب تجارت‌های جدید و سرمایه‌گذاری‌های خارجی را کاهش دهد. در همین راستا، یک منطقه آزاد تجاری می‌تواند به عنوان یک قطب تولیدی یا مونتاژ کننده کارگربر تعریف شود که شامل واردات مواد اولیه و یا اجزای سازنده یا مونتاژ محصولات نهایی یا ناتمام برای صادرات به کشورهای مختلف است (Babatundephd, 2019; ۵۳). امروزه کشورها برای تامین سرمایه و ایجاد زیرساخت‌های اساسی رشد و توسعه اقتصادی، کسب فناوری‌های نوین، ایجاد اشتغال و مواردی از این قبیل، ناگزیر از برنامه‌ریزی برای جلب و جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی هستند و ایجاد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی یکی از مهمترین راهکارهای کشورهای مختلف دنیا در چند دهه اخیری برای نیل به این مهم بوده است. یکی از راه‌حل‌های مطمئن برای کشورهای جهان سوم و در حال توسعه جهت آزمایش اقتصاد باز و پیوستن به تجارت جهانی، مناطق آزاد هستند. مناطق آزاد طبق تعریف سازمان بین‌المللی کار مناطقی هستند که سبب جذب سرمایه، افزایش استخدام و افزایش صادرات و تبادلات ارزی می‌شوند (پیری سارمانلو، ۱۳۹۶: ۹۰). در ایران، یکی از سیاست‌های اقتصادی که در چند دهه اخیر با در نظر داشتن اهداف گوناگونی نظیر افزایش رقابت پذیری اقتصاد ملی، اتصال تدریجی با اقتصاد جهانی، توسعه منطقه‌ای، رفع محرومیت‌ها، جذب سرمایه‌های خارجی و داخلی، ایجاد فرصت‌های شغلی

جدید، دستیابی به فناوری پیشرفته و افزایش صادرات، مورد توجه تصمیم‌گیران و سیاستگذاران کلان کشور قرار داشته، تأسیس و راه‌اندازی مناطق آزاد تجاری صنعتی بوده است. بدین ترتیب تاکنون ۷ منطقه آزاد تجاری-صنعتی شامل: کیش، قشم، چابهار، ارس، انزلی و ماکو در کشور ایجاد شده است و در مقطع زمانی کنونی، ایجاد مناطق آزاد جدید با تقدیم لوایح مختلف دولت به مجلس شورای اسلامی و پیشنهادهای تکمیلی نمایندگان محترم مجلس، به یکی از مهمترین موضوعات مورد بحث در حوزه مناطق آزاد بدل شده است (ذاکری و اسفندیاری، ۱۳۹۵: ۱).

همان گونه که مشاهده می‌شود یکی از اهداف مناطق آزاد پیوند و اتصال تدریجی در اقتصاد جهانی می‌باشد. امروزه اتصال در اقتصاد جهانی در بستر همگرایی‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای شتابی مضاعف یافته است و روز به روز شاهد گسترش و ایجاد بیشتر این گونه اتحادیه می‌باشیم. توجه جدی دولت‌های امروزی به این مقوله باعث توجه به موقعیت منطقه‌ای خود برای ایجاد یا پیوستن به اتحادیه‌های منطقه‌ای شده است. کشور جمهوری اسلامی ایران نیز در این زمینه در تکاپو و انجام تلاش‌های مضاعفی در این زمینه می‌باشد. یکی از این اتحادیه که مورد توجه و رصد ایران قرار گرفته است اتحادیه اوراسیا می‌باشد که می‌تواند بستر نهادی خوبی برای گسترش پیوندهای اقتصادی-منطقه‌ای دو جانبه بر اساس شرایط ژئواکونومی طرفین باشد.

در تاریخ ۲۹ می ۲۰۱۴ روسای جمهور قزاقستان، بلاروس و روسیه معاهده اتحادیه اقتصادی اوراسیا را امضا کرده که در ۱ ژانویه ۲۰۱۵ به اجرا در آمد.

همچنین روسای جمهور ارمنستان و قرقیزستان نیز در این مراسم حضور داشتند. در تاریخ ۹ اکتبر ۲۰۱۴ طی معاهده‌ای جداگانه به منظور گسترش اتحادیه اقتصادی اوراسیا با جمهوری ارمنستان امضا شد تا این کشور نیز به اتحادیه بپیوندد. کشور قرقیزستان نیز در تاریخ ۲۳ دسامبر ۲۰۱۴ با امضای معاهده‌ای موافقت خود را برای عضویت در اتحادیه اعلام داشت تا به صورت رسمی در تاریخ ۶ آگوست ۲۰۱۵ تبدیل به عضو اتحادیه اوراسیا شود (علوی، ۱۳۹۴: ۷). اتحادیه اقتصادی اوراسیا بیش از ۱۸۰ میلیون نفر جمعیت و بیش از ۲۰ میلیون کیلومتر مربع وسعت دارد و تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو فراتر از چهار تریلیون دلار در سال بر آورد می‌شود. مهمتر اینکه جوامع این کشورها اشتراکات فرهنگی-اجتماعی فراوانی با ایران دارند، لذا دسترسی ایران به بازارهای این منطقه با این وسعت، جمعیت و ظرفیت می‌تواند علاوه بر تحکیم همکاری اقتصادی و در نتیجه رشد فزاینده اقتصاد، تجارت و توسعه کشورمان، فرصت‌های شغلی ایجاد نماید (سنایی، ۱۳۹۷: ۲).

بر این اساس توجه ایران برای پیوستن به این اتحادیه، در پرتو گسترش روابط تجاری بیشتر می‌تواند تحقق یابد. از مهمترین راه‌های گسترش روابط تجاری ایران، توسعه صادرات و واردات از طریق مناطق آزاد ایران با توجه به اهداف پیدایش آنها می‌باشد. به همین خاطر این مقاله درصدد است تا وضعیت تجاری بین مناطق آزاد ایران و این اتحادیه را مورد ارزیابی قرار دهد.

۱- مفاهیم نظری تحقیق

۱-۲- مناطق آزاد

مناطق پردازش صادرات (EPZ)^۱ یا انواع دیگری از جمله مناطق ویژه اقتصادی (SEZs)^۲، مناطق آزاد تجاری (FTZ)^۳ و مناطق آزاد (FZ)^۴ از نیمه دوم قرن بیستم در ایجاد تحول در اقتصادهای ملی تأثیرگذار بوده‌اند. در این فضاها قوانین ملی به منظور حمایت از بنگاه‌های اقتصادی با انگیزه‌های ویژه برای ایجاد محصولات و خدمات برای بازار صادرات به حالت تعلیق در آمده است (Adu-Gyamfi & others, 2020: 3). بنا به تعاریف بین‌المللی، منطقه آزاد، محدوده حراست شده بندری و غیربندری است که از شمول برخی از مقررات جاری کشور متبوع خارج بوده و با بهره‌گیری از مزایایی نظیر معافیت‌های مالیاتی، بخشودگی سود و عوارض گمرکی، عدم وجود تشریفات زائد ارزی، اداری و مقررات دست و پاگیر و همچنین، سهولت و تسریع در فرآیندهای صادرات و واردات با جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری به توسعه سرزمین اصلی کمک می‌نماید. مناطق آزاد، در دنیا به عنوان پنجره‌هایی برای همگامی و هم پیوندی اقتصادی کشورها با اقتصاد جهانی، ایجاد رشد و تحول در صادرات و بهره‌مند شدن از سرمایه داخلی و خارجی

^۱ - Export processing zones (EPZs)

^۲ - special economic zones (SEZs)

^۳ - free trade zones (FTZs)

^۴ - free zones (FZs)

جهت دستیابی به اهداف توسعه اقتصادی، ایجاد و افزایش اشتغال و انتقال تکنولوژی ایجاد شده‌اند (سلامی و دیگران، ۱۳۹۶: ۸). مناطق آزاد تجاری شامل فرودگاه، بندر یا هر منطقه انتخابی دیگر برای واردات معاف از مالیات مواد اولیه، قطعات یدکی، قطعات، دستگاه‌های جانبی، کالاهای ناتمام یا تمام شده می‌باشد. این قطعات می‌توانند برای صادرات مجدد یا ورود به بازار عمومی کالاهای وارداتی (پس از پرداخت هزینه‌های مورد نیاز) ذخیره، در معرض نمایش، مونتاژ و یا پردازش شوند (Babatundephd, 2019; 52). مناطق آزاد، مناطق خاصی هستند که از طریق معافیت مالیاتی خاص و سایر مشوق‌های مختلف از جمله دسترسی آسان به بنادر، آزادی فعالیت مانند سایر بنگاه‌های ملی، تخفیف در معاملات بانکی، معافیت یا معافیت کامل از مالیات‌های ارزش افزوده، ماندن طولانی مدت کالا در بنادر، استفاده رایگان از ارزهای قابل تبدیل، محدودیت کمتر در کیفیت کالاها و خدمات و استفاده از هر فرصت دیگری که برای بنگاه‌های محلی فراهم می‌شود محیط تجاری آرامش‌بخشتری توسط دولت را فراهم می‌آورند (cal & others, 2018: 2). امروزه مناطق آزاد به عنوان پدیده‌های فراگیر و ابزاری برای تحقق استراتژی‌های توسعه برون‌نگر با تأکید بر سیاست توسعه صادرات مورد توجه قرار گرفته‌اند. به طوری که اکثر کشورهای در حال توسعه، به احداث یک یا چند منطقه آزاد مبادرت کرده‌اند. هدف از ایجاد این مناطق، فراهم کردن شرایط مناسب به منظور افزایش تولید و صدور کالاهای صنعتی از طریق جذب سرمایه‌های خارجی، ایجاد اشتغال، کسب درآمد ارزی، افزایش درآمد حاصل از توریسم، تأمین مواد اولیه و قطعات مورد نیاز صنایع، برقراری

پیوندهای صنعتی با داخل کشور، رشد رفاه اقتصادی و مادی مردم مناطق و سپس منافع ملی است (رهنورد، ۱۳۸۹: ۴۶).

۲-۲- ژئواکونومی

ژئواکونومیک عبارت است از «مطالعه اثرگذاری عامل‌ها یا زیربناهای اقتصادی در محیط کشوری، منطقه‌ای یا جهانی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و رقابت‌های قدرت و اثرگذاری این عامل‌ها در ساختار شکل‌گیرنده ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی». واژه جدید ژئواکونومیک، به مفهوم ترکیب منطق جنگ با روش‌های تجاری یا همان طوری که کلوزویت نوشته، منطق جنگ در دستور زبان تجارت است. بنیان اصلی ژئواکونومیک، استدلالی است که از طرف ادوارد لوتواک^۱ ارائه شده است (مِه‌کویی و گودرزی، ۱۳۹۸: ۵۲۰). استراتژیست آمریکا، ادوارد لوتواک، «ماکیاول مریند»، در اوایل ۱۹۹۰ به طور جالبی استدلال کرد که «روش‌های تجارت جایگزین روش‌های نظامی می‌شوند- با سرمایه قابل عرضه به جای قدرت شلیک، نوآوری غیرنظامی به جای پیشرفت نظامی و نفوذ بازار به جای پادگان‌ها و پایگاه‌ها». در همان زمان، دانیل بل^۲ از «اقتصاد به عنوان ادامه جنگ به وسیله دیگر» یاد کرد. امروزه این نوع تعاریف از اصطلاح ژئواکونومی در بین روزنامه نگاران، صاحب‌نظران سیاست و مناظره‌کنندگان نمونه است. آنها غالباً از مفهوم ژئواکونومی برای اشاره به استفاده استراتژیک از قدرت اقتصادی توسط

- Edward nicolae luttwak^۱

Daniel Bell - ^۲

دولت‌هایی که به دنبال دستکاری در روابط بین کشورها هستند استفاده می‌کنند (2: moisio, 2019).

ژئواکونومیک به عنوان حوزه‌ای از دانش از ژئوپلیتیک کلاسیک سرچشمه می‌گیرد. به تعبیر خاص‌تر، می‌توان آن را گسترش دامنه ژئوپلیتیک اعمال شده در روابط اقتصادی بین‌المللی دانست. به این معنا، ژئواکونومیک نوعی از ژئوپلیتیک است. از منظر معاصر، ژئوپلیتیک به تحلیل توزیع و پیکربندی قدرت در سیستم بین‌المللی و تأثیرات آن بر روابط سیاست بین‌الملل در بین کشورها و همچنین مورفولوژی استراتژیک فضای جهانی اشاره دارد. ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک هر دو ذاتاً به رقابت ژئواستراتژیک در بین کشورها گره خورده‌اند. با این حال، ژئواکونومیک زمینه تجزیه و تحلیل ژئوپلیتیک را محدود کرده و بر ارتباط قدرت اقتصادی به عنوان یک عامل تحلیل تأکید می‌کند. به این معنا، نوع خاصی از رقابت ژئوپلیتیکی را در بر می‌گیرد (24: Jaeger & brites, 2020). مفهوم ژئواکونومیک فقط به کاربرد ابزارهای اقتصادی برای منافع ژئوپلیتیکی (مملکت‌داری) توصیف نمی‌شود، بلکه به تغییر روابط بین دولت و بازار و بین اقتصاد و امنیت نیز اشاره دارد (2: Jaeger, 2020). از منظر ژئواکونومیک، عوامل اقتصادی به تنهایی به عنوان منابع قدرت تنظیم می‌شوند و منطق توزیع قدرت و مشخصات رقابت بین کشورها را متحول می‌سازند (24: Jaeger & brites, 2020).

ژئواکونومی ابزاری برای تحلیل راهبردهای اقتصادی، به ویژه در ابعاد تجاری است که بر پایه آن تصمیمات دولت‌ها بر اساس سیاست شکل می‌گیرد تا آنها بتوانند به هدف حفاظت از اقتصاد خود یا بخش‌های به خوبی تعریف شده‌ای

از اقتصاد دست یابند. رسیدن به این هدف به بنگاه‌های ملی کمک می‌کند تا به فناوری دست یابند یا بخش‌های خاصی از بازار جهانی را به دست آورند که مربوط به تولید یا تجاری سازی یک محصول است. مالکیت چنین سهمی یا توان کنترل آن، به یک واحد- دولت یا بنگاه ملی- عنصری از قدرت یا تأثیر بین‌المللی اعطا کرده است و کمک می‌کند تا اقتصاد و ظرفیت اجتماعی خود را استحکام بخشد (میرفخرایی، ۱۳۹۴: ۱۴۸).

مؤلفه‌های ژئواکونومیک، قدرت، جغرافیا و اقتصاد، زیربنای همگرایی اقتصادی را می‌سازند. در نظریه‌های همگرایی اقتصادی منطقه‌ای، ارتقای تجارت نقش مهمی را ایفا می‌کنند. تشکیل اتحادیه‌های اقتصادی با هدف ارتقای تجارت در دوران بعد از جنگ جهانی دوم صورت پذیرفت. منطقه‌گرایی اقتصادی در برگیرنده تمایل گروهی از کشورها در یک محدوده جغرافیایی مشخص برای همکاری اقتصادی است که اولین نشانه‌های آن بستن موافقتنامه‌های ترجیحی و رشد میزان تجارت و سرمایه‌گذاری میان آنها و سرانجام، تشکیل اتحادیه اقتصادی است. در مورد سطح‌های موفقیت همکاری در یک منطقه باید گفت که نظریه‌پردازان این حوزه، دامنه و سطح یکپارچگی میان کشورها را بنا به متغیرهای مؤثر بار آن متفاوت دانسته‌اند. کانتوری و اشپیگل، دو نظریه‌پرداز برجسته این حوزه، چهار متغیر الگوی را به عنوان مهمترین عوامل مؤثر درون منطقه‌ای بر می‌شمارند که به کمک آنها می‌توان میزان موفقیت یک منطقه را در شکل‌دهی ترتیبات منطقه‌ای شناسایی کرد. این چهار متغیر عبارتند از: ماهیت و میزان همبستگی؛ ماهیت ارتباطات؛ سطح قدرت؛ ساختار (مهکویی و گودرزی، ۱۳۹۸: ۵۲۱).

۲- یافته‌ها

آمار واردات و صادرات یکی از مقوله هایی هست که می‌تواند مبنای تحلیل و فهم ژئواکونومی کشورها قرار بگیرد. برای تحلیل ژئواکونومی کشورها و بازیگران اقتصادی، میزان صادرات و واردات از ارکان تحلیل محسوب می‌شود. کشور ایران با توجه به بنیادهای ژئواکونومی مشترکی از قبیل موقعیت جغرافیایی، همسایگی، تنوع تولیدات کشاورزی و صنعت و ... نسبت به اتحادیه اوراسیا می‌تواند از بازار صادرات و واردات خوبی در این زمینه برخوردار باشد. لذا این مساله بر اساس آخرین آمار (سال ۱۳۹۷) سایت گمرک ایران در خصوص مناطق آزاد ایران مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۱-۳- واردات

مقایسه آمار واردات ایران از کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا و کشورهای غیر عضو اتحادیه اوراسیا (نمودار و جدول شماره ۱) از طریق مناطق آزاد ایران در سال ۱۳۹۷ نشان می‌دهد که سهم واردات ایران از کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا نسبت به کشورهای غیر عضو اتحادیه اوراسیا نسبتاً ناچیز (۳,۴۷) در مقابل ۹۶,۵۳ درصد) می‌باشد. مقایسه آمار واردات ایران از کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا و بقیه کشورهای غیر عضو اتحادیه نشان می‌دهد که سهم واردات ایران از کشورهای عضو این اتحادیه بسیار کم است. با اینکه این اتحادیه در موقعیت ژئواکونومیکی خوبی و در همسایگی ایران قرار داد و می‌تواند در مبادلات تجاری ایران نقش برجسته‌ای داشته باشد، اما سهم آن از کل صادرات ایران ۳,۴۷ درصد می‌باشد که بیشترین آن مربوط به روسیه با ۳,۱۴ درصد می‌باشد و سهم چهار کشور دیگر خیلی کمتر از نیم درصد

می‌باشد. لذا می‌طلبد با توجه به اینکه ایران درصدد گسترش همکاری خود با این اتحادیه و به احتمال پیوستن به آن می‌باشد، جایگاه ژئواکونومیک خود را برجسته‌تر نموده و با جایگزین نمودن واردات کالا از کشورهای عضو این اتحادیه با کالاهای مشابه از کشورهای غیر عضو این اتحادیه پایه‌های ژئواکونومیکی خود را مستحکم‌تر سازد.



منبع: یافته‌های تحقیق

همچنین همان گونه که اشاره شد در بین کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا، بیشترین واردات ایران از طریق مناطق آزاد ایران مربوط به فدراسیون روسیه می باشد که ارزش آن ۱۳۵۷۲۹۰۵۵۱ دلار و در حدود ۳,۱۴ درصد کل واردات ایران می باشد و همان طور که در جدول شماره ۱ و نمودار شماره ۱؛ دیده می شود بعد از آن کشورهای بلاروس، ارمنستان، قزاقستان و قرقیزستان قرار دارند که کمترین میزان مربوط به قرقیزستان به ارزش ۱۱۵۸۱۳۱۷ دلار (۰,۰۲ درصد) می باشد.

جدول شماره ۱: آمار واردات به تفکیک کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا طی سال

۱۳۹۷

کشور طرف معامله	وزن (کیلوگرم)	ارزش (دلار)	نسبت به کل واردات بر اساس ارزش دلار
ارمنستان	۵۰۲۳۴۶۳	۲۳۰۳۳۱۰۰	۰,۰۵
بلاروس	۱۱۶۱۱۳۵۸	۲۳۳۶۸۶۶۴	۰,۰۵
فدراسیون روسیه	۲۲۰۳۳۵۶۱۵۵	۱۳۵۴۲۹۰۵۵۱	۳,۱۴
قرقیزستان	۵۹۹۱۹۵۴	۱۱۵۸۱۳۱۷	۰,۰۳
قزاقستان	۲۹۷۴۲۸۰۸۳	۸۷۴۹۱۷۰۹	۰,۲
مجموع اتحادیه اوراسیا	۲۵۰۵۴۱۱۰۱۳	۱۴۹۹۷۶۵۳۴۱	۳,۴۷

۹۶,۵۳	۴۱۶۶۸۹۹۳۹۸۰	۲۹۸۵۰۳۴۷۸۹۰	مجموع کشورهای غیر عضو اتحادیه اوراسیا
۱۰۰	۴۳۱۶۸۷۵۹۳۲۳	۳۲۳۵۵۷۵۸۹۰۶	مجموع کشورهای عضو و غیر عضو اوراسیا

منبع: مستخرج از سایت گمرک جمهوری اسلامی ایران

آمار واردات ایران در سال ۱۳۹۷ (جدول شماره ۲) نشان می‌دهد که از دو کشور عضو این اتحادیه، یعنی ارمنستان و قرقیزستان، هیچ گونه وارداتی در هیچ کدام از مناطق آزاد ایران ثبت نشده است. همچنین از سه کشور باقی مانده فقط در منطقه آزاد انزلی واردات برای قزاقستان و بلاروس ثبت شده است و بقیه مناطق آزاد ایران در بخش تجاری واردات کشور از این سه عضو این اتحادیه هیچ جایگاهی ندارند. برای روسیه هم به استثنای یک مورد از منطقه آزاد اروند، تمامی واردات از انزلی ثبت شده است. لذا، در حالی که ۹۹/۹ درصد واردات ایران از طریق مناطق آزاد مربوط به منطقه آزاد انزلی

(انزلی و حسن رود) می‌باشد، بقیه مناطق (اروند) تنها کمتر از ۰,۱ درصد واردات را تشکیل می‌دهند و این نشان دهنده وضعیت رکود کامل دیگر مناطق آزاد ایران در واردات از اتحادیه اوراسیا می‌باشد. هر چند این وضعیت تا حدودی به خاطر موقعیت ارتباطی و فاصله کم جغرافیایی منطقه آزاد انزلی قابل توجه هست، اما می‌تواند جایگاه دیگر مناطق آزاد به خصوص منطقه ارس و ماکو که همسایه خشکی این اتحادیه می‌باشند، مورد توجه جدی قرار گیرد. ارس تنها منطقه آزاد ایران است که از طریق خشکی با کشور ارمنستان همسایه می‌باشد، اما هیچ گونه وارداتی از این کشور در آن در طول سال ۹۷ ثبت نشده است.

جدول شماره ۲: آمار واردات به تفکیک ماه، کشور عضو اتحادیه اوراسیا و گمرک

طی سال ۱۳۹۷

ماه سال	کشور طرف معامله	گمرک	وزن (کیلوگرم)	ارزش (دلار)	نسبت ارزش (دلار)
۱، ۳، ۴، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲	قزاقستان	منطقه آزاد تجاری انزلی	۵۱۹۱۷۴۰۹	۱۳۸۵۷۲۰۵	۲۸/۷
۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱	بلاروس	منطقه آزاد تجاری انزلی	۲۲۱۶۱۲۳	۶۹۵۳۳۱	۱/۴۴
۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۲	فدراسیون روسیه	منطقه آزاد تجاری حسن رود انزلی	۷۸۲۴۵۶۰	۶۷۳۲۱۳۹	۱۳/۹۴
۱-۱۲	فدراسیون روسیه	منطقه آزاد تجاری انزلی	۳۲۲۵۰۵۹۰۵	۲۶۹۵۳۹۴۷	۵۵/۸۲
۳	فدراسیون روسیه	منطقه آزاد تجاری اروند - خرمشهر	۲۲۵۰	۴۶۱۵۹	۰/۱
جمع			۳۸۴۴۶۶۲۴۷	۴۸۲۸۴۷۸۱	۱۰۰

منبع: مستخرج از سایت گمرک جمهوری اسلامی ایران

بر اساس محاسبه مجموع ارزش ریالی واردات کل مناطق آزاد و واردات کل از کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا (جداول شماره ۲ و ۳)، واردات مناطق آزاد ایران از کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا فقط ۲/۶۸ درصد واردات مناطق آزاد بر اساس ارزش دلار را تشکیل می‌دهد که مقدار بسیار ناچیزی می‌باشد. این نسبت (واردات هر کدام از مناطق آزاد از اتحادیه اوراسیا نسبت کل واردات آنها بر اساس ارزش دلار) برای منطقه آزاد انزلی ۸/۶ و برای مجموع منطقه آزاد انزلی و حسن رود انزلی، ۸/۴۰ درصد واردات آنها و برای منطقه آزاد اروند فقط ۰/۰۱ درصد واردات این منطقه آزاد می‌باشد و سهم بقیه مناطق آزاد ایران بر اساس این نسبت صفر می‌باشد. این نسبت‌ها نشان دهنده سهم پایین اتحادیه اوراسیا از واردات کل هر کدام از مناطق آزاد ایران می‌باشد.

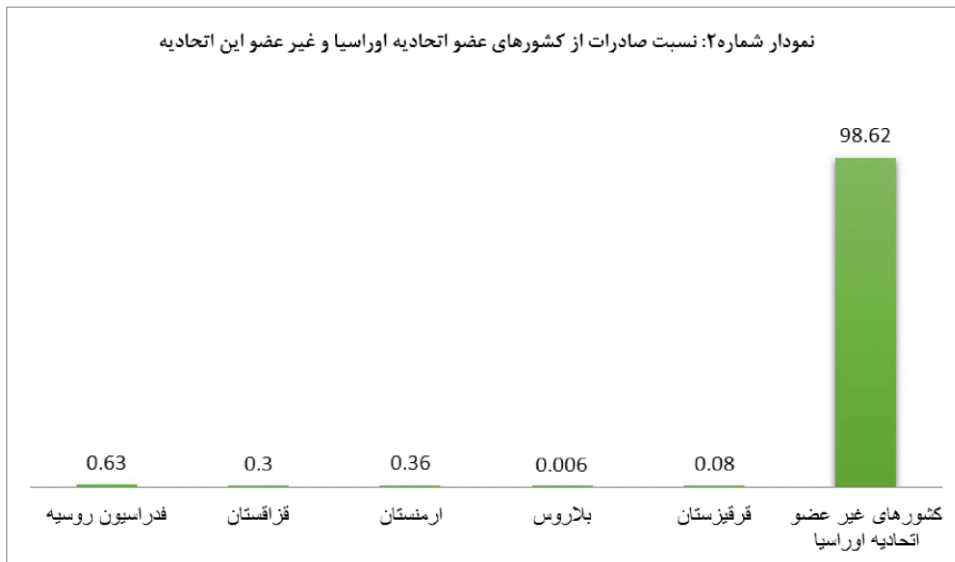
جدول شماره ۳: آمار واردات به تفکیک گمرکات مناطق آزاد، طی سال ۱۳۹۷

گمرک	وزن (کیلوگرم)	ارزش (ریال)	ارزش (دلار)	نسبت واردات از اتحادیه اوراسیا به واردت کل منطقه آزاد
منطقه آزاد تجاری چابهار	۵۷۶۰۳۲۶۰۴	۳۴۶۳۳۴۵۱۷۵۴۱۳۸	۸۲۶۱۹۳۰۷۲	۰
منطقه آزاد تجاری حسن رود انزلی	۳۶۲۰۵۳۲۱	۳۹۲۸۹۰۳۵۷۵۵۸۱	۹۵۵۱۴۹۰۷	۷/۰۵
منطقه آزاد تجاری کیش	۶۶۱۷۳۳۳	۲۰۳۹۸۸۲۲۰۶۳۱۰	۴۹۰۰۷۴۵۷	۰
منطقه آزاد تجاری اروند - خرمشهر	۱۱۰۷۷۸۳۴۶	۱۴۵۸۱۰۶۱۷۲۸۵۶۸	۳۵۲۶۹۵۳۲۹	۰/۰۱
منطقه آزاد تجاری انزلی	۹۸۱۳۶۹۳۷۰	۱۹۸۹۵۹۸۳۲۳۵۱۷۶	۴۷۸۹۴۱۴۵۹	۸/۶
جمع	۱۷۱۱۰۰۲۹۷۴	۷۵۰۷۹۲۸۲۵۸۰۰۰۰	۱۸۰۲۳۵۲۲۲۴	

منبع: مستخرج از سایت گمرک جمهوری اسلامی ایران

۲-۳- صادرات

همانند واردات، میزان صادرات ایران به کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا بسیار ناچیز می‌باشد؛ به طوری که از نمودار شماره ۲ و جدول شماره ۴ پیداست، کل میزان صادرات ایران به کشورهای عضو این اتحادیه در حدود ۱/۳۸ درصد کل صادرات ایران می‌باشد. این نسبت حتی کمتر از میزان واردات می‌باشد و این نشان دهنده تراز پرداخت منفی ایران در واردات و صادرات با این اتحادیه می‌باشد.



منبع: یافته‌های تحقیق

همچنین، میزان سهم هر کدام از پنج کشور عضو اتحادیه در زمینه صادرات یکسان نیست. بیشترین میزان صادرات ایران به اعضا این اتحادیه مربوط به فدراسیون روسیه می باشد که در حدود ۰/۶۳ درصد کل صادرات ایران می باشد و بعد به ترتیب ارمنستان، قزاقستان، قرقیزستان و نهایتاً بلاروس می باشند که سهم هر کدام کمتر از یک درصد می باشد.

جدول شماره ۴: آمار صادرات به تفکیک کشورهای مقصد عضو اتحادیه اوراسیا،

طی سال ۱۳۹۷

کشور مقصد	وزن (کیلوگرم)	ارزش (ریال)	ارزش (دلار)	نسبت به کل واردات بر اساس ارزش دلار
ارمنستان	۵۶۵۲۲۴۸۰۰	۹۲۶۹۳۳۲۰۵۹۰۵۹	۱۶۰۷۷۳۱۶۲	۰/۳۶
بلاروس	۲۰۴۰۲۹۶	۱۶۹۸۹۱۱۴۱۹۴۶	۲۷۷۶۹۷۸	۰/۰۰۶
فدراسیون روسیه	۵۰۳۱۴۵۶۵۱	۱۷۹۷۹۷۴۲۵۶۲۱۱۰	۲۸۳۸۷۸۳۵۴	۰/۶۳
قرقیزستان	۲۰۲۴۹۵۱۹	۲۰۷۰۲۷۰۰۷۹۷۰۲	۳۴۷۹۲۵۷۹	۰/۰۸
قزاقستان	۴۶۴۱۷۲۲۴۹	۷۸۹۶۴۵۶۵۳۵۹۰۹	۱۳۲۷۳۸۸۵۶	۰/۳
جمع اوراسیا	۱۵۵۴۸۳۲۵۱۵	۳۷۳۸۵۶۹۲۳۷۰۰۰۰	۶۱۴۴۵۹۹۲۹	۱/۳۸
جمع غیر اوراسیا	۱۱۶۴۱۲۸۰۷۱۳۲	۲۵۵۶۵۲۲۵۴۴۲۶۹۱۷۰	۴۴۰۵۵۹۸۳۴۹۷	۹۸/۶۲
جمع اوراسیا و غیر اوراسیا	۱۱۷۹۶۷۶۳۹۶۴۷	۲۵۹۳۹۰۸۲۳۶۶۳۹۱۷۰	۴۴۶۷۰۴۳۳۴۲۶	۱۰۰

منبع: مستخرج از سایت گمرک جمهوری اسلامی ایران

همان گونه که در جدول شماره ۵ دیده می شود از منظر صادرات ایران به کلیه پنج کشور عضو اتحادیه دارای صادرات می باشد. اما این صادرات به این کشورها فقط از طریق منطقه آزاد تجاری انزلی و به مقدار بسیار کم از طریق منطقه آزاد اروند صورت گرفته است و دیگر مناطق آزاد ایران اصلا جایگاهی ندارند. منطقه آزاد انزلی به کلیه کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا صادرات داشته اند، اما صادرات منطقه آزاد اروند فقط به ارزش ۹۱۶۳۳ دلار در یک ماه سال به مقصد فدراسیون روسیه صورت گرفته است.

جدول شماره ۵: آمار صادرات به تفکیک ماه، کشور عضو اتحادیه اوراسیا و گمرک
طی سال ۱۳۹۷

ماه	کشور مقصد	گمرک	وزن (کیلوگرم)	ارزش (دلار)
۱-۱۲ به استثنای ۷	ارمنستان	منطقه آزاد تجاری انزلی	۴۵۳۱۸۲	۸۵۷۱۸۱
۶	بلاروس	منطقه آزاد تجاری انزلی	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰
۴، ۱۱، ۱۲	قرقیزستان	منطقه آزاد تجاری انزلی	۱۱۰۵۵۰	۱۰۰۳۹۵
۱-۱۲	قزاقستان	منطقه آزاد تجاری انزلی	۶۵۶۱۰۸۸۲	۲۰۵۸۶۲۳۴
۸	قزاقستان	منطقه آزاد تجاری حسن رود انزلی	۱۲۱۳۳۰	۹۷۰۶۴
۹	قزاقستان	منطقه آزاد تجاری حسن رود انزلی	۱۷۵۰	۲۳۰۰۰
۱-۱۲	فدراسیون روسیه	منطقه آزاد تجاری انزلی	۴۱۷۱۷۸۰۷	۲۲۹۶۸۳۷۷
۶، ۷، ۱۰، ۱۱	فدراسیون روسیه	منطقه آزاد تجاری حسن رود انزلی	۲۰۶۲۵	۱۵۲۲۲۶
۱۲	فدراسیون روسیه	منطقه آزاد تجاری اروند - خرمشهر	۱۴۴۵۱	۹۱۶۳۳
	جمع		۲۱۷۰۵۴۹۹۵۲	۴۴۸۹۲۱۱۰

منبع: مستخرج از سایت گمرک جمهوری اسلامی ایران

بر اساس محاسبه مجموع ارزش ریالی صادرات کل مناطق آزاد و صادرات کل به کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا (جداول شماره ۵ و ۶)، صادرات مناطق آزاد ایران به کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا فقط ۱۳/۷۳ درصد واردات مناطق آزاد بر اساس ارزش دلار را تشکیل می‌دهد. این نسبت (صادرات هر کدام از مناطق آزاد به اتحادیه اوراسیا نسبت کل صادرات آنها بر اساس ارزش دلار) برای منطقه آزاد انزلی ۳۸/۴۵ درصد و برای مجموع منطقه آزاد انزلی و حسن رود انزلی ۳۶/۸۷ درصد صادرات آنها و برای منطقه آزاد اروند فقط ۰/۰۶ درصد صادرات این منطقه آزاد می‌باشد و سهم بقیه مناطق آزاد ایران بر اساس این نسبت صفر می‌باشد. این نسبت‌ها نشان دهنده سهم پایین اتحادیه اوراسیا از صادرات کل هر کدام از مناطق آزاد ایران می‌باشد. هر چند سهم بالایی از صادرات منطقه آزاد انزلی به اتحادیه اوراسیا مربوط می‌شود، اما این وضعیت ناشی از پایین بودن میزان صادرات کل این منطقه آزاد می‌باشد.

جدول شماره ۶: آمار صادرات به تفکیک گمرکات، طی سال ۱۳۹۷

نسبت واردات از اتحادیه اوراسیا به واردت کل منطقه آزاد	ارزش (دلار)	ارزش (ریال)	وزن (کیلوگرم)	گمرک
۰	۷۴۲۸۸۹۰	۵۳۸۴۰۹۷۹۲۰۲ ۱	۹۹۳۳۴۴۳	منطقه آزاد تجاری چابهار
۴/۷۶	۵۷۱۹۴۸۶	۳۲۸۰۷۷۱۵۲۰۵ ۱	۵۸۵۷۹۶۷	منطقه آزاد تجاری حسن رود انزلی
۰	۳۵۰۰۰	۱۴۷۰۰۰۰۰۰۰	۹۱۳۴۹۰	منطقه آزاد تجاری کیش
۰/۰۶	۱۴۳۱۸۱۶۸۹	۸۳۵۳۰۷۹۴۳۰۹ ۸۷	۱۵۱۷۹۶۵۳ ۹۴	منطقه آزاد تجاری اروند - خرمشهر
۳۸/۴۵	۱۱۵۷۸۹۴۷۱	۶۶۳۲۶۸۹۸۰۲۶ ۷۲	۱۷۰۷۳۰۵۲ ۹	منطقه آزاد تجاری انزلی
۰	۵۴۸۲۲۲۸۵	۳۴۴۷۵۹۴۵۷۵۳ ۱۶	۳۶۶۱۶۹۴۲۷	منطقه آزاد دوغارون
	۳۲۶۹۶۹۸۲۱	۲۵۹۳۹۰۸۲۳۶۶ ۳۹۱۷۰	۱۱۷۹۶۷۶۳ ۹۶۴۷	جمع

منبع: مستخرج از سایت گمرک جمهوری اسلامی ایران

۳- تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری

تجارت خارجی رکن مراودات اقتصادی یک کشور را نشان می‌دهد. تجارت خارجی که در قالب صادرات و واردات شکل می‌گیرد، در بیشتر موارد از بسترها و بنیان‌های ژئومواکونومیکی طرفین تجارت تبعیت می‌کند. امروزه بنیان‌های ژئومواکونومیکی بستر مناسبی برای گسترش اتحادیه‌ها و همگرایی‌های منطقه‌ای می‌باشند که بیشتر کشورها و بازیگران درصدد پیوستن به آنها می‌باشند. یکی از اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای که در پیرامون ایران شکل گرفته است، اتحادیه اوراسیا می‌باشد. این اتحادیه که در حال حاضر متشکل از پنج عضو اصلی؛ فدراسیون روسیه، بلاروس، ارمنستان، قزاقستان و قرقیزستان می‌باشد، از بنیان‌های ژئومواکونومیکی مناسبی نسبت به ایران برخوردار است. موقعیت مناسب جغرافیایی این اتحادیه نسبت به ایران، به خصوص موقعیت همسایگی، هم تکمیلی زیرساخت‌های ارتباطی طرفین به خصوص از طریق کریدور شمالی- جنوبی، تنوع در تولیدات کشاورزی و صنعتی طرفین، زیرساخت‌های نهادی- اقتصادی مثل مناطق آزاد، پیوندهای تاریخی و فرهنگی بعضی از اعضای اتحادیه با ایران و ... بنیان‌های ژئومواکونومیکی بسیار مناسبی هستند که می‌توانند زمینه‌ساز توسعه روابط تجاری این اتحادیه و ایران باشند.

با اینکه مناطق آزاد ایران از جمله مهمترین زیرساخت‌های اقتصادی می‌باشند که می‌توانند زمینه‌ساز توسعه تجاری ایران با این اتحادیه باشند و بازار صادرات و واردات آنها را رونق بخشند، اما واقعیت‌های آماری خیلی ارتباط

تجاری درخشانی را نشان نمی‌دهند. در صورتی است که همان گونه که اشاره شده، بنیان‌های ژئواکونومیکی بسیار مناسبی برای رونق تجارت بین طرفین وجود دارد. میزان صادرات و واردات مناطق آزاد ایران با اتحادیه اوراسیا در مقایسه با کشورهای غیرعضو این اتحادیه بسیار ناچیز می‌باشند. این امر هر چند به خاطر، کثرت کشورهای غیرعضو این اتحادیه پذیرفتنی است، اما نسبت، فاصله بسیاری را نشان می‌دهد؛ به طوری که برای واردات سهم کشورهای عضو این اتحادیه در مقابل کشورهای غیرعضو این اتحادیه ۳/۴۷ درصد در مقابل ۹۶/۵۳ درصد می‌باشد؛ این شکاف در صادرات بیشتر شده و به ۱/۳۸ در برابر ۹۸/۶۲ درصد می‌رسد.

در خصوص سهم ارتباط تجاری اعضای اتحادیه اوراسیا با مناطق آزاد ایران، آمار گویای آن است که میزان مراوده تجاری مناطق آزاد با فدراسیون روسیه هم در واردات و هم در صادرات بیشتر از دیگر اعضا می‌باشد. میزان صادرات مناطق آزاد ایران با روسیه حتی بیشتر از واردات می‌باشد. بقیه اعضا با فاصله زیادی در مراحل بعدی قرار دارند. هر چند پیشگامی روسیه با توجه به جمعیت بالای آن و پیوندهای سیاسی مستحکم آن با ایران و دسترسی دریایی مشترک به دریای خزر توجه‌پذیر می‌باشد، اما لغو برخی دیگر از اعضا این اتحادیه از بنیان‌های ژئواکونومیکی ویژه‌ای برخوردارند که می‌تواند در مراودات تجاری با مناطق آزاد مورد توجه قرار گیرد. همسایگی ارمنستان با مناطق آزادی مثل ارس و ماکو و حتی انزلی می‌تواند در این خصوص نقش بسیار بالایی را ایفا نماید.

همین مراودات تجاری ثبت شده نشان می‌دهد که در بین مناطق تجاری ایران، فقط منطقه تجاری انزلی (حسن رود و انزلی) در این خصوص فعال می‌باشد و در مرحله بعد و به مقدار بسیار کمی منطقه آزاد اروند. این در صورتی است که دیگر مناطق آزاد ایران نیز از بنیان‌های ژئواکونومیکی خوبی برای گسترش مراودات تجاری برخوردارند. در حالی که مناطق تجاری آزاد نیمه شمالی کشور مثل انزلی، ارس و ماکو از نزدیکی جغرافیایی به اتحادیه اوراسیا برخوردارند، مناطق آزاد واقع در نیمه جنوبی کشور ایران نیز از بنیان‌هایی از قبیل دسترسی به دریای آزاد و کریدور شمالی- جنوبی برخوردارند و می‌توانند برای توسعه واردات و صادرات مجدد بسیار مثر ثمر باشند.

به طور کلی، ارزیابی تراز تجاری مناطق آزاد ایران و اتحادیه اوراسیا در طی سال ۱۳۹۷ نشان می‌دهد؛ از آنجایی که میزان ارزش دلاری واردات (۱۴۹۹۷۶۵۳۴۱ دلار) بیشتر از صادرات (۶۱۴۴۵۹۹۲۹ دلار) می‌باشد، تراز تجاری به مقدار ۸۸۵۳۰۴۴۱۲ دلار منفی می‌باشد. بر این اساس پیشنهاد می‌گردد که جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن بنیادهای ژئواکونومیکی با اتحادیه اوراسیا مرآوده تجاری خود و به خصوص مناطق آزاد را با این اتحادیه توسعه دهد. این امر به خصوص برای صادرات لازم می‌باشد تا بتواند تراز تجاری منفی را جبران نماید. در این صورت ایران می‌تواند زمینه را برای گسترش همگرایی منطقه‌ای خود و پیوستن به یکی از مهمترین اتحادیه‌های مجاور خود که درصدد پیوستن به آن نیز می‌باشد، را فراهم آورد.

منابع

- پیری سارمانلو، عادل (۱۳۹۶)، توسعه مناطق آزاد تجاری در بستر اقتصاد مقاومتی (مطالعه موردی: منطقه چابهار)، ماهنامه پژوهش ملل، دوره دوم، شماره ۱۷، صص. ۱۰۳-۸۹.
- ذاکری، زهرا؛ اسفندیاری کلوکن، مجتبی (۱۳۹۵)، فراتحلیل مطالعات مناطق آزاد: ۱- مقالات، مرکز پژوهش‌ها مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی.
- رهنورد، فرج الله (۱۳۸۹)، عوامل موثر بر عملکرد مناطق آزاد تجاری- صنعتی، فرایند مدیریت و توسعه، شماره ۷۴، صص. ۴۵-۵۹.
- سایت گمرک جمهوری اسلامی ایران: www.irica.gov.ir
- سلامی، فریبا؛ ضرونی، زهرا و رادین، فایق (۱۳۹۶)، نقش مناطق آزاد در توسعه اقتصادی و ضرورت ایجاد آن در کردستان، اولین همایش بین‌المللی برنامه‌ریزی اقتصادی، توسعه پایدار و متوازن منطقه‌ای: رویکرها و کاربردها، سندج، دانشگاه کردستان.
- سنایی، مهدی (۱۳۹۷)، اتحادیه اقتصادی اوراسیا؛ فرصتی استثنایی برای اقتصاد ایران، روزنامه آسیا، ۹۷/۱۲/۱۲
- علوی، سید امیرحسین (۱۳۹۴)، روند شکل‌گیری اتحادیه اقتصادی اوراسیا و ظرفیت‌های اقتصادی آن، ایراس، صص ۱-۱۸.
- مختاری هشی، حسین (۱۳۹۷)، تبیین مفهوم ژئواکونومی (اقتصاد ژئوپلیتیکی) و توصیه‌هایی برای ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهاردهم، شماره ۲، صص. ۵۶-۸۲.
- مهکویی، حجت و گودرزی، مهناز (۱۳۹۸)، تاثیر اتحادیه اقتصادی اوراسیا بر موقعیت ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۲، شماره ۲، صص. ۵۳۸-۵۱۹.
- میرفخرایی، سیدحسن (۱۳۹۴)، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و الزامات ژئواکونومیک آن برای ایران، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال هشتم، شماره ۳۲، صص. ۱۴۳-۱۷۵.

- Adu-Gyamfi, Richard; Asongu, Simplicie A.; Mmusi, Tinaye S.; Wamalwa, Herbert & Mangori, Madei (2020), A comparative study of export processing zones in the wake of sustainable development goals: Cases of Botswana, Kenya, Tanzania and Zimbabwe, Working Papers 20/025, European Xtramile Centre of African Studies (EXCAS).
- Babatundeph, adepoju Ibrahim (2019), free trade zones between theory and practice in Nigeria, humanities and social science, vol. 24, iss 9, pp. 52-68.
- Cal, murat; kandermir, ayse; saygili, cansu & bayraktar, can (2018), efficiency analysis zones and strategy policies, conference paper
- Gehrke, tobias (2020), what could a geoeconomic EU look in 2020?, Egmont institute, security policy brief.
- Jaeger, bruna Coelho & brites, pedro vinicius pereir (2020), geoeconomics in the light of international political economy: a theoretical discussion, political economy, vol. 40, n. 1, pp. 22-36.
- Moisis, sami (2019), rethinking geoeconomics: towards a political geography of economic geographies, geography compass, vol. 13, iss. 10, pp. 1-13.

نقش اتحادیه اوراسیایی در توسعه همگرایی منطقه‌ای ایران و روسیه:

با تاکید بر عضویت کامل ایران

دکتر مهدی هدایتی شهیدانی؛ محمدباقر نژادابراهیم^۲

^۱ استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان،

mehdi.hedayati88@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، ne.sadegh@gmail.com

چکیده

ایده تأسیس فضای واحد اقتصادی موجب شد رؤسای جمهور روسیه، بلاروس، قزاقستان توافقنامه ایجاد اتحادیه اقتصادی اوراسیایی را در سال ۲۰۱۴ امضاء و در اول ژانویه سال ۲۰۱۵ اجرایی کنند. روسیه در راستای دستیابی به اهداف استراتژیک خود در نظام بین‌الملل و با توجه به رویکرد اوراسیاگرایی حاکم بر سیاست خارجی این کشور، طرح همکاری در اوراسیای بزرگ، که در غالب نهادهای جدید از جمله اتحادیه اقتصادی اوراسیایی است را مطرح و اجرایی کرد. همگرایی و همکاری‌های نهادینه‌شده سازمانی یکی از مهمترین راه‌کارهای منطقه‌ای برای تقویت امنیت‌جمعی و توسعه تعاملات میان بازیگران سیاسی است، این اتحادیه نیز دارای ظرفیت‌های فراوان اقتصادی، سیاسی و امنیتی است که می‌تواند ضمن توسعه همگرایی با کشورهای عضو، بخشی از اهداف اقتصادی و در پی آن سیاسی ایران را جامه عمل بپوشاند. روابط میان ایران و روسیه با وجود فراز و نشیب‌های متعدد در طول یک قرن، به دلیل پیچیدگی موضوع‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و آسیب‌پذیری متقابل، به سوی تقویت تعامل‌ها پیش می‌رود. این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش می‌باشد که اتحادیه اقتصادی اوراسیایی چه نقش و تاثیری در توسعه همگرایی میان ایران و روسیه دارد؟ در پاسخ به پرسش مذکور این فرضیه مطرح می‌شود که با توجه به نقش پیشرو روسیه در اتحادیه اقتصادی اوراسیایی، افزایش تعاملات ایران با این اتحادیه موجب گسترش، تقویت و توسعه همگرایی سیاسی، امنیتی، اقتصادی و تجاری ایران و روسیه خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: اتحادیه اقتصاد اوراسیایی، ایران، روسیه، همگرایی، منطقه‌گرایی

. مقدمه

تحولات کنونی جهان معاصر بر اهمیت همکاری کشورها برای مواجهه با تهدیدات مختلف که بسیاری از آنها ماهیتی بین‌المللی یافته اند افزوده است. یکی از مهمترین راهکارهای منطقه‌ای برای تقویت امنیت جمعی و توسعه تعاملات میان بازیگران سیاسی، همگرایی و همکاری‌های نهادینه‌شده سازمانی است. در چنین شرایطی سازمان‌های منطقه‌ای نقش برجسته‌ای می‌یابند. اتحادیه اقتصادی اوراسیایی را باید گونه‌ای از همین همگرایی منطقه‌ای دانست که با هدف تأمین نیاز و مقاصد جمهوری‌های سابق شوروی در زمینه گردش آزاد کالا، سرمایه، خدمات و نیروی کار شکل گرفته و توافق مربوط به تشکیل آن در سال ۲۰۱۴ از سوی قزاقستان، بلاروس و روسیه به امضا رسید. پس از تصویب مجالس کشورهای مذکور نیز مقرر گشت از ابتدای ژانویه ۲۰۱۵ قابلیت اجرایی یابد که البته پس از این تاریخ، ابتدا ارمنستان و سپس قرقیزستان به عضویت این اتحادیه در آمدند. هدف اصلی از ایجاد اتحادیه اقتصادی اوراسیا را باید کوششی در مسیر تحقق «پروژه همگرایی اوراسیایی» دانست که دستیابی به اهداف سیاسی را از مسیر اقتصاد دنبال می‌کند و به منظور رسیدن به هدف، چهار سیاست «توسعه سازمانی»، «توسعه داخلی»، «توسعه از مسیر روابط دوجانبه» و «توسعه خارجی» را دنبال می‌نماید؛ به عبارت دیگر، تعمیق و گسترش همکاری از طریق ساختار سازمانی، دولت‌های عضو و شرکای خارجی را در دستور کار قرار داده است (خانمحمدی، ۱۳۹۸،

(۴۱)

نهاد نوپای «اتحادیه اقتصادی اوراسیایی»، سازمانی است که شاید بتواند قسمتی از اهداف اقتصادی و در پی آن سیاسی، جمهوری اسلامی ایران را جامه عمل بپوشاند. در همین راستا و در جریان اجلاس اقتصادی آستانه‌ای قزاقستان (۱۷ / ۰۵ / ۲۰۱۸)، توافقنامه موقت در مورد منطقه آزاد تجاری بین اتحادیه اقتصادی اوراسیایی و ایران امضاء شد. جمهوری اسلامی ایران نیز که جزء کشورهای در حال توسعه‌ای است که حضور آن در یکپارچگی‌های اقتصادی و ترتیبات تجاری بهینه، موقعیت مناسبی برای ارتقای پارامترها و مسائل تجاری و اقتصادی ایران بوده و زمینه پیشرفت اقتصادی و افزایش سرمایه‌گذاری در این گذر را فراهم می‌آورد. همچنین، ایران با کسب قدرت رقابت بالاتر در بعد تجارت بین‌الملل، می‌تواند اقتصاد خود را در جریان حرکت فرآیند جهانی‌شدن بیمه کند و آن را از چالش‌ها و تأثیرات منفی این فرآیند نیز دور نگه دارد (سعادت و محسنی، ۱۳۹۲، ۳۲).

از سوی دیگر، دلایل زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد همکاری دوجانبه ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیایی می‌تواند افق مثبتی را ترسیم کند. وجود فرصت اقتصادی در روابط ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی از آن نظر است که ایران همواره از بازار کشورهای مستقل مشترک المنافع دور بوده است، ولی در صورت همکاری نزدیک با اتحادیه می‌تواند به بازاری جهت صادرات محصولات خود دست یابد. ضمن اینکه ایران کشوری سرشار از منابع غنی نفتی و گازی است و به جهت قرار گرفتن در بهترین موقعیت ترانزیتی، یعنی قرار گرفتن بین دو دریای خزر در شمال و خلیج فارس در جنوب و قرار گرفتن در موقعیت ترانزیتی شرق به غرب می‌تواند مسیری بسیار مناسب برای

ترانزیت کالاهای کشورهای عضو اتحادیه باشد. از منظر ایران، ایجاد روابط نزدیک تر با اتحادیه اقتصادی اوراسیایی ممکن است تبدیل به زمینه‌ای برای توسعه همکاری و همگرایی اقتصادی ایران با کشورهای عضو این اتحادیه و بالاخص روسیه شود.

روسیه در راستای دستیابی به مقاصد استراتژیک خود در نظام بین‌الملل و با توجه به رویکرد اوراسیایگرای حاکم بر سیاست خارجی این کشور، منطقه آسیای مرکزی را به عنوان حیات خلوت و حوزه نفوذ سنتی خود می‌داند و بر آن است تا ضمن حفظ نقش جریان ساز خود، منافع و امنیت خود در نقشه بلندمدت منطقه را تضمین و این توان را به عرصه بین‌الملل گسترش دهد. این کشور در دو دهه گذشته همواره تلاش کرده است تا کشورهای آسیای مرکزی را در قالب نهادهای تحت کنترل روسیه مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیا هدایت نماید (ندیمی، ۱۳۹۶، ۳).

روسیه به ضرورت به‌کارگیری روش‌های جدید چندجانبه متقاعد شده است. طرح ابتکار همکاری در اوراسیای بزرگ که در قالب نهادهای جدید از جمله اتحادیه اقتصادی اوراسیایی شکل گرفته است در این زمینه قابل بررسی است. مسکو برای محقق‌شدن این ابتکار به تقویت شرکای خود نیاز دارد. در این بین ایران با توجه به ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی و اشتراک نسبی نظری می‌تواند شریک مناسبی باشد. پیچیدگی موضوع‌ها و آسیب‌پذیری متقابل نیز تهران و مسکو را به سوی تقویت تعامل‌ها پیش می‌برند و با وجود برخی اختلاف‌ها، دو طرف مزیت‌های ناشی از همکاری را به خسارت‌های ناشی از عدم تعامل ترجیح می‌دهند (نوری، ۱۳۹۷، ۲۳۷).

به نظر می‌رسد ایران و روسیه برای آنکه بتوانند ارتباطات خود را بهبود بخشند، لازم است در حوزه‌های جدیدی وارد همکاری‌های مشترکی شوند که تا قبل از این به علت سوابق تاریخی منفی و رقابت‌های غیرسازنده و مهمتر از همه، تحریکات بازیگران فرامنطقه‌ای، امکان سرمایه‌گذاری مشترک و برنامه‌ریزی برای رسیدن به تعامل سازنده که منافع آن متوجه همه طرف‌ها باشد را در آن نداشته‌اند. یکی از حوزه‌های اساسی که می‌تواند زمینه‌ساز گسترش همکاری‌های ایران و روسیه باشد، اتحادیه اقتصادی اوراسیایی است. به دلیل ویژگی‌هایی که این اتحادیه دارد و بخاطر تاثیر تعیین‌کننده آن بر اقتصاد هر دو کشور، طراحی و ایجاد زمینه برای هرگونه همکاری پایدار بین ایران و روسیه در این قالب، موجب توسعه همگرایی منطقه‌ای دو کشور می‌شود. با توجه به این موارد این پژوهش در صدد آن است تا به بررسی تاثیر اتحادیه اقتصادی اوراسیایی در توسعه همگرایی منطقه‌ای ایران و روسیه بپردازد. با توجه به نقش پیش‌رو روسیه در اتحادیه اقتصادی اوراسیایی، افزایش تعامل با این اتحادیه در زمینه‌های تجارت، انرژی، حمل و نقل کالا و انرژی، توسعه مناطق آزاد تجاری و تلاش در جهت بی‌اثرکردن بخشی از فضای تحریمی غرب، این اتحادیه موجب گسترش، تقویت و توسعه همگرایی سیاسی، امنیتی، اقتصادی و تجاری ایران و روسیه خواهد شد.

چارچوب نظری

در منطق روابط بین الملل، این اصل پذیرفته شده است که همکاری، همگرایی و منطقه گرایی می تواند عاملی مهم در شکل گیری صلح و ثبات بین المللی تلقی شده و رشد و توسعه اقتصادی را به همراه داشته باشد. در بیشتر موارد از همگرایی به عنوان شیوه ای برای حل و فصل درگیری های منطقه ای و بین المللی یاد شده است که طی آن به تدریج واحدها و مناطق دیگر را شامل شده در بلند مدت، باعث گسترش انترناسیونالیسم می شود. ازدیدگاه مکاتب روابط بین الملل از جمله کارکردگرایان و منطقه گرایان ایجاد و توسعه ی همکاری ها و برقراری روابط اقتصادی، تجاری و حمل و نقل، از شیوه های مناسب برای ایجاد همگرایی در روابط بین المللی و تعمیق دوستی و ایجاد صلح و ثبات، به ویژه در بین کشورهای یک منطقه است (صادقی و مرادی، ۱۳۹۶، ۱۹۲).

یکی از نخستین نظریه های همگرایی، نظریه ی کارکردگرایی است. دیوید میتسانی که در ارتباط با این نظریه از موقعیت ویژه ای برخوردار است، اعتقاد دارد که پیچیدگی فزاینده نظام های حکومتی، وظایف اساساً فنی و غیرسیاسی حکومت ها در سطح ملی و بین المللی را به حدی افزایش داده که حل آنها مستلزم همکاری فن سالاران به جای همکاری نخبگان سیاسی است. این وضعیت به گونه ای است که ایجاد چارچوب هایی را برای همکاری بین المللی در قالب سازمان های کارکردی ضروری ساخته و می توان پیش بینی کرد که با افزایش وسعت و اهمیت مسائل فنی بشر، شمار و قلمرو این سازمان ها نیز افزایش یابد. چنین سازمان هایی ممکن است نهایتاً نهادهای

سیاسی گذشته را از بین برده یا بی‌ثمر سازند (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۲، ۶۶۶).

از اشکال‌های وارده به رهیافت کارکردگرایی این است که اهداف، تقاضاها و نیازهای دولت‌ها را یکسان و همانند فرض نموده و معتقد است این تشابه موجب همکاری در زمینه‌های فنی و اقتصادی می‌شود. هرچند که نظریه‌ی کارکردگرایی، واکنشی به وضعیت اروپای پس از جنگ جهانی دوم بود و در پی تبیین زمینه‌های ایجاد همگرایی اروپایی بود، اما امروزه اقتصاد، سیاسی شده و اهمیت مسائل اقتصادی، اگر بیشتر از مسائل سیاسی نباشد کمتر هم نیست؛ پس این نظریه به تنهایی نمی‌تواند جوابگوی نیازها و تحولات جدید صورت گرفته در میدان مناسبات بین المللی دنیای پس از جنگ سرد باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹، ۳۲). بنابراین، رویکردی جدید در بهبود نظریه میترانی، به عنوان نو کارکردگرایی مطرح گردید.

نوکارکردگرایی، نظریه دیگر مربوط به همگرایی است. اگرچه نوکارکردگرایان نیز مانند کارکردگرایان اعتقاد دارند که همگرایی منطقه ای از حوزه ه ای رفاهی و کارکردی آغاز می‌شود، اما اضافه می‌کنند که نباید وابستگی متقابل سیاست و اقتصاد را از یاد برد (ریتبرگر و زنگل، ۱۳۸۹، ۴۵). در نوکارکردگرایی اثری از «خیر مشترک» و هماهنگی منافع نیست، بلکه تلاش می‌شود به مقوله همگرایی از دید «منافع ابزاری» نگریسته شود. به همین دلیل، هاس، نظریه پرداز مطرح این رهیافت، معتقد است که یکی از معیارهای همگرایی، سود و زیان ناشی از همگرایی است. اراده همگرایی بستگی به آن دارد که گروه‌های عمده تشکیل دهنده واحد معطوف به همگرایی، چشم انداز همگرایی را اثربخش می‌بینند. به عبارت دیگر، آنچه امکان همگرایی را

معقول فراهم می سازد، انگیزه های نوع دوستانه نیست، بلکه توجه به منافع و ارزش هایی است که بسیار پیچیده تر از مفاهیمی مثل صلح، دوستی و اتحاد هستند (عابدی اردکانی و راستین دل، ۱۳۹۶، ۱۵۰).

نوکارکردگرایان توجه خود را به مسائل اقتصادی معطوف کردند. از نظر هاس، همکاری در حوزه سیاست ملایم آغاز می شود، اما او برخلاف میترانی اقتصاد و سیاست را کاملا از هم جدا نمی داند و به اهمیت مسائل اقتصادی اذعان دارد. یکی از مفاهیم مورد استفاده هاس «سرایت» یا سرریزی است. فرض او بر این است که ابعاد مختلف حیات اقتصادی به هم وابسته اند. بنابراین، هر اقدامی برای همکاری در یک بخش، مستلزم همکاری در بخش های دیگر می شود و همکاری از بخشی به بخش های دیگر سرایت می کند. بنابراین نوعی «منطق گسترش یابنده» وجود داشت که به تسری یا پیشروی از بخشی به بخش دیگر کمک می کرد و ملت ها به وسیله این فرایند، منافع ملی خود را در یک محیط همگرایی بزرگتر ارتقا می بخشند (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۶، ۶۷۶). علاوه بر این هاس معتقد است که هدف پیشبرد آرام همگرایی، مستلزم وجود یک تعهد سیاسی مشترک بین اکثریت بازیگران و رهبران دولتی است. همچنین، وی هشدار می دهد که عواملی چند از جمله گام های بی سابقه سیاسی، منافع اقتصادی انفرادی و گرایش به سوی عظمت و شکوه ملی، منجر به از هم پاشیدگی این وحدت جمعی می شود. نظرات فوق در زمینه همگرایی دارای این درون مایه است که برای ورود به عرصه وحدت و همگرایی باید از وجوه کارکردی، فنی و غیر سیاسی شروع کرد تا زمینه نزدیکی دیدگاه ها فراهم شود و اینکه همگرایی به یکباره اتفاق نمی افتد و با

اقدامات موردی و مقطعی دوام و قوام نخواهد داشت (عباسی و علیمراد، ۱۳۹۳، ۱۳۰).

هدف نوکارکردگرایی تبیین این مورد است که چرا و چگونه دولتها از بخشی از اقتدار خود چشم‌پوشی نموده، حاکمیت‌ها در هم آمیخته شده تا روش جدیدی را برای حل و فصل تعارضات تدبیر نمایند. همانطور که گفته شد هاس بر خلاف میترانی، اقتصاد و سیاست را جدای از هم در نظر نمی‌گیرد و به اهمیت سیاسی مسائل اقتصادی تأکید دارد. از یک سو، هم‌گرایی مستلزم وجود نهادهای فراملی و فوق ملی در سطح منطقه ای است و از سوی دیگر، گروه‌های ذینفع، احزاب سیاسی و گفتمان‌های حاکم در درون کشورها نیز منافعی را در ایجاد همگرایی دنبال می‌کنند. این گروه‌ها پیوندهای فراملی نیز دارند؛ در این برداشت از همگرایی، تأکید بر منافع مشترک متقابل است (صادقی و مرادی، ۱۳۹۱، ۱۹۴). با توجه به شاخصه‌ها و ابعاد نظریه نوکارکردگرایی اینگونه به نظر می‌رسد که این نظریه به دلیل توجهی که به مسائل و عوامل اقتصادی و سیاسی در کنار هم دارد و با توجه به فرضیات ارائه شده به وسیله نظریه پردازان این گروه (سرریز، سیاستگذاری و برون‌گرایی)، این نظریه از توانایی بیشتری در تحلیل به وجود آمدن و رشد ترتیبات تجاری منطقه ای و گسترش عمودی و افقی آنها برخوردار می‌باشند. از طرفی به دلیل اهمیتی که نظریه پردازان این گروه به نقش نخبگان سیاسی قائل هستند، موافقتنامه‌های منطقه ای را بهتر می‌توانند تحلیل و تفسیر نمایند. تجربه همگرایی‌های منطقه ای در کلیت خود نشان دهنده این مبحث است که تنها در صورت خواست و تمایل دولت‌ها و نخبگان حاکم،

شکل گیری چنین همگرایی هایی امکانپذیر می شود (جالینوس و دیگران، ۱۳۹۱، ۵۹).

به هر ترتیب، تردیدی نیست که توسعه همگرایی منطقه ای با روسیه از جوانب مختلفی برای ایران دارای اهمیت فراوان است. تبیین ابعاد و ضرورت های این همگرایی را می توان در قالب نظریه های مختلفی بررسی کرد. اما کارکردگرایی و به ویژه نوکارکردگرایی به رغم کاستی ها و انتقادات موجود، می تواند تصویر به نسبت مناسب تری از همگرایی منطقه ای میان دولت ها، به ویژه در حوزه های اقتصادی و موارد وابسته به آن به دست دهد. استفاده از رهیافت نوکارکردگرایی در تحلیل نقش اتحادیه اقتصادی اوراسیایی در همگرایی و تحکیم مناسبات منطقه ای تهران-مسکو و تاثیر این اتحادیه بر توسعه آن، می تواند بسیار مؤثر واقع شود. چراکه اتحادیه اقتصادی اوراسیایی به عنوان یک عامل بسیار مهم جهت حرکت سریع تر به سمت همگرایی منطقه ای ایران با روسیه بوده و از جهت تاکید بر همکاری های اقتصادی به عنوان لازمه تحقق کارکردگرایی منطقه ای، قابل توجه و تامل می باشد. از طرفی نیز با توجه به همجواری مرزهای جغرافیای سیاسی و پیشینه تاریخی روابط ایران و روسیه و نیز با توجه به تحولات سیاسی صورت گرفته در مناسبات بین المللی ایران و روسیه پساتحریم، می توان بر ضرورت همگرایی منطقه ای تاکید نموده که این موضوع نیز به عنوان یکی از گزاره های کارکردگرایانه در این باب مطرح می باشد. عنصر کارکردگرایانه دیگری که می تواند در دل اتحادیه مورد توجه قرار گیرد، قابلیت فایده گرایانه بودن آن است؛ به این معنا که این اتحادیه صرفاً یک حرکت هنجاری و نمایشی نبوده و می تواند با جدیت طرفین سود و منافع اقتصادی قابل توجهی برایشان به دنبال داشته باشد. در

مجموع با نگاهی نوکار کردگرایانه می توان اتحادیه اقتصادی اوراسیایی را عامل مهمی در تامین نیازهای مشترک، حرکت به سوی وحدت اقتصادی، حل و فصل تدریجی شکافهای موجود و در نهایت قرار گرفتن ایران در مسیر توسعه همگرایی منطقه ای با روسیه در نظر گرفت.

اتحادیه اقتصادی اوراسیایی

سیر تاریخی همکاری های اقتصادی در اوراسیای مرکزی را می توان به سه دوره تقسیم کرد. دوره نخست از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تا پایان دهه ۱۹۹۰ را در شامل می شود، همکاری اقتصادی در این دوره در قالب جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع CIS بوده است. دوره دوم، مربوط به شکل گیری جامعه اقتصادی اوراسیا در بین سالهای ۲۰۱۴-۲۰۰۳ میلادی و دوره سوم نیز شامل تاسیس اتحادیه اقتصادی اوراسیایی، از سال ۲۰۱۵ به این سو است.

ایده نظری شکل گیری اتحادیه اقتصادی اوراسیایی را باید در پیشنهاد «نور سلطان نظربایف» رییس جمهور قزاقستان در سال ۱۹۹۴ در خصوص ایجاد بلوک تجاری منطقه ای جستجو کرد. پس از طرح این پیشنهاد، در سال ۲۰۰۰ بلاروس، قزاقستان، روسیه، قرقیزستان و تاجیکستان جامعه اقتصادی اوراسیا را با هدف ایجاد بازار مشترک برای کشورهای عضو به وجود آوردند. در سال ۲۰۰۷، روسیه، قزاقستان و روسیه سفید درباره ایجاد یک اتحادیه گمرکی میان خود به توافق رسیدند. در سال ۲۰۰۹، ابتدا توافقاتی میان مسکو، آستانه و مینسک در خصوص ایجاد تعرفه گمرکی مشترک صورت پذیرفت و در نهایت، توافق های مذکور به امضای رؤسای جمهوری سه کشور رسید و به این ترتیب، اتحادیه گمرکی در سال ۲۰۱۰ میان این سه کشور

شروع به کار کرد. ایده تأسیس فضای واحد اقتصادی منجر شد رؤسای جمهور روسیه، روسیه سفید و قزاقستان، توافقنامه ایجاد اتحادیه اقتصادی اوراسیایی را در سال ۲۰۱۴ امضاء کنند. این توافقنامه در اول ژانویه سال ۲۰۱۵ اجرایی گردید (خورسند، ۱۳۹۷، ۳). از دیدگاه برخی از تحلیل گران این اتحادیه، در واقع، اولین تلاش نسبتاً موفقیت آمیز برای ایجاد یک شکل چندجانبه قوی به منظور همگرایی اقتصادی در منطقه پسا شوروی به حساب می آید که هدف خود را ایجاد فضای واحد اقتصادی، گسترش بازارهای مشترک و دستیابی به حرکت آزاد کالا، سرمایه، خدمات و نیروی کار در بازار واحد کشورهای عضو اتحادیه و همچنین کاهش قیمت کالاها با کاستن هزینه های حمل و نقل مواد خام، ترویج رقابت سالم در بازار مشترک، و برقراری سیاست های مشترک در بخش های انرژی، کشاورزی، فناوری و حمل و نقل اعلام نموده است. از نگاه مؤسسان اتحادیه اقتصادی اوراسیا، این اتحادیه می تواند بازار بزرگی را در چارچوب قواعد WTO ایجاد کند، تجارت میان اعضا را بهبود دهد و تسهیلات زیادی را در این زمینه برای کشورهای عضو به ارمغان آورد (عسگریان، ۱۳۹۸، ۳۷).

معاهده اتحادیه اقتصادی اوراسیا به تعریف اولویت های اصلی در زمینه سیاست های حمل و نقل، ایجاد و اجرای یک سیاست کشاورزی مورد پذیرش همه و نیز تعریف مقاصد بلندمدت و اهداف عملیاتی برای سیاست های صنعتی در اتحادیه، بر اساس قواعد و مکانیسم های همکاری صنعتی اقدام کرده و مقرر شده که توسعه و اجرای سیاست ها در زمینه تجارت و مبادله، گمرک و تعرفه ها، حمل و نقل و زیرساخت ها، توسعه کسب و کار، رقابت در مالکیت عمومی، تنظیمات فنی و سایر حوزه ها باید منافع مربوط به توسعه

صنعتی در کشورهای عضو را در نظر داشته باشد. از آنجا که انتظار عملکرد مؤثر در اتحادیه اقتصادی اوراسیا بدون به کار گرفتن سیاست های منسجم در زمینه اقتصاد کلان ناممکن است، این سیاست ها که شامل توسعه و اجرای کنش های مشترک از سوی دولت های عضو در اتحادیه اقتصادی اوراسیایی می شود، با هدف به دست آوردن توسعه اقتصادی متوازن در اتحادیه تنظیم شده است (Eurasian Economic Commission, 2015: 17 & 18)

از حیث ساختار، اتحادیه تازه تاسیس اوراسیا کوشش نموده از تجارب اتحادیه اروپا در سازماندهی خود بهره ببرد. همچون اتحادیه اروپا، مهمترین نهاد تصمیم گیری، شورای عالی آن است که از رهبران کشورهای عضو تشکیل شده و وظیفه تعیین استراتژی و تصمیم گیری به منظور دستیابی به اهداف اتحادیه را دارد. ارکان اجرایی اتحادیه، کمیسیون اقتصادی اوراسیا است که بیشتر مشابه کمیسیون اقتصادی اتحادیه اروپا است و تصمیم گیری در سیاست های انرژی و نیز سیاست های گمرکی و مالی را بر عهده دارد. بانک توسعه اوراسیا ارکان دیگر این اتحادیه است که مأموریت تسهیل در توسعه اقتصاد بازار، گسترش تجارت و رشد اقتصادی میان کشورهای عضو از طریق سرمایه گذاری و تامین کمک مالی در جهت حمایت از پروژه همگرایی را بر عهده دارد. مجمع بین پارلمانی اوراسیا از دیگر ارکان اتحادیه اوراسیا است که جهت تسهیل تعامل بین مجالس کشورها عضو و هماهنگ سازی قوانین ملی و حقوقی تشکیل شده است. دادگاه اتحادیه اقتصادی اوراسیا که در سال ۲۰۱۵ جایگزین دادگاه جامعه اقتصادی اوراسیا گردید، نیز مسئولیت حل اختلاف و تفسیر از نظم حقوقی در اتحادیه اقتصادی اوراسیا است (Dragneva and Wolczuk, 2014).

اتحادیه اقتصادی اوراسیایی دارای ظرفیتهای فراوانی است، با عضویت کشورهای ارمنستان و قرقیزستان به اتحادیه در سال ۲۰۱۵ جمعیت تحت پوشش این اتحادیه به ۱۸۴ میلیون نفر و با تولید ناخالصی بالغ بر ۲ / ۵ تریلیون دلار رسیده است. هم اکنون قدرتمندترین اقتصاد اتحادیه متعلق به کشور روسیه است که از نظر تولید ناخالصی داخلی رتبه هشتم دنیا و از نظر برابری قدرت خرید ششم دنیا محسوب می شود. بر اساس گزارش کمیسیون اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۱۵، از زمان تاسیس اتحادیه گمرکی اوراسیا در سال ۲۰۱۰، تجارت بین کشورهای عضو به سرعت ارتقاء یافت، به طوری که در سال ۲۰۱۱ تجارت متقابل ۶۳/۱ میلیارد دلار امریکا بود، ۹ / ۳۳٪ بیشتر از سال قبل، در سال ۲۰۱۲ نیز تجارت متقابل ۶۷/۹ میلیارد دلار شد و صادرات مشترک به ۵۹۳/۷ میلیارد دلار رسید، در حالی که واردات ۳۴۰/۹ میلیارد دلار بود. اتحادیه در ابتدا تجارت را بین اعضای خود افزایش داد، اقتصاد را تقویت کرد و بنیادی سازمانی و قانونی برای دولت های عضو به وجود آورد. از جمله قابلیت های مثبت دیگر این اتحادیه، بحث انرژی است. «اتحادیه اقتصادی اوراسیایی، با تولید ۲۰ / ۷ گاز طبیعی جهان، ۱۴ / ۶ نفت جهان و گاز تغلیظ شده به عنوان یک قدرت برتر انرژی دیده می شود و این امر اتحادیه اوراسیایی را تبدیل به برترین تولید کننده ی جهان در هر دو حوزه نفت و گاز کرده است. اتحادیه همچنین تولید کننده ی ۹٪ از انرژی الکتریسیته ی جهان و ۵/۹ ذغال سنگ جهان، که به ترتیب سومین و چهارمین تولید کننده در جهان به شمار می آید (علوی، ۱۳۹۴، ۱۰). بنابراین، هدف اصلی تشکیل بازار مشترک انرژی، تأمین انرژی پایدار و امنیت انرژی است. از اصول کلی استقرار تدریجی بازار مشترک انرژی، قیمت گذاری بازار،

توسعه رقابت، برداشتن موانع تجارت در منابع انرژی، توسعه زیرساخت های حمل و نقل، مهیاکردن محیط مطلوب برای جذب سرمایه گذاری در حوزه انرژی و هماهنگی تدریجی قوانین و مقررات ملی در زمینه انرژی است (مهکویی و گودرزی، ۱۳۹۸، ۵۲۵)

اتحادیه اقتصادی اوراسیایی ۲/۷ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی و ۱/۳ تریلیون دلار تولیدات صنعتی دارد. همچنین تجارت خارجی کشورهای عضو با کشورهای خارجی بالغ بر ۸۷۷ میلیارد دلار یعنی برابر ۳/۷ صادرات و ۲/۳ واردات کل جهان است؛ محصولات کشاورزی، مواد غذایی، ماشین آلات و انرژی، بیشترین کالاهای صادراتی اعضای اتحادیه هستند. در سال ۲۰۱۸، صادرات اورسیا به جهان ۵۴۸ میلیارد دلار و واردات آن از جهان ۳۱۹ میلیارد دلار بوده است. بیشترین میزان تجارت اوراسیا با جهان، به کشور روسیه مربوط می شود، به طوری که از تجارت ۸۶۷ میلیارد دلاری اتحادیه اقتصادی اوراسیا با جهان در سال ۲۰۱۸ (مجموع صادرات و واردات)، ۶۸۷ میلیارد دلار آن توسط روسیه صورت گرفته است (پرنده و عسگریان، ۱۳۹۸، ۵۳).

میزان صادرات و واردات ۵ کشور اتحادیه اقتصادی اوراسیا با جهان در سال ۲۰۱۸

کشور	صادرات به جهان (میلیارد دلار)	درصد از کل	واردات از جهان (میلیارد دلار)	درصد از کل
فدراسیون روسیه	۴۴۹	۸۱/۹	۲۳۸	۷۴/۶
قزاقستان	۶۱	۱۱/۱	۳۳	۱۰/۳
قرقیزستان	۲	۰/۴	۵	۱/۶
بلاروس	۳۴	۶/۲	۳۸	۱۱/۹
ارمنستان	۲	۰/۴	۵	۱/۶
جمع کل	۵۴۸	۱۰۰	۳۱۹	۱۰۰

منبع: ITC

به طور خلاصه با وجود یک جمعیت جوان و در حال رشد در بیشتر این کشورها، اوراسیای مرکزی نمایانگر یک قلمرو گسترده با یک ظرفیت قابل توجه برای توسعه اقتصادی و اجتماعی از طریق تجارت درون منطقه ای و همکاری سیاسی است. با توجه به دو عامل منابع طبیعی و امنیت، اهمیت ژئواستراتژیک این اتحادیه برجسته می شود.

اتحادیه اقتصادی اوراسیا و روسیه

گرچه در روسیه همواره بر اهمیت بردار غربی تأکید می شود؛ اما گسترش اختلاف ها با غرب، ناکامی گفتمان آتلانتیک گرایی و اهمیت یابی شرق در روابط بین الملل، این اولویت را دچار دگرگونی کرده است و به تبع آن بردارهای شرقی و اوراسیایی اهمیتی بیش از پیش پیدا کرده اند. این تغییر به معنی رد بردار غربی نیست؛ اما کرمین توجه بیشتر به اوراسیا را در کوتاه مدت و میان مدت برای خارج شدن از فشار غرب و در بلندمدت به عنوان راهبردی برای تضمین موقعیت جریان ساز روسیه به عنوان یک «قدرت

بزرگ» در نظم جدید جهانی ضروری می‌داند. از این نگاه، اوراسیاگرایی برای روسیه نه فقط یک مفهوم ژئوپلیتیکی، بلکه قسمت مهمی از هویت بین المللی آن است. عواملی مانند تحول های منطقه ای و بین المللی، تغییر ماهیت اتحادها و ائتلاف ها، تنش عمیق با غرب، قدرت یابی شرقی، فرض قرار داشتن در شرایط گذار به نظم جدید، تضعیف وابستگی ساختاری و واگرایی کشورهای CIS از روسیه، در شکل گیری رویکرد جدید دخیل بوده اند. این عوامل کرمالین را متوجه ناکارآمدی سازوکارهای سنتی برای حفظ کنترل بر این حوزه کرده اند. تمایل به ایجاد نهادهای تخصصی از جمله اتحادیه اقتصادی اوراسیا، سازمان شانگهای و سازمان پیمان امنیت جمعی و تعریف آنها در قالب پررنگ تر همکاری در اوراسیای بزرگ، در این حوزه قابل تفسیر است. این ایده و ابتکار زیر عنوان دقیق تر همکاری گسترده اوراسیایی، ژوئن ۲۰۱۶ از سوی پوتین مطرح و در آن بر تقویت تعامل های نهادی در گستره وسیعی از آسیا تا اروپا تاکید کرده است (نوری، ۱۳۹۸، ۲۴۱). اتحادیه اقتصادی اوراسیایی نشان از بازگشت مسکو به شرق دارد و اولین تلاش نسبتا موفقیت آمیز این کشور در جهت تاسیس نهادهای چندجانبه قوی برای همگرایی منطقه ای پساشوروی به شمار می آید.

روسیه در فضای پساشوروی، دست کم برای یک دهه در پی روابط نزدیک تر با اقمار شوروی سابق نبود. این کشور طی دهه ۱۹۹۰، اگر چه به لحاظ اقتصادی در موضع ضعف قرار داشت، اما همسایگان آن ضعیف تر بودند و به همین دلیل مسکو قادر بود برای اثرگذاری بر تحولات در همسایگی خود کماکان بر وزن نظامی، سیاسی و اقتصادی خود تکیه کند. تنها با آغاز هزاره جدید میلادی بود که موقعیت روسیه در این منطقه رو به بی ثباتی گذاشت،

یعنی زمانی که دولت ها و سازمان های غربی شروع به تاخت و تاز در این منطقه کردند. در همین زمان بود که دولت های بالتیک در سال ۲۰۰۴ به عضویت ناتو درآمدند، اتحادیه اروپا به طور جدی وارد فضای کشورهای پساکمونستی شد، نخستین خطوط نفت و گاز واقع در کشورهای اطراف روسیه به کمک شرکت های خارجی ساخته شد و از سمت شرق نیز چین به لحاظ اقتصادی پا به عرصه بازی در آسیای مرکزی گذاشت. تصمیم روسیه در مورد همگرایی اقتصادی منطقه ای در دوران ریاست جمهوری پوتین در واقع، واکنشی به این روندها بود. بنابراین مشخص است که آمال رهبری روسیه برای همگرایی منطقه ای بسیار فراتر از کسب مزایای اقتصادی است (زارعی و عباسی، ۱۳۹۷، ۴۵).

از این رو، اتحادیه اقتصادی اوراسیایی برای روسیه، بیشتر معنا و ارزشی سیاسی دارد تا اینکه مفهومی اقتصادی داشته باشد و سودهای کلی اقتصادی آن برای روسیه هنوز به شکل کامل مشخص نشده است. روسیه از مشوق های متعددی برای قانع کردن همسایگان خود جهت عضویت در اتحادیه استفاده می کند. دولت های عضو این اتحادیه همچون بلاروس و قرقیزستان واجد شرایط دریافت سوبسید برای قیمت های گاز از سوی روسیه می شوند. از چنین مشوق های پر هزینه می توان این برداشت را کرد که هدف روسیه از تشکیل این اتحادیه نباید در ابتدای امر یک هدف اقتصادی باشد. پوتین در سال ۲۰۱۱ اعلام کرد که اتحادیه اقتصادی اوراسیا یک مجمع فراملیتی قدرتمند است که می تواند به یکی از قطب ها در جهان مدرن تبدیل شده و به عنوان پلی کارآمد بین اروپا و منطقه پویای آسیا - پاسیفیک عمل کند (میرفخرایی، ۱۳۹۴، ۱۵۸).

مهم ترین اتهامی که قدرتمندترین عضو این اتحادیه با آن روبه روست، احیای میراث اتحاد جماهیر شوروی سابق است. الحاق شبه جزیره کریمه و تداوم تنش ها با اوکراین، محرک چنین نگرانی هایی در سطح منطقه و خارج آن به شمار می رود. مسکو کوشش کرده است این نگرانی را با اعطای حق برابری کشورها در امر عضویت برطرف کند. روسیه به لحاظ اقتصادی از تشکیل اتحادیه و بلوک تجاری در اطراف مرزهایش نفع میبرد (ایلداری، ۱۳۹۵، ۴۰).

روسیه در حال حاضر قدرتمندترین اقتصادی است که همانطور که گفته شد از نظر تولید ناخالصی داخلی رتبه هشتم دنیا و از نظر برابری قدرت خرید قدرت ششم دنیا را دارد. از حدود ۱۸۰ میلیون جمعیت اعضا این اتحادیه ۸۴٪ آن از روسیه است و از مجموع ۲ هزار میلیارد تولید ناخالص ملی این اتحادیه، ۸۸٪ متعلق به این کشور است که این امر منجر به نفوذ بیش از حد روسیه در این اتحادیه شده است (سلیمان پور و سلیمانی، ۱۳۹۵، ۸۴)، علاوه براین، شرکت های روس با بیش از هشتاد درصد سهم در سرمایه گذاری مستقیم صادر شده، بزرگترین صادر کننده این اتحادیه محسوب می شوند. براین اساس، ساختار صادرات مستقیم خارجی در این اتحادیه، تحت تسلط صنایع سنتی روسیه، به خصوص، صنعت نفت و گاز است، نزدیک به ۴۷٪ سرمایه گذاری مستقیم روسیه در کشورهای این اتحادیه صورت گرفته است. در واقع، روسیه دارای بزرگترین اقتصاد در این اتحادیه است (عسگری، ۱۳۹۸، ۴۱).

اتحادیه اقتصادی اوراسیایی و ایران

از گذشته های بسیار دور، تا به امروز، تجارت خارجی یکی از بنیادی ترین مباحث اقتصادی محسوب می شود. توسعه صادرات غیرنفتی، تنها به افزایش درآمد ارزی از طریق توسعه صادرات انواع کالاها و خدمات محدود نمی شود؛ بلکه توسعه صادرات، نقش مهم تری به عنوان یک راهبرد در زمینه ارتقاء وحتى توسعه اقتصادی بر عهده دارد که لازم است برای کاهش آسیب پذیری اقتصاد کشور و مصون ماندن از نوسانات غیر عادی قیمت نفت و جلوگیری از وقفه در اجرای برنامه های اقتصادی، توسعه صادرات غیر نفتی و ایجاد تنوع در بازارهای صادراتی و کسب بازارهای جدید، مدنظر برنامه ریزان اقتصادی و سیاسی قرار گیرد. برای دست یابی به اهداف یاد شده، گسترش روابط تجاری بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی از اهمیت ویژه ای برخوردار است (عسگری، ۱۳۹۸، ۷۸). وجود فرصت اقتصادی در روابط ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا به این خاطر است که ایران همواره از بازار کشورهای مستقل هم سود دور بوده است؛ ولی در صورت همکاری نزدیک با اتحادیه می تواند به بازاری برای صادرات محصولات خود دست پیدا کند. ایران همچنین کشوری سرشار از منابع نفتی و گازی است و با توجه به قرار گرفتن در بهترین موقعیت حمل و نقلی، یعنی قرار گرفتن بین دو دریای خزر در شمال و خلیج فارس در جنوب و قرار گرفتن در موقعیت حمل و نقلی شرق به غرب، می تواند مسیری مناسب برای جابجایی کالاهای کشورهای عضو اتحادیه باشد. از نگاه ایران، ایجاد روابط نزدیک تر با اتحادیه اقتصادی اوراسیایی نیز ممکن است تبدیل به پایه ای برای توسعه همکاری های اقتصادی ایران با کشورهای عضو اتحادیه شود. از همین رو، تهران خواستار تسریع در روند گفت و گوها برای بستن توافق نامه با اتحادیه شده است (اندیشکده راهبری تبیین، ۱۳۹۵).

نظام جمهوری اسلامی ایران، موضوع امضای موافقتنامه تجارت ترجیحی با کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیایی را در چند سال گذشته در دستور کار قرار داد و تهران به کمیسیون اقتصادی اوراسیایی پیشنهاد ایجاد یک منطقه آزاد تجاری میان ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی را مطرح نمود که از جانب اعضای اتحادیه مورد استقبال قرار گرفت، موضوع تشکیل این موافقتنامه در سال ۱۳۹۴ و در قالب امکان سنجی انعقاد موافقتنامه تجارت آزاد ترجیحی بین دو طرف مطرح گردید که به جهت طولانی بودن روند مذاکرات مربوط به موافقتنامه تجارت آزاد، مطابق توافق اولیه، مقرر شد، موافقتنامه موقتی شامل تعدادی از اقلام برای اعطای ترجیحات تعرفه ای میان طرفین به امضا برسد. بر این اساس این موافقتنامه در ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ (می ۲۰۱۸ میلادی) در شهر آستانه‌ی قزاقستان توسط وزیر وقت صنعت، معدن و تجارت ایران امضا و هیات وزیران نیز در تاریخ ۱۸ آذرماه ۱۳۹۷ لایحه مربوطه را به تصویب رساند (اینالو، ۱۳۹۸).

این موافقتنامه از سوی رئیس جمهور روحانی، در تاریخ ۱۷ تیر ۱۳۹۸ جهت اجرا ابلاغ شد. این موافقتنامه مفصل ترین و جامع ترین موافقتنامه تجاری است که تا به امروز ایران منعقد کرده و شامل نه (۹) فصل قواعد عمومی، تجارت کالا، چاره کارهای تجاری، موانع فنی فرا | راه تجارت، اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی، قواعد مبداء، تسهیل تجاری، حل و فصل اختلافات و مقررات پایانی است. مشابه سایر موافقتنامه های ترجیحات تجاری، دو فهرست کالایی شامل ترجیحات اعطایی دو طرف (جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی) پیوست موافقتنامه مذکور است (سازمان توسعه تجارت، ۱۳۹۷). به این ترتیب برای نخستین بار پس از

پیروزی انقلاب اسلامی ایران با انعقاد موافقتنامه ای جامع، زمینه حضور ایران در یک اتحادیه اقتصادی منطقه ای (به جز اکو) فراهم شد. با اجرای موافقتنامه تجارت ترجیحی با اتحادیه اقتصادی اوراسیایی از تاریخ پنجم آبان ماه سال ۱۳۹۸، یک قدم مقدماتی به سمت تجارت آزاد با این کشورها هموار شد (فرسائی و دیگران، ۱۳۹۸، ۱۴۳)

موافقتنامه تجارت ترجیحی با کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیایی شامل ۸۶۲ قلم کالا است که ۵۰۲ قلم از آن در حوزه های مواد غذایی، مواد مصرفی شیمیایی، محصولات ساختمانی، صدور خدمات فنی و مهندسی، محصولات صنعتی و محصولات کشاورزی، ترجیحات اعطایی اوراسیایی به ایران و ۳۶۰ قلم هم در حوزه های مشابه ترجیحات اعطایی ایران به اتحادیه اوراسیایی است. این اقلام، سیستم هماهنگ با نام اختصاری است که اقلام اتحادیه دارای کد ده رقمی و اقلام ایران دارای کد هشت رقمی می باشد. این اقلام بین صفر تا صد درصد کاهش تعرفه ای و گمرکی میان دو طرف دارد. این به این معناست که شرکتهای دولتی، خصوصی و تجار ایرانی می توانند این کالاها را با شرایط بسیار سهل تر و عوارض گمرکی بسیار پایین تر به کشورهای عضو اتحادیه اوراسیایی که غالباً همسایه ایران هستند، صادر نمایند و در مقابل، شرکتهای دولتی، خصوصی و تجار کشورهای عضو اتحادیه میتوانند با تسهیلات بیشتری، به تجارت با ایران بپردازند. مطابق فهرست اعطایی اوراسیایی، تعرفه ۱۷۵ ردیف کالا از جمله انواع فرش دستباف و ماشینی، پسته، انواع میگو، میوه هایی مانند پرتقال و لیمو، سبزیجات، خرما، بیسکویت و شیرینی، برخی محصولات از پلیمرهای پروپیلن، ورق های پلاستیکی، محصولات بهداشتی و... صفر شده است. رفع موانع غیر تعرفه ای،

توسعه همکاری ها در زمینه گمرکی، استانداردها، تسهیل تجارت و به وجود آوردن زمینه همکاری بخش های خصوصی از دیگر مفاد مهم این موافقتنامه است (سازمان توسعه تجارت، ۱۳۹۷).

در هر صورت اتحادیه اقتصادی اوراسیایی یک سازمان نوظهور در میان سازمان های منطقه ای بوده و در حال تبدیل شدن به یکی از قطب های مهم اقتصادی و سیاسی جهان است. این اتحادیه یکی از مهم ترین بلوک های اقتصادی در همسایگی ایران است که کشورهای عضو آن دارای نقاط مشترک فرهنگی، سیاسی و ژئوپلیتیک با کشورمان هستند. همکاری با این اتحادیه برای ایران مهم است چون در چارچوب راهبرد جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تقویت همکاری با کشورهای همسایه قابل تفسیر بوده و از پتانسیل ایجاد قطبی قدرتمند در برابر گروه بندی های رقیب برخوردار است (فرسائی و دیگران، ۱۳۹۸، ۱۶۱).

ابعاد اهمیت اتحادیه اقتصادی اوراسیایی در توسعه همگرایی ایران و

روسیه

اتحادیه اقتصادی اوراسیایی با توجه به اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواکومومیک آن می تواند از ابعاد مختلفی دارای اهمیت بسیار باشد. کشورهای دخیل در این اتحادیه از یک طرف می توانند به گسترش روابط اقتصادی میان خود پرداخته و از طرف دیگر، زمینه تسهیل روابط اقتصادی و تجاری با بازیگران خارجی را نیز از این طریق فراهم کنند. لذا، وجود اتحادیه و جدیت طرفین در توسعه ظرفیت های آن، دربردارنده ابعاد مختلف اهمیت در سطح مبادلات منطقه ای و فرا منطقه ای بوده و با توجه به نقش محوری روسیه در آن، می تواند زمینه

های پیوند بیشتر ایران و روسیه و شکل گیری زمینه های همگرایی بیشتر را فراهم نماید.

حمل و نقل

همگرایی حمل و نقل یکی از زمینه های روند همگرایی اقتصادی بین المللی است که به طور معمول، با ایجاد ساختارهای ویژه با قوانین و سازوکارهای تصمیم گیری و سیستم های مدیریتی خاص همراه است. امروزه، بسیاری از کشورها به منظور ارتقاء رقابت در اقتصادهای خود، با از بین بردن موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای و جمع آوری منابع فعال در ایجاد انجمن های اقتصادی منطقه ای مشارکت می کنند. در فرایند همگرایی، توسعه خدمات حمل و نقل از جایگاه ویژه ای برخوردار است و بهبود عملکرد بازارهای مشترک بدون توسعه کیفی زیرساخت ها و سیستم های حمل و نقل و لجستیک امکان پذیر نیست. علاوه بر این، سطح همگرایی کشورها در زنجیره های ارزش افزوده به طور مستقیم به چگونگی و کیفیت زیرساخت های حمل و نقل بستگی دارد. از سال ۲۰۱۵، یعنی همزمان با آغاز به کار رسمی اتحادیه اقتصادی اوراسیا، توسعه سیستم های حمل و نقل با هدف گسترش تجارت درون منطقه ای و مهم تر از آن، بهره گیری از موقعیت ژئوپلیتیکی منحصر به فرد این منطقه در دستور کار اعضای اتحادیه قرار گرفته است. (کرامتی نیا، ۱۳۹۸، ۱۰۰).

به صورت سنتی، روابط تجاری و بازرگانی کشورهای شمال اوراسیا و به طور مشخص روسیه با کشورهای جنوب آسیا و به طور خاص هند از مسیر اقیانوسی صورت می گیرد. به طوریکه مسیر دریایی بین بندر بمبئی با بندر سن پترزبورگ با آرخانگلسک از مسیر اقیانوس هند، خلیج عمان، دریای سرخ، کانال سوئز، دریای مدیترانه و دریای سیاه و یا در ادامه از مسیر تنگه

جبل الطارق و شمال اروپا و سواحل غربی روسیه صورت می گیرد و قریب به ۱۶ هزار کیلومتر طول دارد. این در صورتی است که مسیر خشکی که بتواند شمال و جنوب اوراسیا را به هم متصل کند، می تواند مسائل هزینه ای و زمان را کاهش دهد و به صرفه باشد. نزدیکترین فاصله و امن ترین مسیر در فضای آشفته و ناامن خاورمیانه، مسیر ایران است که علاوه بر اتصال شمال و جنوب اوراسیا، می تواند کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی را نیز به بازارهای بین المللی و آبهای آزاد متصل نماید. ارتباط کشورهای شاخ آفریقا و شرق آفریقا با کشورهای مرکزی اوراسیا نیز نیازمند گذر از این کریدور است.

روسیه افزون بر تقویت مناسبات خود با ایران، آرزوی دیرینه خود را برای دسترسی به آبهای گرم جنوب فراهم می بیند و می تواند با انتقال کالاها و منابع صادراتی و وارداتی خود به بازارهای آسیایی، از عبور در قلمروهای تحت تسلط قدرتهای رقیب، یعنی ناتو و اتحادیه اروپا و ایالات متحده در دریای مدیترانه، تنگه جبل الطارق و اقیانوس اطلس، تا میزان زیادی خلاص شود. ایران جزیره باثبات در منطقه بحران خیز و ناامن خاورمیانه است و موقعیت مکانی مناسب تری برای خروج کشورها و دولت‌های این منطقه از تنگ‌های ژئوپلیتیکی در قلب اوراسیا دارد (ویسی، ۱۳۹۶، ۱۱۴).

طبق مطالعات انجام شده، بهره گیری از مسیر آبی شمال ایران و کانال ولگا برای پیوستن به آبهای آزاد، از مسیر آبی جنوب باید صورت گیرد. در شرایط کنونی، مسیر هند به هلسینکی از مسیر شمال دریای خزر با ولگا معادل ۱۱ هزار کیلومتر (۲۲ روز) کوتاهتر از مسیر کانال سوئز و دریای جنوب است. در همین راستا، سند موافقتنامه کریدور حمل و نقل بین المللی شمال به جنوب

در سنت پترزبورگ روسیه، در سال ۲۰۰۰ میلادی، بین وزرای حمل و نقل کشورهای ایران، روسیه و هند امضا شد. هم اکنون تعداد اعضای رسمی در کریدور شمال - جنوب ۱۳ کشور است که ایران، روسیه و کشورهای سی آی اس از مهمترین اعضای رسمی آن می باشند. مهمترین اهداف این کریدور که از مرز مشترک آبی بین ایران - روسیه می گذرد، شامل: توسعه و ساماندهی حمل و نقل در کریدور بین المللی شمال به جنوب است. از مزایای دیگر آن، افزایش دسترسی طرف ها به بازارهای جهانی از طریق تسهیلات حمل و نقل ریلی، جاده ای، هوایی و به طور خاص دریایی است. که مزیت آن، افزایش حجم حمل و نقل بین المللی است. از طرف دیگر تأمین امنیت سفر، ایمنی، حفظ محیط زیست بر اساس استانداردهای بین المللی، تأمین شرایط یکسان جهت عرضه کنندگان خدمات حمل و نقل، افزایش حجم مبادلات کالا بین کشورهای دور حاشیه اقیانوس هند با کشورهای روسیه و آسیای مرکزی و مهمترین هدفش، کاهش وابستگی تجارت و ترانزیت کشورهای جنوبی آسیا به کانال سوئز است (لطفعلی پور و دیگران، ۱۳۹۷، ۱۳). از این رو و از منظر روسیه، ایجاد سازمان های اقتصادی منطقه ای می بایست تجارت جهانی و وابستگی متقابل را تسهیل نمایند. این هدف با دیگر هدف مهم سیاست خارجی روسیه، یعنی تأسیس این اتحادیه به مثابه زنجیره ای همگرا بین اروپا و آسیا در یک راستا قرار می گیرد. طرح های حمل و نقل مانند ایجاد راه آهن پرسرعت، در رأس این دستور کار قرار دارند و روسیه امید دارد که اتحادیه اقتصادی اوراسیا را به عنوان یک شریک در ابتکار یک کمربند یک راه چین وارد کند. از اهمیت های دیگر اتحادیه اقتصادی اوراسیا، نقشی است که کشورهای عضو آن برای چینی ها در جاده ابریشم نوین قائل هستند. احیای

جاده ابریشم که البته از نظر بعضی کشورهای اتحادیه باید مسیر سنتی آن باز تعریف مجدد شود، یکی از پروژه های موردنظر اعضا و روسیه ست، فضای مشترک حمل و نقلی موردنظر این اتحادیه، یک راه ابریشم منسجم است که می تواند میزان موفقیت خود را در آینده نشان دهد، حضور ایران در مسیر ابریشم اتحادیه اوراسیا می تواند توان حرکتی در پیشبرد اهداف ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی را با کمک ابزارهای اقتصادی افزایش دهد که بدون تردید با توجه به نقش ایران در مسیر جاده ابریشم و عضویت در این اتحادیه، موقعیت ژئواکونومیک ایران تأثیرهای سودمندی خواهد یافت.

ایران بیشترین تعداد همسایه را در جهان دارد (۱۵ کشور مستقل و ۲۶ دولت یا واحد خودمختار) و از جنوب با منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس، تنگه هرمز و شبه جزیره عربستان، از جنوب شرق با شبه قاره هند و دریای عمان و پهنه اقیانوسی هند، از شرق به کشور افغانستان، از شمال شرق به منطقه آسیای مرکزی، از شمال به منطقه ژئوپلیتیکی خزر و روسیه و از شمال غرب به حوزه قفقاز و آسیای صغیر و فلات آناتولی و از غرب به کشور عراق متصل است. قرارگیری میان دو ذخیره گاه بزرگ انرژی جهان، یعنی خلیج فارس و دریای خزر، قرارگرفتن در مسیر پل ارتباطی جهان شرق و غرب و مسیر شمال و جنوب، محصور بودن کشورها و دولتهای زیادی در قلب خشکی قاره اوراسیا در شمال ایران، نیاز فدراسیون روسیه برای دسترسی به آب های گرم اقیانوسی هند، پیش روی آب های خلیج فارس و دریای عمان در جنوب ایران به عنوان جایی که آبهای آزاد بیشترین نفوذ را در دل ابر قاره اوراسیا داشته است، باعث شده تا سرزمین ایران با توجه به این عوامل از موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی خاصی در منطقه برخوردار باشد و کشورهای

همسایه و پیرامونی ایران برای تأمین بسیاری از احتیاجات خود، نیازمند فضای ایران باشند (ویسی، ۱۳۹۶، ۱۱۳). شبکه ریلی ایران به عنوان مهمترین مسیر ارتباطی و ترانزیتی ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا در دو سوی خزر (خط ریلی قزاقستان- ترکمنستان ایران در شرق دریای خزر و خط ریلی ایران- آذربایجان- روسیه در غرب خزر و نگاه ملی و ویژه به تکمیل قطعه باقیمانده خط ریلی رشت- آستارا)، تجارت دریایی و پتانسیل های دریای خزر پس از امضای کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر (با توجه به مرزهای آبی ایران با قزاقستان و روسیه در دریای خزر)، ظرفیت منطقه قفقاز شمالی روسیه به عنوان دروازه ورود ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا از سمت منطقه قفقاز و پتانسیل مناطق آزاد تجاری ارس، ماکو، بندر انزلی و بندر امیرآباد، با اجرایی شدن توافقنامه تجارت ترجیحی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا رونق خواهد گرفت (فرسائی و دیگران، ۱۳۹۸، ۱۶۰).

از این رو، حمل و نقل و ترانزیت موضوع مورد علاقه میان ایران و روسیه است. فلذا ایران با اتخاذ یک دیپلماسی فعال می تواند اعضای اتحادیه و روسیه را مجاب کند که بهترین و با صرفه ترین مسیر برای احیا جاده ابریشم را مدنظر قرار دهند و از طرف دیگر در این حوزه این امتیاز به وجود خواهد آمد که جمهوری اسلامی ایران به دلیل قرار گرفتن در بهترین موقعیت ترانزیتی، مسیری مناسب برای ترانزیت کالا و خدمات کشورهای عضو اتحادیه به سایر مناطق جهان باشد. در حال حاضر ایران و روسیه در حال مذاکره جهت تکمیل کریدور حمل و نقلی شمال به جنوب هستند. سرمایه گذاری های زیادی برای تأسیس این کریدور انجام گرفته و با بهره برداری نهایی از راه آهن رشت به آستارا، خطوط راه آهن ایران از طریق جمهوری آذربایجان به

روسیه متصل خواهد شد. البته پیش از این، با بهره برداری از کریدور راه آهن ایران، ترکمنستان- قزاقستان و روسیه، اتصال ریلی برقرار شده است ولی با توجه به اینکه عمده جمعیت روسیه در منطقه جلگه رود ولگا (غرب رشته کوه های اورال) زندگی میکنند و همچنین در جهت تنوع بخشی به مسیرهای ترانزیتی، بهره برداری هر چه زودتر از کریدور حمل و نقل شمال به جنوب که قادر خواهد بود محموله های ترانزیتی را از بندر بمبئی در هندوستان به بندر سن پترزبورگ روسیه انتقال دهد را اجتناب ناپذیر کرده است (صیفی، ۱۳۹۶، ۹۳)

ایران نیز می تواند از توانمندی روسیه که در مرز مشترک آبی او استفاده کند و از منافع موجود در این کشور و سایر کشورهای اتحادیه که هنوز تابع و پیرو نگاه مثبت روسیه هستند، بهره ببرد. برای تعامل و تحرک بین المللی جهت ایجاد و خلق مزیت نسبی و فرصت های سودآور در زمینه حمل و نقل و ترانزیت و حرکت به سمت تجارت آزاد منطقه ای و بین المللی، فعال کردن دیپلماسی الزامی است و انتظار می رود که یکپارچگی افزایش یابد. همچنین ایران میتواند در شرایط کنونی با استفاده از فرصت ها و پتانسیل های ایجاد شده در پی پیوستن به موافقتنامه اتحادیه اقتصادی اوراسیایی، مناسبات اقتصادی با کشورهای منطقه، تکمیل و توسعه زیرساختها و تسهیلات لازم، به ویژه در زمینه حمل و نقل دریایی و ریلی را برقرار و ارتقاء و گسترش دهد که با توجه ظرفیت های ایران در زمینه ترانزیت و استفاده از این ظرفیت ها برای مبادلات تجاری روسیه و کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیایی با هند و پاکستان و جنوب شرق آسیا و به جهت قرار گرفتن دو دریای خزر در شمال و خلیج فارس در جنوب و

قرار گرفتن در موقعیت ترانزیتی شرق به غرب، می تواند یکی از عوامل مهم توسعه تجارت اوراسیایی و به تبع آن همگرایی اقتصادی ایران و روسیه ارزیابی شود.

تحریم‌ها

آمریکا و اتحادیه اروپا بعد از انقلاب اسلامی، به ویژه در سالهای اخیر، به منظور دستیابی به مقاصد خاصی در سیاست خارجی، به طور فزاینده‌ای از سیاست های تحریم علیه ایران استفاده کرده اند و بیشتر تحریم ها، تحریم های اقتصادی و سیاسی علیه ایران و به پرونده ی هسته ای ایران مربوط بوده است. از طرفی، از طرفی، پس از آنکه بحران اوکراین شدت یافت، آمریکا و اروپا تحریم هایی را علیه روسیه اعمال کردند.

بررسی روابط ایران و روسیه در ابعاد گوناگون بیانگر وجود ظرفیت های قابل توجهی برای هر دو کشور است. به نحوی که تهران و مسکو از گسترش روابط دوجانبه خود به خصوص در حوزه های اقتصادی می توانند به یک میزان بهره مند شوند. بی شک این امر در دوره ای که هر دو کشور از سوی ایالات متحده امریکا تحت تحریم های اقتصادی قرار گرفته اند، بیش از گذشته حائز اهمیت می شود. اگر چه ماهیت و نوع تحریم های اعمال شده علیه ایران و روسیه متفاوت هستند، اما هر دو کشور به گونه ای از این تحریم های یکجانبه متضرر شده اند. به همین خاطر علاوه بر مواضع مشترک سیاسی در مقابل تحریم های یکجانبه و زیاده خواهانه آمریکا، دو کشور ایران و روسیه می توانند در حوزه های اقتصادی نیز به کمک یکدیگر بشتابند و ضمن تأمین قسمتی از نیازهای خود، سیاست های تحریمی واشنگتن را نیز بی ثمر سازند. در واقع زمینه های متفاوتی همچون انرژی، مبادلات بانکی، تأمین کالاهای استراتژیک و همکاری های اقتصادی منطقه ای وجود دارند که ورود به آنها، هم برای هر دو کشور سودمند است و هم موجب فروکش کردن اثر تحریم ها می شود (بهمن، ۱۳۹۸، ۶۷).

با افزایش تنش ها میان روسیه و غرب و با توجه به سیاست روسیه مبنی بر اقدام متقابل علیه تحریم های غربی، روسها با رویگردانی از غرب، سیاست نگاه به شرق را به کار گرفته و در پی جایگزینی منابع تأمین مایحتاج خود برآمدند. یکی از این منابع جایگزین ایران است. ایران به سه دلیل می تواند به صورت مؤثری در بازار روسیه رقابت کند: اولاً، برخی کالاهایی که در ایران تولید می شود از کیفیت بالایی برخوردارند. دوماً، ایران می تواند محصولات خود را از طریق دریای خزر و با هزینه ای کمتر به روسیه صادر کند. سوماً کاهش قابل توجه ارزش پول ملی ایران در مقابل دلار و سایر ارزها، قیمت محصولات ایرانی را در بازارهای بین المللی رقابتی تر کرده است (حق پناه و جهانبخش، ۱۳۹۴، ۱۹۳).

ایران قادر است بخشی از فشار سیستمی و تحریمی که از ناحیه جنوب (خلیج فارس و برخی از کشورهای عربی) به آن وارد میشود را با برنامه ریزی صحیح و استفاده بهینه از ظرفیتهای در سمت شمال (اوراسیا) جبران کند. با توجه به تنوع بازار و تنوع منابع موجود در کشورهای عضو اتحادیه، پیوستن به آن یک امکان قابل توجه برای اقتصاد ایران ایجاد میکند و میتوان از این مسیر بخشی از اثر تحریم ها را جبران کرد. سایر مناطق و سازمانهای منطقه ای مانند آ. سه. آن و اتحادیه اروپا در شرایط کنونی تحریمی به شدت تحت نفوذ و رصد آمریکا قرار دارند. همگرایی با اتحادیه اقتصادی اوراسیایی میتواند نقش مؤثری در گذر ایران از تنگناهای اقتصادی ایفا کند. نقش توافقنامه تجارت ترجیحی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی در شرایط تحریمی ایران، با توجه به این که تمامی اقلام ترجیحات اعطایی اوراسیایی به ایران و اقلام ترجیحات اعطایی ایران به اتحادیه

اوراسیایی، به طور عمده در بخش های کشاورزی، دامی و صنعتی است، تحت تحریم های یکجانبه آمریکا نیست و همکاری های بانکی نیز خارج از نظام سوئیفت است. از طرف دیگر، از آنجا که اتحادیه اوراسیایی با کاهش استفاده از دلار، سهم پرداختهای تجاری با ارز ملی را به ۷۰ درصد افزایش داده، میتوان به کاهش استفاده از دلار در مبادلات تجاری خوشبین بود که این مسئله در شرایط کنونی تحریم برای تجار ایرانی امیدوارکننده است (فرسانی و دیگران، ۱۳۹۸، ۱۵۷)

وجود بازارهای جدید و مختلف در کنار منابع متعدد موجود در هر دو طرف توافقنامه ایران و اتحادیه اوراسیا به طور ویژه برای ایران فرصت منحصر به فردی خواهد بود؛ چونکه در شرایط کنونی و با توجه به سایه گسترده تحریم ها بر اقتصاد ایران می توان به بی اثر کردن بخشی از فضای تحریمی امیدوار بود. ورود ایران به تجارت با تعرفه ترجیحی می تواند برای ایران همانند گشایش درهای جدید در حوزه تجارت خارجی محسوب شود، به گونه ای که زمینه تحول در روابط اقتصادی خارجی آن را فراهم خواهد کرد. با کاسته شدن از میزان تعرفه های ترجیحی این فرصت بی نظیر به مرحله عملیاتی نزدیک شده است؛ زیرا امکان گسترش و توسعه برای بنگاه های تولیدی و شرکتهای ایرانی در شرایط تحریم فراهم خواهد شد. این موضوع سبب گسترش همکاری های منطقه ای ایران و در نهایت، گسترش صادرات صنایع غیرنفتی را به همراه خواهد داشت. با افزایش میزان صادرات محصولات غیرنفتی می توان به افزایش میزان تولید در داخل نیز امیدوار بود. هرچند میزان مبادلات میان ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در مراحل ابتدایی قرار دارد، نباید پتانسیل های موجود در درون این روابط را نادیده گرفت؛ از جمله

آنکه در چشم انداز نهایی اتحادیه، نه تنها افزایش تعاملات تجاری کشورهای حاضر در آن و همگرایی اقتصادی مدنظر است، بلکه ایجاد واحد پولی مشترک و اتخاذ سیاست‌های یکسان در حوزه تجارت بین‌الملل و خارجی نیز مدنظر خواهد بود (هدایتی، ۱۳۹۸، ۳۵).

اگرچه کشور روسیه همسایه مستقیم ایران نمی‌باشد، ولی گستردگی حوزه های همکاری بین دو کشور در حوزه های مختلف اقتصادی، تجاری، سیاسی، بین المللی و فرهنگی و در چارچوب اتحادیه اقتصادی اوراسیایی آنچنان وسیع می باشد که منافع ملی دو کشور را در حوزه های مختلف به یک دیگر گره زده است. واقعیت این است که اکنون تهدید های خارجی متوجه ایران و روسیه (به خصوص تهدیدها و تحریم های ناعادلانه غرب) مشترک هستند. روسیه بعد از تحریم های غرب، شوک سنگین اقتصادی را تجربه کرده است. ضمن اینکه روس ها می توانند از تجارب ایران در دور زدن تحریم ها استفاده کنند، تحریم ها می تواند به عنوان بستری برای گسترش راهبردی روابط ایران و روسیه به شمار آیند. بنابراین با توجه به تنش های شکل گرفته بین روسیه و اروپای غربی و آمریکا، مانند تحریم های آن ها علیه روسیه بعد از جنگ روسیه و اوکراین از سال ۲۰۱۱ و همچنین اخراج دیپلمات های روسی از کشورهای مختلف غربی به دلیل مسموم شدن جاسوس روسی در بریتانیا، و مسائل و موضوع هایی هانند داعش، سوریه و ... ایران می تواند از بعد سیاسی از این وضعیت به وجود آمده استفاده کند و هرچه بیشتر خود را در روند منطقه گرایی ادغام کند. همان گونه که پوتین با توجه به پیشنهاد ایران مبنی بر ایجاد منطقه آزاد تجاری، ابراز تمایل کرده و گفته است این منطقه آزاد

تجاری می‌تواند انگیزه قوی برای گسترش تجارت دوجانبه و سرمایه‌گذاری را فراهم آورد.

مناطق آزاد

در ادبیات اقتصاد بین الملل، مناطق ویژه اقتصادی یا مناطق آزاد با هدف افزایش، تنوع بخشی و توسعه صادرات، بهبود فرایند و جریان جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی و انتقال فناوری و دانش، افزایش درآمدهای دولت، افزایش جریان ورود گردشگر به کشور، ارتقاء جایگاه اقتصادی کشور و بهره مندی از مزیت های اقتصاد رقابتی ایجاد می شوند که در مجموع، سیاست و برنامه ای جهت ارتقاء شبکه ارتباطی اقتصادی میان کشورها به شمار می رود. از لحاظ جغرافیای اقتصادی، منطقه ویژه اقتصادی و زیر مجموعه های آن همچون: منطقه آزاد اقتصادی، منطقه آزاد تجاری، بندر آزاد تجاری و غیره، ناحیه ای از قلمرو جغرافیایی هر کشور به حساب می آیند که خارج از محدوده فیزیکی، قانونی و اداری تأسیسات گمرکی آن کشور قرار دارد؛ از این جهت، جریان سرمایه، خواه ورود یا خروج از آن و جابه جایی نیروی کار متخصص در منطقه به سهولت صورت می گیرد و کالاها و مواد خارجی را که منع قانونی نداشته باشند می توان بدون هرگونه موانع گمرکی و ترانزیتی در انبارهای آن نگهداری کرد یا در کارخانه های مستقر در آن تغییر شکل داد و به کالاهای دیگر تبدیل کرد و به بازارهای داخل یا خارج از طریق فرایند صادرات مجدد ارسال نمود. از انواع مناطق ویژه اقتصادی می توان به منطقه آزاد تجاری، منطقه پردازش صادرات، منطقه ویژه اقتصادی، منطقه آزاد گردشگری، و منطقه آزاد شرکت ها اشاره نمود که هر کشور براساس پتانسیل

ها و موقعیت جغرافیایی خود، یک یا چند نوع از این مناطق ویژه را احداث می کند (رسولی نژاد، ۱۳۹۸، ۶۴).

اتحادیه اقتصادی اوراسیا با توجه به اقتصاد کشورهای عضو و اینکه میزان توسعه اتحادیه با اقتصاد اعضا رابطه مستقیم دارد، همگرایی با شرکای خارجی را در اولویت قرار داده تا منتهی به دستاوردهای بیشتر شود. ایجاد منطقه آزاد تجاری با سایر کشورهایی که دارای اقتصاد در حال توسعه و باثبات هستند از جمله سیاست های آن در مسیر نیل به سیاست مذکور هستند. به نظر می رسد مناطق آزاد ایران با داشتن ظرفیت های منحصر به فرد در بخش تولید محصولات صنعتی و کشاورزی در کنار توانمندی های لجستیک و ترانزیتی می توانند موثرترین مناطق در مراوده با اتحادیه اقتصادی اوراسیا باشند.

نقش مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در این حوزه را از دو جهت باید نگریست. اول اینکه مناطق آزاد ایران از جمله انزلی و ارس و مناطق ویژه اقتصادی امیرآباد و آستارا در مسیر مبادلات تجاری با کشورهای عضو اوراسیا قرار دارند. انزلی و امیرآباد از کریدور دریایی، ارس و آستارا از کریدور زمینی. با این شرایط توانمندی های زیرساختی و لجستیکی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی چه در خصوص صادرات تولیدات داخلی و چه در خصوص واردات مواد اولیه و سایر موارد مورد نیاز در رفع نیازهای اجرایی شدن این قرارداد نقش بسزایی ایفا می کند. دوم اینکه تولیدکنندگانی که تمایل به صادرات محصولاتشان به کشورهای عضو اوراسیا را دارند در صورت استقرار در مناطق آزاد علاوه بر مزیت گمرکی موجود، از معافیت مالیات بر درآمد ۲۰ ساله و معافیت از مالیات بر ارزش افزوده به دلیل صادرات محور بودنشان خواهند داشت. شایان توجه اینکه پراکندگی و تعداد مناطق آزاد و ویژه

اقتصادی در مرزهای مختلف کشور، این ظرفیت را هم‌اکنون برای کشور و پس از موافقتنامه اوراسیا ایجاد کرده است (منزوی زاده، ۱۳۹۹).

از سویی دیگر روسیه است که در مقایسه با سایر کشورهای عضو اتحادیه، بیشترین و متنوع‌ترین تعداد مناطق ویژه اقتصادی را دارد؛ برای مثال، در بحث تولیدات صنعتی دارای مناطقی همچون منطقه آزاد آلیوگا در جمهوری تاتارستان، منطقه آزاد لوتوس در آستاراخان، منطقه آزاد کالوگا در کالوگا (در غرب روسیه با جمعیت حدود یک میلیون نفر)، منطقه استو پینو کوادرات در مسکو، منطقه آزاد اوزلولوایا در تولا (شهری در غرب روسیه در فاصله ۱۶۰ کیلومتری از مسکو) است، در نوع بندرهای منطقه آزاد، این کشور دارای بندر اوباتوفسک است، همچنین در حوزه فناوری - نوآوری نیز دارای مناطقی همچون دوبنا در مسکو، تکنو پلیس در مسکو، ایستوک در مسکو، آتوپلیس در جمهوری تاتارستان و منطقه آزاد سنت پترزبورگ است، در حوزه گردشگری نیز دارای مناطقی چون دروازه بایکال در منطقه ایرکوتسک (یکی از شهرهای بزرگ سیبری نزدیک به مغولستان) و زاویدووا در منطقه تور (شهری در شمال غربی مسکو) است (رسولی نژاد، ۱۳۹۸، ۶۸).

از این بین منطقه ویژه اقتصادی لوتوس آستاراخان در روسیه، به علت نزدیکی به ایران و امکان برقراری ارتباط دریایی از مسیر دریای خزر و مهم‌تر از آن، قرار گرفتن در مسیر کریدورهای شرقی - غربی (چین تا اروپا) و شمال - جنوب، فرصتهای زیاد و متنوعی را پیش روی همکاری‌های اقتصادی ایران و روسیه قرار می‌دهد. با توجه به قرار گرفتن منطقه ویژه اقتصادی لوتوس آستاراخان روسیه در شمال دریای خزر و منطقه آزاد انزلی ایران در جنوب این دریا، همکاری میان این دو منطقه یقیناً می‌تواند به فعال شدن و تحرک

بخشی به کریدور بین المللی شمال به جنوب که توافقنامه اجرایی شدن آن سال ۲۰۰۰ میان سه کشور ایران، روسیه و هند به امضا رسید کمک شایانی بنماید. مدیران منطقه آزاد انزلی و منطقه ویژه اقتصادی لوتوس در خصوص افزایش ترانزیت کالا در مسیر شمال به جنوب بررسی هایی را انجام داده اند، به صورتی که کالاهای کشور روسیه از طریق بندر کاسپین منطقه آزاد انزلی به کشور هندوستان ترانزیت می شود و این مسیر کوتاه ترین و کم هزینه ترین مسیر به تجار معرفی می گردد. مجتمع بندری کاسپین در نقش بزرگترین بندر ایرانی دریای خزر در فعال سازی کریدور شمال - جنوب و مسیر فرعی کریدور، یک کمر بند - یک جاده کشور چین نقش مؤثری ایفا می کند و تبدیل شدن به قطب کانتینری بنادر دریای خزر و کریدورهای عبوری از طریق این دریا، استراتژی سازمان منطقه آزاد انزلی است (خانمحمدی، ۱۳۹۸، ۸۳). همچنین می توان به منطقه آزاد ارس اشاره کرد که با در اختیار داشتن تنها مرز زمینی مشترک ایران و اتحادیه اوراسیا در زون نوردوز، خود به عنوان دروازه‌ی طبیعی ایران و اوراسیا شناخته می شود و کارشناسان معتقدند که می تواند به مرکز ترانزیت زمینی ایران با این اتحادیه اقتصادی تبدیل شود. منطقه آزاد چابهار یکی دیگر از این مناطق و تنها بندر اقیانوسی ایران است و ویژگی دسترسی به آبهای آزاد را برای کشورهای آسیای مرکزی فراهم می کند و آنها را از تنگنای ژئوپلیتیکی و اقتصادی خارج می کند. به علاوه، این منطقه از تنش های موجود در منطقه خلیج فارس دور بوده و می تواند ترانزیت کالا برای کشورهای درگیر را با خطرات کمتر در مقایسه با خلیج فارس انجام دهد.

بهره مندی از شرکت های کوچک و متوسط روسیه، شناسایی مناطق ویژه اقتصادی روسیه و پیوند آنها با مناطق آزاد تجاری ایران می تواند زمینه همکاری بیش از پیش و ورود به بازارهای روسیه را فراهم سازد؛ زیرا روسیه با داشتن ۲۵ منطقه ویژه اقتصادی که در بخش اروپایی روسیه نیز واقع شده اند، می تواند فرصت خوبی را در اختیار بخش های دولتی و خصوصی مرتبط با اقتصاد ایران قرار دهد تا از ظرفیت های موجود بهره برداری نمایند. بنابراین، لازم است که ضمن تبیین جایگاه مناطق آزاد در اقتصاد ایران براساس کارویژه هریک از آنها، پتانسیل های همکاری مناطق آزاد واقع در شمال، جنوب و غرب ایران با مناطق ویژه اقتصادی روسیه و پیوند بین آنها، با توجه به وضعیت تحریم ها علیه جمهوری اسلامی ایران و شرایط اقتصاد داخلی از یک سو، و لزوم پایداری همکاری میان ایران و روسیه در مقام قدرت بزرگ و عضو شورای امنیت از سوی دیگر می تواند به تقویت مؤلفه های اقتصادی در روابط طرفین، خصوصاً گسترش صادرات ایران به روسیه بینجامد (خانمحمدی، ۱۳۹۸، ۸۶). در مجموع، وجود مناطق ویژه اقتصادی مختلف در این کشورها می تواند ظرفیت های بیشماری را جهت همگرایی بیشتر اقتصاد ایران و کشورهای عضو اتحادیه اوراسیایی ایجاد کند.

انرژی

همانطور که گفته شد اتحادیه اقتصادی اوراسیا، با تولید ۲۰/۷ درصد گاز طبیعی جهان، ۱۴/۶ درصد نفت جهان و گاز تغلیظ شده به عنوان قدرتی مافوق انرژی دیده می شود. این مسئله اتحادیه را به برترین تولید کننده جهان در هر دو حوزه نفت و گاز تبدیل کرده است. می توان گفت که انرژی

نقشی تعیین کننده در پویایی توسعه ملی کشورهای اوراسیا دارد. بنابراین، هدف اصلی شکل گیری بازار مشترک انرژی، که یکی از اهداف اتحادیه اقتصادی اوراسیایی بوده، تأمین انرژی پایدار و امنیت انرژی است. از اصول کلی استقرار تدریجی بازار مشترک انرژی، قیمت گذاری بازار، توسعه رقابت، رفع موانع تجارت در منابع انرژی، توسعه زیرساخت های حمل و نقل، ایجاد فضای مطلوب برای جذب سرمایه گذاری در بخش انرژی و هماهنگی تدریجی قوانین و مقررات ملی در زمینه انرژی است. اتحادیه همچنین تولیدکننده ۹ درصد از انرژی الکتریسیته جهان و ۹/۵ درصد زغال سنگ جهان است که به ترتیب سومین و چهارمین تولیدکننده در جهان به شمار میرود (علوی، ۱۳۹۴، ۱۰).

در این بین ایران و روسیه از بزرگترین دارندگان منابع انرژی به خصوص نفت و گاز در جهان می باشند. ایران و روسیه در مجموع ۲۰ درصد نفت و ۵۰ درصد از ذخایر گاز جهان را دارا هستند. در حال حاضر که حوزه خزر حدود ۲۵ درصد انرژی جهان را تأمین می کند و حداقل تا پنجاه سال آینده، مهمترین منبع انرژی مکمل یا جایگزین نفت محسوب میشود، با تحلیل زمینه های همگرایی در دیپلماسی انرژی ایران و روسیه در سطح روابط دو جانبه، مشخص می شود که این دو کشور با دارا بودن بیشترین سهم از مجموع منابع طبیعی نفت و گاز جهان، جایگاه منحصر به فرد ایران در جنوب غرب آسیا و دسترسی بدون واسطه به آبراه های بین المللی و مالکیت توأمان ذخایر چشمگیر نفت و گاز در دو حوزه استراتژیک خلیج فارس و دریای خزر، و موقعیت روسیه به عنوان بزرگترین دارنده و صادر کننده گاز جهان که از نفوذ سیاسی بالایی در سطح جهانی برخوردار می باشد، می توانند در زمینه

انرژی در سطوح جهانی، منطقه ای و دو جانبه نقش بی بدیلی ایفا کنند. این ظرفیت های همکاری و همگرایی در کنار توجه بیشتر به تبادل و سوآپ انواع حامل های انرژی، به ویژه نفت و گاز و برق و حتی آب، و همچنین همکاری برای ایجاد یک نظام قیمت گذاری برای گاز طبیعی، امنیت تقاضا، جذب سرمایه برای توسعه میادین گازی و چگونگی تعامل با مصرف کنندگان، می تواند زمینه های همگرایی بین دو کشور را تقویت کند (اسلامی، ۱۳۹۱، ۲۱۸). با توجه به چالش های روسیه با اوکراین در صادرات گاز به اروپا و محصور بودن کشورهای آسیای مرکزی در خشکی، موقعیت جغرافیایی ایران و اهمیت آن به عنوان یکی از بهترین مسیرها برای صادرات منابع انرژی این کشورها به مناطق دیگر مثل پاکستان و کشورهای دیگر است. ایران در موقعیتی همجوار می تواند یک بدیل کم هزینه تر برای تبادلات اقتصادی در زمینه انرژی منطقه اوراسیا باشد. این مشارکت ایران در بحث انتقال انرژی، زمینه کاهش هزینه های روسیه در همین موضوع نیز خواهد بود.

ایران در سال های اخیر افزایش شدیدی را در موضوع تولید گاز و عرضه آن به بازارها تجربه کرده است، به گونه ای که تخمین زده می شود در سال ۲۰۲۰ این افزایش به حدود ۷۰ میلیارد متر مکعب خواهد رسید. اکنون هم روسیه و هم ایران تمایل به احیای پیوندهای فنی در زمینه گاز را دارند. در صورت فعال بودن دیپلماسی انرژی، ایران می تواند به عنوان یکی از اعضای مؤسس اوپک، با طرح خواسته های خود، از روسیه در زمینه گسترش همکاری ها بهره ببرد. روسیه نیز می تواند از طریق ایران بر اوپک تاثیر گذاشته و به اهداف خود، یعنی استفاده از اهرم انرژی جهت تحقق مقاصد سیاست خارجی مسکو در مقابل غرب دست یابد (جعفری و تقی نژاد، ۱۳۹۱).

۷۶-۷۳). ذخایر نفت ایران و روسیه در حوزه دریای خزر بالغ بر ۲۰۰ میلیارد بشکه برآورد شده است. پتانسیل های همکاری و همگرایی در زمینه توسعه و فروش و انتقال گاز بین کشورهای حاشیه دریای خزر نیز بسیار قابل توجه است. بخش اعظمی از ذخایر گاز این منطقه که حدود ۷۳ تریلیون مترمکعب هست، متعلق به روسیه و ایران است (کشاورز و ادیب مهر، ۱۳۹۸، ۲۷۰). همانگونه که ذکر شد دو کشور برای همکاری درزمینه انرژی تمایل دارند، همچنین توسعه فازهای پارس جنوبی، همکاری در موضوع انتقال نفت خام دریای خزر به دریای عمان (خط لوله نکا- جاسک)، ساخت پالایشگاه در شمال کشور، بررسی و مطالعه و اجرای توسعه میدان آزادگان شمالی مورد تأکید قرار گرفته است، طرح تبادل گاز در شمال کشور و بهره برداری و فروش آن در جنوب برای کشورهای مصرف کننده گاز از توافق هایی است که با شرکت گازپروم روسیه صورت پذیرفته است. مشارکت شرکتهای روس در پروژه های بزرگ نفت و گاز ایران، نشان میدهد که توجه سرمایه های روسی به بازار ایران روزبه روز در حال افزایش است. با در نظر گرفتن تمام جوانب برای همکاری ایران و روسیه باید گفت روسیه در مقاطعی با هدف حذف رقبای دیگر و شکست برخی طرحهای انرژی کشورهای غربی مثل (باکو - تفلیس - جیحان) به صورت ابزاری از برخی طرح های ایران در منطقه حمایت کرده و حتی خواستار مشارکت خود در این طرح ها شده است، که برهه فعلی از شرایطی است که روسیه هم از لحاظ عینی و هم از لحاظ ذهنی آمادگی همکاری و همگرایی با ایران را دارد. بر این اساس همانطور که قبلاً هم اشاره شد اجرای خط لوله (باکو- تفلیس -جیحان) نشان داد که آمریکا و غرب مجدانه درصدد حذف ایران و روسیه از پروژه انتقال انرژی خزر هستند؛

لذا این اقدام آمریکا و غرب هشدار می‌دهد که ایران و روسیه برای برگزیدن رویکردی واقع بینانه و سریع درباره سرنوشت انرژی خزر است. در نتیجه همکاری و همسویی دو کشور کافی است تا غرب را تقریباً در برابر همگرایی ایران و روسیه منفعل کند، مضافاً اینکه کشورهای میزبان خطوط لوله نوباکو و باکو - تفلیس - جیهان توان پر کردن ظرفیت این خطوط را ندارند و ناچار هستند برای تکمیل ظرفیت این خطوط از کشورهای ایران و روسیه کمک بگیرند که این موضوع خود زمینه کاهش اقتدار غرب و همگرایی ایران و روسیه را در صدور انرژی فراهم می‌آورد (کشورز و ادیب مهر، ۱۳۹۸، ۲۹۵). در شرایطی که ایران همچنان با تحریم‌های اقتصادی از سوی آمریکا و همپیمانان آن روبه‌رو است، همکاری در حوزه انرژی با کشورهای منطقه اوراسیایی برای ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از طرف دیگر، ایران نقش کلیدی در شاهراه‌های موجود در منطقه یعنی جاده ابریشم، راه آهن سراسری آسیا، ترانسیکا و کریدور شمال و جنوب دارد. زیرساخت‌های انرژی ایران، می‌تواند زمینه مناسبی برای انتقال انرژی اوراسیایی به آب‌های آزاد باشد. ایران می‌تواند زیرساخت‌های تولید نفت و گاز خود را به روز کند تا از پهنه گسترده سیستم انتقال انرژی در کشور بهره‌برداری نوین داشته باشد (فرسانی، ۱۳۹۸، ۱۵۸). تهران به دنبال صادرات گاز بیشتر به مرکز و جنوب آسیا از طریق خط لوله صلح و توسعه آن به چین است. گاز پروم غول روسی که در توسعه فاز دوم و سوم پارس جنوبی مشارکت داشته‌اند، هم‌اکنون آماده کسب عواید کمک به صادرات گاز ایران می‌باشد. همچنین، ایران یکی از سه مسیر ترانزیتی ممکن حوزه غنی انرژی خزر به اروپا و آسیاست. کرملین پیشتر سیستم خط لوله ایی که از آسیای مرکزی و شمال خزر به

اروپا امتداد می یافت را تحت کنترل داشت. همراهی در پروژه ایران و قطر، حضور روسیه در جنوب خزر را گسترش می دهد. به این ترتیب، روسیه به دنبال تحکیم و توسعه روابط رو به رشد اتحادیه اوراسیایی و ایران است. حوزه انرژی چه بسا خوش آتیه ترین حوزه همکاری بین اتحادیه اقتصادی اوراسیا و ایران باشد؛ به علاوه که ایران به شدت به تجربه اتحادیه اقتصادی اوراسیا در تشکیل بازارهای انرژی واحد علاقه مند است و می تواند به علاقه مندی شرکت های نفت و گاز روسیه برای شرکت در پروژه های انرژی ایران در صورت کاسته شدن از تحریم ها نیز امیدوار باشد.

تجارت

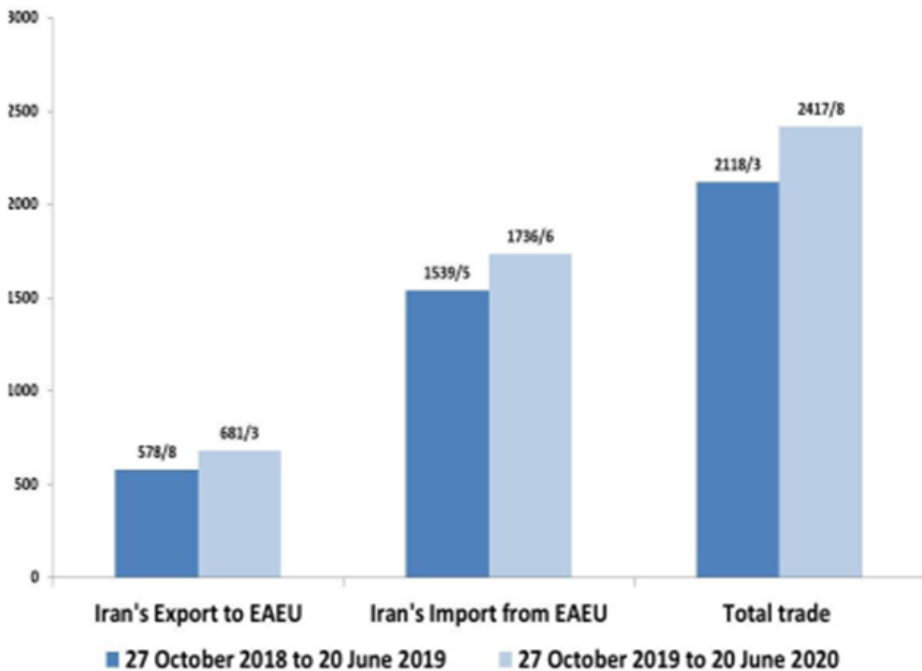
اتحادیه اقتصادی اوراسیایی با جمعیت ۱۸۲ میلیون نفر مقام هشتم، با مساحت ۲۰ میلیون و ۲۶۰ هزار و ۴۳۵ کیلومتر مربع مقام اول و با تولید ناخالص داخلی تریلیون ۸۳۸ میلیارد دلار مقام دهم را در جهان به خود اختصاص داده است. در روز اجرای این توافقنامه ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه اعلام کرد: امروز ما یک مرکز رشد اقتصادی قدرتمند و جذاب ایجاد کرده ایم، یک بازار منطقه ای که بیش از ۱۸۰ میلیون نفر را با هم مرتبط می کند (Eurasian Economic Commission, 2019). همگرایی بیشتر با اتحادیه اقتصادی اوراسیایی باعث افزایش تجارت درون منطقه ای میان اعضای اتحادیه شده است، به گونه ای که حجم تجارت خارجی این اتحادیه با جهان خارج در سال ۲۰۱۸ میلادی بالغ بر ۷۵۳،۴ میلیارد دلار برآورد میشود که از این بین روسیه با ۶۳۴ میلیارد دلار بزرگترین اقتصاد کشورهای عضو به حساب می آید. روسیه به عنوان بزرگترین کشور اتحادیه اوراسیایی بازاری ۱۴۰ میلیون

نفری پیش روی تجار ایرانی قرار میدهد، اقتصاد روسیه ۸۴ درصد تولید ناخالص داخلی اتحادیه اقتصادی اوراسیایی را تشکیل میدهد (اردکانیان، ۱۳۹۸).

ایران کوشش دارد در شرایط کنونی با استفاده از فرصتها و ظرفیت های ایجادشده در پی انعقاد موافقتنامه تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، روابط اقتصادی با کشورهای منطقه را از طریق تکمیل و توسعه زیرساختها و تسهیلات لازم به ویژه در زمینه حمل و نقل دریایی و ریلی گسترش دهد. سهم ایران در تجارت خارجی با اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۱۸ برابر ۰/۳ درصد در صادرات و ۰/۲ درصد در واردات اتحادیه بوده است. مجموع تجارت خارجی ایران با این اتحادیه ۳/۲ میلیارد دلار بوده که سهمی برابر ۰/۳ درصد در تجارت این اتحادیه نقش داشته است. البته این سهم بیشتر به جهت حجم عظیم تجارت خارجی روسیه بوده که حدود ۶۸۰ میلیارد دلار است و بعد از آن، قزاقستان می باشد که ۹۳ میلیارد دلار تجارت خارجی داشته است. در این سال، حجم تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹ میلیارد دلار بوده است (هدایتی شهیدانی، ۱۳۹۸، ۳۳).

مقایسه تجارت کل ایران و اوراسیا پس از اجرایی شدن موافقتنامه (۵ آبان ماه تا ۳۰ خرداد ۱۳۹۶) با مدت مشابه سال قبل نشان می دهد که کل صادرات ایران به اوراسیا پس از اجرای موافقتنامه تا ۳۰ خرداد ۹۹ بالغ بر ۶۸۱ میلیون دلار بوده که نسبت به دوره مشابه سال قبل ۱۷ درصد رشد داشته است. کل واردات ایران از اوراسیا پس از اجرای موافقتنامه تا ۳۰ خرداد ۹۹ بالغ بر ۱۷۳۶ میلیون دلار بوده که نسبت به دوره مشابه سال قبل ۱۳ درصد رشد

داشته است. حجم کل تجارت فیما بین به ۲۴۱۷ میلیون دلار رسیده که نسبت به دوره مشابه سال قبل ۱۴ درصد رشد داشته است:



منبع: گمرک ج.ا.ا. ایران

بیشترین میزان صادرات ایران به ترتیب، فدراسیون روسیه با بیش از ۵۳ درصد، ارمنستان با ۲۳ درصد، قزاقستان ۱۶ درصد و قرقیزستان با کمتر از ۱,۵ درصد، اصلی ترین مقاصد صادراتی ایران به اوراسیا را شامل هستند. همچنین کشورمان بیشترین میزان واردات از حیث ارزش را به ترتیب از روسیه با بیش از ۷۸,۵ درصد، قزاقستان با بیش از ۱۸ درصد، روسیه سفید ۲ درصد و دو کشور ارمنستان و قرقیزستان نیز سهمی کمتر از یک درصد را به

خود اختصاص داده‌اند (ایرنا، ۱۳۹۹). همچنین از ابتدای سال ۹۸ تا پایان دی ماه، پس از ارمنستان، صادرات ایران به فدراسیون روسیه بیشترین ارزش را به خود اختصاص داده است. ۳۲۱ میلیون دلار کالا با حجم ۶۴۵ هزار تن حاصل صدور کالاهای ایرانی به لحاظ ارزش رشد ۴۴ درصدی و به لحاظ وزن رشد ۷۲ درصدی را به ثبت رسانده است. اما فدراسیون روسیه بیشترین واردات به ایران را در میان کشورهای عضو اوراسیا به خود اختصاص داده است. این کشور در بازه زمانی مذکور ۹۶۴ میلیون دلار کالا با وزن ۲ میلیون و ۳۲۳ هزار تن به ایران فروخته است. البته ارزش واردات کالا از روسیه در این بازه نسبت به مدت مشابه سال قبل افت ۸ درصدی داشته، اما وزن کالاهای وارداتی با رشد ۴۷ درصدی روبه‌رو بوده است (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۹).

مجموعه منطقه فدراسیون روسیه با جمهوری اسلامی ایران در زمینه های مختلف روابط تجاری - اقتصادی داشته است. مسکو، استانهای آستراخان و راستوف، شهر سنت پترزبورگ، استانهای سوردلوفسک، مسکو، لیتسک و وولگدا، سرزمین های پرم و استاو راپل مناطق پیشتاز در این بخش هستند. بنابر آمار گمرکی روسیه، حجم بازرگانی روسیه و ایران در سه ماهه اول سال ۲۰۱۹ در مقایسه با دوره مشابه سال قبل ۱۴ درصد افزایش یافته و به ۵۶۲ میلیون دلار رسیده است. در چارچوب حقوقی و قراردادی جدید، همکاری مناطق فدراسیون روسیه و استان های جمهوری اسلامی ایران بهبود می یابند. هم اکنون هفت موافقتنامه همکاری بین مناطق روسی و ایران وجود دارند. استان ولگاگراد با استان مازندران، استان سوردلو فسک با استان همدان استان چلیابینسک با استان زنجان، جمهوری چوواشیا با استان قزوین استان

آستراخان با استان خوزستان، شهر سنت پترزبورگ با شهر اصفهان، و استان آستراخان با استان گیلان رابطه برقرار می کنند (عیاری، ۲۰۱۹)

بنابراین براساس موافقتنامه با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ایران از این اتحادیه امتیازات گمرکی خاصی دریافت کرده و کشورهای این اتحادیه هم این موقعیت را خواهند داشت تا حجم صادرات خود به ایران را افزایش دهند. ایران نیز میتواند با امتیازاتی که دریافت میکند، صادرات کالاهای خود به مقصد پنج کشور اوراسیایی را تا چند برابر افزایش دهد. اگر تجار روابط جدیدی را پایه ریزی کنند که تولیدات داخلی با کیفیت بهتری عرضه شود، بدون شک زمینه بیشتری برای تجارت با روسیه ایجاد خواهد شد و بازارهای جدیدی فراروی ایران قرار میگیرد. بنابراین ایران باید به سمت تولید آن دسته از محصولاتی برود که تا حدودی مزیت دارد. ساختارهای داخلی ایران باید با این رویداد مهم منطبق شود. تولیدات می بایست، صادرات محور بوده و شبکه های تولید، توزیع و تجمیع کالا باید راه اندازی شود. بر این اصل باید بخش هایی را که دارای مزیت نسبی است مد نظر قرار گرفته و شبکه های زیرساختی حمل و نقل کالا را قوت ببخشد و در نهایت میتواند منجر به جهش در صادرات غیرنفتی ایران و توسعه همگرایی با روسیه شود.

نتیجه گیری

تلقی کشورها از همگرایی اقتصادی برای توسعه، پیروی از آن و رشد منطقه گرایی، سبب شده است که ظهور بیشتری از سازمان های منطقه ای و همچنین گروه بندی های منطقه ای بیشتری را شاهد باشیم، اتحادیه اقتصادی اوراسیا یک سازمان بین المللی همگرایی اقتصادی منطقه ای است که پس از تجربه های مختلف وعمدتا ناموفق همگرایی در حوزه جمهوری های شوروی سابق به مرحله عملیاتی رسیده است. اصل بنیادین این اتحادیه مبتنی بر چهار آزادی جریان کالا، سرمایه، نیروی کار و خدمات در مرزهای کشورهای عضو است، همکاری با این اتحادیه برای ایران مهم است زیرا در چارچوب استراتژی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تقویت همکاری با کشورهای همسایه قابل تفسیر بوده و از ظرفیت ایجاد قطبی قدرتمند در مقابل گروه بندیهای رقیب برخوردار است. موافقتنامه موقت تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیایی، اولین اقدام جدی کشورمان جهت همگرایی منطقه ای و کاملترین و مفصل ترین موافقتنامه تجاری ایران محسوب میشود.

در بروز همکاری های منطقه ای آنچه بیشتر از همه دارای اهمیت است، موضوعات اقتصادی، کارکردی و فنی است تا مسائل سیاسی، چرا که رسیدن به همکاری و همگرایی در این موضوعات از حساسیت کمتری برای حکومت ها برخوردار است. از این دیدگاه اتحادیه اقتصادی اوراسیا دارای کارکردهای ویژه اقتصادی است که زمینه های همگرایی با کشورهای عضو را افزایش می بخشد. در تاریخ مناسبات ایران و روسیه، که پیشینه آن به صدها سال پیش باز می گردد، همواره تعاملات اقتصادی یکی از اجزای مهم این روابط بوده که

گاهی از سطح توسعه مناسبات سیاسی پیش افتاده و گاهی بسیار عقب مانده است. به عبارت دیگر، تعاملات اقتصادی در شرایط جدید یکی از مهمترین عوامل گسترش همکاری میان کشورها تلقی می شوند. بنابراین اولاً با توجه به محدودیتهایی که در عرصه سیاست خارجی از سوی قدرتهای فرامنطقه ای علیه ایران صورت میگیرد سبب شده است تا دولت در ایران در عرصه بین المللی و منطقه ای با چالشهایی روبه رو شود. از سوی دیگر، با بهره بردن از چالش های ایجادشده در روابط روسیه (به عنوان قدرت مهم این اتحادیه) با اروپای غربی و آمریکا، میتوان از این چالشها به عنوان فرصتهایی استفاده کرد. تعامل با اتحادیه اقتصادی اوراسیایی این فرصت را فراهم کرده، به طوری که منجر شده حجم تجارت ایران روند صعودی به خود بگیرد و مناسبات اقتصادی تهران و مسکو در زمینه های گوناگون تجاری، انرژی، حمل و نقل فنی و صنعتی در جریان بوده و به شکل روزافزونی ادامه داشته باشد. دوماً موقعیت جغرافیایی بسیار به صرفه ایران، امکان صحبت از پتانسیل بالای کریدور ترانزیتی بین المللی «شمال - جنوب»، به طول بیش از ۵/۵ هزار کیلومتر را فراهم می آورد و با توجه ظرفیتهای ایران در زمینه ترانزیت و استفاده از ظرفیت ایران برای مبادلات تجاری روسیه با هند و پاکستان و جنوب شرق آسیا و به جهت قرار گرفتن دو دریای خزر در شمال و خلیج فارس در جنوب و قرار گرفتن در موقعیت ترانزیتی شرق به غرب، می تواند یکی دیگر از عوامل تعامل با اتحادیه باشد. سوماً ایجاد منطقه آزاد تجاری با سایر کشورهایی که دارای اقتصاد در حال توسعه هستند، از سیاست های اتحادیه اقتصادی اوراسیایی می باشد. مناطق آزاد تجاری ایران با داشتن ظرفیت های منحصر به فرد در بخش تولید محصولات صنعتی و کشاورزی در

کنار توانمندی های لجستیک و ترانزیتی می تواند موثرترین مناطق در توسعه مرادوات اقتصادی با اتحادیه باشد. چهارما استقرار تدریجی بازار مشترک انرژی، قیمت گذاری بازار، توسعه رقابت، برداشتن موانع تجارت در منابع انرژی، توسعه زیرساخت های حمل و نقل انرژی از مواردی است که این اتحادیه به آن اهتمام دارد و با توجه به اینکه ایران و روسیه از بزرگترین دارندگان منابع انرژی به خصوص نفت و گاز در جهان می باشند و موقعیت ژئوپلیتیک ایران در ترانزیت انرژی و علاقه مندی شرکت های نفت و گاز روسیه برای شرکت در پروژه های انرژی ایران، می تواند زمینه همکاری بیش از پیش را فراهم کند و نهایتا طبق آمار بیشترین حجم تجارت در اتحادیه با روسیه بوده که با در نظر گرفتن مواردی مانند مزیت نسبی و کیفیت محصولات توسط ایران، میتواند منجر به جهش در صادرات غیرنفتی ایران و توسعه همگرایی با روسیه شود.

درحال حاضر هرچند نمی توان روابط ایران و روسیه را در قالب اتحاد استراتژیک تعریف کرد، واقعیت این است که این رابطه هم اکنون از همگرایی هم بالاتر و مستحکمتر است؛ بنابراین دو کشور در برهه فعلی رابطه ای تعمیق یافته و وسیع تری را تجربه می کنند، به ویژه اینکه نزدیک شدن مسکو و تهران متضمن منافع مشترکی است که از هیچ رهگذر دیگری تأمین نمی شود. بر این اساس باید بگوییم اتحادیه اقتصادی اوراسیایی بهترین بستر برای توسعه همکاری و همگرایی ایران و روسیه می باشد.

منابع فارسی

الف: کتابها

- دامن پاک جامی، مرتضی (۱۳۸۸)، دیپلماسی اقتصادی جمهوری

اسلامی ایران در آسیای مرکزی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

- دوئرتی، جیمز؛ رابرت فالتزگراف (۱۳۷۲)، نظریه‌های متعارض در روابط بین الملل، ج ۲، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: قومس
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹)، نظریه‌های همگرایی منطقه ای و رژیم های بین المللی، تهران: مخاطب
- ریتبرگر، فالکر، برنارد زنگل (۱۳۸۹)، سازمان های بین المللی، ترجمه علی بغیری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۰)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، چاپ هفتم، تهران: سمت

ب- مقالات:

- اردکانیان، رضا (۱۳۹۸)، اتحادیه اقتصادی اوراسیا؛ ابزاری برای توسعه همگرایی منطقه ای، روزنامه ایران، ۹ آبان ماه، ۱۳۹۸
- برزگر، کیهان (۱۳۹۷)، راهبرد سیاست خارجی ایران در توازن قوای منطقه ای، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیست و یکم، شماره ۴.
- اسلامی، مسعود (۱۳۹۱)، دیپلماسی انرژی ایران و روسیه: زمینه های همگرایی و واگرایی»، راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۴.
- اصولی، قاسم و رسولی، رویا (۱۳۹۲)، روابط روسیه و ایران: فرصت ها، چالش ها و سازو کارهای بسط روابط، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۱.
- اطهری، سید اسدا... و فیاضی، عبدالناصر (۱۳۹۱)، ایالات متحده آمریکا بر همگرایی و واگرایی جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز. شماره ۸۲
- امیراحمدیان، بهرام، (۱۳۹۸)، کریدور بینالمللی حمل و نقل شمال -

- جنوب؛ از ایده تا واقعیت، ماهنامه امنیت بین الملل، سال دوم، آذر ۹۸.
- امیری، مهدی، (۱۳۹۰)، نظام متغیر موازنه قدرت در اوراسیای مرکزی و پیامدهای آن برای ایران، فصلنامه مجلس و راهبرد، شماره ۶۵.
 - ایلداری، سهیل، (۱۳۹۵)، احیای شوروی یا گسترش همکاری های منطقه ای / روسیه با تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا چه هدفی را دنبال می کند، ماهنامه روند اقتصادی، شماره ۷۴
 - بهمن، شعیب، (۱۳۹۸)، ایران و استفاده از ظرفیتهای روسیه در مواجهه با تحریمها، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیستم، شماره ۱
 - پرند، فرهاد و عسگریان، حسین، (۱۳۹۸)، فرصت ها و چالش های همکاری های ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی، ماهنامه امنیت بین الملل، سال دوم، آذر ۹۸.
 - جالینوس، احمد و قورجیلی، حامد وامری، سجاد، (۱۳۹۱)، ایران هسته ای و تأثیر آن بر روند همگرایی بیشتر با شورای همکاری خلیج فارس، پژوهشهای سیاسی، شماره ۵
 - جعفری، علی اکبر و تقی نژاد، روح الله، (۱۳۹۱)، بایسته های روابط آینده ایران و روسیه: الزامات انرژی محور تا اقتضائات فناوری پایه، فصلنامه ایسیای مرکزی و قفقاز، زمستان، شماره ۸۰
 - خانمحمدی، زهره، (۱۳۹۸)، ظرفیت های مناطق ویژه اقتصادی روسیه در توسعه همکاری های اقتصادی ایران و روسیه، ماهنامه امنیت بین الملل، سال دوم، آذر ۹۸.
 - خورسند لیه چاک، مهدی، (۱۳۹۷)، پیوستن ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیایی و تأثیر آن بر منافع سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی، دانشگاه علامه طباطبایی.
 - هقاتی فیروزآبادی، سیدجلال و دامن پاک جامی، مرتضی، (۱۳۹۵)،

دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی؛ ارزیابی ۲۵ سال روابط اقتصادی ایزان و جمهوری ها پس از استقلال، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۶.

- رسولی نژاد، احسان، (۱۳۹۸)، مناطق ویژه اقتصادی و نقش آنها در همگرایی ایران با اوراسیای مرکزی، ماهنامه امنیت بین الملل، شماره ۱۱

- رضازاده، سخاوت، (۱۳۸۴)، ریشه های همگرایی و واگرایی در مناسبات جمهوری اسلامی ایران و روسیه، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۲.

- زارع، سارا و اخوان کاظمی، مسعود و قیاسی، صابر، (۱۳۹۸)، تأثیر تحریمهای ایالت متحده آمریکا بر روابط اقتصادی دو جانبه ایران و روسیه، فصلنامه پژوهشهای روابط بین الملل، دوره نهم، شماره سوم

ز

- ارعی، غفار و عباسی، اسماعیل، (۱۳۹۷)، اتحادیه اقتصادی اوراسیایی در چشم انداز روسی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰۴.

- زهرانی، مصطفی و فرجی، تیمور و تجری، سعید، (۱۳۹۴)، جایگاه راهآهن شرق دریای خزر در همگرایی منطقهای ایران با آسیای مرکزی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۹

- سعادت، رحمان و محسنی، ناهید، (۱۳۹۲)، بررسی همگرایی اقتصادی میان ایران و کشورهای حوزه دریای خزر (کاربرد مدل جاذبه)، فصلنامه پژوهش بازرگانی، شماره ۷۳.

س

- لیمان پور، هادی و سلیمانی درچاق، مریم، (۱۳۹۵)، همگرایی اقتصادی در اوراسیای مرکزی در تطبیق با الگوی کانتوری و اشیپگل، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۳.

- سیمبر، رضا و گل افروز، محمد، (۱۳۸۸)، فرصت های مشترک ایران و روسیه در عرصه ژئوپلیتیک انرژی: وضعیت فعلی و چشم انداز، راهبرد توسعه، شماره ۱۹.
- صادقی، سیدشمس الدین. مرادی، سمیرا، (۱۳۹۶)، ایران پساتحریم و چشمانداز ائتلاف راهبردی با روسیه، فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۲۰
- صیفی، محسن، (۱۳۹۶)، همکاری های بین المللی: تلاش برای ایجاد رژیم مشترک تجاری / چشم انداز تعامل و همکاری جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ماهنامه پیام دریا، شماره ۲۴۴
- عابدی اردکانی، محمد و راستین دل، نجیبالله، (۱۳۹۶)، راهبردهای سیاست خارجی جمهوریاسلامی ایران در برقراری همگرایی در خاورمیانه و موانع آن، رهیافت های سیاسی و بین المللی، شماره ۴۹
- عباسی، ابراهیم و علیمرادی، یوسف، (۱۳۹۳)، بانک توسعه اسلامی و همگرایی در خاورمیانه، فصلنامه کتالعات سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره ۱۲.
- عسگری، منصور، (۱۳۹۸)، عوامل موثر بر صادرات ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا، فصلنامه مدلسازی اقتصادی، شماره ۴۷
- عیاری، علیرضا، (۲۰۱۹)، مجموعه مقالات Regional Russia. چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس).
- علوی فر، سیدامیرحسین، (۱۳۹۴)، روند شکل گیری اتحادیه اقتصادی اوراسیا و ظرفیتهای اقتصادی آن، ایراس.
- فرسائی، شهرام و قاسمی، حاکم و نوازی، بهرام، (۱۳۹۸)، فرصتهای اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در همگرایی اتحادیه اقتصادی اوراسیایی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰۸
- کرامتی نیا، رقیه، (۱۳۹۸)، زیرساختهای حمل و نقل به مثابه شریان های حیاتی توسعه اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ماهنامه امنیت بین

الملل، شماره ۱۱

- کرمی، جهانگیر، (۱۳۸۹)، روابط ایران و روسیه در سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸: بسترهای عوامل و محدودیتها، مطالعات اورسیای مرکزی، سال سوم، شماره ۶.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۹۷)، ایران و روسیه در گذر تاریخ محیط امنیتی و مسئله تهدید واتحاد، فصلنامه تاریخ روابط خارجی. شماره ۷۵
- کریمی پور، داود و ندافان، مسعود (۱۳۹۱)، فرازو فرود سیاست خارجی روسیه در قبال همکاری های تسلیحاتی با جمهوری اسلامی ایران (۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ م)، ره آورد سیاسی، شماره ۳۷.
- مجتهدزاده، پیروز و رشیدی نژاد، احمد (۱۳۹۰)، رقابت روسیه با ایران در حوزه انرژی مناطق آسیای مرکزی-خزر و قفقاز، فصلنامه اقتصاد-راهبرد توسعه، شماره ۲۵.
- محرابی، علیرضا و عابدینی، امیرعلی (۱۳۹۴)، آینده پژوهی دیالکتیک علائق ژئوپولیتیکی ایالات متحده آمریکا، ایران و روسیه در آسیای مرکزی، مجله علوم جغرافیایی، شماره ۲۴
- مهکویی، حجت و گودرزی، مهناز (۱۳۹۸)، تأثیر اتحادیه اقتصادی اوراسیا بر موقعیت ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۲، شماره ۲
-
- یرفخرایی، سیدحسن (۱۳۹۴)، اتحادیه اقتصادی اوراسیایی و الزامات ژئواکونومک آن برای ایران، فصلنامه مطالعات روطب بین الملل، سال هشتم، شماره ۳۲.
- مولایی پور، منصور؛ لطفعلی پور، محمدرضا؛ مهدوی عادل، محمدحسین، (۱۳۹۷)، بررسی یکپارچگی اقتصادی ایران با روسیه در حوزه CIS و شرط مارشال- لرنر، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره

۸۸

- ندیمی دفرازی، محمدرضا، (۱۳۹۶)، واکاوی ظرفیت های همکاری و همگرایی منطقه ای ایران و روسیه در آسیای مرکزی، دانشگاه محقق اردبیلی.
- نوری، علیرضا (۱۳۹۷)، ایران، روسیه و همگرایی اوراسیایی؛ منافع منطقه گرایی فعال، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۲، شماره ۱.
- نوروزیه، محمود (۱۳۹۸)، آغاز تجارت آزاد ایران و اوراسیایی، توسعه ایرانی"، روزنامه شماره ۳۲۷.
- ولیقلیزاده، علی (۱۳۹۰)، نگاه اجمالی به همگرایی های جدید در اوراسیای مرکزی و چالش های احتمالی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۶.
- واعظی، محمود (۱۳۸۸)، منافع روسیه و غرب در آسیای مرکزی و قفقاز و نقش تشکلهای چندجانبه، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۶.
- ویسی، هادی (۱۳۹۶)، بررسی رقابتهای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی پاکستان و ایران در ایجاد کریدور شمالی - جنوبی اوراسیا: مزیتها و تهدیدها، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سیزدهم، شماره اول
- هدایتی شهیدانی، مهدی (۱۳۹۸)، ضرورت باز اندیشی ارزی در تعاملات اقتصادی ایران و اوراسیا، ماهنامه امنیت بین الملل، سال دوم، آذر ۹۸.

ج- منابع اینترنتی

- اینانلو، اطهر، (۱۳۹۸)، پیوستن به اتحادیه اوراسیایی؛ دروازه جدیدی برای اقتصاد ایران"، ایرنا، قابل دسترسی در ۱۹ مهر ماه ۱۳۹۸ از <https://www.Irna.ir/news/83495929>
- سازمان توسعه تجارت ایران، (۱۳۹۷)، اجرایی شدن موافقتنامه تجاری نیب جمهوری اسلامی ایران واتحادیه اقتصادی اوراسیا، قابل دسترسی

در ۳۰ شهریورماه ۱۳۹۸ از

<http://www.tpo.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=701&newsview=8390>.

- میرزاخانی، داوود، (۱۳۹۸)، اهمیت موافقتنامه تجاری ایران با اتحادیه اوراسیایی، گفتوگو دستیار وزیر نیرو در کمیسیون همکاریهای ایران و روسیه، پایگاه اطلاع رسانی وزارت نیرو، قابل دسترسی در سوم آذرماه، ۱۳۹۸ از

<http://news.moe.gov.ir/Detail?anwid=76781>

- اندیشکده راهبردی تبیین، (۱۳۹۵)، ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا؛ فرصت ها و چالش ها، قابل دسترسی در ۲۵ دی ۹۵ از

<http://tabyincenter.ir/16248/>

- ایرنا، (۱۳۹۹)، تجارت خارجی ایران با اوراسیا به ۲٫۱ میلیارد دلار رسید، قابل دسترسی در ۱۲ خرداد ۹۹ از

www.irna.ir/news/83807396/

- دنیای اقتصاد، (۱۳۹۹)، کارنامه ایران در بازار اوراسیا، قابل دسترسی در ۲۱ اسفند ۹۸ از <https://www.donya-e-eqtesad.com/fa/tiny/news-3634533>

- منزویزاده، محمود، (۱۳۹۹)، توافق اوراسیا و مناطق آزاد، روزنامه

اعتماد، قابل دسترسی در سه شنبه ۲ اردیبهشت از

<http://www.etemadnewspaper.ir/fa/Main/Detail/145>

۸۹۸

- د: منابع لاتین

- Blockmans Steven, Hrant Kostanyan and Ievgen Vorobiov (2012), "Towards a Eurasian Economic Union: The challenge of integration and unity", *Centre for European Policy Studies (CEPS)*, No75.

- oguslavska Kateryna, (2015) *The First Steps of The*

- Eurasian Economic Union: Disputes, Initiatives and Results*, Russian Analytical Digest, No.170
- Dougherty and Pfalzgraff (1981) *Contending Theories of International Relations* New York: Harpar Row Publishers.
 - Dragneva and Kataryna Wolczuk, (2016) *Eurasian Economic Integration Institutions, Promises and Fault*, Available at: <http://www.lse.ac.uk>, Accessed on: 28/ January/2016
 - Eurasian Economic Union (2018) *Disputes, Initiatives and Results*, Russian Analytical Digest, No.170.
 - Hans Michael Wolfgang, Gennadiy Brovka and Igor Belozarov (2013), "The Eurasian Customs Union in transition", *World Customs Journal*, No. 2.
 - Hass, B, Ernest (1964) *Beyond the Nation-State*, California: Stanford University press.
 - Moldashev Kairat and Mohamed Aslam (2015), "Russia in the Pursuit of Eurasian Integration: Developmental Regionalism or Identity Project?" ISA Global South Caucus Conference, at: <http://www.eaeunion.org>, Accessed on: 27 October 2019.

نقش اتحادیه اقتصادی اوراسیا در توسعه تجارت خارجی ایران

محمود نورانی^۱، سیروس احمدی نوحدانی^۲

^۱ دانشجوی دکتری گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران

^۲ استادیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران

چکیده

همگرایی منطقه‌ای در انواع مختلف در بخش‌های مختلف جهان صورت می‌گیرد که تشکیل اتحادیه‌ها یکی از انواع آن است. تلقی تجارت به عنوان موتور توسعه باعث شده هر آنچه در گسترش مبادلات تجاری نقش دارد از سوی کشورها استقبال شود. گسترش پدیده جهانی شدن اقتصاد سبب شد تا روابط و همکاری کشورها در جهت تحصیل منافع در قالب همکاری‌های منطقه‌ای در دستور کار بسیاری از کشورهای در حال توسعه به‌ویژه کشور ایران قرار گیرد. تعامل با اتحادیه اقتصادی اوراسیا ایران را در ایجاد زمینه‌های لازم برای تجارت ترجیحی و همگرایی اقتصادی با خود مشتاق نموده است. این مطالعه تلاش می‌کند تا جایگاه ایران در تعامل با منطقه اوراسیا را با گزاره‌های اقتصادی بیان کند. با توجه به اینکه بین ج.ا.ایران و این اتحادیه مذاکراتی در خصوص امضای توافقنامه تجارت آزاد اقتصادی در جریان است و این امر می‌تواند پیامدهایی بر کشور داشته باشد، اهمیت فهم روندی که در حال اتفاق است دو چندان می‌شود.

واژگان کلیدی: اتحادیه اقتصادی، اتحادیه گمرکی، اوراسیا، تجارت خارجی، همگرایی منطقه‌ای

۱- مقدمه

انگیزه اصلی کشورها در حرکت به سوی آزادسازی تجاری، دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی بالاتر در بستر اقتصاد جهانی است. امروزه جهانی شدن سبب باز شدن اقتصادهای ملی در ابعاد داخلی و خارجی شده و ضمن بین‌المللی نمودن بازار جهانی محیطی کاملاً رقابتی ایجاد نموده است که در آن تنها واحدهای اقتصادی قدرتمند و کارآمد مجال بقا خواهند داشت (Valizadeh and Alizadeh, 2018:515). یکی از ویژگی‌های جهانی شدن؛ همگرایی اقتصادی، ادغام و یکپارچگی تجارت جهانی در قالب سازمان‌های بین‌المللی و

حرکت کشورها در جهت رفع موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای می‌باشد. با توجه به روند کنونی اقتصاد که به سمت یکپارچگی و جهانی شدن پیش می‌رود؛ همکاری‌های منطقه‌ای می‌تواند نقش مهمی در حضور گسترده‌تر کشورها در صحنه‌های بین‌المللی ایفا نماید (Falk, 2004:67). کشورها تلاش می‌کنند که از طریق منطقه‌گرایی به مزیت رقابتی در بازار جهانی دست یابند تا مسائل تجاری و اقتصادی را در مقیاس منطقه‌ای حل و فصل نمایند. گام بعدی پس از همگرایی منطقه‌ای، شکستن دیوار مرزها و تشکیل بلوک‌های تجاری با کشورهای هدف است که زمینه‌ساز توسعه روابط تجاری و همگامی با فرایند جهانی شدن می‌باشد و باز شدن اقتصاد کشورها نیز از مزایای آن در مراحل بعد خواهد بود. در چنین شرایطی بلوک‌های تجاری از طریق حذف موانع تعرفه‌ای و سایر موانع گمرکی موجود در منطقه و نیز دسترسی واحدهای تولیدی به بازارهای وسیع‌تر ایجاد می‌گردد و موانع انتقال سرمایه و تکنولوژی در محدوده منطقه برداشته می‌شود و در مجموع افق‌های گسترده‌تری در برابر واحدهای تولیدی و شرکت‌ها گشوده می‌شود. گسترش پدیده جهانی شدن اقتصاد سبب شد تا روابط و همکاری کشورها در جهت تحصیل منافع در قالب همکاری‌های منطقه‌ای در دستور کار بسیاری از کشورهای در حال توسعه به ویژه کشور ایران قرار گیرد. تعامل با چنین کشورهایی ایران را در ایجاد زمینه‌های لازم برای تجارت ترجیحی و همگرایی اقتصادی با خود مشتاق نموده است. برای کشورهای در حال توسعه مانند ایران که آمادگی ورود ناگهانی به تجارت آزاد را ندارند، منطقه‌گرایی می‌تواند مؤثرترین راه برای گشودن تدریجی اقتصادهای ملی این کشورها و ادغام آن‌ها در اقتصاد جهانی باشد. ایران یک قدرت منطقه‌ای در جنوب غربی آسیا است

و جایگاه مهمی را به دلیل داشتن صنعت نفت، صنعت پتروشیمی، گاز طبیعی و خودروسازی برای خود و اقتصاد جهانی به دست آورده است و خطوط و مواصلات بین‌المللی شرق و جنوب شرق آسیا و اروپا توسط ایران فراهم می باشد. ویژگی‌های جغرافیای سیاسی ایران در حد فاصل منطقه آسیای مرکزی، خزر، خلیج فارس و غرب آسیا همواره زمینه‌های بالقوه‌ای را برای پیشبرد اهداف اقتصادی-منطقه‌ای در سیاست خارجی ایران ایجاد کرده است. بدیهی است که ایران برای دستیابی به بازارهای صادراتی جهان و افزایش سهم از این بازارها به نسبت جمعیت و توان اقتصادی خود باید ایجاد فضای مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و پیگیری عضویت در سازمان تجارت جهانی را محور اصلی این تعامل قرار دهد. در کنار توسعه روابط اقتصادی دوجانبه، یکی از مهم‌ترین گزینه‌های پیش روی ایران برای بسط تجارت تعامل سازنده با اقتصاد جهانی و تطابق تدریجی با استانداردهای جهانی عضویت در بلوک‌های تجاری منطقه‌ای و روی آوردن به چندجانبه‌گرایی است (Alavi Far, 2016:2). تحولاتی که در حوزه همسایگان شمالی کشور ایران رخ می‌دهد پیوندی ناگسستنی با منافع و امنیت ملی کشور داشته و دارد. پس از فروپاشی شوروی، روسیه دوره‌ای از نگاه به غرب و تلاش سیاست‌مداران این کشور برای نزدیکی به آمریکا و اروپا و گذار سریع به اقتصاد لیبرال و بازار آزاد را پشت سر گذاشت که به لحاظ سیاسی، اقتصادی و حتی اجتماعی پیامدهای مثبتی برای این کشور در پی نداشت

(March, 2012:404). به تدریج این نگاه جای خود را به رویکرد

اوراسیاگرایی داد که رویکردی دیرپا در روسیه می باشد (Shlapentokh, ۲۰۰۶:۱۲).

اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EEU) یک سازمان بین المللی برای ادغام اقتصاد منطقه ای است که دارای شخصیت حقوقی بین المللی است. هدف اصلی از ایجاد اتحادیه اقتصادی اوراسیا را باید تلاشی در مسیر تحقق "پروژه همگرایی اوراسیا" دانست که دستیابی به اهداف سیاسی را از مسیر اقتصاد دنبال می کند و به منظور نیل به این هدف، چهار سیاست "توسعه سازمانی"، "توسعه داخلی"، "توسعه از مسیر روابط دوجانبه" و "توسعه خارجی" را پیگیری می نماید. به عبارت دیگر، تعمیق و گسترش همکاری از طریق ساختار سازمانی، دولت های عضو و شرکای خارجی را در دستور کار قرار داده است. (Li, 2018:95)

اتحادیه اقتصادی اوراسیا سیاست های هماهنگ و واحدی را در بخش های تعیین شده توسط پیمان ها و موافقت نامه های بین المللی در اتحادیه دنبال می کند. درباره اهداف این اتحادیه اقتصادی می توان به تسهیل تجارت، ایجاد بازار مشترک، حذف تدریجی قوانین گمرکی در داخل اتحادیه، برقراری تعرفه خارجی مشترک در میان کشورهای عضو و هماهنگ سازی تشریفات گمرکی اشاره کرد. کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا کشورهایی از آسیای مرکزی و شمالی و اروپای شرقی هستند که شامل بلاروس، قزاقستان، روسیه، ارمنستان و قرقیزستان می شوند. تعرفه گمرکی در تجارت کالایی بین اعضای اتحادیه صفر است و اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا تعرفه خارجی مشترکی برای کالاهایی که از خارج از اتحادیه وارد می شوند، اعمال می کنند. اتحادیه

^۱Eurasian Economic Union (EEU)

اقتصادی اوراسیا برای ارتقای رقابت و همکاری بین اقتصادها و بهبود توسعه پایدار به منظور بهبود سطح زندگی کشورهای عضو ایجاد شده است. پیمان بین کشورهای عضو این اتحادیه در سال ۲۰۱۴ به امضا رسید و در ابتدای سال ۲۰۱۵ لازم الاجرا شد. به دلیل این که کشورهای جهان به تنهایی تمام عوامل تولید را در اختیار ندارند و در این زمینه با محدودیت‌هایی مواجه هستند و از سوی دیگر همگرایی‌های اقتصادی موجب رفاه ثروت و کسب قدرت می‌شوند و به دولت‌ها در رسیدن به اهداف سیاسی و امنیتی که جزو اهداف و منافع ملی حیاتی کشورها نیز هستند، کمک شایانی می‌نمایند؛ همکاری اقتصادی را می‌توان مهم‌ترین نوع همکاری منطقه‌ای نامید (Soleimanpour and Soleimani Darchagh, 2016:۷۰). تعاون و همکاری اقتصادی در واقع نوعی تمدن را به دنبال خود دارد که وراثت و وابستگی بیش‌تر انسان‌ها به یکدیگر و ایجاد محدودیت‌های خاص خویش، جلوه‌ای از رفاه را نیز عاید جوامع بشری می‌سازد. در این خصوص تجارت به عنوان شاه بیت رابطه اقتصادی بین کشورها و راهکاری اساسی در جهت کسب سود و منفعت بین‌المللی فراروی کشورها قرار می‌گیرد. هرچه قدر روابط تجاری در ساختار خود سود و منفعت بیشتری را عاید کشورها نمایند، از جذابیت بیشتری برخوردار خواهند بود. یکی از تجربیات موفق در این زمینه، ایجاد توافقات تجاری ترجیحی^۱ است (Taibi and Taheri, 2005:5).

این روند همگرایی اقتصادی به لحاظ کیفی و کمی با طرح‌ها و اقداماتی که پیش از این در این منطقه مطرح شده‌اند، متفاوت است. به دلیل پیامدهایی

^۱ Preferential Trade Agreement (PTA)

که این روند بر ساختار سیاسی و اقتصادی منطقه خواهد داشت؛ و نیز فرصت‌ها و چالش‌هایی که برای کشور ایران در پی خواهد داشت، لازم است تا روند تحولات مربوط به این موضوع مورد کنکاش قرار گیرد. با توجه به شرایط کشورهای عضو اتحادیه و نیز شرایط ایران (به عنوان یکی از اقتصادهای پر قدرت در منطقه خاورمیانه، داشتن منابع غنی معدنی و طبیعی و همچنین ذخایر فراوان نفت و گاز)، توسعه ارتباط ایران و کشورهای عضو به طور قطع موجب ارتقای تجارت منطقه‌ای و جهانی شده و کشورهای عضو می‌توانند بازارهای مناسبی در جذب صادرات ایران و تأمین نیازهای وارداتی ایران باشند.

این مقاله با هدف بررسی نقش اتحادیه اوراسیا در توسعه تجارت خارجی ایران نگاشته شده است. در بخش دوم این مقاله تاریخچه پیدایش اتحادیه اقتصادی اوراسیا بررسی شده است. در بخش سوم مقاله، ساختار و نهادهای مدیریتی اتحادیه تبیین شده است. سپس جایگاه کنونی اتحادیه اوراسیا و لزوم آن و همچنین منافع آن در دو بخش رشد و توسعه اقتصادی و تجارت خارجی مطرح شده است. در بخش پنجم، تجارت کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۸ مقایسه گردیده است. سپس نقش تعرفه در گسترش مبادلات تجاری ایران با اتحادیه اوراسیا مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان، جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی مطرح شده است.

۲- تاریخچه پیدایش اتحادیه اقتصادی اوراسیا

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، یکپارچگی اوراسیایی با هدف ساخت چارچوب جدیدی برای همکاری میان کشورهای بازمانده از اتحاد شوروی بنیان نهاده شد. مفهوم و نهادسازی مربوط به یکپارچگی اقتصادی اوراسیایی در طول دو

دهه گذشته ظهور پیدا کرده است (Courtney, 2015:1). تلاش‌های متعددی در طول دو دهه گذشته به وسیله دولت‌های مستقل مشترک‌المنافع^۱ انجام شده است تا یکپارچگی اقتصادی عمیق‌تری پدید آید (Mirfakhraee, 2015:151).

ریشه نظری تکوین اتحادیه اقتصادی اوراسیا را بایستی در پیشنهاد نور سلطان نظربایف، رئیس جمهور قزاقستان در سال ۱۹۹۴، در خصوص تکوین بلوک تجاری منطقه‌ای جستجو کرد. در سال ۱۹۹۵، بلاروس، قزاقستان و روسیه، کمی بعد قرقیزستان و تاجیکستان نخستین توافق‌نامه را جهت تأسیس یک اتحادیه گمرکی امضا کردند. هدف این بود که به مرور به سمت ایجاد مرزهای باز و بدون کنترل پاسپورت بین دولت‌های عضو پیش روند. در سال ۱۹۹۶ معاهده‌ای بین کشورهای بلاروس، قزاقستان، روسیه و قرقیزستان امضا شد که طی آن به اتحاد اقتصادی کشورهای عضو و ایجاد بازارهای مشترک برای تبادل کالا، خدمات حمل و نقل، گردش اطلاعات و نیز انرژی تأکید شده بود. در سال ۱۹۹۹ بلاروس، قزاقستان، روسیه، قرقیزستان و تاجیکستان صحبت‌های اولیه را در خصوص معاهده اتحادیه گمرک و فضای مشترک اقتصادی با روشن کردن اهداف و سیاست‌ها و مسئولیت‌های فی مابین امضا کردند تا زمینه ایجاد اتحادیه گمرکی اوراسیا و فضای مشترک اقتصادی را در سال‌های بعدی فراهم کنند (Alavi Far, 2016:5).

فصل جدیدی از همکاری اقتصادی در سال ۲۰۰۰ آغاز شد. در این سال با پیشنهاد روسیه تصمیم به گسترش و هماهنگی فعالیت‌های اقتصادی در قالب جدید گرفته شد. از همین رو، دهم اکتبر ۲۰۰۰ کشورهای روسیه، بلاروس،

^۱Commonwealth of Independent States (CIS)

قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان جامعه اقتصادی اوراسیا را که شکل توسعه یافته‌تر اتحادیه گمرکی بود، بنیان گذاشتند. پس از تصویب سند تأسیس آن در پارلمان کشورهای عضو از ماه می سال ۲۰۰۱ میلادی جامعه اقتصادی اوراسیا به طور رسمی فعالیت خود را آغاز کرد. در سال ۲۰۰۲ نیز مولداوی و اکراین و در سال ۲۰۰۳ ارمنستان به عنوان اعضای ناظر به عضویت این جامعه درآمدند. همگرایی اقتصادی در حوزه اوراسیای مرکزی در بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ بر محور جامعه اقتصادی اوراسیا قرار داشت (Sajadpour and Soleimani Darchagh, 2016:105)

جامعه اقتصادی اوراسیا از سال ۲۰۰۷ به این سو با تحولات مهمی رو به رو گردید. مهم‌ترین آن‌ها اجرایی شدن اتحادیه گمرکی اوراسیا و نیز تشکیل فضای واحد اقتصادی در این منطقه بوده است. همان گونه که در بیان اهداف جامعه به آن اشاره شد، مهم‌ترین مقصود جامعه اقتصادی اوراسیا توسعه همکاری‌های اقتصادی و تجاری، تشکیل اتحادیه گمرکی و فضای اقتصادی مشترک به منظور هماهنگ نمودن اقدامات اعضای جامعه و در راستای همگرایی با اقتصاد جهانی بوده است. در راستای اجرای این اهداف در سال ۲۰۰۷ سه کشور روسیه، قزاقستان و بلاروس در خصوص ایجاد یک اتحادیه گمرکی به توافق رسیدند. این اتحادیه در ابتدای ژانویه ۲۰۱۰ تأسیس شد که بر اساس آن مقرر گردید تا یک فضای واحد گمرکی مشتمل بر حذف مبادی گمرکی و مرزهای اقتصادی بین سه کشور و ایجاد تعرفه مشترک نسبت به کشور ثالث شکل گیرد. بر این اساس، اتحادیه گمرکی اوراسیا به معنی راه‌اندازی برنامه مبتنی بر کدهای گمرکی مشترک، تعرفه گمرکی یکسان، سیستم‌های حفاظتی برای بازار داخلی، یک سیستم مشترک برای تجارت

خارجی و محیط قانونی مشترک با معافیت عوارض گمرکی و رفع محدودیت‌های اقتصادی را شامل می‌شد (Tabac, 2016:26).

در اکتبر ۲۰۱۱ سه کشور روسیه، قزاقستان و بلاروس در خصوص تأسیس اتحادیه اقتصادی اوراسیا با یکدیگر توافق کردند. از همان زمان کار بر روی تنظیم مفاد پیمان آغاز شد و سه سال بعد در ماه می ۲۰۱۴، پیمان تأسیس اتحادیه اقتصادی اوراسیا توسط سه کشور یاد شده امضا شد. زمان اجرایی شدن آن از اول ژانویه ۲۰۱۵ پیش‌بینی شده بود. ارمنستان در ۹ اکتبر ۲۰۱۴ درخواست عضویت در اتحادیه اقتصادی اوراسیا را عنوان نمود که در ۲ ژانویه ۲۰۱۵ با آن موافقت شد و از این تاریخ به عضویت اتحادیه درآمد. معاهده پیوستن قرقیزستان نیز در دسامبر ۲۰۱۴ امضا شد و از ۲۹ می ۲۰۱۵ عضویت کامل این کشور مورد توافق قرار گرفت (Sajadpour and Soleimani Darchagh, 2016:۱۰۲). کمیسیون اقتصادی اوراسیا در گزارشی که از وضعیت این اتحادیه در شش ماهه نخست سال ۲۰۱۵ ارائه کرده است، تشکیل اتحادیه را با عنوان یک مجمع اقتصادی یکپارچه‌گرا با هدف حفظ منافع اقتصادی خود مجمع به شکل عام و کشورهای مشارکت‌کننده به شکل خاص معرفی می‌کند. با این حال، به‌منظور توسعه همگرایی هرچه بیشتر، سیاست گسترش اعضا و برقراری ارتباط با سایر کشورها در قالب موافقت‌نامه منطقه آزاد تجاری و یا موافقت‌نامه ترجیحی در اهداف کلان اتحادیه اوراسیایی مشاهده می‌شود.

نام ایران نیز برای پیوستن به اتحادیه اقتصادی اوراسیا نخستین بار در ماه می سال ۲۰۱۵ مطرح شد که اولین حرکات در راستای امضای یک توافق‌نامه تجارت آزاد توسط کمیسیون اقتصادی اوراسیا اعلام شد. اتحادیه اوراسیا یکی

از مهم‌ترین گروه‌بندی‌ها در همسایگی ایران است که دارای نقاط مشترک فرهنگی، سیاسی و ژئوپولیتیک با ایران بوده و از اهمیت ویژه‌ای برای این کشور برخوردار است. توافق با اتحادیه اقتصادی اوراسیا یکی از مهم‌ترین تجربه‌های جدی ایران در توافق با یک اتحادیه اقتصادی منطقه‌ای است و یکی از کامل‌ترین و مفصل‌ترین موافقتنامه‌های تجاری ایران است. علاوه بر تشکیل اتحادیه گمرکی و فضای مشترک اقتصادی، روسیه تلاش کرده است تا با راه‌اندازی صندوق ضد بحران، ایجاد مرکز فناوری‌های برتر و نیز شورای کسب و کار در قالب جامعه اقتصادی اوراسیا، همگرایی اقتصادی را در میان کشورهای عضو افزایش دهد و در عین حال با ایجاد جذابیت‌های اقتصادی برای کشورهای این منطقه ضمن تعمیق همکاری‌ها، مانع عضویت کشورهای منطقه در گروه‌بندی‌های رقیب شود (Mankoff, 2011:18-20).

اهداف عمده اتحادیه اقتصادی اوراسیا بر اساس راهبرد تعیین شده عبارت اند از:

- تسهیل تجارت
- ایجاد بازار مشترک بین کشورهای عضو اتحادیه
- حذف تدریجی قوانین گمرکی در داخل اتحادیه
- برقراری تعرفه مشترک در میان کشورهای عضو
- هماهنگ‌سازی تشریفات گمرکی
- جابه‌جایی آزاد کالا، سرمایه، نیروی کار و خدمات در مرزهای اوراسیا

- برقراری سیاست مشترک در زمینه انرژی، صنعت، کشاورزی و وسایل نقلیه

۳- ساختار و نهادهای مدیریتی اتحادیه

عالی‌ترین نهاد اتحادیه اقتصادی اوراسیا، شورای عالی اقتصادی اوراسیا می‌باشد که شامل رؤسای جمهور کشورهای عضو اتحادیه می‌شود. جلسات آن حداقل یک بار در سال برگزار می‌شود. اولین جلسه از زمان آغاز به کار اتحادیه اقتصادی اوراسیا در ۸ می ۲۰۱۵ در کرملین، روسیه برگزار شد. سران دولت‌های کشورهای عضو، عضو شورای اقتصادی بین دولتی اوراسیا هستند. آن شورا تضمین اجرا و نظارت بر اجرای تصمیمات شورای عالی را در سطح رؤسای جمهور فراهم می‌کند، احکام کمیسیون اقتصادی اوراسیا را می‌دهد، و همچنین دیگر اختیارات را دارد. جلسات حداقل دو بار در سال برگزار می‌شود. اولین جلسه در تایخ ۶ فوریه ۲۰۱۵ در گورکی؛ محل اقامت رئیس دولت روسیه در حومه مسکو، برگزار شد. کمیسیون اقتصادی اوراسیا یک نهاد فعال دائمی نظارتی اتحادیه است. از وظایف آن می‌توان به تضمین شرایط برای عملکرد و توسعه اتحادیه، و همچنین تدوین طرح‌های پیشنهادی در مورد مسائل همکاری اقتصادی اشاره کرد.

شورای عالی اقتصادی اوراسیا، مهم‌ترین رکن اتحادیه اقتصادی اوراسیا است که از سران کشورهای عضو تشکیل شده است. دومین رکن اتحادیه، شورای بین دولتی اوراسیا است که اعضای آن، نخست وزیران کشورهای عضو هستند. کمیسیون اقتصادی اوراسیا، رکن اجرایی اتحادیه است. مقر این کمیسیون به

عنوان سازمان نظارتی بر اتحادیه گمرکی، در مسکو قرار دارد و متشکل از ده نفر است که از هر پنج کشور عضو، دو نفر نماینده در آن حضور دارد. در کمیسیون اقتصادی اوراسیا بیش از یک هزار نفر از متخصصان مربوطه مشغول به فعالیت هستند.

تصمیمات کمیسیون اقتصادی اوراسیا در صورتی که توسط دو سوم آرا در هیئت ده نفره تصویب شود، برای تمامی کشورهای عضو الزام آور خواهد بود. با این حال، هر یک از اعضا از طریق کمیسیون شورای اقتصادی اوراسیا که شامل معاونان نخست وزیران کشورهای عضو است، دارای حق وتو هستند. در صورتی که میان اعضا در خصوص موضوعی اختلاف وجود داشته باشد، موضوع اختلاف به نخست وزیران کشورهای عضو که دو بار در سال در قالب شورای بین دولتی اوراسیا با یکدیگر ملاقات می کنند، ارسال می شود. معمولاً موضوعات خطیر و بحث برانگیز به شورای عالی اقتصادی اوراسیا، که سالانه در سطح سران برگزار می شود، ارجاع داده می شود. همچنین یک نهاد قضایی تحت عنوان دادگاه اتحادیه اقتصادی اوراسیا وجود دارد که به حل اختلاف و تفسیر مسائل حقوقی اتحادیه می پردازد.

۴- جایگاه کنونی اتحادیه اقتصادی اوراسیا

اتحادیه اقتصادی اوراسیا با جمعیتی بیش از ۱۸۳ میلیون نفر، ۲/۶ درصد از جمعیت جهان را داراست و کشورهای روسیه و قزاقستان به ترتیب با جمعیتی حدود ۱۴۴/۵ و ۱۸/۵ میلیون نفر رتبه های اول و دوم را به خود اختصاص داده اند. ایران نیز با وسعت ۱/۶ میلیون کیلومتر مربع دارای جمعیتی بالغ بر ۸۳ میلیون نفر می باشد. تولید ناخالص داخلی دربر گیرنده ارزش مجموع کالاها و خدماتی است که طی یک دوره مشخص معمولاً یک

سال در یک کشور تولید می‌شود و یکی از معیارهای تعیین توان و ظرفیت اقتصادی کشورها در تولید و مصرف می‌باشد (Saeedi, Saeedi, Dehghani, 2014: ۱۱۱). سهم کشورهای عضو اتحادیه از تولید ناخالص داخلی حدود ۴/۷ تریلیون دلار و هم‌چنین تجارت خارجی کشورهای عضو با خارج از اتحادیه بالغ بر ۸۷۷ میلیارد دلار یعنی برابر ۳/۷ درصد صادرات و ۲/۳ درصد واردات کل جهان است. به عبارت دیگر، کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا حدود ۵۴۸ میلیارد دلار به جهان صادرات داشته و ۳۱۸/۵ میلیارد دلار نیز از جهان واردات کرده‌اند. در میان کشورهای اتحادیه، فدراسیون روسیه بیش‌ترین میزان جمعیت، تولید ناخالص داخلی و حجم تجارت با جهان را داشته است. هم‌چنین، اتحادیه اقتصادی اوراسیا دارای سهم ۲۰/۷ درصدی از تولید گاز طبیعی در جهان را داراست. جمعیت فعال اقتصادی در منطقه این اتحادیه ۹۴/۳ میلیون نفر هستند و تولید ناخالص داخلی منطقه ۳/۲ درصد تولید ناخالص داخلی جهان را تشکیل می‌دهد. در بخش انرژی، مجموع تولید نفت کشورهای عضو حدود ۶۳۴ میلیون تن است که با سهم ۱۴/۶ درصدی در جهان، رتبه اول را دارد. در تولید گاز نیز مجموع کشورهای عضو با تولید حدود ۷۴۵ میلیون متر مکعب، رتبه دوم تولید گاز جهان را به خود اختصاص داده‌اند و از نظر تولید برق، رتبه چهارم جهان را با تولید ۱/۲۵۵ میلیون کیلووات بر ساعت دارند. ارزش تولیدات کشاورزی اتحادیه ۱۲۳/۹ میلیارد دلار است که ۵/۵ درصد کل تولیدات کشاورزی جهان را تشکیل می‌دهد. کشورهای عضو در مجموع رتبه پنجم تولید غلات و حبوبات و رتبه سوم تولید شیر جهان را به خود اختصاص داده‌اند. این کشورها در زمینه تولید استیل، کودهای معدنی و چدن نیز جزئی

از پنج تولیدکننده برتر جهان هستند. مجموع مساحت کشورهای عضو این اتحادیه بیش از ۲۰ میلیون کیلومتر مربع و جمعیت آن بیش از ۱۸۳ میلیون نفر است که با پیوستن ایران، جمعیت این اتحادیه به ۲۶۶ میلیون نفر خواهد رسید.

جدول (۱) برخی شاخص‌های اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۱۸ را نشان می‌دهد. بیش‌ترین نرخ تورم متعلق به کشور قزاقستان با ۶ درصد و بیش‌ترین نرخ بیکاری نیز متعلق به کشور ارمنستان با ۱۸/۱ درصد است. کشور قرقیزستان با تورم ۱/۵ درصدی و تولید ناخالص داخلی ۸/۱ میلیارد دلاری، کم‌ترین نرخ تورم و تولید ناخالص داخلی و کشور بلاروس با ۰/۸ درصد کم‌ترین نرخ بیکاری را داشته‌اند. بر اساس آمارهای مرکز تجارت بین‌المللی، در سال ۲۰۱۸ حدود ۰/۳ درصد از واردات این کشورها از ایران بوده است. در میان کشورهای عضو این اتحادیه، سهم ایران در تأمین نیاز وارداتی کشور ارمنستان (حدود ۵/۶ درصد) بیش از سایر کشورها بوده و حدود ۴ درصد از صادرات کالایی این کشور نیز به ایران بوده است.

جدول ۱- برخی شاخص های اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۱۸

نام کشور	جمعیت (میلیون نفر)	GDP (میلیارد دلار)	نرخ تورم (درصد)	نرخ بیکاری (درصد)	صادرات به جهان (میلیارد دلار)	واردات از جهان (میلیارد دلار)	صادرات به ایران (میلیون دلار)	واردات از ایران (میلیون دلار)	تراز تجاری با ایران (میلیون دلار)
روسیه	۱۴۴	۱۶۳۰/۷	۲/۹	۴/۸	۴۴۹/۳	۲۳۸/۲	۱۲۰۸/۸	۵۳۳/۱	۶۷۵
قزاقستان	۱۸/۵	۱۷۰/۵	۶/۰	۵	۶۱	۳۲/۵	۴۲۶/۸	۸۹/۵	۳۳۷
بلاروس	۹/۵	۵۹/۶	۴/۹	۰/۸	۳۳/۵	۳۸/۲	۳۲/۶	۱۲/۶	۲۰
قرقیزستان	۶/۴	۸/۱	۱/۵	۶/۸	۱/۷	۴/۸	۱۳/۹	۱۳/۷	۰/۲
ارمنستان	۳	۱۲/۴	۲/۵	۱۸/۱	۲/۴	۴/۸	۹۴/۲	۲۶۹/۳	-۱۷۵

منبع: مرکز تجارت بین المللی (ITC) ، صندوق بین المللی پول، ۲۰۱۸

از منظر اقتصاد سیاسی بین المللی تجارت همواره موتور محرکه اقتصاد جهانی و تولیدکننده اصلی ثروت در سطح جهان بوده است. در نظریه های همگرایی اقتصادی منطقه ای ارتقای تجارت نقش مهمی را ایفا می نماید. تشکیل اتحادیه های اقتصادی با هدف ارتقای تجارت در دوران بعد از جنگ جهانی دوم صورت پذیرفت. منطقه گرایی اقتصادی دربرگیرنده تمایل گروهی از کشورها در یک محدوده جغرافیایی مشخص برای همکاری اقتصادی است که

اولین نشانه‌های آن انعقاد موافقت‌نامه‌های ترجیحی و رشد میزان تجارت و سرمایه‌گذاری بین آن‌ها و در نهایت، تشکیل اتحادیه اقتصادی است (Langenhove, 2016:40). در عصر حاضر عقد موافقت‌نامه‌های ترجیحی منطقه‌ای به عنوان یکی از بارزترین مصادیق حرکت کشورها به سمت منطقه‌گرایی در بعد اقتصادی است. چرا که تدابیر مختلف اقتصادی میان یک منطقه همگرا شده، موجب افزایش تجارت در درون منطقه می‌شود و ضمن کاهش رقابت داخلی در ایجاد نظام مکمل تولید نیز کمک می‌کند.

توافق با اتحادیه اقتصادی اوراسیا که در حال تبدیل شدن به یکی از قطب‌های مهم اقتصادی و سیاسی جهان است، علاوه بر اهمیت اقتصادی و تجاری، دارای منافع سیاسی برای طرفین است. همگرایی منطقه‌ای تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر ثبات و امنیت اقتصادی دارد و به دلیل نزدیکی و دسترسی ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا، امکان گسترش همکاری‌ها در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، بانکی، حمل و نقل، خدمات فنی و مهندسی و... فراهم می‌باشد. با توجه به پتانسیل تجاری موجود بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا باید به این مسئله اشاره شود که این اتحادیه قابلیت تبدیل شدن به بازاری بزرگ و مطمئن برای کالاهای صادراتی ایران را دارد. لذا دسترسی ایران به بازارهای این منطقه با این وسعت، جمعیت و ظرفیت می‌تواند علاوه بر تحکیم همکاری اقتصادی و در نتیجه رشد فزاینده اقتصاد، تجارت و توسعه کشور؛ فرصت‌های شغلی نیز ایجاد نماید. عملیاتی‌شدن توافق‌نامه تجارت آزاد بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا و حضور ایران در این بازار، علاوه بر ایجاد اشتغال، بستر لازم برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و داخلی در مناطق آزاد جنوبی و شمالی را هم فراهم خواهد کرد.

زیرا در این مناطق سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان از معافیت کامل برای تولید کالاها با هدف صادرات به بازارهای هدف اوراسیا برخوردار هستند و از سوی دیگر در بازارهای هدف نیز از تعرفه ترجیحی بهره‌مند خواهند شد. در نتیجه با هزینه پایین‌تر تولید کالا در این مناطق و همچنین با هزینه گمرکی پایین‌تر در بازارهای هدف از توان رقابت بالایی در مقابل رقبا برخوردار خواهند شد. منطقه آزاد تجاری همچنین می‌تواند انگیزه قوی برای گسترش تجارت دو جانبه و سرمایه‌گذاری را برای طرفین فراهم آورد. از طریق این توافقنامه، ایران می‌تواند کالاهایی را که با سرمایه‌گذاری در کشورهای عضو اتحادیه تولید کرده است، در کل اتحادیه اوراسیا به فروش برساند. حتی به عنوان مثال، قرقیزستان که ترجیحاتی از اتحادیه اروپا برای صادرات کالا بدون مالیات و عوارض دریافت کرده است؛ می‌تواند این امکان را در اختیار تولیدکنندگان ایرانی کالا در قرقیزستان قرار دهد.

۱-۴- رشد و توسعه اقتصادی

اتحادیه اقتصادی اوراسیا یک سازمان بین‌المللی برای ادغام اقتصادی منطقه‌ای است که دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی بوده و سیاست‌های هماهنگ و واحدی را در بخش‌های تعیین شده توسط پیمان‌ها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی در اتحادیه دنبال می‌کند (Riggirozzi, 2017: 662). بهبود توسعه پایدار و ارتقای کیفیت سطح زندگی کشورهای عضو، اصلی‌ترین دلیل شکل‌گیری اتحادیه اقتصادی اوراسیا بوده است. معاهده اتحادیه اقتصادی اوراسیا به تعریف اولویت‌های اصلی در زمینه سیاست‌های حمل و نقل، تشکیل و اجرای یک سیاست کشاورزی مورد پذیرش همه و نیز تعریف اهداف بلندمدت و اهداف عملیاتی برای سیاست‌های

صنعتی در اتحادیه بر اساس اصول و مکانیسم‌های همکاری صنعتی اقدام کرده و مقرر شده است که توسعه و اجرای سیاست‌ها در زمینه تجارت و مبادله، گمرک و تعرفه‌ها، رقابت در مالکیت عمومی، حمل و نقل و زیرساخت‌ها، توسعه کسب و کار، تنظیمات فنی و سایر حوزه‌ها باید منافع مربوط به توسعه صنعتی در کشورهای عضو را در نظر داشته باشد (Mostafa and Mahmood, 2018:165). از آن‌جا که تصور عملکرد مؤثر در اتحادیه اقتصادی اوراسیا بدون به کار گرفتن سیاست‌های منسجم در زمینه اقتصاد کلان غیرممکن است، این سیاست‌ها که شامل توسعه و اجرای کنش‌های مشترک از سوی دولت‌های عضو در اتحادیه می‌شود، با هدف به دست آوردن توسعه اقتصادی متوازن در اتحادیه تنظیم شده است (Mirfakhraee, 2015:157).

یکی از اهداف مهم موافقت‌نامه‌های تجاری، ایجاد تسهیلات و حذف قوانین دست و پاگیر برای تجار و سرمایه‌گذاران است. امضای موافقت‌نامه تعرفه ترجیحی و ایجاد منطقه آزاد تجاری میان ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا هم منجر به توسعه روابط اقتصادی ایران و اتحادیه گردیده و هم می‌تواند به هاب منطقه‌ای ایران کمک کرده و کریدور شمال-جنوب را تقویت نماید. سیاست اتحادیه اقتصادی اوراسیا نخست در حوزه اقتصاد کلان شامل دستیابی به مؤلفه‌های کلان اقتصاد مطابق با مقررات ۶۳-۶۲ معاهده اتحادیه اقتصادی اوراسیا و ضمیمه ۱۴ آن و همچنین واگذاری بخشی از اختیارات در زمینه سیاست‌های کلان اقتصادی به بخش تخصصی کمیسیون اقتصادی اوراسیا است. سیاست دوم بسط و توسعه داخلی با تمرکز حداکثری بر اجرای قوانین تجارت آزاد و سرمایه‌گذاری در میان کشورهای اتحادیه و سیاست سوم و

چهارم، به گسترش روابط با شرکا و سازمان‌های خارجی از طریق اعضا و یا سازمان اشاره دارد.

جدول ۲- رشد اقتصادی کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال های

۲۰۱۴-۲۰۱۹ (درصد)

کشور	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹
ارمنستان	۱/۸	۲/۶	۳/۲	۳/۵	۳/۵	۳/۸
بلاروس	۱/۷	-۳/۹	-۲/۶	-۰/۴	۰/۵	۱/۲
قزاقستان	۴/۲	۱/۲	۱/۰	۲/۴	۲/۶	۲/۹
قرقیزستان	۴/۰	۳/۹	۳/۶	۳/۴	۴/۰	۴/۸
روسیه	۰/۷	-۲/۸	-۰/۲	۱/۳	۱/۴	۱/۴

منبع: بانک جهانی، ۲۰۱۹.

۲-۴- تجارت خارجی

اتحادیه اقتصادی اوراسیا را باید نوعی از همگرایی منطقه‌ای دانست که با هدف تأمین نیاز و اهداف جمهوری‌های سابق شوروی در زمینه گردش آزاد کالا، سرمایه، خدمات و نیروی کار شکل گرفته است. (Legrenzi, 2008:50) مرحله اجرای اتحادیه گمرکی از ژوئیه ۲۰۱۱ با لغو کنترل گمرکی میان مرزهای داخلی روسیه، قزاقستان و بلاروس عملیاتی گردید و همه نوع کنترل گمرکی و ترخیص کالا به مرزهای خارجی اتحادیه گمرکی منتقل شد. در این مرحله، محدودیت بر سر تجارت آزاد میان سه کشور از میان رفت. این اقدام به وضوح به تسهیل تجارت بین کشورهای شریک به ویژه در طول بحران مالی و اقتصادی سال ۲۰۱۲ کمک نمود و زمینه تجارت بیشتر میان اعضا را فراهم آورد (Sajadpour and Soleimani Darchagh, 2016:106).

اتحادیه اقتصادی اوراسیا با توجه به اقتصاد کشورهای عضو و این که میزان توسعه اتحادیه با اقتصاد اعضا رابطه مستقیم دارد، همگرایی با شرکای خارجی را در اولویت قرار داده است تا منتج به دستاوردهای بیش تر شود. در این خصوص تجارت به عنوان شاه بیت رابطه اقتصادی بین کشورها مطرح می گردد و هم چون راهکاری اساسی در جهت کسب سود و منفعت بین المللی فراروی کشورها قرار می گیرد. روابط تجاری هرچه در ساختار خود سود و منفعت بیش تری را عاید کشورها نمایند، از جذابیت بیش تری برخوردار خواهند بود. یکی از تجربیات موفق در این زمینه ایجاد توافقات تجاری ترجیحی است که جایگاه ویژه ای در اقتصاد بین الملل از آن خود ساخته اند. موافقت نامه های ترجیحی در واقع نوعی هماهنگی در تعرفه را برای کشورهای عضو به ارمغان می آورند که می تواند گامی در جهت یکپارچگی اقتصادی تلقی گردد (Tayebi and Taheri, 2005:5).

مهم ترین محور جهانی شدن اقتصاد، افزایش رقابت در سطح جهان است. به عبارت دیگر، ایجاد بستر رقابتی، توجه به گسترش صادرات و حذف موانع موجود و به دنبال آن افزایش قدرت رقابت پذیری از مهم ترین شاخص های آماده سازی بستر جهانی شدن و ورود به آن است. فضای مدرن اوراسیا در راستای فرآیندهای جاری جهانی و چندملیتی توانسته شکل فضایی-زمانی جدیدی کسب کند که در این فضا پویش های محلی و جهانی به هم زیستی برسند. تحت این شرایط، که پس از اتحاد های نوین ایجاد شده، فضای اوراسیایی برای نخستین بار ویژگی های خاصی از منطقه جهانی را پیدا کرده است (Mirfakhraee: 2016, 155-156).

با گسترش توافقات و مذاکرات متعدد و در پی آن توسعه سازمان تجارت جهانی و کاهش شدید تعرفه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای، گسترش زیادی در رقابت‌پذیر شدن بنگاه‌ها و کشورها صورت گرفته است. بر این اساس، شرکت‌ها و کشورهای مختلف در رویارویی با این رقابت شدید، اقدامات گسترده‌ای به منظور انطباق انجام داده‌اند. رقابت در دسترسی به عوامل تولید ارزان و بازارهای مصرف جهانی از جمله دلایل افزایش شدید تجارت خارجی، تولید جهانی، رشد تکنولوژی، حرکت آزادانه سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی بوده است. از سوی دیگر، کشورها برای حفظ منافع ملی و افزایش توان رقابت در بستر جهانی به منطقه‌گرایی و همکاری‌های اقتصادی توجه زیادی پیدا کرده‌اند.

از دید اقتصاد سیاسی بین‌المللی و طبق فرهنگ و مقررات سازمان تجارت جهانی، منطقه‌گرایی به اقدام‌هایی گفته می‌شود که از سوی کشورهای عضو سازمان‌های منطقه‌ای برای آزادسازی و تسهیل تجارت در آن منطقه در قالب موافقت‌نامه‌های تجارت منطقه‌ای به یکی از اشکال ترتیب‌های تعرفه ترجیحی با هدف ایجاد منطقه آزاد، اتحادیه گمرکی، بازار مشترک و نیز اتحادیه اقتصادی انجام می‌گیرد (Soleimanpour and Soleimani, 2016:72). در واقع منطقه‌گرایی هنگامی کاربرد دارد که دولت‌های واقع در یک منطقه جغرافیایی که دارای علایق مشترک هستند، از طریق سازمان‌های منطقه‌ای با یکدیگر همکاری‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی داشته باشند. برای کشورهای درحال توسعه که آمادگی ورود ناگهانی به تجارت آزاد را ندارند، منطقه‌گرایی می‌تواند مؤثرترین راه برای گشودن تدریجی اقتصادهای ملی این قبیل کشورها و ادغام آن‌ها در اقتصاد

جهانی باشد. زیرا از یک طرف کشورهای در حال توسعه نمی‌توانند به تنهایی با اقتصادهای بزرگ رقابت کنند و از طرف دیگر برخی از اقتصاددانان شکل‌گیری اتحادیه‌های منطقه‌ای را پیش درآمد پیوستن کشورها به رقابت جهانی و سازمان تجارت جهانی می‌دانند. زیرا معتقدند آزادسازی اقتصادی باید ابتدا در مناطق هم‌جوار، که سهل‌تر است، تمرین شود تا در نهایت شرایط بهتری برای رقابت در صحنه بین‌المللی به وجود آید.

مفهوم بازارهای مشترک در شناخت اولویت‌های اتحادیه بسیار مؤثر است. این بازارها، فضاهاى نوینی از یکپارچگی و تعامل بین دولت‌های عضو در اتحادیه اقتصادی اوراسیا هستند. معاهده اتحادیه اقتصادی اوراسیا معین کرده که این اتحادیه باید درون قلمرو خود به اجرای فعالیت‌های بین‌المللی بپردازد و البته این فعالیت‌ها با هدف حل مشکلاتی انجام می‌شود که اتحادیه با آن‌ها مواجه خواهد بود. به عنوان بخشی از این فعالیت‌ها، اتحادیه می‌تواند حق مشارکت در همکاری‌های بین‌المللی با دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و مجموعه‌های یکپارچه بین‌المللی را داشته باشد و افزون بر آن بتواند به صورت مستقل یا مشترک همراه با دولت‌های عضو در قلمرو خود معاهدات بین‌المللی ببندد. معاهده اتحادیه اقتصادی اوراسیا نه فقط اصول کلی برای همکاری گسترده‌تر بین امضاکنندگان خود را تعیین می‌کند، بلکه حوزه‌های دقیقی را که همکاری در آن‌ها رخ می‌دهد نیز مشخص می‌کند. امضاکنندگان معاهده توافق کرده‌اند تا برای رسیدن به هدف طرح شده در اولویت‌ها اقدام به حذف تمام موانع موجود فنی، مدیریتی و هرگونه مانعی کنند که بر سر راه تجارت آزاد قرار دارد (Chufrin, 2015:2).

۵- مقایسه تجارت کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۸

مطابق آمار مرکز تجارت بین‌المللی، بررسی وضعیت تجارت کشورهای اوراسیا طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ نشان می‌دهد در مجموع، تمامی کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا طی سال‌های مذکور از پیوستن به اتحادیه منافی را به واسطه رشد صادرات به دیگر کشورهای عضو اتحادیه کسب کرده‌اند. کل ارزش تجارت فی‌مابین کشورهای عضو این اتحادیه در سال ۲۰۱۵ حدود ۴۲/۴ میلیارد دلار بوده که در سال ۲۰۱۸ با رشد ۳۶ درصدی به ۵۷/۸ میلیارد دلار رسیده است (جداول ۳ و ۴).

بر اساس این آمارها، به طور کلی به نظر می‌رسد کشور ارمنستان بیش‌ترین منفعت را از پیوستن به اتحادیه اقتصادی اوراسیا داشته و صادرات کالایی آن طی مدت مذکور به کشورهای عضو اتحادیه بیش از ۳ برابر شده که بیش از هر چیز به دلیل رشد قابل توجه صادرات ارمنستان به کشور روسیه بوده است. در سال ۲۰۱۸ نسبت به سال ۲۰۱۵، صادرات قزاقستان به ارمنستان با افزایش حدود ۱۱ برابری همراه بوده و به حدود ۵/۶ میلیون دلار رسیده است. ارزش صادرات ارمنستان و قرقیزستان به روسیه نیز به ترتیب بیش از ۳ برابر و ۲ برابر شده است. صادرات ارمنستان به قرقیزستان نیز با وجود آن‌که کم‌ترین رقم صادرات را در میان سایر کشورهای عضو به خود اختصاص داده، اما در سال ۲۰۱۸ نسبت به ۲۰۱۵، حدود ۲ برابر افزایش یافته است. صادرات قزاقستان به کشور قرقیزستان در سال ۲۰۱۸ نسبت به ۲۰۱۵ با کاهش ۸ درصدی مواجه شده و کشور قرقیزستان نیز در سال ۲۰۱۸ کاهش ۰/۱ درصدی در صادرات خود به بلاروس داشته است. ارزش صادرات کشور روسیه

به قرقیزستان نیز با ۱۱ درصد رشد نسبت به سال ۲۰۱۵ کمترین میزان رشد صادرات در میان کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۱۸ را به خود اختصاص داده است. در میان کشورهای عضو اتحادیه، به نظر می‌رسد کمترین منفعت را کشور قزاقستان کسب کرده است. به طوری که ارزش صادرات کالایی آن به کشورهای عضو، طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ تنها حدود ۱۶/۴ درصد افزایش یافته است. در فاصله سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸، حجم تجارت روسیه ۳۷ درصد، بلاروس ۴۵ درصد، قزاقستان ۲۰ درصد، ارمنستان ۱۰۱ درصد و قرقیزستان ۱۲/۶ درصد رشد کرده است. در سال ۲۰۱۸، سهم روسیه از کل تجارت کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا ۴۸ درصد، بلاروس ۳۱ درصد، قزاقستان ۱۷ درصد، ارمنستان ۱/۷ درصد و قرقیزستان ۲/۲ درصد بوده است. طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸، سهم روسیه و بلاروس از تجارت کشورهای عضو این اتحادیه افزایش و سهم سایر کشورها کاهش یافته است (Tehran Chamber of Commerce, Industries, Mines and Agriculture, 2019).

جدول ۳- ارزش تجارت کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا با یکدیگر در

سال ۲۰۱۵

		واردکننده		صادرکننده	
مجموع	قرقیزستان	ارمنستان	قزاقستان	بلاروس	روسیه
۲۷/۱۰۸	۱/۲۸۱	۷۵۱	۱۰/۴۱۵	۱۴/۶۶۱	-
					روسیه

۹/۷۳۶	۵۴	۳۱	۵۰۵	-	۹/۱۴۵	بلاروس
۵/۰۵۹	۵۹۸	۰/۵	-	۴۹	۴/۴۴۱۱	قزاقستان
۲۱۱	۰/۳	-	۴/۶	۵/۶	۲۰۱	ارمنستان
۳۲۳	-	۰/۱۳	۲۰۵	۸/۸۳	۱۱۰	قرقیزستان
۴۲/۴۳۷	۱/۹۳۳	۷۸۲	۱۱/۱۳۰	۱۴/۷۲۵	۱۳/۸۶۷	مجموع

ارزش: میلیون دلار

منبع: مرکز تجارت بین المللی (ITC)، صندوق بین المللی پول، ۲۰۱۹.

جدول ۴- ارزش تجارت کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا با یکدیگر در

سال ۲۰۱۸

مجموع	قرقیزستان	ارمنستان	قزاقستان	بلاروس	روسیه	واردکننده
						صادرکننده
۳۷/۴۸۱	۱/۴۱۷	۱/۲۹۹	۱۲/۶۵۸	۲۲/۱۰۷	-	روسیه
۱۳/۳۲۴	۷۵	۳۸	۶۸۷	-	۱۲/۵۲۴	بلاروس
۵/۸۸۷	۵۵۳	۵/۶	-	۹۹	۵/۲۲۹	قزاقستان
۶۵۳	۰/۸	-	۸/۳	۱۰/۴	۶۳۳	ارمنستان
۴۹۵	-	۰/۲۲	۲۲۵	۸/۸۱	۲۶۰	قرقیزستان
۵۷/۸۴۰	۲/۰۴۶	۱/۳۴۳	۱۳/۵۷۸	۲۲/۲۲۶	۱۸/۶۴۷	مجموع

ارزش: میلیون دلار

منبع: مرکز تجارت بین المللی (ITC)، صندوق بین المللی پول، ۲۰۱۹.

بیشتر مطالعات تجربی و تاریخی بیان گر آن است که عموماً کشورهای که به دور خود حصار کشیده‌اند؛ از لحاظ اقتصادی با موفقیت چندانی مواجه نشده‌اند و آن دسته از کشورهای که تجارت خارجی را به عنوان نیروی محرک اقتصاد و تأمین کننده مالی توسعه اقتصادی مورد استفاده قرار داده‌اند؛ به موفقیت‌های نسبی بیش‌تری دست یافته‌اند. یکپارچگی مالی، گسترش مبادلات تجاری، دسترسی راحت‌تر به تکنولوژی‌های جدید، ایجاد اتحادیه‌های مشترک و بازار بزرگ‌تر و تولید با استفاده از صرفه‌های مقیاس نمودی از استفاده از ظرفیت‌های جهانی است. کشورهای که منافع اقتصادی و پیوندهای سیاسی مشترکی دارند، می‌توانند تجارت آزاد را با سیاست‌های حمایتی ادغام و علاوه بر کاهش محدودیت تجاری مابین خود، کشورهای غیرعضو را با سیاست‌های تبعیضی مواجه سازند.

۶- نقش تعرفه در گسترش مبادلات تجاری ایران با اتحادیه اوراسیا

در سال‌های اخیر، به خصوص از دهه ۱۹۹۰ به این سو، یکی از مباحث اصلی اقتصاددانان، آزادسازی تجاری و جهانی شدن بوده است. برای ورود به فرآیند جهانی شدن، ایجاد فضای رقابتی، اهمیت بسزایی دارد. به عبارتی دیگر، ایجاد بستر رقابتی و حذف موانع موجود برای گسترش صادرات و افزایش تولید از مهم‌ترین عواملی می‌باشند که آمادگی برای فعالیت در بستر جهانی را فراهم می‌سازند. در نتیجه رشد بخش‌های دارای مزیت صادراتی و دسترسی به بازارهای بین‌المللی و منطقه‌ای در کنار بازارهای داخلی زمینه‌ساز گسترش روابط جهانی است. موضوع دسترسی به بازارهای بین‌المللی، ارتباط تنگاتنگی

با مبحث جریان‌های تجاری دارد که موضوع تعرفه‌ها در مرکز آن قرار می‌گیرد. با توجه به ممنوعیت استفاده از محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای و نیز لزوم حمایت از صنایع داخلی تنها از طریق تعرفه‌ها، در چارچوب مقررات سازمان تجارت جهانی، می‌توان به صراحت گفت که تعرفه مهم‌ترین ابزار سیاست‌های تجاری است که در اختیار دولت‌ها می‌باشد و مهم‌ترین وسیله برای محدود کردن یا بسط دادن دسترسی به بازارها شناخته می‌شود.

سیاست‌های حمایت تجاری در دو قالب تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای تقسیم می‌شوند. تعرفه یک نوع مالیات غیرمستقیم بر پایه ارزش یا مقدار واردات کالا می‌باشد. وضع تعرفه در مورد کالاهای وارداتی معمولاً منجر به افزایش قیمت داخلی و کاهش مصرف آن‌ها و در نتیجه کاهش واردات آن محصول می‌شود. هر اقدام دولتی به جز برقراری تعرفه که مستقیماً مانعی برای ورود کالا به کشور دیگر گردد و یا به صورت تبعیض‌آمیز در مورد کالاهای وارداتی عمل کند را به عنوان موانع غیرتعرفه‌ای تعریف می‌کنند. موانع غیرتعرفه‌ای (مانند مجوزهای لازم برای واردات) معمولاً باعث محدودیت کمی بر میزان واردات می‌شوند و به طور غیرمستقیم باعث افزایش قیمت کالاهای وارداتی به کشور و در نتیجه موجب کاهش مصرف این محصولات در داخل کشور می‌گردند.

سیاست جایگزینی واردات که در دهه اول انقلاب اسلامی به منظور رسیدن به خودکفایی تبلیغ و اعمال شد، سبب ایجاد موانع غیرتعرفه‌ای زیادی در آن دوره گردید. تولیدکنندگان بدون توجه به مزیت‌های نسبی در تولید کالاها و خدمات و در فضای غیررقابتی عمل می‌کردند. تغییر این سیاست به سیاست توسعه صادرات در دهه‌های اخیر، موجب سمت‌گیری برنامه‌ریزان اقتصادی کشور به حذف موانع غیرتعرفه‌ای و تبدیل آن‌ها به مقررات تعرفه‌ای معقول

شده است؛ اما تعدادی از این موانع هنوز پابرجاست. غیررقابتی بودن اقتصاد ایران مانع اصلی در حرکت به سوی تعامل گسترده تر با اقتصاد جهانی است. ایران نتوانسته حتی با کشورهای همسایه خود ترتیبات نوعی از تعرفه های ترجیحی را به آزمایش بگذارد و حتی نتوانسته در داخل سازمان اگو به توافقی در جهت استقرار تعرفه های ترجیحی دست یابد و این موجب در انتظار ماندن کشورهای عضو از سال ۲۰۰۳ برای دریافت لیست کالاهای مشمول ایران شده است.

امروزه به دلایل مختلف، ملت ها احساس می کنند که باید سیاست های اقتصادی شان را با یکدیگر هماهنگ نمایند. این هماهنگی منافی ایجاد می کند که از طریق دیگر امکان پذیر نیست. همچنین مشخص شده است کشورهای که تعرفه صفر را در مقابل یکدیگر وضع می کنند با احتمال بیشتری نسبت به وضعیتی که حتی کشورها تعرفه بهینه را در مقابل یکدیگر وضع می کنند، سود خواهند برد. اصولاً هر نوع توافقی که باعث شود کشورها، سیاست های پولی و مالی و تجاری خود را هماهنگ سازند، به یکپارچگی اقتصادی اشاره دارد. بر این اساس، درجات مختلفی از یکپارچگی اقتصادی وجود دارد. توافقات تجاری ترجیحی شاید ضعیف ترین شکل یکپارچگی اقتصادی باشد و امروزه از آن به عنوان اولین مرحله ادغام سازی یاد می شود. در یک توافقنامه تجارت ترجیحی بین کشورهای عضو، کاهش های تعرفه ای را (اگرچه شاید به حذف آنها منجر نگردد) برای طبقه ای از محصولات به کشورهای شریک پیشنهاد می دهند. در حالی که تعرفه های بالاتر، تعرفه های غیرتبعیضی، برای دیگر طبقات محصولات باقی خواهد ماند (Tayebi and Taheri, 2005:5).

طبق اعلام سازمان تجارت جهانی ۵۰ درصد صادرات کالایی جهان در سال ۲۰۰۸ تحت پوشش موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی صورت می‌گرفت که این میزان در سال ۲۰۱۸ از افزایش بیش‌تری برخوردار بوده است. تعداد موافقت‌نامه‌های امضا شده در سال ۱۹۹۰ میلادی ۷۰ مورد و در سال ۲۰۱۶ میلادی ۶۴۵ مورد ثبت شده است که این امر گویای تمایل کشورها جهت تسهیل تجارت از طریق رفع موانع تعرفه‌ای است. بر این اساس در شرایط حاضر نه تنها موافقت‌نامه‌های تجاری با کاهش تعرفه‌ها، زمینه دسترسی تولیدکنندگان داخلی به بازارهای جدید را فراهم می‌کنند؛ بلکه این امکان را نیز به وجود می‌آورند که مشارکت در زنجیره جهانی ارزش بین کشورهای طرف موافقت‌نامه تسهیل شود. از این نظر جمهوری اسلامی ایران نیاز دارد با عقد توافق‌های تجاری نسبت به فراهم‌سازی زمینه لازم برای مشارکت بنگاه‌های اقتصادی ایرانی در طول زنجیره جهانی ارزش را فراهم نماید. توافق‌نامه ایجاد منطقه آزاد تجاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیا اقدام جدی ایران برای تحقق هدف فوق‌الذکر محسوب می‌گردد. اتحادیه اقتصادی اوراسیا تعرفه بیش از ۵۰۰ کالا را صفر می‌کند. عضویت ایران در این اتحادیه به صادرات کالا کمک می‌کند. در گذشته برای صادرات کالا به روسیه، تعرفه‌های زیادی برای کالاهای ایرانی لحاظ می‌شد و عملاً امر صادرات چندان به صرفه نبود. زیرا وقتی تعرفه‌ها بالا باشد، امکان صادرات برای کشوری که تعرفه دارد در رقابت با کشورهایی که این تعرفه‌ها را پرداخت نمی‌کند، مشکل است. وقتی برای ایران تسهیلات تجاری قائل شوند و تعرفه‌ها را حذف کنند، کالای تولیدی می‌تواند صادر شده و قابلیت رقابت با بقیه کشورهای صادر کننده را داشته باشد.

جدول ۵- تجارت ایران با کشورهای اوراسیا

کشور	۱۳۹۴		۱۳۹۵		۱۳۹۶		۱۳۹۷		۸ ماهه ۱۳۹۸	
	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات
روسیه	۱۷۳/۱	۵۱۷/۴	۲۱۹/۰	۱۵۴۴/۱	۲۹۲	۷۲۷	۲۸۰	۱۳۴۲	۲۱۶	۷۶۵
قزاقستان	۱۳۷/۹	۸۷/۲	۱۷۳/۵	۲۱۰/۸	۱۶۸	۶۶/۷	۱۳۰/۴	۸۷	۶۰	۶۴
ارمنستان	۱۰۲/۱	۱۳/۳	۱۷۹/۲	۲۰/۹	۲۰۲	۲۵/۸	۱۵۸/۶	۲۲/۶	۲۴۱	۲۱
قرقیزستان	۲۲/۱	۱/۷	۲۶/۶	۳/۵	۳۸/۷	۶/۱	۳۳/۲	۱۱/۳	۳۴	۷
بلاروس	۴/۰	۲۳/۶	۲/۵	۲۹/۲	۱/۷	۳۱/۹	۲/۷	۲۳/۹	۶	۱۰
جمع کل	۴۳۹/۲	۶۴۳/۲	۶۰۰/۸	۱۸۰۸/۴	۷۰۲/۴	۸۵۷/۵	۶۰۵	۱۴۸۶/۸	۵۵۹	۸۷۸

ارزش: میلیون دلار

منبع: سازمان توسعه تجارت ایران، ۱۳۹۸.

۷- نتیجه گیری و توصیه های سیاستی

کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا کشورهایی از آسیای مرکزی و شمالی و اروپای شرقی هستند که شامل بلاروس، قزاقستان، روسیه، ارمنستان و قرقیزستان می باشند. تعرفه گمرکی در تجارت کالایی بین اعضای اتحادیه صفر است و اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا تعرفه خارجی مشترکی برای کالاهایی که از خارج از اتحادیه وارد می شوند، اعمال می کنند. اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای ارتقای رقابت و همکاری بین اقتصادها و بهبود توسعه پایدار به منظور بهبود سطح زندگی کشورهای عضو ایجاد شده است. یکی از نتایج آن این است که این اتحادیه به عنوان یک نهاد واحد در مذاکرات بین المللی نظیر مذاکره با سازمان تجارت جهانی وارد می شود و دیگر لازم نیست هر کشور به صورت جداگانه وارد مذاکره شود.

از منظر مؤسسان اتحادیه اقتصادی اوراسیا، این اتحادیه می‌تواند بازار بزرگی در چارچوب قوانین سازمان تجارت جهانی ایجاد کند و تجارت میان اعضا را بهبود بخشد و تسهیلات بسیاری را در این زمینه برای کشورهای عضو به ارمغان آورد. از همین رو، اعضای آن موافقت خود را با تردد آزاد کالا، سرمایه، نیروی کار و خدمات در مرزهای اوراسیا بیان داشته‌اند. همچنین اعلام کرده‌اند که سیاست هماهنگ‌شده‌ای در زمینه انرژی، صنایع، حمل و نقل و بخش کشاورزی را دنبال خواهند کرد و در پی ایجاد بازارهای مشترک نفت و گاز، بازار واحد عرضه دارو و نیز بازار واحد تولید و عرضه نیروی برق به منظور تعمیق همکاری اقتصادی با یکدیگر هستند.

رشد منطقه‌گرایی و میل به ایجاد همگرایی‌های اقتصادی در چارچوب‌های گوناگون روز به روز در حال گسترش است. به طوری که امروزه کم‌تر کشوری را می‌توان یافت که عضو حداقل یک نهاد با کارکرد اقتصادی نباشد. تلقی از همگرایی اقتصادی به عنوان موتور توسعه سبب استقبال کشورها از گسترش همکاری‌های اقتصادی شده است. کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، بهبود فضای کسب و کار و تسهیل در جریان مبادلات ارزی و مالی کشورها در قالب طرح‌های همگرایی می‌تواند عامل توسعه و استحکام این روابط گردد و دسترسی به بازار کشورهای مورد مطالعه برای صادرکنندگان ایران با شناخت بخش‌ها و کشورهای هدف و الگوبرداری از کشورهای عضو طی فرآیند همگرایی و رسیدن به درجه توسعه‌یافتگی بالا حتی در کوتاه‌مدت نیز می‌تواند اتفاق افتد (Aziznejad, Tari, Seyednourani, 2011: 103). ایران نیز با اتخاذ یک دیپلماسی واقع‌بینانه، پویا، همه‌جانبه و سازگار با واقعیت‌های کشورهای عضو اتحادیه می‌تواند میان انبوهی از فرصت‌ها چه در بخش کالایی

و چه در بخش غیرکالایی نظیر خدمات حمل و نقل و خدمات فنی و مهندسی سهم مناسبی از ظرفیت‌های بازار کشورهای عضو را در اختیار گیرد و در راستای تأمین هرچه بیشتر منافع ملی، گسترش و تعمیق روابط میان طرفین و دستیابی به جایگاه نخست اقتصادی، علمی و فناوری طبق سند چشم‌انداز ۲۰ ساله تا سال ۱۴۰۴ گام بردارد (Noori, 2019:247).

آزادسازی تجاری، رقابت در تولید را بیش‌تر کرده و کیفیت کالاها را با هزینه کم‌تر افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، هر کشوری که بخواهد در صحنه رقابت‌های بین‌المللی وارد شود، مجبور است با اصلاح ساختارهای تولیدی، منابع را به صورت بهینه و کارا تخصیص دهد و از راه کشف مزیت‌های نسبی، افزایش فعالیت‌های پژوهشی برای ابداع و نوآوری، کاهش بوروکراسی و تشریفات در مسیر تولید، برای بقای خویش در این رقابت شدید، تلاش نماید. با وجود این‌که اقتصاد ایران عمدتاً دولتی و تحت حمایت‌های دولت است و توان رقابت با اقتصاد جهانی را ندارد، ورود به موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای می‌تواند زمینه‌های رقابتی ایران را مشخص کرده و کشور را برای ورود به عرصه بین‌المللی آماده نماید. امضای این موافقت‌نامه هم‌چنین در شرایطی که آمریکا در ادامه بدعهدی‌های خود، با خروج یک‌جانبه از برجام، قصد دارد ایران را در فشار اقتصادی قرار دهد؛ اقدامی مثبت تلقی شده و می‌تواند نقش مؤثری در جهت مقاوم‌سازی اقتصاد ایران داشته باشد. ایران با چند کشور توافق‌های تجاری دوجانبه امضا نموده ولی توافق با اتحادیه اقتصادی اوراسیا یک تجربه جدی در توافق با یک اتحادیه اقتصادی منطقه‌ای است و یکی از کامل‌ترین و مفصل‌ترین موافقت‌نامه‌های تجاری ایران است.

ایران در سال‌های پس از انقلاب موضوع منطقه‌گرایی و همگرایی اقتصادی را به شدت دنبال نموده است و از آنجایی که برای کشورهای در حال توسعه مانند ایران که آمادگی ورود ناگهانی به تجارت آزاد را ندارند، منطقه‌گرایی می‌تواند مؤثرترین راه برای گشودن تدریجی اقتصادهای ملی این کشورها و ادغام آن‌ها در اقتصاد جهانی باشد. تعامل با چنین کشورهایی الگوی مناسبی برای پیشرفت کشور ایران بوده و توسعه روابط تجاری با آن‌ها می‌تواند زمینه‌های رشد اقتصادی ایران و حضور پررنگ‌تر آن در عرصه تجارت جهانی را ایجاد نماید. ایران از تعرفه‌های ترجیحی برای صادرات غیرنفتی استفاده می‌کرده است؛ اما از آنجا که این گونه صادرات، نسبت به صادرات نفت بسیار کم‌اهمیت می‌باشد، این امر کمکی به فعال شدن کشور برای ورود به اتحادیه‌های منطقه‌ای ننموده است. حال که تفاهم جدی در بین سیاست‌گذاران و اقتصاددانان به وجود آمده که رشد و توسعه اقتصاد ایران منوط به گسترش صادرات است و به علاوه استفاده ایران از تعرفه‌های ترجیحی در اروپا از فوریه سال ۲۰۱۴ متوقف شده است، ضرورت دارد در این دنیای به هم‌پیوسته، چگونگی ورود به این وادی هرچه زودتر برنامه‌ریزی شده و تمرین گردد.

به منظور عضویت ایران در اتحادیه اوراسیا کاهش تعرفه‌ها می‌بایست مطابق زمان‌بندی با سرعت بیشتری صورت پذیرد و عضویت ایران در پیمان‌های منطقه‌ای جدید می‌تواند برای دستیابی به اهداف توسعه روابط اقتصادی بین‌المللی مفید باشد. چراکه در چارچوب چنین تشکلهایی موانع تجاری و تعرفه‌ها در سطح منطقه حذف می‌گردد و دسترسی به بازارهای بزرگ‌تر فراهم می‌شود. هم چنین ایران بایستی به مسئله تعرفه‌ها توجه کند. در

صورتی که تعرفه‌های گمرکی ایران بالاتر از حد متناسب با تعرفه اتحادیه اوراسیا باشد، شکل‌گیری تعاملات با شکست مواجه می‌شود و اگر از حد متناسب پایین‌تر باشد، ابزارهای برتری اقتصادی را به دست طرف مقابل می‌بخشد.

در شرایط حاضر ایران نیز با عنایت به شرایط پیرامونی خود و شرایط بین‌المللی اهمیت زیادی برای توسعه روابط ایران و اتحادیه اوراسیا در سطح گفتگوهای بین‌دولتی در حوزه اقتصاد قائل است. بنابراین به منظور اتخاذ سیاست‌های مناسب در ایجاد ارتباط با کشورهای مذکور مطالعه و پژوهش ضروری می‌نماید.

منابع

A)English

- Chufrin Gennady. (2015). Eurasian Economic Union: Undergoing a Durability Test, *Russian Analytical Digest*, No.170, pp. 2-5.
- Courtney William. (2015). Remarks on the Eurasian Economic Union, *Central Asia Economic papers*, No.12.
- Falk, Richard. (2004). *The Declining World Order: America's Imperial Geopolitics*. New York: Routledge.
- Freedman, Robert. (2006). Russia, Iran and the Nuclear Question: The Putin Record. *The Strategic Studies Institute (SSI)*, Available at: <http://www.strategicstudiesInstitute.army.mil> (Accessed on: 06/02/2020).
- Langenhove, Luk Van. (2016). *Building Regions: the Regionalization of the World Order*. New York: Routledge.
- Legrenzi, Matteo. (2008). *Beyond Regionalism? Regional Cooperation, Regionalism and Regionalization in the Middle East*. New York: Routledge
- **Li, Yongquan. (2018). The Greater Eurasian Partnership and the Belt and Road Initiative: Can the Two Be Linked?. *Journal of Eurasian Studies*, Vol. 9, No. 2, pp. 94-99.**
- **Mostafa, Golam., Mahmood, Monawar. (2018). Eurasian Economic Union: Evolution, Challenges and Possible Future Directions. *Journal of Eurasian Studies*, Vol. 9, No. 2, pp. 163-172.**
- Mankoff, Jeffrey. (2011). *Russian Foreign Policy: the Return of Great Power Politics*. Maryland: Rowman and Littlefield Publishers, INC.

- March, Luke. (2012). Nationalism for Export? the Domestic and Foreign-Policy Implications of the New Russian Idea. *Europe-Asia Studies*, Vol. 64, No. 3, pp. 401-425
- Riggiozzi, Pía. (2017). Regional Integration and Welfare: Framing and Advocating Pro-Poor Norms through Southern Regionalisms. *New Political Economy*, Vol. 22, No. 6, pp. 661-675.
- Shlapentokh, Dmitry. (2006). Russia between East and West: Scholarly Debates on Eurasianism. Brill Academic Pub.
- Tabac, Marina. (2016). Regionalism and Economic Processes with Global Implications. CSEI Working Paper Series, Center for Studies in European Integration (CSEI), Academy of Economic Studies of Moldova (ASEM), No. 1, pp. 22-30.

B) Persian

- Alavi Far, Seyed Amir Hossein. (2016). The Process of Formation of the Eurasian Economic Union and its Economic Capacities. *IRAS Proceedings*, No. 9402.
- **Aziznejad, Samad; Tari, Fathollah; Seyednourani, Seyed Mohammad Reza. (2011). Iran Joining WTO and Its Effects on the Import of Capital-Intermediate Commodities. *Journal of Economic Growth and Development Research*, Vol. 1, No. 3, pp. 99-134.**
- Tehran Chamber of Commerce, Industries, Mines and Agriculture. (2019). Deputy of Economic Studies, Tehran, Iran.
- **Mirfakhraee, Seyedhasan. (2015). Geo-Economic Occasions for Iran after Eurasian Economic Union Formation. *Studies of International Relations Journal*, Vol. 8, No. 32, pp. 143-175.**

- **Noori, Alireza. (2019). Iran, Russia and Eurasian Integration; Benefits of Active Regionalism. *Central Eurasia Studies*, Vol. 12, No. 1, pp. 235-252**
- Saeedi, Reza; Saeedi, Khalil; Dehghani, Ali. (2014). Feasibility of Establishing Preferential Trade Agreement with Iran and Countries of Brics. *Quarterly Journal of Economic Research and Policies*, Vol. 22. No. 69, pp. 107-130.
- **Sajadpour, Seyed Mohammad Kazem; Soleimani Darchagh, Maryam. (2016). Russia's Eurasian Integration Dissection; Conceptual and Operational Framework. *Journal of Central Asia and The Caucasus Studies*. Vol. 21, No. 90, pp. 67-117.**
- **Soleimanpour, Hadi; Soleimani Darchagh, Maryam. (2016). Economic Integration in Central Eurasia in Line with Cantouri and Spiegel Models. *Journal of Central Asia and The Caucasus Studies*, Vol. 22, No. 93, pp. 69-97.**
- Tayebi, Seyed Komail; Taheri, Saleh. (2005). Investigating the Effects of Economic Convergence between Iran and Economic Unions (Panel Data Approach). *The Journal of Planning and Budgeting*, Vol. 10, No. 2, pp. 3-28.
- **Valizadeh, Akbar; Alizadeh, Shiva. (2018). Exploring the Roots of Continuity in the Foreign Policy of the Russian Federation during Putin's Rule. *Central Eurasia Studies*, Vol. 11, No. 2, pp. 513-529.**

کارکردها و کارویژه‌های مناطق آزاد تجاری در راستای ارتقاء جایگاه ایران در هاب ترانزیت اوراسیایی

سیدحسن میرفخرائی^۱

^۱دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

منطقه اوراسیا در کانون دو طرح بزرگ بین المللی ترانزیتی از جمله «کریدور بین المللی شمال-جنوب» و ابتکار چینی «یک کمربند، یک راه» قرار دارد. این موضوع در حالی است که بخش مهمی از دسترسی جنوبی این مجموعه کریدورهای ترانزیتی به آب های آزاد از طریق ایران صورت می گیرد. لذا، ایران را می توان نقطه تکامل بخش مهمی از هاب ترانزیت اوراسیایی در نظر گرفت. جمهوری اسلامی ایران علی رغم مشارکت فعال در هر دو پروژه مذکور، در چارچوب های چندجانبه نیز اقدام به نقش آفرینی در این مسیرها با هدف احیاء ژئواکونومی خود نموده است. نمونه بارز و بالفعل شده این مشارکت نهادگرایانه را می توان در اجرایی شدن توافقنامه تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا از اکتبر ۲۰۱۹ مشاهده کرد. در این راستا دروازه های ورودی و خروجی ایران به اوراسیا عمدتاً یا از مناطق آزاد تجاری صورت می گیرد، یا در مناطقی قرار دارد که در شرف تبدیل شدن به مناطق آزاد یا ویژه تجاری هستند. از جمله این دروازه ها می توان به کریدورهای ریلی/جاده ای در سرخس، اینچه برون، آستارا و ارس، و کریدورهای دریایی در بندر امیرآباد و بندر کاسپین اشاره کرد. در این مقاله با محوریت کارکردهای حقوقی-اقتصادی و تحلیل موقعیت ژئوپلیتیک در صدد بررسی کارویژه های مناطق آزاد و ویژه تجاری در زمینه ارتقاء جایگاه ایران در هاب ترانزیتی اوراسیایی هستیم.

کلیدواژگان: ایران، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ترانزیت، مناطق آزاد تجار

۱- مقدمه

مناطق آزاد اقتصادی، تجاری و صنعتی یکی از روش های نوین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه برای ارتقاء روابط اقتصادی منطقه ای و تجارت خارجی است که در قالب های دولتی و یا خصوصی و با قانون گذاری های

مبنتی بر ملاحظات اقتصاد و تجارت بین‌المللی است. این مناطق عمدتاً شامل زیرساخت‌های تسهیل شده حقوق تجارت، بنادر، مشوق‌های اقتصادی، امکانات بانکداری، فروشگاه‌های معاف از مالیات، و به طور ویژه انبارهای بزرگ هستند. به طور کلی مناطق آزاد با هدف تحریک و تسریع صادرات صنعتی، افزایش آورده‌های ناشی از مبادلات تجاری، و راه‌اندازی کارگاه‌ها و کارخانه‌های صنعتی به عنوان آزمایشگاهی برای ارزیابی روش‌ها و مکانیزم‌های نوین اقتصادی محسوب می‌شوند. ویژگی دیگر این مناطق نیز فضای مطلوب اقتصادی به لحاظ سرمایه‌گذاری، گمرک، مالیات، مزیت‌های مالی و تسهیلات اداری^۱ در مقایسه با دیگر مناطق و بخش‌های آن واحد جغرافیایی محسوب می‌شوند (Naydenov & Ivanov, 2018:2). در همین راستا در جمهوری اسلامی ایران نیز روند مشابهی شکل گرفت و در تابستان سال ۱۳۷۱ شاهد تاسیس دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد و تصویب قانون «چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی ایران» در شهریور ماه سال ۱۳۷۲ بوده‌ایم. طی این بازه نیز هفت منطقه آزاد تجاری و صنعتی شامل مناطق آزاد کیش، قشم، چابهار، ارس، انزلی، اروند و ماکو در کشور بوده‌ایم. اصلی‌ترین هدف از تاسیس این مناطق آزاد نیز مواردی نظیر اتصال تدریجی اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی، افزایش کارایی و رقابت‌پذیری اقتصاد ملی، توسعه منطقه‌ای در سایه تحقق اهداف توسعه ملی و رفع محرومیت از مناطق کمتر توسعه یافته، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و دستیابی به فناوری پیشرفته و ارتقاء سطح فعالیت‌های تولیدی با جهت‌گیری صادراتی بوده است (ذاکری و اسفندیاری کلوکن، ۱۳۹۵:۴).

^۱Administrative Concessions

در راستای همین اهداف، دو منطقه از مناطق آزاد اقتصادی و تجاری ایران از جمله ارس و انزلی در مجاورت و ماکو نیز با فاصله بسیار کمی از مرزهای جغرافیایی منطقه اوراسیا قرار گرفته‌اند. در عین حال، مناطق ویژه اقتصادی نیز به عنوان مکمل این مناطق آزاد به تعداد قابل توجهی در استان‌های نوار شمالی کشور از جمله آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، گیلان، مازندران، گلستان، خراسان شمالی و خراسان رضوی تاسیس شده است. این مراکز به طور طبیعی می‌توانند زمینه‌ساز توسعه و تسهیل تجارت با کشورهای همسایه در اوراسیا باشند. در همین حال دو مورد از بزرگ‌ترین طرح‌های ترانزیتی منطقه‌ای با محوریت منطقه اوراسیا، از جمله پروژه کریدور بین‌المللی شمال-جنوب^۱ که با مشارکت هند، ایران و روسیه در حال پیگیری است، و نیز ابتکار کمربند و جاده^۲ که با محوریت چین در مسیرهای گوناگونی، از جمله اوراسیا در جریان است، نقاط اتصال با محور شمالی ایران دارند. این موضوع در کنار موافقتنامه تجارت آزاد ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا که در مورخ ۱۷ مه سال ۲۰۱۸ امضا شد (www.eurasiancommission.org) و در تاریخ ۲۷ اکتبر سال ۲۰۱۹ اجرایی شد (www.ADB.org) نقش ویژه‌ای به مناطق آزاد و ویژه اقتصادی-صنعتی ایران برای ارتقاء نقش ترانزیتی ایران در مسیرهای جنوبی منطقه اوراسیا و به طور کلی احیاء ژئوپلیتیک ایران ایفا می‌کند.

تاکنون مقالات متعددی در زمینه مساله فوق‌الذکر به رشته تحریر در آمده است که عمدتاً ذیل چند محور کلی از جمله رقابت قدرت‌های بزرگ در

^۱International North-South Transport Corridor

^۲Belt and Road Initiative

منطقه اوراسیا با تاکید بر نقش ایران، میان منطقه‌گرایی با تاکید بر اوراسیا، حضور ایران در همگرایی اوراسیایی و تاثیر همکاری‌های ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در تعاملات اقتصادی جای می‌گیرند. از جمله مهم‌ترین این آثار می‌توان به مقالاتی نظیر «ایران، روسیه و همگرایی اوراسیایی؛ منافع منطقه‌گرایی فعال» نوشته علیرضا نوری (تابستان ۱۳۹۸)، «عوامل موثر بر صادرات ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا» نوشته منصور عسگری (پاییز ۱۳۹۸) و «رقابت‌های راهبردی متداخل کشورهای قدرتمند در هند-اقیانوسیه و اوراسیا» نوشته رضا سیمبر (تابستان ۱۳۹۹) و موارد متعدد دیگر در منابع پارسی و لاتین اشاره کرد. با این حال هیچ یک از موارد مذکور نسبت به تحلیل نقش مناطق آزاد در ارتقاء نقش ترانزیتی ایران در قبال منطقه اوراسیا نپرداخته‌اند. از این منظر، مقاله حاضر با تاکید بر مفاهیم ژئوپلیتیکی نظیر اوراسیای جدید و همگرایی اوراسیایی، می‌کوشد تا ضمن تحلیل و ارزیابی بازار اوراسیا و فرصت‌های نهفته در ساختارهای نهادی جدید اوراسیایی نظیر اتحادیه اقتصادی اوراسیا،^۱ کارویژه‌های مناطق آزاد اقتصادی برای بالفعل‌سازی این ظرفیت‌های بالقوه را مورد بحث و بررسی قرار دهد.

۲- داده‌های مقاله

۲-۱ مبانی نظری: ژئواکونومی

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تغییرات عمده‌ای در حوزه مفهومی ژئوپلیتیک روی داد. به گونه‌ای که ژئوپلیتیک از یک رهیافت نظامی و ژئواستراتژیک^۲، رویکردی ژئواکونومیک^۱ یافت. ادوارد لوتواک^۳ در سال ۱۹۹۰

^۱Eurasian Economic Union (EEU)

^۲Geo-Strategic

میلادی پارادایم ژئواکونومی را با مفهوم گسترده وارد علوم جغرافیایی و سیاسی کرد. در واقع ژئواکونومی از ترکیب سه عنصر جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته است و به نظر می‌رسد سیاست که عاملی مهم در ژئوپلیتیک بوده، جای خود را به اقتصاد داده است. اما باید اذعان نمود که ژئواکونومی چیزی غیر از ژئوپلیتیک و با در برابر آن نیست، بلکه جزئی از ژئوپلیتیک و یکی از اندیشه‌های ژئوپلیتیک در عصر حاضر است (قصاب‌زاده و همکاران، ۱۳۴:۱۳۹۸). به بیان دیگر، پارادایم غالب دوران جنگ سرد غلبه ایدئولوژیک بر عوامل صرفا اقتصادی بود و منطق اقتصادی جایگاهی نداشت. قدرت‌های رقیب مجبور بودند برای گسترش ایدئولوژی خود حتی ضرر اقتصادی بدهند. پس از جنگ سرد اما رویکرد ژئواکونومی مورد توجه قرار گرفت و این تجدید حیات خود مدیون سه عامل است: اول، قدرت در نظام بین‌الملل به طور فزاینده‌ای به اقتصاد کشیده شد؛ دوم، در مقایسه با دوره‌های قبل کشورها برای نمایش قدرت بیشتر به جنبه‌های اقتصادی قدرت و منابعی که در اختیار دارند توجه کردند. و سوم، تغییرات بازارهای جهانی موجب تحول در الگوهای رفتاری دولت‌ها شد و دولت‌ها عمدتاً متناسب با این تغییرات رفتار کردند (مختاری هشی، ۶۳:۱۳۹۷).

این شرایط منجر به برداشت‌های گوناگونی در طول زمان نسبت به ژئواکونومی شد که به نوعی موجب تکامل این مفهوم نیز گردید. در برخی برداشت‌ها، ژئواکونومیک به نوعی استفاده راهبردی (استراتژیک) از قدرت اقتصادی تعریف شده است. در این راستا، تمایز عمده ژئوپلیتیک و

^۱Geo-Economic

^۲Edward Luttwak

ژئواکونومیک، ابزارهای استفاده شده برای اعمال قدرت است که در اولی ابزارهای نظامی و در دومی ابزارهای اقتصادی است. با این حال اگر ماهیت ژئواکونومی را تحلیلی^۱ در نظر بگیریم، این مفهوم در سیاست گذاری کاربرد می یابد. در این رویکرد، ژئواکونومی ابزاری تحلیلی برای غلبه بر بازارها و محافظت از اقتصاد داخلی است. در دیدگاه انتقادی جغرافیای انسانی نیز این مفهوم سازی حول گزاره های انتقادی نظیر تقلیل گرایی در تعریف ژئواکونومی و شکل گیری آن در پرتو مفهوم سازی دولت متمرکز می شود (Moisiso, ۲۰۱۹: ۳-۴). نقطه تلاقی این برداشت ها را به خوبی می توان در نقش و جایگاه ایران در هاب ترانزیت اوراسیایی مشاهده کرد. ایران نقطه ای است که طرح هایی بزرگ نظیر ابتکار کمربند و جاده و کریدور شمال جنوب باهم تلاقی می کنند، در عین حال مدت هاست تحت تحریم قرار دارد و نوعی دیدگاه انتقادی نسبت به ساختار و رویه های حاکم بین المللی، به ویژه اقتصاد سرمایه داری جهانی را در این راستا بر سیاست گذاری های خود اعمال کرده است. در این مقاله تلاش می شود تا با عنایت به این رویکرد، کارویژه های مناطق آزاد در این اهداف مورد ارزیابی و بررسی قرار بگیرد.

۲-۲ اوراسیای جدید و ضرورت تنوع بخشی به ترانزیت اوراسیا

اوراسیای جدید^۲ یکی از مناطق مهم جهان به لحاظ ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، ژئوکالچر و به طور کلی ژئواستراتژیک محسوب می شود که از بدو فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ تولد یافته است. طی سال های اخیر این

^۱Analysis

^۲State

^۳The New Eurasia

منطقه مسیری پر فراز و نشیب از رشد و بازیابی جایگاه را به خود دیده است. این رشد نسبی شامل بهبود شاخص‌های کمی و کیفی کشورهای این منطقه در حوزه‌های گوناگون اعم از سیاسی و اقتصادی می‌شود. در همین حال باید توجه داشت اقتصاد و سیاست به طور پیچیده‌ای در اوراسیا در هم تنیده است. ساختارهای دقیق و پیچیده‌ای که در دوره اتحاد جماهیر شوروی در اقتصاد جمهوری‌ها چیده شده بود، بعد از فروپاشی شوروی در اوراسیای جدید نیز به همان ترتیب ادامه یافت. مسیرهای سنتی انتقال منابع خام به صنایع تبدیلی در مسکو، مینسک و کیف همچنان جریان داشت (Willerton & Cockerham, 2018:185-186) و نیز مسیرهای ترانزیت منطقه‌ای همگی حول یک شبکه پیچیده^۱ با محوریت مسکو که وظیفه بازتوزیع این جریان‌های تجاری را داشت، ختم می‌شد. این ویژگی‌ها اگرچه در ابتدا به تحکیم جایگاه مسکو در این منطقه بدل شد، اما به زودی شاهد یک روند «مقاومت» و «موازنه»^۲ از سوی برخی جمهوری‌های تازه استقلال یافته نظیر گرجستان، اوکراین و جمهوری‌های بالتیک برای تغییر رویه‌های اوراسیایی بودیم. این روند از اوایل سال ۲۰۰۰ و به ویژه پس از روی کار آمدن ولادیمیر پوتین آغاز شد.

در این دوره روسیه اگرچه نیم‌نگاهی به بازیابی جایگاه شوروی سابق در نظام بین‌الملل داشت، ولیکن در یک رویکردی واقع‌گرایانه^۳ و در عین حال

^۱Complex Network

^۲Resistance

^۳Balance

^۴Realistic

عملگرایانه این روند را آغاز کرد. در این راستا، بسط و توسعه نفوذ اقتصادی اوراسیا در اقتصاد جهانی و نیز توسعه اقتصادهای بومی کشورهای تازه استقلال یافته، به ویژه جمهوری‌های کم برخوردار از میراث برجای مانده از اتحاد جماهیر شوروی آغاز شد. فرایندی که بعدتر با گسترده‌تر شدن دامنه و عمق آن به «همگرایی اوراسیایی»^۱ تعبیر شد. این رویکرد که در ابتدا با بررسی روندی که از ۱۹۹۱ آغاز کرده بود بسیار پیچیده به نظر می‌رسید، اما به طور ثابتی حول چند منطق کلیدی توسعه یافت که شامل یک منطقه تجارت آزاد، یک اتحادیه گمرکی، بازار واحدی از کالاها، خدمات، سرمایه و نیروی کاری و نیز یک اتحادیه پرداخت و پول واحد می‌شد (Okhrimenko, ۲۰۱۶: ۴۷۵). این فرایند به طور طبیعی مستلزم برخی زیرساخت‌های کلیدی می‌شد که در حوزه اقتصاد، ترانزیت یکی از مهم‌ترین موارد به حساب می‌آمد. در اوراسیای جدید، تمرکز بر تنوع‌بخشی اقتصاد و متمرکز شدن هر چه بیشتر در مناطق بالقوه اقتصادی جدید بود که بعضاً در قالب‌های همگرایانه جدیدی نظیر بریکس (شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) ظهور یافته بودند. طبیعتاً مهم‌ترین زیرساخت شکل‌گیری و پایداری چنین رویکرد اقتصادی جدیدی، بیش از همه ترانزیت بود. لذا، اوراسیای جدید مستلزم هاب‌های ترانزیتی جدید برای دسترسی تسهیل شده و بدون مانع به تمام بازارهای جدید و بالقوه جهان بود.

در همین حال، باید توجه داشت که یک فرایند واگرایی با محوریت غرب و بازتولید قدرت و ساختارهای کشورها بر مبنای مدل‌های غربی در

^۱ Pragmatic

^۲ Eurasian Integration

جمهوری‌های تازه استقلال یافته نیز در جریان بود. همینطور استراتژی محاصره اوراسیا^۱ نیز با تمرکز غرب بر واگرایی بازیگران پیرامونی جامعه کشورهای شوروی سابق نظیر کشورهای حوزه بالتیک (لیتوانی، لتونی و استونی)، اوکراین، گرجستان و حتی تا حدودی قرقیزستان در حال اجرا بود. عضویت در ناتو و اتحادیه اروپا اصلی‌ترین مصداق این روند بود (Dobbins & Zagorski, 2018:6-7). این مساله ارائه یک پیوست سیاسی به تمام پروژه‌های توسعه‌ای اقتصادی را برای اوراسیای جدید ایجاب می‌کرد. جمهوری اسلامی ایران که به طور تاریخی یکی از بهترین و مقرون به صرفه‌ترین مسیرهای ترانزیتی برای اوراسیا محسوب می‌شد، در این میان به دلیل رویکرد تقابل‌گرایانه با غرب، گزینه‌ای به حساب می‌آید که علاوه بر مزیت‌های اقتصادی، از امتیاز سیاسی منحصر به فردی نیز برخوردار است. از این منظر شاهد آن بودیم که اوراسیا با تاکید ویژه‌ای بر ژئواکونومیک، در صدد فعال‌سازی پتانسیل‌های ایران به عنوان یک «کشور پل»^۲ برای روندهای جدید تجارت اوراسیایی بر آمد. با این حال در مسیر بالفعل‌سازی ظرفیت‌های ترانزیتی ایران برای اوراسیا، همچنان موانعی ساختاری و کارکردی وجود دارد. زیرساخت‌های ترانزیتی بعضا با فقدان منطق صرفه اقتصادی مواجه می‌شوند و در برخی موارد نیز در عین وجود صرفه اقتصادی، سلطه مسیرهای سنتی (با مبدا غرب یا منتهی به غرب) فاقد جذابیت‌های لازم برای کارتل‌های تجاری و متعاقبا بالفعل‌سازی ظرفیت‌های بالقوه تجاری و ترانزیتی می‌شود.

۳-۲ هاب ترانزیت اوراسیایی

^۱Siege of Eurasia

^۲Bridge Country

منطقه اوراسیا در حال حاضر در کانون توجه چند طرح بزرگ حمل و نقل قرار گرفته که هر کدام با محوریت یک یا چند بازیگر بزرگ در نظام بین الملل پیگیری می شود. این توجه مضاعف اوراسیا را به یک هاب ترانزیتی بزرگ تبدیل کرده است. چین با ابتکار کمربند و جاده یکی از این پروژه ها را به اجرا در آورده است. این ابتکار در حقیقت به نوعی بازگشت چین به اوراسیا تلقی شده و بخش مهمی از اصلاحات دنگ شیائوپینگ در این کشور محسوب می شد (Harper, 2019:115). این پروژه بزرگ ترانزیتی که دارای دو مسیر دریایی و خشکی است، که راه های زمینی خود را به از دریچه اوراسیا آغاز کرده است. مسیر نخست، از شهر ارومچی در غرب چین به آلماتی در قزاقستان رسیده و سپس از مسیر مسکو در روسیه راهی اروپای شرقی می شود. مسیر دوم اما از آلماتی به تاشکند و عشق آباد و سپس تهران رسیده و از مسیر ترکیه به اروپا می رسد.

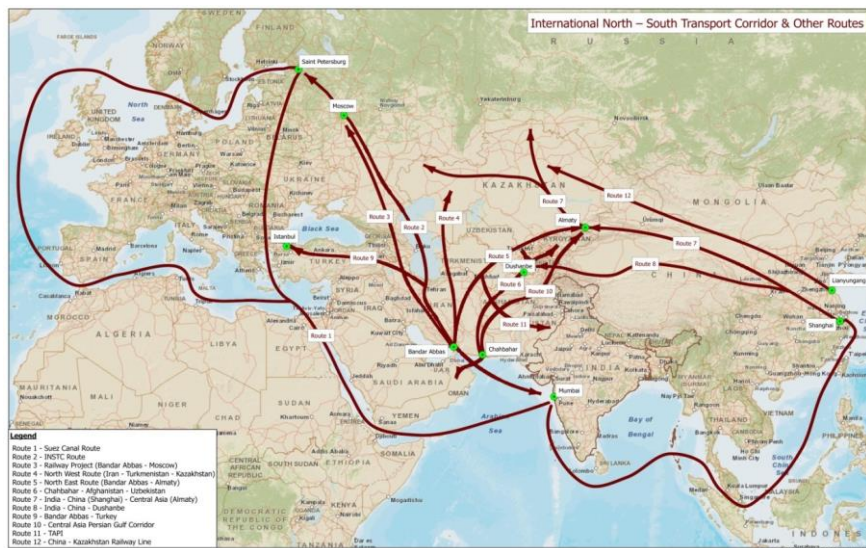


نقشه ۱: کمربند اقتصادی جاده ابریشم چینی (<http://www.china.org.cn>)

پروژه کریدور بین‌المللی شمال-جنوب طرح دیگری است که آن نیز با محوریت اوراسیا در حال پیگیری است. در سال ۲۰۰۰ موافقتنامه این پروژه توسط هند، ایران و روسیه به امضا رسید. این طرح یک شبکه ترانزیتی چندوجهی شامل بنداری در غرب هند به بندرعباس و چابهار در ایران، سپس به شمال ایران بود. در شمال یک مسیر از طریق بندر کاسپین در بندر انزلی از طریق دریای خزر به قزاقستان و روسیه می‌رسید و مسیر زمینی دوم نیز از رشت و آستارا به جمهوری آذربایجان و سپس به روسیه می‌رسید و در نهایت همه مسیرها به اروپا ختم می‌شدند (Lee & Gill, 2015:114). بعدتر نیز طرح‌های مکمل ایران برای آسیای مرکزی همچون موافقتنامه عشق‌آباد مسیرهایی را نیز از شرق دریای خزر برای این کریدور ایجاد کرد. موافقتنامه تأسیس دالان حمل و نقل و گذر بین‌المللی بین قطر، عمان، ایران، ترکمنستان و ازبکستان در سال ۱۳۹۱ به تصویب رسید (<https://rc.majlis.ir>). بعدتر قطر از این موافقتنامه خارج شد و قزاقستان تمایل خود را برای عضویت در آن اعلام کرد. در این بازه ایران ابتکارهای ترانزیتی دیگری نظیر اتصال به خطوط ریلی روسیه، افتتاح مسیر ریلی اینچه‌برون برای اتصال به ترکمنستان و قزاقستان، طرح‌ریزی مسیر ایران-افغانستان-ازبکستان و موارد دیگری را به اجرا در آورد.

در همین حال غرب نیز که پیش‌تر با افتتاح مسیر انتقال انرژی باکو-تفلیس جیحان اقدامات قابل توجهی را برای در دست گرفتن ابتکار عمل در ترانزیت انرژی منطقه ایفا کرده بود، طرح‌های بدیل دیگری را با محوریت ژئوپلیتیک اوراسیا به اجرا در آورده است. از جمله این مسیرهای جدید می‌توان به

طرح‌هایی نظیر خط لوله انتقال گاز ترکمنستان- افغانستان- پاکستان- هند، طرح‌های انتقال برق نظیر کاسا-۱۰۰۰ و نیز کریدورهای موسوم به ترانس خزر نظیر طرح‌های با محوریت ترکیه از جمله تانپ و یا لاپیس لازولی (راه لاجورد) اشاره کرد (Shahbazov, 2017:1).



نقشه ۲: طرح‌های ترانزیتی با محوریت ایران و اوراسیا (<http://www.idsa.in>) در نقشه ۲ تمام طرح‌های مذکور در کنار یکدیگر به نمایش گذاشته شده است. همانطور که قابل ملاحظه است، بیشترین تراکم مسیرهای ترانزیتی با محوریت ایران و اوراسیا در طرح‌های مختلف وجود دارد.

۲-۴ شبکه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی ایران در مجاورت اوراسیا همانطور که پیش‌تر ذکر شد، جمهوری اسلامی ایران با عنایت به ظرفیت‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود در منطقه اوراسیا اقدام به ارتقاء نقش و جایگاه خود در طرح‌های بین‌المللی و نیز توسعه ابتکارهای ترانزیتی ایرانی

نموده است. در عین حال در کنار مناطق آزاد اقتصادی و صنعتی، مکمل‌های کارکردی و ساختاری در قالب مناطق ویژه اقتصادی را نیز دائر کرده و در تلاش بوده تا ابتکارهای ژئواکونومیکی بالقوه خود را که ماهیت سخت‌افزاری دارند، در قالب‌های نرم‌افزاری نظیر مناطق ویژه اقتصادی بالفعل سازد. مهم‌ترین تفاوت مناطق ویژه اقتصادی مبتنی بر مواردی نظیر صدور روادید و معافیت‌های گمرکی (محدودیت تا سقف ارزش افزوده در مناطق ویژه اقتصادی) بود (<https://rc.majlis.ir>,2). ترکیب پتانسیل‌های تجاری و اقتصادی مناطق ویژه اقتصادی با مناطق آزاد، یک شبکه منسجم از جذابیت‌های اقتصادی در کنار پتانسیل‌های ترانزیتی را در کشور ایجاد کرد.

جدول ۱: تفاوت‌ها و شباهت‌های حقوقی مناطق آزاد اقتصادی-صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی

ردیف	مناطق ویژه اقتصادی	مناطق آزاد اقتصادی - صنعتی	توضیحات
۱	معافیت از مالیات و عوارض	معافیت از مالیات و عوارض	واردات کالا از خارج
۲	معافیت از مالیات و عوارض	معافیت از مالیات و عوارض	صادرات مجدد کالاها به خارج
۳	در صورت صادرات کالا، تابع مقررات عمومی	در صورت صادرات کالا، تابع مقررات عمومی	کالاهای مجزا و مواد خام وارد شده به

صادرات و واردات در سرزمین اصلی است.	صادرات و واردات در سرزمین اصلی است.	مناطق سرزمین اصلی
۴ تابع مقررات عمومی صادرات-واردات به سرزمین اصلی است.	تابع مقررات عمومی صادرات-واردات به سرزمین اصلی است.	واردات کالاهای خارجی به سرزمین اصلی
۵ معاف از مالیات و عوارض، تنها هزینه‌های انبارداری و خدماتی پرداخت می‌شود.	معاف از مالیات و عوارض، تنها هزینه‌های انبارداری و خدماتی پرداخت می‌شود.	تخلیه، بارگیری، ترانزیت و ترانشیپ کالاها به خارج
۶ معافیت گمرکی تا سقف ارزش افزوده	دارای معافیت گمرکی	معافیت گمرکی
۷ تابع مقررات حاکم بر سرزمین اصلی	تابع مقررات خاص حاکم بر مناطق آزاد	ثبت شرکت، مالکیت معنوی و صنعتی
۸ فروش/اجاره به ایرانیان و اجاره به خارجیان	فروش/اجاره به ایرانیان و اجاره به خارجیان	بهره‌برداری از زمین
۹ تابع نرخ مبادله ارز در بانک‌های داخلی	تابع نرخ مبادله ارز در بازار مناطق آزاد	نرخ مبادله ارز
۱۰ صدور به وسیله سازمان منطقه	صدور به وسیله سازمان منطقه	گواهی مبدا

۱۱	غیرمجاز	مجاز	خرده فروشی
۱۲	تنها فعالیت بانک‌های داخلی پذیرفته شده است	مورد تایید قانون است	عملیات بانکی به وسیله بخش خصوصی
۱۳	توسط قانون «جلب و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی» پذیرفته و مورد حمایت است	توسط قانون «جلب و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی» پذیرفته و مورد حمایت است	سرمایه‌گذاری خارجی
۱۴	تا ۱۰۰٪ سهام	تا ۱۰۰٪ سهام	سقف درصد مشارکت سرمایه‌گذار خارجی
۱۵	قبل از ورود نیاز به اخذ ویزا است.	ویزا هنگام ورود به مناطق صادر می‌شود	ورود به مناطق

(احمدزاده و لطفی، ۱۶۸-۱۶۷:۱۳۹۶)

در حال حاضر علاوه بر ۳ منطقه آزاد اقتصادی-صنعتی ارس در آذربایجان شرقی، ماکو در آذربایجان غربی، و بندر انزلی در استان گیلان، چند طرح دیگر نیز در دست بررسی است. منطقه آزاد اینچه‌برون در استان گلستان، منطقه آزاد اردبیل و منطقه آزاد بابلسر در استان مازندران از جمله مواردی است که در شرف بررسی و تصویب نهایی است. در همین حال ۱۶ منطقه

ویژه اقتصادی نیز در استان‌های نوار شمالی کشور در مجاورت مرزهای اوراسیا تاسیس شده است.

همانطور که در نقشه ۳ قابل مشاهده است، تراکم قابل ملاحظه‌ای از مناطق آزاد اقتصادی و صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی در نوار شمالی کشور در مجاورت مرزهای منطقه اوراسیا مستقر شده است. تراکم این مناطق در شمال غرب کشور در مقایسه با شمال شرق قابل ملاحظه‌تر است. این امر می‌تواند به دلیل جریان قوی تر تجارت جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه قفقاز جنوبی و ترکیه، و از طرف دیگر، رفتارهای خاص دولت ترکمنستان که موجب کندی و کاهش جذابیت ترانزیت و تجارت در آسیای مرکزی شده است باشد. همچنین نکته قابل توجه دیگر آن که ۶ مورد از مناطق آزاد و یا ویژه اقتصادی دسترسی آسان و یا مستقیم به بنادر در دریای خزر دارند. این موضوع به ویژه در مورد منطقه آزاد بندر انزلی که دسترسی مستقیم به بندر کاسپین دارد بسیار قابل توجه است. همچنین ۹ مورد از مناطق آزاد و یا ویژه اقتصادی نیز دسترسی مستقیم به ایستگاه‌های راه‌آهن و شبکه ریلی کشور دارند که امکانات ویژه‌ای به آن‌ها می‌دهد. بدین ترتیب در مورد مناطق آزاد، دسترسی به خطوط ریلی و یا بنادر دریایی به طور کامل وجود دارد. ۴ مورد از مناطق ویژه و یا آزاد اقتصادی نیز در مجاورت پایانه‌های مرزی جاده‌ای قرار گرفته‌اند. در همین حال ۶ مورد از مناطق ویژه اقتصادی نیز دسترسی تسهیل شده (فاصله کمتر از ۵۰ کیلومتر) به خطوط ریلی کشور داشته که در صورت سرمایه‌گذاری مناسب قابلیت دسترسی مستقیم از طریق تاسیس انشعابات را خواهند داشت. در همین حال باید توجه داشت در صورت تکمیل برخی پروژه‌های نیمه‌کاره نظیر اتمام پروژه خط ریلی رشت- کاسپین- انزلی

و یا خط ریلی آستارا-آستارا این دسترسی ها با سهولت بیشتری انجام خواهد گرفت. لذا، می توان اظهار داشت دسترسی به مسیرهای ترانزیتی یک اصل ویژه و پیش فرض برای تاسیس مناطق آزاد اقتصادی- صنعتی و حتی مناطق ویژه اقتصادی بوده است. این امر منجر به شکل گیری یک شبکه ترانزیتی ایجابی در میان مناطق آزاد و ویژه اقتصادی شده که در صورت فعال شدن نبض تجارت خارجی کشور با منطقه اوراسیا را در دست خواهد داشت.

نقشه ۳: موقعیت مناطق آزاد اقتصادی و صنعتی و و مناطق ویژه اقتصادی نوار شمالی ایران



منبع: ترسیم شده توسط نگارنده

۵-۲ کارویژه‌های مناطق آزاد ارتقاء نقش ترانزیتی ایران

همانطور که پیش تر ذکر شد، بسیاری از طرح‌های بزرگ ترانزیتی جهان همچون ابتکار کمربند و جاده و نیز کریدور بین‌المللی شمال-جنوب بر ژئوپلیتیک منطقه اوراسیا و بعضاً جمهوری اسلامی ایران متمرکز شده‌اند. در عین حال، در نوار شمالی جمهوری اسلامی ایران شامل استان‌ها خراسان شمالی، خراسان رضوی، گلستان، مازندران، گیلان، اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی که همگی در مجاورت جغرافیای اوراسیا قرار دارند، ۲۲ منطقه آزاد اقتصادی- صنعتی فعال و بالقوه و نیز منطقه ویژه اقتصادی وجود دارد که همگی از زیرساخت‌های ترانزیتی مناسبی برخوردارند. بر این اساس، مهم‌ترین کارویژه‌های مناطق آزاد و ویژه اقتصادی را در ارتقاء نقش و جایگاه ایران در هاب ترانزیت اوراسیایی می‌توان به شرح ذیل بر شمرد:

منطقه آزاد گره‌های اتصال شبکه ترانزیت اوراسیایی و ایران: هسته اولیه شبکه ترانزیت اوراسیایی در دوره اتحاد جماهیر شوروی شکل گرفت. در این دوره شبکه ریلی منطقه توسعه قابل توجهی یافت، خطوط انتقال انرژی در سرتاسر منطقه پهناور شوروی سابق تاسیس شدند و مسیرهای تجارت جاده‌ای نیز مبتنی بر ساختارهای اقتصادی شوروی سابق توسعه یافتند. در دوره پس از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های جدید نیز پیرو نظام‌های توسعه داخلی و استقلال از ساختارهای وابسته به مسکو، و نیز در چارچوب طرح‌های بزرگ بین‌المللی، به ویژه با محوریت ابتکار کمربند و جاده و نیز طرح‌های غربی، این شبکه به شکل نامنظم و بسیار پیچیده‌تری توسعه یافته و به وضعیت کنونی رسید. مناطق آزاد نوار شمالی ایران به دلیل قرار گرفتن در مجاورت نقاط مهم و زیرساخت‌های کلیدی ترانزیتی به مثابه

گره‌های اتصال شبکه ترانزیتی ایران در قلب منطقه جنوب غرب آسیا به شبکه ترانزیت اوراسیایی خواهند بود.

توسعه تجارت خارجی: تجارت و ترانزیت در حقیقت دو روی یک سکه هستند. بدون روابط تجاری مناسب و سطح مکفی از مبادلات تجاری (بسته به حجم و نوع اقتصادهای مبدا و مقصد) اصولاً توسعه ترانزیت صورت نمی‌گیرد. نخستین و مهم‌ترین هدف از تاسیس مناطق آزاد اقتصادی، ایفای نقش این مناطق به عنوان نیروی محرکه و به بیان دیگر کاتالیزور تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران است. لذا، در صورت تحقق هدف اولیه (توسعه تجارت خارجی)، هدف ثانویه (ارتقاء نقش و جایگاه ایران در هاب ترانزیت اوراسیایی) محقق خواهد شد.

توسعه زیرساخت‌های داخلی ترانزیت: مناطق آزاد و ویژه اقتصادی هم‌ارز با توسعه تجارت خارجی نیازمند توسعه ظرفیت حمل و نقل و بهبود زیرساخت‌های ترانزیت می‌باشند. تجربه توسعه زیرساخت‌های ترانزیت در جنوب کشور از طریق توسعه زیرساخت‌های بنادر، گسترش ناوگان شناورها، توسعه لنگرگاه‌ها و ... به واسطه توسعه مناطق آزاد کیش، قشم و چابها (یوسفی، ۴: ۱۳۸۳) می‌تواند هم در حوزه بنادر دریای خزر و هم مسیرهای ریلی و جاده‌ای در اتصال ایران به منطقه اوراسیا نیز تکرار شود. طبیعتاً توسعه زیرساخت‌ها می‌تواند منجر به تکمیل فرایند اتصال به شبکه ترانزیت اوراسیا و ارتقاء نقش ایران در این شبکه شود. پیش‌تر در سال ۹۷ قزاقستان اعلام کرده بود به دلیل وجود مشکلات جدی در زیرساخت‌های ریلی ایران (مسیر اینچ‌برون به گرگان)، کریدور اصلی این کشور از طریق دریایی و به بندر کاسپین در استان گیلان منتقل شده است (<http://itnanews.com>). طبیعتاً

توسعه این زیرساخت‌ها می‌تواند منجر به افزایش سطح دسترسی کشورهای دیگر به زیرساخت‌های لجستیک ایران و در نتیجه ارتقاء جایگاه ایران در شبکه ترانزیت اوراسیا شود.

شکل‌گیری منطقه پردازش صادرات: اصطلاح منطقه پردازش صادرات^۱ نخستین بار در سال ۱۹۷۷ توسط دولت فیلیپین به کار برده شده و بعدها توسط نهادهای بین‌المللی نظیر سازمان توسعه صنعتی سازمان ملل متحد^۲ و نیز سازمان بین‌المللی کار^۳ نیز به کار برده شد. در این مفهوم، ورود و خروج سرمایه خارجی به مناطق آزاد است، معافیت‌های حقوق و عوارض گمرکی رایج است، ورود و خروج نیروی کار متخصص به آسانی صورت می‌گیرد و بالاخره، تولید، صادرات و ارزآوری مورد تاکید است (آذر و بروجی، ۱۳۹۴:۶۲۲). تمامی این فرایندها مستلزم وجود زیرساخت‌های ترانزیتی و نیز موجب توسعه آن است.

جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای توسعه ترانزیت: حضور در ژئوپلیتیک موسوم به قلب زمین جذابیت اوراسیا و ایران را برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی بسیار افزایش داده است. تنها در ۶ ماه نخست سال ۲۰۲۰ چین معادل ۲۳،۴ میلیارد دلار در ابتکار کمربند و جاده سرمایه‌گذاری کرده است (<https://green-bri.org>). در همین حال توسعه همکاری‌ها منجر به علاقه چین برای سرمایه‌گذاری در حوزه ترانزیت و نیز صنایع دیگر نظیر خودروسازی در ایران شده است (ژیانگبو و ژیانگ، ۱۳۹۸:۱۵۹). در همین

^۱Export Processing Zone

^۲United Nations Industrial Development Organization (UNIDO)

^۳International Labour Organization (ILO)

حال روسیه نیز پیش تر آمادگی خود را برای سرمایه‌گذاری ۳ میلیارد دلاری در زمینه توسعه خطوط ریلی، در چارچوب برقی کردن ۳ هزار کیلومتر از مسیرهای ریلی ایران با هدف ارتقاء ظرفیت لجستیک مسیرهای ترانزیتی اعلام کرده بود (www.rzd.ru). از سوی دیگر باید توجه داشت که این سرمایه‌گذاری‌های خارجی در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی با شرایط مساعدتری صورت گرفته و می‌تواند بر مبنای مشوق‌های تجاری در این مناطق صورت بگیرد.

۶-۲ نقش کاتالیزوری اتحادیه اقتصادی اوراسیا

اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۱۵ کار خود را به صورت رسمی آغاز کرد. شکل‌گیری اتحادیه در حالی صورت گرفت که آخرین مرحله یک پروسه ۳ مرحله‌ای بود که با ایجاد اتحادیه گمرکی^۱ در سال ۲۰۱۰، و یک فضای اقتصادی واحد^۲ در سال ۲۰۱۲ آغاز شده بود. روسیه، قزاقستان و بلاروس، به عنوان موسسین این اتحادیه اقتصادی سریعاً ارمنستان را در ژانویه ۲۰۱۵ و قرقیزستان را نیز در ماه مه همان سال به عضویت این اتحادیه در آوردند و پیمان اتحادیه اقتصادی اوراسیا را نیز امضا کردند (Roberts & Moshes, ۲۰۱۵:۲). در همین حال در سال ۲۰۱۶ مذاکرات ایران با روسیه برای شکل‌دهی به یک منطقه تجارت آزاد آغاز شد و در نهایت در تاریخ ۱۷ مه سال ۲۰۱۸ بود که توافقنامه موقت ۳ ساله ایجاد منطقه آزاد تجاری میان ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا به امضا رسید. پس از آن نیز موافقتنامه مذکور در پارلمان کشورهای عضو به امضا رسید و از اکتبر ۲۰۱۹ فرایند

^۱Costumes Union

^۲Single Economic Space

اجرایی شدن آن آغاز شد. بر اساس موافقتنامه امضا شده، ۸۶۲ قلم کالا شامل تعرفه‌های ترجیحی ایران و کشورهای عضو می‌شود. از این میان ۵۰۲ مورد ترجیحات اعطایی اتحادیه اقتصادی اوراسیا به ایران است و ۳۶۰ مورد هم ترجیحات اعطایی ایران به اتحادیه (3, <https://rc.majlis.ir>).

این توافقنامه همانطور که پیش‌بینی می‌شد، به‌رغم شرایط تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده آمریکا، رشد در مناسبات تجاری ایران با کشورهای عضو اتحادیه را موجب شده است. بر اساس گزارش سازمان توسعه تجارت ایران، میزان صادرات ایران به اتحادیه اوراسیا در بازه ۵ آبان ۱۳۹۸ تا ۳۱ مرداد ۱۳۹۹ در مقایسه با بازه ۵ آبان ۱۳۹۷ تا ۳۱ مرداد ۱۳۹۸ (پیش از اجرای موافقتنامه) معادل ۲۱ درصد رشد داشته است. در همین راستا واردات ایران از کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز در بازه مشابه ۱ درصد رشد داشته است. حجم تجارت دو طرف نیز در این بازه با رشدی ۶ درصدی مواجه شده است. لذا، توسعه مبادلات تجاری در چارچوب موافقتنامه تجارت آزاد با اتحادیه اوراسیا را نیز متعاقباً می‌توان به عنوان یک کاتالیزور در ارتقاء نقش و جایگاه ایران در هاب ترانزیت اوراسیایی در نظر گرفت. این موضوع در حالی است که ظرفیت‌های توسعه مناسبات با این کشورها همچنان بالقوه مانده و در صورت توسعه مناسبات در سال‌های آتی می‌توان رشد بیشتری را در این میان شاهد بود. در همین حال، نکته قابل توجه دیگر ظرفیت بهره‌مندی کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا از ژئوپلیتیک ایران برای تجارت از مسیر آب‌های جنوبی است. طی سال‌های اخیر قزاقستان، قرقیزستان و روسیه علاقه زیادی برای بهره‌مندی از مزیت‌های ترانزیتی جنوب ایران، به ویژه در بندر شهید رجایی و بندر چابهار نشان داده‌اند که

احداث تاسیساتی نظیر انبار در چابهار و بازگشایی کنسولگری جدید قزاقستان در بندرعباس را نیز می توان در این راستا در نظر گرفت.
در جداول شماره ۳ و ۴ جزئیات مقایسه ای از تجارت ایران و اوراسیا در بازه های مورد اشاره نمایش داده شده است.

کشور	صادرات ۵ آبان ۱۳۹۷ تا	صادرات در بازه ۵ آبان	رشد
	۳۱ مرداد ۱۳۹۸	۱۳۹۸ تا ۳۱ مرداد ۱۳۹۹	
ارمنستان	۲۷۵,۶۱	۱۹۸,۵۶	-۲۸
بلاروس	۴,۳۶	۱۲,۵۹	۱۸۹
روسیه	۲۷۶,۰۴	۴۴۱,۵۶	۶۰
قرقیزستان	۳۳,۷۶	۴۲,۴۲	۲۶
قزاقستان	۹۰,۲	۱۲۸,۷۸	۴۳
جمع کل	۶۷۹,۹۷	۸۲۳,۹۱	۲۱

جدول ۳: مقایسه صادرات ایران به کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا در ۱۱ ماه قبل و بعد از اجرایی شدن توافق تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا (سازمان توسعه تجارت ایران)

کشور	واردات ۵ آبان ۱۳۹۷ تا	واردات در بازه ۵ آبان	رشد
------	-----------------------	-----------------------	-----

	۱۳۹۸ تا ۳۱ مرداد ۱۳۹۹	۳۱ مرداد ۱۳۹۸	
ارمنستان	۱۲,۲۵	۱۰,۱۱	۲۱
بلاروس	۳۶,۸۱	۴۶,۶۷	-۲۱
روسیه	۱۶۱۱,۸۸	۱۴۲۱,۱۶	۱۳
قرقیزستان	۵,۸۹	۲۰,۵۹	-۷۱
قزاقستان	۳۰۱,۰۶	۴۵۶,۸۴	-۳۴
جمع کل	۱۹۶۷,۸۸	۱۹۵۵,۳۶	۱

جدول ۴: مقایسه واردات ایران از کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا در ۱۱ ماه قبل و بعد از اجرایی شدن توافق تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا (سازمان توسعه تجارت ایران)

۳- جمع بندی

منطقه اوراسیا از سال ۲۰۰۰ به بعد یک فرایند همگرایی اوراسیایی را با محوریت مسکو آغاز کرده است. یکی از مهم ترین جهت های این همگرایی در حوزه اقتصاد بوده است. در همین حال، ژئوپلیتیک خاص این منطقه نیز موجب شده تا بزرگ ترین پروژه های ترانزیتی جهان نظیر ابتکار کمربند و جاده و نیز کریدور بین المللی شمال-جنوب در این منطقه توسعه یابند. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران که در جنوب این منطقه قرار دارد، از

پتانسیل‌های مناسبی برای نقش‌آفرینی در هاب ترانزیت اوراسیایی برخوردار است. این موضوع به ویژه با قرار گرفتن ۲۲ منطقه آزاد اقتصادی-صنعتی و منطقه ویژه اقتصادی در نوار استان‌های شمالی که از ظرفیت‌های ترانزیتی مناسبی در حوزه خطوط ریلی، بنادر دریایی و نیز مسیرهای جاده‌ای برخوردارند، حائز اهمیت است. در این راستا، مناطق آزاد و ویژه اقتصادی با ارائه کارویژه‌ها و کارکردهایی نظیر نقش‌آفرینی به عنوان گره‌های اتصال شبکه ترانزیت اوراسیایی و ایران، توسعه تجارت خارجی، توسعه زیرساخت‌های ترانزیت داخلی با افزایش تجارت خارجی، شکل‌گیری منطقه پردازش صادرات و نیز جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای توسعه زیرساخت‌های ترانزیتی می‌توانند موجب ارتقاء نقش و جایگاه ایران در هاب ترانزیت اوراسیایی شوند. در همین حال باید توجه داشت که امضای موافقتنامه تجارت آزاد ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۱۸ و اجرایی شدن آن در سال ۲۰۱۹ که منجر به افزایش مبادلات تجاری ایران با کشورهای عضو شده است، می‌تواند به عنوان یک کاتالیزور در این میان نقش‌آفرینی نماید. با این حال باید به این نکته نیز توجه داشت که همچنان ظرفیت‌های بالقوه قابل توجهی در توسعه مبادلات تجاری ایران و کشورهای عضو این اتحادیه وجود دارد. در همین حال می‌بایست نگاهی ویژه به تجارت کشورهای عضو و غیرعضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا از مسیر ایران با شرکای خارجی خود داشت. این کشورها حجم قابل توجهی از تجارت را می‌توانند از مسیر آب‌های گرم جنوب ایران و نیز در چارچوب کریدورهای بین‌المللی از مسیر ایران صورت دهند. با این حال این امر مستلزم توسعه کمی و کیفی

زیرساخت‌های ترانزیت ایران است. طبیعتاً مناطق آزاد به عنوان محرک‌های اصلی تجارت خارجی می‌توانند نقشی ویژه در این زمینه ایفا کنند.

منابع

- احمدزاده، بهمن، لطفی، حیدر، (۱۳۹۶)، تاثیر مناطق آزاد بر تجارت بین‌المللی: مطالعه موردی منطقه آزاد کیش، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال ۹، شماره ۲.
- ایتنانیوز، (۱۳۹۷)، راه‌آهن ایران_ قزاقستان از نظر لجستیکی ضعیف است، قابل دسترسی از: <http://itnnews.com/?p=15620>، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۹/۸/۱۵.
- آذر، امید، بروجی، کوروش، (۱۳۹۴)، تاثیر مناطق آزاد تجاری در توسعه صادرات ایران، ارائه شده در هشتمین کنگره پیشگامان پیشرفت، تهران، ایران.
- ذاکری، زهرا، اسفندیاری کلوکن، مجتبی، (۱۳۹۵)، فراتحلیل مطالعات مناطق آزاد، دفتر مطالعات اقتصادی معاونت پژوهش‌های اقتصادی مجلس شورای اسلامی، قابل دسترسی از: <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/991799>.
- ژیانگیو، سونگ، ژیزانگ، وانگ، (۱۳۹۸)، فعالیت‌های اقتصادی چین در ایران در چهارچوب ابتکار "کمربند و جاده": فرصت یا چالش؟، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال ۳، شماره ۱۱.
- سازمان توسعه تجارت ایران، (۱۳۹۹)، بررسی آماری تجارت ایران با کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا، قابل دسترسی از: <http://www.tpo.ir/uploads/eurasia-report-5-99.pdf>، تاریخ دسترسی: ۹۹/۹/۱۸.
- قصاب‌زاده، مجید، اخباری، محمد، حسن‌آبادی، داود، (۱۳۹۸)، تحلیل جغرافیایی ژئواکونومی جمهوری اسلامی ایران در معادلات جدید جنوب غرب آسیا، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال ۱۲، شماره ۱.

- مختاری هشی، حسین، (۱۳۹۷)، تبیین مفهوم ژئواکونومی (اقتصاد ژئوپلیتیکی) و توصیه‌هایی برای ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۱۴، شماره ۲.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۲)، قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، قابل دسترسی از: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/99646>، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۹/۸/۱۴.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۳)، قانون موافقتنامه وقت تشکیل منطقه آزاد تجاری میان جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا و کشورهای عضو، قابل دسترسی از: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1184382>، تاریخ دسترسی: ۹۹/۹/۱۵.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قانون موافقتنامه تأسیس دالان حمل و نقل و گذر بین المللی بین دولت‌های جمهوری اسلامی ایران، سلطان نشین عمان، قطر، ترکمنستان و جمهوری ازبکستان (موافقتنامه عشق آباد)، قابل دسترسی از: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/811795>، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۹/۸/۱۳.
- یوسفی، همایون، (۱۳۸۳)، نقش مناطق آزاد در توسعه صنایع دریایی ایران، ارائه شده در ششمین همایش صنایع دریایی ایران، ایران: جزیره کیش.
 - Asia Regional Integration Centre, (2019), Eurasian Economic Union-Iran Free Trade Agreement, Available from: <https://aric.adb.org/fta/eurasian-economic-union-iran-free-trade-agreement>, Accessed on: 2020/11/1.
 - Dobbins, James, Zagorski, Andrei, (2018), Lessons Learned from Russia-West Interactions on European Security, In Samuel Charap, Alyssa Demus, Jeremy Shapiro, "Getting Out From "In-Between": Perspectives on the Regional Order in Post-Soviet Europe and Eurasia", Santa Monica: RAND.

- Eurasian Economic Commission, (2018), Interim Agreement signed between the EAEU and Iran enabling formation of free trade area, Available from: <http://www.eurasiancommission.org/en/nae/news/Pages/17-05-2018-1.aspx>, Accessed on: 2020/11/1.
- Green Belt and Road Initiative Centre, (2020), Brief: Investments in the Chinese Belt and Road Initiative (BRI) in 2020 during the Covid-19 pandemic, Available from: <https://green-bri.org/investment-report-belt-and-road-initiative-bri-2020-covid19>, Accessed on: 2020/11/2.
- Harper, Tom, (2019), China's Eurasia: the Belt and Road Initiative and the Creation of a New Eurasian Power, The Chinese Journal of Global Governance, Vol. 5, Issue. 2.
- Institute for Defense Studies and Analyses, No date, International North-South Corridor and other routes, Available from: <https://idsa.in/system/files/issuebrief/instc.msroy180815.jpg>, Accessed on: 2020/11/2.
- Lee, Lavina, Gill, Graeme, (2015), India, Central Asia and the Eurasian Union A New Ballgame?, India Quarterly, Vol. 7, Issue. 2.
- Moisio, Sami, (2019), Re-thinking geoeconomics: Towards a political geography of economic geographies, Geography Compass, Vol. 13, Issue. 10.
- Naydenov, Kliment, Ivanov, Metodi, (2018), The role of free economic zones for the development of the regional economy, 5th International Multidisciplinary Scientific Conference on Social Sciences & Art SGEM, Albena, Bulgaria.
- Okhrimenko, Alexandra, (2016), Eurasian Integration: Past, Present, and Future, International Relations and Diplomacy, Vol. 4, No. 7.

- Roberts, Sean, Moshes, Arkady, (2015), The Eurasian Economic Union: a case of reproductive integration?, Post-Soviet Affairs, Vol. 32, Issue 6.
- RZD, (2018), Iran offers Russia €3 billion of rail electrification projects, Available from: <https://eng.rzd.ru/en/9630/page/78314?id=186947>, Accessed on: 2020/11/2.
- Shahbazov, Fuad, (2017), Lapis Lazuli: A New Transit Corridor to Link Asia and Europe via the South Caucasus, Eurasia Daily Monitor, Volume 14, Issue: 155.
- Tangen, Einar, (2017), BRI and SCO: China's chance to fill regional vacuum, Available from: http://www.china.org.cn/opinion/2017-06/09/content_40997481.htm, Accessed on: 2020/11/2.
- Willerton, John, Cockerham, Geoffrey, (2018), Russia, the CIS and Eurasian interconnections, In James Sperling, Sean Kay and S. Victor Papacosma, "Limiting institutions? The challenge of Eurasian security governance", Manchester: Manchester University Press.

**Proceedings of the International Conference Eurasian
Economic Union and the Geopolitical Role Free zones
are applied in the development of regional relations**